

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

برگزیده مقالات کتاب های



شماره ۱-۷

جلد اول



مرکز رسیدگی به امور مساجد
دفتر مطالعات و پژوهش‌ها

عنوان کتاب: برگزیده مقالات کتاب‌های فروغ مسجد شماره ۱_۷، جلد اول

کتاب سال مرکز رسیدگی به امور مساجد

تهیه: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

طراح جلد: محمدجواد زهادت

صفحه آرای: سیدمهدی حسینی

نوبت چاپ: اول، مرداد ماه ۹۳

ناشر: دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد

نشانی: قم، ۴۵ متری آیت‌الله صدوقی رحمته، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

کد پستی: ۳۷۱۳۱۶۳۴۳۱

تلفن: ۳۶ - ۳۲۹۲۳۸۳۵ - ۰۲۵

دورنگار: ۳۲۹۲۳۸۳۷ - ۰۲۵

شمارگان: ۳۰۰۰ نسخه

چاپ: اسراء

نشانی اینترنتی: www.masjed.ir

مراکز پخش:

۱. قم، ۴۵ متری آیت‌الله صدوقی رحمته، ۲۰ متری حضرت ابوالفضل علیه السلام، پلاک ۱۰۳

۲. تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان سعدی شمالی، کوچه صفامنش

مجتمع محراب، مرکز رسیدگی به امور مساجد/ تلفن: ۴-۶۶۳۴۶۹۴۱-۰۲۱

فهرست

۹..... □ مقدمه

مقاله برتر- شماره ۱

□ مسجد طراز نظام اسلامی

۱۳..... حمیدرضا مهدوی ارفع

مسجد، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی - شماره ۲

□ مسجد، نماد تمدن اسلامی

۴۸..... محمود حسین زاده خراسانی

□ مهندسی تمدن اسلامی و مسجد محوری

۶۷..... مصطفی جمالی

□ مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی

۸۰..... مرتضی رستگار

- نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی
جعفر ساسان ۹۳
- مهندسی فرهنگی مسجد در جامعه جهانی
محسن غرویان ۱۰۹
- مسجد، کانون حماسه‌های اسلامی (از آغاز تا کنون)
غلامرضا گلی زواره ۱۲۸
- نقش مساجد در اتحاد میان ملل مسلمان
پژمان ظفری ۱۵۱
- نقش سیاسی مساجد در عصر پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و در عصر حاضر
حسنعلی محمودی ۱۶۸
- نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی
سید مصطفی ابطحی ۲۱۱
- کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم
عبدالوهاب عطایی ۲۴۲
- مساجد، مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی
عسکری اسلام پورکریمی ۲۸۴
- مساجد مجازی، پلی برای صدور انقلاب
یحیی جهانگیری سهروردی ۳۰۱

کارکردهای اقتصادی مسجد - شماره ۳

- نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقق حماسه اقتصادی
حسین اسلام پور ۳۱۹
- بررسی نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی
حسین اسلام پور و بتول احمدنژاد ۳۶۷

کارکردهای فرهنگی و تربیتی مسجد - شماره ۴

- نقش مساجد در توسعه و بسترسازی فرهنگی جامعه
 ۴۱۴ محمّد جانی پور و رضا شکرانی
- بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام
 ۴۴۹ عارفه مجیری و فاطمه لمسه چی
- کارکرد رسانه‌ای مساجد
 ۴۸۵ یحیی جهانگیری سهروردی
- مسجد، رسانه بدون مرز
 ۵۳۰ موسی کاظم زاده، رقیه کاظم زاده و اکبر کاظم زاده
- مسجد و ضرورت نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت
 ۵۷۰ حسنعلی محمودی
- نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای
 ۵۹۴ محمّد عارفی
- نقش مسجد در توسعه محله‌ای
 ۶۰۸ بابک نگهداری
- نقش حیاتی و حمایتی مسجد در مسئله قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه
 ۶۲۶ حسین اسلام‌پور
- مسجد و بهداشت روان
 ۶۵۲ جعفر حیدری
- نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان
 ۶۷۴ حسین علوی مهر
- بررسی فقهی و تاریخی قضاوت در مسجد
 ۷۰۴ مرتضی رستگار

■ نقش مساجد و ائمه جماعت در دفاع مقدّس

مهدی مؤیدی ۷۱۹

■ نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای

ابراهیم عبّاسی ۷۴۶

■ کارکردهای مسجد در کاهش آسیب‌های فرهنگی مهاجرت

محمود قرائتی ۷۵۹

■ طّراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

حسن عابدی جعفری و همکاران ۷۷۲

مقدمه

هو العلیم

نگاه تمدنی مقام معظم رهبری در طول دو دهه گذشته نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد. چنانچه معظم له در نظر و عمل تأکید فراوانی بر جهت‌گیری تمام فعالیت‌های دولت و ملت، به سمت دستیابی به تمدن نوین اسلامی داشته و دارند. چنانچه می‌فرمایند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.» (۹۲/۶/۱۴)

پیشرفت‌های علمی که در طول چند دهه اخیر در فضای علمی و صنعتی کشور به دست آمده و تبدیل شدن ایران به قطب اول اقتصادی منطقه خاورمیانه به طور واضح گویای این مطلب است که به فرموده معظم له بعد سخت‌افزاری تمدن حاصل شده است. (۹۱/۷/۲۳) و نشان دهنده جهت‌گیری دقیق و درست مسئولان کشور به سمت این بعد از تمدن می‌باشد. چنانچه با مشاهده تاریخ نیز می‌بینیم که بعد سخت‌افزاری یعنی پیشرفت‌های علمی در تمدن اسلامی و کل جهان بسیار چشم‌گیر بوده و یکی از پایه‌های اساسی آن تمدن درخشان در فرهنگ اسلامی بوده است.

لیکن این همه، آن آرمان بلند نیست، چنانچه رهبری عظیم الشان می‌فرمایند: «اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است...» (۹۱/۷/۲۳)

توجه به بعد فرهنگی تمدن یا بعد نرم‌افزاری آن طبق فرموده ایشان مهم‌تر از بخش سخت‌افزار است و در صورت دستیابی به آن، تمدن حقیقی تشکیل می‌شود. اما مع الأسف این مهم هنوز محقق نشده است. به طور واضح‌تر پیشرفت‌های علمی اصلاً قابل‌قیاس با پیشرفت‌های فرهنگی نیست که نشان از ضعف و عدم توجه مسئولان و نهادهای متولی به مقوله فرهنگ و سبک زندگی است.

در سبک زندگی اسلامی (به عنوان پایه و اساس و نرم‌افزار تمدن اسلامی) مسجد، محور و هسته فعالیت‌های فردی و اجتماعی است و به شهادت تاریخ، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام تمام شووون مدیریت جامعه از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و ... را در مسجد سامان می‌دادند. امروز نیز در مسیر نیل به قله رفیع تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین تکیه گاه و نقطه عزیمت، مسجد است

و آن هم نه هر مسجدی. بلکه این مسجد طراز اسلامی است که می‌تواند از عهده این رسالت خطیر برآید و پرچمدار ترویج و تبیین سبک زندگی اسلامی و چراغ راه حرکت به سمت تمدن والا و بی‌بدیل مورد نظر رهبری عظیم الشان باشد.

«خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد.

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند، مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.» (پیام مقام معظم رهبری «عَلَيْهِ السَّلَامُ» به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹).

مرکز رسیدگی به امور مساجد، تبیین ملاک‌ها و شاخصه‌ها و همچنین تحقق مساجد طراز اسلامی را به عنوان یکی از راهبردهای ویژه خود در دستور کار قرار داده و بر آن است تا بسترها و زمینه‌های مناسب برای رقم خوردن این اتفاق مبارک را فراهم نماید.

مجموعه مقالات حاضر که در قالب کتاب سال مرکز و با عنوان فروغ مسجد تدوین گردیده‌اند، گزیده‌ای است از بهترین مقالات گردآوری شده در کتاب‌های فروغ مسجد (از شماره ۱ تا ۷) و تلاشی است در جهت تبیین نقش و جایگاه مسجد در بعد نرم افزاری تمدن نوین اسلامی. امید است در نظر فرهیختگان ارجمند به ویژه ائمه محترم جمعه و جماعات مقبول افتد.

لازم است از زحمات خالصانه نویسندگان گرانقدر و همکاران عزیز در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشیم.

مشتاقانه در انتظار راهنمایی‌ها و پیشنهادات سازنده شما سروران گرامی هستیم.

جعلنا الله من عامری مساجد الله

مرکز رسیدگی به امور مساجد

معاونت فرهنگی - اجتماعی



مقاله برتر

شماره ۱

مسجد طراز نظام اسلامی

حمیدرضا مهدوی ارفع

چکیده

مسجد، اولین و فراگیرترین پایگاه تجلی باورها، ارزش‌ها، اصول و احکام نورانی اسلام است که با ارائه خدمات متنوع، در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی به عموم مردم، به نوعی نمایندگی تمام و کمال شئون گسترده نظام و مکتب اسلام را در سطح محیط پیرامون خود بر عهده دارد. انقلاب اسلامی - که تحولی بنیادین را در ارزش‌ها، ساختارها و رفتارها در راستای احیای اسلام ناب محمدی ﷺ ایجاد و ایجاب نموده است - ضمن بازگشت دادن ارکان و اجزاء جامعه به الگوی جامعه مدینه النبی، با لحاظ مقتضیات زمان، عناصر و کارکردهای جدیدی را برای همه یا اکثر ساختارها و از جمله برای مسجد تعریف نموده است. شناخت و پیاده‌سازی عملی این کارکردها و عناصر و توزیع منطقی این نقش‌ها در میان ارکان و اجزاء مسجد، اعم از اجزای داخلی و بیرونی، مهم‌ترین گام راهبردی برای رسیدن به مسجد طراز نظام مقدس جمهوری اسلامی است. این مقاله با بررسی جایگاه مسجد در طرح کلی اسلام، به تبیین اجمالی شاخص‌های مسجد طراز و شایسته نظام اسلامی می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

مسجد، نظام اسلامی، طراز، ولایت فقیه، کارکرد، اسلام.

«مسجد طراز نظام اسلامی»، ترکیبی حکیمانه و دقیق است که نخستین بار توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی «مَظَلَّة» در پیام آرسانی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز مطرح گردید.^۱ برای درک درستِ مختصات این عنوان با مسمی، ابتدا باید تعریفی مبتنی بر منابع علمی از واژگان این ترکیب ارائه نمود.

۱. مسجد: مسجد، در اصل اسم مکان از فعل «سَجَدَ، یَسْجُدُ» و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «المَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اِعْتِبَارًا بِالسُّجُودِ؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد».^۲ سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کُرُنش عبد، در برابر پروردگار متعال است. از این رو، اسم آن را مسجد گذاشته‌اند.^۳

در اصطلاح شرعی «مسجد، مکانی است که برای برپایی نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد». مرحوم شیخ محمدحسن نجفی، در «جواهرالکلام» می‌نویسد: «والمُرَادُ بِالمَسْجِدِ شَرعاً المَکَانُ المَوقُوفُ عَلی کَافَةِ المَؤْمِنِینَ لِلصَّلَاةِ».^۴

۲. طراز: در اصل کلمه‌ای پارسی (تراز) بوده و سپس معرّب شده است. به لباس و ویژه‌ای که برای سلطان بافته می‌شود، طراز گفته می‌شده است و از همانجا بر هر چیزی که خوب و عالی بوده است، این واژه اطلاق گردیده است و در نهایت، به تقدیر مستوی؛ یعنی چیزی که در اندازه و قواره مورد پسند باشد، طراز می‌گویند. ابن منظور در «لسان العرب» می‌نویسد: «وَالطَّرِزُ: مَا یُنْسَجُ مِنَ الثِّیَابِ لِلسُّلْطَانِ، فَارسیً اَیضاً وَ الطَّرِزُ وَ الطَّرَازُ: جَیْدٌ کُلِّ شَیْءٍ وَ قَبیل: هُوَ مُعَرَّبٌ وَ اصلُه التَّقْدِیرُ المِستَوی بِالفارسیة».^۵

از کتب لغت فارسی این گونه استفاده می‌شود که واژه «طراز» یا «تراز» به معنای قاعده، قانون، روش، رتبه، قسم، نوع، هم‌شأن، هم‌پایه و هم‌سطح است.^۶

۳. نظام اسلامی: مقصود از نظام اسلامی، نظامی است که اجرای شریعت اسلامی در همه عرصه‌ها را

۱. خانه خدا و خانه مردم، خلوت‌انسان با خدا و جلوه حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند.... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد طراز اسلامی به کشور و نظام مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم؛ پیام مقام معظم رهبری «مَظَلَّة» به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹.

۲. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

۳. رک: فرهنگ مسجد.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

۵. لسان العرب، ج ۸، ص ۱۴۳.

۶. عباسی، رسول، مسجد طراز اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت عالی بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، تهران، ۱۳۹۰.

و وجه همت خویش قرار داده باشد. رهبری، در این نظام بر عهده مجتهد جامع الشرایطی است که افزون بر بر خور داری از شرایط افتاء، دارای قدرت رهبری و اداره جامعه اسلامی نیز باشد. رهبری در این نظام با تکیه بر بر خور داری از دو اصل «مشروعیت الهی» و «مقبولیت مردمی» دارای اختیاراتی است که می تواند به طور مستقیم یا از طریق نصب افراد شایسته در شئون جامعه دخالت کند.

۴. کار کرد: به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می گذارد.

پارادایم‌های «مسجد طراز نظام اسلامی»

اگرچه در خصوص تعریف و مختصات «مسجد طراز نظام اسلامی» غیر از چند پژوهش موردی محدود و یک کتاب کوچک مستقل - که آن هم عصاره یک رساله دکترای بوده است -^۱ تحقیقات شایسته و بایسته‌ای صورت نگرفته است؛ اما از بررسی مجموع دیدگاه‌های منتشره در خصوص مسجد و انتظارات کار کردی آن می توان سه تلقی از مفهوم «مسجد طراز اسلامی» احصاء نمود:

۱. دیدگاه تاریخی، سنتی

عده‌ای مقصودشان از «مسجد طراز اسلامی» یا «مسجد طراز نظام اسلامی» همانا مسجدی است که به طور کامل منطبق بر ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام و به خصوص در زمان حکومت نبوی در مدینه الرسول ﷺ باشد.^۲

این تلقی اگرچه از لحاظ ابتناء بر روش و سیره پیامبر اعظم ﷺ بسیار صواب و قابل تقدیر است و حتی گاهی در ظاهر منطبق با فرمایشی از امام راحل ره است که فرمودند: «امیدوارم موفق به این امر بشوید و مساجدمان برگردد به حال مساجد صدر اول»،^۳ اما نگرشی جامع و پویا نیست.

به عبارت دیگر، احیای تمام کارکردها و نقش‌های مسجد در عصر نبوی ﷺ، امری بسیار ضروری و متین است؛ اما چنانچه از فرمایش حضرت امام راحل ره و نظایر آن چنین برداشت شود که سقف و نهایت نقش آفرینی و کارکرد مسجد همان است که در صدر اسلام ظهور و بروز پیدا کرد و کسی حق ندارد کار کردی فراتر از آن را برای مساجد تعریف نماید، چنین برداشتی به طور قطعی ناصواب و عامل رکود و ایستایی خواهد بود.

۱. همان.

۲. ماهنامه مسجد، ۱۳۹۱، شماره ۱۶۲، ص ۱۳.

۳. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۱.

به نظر نگارنده، سخن حکیمانۀ امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که به طور قطعی نمی تواند به تنهایی و بدون توجّه به سایر مبانی و دیدگاه های دیگر ایشان مورد استناد قطعی قرار گیرد، ناظر بر مقایسه دوران پیش و اوایل دوران پس از انقلاب با دوران صدر اسلام است. در واقع، امام در مقام اعلام عدم رضایت از وضع موجود مساجد در ابتدای انقلاب و فاصله بسیار زیاد آن از جایگاه و کارکردها شایسته آن است و با رجاع اذهان به اوضاع مساجد در صدر اسلام و عصر حکومت اسلامی نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قصد داشته اند این حقیقت را یادآوری و القاء کنند که باید کارگزاران نظام اسلامی تلاش کنند تا مساجد به عنوان کانون های اصلی شکل گیری انقلاب به تراز لایق خود برگردند.

از طرف دیگر، در زمان شخص امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ هم مساجد به پایگاه خدماتی تبدیل شده بودند که شاید هرگز در طول تاریخ سابقه نداشته است؛ نظیر تمرکز بسیج اقتصادی در مساجد، مراکز برگزاری انتخابات، محلّ اسکان مسافران نوروزی و ...

۲. دیدگاه حدّ اقلی

گروهی از صاحب نظران و محققان بر این باورند که کارکردها و نقش های مسجد در عهد نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، بر دو گونه بوده است:

الف) کارکردهایی که مربوط به مسجد، بما هو مسجد می شود، فارغ از اینکه حکومت و حاکمیت اسلامی باشد یا نه و صرف نظر از اینکه در حکومت اسلامی، حاکم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یا امام معصوم عَلَيْهِ السَّلَام یا ولی فقیه غیر معصوم باشد.

ب) کارکردهایی که ناشی از اختیارات انحصاری حاکم معصوم - اعمّ از پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و ائمه عَلَيْهِمُ السَّلَام - است و به طور مستقیم به شئون و اختیارات ایشان باز می گردد.

این گروه - که اغلب دارای مبانی اسلام شناسختی غیر پویا و کم بهره از تأثیرات زمان و مکان هستند - در سایه دسته بندی مذکور، چنین نتیجه می گیرند که مهم ترین وظیفه مساجد، برپایی نماز جماعت، مجالس ذکر و دعا و موعظه و حداکثر در بُعد اجتماعی - همکاری مؤمنان برای رفع نیازهای مادی و مالی نیازمندان محلّ و تسکین آلام آنهاست.

متأسفانه باید گفت این دیدگاه - دانسته و ندانسته - حاشیه ای از تئوری دشمن ساخته «سکولاریسم» و جدایی دین از دنیا و سیاست است که گاه آگاهانه از تربیون های روشنفکران دینی مطرح می شود و گاه ناآگاهانه بر زبان و قلم متدینین سنتی جاری می گردد.

۳. دیدگاه فقه پویا (حداکثری)

ما با تکیه بر دو مبنای اصولی و عمده در فقه شیعه، معتقدیم که کارکردهای مسجد در دوران نظام اسلامی، علاوه بر شمول کلیه کارکردهای مسجد در نظام اسلامی نبوی، می‌تواند و باید بتواند - ضمن رعایت اصول و ارزش‌های بنیادین تفکر اسلامی - شامل کارکردها و نقش‌های نوینی متناسب با نیازها و مقتضیات جدید باشد. دو مبنای اصولی یاد شده عبارت‌اند از:

الف) اطلاق و عمومیت شئون و اختیارات ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی

شکی نیست که پیامبر مکرّم اسلام ﷺ در دوران خود از اختیارات تامّ، مطلق و عامّی در حوزه تدبیر و مدیریت امور امت اسلامی برخوردار بوده‌اند. از طرفی، هر تجویز اختیاری از سوی خداوند متعال، مبتنی بر حکمت و مصلحتی واقعی است. حکمت و مصلحت مطلقه بودن ولایت رسول الله ﷺ، همانا برداشتن تمام موانع از سر راه پیشرفت و تعالی امت اسلام و فراگیر شدن ارزش‌های اسلام ناب محمدی ﷺ بوده است. اکنون در دوران غیبت و در عصر تشکیل تنها حکومت اسلامی با رهبری فقیه عادل و جامع الشرایط، این سؤال پیش می‌آید که فارغ از ولایت تکوینی - که فقط در اختیار معصومان علیهم‌السلام است - در حوزه ولایت شرعی و تشریحی، ولی فقیه چه میزان از اختیارات و شئون پیامبر را در عرصه اداره امور امت واجد است؟ اگر بگوییم تنها بخشی از آنها را که مصداق یا مصادیقی از آن در عصر حیات پیامبر، موضوعیت یافته و حضرت نسبت به آن اعمال نظر و اقدام فرموده‌اند و موضوعات و احکام جدید و مقتضیات نوین، از حوزه اختیار حاکم اسلامی خارج و ممنوع است، در این صورت اصل حکمت و مصلحت تفویض و تجویز اختیار به اولیاء زیر سؤال می‌رود؛ زیرا همان وظیفه‌ای که از پیامبر در زمان خودش انتظار می‌رود - یعنی اداره تمام امور امت اسلام و توسعه آرمان‌های اسلام - از ولی فقیه هم انتظار می‌رود؛ در حالی که لوازم آن در اختیار وی قرار داده نمی‌شود و این علاوه بر اینکه تکلیف بمالایطاق است و از نظر عقلی قبیح و محال است، نقض غرض نیز محسوب می‌شود.

بنابراین، چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم ولی فقیه در عرصه اداره امور امت اسلام، از تمام اختیارات و شئون پیامبر ﷺ و امام معصوم علیهم‌السلام برخوردار است، طابَقِ النُّعْلِ بِالنُّعْلِ!

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ؛ احیاگر ولایت مطلقه فقیه

حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ احیاگر تئوری مترقی ولایت مطلقه فقیه در عصر جدید در این باره می‌فرمایند: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله ﷺ است، یکی از احکام اولیّه اسلام است و مقدّم بر تمام

احکام فرعی، حتی نماز و روزه و حجّ است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش ردّ کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرر باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادی شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیر عبادی است - که جریان آن مخالف مصالح اسلام است - از آن، تا زمانی که که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حجّ، که از فرایض مهمّ الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، به طور موقت جلوگیری کند.^۱

ب) تأثیر مقتضیات زمان در توسعه و ضیق موضوعات احکام فقهی

بحث از چگونگی انطباق دین با نیازهای زمان، دامنه‌ای به درازای عمر ادیان دارد. مهم‌ترین چالش‌های هر عصر و نسلی در طول تاریخ، همین مسئله است که آیا امکان انطباق یک دین بر نیازها و مقتضیات همه زمان‌ها و همه مکان‌ها وجود دارد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟

در پاسخ به این پرسش بنیادین سه دیدگاه متفاوت در میان روشنفکران و صاحب‌نظران پدید آمده است: ۱. دیدگاه افراطی: که به طور اساسی مقتضیات زمان و مکان را نادیده گرفته و موضوعات احکام را همانند احکام اولیّه و ثابت دین، غیر قابل تغییر و تحوّل می‌داند. شاید تعبیر انسدادی یا متحجرانه بر این دیدگاه، تعبیر ناروایی نباشد.

۲. دیدگاه تفریطی: که در مقابل دیدگاه افراطی، تغییرات و مقتضیات زمان را اصل گرفته و دین و احکام آن را فرع و تابع محض مقتضیات زمان می‌داند. صاحبان این اندیشه - که اغلب روشنفکران غرب‌زده هستند - در عمل، دین را از عرصه‌های اساسی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی حذف نموده و آن را در چارچوب فردی و عبادی محصور نموده‌اند.

۳. دیدگاه فقه جواهری: عقل و منطق حکم می‌کند که اجتهاد دینی با مقتضیات زمان و مکان هم‌خوانی داشته باشد؛ به گونه‌ای که نه ارزش‌ها و آموزه‌های دینی نفی گردد و نه عنصر زمان و مکان و شرایطی که دین باید در آن متجلی گردد، نادیده گرفته شود. بنابراین، فقه اسلام در عین سنتی بودن و اجتهاد آن در عین جواهری بودن، منطبق با شرایط زمان و مکان نیز خواهد بود و پویایی آن نیز حفظ خواهد شد. بیشتر فقهای مادارای این دیدگاه بوده و بر لزوم انطباق فقه با مقتضیات زمان و مکان تأکید دارند. نمونه‌های

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۱-۴۵۲.

۲. درباره بحث از «تأثیر مقتضیات زمان و مکان در موضوع احکام فقهی»، تحقیقات و تألیفات بسیاری توسط محققین و دانشمندان اسلامی،

اعم از شیعه و سنی و در برخی موارد از مستشرقین صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره و اندک توضیحی در خصوص برخی از آنها ارائه می‌شود (اقتباس از: نوری، محمد، گزیده مآخذ شناسی نقش زمان و مکان در فقه، آیین پژوهش، ۱۳۷۴، شماره ۳۶):

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد: «در میان افراد بشر، فقیهان از همه کس از امور سیاست دورترند»؛ مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۱۱۴۶-۱۱۴۸) دوری فقیهان از مقتضیات زمان و مکان توجه ابن خلدون را جلب کرده و طی یک فصل، به بررسی آن پرداخته است. چکیده این کاوش از این قرار است: غور در مسائل نظری و قیاس‌ها و استدلال‌های فقهی و دوری از جزئیات و امور خارجی، موجب گسستگی از واقعیات اجتماعی شده و اگر به سیاست که یک فن واقع‌گراست، وارد شوند دچار اشتباه خواهند شد.

۲. البوطی، محمد سعید رمضان: «مجممل الشبهات التي تثار حول تطبيق الشريعة الاسلامية في العصر الحديث» (عربی)، العوده الى الاسلام، دمشق، الرسالة، ۱۴۱۳ ق. ص ۸۹-۹۳۸.

۳. تفاحه، احمد زکی: «صلاحية التشريع، الاسلامی لتطبيق لكل زمان و مکان» (عربی)، الاسلام والحکم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا، ص ۲۲۷-۲۹۷؛ احکام اسلام نه به طور مطلق متغیر و نه به طور مطلق ثابتند، بلکه برخی از آنها ثابت و برخی دیگر تغییرپذیرند. تغییر و تطوّر احکام، به دلیل تطوّر زمان و پیش آمدن حوادث مختلف است.

۴. جمال، احمد محمد: «حول تغير الاحكام بتغيير الزمان»، البعث الاسلامی، جلد نوزدهم، ش ۵، ص ۶۱-۶۴.

۵. جناتی، محمد ابراهیم: «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۷۲، ص ۴۳۵-۴۷۹.

موارد و نمونه‌های تأثیر زمان و مکان در اجتهاد مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده قائل به تأثیری و واسطه زمان و مکان در ناحیه ملاک‌ها و موضوعات احکام فقهی و نه در ناحیه خود احکام یا در منابع و ادله است. از این رو، زمان و مکان را فقط در «اجتهاد تفریعی و تطبیقی» مؤثر می‌داند. تغییر موضوعات یا تغییر ویژگی‌ها و شرایط آنها، احکام جدیدی می‌طلبد که مجتهد با تکیه بر مصادر فقهی ارائه می‌نماید.

۶. حیب، ا.ا.ر: «مبادئ الروح العصرية، الديانة المتجدد، القانون و المجتمع» (عربی)، الاتجاهات الحديثة في الاسلام، ترجمة هاشم الحسينی، بیروت، دارالمکتبة الحیة، ۱۹۶۶ م، ص ۶۷-۱۴۳.

۷. حسن، حسن عباس: «التطور و التحول» (عربی)، الصياغة المنطقية للفكر السياسي الاسلامی، بیروت، الدار العالمیة، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۹-۸۰.

۸. حسین، محمد الخضر: الشريعة الاسلامیه صالحه لكل زمان و مکان (عربی)، قاهره، ۱۳۹۱ ق، چکیده این کتاب تحت عنوان مزبور به صورت مقاله در مجله نور الاسلام (قهره)، مجلد اول، ش ۳ (ربیع الاول ۱۳۴۹) منتشر شده است.

۹. حنفی، حسن: التراث و التجديد (عربی)، چاپ اول، قاهره، المرکز العربی للبحث و النشر، ۱۹۸۰ م، خان، وحید الدین. الاسلام و العصر الحديث (عربی)، ترجمه قطرا الاسلام خان، بیروت، دارالفنایس، ۱۹۸۶ م، ص ۱۵۷.

۱۰. داوید، رنه: «انطباق حقوق اسلامی باندنای جدید»، در مجموعه نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسین صفایی و دیگران، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۶۴، ص ۴۵۵-۴۶۲؛ نویسنده که از حقوقدانان فرانسوی است. فصل اول از بخش چهارم این کتاب رابه حقوق اسلامی اختصاص داده و ذیل سه عنوان «اساس تغییر ناپذیر حقوق اسلامی»، «انطباق حقوق اسلامی باندنای جدید»، و «حقوق کشورهای اسلامی»، به بررسی موضوع پرداخته است. در عنوان دوم به مکانیسم انطباق فقه اسلام باندنای جدید می‌پردازد. وی تأکید دارد که فقه اسلامی به گذشته تعلق ندارد و در عصر حاضر کشورهای اسلامی مورد قبول است. آنگاه شیوه‌ها و ابزارهایی که فقه را در عصرهای مختلف فعال می‌سازد، مورد بررسی قرار داده و چهار شیوه و ابزار را بدین شرح بر شمرده است: استمداد از عرف و عادت، استفاده از قرارداد، حیل‌های حقوقی و مداخله حاکم.

شارع، امضاءکننده بسیاری از رویه‌های عرف بوده است. عرف متحول در چهار چوب ضوابط اسلامی، مورد قبول است. دو مین شیوه بیانگر ضیق دامنه احکام ضروری است که بدین وسیله با خلوقوانین، انسان‌ها می‌توانند به وضع قوانین و ایجاد قرارداد بپردازند. حیل‌های حقوقی (تغییر عنوان) و بالاخره حاکم با اختیارات خود، ابزارهای خوبی برای فعال سازی فقه در عرصه‌های اجتماعی در اختیار دارد.

۱۱. الدربنی، محمد فتاحی: «الجمود الفقهی و التعصب المذهبی» (عربی)، بحوث مقارنة فی الفقه الاسلامی و اصوله، جلد اول، بیروت، الرسالة، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۱-۱۰۸.

از آنجا که روح دین اسلام با جمود و تعصب ناسازگار است، قادر به گره‌گشایی از مشکلات عصرهای مختلف و پاسخ‌گویی به نیازهای دوره‌های گوناگون است. نویسنده تأکید دارد که اجتهاد، قرآن و تسامح، از عناصری است که فقه را با زمان‌ها انطباق می‌بخشد.

۱۲. «سراستمراری صلاحیه الاسلام دینا و تشریحاً لکل زمان و مکان» (عربی)، دراسات و بحوث فی الفکر الاسلامی المعاصر، جلد دوم، دمشق، دار قتیبه، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۶۵-۴۶۸.

۱۳. الدسوقی، محمّد و الجابر، امینه: «عوامل النهضة الفقهية الحديثة»، مقدمة فی دراسة الفقه الاسلامی، الدوحة (قطر)، دار الثقافة، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۸۳-۳۰۲.

بررسی جامعه‌شناسانه فرآیند فقه اسلامی تحت عناوین زیر بررسی شده است. گذشته فقه اسلامی و جامعه‌های اسلامی، وضعیّت بحران کنونی فقه، عوامل و موجبات پیدایش نهضت فقهی جدید، نمودهای این نهضت، ابداع شیوه‌های جدید برای اصلاح فقه و آینده فقه.

۱۴. الرفاعی، مصطفی: «الاسلام ومشكلات العصر» (عربی)، بیروت، الشركة العلمية للكتاب، ۱۹۸۷ م، ص ۳۰۹. اینکه اسلام تا چه اندازه در برطرف کردن مشکلات عصر توفیق عملی و نظری داشته، مورد بررسی قرار گرفته و در ضمن نقش فقه نیز مورد پژوهش واقع شده است.

۱۵. الزحیلی، وهبه: «تغییر الاحکام بتغییر الزمان او تغیر الفتوی بتغییر الزمان» (عربی)، اصول الفقه اسلامی، جلد دوم، دمشق، دار الفکر، ۱۴۰۶ ق، ۱۱۱۶-۱۱۱۸.

احکام به سبب تغییر عرف، مصالح اجتماعی و مردم یا به سبب پیدایش ضرورت‌ها و یا ظهور سازمان‌های جدید، تغییری می‌یابند؛ اما این مربوط به احکام اجتهادی و معاملات است و احکام عبادی تغییرناپذیر است.

۱۶. الزین، سمیح عاطف: «الاسلام ثابت لا یتغیر ولا یتطور بتغییر الزمان و المكان» (عربی)، الاسلام و ثقافة الانسان، بیروت، دارالكتاب اللبنانی، ۱۳۹۳ ق، ص ۳۱۶-۳۱۹. بر عدم تغییر و ثبات شریعت و احکام فقهی تأکید دارد.

۱۷. سروش محلاتی، محمّد: «امام و نقش زمان و مکان در اجتهاد»، آفتاب تابان (ویژه سومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی تذّو، روزنامه جمهوری اسلامی)، خرداد ۱۳۷۱، ص ۴۳-۵۱. این نوشته، شامل بررسی دیدگاه‌های امام تذّو در مبحث تأثیر زمان و مکان است.

۱۸. سلام، رفعت: «بحث عن التراث العربی، نظرة نقدية منهجية» (عربی)، قاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۰ م، ص ۳۴۳. سه بخش این کتاب با عناوین: «الثابت والتحوّل»، «التراث والتجديد» و «جدل التراث والواقع»، درباره مناسبات تحولات زمان و تغییر مقتضیات عصرها با اصول ثابت دین و فقه است.

۱۹. شبلی، احمد: «موسوعة النظم والحضارة الاسلامية (۶) المجتمع الاسلامی» (عربی)، چاپ ششم، قاهرة، مكتبة النهضة المصرية، ۱۹۸۶ م، ص ۳۵۳. اسلام دین همه زمان‌ها و مکان‌ها و پاسخ‌گو به نیازهای مردم است.

۲۰. شبلی، محمّد مصطفی: «الفقه الاسلامی بین المثالیة والواقعية» (عربی)، بیروت، الدار الجامعية، ۱۹۸۲ م، ص ۲۵۲. تعبیر دیگر برای مبحث فقه و زمان، مثالیه و واقعیه است که توسط متفکران عرب مورد استفاده قرار گرفته است. مثالیه، یعنی خیال‌پردازی و ایده‌آلیستی فکر کردن، در مقابل واقع‌گرایی و توجّه به واقعیّات و حقایق اجتماعی و انسانی. نویسنده با این گرایش که فقه اسلامی انعطاف‌پذیر و واقع‌گرا است به تحلیل عناصر و اهرم‌هایی که فقه را سیال و متغیّر ساخته، می‌پردازد. البته در خلال این تحلیل‌ها، به مثال‌ها و مصداق‌های عینی هم عنایت شده است. کتاب حاضر، ابتدا به تعریف واقع‌گرایی فقه پرداخته و شبهات عدم انعطاف فقه را پاسخ گفته است. پس از آن، سه بخش کتاب آمده است: بخش اول عهده‌دار تبیین سه نکته است: تعامل ارزش‌های اخلاقی متحوّل با احکام فقهی، تأثیر عرف در تغییر احکام، تأثیر عقل در تغییر احکام فقهی. بخش دوم تحلیلی از مصادر و منابع فقه است با توجّه به اینکه آن منابع چه نقشی در انعطاف‌پذیری فقه ایفا می‌نمایند. بخش سوم به کارآمدی و توفیق نظری و عملی فقه در زمان حاضر در عرصه‌های مختلف حیات انسان، مانند معاملات ربوی، حدود و تعزیرات پرداخته است.

۲۱. صادقی، محمّد: «فقه گویا یا فقه سنتی، فقه پویا یا...؟»، قم، انتشارات جامعه علوم القرآن، بی‌تا، ص ۱۰۰.

نویسنده معتقد است که توانمندی و کارآمدی فقه در پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، نه با فقه سنتی و نه با فقه پویا امکان‌پذیر است. از این رو، وی با نقادی فقه سنتی و فقه پویا، به دلیل عدم اتکالی آنها به قرآن به عنوان مصدر اول و عنایت به منابع دیگر، درصدد ارائه جریان سومی در فقه شیعه به نام فقه گویاست و معتقد است با فقه گویا مشکلات برطرف می‌شود.

۲۲. صافی، لطف الله: «الاحکام الشرعية ثابتة لا تتغير» (عربی)، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ق، ص ۴۰. مؤلف از موضع مخالفت با تغییر شریعت و احکام دین به تبیین ثبوت و جاودانگی شریعت می پردازد. البته خلاصه این جزوه در شماره نخست مجله رساله الثقلین آمده است.
۲۳. صعب، حسن: «الاسلام تجاه التحديات العصرية» (عربی)، چاپ اول، بیروت، ۱۹۸۵م.
۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین: «اسلام و نیازمندی های انسان معاصر»، مجموعه مقالات و پرسش ها و پاسخ ها، به کوشش هادی خسروشاهی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۷-۸۶.
۲۵. العبادی، عبدالله: تقدیم طاعة على اخرى او تركها نظراً للزمان والمكان والاحوال (عربی)، الدوحة، دارالثقافة، ۱۹۹۲م، ص ۲۵۰.
۲۶. عبدالحمید، محسن: «منهج التغيير الاجتماعي في الاسلام» (عربی)، بغداد، مكتبة القدس، ۱۴۰۲ق، ص ۵۷. فراهم آمده از شش فصل است؛ شامل: جامعه شناسی و تحولات اجتماعی، اسلام و تغییر جامعه، طرح و زمینه تغییر اجتماعی اسلام، اهداف تغییر جامعه در اسلام، موجبات عدم تحوّل اجتماعی در جهان اسلام، شیوه تحوّل اجتماعی در اسلام.
۲۷. عبدالقادر، محمداحمد: «بين الاصلية والمعاصرة» (عربی)، اسکندریه، دارالمعرفة الجامعية، ۱۹۹۴م، ص ۴۸۰.
۲۸. العشادی، محمدسعید: اصول الشريعة (عربی)، بیروت قاهره، المكتبة الثقافية - سینا للنشر، ۱۴۱۲ق. برای انطباق و تطبیق شریعت، با مباحث و مسائل جدی بین المللی، جنایی، اقتصادی و... به تبیین اصول پرداخته تا با تمسک به آنها این انطباق، به سهولت انجام پذیرد.
۲۹. العمری، نادیه شریف: «تغیر الفتوی بتغیر الأزمنة والامکنه» (عربی)، الاجتهاد فی الاسلام، بیروت، الرسالة، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۶-۲۵۴.
- شریعت اسلامی صلاحیت انعطاف با همه زمان ها و مکان ها را دارد؛ چون موضوعات رابه عرف حاله می دهد و پس از اخذ رأی عرفی، به استنباط فتوای می پردازد. از این رو، جایز نیست که مفتی فتوای گذشته را در زمان حال تکرار کند.
۳۰. فضل الرحمن: «الاسلام و ضرورة التحديث» (عربی)، بیروت، دارالساقی، ۱۹۹۳م، ص ۲۴۳. ضرورت توجه به مسائل مستحدث، به خصوص در دوره جدید توسط دین داران و فقیهان.
۳۱. فؤاد، نعمت: «الاسلام و انسان العصر» (عربی)، قاهره، مكتبة غریب، ۱۹۹۰م، ص ۱۳۵.
۳۲. القضاوی، یوسف: «الاجتهاد فی الشريعة الاسلامیه (مع نظرات تحليلیه فی الاجتهاد المعاصر)» (عربی)، الطبعة الثانية، کویت، دارالقلم للنشر و التوزيع، ۱۹۸۹/۱۴۱۰، ص ۲۱۳.
۳۳. قطب، محمد: «اسلام و تحولات زندگی»، ترجمه محمدعلی عابدی، چاپ اول، تهران، مؤلف، ۱۳۵۱، ص ۶۱۲. این اثر، ترجمه کتاب التطور و الثیاب فی الحیاة البشريّة است. نویسنده با طرح شواهد تاریخی و مطالب دینی، خواهان بررسی این نکته است که چیره شدن تفکر تحوّل طلبی در اروپا، هیچ چیز ثابت نداشتن، حتی دین و معنویات است. با ورود این طرز تفکر به جامعه های اسلامی، امور ثابت که ارکان زندگی بشر هستند، در معرض خطر قرار گرفته است. از این رو، باید از افراط و تفریط ها اجتناب کرد و به طور معقول اسلام را با زمان همگام ساخت.
۳۴. کاتوزیان، ناصر: «قلمرو زمانی و مکانی حقوق»، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، مدرّس، ۱۳۶۹، ص ۲۳۷-۲۶۲. ضمن دو مبحث «قلمرو حقوق در مکان» و «قلمرو حقوق در زمان» به نقش آفرینی این دو عامل در حقوق می پردازد. گرچه از نویسنده حقوقی صرف است، ولی رهیافت های خوبی برای فقه و زمان دارد. مبحث دوم در صدد پاسخ گویی به این سه سؤال است: قانون از چه لحظه ای قابل اجراست؟ در چه زمانی سلطه و اقتدار قانون پایان می پذیرد؟ قانون آیا ناظر به آینده است؟ همین سؤالات در باب احکام فقهی نیز جاری است.
۳۵. متولی، عبدالحمید: «ازمة الفكر السياسي في العصر الحديث» (عربی)، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۵م، ص ۳۱۴. تفکر اسلامی، به ویژه در بُعد فقهی آن در عصر حاضر، با بحران مواجه است. از مظاهری این بحران عدم توانمندی و کارآمدی فقه مقتضیات این عصر است. از این رو، کشورهای اسلامی، قانون اساسی و قوانین دیگر خود را از منابعی غیر از فقه اسلامی اخذ می کنند. مطالب این کتاب در سه قسمت تنظیم شده است: بررسی این بحران و نمودهایش، بررسی علل و موجبات آن و بالاخره راه های علاج و چاره جویی آن. در این چاره جویی ها به عصری بودن فقه توجه شده است.
۳۶. محمصانی، صبحی: «ملائمة الشريعة لحاجات العصر الاجتماعية» (عربی)، الثقافة الاسلامية و الحیاة المعاصرة، گردآورنده محمد خلف الله، قاهره، مكتبة المنهضة المصرية، ۱۹۶۲م، ص ۱۶۱-۱۸۳.
۳۷. مدرسی طباطبایی، حسین: «ضرورت احیاء فقه اسلامی»، در کتاب زمین در فقه اسلامی، جلد اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲،

بارز آن در تاریخ معاصر بسیار است. از فتوای تحریم استعمال توتون و تنباکو توسط مرحوم میرزای شیرازی تا حکم حضرت امام رضوان الله تعالی علیه مبنی بر تعطیلی موقت حج، همگی مبتنی بر پذیرش اطلاق ید فقیه جامع الشرایط در حوزه مصالح امت اسلامی است.

درباره نقش و تأثیر عنصر زمان در تعیین وضعیت موضوع احکام شرعی حضرت امام تکت می فرماید: «اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست؛ زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، به طور واقعی موضوع جدیدی شده است که به اجبار حکم جدیدی می طلبد»^۱. بنابراین، «استعمال توتون و تنباکو» تا زمانی که فقط «استعمال توتون و تنباکو» است، به نظر برخی مراجع جایز است؛ اما به محض اینکه در اثر نوع روابط استعماری شاه ایران با انگلیس سلطه گر، تبدیل به «زمینه‌ای برای تسلط کفار بر مسلمانان و چپاول ثروت مسلمانان توسط بیگانه» می شود، حکم حرمت بر

ص ۹-۲۰. احیای فقه به نزدیکی آن به حقوق و مجهز شدن به روش و اسلوب جدید بستگی دارد. این نوشتار، در واقع بیانگر مکانیسم و چگونگی کارآمدی فقه در پاسخ به نیازهای زمان است.

۳۸. مطهری، مرتضی؛ «اسلام و مقتضیات زمان»، دو جلد، تهران، صدرا، ۱۳۶۲-۱۳۷۰، ص ۲۴۳-۲۵۸. شامل سخنرانی‌های نویسنده، پس از ۱۳۵۰ و از اولین و متقن ترین نوشته‌هایی است که در ایران به این بحث پرداخته است. مقدمه را چنین آغاز کرده است: «برای روشنفکر مسلمان در عصر مهم ترین مسئله اجتماعی، بقا و ماندگاری دین رادر گرو همگامی با این تحولات و پاسخ گویی به آن اقتضانات می داند. راه حلی که وی برای حیات و فعال بودن دین پیشنهاد می کند، اجتهاد مستمر فقیهان در رخداد های جدید بر مبنای عناصر ثابت دین است. مفاهیمی همچون خاتمیّت، نسخ، نسبیّت و اطلاق قضایای دینی، عقل، مصالح و مفاسد و باید و نبایدها، مناط احکام را به مدد طلبیده تا نظریه اجتهاد را پربارتر عرضه بدارد.

جلد دوم کتاب به طور عمدی نقادی دیدگاه های جبرگرای، به خصوص جبرگروی تاریخی است که جوهره آن عدم اعتقاد به عناصر ثابت و حقانیت نوگرایی افراطی است. ترجمه عربی این اثر: الاسلام و متطلبات العصر، علی هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۳۹. النمر، عبد المنعم: «متی تتغیر الاحکام ولماذا؟ ما للسياسة الشرعية» (عربی)، الاجتهاد، قاهرة، الهيئة المصرية، ۱۹۸۷ م، ص ۱۲۵-۱۴۵. احکام به تبع تغییر زمان و مکان و تحوّل مصالح و شرایط تغییر پذیر است و این را می توان مراعات اقتضای حال نامید. مؤید این، نزول تدریجی شریعت طی بیست و سه سال است. وظیفه رهبران دینی، وضع احکام با توجه به مصالح مسلمانان است. این وظیفه «سیاست شرعی» نامیده می شود.

۴۰. یزدی، محمد: «اسلام همگام با زمان»، تهران، مؤسسه ملی، ۱۳۵۴، ص ۹-۵۱. کتاب شامل این عنوانی است: گذشت زمان و قوانین، مقصود از زمان، قوانین ثابت روانی، تأثیر زمان بر قوانین فطری، اساس ثابت فطرت، اسلام همراه با زمان.

۴۱. یوسف علی، علی: «الاسلام و مشکلات العصر» (عربی)، بیروت، دار ابن زیدون، ۱۹۸۵ م، ص ۱۰۸.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

آن بار می‌شود.

همچنین، تا زمانی که انجام حج بیت الله الحرام، فقط «ادای یک فریضه دینی» است و عنوان دیگری بر آن بار نشده است، به طور قطع، جایز بلکه با شرایط مندرج در فقه، واجب است؛ اما به محض تبدیل شدن موضوع به «دستاویزی برای تحقیر و توهین شیعه و نظام مقدس اسلامی»، حکم آن به حرمت مبدل می‌گردد.

انقلاب اسلامی، زمینه تحقق ولایت فقیه

البته انقلاب اسلامی به موازات تحوّل‌ی که در تمام عرصه‌ها ایجاد کرد، در فقه و استنباط احکام الهی نیز مبانی اسلام ناب را تبیین، تحکیم و ترویج نمود. یکی از این مبانی مسئله نقش زمان و مکان در فهم موضوعات احکام شرعی برای فقیه و مجتهد بود.

این مسئله، به‌ویژه در مورد ولیّ فقیه حکومت اسلامی از اهمیت بالاتری برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ اجتهاد مصطلح حوزوی را برای اداره امور امت اسلامی کافی نمی‌دانند و خصوصیات دیگری را نیز ضروری می‌شمارند. «مهم، شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن، نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل، ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست، بلکه یک فرد اگر اعلّم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی، در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد»^۱.

عناصر ولایت از نظر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

به نظر حضرت امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ ولایت، مراحل و عناصری دارد که یکی از آنها عنصر «استنباط» و دیگری عنصر «موضوع‌شناسی» است؛ در مرحله اول، حکم موضوعات کلی از ادله، استنباط و در مرحله دوم بر مصادیق عینی، تطبیق داده می‌شود. اندیشه‌های فقهی حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در مرحله اول، «سنّتی» و در مرحله دوم، «پویا» است و در مرحله سوم که مهم‌تر از این دو است مرحله موضوع‌سازی و ایجاد حوادث نوین در مسیر رشد قدرت اسلام و ایجاد بستر پرورشی متناسب برای رشد کلمه توحید و تربیت انسان موحد است

که رسالت اصلی ولی الهی است.

مهم‌ترین رکن رهبری، قدرت تشخیص وظیفه در امر سرپرستی حوادث عظیم و عهده‌داری ایجاد موضوعات و بستر پرورشی روحی ذهنی و عینی در مسیر رشد قدرت توحید و اعتلای پرچم اسلام است که تنها با ایجاد چنین زمینه اجتماعی و ایجاد رشد قدرت اسلام از طریق سرپرستی تمایلات و خوف و طمع انسان‌ها در شکل اجتماعی است که زمینه تحقق عینی و همه‌جانبه اسلام در تمامی ابعاد فراهم می‌شود. به تعبیر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ: «حکومت، فلسفه عملی بر خورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند».^۲

«حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در بر خورد با تمام معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است.»^۳

«اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعی الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ یک پدیده بی‌معنی و محتوا باشد... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است، یکی از احکام اولیه اسلام است و مقدم بر تمام احکام فرعیه حتی نماز و روزه و حج است.»^۴

تعریف مجتهد از منظر امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

با این مبنا، مجتهد در نظر امام تعریفی بسیار کامل‌تر و جامع‌تر از معنای سنتی متداول در نظر اهل علم دارد: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنائی به روش برخورد با حیل‌ها و تزویرهای فرهنگ حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوی و زهدی که در خور شأن مجتهد است، به‌طور واقعی مدیر و مدبر باشد».^۵

۱. اجتهاد و مقتضیات زمان از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ؛ بی‌نام، باشگاه اندیشه.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۲۵.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۱-۴۵۲.

۵. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

حکومت‌ها و مسجد

در نگاه اول اگر عبادت منحصر در نماز باشد و نماز نیز منحصر در انجام حرکات موزون و اذکار معین باشد، ضرورتی برای گرد آمدن در مکان خاص و یا انجام عبادت به صورت جمعی نیست و توجیه روشنی برای بناء مساجد وجود ندارد.

مسجد، مرکز امتزاج دیانت و سیاست

شیخ طه‌الولی به نقل از کتاب «الازهر» بیان می‌دارد: «اهداف اولیّه در اسلام از بناء مسجد منحصر در مسائل عبادی تنها نبود، بلکه اهداف سیاسی و اجتماعی در اولویت کار قرار داشت و این معابد از هنگام ظهور اسلام برای تجمّع مسلمانان سامان‌دهی گردید. همان‌گونه که علماء تفسیر و حدیث جایگاه‌های ویژه داشتند و چون در اسلام جدایی دین از سیاست معنا و مفهومی نداشت، اولین فلسفه وجودی مساجد برای اطلاع‌رسانی بود و در مرحله دوم مرکزی برای تعلیم و تربیت.»^۱

حدود ۲۸ مورد در قرآن مجید از مسجد سخن به میان آمده است و به اتفاق همه تاریخ‌نویسان، خشت اول جامعه مدنی رسول‌الله ﷺ با بناء مسجد در شهر یترب بر زمین گذاشته شد.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «در زمان پیامبر ﷺ گروهی بودند که در مسجد حاضر نمی‌شدند. در یکی از روزها پیامبر گرامی ﷺ فرمود: هر آن امکان دارد در مورد آنان که برای نماز به مسجد فرا خوانده می‌شوند، ولی شرکت نمی‌کنند، دستور دهم تا هیزمی فراهم سازند و بر در خانه آنها بگذارند و آن هیزم‌ها را شعله‌ور سازند تا خانه‌هایشان بر سرشان بسوزد.»^۲ ابن مسکویه از این درجه اهتمام اسلام به امر مسجد چنین نتیجه گرفته است: «شاید علت اهتمام شریعت اسلام برای حضور در مساجد و انجام نمازهای روزانه به جماعت این دلیل بوده است تا انس طبیعی که ریشه همه محبت‌ها است و اصلی‌ترین عامل حرکت اجتماعی است، گسترش پیدا کند.»^۳

روش حاکمان در کشورهای اسلامی

رابطه حکومت‌ها با مساجد در سرزمین‌های اسلامی - از دوران حکوت اسلامی نبوی تا دوران جمهوری اسلامی - انواع و گونه‌های متفاوتی را شامل می‌شود. نوع تعامل هر یک از حکومت‌ها با مساجد در درجه

۱. شیخ طه‌الولی، الازهر، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق؛ به نقل از: اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان.

۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۶.

۳. المسجد فی الاسلام، در العلم للملایین، ص ۱۵۰؛ به نقل از: اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان.

اول تابعی از مبانی جهان بینی و ایدئولوژی حاکم بر اندیشه حاکمان بوده است. به تعبیر روشن تر هر چقدر ایدئولوژی حاکمان اسلامی موحدانه تر و منطبق تر با ایدئولوژی و جهان بینی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بوده است، نوع بهره برداری و تعامل با مساجد صحیح تر و بیشتر در جهت اهداف و آرمان های الهی بوده است و در مقابل به میزانی که حاکمان از جهان بینی و ایدئولوژی اسلام ناب فاصله داشته اند، یا مساجد را به پایگاهی برای عوام فریبی و سلطه ناهق بر افکار عمومی دین داران قرار داده اند؛ نظیر رفتار خلفای بنی امیه و بنی العباس و یا مسجد را به عنوان مهم ترین پایگاه دشمنی با حکومت خویش تلقی نموده و از تمام قدرت و امکانات خود برای بی فروغ نمودن آنها استفاده کرده اند؛ نظیر روشی که حکومت پهلوی اتخاذ کرده بود. با این توضیح می توان تاریخ اسلام را از منظر نوع تعامل حکومت ها با مساجد به چند مرحله تقسیم کرد:

الف) سیره حاکمیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تعامل با مساجد

از مجموع مدارک تاریخی و روایی این چنین برداشت می شود که در سیره نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، مسجد اولین و مهم ترین رکن در همبستگی بین امت و رهبر و مرکز تمام تصمیم گیری ها و اقداماتی است که حکومت برای اجرای آنها نیازمند حضور و نقش آفرینی آحاد مردم است. برخی از این اقدامات عبارت اند از: آموزش نیروهای نظامی، اطلاع رسانی و بسیج عمومی برای مبارزه با توطئه های منافقین، تعلیم و تربیت، رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مؤمنان و ... علاوه بر این، پیامبر به عنوان حاکم اسلامی تمام وظایف و شئون حاکمیتی خود را با محوریت مسجد و در مسجد رتق و فتق می فرمودند؛ در مسجد محکمه قضاوت برپا می کردند، با بزرگان به شور می نشستند، بیت المال را در مسجد تقسیم می فرمودند، دیدارهای سیاسی خود را در مسجد برگزار می نمودند و ...

با توجه مطالب قبلی می توان کارکرد حکومتی مسجد را در ابعاد زیر تقسیم بندی کرد:

۱. بُعد اطلاع رسانی و آگاه سازی افکار عمومی؛
۲. بُعد مشورت و تصمیم سازی برای حاکم اسلامی؛
۳. بُعد تعلیم و تربیت؛
۴. بُعد نظامی و سازمان دهی و پشتیبانی رزمندگان؛
۵. بُعد اجتماعی و امور حسبه؛

۱. شاید جالب ترین نمونه دخالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امور مسجد، ماجرای تخریب و سوزاندن مسجدی است که به مسجد ضرار معروف گردید. گروهی از منافقان برای ضربه زدن به اسلام و تضعیف موقعیت مسجد پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله نازل کردند؛ ولی پس از نازل شدن آیه مبارکه: والذین اتخذوا مسجداً أضراً... (توبه، آیه ۱۰۷)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افرادی را گسیل داشت تا این مسجد را خراب کنند و آتش برزند و مکان آن را تبدیل به محل زباله نمایند؛ علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

۶. بعد مقرر حکومت و مرکز مدیریت جامعه بودن.

پس از ارتحال نبی مکرم اسلام ﷺ، در هر دوره‌ای متناسب با روحيات و سياست‌های حاکمان بعدی، کارکردهای حاکمیتی مساجد دستخوش تحولات و تغييرات بسيار زيادی شد که به صورت مختصر مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

ب) روش خلفای سه‌گانه در حاکمیت بر مسجد

پس از ارتحال پیامبر و روی کار آمدن خلفا، مسجد همچنان پایگاه حکومت و دارای کارکردهای آموزشی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و نظامی بود. خلفای اول و دوم و سوم، دارالخلافه خود را مسجد قرار دادند و با استفاده حداکثری از ظرفیت تجمع و اجتماع مسلمانان در جمعه و جماعات، سياست‌های خود را اعمال و به اهداف خود - فارغ از حق یا ناحق - جامه عمل می‌پوشاندند. بنابراین، از حیث شکلی و صوری، نقش مسجد و به خصوص مسجد النبی تفاوت فاحشی با کارکردهای آن در دوران حکومت نبوی نکرد؛ اگرچه در سایر بلاد اسلامی به واسطه نصب افرادی که اغلب التزامی به اهداف و آرمان‌های اسلام ناب نداشتند - نظیر مروان‌ها و معاویه‌ها و غیره - مسجد آرام آرام به جای آنکه مایه اعتلای اسلام و وحدت مسلمانان باشد، مرکز توجیه خیانت‌ها و ظلم و ستم فرمانداران و استانداران و عامل تفرقه و اختلاف میان مسلمانان به‌ویژه نخبگان جامعه گردید.

ج) مسجد در حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

با روی کار آمدن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف و مقصد ایشان، احیای قرآن و سنت نبوی و اصلاح مفاسد و بدعت‌های نهاده شده توسط خلفای پیشین بود، احیای کارکردهای اصلی مسجد و بازگرداندن شأن و جایگاه لایق آن سرلوحه برنامه‌های حضرت قرار گرفت. ایشان همانند پیامبر و خلفای سه‌گانه، مسجد را مقرر خلافت و حکومت قرار داد و کلیه وظایف و برنامه‌های حکومتی خود را در مسجد و با محوریت مسجد انجام داد.

هنوز در مسجد مقدس کوفه، نشانه‌های متعددی با عنوان «دکه» وجود دارد که هر کدام نمایشگر یکی از کاردهای مسجد در حکومت امیرمؤمنان است؛ مانند «دکه القضاء»، «دکه الطشت»، «دکه الفتوا» و ... اما تحوّل‌ی که در این دوره در رابطه میان حکومت و مسجد ایجاد شد، شاید وهله اول احیای کارکرد

معنوی و تربیت اخلاقی و منبر و عطا و خطابه بود که توسط شخص حضرت احیا و تقویت شد.^۱

د) مسجد در دوران خلفای بنی امیه و بنی العباس

پس از پیامبر اسلام ﷺ حکومت، نظارت بر مساجد جزء وظایف اجتناب ناپذیر حکومت‌ها محسوب می‌شد و همه حاکمان هر چند که ظالم بوده‌اند و اعتنایی به سایر احکام اسلام نداشته‌اند؛ ولی به مسجد نیازمند بوده‌اند و همه آنها رونق مساجد و شکوه نماز جماعت و جمعه را جزء شکوه و اقتدار خود می‌دانسته‌اند. ابن خلدون می‌گوید: حاکمان صدر اسلام این وظیفه - وظیفه اداره مساجد - را به کس دیگر محوّل نمی‌کردند و هنگامی که درباره مساجد عظیمه سخن به میان می‌آورد، می‌گوید: تعیین امام این مساجد برای خطبه و نماز در انحصار حاکم بود و کلیه سیاست‌گذاری‌های دینی و شرعی، مانند نماز، قضاء، حاسبه و جهاد جزء وظایف امامت کبری که خلیفه است قرار داشت و چون نماز عمود دین است و در میان عبادت‌ها از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است. بنابراین، امامت صلوة نیز باید بالاترین شأن حتی بالاتر از حکمرانی باشد.^۲

ابی الحسن علی ابن محمد بن حبیب ماوردی (متوفی ۴۵۰ هجری) در کتاب «الاحکام السلطانیة و الولایات الدینیة» باب نهم «باب ولایات علی امامه الصلوات» پیرامون رابطه حکومت و مسجد، ابتدا مساجد را دو قسم تقسیم می‌کند: مساجد سلطانیة و مساجد عامه.

برای مساجد سلطانیة ویژگی‌هایی را بیان می‌کند از جمله اینکه:

به‌طور کامل حکومتی و دولتی هستند؛ یعنی امام جماعت آن از سوی حاکم تعیین می‌گردد.

امام جماعت از بیت‌المال حقوق می‌گیرد.

امام جماعت از سوی حکومت به مقام ولایت صلوة منصوب می‌گردد. البته برای احراز این مقام (ولایت

صلوة) باید پنج شرط را داشته باشد.

حکومت در تمام امور مسجد، به‌طور مستقیم یا از طریق امام جماعت منصوب، دخالت می‌کند.

اما خصوصیت مساجد عامه این است که حکومت حق دخالت مستقیم در آن را ندارد؛ امام جماعت آن

توسط خود مردم انتخاب می‌شود.

۱. خطبه‌های مفضل و مختصر بسیاری که حضرت در منبر این مسجد ایراد نموده‌اند و بخشی از آن توسط مرحوم سید رضی رتّب در نهج البلاغه گردآوری شده است، بیش از هر نکته‌ای حاوی توصیه به تقوا و اخلاق و معنویت است.

۲. معالم القرية فی احکام الحاسبه، ص ۲۴.

ریشه تاریخی تضعیف مساجد

تضعیف جایگاه و نقش مساجد در جامعه اسلامی، ریشه در یک جریان طولانی تاریخی دارد. پس از شهادت امیر المؤمنین (علیه السلام) و قدرت یافتن بنی امیه به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان، مسجد از سویی برای عوام فریبی و سوء استفاده از موقعیت سوق الجیشی تجمع مؤمنان و ارتباط حاکم با رعیت در سلطه و اختیار خلیفه بود. او خود را خلیفه رسول الله (صلی الله علیه و آله) و بالتبع لایق ترین فرد برای اقامه جمعه و جماعت می دانست. بر فراز منبر رسول الله خطاب می خواند و با مغالطه و سفسطه، معارف دینی را دستاویزی برای ظلم و ستم دستگاه حکومت خویش قرار می داد.^۱

خلفا و به مرور سلاطین و پادشاهان کشورهای اسلامی اغلب این وجه از کارکرد مسجد را تقویت می کردند. همه سرزمین هایی که به تصرف مسلمانان درآمد همراه با شعار الله اکبر و جهاد بود و نماز نشانه مسلمانی و مسجد در مقابل کلیساها به عنوان نشانه مجد و عظمت و اقتدار مسلمانان به حساب می آمد. مساجد بزرگی که اکنون در شهر استانبول ترکیه اصلی ترین مرکز جلب توریست می باشد، بقایای اقتدار حاکمان عثمانی است و مساجد عظیمی که در سرتاسر شبه قاره هند وجود دارد، نشانه های اقتدار مسلمانان است. اکنون نیز در شهری چون استانبول که حاکمان لائیک حدود یک قرن، در صدد نابودی اسلام هستند، صدای اذان در پنج وقت، ارکان این شهر توریستی را به لرزه در می آورد و انبوه نمازگزاران به مساجد روانه می شود و حتی در کشورهای به ظاهر عقب افتاده چون اتیوپی در هنگامه اذان مساجد، به خصوص در رمضان آنچنان مملو از جمعیت می شود که مردم صف می کشند و منتظر می مانند تا نماز گروه اول تمام شود و گروه دوم وارد شوند که این صحنه در بعضی اوقات تا چهار بار تکرار می شود. اینها همه نتیجه تبلیغات و فرهنگ سازی حاکمان و سلاطین برای حفظ پایگاه مردمی خود در مساجد بوده است.

از سوی دیگر، کشورگشایی ها و آشنا شدن حاکمان با روش و نظام حکومتی غیر مسلمانان - به ویژه پادشاهان روم و ایران - میل به تجملات و اشرافی گری را در آنان به اوج رساند و همین خصیصه باعث تأسیس کاخ ها و قصرهای مجلل و حکمرانی خلفا در این بناهای بیگانه با روح اسلام گردید. کم کم مسجد دیگر مرکز خلافت و حکومت نبود و جای خود را به کاخ سبز معاویه در شام و سایر کاخ ها در بلاد دیگر اسلامی در طول تاریخ داد. این نقطه آغاز به حاشیه رانده شدن مساجد در جامعه اسلامی بود؛ اما همچنان کارکردهایی نظیر تعلیم و تربیت فقط در اختیار مساجد بود.

۱. البته در این حرکت شوم، گروه هایی از به اصطلاح نخبگان جامعه نیز به یاری دستگاه خلافت می آمدند؛ گروه هایی نظیر جاعلان و راویان حدیث، شعرا، خطبا و قضات درباری.

ابن بطوطه می‌گوید: «پیش از اینکه نظام‌الملک رشته مدرسه‌های معرّف به نظامیه را بنیاد گذارد، درس و تعلیم در مسجدها متمرکز بود و بدین‌گونه تعلیم و تعلّم جزئی از عبادت به شمار می‌رفت.»^۱

ه) مسجد از زمان دولت صفویّه تا پهلوی

دولت صفویّه چون با شعار تشیع به حکومت رسید در آغاز کار به پیروی از سایر حاکمان و سلاطین اسلامی اقدام به توسعه مساجد بزرگی در شهرهای مختلف نمود، ولی با گذر زمان این حرکت از تب و تاب افتاد؛ زیرا نه مردم به آن درجه از فهم فرهنگی نائل شده بودند که ضرورت و فایده توسعه مساجد را درک کنند و نه دیگر حکومت قدرت یافته صفویّه، خود را محتاج این امر می‌دید. بنابراین، از آن پس، مساجد شیعه دوران غربت خود را آغاز نمودند و هرچه زمان پیشتر رفت این غربت افزون شد؛ به طوری که در دوره قاجاریّه و به خصوص در زمان پهلوی اول و دوم، مساجد به عنوان نمادهای تحجّر، موانع توسعه، پایگاه‌های توطئه و نظایر آن تلقی می‌شد و بر همین اساس، مبارزه با مساجد و فعالیت‌های آن در رأس سیاست‌های حکمرانان این سلسله‌های طاغوتی قرار داشت.

البته در تمام این مدّت علماء و مراجع بزرگ، با درک خطر وابستگی پایگاه دین به پادشاهان در مقابل دولتی شدن مساجد مقاومت کردند و در چند نوبت که حکومت‌ها قصد دست‌اندازی بر مساجد را داشتند، با مقاومت سخت از سوی علما و روحانیان مواجه شدند. این مقاومت‌ها در حدّی بود که بعضی از مراجع بزرگ هرگونه همکاری را تحریم نمودند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ حتّی این مسئله را در رساله عملیه نیز آورد و چند مسئله را در باب امر به معروف و نهی از منکر به تحریم همکاری علما با دولت جائر و حکم عدم عدالت آنها اختصاص داد.^۲

و) مسجد در دوران حکومت جمهوری اسلامی

وضعیت مساجد را در دوران ۳۴ ساله استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد:

۱. دوره شکوفایی و بالندگی: از آنجا که امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و یارانش، مسجد را پایگاه، دین را خاستگاه و شعارهای اصیل اسلامی را تکیه‌گاه اصلی انقلاب اسلامی قرار دادند، خود به خود این امور مقدّس در ذهن

۱. ابن بطوطه، طرح نو، ص ۲۲۴.

۲. الامام الصادق والمآذبه الاربعه، المجلد ۱-۲، ص ۲۱۲.

و دل مردم به عنوان مهم‌ترین امور تجلی کردند. در دوران مبارزات و تا سال‌هایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد پر رونق و فعال شدند. کلیه تصمیمات از مسجد، آغاز و به مسجد ختم می‌شد. امور اصلی انقلاب و نظام در سنگر مساجد، پیگیری می‌گردید و مردم مساجد را به عنوان شبکه اعمال دستورات رهبری انقلاب و حاکمیت نظام اسلامی می‌شناختند. این بالندگی به واسطه تأثیر دفاع مقدس در جذب گسترده جوانان و نوجوانان به مساجد و آموزش و تربیت و سازمان‌دهی آنان برای حضور در جبهه یا فعالیت‌های فرهنگی و نظامی در پشت جبهه به اوج خود رسید.

شاید مسجد در هیچ دوره‌ای به اندازه دهه‌های ۴۰ تا ۶۰، به مساجد دوران حکومت نبی اکرم ﷺ شبیه نبوده است. اگرچه در این دوره به دلایل مختلفی، مساجد از لحاظ کمی و کیفی فاصله‌ای طولانی با الگوی مسجدالنبی داشتند؛ اما در مقایسه با دوران‌های پیشین و حتی کنونی، از نسبتی بس نزدیک با آن طراز اسلامی برخوردار بودند.

۲. دوره رکود نسبی: با اتمام جنگ و تغییر در سیاست‌های رویکردهای دولت جمهوری اسلامی به سمت توسعه عمرانی و اقتصادی و کم‌توجهی مدیران و دست‌اندرکاران جامعه به امر فرهنگ خودی و نیز با آغاز تهاجم یا شیبخون فرهنگی غرب علیه جامعه نوپای ما، یکی از نخستین ساختارهایی که بیشتری آسیب‌ها متوجه آن شد، مساجد بودند. دیدگاه دولت‌سازندگی فقط بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه صنعتی کشور بود و در این میان تنها ساختارهایی ارزش برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری داشتند که برای دولت، سودآوری داشته باشند و مساجد خود به خود از دایره خارج شدند. این سیر در دولت اصلاحات نیز با رویکردی جدید و تحت قالب «توسعه سیاسی و دمکراسی» ادامه پیدا کرد. در این دوره به دلیل غلبه نگاه سکولاریسی بر دولت‌مردان و مسئولان، دین و هر آنچه به آن مرتبط است، از دایره نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی خارج و مورد بی‌مهری قرار گرفت حتی توصیه‌های دلسوزانه رهبر معظم انقلاب «انقلاب: مبنی بر عدم نگرش مادی به امر فرهنگ» نیز چندان مورد اعتنای مسئولان واقع نشد. در عوض ساختارهای نو و بعضی در تضاد با فرهنگ بومی جامعه اسلامی در مقابل مساجد و با هزینه‌های هنگفت دولتی قد علم کردند؛ فرهنگسراها یکی پس از دیگری با انواع فعالیت‌های و برنامه‌های جذاب برای اقشار مختلف و به‌ویژه جوانان و نوجوانان راه‌اندازی شدند که همه آنها در دو مسئله وجه تشابه داشتند: نخست، نگاه باز و فرادینی به فعالیت‌های فرهنگی به گونه‌ای که از آموزش گیتار و حرکات موزون و انواع ورزش‌های بومی و غیربومی تا آموزش قرآن و تواشیح و ... در آنجا مهیا بود. دوم، خودگردان و بلکه درآمدزا بودن برای دولت.

۳. دوران احیا و تقویت نقش مساجد: با روی کار آمدن دولت نهم و فروکش کردن جو دین‌زدایی و

دین‌ستیزی از جامعه، مساجد به دو دلیل و اگر چه بسیار کند به گردونه ساختارهای اثرگذار اجتماعی برگشته اند. آن دو دلیل عبارت‌اند از:

نخست) رویکرد به نسبت فرهنگی دولت و رییس جمهور نهم که زمینه را برای احیای نقش مساجد و اهل مسجد در عرصه سیاست و فرهنگ و اجتماع تا حدودی فراهم آورد. البته حمایت‌های گسترده حقوقی، مادی و معنوی از مساجد نیز در سایه همان نگاه اتفاق افتاد.

دوم) به جهت شدت گرفتن مسئله تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب که هم در حوزه نخبگان، دغدغه‌ها را برانگیخت و هم در سطح عموم مردم مظاهر فساد و ابتذال و... را عاملی برای نگرانی شد تا مردم و مسئولان برای جلوگیری از گسترش موج این تهاجم ضد فرهنگی به هم‌فکری و همکاری ترغیب شوند. اولین ساختاری که در فرهنگ اسلامی جامعه و به اتفاق همگان می‌توانست نقش پناهگاه و مصونیت بخش به قشر جوان را بازی کند، مساجد بودند. البته این سخن به معنای اوج‌گیری مساجد و رسیدن آنها به نقطه مطلوب نیست؛ بلکه مقصود این است که چنانچه دست‌اندرکاران امور مساجد، هوشیار و فرصت‌شناس باشند، بسترهای اولیه جهت بازمهندسی و گسترش نقش و کارکردهای مسجد بیش از هر زمان دیگری در سال‌های اخیر فراهم گردیده است.

شاخص‌های مسجد طراز نظام اسلامی

با توجه به آنچه پیشتر بیان شد، به‌طور قطعی باور به جایگاه منحصر به فرد مسجد در دست‌یابی نظام اسلامی به اهداف و آرمان‌های بلند خود، نخستین شرط در احیاء کارکردهای مسجد است. برای نیل به این منظور ابتدا باید انتظارات از مسجد را در قالب شاخص‌های مسجد طراز نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و سپس با بررسی وضعیت کنونی، برای تحقق وضع مطلوب برنامه‌ریزی و حرکت کنیم. هر مسجدی دارای ارکانی و هر رکنی باید دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتوان آن را در قالب مسجد طراز، شناسایی و تعریف نمود.

ارکان مسجد:

۱. امام جماعت که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (عجله الله تعالی فرجه) «مدیر طبیعی مسجد» است.
۲. مأموم‌ها که حضور پرشور و منظم و منضبط آنها در مسجد، مهم‌ترین مصداق عمران مسجد تلقی می‌شود.
۳. هیأت امناء که از سوی مردم و با تأیید امام جماعت برای اداره امور مسجد به امام جماعت کمک می‌کنند.

۴. تشکل‌های فعال در مسجد، نظیر پایگاه بسیج، کانون فرهنگی و هنری مسجد و ... که عهده‌دار امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد هستند و با هماهنگی امام جماعت و پشتیبانی نیروی مقاومت، به پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی مشغول‌اند.

۵. خادم که با نظافت و نظامت به هنگام و شایسته مسجد، موقعیت را برای اقامه نماز و انجام سایر وظایف مسجد فراهم می‌آورد.

۶. ساختمان و امکانات فیزیکی مسجد.

نکته شایان توجه اینکه در میان ارکان بر شمرده شده برای مسجد، امام جماعت نقش بسزایی در رونق فعالیت‌های فرهنگی مسجد دارد. بر این اساس، یکی از ارکان اصلی هر مسجد، امام جماعت آن است. به عبارت دیگر، مسجدی موفق است که امام جماعت موفق داشته باشد و امام جماعتی موفق است که به کار کردها و ویژگی‌های مسجد و نیز وظایف امام جماعت آشنا باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت و نقش امام جماعت در مسجد از جنبه‌های گوناگون، در ادامه مباحث، شاخصه‌های امام جماعت مسجد طراز را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

ویژگی‌های مسجد نمونه

الف. ویژگی‌های عبادی مسجد نمونه

۱. مسجد، جایگاه عالی‌ترین نوع کرنش عبد در برابر معبود است. سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست؛ «السُّجُودُ مِنْهُنَّ بِالعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ»^۱.

۲. مسجد، جایگاه پرستش خالصانه خداوند است؛ «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۲.

۳. مسجد، زیارتگاه خداوند متعال است. در حدیثی قدسی، منقول از نبی اعظم صلی الله علیه و آله آمده است: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي؛ خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه زیارت کند»^۳.

۴. مسجد، خانه خدا در زمین است؛ «إِنَّ بُيُوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ التُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»^۴.

۱. بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۲. جن، آیه ۱۸.

۳. وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵.

۴. همان.

ب. ویژگی‌های تربیتی مسجد نمونه

۱. مسجد، بهترین محلّ عبادت و عبادت، بهترین عامل پرورش روح آدمی و پاسخ گفتن به مهم‌ترین نیاز طبیعی اوست. تربیت چیزی جز پاسخ صحیح، بهنگام و متعادل به نیازها و پرورش همه‌جانبه استعدادها نیست. اگر چه عبادت در هر مکانی این نیاز طبیعی و معنوی را به‌طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی است و در پرتو عبادت جمعی از غرور و خودپسندی، تنهایی و فردگرایی در امان می‌ماند و با پیوستن به سیل عابدان و نمازگزاران، می‌توان در اقامه نماز و امحاء فحشاء و منکر نقش آفرین باشد.

۲. مسجد، پناهگاه مؤمن از آسیب‌های اخلاقی است. معصومان علیهم‌السلام در سخنان خویش مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛ انسان در این پناهگاه از دغدغه و اضطراب، افسردگی و دلهره و ... فاصله می‌گیرد و به برکت ذکر الله به آرامش مستقر دست می‌یابد؛ قرآن کریم در این مورد فرموده است: «ألا بذكر الله تطمئن القلوب». ^۱ شاید به همین دلیل است که امام صادق علیه‌السلام به مسلمانان سفارش می‌کنند که به هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند. ^۲

۳. مسجد، مکانی مقدّس و عاری از ظلم و گناه و پلیدی است. حضور مؤمن در مسجد بسان احرام بستن حاجی در حجّ است. با آنکه گناه در همه جا نكوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان می‌یابد؛ ^۳ پس، مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری کند تا در آن مکان مقدّس به گناه آلوده نشود؛ سخنان ظالمانه بر زبان نیآورد؛ ^۴ به آبروی دیگران تجاوز نکند؛ ^۵ غیبت ^۶ و سخنان لغو و بی‌فایده را کنار نهد ^۷ و از گفت‌وگوهایی که بوی دنیاپرستی و دنیاخواهی می‌دهد، پرهیز کند. ^۸

مواظبت در پرهیز از گناه و لغو و ... در مسجد در حقیقت، نوعی تمرین کارهای خیر و دوری از زشتی‌هاست. آثار سازنده و تربیتی حضور در مسجد، رفته‌رفته به دیگر اعمال مؤمن و سایر زمان‌ها و مکان‌های حیاتش نیز سرایت می‌کند و این بهترین روش تربیت غیرمستقیم است.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۳، از ابواب احکام المساجد، روایت ۱۴.

۲. رعد، آیه ۲۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳، باب ۳۱ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، روایت ۳.

۴. ر.ک: كشف الغطاء، كتاب الصلاة، ص ۲۱۱.

۵. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۷.

۶. روضة الكافي، ص ۳۹.

۷. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۵، باب ۲ از ابواب المواظبت، روایت ۴.

۸. همان، ص ۸۶، روایت ۸.

۹. همان، ج ۳، ص ۴۹۳، باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴.

۴. مسجد، محلّ تزئین شدن به زینت‌های معنوی است. قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که هنگام حضور در مساجد، زینت‌های خود را همراه بگیرید. این توصیه شامل انواع زینت‌ها است که عبارت‌اند از: الف) زینت ظاهری فردی، مانند لباس زیبا و پاک، عطر و بوی خوش، نظافت بدن، شانه زدن موها و محاسن و ...

ب) زینت مادی، شامل: مال و فرزند که در قرآن به عنوان زینت زندگی دنیا معرفی شده‌اند. «المال و البتون زينة الحياة الدنيا...»^۱

ج) زینت معنوی، به معنای خصال نیکو و صفات پسندیده اخلاقی است؛ نظیر صدق و صفا و خلوص و مهربانی و ...^۲

۵. مسجد، کانون پیوند صالحان است. کارشناسان تربیت بالاتفاق بر نقش ویژه دوست و معاشر خوب در تربیت انسان تأکید دارند. اسلام نیز مروج و حامی همین اصل تربیتی است. هم در قرآن کریم و هم در روایات معصومین (علیهم‌السلام) نکات فراوانی پیرامون اهمیت و ضرورت یافتن دوستان خوب، راه‌های امتحان و آزمودن دوستان، آداب دوستی و معاشرت، حقوق دوستان و معاشران، مراقبت و حفظ دوستی با صالحان و ... وجود دارد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می‌کند. ارتباط دوستانه با نیکان هم‌جنبه‌ایجابی تربیت - یعنی تشویق و ترغیب به فضایل - را در فرد تقویت می‌کند و هم‌جنبه‌ی سلبی آن - یعنی قدرت یافتن بر پرهیز از رذایل - را.

۶. مسجد، بستری مناسب برای پرورش روحيات اجتماعي است. «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» یک بیماری روحی شناخته شده است؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی - در حدّ معقول آن - نشان سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و درون‌گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می‌زداید.

۷. مسجد، پایگاه تقویت روحیه همدردی، همکاری و همیاری در مشکلات است. مساجد به‌طور معمول، جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است. به‌طور طبیعی، حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، خود نوعی مبارزه با روح بی‌تعهدی و

۱. کهف، آیه ۴۶.

۲. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۲، باب ۳ از ابواب ماتحب فیہ الزکاة و ماتستحب فیہ، روایت ۷.

بی تفاوتی است؛ روحیه‌ای که هر گاه در افراد جامعه‌ای - به‌ویژه نسل جوان آن - پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد.

ج. ویژگی‌های فرهنگی - آموزشی مسجد نمونه

نقش آموزشی - فرهنگی مسجد پس از جنبه‌های عبادی آن، سرآمد دیگر ابعاد است. به‌طور اساسی، پی‌ریزی مسجد در اسلام، پی‌ریزی بزرگ‌ترین مدرسه اسلامی بود. مسلمانان تا چند قرن پیش، با پدیده‌ای به نام مدرسه - به معنای غربی و امروزی آن - روبه‌رو نبودند. پیش از پیدایش مدرسه - که تاریخ پیدایش آن به دو قرن نمی‌رسد - مسجد، یگانه مرکز مهم آموزشی - فرهنگی در کشورهای اسلامی بوده است. تا جایی که روزگاری این مسأله در میان فقیهان مطرح بوده که آیا تأسیس مدرسه جایز است یا نه؟!^۱

شاخص‌های کلی مسجد طراز اسلامی

۱. آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی به حرکت امت اسلامی؛
۲. احیای کارکردهای مساجد و بازشناسی آنها؛
۳. ارائه خدمات در ابعاد دنیوی و معنوی؛
۴. نزدیک کردن مردم به باورهای دینی؛
۵. رسانه‌گفتاری و شنیداری برای مردم به خصوص برای جوانان؛
۶. مرکز تعلیم و تربیت برای جوانان؛
۷. کانون موعظه و پرورش و تهذیب نفس برای مردم؛
۸. مرجع رسیدگی مشکلات مراجعان و محرومان؛
۹. محل پرورش نیروهای مستعد و استفاده بهینه از آنان در زمینه‌های مختلف؛
۱۰. محل امن و مایه خیر و برکت برای مردم؛
۱۱. داشتن مدیریت خوب و فعال؛
۱۲. اهمیت دادن به کیفیت برنامه‌ها؛
۱۳. مرکز تبلیغات و رسانه جهان اسلام؛
۱۴. پناهگاه، در سختی‌ها و مشکلات و حوادث.

۱. وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۲، باب ۳ از ابواب ما تحب فیہ الزکاة و ما تستحب فیہ، ص ۲۱۷.

شاخصه‌های امام‌جماعت مسجد طراز

در سند «چشم‌انداز مساجد جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، پیرامون شاخص‌های امام‌جماعت مطلوب چنین آمده است: «بر خورداری از ائمه‌جماعتی عالم، اندیشمند، پارسا، آگاه به مسائل روز، آشنا به فنون مشاوره و مدیریت و دارای روحیه ارتباطی مردمی گسترده».

همچنین مقام معظم رهبری (دامت‌تله) در پیام به اجلاس نوزدهم نماز می‌فرماید: «روحانی پرهیزکار، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است»^۱.

بر این اساس به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مرحله در ترسیم سیمای مسجد طراز اسلامی؛ پس از بررسی و درک عمیق نقش منحصر به فرد مسجد در تعالی فرهنگ جامعه دینی و پیشبرد اهداف انقلاب و نظام اسلامی، همانا احصاء و تبیین شاخص‌های امام‌جماعت چنین مسجد نمونه‌ای است؛ زیرا به همان میزان که اصل تأسیس مسجد در یک منطقه جغرافیایی در تأمین سخت‌افزار هدایت ضرورت دارد، وجود روحانی شایسته و طراز نظام اسلامی برای امامت و مدیریت آن در بُعد نرم‌افزاری ضروری است. به تعبیر رهبر انقلاب «نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است»^۲.

دکتر رسول عباسی در کتاب «مسجد طراز اسلامی» شایستگی‌های امام‌جماعت را به چهار مؤلفه کلی تقسیم نموده است که عبارت‌اند از:

۱. «هدفداری»؛

۲. «فضائل اخلاقی»؛

۳. «دانش و مهارت‌ها»؛

۴. «تمایل».

سپس هر یک از این مؤلفه‌ها را تحت شاخص‌های روشنی تبیین می‌نماید که در جدول زیر دسته‌بندی گردیده است:

۱. پیام مقام معظم رهبری (دامت‌تله) به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۲۰/۰۷/۱۳۸۹.

۲. همان.

جدول شایستگی‌های امام جماعت

شاخص‌ها	مؤلفه‌ها	
۲) انگیزه خودسازی و تهذیب نفس	۱) انگیزه هدایت دیگران	
۳) خُلق نیکو و حُسن معاشرت ۴) سعه صدر و مدارا ۵) امانتداری و مسئولیت‌پذیری ۶) صداقت و وفای به عهد ۷) عدالت فقهی و تقوا ۸) اخلاص ۹) تواضع ۱۰) نظم و وقت‌شناسی، حضور منظم و نظم در انجام امور ۱۱) عدالت در رفتار با مردم و توجه به همه افراد ۱۲) ساده‌زیستی و احتراز از تجملات دنیا ۱۳) وقار و ثبات شخصیت ۱۴) شجاعت و استقلال رأی ۱۵) ولایت‌پذیری ۱۶) خودباروری و قاطعیت ۱۷) حُسن شهرت ۱۸) آراستگی و جذّابیت ظاهری	فضائل اخلاقی	
۲۰) مخاطب‌شناسی ۲۲) ارتباطات مؤثر ۲۴) هوش عاطفی و هیجانی	۱۹) پیشگامی در ارتباطات ۲۱) شنود مؤثر ۲۳) فنّ خطابه ۲۵) دید کلان و تفکر راهبردی ۲۶) تفکر تحلیلی و توانایی درک و تشریح اهداف و ارزش‌های مسجد ۲۷) تفکر خلاق ۲۸) آگاهی، بصیرت و بینش سیاسی ۲۹) دانش دینی (فقه، اصول، کلام، تفسیر و ...) ۳۰) شناخت خرده‌فرهنگ‌ها ۳۱) قرائت صحیح نماز و قرآن	دانش و مهارت
۳۲) اهتمام به حلّ مشکلات و امور مردم ۳۳) تلاش و پشتکار در مسجد	تمایل	

علاوه بر ویژگی‌های مذکور، شاخص‌ها و خصوصیات دیگری نیز از امام جماعت مسجد طراز انتظار می‌رود که عبارت‌اند از:

۱. اقتباس از: ویژگی‌های امام جماعت موفق، مجله مبلغان، شماره مرداد ۱۳۸۵، ص ۳۲.

۱. مقبولیت اجتماعی

پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و اینکه او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. رسول مکرم اسلام ﷺ می‌فرماید: «ثَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ هُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْأَبْقَى حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَوْلَاةٍ وَ النَّاشِرُ عَنْ زَوْجِهَا وَ هُوَ عَلَيْهِمَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ...؛ هشت طایفه‌اند که خداوند از آنها نمازی را نمی‌پذیرد: بنده فراری تا وقتی که به سوی مولایش بر گردد، زن ناشزه‌ای که همسرش بر او خشمناک باشد، منع‌کننده زکات، امام [جماعت] قومی که نماز بخواند با اینکه مردم از وی کراهت داشته باشند و...»^۱

رحیم نوبهار، با استناد به همین شاخص، معتقد است که باید انتخاب امام جماعت مسجد به مردم - اعم از همسایگان و مجاوران مسجد - واگذار شود. «واگذار نمودن انتخاب امام جماعت مساجد به مردمی که مجاور و همسایه مسجد هستند، سبب می‌شود تا مردم کسی را که به طور واقعی دوست می‌دارند، به امام جماعت برگزینند. ضمن اینکه به طور معمول شناخت مردم به دلیل ارتباط نزدیک با افراد، واقعی‌تر و در صد خطای آن یا مرکزی که بخواد در این باره تصمیم بگیرد، کمتر است. این امر همچنین، نظام اسلامی را از وجود مرکزی که بخواد در این باره تصمیم‌گیری کند، بی‌نیاز می‌سازد»^۲.

۲. توجه به وظایف امام جماعت

امام جماعت علاوه بر مدیریت صحیح مسجد و اقامه نماز جماعت، لازم است مواردی را مدنظر قرار دهد:

مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْرَأَتِكَ تَكْبِيرَةً وَاحِدَةً لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَ الْكَبِيرَ؛ هرگاه امام جماعت بودی، یک‌الله‌اکبر برای تو کافی است؛ زیرا افرادی که کار دارند یا ضعیف و پیر هستند با تو هستند»^۳.

امیر مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «أَخْرُ مَا فَارَقْتُ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ أَوْعَفٍ مَنْ خَلَقَكَ...؛ آخرین سخنی که با آن از محبوب قلبم جدا شدم، این بود که فرمود: یا علی! به هنگام نماز [جماعت]، نمازی متناسب به حال ضعیف‌ترین کسی که به تو اقتدا کرده است، بخوان»^۴.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۹.

۲. نوبهار، رحیم، رابطه نظام اسلامی و مساجد، مؤسسه فرهنگی تبیان، قم، ۱۳۸۷.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۴. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۴۴۷.

در روایت دیگری رسول خدا ﷺ می فرماید: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقُعُودِهِ وَقِيَامِهِ زِدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَ لَمْ يُجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَ كَانَتْ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةَ أَمِيرِ جَائِرٍ مُتَعَدِّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشستن و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف‌های او تجاوز نمی کند و جایگاه چنین امامی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیت خود تلاش ننموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است».

تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات

اگرچه اجرای این برنامه در همه مساجد ضروری نیست؛ اما مناسب است امام جماعت با توجه به نیاز محل، ساعتی را به صورت روزانه یا هفتگی در مسجد حضور یابد و به سؤالات پاسخ گفته و به رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی بپردازد و در صورت نیاز با مراکز حوزوی و متخصصان در تماس باشد تا سؤالات به خوبی پاسخ داده شود.

ج) حفظ آرامش مسجد؛

د) ارائه برنامه‌هایی که بر جذابیت مسجد بیفزاید؛

ه) تشکیل هیئت امنای شایسته؛

و) رفع موانع جذب جوانان به مسجد.

نتیجه سخن

امروز، جامعه اسلامی ما همانند دیگر جوامع، از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام فاصله دارد که برای رسیدن به الگوی مسجد طراز اسلامی نیاز به کم کردن این فاصله‌ها داریم، مسجد طراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... است. پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران - که تحوّل بنیادین را در ارزش‌ها، ساختارها و رفتارها در راستای احیای اسلام ناب محمدی ﷺ ایجاد و ایجاب نموده است - ضمن بازگشت دادن ارکان و اجزاء جامعه به الگوی جامعه مدینه‌النبی، با لحاظ مقتضیات زمان، عناصر و کارکردهای جدیدی را برای همه یا اکثر ساختارها و از جمله برای مسجد تعریف نموده است. شناخت و پیاده‌سازی عملی این کارکردها و عناصر

و توزیع منطقی این نقش‌ها در میان ارکان و اجزاء مسجد، اعمّ از اجزای داخلی و بیرونی، مهم‌ترین گام راهبردی برای رسیدن به مسجد طراز نظام مقدّس جمهوری اسلامی است. واژه «طراز» یا «تراز» در کتاب‌های لغت به معنای «قاعده، قانون، روش، طرز، رتبه، قسم، نوع، هم‌شان، هم‌پایه و هم‌سطح» است.^۱

مسجد طراز اسلامی عنوانی است که نخستین بار مقام معظم رهبری دام‌عزیزه در پیامی که به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز (۱۸ مهرماه ۸۹) دادند، خواستار رسیدن به چنین مسجدی شده‌اند. منظور از مسجد طراز اسلامی، رسیدن به مسجدی، بر اساس قاعده و روش صدر اسلام است.

با امعان نظر در مجموع مدارک تاریخی و روایی، به روشنی درمی‌یابیم که در سیره پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، مسجد اولین و مهم‌ترین رکن در همبستگی بین امت و رهبر و مرکز تمام تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی است که حکومت برای اجرای آنها نیازمند حضور و نقش‌آفرینی آحاد مردم است؛ اقداماتی مانند: آموزش نیروهای نظامی، اطلاع‌رسانی و بسیج عمومی برای مبارزه با توطئه‌های مختلف دشمن، تعلیم و تربیت، رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مسلمانان و ... افزون بر اینها، آن حضرت صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به عنوان حاکم اسلامی، تمام وظایف و شئون حاکمیتی خود را با محوریت مسجد و در مسجد رتق و فتق می‌فرمودند؛ در مسجد محکمه قضاوت برپا می‌کردند، با بزرگان به شور می‌نشستند، بیت‌المال را در مسجد تقسیم می‌فرمودند، دیدارهای سیاسی و دیپلماتیک خود را در مسجد برگزار می‌کردند.

پس از رحلت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و روی کار آمدن خلفای راشدین، مسجد همچنان پایگاه حکومت و دارای کارکردهای آموزشی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و نظامی بود. امام علی علیه‌السلام نیز مانند پیامبر و خلفای سه‌گانه، مسجد را مقرّ خلافت و حکومت قرار داد و کلیه وظایف و برنامه‌های حکومتی خود را در مسجد و با محوریت مسجد انجام داد.

پس از شهادت امام علی علیه‌السلام و قدرت یافتن بنی‌امیه به سرکردگی معاویه بن ابی‌سفیان، مسجد از سویی برای عوام‌فریبی و سوء استفاده از موقعیت سوق‌الجیشی تجمع مؤمنان و ارتباط حاکم با رعیت در سلطه و اختیار خلیفه قرار گرفت. این زمان نقطه آغاز تضعیف جایگاه و نقش مساجد در جامعه اسلامی به شمار می‌رود. معاویه بن ابی‌سفیان که خود را خلیفه رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و لایق‌ترین فرد برای اقامه جمعه و جماعت می‌دانست، بر فراز منبر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌نشست و خطابه می‌خواند و با مغالطه و سفسطه، معارف دینی را دستاویزی برای ظلم و ستم دستگاه حکومت خویش قرار می‌داد. بعد از سلسله خبیثه بنی‌امیه، سایر خلفا و

۱. رک: کتاب‌های لغت مانند فرهنگ معین، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «طراز».

به مرور سلاطین و پادشاهان کشورهای اسلامی اغلب از مسجد این گونه استفاده می کردند. البته در تمام این مدت، علما و مراجع بزرگ، با درک خطر وابستگی پایگاه دین به پادشاهان در مقابل دولتی شدن مساجد مقاومت کردند و در چند نوبت که حکومت‌ها قصد دست‌اندازی بر مساجد را داشتند، با مقاومت سخت از سوی علمای و روحانیان مواجه شدند. این مقاومت‌ها در حدی بود که بعضی از مراجع بزرگ هر گونه همکاری را تحریم نمودند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ حتی این مسئله را در رساله خود نیز آورد و چند مسئله را در باب امر به معروف و نهی از منکر به تحریم همکاری علما با دولت جائز و حکم عدم عدالت آنها اختصاص داد. نکته شایان توجه این که با مطالعه و مرور گذشته مساجد، به نتیجه می‌رسیم که مسجد در هیچ دوره‌ای به اندازه دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ به مساجد دوران حکومت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شبیه نبوده است. اگر چه در این دوره به دلایل مختلفی، مساجد به طور کمی و کیفی فاصله‌ای طولانی با الگوی مسجدالتبی داشتند، اما در مقایسه با دوران‌های پیشین و حتی کنونی، از نسبتی بس نزدیک با آن طراز اسلامی برخوردار بودند.

به طور قطع، باور به جایگاه منحصر به فرد مسجد در دست‌یابی نظام اسلامی به اهداف و آرمان‌های بلند خود، نخستین شرط در احیاء کارکردهای مسجد است. برای نیل به این منظور باید انتظارات از مسجد را در قالب شاخص‌های مسجد طراز نظام اسلامی مورد بررسی قرار داد و سپس، با بررسی وضعیت کنونی، برای تحقق وضع مطلوب برنامه‌ریزی و حرکت کرد.

هر مسجدی دارای ارکانی و هر رکنی باید دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتوان آن را در قالب مسجد طراز، شناسایی و تعریف نمود. مهم‌ترین ارکان مسجد به قرار زیر است:

۱. امام جماعت، که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی عَلَيْهِ السَّلَام «مدیر طبیعی مسجد» است.
 ۲. مأموم‌ها که حضور پر شور و منظم و منضبط خود در مسجد، مهم‌ترین مصداق عمران مسجد تلقی می‌شود.

۳. هیأت امناء که از سوی مردم و با تأیید امام جماعت برای اداره امور مسجد به امام جماعت کمک می‌کنند.

۴. تشکّل‌های فعال در مسجد؛ نظیر پایگاه بسیج، کانون فرهنگی و هنری مسجد و ... که عهده‌دار امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد هستند و با هماهنگی امام جماعت و پشتیبانی نیروی مقاومت، به پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی مشغول هستند.

۵. خادم که با نظافت به هنگام و شایسته مسجد، موقعیت را برای اقامه نماز و انجام سایر وظایف مسجد، فراهم می‌آورد.

۶. ساختمان و امکانات فیزیکی مسجد.

در میان ارکان یادشده، نقش امام جماعت بسیار حائز اهمیت است. این روحانی پرهیزکار، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است. وجود روحانی شایسته و طراز نظام اسلامی برای امامت و مدیریت آن در بُعد نرم‌افزاری ضروری است. به تعبیر رهبر انقلاب «نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است»^۱.

منابع و مأخذ

کتاب:

قرآن کریم

۱. امام خمینی ره، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۲. ابن اخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه، اصت مکتبه دارالفنون بغداد، مکتبه المثنی بکیمبریج ۱۹۳۷ م.
۳. ابن ابی الحدید معتزلی، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۴. ابن مسکویه، تجارب الامم، ترجمه: ابوالقاسم امامی، تهران، نشر سروش، ۱۳۹۱ هـ. ش.
۵. ابن هشام، سیرت رسول الله، ترجمه: رفیع الدین اسحاق بن محمد همدانی، شرکت افست، چاپ دوم، ۱۳۶۱ هـ. ش.
۶. اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، المجلد ۱-۲، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مقدمه: محمد منیر دمشقی، بیروت ۱۴۰۶ هـ. ق و ۱۹۸۶ م.
۸. بدرالدین، ابی محمد محمد بن ابی احمد العینی، عمدہ القاری فی شرح صحیح البخاری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۹. حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، دوره ۲۰ جلدی، اسلامیه تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۱۰. رازی، ابوالفتوح، تفسیر، لقیم و حواشی مهدی الهی قمشه ای، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۵ هـ. ش.
۱۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۳. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱ هـ. ق.
۱۴. طه الولی، المسجد فی الاسلام، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۵. قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، مؤسسه مسجد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ش.
۱۶. کاشف الغطاء، شیخ جعفر بن خضر جناحی نجفی، کشف الغطاء من خفیات مبهمات الشریعة

- الغزء، دارالطباعة سيدمرتضى، ۱۳۱۷ هـ.ق.
۱۷. كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، تصحيح: علي اكبر غفاري، دارالكتب الاسلاميه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ.ق.
۱۸. كليني، محمد بن يعقوب، روضه الكافي، دارالعارف، بيروت، ۱۴۱۱ هـ.ق.
۱۹. ماوردي، علي بن محمد بن حبيب، الاحكام السلطانيه، دارالكتب العلميه، بيروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۰. مجلسي، محمد باقر، بحار الانوار، بيروت، دار احياء التراث العربي، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.ق و ۱۹۸۳ م.
۲۱. نوري، حسين بن محمد تقى، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت (عليه السلام) لأحياء التراث، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۲. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، تهران، مركز اطلاعات و مدارك اسلامي، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۳. موحد، دكتور محمد علي، ابن بطوطه، طرح نو، سال ۱۳۷۶ هـ.ش.
۲۴. نجفي، شيخ محمد حسن، جواهر الكلام، مشهد مقدس، مؤسسه الامام صاحب الزمان (عليه السلام)، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۲۵. نوبهار، رحيم، سيمای مسجد، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ.ق.
۲۶. واقدى، محمد بن عمر، المغازى، ترجمه محمود مهدوى دامغانى، مركز نشر دانشگاهى.
۲۷. فزاء، قاضى ابوعلی محمد بن حسين، الاحكام السلطانيه.

مقالات:

۲۸. فتاحی، محمد جواد، بايدها و نبايدهاى مسجد.
۲۹. پیام مقام معظم رهبری (علیه السلام) به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، مهرماه ۱۳۸۹ هـ.ش.
۳۰. نوبهار، رحيم، رابطه نظام اسلامى و مساجد، مؤسسه فرهنگى تبيان، قم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۳۱. ابوالقاسمى، محمد جواد، رابطه مسجد و حکومت، معاونت فرهنگى، آموزشى و پژوهشى سازمان برنامه و بودجه، شماره ۳.
۳۲. نوری، محمد، گزیده مآخذ شناسی نقش زمان و مکان در فقه، آينه پژوهش، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، شماره ۳۶.
۳۳. ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، معرفت ۱۳۷۹ شماره ۳۳.
۳۴. طهمورثی، اسماعیل، ویژگی های مسجد نمونه، روزنامه رسالت، شماره ۵۸۵۱، ۱۳۸۵/۲/۱۱.

۳۵. قجری، محمدمهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مجله مبلغان، شماره مرداد ۱۳۸۸.

سایت‌ها و وبلاگ‌ها:

۳۶. باشگاه اندیشه، اجتهاد و مقتضیات زمان از دیدگاه امام خمینی ره، بی‌نام.

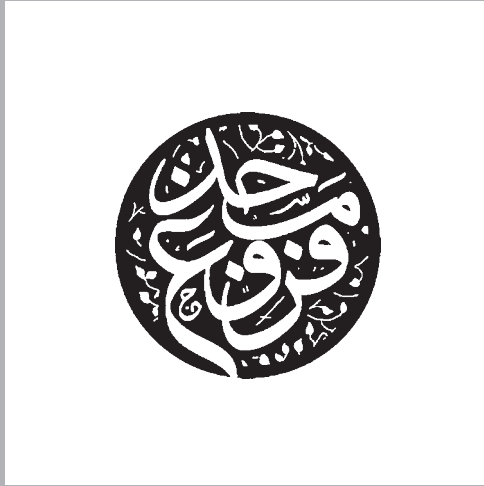
۳۷. سایت تبیان: <http://www.tebyan.net/newindex>

۳۸. احمدی، محمّدبشیر، وبلاگ، دین و اندیشه سیاسی در خاورمیانه، مسجد و سیاست

<http://accuracy.mihanblog.com>

۳۹. افسریبیگی، جواد، نقش مسجد در زمینه سازی ظهور امام زمان ع، سایت تبیان

<http://www.tebyan.net>



مسجد
انقلاب اسلامی
ویداری اسلامی

شماره ۲

مسجد، نماد تمدن اسلامی

محمود حسین زاده خراسانی

چکیده

نوشته حاضر در صدد تبیین مسجد به عنوان نماد تمدن اسلامی است. نگارنده، ضمن تشریح کارکردهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و آموزشی مسجد، خود ساختمان این مکان مقدس را به عنوان نماد توسعه و استواری فرهنگ و تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا باید در تمام شهرها و محلات کشور اسلامی این نماد حضور و ظهور داشته باشد. این نوشتار، شامل پنج مبحث است که عبارت‌اند از: مفهوم‌شناسی نماد، فواید و تأثیرات نمادسازی، مسجد نماد فرهنگ و تمدن اسلامی، مبارزه با نماد تمدن اسلامی (مساجد)، احیای نماد تمدن اسلامی.

واژگان کلیدی:

مسجد، تمدن، فرهنگ، شهرسازی، تمدن اسلامی، سنبل، الگو، نماد.

هر ملت و جامعه، فرهنگ خاصی دارد. با توجه به نقش فرهنگ در حیات معنوی جامعه و تأثیر آن در معرفی هویت ملی و تکامل مادی و معنوی جامعه، نمی‌توان حوزه عمل فرهنگ را به برخی زمینه‌ها محدود کرد. از سوی دیگر، برای انتقال آداب و عادت‌ها و اندیشه‌ها از نسلی به نسل دیگر، به یک ابزار نیازمند هستیم. یکی از وسایل انتقال فرهنگ، «نمادها» هستند.

نماد، وسیله مناسبی برای معرفی فرهنگ اسلامی است؛ معرفی تفکر، فرهنگ و نمادهای دینی اسلامی به دیگر جوامع و تمدن‌ها، از زمینه‌هایی است که افزون بر معرفی هویت اسلامی جامعه به دیگران، عاملی در جهت تقویت روح فرهنگ اسلامی و عزت و اعتماد به نفس جامعه نیز محسوب می‌شود. بنابراین، در فرهنگ‌های بشری، سمبل‌ها و نمادهایی وجود دارد که از یک سو، شاخص هر فرهنگ و از سوی دیگر، شخصیت بخش جوامع و انسان‌ها است. یکی از نمادهای دینی که در طول تاریخ در توسعه و استواری فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته، «مسجد» بوده است. بر این اساس، مسلمانان، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، به دستور پیامبر اسلام ﷺ به سمت مکانی سوق داده شدند که پس از چندی به عنوان نماد و نشانه حکومت اسلامی معروف گشت و این امر به قدری مشهور شد که در نماد بودن مسجد به عنوان سنبل تمدن اسلامی کسی تردید نمی‌نمود.

بدین ترتیب، شهرهایی که از سابقه تاریخی برخوردار بودند، بعدها به حوزه تمدن اسلامی وارد می‌شدند و به تدریج با ایجاد مساجد و گسترش تعداد مساجد و همچنین با زیاد شدن مدارس اسلامی و سایر تأسیسات لازم، (این شهرها) رنگ تمدن اسلامی به خود می‌گرفتند. بدین صورت، هر شهر، متناسب با وضع جغرافیایی خود و بر اساس مشترکات شهرهای اسلامی و آداب و رسوم و مختصات تمدن و فرهنگ اسلامی، گسترش و توسعه یافت.

بدون تردید، مسجد در ابعاد گوناگونی چون بُعد اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی، آموزشی و ... به پیشرفت جامعه اسلامی یاری رسانده و در نتیجه موجب رشد و شکوفایی تمدن نوپیان اسلام شده است. نکته درخور توجه این است که هر امری برای بازشناسی، دارای نشانه‌ای است که آن را از امور دیگر متمایز می‌سازد. کلیسا و صلیب در قرون وسطی، به خصوص در دوران جنگ‌های صلیبی بین مسیحیان و مسلمانان، به عنوان نماد تمدن مسیحیت اطلاق می‌شد. بنابراین، برپایی کلیسا و گسترش تعداد آن در هر کشوری بیانگر این امر بود که تمدن مسیحیت، تمدن غالب است، چنان که مسجد شهر قرطبه در اندلس با استیلای مسیحیان به کلیسا تبدیل شد.

در این نوشتار مختصر، نگارنده قصد دارد تا با مطالعه در منابع معتبر اسلامی، نقش خود ساختمان مسجد را به عنوان نماد رشد و ترقی تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار دهد.

مبحث اول: مفهوم نماد

گاهی میان دو پدیده یا دو مفهوم، چنان پیوندی در ذهن ما برقرار می‌شود که با خطور یکی به فضای ذهن، دیگری نیز بدون فاصله در ذهن انسان تداعی می‌شود که اندیشمندان علم منطق، در اصطلاح به آن دلالت می‌گویند. دلالت به سه صورت است:^۱

۱. دلالت عقلی، مثال: با دیدن دود، ذهن انسان پی به آتش می‌برد.
۲. دلالت طبعی که به عواطف درونی مربوط است؛ به‌طور مثال، شما از رنگ پریدگی شخص، به بیمار بودن او پی می‌برید. در روانشناسی از دلالت طبعی، به عنوان «زبان عواطف» تعبیر شده است.
۳. دلالت وضعی که عبارت از دلالتی است که سبب آن قرارداد است؛ به این معنی که چیزی را علامت و نشانه چیز دیگری قرار می‌دهند؛ مانند: دلالت لباس سیاه بر ماتم و دلالت علائم راهنمایی بر معانی خاص؛ مثل برداشت ذهن از علامت «پارک ممنوع» و مانند دلالت الفاظ بر معانی، مانند اینکه ذهن از کلمه «میز» به یک سازه چهارپایه منتقل شود. به عبارت دیگر، به این عمل، «تداعی معانی» اطلاق می‌شود؛ به‌طور مثال با شنیدن نام اصفهان، انسان ناخواسته به یاد آثار تاریخی همچون سی و سه پل، منار جنبان، گز و ... می‌افتد. امروز، در روش‌های مطالعه و یادگیری، تداعی معانی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌طوری که یکی از قابل‌اعتمادترین روش‌های یادگیری است که به آن «تصویرسازی ذهنی» یا با کمی مسامحه «روش کلمه کلید» اطلاق می‌شود. در این روش، شخص فراگیرنده در ذهن خود بین دو مفهوم که یکی پایدار و دیگری ناپایدار است، رابطه‌ای ایجاد می‌کند که ذهن با یادآوری مفهوم پایدار، به آن مفهوم دیگر غیر پایدار منتقل می‌شود.

انسان، از این ویژگی مهم ذهنی خویش به نحو شایسته‌ای بهره برده است که با «قرارداد» های خاص یا عام از نشانه‌های ساده‌ای برای احضار این معانی (مفاهیم غیر پایدار) به ذهن، بهره گرفته است که در حقیقت با کلماتی، مانند نماد، سمبل، شعار و مظهر، مورد شناسایی واقع می‌شوند.

زندگی اجتماعی، مملو از این نمادهاست؛ کعبه و مساجد، نماد و نشان توحید است؛ پرچم، نشان یک کشور و ملیت، حلقه نامزدی نشان همسری، لباس روحانیت نشان عالم دینی، ویر گول، سمبل مکث کوتاه، عبارت «ح» در حروف سجاوندی [در رسم الخط قرآن]، نشانه وقف جایز، ستاره‌های روی دوش نظامیان

نشانه رتبه، رنگ‌های کمر بند در ورزش‌های رزمی، نماد رتبه و مهارت، هلال، مظهر امداد رسانی و عمامه، سیاه نشانه سیادت است که اگر بنا باشد به احصاء این نمادها در زندگی اجتماعی بپردازیم، از موضوع اصلی بحث خارج می‌شویم.

دسته‌ای از نمادها، نمایانگر یک ایده و یک ایدئولوژی خاص هستند و به کار گرفتن آنها نشانه دل‌بستگی شخص به آن مکتب و ایده است؛ به‌طور مثال، صلیب، نشانه مسیحیت و اذان، نشانه اسلام و چفیه، نماد جبهه و ایثار و شهادت و پرتاب کفش به سوی کسی، نماد نوعی اعتراض و علامت تحقیر است. پیوند نماد و صاحب نماد در ذهن، چنان استوار است که وجود یکی با وجود دیگری درهم آمیخته و درهم تنیده است و مثل این است که این نماد، وجود دیگری از معنای آن است که در اصطلاح علمای علم اصول فقه، به «فنا» تعبیر شده است؛ به‌طوری که قبح معنا به لفظ نیز سرایت می‌کند. نماد شدن چیزی، به دو صورت پدید می‌آید که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱) به سبب تکرار یا به اصطلاح «نمادسازی به صورت تعین»: به این معنی که فرد خاصی یک نماد را ایجاد نمی‌کند، بلکه به مرور زمان و بر اثر تکرار مشاهده یا شنیدن مکرر، ارتباط تنگاتنگی بین نماد و آن معنی ایجاد می‌شود؛ به عنوان مثال، الزیدی روزنامه‌نگار عراقی، با پرت کردن لنگه کفش به سوی بوش پسر، رئیس جمهور وقت آمریکا و با تکرار این فعل در سراسر دنیا، این عمل، نمادی برای اعتراض به شخص مورد نظر تلقی شد.

۲) نمادسازی به شیوه تعیین، توسط یک فرد یا گروهی از افراد: در این قسم، یک فرد یا یک گروه نشانه‌ای را برای معنایی قرار می‌دهند؛ مثل طراحی که برای یک شرکت تجاری، آرمی را ترسیم می‌کند یا گروهی برای یک کشور، پرچم یا سرود ملی را طراحی می‌کنند. این نکته قابل تأمل است که برای آنکه نمادها کارکرد واقعی خود را داشته باشند، باید دو عامل وجود داشته باشد:

الف) شخص از وضع نماد آگاهی داشته باشد.

ب) مکرر این پیوند را دیده باشد.

مبحث دوم: فواید و تأثیرات نمادسازی

الف) تبادل سریع پیام

همان گونه که بیان شد، نمادها با تبادل سریع پیام، روابط اجتماعی انسان را آسان می‌کنند. رنگ نارنجی

تاکسی، صدای آژیر خودروهای امدادی و ... به راحتی برای اشخاص دارای مفهوم هستند.

ب) نمادها عوامل تأثیرگذار بر اراده افراد

صورت‌های ذهنی انسان‌ها، مشمول مرور زمان است، بنابراین، نمادها و نشانه‌ها ناخودآگاه بر فرد تأثیر گذار هستند و با فراخوانی معنا به ذهن، توجه شخص را بر می‌انگیزد و غفلت را مضمحل می‌نمایند. برای غفلت‌زدایی به چند طریق می‌توان عمل نمود^۱ که یکی از آنها همین تداعی معانی به وسیله نمادهای موجود در اجتماع است؛ به عنوان مثال، مساجد، یکی از این نمونه‌ها هستند که سمبل توحید و عبودیت هستند و شعار آن، یعنی اذان، نیز هر روز بیانگر همین امر است که شیطان فراموشی را رجم نماید و از دل براند. بر همین اساس، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «وَاشْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَاحْذِرْ مَنَازِلَ الْعَفَلَةِ؛ در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا مرکز اجتماع مسلمانان [و سبب غفلت‌زدایی] است؛ بنابراین، با حضور در اجتماع مسلمانان، از غفلت دوری نما»^۲.

ج) نمایانی تفکر و ایده

مساجد، به عنوان جلوه‌های بیرونی دینداری تلقی می‌شوند و کسانیکه در این نماد برجسته اسلامی، رفت‌وآمد نمایند، در بین جامعه به عنوان افرادی دیندار شناخته می‌شوند. پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يِعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ؛ هنگامی که دیدید مردی بر رفت‌وآمد به مسجد مداومت می‌کند، وی را مؤمن بدانید. خداوند متعال می‌فرماید: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند، مساجد خدا را آباد می‌کنند»^۳.

پیراهن مشکی شیعیان در ایام سوگواری ائمه معصومان (علیهم السلام) عشق فرد را به اهل بیت و اعتقاد آنها را به فرهنگ عاشورا، اعم از ظلم‌ستیزی و ایثار و شهادت و عفاف و ... بیان می‌کند. بنابر اصل تأثیر باطن بر ظاهر، می‌توان نتایجی را که بیان شد، به دست آورد. امروز، اگر کسی در هر جای دنیا، تمثال مبارک حضرت امام (ع) را همراه داشته باشد، این کار او بیانگر ظلم‌ستیزی وی محسوب می‌شود؛ همچنان که اگر کسی صلیبی شکسته همراه داشته باشد، بیانگر این امر است که شخص از عقائد نئونازیست‌ها تبعیت می‌کند.

۱. تفکر، مشاهده عمل دیگران و موعظه، از عوامل غفلت‌زدا هستند.

۲. دشتی، محمد، نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۳۴.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، باب ۳، روایت ۱۸.

د) نماد، بیانگر التزام افراد جامعه

اگر آمار نشان‌ها و سمبل‌های یک ایده و فکر در یک جامعه افزایش یابد، بیانگر این امر است که التزام افراد آن جامعه به آن معنا و مفهوم نماد، بیشتر است و آن مفهوم از هنجارهای آن جامعه محسوب می‌شود؛ به عنوان مثال، وقتی در جامعه‌ای چادر مشکی که نماد عفاف و پاکدامنی است، پوشش درصد بیشتری از زنان جامعه را تشکیل بدهد، به صورت حتم، اهمیت و حساسیت عفاف را در جامعه بیان می‌کند.

ه) نماد، توسعه دهنده فرهنگ در اجتماع

با توجه به مطالب بیان شده بند «ج» و کارکردهای مختلف مسجد اعم از فرهنگی، اقتصادی، رسانه‌ای، عبادی، قضایی، نظامی و هنری، گسترش نماد در یک جامعه، بی‌شک بیانگر اهمیت مفهوم آن نماد در جامعه است. بنابراین، اگر متولیان فرهنگ، به هر صورت از فرآیند نمادسازی بهره ببرند و همچنین در گسترش آن نیز بکوشند، افراد جامعه نیز به تبع آنها، از آن نماد، الگوگیری می‌نمایند و کم‌کم آن مفهوم نمادین در جامعه به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی مورد پذیرش عموم قرار می‌گیرد. در همین راستا، مساجد محلات و مساجد جامع می‌توانند در ایجاد، گسترش و استمرار فرهنگ دینی نقش بسزایی ایفا کنند. شاید تشویق اولیاء دین در ساختن مساجد، به همین سبب باشد. در غیر این صورت، ساختن مسجد به اندازه‌های کوچک حتی به اندازه لانه پرنده^۱ چنان که منقول است، امری دور از ذهن به نظر می‌رسد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمودند: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ اگر کسی مسجدی احداث کند در عوض خداوند خانه‌ای در بهشت به عطا می‌کند»^۲. در مورد سیر به سمت بینش، سلوک، رفتار و کنش و واکنش مردم و دولت به سوی آموزه‌های دینی و اسلامی از دو منظر می‌توان بحث نمود:

۱) توسعه در بُعد نظری: تعمیق جهان‌بینی الهی و اسلامی از طریق اعتلای معرفت دینی، افزایش دانایی و زدودن جهل و بی‌خردی.

۲) توسعه در بُعد عملی و کارکردگرایانه.

مسجد می‌تواند در تبلور و تجلی شریعت، ایدئولوژی و تفکر اسلامی در جامعه، ساختار حکومت و رفتار

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۵: امام باقر علیه السلام فرمودند: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْصِصِ قِطَاءِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ».
 ۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸.

کارگزاران در هر دو منظر ذکر شده، نقش برجسته‌ای را ایفا کند. نقش مسجد در توسعه فرهنگ در اجتماع به شرح زیر است:

الف) نقش نظری مسجد در توسعه و گسترش معرفت دینی و فرهنگ‌سازی

نقش نظری مسجد در توسعه و گسترش معرفت دینی و فرهنگ‌سازی را می‌توان در سه مورد زیر خلاصه نمود:

۱. تبیین عقلانی دین برای مردم در ابعاد مختلف عبادی، معنوی و اعتقادی: مسجد، از همان صدر اسلام به عنوان مکان تعلیم و تربیت مورد استفاده قرار می‌گرفت. به طوری که حلقه‌های مختلف علمی در ابعاد مختلف، مانند مسائل عبادی، معنوی و کلامی در آن دیده می‌شد و با این امر مهم، مسائل و مجهولات اصحاب و یاران پیامبر ﷺ با تبیینی عقلانی و عقلایی برطرف می‌گشت.
۲. فرهنگ‌سازی، ترویج مفاهیم و کارکردهای دین؛
۳. تبلیغات دینی، گسترش و اشاعه مفاهیم و معارف و کارکردهای دین.

ب) نقش ایدئولوژیک مسجد در توسعه فرهنگ دینی

با توجه به این که مساجد به عنوان جلوه‌های بیرونی دینداری و به عنوان یک جامعه آماری کوچک محسوب می‌شوند، می‌توان با کاربردی کردن بسیاری از احکام مختص مسجد در فضای مسجد و توسعه عملیاتی آن در سطح محلات و در اجتماعات وسیع‌تر، به نتیجه مطلوب این فرآیند نظری - کاربردی رسید. در واقع، نتیجه این امر، دستیابی به انسان، جامعه، و دولتی توسعه‌یافته و مذهبی است.

مبحث سوم: مسجد، نماد فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی

۱) مسجد، قلب تمدن اسلامی

مدینه منوره، اولین مرکز حکومت اسلامی بود که بعد از هجرت نبی مکرم اسلام ﷺ تشکیل شد و با تأسیس اولین مسجد در این شهر، گام‌های مهمی در تشکیل حکومت و مدنیت اسلامی برداشته شد؛ زیرا مسجد، علاوه بر اینکه محل عبادت ذات باری تعالی بود، به عنوان رسانه‌ای نو در ترویج فرهنگ و رشد و نمو مدنیت اسلامی، شناخته شده بود و پیامبر ﷺ گزاره‌های دینی و اخلاقی خویش را در این مکان ویژه القاء می‌نمودند. با این کارکرد تمدن‌ساز، مسجد به جایی رسید که به عنوان دارالاماره تلقی می‌شد و با توجه به همبستگی بین حکومت‌ها و تمدن‌ها، مسجد از همان ابتدا به عنوان نماد تمدن اسلامی مورد توجه بوده است.

از آغاز گسترش اسلام، پیوند بین مسجد و حکومت به حدی بود که موجب شد تا ساخت مسجد به طور عمده توسط حکومت‌ها صورت گیرد و نوع امرای جوامع اسلامی، ساختن مسجد را وظیفه خویش تلقی می‌نمودند و منابع عمومی را برای این کار اختصاص می‌دادند.

امام زمان علیه السلام نیز دارالحکومه خود را مسجد کوفه قرار می‌دهند:

«دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا؛ پایتخت حکومت امام زمان علیه السلام کوفه است و دارالاماره آن حضرت، مسجد جامع کوفه است.»^۱

۲) محوریت مسجد در شهرسازی اسلامی

پیامبر صلی الله علیه و آله برای ساختن جامعه جدید و نمونه، نخستین اقدام خود را با فعالیت معماری آغاز کرد. این امر نشان دهنده اهمیت و نقش فضاهای کالبدی شهری در هر جامعه آرمانی است. به این ترتیب، مسجد در قالب نخستین فضای کالبدی شهری در جامعه اسلامی، جایگاه خاص خود را پیدا کرد. البته، پیامبر صلی الله علیه و آله شهر یثرب را تأسیس نکرد؛ ولی ساختن جامعه‌ای نو در این شهر را از بنا نهادن مسجد آغاز کرد.

بعدها مسلمانان، ساختن شهرهای جدید، مانند کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در این شهرها، ابتدا جایگاه احداث مسجد مشخص می‌شد و سپس با محور قرار دادن آن، محله‌ها، خیابان‌ها، بازار و ... شکل می‌گرفت. به طوری که مسجد، به عنوان مدنیت شهری شناخته می‌شد و اگر در جایی مسجد جامع یا آدینه وجود نداشت، از اهمیت شهری، محروم بود؛ به طور مثال، در شهر بصره مسجد علی بن ابیطالب علیه السلام در وسط شهر قرار گرفته بود و یا مانند مسجد شهر کوفه که اولین شهر ساخته شده به دست مسلمانان، در قرن ۱۷ هجری است، نخستین محلی که برای شروع شهر ساخته شد، مسجد کوفه بود.

این اقدام نمادین، اصل عبادی شهر و جامعه و حکومت، در اندیشه اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. محوریت مسجد در معماری شهری و نیز چرخه امور شهر به صورت قطب فرهنگ‌ساز، سهولت دسترسی مردم به مسجد و تعدد مساجد در محله‌ها در گذشته تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری است.

۳) مسجد، تجلی تمدن اسلامی

با گسترش و نفوذ اسلام در مناطق و سرزمین‌های گوناگون و وارد شدن این فرهنگ و آمیختگی آن با عقائد آن اقوام، به تدریج دگرگونی‌های اساسی و مهمی در فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌های تازه مسلمان

به وجود آمد و پیشرفت‌های عظیمی در کلیه شئون زندگی، نصیب آنان شد که از مجموع این تغییرات و پیشرفت‌ها (که تجلی آنها در مسجد هویدا بود)، در قالب تمدن اسلامی، قابل شناسائی است.

بعضی از شهرها به دست مسلمانان تأسیس شده است و سابقه‌ای پیش از تاریخ اسلام ندارد؛ مانند: شهرهای بصره، کوفه، بغداد، سامراء، قاهره، قیروان، جرجان و غیره. طبیعی است که بگوییم این شهرها از ابتدا بر اساس فرهنگ و تمدن خاص مسلمانان ساخته شده‌اند و رنگ و نماد تمدن اسلامی، یعنی مساجد، از ابتدا در آن تعبیه شده است؛ اما یک دسته از شهرها نیز وجود داشتند که از سابقه تاریخی برخوردار بودند و بعدها به حوزه تمدن اسلامی وارد شدند و به تدریج با ایجاد مساجد و مدارس اسلامی و سایر تأسیسات لازم، رنگ اسلامی به خود گرفتند. در نهایت، هر شهر متناسب با وضع جغرافیایی خود و بر اساس مشترکات شهرهای اسلامی و با آداب و رسوم و مختصات تمدن و فرهنگ اسلامی، گسترش و توسعه یافت.

یکی از مشترکات، بلکه مهم‌ترین آنها در شهرهای اسلامی، وجود مساجد متعدّد و کوچک و بزرگ است که باعث تقویت روحیه جمع‌گرایی مسلمانان می‌شود و آنها را از بیماری اسکی پیسم^۱ می‌رهاند. بر همین اساس، امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ؛ در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا محل اجتماع مسلمانان است».^۲

۳-۱) تعدّد مساجد در شهرهای گوناگون اسلامی

اموری هستند که به عنوان شاخص و ملاک مورد توجه قرار می‌گیرند؛ به این معنی که بین افزایش شاخص و معلول، تابعی مستقیم بر قرار است؛ مثل افزایش تعداد دیش‌های ماهواره که نشان‌دهنده عدم علاقه مردم به شبکه‌های داخلی است و یا افزایش سرانه مصرف مواد شوینده، شاخص سلامت یک جامعه تلقی می‌شود. بر این اساس، تعداد مساجد، شاخص تدین مردم هر جامعه محسوب می‌شود و می‌توان بین تعداد مساجد و بین تدین و دینداری مردم و توجه آنها به ارزش‌ها، تابعی مستقیم بر قرار نمود. بر این اساس، در ادامه، نمونه‌هایی از تعدّد مساجد جامع و غیر جامع ذکر می‌شود:

الف) تعدّد مساجد جامع

در هر شهری یک مسجد جامع برای ادای نماز جمعه وجود داشت؛ اما در بعضی از این شهرهای بزرگ چندین مسجد جامع به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، در شهر بغداد در سال ۲۸۰ هجری، سه مسجد جامع وجود داشت و این، علاوه بر «مسجد جامع و براتا» بود که به شیعیان اختصاص داشت و در قرن ششم،

۱. escapism: پیروان این مکتب، معتقد به فرار از کارهای دولتی یا فرار از کارهای اجتماعی هستند.

۲. نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۶۰.

مساجد جامع این شهر به یازده مسجد رسید.^۱

در فسطاط (قاهره) دو مسجد جامع بود: یکی، جامع عمرو و عاص و دیگری جامع بن طولون. شهر سرا، پایتخت سلطان اوزبک است. در این شهر سیزده مسجد جامع برای نماز جماعت هست که یکی از آنها مخصوص شافعیان است.^۲ بعدها مساجد جامع دیگری به آنها اضافه شدند که تا قرن پنجم به یازده مسجد رسید.^۳

ب) تعدّد مساجد غیر جامع

مساجد دیگری نیز در شهرهای اسلامی وجود داشتند که عنوان جامع را نداشتند و تعداد آنها بسیار فراوان بود:

۱. مساجد متعدّد بصره: به بیان ابن فقیه در «البلدان» در بصره ۷ هزار مسجد وجود داشته است.^۴
۲. مساجد بغداد: مساجد بغداد را ۳۰ هزار نقل می‌کند.^۵
۳. مساجد قرطبه در اندلس (اسپانیا): در مورد شهر قرطبه، مرکز خلافت اسلامی در اندلس، نوشته‌اند که دارای ۳۸ هزار مسجد بوده است.^۶
۴. مساجد شهر پالمو: برای شهر پالمو در قرن دهم بالغ بر ۳ هزار مسجد در تاریخ به ثبت رسیده است.^۷
۵. مساجد شهر دمشق: مساجد دمشق را در قرن چهاردهم، ۱۲ هزار مسجد ذکر نموده‌اند.^۸
۶. مساجد کش: در سراسر این شهر، خانه‌ها و مساجد بسیاری وجود دارد.^۹
۷. مساجد غزه: غزه، شهری وسیع و با مساجد متعدّد است.^{۱۰}
۸. مساجد تکریت: تکریت، شهری بزرگ و وسیع با بازارهای خوب است و مساجد متعدّدی دارد.^{۱۱}

۱. آدامتر، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. ابن بطوطه، ترجمه سفرنامه، ص ۴۰۳.

۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۴۵.

۴. ابن فقیه، البلدان، ترجمه فارسی، ص ۱۴۱.

۵. همان، ص ۲۲.

۶. نفخ الطیف، ج ۲، ص ۹.

۷. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۳۲۹.

۸. همان.

۹. سفرنامه کلاویخو، ترجمه، ص ۱۴۰.

۱۰. سفرنامه ابن بطوطه، ص ۵۱.

۱۱. سفرنامه ابن بطوطه، ص ۲۵۵؛ مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۱۴۱.

۹. مساجد شهر کنلوس (مالادیو): کنلوس، جزیره‌ای نیکو است که دارای مساجد بسیار است.^۱
۱۰. مسجد دیار بکر: دیار بکر، مساجد زیادی دارد.^۲
۱۱. مساجد بروجرد: این شهر، مساجد و مدارس متعددی دارد.^۳
۱۲. مساجد اُسترآباد (گرگان): این شهر، دارای امامزاده و آستانه زیادی است و در مجموع ۴۷ مسجد دارد.^۴

۲-۳) تخریب مساجد و تلقی اضمحلال تمدن اسلامی

بر اساس آنچه ذکر شد، مسجد، به عنوان شالوده حکومت اسلامی در تمدن اسلامی نقش ایفا می‌نماید. به طوری که اگر کسی می‌خواست در غلبه بر مسلمانان، شهر را از نشانه‌ها و تمدن اسلامی پاک‌سازی نمایند، به خراب نمودن مساجد آن شهر اقدام می‌نمودند و این امر را نشان دهنده از بین رفتن تمدن اسلامی تلقی می‌شد. به همین دلیل است که اگر کفار بر شهرهای مسلمانان و خداپرستان دست می‌یافتند، اقدام به خراب کردن مساجد و صومعه‌ها و کنیسه‌ها می‌نمودند.

در قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره شده است: «وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَبِيعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می‌شود، به شدت ویران می‌شدند».^۵

بر این اساس، اگر افراد با ایمان و غیور، دست روی دست بگذارند و تماشاچی فعالیت‌های ویرانگرانه طاغوت‌ها و مستکبران و افراد بی‌ایمان و ستمگر باشند و میدان را خالی نمایند، اثری از این نمادهای تمدن توحیدی باقی نخواهند ماند؛ زیرا مساجد و معبدهای توحیدی، جایگاه بیداری و نهادینه کردن تفکر و فرهنگ توحیدی است و کفار با این نشانه‌های یگانه‌پرستی به‌طور کامل مخالف هستند. نمونه‌هایی از تخریب مساجد به دست مهاجمان به کشورهای اسلامی به شرح زیر بیان شده است:

۱. تخریب مسجد قیساریه توسط رومیان: وقتی در ایام ابن‌زبیر، رومیان به قیساریه هجوم بردند، آن شهر

۱. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۱۴۸.

۲. سفرنامه سیف الدوله، ص ۱۹۰.

۳. همان، ص ۲۷۳.

۴. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۳۵۸.

۵. حج، آیه ۴۰.

را ویران ساختند و مسجد آن را نیز تخریب کردند.^۱

۲. تخریب مسجد الاقصی توسط بخت النصر: یکی از شواهد مشهور در ویران کردن معابد، تخریب مسجد الاقصی است که توسط بخت النصر صورت پذیرفت. او بیت المقدس را تصرف نمود و مسجد آن را ویران کرد.^۲

در مقابل این گونه فعالیت‌های مهاجمان و دشمنان کشورهای اسلامی، مسلمانان نیز برای از بین بردن تمدن یهودیان، کنیسه‌های آنان را به مسجد تبدیل می‌کردند که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

۱. تبدیل ده کنیسه به مسجد در دمشق توسط ولید: ولید، وقتی دمشق را تصرف کرد، ده کنیسه را تبدیل به مسجد نمود؛ «وهدم الولید عشر کنائس واتخذها مسجداً».^۳

۲. تبدیل کنیسه اسکندریه به مسجد، توسط خضر بن ابی بکر: در بین سال‌های ۶۷۱ تا ۶۸۰ هجری، خضر بن ابی بکر بن موسی المهرانی العدوی وقتی وارد اسکندریه شد، کنسیه آن شهر را به مسجد تبدیل کرد؛ «ودخل کنیسة الإسكندرية ونهب ما فيها وصيرها مسجداً».^۴

۳. تبدیل کلیسای سانتاسوفیا به مسجد ایاصوفیه توسط سلطان محمد دوم: با تصرف و حکومت مسلمانان بر منطقه، این مسجد بر روی کلیسای معتبر مسیحیان به نام سانتاسوفیا، ساخته شد.^۵

۴. تبدیل بتکده و کلیسا به مسجد جامع اموی: مسجد جامع اموی در دمشق در قبل از اسلام بتکده بود و بعد به کلیسا تبدیل شد که در عهد اسلام تبدیل به مسجد شد.^۶

۵. تبدیل کلیسا به مسجد در قرطبه (اسپانیا): رومی‌ها در قرطبه معبدی برای یانوس (یکی از خدایان روم باستان) داشتند که مسیحیان به جای آن کلیسای بزرگی بنیاد کرده بودند، وقتی عبدالرحمن اول به خلافت رسید، این کلیسا را از مسیحیان خرید و ویران کرد و به جای آن مسجد ازرق را ساخت. هر چند این مسجد با استیلای مسیحیان در اسپانیا به سال ۶۳۶ هـ ق به کلیسا مبدل شد.^۷

بدین ترتیب، نمادهای خداپرستی و عبودیت به اقتضای حوادث دچار تغییر می‌شدند و از روی خرابی‌ها، معبدی به عنوان سنبل تمدنی خاص و نوظهور پدیدار می‌شد که با ایجاد معابدی مختص به خود، در

۱. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۰۷.

۲. تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۷۳.

۳. ابن فقیه، البلدان، ص ۱۸۵.

۴. تاریخ الاسلام ووفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۵، ص ۸.

۵. سفرنامه سیف الوله، ص ۱۰۲.

۶. همان، ص ۱۷۴.

۷. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۲۳۸.

صدد ایجاد، ترویج، گسترش و پویایی تمدن خویش بر می‌آمد. بنابراین، مبارزه با نمادها و منهدم ساختن نشانه‌های تمدن‌های مختلف و گوناگون در بستر تاریخ، به فراوان دیده می‌شود؛ به طوری پیامبر ﷺ بعد از فتح مکه اولین کاری که انجام دادند، از بین بردن نمادهای شرک در درون و اطراف کعبه^۱ و همچنین در شهر مکه و قبائل اطراف آن بود.^۲

مبحث چهارم: مبارزه با نماد تمدن اسلامی (مساجد)

مبارزه با این نشانه و سمبل فرهنگ دینی از دو طریق متصور است؛ همان طوری که کسانی خواسته‌اند در این مسیر گام بردارند، از همین دو طریق بهره‌ها برده، آسیب‌هایی را نیز وارد نموده‌اند:

۱- از طریق توسعه شهرسازی غربی و محو نقش اساسی مسجد

در سیمای شهرهای جدید، اعم از ایران و کشورهای مختلف اسلامی، معماران و برنامه‌ریزان شهر از فرهنگ زلال قرآنی و سنت‌های دینی و بومی بیگانه گشته‌اند و پیش از آن که مروج و مبلغ مظاهر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و غربی‌زدگی و مادّی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت‌وساز شهری، مورد توجه قرار داده‌اند که ارمغان این روند، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی-فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی‌های خانواده‌ها است؛ به این علت که گسترش ساخت‌وسازهایی از این دست، سبب پوشیده ماندن مساجد به عنوان نماد تمدن اسلامی از دید شهروندان یک شهر شده است. این موضوع، باعث شده است که مساجد، آن نقش حسّاس خود را (که در مبحث دوم به آن اشاره شد) از دست بدهند.

از سویی دیگر، از آنجایی که مساجد به عنوان برقرار کننده عدالت اجتماعی و رشد و تعالی آگاهی مردم نقش ایفا می‌کنند، به عنوان الگوی ظلم ستیزی شناخته شده‌اند؛ همان گونه که در انقلاب اسلامی، نقش مساجد در این بُعد بسیار مهم بوده است. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام‌زدائی خود با ترفندهای گوناگون از جمله تبدیل مکان‌های مذهبی شهرها برای کارکردهای سودمندتر یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت‌های فرسوده و کهنه، با تخریب بخش‌های حسّاس مکان‌های مذهبی در صدد برهم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسستن پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن برآمدند. به عنوان مثال، پاساژهای ایجاد شده در گوشه و کنار شهرهای مختلف از این مکان عبادی به دور افتاده‌اند. در صورتی که در گذشته بازارها در اطراف مساجد ساخته می‌شدند.

۱. الکلبی، الاضنام، ص ۲۷.

۲. همان، ص ۹.

۲- از طریق تخریب فرهنگی مساجد

تخریب دیگری که در رابطه با مساجد صورت گرفته است، تخریب فرهنگی مساجد به وسیله شبیه خون فرهنگی است. البته، ناگفته نماند که متصدیان امور فرهنگی در کشورهای اسلامی نیز با کم کاری های خود در این امر دخیل هستند. یکی از این دسیسه های مربوط به این مقوله، دور نمودن مردم، به خصوص جوانان به مسجد است که خود یکی از مصادیق بارز تخریب مساجد است؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ حَرَابٍ لَا يَصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ؛ در روز قیامت، سه چیز در نزد خداوند شکایت می کنند: یکی از آنها، مسجد خرابی که اهلس در آن نماز نمی خوانند»^۱.

یکی از سه چیزی که روز قیامت به خدا شکایت می کنند، مسجدی است که مردم در آن حضور نمی یابند و با این کار موجبات تخریب آن را فراهم می کنند. از مصادیق دیگری که می توان برای تخریب مسجد در این زمینه ذکر نمود (همچنان که در تفسیر الوسیط ذکر شده)، عدم برپائی جلسات علمی در مساجد است. در همین راستا، امروز متأسفانه منابر و عطا در بیشتر مساجد در حال تعطیل شدن است؛ الزحیلی در تفسیر خود چنین بیان می کند:

«عمارة المساجد عمارة مادية بالبناء والترميم ومعنوية بالصلاة والعبادة والخدمة و عقد حلقات العلم والإرشاد والتوجيه؛ عمارت و آباد کردن مساجد، مثل ساخت و مرمت مسجد می تواند مادی باشد. حالت دیگری از آباد کردن، مثل برپایی نماز و عبادات و برپایی حلقه های علمی و مشاوره، می تواند معنوی باشد»^۲.
بر همین اساس، امام علی علیه السلام یکی از کارکردهای مساجد را مقوله یادگیری ذکر می کنند و در ضمن روایتی، یکی از فوائد حضور در مسجد را فراگیری مطالب جدید معرفی می کنند: «... مِنْ اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ... اَوْ عَلِمًا مُسْتَظَرًّا...»^۳.

مبحث پنجم: احیاء نماد تمدن اسلامی

الف) اهمیت احیاء نمادهای اسلامی

شناخت حقایق متعالی و اصول فطری مشترک و نمادین اسلامی، هم در احیای فرهنگ و حیات جامعه اثر مثبت دارد و هم جامعه را در برابر مفاهیم نمادین فرهنگ ها یا قدرت های فرهنگی دیگر دنیا بیمه می کند؛ این اصول، اصولی هستند که جهان غرب، آن را بر ملت های دنیا تحمیل می کند و به واسطه آنها، پای همّت

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. زحیلی، وهبة بن مصطفى، تفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۸۳۹.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷.

و اندیشه آنان را به بند می کشد.

با روشن شدن اهمیت احیای نمادهای اسلامی، توجه به نقش بنیادین آنها در احیای جامعه اسلامی نیز موضوعی بسیار جدی است. به بیان دیگر، یکی از عوامل مهم احیای جامعه اسلامی، احیای فرهنگ اسلامی یا به عبارتی، احیای اهداف جامعه اسلامی و حرکت بر مبنای قوانین اسلامی است. مهم‌ترین عامل اثرگذار بر احیای فرهنگ اسلامی، شناسایی منابع فرهنگ اسلامی و چگونگی بهره‌گیری از آنهاست؛ زیرا حیات هر فرهنگ و جامعه، به منابعی بستگی دارد که مبانی نظری فرهنگ آن جامعه است. به طور کلی، منابع اصلی در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند:

۱. گروه اول یا منابع اولیّه که شامل قرآن و سنت معصومان علیهم‌السلام است؛
 ۲. گروه دوم یا منابع ثانویه که تجربه‌های جوامع و تمدن‌های بشری از گذشته تاکنون را دربرمی‌گیرد.
- نکته مهم در بهره‌گیری از این دو دسته منبع، آن است که در گروه اول، شناسایی اصول بی‌زمان و مکان و تبیین معیارها برای ارزیابی و گزینش موضوع‌های گروه دوم ضرورت دارد؛ به این معنا که در منابع اولیّه نباید در پی یافتن مصداق‌های جزئی بود. همچنین، دریافت‌های منابع ثانویه را باید به صورت مطلق و بدون ارزیابی با معیارهای برآمده از منابع اولیّه پذیرفت.^۱
- به بیان قرآن کریم، بسیاری افراد از سیمای ظاهری آنها شناخته می‌شوند.^۲ همچنین، از معصومان علیهم‌السلام روایت شده است که خود را به شکل غیرمسلمانان در نیاورید؛^۳ زیرا نوعی خدشه‌دار کردن هویت اسلامی جامعه است. این مسئله اهمیت نمادها را در فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.
- معرفی تفکر، فرهنگ و نمادهای اسلامی به دیگر جوامع و تمدن‌ها، یکی از زمینه‌هایی است که افزون بر معرفی هویت اسلامی جامعه به دیگران، عاملی برای تقویت روح فرهنگ اسلامی و عزت و اعتماد به نفس جامعه نیز محسوب می‌شود. معرفی نشدن ویژگی‌های تمدن اسلامی، سبب گسستگی جامعه از گذشته و تاریخ خویشتن خواهد شد. در بُعد فراملی، معرفی تمدن اسلامی به دیگران، مایه افزایش اعتماد به نفس جامعه اسلامی و ارتقای آن در جهان است. اهمیت دادن به نمادهای اسلامی در جامعه سبب می‌شود که هویت فرهنگی به شکل مطلوبی اثرگذار باشد و حفظ شود.

۱. تقی‌زاده، محمد، منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهراسلامی، فصل‌نامه هنر، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۸.

۲. رک: اعراف، آیه ۴۸؛ آل عمران: ۱۰۶ و ۱۰۷.

۳. «إِنَّهُ أَوْحَىٰ إِلَٰهَ الْإِنسَانِ مِنَ الْإِنبِيَاءِ قَلًّا لِلْمُؤْمِنِينَ: لَا تَلْبَسُوا الْبَاسَ اِعْدَابِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ اِعْدَابِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسْلِكَ اِعْدَابِي فَتَكُونُوا اِعْدَابِي كَمَا هُم اِعْدَابِي؛ خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد، که به مؤمنان بگو: پوشاک دشمنان را نپوشید و خوراک آنان را نخورید و راه و رسم آنان را در پیش نگیرید که اگر چنین کنید، همچون دشمنان من دشمن من خواهید شد؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴، برگرفته از: اراکی محسن، نظام اسلامی عمران شهری، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۷۲۱، ۲۱ شهریور ۱۳۷۸.

ب) مساجد، بزرگ‌ترین نماد تمدن اسلامی

در گذشته مردم به خود اجازه نمی‌دادند منازل ساختمان‌های خویش را بلندتر از مساجد بنا نمایند و احترام آن را در احداث فضای شهری مراعات می‌کردند و به طوری که هم اکنون نیز در بسیاری از شهرهای کویری و نقاط مرکزی ایران، گنبد و مناره مسجد، بلندترین ساختمان شهر به شمار می‌آید تا بتواند نقش مهم و حیاتی خویش را در زنده نگه داشتن فرهنگ و هویت دینی به طور کامل به انجام برساند.

امروز، با وجود و توسعه روابط اجتماعی-اقتصادی و پیروی از مدل‌های شهرسازی غربی، اگرچه از مرکزیت مساجد کاسته شده است؛ ولی با اتکا و کمک‌گیری از اعتقادات دینی و احترام معنوی مردم به مساجد قائل، می‌توان مساجد را به عنوان نیروی محرکه قوی و نیرومند به مکان رفیع گذشته بازگرداند و تمهیداتی اندیشید تا مساجد به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد در شهر، همان نقش اساسی خویش را ایفا کند؛ به عنوان نمونه در شهرهایی که قابل تقریرات ریختی نیستند و در آنها ساختمان‌های بلند، بسیار زیاد است، شایسته و لازم است در این برج‌های مسکونی بلند مرتبه‌ای که دارای جمعیت زیادی هستند در واحدهایی خاص، متناسب با تعداد جمعیت ساکن در برج، یک یا چند مسجد احداث نمود تا در این ساختمان‌های بلندمرتبه نیز نماد اسلامی بودن ترویج شود و در راستای آن، موجبات تقویت فرهنگ دینی در بین ساکنین آن، فراهم آید.

در ساخت شهرهای جدید می‌توان با بهره‌گیری از معماری و شهرسازی اسلامی و متناسب با جغرافیای منطقه‌ای شهرهایی را بنا نمود که در آن مساجد به عنوان نماد تمدن و فرهنگ اسلامی، محوریت شهر قرار گیرد و همسو با آن ارکان شهری توسعه یابد تا بتوان در همین راستا یک شهر اسلامی بنا نمود.

نتیجه‌سخن

مسجد، به عنوان خانه خدا در روی زمین، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر اسلام ﷺ در نخستین روزهای تأسیس حکومت اسلامی، در مدینه بنیان نهاده شد. مسجد، نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می‌شود که از همان ابتدای تأسیس، علاوه بر اینکه پایگاه دینی و معبد مسلمانان به شمار می‌رفت، نخستین کانون فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی مسلمانان نیز بود و پایه‌های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم ﷺ در این مکان استوار شد؛ زیرا مقرر حاکمیت پیامبر ﷺ در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می‌شد.

بدین ترتیب، مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی، به عنصر عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه تمدن اسلامی، جایگاه خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی پیدا کرد؛ به طوری که هر جا و در هر شهر و قریه‌ای که مسجدی وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فکری، فرهنگی و سیاسی اسلام شمرده می‌شد.

مسجد، سرچشمه تمدن اسلامی است. اگر به هر یک از شهرهای اسلامی بنگریم، مسجد و مجموعه‌های آن را اساس شهرسازی می‌یابیم و در بافت شهرهای اسلامی مسجد، محور است. بورکهارت در کتاب «هنر اسلامی زبان و بیان» می‌نویسد: «بیرونی‌ترین مظهر یک دین، با تمدنی مانند اسلام که هنر، خود بر حسب تعریف آن جلوه‌گاه برونی است، باید نمودار جهان درونی آن تمدن باشد»^۱.

بنابراین، مسجد، قلب و کانون تپنده فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ زیرا محوریت مسجد در معماری شهری و نیز چرخه امور شهر به صورت قطب فرهنگ ساز، سهولت دسترسی مردم به مسجد و کثرت مساجد در محله‌ها در گذشته تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری در طول تاریخ بوده است.

۱. بورکهارت، هنر اسلامی، زبان و بیان، ص ۱۶.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. ابن الفقيه، البلدان، ابو عبد الله احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ. ق / ۱۹۹۶ م.
۲. ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی مؤحد، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ هـ. ش.
۳. ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبد القادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۰ هـ. ق / ۱۹۹۰ م.
۴. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالبیروت، ۱۹۸۵ م.
۵. ابن فقیه، البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ هـ. ش.
۶. انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۷. بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
۸. تیتوس، بورکهارت، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب نیا، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۹. خوانساری، محمد، منطق صوری، تهران، نشر آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۱۰. دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۱۱. الذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفيات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ. ق / ۱۹۹۳ م.
۱۲. زحیلی، وهبة بن مصطفى، تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ. ق.
۱۳. سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده های جغرافیایی، مشهد، بنیاد پژوهش های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۱۴. ابن بطوطه محمد بن عبد الله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه: محمد علی مؤحد، تهران، نشر آگاه، چاپ ش. م. ۱۳۷۶ هـ. ش.
۱۵. سلطان محمد میرزا قاجار، سفرنامه سیف الدوله معروف به سفرنامه مکه، تصحیح و تعلیق:

- خداپرست، علی اکبر، تهران، نشرنی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۶. گونسالس دو کلاویخو، روی، **سفرنامه کلاویخو**، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۷. ناصر خسرو قبادیانی مرّوزی، **سفرنامه ناصر خسرو**، با حواشی و تعلیقات و...، به کوشش: دکتر محمد دبیرسیاقی، کتابفروشی زوّار، چاپ دوّم، ۱۳۶۳ هـ.ش.
۱۸. سیف، علی اکبر، **روش های مطالعه و یادگیری**، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۹. صدر، سیّد محمدباقر، **بحوث فی علم الأصول**، مؤسسه دایرة المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۷ هـ.ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، **من لایحضره الفقیه**، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، چاپ سوّم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۱. الکلّبی، ابوالمنذر هشام بن محمد، **الأصنام (تنکیس الأضنام)**، تحقیق احمد زکی باشا، القاهرة، افست تهران (همراه با ترجمه)، نشرنو، چاپ دوّم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۲۲. کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، **الکافی**، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، **بحار الأنوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء ۱۴۰۴ هـ.ق.
۲۴. مسجد درسفرنامه ها.
۲۵. نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، چاپ اوّل، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۶. تقی زاده، محمد، **منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی**، فصل نامه هنر، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۸ هـ.ش.
۲۷. متز، آدام (شرق شناس سوئیسی)، **تمدن اسلامی در قرن چهارم**، یازنسانس اسلامی، مترجم: علیرضا ذکاوّتی قراگزلو، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اوّل، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۲۸. مقرئ تلمسانی، احمد بن محمد، **نفع الطیب من غصن الاندلس الرطیب**، محقّق: احسان عبّاس، بیروت، دارالصادر، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۹. ابن خلدون حَضرمی، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، **تاریخ ابن خلدون**، مترجم: آیتی، عبدالمحمد، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳ هـ.ش.

مهندسی تمدن اسلامی و مسجد محوری

مصطفی جمالی

چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضانات تمدنی آن در دنیای امروز، باید مهندسی تمدن اسلامی بر اساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میان، توجه وافر به معارف مربوط به مسجد و کارکردهای آن بسیار مهم است. نوشتار حاضر، در صدد بیان این موضوع است که مسجد، نقش عظیمی در تحقق تمدن اسلامی دارد و باید کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و... آن احیاء و فعال گردد. این نوشتار، در سه گفتار به شرح زیر تدوین گردید: گفتار اول، مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی؛ گفتار دوم، جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی، با زیر شاخه حاکمیت در توحید، امام و محراب مسجد، لزوم طهارت و...؛ گفتار سوم، کارکردهای مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی. نگارنده، در گفتار سوم با تبیین مهم‌ترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی ﷺ و تشریح شکل‌دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه، آموزش، شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی و تکامل و تربیت دینی به عنوان کارکردهای فرهنگی مسجد، نقش مسجد در مهندسی تمدن اسلامی را بحث و بررسی کرده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، تمدن اسلامی، مهندسی، فقه حکومتی، علوم اسلامی.

شاید سخن از ارتباط مسجد و تمدن اسلامی برای بسیاری از خوانندگان، تنها تداعی کننده ارتباط ذوقی و سلیقه‌ای در این دنیای ارتباطات باشد؛ چرا که بحث مربوط به این دو موضوع، باید در دو فضای متفاوت مطرح شود؛ به خصوص بر اساس ادبیات روشنفکری سکولار، نخست اینکه سخن از تمدن اسلامی بی‌معناست؛ زیرا دین به هیچ وجه، ناظر به حیات اجتماعی و مدنیت نیست و تنها می‌توان از تمدن مسلمانان سخن گفت و دوم اینکه، مسجد تنها یک مکان عبادی و جایگاه خاصی در تمدن مسلمانان دارد و نباید بیش از حد از این نهاد دینی انتظار داشت؛ ولی با دقت در سیره، معارف و فرهنگ نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصومین عَلَيْهِمُ السَّلَام به خوبی شأن، منزلت و کارکرد این نهاد ارزشمند دینی در بین دیگر عناصر دینی اسلام روشن خواهد شد. اولین اقدام پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای شکل‌دهی مدینه‌النبی و تمدنی جدید در تاریخ بشریت، تأسیس مسجد بود و این اقدام نشان‌دهنده آن است که محور و جوهره جامعه و حکومت و تمدن در اندیشه اسلامی، باید مسجد باشد و دیگر عناصر این تمدن جدید، همه باید بر مدار این محور اساسی شکل بگیرد. عبودیت، عبادت، تربیت، آموزش، جهاد، رفع حوائج فردی و اجتماعی و ... کارکردهای مسجد بر اساس معارف اسلام هستند. با این رویکرد، آیا می‌توان در مهندسی تمدن اسلامی، به این حجم از معارف در مورد مسجد و کارکردهای بی‌شمار آن توجه وافر نداشت؟

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضائات تمدنی آن در دنیای امروز، باید مهندسی تمدن اسلامی بر اساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میانه توجه وافر به معارف مسجدی و کارکردهای آن بسیار مهم است.

این مقاله در صدد آن است که نگاهی اجمالی در این مورد عرضه کند و تنها یک شروع در خصوص اندیشیدن و پژوهش در این مسئله باشد. بر این اساس، ابتدا مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی، سپس جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی و در پایان، به تبیین کارکردهای مسجد محور در مهندسی تمدن اسلامی می‌پردازد.

۱. گفتار اول: مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی

۱-۱- مفهوم تمدن

دوباره تعریف تمدن و فرهنگ، دیدگاه‌های متفاوتی ذکر شده است. بسیاری از افراد، فرهنگ و تمدن را مترادف با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. از جمله «ادوار تایلور» که در این باره چنین می‌گوید:

«کلمه فرهنگ یا تمدن، به مفهوم وسیع کلمه که مردم‌شناسان به کار می‌برند، عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه به دست می‌آید»^۱.

دیدگاه دیگر درباره تمدن - که به نظر می‌رسد دیدگاه دقیق‌تری باشد - آن است که برای تمدن، معنایی فراگیر قائل بوده که علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه جنبه‌های سخت یک جامعه را نیز شامل می‌شود. در فرهنگ لالاند^۲ «یک تمدن، مجموعه‌ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال هستند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند». البته کسانی هم هستند که تمدن را در جلوه‌های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می‌کنند.^۴

بر این اساس به خوبی می‌توان به چند ویژگی مفهوم تمدن اشاره نمود:

(الف) تمدن، آنچنان که از کلمه لاتینی شهرنشین بودن یا شهروندان (civis) و شکل وصفی آن (civilis) مشتق می‌شود، متقوم به وسیله شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.

(ب) گستره یک تمدن، به مراتب بیشتر از یک حکومت و یا حتی یک فرهنگ خاص است و در نتیجه، عمر طولانی‌تری از حیات اجتماعی یک جامعه خاص را داراست.

(ج) تمدن، هم یک جنبه سخت و هم یک جنبه نرم دارد که فرهنگ به عنوان جنبه نرم یک تمدن، زیر بنای ساخت آن است و بُعد عقلانیت یک تمدن - که اساس یک تمدن است - به بعد فرهنگی آن مربوط می‌شود. البته تمدن، تنها به این جنبه نباید خلاصه شود، بلکه جنبه‌های سخت تمدن، مانند ساختارها، محصولات و ... هم مطرح است.

(د) هر تمدنی، دارای نظامات اجتماعی متعددی است که به طور اساسی همین نظامات، تمامیت یک تمدن را محقق می‌سازد؛ مانند نظام‌های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ، تعیین‌بخش هستند.^۵

۱. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۴۸.

۲. Laland.

۳. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرةالمعارف علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۹۹.

۴. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۵۰.

۵. آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، ص ۱۲۸.

ه) شکل‌گیری یک تمدن، محصول هماهنگی نظامات اجتماعی خاصی است که به پذیرش اجتماعی رسیدند و نهادینه شده‌اند؛ بنابراین، اگر مؤلفه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در یک جامعه به پذیرش اجتماعی نرسد، هرگز شکل تمدنی به خود پیدا نخواهد کرد.

۲-۱-۱- ارکان تمدن

در مورد مؤلفه‌ها و ارکان اصلی یک تمدن و سهم تأثیر هر یک در ساخت یک تمدن، برخی اندیشمندان چهار رکن را مطرح کرده‌اند: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر.

در نظر ویل دورانت، عوامل تمدن عبارت‌اند از: شرایط معرفت الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی. از نظر دورانت، اهمیت عوامل و اوصاف و احوال اقتصادی در شکل‌دهی به یک تمدن، بیش از عوامل دیگر است.^۲

بعضی دیگر، سازه‌های یک تمدن را نظامات مختلفی، همچون نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، ارزشی، تاریخی و ... دانسته‌اند.

شاید بتوان با نظری دقیق، سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام‌گرایی، نظام اندیشه و فرهنگ، نظام محصولات» دانست که در تقوّم با یکدیگر، هویت تمدنی خاصی را شکل می‌دهند. برخلاف بسیاری از دیدگاه‌ها که فرهنگ را روح و پایه اصلی تمدن مطرح می‌کنند، با نظر دقیق می‌توان گفت که اگرچه فرهنگ، پایه و اساس شکل‌گیری عینیت‌های تمدنی است و تمامی الگوها، مدل‌ها، ساختارها و دانش‌ها و علوم، بستر شکل‌گیری محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در سطوح مختلف فراهم می‌آورند، اما فرهنگ، خود در بستر نظام‌گرایی‌ها، تمایلات، عاطفه‌ها و اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، با مطالعه و بررسی حیات اجتماعی انسان، به خوبی نمایان می‌گردد که حیات اجتماعی، مجموعه‌ای از «تمایلات، اندیشه‌ها و محصولات» شکل گرفته است که این سه بُعد در هماهنگی با یکدیگر، تمامی حوزه‌های حیات زندگی انسان را پوشش می‌دهد. در میان این سه بعد، نظام تمایلات، سهم اصلی را در شکل‌دهی یک جامعه و تمدن دارد.

به عنوان مثال، جامعه‌ای که تمایلات آن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است، هیچ‌گاه در اندیشه اقتصادی خود، سراغ الگوهای ربوی و نظام سرمایه‌داری نمی‌رود و روابط اجتماعی و فرهنگی خود

۱. Factors.

۲. دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۳۰۷.

را متناسب با تمایلات خود شکل می‌دهد و در نتیجه، محصولات اجتماعی خاصی را در حوزه‌های مختلف، متناسب با تمایلات و اندیشه‌های خود تولید می‌کند. تفصیل این معنا در امر شناخت تمدن اسلامی بسیار مهم است.

آنچنان که بیان شد تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات، از مهم‌ترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است که در حیات اجتماعی خود بدان پای بند است و به آن تعلق دارد. هر جامعه‌ای، متناسب با حس زیباشناسی خود، به برخی موضوعات و مسائل گاهی علاقه روحی و میل و کشش درونی پیدا می‌کند و گاهی از موضوع و مطالب دیگری متنفر و گریزان می‌شود؛ همین تمایلات، به وسیله تعامل با اندیشه‌ها، مبدأ ابراز رفتارها و موضع‌گیری‌ها می‌گردد.

بر این اساس، می‌توان تمایلات اجتماعی را خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ چرا که نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی است و به تعبیر ماکس وبر، این، اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد.^۱

رکن دوم یک تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت. این اندیشه‌ها، لایه‌های متعددی دارد که از یک نگاه می‌توان آن را به اندیشه‌های «بنیادی، راهبردی و کاربردی» تقسیم نمود که همین اندیشه‌ها فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد.

به تعبیر دیگر، مفاهیم، ساختارهای اجتماعی، الگوها و مدل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ... رکن دوم و اساس یک تمدن را شکل می‌دهد که بر اساس آنها، روابط اجتماعی و کنش و واکنش‌های متقابل در سطوح خرد و کلان شکل می‌گیرد.

۳-۱- مفهوم مهندسی تمدن اسلامی

مفهوم مهندسی، عبارت است از شناخت و جانمایی عناصر یک نظام و طراحی و تنظیم روابط و تعامل میان این عناصر، به گونه‌ای که در جهت تکامل و پویایی مجموعه، زمینه کارکرد یا رفتار مطلوبی را در نظام فراهم نماید.

اصولی که در مهندسی و بر اساس آن در مهندسی تمدن نیز باید رعایت شود، عبارت است از دارا بودن یک نگرش زمینه‌ای. مهندس باید محیطی که می‌خواهد در آن مهندسی کند (به طور مثال، ساختمانی را

۱. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ص ۶۲.

که می‌خواهد بنا کند) را بشناسد (یعنی شناخت میزان سفتی و سستی زمین و میزان درجه هوا و ...). مهندس باید در محیط مهندسی، با نگرش جامع و با منطق مناسب، با برقراری نسبت بین عوامل، قدرت الگوسازی، قدرت آینده‌نگری و آینده‌پردازی (یعنی دانستن اینکه قرار است در آینده چه اتفاقی بیفتد)، وظایف خود را به خوبی انجام دهد. همچنین، وی باید بتواند آینده مناسبی را ایجاد کند و برای ایجاد آن برنامه‌ریزی نماید. استقبال از تغییر جایگاه‌ها و حتی تغییر روش، اقتضای دینامیکی بودن یک حرکت است؛ البته مشروط به این است که تعالی و در مجموعه بودن مورد توجه قرار گیرد.

با مفهوم ارائه شده از تمدن و مهندسی، در مهندسی تمدن باید منظومه باورها، ارزش‌ها و رفتارهای موجود در عرصه تمدنی را باز شناخت تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارض‌ها، انحطاط‌ها، انتقادات و نیز قوت‌ها، شناخته شود و مبتنی بر تمدن آرمانی به دست آمده از کتاب و سنت بتوان تمدن هدف، یعنی تمدن قابل وصول را شناسایی نمود و در هر مرحله تکامل تمدنی، تمدن هدف را، به تمدن آرمانی نزدیک نمود. بنابراین، یک فرهنگ آرمانی وجود دارد که از کتاب و سنت اخذ می‌شود که آن را باید حوزه‌های علمیه از منابع شرعی به دست آورند و دیگری فرهنگ مطلوب، یعنی هدف، یعنی فرهنگ قابل وصول که نقش میانی دارد و باید متناسب با شرایط تبیین شود. مهندسی فرهنگی باید برای دستیابی به اهداف میانی اتفاق بیفتد و البته این اهداف میانی، باید در مسیر خود باشد و در هر مرحله به هدف آرمانی نزدیک‌تر شود.

گفتار دوم: جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی

تبیین دقیق جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی، کار مهم اجتهادی می‌طلبد. بنابراین، پژوهش در این مورد، پیوندی عمیق با فقه حکومتی و فقه اجتماعی اسلام دارد. لازمه داشتن چنین فقهی، دستیابی به فقه‌ای جامع، کل‌نگر و عمیق است که بتواند به صورت روشمند، در این خصوص، معارف متکامل اسلام را استنباط کند و به حجیت برساند. توجه به این نکته اساسی و با عنایت به مفهوم مهندسی تمدن اسلامی، شاید بتوان بر اساس معارف وارد شده در مورد شأن و منزلت، آداب و جایگاه مسجد، از دو منظر به بررسی نسبت مسجد و تمدن اسلامی پرداخت.

الف) الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی؛

ب) توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی.

اگرچه بررسی نسبت مسجد و تمدن اسلامی از منظر دوم، موضوع سخن این نوشتار است؛ اما به طور اجمال، به منظر اول هم پرداخته می‌شود.

۱-۲- الگوگیری از مسجد در طراحی تمدن اسلامی

توجه به آداب، احکام و نمادهای مطرح در مسجد می تواند در طراحی الگوی تمدن اسلامی راه گشا باشد؛ زیرا مسجد، مقیاسی کوچک از نماد تمدن اسلامی با تمامی مؤلفه های تمدنی آن است. در اینجا به برخی از این موارد اشاره می گردد:

الف) **حاکمیت توحید:** اولین و مهم ترین کارکرد مسجد، کارکردی عبادی است. مسجد، مهم ترین عبادت گاه مسلمین است که ندای توحید در آن سر داده می شود. در طراحی تمدن اسلامی هم باید توجه به این اصل اساسی مبذول داشت تا تمدن اسلامی بستر تحقق توحید را فراهم آورد. به عبارت دیگر، تمامی اجزاء و مؤلفه های شکل دهی تمدن اسلامی باید بر مدار توحید و امر الهی سامان دهی شود و یک آهنگ بر تمامی عرصه های تمدنی حاکم باشد. «حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأُورَادِي كُلُّهَا وَرِزْدًا وَاحِدًا وَحَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا»^۱.

ب) **امام و محراب مسجد:** محراب مسجد، نماد تعیین جهت حرکت امام و نماز گزاران است و این رابطه، بین انسان و خدا باید از طریق امام جماعت و پیشوا صورت بگیرد و این امام عادل و با تقواست که از یک سو، ارتباطی با خدا دارد و از سوی دیگر، حلقه واسطه ارتباط مردم با خدا است. بر این اساس، در طراحی تمدن اسلامی هم باید به مسئله امام (علیه السلام) (در زمان حضور) و ولی فقیه (در زمان غیبت) توجه وافر داشت و تنها تناسبات امام است که منجر به تحقق تمدن اسلامی خواهد شد.

ج) **لزوم طهارت در مسجد:** شرط ورود و ساکن شدن در مسجد، پاک بودن انسان از یک طرف و طاهر نگه داشتن مسجد، از طرف دیگر است. بنابراین، ورود غیرمسلمان به درون مسجد مجاز نیست. در طراحی تمدن اسلامی هم باید به این نکته اساسی توجه داشت که تمامی مؤلفه ها و عناصر تمدن اسلامی، باید پاک و متناسب با فضای مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد و در این راستا، باید حریم و حرمت جامعه دین در آن حفظ شود. بر این اساس، هیچ گاه نمی توان از مؤلفه های تمدن های مادی (همچون تمدن لیبرال دموکراسی که مؤلفه های آن بر اساس مبانی اومانیستی و سکولاریستی بنا شده است) در مهندسی تمدن اسلامی بهره گرفت.

د) **عدالت محوری در مسجد:** در مسجد، هم امام مسجد باید عادل باشد و هم در ایجاد صفوف نماز جماعت، نماز گزاران هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و با وجود تعدد طبقات و گروه های اجتماعی، همه با یکدیگر برابر هستند. در طراحی تمدن اسلامی هم باید عدالت محوری به طور دقیق رعایت شود؛ بدین معنا که از یک

۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان، دعای کمیل.

سو، همه امور در جای خود قرار گیرند (وضع کلّ شیء فی موضعه) و از طرف دیگر، حقّ همه امور، متناسب با ظرفیت آنها اعطا شود (واعطاء كل ذي حقّ حقه).

۲-۲- توجه به مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

منظر دوّم در نسبت بین مسجد و تمدن اسلامی، توجه به نقش و جایگاه مسجد در حیات اجتماعی و تمدنی مسلمانان است. جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، برخلاف جایگاه کلیسا در فرهنگ غربی، تنها یک مکان عبادی صرف برای برقراری یک ارتباط فردی و شخصی با خداوند نیست، بلکه مسجد، کانون و هسته اصلی جامعه اسلامی است. بنابراین، می‌بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین گام خود در بنا نهادن تمدن تاریخی اسلام، اقدام به تأسیس مسجد کردند و تمامی این حرکت تاریخی بر مدار مسجد سامان دهی شد. بنابراین، در تأسی از این حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله در طراحی تمدن اسلامی باید به این اصل اساسی توجه نمود که الزامات مسجد محوری در شکل دهی نرم افزارها و سخت افزارهای تمدن اسلامی رعایت گردد.

به عبارت دیگر، اگر در تمدن لیبرال دموکراسی - که تمدنی اقتصاد محور است - بانک‌های ربوی به عنوان محور اساسی سامان دهی تمامی شئون اجتماعی هستند، در تمدن اسلامی، این مسجد است که باید محور اصلی در پیشرفت و تکامل همه شئون اجتماعی، اعم از توسعه سیاسی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

بنابراین، همه ارکان تمدن اسلامی (نظام تمایلات، نظام بینش و دانش، نظام محصولات)، باید بر اساس اندیشه مسجد محوری سامان دهی شود.

در ادامه به برخی از الزامات مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی اشاره می‌گردد؛ هر چند پرداختن به تمامی وجوه این موضوع مهم، خود موضوع پژوهشی سنگین است که باید مبتنی بر روش اجتهادی و با معیارهای علمی دقیق صورت بگیرد و چه بسا لازم است کرسی‌های نظریه پردازی فراوانی از وجوه مختلف در این زمینه برپا گردد.

گفتار سوّم: کارکردهای مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی

۱-۳- کارکرد مسجد در شکل دهی نظام تمایلات اجتماعی و ساماندهی سیاسی

از مهم‌ترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی، شکل دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه است. بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد انجام می‌پذیرفت. پس از پیامبر

اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیعت‌های رسمی در مسجد صورت می‌گرفت. خطبه حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام علیه خلافت ابوبکر در مسجد ایراد گردید. امام علی رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مسجد کوفه را مرکز تربیت و شکل‌دهی تمایلات مردمان کوفه قرار داده بود.

در نظام سیاسی اسلامی، «تولید، توزیع و مصرف قدرت» باید بر مدار الهی و تولی به ولایت حضرت حق صورت بگیرد و تحقق این مهم به صورت عالی، جز در خانه حضرت حق امکان‌پذیر نخواهد بود. بر این اساس مسجد، علاوه بر اینکه مرکز رفع حوائج خرد در جامعه است، مانند محل گردآوری کمک برای مستمندان، برگزاری آئین‌هایی، مانند مراسم جشن‌ها، ترحیم‌ها، گردهمایی‌ها، اقامت موقت در راه‌ماندگان، مراجعه به امام جماعت برای حل دعاوی و ...، باید مرکزیت رفع حوائج در سطح کلان و توسعه جامعه اسلامی هم قرار بگیرد؛ یعنی مسجد، باید مرکز تصمیم‌گیری کلان اجتماعی باشد و تمامی سیاست‌گذاری‌های کلان، اعم از سیاست‌های داخلی و خارجی در آنجا سامان‌دهی شود. علاوه بر این موارد، مسلمانان در فضای مسجد، زندگی کردن در یک جامعه اسلامی آکنده از خدمات‌حوری، صمیمیت، مواسات و خیرخواهی را در مقیاسی کوچک‌تر تجربه می‌کنند و برای نهادینه کردن این روحیه در سطوح کلان اجتماعی تنها چاره این است که تمامی جامعه اسلامی، به منزله یک مسجد بشود. پیامبر عظیم‌الشان صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به ابودر فرمود: «حَيْثُمَا أَدْرَكَتْكَ الصَّلَاةُ فَصَلِّ وَالْأَرْضُ كُلُّ مَسْجِدٍ؛ هر جا وقت نماز رسید، همان جا نماز بخوان که سرتاسر زمین برای تو مسجد است»^۱.

کارکرد مسجد در شکل‌دهی فرهنگ

از دیگر کارکردهای مسجد، کارکرد فرهنگی و ارتباطاتی مسجد است. مسجد، جایگاهی بلند در ترویج و نهادینه ساختن فرهنگ اسلامی و دست‌یافتن به اهداف غایی دین، یعنی تعالی فرد و اجتماع دارد. کارکردهای فرهنگی مسجد بسیار فراوان است. بنابراین، لازم است در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور، توجه وافر و اساسی به این مقوله معطوف شود؛ ولی متأسفانه تاکنون این امر مهم مورد غفلت واقع شده است.

در این قسمت از بحث، به برخی از کارکردهای فرهنگی کشور اشاره می‌گردد و قبل از طرح مطلب، توجه به این نکته اساسی ضرورت دارد که نباید کارکرد مسجد را تنها در تعالی فرهنگ عمومی منحصر کرد، بلکه در مسئله پیشرفت فرهنگ تخصصی و بنیادی جامعه هم باید به محوریت مسجد توجه نمود.

الف) آموزش: مسجد، از زمان پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مرکز آموزش معارف قرار گرفت. پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ابتدا بر روی

تنه درختی و بعدها بر فراز منبر به تبیین احکام الهی و معارف اسلامی پرداخت و سپس، همین امر به یک سنت در مسجد بدل گردید و محراب و منبر، پیوندی جدایی ناپذیر پیدا کردند.

علاوه بر آموزش‌های عمومی، حلقه‌های درس و رشته‌های تخصصی در مسجد از زمان پیامبر ﷺ و بعدها به صورت توسعه یافته‌تر از زمان امیرالمؤمنین (علیه السلام) تا زمان به دانشگاه بزرگ صادقین (علیه السلام) شکل می‌گرفت. بنابراین، می‌بینیم که مسجد، کانون آموزش و ترویج فرهنگ، حتی در سطوح مطالب تخصصی و بنیادی نیز بوده است.

متأسفانه با نفوذ فرهنگ مدرنیته در جامعه اسلامی، بخش عمده‌ای از آموزش کشور، چه آموزش متوسطه و چه آموزش‌های دانشگاهی، ابتدا از فضای مسجد جدا و سپس به تدریج حتی از مبانی و اصول اسلامی هم تهی و خالی گردید. بنابراین، با جریان یافتن علوم سکولار در جامعه، روح دین‌داری تضعیف گردید و دین همچون نظامات مادی از جریان جامعه‌پردازی کنار گذاشته شود و تز جدایی دین از سیاست، بر روح آموزش کشور حاکم گردید. انقلاب اسلامی، فرصت دوباره‌ای است تا با شکستن ساختارهای آموزشی نهادینه شده در جامعه، بستر بازگشت آموزش به مسجد فراهم شد و زمینه تولید علم دینی پدید آمد. به راحتی می‌توان کرسی‌های نظریه‌پردازی را در مساجد فعال نمود که ثمره آن هم حاکمیت روح تعبد و تعهد بر جریان نظریه‌پردازی است و همه توجه به مبانی دینی در شکل‌گیری نظریه‌های نوین اسلامی در حوزه دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی است.

ب) شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی: مسجد، پایگاه شکل‌دهی ارتباطات و اطلاع‌رسانی در فرهنگ نبوی ﷺ بوده است. ندای «الصلوة جامعه» در زمان پیامبر اسلام ﷺ و دوران پس از آن، نوعی اعلام فراخوان عمومی برای گردهم آمدن مسلمانان در مسجد و نشان از اعلام یک امر مهم به هنگام اقامه نماز جماعت بوده است. پس از تشریح اذان در غیر از زمان نماز، مردم با بانک اذان به مسجد می‌آمدند. علاوه بر این، شبکه ارتباطی مساجد هم در فرهنگ اسلامی قابل توجه و قابل الگوگیری است. وجود «مساجد محلی» و مسجد جامع در هر شهر و ارتباط مساجد جامع با یکدیگر و وجود مسجد جامع در مرکز حاکمیت به عنوان بلندگوی اصلی حکومت، مسئله مهمی در طراحی شبکه ارتباطات است؛ به خصوص، در دنیای امروز که نقش شبکه ارتباطات در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، بسیار مهم‌تر از گذشته رخ نمایان کرده است. بر این اساس، در مهندسی فرهنگی کشور باید شبکه ارتباطی بر مدار و محوریت مساجد شکل بگیرد تا هم پاک بودن این شبکه ارتباطی تضمین شود و هم زمینه شکل‌گیری جبهه فرهنگی توحیدی در مقابل جبهه مادی پدید آید.

ج) **تکامل و تربیت دینی:** در اسلام، آموزش هیچ‌گاه از تربیت جدا نبوده است. بنابراین، کارکرد آموزشی مسجد همواره قرین کارکرد تربیتی هم بوده است؛ اما با این حال، توجه به این بعد از مسجد هم در زمینه توسعه و رشد فرهنگی کشور بسیار مهم است.

باید مسئولان و متولیان فرهنگی کشور به این باور اساسی رسیده باشند که جز بر مدار مسجد، توسعه تربیتی کشور امکان‌پذیر نیست. بچه و فرزندی که از ابتدای کودکی و نوجوانی، قرین مسجد نشود و با حلقه‌های ذکر و معرفت مسجد همراه نشود، در جوانی و میان‌سالی هرگز نمی‌تواند در وادی تربیت دینی حضور پیدا کند.

مسجد، کانون رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی است. تاجری که با مسجد، انس نداشته باشد، تجارتش می‌لنگد و سیاست‌مداری که در مسجد تربیت نشده باشد، هرگز نمی‌تواند چرخ حکومت اسلامی را بچرخاند.

۳.۲. کارکرد اقتصادی و حقوقی

علاوه بر کارکرد سیاسی و فرهنگی مسجد در سیره نبوی ﷺ و حیات علوی ﷺ مسجد، کارکرد اقتصادی هم داشته است. حفظ و نگهداری بیت‌المال و تقسیم آن به نوعی در مسجد صورت می‌گرفت. همچنین، بیشتر قضاوت‌های حقوقی و قضایی پیامبر اکرم ﷺ و ائمه اطهار ﷺ در مسجد انجام می‌پذیرفت. مقام بیت‌الطشت و دکه القضا در مسجد کوفه بیانگر این مطلب مهم است. بر این اساس، شایسته است در توسعه قضایی و اقتصادی کشور به نقش مسجد در این امر مهم توجه وافر معطوف شود؛ به عنوان مثال، می‌توان در جنب هر مسجد، صندوق قرض‌الحسنه تأسیس کرد و حوائج مادی مؤمنان را برطرف کرد.

مسجد، کانون شهر اسلامی

نکته مهم دیگر در خصوص مسجد محوری در مهندسی تمدن اسلامی، قرار گرفتن مسجد در کانون شهر اسلامی است. متأسفانه با نفوذ هنر و معماری غربی در جوامع اسلامی، ابتدا مسجد از مرکزیت معماری اسلامی کنار گذاشته و سپس کم‌کم مسجد از نقش آفرینی در حیات اجتماعی کنار گذاشته شد و تنها به مرکزی عبادی تبدیل گردید.

با این حال، در فرهنگ نبوی ﷺ با ساخت مسجد، شهر یثرب مدینه‌النبی شد و بعدها مسلمانان شهرهای جدید کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در معماری اسلامی همه راه‌های

محلات شهر به مسجد ختم می‌شود. بازار در کنار مسجد شکل می‌گیرد و ساز و کار شهری بر مدار مسجد سامان می‌یابد. لازمه چنین معماری، کثرت مساجد در محله‌ها و شهرها بود؛ مسئله‌ای که متأسفانه با ورود معماری مدرن به دنیای اسلام و با شکل‌گیری شهرهای صنعتی کم‌رنگ شد؛ تاجایی که هم‌اکنون در کشور انقلاب اسلامی، در بسیاری از مجتمع‌های جدید شهری یا خبری از مسجد نیست و یا متناسب با جمعیت آن، فضای مسجد موجود نیست. در این صورت، چگونه می‌توان سخن از کار فرهنگی به میان آورد؟ علاوه بر تاثیر مسجد در معماری شهری، معماری خود مسجد هم، مقوله دیگری است که نقش تربیتی و اخلاقی آن بسیار مهم است و در این خصوص پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است.^۱

نتیجه‌گیری

هدف انقلاب اسلامی، تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است. برای تحقق چنین تمدنی، باید به همه الزامات آن در دنیای جدید ملتزم بود و برای حفظ اسلامی بودن آن، باید تمامی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آن بر اساس مبانی، آموزه‌ها و اهداف دینی تولید و یا بازسازی شود. در نتیجه، دستیابی به چنین تمدنی، تنها در سایه استنباط فقه حکومتی و تولید علوم اسلامی کارآمد امکان‌پذیر است که همان مغزافزار تمدنی و یا عقلانیت اسلامی است.

در این میان، آنچه از قدر متیقن‌های معارف اسلامی به خوبی قابل استنباط است، جایگاه رفیع مسجد و نقش آن در تحقق تمدن اسلامی است. مسجد، با کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و... محور مهندسی تمدن اسلامی و کانون شهر اسلامی است و غفلت از این مسئله اساسی رفتن به بیراهه است.

منابع و مأخذ

۱. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایرة المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۵ ه.ش.
۳. آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آکه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۴. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه داری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۵. دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه: عباس زریاب، تهران، ۱۳۷۰ ه.ش.
۶. قائدان، اصغر، آثار اسلامی مکه و مدینه، ۱۳۸۵ ه.ش.
۷. حکیم سبزواری، مآهادی، شرح الاسماء الحسنی، تهران، ۱۳۵۷ ه.ش.
۸. ابن سعد، محمد، الطبقات الکبری، داریبیروت، ۱۹۸۵ م.
۹. حاج سید جواد، سید کمال، مساجد ایران، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ ه.ش.

مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی

مرتضی رستگار

چکیده

پژوهش‌های تاریخی انجام‌شده درباره جایگاه مسجد در بین مسلمانان، نشان می‌دهد که مسجد، نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد در جامعه اسلامی است. همان‌گونه که مسجد در صدر اسلام، نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشت. از این رو، نگارنده در این مقاله، به اختصار ضمن تبیین ابعاد و کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی مسجد در صدر اسلام، به نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

واژگان کلیدی:

مسجد، انقلاب اسلامی، کارکرد عبادی مسجد، کارکرد فرهنگی - آموزشی و تبلیغی مسجد، کارکرد سیاسی - اجتماعی مسجد، کارکرد اقتصادی مسجد.

مسجد در طول تاریخ اسلام، کانون عبادت، آموزش، پایگاه قضاوت و داوری، مکانی برای ارتباط جمعی و تبادل اخبار، پایگاه جهاد و حرکت‌های انقلابی بوده است. همان‌گونه که مسجد، در صدر اسلام نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشته است. در تکوین انقلاب اسلامی نهادهایی، چون مساجد که مرکز تجلی فرهنگ اسلامی هستند، نقش سازمان‌دهی نیروهای درگیر با رژیم را ایفا می‌کردند.

به یقین، یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. در آن زمان، این‌طور نبود که مسجد، جایگاه عزلت‌نشینی و گریزگاهی از جامعه محسوب شود و مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه ببرند؛ بلکه در پیروزی انقلاب، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی تبدیل گردید.

با توجه به نقش اساسی و بی‌بدیل مسجد در صدر اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی، در این نوشتار مختصر ضمن تبیین برخی از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، به نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

کارکردهای مسجد در صدر اسلام

مسجد، نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است و این مکان شریف کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی را داشته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. کارکرد عبادی مسجد

از آیات شریف قرآن کریم این‌گونه استفاده می‌شود که یکی از اهداف آفرینش عالم و موجودات، «عبادت»^۱ و «تقرّب الی الله» است. عبادت در مورد انسان، دو معنای عامّ و خاصّ دارد؛ عبادت در معنای عامّ، هر رفتار و کرداری را شامل می‌شود که رضایت و خشنودی خداوند در آن باشد. عبادت در معنای خاصّ، راز و نیاز با خداوند، ذکر و یاد او و سخن گفتن با اوست و عباداتی چون دعا، ذکر، تلاوت قرآن و برپایی نماز را شامل می‌شود.

بی‌شک، در پیدایش توجه قلبی به خداوند، عوامل فراوانی نقش دارند که از جمله آنها، «مکان عبادت»

۱. ذاریات، آیه ۵۶.

۲. رعد، آیه ۱۵.

است. مسجد، با ویژگی‌های خاص خود، بهترین و مناسب‌ترین مکان برای حضور و شکرگزاری به درگاه الهی است. نخستین مسجد در نظام آفرینش، کعبه و مسجد الحرام بوده است. پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از نخستین روزهایی که دعوت به دین اسلام را به صورت آشکار شروع کرد، از مسجد الحرام همچون پایگاهی اساسی بهره گرفت. شواهد تاریخی، گواه است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، علاوه بر حضور در مسجد و اقامه عبادت در آن، دیگر مسلمانان را نیز ترغیب و تشویق می‌کرد تا به مسجد رفت و آمد کنند. پیامبر عظیم الشان ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام بر اقامه نماز، به ویژه نماز جماعت، در مسجد بسیار تأکید کرده‌اند و برای آن فضایل بسیاری نقل فرموده‌اند. از سوی دیگر، قرآن کریم هر کسی را که به نقش بنیادین مسجد، یعنی «عبادت و پرستش» آسیب برساند، ظالم می‌داند و می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا؛ کیست ستمکارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او، جلوگیری کرده و سعی در ویرانی آن می‌نماید».^۴

در صدر اسلام، مسلمانان به برپایی نمازهای جماعت - که مظهر بندگی، شکوه، حیات و وحدت امت اسلامی است - بیش از امروز اهمیت می‌دادند؛ اما باید گفت که در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، کارکرد مسجد در بعد عبادی، هرگز افول نکرده است؛ اگرچه در زمینه‌های دیگر با فراز و نشیب بسیار همراه بوده است.

ویل دورانت، مورخ مشهور غربی، در گزارشی از جوامع اسلامی، چنین می‌نویسد: پیش از آفتاب و نیمه روز و نزدیک غروب، مؤذن بر گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان، مسلمانان را به نماز می‌خواند. به راستی، این دعوت چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند؛ چه خوب است که انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که ضمیر انسان، در سکوت شب به جانب خداوند جلّ جلاله توجه کند.^۵

برخی کارکردهای عبادی مسجد، مانند اقامه نماز جمعه، جنبه سیاسی به خود می‌گیرد و روند دیگری پیدا می‌کند. پیامبر اکرم ﷺ هنگام هجرت و قبل از رسیدن به مدینه، در فاصله پانصد متری مسجد قبا و در محلی که اکنون مسجد جمعه در آن بنا شده است، اولین نماز جمعه تاریخ اسلام را خواندند. ایشان پس

۱. آل عمران، آیه ۹۶.

۲. اسد الغابة، ج ۳، ص ۴۱۴؛ الاصابة، ج ۲، ص ۴۸۰؛ فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۴۳.

۳. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۳، باب فضل الصلاة في الجماعة.

۴. بقره، آیه ۱۱۴.

۵. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۷۳.

از ورود به مدینه، نماز جمعه را به صورت مرتب اقامه می کرد. روایات زیادی در منابع دینی فریقین، مبنی بر حضور انبوه مردم در نماز جمعه و خطبه های رسول گرامی اسلام ﷺ نقل شده است. این سنت در زمان خلفای سه گانه، امام علی (علیه السلام) و طبق برخی نقل ها، در زمان امام حسن مجتبی (علیه السلام) رواج داشت و به مساجد جامع و مرکزی شهرهای اسلامی نیز توسعه یافت؛ ولی پس از آن دوران، به تدریج با انحراف از جایگاه واقعی اش روز به روز کمرنگ تر شد.

قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز هیچ گاه نماز جمعه، همه جا و به صورت عمومی و مرتب برگزار نشده بود. اولین کسی که در دوران رژیم منحوس پهلوی، خواهان احیای نماز جمعه شد، شهید نواب صفوی بود؛ اما پس از انقلاب اسلامی این فریضه الهی با همان عظمت و شکوه و خصوصیاتش در صدر اسلام، دوباره احیاء شد. پروفسور حامد الگار در مقاله ای با عنوان «امام خمینی و احیای نماز جمعه» چنین می نویسد: «احیای واقعی نماز جمعه در ایران یکی از دست آوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران است و ما آن را مانند بسیاری از برکات مدیون حضرت امام (قدس سره) هستیم».^۱

امام خمینی (قدس سره)، مانند عده ای از فقها، جایگاه ویژه ای برای اقامه نماز جمعه در عصر غیبت قائل بودند. ایشان در تحریر الوسیله، ضمن تبیین احکام نماز جمعه، می فرماید: نماز جمعه و دو خطبه آن از جایگاه عظیم سیاسی، مثل حج و عید قربان و فطر برای مسلمانان برخوردار است؛ ولی متأسفانه مسلمانان از این گونه وظایف سیاسی غفلت کرده اند. اسلام در تمام شئونش، دین سیاست است و کسی که کمترین تفکر و تأملی در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام داشته باشد، این را می فهمد. هر کس توهم کند که دین، از سیاست جداست، [مانند] نادانی است که نه اسلام را فهمیده و نه سیاست را [فهمیده است].^۲

امام خمینی (قدس سره) همچنین در تبیین اهمیت نماز جمعه در یکی از بیانات خود می فرماید: «یکی از مهم ترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد، قضیه نماز جمعه است... به حمدالله در این نهضت، نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت... مردم و نسل های آینده به این مسئله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همه امور است».^۳

ایشان در سخنان دیگری درباره محتوای خطبه ها فرمودند: «در خطبه نماز جمعه، مقدرات مملکت بیان بشود؛ مسائل سیاسی که در مملکت جریان پیدا می کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند،

۱. الگار، حامد، امام خمینی (قدس سره) و احیای نماز جمعه، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی (قدس سره) و احیای تفکر دینی، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴، مسئله ۹.

۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود»^۱. یکی دیگر از کارکردهای عبادی مسجد، سنت اعتکاف است. اعتکاف، به مفهوم اقامت در مسجد به قصد عبادت و نزدیکی به خداست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با وجود آن همه عظمت روحی و کمالات انسانی، به اعتکاف بسیار اهمیت می‌دادند.

در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ وَشَمْرَائِزٍ وَحَلْوَى فَرَأَتْهُ؛ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَهَةِ آخِرِ رَمَضَانَ فِي مَسْجِدِ مَعْتَكِفٍ مِثْلَ مَا تَعْتَكِفُونَ الْيَوْمَ. بِرَأْيِ أَنْ حَضْرَتِ خَيْمَةَ أَيْ مَعِينٍ فِي مَسْجِدِ بَرِيَاءٍ مِثْلَ مَا تَعْتَكِفُونَ الْيَوْمَ»^۲.

سنت اعتکاف پس از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله تا حدود زیادی فراموش شد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خصوص در سال‌های اخیر، رونق بسیاری پیدا کرد؛ به صورتی که در بیشتر شهرها به دلیل استقبال زیاد مؤمنان، مشکل مکان به وجود می‌آید.

۲. کارکرد فرهنگی، آموزشی و تبلیغی مسجد

در صدر اسلام، از مسجد استفاده‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی نیز می‌شد. دینی که با امر به خواندن، آموزش، قلم و مبارزه با جهل آغاز شود،^۳ طبیعی است به مرکز آموزش و تبلیغ نیز نیاز دارد و جایگاهی والاتر و بهتر از مسجد برای این کار نیست. شواهد تاریخی، حاکی از آن است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و یارانش، قبل و بعد از هجرت، از مسجد برای آموزش و تبلیغ استفاده می‌کردند. آن حضرت صلی الله علیه و آله، پس از تبلیغ رسمی دین اسلام و قبل از هجرت به مدینه، تا آنجا که امکان داشت، از مسجد الحرام در راستای تبلیغ و ترویج دین و آموزه‌های اسلام بهره می‌گرفت. از آنجا که کعبه و مسجد الحرام، قبل از ظهور اسلام، جایگاه گردهمایی مردم بود و مشرکان برای پرستش بت‌ها و طواف کعبه به آنجا می‌رفتند، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و یارانش از این فرصت نهایت استفاده را می‌بردند. گرویدن شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به اسلام، در مکه، ثمره چنین تبلیغاتی بود. برای نمونه می‌توان طفیل بن عمرو را نام برد. طفیل، شاعر خردمندی بود که در قبیله‌اش نفوذ کلام داشت. هنگامی که وی وارد مکه شد، سران قریش و بازیگران عرصه سیاست، از ترس گرویدن وی به اسلام، با جوسازی او را از حضور نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحبت با او بر حذر داشتند.

۱. همان، ج ۴، ص ۴۴۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵، باب الاعتکاف، ح ۱.

۳. علق، آیات ۴، ۵.

طفیل می گوید: سخنان آنان به قدری در من مؤثر افتاد که مقداری پنبه در گوش هایم فرو کردم و صبح وارد مسجد الحرام شدم؛ ناخودآگاه کلامی بسیار شیرین و لذت بخش به گوشم رسید! احساس مسرت کردم. با خود گفتم تو مرد سخن سرای خردمندی هستی؛ چه مانعی دارد که سخن این مرد [پیامبر گرامی ﷺ] را بشنوی؛ اگر نیک بود آن را بپذیری و اگر زشت بود آن را رد کنی؟ برای ملاقات پنهانی با آن حضرت اندکی صبر کردم. حضرت، به سوی منزل به راه افتاد. وقتی وارد خانه شد، اجازه ورود خواستم و جریان را برای حضرت توضیح دادم و خواستم آیین اسلام را برایم تشریح کند. آن حضرت آیین خود را عرضه داشت و مقداری قرآن برایم تلاوت کرد. به خدا سوگند کلامی زیباتر از آن نشنیده و آئینی معتدل تر از آن ندیده بودم! به همین دلیل آن را پذیرفتم! سپس، به حضرت گفتم در میان قبیله خود برای نشر آیین شما فعالیت خواهیم نمود.

ابن هشام در ادامه چنین می نویسد: طفیل، تا روز حادثه خیبر در میان قبیله خود بود و به نشر آیین اسلام اشتغال داشت و در همان حادثه با هفتاد یا هشتاد خانواده مسلمان به پیامبر گرامی ﷺ پیوست و در اسلام خود پایدار بود تا اینکه پس از رحلت پیامبر اسلام ﷺ در عصر خلفا در جنگ یمامه شربت شهادت نوشید. نقش مسجد در فعالیت های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی، پس از ورود پیامبر گرامی ﷺ به مدینه، هرگز با وضعیت قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای مسجد النبی، نه تنها پرستش گاه خداوند متعال ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و پرشور نیز پی ریزی شد. حضور منظم و پیوسته مسلمانان در این مسجد برای برپاداشتن نماز، بهترین فرصت برای کارهای تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ بود و آن حضرت نیز از این فرصت به خوبی استفاده می کردند. آدر نتیجه می توان گفت مسجد در صدر اسلام، شاخص ترین ساحت فرهنگی و تربیتی اسلامی را به خود اختصاص داده بود. در متون اسلامی، روایات بسیاری در خصوص نقش علمی و آموزشی مسجد در صدر اسلام آمده است؛ برای نمونه به سه روایت اشاره می کنیم:

الف) شهید ثانی در «منیة المرید» نقل می کند: پیامبر خدا ﷺ روزی خانه را به قصد مسجد ترک کرد؛ در مسجد با دو گروه رو به رو شد. گروهی به مباحثات علمی و معارف اسلامی و گروهی به دعا و نیایش مشغول بودند. حضرت فرمود: هر دو گروه در مسیر خیر و صلاح هستند؛ یک گروه خدا را می خوانند و گروه دیگر به آموزش علم و آگاهی می پردازند؛ اما این گروه علمی، از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که من برای تعلیم فرستاده شده ام. آنگاه در میان گروه علمی نشستند.^۳

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۳۶، ۳۳۷، به نقل از سیره ابن هشام.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، فصل ششم.

۳. شهید ثانی، منیة المرید، ص ۱۰۷.

ب) امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرمایند: هیچ گروهی در مسجد خداوند متعال، به منظور تلاوت قرآن و مباحثه علمی پیرامون آن ننشستند، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فرا گرفت و فرشتگان الهی، آنان را (با بال و پر خویش) در بر گرفتند.^۱

ج) ابن عباس از پیامبر ﷺ نقل می‌کند: هیچ گروهی در خانه‌های از خانه‌های من، برای آموزش قرآن و بحث درباره آن اجتماع نکردند، مگر آنکه به مهمانی خداوند تعالی در آمده‌اند و تا زمانی که در مسجد به مباحثات علمی پیرامون قرآن مشغول هستند، ملائکه آنان را در بر خواهند گرفت (و آنان را مورد حمایت و حفاظت خود قرار می‌دهند).^۲

اختصاص روند آموزشی و علمی در مسجد، به صدر اسلام منحصر نیست؛ بلکه در دوره‌های بعد از آن نیز اندیشمندان، متخصصان و دانش‌پژوهان علوم و معارف اسلامی، جلسات خود را در مسجد برپا می‌کردند. مجالس تفسیر و قرائت قرآن، مباحث کلامی، فقهی و حدیثی در عصر ائمه (علیهم السلام) و پس از آن، تا آنجا که تضادی با منافع حکومت‌های وقت نداشت، در مساجد برگزار می‌شد. در دوران انقلاب اسلامی، در مساجدی که مدیریت قوی و ائمه جماعات فعال و انقلابی داشتند، کلاس‌های مختلفی برای آگاهی دادن به مردم در زمینه‌های مختلف برگزار می‌شد. این مساجد، در بازگشت به خویش، خودشناسی و ارزیابی هویت فراموش شده ملت ایران بسیار مؤثر بودند.^۳

۳. کارکرد سیاسی - اجتماعی مسجد

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، کارکرد سیاسی - اجتماعی بود. به صراحت می‌توان ادعا کرد که در کنار بعد عبادی مسجد، وسیع‌ترین و مهم‌ترین کارکرد مسجد، کارکرد سیاسی - اجتماعی آن بوده است. مسجد، پایگاه و مرکز همه فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی و حتی دارالحکومه آن بوده است. همه ملاقات‌های عمومی در زمان پیامبر گرامی ﷺ، خلفای نخستین و امام علی (علیه السلام) در مسجد انجام می‌شد و حتی نمایندگان خارجی، در مسجد به حضور پذیرفته می‌شدند. مسجد، محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی نیز بود.

ابن ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: وقتی مردم هجوم آوردند تا با امام علی (علیه السلام) بیعت کنند، آن حضرت امتناع ورزید؛ ولی اصرار عموم در حدی بود که حضرت چاره‌ای نداشت. در این مرحله که مشروعیّت

۱. ابن ابی‌الجمهور احسانی، عوالی‌اللاکی، ج ۱، ص ۳۷۵.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳-۳۶۴.

۳. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۲۴.

الهی با مقبولیت عمومی همراه گشته بود و حجت بر آن حضرت تمام شد امام، حاکمیت را پذیرفت؛ ولی برای انجام بیعت فرمودند که اگر به ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد [با من بیعت کنید]؛ زیرا بیعت با من، نباید به طور مخفی و پنهان باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملا عام و محل اجتماع مسلمانان انجام بگیرد. پس، حضرت بلند شدند در حالی که مردم در اطرافش بودند، حرکت کردند تا داخل مسجد شدند؛ مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند.^۱

روشن است که امروز بیعت به انتخابات، تغییر نام یافته است و کار کرد سیاسی، با پیروزی غرور آفرین انقلاب اسلامی، در مساجد احیا شده است؛ به گونه‌ای که همه انتخابات گذشته (که در واقع، هر انتخاب یک بیعت جدید با نظام اسلامی است) در مجامع عمومی و مساجد صورت گرفته است.

مسجد، در صدر اسلام همواره مجلس مشورتی مسلمانان در رویدادها نیز بوده است. بر اساس دستور قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ در امور مختلف با افراد دارای صلاحیت مشورت می کردند. مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه نظامی، غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی بود. یکی از مهم‌ترین مشورت‌ها، در جنگ احد بود که پیامبر گرامی ﷺ با اصحاب خود درباره نحوه اجرای جنگ مشورت کردند.^۲

در واقع، پر رنگ‌ترین نقش مساجد در دوران انقلاب اسلامی، نقش سیاسی بوده است. با فراگیر شدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی مؤثرتر در این زمینه یافتند. سخنرانی‌های روحانیان و دانشگاهیان در مساجد مردم را بیش از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی عدالتی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا کرد. مساجد، در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم، بسیار مؤثر بودند. پس از تبعید امام خمینی ره، در سال ۱۳۴۳، مبارزه فعال سیاسی فروکش کرد و مساجد رویکردی دیگر یافتند. امام خمینی ره، معمار انقلاب اسلامی ایران، در ارتباط با این نقش می فرماید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بود و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می شده است و مسجد محل حرکت قوای اسلامی برای سرکوب کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است».^۳

در واقع، سخنان امام خمینی ره تلاشی برای معطوف نمودن توجه به فرهنگ اصیل اسلامی و سامان دهی حرکت‌های اسلامی از مساجد است. مساجد که پایگاه‌های انقلاب بودند، به صورت سنگرهای مستحکم برای مبارزه انقلابی‌ها درآمدند. بر این اساس، امام خمینی ره با ژرف‌نگری خاص خود می فرماید: «مساجد و محافل دینیّه را که سنگرهای اسلامی در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۹.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۴، ۳۷.

۴. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۵.

دارید». همچنین ایشان فرمودند: «مسجد، یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است و محل حرب است؛ [دشمنان،] این را می‌خواهند از دست شما بگیرند». آدرپی تأکیدهای رهبر کبیر انقلاب بر استفاده هر چه بیشتر از مساجد و بازگشت آنها به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام، با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روز به روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکارآمدتر کردند. پایه‌های اصلی و اولیه انقلاب را شاگردان، نزدیکان و معتمدان امام بنا کردند. امام، ۴۰۰ نفر شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند که اثر آنها در همه جا دیده می‌شد. آیت‌الله امامی کاشانی در شرق تهران، آقای ایروانی در جنوب تهران، آیت‌الله غیوری در جنوب شرقی، آیت‌الله ملکی در مسجد همت شمیرانات، آیت‌الله شهید مطهری در مرکز تهران کانون توحید، امام جمارانی در شمال و مسجد شهید بزرگوار دکتر مفتح به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند؛ ایشان در شهرستان‌ها نیز شاگردانی داشتند.^۱

در محور سیاسی، مساجد و نهادهای دینی، به واسطه عملکردشان و عملکرد مبارزاتی‌شان علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاص کارگزاران دولت بود؛ چرا که می‌دیدیم مسئولان بلندمرتبه رژیم شاه، چه عکس‌العمل‌های تندى در مقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌جهت نبود که سپهبد رزم‌آرا، مهره حلقه به‌گوش شاه، می‌گفت: مسجد را بر سر کاشانی و مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم؛ به این ترتیب، اهمیت و حساسیت سیاسی بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم.^۲

در دوران انقلاب هم به‌طور طبیعی و بر اساس سوابق تاریخی، مساجد ایران نقش خود را باز یافته و مرکز مبارزات ضد رژیم شاه بودند. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم، به توپ بستن حرم امام رضا (علیه‌السلام) توسط روس‌ها و همچنین، حمله و به‌آتش کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم، نشان‌دهنده اهمیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از مسجد به عنوان سنگر مبارزه است. همچنین، این امر بیانگر عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدس داشته است.^۳

در زمینه مسائل اجتماعی، مسجد در اوایل ظهور انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های مختلف بود. در مسجد، بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه، با همکاری مردم، حل می‌شد. از کارهایی که فقط جنبه اجتماعی داشتند می‌توان به کمک‌های مردم در جریان زلزله طبس و کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آنها در زندان یا بازداشت بودند، اشاره کرد.

۱. همان، ج ۲، ص ۴۸۵.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۲.

۳. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۹-۸۸.

۴. همان، ص ۸۵.

۵. محمدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۹۱.

مساجد و ائمه جماعات نه تنها اختلافات مالی مردم را حل و فصل می کردند، بلکه اختلافات خانوادگی و حتی قومی و محلی افراد را فیصله می دادند؛ چرا که متدینین و مؤمنان، مجاز نبودند که به دادگستری و محاکم قضایی مراجعه نمایند... در مورد طلاق نیز وضع به همین صورت بود؛ چون مراجع، شرط صحت طلاق را وجود دو شاهد عادل برای جاری کردن صیغه طلاق، می دانستند و دادگاه‌های زمان قبل از انقلاب، مصداق وجود این شرط نبودند؛ بنابراین، بسیاری از طلاق‌ها و صیغه آن در سر نماز جماعت و با شاهد گرفتن از متدینین انجام می شد.^۱

آقای هاشمی رفسنجانی درباره نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی می گوید: پس از تصویب کاپیتولاسیون و ... ایشان (امام) تصمیم به مبارزه گرفتند و ما هم ستادی برای اداره مسائل مبارزه در این مقطع جدید ایجاد کردیم. امام هم اعلامیه دادند و هم آن سخنرانی معروف (در فیضیه) را ایراد کردند و نیز به علمای سراسر کشور پیام‌هایی فرستادند. مسجد امام (شاه)، پایگاهی مهم شده بود که در این مقطع هر شب یکی از چهره‌های مشهور آنجا سخنرانی می کرد. گروه‌ها در اداره [کردن] قضایا فعالیت خوبی پیدا کرده بودند... (بنا شد) چندین هیئت، تشکل جدید ایجاد کنند و امام هم موافقت کردند و چند روحانی مورد اعتمادشان، همچون آقایان مطهری، بهشتی و انواری را برای پاسخ‌گویی به سوالات [مردم] و تغذیه فکری‌شان انتخاب کردند... افرادی هم بودند که می خواستند کارهای تندتری انجام بدهند. اوج تلاش‌های مبارزین آن ماه، ترور منصور و بازداشت شاخه نظامی هیئت مؤتلفه بود. بعد از ترور منصور، مجلس مسجد جامع با تهاجم پلیس به هم خورد و ادامه پیدا نکرد.^۲

همان گونه که ملاحظه کردید، این سخنان در واقع به احیای کارکرد نظامی مسجد در انقلاب اسلامی، همچون دوران صدر اسلام، اشاره می کند. از دیگر کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلام، انجام امور درمانی در مواقع حساس بود.

«در مسجد پیامبر گرامی ﷺ، جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می کردند».^۳ واقدی چنین می نویسد: «در ماجرای جنگ احد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را مداوا می کردند».^۴

روشن است که انجام این امور در مساجد، به دلیل اضطرار و ناچاری بوده است. در صدر اسلام به دلیل نداشتن مکان مناسب، از مساجد چنین استفاده‌ای می شده است؛ زیرا به طور معمول، درمان جراحات‌ها با

۱. همان، ص ۷۴.

۲. محمدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۱۱۲.

۳. عاملی، جعفر مرتضی، الآداب الطبیبیة فی الاسلام، ص ۶۹.

۴. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸۰.

خون‌ریزی همراه است و این موضوع با مسجد سازگاری ندارد. در انقلاب اسلامی نیز به طور معمول، افرادی که جراحات‌های مختصر داشتند در برخی از مساجد مداوا می‌شدند؛ ولی نقش مساجد در انقلاب در واقع، سامان‌دهی درمان مجروحان و تشکیل تیم‌های پزشکی برای مداوای آسیب‌دیدگان در مکان‌هایی غیر از مسجد بوده است.^۱ برای نمونه، مسجد باب‌الحوائح و مسجد امام صادق (علیه‌السلام) در تبریز، فعالیت‌های بهداشتی و درمانی داشتند و برخی بیمارستان‌های خیریه را اداره می‌کردند. حتی هزینه آسایشگاه جذامیان را مسجدها، مسجدی‌ها و افراد مؤمن تقبل می‌کردند. همچنین، برای اعاناتی که از مردم جمع می‌کردند قبوضی هم تهیه کرده بودند.^۲ برخی این نقش مساجد را عاملی برای جذب افراد به این مکان مقدس نام برده‌اند.^۳

۴. کارکرد اقتصادی مسجد

حضور در نمازهای جمعه و جماعت به‌طور طبیعی، مؤمنان را از حال و روز یکدیگر آگاه می‌کند و همیاری و همبستگی آنان را به دنبال دارد. در مساجد و جلسات مذهبی، مؤمنان سعی می‌کنند مشکلات دیگر مؤمنان را حل کنند. بی‌شک، از اقدامات بسیار مؤثر و کارآمد مساجد و جلسات مذهبی در قبل از انقلاب اسلامی، پشتیبانی‌های مالی از انقلاب و مبارزان بوده است.

در دوران قبل از انقلاب بسیاری از مساجد، دارای چنین تشکیلات اقتصادی بوده‌اند؛ ولی با توجه به حساسیت رژیم که کار این نهادها را در مقابل فعالیت اقتصادی بانک می‌دانست، اداره کردن آنها بیشتر مخفیانه بود و افراد معتمد و نیکوکار که بیشتر از قشر بازاری بودند، به صورت نهاده‌ینه، اما غیر محسوس این کارهای اقتصادی را انجام می‌دادند و بسیار هم مؤثر بودند.^۴

نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برخی از مجاهدان انقلابی بر این عقیده‌اند که اگر مسجد نبود، انقلاب هم نبود. نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای بود که نویسندگان مغرب زمین نیز آن را از جمله عناصر بسیار مهم و اساسی در پیروزی انقلاب نامیده‌اند.

حامد الگار، اندیشمند امریکایی، می‌نویسد: مسجد، هسته اساسی تشکیلات انقلاب ایران بود. شاید

۱. مصاحبه نگارنده با حاج عبدالکریم احمدی، از مبارزان دوران انقلاب و دفاع مقدس، ۱۳۸۲/۳/۲۵.

۲. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

۳. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

۴. همان، ص ۷۷.

۵. برگرفته از متن مصاحبه نگارنده با حاج عبدالکریم احمدی، از مبارزان دوران انقلاب و دفاع مقدس، ۱۳۸۲/۳/۲۵.

این هم یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه گیری های خود باید به آن می پردازیم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و توجه به تمام ابعاد عملکردی آن بود. مسجد در نظر انقلاب گران آن زمان، جایی برای عزلت نشینی و گریز گاهی از جامعه محسوب نمی شد که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه ببرند؛ بلکه مسجد، به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی امور انقلاب تبدیل گردیده بود و به طور خلاصه، مسجد همه آن چیزی شد که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^۱

امام خمینی ره در سخنان خود، مسجد را رمز پیروزی ملت ایران بیان کردند و فرمودند: رژیم اسلام، این طور است که افرادش از مسجدند؛ از مسجد نهضت شروع می شد و از مسجد، به میدان جنگ ها می رفتند. در جمعه ها که خطابه می خوانند یا غیر جمعه که آن سردارشان به منبر می رفت، وصیت [سفارش] می کرد؛ از آنجا [مسجد] آنها را به راه می انداخت تا برای اینکه بروند [میدان جنگ و] مبارزه کنند؛ یک چنین روحیه ای که از مسجد تحقق پیدا می کند، دیگر نمی ترسد از اینکه حالا من بروم شاید چه بشود؛ این [فرد] مسجدی است؛ این [فرد] الهی است؛ آدم الهی نمی ترسد...^۲

همان گونه که مسجد در صدر اسلام نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشته است. متأسفانه، با وجود همه برنامه های خوبی که در برخی مساجد کشور جاری است، در سالیان اخیر به مساجد توجه کافی نشده است. برخی از کارکردهای مسجد که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اثرگذار داشتند و به یقین در دوام و ثبات آن نیز نقش خواهند داشت، به دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر، کم رنگ یا فراموش شده اند.

مشکلی که امام خمینی ره نیز نگران آن بودند و فرمودند: مساجد را خالی نگذارید، اینهایی که صحبت این را می کنند که حالا ما انقلاب کرده ایم، برویم سراغ کارهای دیگر، [آنان اشتباه می کنند؛] خیر! انقلاب از مساجد پیدا می شود... مساجد را با مسجد رفتن خودتان آباد کنید.^۳

ایشان همچنین فرمودند: من امروز باید بگویم که برای مسلمان ها، حفظ مساجد تکلیف است؛ امروز [حفظ کردن مساجد] جزء اموری است که اسلام به او وابسته است... مساجد را پر کنید؛ اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، از فانتوم ها ترس نداشته باشید؛ از آمریکا و شوروی و اینها ترس نداشته باشید؛ آن روز باید بترسید که شما به اسلام پشت بکنید؛ به مساجد پشت بکنید.^۴

۱. آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴.

۲. صحیفه نور، ج ۹، ص ۸۹، با اندکی تغییر و تلخیص.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۵۰۱، ۵۰۰، با اندکی تلخیص.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۲۱، ۱۹، با اندکی تلخیص.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. سبحانی، جعفر، **فروع ابدیت**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۲. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۳. دوران، ویل، **تاریخ تمدن**، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۴. موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، **سید روح الله**، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۵. _____، **صحیفه نور**، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ.
۶. نوبهار، رحیم، **سیمای مسجد**، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۷. شهید ثانی، **منیة المرید**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۸. ابن ابی الجهمور احسائی، **عوالی اللالی**، قم، انتشارات سید الشهداء، ۱۴۰۵ هـ. ق.
۹. محدث نوری، میرزا حسین، **مستدرک الوسائل**، قم، آل البيت، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۰. شریف پور، رضا، **مسجد و انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۱. ابن ابی الحدید معتزلی، **شرح نهج البلاغه**، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۲. محمدی، دکتر منوچهر، **تحلیلی در انقلاب اسلامی**، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۳. عاملی، جعفر مرتضی، **الآداب الطبیة فی الاسلام**، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲ هـ. ش.
۱۴. آلگار، حامد، **دین و دولت در ایران**، ترجمه ابوالقاسم سزّی، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۱۵. _____، **امام خمینی و احیای نماز جمعه**، مجموعه مقالات کنگره بین المللی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و احیای تفکر دینی.
۱۶. ابن اثیر، عزالدین، **أسد الغابة فی معرفة الصحابة**، دار احیاء التراث العربی.
۱۷. عسقلانی، ابن حجر، **الاصابه فی تمییز الصحابه**، دار الجیل، بیروت.
۱۸. واقدی، محمد بن عمر، **المغازی**، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۲ هـ. ش.

نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی

جعفر ساسان

چکیده

مقاله حاضر، نقش مساجد در انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. با توجه به اینکه پیش‌زمینه هر انقلابی، بسیج سیاسی توده‌هاست و به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران حوزه انقلاب، در بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم، نقش سه عنصر رهبری، ایدئولوژی و سازمان، جدی است. در نوشته حاضر، کارکردهای مسجد به عنوان سازمان و تشکیلات انقلاب بررسی می‌شود. هر چند مسجد، کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛ اما این نوشتار به کارکردهای آن در سه حوزه رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی-هویتی می‌پردازد.

واژگان کلیدی:

مسجد، انقلاب، بسیج، سازمان‌دهی.

اشاره

مسجد، از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد، در نظام سیاسی-اجتماعی مسلمانان، فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته است؛ بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... نیز داشته است.

در ایران، همزمان با ورود اسلام، مسجدها شکل گرفتند و پس از آن، یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی-اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز مسجدها نقش بسیار مهمی ایفا کردند؛ مانند: قیام سرداران، نهضت مشروطه، قیام گوه‌رشاد و انقلاب اسلامی. در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد، یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع، اعتراض مردم و تظاهرات علیه رژیم بود.

به‌طور معمول، در بیشتر انقلاب‌ها، مکان‌های عمومی محل تجمع افراد بودند؛ مثل: باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه یا شبکه‌های مخفی حزبی. در انقلاب اسلامی نیز مسجدها به صورت آشکار، همین نقش را داشتند. مسجد، عمده‌ترین ابزار روحانیت برای ارتباط با قشرهای مختلف جامعه و انتقال ایدئولوژی انقلاب و پیام‌های روحانیت به مردم بود. همچنین، به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار، در قیام‌ها و اعتراض‌های مردمی، مسجدها محل اصلی بسیج تاجران و بازاریان بودند. بنابراین، در انقلاب اسلامی، مسجد در کنار دو رکن «رهبری» و «ایدئولوژی» نقش‌آفرینی کرد. مسجد، در جایگاه نهاد مدنی بومی، در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن، نقش بسیار مهمی ایفا کرد و قابلیت مذهب و نهادهای مذهبی را به نمایش گذاشت.

سؤال اصلی

سؤال اصلی پژوهش این است که در دوره شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۵۷)، مسجدها چه نقش و کارکردهایی داشتند؟

فرضیه

به نظر می‌رسد که در انقلاب اسلامی، مساجد، سازمان‌ها و تشکیلاتی انقلابی بودند که با ارائه کارکردهای رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی-هویتی، توانستند در غیاب سازمان‌های بسیج‌گر، مهم‌ترین نقش را در بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم ایفا کنند.

مفهوم‌های پژوهش

- ۱- مسجد: عبادت‌گاه مسلمانان است و کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد.
- ۲- انقلاب: تغییرهای سریع، وسیع و همه‌جانبه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه که به‌طور معمول با خشونت همراه است.
- ۳- بسیج: فرآیندی است که طی آن جمعیتی منفعل به جمعیتی فعال تبدیل می‌شود و با گردآوری امکانات، به ستیز انقلابی می‌پردازد.
- ۴- سازمان‌دهی: یگانگی در تعقیب منافع، از راه تأمین هویت مشترک و همبستگی است.

متغیرهای پژوهش

- متغیر مستقل:** صلاحیت و قابلیت مسجد در جایگاه نهادی بومی و پایگاهی اجتماعی.
- متغیر وابسته:** بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم در انقلاب اسلامی.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش، بر پایه نظریه‌های نهادگرا یا سازمان‌گرا بنا شده است که نقش سازمان و تشکیلات را در بسیج و سازمان‌دهی انقلابی بررسی کرده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی، بستگی به آن دارد که سازمان جنبش، چگونه طراحی و به کار گرفته شوند و تا چه حد در بسیج موفق باشند. یکی از این نظریه‌ها به چارلز تیلی مربوط است که در کتاب «From Mobilization to Revolution» آن را تشریح کرده است. فرض اصلی تیلی این است که عرصه سیاست، چیزی جز تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی نیست و این نزاع، در همه سطح‌های جامعه ساری و جاری است. او علت‌ها و انگیزه‌های تنازع را بر اساس مدل جامعه سیاسی یا هیأت حاکمه و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را بر اساس مدل بسیج توضیح می‌دهد. او هر گروه و جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه سیاسی و گروه‌های منازعه‌گر یا ائتلافی تقسیم می‌کند.^۱

تیلی معتقد است که آنچه میزان توفیق هر یک از گروه‌ها را تعیین می‌کند، عبارت است: از منابع تهدید و اجبار، منابع اقتصادی، منابع هنجاری یا ارزشی (همبستگی و وفاداری درون گروهی) و دیگر منابع مفید جامعه. این گروه‌ها پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند.^۲

۱. Charles tilly, From Mobilization to Revolution, London: Adison Wesley (۱۹۷۸), P: ۵۲.

۲. Ibid, P: ۵۷.

تیلی می گوید: «مهم‌ترین عنصر هر انقلاب، بسیج سیاسی توده‌ها است و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و توده مردم، مهم‌ترین ارکان هر بسیج سیاسی هستند»^۱. در ادامه، با توجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی، به ارائه کارکردها و کارویژه‌های سازمان در بسیج سیاسی، به شرح زیر می‌پردازیم:

- ۱- سازمان باید قادر باشد تا میان انقلابی‌ها با یکدیگر، انقلابی‌ها با توده مردم و این دو با رهبری، ارتباط دقیق و منطقی برقرار کند. همچنین، رساندن اخبار و اطلاعات، از کارویژه‌های سازمان است.
 - ۲- کارویژه دوم سازمان، پشتیبانی مالی و تدارکاتی و در واقع، بسیج منابع‌ها و امکانات است.
 - ۳- کارویژه سوم سازمان، ایجاد همبستگی و هویت مشترک میان توده‌هاست. سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را زیر یک چتر، گرد آورد.
- اکنون، بر اساس این کارویژه‌ها به بررسی عملکرد مسجدها می‌پردازیم.

۱. کارکرد ارتباطی - رسانه‌ای مسجد

مساجد را می‌توان به منزله یک مرکز تجمع در نظر گرفت. تجمع کارکردهای گوناگون، در عین وحدت، در مسجد باعث گردیده است تا این مؤسسه اجتماعی - دینی، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی در جوامع اسلامی باشد. بدین ترتیب، اگر مساجد را محور شکل‌گیری ارتباطات در جامعه اسلامی (چه شهری و چه روستایی)، بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. محور بودن مسجد در جهان اسلام، حتی در جایگاه جغرافیایی آن نیز تأثیر داشته است. از این نظر، مساجد در قلب اجتماعات اسلامی قرار داشته‌اند.

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضای جامعه، ارتباط‌های سازمانی و ساختاری، هر چند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها با اعضای جامعه ارتباط برقرار کنند و موقعیت بسیج را مهیا کنند. اگر در جامعه‌ای، هیچ نوع نهاد یا سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد و مردم پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی میان اعضای جامعه، در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، به دلیل نداشتن ارتباط با توده‌ها، رهبران انقلابی قادر به تشکیل بسیج نخواهند بود. در نتیجه، باید حداقلی از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج نیروها فراهم شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، ضرورت ارتباط در بسیج و انقلاب انکارناپذیر است. اکنون، سؤال این است که مسجد چه نقشی در این زمینه ایفا کرده است. آیا در عصری که عصر انقلاب ارتباط‌ها و به تعبیر مک

۱. شجاع‌احمدوند، فرآیند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۶۰.

لوهان، عصر «دهکده جهانی» نام گرفته است، مسجد می‌تواند با قدمت ۱۴۰۰ سال، با رسانه‌های ارتباطی نو، رقابت کند؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، نخست به وضعیت رسانه‌های نو (مکتوب، دیداری و شنیداری) و ورود آنها به ایران نگاهی می‌اندازیم. سپس، برای مقایسه مسجد با آنها، کارویژه‌های ارتباطی مسجد را در بسیج سیاسی بررسی می‌کنیم.

ورود رسانه‌ها به ایران و نفوذ مسجد بر مردم

از ورود رسانه‌های جدید به ایران، حدود دو قرن می‌گذرد. در دهه اول قرن نوزدهم، رسانه‌های چاپی وارد ایران شدند که با سلطه حکومت، قرین شدند. حکومت قاجار، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه، سعی کرد با اعمال انحصار، کنترل و سانسور در این رسانه‌ها، آنها را ابزار ارتباطی خود تلقی کند. ظهور تلگراف در اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی در ایران، سبب تحوّل‌های بسیاری شد. این کانال ارتباطی که برای تحقق هدف‌های امپریالیستی و استعماری بریتانیا در ایران توسعه یافته بود، به تقویت حکومت مرکزی در داخل و توسعه هدف‌های استعماری در خارج منجر شد. بدین ترتیب، در اواخر قرن نوزدهم، این دو رسانه مهم در مقابل مردم، فرهنگ و اعتقادهای آنها قرار گرفت.

باروی کار آمدن حکومت پهلوی، علاوه بر مطبوعات و تلگراف، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، نظیر رادیو در دستور کار قرار گرفت. با تأسیس خبرگزاری پارس، وسیله‌های ارتباط اجتماعی به انحصار کامل دولت درآمد. این سیاست‌ها، در دوران محمدرضا شاه نیز ادامه یافت و با تأسیس تلویزیون، در سال ۱۳۳۹، این رسانه جدید نیز به رسانه‌های قبلی اضافه شد. سیطره کامل رژیم پهلوی بر رسانه‌ها و ترویج ایده‌ها و الگوهای مورد نظر رژیم - که با فرهنگ بیشتر افراد جامعه هم‌خوانی نداشت - باعث شد تا کانال‌های ارتباطی سنتی، مستقل از کانال‌های ارتباطی مدرن فعالیت کنند. در نتیجه، نیازهای ارتباطی جامعه از طریق کانال‌های سنتی تأمین می‌شد. این موضوع، به ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد، با ظهور امام خمینی رهبر، رهبر نهضت و مساجد به عنوان پایگاه نهضت اسلامی، جدی‌تر شد.

یکی از دلایل موفقیت مسجد، بهره‌گیری از ارتباط چهره‌به‌چهره بود که با توجه به فرهنگ شفاهی جامعه ایران، بسیار تأثیرگذار بود. ویلیام هاکنن با بررسی تجربه ارتباط‌های سنتی درباره انقلاب اسلامی می‌گوید: «آنچه در ایران روی داد، بی‌سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره‌به‌چهره، ارتباطات سنتی، راهپیمایی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب، استفاده می‌شد»^۱.

دلیل دیگر، به مسئله مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش مردمی آنها بر می‌گردد. با توجه به اینکه رسانه باید حامل پیامی برای مخاطب باشد، هر چه این پیام با فرهنگ و اعتقاد جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، پذیرفتنی‌تر خواهد بود. در حالی که رسانه‌های نو از ابتدا با طراحان بیگانگان وارد ایران شده بودند، پس از چندی، مروج فرهنگ بیگانه شدند و در نتیجه، مشروعیت چندانی در جامعه نداشتند؛ اما مسجد، با قدمت ۱۴۰۰ سال، حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادهای جامعه بود؛ بنابراین، مشروعیت زیادی در جامعه ایران داشت.

حمید مولانامی گوید: «مسجد، در جامعه اسلامی، به عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به منزله منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بُعد تزکیه معنوی، بلکه به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است»^۱.

انقلاب اسلامی، از دیدگاه فرهنگ و ارتباط، به منزله واکنشی علیه جریان غالب در رسانه‌های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن، ارتباط‌های سنتی بر کانال‌های مدرن ارتباطی پیروز شد.

«این واقعه مهم نشان داد که در کشورهای اسلامی، به ویژه در ایران، رسانه‌های سنتی (هم‌گفتاری و هم‌مکتوب)، نه تنها در مقابله و رویارویی با رسانه‌های جدید، وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه اخیر پیدا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران، نشانه بارز آن در عصر حاضر است؛ زیرا این انقلاب، مرهون تحرک و ابتکار زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و خواهد بود»^۲.

دلیل دیگر موفقیت رسانه‌ای مسجد، بهره‌گیری از رسانه‌های نو در جهت هدف‌های انقلاب بود. در واقع، مسجد در جایگاه پایگاه و منبع ارتباط‌های انقلابی، هم رسانه‌های نسل اول (شفاهی و چهره‌به‌چهره) را در اختیار داشت و هم موعظه و خطابه یا رسانه‌های نسل دوم و سوم را در اختیار داشت؛ مثل: کتاب، جزوه، اعلامیه و کاست‌های حاوی پیام‌های رهبر انقلاب. مسجدها توانستند از ترکیب رسانه‌های گوناگون، میان رهبری و توده‌ها ارتباط برقرار کنند.

آلویین تافلر در کتاب «جابه‌جایی در قدرت» می‌نویسد: «درک این مطلب که مذهب سازمان‌یافته، صرف‌نظر از هر چیز دیگر، رسانه‌ای انبوه است، کمک می‌کند تا بسیاری از جابه‌جایی‌های قدرت معاصر را تبیین کنیم».

۱. همان، ص ۴۱.

۲. حمید مولانا، گذراز نوگرایی، ترجمه شکرخواه یونس، ص ۸۵.

سپس، آل‌وین تافلر در مورد انقلاب اسلامی می‌نویسد: «در ایران، آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق به الله، علاوه بر نفرت از امپریالیسم و مخالفت با سرمایه‌داری انقلابی، خاورمیانه را به کانون بالقوه جنگ و درگیری تبدیل کرد».

وی ادامه می‌دهد: «اما آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر، در یک حرکت پر شور واحد دست زد. وی همچنین، رسانه‌های موج اول، یعنی موعظه‌های چهره به چهره روحانیان برای مؤمنان را با تکنولوژی موج سوم ترکیب کرد؛ یعنی همان نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سیاسی که در مساجد، به‌طور مخفی توزیع می‌گردید و در همان محل پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان قیمت، تکثیر می‌گردید. شاه، برای مقابله با آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از رسانه‌های موج دوم، یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، استفاده می‌کرد. به محض اینکه آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دومی را نیز در اختیار گرفت»^۱.

یکی دیگر از عامل‌های موفقیت ارتباطی مسجد، مصونیت در برابر حمله‌های رژیم بود. در حالی که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن به شدت برخورد می‌کرد و اجازه اظهار وجود به آنها نمی‌داد، مسجد به دلیل قداست و حمایت مردمی، از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانستند در پوشش مذهب، فعالیت‌های انقلابی را نیز پیگیری کنند.

حسنین هیکل، در این باره می‌نویسد: «در کشورهای اسلامی، نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نیست و آن نهاد، مسجد است. با این نهاد، نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد، برای اجتماع مردم، مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم، به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب، دور زندگی مردم عادی یک حصار امنیتی می‌کشد که مسجد و قرآن، سمبل‌های آن به شمار می‌روند»^۲.

در نهایت، باید گفت که گستردگی شبکه مسجدها در سراسر کشور، از بزرگ‌ترین شهرها تا روستاها، این امکان را به وجود آورده بود که پیام‌های انقلابی به راحتی در سراسر کشور پخش شود و همه مردم با موعظه‌های انقلابی و پیام‌های رهبر انقلاب در ارتباط باشند.

جان دی استمپل، از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد: «یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی،

۱. آل‌وین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ص ۵۴۳.

۲. حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، ص ۲۳۶.

مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهب ایرانیان در جنبش بوده است. وجود ۳۵ میلیونی ایرانی، به‌طور تقریبی ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی، سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام، از یک شهر به رهبران شهر دیگر بود که از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت.^۱

در نتیجه، مسجد به دلیل‌هایی که ارائه شد، توانست پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریان‌های مخالف رژیم باشد و تنها نهاد مستقل از دولت و تنها گزینه ممکن برای بسیج مردم باشد. در واقع، کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دورکن دیگر انقلاب نیز بسیار مهم بود؛ یعنی رهبری و ایدئولوژی؛ زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب، مسجد بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ قطع نشد و از طرف دیگر، ایدئولوژی انقلاب از طریق مسجد گسترش می‌یافت که این شیوه، از اندیشه سیاسی شیعه الهام گرفته بود.

۲. کارکرد حمایتی پشتیبانی مسجد

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در نزاع با حکومت، آن است که به لحاظ مادی، به نظام حاکم وابستگی نداشته باشد. هر نهضتی برای سازمان‌دهی و اقدام‌های انقلابی، نیازمند منابع مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلابی، عده زیادی درگیر مبارزه می‌شوند و تعداد زیادی اقدام‌های پنهان انقلابی وجود دارد که باید از لحاظ مالی تغذیه شوند.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز، مخارج خود را از طریق سرقت یا کمک‌های اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریک‌های انقلابی رایج‌تر است؛ اما با توجه به اینکه، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، متکی بر دین اسلام بود، این روش‌ها در آن جای نداشت. البته درباره مسجدها، چنین نیازی وجود نداشت؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد با بازار، مهم‌ترین عامل این استقلال بود. بازار در جامعه‌های اسلامی، به خصوص در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محفل‌های دینی داشته است؛ از قبیل: حوزه‌های علمیه، مسجدها و هیئت‌های مذهبی. این نزدیکی و آمیختگی، فقط به بُعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبود؛ بلکه فراتر از آن، نوعی همبستگی و تجانس فکری فرهنگی میان بازار و مسجد، در صف‌بندی‌های اجتماعی-سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند میان این دو نهاد، فراتر از ارتباط آنها با سایر قشرها و نهادها بوده است؛ از جمله: ارتباط با نهاد حکومت یا ارگ. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی-اجتماعی دو‌یست سال اخیر ایران به خوبی مشاهده کرد. بر اساس مستندهای تاریخی، در هیچ‌یک از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران (مانند: جنبش تنباکو، قیام

مشروطه و انقلاب اسلامی)، این دو نهاد، مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند؛ بلکه در همه صف‌بندی‌ها، جبهه واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تشکیل می‌دادند. بر این اساس، قصد داریم به ریشه‌های تاریخی این اتحاد پیردازیم و نقش آن را در بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

اتحاد مسجد و بازار در ایران

مسجد و بازار، دو نهاد از نهادهای اجتماعی هستند که نخست در شهرها پدید آمدند. کارکرد و موقعیت ظهور این دو نهاد، به گونه‌ای بوده است که به‌طور اساسی، جز در اجتماعات شهری، امکان وجود و تداوم نداشتند. احمد اشرف در مورد وضعیت کالبدی و فضایی شهرهای اسلامی می‌گوید: «شهر اسلامی، به لحاظ کالبدی، متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازار بوده است که محل استقرار و جایگاه عناصر متشکل اجتماع شهری، یعنی عمال دیوانی، علما و بازاریان بوده است»^۱.

ساخت کالبدی شهرهایی که فرمانروایان مسلمان، در دوره اسلامی، آنها را بنیان نهادند به خوبی، حضور برجسته این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد: «شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند، دو پایه اصلی داشت؛ یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مساجد جامع در شهرها، همواره دو کارکرد سیاسی و مذهبی داشتند و به - طور عموم در کنار مقر فرمانروایان و والیان قرار داشت و بعدها مرکز اجتماعات سیاسی و رسمی هم بوده است و به - طور معمول، در کنار آن، مدرسه علمیه شهر واقع بود و در نهایت، بازار نیز آن را احاطه می‌کرد»^۲.

مدینه، که در دوره اسلامی در مقابل شهرستان به کار می‌رفت، گذشته از موقعیت دیوانی، نقش مذهبی مهمی نیز داشت. از این رو، مسجد آدینه یا مسجد جامع، به تدریج به یکی از رکن‌های اصلی جامعه‌های شهری تبدیل شد؛ تا جایی که شاخص تشخیص تجمع‌های شهری از اجتماع‌های غیر شهری، وجود مسجد جامع بود؛ بدین معنی که استقرار مقام‌های مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه نماز جمعه در سکونت‌گاه، مستلزم آن بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

با اینکه ارگ، در کنار مسجد و بازار، یکی از سه نهاد عمده شهری بود؛ اما عمال دیوانی، در یک ویژگی شاخص با علما و بازاریان تفاوت داشتند و آن، خاستگاه اجتماعی آنان بود. علما و بازاریان، بیشتر خاستگاه شهری داشتند؛ اما عمال دیوانی، هر چند که در شهرها اقامت داشتند، بیشتر آنها تبار ایلپاتی داشتند و خاستگاه غیر شهری آنان مشهود بود. شاید یکی از دلایل اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار یا علما و بازاریان

۱. احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۱۸ و ۱۹.

در مقابل حکومت‌ها همین یکی بودن خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران، در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته است و این امر، به‌ویژه با ورود استعمار به ایران پررنگ‌تر شد. در دوران حاکمیت سلسله قاجار، نحوه تعامل دولت با علما و اعطای امتیازهای اقتصادی به بیگانگان، باعث شد تا نه تنها پای طرف خارجی به مناسبت‌های قدرت در ایران باز شود، بلکه دو طرف دیگر مسئله، یعنی مسجد و بازار نیز در موضع تخصیص با دولت قرار بگیرند. نمونه بارز این صف‌بندی، جنبش تحریم تنباکو بود که در آن مسجد و بازار در یک صف واحد، در مقابل شاه و طیف خارجی قرار گرفتند. استمرار این صف‌بندی، به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به چالش کشید.

اتحاد مسجد و بازار در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه، موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد؛ این سیاست‌ها عبارت بودند از: نوسازی به سبک غربی، ترویج ابتدال و بی‌بندوباری در جامعه، زیر فشار گذاشتن قشرهای مذهبی و به‌ویژه بازاریان. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی، بازاریان و بازار، به مثابه هادی سنتی، نقش بسزایی چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ سیاسی ایفا کنند. از لحاظ سیاسی، موقعیت بازار و جمعیت آن، نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. بازاریان، گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چند هزار مغازه داشتند و با تعداد زیادی از مردم در ارتباط بودند. هر گاه، اتفاقی می‌افتاد، آنها بازار را می‌بستند و در مسجدها تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار، باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا می‌نویسد: «مساجد، تنها کانال بسیج بازاریان، در اتحاد با سایر گروه‌ها بودند»^۱.

«مساجد، محل امنی برای بازاری‌ها فراهم کرده بودند تا گردهم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته، فشارهای حکومت را افشا کنند».^۲ از لحاظ اقتصادی، بازار نقش مهمی در پشتیبانی از مبارزه‌های انقلابی و انقلابی‌ها داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱-۲) ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی

بسیاری از مسجدها و حسینیه‌های شهرهای بزرگ، در کنار بازار ساخته می‌شد و بازاریان در ساختن آن نقش داشتند. ساخت حدود پنجاه مسجد کوچک و بزرگ در محدوده بازار تهران، در دوره‌های مختلف، دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مسجدها نیز به نام بانیان آنها نام‌گذاری شده است؛ مانند: مسجد جلیلی،

۱. Misagh parsa, social origin of Iranian Revolution, Rutgress university press, (۱۹۸۹) P: ۹۴

۲. Ibid, P: ۷۲۵

مسجد سیّد عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی اکبر بزّاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلور فروش و ...

۲-۲) تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزات

تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مسجدها و کمک‌بازاریان به آنها، یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود. در این مورد سندهایی نیز وجود دارد که برخی از آنها در ادامه بیان می‌شود: «یکی از صندوق‌هایی که به افراد محتاج قرض می‌دهد و آن را در اقساط ماهیانه دریافت می‌کند، صندوق قرض‌الحسنه جاوید، واقع در خیابان خسروی نو و صندوق دیگری در بازار سرای محمدیه است که بیشتر به طلاب و روحانیان وام می‌دهد و به ظاهر، اساس تشکیل این صندوق بر همین مبنا بود. بر عملکرد این صندوق، چند نفر از بازاری‌ها و سیّد عبدالکریم هاشمی نژاد و شیخ ابراهیم طالبیان نظارت دارند»^۱. آقای هاشمی رفسنجانی در خاطره‌های خود می‌نویسد: «در ضمن، بنیاد خیریه رفاه را هم درست کردیم که برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند، پوشش خوبی بود. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی برای همان کارهای امدادی-سیاسی و همراهی برای حضور بیشتر در مساجد [بود] و [هم به منظور] بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه بود»^۲.

۲-۳) پرداخت هزینه هیئت‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه

با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان، آنها خود را ملزم می‌دانستند تا وجوه شرعی را به علما و حوزه‌های علمیه پرداخت کنند. اگرچه آنها از پرداخت مالیات به دولت، امتناع می‌کردند؛ ولی در پرداخت وجوه شرعی، بسیار مقید بودند.

استمپل می‌نویسد: «به هر حال، بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمیه و نیز تا ۸۰ درصد هزینه گذران زندگی روحانیان، توسط همین تجّار تأمین می‌گردد»^۳. مواردی که بیان شد، نشان‌دهنده نزدیکی و پیوند مسجد و بازار و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی است. در همان حال که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مسجدها برطرف می‌کردند، با کمک‌های خود نیز، نیازهای مسجدها را برطرف می‌کردند و مبارزه‌های مردمی را از طریق مسجدها وسعت می‌بخشیدند.

۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، ص ۵۹۹.

۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ص ۲۳۳.

۳. جان، دی. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه شجاعی منوچهر، ص ۶۸.

۳. کارکرد فرهنگی - هویتی مسجدها

همان طور که اشاره شد، یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سیاسی و سازمان دهی توده‌های انقلابی، ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کارویژه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۳-۱) رابطه مسجد با روحانیت

رابطه مسجد و روحانیت، رابطه دیرینه‌ای است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد، مردم با حضور در مسجد و دیدار با پیامبر، سؤال‌ها و مشکلات خود را با رسول خدا در میان می‌گذاشتند و مسجد، مرکز همه فعالیت‌های جامعه اسلامی بود؛ اما با گذشت دوران اولیّه و گسترش علم فقه و حدیث، کم‌کم جریان‌های علمی در جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت و روحانیت، در مقام کارگزاران مذهب، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیم‌های اسلامی را بر عهده گرفتند. با فاصله گرفتن حکام از تعلیم‌های دین و مسجد و تأسیس دار الحکومه، نهادهای مستقل مسجدهای مردمی پا به عرصه وجود گذاشت. در ایران، به‌ویژه از دوره صفویه و با دعوت از روحانیان سایر کشورها، طبقه جدیدی از روحانیت شکل گرفت که دارای انسجام و تشکیلات بوده، بسیاری از امور مردم به عهده آنان بود؛ از جمله: آموزش، قضاوت، امور ثبتی و مالی.

در تاریخ سیاسی ایران، روحانیان توانستند در قیام‌های ضد استبدادی و ضد استعماری، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. دکتر ازغندی در این مورد می‌گوید: «روحانیان، در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکلی‌های سیاسی، سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دادند. روحانیان، منابع قدرت متعددی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیان از آنجا اعمال قدرت می‌کردند، مساجد بودند».^۱

بنابر این، بهره‌گیری روحانیت از مسجدها، باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، همانند صدر اسلام، مسجدها در مقام پایگاه و تشکیلات مبارزه احیاء شوند و نقش‌آفرینی کنند. در این بین، نقش امام خمینی رضی الله عنه در مقام احیاگر مسجدها در عصر حاضر، بسیار تأثیرگذار بود. وی در همه مراحل مبارزه، قشرهای مختلف جامعه را به بهره‌گیری از مسجد و احیای مجدد آن دعوت می‌کرد. این امر باعث شد تا گرایش مردم به مسجدها بیشتر شود. روحانیان و وعاظ نیز با طرح مسئله‌های سیاسی، مسجدها را از جنبه عبادی صرف، خارج کردند.

۱. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲-۳) مسجد و تحوّل اندیشه دینی

یکی از اتفاقات‌های نادری که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیرروحانی، همراه با افراد روحانی در مسجدها بود. در گذشته منبر و خطابه، مختصّ روحانیان بود؛ اما در دوره انقلاب و با دعوت روحانیت روشن‌بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مسجدها باز شد و باعث شد تا تحوّل جدی در عرصه اندیشه دینی به وجود آید. شاید یکی از دلایل‌های این کار، تجربه‌آموزی روحانیان از نهضت مشروطه بود. در جریان مشروطه، در حالی که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محفل‌های سرّی و انجمن‌ها فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت و همراهی مردم و از پایگاه مساجد شروع شد، ولی در نهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سر درآورد. قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت، به انحراف کشیده شد و باعث روی کار آمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد در ایران شد.

بهره‌گیری علمای آگاه و روشن‌بین، همچون شهید مطهری، شهید مفتح و شهید بهشتی از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی، باعث شد که اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر شود و چهره جدیدی از اسلام معرفی شود تا غبار تحجّر از چهره دین زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع، در مقام راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی، به سلاح فکری جدیدی مجهز شوند و در مقابل تفکرهای مارکسیستی، قد علم کنند و در نهایت، گفتمان سیاسی شیعه، به گفتمانی پیروز تبدیل شد.

۳-۳) مسجد و حفظ هویت دینی جامعه

هویت، به منزله شناسنامه ملی جامعه است و شخصیت آن جامعه را معرفی می‌کند. هویت دینی در جامعه ایران گسترش و عمق زیادی دارد و تاکنون تلاش‌های مخالفان دین نتوانسته است آن را کم‌رنگ کند. دکتر نقیب‌زاده می‌نویسد: «هویت مذهبی از نظر تعداد، گسترده‌ترین باور و از نظر ذهنی و اجتماعی، ژرف‌ترین هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد»^۱.

سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود، باعث شد علما به فعالیت‌هایی دست بزنند؛ از جمله: توسعه نهادهای مذهبی و تأسیس مسجدها. اوج فعالیت‌های رژیم، در قالب برنامه به اصطلاح «انقلاب سفید» بود. هدف رژیم از این اقدام، حرکت در مسیر تعیین شده از سوی آمریکا و غرب‌گرایی هر چه بیشتر بود.

۱. نقیب‌زاده احمد، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۰۴.

«در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران سرعت بخشید (تا یک اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی خود تهیه کند) و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش بگیرد»^۱.

این اقدام‌های رژیم، به واکنش شدید علما، مردم و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به رهبری امام خمینی تقدیر منجر شد؛ اما رژیم، با اقدام‌های دیگر در پی زدودن مظاهر دینی و فرهنگی اسلام از ایران بود و سعی داشت هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلام را کم‌رنگ کند؛ از جمله: برگزاری جشن‌های شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری و ... در حالی که همه توان رژیم در این راه به کار گرفته شده بود و همه محافل و جمع‌ها، از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و ...، در این راستا قدم برمی داشتند؛ نیروهای مذهبی در جبهه مقابل بودند و با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی و از طریق مسجدها، هم به نفی اقدام‌های رژیم پرداختند و هم برای اثبات و ارائه فرهنگ اسلامی به زبان روز، در حال بودند.

۴. مسجد و جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی، روندی است که در قالب آن، جامعه، فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌کند یا روندی است که با آن، فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد و باقی می‌ماند و تغییر می‌کند. در کشور ایران، با توجه به بیشتر بودن مسلمان جامعه و حاکم بودن فرهنگ شفاهی و چهره‌به‌چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، مسجدها و نهادهای مذهبی هستند. بدیهی است که مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد؛ ولی در جامعه‌ها و دین‌های مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد، با ارائه کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در جامعه‌پذیری افراد، نقش اساسی دارد. تقابل بین فرهنگ سیاسی شیعه - که از طریق مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها تبلیغ می‌شد - با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی، باعث تحوّل شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد و مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد و زمینه انقلاب را فراهم کرد.

۵. مسجد و حفظ همبستگی در جامعه

یکی از ویژگی‌های مسجد که در انقلاب اسلامی نیز جلوه‌گر شد، این بود که همه قشرهای جامعه، از هر صنف و گروه، به مسجد می‌آمدند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. از آنجا که مسجد، خانه خداست و به هیچ گروه، طبقه و حزب خاصی وابستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می‌تواند در

۱. امجد محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه، مفتخری حسین، ص ۸۱.

مسجد، متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و ... استفاده کند. ورود به مسجد، کارت عضویت و هیچ ویژگی خاصی مثل سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و ... نمی‌خواهد. این ویژگی منحصر به فرد باعث شده است که مسجد، در مقایسه با نهادهای سیاسی-اجتماعی مدرن، جذابیت بیشتری داشته باشد؛ از جمله: حزب‌ها، تشکلهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و ...

نیکی کدی، درباره استفاده قشرهای گوناگون از مسجدها می‌نویسد: «طبقه وسیعی از تحصیل کرده‌ها، دانشجویان، طبقه سیاسی جدید و تهی‌دستان شهر، تحت تأثیر و سازمان‌دهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند». بنابراین، حضور همه قشرهای جامعه در مسجدها، باعث یک‌دلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه قیام و انقلاب را فراهم کرد.

نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این پژوهش به دست آمد، بیانگر این است که در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجدها، هر چند در یک جایگاه نهادی سنتی بودند و قدمت ۱۴۰۰ سال داشتند؛ اما با ارائه کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه، توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی برآیند و همچون ستون فقرات و سازمان انقلاب‌یفای نقش کنند.

این کارکردها، به‌ویژه در سه حوزه رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی-هویتی باعث شد که فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی شیعه به گفتمان رایج در جامعه بدل شود و انقلابی اسلامی در ایران شکل بگیرد؛ انقلابی که هر چند در عصری مدرن و در زمان به حاشیه رفتن دین از سیاست و اجتماع شکل گرفت؛ اما از همه نهادها بهره جست و شگفتی صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسئله‌های سیاسی را برانگیخت.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. احمدوند، شجاع، **فرآیند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی**، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نهاد رهبری، ۱۳۷۴ ه.ش.
۲. ناصر باهنر، **رسانه‌ها و دین**، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵ ه.ش.
۳. حمید مولانا، **گذر از نوگرایی**، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱ ه.ش.
۴. آل‌وین تافلر، **جابه‌جایی در قدرت**، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چ ۴، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
۵. حسنین هیکل، **ایران: روایتی که ناگفته ماند**، ترجمه حمید احمدی، تهران، الهام، ۱۳۶۳ ه.ش.
۶. جان دی. استمپل، **درون انقلاب ایران**، ترجمه منوچهر شجاعی تهران، رسا، ۱۳۷۸ ه.ش.
۷. احمد اشرف، **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران**، دوره قاجاریه، تهران، پیام، ۱۳۵۹ ه.ش.
۸. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، **یازان امام به روایت اسناد ساواک**، کتاب پنجم، شهید هاشمی نژاد، ۱۳۷۶ ه.ش.
۹. هاشمی رفسنجانی، اکبر، **دوران مبارزه**، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶ ه.ش.
۱۰. ازغندی، علیرضا، **تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران**، تهران، سمت، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۱. نقیب‌زاده، احمد، **تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران**، تهران، وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۲. امجد، محمّد، **ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری**، ترجمه، حسین مفتخری، تهران، باز، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۳. آر. کدی، نیکی، **بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی**، ترجمه حسینعلی نودری، روزنامه ایران، ش ۴۶۵، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸ ه.ش.

ب) منابع انگلیسی

۱. Charles Tilly, *From Mobilization to Revolution*, London: Adison Wesley (۱۹۷۸), P: ۵۲.
۲. Misagh parsia, *social origin of Iranian Revolution*, Rutgress university press, (۱۹۸۹) P: ۹۴.

مهندسی فرهنگی مسجد در جامعه جهانی

محسن غرویان

چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین موضوع «مهندسی فرهنگی مسجد محور» است. نگارنده، بر این باور است که «مسجد»، مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و برخلاف دیدگاه برخی فیلسوفان، مانند «هانتینگتون»، «فوکویاما»، «مارکس»، «انگلس» و... آینده تاریخ از آن دین‌مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد، به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت. در این نوشتار، نگارنده در شش مبحث کلی تبیین دیدگاه‌های خود پرداخته که عبارت‌اند از: کلیات مفهوم‌شناسی، کارکرد و ظرفیت مسجد در روند جهانی شدن، جهانی سازی فرهنگ، محوریت مسجد در فرآیند جهان‌گستری، جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن، راهبردها و راهکارها.

واژگان کلیدی:

مسجد، اسلام، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، فلسفه تاریخ، جامعه جهانی.

فلسفه تاریخ، دانش کشف قواعد و بنیان‌های تحولات و تطورات در سلوک تاریخی آدمیان است. فیلسوفان تاریخ، در پی آنند که بر اساس فرمول‌های پیچیده و قوانین به نسبت ثابت، آینده بشر را ترسیم نمایند و غایات حرکت جوامع انسانی را بر اساس مبادی این حرکات، پیش‌گویی و پیش‌بینی کنند. از جمله مفاهیم حوزه مدیریت راهبردی فرهنگ، مفهوم مهندسی فرهنگی است. مقوله مهندسی فرهنگی جامعه جهانی، از مقولات انسانی و دینی - به معنای اعم آن - است. «مسجد»، از آنجا که بزرگ‌ترین پایگاه تبلور آموزه‌های دینی و آسمانی است، نقش اساسی و عظیم در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر دارد. بی‌تردید، مقوله «مهندسی فرهنگی مسجد محور» در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش‌های دینی و رضایت شهروندان، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. بدیهی است که درک مشترک و اتفاق نظر نخبگان سیاسی، علمی و مذهبی، شفاف‌سازی و تبیین رابطه این مفاهیم با سایر کلید واژه‌های مدیریت راهبردی فرهنگ جهانی و مؤلفه‌های دخیل در تصمیم‌سازی راهبردی، گامی بزرگ در توسعه و تعمیق فرهنگ مسجد محور، به شمار می‌آید.

نگارنده بر این باور است که «مسجد»، مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و برخلاف دیدگاه فیلسوفانی، همانند «هانتینگتون»، «فوکویاما»، «مارکس»، «انگلس» و... آینده تاریخ از آن دین‌مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد، به عنوان مرکز نقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت. هم‌اکنون بر اساس گزارش یک نهاد نظارتی، تعداد مساجد و مراکز اسلامی در حال ساخت در شهرهای مختلف آمریکا رو به افزایش است و این امر سبب خشم فزاینده مخالفان مساجد شده و طرح ساخت مساجد و مراکز اسلامی بیشتر، نفرت را در دولت مردان آمریکا دوچندان کرده است. شبکه متعلق به «پنتاگون»، با اعلام اینکه ما شاهد ساخته شدن مساجد بیشتری در آمریکا هستیم، مدعی شد که در شهر نیویورک، پیشنهاد فروش یک عبادت‌گاه کاتولیک‌ها به یک گروه اسلامی، باعث افزایش خشم مردم این شهر شده و طرح ساخت مسجد در «تنسی» باعث اقدام خرابکارانه و حتی تهدید افراد به مرگ شده است.^۱

در این مقاله، نگارنده بر آن است که با نگاهی نوپردازانه، طرحی نوین - و البته اجمالی - در راستای ترسیم خطوط حرکت و جنبش جهانی اسلام با محوریت و کانونیت مسجد ارائه دهد.

۱. خبرنامه سیاسی فرهنگی اجتماعی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۴۹، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۱۷/۴/۸۹.

مبحث اول: کلیات مفهوم شناسی

طرح مفهوم مهندسی فرهنگی در کلام معظم رهبری دامنه‌السلامه

در طول دهه گذشته، مفاهیم مهم و در خور توجهی، مانند گفت‌وگوی تمدن‌ها، ایران فرهنگی و مهندسی فرهنگی در عرصه مدیریت فرهنگی کشور، از سوی دولت‌مردان و فرهیختگان داخلی مطرح گردید. «مفهوم مهندسی فرهنگی» نخستین بار در سال ۱۳۸۱ توسط رهبر معظم انقلاب دامنه‌السلامه، در جهت تأکید و تبیین لزوم توجه به فرهنگ و ابعاد ارزش‌های فرهنگی بیان شد. مهندسی فرهنگی با هدف بازطراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، قضایی و اجتماعی کشور بر اساس فرهنگ مهندسی شده، با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی مطرح گردیده است. پیشرفت و توسعه علمی و خردمندانه این مفهوم، می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت رفع و حذف کژکارکردهای فرهنگ موجود و شناسایی نقاط مثبت و سازنده ابعاد فرهنگ ملی و سایر ملل و قومیت‌ها به کار گرفته شود. بدیهی است عدم توجه به این مقوله یا مفاهیمی مانند آن، منجر به تضعیف فرهنگ و میراث هویت ملی ایرانیان در تقابل با فرهنگ‌های بیگانه خواهد شد.

جهانی شدن، جهانی سازی و تعامل فرهنگ‌ها

پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری اطلاعات، توسعه روزافزون صنعت گردشگری و سیاست‌های اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی در استفاده از قابلیت‌های کلیدی سایر کشورها، از جمله عواملی است که روند جهانی شدن را با حرکتی اجتناب‌ناپذیر مواجه ساخته است. امروز، معنا و مفهوم جدیدی با عنوان مرزهای فرهنگی پدید آمده است که بر این اساس، انسان‌ها بر مبنای چهارچوب فکری‌شان از یکدیگر متمایز می‌گردند. از این رهگذر و در پرتو این تحولات رو به رشد، رویارویی و تعامل فرهنگ‌ها بیش از گذشته باید مورد توجه و مداخله قرار گیرد. در صورت عدم تجهیز «نظام مدیریت راهبردی فرهنگ ملی» به ابزارهایی، چون مهندسی فرهنگی، در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش رو، ضمن حذف وجوه ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزاء مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی سازی فرهنگ‌ها از بین خواهد رفت. این پدیده به از خودبیگانگی فرهنگی، از بین رفتن میراث ارزشی و هویت ملی و سرمایه‌های فرهنگی کسب شده در طی سالیان دراز توسط اعقاب و پیشینیان ما منجر خواهد شد.

مبحث دوم: کارکرد و ظرفیت مسجد در روند جهانی شدن

مسجد، یک عنصر نقش آفرین

واژه «مسجد» با همه بار معنایی که دارد، مفهومی آشنا برای همه جهانیان است. مسجد، سنگری است که به خوبی می‌توان از آن در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو و احیای سرمایه‌های فرهنگی و میراث اخلاقی و ارزش بومی استفاده کرد. بی‌تردید، در روند مناسبات جهانی و در فرآیند جهانی شدن و پروژه جهانی سازی با رویکرد اسلامی، «مسجد» مهم‌ترین پایگاه و عنصر نقش آفرین است. یکی از خالص‌ترین نقش‌های مسجد، تعیین چهارچوب فکری صحیح و مناسب، برای شکل‌دهی اذهان اهل مسجد در سراسر جهان است. اهمیت این امر تا آنجا است که همه مسلمانان عالم، واقعیت‌ها و مسائل پیرامون خود را با توجه به چارچوبی که مسجد در اذهان آنان ترسیم می‌کند، تعبیر و تفسیر می‌کنند. این پدیده مهم را «چارچوب‌بخشی» یا «معنابخشی» به رفتار دیگران تعریف می‌کنند.

«مسجد»، پایگاه پیام اسلام و مسلمانان عالم است. اندیشمندان و احیاگران بسیاری همواره بر اهمیت واژه‌ها، عبارات و کلام به عنوان عاملی مهم در جهت تبیین و تشریح چشم‌اندازها و افق‌های پیش‌روی دیگران اشاره کرده‌اند. «اسکاول شین» کلام را به مثابه عصبی معجزه‌گر در تعاملات اجتماعی به شمار می‌آورد. اگر ما امروز، «مسجد» را به عنوان مؤثرترین پایگاه تحولات فکری و سیاسی در آینده جهان مطرح کنیم، ظنین آن به‌طور قطع، در معادلات و تعاملات فرامرزی و فراملیتی اثرگذار خواهد بود. «مارتین لوتر کینگ» در یک سخنرانی در آمریکا عبارتی را بر زبان آورد و گفت: «من یک رؤیا دارم!» همین سخن او آغاز جنبش بزرگ حقوق شهروندی در آمریکا را رقم زد.

تأثیر واژه‌های پیام‌دار در جهت‌دهی مهندسی فرهنگی

در خلال جنگ جهانی دوم، بسیاری از عملیات‌های نظامی، فاقد عنوانی خاص به منظور معنابخشی و جهت‌دهی اذهان عمومی بود. در جنگی که «جرج دلبیو بوش» علیه عراق و افغانستان آغاز نمود، انتخاب عناوینی نظیر «عملیات برای آزادی عراقیان» و «آزادی ماندگار» به شکلی تصادفی نبود، بلکه به صورت هدفمند در جهت چارچوب‌دهی و هدایت اذهان عمومی به کار رفت. کاربرد چنین الفاظی در ادبیات با عنوان «صنعت استعاره» مرسوم است. در صنعت استعاره، نویسنده قسمتی از اجزاء تشبیه (مشبیه به یا ادات تشبیه) را حذف نموده، ولی معنای ضمنی این ارکان از مفهوم جمله برداشت می‌گردد. استعاره، بیشتر وسیله‌ای برای آراستن سخنان ادبی تلقی می‌شود؛ ولی اهمیت آن بیش از این است؛ زیرا استعاره در واقع، روشی برای تفکر

و طریقی از بینش را القاء می‌کند. مکتب «پسانوین گرایبی مدیریتی» نیز با الهام از این مقوله ادبی به ارائه چهار چوب‌های معنایی، در خصوص مضامین مورد نظر محققین و اندیشمندان آن حوزه پرداخته است. هر نویسنده با انتخاب استعاره‌ای خاص، جنبه‌ها یا ویژگی‌های خاصی از یک مقوله را بزرگ‌نمایی نموده است. به تازگی، به موازات کاربرد این مفهوم در علوم سیاسی، مفهوم جدیدی با عنوان «الگوسازی فرهنگی» در ادبیات مدیریت فرهنگی مرسوم گردیده است که نمایانگر فرآیند ساخت یا الگوسازی اقدامات به منظور مشروعیت‌بخشی و هدایت اقدامات و فعالیت‌های درون سازمانی است. البته این الگوها در فرآیندی جمعی ساخته و پرداخته می‌گردد و مبتنی بر ارزش‌های صرف فردی نیست. از این رو، می‌توان استنباط نمود که ترکیب واژگان مهندسی و فرهنگی، دلالت بر تدوین الگوی عقلایی و خردگرایانه در مدیریت راهبردی فرهنگی دارد.

جهانی‌سازی مسجد محور در مدیریت راهبردی فرهنگی

ما امروز باید از واژه و عنوان «جهانی‌سازی مسجد محور» فراوان و مکرر استفاده کنیم تا پیام خود را در سراسر جهان و در فضای اندیشه و فلسفه سیاسی عالم، طنین‌انداز نمائیم. شیوه و مشی امام خمینی ره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در طرح و تبیین عناوین و مقولاتی مانند حکومت اسلامی، ولایت فقیه، جمهوری اسلامی، بر اساس الگوی فوق بود و هم‌اینک، برای ترسیم و طراحی آینده تاریخ انسان بر مبنای «فرهنگ مسجد محور» بسیار راهگشا و کارساز است.

مبحث سوم: جهانی‌سازی فرهنگ

در شروع هزاره جدید، «جهانی‌شدن» جایگاهی بس مهم پیدا کرده است. البته، سؤالات زیر در این خصوص به ذهن متبادر می‌شود که:

- جهانی‌شدن چگونه با فرهنگ قابل جمع است؟
- آیا می‌توان این دو اندیشه را باهم سازگار ساخت؟
- آیا فرهنگ - که محصول مکان و زمان ویژه‌ای است - ظرفیت و قابلیت جهانی‌شدن را دارد؟

این موضوع عمیق و پیچیده از سه دیدگاه متفاوت به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. ابتدا فرض کنیم که فرهنگ نمی‌تواند جهانی شود و هرگونه ادعای برخلاف آن، فقط تلاشی برای مشروع جلوه دادن یا قانونی کردن استیلا یکی فرهنگ بر سایر فرهنگ‌هاست؛ منظور، سلطه‌ای است که ناشی از ارزش ذاتی فرهنگی نیست، بلکه تابع عوامل برون فرهنگی، فناوری، اقتصادی یا سیاسی است.

پس، نفوذ و قدرت یک فرهنگ خاص یا ملّتی که آن فرهنگ، نماینده آن است هر چقدر باشد، آن فرهنگ نمی‌تواند امیدوار باشد که در دیگر فرهنگ‌ها ریشه بدواند. طبق این فرض و از منظر این دیدگاه، یک فرهنگ تهاجمی و سلطه‌طلب، شانس برای پیروزی ندارد.

۲. دیدگاه دوم آن است که فرض کنیم فرهنگ می‌تواند با استفاده از ابزار قدرتمند عصر اطلاعات، مانند رایانه‌ها، ماهواره‌ها، تلویزیون، فضای سایبر و غیره جهانی شود؛ اما این فرض، در برابر طبیعت واقعی فرهنگ قرار می‌گیرد که از تنوع فرهنگی حاصل از تفاوت‌های بین جوامع انسانی و تفاوت‌های موجود بین ریشه‌های جغرافیایی و تجربه‌های تاریخی مربوط تولید می‌شود.

۳. سومین رویکرد نه بر پایه حتمی بودن کثرت‌گرایی فرهنگ است و نه بر اساس وحدت آن بنا شده است. اگرچه زمینه‌های فرهنگی و اطلاعاتی باهم یکی نیستند، اما در حال حاضر، دستاوردهای عصر اطلاعاتی تعیین‌کننده هنجارهای فرهنگی و فراهم‌کننده جهانی شدن اطلاعات، راه‌های ارتباطی و تعامل بین فرهنگ‌هاست. آخرین نوع از چنین راه‌هایی، «شبکه جهانی ارتباطات الکترونیکی» یا اینترنت است که با حذف ابعاد زمانی و مکانی، سیاره زمین را در اختیار خود گرفته است و در حرکت تاریخ با تمامی الزامات و مفاهیمی که برای فرهنگ ایجاد می‌کند، شتاب عجیبی ایجاد کرده است.

جهانی‌سازی و زبان و فهم یکسان

یکی از الزام‌های مزبور، ضرورت یک زبان ویژه جهانی است که بر موانع ناشی از اختلاف زبان فائق آید. این موضوع با اتخاذ زبان موجود یا اختراع زبانی جدید برای این منظور مقدر است و امروز تحقیق برای اختراع شیوه‌های ترجمه فوری و خودکار در جریان است. به هر حال، واقعیت آن است که ابزار لازم برای نزدیک کردن فرهنگ‌ها به یکدیگر، فرهنگ را ضعیف خواهد کرد؛ زیرا فرهنگ، پیش از اینکه تولید یک نظام جهانی باشد، به صورت اندام‌وار، به گروه‌های انسانی گره خورده است؛ یعنی در مجموعه‌های خاص جغرافیایی و تاریخی احاطه شده است و روایات، خاطرات و آرزوهای خاص خود را دارد. از سویی، جهانی شدن به این مفهوم است که انسان معاصر به طور دائم و همزمان در معرض محرک فرهنگی خارجی از یک سو و هویت فرهنگی ذاتی خود از سوی دیگر است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از دو عامل فوق در نهایت، دارای قطعیت بیشتری برای شکل دادن به آینده فرهنگی انسان هستند؟

برتری فناوریانه، سرمایه‌ای ارزشمند است؛ به خصوص زمانی که به فرهنگی خاص، جاذبه جهانی ببخشد. البته هر چند فناوری یک شرط لازم است، اما شرطی کافی نیست؛ برای مثال، در مورد ایالات متحده آمریکا،

حساسیت انکارناپذیر روش‌ها و فنون رسانه‌های آمریکایی، نقش قاطعی در توسعه بی‌چون و چرای فرهنگ آمریکایی در سراسر جهان بازی کرده است؛ اما در برابر تهاجم فرهنگی آمریکایی در برخی نقاط جهان از جمله ایران اسلامی، مقاومت‌هایی عمیق و پایدار هم صورت گرفته است و در آینده نیز این مقاومت‌ها و پایداری‌ها می‌تواند صورت بگیرد.

مبحث چهارم: محوریت مسجد در فرآیند جهان‌گستری

به نظر ما «مسجد»، تنها سنگری است که در تمامی نقاط مسلمان‌نشین جهان، می‌تواند در قالب پایگاهی مهم و کانونی پرانرژی در برابر موج فرهنگ آمریکایی مقاومت کند و فطرت و وجدان انسان‌ها را مورد خطاب قرار دهد و حرکتی نو را در صحنه جهانی رقم زند. کارشناسان مسائل فرهنگی معتقدند که مشارکت و حمایت مردمی به عنوان موتور محرکه در طرح‌های فرهنگی به شمار می‌آید. استفاده از مفهوم «همطرازی» و «هم‌سوئی» در جهت انسجام راهبردهای فرهنگی، مثل گفت‌وگوی تمدن‌ها و مفاهیم جدید، مانند ایران فرهنگی (توسعه و تعمیق روابط فرهنگی با دولت‌ها و ملت‌های دارای فرهنگ مشترک با ایران) نقشی بسزا در کسب اهداف و آمال فرهنگی در نقشه تعالی فرهنگ مسجد محور ایفا می‌کند. همان‌گونه که قرآن، رسالت جهانی دارد و باید گستره گیتی، عرصه ظهور و تجلی نور هدایت اسلام و قرآن باشد، ظرفیت مهم‌ترین پایگاه دینی، یعنی مسجد نیز به‌گونه‌ای است که باید محور تحولات بنیادین جهانی در گستره همه عالم باشد.

تأثیر سازمان مساجد اسلامی در تحولات جهانی

امروز ما با رشد بی‌رویه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی رو به رو هستیم. همین رویکرد باید در نگاه ما به «سازمان مساجد اسلامی» همواره مورد ملاحظه قرار گیرد. نهاد «مسجد» در نگاه ما یک سازمان فراملی است و به همین دلیل است که می‌تواند در پروژه جهانی‌سازی و فرآیند جهان‌گستری بسیار تأثیرگذار باشد. اگر می‌خواهیم که سیر تحولات جهانی را به سمت عبودیت خدای متعال رهبری کنیم، باید نگاهی نو به عالم و آدم بیفکنیم و فرهنگ‌های سنتی و بومی را در سرتاسر جهان در راستای معرفت حق متعال جهت‌دهی کنیم و این مهم جز با محوریت سازمان یافته «مسجد» سامان نمی‌یابد.

حقیقت این است که به درستی مشخص نیست مجموعه فرآیندهایی که امروز با عنوان جهان‌گستری شناخته می‌شوند، از چه زمانی آغاز شد. فقط می‌دانیم که از مدت‌ها پیش، این احساس - که سرعت و ماهیت تحولات، موجب سرعت گرفتن سرسام‌آور گروهی از فرآیندهای موجود و تغییر ماهیت برخی از آنها و نیز

پدیداری فرآیندهای جدید شده - به وجود آمد. خلق مفهوم جهان گستری که به منظور ساده‌سازی، درک بهترین و اندیشیدن درباره این تحولات صورت گرفت، در حوزه نظر و عمل تلاش‌های فشرده‌ای را به همراه آورده است. پیروان ادیان و مذاهب الهی و مادی، مکاتب فکری بزرگ در علوم اجتماعی، اقتصادی، سیاست و فرهنگ، هر یک از منظر خود مباحثی را در خصوص فضای مفهومی این واژه مطرح کرده و به نظریه‌پردازی درباره گذشته، حال و آینده جهان در پرتو آن پرداخته‌اند و سؤالات بی‌شماری نیز مطرح شده است. برخی از این سؤالات عبارت‌اند از:

- ماهیت این فرآیند چیست؟
 - آیا جهان گستری، فرآیند جدیدی است یا سابقه‌ای دیرینه دارد؟
 - آیا مجموعه تحولاتی که امروز در حوزه این واژه جدید قرار می‌گیرند، تحولاتی خودجوش هستند یا توسط گروه خاصی از کنشگران، اداره می‌شوند؟
 - آیا آنچه که امروز در حوزه‌های فناوری، اقتصادی، سیاست و فرهنگ می‌بینیم، جهانی شدن است یا جهانی‌سازی؟ آیا پروژه است یا پروسه؟
 - این تحولات چه آثاری به همراه خواهند داشت؟
 - بر سر حاکمیت دولت‌ها، اقتصادهای ملی، فرهنگ‌های بومی و هویت ملی و سنتی چه خواهد آمد؟
 - کنشگران عمده در جهان آینده چه کسانی هستند و کدام یک تأثیر گذارترند؟
 - جامعه آینده از حیث ماهیت و نوع تعاملات و کنش‌ها چگونه جامعه‌ای خواهد بود؟
- این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، چنان اندیشمندان و عملگرایان را به خود مشغول داشته است که امروز کمتر رشته‌ای از شاخه‌های گوناگون علوم را می‌توان یافت که به نحوی درگیر جست‌وجوی پاسخی برای آنها نباشد.
- با این همه باید گفت که ما هنوز در مرحله شناخت این پدیده هستیم. در تعریف، تبیین علل پیدایش و پیش‌بینی آثار و پیامدهای این پدیده، به طور تقریبی هیچ‌گونه وحدت نظر وجود ندارد. برخلاف این که امروز در حوزه فناوری از «انقلاب صنعتی سوم» و «دهکده جهانی الکترونیک»، در حوزه اقتصاد از منتفی شدن امکان اجرای اقتصاد کینزی و «اداره اقتصاد جهانی توسط شرکت‌های چندملیتی»، در حوزه سیاست از گسترش نهادهای فراملی و زوال دولت‌های ملی و در حوزه فرهنگ از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن می‌گویند، همه این گفته‌ها مخالفانی نیز دارند. تنها می‌توان پذیرفت که علم و فناوری - به‌ویژه فناوری اطلاعاتی - دامنه نفوذ جهانی یافته است. همچنین، با توجه به ایجاد و فراگستری رژیم‌های جهانی ملی، پولی و تجاری، نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، روندهای اقتصادی،

گرایش جهانی دارند و اقتصاد جهان گستر، از هم اکنون آشکار است.

در حوزه‌های سیاست و فرهنگ، شاهد روندهای متضادی هستیم. از یک سو، با ایجاد و رشد بی سابقه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی، مانند اتحادیه اروپایی مواجه هستیم و از سوی دیگر، گسترش جنبش‌های ملی‌گرا و قوم‌گرا، به ویژه در یوگسلاوی، روسیه، قفقاز و حتی اروپا، آمریکا و کانادا، را شاهد هستیم. از سویی، رواج عناصر و شاخصه‌های فرهنگ غربی، به ویژه آمریکایی را در سراسر دنیا شاهد هستیم و از طرف دیگر، گسترش نهضت‌های بازگشت به خویشتن، از جمله جنبش‌های بنیادگرا، اسلام‌گرایی و احیای هویت‌های بومی، محلی، قومی و ملی را به تماشا نشسته‌ایم. گروهی روند فرهنگی غالب در جهان را روند یکسان‌سازی می‌دانند و برخی بر این باورند که غلبه نهایی با فرهنگ‌های سنتی و بومی خواهد بود. آیا پیروز نهایی این کشمکش فرهنگی، «هم‌گرایی» خواهد بود یا «واگرایی»؟ این پرسش نیز هنوز پاسخ دقیقی ندارد.

جهانی‌سازی فرصت یا تهدید

پرسش مطرح دیگر در همه عرصه‌ها، به ویژه در حوزه عمل و اقدام این است که آیا جهان‌گستری - به خصوص در حوزه فرهنگ - فرصت است یا تهدید محسوب می‌شود؟ آیا آمریکایی شدن است، - چنان که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند - یا استعمار معکوس است؟

سؤال مهم دیگر این است که این پدیده، چه پیامدهای مثبت و منفی را به همراه خواهد داشت؟ طبیعی است که نوع نگرش ما به این پدیده و پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها می‌دهیم، می‌تواند مبتنی بر یکی از سه رویکرد زیر باشد:

۱. می‌توانیم یک‌باره تسلیم این فرآیند شویم و تن به این موج بسپاریم و منتظر نتایج بنشینیم.
۲. می‌توانیم به طور کامل از آن اعراض کنیم و کنار بگیریم و منزوی شویم.
۳. می‌توانیم راه سوّم را برگزینیم، یعنی در این فرآیند مشارکت کنیم و باهوشیاری کامل از مزایای آن بهره بگیریم و از پیامدهای نامطلوب آن، خود را در امان نگاه داریم.

به نظر ما بهترین رویکرد برای مواجهه با این پدیده، شیوه سوّم است و در فرهنگ اسلامی و ملی ما نیز این روش، سابقه و ریشه‌ای طولانی دارد. روایاتی مانند «خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» از امام علی (علیه السلام) و «اَظْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ»^۱ و «خُذُوا الْعِلْمَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُ»^۲ از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این زمینه برای ما راهگشا هستند.

۱. مشکاة الأندوار، ص ۱۳۴، ح ۶۱۲، الفصل الثامن فی العلم و العالم.

۲. وسائل الشیعة، ج ۲۷، ص ۲۷، ۳۳۱۱۹: «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ أَظْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصِّينِ فَإِنَّ ظَلَبَ الْعِلْمَ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

۳. ر.ک: منیة المرید، ص ۲۲۳، الفصل الثانی فی آفات المناظرة.

مراکز حسّاس و تأثیرگذار در جهانی سازی

برخی معتقدند که جهانی گرایی (globalization) به معنای جهانی کردن امور، به ویژه جهانی کردن اقتصاد است. به گونه‌ای که در آن، همه بخش‌های جهان، قسمتی از یک واحد اقتصاد باشند؛ یعنی بتوان در سراسر جهان معامله کرد و هر تغییر اقتصادی در هر نقطه عالم، بر تمامی اقتصادهای محلی و ملی و منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. در این وضعیت، اقتصاد جهانی، همانند یک اقتصاد ملی، به هم پیوسته و واحد خواهد بود.

عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که شاید واژه «جهان گستری» ترجمه دقیق‌تری برای (globalization) باشد و فعل آن هم لازم و هم متعدی است. بنابراین، هم می‌توان آن را «جهان شمول کردن» یا «یکپارچه کردن جهان» ترجمه کرد و هم می‌توان آن را به معنای «جهان شمول شدن» یا «یکپارچه شدن عالم» به کار برد. به هر حال، در عصر حاضر در علوم انسانی، معنایی که از این واژه قصد می‌شود، بر یک تحوّل همه‌جانبه دلالت دارد و نه تنها بُعد جغرافیایی کره زمین را در بر می‌گیرد، بلکه بر همه شئون دنیوی انسان، مثل اقتصاد و سیاست و دین و فرهنگ و ... تأثیرگذار است.

مسجد بسترایدئولوژی جهانی سازی

آنچه که امروز برای ما مسلمانان بسیار مهم است، مطالعه بر روی مراکز و کانون‌های جهانی سازی است. باید توجه کنیم که مراکز جهانی سازی، همواره در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. در روزگاران گذشته مراکز قدرتی، مانند یونان، مصر، چین و روم، جهان را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دادند. در دنیای بعد از «رنسانس» نیز آمستردام، لیسبون، پاریس، لندن، واشنگتن هر یک به سهم خود و با ابزارهای مادی و ایدئولوژی‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تا خواست خود را در جهان گسترده سازند و این آرمان هنوز هم دنبال می‌شود.

اکنون سؤال این است که چرا ما نتوانیم در این دنیای متغیّر و تأثیرپذیر، «مسجد» را در قالب کانونی محرّک و مؤثر در معادلات سیاسی اجتماعی و در تغییرات ژئوپلیتیکی مطرح نمائیم؟! مراکز و پایگاه‌های جهانی سازی را می‌توان با در نظر گرفتن این مبناها تقسیم‌بندی کرد: نیروی انسانی، سرمایه، جغرافیا، اندیشه، فرهنگ، مذهب، هنر، صنعت و فناوری و ... از این رو، ما معتقدیم که مسجد به عنوان پایگاه بزرگ مذهب، می‌تواند یکی از کانون‌های قدرتمند در فرآیند جهانی سازی مطرح گردد. هر ایدئولوژی بالقوه در کار گسترش و توسعه پیروان خویش است؛ اما مراکزی مانند مساجد اسلامی که

در فرآیند تاریخی خود، نقش تأثیرگذار عینی یافته‌اند، نیروهای بالقوه و بالفعل کارآمدتری را برای ایجاد این پدیده، یعنی جهانی‌سازی دارند. در جهان سرمایه‌داری امروز، وقتی یک ایدئولوژی مؤثر، کم‌کم رو به افول می‌رود، یک ایدئولوژی مکمل، هسته‌های محرک جدیدی را به وجود می‌آورد. به طور مثال، امروز ایدئولوژی لیبرالیسم سنتی رو به افول رفته است؛ اما «نتولیبرالیسم» به صورتی فعال تر در کار جهانی‌سازی مؤثر است.

در همین راستا، برخی مراکز قدرت غربی، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... تلاش می‌کنند تا با مهار منابع مهم قدرت و مراکز توزیع نیازهای مردم جهان، روند جهانی‌شدن - به ویژه آمریکایی‌شدن - را سرعت بخشند. به نظر می‌رسد که مسجد می‌تواند به عنوان یک رقیب بزرگ برای این گونه مراکز مطرح شود.

پایداری و مقاومت در برابر موج جهانی‌سازی

طرفداران جهانی‌سازی، جهانی‌شدن را یک توسعه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که نمی‌توان در مقابل آن مقاومت کرد و با مداخله انسانی، به ویژه از طریق نهادهای سیاسی، مانند دولت و حکومت، نمی‌توان بر این موج، تأثیر زیادی گذاشت. به نظر حامیان این موج، جهانی‌شدن پدیده‌ای واقعی و ملموس است و به منزله یک تغییر اساسی در جغرافیای روابط اجتماعی به شمار می‌آید؛ یعنی فرآیندهای اجتماعی هم‌اینک به گونه‌ای مسلط در مقیاس جهانی عمل می‌کنند. بنابراین، تأثیر جهانی‌سازی را در همه نقاط عالم می‌توان مشاهده کرد و روابط متقابل جهانی که سبب می‌شوند تا مرزهای ملی اهمیت خود را از دست بدهند، به طور کامل مشهود است. امروز می‌بینیم که اقتصادها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های ملی در درون شبکه‌های جهانی و جریان‌های بین‌المللی ادغام می‌شوند. جهانی‌سازان بر این باورند که این تحولات، به طور قهری تفاوت‌های سلطه و اقتدار محلی و ملی را کاهش می‌دهند و فرهنگ و اقتصاد جهانی را یک دست و هم‌گن می‌سازند. جهانی‌سازان به پیدایش ساختار جهانی تازه‌ای اشاره دارند که به زودی، قوانین آن مشخص می‌کند که کشورها، سازمان‌ها و حتی افراد چگونه باید عمل کنند. بر اساس نظریه انسان، جهانی‌سازی، شکل اجتناب‌ناپذیری از توسعه است که هر گونه تلاش برای مقاومت و پایداری در برابر آن به شکست خواهد انجامید.

اما جهانی‌سازی در دهه پایانی قرن بیستم، یعنی ده سال پس از شکل‌گیری جدید و بارائه دستور کار خود در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفت و مخالفان این نظام، سازمان‌یافته‌تر و نیرومندتر از گذشته به

مقابله پرداختند. مقاومت در برابر جهانی سازی را می توان به گونه ای مقاومت در برابر مدرنیسم دانست و بنابراین، این مقاومت به شکل های سنتی و رادیکالی از چپ کلاسیک تا چپ جدید و در قالب جنبش های منطقه گرایی، ملی گرایی و معنویت گرایی صورت می گیرد. به این ترتیب، مخالفان جهانی سازی، در میان اقشار مختلف و در سراسر جهان یافت می شوند. اغلب آنها، قشرهایی هستند که در طول تاریخ، همواره بایی عدالتی مبارزه کرده اند. این گروه ها می توانند در «کانون مساجد اسلامی»، مجتمع و متحد شده و به جنبش و مقاومت خود، انسجامی تازه ببخشند. برخی، به ویژه سنت گرایان معتقدند که در اهمیت جهانی سازی به عنوان مرحله ای جدید اغراق می شود. طرفداران این دیدگاه سنت گرایانه عقیده دارند که فعالیت های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ...، بیشتر منطقه ای هستند تا اینکه جهانی باشند و هنوز نقش مهمی برای دولت - ملت، قائل اند. سنت گرایان و محافظه کاران، نسبت به جهانی سازی بدبین هستند و عقیده دارند این پدیده، نشانه ای از تغییر بنیانی یا منظم در روابط اجتماعی نیست، بلکه جهانی سازی یک اسطوره یا «مرحله گذار»، میان گذشته و حال است و نقش انتقالی دارد.

مبحث پنجم: جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن!

در حقیقت، دولت آمریکا در تلاش است که با عنوان جهانی شدن، آمریکایی شدن را سازمان دهی کند. در بسیاری از کشورهای جهان و به خصوص در ایران با جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن مخالفت می شود. امام خمینی ره یکی از مؤثرترین و پرنفوذترین شخصیت های جهان معاصر، با جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن مخالف بود. ایشان طی یک شعار معروف و تاریخی فرمودند: «آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند و جوان ها هم مطمئن باشند آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند». امروز هم مقام معظم رهبری ره با درایت و تدبیر، موج عظیم مخالفت با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا را هدایت می کنند. در ایران امروز این نکته به روشنی مطرح است که هدف جهانی شدن از نظر حاکمان آمریکا و اروپا، اشاعه فرهنگ غرب و غربی ها است و آمریکایی ها، می خواهند که دیگران مقلد آنها باشند. در حالی که هدف ما از جهانی شدن این است که میان همه اقوام و ملل امکان تبادل نظر، تعاطی افکار و تضارب آراء به وجود آید. اندیشمندان مسلمان و انقلابی باید به این نکته توجه کنند که جهانی شدن و آمریکایی شدن، تحول تاریخی مطامع و مطالبات اقتصادی غرب در پنج قرن اخیر است و آمریکا، غرب را نیز در سلطه خود گرفته است. از این رو، در چنین شرایط پیچیده ای باید آگاهانه دست به انتخاب بزنیم و مانند بازیگری قائل و خلاق

وارد عمل شویم و فقط تماشاگر صحنه‌ها و تحولات جهانی نباشیم. ما می‌توانیم «مساجد» را در پهنه جهان امروز به کانون‌هایی برای تلاش در راستای بسط و توسعه فرهنگ و حیانی تبدیل کنیم.

موج مسجدسازی و اسلام‌گرایی در قلب آمریکا

خبرنگار فاکس نیوز این چنین گزارش می‌دهد: سه مسجد جنجالی در «تنسی» آمریکا در حال ساخت است. در «ویسکانسین» و «بروکلین» و «استاتن‌ایلند» هم مساجدی در دست ساخت است. نظر سنجی‌های جدید نشان می‌دهد بیشتر ساکنان نیویورک، مخالف ساخته شدن مسجد در نزدیک مقرّ برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی هستند. طبق آمار، ۵۲ درصد ساکنان نیویورک، مخالف ساخته شدن این مسجد هستند؛ اما ۳۱ درصد خواستار ساخته شدن چنین مسجدی هستند و ۱۷ درصد هم نظری در این باره ندارند.^۱ با توجه به شرایط فعلی و ملاحظه تحولات جهانی، پیش‌بینی نگارنده آن است که در آینده‌ای نه چندان دور، رئیس‌جمهور آمریکا یک شخصیت مسلمان خواهد بود!

اکنون باید سیر جریانات و سیاست‌های بین‌المللی را با دقت مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم و خود را برای آینده‌ای آماده سازیم که جهان بر اساس «محوریت و کانونیت مسجد» به عنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین پایگاه اسلامی، دچار تحولاتی اساسی و بنیادین گردد. طرح مباحث استراتژیک و کاربردی در اندیشه حکومت جهانی از دیدگاه اسلام، هم‌اکنون ضرورتی دوچندان یافته است. بر اندیشمندان جهان اسلام فرض است که بیش از پیش به این مهم بپردازند و با نگاهی نوپردازانه، ایده‌ها و تئوری‌های نوین را ارائه دهند.

پوچ‌گرایی غرب و رویکرد دوباره به فرهنگ مسجد^۲

علم‌گرایی افراطی غربیان، موجب رشد پوچی‌گرایی و بی‌معنایی زندگی آنان شده است. کسانی چون فرانک کافکا، آلبر کامو، ساموئل بکت، آرتور آداموف، ژان پل سارتر و اوژن یونسکو، حامی رویکرد پوچ‌گرایی هستند و این توهّم را در قالب نمایش‌نامه، مقاله و کتاب به تصویر کشانده‌اند.

ژان فوراستیه، نیهیلیسم (پوچ‌انگاری) را زائیده علم‌گرایی افراطی دانسته و می‌گوید: بنابر اندیشه‌های «سارتر» و «کافکا» که آثارشان را می‌توان پیامدهای منفی دانش تجربی و تحقیر و تخریب ارزش‌های سنتی دانست، انسان موجودی بی‌معنا و رها شده در جهان بی‌معناست و ... این گونه اندیشه‌های پوچ‌گرایانه و نیست‌انگاری، سراسر نمونه‌های ادبیات نوین غرب را آکنده است.»

۱. خبرنگارنامه جامعه مدّرسین، شماره ۱۰۵۶.

۲. در این مبحث از کتاب «دین و دنیای مدرن» نوشته دکتر ابوالفضل ساجدی استفاده شده است.

روژه دوپاسکیه در کتاب «سرگذشت اسلام، سرنوشت انسان» می‌نویسد: «با اعلام پوچی زندگی انسان و هیچ بودن جهان، زندگی در روی زمین برای بسیاری از غربیان به طور عملی معنا و مفهوم خود را از دست داده است... چون در این تمدن غربی «معنای انسان» مفقود و مجهول است. از این رو، امیدها و آرزوهای ژرف او نادیده و ناشناخته مانده است.

بی‌تردید، بحران معنوی که امروز غرب معاصر را تحت سیطره خود قرار داده است، نقطه کانونی مسجد و پیام آزادی‌بخش دین را در مرکز توجه جهانیان قرار داده است. استاد شهید مطهری؛ سخنی زیبا در این زمینه گفته است: «امروز، بیشتر دریافته‌اند که عالم‌گرایی محض و تربیت علم خالص از ساختن انسان تمام ناتوان است. تربیت علمی خالص، انسان تک‌ساختی می‌سازد نه انسان چندساختی. امروز، همه دریافته‌اند که عصر علم محض به پایان رسیده است و یک خلاً موجود در درجه اول یک خلاً آرمانی است؛ خلائی در ناحیه مقاصد و غایات و آرمان‌ها است، خلائی است که به پوچ‌گرایی منتهی می‌شود».^۱

نهضت جهانی بازگشت به دین و مسجد

به راستی شواهد فراوانی امروز وجود دارد که نشان می‌دهد علم‌گرایی و عقل‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی برای هدایت بشر، ثمری نداشته است و از سوی دیگر، رشد فزاینده دین‌گرایی و توجه به کانون عبادت، یعنی مسجد را در میان غربیان موجب شده است. توده مردم غرب، امروز به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری، علوم تجربی محض و مادی‌گرایی صرف، نیاز معنوی انسان را برآورده نمی‌سازد. نشریه «دبلی تلگراف» می‌نویسد: تحلیل‌گران اجتماعی می‌گویند یکی از علل توجه بیشتر مردم به مذهب، این حقیقت است که مانند گذشته در مذهب و علم دیگر ناسازگاری دیده نمی‌شوند.^۲

بدون تردید، وقوع انقلاب اسلامی ایران و پیوند میان «علم و دین در مساجد»، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه ما در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه جهانیان به دو مقوله علم و دین را عوض کرده است. «مسجد»، محلی است که دین و علم و معنویت در آن به یکدیگر گره می‌خورند و ترکیبی زیبا و جذاب فراهم می‌آورند و همین پیوند زیبا، امروز در سطح جهان، مطلوب و گمشده حقیقی بشر است.

دکتر پنتی کاین، از محققان و استادان دانشگاه فنلاند می‌گوید: در جهان امروز، تمایل برای پذیرش

دین به وجود آمده و این تمایل رو به افزایش است.^۳

۱. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، ص ۳۱-۲۰.

۲. روزنامه رسالت ۷۶/۳/۶ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

۳. کیهان فرهنگی، سال ۱۳۷۲ و روزنامه کیهان ۷۴/۹/۱۲.

همچنین، «پیتر شولاتور» نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی معروف در کشور آلمان در همایشی با عنوان «اسلام و اختلاف‌های فرهنگ جهانی» تصریح می‌کند که اکنون نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله آغاز شده است.^۱

از نگاه تحلیلی ما، امروز هرگونه گرایش به دین و معنویت در جهان غرب، گرایشی مجدد به سمت کانون عینی و خارجی دین، یعنی کانون مسجد، شمرده می‌شود. حال از خود پرسیم که ما از این فرصت طلایی برای نشر و بسط فرهنگ اسلامی در جهان، به چه میزان سود برده‌ایم؟! بیوند حقیقی میان دین و علم، معنویت و مادیت، دنیا و آخرت، عقل و دین و... آن هنگام عینیت فردی و اجتماعی پیدا می‌کند که ما در درون مسجد به عنوان پایگاه دین و عبادت، مباحث علمی و کلاس‌های درسی در علوم و فنون جدید را ارائه دهیم و نیز در درون دانشگاه‌ها و مراکز و علمی، مساجد و کانون سهل الوصول عبادت داشته باشیم. این مهم، اقتضا می‌کند که ما در طراحی و مهندسی مجتمع‌های مسکونی، مراکز علمی و دینی خود تجدید نظر کنیم و الگوهای ویژه‌ای به منظور تأمین اهداف بیان شده ارائه نمائیم.

مساجد، کانون عبادت و قدرت

کیفیت رخدادهای اجتماعی و مسیر تحولات سیاسی در هر جامعه‌ای، مدیون مراکز قدرت و نهادهای تأثیرگذار اجتماعی است. نهاد دین در میان نهادهای اجتماعی، یکی از مؤثرترین نهادهاست و به تعبیر نگارنده این سطور، «فرانهاد» است؛ چرا که دین، در تمامی نهادهای دیگر مؤثر بوده و زیربنای سایر نهادها تلقی می‌شود.

همچنین، تبلور قدرت دین در نماد عینی دین، یعنی مسجد، عینیت می‌یابد. امروز تحلیل‌گران جهانی، به خصوص در غرب پی برده‌اند که: «در شرایط حاضر، هیچ قدرت اجتماعی قوی‌تر از دین در جهان وجود ندارد».^۲

معنای سخن مذکور، این است که در شرایط حاضر هیچ پایگاه اجتماعی به اندازه مسجد در بسیج توده مردم و نیروهای اجتماعی برای بهره‌گیری از قدرت اجتماعی، تأثیرگذار نیست. هفته‌نامه فرانسوی «نول ابزرواتور» ضمن تحلیلی، نویسد: «مردم دنیا به‌طور روزافزون، چه در شرق و چه در غرب، به طرف خداوند، مذهب و معنویت سوق پیدا می‌کنند».^۳

۱. همان.

۲. گراهام فولر، تنویسین برجسته سازمان جاسوسی سیا در سیاست خارجی، مجله فارین پالی، چاپ آمریکا، به نقل از جمهوری اسلامی، ۱۳۷۴/۳/۲۴.

۳. رونامه ابراز، موزخ ۱۳۷۵/۶/۶.

مبحث ششم: راهبردها و راهکارها

برای نیل به مرحله شکوفایی و فعلیت تمدن اسلامی و محوریت کانونی مسجد در عرصه جهانی توجه راهبردهای و راهکارهای زیر، ضروری به نظر می‌رسد:

الف) نقد درون‌مایه سکولاریزم

تحلیل و بررسی اندیشه سکولاریزم و نقد مبانی آن با روش منطقی و فلسفی یکی از ضرورت‌های فلسفی و کلامی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است که ضروری است تا توسط علما و اندیشمندان جهان اسلام به طور جدی صورت گیرد.

ب) تقویت علائق معنوی و روحانی

در مرداد ۱۳۷۶ به مناسبت سالگرد روز جهانی جوانان کاتولیک، گردهمایی بزرگی با حضور پاپ ژان پل دوم برگزار گردید که در آن بیش از یک میلیون نفر به نیایش پرداختند. در این مراسم، جوانان کاتولیک از ۱۴۰ کشور جهان حضور داشتند. همین‌طور جمعیت میلیونی از زنان سیاه‌پوست آمریکایی در فیلادلفیا اعلام کردند که اکنون زمان تقویت پیوند روحانی و معنوی در خانواده و جامعه سیاه‌پوستان فرارسیده است.^۱ صدها هزار نفر از مردم آمریکا که در اجتماع میلیونی مقدس به دعوت سازمان میثاق گردهم آمده بودند، به دعا نشسته و خواستار بازگشت معنویت به جامعه خود شدند. این وقایع و رخدادها و نظایر آنها مانند مراسم ۴۳ هزار نفری جوانان طرفدار مسیح، به هدف آشنایی با ارزش‌های معنوی و ایمان شخصی و اجتماع ۱۵ هزار نفری زنان آمریکایی در آهایو برای دعوت به یکتاپرستی و ارزش‌های مذهبی و معنوی به عنوان راهکار خروج از بن‌بست‌های اخلاقی، نشان‌دهنده نیاز شدید بشر امروز به محوریت و کانونیت مسجد در رشد معنویت است.

ج) توجه به مذهب در امور بازرگانی

کارشناسان بر این باورند که امروز برای برنامه‌ریزی و توسعه فعالیت‌های تجاری و امور بازرگانی توجه به مذهب یک ضرورت است. ما باید از این فرصت در جهت تحکیم اندیشه‌های تمدنی خود در سطح جهانی بهره بگیریم.

۱. دین و دنیای مدرن، ص ۱۲۱.

۲. همان، به نقل از جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۶/۸/۵.

۳. همان، به نقل از کیهان مورخ ۷۶/۷/۱۳ و ماهنامه صبح، شماره ۷۶.

د) به کارگیری رسانه‌ها و تأسیس شبکه رسانه‌ای «مسجد»

محققان گزارش می‌دهند که هم‌اکنون ایستگاه‌های رادیویی در آمریکا که برنامه‌های مذهبی پخش می‌کنند، میلیون‌ها شنونده را به خود جذب کرده‌اند.^۱ همان‌گونه که ما امروز، شبکه مستقلی به نام شبکه قرآن داریم، باید شبکه‌ای مستقل با عنوان «مسجد» نیز تأسیس و راه‌اندازی کنیم تا بتوانیم مخاطبان داخل و خارج را برای جذب به مسجد به عنوان کانونی مؤثر، تغذیه نمائیم.

همچنین، بر اساس گزارش شبکه خبری «رویتر»، یک چهارم کاربران بزرگ‌سال اینترنت در آمریکا - که حدود ۲۸ میلیون نفر هستند - به دنبال اطلاعات مذهبی و معنوی در این شبکه هستند که این رقم روزانه بالغ بر سه میلیون نفر می‌شود.^۲ بنابراین، سایت‌های متعدّد و گسترده با محوریت مسجد یک ضرورت انکارناپذیر است.

ه) حلّ تعارض ظاهری برخی آموزه‌های دینی با علم و عقل

گرچه عقل و علم با دین تعارض ندارد، اما به ظاهر، برخی آموزه‌های دینی نقلی، همچون مسئله خلقت انسان از گل و ... با برخی تئوری‌های علمی و فلسفی تعارض دارد. ما باید در حرکت علمی و فرهنگی رو به فردی خود، این تعارض‌ها را تحلیل و بررسی کنیم و با حلّ آنها بسترهای علمی و عقلی برای تعمیق گسترش آموزه‌های دینی فراهم نماییم.

بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی گالوپ در آمریکا، حدود دو هزار عنوان کتاب در بازار وجود دارد که به موضوعاتی در مورد عبادت پرداخته‌اند. این تعداد، سه برابر تعداد عناوینی است که در موضوعات چینی چاپ شده است. به دلیل اقبال مردم به موضوعات دینی در جوامع غربی، امروز حتی برای فیزیک‌دانان، کیهان‌شناسان و منجمان غربی، این نکته سودآور شده که در عنوان کتاب‌هایشان اسم خدا را بگنجانند. گرچه در داخل کتاب، کاری به خدا نداشته باشند؛ بنابراین، عناوینی نظیر *God And The New Physics* و *The Mind Of God* و ... رایج شده است و علتش هم این است که اقبال عامّه به این قبیل کتاب‌ها زیاد بوده است؛ زیرا بسیاری از مردم می‌خواهند تعارض بین علم و دین‌شان حلّ شود؛ زیرا به آنها گفته شده است که باید بین این دو یکی را انتخاب کنند، اما آنان هر دو را می‌خواهند.^۳

۱. جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۷۶/۳/۸.

۲. دین‌دنیای مدرن، ص ۱۲۳.

۳. همان، ص ۱۲۳.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم می‌فرماید: «وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما چنین اراده‌ای داریم که بر مستضعفان زمینی منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم.»^۱ تعلق اراده الهی بر امامت و پیشوایی مستضعفان و وراثت زمین توسط آنان، جهت‌گیری و هدفمندی حرکت پویای امت اسلامی در جهت تثبیت ارزش‌های دینی در زمین را پیام می‌دهد. ظرفیت‌های موجود در جوامع بشری، نویدبخش آینده‌ای روشن در تاریخ بشری با محوریت دین و کانونیت «مسجد» است. همان‌گونه که فروپاشی شوروی سابق و فرومایگی کمونیسم و اندیشه ماتریالیسم، بعید به نظر می‌رسید، اما عاقبت محقق شد. تفوق اندیشه الهی بر سایر مکاتب و اندیشه‌های موجود در جهان و نیز عینیت یافتن «اندیشه دینی و مسجدمحوری» در دنیای پیچیده امروز، گرچه بعید به نظر می‌رسد، اما شدنی است و ما منتظر فردایی آن‌گونه هستیم.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، تهران، انتشارات صدرا.
۲. جدید بناب، علی، تحلیل بر عملکرد یهود در عصر نبوت، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رتذش، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۳. —، عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رتذش، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۴. خبرنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قم، جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۱۳۸۹/۴/۲۷ هـ.ش.
۵. پیرآستون، میلتون ینگر، لگنهاوزن محمّد، دین و چشم اندازهای نو، ترجمه: غلامحسین توکلی، واحد کلام و فلسفه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۶. ساجدی، ابوالفضل، دین و دنیای مدرن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رتذش، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۷. فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش و سنجش، سال هشتم، شماره ۲۵ (ویژه جهانی سازی)، بهار ۱۳۸۰.
۸. ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، شماره های ۲۹ و ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۸۸ هـ.ش.

مسجد، کانون حماسه‌های اسلامی

(از آغاز تا کنون)

غلامرضا گلی زواره

چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش مساجد به عنوان کانون قیام‌های اسلامی، از آغاز تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. این مقاله، ابتدا به نقش عبادی و سیاسی مسجد در عصر پیامبر اسلام ﷺ پرداخته است. در این دوران، مسجد به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان بود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، حرکت و جهاد بود؛ به گونه‌ای که انجام امور مربوط به مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در مسجد تدارک دیده می‌شد. سپس، نگارنده به نقش سیاسی مسجد کوفه می‌پردازد که مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا ﷺ و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها، هدایت‌ها و خروش‌های امام علی (علیه السلام) بوده است. مسجد جامع دمشق نیز از جمله مساجدی است که کارکرد سیاسی مهمی داشته است؛ گرچه حکومت پلید امویان، به‌ویژه معاویه، برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفساد خویش، هر صبح و شام به این مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود، اما در همین مسجد بود که امام سجاد (علیه السلام) با بیاناتی شیوا و رسا، از فضایل اهل بیت (علیهم السلام) سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت‌پیشه‌گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد. با سخنان حماسی و روشن‌گر امام سجاد (علیه السلام) مسجد، یکپارچه مملو از فریاد، گریه، شور و هیجان شد و ماهیت فساد و تباه‌کاری نظام استبدادی و اختناق اموی رسوا گردید. در نهایت، نگارنده نقش مساجد را در قیام‌های علویان، سرداران و قیام‌گوهر شاد و نقش مساجد در عصر کنونی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار داده است.

واژگان کلیدی:

مسجد، حماسه‌های اسلامی، مسجد کوفه، جامع دمشق، قیام‌های علویان، قیام سرداران، خشم مقدس، قیام‌گوهر شاد، فریاد اعتراض، انقلاب اسلامی، اوج‌گیری نهضت.

مطالعه سیر تحولات و تاریخچه جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و حرکت‌های مردمی و انقلابی در ادوار گذشته، به‌ویژه تاریخ معاصر جهان که با هدف ایجاد اصلاحات و یادگر گونی در ساختار نظام‌های حاکم بر جوامع بشری صورت گرفته، نشانگر آن است که این جنبش‌ها همواره از خاستگاه و پایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان از انقلاب کبیر فرانسه که در سال ۱۷۸۹ میلادی به وقوع پیوست نام برد که خاستگاه و خیزشگاه آن، زندان باستیل در شهر پاریس بوده است. در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی در روسیه نیز محیط‌های کارگری، کارخانجات و جوامع دهقانی، نقش زمینه‌سازی و گسترش جنبش مارکسیستی را بر عهده داشتند. در میان مسلمانان نیز «مساجد» به عنوان مراکز شروع شکل‌گیری انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی در مبارزه علیه ظلم و ستم، به‌ویژه در دوران معاصر، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. در نوشتار مختصر به نقش عبادی و سیاسی مسجد از صدر اسلام تا پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان کانون قیام‌های اسلامی می‌پردازیم.

نقش عبادی و سیاسی مسجد

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌نماید. خداوند، مسجدی را که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر می‌داند و می‌فرماید: «الْمَسْجِدُ أُنْسٌ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ...؛ مسجدی که از اولین روز بر اساس تقوا بنا شده است...»^۱

مرحوم طبرسی در تفسیر معروف خود می‌گوید که مراد از این آیه شریفه، هر مسجدی است که بر پایه طاعت الهی و نیت خالصانه برپا گردد.^۲ البته وی قول‌های دیگری را یادآوری می‌کند و می‌افزاید که امکان دارد منظور آیه مسجد قبا یا مسجد النبی باشد. علامه طباطبایی تأکید می‌نماید که این آیه شریفه به مسجد قبا نظر دارد و بین این مسجد و مسجد ضرار مقایسه‌ای ارائه می‌کند. بنابراین، آنان که انگیزه‌های غیر از پرهیزگاری و یکتاپرستی دارند، نمی‌توانند به احداث مسجد همّت گمارند و قرآن کریم افرادی را که مسجدی برای زیان به مسلمانان، تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ساختند، محکوم می‌کند. فرمان وحی از این مکان که به مسجد ضرار موسوم گردید، پرده برداشت و اهداف شوم بانیان آن را افشا کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که در آن مسجد نماز نخواند و هر گونه فعالیتی در آن ممنوع است.^۳ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمانی صادر کرد تا بر اساس آن، این مسجد را تخریب نموده و به آتش بکشند و به زباله‌دان

۱. توبه، آیه ۱۰۸.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۵، ص ۷۳.

۳. تفسیرالمیزان، ترجمه، ج ۱۸، ص ۳۳۰.

۴. توبه، آیه ۱۰۷.

تبدیل کنند. پس، اغراض سیاسی منفی که از توطئه‌های دشمنان اسلام حکایت دارد، می‌تواند در لباس زهد و تقوا و حربه مذهب آشکار گردد و از این رهگذر، به مسلمانان ضربه وارد کند و با ساختن مسجد مردم را فریب دهد و باید در برابر چنین نیرنگ‌هایی مراقب بود.

همچنین، قرآن اجازه نداده است مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، مساجد خدا را آباد کنند. این گونه اشخاص اعمال ناپسند دارند و در آتش دوزخ جاویدان هستند.^۱

در آیه‌ای دیگر به کسانی اجازه داده شده است تا مساجد را آباد و تعمیر کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از خدا می‌ترسند و نماز را اقامه نموده و زکات می‌دهند.^۲

- قرآن کریم کسانی را که از یادآوری نام خدا در مساجد توسط دیگران جلوگیری می‌کنند و در خرابی این اماکن می‌کوشند، مصداقی از ستمکارترین افراد دانسته است. امام صادق (علیه السلام) خطاب به یکی از یاران خویش به نام یونس بن یعقوب می‌فرماید: ستمگران را حتی در ساختن مسجد نیز یاری مکن؛ زیرا هرگاه آنان بخواهند از این مکان، پوششی برای ستم خویش بسازند، یاری رسانیدن به آنان در راستای تقویت بیدادگری است نه احیای مسجد؛ پس، مسجد می‌تواند در گسترش عدالت اجتماعی نقش سازنده و مثبتی داشته باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در ربیع‌الاول سال سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود. آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر در دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت. پیامبر در این آبادی، شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت. خاتم رسولان این مسجد را برای قبیله بنی عمرو بن عوف بنا نهاد. آن حضرت به این مسجد توجه ویژه‌ای داشت و هر شنبه با پای پیاده یا سواره از مدینه به قبا می‌آمد تا در آن نماز بگذارد، این همان مسجدی است که قرآن به عنوان اولین مکان عبادی مسلمانان بدان اشاره دارد و فضیلت نمازگزاری در آن طی روایاتی، مورد توجه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم السلام) قرار گرفته است.^۳ پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در مدینه نیز مسجدی را بنیان نهاد که تنها در آن نماز اقامه نمی‌گردید، بلکه مرکز فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی سیاسی مسلمانان تلقی شد. از بدو استقرار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مدینه که مسجد، به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان قرار گرفت، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن حرکت و جهاد بود و مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در

۱. همان، آیه ۱۷.

۲. همان، آیه ۱۸.

۳. بقره، آیه ۱۱۴.

۴. وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۴۸، ج ۱۰، ص ۲۷۶؛ وقاء الوفاء سمهودی، ج ۳، ص ۸۰۸.

مسجد تدارک دیده می‌شد و حضرت محمد ﷺ با بیان شیوای خود، مسلمانان را در این مکان برای جهاد با کفار و مشرکان بسیج می‌نمودند. به یمن امنیتی که در این پایگاه توحید و عبادت وجود داشت، مردم برای گره‌گشایی امور اجتماعی به آن حضرت مراجعه می‌کردند و آن حضرت، مشکلات جامعه را برطرف می‌نمودند. در جوار مسجد، صُفّه‌ای برای بینوایان و مهاجران تهی‌دست ساخته شد تا در آنجا بسر ببرند. همین مسائل حکایت از آن داشت که در اسلام، ایمان از مسائل اجتماعی و سیاسی جدا نیست و تنها یک آیین مذهبی معنوی نیست، بلکه با زندگی فردی و جمعی سر و کار دارد و ضمن آنکه همه را به تقوا و پارسایی فرا می‌خواند، از تدابیر در امور سیاسی و اصلاح اوضاع اجتماعی غفلت ندارد.^۱

امام خمینی رحمته‌الله در این باره گفته است: «در صدر اسلام از همین مساجد، جیش‌ها، ارتش‌ها، به راه افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده، هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد صدا می‌کردند که «الصلوة بالجماعه»، [مردم] اجتماع می‌کردند و آن گرفتاری را طرح [و حل] می‌کردند».^۲

مسجد، خار چشم دشمنان

بنابراین، مسجد در ضمن اینکه مرکز عبادت و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گران و قوای استکبار است و بر همین مبنا تمامی فریادها، خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مساجد سرچشمه می‌گرفت. به همین دلیل، مسجد در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام و به خصوص تشیع، بزرگ‌ترین پایگاه تجمع مردم و همچنین، مهم‌ترین خار در چشم حکومت‌های ظالم و جفاپیشه بوده است و همواره آنان در صدد بوده‌اند با شیوه‌های گوناگون این اماکن را به تعطیلی بکشانند؛ اما چون به‌طور مستقیم در برابر شور و احساسات، اراده قوی و ایمان استوار مردم قرار می‌گرفتند، این جسارت و توان را در خود نمی‌دیدند که علنی در برابر افراد مسلمان بایستند بنا بر این از طرق دیگری وارد می‌شوند و از آن جمله در چهره قداست و مذهب در می‌آیند و مسجد را تحت پوشش و استیلا خود در می‌آورند. البته مردم پس از چندی، به این تزویر پی می‌برند و با چنین حاکمانی به مخالفت برمی‌خاستند و یا از شرکت در مسجدی که تحت سلطه زورمندان بود اجتناب می‌نمودند و اگر امکان اقتداری را به دست می‌آوردند این مکان مبارک و مقدّس را از سلطه آنان می‌رهانیدند.

در طول تاریخ، تمامی قیام‌ها از سرچشمه مسجد جرعه‌نوش بودند و فریاد بیدارباش و حرکت عمومی از بالای منابر سر داده می‌شد و مردم بعد از سخنرانی‌های آتشین، روشن‌گر و کوبنده که توسط گویندگان متعهد

۱. سبحانی، جعفر، فروع ابدیت، ص ۴۵۳، ۴۵۲؛ سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۴۲.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۶.

و مسئول ایراد می‌گردید، به کوفه‌ها و معابر می‌ریختند و در برابر حکومت‌های ظلم‌پیشه به نبرد می‌پرداختند و با مرگی با غیرت را پذیرا می‌شدند یا بر تباهی غلبه می‌یافتند. با این وصف، می‌توان گفت مسلمانان عظمت و ابهت معنوی و سیاسی خود را باید مرهون مسجد بدانند و این سنگرهای تسخیرناپذیر بودند که بزرگ‌ترین نقش را در این راستا ایفا کردند و بزرگ‌ترین سدّ در برابر هر جریان ضدّ ارزشی بوده و هستند.

مسجد کوفه

کوفه که در آغاز برای استقرار رزمندگان اسلام به وجود آمد، بر کانون مرکزی مسجد شکل گرفت و نخستین محلی که جزو مساجد چهارگانه به شمار می‌رود، مسجد کوفه بود. این مکان، مدّتی محلّ تفسیر آیات قرآن، بیان سنّت رسول خدا ﷺ و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها، هدایت‌ها و خروش‌های حضرت علی (علیه السلام) بوده است. در همین مسجد آن حضرت از دوچهرگان و مؤمنان سست‌ایمان گلایه می‌کند و زمینه حرکت و مبارزه با پیمان‌شکنان (ناکثین) و ستم‌پیشگان (قاسطین) و آشوب‌طلبان (مارقین) را فراهم آورد. آن حضرت سرانجام در محراب همین مسجد، در سپیده‌دم نوزدهم رمضان سال چهل‌م هجرت به شهادت رسید.^۱ در مسجد کوفه، امام حسن مجتبی (علیه السلام) ضمن خطابه‌ای تاریخی از اهل بیت (علیهم السلام) و حقّ مسلم آنان در خلافت سخن گفت و چون احساس نمود معاویه دست به عصیان زده و افرادی را برای اخلا لگری تقویّت می‌کند، در پاسخ به این ستیزه‌جویی مؤمنان را بسیج نمود تا با معاویه به نبرد برخیزند؛ اما به دلیل شرایطی که در سپاه خود می‌دید و تبلیغات منفی امویان و نفوذ خوارج و وابستگان دشمنان در میان نیروهای مردمی، امام جنگ را ترک نموده و به صلح روی آورد. طرفین در مسجد کوفه اجتماع کردند و امام با بزرگواری و متانت خاصی بر منبر قرار گرفت در بخشی از بیانات خویش فرمود: معاویه چنین وانمود کرده که او را شایسته خلافت دیده‌ام، ولی او دروغ می‌گوید. بر اساس قرآن و قضاوت رسول اکرم ﷺ ما از همه کس به حکومت اولی‌تر هستیم.^۲

مختار بن ابوعبیده ثقفی برای مجازات جنایتکاران اموی که در کربلا شرارت کرده و کارنامه‌ای ننگین از خود به جای نهاده بودند، در کوفه قیام کرد. مرکز خیزش وی مسجد جامع این شهر است. او پس از مسلط شدن بر اوضاع شهر، در مسجد مذکور برای مردم خطبه‌ای حماسی خواند. سپس، مراسم بیعت با وی با شور و هیجان وصف‌ناپذیری آغاز شد.^۳

۱. گلی زوّاره، غلامرضا، سیمای کوفه، ص ۷۴-۷۲.

۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۸۲، ۸۹.

۳. رضوی اردکانی، سیدابوفاضل، ماهیت قیام مختار، ص ۳۲۲-۳۰۹.

مسجد جامع دمشق

یکی از مهم‌ترین حوادث دردناک تاریخ اسلام، حکومت جابرانه امویان است. معاویه بنیان‌گذار این سلسله ملعون، از سال ۴۱ تا ۶۰ هجری بر سرزمین شام حکومت کرد، ولی عامل دوام سلطه‌اش، سیاست بازی و دورویی بود و ماهیت شرک و ستم را در پرده‌ای از ریا و تزویر مخفی کرد و تنها پایگاه تبلیغات مسموم وی در جهت انحراف افکار مردم از مسیر صحیح اسلام و مشحون نمودن اذهان از یاوه‌سرایی‌ها و تهمت‌ها علیه عزیزترین بندگان خدای مسجد جامع دمشق بود. بعد از وی، فرزند فاسدش، همانند او از این مکان مقدّس استفاده سوء کرد و آن را بهترین جایگاه قدرت پوشالی خود می‌دانست و برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفاسد خویش هر صبح و شام به مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود؛ اما حادثه‌ای به وقوع پیوست که سیمای کریه او را افشا ساخت. امام سجاد علیه السلام و عده‌ای از بازماندگان حادثه نینوا، بعد از حماسه عاشورا، به عنوان اسارت به شام انتقال یافته و در خرابه‌ای اسکان داده شدند. روزی یزید امام چهارم را به این مسجد فراخواند و در حضور آن امام همام از خطیب مزدوری خواست بر فراز منبر برود و از فضایل بنی امیّه و معایب دشمنان و علیه آل ابی طالب مطالبی بر زبان جاری نماید.

امام زین العابدین علیه السلام چون این سخنان یاوه و باطل خطیب را شنید، روی به آن سخنران نمود و فرمود: وای بر تو، رضایت مخلوق را به خشم خداوند برتری دادی؛ پس، جایگاهت در آتش است. آنگاه از یزید خواست تا اجازه دهد وی بر منبر مسجد رفته و مطالبی بگوید که مایه خوشنودی خداوند و ثواب برای حاضران در مسجد باشد. یزید در آغاز نپذیرفت؛ ولی با اصرار مردم قبول کرد و با کراهت اجازه داد تا امام به منبر برود. حضرت علی بن الحسین علیه السلام طی بیاناتی شیوا و نافذ از فضایل اهل بیت علیهم السلام سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت‌پیشه‌گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد و با سخنان حماسی و روشن‌گر خویش مسجد را یکپارچه مملوّ از فریاد، گریه، شور و هیجان نمود و ماهیت فساد و تباهکاری نظام استبدادی و اختناق اموی را رسوا ساخت و پایه‌های لرزان آن را رو به ویرانی نهاد. یزید که از این افشاگری سخت هراسناک گردید، به فکر چاره‌ای افتاد و مؤدّن را فرمان داد که اذان بگوید تا از این راه جلوی سخنان امام را بگیرد، ولی حضرت سجاد علیه السلام از این سرود زیبای توحید هم بهترین استفاده را نمود و عباراتی از آن را برای هدایت مردم به سوی حقایق ناب و حاکمیت عدالت اسلامی به کار گرفت.^۱

قیام‌های علویان

۱. خطیب خوارزمی، مقتل الحسین للخوارزمی، ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۴۶؛ ابن نماحلی ساحلی، مثير الاحزان، ص ۱۰۴.

از حوادث مهمّ سیاسی در ایام امامت امام صادق (علیه السلام) قیام زید بن علی در کوفه است. حرکتی که وی آغاز کرد، نشان از نفوذ علویان در میان مردمان عراق دارد. او با بهره‌مندی از چشمه پرفیض پدر، یعنی امام سجّاد (علیه السلام) ضمن آنکه به فضائل و معارفی آراسته بود، خود را برای خیزشی علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه وقت اموی، مهیا نمود. وقتی وی به کوفه آمد، شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عترت در مسجد جامع کوفه گروه‌گروه نزدش می‌آمدند و با وی بیعت می‌کردند؛ چون زمان قیام نزدیک گردید، زید به یاران و هواداران و عده داد در چهارشنبه اول صفر ۱۲۲ هجری خروج خواهد نمود، ولی وقتی خبر مزبور به گوش والی وقت کوفه یوسف بن عمر رسید، بیعت‌کنندگان با زید را در مسجد تحت فشار سختی قرار داد و فقط از میان ۱۵۰۰ نفر حامی زید، ۳۰۰ نفر موقوف شدند به وی پیبوندند. در این میان، نصر بن خزیمه که از یاران نزدیک زید بود، به او گفت مردم را در مسجد حبس کرده‌اند، ما را به سوی ایشان ببر؛ زید چنین کرد. اصحابش وقتی به مسجد رسیدند، پرچم‌های خود را از بالای درب‌ها داخل مسجد می‌نمودند و می‌گفتند: ای اهل مسجد، بیرون آید و به ما ملحق شوید؛ اما از آن سوی، سپاه اموی بر این حامیان، سنگ پرتاب می‌کردند و نبردی سخت بین دو طرف در گرفت و باران تیر به سوی مبارزان بارید و اگرچه آنان فداکاری و مقاومت کردند، ولی این قیام با شهادت زید به پایان رسید. برخی از مورّخان گفته‌اند که عده‌ای از کوفیان دعوت زید را نادیده گرفتند و ماندن در حبس و گرفتار شدن در محاصره دشمن را بر پیوستن به فرزند امام چهارم ترجیح دادند.^۱

در عصر امام کاظم (علیه السلام) یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) به نام حسین بن علی بن حسین که شخصیتی ممتاز و مسلمانی راستین بود در هشتم ذی‌حجه سال ۱۶۹ هـ.ق در زمان خلافت هادی عباسی بر ضدّ حکومت ستمگر وقت قیامی را در سرزمین فح، حوالی شهر مکه، سامان داد. این خروش مقدّس از مسجد النبی آغاز شد و روزهای اول انقلاب، مسجد، مرکز جنب و جوش و هیجان‌های مردم بود و در این مکان، ستاد فرماندهی نهضت تشکیل گردید، رهبری قیام همراه با جمعی از شیعیان و علویان وارد مسجد النبی گردید و در حالی که لباس و عمامه سپیدی پوشیده و شمشیری برهنه در دست داشت، بر فراز منبر رفت و انگیزه نهضت و عدلّ آن را به‌طور اختصار بیان داشت. در آن سال، جمعی قابل توجه برای زیارت بارگاه نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به مدینه آمده بودند و در روز انقلاب و طی مراسم بیعت، در مسجد حضور داشتند. به طوری که مسجد از افراد پر شده بود. پس از انجام این مراسم، نیروهای مبارز در این مکان گرد آمدند و مسلّح شده و آماده دفاع و منتظر واکنش دشمن گردیدند. سرانجام پاسبان‌های مدینه که خالد بربری فرماندهی آنان را عهده‌دار بود، به استمداد ۲۰۰ نفر به سوی مقرّ فرماندهی انقلاب، یعنی مسجد یورش بردند

۱. برای مطالعه تفصیل این قیام رک: کریمان، حسین، سیره و قیام زید بن علی؛ مقدّم، عبدالرزاق، رهبرانقلاب کوفه، ترجمه عزیزالله عطاردی.

و بدین گونه درگیری آغاز شد؛ اما طرفداران حسین گروه‌های مهاجم را عقب زده و از مسجد بیرون راندند و موفق گردیدند که فرمانداری مدینه را تصرف کنند و در روز سوّم قیام، شهر به طور کامل در تصرف قوای قیام فتح بود. سپاه فاتح از مدینه به سوی وادی فح رسیدند و در آنجا نیرویی اندک با انبوه نیروهای دشمن با وضعی نابرابر درگیر شدند که منجر به شهادت رهبری قیام و تعدادی از یارانش گردید. اگرچه رهبر قیام در این حرکت مقدّس شکست خورد، اما در ابتدای پیروزی، افتخار می کرد که به عنوان ذریّه‌ای از رسول خدا ﷺ، در مسجدالنبی بر روی منبر پیامبر با مردم سخن می گوید و از این مکان به مبارزه با ظلم و جفا برخاسته است.^۱

قیام سربداران

تهاجم متوالی مغولان به قلمرو جهان اسلام، تعادل سیاسی و امنیتی را بر هم زد. با وجود این بر اثر فروپاشی دستگاه عباسیان توسط این قوم، برخی فرق شیعه بال و پر گرفتند و رشد کردند. در این میان با تلاش‌های بی‌وقفه خواجه نصیر طوسی و ابن مطهر حلبی، مذهب شیعه اثنی عشری به حیات فکری و ارزشی خود ادامه داد و موفق گردید راه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد.

شیخ خلیفه، روحانی شیعه و انسانی پرهیزگار که از اهالی مازندران بود به سرزمین خراسان مهاجرت نمود و در مسجد جامع سبزوار به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و سخنان این دانشور عارف عده کثیری را به سوی او جذب کرد و بسیاری از مردم پیروش شدند و بدین ترتیب، آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچید و صاحبان قدرت را به هراس افکند. عده‌ای که از راه مکر و ریا بر مردم سلطه داشتند با افشاگری‌های او منافع خود را در خطر دیدند، از این رو، حاکمان وقت در دو بعد سیاسی و عقیدتی علیه وی به مبارزه برخاستند؛ ولی شیخ خلیفه به عنوان دانشوری عارف، با توجه به فضای سیاسی جدیدی که برای علمای شیعه پدید آمده بود، به کار خود ادامه داد. برخی علمای وابسته به دربار فتوایی صادر کردند با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و از دنیا حدیث می گوید و چنین کسی واجب‌القتل است؛ سپس صورت فتوا را برای سلطان ابوسعید فرستادند تا متن آن را تأیید کند، ولی وی امتناع کرد و گفت: من دست به خون این فرد نمی‌آلایم؛ اما معاندان بعد از نقشه‌های زیادی که به اجرا درآوردند، به هدف خویش رسیده و این عالم شیعی را شهید نمودند و شیخ حسن جوری، شاگردش راه او را ادامه داد و از پایگاه مسجد برای مبارزه با ستیز و ستم، قیام سربداران را رهبری نمود و پیروانش اغلب کسبه عادی بودند.

حرکت سیاسی این روحانی شیعی در آغاز از موضع مسجد حالت مخفیانه داشت و بعدها وقتی مبارزه آغاز

۱. ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۸؛ بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۵؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۹۴.

گردید، صورت علنی به خود گرفت. تاریخ آغاز قیام سال ۷۳۶ هـ ق است. آنان در اندک مدتی قوای کمکی علاءالدین محمد وزیر را درهم شکستند و پیروزی از آن سرداران شد و پس از حملات و جنگ و گریزهای متوالی، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آنجا را پایگاه عملیاتی خود قرار دادند. امیر عبدالرزاق، از افراد شجاع سردار، پس از این فتح در سال ۷۳۷ هـ ق در مسجد سبزوار خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد، در این حال شیخ حسن با اقداماتی که دشمنانش علیه او انجام دادند، توسط ارغوان شاه، دستگیر شد و در قلعه بلرز محبوس گشت. زمانی که امیر وحیدالدین مسعود بعد از قتل برادر (عبدالرزاق)، روی کار آمد تصمیم گرفت شیخ حسن را از حبس برهاند. استخلاص این روحانی عملی گردید و او از زندان به سبزوار آمد و رهبری مذهبی حرکت سبزوار را همچون گذشته عهده‌دار گشت. امیر مسعود با کمک شیخ حسن و پیروانش لشکر ارغون شاه را پراکنده ساخت و سیطره سرداران را تا نقاط دور دست کشانید.^۱

آنچه که قیام سرداران را ممتاز و برجسته می‌نماید این است که درون مایه‌اش مذهبی و شیعی بود و مرکز شکل‌گیری فکری و سیاسی آن مسجد است. در جنبش سرداران سمرقند، نقش اصلی را ایفا می‌کند. رهبر آن مولانا زاده سمرقندی، رهبری مقاومت مردم این سامان را در برابر مهاجمان مغول به عهده گرفت. قبل از شروع قیام، مردم از اقشار گوناگون در مسجد جامع شهر گرد آمدند تا در این خصوص به مشورت بپردازند. مولانا زاده تیرانداز و دلیر در حالی که شمشیر حمایل کرده، آرام‌آرام بر بالای منبر مسجد آمد و پس از سلام بر حاضران آواز بر آورد که امروزه کفار به تخریب قلمرو مسلمانان و کشتار آنان پرداخته، در این مورد نباید کوتاهی کنید. روز قیامت از شما می‌پرسند که چرا با وجود توانایی خاموش ماندید. جهاد و رفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمانان خوردن، همچون ادای نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان فرض است. در این زمان از میان شماها که در این خانه خدا حاضر شده‌اید، کدامیک به این امر عظیم قیام می‌نمائید؛ هر چه در دل دارید بگویید و رضا مدهید که کار دین عقب بماند. گرایش مردمی که در مسجد جامع شهر گرد آمده‌اند، نسبت به مواظبت و هشداری‌های مولانا متفاوت است. خواص مرفه از اینکه خود را برای هدفی والا به خطر بیاندازند شانه خالی می‌کنند؛ ولی عموم مردم که رنج‌دیده و بلاخورده‌اند، برای حفظ دین و صیانت از قلمرو مسلمانان آماده جانفشانی هستند. ناگهان مولانا تیغ از نیام کشید و بر گردن خود نهاد و روی به مردم کرد و گفت: من آماده فداکاری هستم و این وظیفه بزرگ را پذیرا گردیدم؛ شما چه می‌گویید؟ این چنین بود که رهبری قیام را در برابر مغولان پذیرا گشت و قدرتش در این حرکت به حدی بود که اهالی به اشاره‌اش آماده هر گونه ایثاری بودند. آنان پس از مقدمات و تدارکات لازم بر شهر مسلط شدند و حدود شش سال و هفت

ماه، از پاییز سال ۷۶۶ هـ ق تا بهار سال ۷۶۷ هـ ق، به طور مستقل بر این ناحیه حکومت کردند؛ اما وقتی دشمن مغرور وارد سمرقند شد، آنها پس از این مدت، با حيله و نیرنگ تاتاران مغول قتل عام شدند و مولانا سمرقندی به دلیل نفوذ عمیق مذهبی از مرگ رهایی یافت.^۱

انگیزه اصلی این قیام، همان مذهب است و این عامل از لابه لای سخنان مولانا در مسجد جامع به طور کامل مشهود است. کانون شکل گیری این قیام نیز مقدس ترین مکان سمرقند، یعنی مسجد جامع بود.

خشم مقدس

میرزا مسیح مجتهد استرآبادی، متوفی به سال ۱۲۶۳ هـ ق، از فقه‌های قرن سیزدهم و شاگرد میرزای قمی است که در تهران به بحث و درس و تربیت شاگردان مشغول بود. هنگامی که وی در مسجد جامع تهران پرتوافشانی می کرد، بر اثر بی کفایتی شاهان قاجار و زورگویی های روس معاهده های ننگینی تحت عنوانین ترکمان چای و گلستان به ایران تحمیل گردید. گریبایدوف روسی که فردی متکبر و جاه طلب بود، در پنج رجب ۱۲۴۴ هـ ق برای اجرای یکی از بندهای قرارداد ایران و روس، از جمله استرداد اسرا و دریافت غرامت، به ایران آمد و خواست از روی تحقیر و توهین مردم کار خود را سریع انجام دهد و او به بهانه جستجوی گرجیان و روس های پناهنده، به حریم خانه های مسلمانان تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی برآمد؛ در حالی که بسیاری از آنان از زمان آغامحمدخان قاجار، مسلمان شیعیه شده و به عقد ازدواج مردمان مسلمان ایران درآمده و صاحب فرزند بودند. گریبایدوف این بانوان را با تهدید و ارباب و ضرب و جرح به سفارت روس انتقال داد و در این مکان نیز با آنان بنای بد رفتاری نهاد. زنان با تقاضای وی و همراهانش مخالف بودند به وسیله ذکر و خواندن قرآن به صورت دسته جمعی تنفر خویش را از سفیر و دیگر کارگزاران روس اعلام کرده و فریاد استغاثه خود را به گوش علمای تهران رسانیدند. ضمن آنکه مجتهدان شهر وظیفه خود دیدند تا از حریم ارزش ها و شرافت دینی حمایت کنند، مردم نیز به آنان مراجعه و تقاضای اقدام فوری و مؤثر نمودند. طبیعی بود که مردم به سراغ مجتهد برگزیده ای می روند که در سنگر مسجد جامع به تنویر افکار عمومی می پردازد و او کسی جز میرزا مسیح مجتهد نبود. سرانجام روز حادثه فرار رسید و مردم مسلمان تهران با هدایت علما و فتوای میرزا مسیح، در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ هـ ق، در مسجد جامع تهران اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فساد که گریبایدوف ایجاد کرده بود، روانه شدند تا حکم اسلام را مبنی بر آزاد نمودن زنان مسلمان از دست متجاوزان روس، به اجرا در آورند. جمعیت وقتی به درب

۱. منتخب التواریخ، معین الدین نطنزی، ص ۲۲۲ به بعد؛ سمرقندی عبدالرزاق، مطلع السعدین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ص ۳۳۱ و ۳۳.

سفارت رسیدند، ضمن کنترل خشم و هیجان خویش خواسته‌های بر حق و منطقی خود را مطرح کردند؛ ولی گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان دستور تیراندازی داد و نوجوان ۱۴ ساله‌ای را که جلوی جمعیت بود، به شهادت رسانید. مردم پیکر وی را به مسجدی در آن حوالی آورده و بر سر جنازه‌اش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام با هجوم دسته‌جمعی وارد سفارت گردیدند و با افراد آن درگیر شدند و بر اثر آن ۳۸ نفر از ساکنان سفارت، از جمله گریبایدوف و ۸۰ نفر از مردم کشته شدند. دولت روسیه از راه تهدید، از دولت ایران خواست تا رهبر قیام را تبعید کند؛ اما وقتی خبر مزبور به آگاهی مردم رسید، آنان با تظاهرات وسیعی اعتراض خود را با این برنامه اعلام کردند. پس از سرکوبی اهالی تهران، در هشتم صفر ۱۲۴۵ هـ.ق، میرزا مسیح را به مسجد شاه (امام خمینی کنونی) آوردند و وی را مجبور کردند تهران را به مقصد عتبات عالیات، به عنوان تبعید ترک کند.^۱

قیام گوهرشاد

هم‌زمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) زرمه‌های حجاب‌زدایی از سوی رژیم رضاخان بلند می‌شود و نطق‌هایی برای آماده‌سازی اذهان عمومی ایراد گردید؛ اما برخلاف پیش‌بینی تئوریسین‌های وابسته به استعمار و پس از جنگ‌های روانی شدید که علیه روحانیت ترتیب دادند، علمای مشهد با شنیدن این زرمه‌ها و گفتار دولتی‌ها، به‌طور مخفی جلساتی برگزار می‌کنند. در یکی از این نشست‌ها، پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به‌طور مستقیم با رضا شاه مذاکره کند؛ اما حاج آقا حسین قمی در باغ سراج‌الملک شهر ری بازداشت و ممنوع‌الملاقات می‌گردد.

از آن سو، مسجد گوهرشاد مشهد چند روزی است که محل اجتماع و سخنرانی علیه کشف حجاب است و با بازداشت این روحانی برجسته، اجتماعات مزبور هر لحظه وسیع‌تر و اعتراضات گسترده می‌شود و سخنرانان در مسجد گوهرشاد با کلامی آتشین تر به افشاگری می‌پردازند. گردهمایی فزاینده مردم در مسجد مزبور، همراه با سخنرانی‌های روحانیان بیدار، نزدیک بود تا پایه‌های نظام سلطه استعماری را در هم بریزد؛ اما صبح روز جمعه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴ هـ.ق (۲۰ تیر ۱۳۱۴ هـ.ش)، قرآنان مستقر در مشهد برای متفرق ساختن مردم وارد عمل می‌شوند و بر روی آنان آتش می‌گشایند و یک صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند؛ ولی اهالی مشهد و حومه متفرق نمی‌گردند و مقاومت می‌نمایند. مهاجمان مسلح که دستوری برای این خیانت از مرکز یا فرمانده خود دریافت نکرده بودند، از برابر مردم عقب‌نشینی می‌کنند.

۱. تفصیل این قیام را در کتاب میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، به قلم نگارنده مطالعه فرمایید.

پس از این یورش، مردم اطراف مشهد با ابزارهای کشاورزی و بنایی به سوی مسجد سرازیر می‌گردند و مسجد لبریز از جمعیت معترض می‌شود. غذای مورد نیاز افراد متحصن در مسجد از بیرون توسط حامیان قیام تأمین می‌گردد. زنان خواستار شرکت در خیزش گوهرشاد هستند و مسجد بازدن چادری برای بانوان شجاع و دلیر مهیا می‌شود.

روز شنبه، ۱۱ ربیع الثانی ۱۳۵۴ هـ ق برابر با ۲ تیر ۱۳۱۴، مسجد دیگر جای سوزن انداختن نبود. شعارهایی ضد سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضد حجاب‌زدایی داده می‌شود. مردم یکپارچه در مسجد سرود مقاومت سر می‌دهند. عوامل رژیم نگرانی خود را به مرکز خبر می‌دهند؛ اما رضاخان دستور می‌دهد اجتماع کنندگان در مسجد را به شدت سرکوب نمایند. سران قشون و شهربانی، قوای خود را هماهنگ می‌کنند. قزاقان در اطراف مسجد مستقر می‌گردند. اسدی، نایب‌التولیه که از کشتاری خونین در آینده‌ای نزدیک اطلاع دارد، نیز می‌داند عده‌ای مجتهد برجسته در مسجد هستند، به بهانه مذاکره آنان از مسجد خارج می‌نماید. پاسی از نیمه‌های شب ۱۲ ربیع الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، خراسان را به لرزه افکند و صدای شیپور جنگ از همه طرف بلند شد. گروهی از دژ خیمان اسلحه به دست، به داخل مسجد رفتند و عده زیادی را کشتند و به هیچ کس رحم نمی‌کردند. وقتی سپیده سرزد، نه صدای گلوله‌ای بود و نه ذکر فریاد معترضان از مسجد شنیده می‌شد و قزاقان با کشتن بیش از دو هزار نفر تا پنج هزار نفر و اسیر کردن ۱۵۰۰ نفر و بازداشت نمودن عده‌ای از روحانیان موفق شدند تا قلب مقاومت مسجد گوهرشاد را درهم شکنند و دل استعمارگران را شاد کنند و ارباب خود، یعنی رضاخان را راضی نمایند؛ اما آنان نتوانستند آوازه‌های استقامت و دفاع از ارزش‌های الهی را به بند کشند و کوس رسوایشان به صدا درآمد.^۱

فریاد اعتراض

به دنبال دستور امام خمینی ره از اوّل محرم سال ۱۳۸۳ هـ ق، مجامع و محافل کثیری در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی برگزار شد و در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی، شعارهای انقلابی مطرح گردید. از جالب‌ترین این برنامه‌ها تظاهرات روز عاشورای تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح، واقع در میدان شاه سابق آغاز گشت. در این حرکت، جمعیت به گروه‌های متعدّد تقسیم شدند و ضمن نظم و سازمان دهی، هر گروهی شعار مخصوص خود را داشت. جالب اینکه اقشار دانشجویی، روحانی، بازاری، کارگر و دهقان، در این خشم مقدّس حضور داشتند. تصویر امام خمینی ره و جمالاتی از حضرت

۱. سیناواحد، قیام گوهرشاد، ص ۵۰-۴۷؛ بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاخان، ص ۴۷-۴۶۷.

امام حسین علیه السلام زینت بخش صفوف عذاران بود. تظاهر کنندگان، صبح روز عاشورا شروع به حرکت کردند و ساعت سه بعد از ظهر، پس از عبور از مسیر ری، بهارستان، مخبرالدوله، دانشگاه و بازار در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به گردهمایی خود خاتمه دادند. این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم گردید، تبلور عینی اقصای مختلف جامعه، به خصوص بازاریان و دانشجویان بود که در حمایت از روحانیت و مخالفت با رژیم پهلوی پای به میدان نهاده بودند.^۱

مساجد سیّد عزیرالله، شیخ علی، امین الدوله و آذر یاجانی‌ها نیز به عنوان محلّ شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیت‌ی ویژه داشتند و مرکز ارتباط روحانیان و بازاریان بودند. نقطه عطف این مبارزات، باروی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علنی علما و بازاریان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدّل گشت. به دنبال سخنرانی امام خمینی قدس سره در خرداد ۱۳۴۲، در مسجد سیّد عزیرالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت، آیات محترم خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصّن شدند. در پی این اقدام، مساجد دیگر نیز وارد عمل شدند و مبارزات مردمی در کشور افزایش یافت و سخنرانی‌هایی در مساجد فوق به تأسی از امام خمینی قدس سره توسط آیت‌الله خوانساری و حجج اسلام فلسفی و تنکابنی برگزار شد؛ به نحوی که عمال رژیم پهلوی در خرداد ۱۳۴۲ مسجد عزیرالله را که در چهارسوق بازار تهران قرار داشت، تعطیل کردند. با وجود این، شدت مبارزات مردمی به حدی بود که اسدالله علم ناچار به لغو تصویب‌نامه مورد اشاره گردید. مسجد سیّد عزیرالله، همچنان جایگاه خود را در مبارزات ضدّ پهلوی حفظ نمود و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ هـ.ش محلّ موعظه استاد فلسفی و مرکز تجمع مبارزان بود. در ماه رمضان سال ۱۳۷۱ هـ.ق (۱۳۳۱ هـ.ش)، قرار بود که حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد شاه (امام خمینی کنونی) سخنرانی کند؛ اما چون مطلب ایشان به قول عوامل رژیم تحریک‌کننده بود، عده‌ای از افراد شهربانی داخل مسجد شدند و اجازه ندادند وی بر منبر برود و بدین‌گونه بعد از مراسم آن ایام، این مسجد به تعطیلی کشانیده شد. از آن سو، فرمانداری نظامی تهران در اطلاعیه‌ای، به وعظ هشدار داد به هیچ‌وجه در منابر حقّ صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی را ندارند. امام خمینی قدس سره که در زمان تعطیل گردیدن مراسم مسجد شاه، در همدان بودند، از این برنامه اظهار نگرانی نمود. علمای قم و تهران و ائمه جماعات برخی شهرستان‌ها هم در بیانیه‌های جداگانه‌ای تأسّف خویش را از این بابت اعلام کردند.^۲

این مسجد، در حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز کانون مهمّی به شمار می‌رفت. به دنبال اعلام مراجع و اعلام

۱. نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بی‌تا، ص ۵۲ و ۵۳؛ معادیخواه، عبدالمجید، طلوع فجر، ص ۷۷؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، ص ۷۳ و ۷۴؛ ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰، ص ۷۸. ۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۵۱-۱۴۹.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به برگزاری مراسم و مجالس عزاداری به صورتی پُررنگ‌تر در عاشورای سال ۱۳۸۲ هـ.ق، مردم به صورت دسته‌های عزادار در خیابان‌های تهران ظاهر شدند و با سر دادن شعار «خمینی خدا نگه دار تو، ملت طرفدار تو»، حمایت خویش را از امام و مخالفت خود را با رژیم شاه اعلام کردند. آنان به بازار تهران آمدند و از طریق خیابان مولوی به مسجد شاه (امام) رفتند. در این تظاهرات یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی، پشتیبانی دانشجویان را از نهضت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ اعلام کرد. ساعت ۱۶ همان روز، مردم پس از تظاهرات به مسجد بازگشتند و پس از استماع سخنرانی آیت‌الله مکارم شیرازی که در تقبیح اعمال رژیم پهلوی صورت گرفت، در حالی که شعار «خمینی خمینی خدا نگه دار تو، بمیرد بمیرد دشمن خون خوار تو» سر می‌دادند به سوی میدان سپه به راه افتادند و در اثنای حرکت، عده کثیری به آنان ملحق شدند. آنان بعد از تظاهرات در بازار، به مسجد حاج ابوالفتح رفتند و در مجلس ماتمی که روحانیان برگزار کرده بودند حضور یافتند. در آن جلسه مقرر گردید که تظاهرات روز بعد از مسجد شاه (امام) ادامه بدهد.^۱

مسجد شیخ عبدالحسین در بازار تهران واقع است که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است. این مکان، توسط وصی میرزا تقی خان امیر کبیر از ثلث اموال شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ‌العراقین ساخته شد. این مسجد نیز مرکز فعالیت نیروهای مذهبی، تبلیغی و سیاسی بود، مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ هـ.ق (۱۳۴۲ هـ.ش)، در این مکان بحث‌هایی را آغاز کرد که گزارش‌هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است. جالب آنکه اسدالله علم، نخست‌وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده‌ای ساواکی مستمع سخنان وی بودند. جمعیت به قدری زیاد بود که فلسفی از طریق پشت‌بام به مسجد رفت. وی در این منبر، مسجد را کانون جنبش معرفی کرد و از استیضاح دولت علم توسط روحانیت قدرت‌علما، جنایت رژیم در مدرسه فیضیه و ایجاد محیط رعب و وحشت در قم سخن گفت. به همین دلیل حجت‌الاسلام فلسفی را دستگیر و به زندان شهربانی انتقال دادند.^۲

مسجد جامع بازار به دلیل موقعیت سیاسی بازار دارای نقش و اهمیت خاصی در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی بوده است و از همان آغاز پایگاه مبارزان بود. اسناد شهربانی و ساواک این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ در اسناد ۱۱ خرداد ۱۳۴۲ شهربانی چنین آمده است: پیرو گزارش قبل، از مسجد جامع مراقبت به عمل آمد. هفت نفر روضه خواندند؛ آقای کامل خراسانی بر منبر رفته و تمام صحبت‌های او اشاره

۱. امینی، علیرضا، تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی، ص ۲۷۶؛ منصور جواد، قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، ص ۶۳۵؛ ازقیاتا فیضیه، جنبش مسلمانان تبریز، ص ۵۰.

۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۷۴ و ۲۷۴.

به دولت بود و مردم را علیه حکومت تحریک می نمود و گفت چرا خارجیان را به خاک ایران راه داده اند. آقای انصاری قمی بر منبر قرار گرفت و به مردم گفت چرا قیام نمی کنید و چرا از بیگانگان پیروی می نمائید.^۱

مسجد و انقلاب اسلامی

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ صرف نظر از آنکه در جلسات درسی، عبادات و نماز جماعت را در مساجد برگزار می نمود، مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می دانست. او در مسجد اعظم قم، دوم ذی حجه ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) اندکی پس از آزادی، در جمع هزاران نفر از علما و فضیای قم و سایر اقشار، به تفصیل آنچه را پس از بازداشت ایشان رخ داده بود و شاه و دستگاه تبلیغاتی وی در ایران و خارج شایع ساخته بودند، به باد انتقاد گرفت. نگاه در اثر انعکاس این فریادها و بیدارباش های روشن گر و حرکت آفرین امام، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد در اجتماعات گوناگونی که در مساجد تشکیل می گردید، به پیروی از امام امت به افشاکگری و مخالفت با نظام ستم شاهی پرداخته و تحوّل عظیمی در افکار و اندیشه های مردم به وجود آوردند که باعث ترس رژیم پهلوی و اربابانش گردید.

این فریادها که از عمق جان ها و در پایگاه مقدّس مسجد برخاسته بود، بذر امید و حرکتی بود که بر دل ها پاشیده شد و با تداوم آن به رشد و نمو و شکوفایی رسید. امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب در شهرهای گوناگون و روستاهای کشور با سخنرانی های کوبنده، بر این حرکت مقدّس تداوم بخشیدند. نوارهای سخنرانی های امام و پیام های معظم له به گونه دقیق و برنامه ریزی شده در مسجد به مردم می رسید. به همین دلیل، رژیم در مقام مخالفت و به تعطیلی کشاندن این اماکن مقدّس برآمد؛ اما موج حرکت چنان قوی بود که نمی توانست آن را از ریشه برکند. بنابراین، گاهی گویندگان متعهد را که بر فراز منابر مساجد، حقایقی را مطرح می کردند راهی زندان، تبعید و یا ممنوع المنبر می گردانید و در مواقعی هم مزدوران رژیم ستم شاهی به مساجد می ریختند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و زمانی هم درب ها را می بستند تا کسی به این اماکن نیاید.

مسجد هدایت، واقع در خیابان استامبول تهران، پایگاه مهم فرهنگی و سیاسی آیت الله سید محمود طالقانی بود و او در مدّت سی سال در این مکان مبارک نسلی دین دار، دردمند و مبارز تربیت کرد، افراد حاضران در این مسجد اغلب جوانان و دانشجویان بودند. بر اساس گزارش های ساواک، طالقانی در مسجد مزبور

۱. فصل نامه یاد، شماره ۴۵ و ۴۶، ص ۱۷۵، ۱۷۲.

۲. راهی که نرفته ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره آیت الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی، (تهران، مجتمع فرهنگی آیت الله طالقانی)، ص ۱۴۰-۱۳۹.

به موعظه و تفسیر می‌پردازد و در جلسات وی حدود ۴۰۰ نفر شرکت می‌کنند. او در بیانات خود پیوسته به اوضاع روز پرداخته و به مقامات عالی رژیم پهلوی حمله می‌نماید و اولیای امور را به ایجاد محیط رعب و وحشت و نقض قانون اساسی و آزادی بیان، اختلاس و ارتشاء متهم ساخته و حصار را به قیام علیه وضع کنونی تحریک می‌کند؛ چون با وجود تذکرات مکرری که به نام‌برده در مورد خودداری از ادامه این روش داده شد، مشارالیه به حملات خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین، عمل وی طبق ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی، جرم محسوب می‌شود و در صورت تصویب، مراتب به دادستانی ارتش منعکس تا نام‌برده تحت تعقیب قرار گیرد.^۱

در گزارش ساواک این مسجد به عنوان کانون جوانان معرفی شده است؛ چرا که محلّ فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این مسجد بود و انجمن اسلامی دانشجویان تهران، در سال ۱۳۴۲ سخنرانی‌های افشاگرانه خود را علیه انقلاب سفید در مسجد هدایت برگزار کرد.^۲

شهید آیت‌الله مفتّح به موازات فعالیت‌های علمی و آموزشی، بنا به دعوت اهالی مسجد الجواد که یکی از معدود پایگاه‌های عرضه اسلام راستین در آن زمان بود، در این مکان به ایراد سخنرانی و جلسات تفسیری پرداخت و به روشنگری نسل جوان مبادرت نمود. یادآور می‌شود در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ شمسی، برنامه‌های تبلیغی این مسجد زیر نظر شهید مطهری بود.

مفتّح در سال ۱۳۵۲ شمسی برای ایجاد تشکّل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن سنگری برای ارائه اسلام راستین، امامت مسجد جاوید را پذیرفت و در این پایگاه یک هسته مقاومت تشکیل داد و در اکثر اوقات از سخنرانان مبارز دعوت به عمل می‌آورد تا جوانان و به خصوص دانشجویان را متوجّه حقایق ناب نماید. به دلیل تبدیل شدن مسجد جاوید به سنگری استوار برای ستیز با طاغوت و استقبال افشار تحصیل کرده از برنامه‌هایش و سخنرانی شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری در آن، برنامه‌های این مسجد بیش از ۱۸ ماه ادامه نیافت و در سوّم آذر ۱۳۵۳، پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای، ساواک به آن هجوم برد و مسجد جاوید را تعطیل و مفتّح را روانه زندان ساخت. در سال ۱۳۵۵ شمسی، مفتّح امامت مسجدی را در حوالی حسینیه ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف گردید تا یادآور مسجدی باشد که در ظلمت کده جاهلیت توسط رسول اکرم ﷺ بنیان نهاده شد. مفتّح در مسجد مزبور، در سطحی وسیع‌تر به تشکیل کلاس‌های عقیدتی و سخنرانی‌های روشنگرانه دست زد. رژیم که چنین شور و شوق و تحوّلی را می‌دید، وی را در تنگنایی سخت قرار داد؛ اما او تنها و استوار در برابر فشارهای سیاسی ایستاد و این مسجد

۱. آیت‌الله سید محمود طالقانی بازوی توانای اسلام به روایت استناد ساواک، وزارت اطلاعات، ص ۳۰۹.

۲. اسفندیاری، محمّد، پیک آفتاب، ص ۷۵ و ۸۱.

چنان مورد استقبال جوانان قرار گرفت که جمعیت انبوه هنگام سخنرانی خیابان‌های اطراف آن را پر می‌کرد. در گزارش ساواک نیز از جذب جوانان مذهبی در این مسجد سخن به میان آمده و اینکه مسجد قبا به قطب تازه‌ای برای مبارزین تبدیل شده و جای مسجد هدایت را گرفته است.^۱

شهید دکتر محمدجواد باهنر، طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶، همزمان با استفاده از آموزش و پرورش و مدارس، از مساجد و حسینیه‌ها برای ایجاد تحوّل فرهنگی و سیاسی در جامعه استفاده نمود. او فعالیت خود را به یک مسجد خاصّی محدود نکرد، بلکه با مساجدی که پایگاه مبارزان بود، ارتباط داشت و در چندین مسجد سخنرانی می‌نمود. مسجد جلیلی، واقع در خیابان ایران شهر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد اقشاری از بازاریان تا روحانیان و دانشگاهیان در آن شرکت می‌کردند و به تبادل نظر در مسائل سیاسی می‌پرداختند. شخصیت تأثیرگذار این مسجد، آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی بود. باهنر در مواردی در این مکان به فعالیت و انجام سخنرانی می‌پرداخت. وی در سخنرانی‌های خود در مسجد جلیلی به ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه اسلامی پرداخت و سلطه خارجی را از موانع رشد و ترقی دانست. شهید باهنر به دلیل شرکت در بحث‌هایی که شب‌های شنبه هر هفته در این مسجد تشکیل می‌گردید، تحت مراقبت و کنترل ساواک قرار گرفت در مسجد هدایت نیز باهنر، از رژیم پهلوی انتقاد شدیدی نمود و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و نیز مسجد الجواد ممنوع‌المنبر گردید.^۲

اوج‌گیری نهضت

اول آبان ۱۳۵۶ (ذی‌قعدة ۱۳۹۸ هـ.ق)، خبر تأثرانگیز شهادت حاج مصطفی خمینی موج عظیمی در میان مردم ایران پدید آورد و برخلاف اختناق شدید، اقشار مختلف مجالس ختم گوناگونی برای تجلیل از مقام آن عالم بزرگوار و فرزند رهبر انقلاب ترتیب دادند. اولین مجلس ختم از سوی علمای تهران در مسجد جامع این شهر برگزار شد. سپس در مساجد دیگر تهران، قم و سایر شهرستان‌ها مجالسی بدین مناسبت منعقد گردید. مجلس بسیار بزرگ و بی‌سابقه از طرف حوزه علمیه قم، در مسجد اعظم این شهر منعقد گشت که در این برنامه علاوه بر شرکت گسترده علما، مراجع و فضلا و طلاب، جمعیت زیادی که از شهرستان‌ها آمده بودند، حضور به هم رسانیدند. کثرت حاضران به حدی بود که تمام شبستان‌ها، حیاط مسجد و صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و خیابان‌های اطراف مسجد و حرم مطهر مملوّ از جمعیت بود. سخنرانان نیز در

۱. شهید مفتّح و تکبیر و وحدت، ص ۱۲۱-۱۱۰.

۲. باهنر، شهید دکتر محمدجواد، مواضع و دیدگاه‌ها، ص ۹۲-۸۹.

افشای هر چه افزون تر چهره استبداد کوشیدند و پایه‌های ستم را با بیان واقعیت‌ها، متزلزل نمودند.

مجالس ختم، همچنان ادامه داشت تا قیام نوزده دی ۱۳۵۶ در قم به وجود آمد. اربعین شهدای این قیام از سوی روحانیت متعهد تبریز برگزار شد. عده‌ای هم اعلامیه‌هایی را که بر دیوار مسجد نصب شده بود و مطالعه می‌کردند که مأموران ساواک با آنان درگیر شدند و گروهی از مبارزان به شهادت رسیدند. برای بزرگداشت شهدای تبریز، مردم در شهرهای دیگر نیز مجالسی برگزار کردند.^۱

در روزهای ماه رمضان، سال ۱۳۹۸ هـ.ق، مسجد مولا در شیراز، تحت محاصره قوای نظامی بود؛ اما هزاران نفر در این مکان به منظور اقامه نماز جماعت و شنیدن سخنان آیت‌الله محلاتی گرد آمده بودند. در مسجد جامع این شهر، رژیم دست به جنایتی دیگر زد و عصر پنج‌شنبه، پنجم رمضان (۲۰ مرداد ۱۳۵۷)، هنگامی که مردم بی‌دفاع در این مسجد مشغول انجام فریضه مذهبی بودند، مورد هجوم افراد مسلح پلیس قرار گرفتند در این یورش طی مدت کوتاهی ده‌ها نفر شهید و عده‌ای زیاد زخمی شدند.^۲

در اصفهان ضمن شکل‌گیری تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده، همه‌روزه و شب‌ها اجتماعاتی در مساجد گوناگون برگزار می‌شد. مسجدالرحیم، مسجد جامع و مسجد سید از جمله آنها بود. مسجد حکیم پایگاهی مهم برای نهضت اسلامی در اصفهان به شمار می‌رفت و ضمن سخنرانی‌های انقلابی، اعلامیه‌هایی در این مکان پخش می‌گردید.^۳

در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ شمسی در حالی که مردم کرمان در مسجد جامع این شهر گرد آمده بودند و چهلم شهدای میدان شهدا و فاجعه ۱۷ شهریور تهران را گرامی می‌داشتند و به سخنان یکی از وعظ گوش فرا می‌دادند، مأموران ساواک در حالی که عده‌ای را اجیر کرده بودند، با چوب و چماق به این مسجد یورش بردند و پس از منفجر کردن چند کپسول گاز اشک‌آور، از درب ورودی و پشت‌بام مسجد با چوب، سنگ و آجر و اسلحه گرم به مردم حمله کردند و عده‌ای را شهید و ده‌ها نفر را مجروح و مصدوم کردند و قرآن‌ها و کتاب‌های موجود در آن را به آتش کشیدند.^۴

هر چه انقلاب اسلامی مسیر حرکت و رشد سریع خود را می‌پیمود، نقش مساجد در شکوفایی آن محسوس‌تر می‌گردید. در لحظات پیروزی، دیگر مساجد کانون تلاش و مبارزه مردم بود و آنان جز مسجد، مکانی را برای دریافت اخبار نهضت نمی‌شناختند. پیام‌های امام توسط گویندگان مذهبی و افراد متعهد از

۱. تحلیلی از انقلاب اسلامی، حاتم قادری، ص ۹۷-۱۰۰.

۲. نهضت روحانیون ایران، ج ۸ و ۹، ص ۲۰۸-۲۰۲.

۳. نوربخش، سید حسن، یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان، ج ۳، ص ۹۸، ۱۰۴ و ۱۴۶.

۴. فوزی ولی‌الله، حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی (ره)، ص ۹۴ و ۹۵.

بلندگوهای مسجد منتشر می‌گردید و تمامی راهپیمایی‌های با شکوه و حماسی میلیونی از مساجد سرچشمه می‌گرفتند و مانند جویبارهایی در خیابان‌ها و معابر جاری می‌شدند تا آنکه بساط طاغوت درهم‌پیچید و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. بعد از این فتح بزرگ، مساجد، کانون‌هایی برای حفظ انتظامات شهری، پاسداری از نهضت و مکانی برای تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی بودند. کمیته‌های انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی رضی الله عنه در همین مکان‌ها شکل گرفتند و با شروع جنگ تحمیلی، مساجد مراکزی مهم برای سامان‌دهی نیروهای رزمنده و عزیمت آنان به جبهه‌های جنگ به‌شمار می‌رفتند. امکانات مورد نیاز دفاع مقدس در مساجد جمع‌آوری و بسته‌بندی می‌گردید و به رزمندگان اسلام می‌رسید.

نتیجه‌سخن

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی عبادی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌یابد. خداوند مسجدی را شایسته می‌داند که بر پایه تقوا و اخلاص بنا شده و از انگیزه‌های مادی و نیرنگ‌های سیاسی دور باشد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود، آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر، در دوشنبه ۱۲ ربیع الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این آبادی شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت. بنای این مسجد در مقطعی از زمان رسالت آن حضرت شکل یافت که ایشان در حال مبارزه علیه مشرکان و در راستای تداوم این مبارزه تاریخی بوده است. از این‌رو، مسجد در این دوران به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان قرار گرفت. بنابراین، ساختار و شالوده مسجد در دوران مبارزاتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شکل گرفته و به مرکزی برای قیام و جهاد علیه کفار تبدیل شده بود.

در عصر حکومت امام علی علیه السلام نیز مسجد کوفه مرکزی برای سامان‌دهی رزمندگان اسلام بود و آن حضرت در این مکان، زمینه مبارزه با قاسطین، مارقین و ناکثین را فراهم آورد. قیام مختار و انقلاب زیدبن علی در مسجد مزبور شکل گرفت.

امویان خواستند سیمای نفرت‌انگیز خود را در پرده‌هایی از ریا و تزویر پنهان کنند. از این‌رو، از مسجد دمشق برای دوام قدرت پوشالی خود بهره بردند؛ ولی امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع دمشق نقشه‌های آنان را افشا نمود. قیام شهدای فح در مسجدالتبی مدینه تکوین یافت. سرداران خراسان و سمرقند، از مساجد این نواحی علیه مغولان وحشی بسیج شدند.

مردم تهران، با هدایت میرزا مسیح مجتهد تهرانی، از مسجد جامع این شهر برای آزاد نمودن بانوانی که

در اسارت روس بودند، حرکت کردند و قیام علما و مردم مشهد علیه کشف حجاب در مسجد گوهر شاد به وقوع پیوست.

مردم تهران، قم و برخی شهرهای دیگر در سال ۱۳۴۲ و طی قیام ۱۵ خرداد برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی و افشای کارنامه ننگین آن، تظاهرات گسترده‌ای را از مساجد سامان دادند و به ندای امام خمینی تقدیر برای جلوگیری از فجایع و اعمال ضدّ شرعی نظام پهلوی لَبیک گفتند.

انقلاب اسلامی در مساجد به رشد و شکوفایی و بالندگی شکوهمند رسید و امام خمینی تقدیر و یارانش، مساجد را پایگاه مبارزات و تلاش‌های تبلیغی و فرهنگی خود قرار دادند. در لحظات پیروزی این نهضت نیز مساجد، مراکز نظم و انسجام و سازمان‌دهی نیروهای مبارز و مؤمن بود و برخی از نهادهای انقلابی در این کانون‌های عبادی شکل گرفتند.

با مطالعه در تاریخ انقلاب اسلامی به روشنی درمی‌یابیم که اولین جرقه‌های انقلاب در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ هـ.ش، با سخنرانی امام خمینی تقدیر از دریچه اطلاع‌رسانی، یعنی مسجد (مسجد اعظم) و مدرسه فیضیه قم، بستر اصلی این حرکت، زده شد.^۱

مساجد، نه تنها در ایجاد حرکت و جنبش و نیز آگاه‌سازی مردم مسلمان ایران از ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی نقش تأثیرگذار و عمیقی ایفا نمودند، بلکه در کنار آن، هسته‌های اولیه مبارزات مسلحانه را نیز شکل‌دهی و سازمان‌دهی کردند؛ از جمله می‌توان به عمده‌ترین تشکّل و گروه مذهبی، سیاسی و نظامی که در یکی از مساجد جنوب تهران شکل گرفت، اشاره نمود. تشکیل هیئت‌های مؤتلفه اسلامی به وسیله برخی از متدینین و متعهدین مذهبی، جمعیت سرّی اصلاح حوزه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، المنصورون و ده‌ها تشکّل سیاسی، مذهبی و نظامی، نتیجه آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی و هدایت صحیحی بود که از طریق مساجد و جلسات مذهبی و نهادهای دینی به مردم ارائه می‌شد. همچنین، برخی بنیادهای رفاهی اقتصادی، مانند بنیاد رفاه و تعاون اسلامی را می‌توان نام برد که از مساجد نشأت گرفتند.^۲

بنابراین، مساجد یکی از عوامل مؤثر و مهمّ در ایجاد و شکل‌گیری نهضت اسلامی و زمینه‌ساز گسترش، تعمیق و تثبیت این جریانات و تحولات انسانی بوده است. مسجد، در شکل‌دهی مبارزه علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی و همچنین، در طول هشت سال جنگ تحمیلی نقش مهمّی را ایفا نموده است.^۳

به هر حال، مسجد از بدو تأسیس تاکنون، علاوه بر این که مرکز بندگی خدا و تربیت معنوی است، قانونی

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲. شریف، پوررضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۶۰.

۳. همان، ص ۸۳.

برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گری محسوب می‌شود و در طول تاریخ، تمامی فریادها و خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مسجد منشأ گرفته است.

منابع و ماخذ

قرآن کریم

۱. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ترجمه مترجمان، تحقیق، رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ ه.ش.
۲. طباطبایی، سید محمدحسین، **تفسیر المیزان**، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۰ ه.ش.
۳. شیخ حرّعاملی، محمدحسن، **وسایل الشیعه**، قم، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۹ ه.ق.
۴. نعمتی زرگران، مرتضی، **شهید دکتر محمدجواد باهنر (مبارزات، مواضع و دیدگاه‌ها)**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ ه.ش.
۵. سمهودی، نورالدین علی بن احمد، **وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۹۸۴ م.
۶. سبحانی، جعفر، **فروع ابدیت**، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۷. سعیدی رضوانی، عباس، **بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی**، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ ه.ش.
۸. شریف، پور رضا، **مسجد و انقلاب اسلامی**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ه.ش.
۹. موسوی خمینی (رضی الله عنه)، **صحیفه نور**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (رضی الله عنه)، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۰. گلی زواره، غلامرضا، **سیمای کوفه**، تهران، سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۱. _____، **شهید مفتوح و تکبیر و وحدت**، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات شمشاد، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۲. مطهری، مرتضی، **سیری در سیره ائمه اطهار (علیهم‌السلام)**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۳. شیخ راضی آل‌یاسین، **صلح امام حسن**، ترجمه: آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای (دامت‌برکاته)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۴. رضوی اردکانی، ابوفاضل، **ماهیت قیام مختار**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی،

- ۱۳۷۸ هـ. ش .
۱۵. خطیب خوارزمی، موفق بن احمد (متوفی ۵۶۸)، **مقتل الحسین للخوارزمی**، محقق: سماوی، محمد، قم، انتشارات انوار الهدی، ۱۴۲۳ هـ. ق.
۱۶. شیخ مفید، **الإرشاد**، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۷. ابن نما حلّی ساحلی، جعفر بن محمد، **مثیر الاحزان و منیر سبل الأتّحجان**، ترجمه و نگارش علی کرمی، قم، نشر حاذق، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۸. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین، **مقاتل الطالبیین**، محقق: صقر، احمد، بیروت، نشر دارالمعرفة.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۲۰. طبری، محمد، **تاریخ طبری**، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۲۱. آژند، یعقوب، **قیام سربرداران**، تهران، نشر گستره، ۱۳۶۳- هـ. ش.
۲۲. نظنزی، معین الدین، **منتخب التواریخ معینی**، محقق: استخری، پروین، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۲۳. سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، **مطلع السعدین و مجمع البحرین**، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ اول.
۲۴. سینا واحد، **قیام گوهرشاد**، خاطرات شیخ محمد علمی اردبیلی، تهران، وزارت ارشاد.
۲۵. بصیرت منش، حمید، **علما و رژیم رضا شاه: نظری بر عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیون در سال های ۱۳۰۵-۱۳۲۰ هـ. ش**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تذکره، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۲۶. معادیخواه عبدالمجید، **طلوع فجر**، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ هـ. ش.
۲۷. دوانی، علی، **نهضت روحانیون ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
۲۸. امینی، علیرضا، **تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی**، تهران، انتشارات صدای معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۲۹. منصور، جواد، **تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد**، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۳۰. فلسفی، محمدتقی، **خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ هـ. ش.

۳۱. راهی که نرفته ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره آیت الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی تهران، مجتمع فرهنگی آیت الله طالقانی، ۱۳۷۹ ه. ش.
۳۲. از قبایح تا فیضیه، تهیه و تنظیم بخش مجلات هواداران جنبش مسلمانان مبارز تبریز، ۱۳۵۹ ه. ش.
۳۳. آیت الله سید محمود طالقانی به روایت اسناد ساواک، بازوی توانای اسلام، جلد اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱ ه. ش.
۳۴. اسفندیاری، محمد، پیک آفتاب (پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت الله سید محمود طالقانی)، قم، انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۳ ه. ش.
۳۵. قادری، حاتم، تحلیلی از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر تحقیقات و برنامه ریزی آموزشی و پرورشی، ۱۳۶۶ ه. ش.
۳۶. نوربخش، حسن، یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان، تهران، انتشارات نوربخش، ۱۳۶۶ ه. ش.
۳۷. فوزی، ولی الله، حماسه های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی رضی الله عنه، چاپ خانه علمیه قم، انتشارات دارالفکر.
۳۸. ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰.
۳۹. فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
۴۰. فصلنامه یاد، شماره ۴۵ و ۴۶.

نقش مساجد در اتحاد میان ملل مسلمان

پژمان ظفری

چکیده

مساجد به عنوان کانون اجتماع مسلمانان، از دیرباز در اتحاد و یکپارچگی میان ملت‌های مسلمان، نقشی مهم و مؤثری ایفا کرده است؛ به طوری که در تمام عناصر و اجزای آن، نماد وحدت محسوب می‌شود. در این مقاله، به بررسی پدیده مسجد و تاریخچه آن در اسلام و همچنین، نقش وحدت‌آفرین آن از منظر قرآن و کارکردهای عملی مسجد در ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان می‌پردازیم.

واژگان کلیدی:

مسجد، اتحاد، برادری، برابری، مشارکت اجتماعی.

در حقیقت، دین از دیرباز به عنوان مهم‌ترین عامل همبستگی و اتحاد در میان مردم بوده است؛ در دین مبین اسلام، مساجد، نمادها و شخصیت‌های اسلامی، همواره کانون گرم اتحاد و همبستگی در میان مردم بوده‌اند. قرآن کریم نیز انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین معرفی نموده است و در نتیجه خود انسان، بخشی از خلقت و هستی است. به تعبیر قرآن، جهان به طور منظم و یکپارچه تسبیح‌گوی خالق خویش است: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا؛ آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی (از جماد و نبات و حیوان و بالاتر از آنها) نیست، مگر آنکه (به زبان قال که بشر عادی نمی‌شنود و به زبان حال) با ستایش (از کمالاتش)، او را تسبیح می‌گوید؛ (زیرا وجودش، دلالت بر وجود، امکانش حکایت از وجود، حدوثش دلالت بر قدم، نقصش حکایت از کمال، حدش گویای نامحدود بودن او دارد)؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید (و از فهم تسبیح قولی، قاصر و در عدم فهم تسبیح حالی، مقصرد). به تحقیق که او بردبار و آمرزنده است (و مهلت می‌دهد تا بفهمید و می‌آمرزد اگر نفهمید)»^۱.

پس، هماهنگ با سراسر جهان هستی به یکتاپرستی پردازید. خدای متعال، پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان عامل وحدت و رحمت برای جهانیان معرفی نمود و وی را از هر نوع تفکر نژادی، تعصبی، قبیله‌ای و جغرافیایی به دور داشت: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ ما تو را برای همه مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم‌دهنده (کافران به شقاوت دایمی) باشی؛ اما بیشتر مردم (از این معنی) بی‌خبرند». همچنین، قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمت برای تمام جهانیان نفرستادیم»^۲.

شکی نیست که رسول اکرم ﷺ، همواره در اندیشه و عمل برای وحدت و یکپارچگی مسلمانان تلاش می‌نمود و مبارزه کردن با عوامل اختلاف و سعی در ایجاد همبستگی و اتحاد امت اسلامی از برنامه‌های اولیه و اساسی او بود که در نهایت موفق به تأسیس آن امت واحدی شد که قرآن به آن اشاره می‌کند. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»؛ «ولی نباید تصور کرد وحدتی که رسول خدا ﷺ به وجود آورد، کاری ساده و بدون مشقت بوده است.

۱. اسراء، آیه ۴۴.

۲. سبأ، آیه ۲۸.

۳. انبیا، آیه ۱۰۷.

۴. مؤمنون، آیه ۵۲.

قرآن کریم در اهمیّت و دشواری این کار بزرگ می‌فرماید: «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» و [خداوند] میان دل‌هایشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی؛ ولی این خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ چرا که او توانای حکیم است.^۱

بر اساس مضامین این آیه شریفه، این خدا بود که عرب‌ها را با وجود آن همه دشمنی شدیدشان، در پرتو اسلام دگرگون کرد و در میان آنان الفت ایجاد نمود و دل‌های پر از حقد و کینه آنان را به هم نزدیک و مهربان ساخت؛ به گونه‌ای که به تعبیر این آیه، اگر پیامبر اسلام ﷺ همه آنچه را که در زمین است، صرف این کار می‌کرد، نمی‌توانست میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار نماید. در واقع، خداوند با هدایت آنان به سوی ایمان و دوستی و برادری، میانشان انس و الفت برقرار نمود. در واقع، خداوند با هدایت آنان به سوی ایمان و دوستی و برادری، میانشان انس و الفت انداخت؛ چرا که خداوند بزرگ، عزیز و حکیم است و بر هر کاری تواناست و کارش از روی فلسفه و حکمت انجام می‌پذیرد.

استاد مطهری رحمته‌الله نیز در این باره می‌گوید: «ما می‌گوییم پیامبر ﷺ، وحدت بی‌نظیری ایجاد کرد و خیال می‌کنیم تنها چیز مؤثر این بود که رسول اکرم ﷺ ایمان به آنها یاد داد و بعد هم فرمان داد، متحد باشید و متحد شدند؛ فکر نمی‌کنیم که موانع اتحاد را که همان ناهماهنگی‌ها و ناهمواری‌ها و پستی و بلندی‌ها از ناحیه مواهب اجتماعی بود از بین برد، بلکه هم مقتضی را ایجاد کرد و هم موانع را از بین برد».^۲

در دین مبین اسلام، بارها بر وحدت و اتحاد و برادری میان مسلمانان تأکید شده است و با آیاتی مانند آیه «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۳ ندای آن را به اذهان تمام مسلمانان رسانده است و برای این امر مهم تنها به گفتار و دستور بسنده نکرده است؛ بلکه اسباب و عواملی را برای آن مقرر نموده است تا با تحقق وحدت که ثمرات آن به قول امام خمینی رحمته‌الله، قدرت، توسعه و دانش است، جامعه اسلامی به شکوفایی برسد. به همین منظور، مساجد در جوامع اسلامی یکی از محوری‌ترین عامل ایجاد وحدت میان مسلمانان است و به یقین، می‌توان اذعان نمود که در میان معابد و مراکز عبادی ادیان الهی، مسجد تنها مکانی است که تمام عناصر و اجزای آن وحدت‌آفرین بوده و نمادی از یگانگی، انسجام و وحدت در آن نمود یافته است. مسجد، هم به لحاظ شکلی و ظاهری و هم از نظر محتوایی و ماهیتی، دارای کارکردهایی است که غایت آن، ایجاد وحدت و یگانگی است.

۱. انفال، آیه ۶۳.

۲. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۹، ص ۱۵۰-۱۵۱.

۳. آل عمران، آیه ۱۰۳.

۴. امینی، منان، وحدت از دیدگاه علمای اسلام، ص ۳.

در این مقاله، سعی بر آن است که در ابتدا واژه مسجد و جایگاه وحدت‌آفرین آن در آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد و سپس، رویکردها و کارکردهای آن در ایجاد وحدت مورد کنکاش قرار گیرد.

واژه مسجد

مسجد، به معنی محل سجده، برگرفته از سجود، به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن در پیشگاه خداوند متعال است.^۱ در فرهنگ دینی، سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست و در روایات چنین آمده است: «السُّجُودُ مَتَمِّهِ الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ».^۲

در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محل برای عبادت و تقرب جستن به خداوند متعال مسجد است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است.^۳ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ».^۴ مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است؛ همچنان قرآن کریم در مورد سیر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از زمین به سدره‌المتنه در شب معراج می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».^۵

به اختصار می‌توان گفت که یکی از نقش‌های اساسی مسجد آن است که زمینه عبادت پر حضور و خالصانه رافراهم نماید تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان خود بشویند و با خداوند متعال - به معنای واقعی کلمه - انس بگیرند.

در پژوهش‌های باستان‌شناسان به وضوح دیده می‌شود که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از این‌رو، بزرگان دینی در سخنان خویش، همواره مسجد را پناهگاه مؤمن دانسته‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم دستور داده است که: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».^۶ توجه به نماز و راز و

۱. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۳. جن، آیه ۱۸.

۴. حج، آیه ۴.

۵. اسراء، آیه ۱.

۶. بقره، آیه ۱۵۵.

۷. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳.

نیاز با پروردگار و آن هم در بیت الهی (مسجد)، نیروی تازه‌ای در انسان ایجاد می‌کند و او را برای رویارویی با مشکلات نیرو می‌بخشد.

مسجد، با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان با بزرگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی-اجتماعی وی فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتب‌های تربیتی دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی، در حد معقول آن، نشانه سلامت روح و روان انسان و بیانگر تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد، با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، وحدت و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و هر یک از افراد جامعه را به جای هویت «فردی گسیخته از دیگران»، دارای هویت «فردی پیوسته به دیگران» می‌کند.

تاریخچه مسجد در اسلام

در دین مبین اسلام، از آنجایی که مسجد نقش وحدت‌آفرینی میان مسلمانان ایفا کرده است، تمامی فعالیت‌ها نیز به مسجد ختم شده است؛ به طوری که هیچ فعالیتی را نمی‌توان یافت که در آمیختگی ارتباط با دین باشد، ولی به مسجد ختم نشده یا مرتبط با مسجد نباشد. این امر مهم، نشان از جایگاه و اهمیت محوری مسجد دارد. به همین دلیل، ساخت و آبادانی آن همواره از برنامه‌های اولیه شخص پیامبر ﷺ و یاران و تابعان بعد از وی تا اکنون بوده است. پیامبر خدا ﷺ در اولین هجرت به مدینه، اولین مکانی را که برای استقرار آیین اسلام بنا کرد، مسجد قبا بود تا مردم حول محور این مکان مقدس به کسب فضایل انسانی و آموزه‌های دینی و روح وحدت و همزیستی بپردازند و در آنجا هم‌نوا و یک‌دل در شبانه‌روز حداقل پنج یا سه بار دور هم گرد آیند؛ چرا که به مصداق حدیث گهربار پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «يُذِئِلُّهُ عَلَى الْجَمَاعَةِ»^۱، این گردهمایی در مسجد، همواره منشأ خیر و برکات معنوی و انسجام اسلامی برای فرد و جامعه انسانی است.

با نگاهی دیگر به نقش وحدت‌آفرین مساجد در جامعه اسلامی، می‌توان دریافت که در هر منطقه جغرافیایی که مسجد حضوری فعال دارد، شعاع نورانی وحدت در فضا آکنده است و اجتماعی آرام و بدون تنش و اختلاف قابل مشاهده است. در فضای کالبدی شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی که مساجد همواره قلب تپنده و جوشان آن بوده‌اند، نه تنها همه شبکه راه‌های ظاهری، بلکه ارتباط درونی و قلبی اهالی آنها نیز به مسجد ختم می‌شود.^۲

۱. میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۲۵۸۸.

۲. ماهنامه مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۳۲، ص ۸۸.

وحدت آفرینی مسجد در نگاه قرآن

قرآن کریم آیات بی شماری را درباره وحدت در میان جوامع اسلامی ارائه داده است؛ ولی چون مقاله حاضر در ارتباط مستقیم با نقش وحدت آفرینی مساجد است به همین دلیل، به آیاتی که به طور مستقیم درباره مساجد وارد شده است، اکتفا می شود. در سوره جن، خدای سبحان مساجد را از آن خویش می داند و کسی نمی تواند حق مالکیت آن را داشته باشد. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و مساجد مخصوص پرستش ذات یکتای خداست، پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید». در آیه دیگری، خداوند به تغییر قبله مسلمانان به سوی کعبه اشاره می کند و کعبه را رمزی برای اتحاد و یکپارچگی میان مسلمانان قرار داده و از طرف دیگر آن را رمزی برای هویت اسلامی و استقلال آن از دیگر ادیان و ملل معرفی می کند: «قَدْ تَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ؛ ما نگاه‌های انتظارآمیز تو را بر آسمان [در انتظار وحی و تغییر قبله] می بینیم. اکنون روی تو را به قبله‌ای که خشنودت سازد، باز می گردانیم؛ پس، روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و شما مسلمانان نیز در هر کجا باشید [هنگام نماز]، روی خود به سوی آن بگردانید و گروه اهل کتاب به خوبی می دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست و خدا از کردار آنها (که مطیع و نیکو کارند و یا منافق و زشت رفتارند) غافل نیست».^۲

علامه اقبال لاهوری، درباره نقش وحدت آفرین قبله می گوید: تعیین قبله واحد برای نماز مسلمانان، به منظور تقویت و حفظ وحدت نظر عموم بوده است و شکل کلی آن به احساس مساوات اجتماعی و تحکیم پیوندهای آن، تحقق می بخشد؛ تا آنجا که می خواهد، بینش طبقاتی یا نظریه برتری قومی را از میان بردارد.^۳

در قرآن، آیات دیگری نیز درباره نقش وحدت آفرینی مساجد بیان شده است که ما به ذکر دو آیه درباره دو مسجد که خداوند یکی را عامل وحدت و دیگری را عامل تفرقه و انشقاق میان مسلمانان معرفی می کند، می پردازیم.

مسجد قبا، عامل وحدت

قرآن کریم، حق آبادانی و عمارت مساجد را خاص مؤمنان می داند و می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. بقره، آیه ۱۴۴.

۳. لاهوری، محمد اقبال، تجدید التفکیر الاسلامی، ص ۱۰۸.

جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگزارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از رهیافتگان [هدایت‌شدگان] باشند»^۱.

در آیه دیگری خداوند به پیامبر گرامی ﷺ دستور می‌دهد که با جمع مؤمنان در مسجدی گرد هم آیند که بر اساس تقوا درست شده است و از مسجد ضرار که عامل تفرقه‌افکنی و نفاق در میان مسلمانان و ساخته منافقان است، دوری گزینند؛ آنجا که می‌فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا مَسْجِدٌ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّطَهِّرِينَ»؛ تو ای رسول ما، هرگز در مسجد آنها قدم نگذار و همان مسجد [قبا] که بنیانش از اول بر پایه تقوا، محکم بنا گردیده تا اینکه در آن اقامه نماز کنی، سزاوارتر است [زیرا] که در آن مسجد، مردان پاکی اند که مشتاق تهذیب نفوس خود هستند و خدا مردان پاک و مهذب را دوست دارد»^۲.

مسجد ضرار، عامل تفرقه‌افکنی

منافقان و دین‌ستیزان که همواره در اندیشه تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف و شکاف میان صفوف مسلمانان هستند، در زمان پیام‌آور خدا ﷺ اقدام به ساختن مسجدی نمودند که خداوند آن را به مسجد «ضرار» و ضربه زدن به اسلام نام نهاد. هدف منافقان این بود تا اتحادی را که مسجد در میان مردم به وجود آورده بود، به هم بزنند و با این کار، دوگانگی بین مسلمانان به وجود آورند؛ ولی خداوند متعال که حافظ دین خود است، به پیامبر اکرم ﷺ دستور داد تا آن را ویران کند و این کار، الگویی برای آیندگان باشد تا نقش اصلی مسجد که وحدت‌آفرین است، دستخوش شیطنتهای تفرقه‌افکنانه مشرکان قرار نگیرد.

قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِزْوَاجًا مِمَّنْ حَارَبَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ قَبْلُ وَلِيُخَلِّفَنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَى وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...»؛ آن گروه منافقی که مسجدی برای زیان اسلام برپا کردند (که مردم به مسجد پیامبر و در نماز او حاضر نشوند) و مقصودشان کفر و عناد و ایجاد تفرقه بین مسلمانان و مساعدت به دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که (در بنای این مسجد)، جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم، خدا گواهی می‌دهد که به تحقیق دروغ می‌گویند؛ هرگز به آن وارد نشو»^۳.

داستان مسجد ضرار، برای عموم مسلمانان در هر عصر و دوران درسی است که هرگز نباید ظاهر بین

۱. توبه، آیه ۱۸.

۲. توبه، آیه ۱۰۸.

۳. همان، آیات ۱۰۷-۱۰۸.

و سطحی نگر باشند و فریب افراد به ظاهر حقّ به جانب را بخورند؛ زیرا چهره نفاق و منافق در هر رنگ و لباسی، حتّی در لباس طرفداری از قرآن و مسجد ممکن است ظاهر شود و مخالفان اسلام، ممکن است در لباس دین بر ضدّ دین فعالیت کنند. موضوع اتّحاد میان مسلمانان، به قدری اهمّیت دارد که حتّی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجدی دیگر، موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان گردد، مسجد تفرقه انداز نامقدّس است و خانه خدا نیست؛ بلکه کانون شیطان است.

کارکردهای وحدت آفرین مساجد

مساجد، به عنوان آموزشگاهی مردمی و همیشگی دارای کارکردهای بسیار متنوّع و متعدّدی هستند که همگان را شب و روز و در تمام فصل‌های سال در برمی‌گیرد و هیچ شاگردی از پیر و جوان و کوچک و بزرگ را باز پس نمی‌راند و هیچ تشریفات و هزینه و قید و بندی ندارد. تمامی این کارکردها در عین تعدّد، در راستای هم و در یک خطّ معنوی واحد قرار دارند. در واقع، نوعی انسجام و وحدت در تمامی این نقش‌ها وجود دارد که در راستای هم و تقویّت‌کننده یکدیگر هستند؛ چون هدف نهایی و غایی تمامی آنها در توحید و یگانگی خدا تبیین شده است و رمز و راز معنوی وحدت امت اسلام نیز توحید است و به عقیده اقبال لاهوری، توحید و یگانگی خدا، سرمایه اسرار و شیرازه افکار امت اسلامی است:

اهل حقّ را رمز توحید بر است

در آتی الرحمن عبداً مضمراً است

ملت بیضا تن و جان لا إله

ساز ما را پرده گردان لا إله

لا اله سرمایه اسرار ما

رشته‌اش شیرازه افکار ما^۱

با نگاهی دیگر به مسجد مشخص می‌شود که همه منابع موجود انسانی در آن در هدف، وحدت نظر دارند. هدف نماز گزاران، امام جماعت، هیئت امناء، خادم، بانی و واقف و ... همه یکی است و ابعاد معنوی، سرلوحه اعمال و افعال آنان در مسجد است.

اکنون در این نوشتار به مهم‌ترین مؤلفه‌های وحدت آفرین مسجد، از حیث کارکرد به اختصار اشاره

می‌شود:

۱. اقبال لاهوری، محمّد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال، مقدّمه و شرح احوال احمد سروش، ص ۶۳.

۱. مسجد و وحدت مؤمنان در پیروی از کعبه

در واقع، تمامی مساجد موجود در کره زمین دارای سمت و جهت واحدی است و سوی همگی آنها به طرف کعبه، اولین خانه خداپرستی و توحید قرار دارد. در حقیقت، همین ساختمان ظاهری مسجد، تمامی مسلمانان را نیز جهت می‌دهد و مسیر آنها را تنها به یک نقطه واحد منتهی می‌کند، نقطه‌ای که کمال و سعادت انسان، تنها با حرکت در این مسیر، روشن و تعیین می‌گردد: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا؛ [و به یاد آورید] آنگاه که خانه [کعبه] را پناهگاه و مأوای امن مردم کردیم». قرار گرفتن «کعبه» به عنوان قبله، برای تجلّی وحدت مسلمانان و تجدید خاطرات ایثارگری و شرک ستیزی حضرت ابراهیم علیه السلام است و به این دلیل دارای قداست و احترام است.

۲. مسجد و وحدت در پخش اذان

به طور کلی، چهار نوع فراخوانی برای انجام عبادت و گردهمایی، برای یک مسلمان قابل تصوّر است؛ نخست، پخش اذان و فراخوانی در مسجد محلّه؛ دوّم، فراخوانی مؤمنان برای مسجد مرکزی در شهر با عنوان مسجد جامع؛ سوّم، فراخوانی مسلمانان به مصلاّی در یک منطقه برای نماز عید؛ چهارم، فراخوانی تمامی مسلمانان برای حجّ به کعبه و مسجد الحرام.

«صوت دلنشین مؤذن و پیام عمیق و رسای اذان، دعوت کننده مسلمانان به نماز جماعت است که در هر شبانه روز، سه یا پنج بار در اوقات صبحگاهان، نیمروز و شامگاهان به گوش مردم به طور کامل آشنا است. این وقت شناسی و دعوت همگانی، جزئی از فرهنگ جامعه اسلامی تلقی می‌شود؛ در صورتی که در غیر از این ساعات، اگر از مسجدی صدای اذان شنیده شود، به ذهن مردم عجیب به نظر می‌رسد».^۲

«صدای اذان و اوقات شرعی، به گونه‌ای است که آنی و لحظه‌ای در گستره کره زمین قطع نمی‌گردد؛ زیرا در هر لحظه، هر موقعیت جغرافیایی، واجد یک وقت شرعی در اوقات پنج‌گانه نماز است که به صورت مستمر و واحد و بانسجامی ناگسستگی، هیچ‌گونه خلل و یا وقفه‌ای در برآوردن بانگ توحید ایجاد نمی‌گردد و به طور دائم، صدای سروش آسمانی اذان در دایره زمین، از سوی نباتات و جمادات و موجودات زنده به آسمان بلند است».^۳

خداوند در آیه نخست سوره جمعه می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. هاشمی سیدابوالقاسم و کنگاوری معصومه، تأثیر بناها و فضاهاى مذهبی در جامعه اسلامی.

۳. موظف رستمی، محمد علی، مقاله مسجد، نماد وحدت.

الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، همواره خدا را [به زبان قال و زبان حال] تسبیح می‌گویند؛ خدایی که مسلط بر همه عالم هستی، پاکیزه [از هر عیب و نقص]، مقتدر شکست‌ناپذیر [و دارای اتقان صنع در مرحله تکوین و ممانت در تشریح] است». آری، صدای دلنشین اذان هر صبح و شام با عبارت «اشهد ان لا اله الا الله»، همگان را به وحدانیت خدا و دوری از شرک و بت پرستی دعوت می‌کند.

۳. مسجد و پیمان اخوت و برادری

اخوت و برادری، عاطفی‌ترین و صمیمی‌ترین نوع رابطه‌ای است که بین مسلمانان وجود دارد. به همین منظور، هنوز چند ماهی از حضور پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مدینه نگذشته بود که آن حضرت در مسجد النبی، با هدف ایجاد وحدت و اخوت، بین یاران، انصار و مهاجران، پیمان عقد اخوت بست و خود آن حضرت نیز با حضرت علی (علیه السلام) پیمان برادری بست. با توجه به نقش وحدت آفرین مسجد، از آن پس، بسیاری از اختلاف‌ها و درگیری‌های قومی، قبیله‌ای، طایفه‌ای و حتی خانوادگی رفع گردید و سرانجام بسیاری از دشمنی‌ها به دوستی و مودت مبدل گردید.

این سخن ژرف و بیدارگر از پیامبر اکرم ﷺ است که فرمودند: «ای مردم، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. عرب را بر غیر عرب هیچ فضیلت و برتری نیست، مگر به تقوا و پرهیزگاری».^۱ همچنین، آن حضرت ﷺ می‌فرماید: «المسلمون إخوة لا فضل لأحدٍ علی أحدٍ، إلا بالتقوی؛ مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوی».^۲

همچنین، از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا ﷺ فرمودند: «تَرَى الْمُؤْمِنِينَ فِي تَرَائِمِهِمْ وَ تَوَادِّهِمْ وَ تَعَاطُفِهِمْ، كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى عُضْوٌ دَعَى لَهُ سَائِرَ جَسَدِهِ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى؛ مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر، مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضای قرار می‌گردند و تب می‌کنند».^۳

مقام معظم رهبری (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید: یکی از کارهایی که پیامبر ﷺ، شاید در همان ماه‌های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمانان بود؛ یعنی مسلمانان را با هم برادر کرد. اینکه می‌گوییم با هم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی در حقیقت مسلمانان نسبت به یکدیگر دارای

۱. جمعه، آیه ۱.

۲. حزان، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۴.

۳. متقی هندی، علاء الدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، ج ۱، ص ۱۴۹؛ سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، ج ۷، ص ۲۳۵۳۸.

۴. رک: مختصر صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۷، باب دهم، حدیث ۱۹۹۵.

حق برادری هستند و نسبت به هم طلب کارند. پیامبر ﷺ این را عملی کرد.^۱

۵. مسجد و اتحاد در مشارکت اجتماعی

پیامبر اکرم ﷺ و وحدت مسلمانان را در حدیثی، به ساختمانی تشبیه می کند که اجزای آن یکدیگر را محکم می کنند: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً؛ ثُمَّ شَبَّكَ بَيْنَ أَصَابِعِهِ...؛ مؤمنان برای یکدیگر، مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می شوند. سپس، رسول خدا ﷺ انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند)»...^۲ در کلام گهربار پیامبر اکرم ﷺ آمده است که آن حضرت، انگشت های دو دستش را در هم فرو برده و آن را به مخاطبان نشان می داد.

در حقیقت، در صفوف نماز مسلمانان در مسجد، نماد بارزی از اتحاد و یکپارچگی مسلمانان دیده می شود که در آن افراد توانگر در کنار افراد تهیدست و افراد کوچک در کنار افراد بزرگ و صاحبان منصب و مقامات در کنار سایر اقشار جامعه، به صف واحدی می ایستند؛ این صفوف به هم پیوسته آیه زیر را تداعی می کند:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَّرصُومٌ؛ خداوند کسانی را که در راه او متحد و یکپارچه در صف واحدی مانند دیوار سرب بزرگی می رزمند، دوست دارد».^۳

۶. مسجد و وحدت در نماز جماعت

نماز جماعت یکی از نمادهای وحدت و اتحاد در سطح جوامع اسلامی است که در شبانه روز ۳ یا ۵ وعده، مسلمانان برای این امر مهم فراخوان می شوند. گرچه در اسلام نماز جماعت فرض نشده است، اما در مقابل، اجر آن را بیست و هفت برابر از نماز فرادا بالاتر می داند.^۴ اسلام برای این گردهمایی، مؤمنان را روزانه در مسجد محلّه خودشان ۳ یا ۵ بار برای ادای نماز به صورت دسته جمعی و یکدلی فرا می خواند؛ سپس در سطح وسیع تری، برای نماز جمعه، مسلمانان را به اجتماع امر می کند. در نماز عید دایره شمول، باز هم وسیع تر می شود و حتی اسلام به مردان و زنانی که عذر دارند و نمی توانند نماز بخوانند، دستور می دهد در این

۱. احمد، بشیر، اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث اندیشه تقریب، ویژه نامه انسجام اسلامی (۳)، سال ۱۳۸۷ ه. ش، به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اثر سبزیان، فصلنامه خرداد، ۱۳۸۶ ه. ش. ص ۱۵۸-۱۵۹.

۲. مختصر صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۹۰، باب شانزدهم، حدیث ۲۰۰۳.

۳. صف، آیه ۴.

۴. صحیح مسلم، حدیث ۶۵۰.

اجتماع شرکت کنند. دین اسلام حتی به اجتماع مسلمانان در نگاه بین‌المللی و امت واحد اسلامی نیز توجه نموده و هر سال در قالب حج تمتع و عمره، میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان اسلام در این اجتماع بزرگ، چگونگی وحدت و اخوت و برادری را آموزش می‌بینند و به صورت عملی، چند روزی آن را تمرین می‌کنند. به هر حال نماز، به خصوص نماز جماعت، نقش بسزایی در وحدت‌آفرینی نمازگزاران دارد؛ به گونه‌ای که بسیاری از مستشرقان نسبت به نماز و اثر عمیقش در نهاد آدمی، به ویژه نماز جماعت اظهار شگفتی کرده‌اند؛ در این باره «رنان»، فیلسوف فرانسوی، برخلاف کج‌فهمی‌هایی که از اسلام دارد، چنین می‌گوید: «من به هیچ مسجدی از مساجد مسلمانان داخل نمی‌شوم، مگر اینکه احساسی از خشوع و حسرت به من دست می‌دهد، از اینکه [چرا] مسلمان نیستم». ^۱ همچنین، «توماس آرنولد» درباره نماز می‌گوید: «این تکالیف عبادی منظم الهی، از بزرگ‌ترین نشانه‌های امتیاز نظام دینی مسلمانان در مقایسه با دیگران است که جهانگردان در سرزمین‌های شرقی ملاحظه می‌کنند؛ زیرا نحوه برگزاری بسیاری از آیین‌های دیگری که در سرزمین‌های اسلامی مشاهده می‌شوند، خالی از تأثیر معنوی است». ^۲

۷. مسجد، عامل برابری و مساوات

در مساجد اسلامی و در صفوف به هم فشرده جماعت در آن، مساوات و برابری به‌طور وضوح دیده می‌شود. صاحب منصبان و مقامات با سایر اقشار جامعه، کارگر، کشاورز، دانشمند و دیگران در صفوف واحدی کنار هم دیده می‌شوند. بنابراین، هر کس زودتر به مسجد آمد، در صفوف جلو جای می‌گیرد. محمد اقبال لاهوری روشنفکر معاصر در این باره می‌گوید: «نماز جماعت در اسلام، علاوه بر ارزش فکری خود، به آرمان تحقق وحدت بشریت به عنوان یکی از حقایق زندگی اشاره می‌کند و این آرمان، فقط با برچیدن همه تفاوت‌ها و اختلافاتی که یک انسان را از دیگری متمایز می‌سازد، تحقق می‌پذیرد». ^۳

عالمه اقبال لاهوری در یکی از کتاب‌هایش، به برهه‌ای اشراف‌منش جنوب هند اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر اینها طبقه نجس‌ها هم‌ردیف و پهلوی به پهلوی در یک صف واحد در می‌آمدند، انقلاب عظیم معنوی را به ارمغان می‌آوردند». ^۴

۱. همان، حدیث ۸۹۰.

۲. آرنولد، توماس، الدعوة الی الاسلام، ص ۵۰.

۳. همان.

۴. لاهوری، تجدید التفکیر الاسلامی، ص ۱۰۸.

۵. همان.

در حقیقت، همه روز در مسجد، چهره‌ها با هم روبه‌رو می‌شوند و زبان‌ها با یکدیگر زمزمه می‌کنند و دل‌ها با هم انس می‌گیرند. کدام وحدت و برابری از وحدت نماز گزاران در جماعت که پشت سر امام واحدی می‌ایستند و خدای واحدی را می‌خوانند و کتاب واحدی را قرائت می‌کنند و به سوی قبله واحدی رو می‌کنند و کارهای یکسانی، از قبیل قیام، قعود، رکوع و سجود انجام می‌دهند؛ کامل‌تر و عمیق‌تر است؟ این وحدتی است که در سطح ظاهر و پوسته نمی‌ماند؛ بلکه به مغز و هسته رسوخ می‌کند و وحدتی در قالب نگرش، هدف، جهت و عمل را به بار می‌آورد.

کدام تصویر، جالب‌تر و زیباتر از منظره مسجد پیامبر در مدینه دیده می‌شود که نژادهای گوناگون غیر عرب، مانند صهیب رومی، سلمان فارسی و بلال حبشی را در بر می‌گرفت و قبایل مختلفی از انصار قحطانی و مهاجران عدنانی را در دامن خود پرورش می‌داد؛ آنچنان پرورشی که یکی از آنان ترجیح می‌داد که خود گرسنه بخوابد، اما برادر و خواهر ایمانی‌اش سیر باشند. قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْتُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ و انصار مدینه، مهاجران مکه را بر خود ترجیح می‌دهند، هر چند که خود سخت نیازمند بودند»^۱.

در مسجد، امتیازات و تبعیضات مقامی، مالی، نژادی و رنگی، ناپدید می‌شود و تمام محیط آن از هوای پاک برادری، برابری و محبت، آکنده است. این نعمت بزرگی است که آدمی، روزانه در میان دنیایی تیره از اختلاف و جدال، پنج یا سه بار، از فضای دوستی و آرامش کامل بهره‌مند می‌گردد.

نتیجه‌سخن

بدون تردید، در میان معابد و مراکز عبادی ادیان الهی، مسجد تنها مکانی است که تمام عناصر و اجزاء آن وحدت‌آفرین بوده و نمادی از یگانگی، انسجام و وحدت در آن نمود یافته است. مسجد، هم به لحاظ شکلی و ظاهری که در قالب اجزاء و عناصر مختلف شکل یافته است و هم از نظر محتوایی و ماهوی، دارای کارکردهای افعالی و اعمالی است که غایت آنها ایجاد وحدت و یگانگی است. در شریعت اسلام، محور و کانون تمامی فعالیت‌ها به مسجد ختم می‌شود و هیچ فعالیت و فعلی را نمی‌توان یافت که در آمیختگی و ارتباط با دین باشد، ولی به مسجد ختم نشده، یا مرتبط با مسجد نباشد؛ این امر مهم نشانگر جایگاه و اهمیت محوری مسجد است.

مساجد در میان تمام مذاهب و فرق مختلف اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و همگی بر منزلت

و شأن این مکان الهی و قدسی اتفاق نظر دارند و از این نظر نیز از صدر اسلام تاکنون، نه تنها هیچ تغییری از نظر شکلی و ماهوی نتوانسته که به اصل، بنیان و شأن مسجد خدشه‌ای وارد سازد، بلکه در طول تاریخ، تنها همین مکان به عنوان محوریت وحدت از منظر و بعد مکانی روز به روز به نقش و کار کردهای آن افزوده شده و شاهد افزایش نقش آفرینی آن نیز بوده‌ایم و هیچ مکان جایگزینی که بتواند نقش مسجد را ایفا کند، تاکنون در هیچ یک از فرق و مذاهب اسلامی مشاهده نشده است.

مسجد، به عنوان ظرف مکانی که روح توحیدی، وحدانیت و یکتاپرستی در آن ترویج و تبلیغ می‌شود، دارای کارکردهای بسیار متنوع و متعددی است. تمامی این کارکردها در عین تعدد در راستای هم و در یک خط معنوی واحد قرار دارند. در واقع، نوعی انسجام و وحدت نانوشته، در تمامی این نقش‌ها وجود دارد که همه آنها نسبت به هم، همپوشی داشته و تقویت کننده یکدیگر هستند؛ چون هدف نهایی و غایی تمامی آنها در «کلمه الله» و کمال انسان تبیین شده است و آنچه از تجانس و انسجام برخوردار هستند که هیچ یک از کارکردها در تناقض یا نفی دیگر کارکردها، عمل نمی‌کنند؛ بلکه همه آنها در مسیر اتحاد و همبستگی برای عروج و کمال انسان قدم می‌گذارند. همه منابع موجود انسانی در مسجد در هدف، وحدت نظر دارند. هدف نمازگزاران، امام جماعت، هیئت امنا، خادم، بانی و واقف و ... همه یکی است و ابعاد معنوی، سرلوحه اعمال و افعال آنان در مسجد است.

بنابراین، مسجد کشتزاری است که تعالیم نظری دین، در محدوده آن، مورد آزمایش قرار می‌گیرد و اصول انسانی آن، آماده اجرا می‌شود.

یکی از ویژگی‌های شریعت حیات بخش اسلام، این است که اصول خود را به صورت امری ذهنی یا حرف محض، بر سر زبان قرار نداده است؛ بلکه آن را به زندگی روزانه فرد پیوند داده است؛ از این رو اتحاد، آزادی، برابری و برادری به شکل حقایق علمی و حقیقی در مسجد آموزش داده می‌شوند.

پیشینیان ما ارزش و کارکرد مسجد را به عنوان انجمنی فراگیر شناخته بودند و به همین منظور عقد ازدواج خود را در پیروی از حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد انجام می‌دادند: «أَعْلِنُوا هَذَا النِّكَاحَ وَاجْعَلُوهُ فِي الْمَسَاجِدِ». پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با برگزاری مراسم عقد ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در مسجد، به افزایش نقش آفرینی مسجد کمک شایانی کرد. اگرچه این سنت، امروزه کمتر در کشور ما صورت می‌گیرد؛^۱ اما در برخی از کشورهای اسلامی این سنت حسنه را جاری می‌نمایند.

۱. سنن الترمذی، باب اعلان النکاح، ج ۲۶۸.

۲. ضرورت احیاء این سنت پسندیده با توجه به افزایش روزافزون هزینه ازدواج با هدف افزایش پیوند خانوادگی که در راستای انسجام جامعه و ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد، لازم به نظر می‌رسد.

«به دستور پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، سفره وسیعی در مسجد گسترده و بسیاری از زنان و مردان مسلمان پذیرایی شدند و آنگاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست حضرت فاطمه رَضِيَ اللهُ عَنْهَا را در دست حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ گذاشتند و برای آن دو دعا کردند»^۱.

علاوه بر اینکه فرد در مسجد، به صورت عملی درس وحدت و بسیاری از مفاهیم را فرامی گیرد، درس آزادی را نیز تجربه می کند و از هر نوع بندگی، جز بندگی خدا آزاد می گردد؛ این، همان آزادی وجدان انسانی و بالاترین نوع آزادی ها است؛ اما درباره آزادی عقیده، همین بس است که هر گاه امام در گفتار یا کردار خود در نماز دچار اشتباهی شود، نماز گزاران موظف به اصلاح خطای او هستند و این مورد برای پیر، جوان، مرد و زن، یکسان است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. ابن ابی عاصم، السنة، بیروت، المكتبة الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۲. آنولد، توماس، الدعوة الی الاسلام، ترجمه: حسن ابراهیم حسن، عبدالمجید عابدين و اسماعیل النحراوی، مصر، قاهره، مكتبة النهضة المصرية، چاپ دوم، ۱۹۷۱ م.
۳. امینی، منان، وحدت از دیدگاه علمای اسلام، انتشارات کرمانشاه، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۴. الترمذی السلمي، ابو عیسی محمد بن عیسی (متوفای ۲۷۹ هـ)، سنن الترمذی (جامع ترمذی)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۵. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹ هـ.ش.
۶. اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال، مقدمه و شرح احوال احمد سروش، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۳ هـ.ش.
۷. —، تجدد التفكير الاسلامی، ترجمه عربی: عباس محمود، مصر، قاهره، ۱۹۵۵ م.
۸. قشیری نیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۹. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۰. متقی هندی، علاء الدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۹، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۲. هاشمی، سید ابوالقاسم و کنگاوری، معصومه، تأثیر بناها و فضاهاى مذهبی در جامعه اسلامى.
۱۳. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ هـ.ق.

سایت اینترنتی و مجلات

۱۴. اندیشه تقریب، ویژه نامه انسجام اسلامى (۳)، ۱۳۸۷ بشیر احمد، اتحاد و انسجام اسلامى در آئینه چهل حدیث، به نقل از منشور اتحاد ملّی و انسجام اسلامى، سبزیان، خرداد ۱۳۸۶ هـ.ش.
۱۵. بخارى جُفّی، محمد بن اسماعیل، مختصر صحیح البخاری، مختصر ابوالعبّاس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات حرمین، زاهدان،

چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.

۱۶. ابن شعبه حرّانی، ابی محمّد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ هـ.ق.

۱۷. موظّف رستمی، محمّدعلی، مسجد، نماد و وحدت، (فرم، معنا و کارکرد)، ماهنامه مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۳۲، آذر ۱۳۸۷ هـ.ش، قابل دسترس دز: www.ido.ir

نقش سیاسی مساجد در عصر پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و در عصر حاضر

حسنعلی محمودی

چکیده

نگارنده در این نوشتار، در پی تبیین نقش سیاسی مسجدها به طور مستقل، در عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، امام علی عَلَيْهِ السَّلَام و عصر حاضر است. این تحقیق در صدد ارائه الگویی مدون از کارکرد سیاسی مسجدها در زمان پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بنیان‌گذار اصلی و نخستین این نهاد مقدس است تا معیاری برای کارکردهای سیاسی مسجدها در عصر حاضر باشد. در این راستا، نگارنده با استناد به آیات، روایات و کتاب‌های معتبر، در سه فصل به تبیین و تشریح موضوع پرداخته است؛ در فصل اول، کارکردهای سیاسی مسجدها در عصر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ و در فصل دوم، کارکردهای سیاسی مسجدها در عصر امام علی عَلَيْهِ السَّلَام بحث شده است. در فصل پایانی، کارکرد سیاسی مسجدها در عصر حاضر، به ویژه نقش مسجدها در پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس و همچنین، نقش و کارکرد مسجدها در عصر ظهور مهدی موعود عَلَيْهِ السَّلَام به اختصار مورد بررسی قرار گرفت.

واژگان کلیدی:

مسجد، کارکرد سیاسی، عصر حکومت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام، عصر حاضر، عصر ظهور.

۱. تبیین موضوع: مسجد در اسلام تنها معبد و جای عبادت نیست و همچنین، عبادت در اسلام، تنها دعا، نیایش و انجام امور مخصوص که در ادیان به این نام وجود دارد، نیست؛ بلکه جهاد نیز جزئی از عبادت است. به بیان دیگر، مسجد در اسلام، کانون عبادت است؛ اما عبادتی که دامنه تعریف و وسعت آن، چگونگی کلیه امور مربوط به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان اسلام را در برمی گیرد.

۲. ضرورت انجام تحقیق: مسجد دارای کارکردهای متنوع در هر عصر و زمانی بوده است؛ از جمله کارکردهای مسجد، نقش سیاسی آن است. در دنیای امروز که اسلام به عنوان یک دین جدای از سیاست نیست، مسجد و کارکرد سیاسی آن به صورت جدی مطرح گردیده است. ضرورت ایجاب می کند که یک الگوی مدوئی از کارکرد سیاسی مسجد در زمان پیامبر اسلام ﷺ که بنیان گذار اصلی و نخستین این نهاد مقدس بوده است، تهیه کنیم تا بتوانیم معیار سنجشی برای کارکردهای سیاسی مسجد در عصر حاضر داشته باشیم. از آنجایی که جانشین برحق پیامبر اسلام ﷺ، بر اساس آیه شریف «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»، امام علی (علیه السلام) است، ارزش و اهمیت کارکرد و نقش سیاسی مسجد در عصر آن حضرت، کمتر از زمان رسول خدا ﷺ نیست. از این رو، بررسی این دوره نیز نگرش بهتری در درک کارکرد سیاسی این کانون مقدس ارائه می دهد. بنابراین، چگونگی استفاده پیامبر گرامی ﷺ و امام علی (علیه السلام) از مسجد در امور سیاسی و تقویت بنیه حکومت اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و مبارزه علیه حکومت های طاغوتی و استعماری و اتحاد ملی و انسجام اسلامی، الگوی شایسته ای برای بهره گیری از کارکردهای سیاسی مسجد در عصر کنونی است.

۳. امتیاز تحقیق حاضر: با بررسی و کندوکاوی که در حد توان صورت گرفت، مشخص گردید که نقش و کارکرد مسجد در زمینه های مختلف به صورت جزئی و پراکنده در تحقیقات مشابه اشاره شده است؛ اما در هیچ یک از تحقیقات، به صورت مستقل به موضوع مسجد و نقش سیاسی و کارکردهای آن در عصر پیامبر اکرم ﷺ و امام علی (علیه السلام) پرداخته نشده است. از این رو، پژوهش در مورد موضوع کارکردهای سیاسی مسجد در دو عصر بیان شده و مقایسه آن با عصر کنونی، این تحقیق را از تحقیقات دیگر متمایز می نماید که خود از امتیازات این پژوهش است.

۴. سؤالات اصلی و فرعی

۴-۱) سؤالات اصلی

۱. کارکرد و نقش سیاسی مسجد در عصر پیامبر اسلام ﷺ و امام علی علیه السلام چگونه بوده است؟
۲. مهم‌ترین شاخصه‌های کارکرد سیاسی مسجد در این دو عصر چیست؟
۳. مسجد در عصر کنونی از جهت سیاسی چه نقشی را می‌تواند ایفا نماید؟

۴-۲) سؤالات فرعی

۱. کارکرد سیاسی مسجد چیست؟
۲. مهم‌ترین شاخصه‌های نقش سیاسی مسجد در عصر پیامبر ﷺ و امام علی علیه السلام چه بوده است؟
۳. نقش سیاسی مسجد در عصر حاضر چیست؟
۴. نقش سیاسی مسجد در دوران مشروطیت، در پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بود؟
۵. نقش مسجد در تداوم و حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی چیست؟

۵- فرضیه تحقیق

مسجد در عصر پیامبر اکرم ﷺ و در دوران حکومت امام علی علیه السلام جایگاه و نماد سیاست و حکومت بوده است. به عبارت دیگر، مسجد کانون حرکت‌های سیاسی و حکومتی در صدر اسلام و نماد حکومت و دیانت بوده است.

کارکرد سیاسی مسجد

واژه‌های دین و سیاست، در آیین مقدس اسلام، مقوله واحدی را تشکیل می‌دهند. به عبارتی دیگر، عبادت و سیاست یک عنصر هم‌شکل هستند که به موازات هم در جهت اعتلای کلمه الله تعریف و تجلی می‌یابند و به هیچ‌وجه قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

«بر اساس آمیزه دین و سیاست در اسلام، اعمال عبادی و سیاسی آن نیز از مرکزیت «مسجد» هدایت‌پذیر بوده و لوای بلند اسلام با علامت مخصوص «عبادت و سیاست»، در ستیغ قلوب عارفان جهان به اهتزاز در آمده است»^۱.

۱. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۵۰.

بر این اساس، از جمله کارکردهای مهم مسجد، «کارکرد سیاسی» آن است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن تأکید شده و هم‌اکنون نیز اهمیت آن به‌طور کامل مشخص است. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به‌عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز، بیشتر امور سیاسی آن روز مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و ... در مسجد صورت می‌گرفت.

مسجد همواره محلّ تربیت مجاهدانی نستوه، حق‌گرا و ظلم‌ستیز بوده است. به همین دلیل، در طول تاریخ مسجد و مسجدبان، با حکومت‌های ناصالح و فاسد در ستیز و مبارزه بوده و حکومت‌های فاسد و ظالم را به‌عنوان منکری بزرگ می‌دانستند.

با مطالعه در تاریخ قیام‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی به روشنی در می‌یابیم که بسیاری از حرکت‌های سیاسی مردم بر ضدّ حکومت‌های جابر و ظالم زمانه خویش، از طریق تشکّل‌های غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. اگرچه مساجد صحنه برخورد با حکومت‌ها بود، اما «نه به سبب درگیری مذهبی، بلکه به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. بنابراین، توده‌های مردم که با رهنمودهای علمای دین آگاه می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های جابر زمان اعلام می‌کردند؛ به‌طور معمول منشأ اکثر حرکت‌های شیعی از مساجد است»^۱. امروز نیز مسجد پایگاهی برای حفظ وحدت مسلمانان و کوشش آنها برای جلوگیری از توطئه‌های دشمنان است. در مسجد، همه افراد بدون در نظر گرفتن سوده‌های شخصی و منفعت کسب و کار دورهم جمع می‌شوند و همین احساس یگانگی و وحدتی که در مسجد به وجود می‌آید، مانع به ثمر رسیدن توطئه‌های دشمن می‌شود.

نکته شایان ذکر آنکه آنچه مساجد را به یک کانون سیاسی و عبادی مبدل می‌کند، اجتماع مسلمانان در آن برای انجام فرایض دینی است و در سایه این تجمّع و دسترسی به آحاد مسلمانان در جامعه اسلامی، کارکرد سیاسی مسجد، از رونق بیشتری برخوردار می‌گردد. به هر حال، درست است که مسجد در اسلام محلّ عبادت و جایگاه ارتباط بنده با خدا است، اما نه عبادت خشک و خالی و به دور از نگرش‌های اجتماعی و سیاسی، بلکه مسجد در اسلام در عصرهای متمادی، کارکردهای فراوانی داشته و یکی از کارکردهای مهمی که حائز اهمیت است، کارکرد سیاسی مسجد است که عبارت است از پیوند مسجد با امور اداری و حکومتی

و فعالیت‌های سیاسی که مربوط به سرنوشت جامعه است؛ زیرا اسلام، دینی است که در آن رابطه مستقیم بین فعالیت‌های عبادی و سیاسی وجود داشته و دارد. این ارتباط به روش‌های متعدّد قابل تصوّر و درک است که از آن جمله، می‌توان به خطبه‌های نماز جمعه و تبیین مسائل حکومتی و سیاسی و مسائل مهم اجتماعی توسط خطیب نماز جمعه اشاره کرد.

مسجد به همراه حکومت‌های صالح مانند یک پایگاه مهم عمل می‌کند. مسجد و حکومت اسلامی با آنکه جنبه‌های مردمی خود را به‌طور کامل حفظ می‌کند، ارتباط تنگاتنگی نیز با حاکمیت جامعه دارد؛ این ارتباط تا آنجاست که می‌توان آن را یک نهاد مردمی و حکومتی نامید. از این رو، حاکم اسلامی می‌تواند به صلاح‌دید خود در اداره امور آن دخالت کند.

مسجد در این هنگام از یک سو، بازوان حکومت و اهرمی توانمند برای رهبری جامعه اسلامی است و در عین حال، چونان چشمان امین برای حاکمیت اسلامی عمل می‌کند. مسجد با نظارت دقیق و مردمی، عملکرد دستگاه‌های حکومتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مسجد، همچون دوستی نیک‌اندیش و خیرخواه در سختی‌ها و مشکلات یار و یاور حکومت صالح است؛ هم‌عیب‌ها و نقص‌ها را بازگو می‌کند و هم در راستای رفع آنها می‌کوشد.

گفتار ائمه اطهار علیهم‌السلام و سیره عملی آنان نیز بیانگر این است که «مسجد سنگ بنای حکومت اسلامی» است و حکومت اسلامی، نقطه آغاز ایجاد دولت کریمه جهانی به امامت و رهبری امام مهدی موعود علیه‌السلام است، بنابراین، نقش مساجد در تهذیب نفس و تربیت نیروی انسانی صالح و منتظر، برای ایجاد عدالت و فراهم کردن زمینه تشکیل حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام بر کسی پوشیده نیست.

از دیگر جنبه‌های ارتباط مسجد با حاکمیت جامعه، نقش مسجد در پرورش نیروهای متعهد است که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا این مسجد است که بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بردوش دارد.

همچنین مسجد، نقشی مهمی در شناسایی نیروهای انسانی و کارآمدی دارد که نظام اسلامی نیازمند آن است؛ زیرا به‌طور معمول کسی که در مسجد حضور پیدا می‌کند، بخش مهمی از استعداد و توانایی‌های آشکار می‌گردد. در سایه رفت‌وآمد در مسجد، خلق و خوی افراد، آداب و منش‌های افراد تا اندازه زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حکومت اسلامی نیز می‌تواند از این گذر، نیروهای متعهد و مورد نیاز جامعه را بشناسد.

بنابراین، مسجد در شناساندن افراد با استعداد و کارآمد توانایی فراوانی دارد و این شناسایی را رایگان

در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌دهد. در حالی امروز در جهان، حکومت‌ها بودجه‌های هنگفتی برای شناسایی افراد و نیروهای کارآمد جامعه مصرف می‌کنند. برای اینکه بیشتر با کارکردهای سیاسی مسجد آشنا شویم، در این نوشتار، کارکرد سیاسی مسجد در اعصار سه‌گانه: «عصر پیامبر اکرم عَلَيْهِ السَّلَام»، «امام علی عَلَيْهِ السَّلَام» و «عصر حاضر» مورد توجه قرار می‌گیرد.

فصل اول: کارکردهای سیاسی مسجد در عصر رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

دو واژه «دین و سیاست» در آیین مقدس اسلام، مقوله واحدی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، عبادت و سیاست یک عنصر هم‌شکل هستند که به موازات هم در جهت اعتلای کلمة الله تعریف و تجلی می‌یابند و به هیچ‌وجه قابل تفکیک از همدیگر نیستند. آنان که وجود یکی از این دو عنصر را مزاحم دیگری تلقی کرده‌اند، به بیراهه رفته و مخاطب کلام الهی‌اند که در قرآن چنین فرمود: «فَأَيُّنَ تَدْهَبُونَ؟» پس، به کجا می‌روید؟^۱

هر چند که دین، تمام شئون زندگی بشری را شامل می‌شود و جامع‌نگر است، در سیاست خلاصه نمی‌شود؛ اما نکته حائز اهمیت این است که بقا و دوام دین و پاس داشتن حدود و ثغور شریعت، مرهون سیاست دینی است. دین، زمانی بر سر جماعتی سایه افکن می‌شود که از جانب سیاست سالمی محافظت گردد و رهیافت‌های سیاسی جامعه با آموزه‌های دینی منطبق باشد.

امام علی عَلَيْهِ السَّلَام فرمود: «غَايَةُ الدِّينِ، الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَقَامَةُ الْحُدُودِ؛ هدف دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است».^۲

بر اساس آمیزه دین و سیاست در اسلام است که اعمال عبادی و سیاسی آن از یک مرکز (مسجد) هدایت پذیر بوده و لوای بلند اسلام با علامت مخصوص «عبادت و سیاست» در ستیغ قلوب عارفان جهان به اهتزاز در آمده است.^۳

مسجد، در جامعه اسلامی همواره از نظر سیاسی، اجتماعی، عبادی و فرهنگی نقش اساسی داشته و قلب جامعه اسلامی است. اهمیت مسجد با تأکید آیات وحی، کلام گهربار معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و نقش تاریخی که در تمدن اسلامی ایفا کرده، بی‌نیاز از دلیل و برهان است. شناخت این نیایش‌گاه الهی در مدینه النبی برای جامعه امروز ما و دنیای معنویت‌گرا اهمیت بسیار دارد؛ چرا که مسجد در طول تاریخ، خاستگاه آموزش‌های

۱. تکویر، آیه ۲۶.

۲. غرر الحکم، ج ۲، ص ۴۵، شماره ۲۸.

۳. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۹.

فرهنگی و نظامی و نمایشگاه هنرهای اسلامی و آوردگاه رقابت‌های ادبی بوده است. از آنجایی که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردم جدایی نیست، مسلمانان می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت و بر روند امور جامعه نظارت کنند و موضع خود را در مسائل سیاسی به‌طور آشکار اعلام کنند. مردم می‌توانند با ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهای سازنده حکومت را یاری دهند. بر همین اساس، پیامبر اسلام ﷺ، پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه، به منظور دخالت مسلمانان در شیوه حکومت و آشنا ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکز عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. به گواهی تاریخ، مسجد در عصر رسول خدا ﷺ در عرصه‌های مختلف از توانمندی‌های بالایی برخوردار بود و کارکردهای فراوانی، مانند کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... را دارا بود که ما در صدد بیان همه آنها نیستیم. در این مقاله فقط کارکردهای سیاسی مسجد در عصر پیامبر گرامی ﷺ مورد توجه قرار گرفته و به شاخصه‌های آن اشاره می‌شود.

۱. مسجد پایگاه نظامی مسلمانان

جامعه‌ای که در راه تحقق ارزش‌های اسلامی گام بر می‌دارد، هیچ‌گاه از ستیز و عناد دشمنان دین در امان نمی‌ماند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ؛ و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند»^۱.

از این رو، شریعت دین مقدّس اسلام، جهاد و دفاع از دین را در شرایط خاصّ که راه دیگری غیر از جنگ وجود ندارد، امضاء نموده است. به گواهی تاریخ، پیامبر اسلام در طول ۲۳ سال دعوت خویش، پیوسته در حال مبارزه و جنگ‌های کوچک و بزرگ با دشمنان داخلی و خارجی بودند. این مبارزات مقدّس که اسلام در سایه آن به عنوان مکتب نجات‌بخش بشریت زنده ماند؛ پس از هجرت آن حضرت در مدینه و پی‌ریزی حکومت اسلامی صورت گرفت؛ به گونه‌ای که مسلمانان در طول دوران ده‌ساله حضور پیامبر گرامی ﷺ در مدینه بیش از هفتاد جنگ و درگیری داشتند.^۲

از سوی دیگر، در جهاد اسلامی، رسیدن به پیروزی، همواره در گرو برخورداری از نیروهای رزمنده، مؤمن، معتقد و مکتبی است. مسجد، در این زمینه نقش حیاتی را ایفا می‌کند؛ زیرا در حقیقت، رزمندگان مدافع اسلام، پرورش یافته مساجد هستند.

۱. بقره، آیه ۲۱۷.

۲. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ص ۲۶.

مسجد در فضای قدسی و طهارت و شکوفایی علمی، فرهنگی، تربیتی خود بذر ایمان، معرفت و آگاهی و روشن بینی دینی را در جان و دل جوانان حق جو می پرورد. گاهی دست پرورده های مسجد چنان به بار می نشیند که حتی مرئیان خود را هم دچار شگفتی می کند. آنان در نهایت، خار چشم دشمنان دین و مایه عزت و آبروی مسلمانان می شوند. خدای تعالی ستم ستیزی این گونه مسلمانان پارسا و جهادگر را چنین ترسیم می نماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران، سخت گیر [و] با همدیگر مهربان هستند. آنان را حال در رکوع و سجود می بینی. آنان فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود، در چهره هایشان مشخص است. این صفت آنها در تورات و مثل آنها در انجیل است که چون کشته ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [نبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.»^۱

پس مسجد از یک سو، مهد و پرورش گاه نیروهای مدافع اسلام بوده است و از سوی دیگر، به هنگام بروز جنگ و پیدایش ناامنی در جامعه، مسجد بسان پایگاه و سنگری استوار برای رزمندگان اسلام در عصر رسول خدا ﷺ عمل می کرده است. چنان که واقدی در کتاب مغازی در شرح حوادث جنگ احد چنین می گوید: «بزرگان اوس و خزرج، مانند سعد بن عباده، سعد بن معاذ و اسید بن حضیر همراه عده ای، در حالی که مسلح شدن بودند، شب جمعه را در مسجد کنار خانه پیامبر اکرم ﷺ گذراندند. به دلیل اینکه از شبیخون مشرکان بیم داشتند، شب جمعه از مدینه پاسداری کردند تا آنکه صبح شد.»^۲

علاوه بر این، در هر مسجدی، نقطه ای بنام محراب ساخته می شود. محراب از ماده حرب به معنای جنگ است و این موضوع به این مناسبت است که مسلمانان این نکته را در مساجد در نظر داشته باشند که برای نیل به کمالات مورد نظر و تحقق ارزش های اسلامی و دفاع از کبان اسلام و حفظ جامعه اسلامی، از گزند دشمنان، گاهی راه دیگری جز جنگ با دشمنان داخلی و خارجی وجود ندارد.^۳ البته این بدین معنا نیست که اسلام جنگ طلب باشد؛ بلکه اسلام صلح و صفا و همزیستی مسالمت آمیز با بقیه مذاهب و ادیان را در قدم

۱. فتح، آیه ۲۹.

۲. واقدی، المغازی، ص ۱۵۲.

۳. فتوحی و آجارگاه کورش، تأملی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل)، ص ۲۷.

اول پیشنهاد می‌کند. بنابراین، در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست.»^۱

مسئله جنگ و جهاد در اسلام، احکام و شرایط خاص خودش را دارد که در شرایط اضطراری به عنوان آخرین راه حل تشریح شده است. تبلیغات مسجد، مسئله جنگ را در شرایطی که راه دیگری غیر از جنگ وجود نداشته باشد، به عنوان یک مسئله فراموش نشدنی در ذهن‌ها زنده نگه می‌دارد و همزمان، فرهنگ ایثار، فداکاری، جهاد و شهادت را که مایه عزت و سرافرازی مسلمانان است، شکوفایی می‌بخشد.

به خاطر رابطه تنگاتنگ مسجد با جبهه و جنگ است که مسجدیان از عبادت‌های عاشقانه‌اش و ارتباط با خدای تعالی بهره گرفته و با دعا‌های خالصانه‌شان پشتوانه عظیم برای جبهه‌های نبرد را فراهم می‌آورده‌اند. آنان با دعا‌های خود از یک طرف، باران عنایت‌ها و الطاف الهی را بر جبهه‌ها نازل می‌کردند و از طرفی، با این کار همراهی و همدلی خود را با رزمندگان اسلام نشان می‌دادند تا آنان با شور و دلگرمی به جهاد مقدس خود ادامه دهند.^۲

۲. مسجد تجلی‌گاه وحدت مسلمانان

یکی از نیازهای جامعه نوپای اسلامی در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحدت و همبستگی مسلمانان بود که آن حضرت تلاش می‌کرد تا در مقابل دشمنان اسلام که از قدرت و قوت زیادی نسبت به مسلمانان برخوردار بودند، سدّی محکم ایجاد نماید. بنابراین، یکی از نیازمندی‌های جامعه نوپای اسلامی این بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نخست، وحدت مسلمانان را شکل دهد تا با یک سازمان دهی منظم در مقابل اجانب، از خطرات احتمالی و هجوم آنان در امان باشند. از این رو، سعی بر این بود که این همبستگی در مکانی تجلی یابد و از این راه طمع دشمنان اسلام را به یأس مبدل سازد. مکانی که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقش اساسی برای سازمان دهی افراد و جوانان مسلمان ایفا می‌کرد و قدرت مسلمانان را در مقابل دشمن به نمایش می‌گذاشت، مسجد بود.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله زمانی که به یثرب آمد، وضعیت سیاسی جدید آغاز شد؛ دو قبیله اوس و خزرج که دشمنی‌های کهنه و مهلک خود را در سایه اخوت دینی فراموش کرده بودند، دور بیرق اسلام گرد آمده و هسته جامعه مسلمانان را تشکیل دادند.

تقسیمات قدیمی ملغا و لقب معزز «انصار» برای همه کسانی که اسلام را در ساعات سخت یاری کرده

۱. انفال، آیه ۶۱.

۲. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۷۵.

بودند، متداول شد. گروه مؤمنان که زادگاه محبوب خود را ترک کرده و از هرگونه وابستگی به آن دست کشیده بودند، نام مهاجرین را دریافت کردند. برای اینکه پیوند مهاجرین و انصار محکم تر شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عقد اخوت بین آنها بست تا در غم و شادی یکدیگر شریک شوند.

اسم قدیمی یرب به مدینه النبی تبدیل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین فرصت، در راه دعوت به اسلام به تأسیس مسجد به عنوان پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی پرداخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چند کیلومتری شهر مدینه و در محلی به نام قبا، مسجد معروف قبا را ساخت؛ این نخستین مسجدی است که در اسلام ساخته شده است. دو برادری که مالک زمین بودند، آن را هدیه کردند؛ ولی چون یتیم بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پول زمین را به آنها پرداخت کرد. ساختمان مسجد از نظر شکل و بنا ساده و بادین بی پیرایه ای که آن حضرت تعلیم می فرمود، سازگار بود. دیوارهای آن با آجر و گل و سقفش از برگ درخت خرما درست شده بود. بخشی از مسجد نیز برای اقامت کسانی که منزل نداشتند، در نظر گرفته شد و در سال های بعد نیز مسجد توسعه پیدا کرد.

همین مرکزیت مسجد بود که وحدت، انسجام، قوت و قدرت مسلمانان را در برابر دشمنان خارجی و منافقان داخلی به نمایش می گذاشت. تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمَّا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَى الْمُتَنَافِقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ؛ هیچ نمازی برای منافقان شکننده تر از نماز صبح و عشاء نیست». این حدیث از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه نماز صبح را با اصحابش به جا آورد، رو به آنان کرد و با ذکر نام، درباره برخی افراد سؤال کرد: آیا آنها به نماز جماعت حاضر شده اند یا نه؟ گفتند: ای رسول خدا، نه؛ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مگر در سفر هستند؟ گفتند: ای رسول خدا، نه؛ آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمله فوق را فرمودند و بعد چنین ادامه دادند: «... وَ لَوْ عَلِمُوا أَيُّ فَضْلٍ فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَ لَوْ حَبُّوا؛ اگر مؤمنان می دانستند که این دو نماز چه فضیلتی دارد، با حالت سینه خیز هم که شده خود را می رساند و در آن شرکت می کردند».^۳

مارسل بوازار در یکی از کتاب های خود در مباحث مربوط به اسلام در جهان امروز، در مورد نقش نیرومند مسجد در صدر اسلام در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت فرهنگی و اجتماعی آن را از این بابت نمی توان نادیده گرفت؛ به خصوص در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگرباره از خود نشان می دهند. مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به

۱. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۹.

۲. حبو، به معنای سینه خیز رفتن و روی شکم راه رفتن کودکی است که هنوز توان روی پایستادن ندارد.

۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۳.

ستمگران و سلطه‌جویان در آمده است. اندک‌اندک مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند. تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد، این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصر برای ادای فریضه نماز نیست و به یقین یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه به وسیله‌ای برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفت‌وگو در باب کمبودهای رفاهی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و غیره تبدیل شده است. گردهمایی جمعه به خصوص در سال‌های اخیر و در ممالک آزاد شده اسلامی که به سوی پیشرفت اقتصادی و حاکمیت سیاسی می‌روند، کارایی بسیار داشته است. در این سال‌ها، برخلاف تفرقه و پراگندگی سیاسی مردم و گروه‌های مبارز، طرح مقابله علیه ستمگران را ریخته‌اند و در ارکان فرمان‌روایی دست‌نشانندگان استعمار غرب تزلزل پدید آورده‌اند که احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف در ممالک غرب از انجام آن هنوز ناتوانند.^۱

۳. دارالندوه

در لغت، «الندوة» به معنای محل اجتماع و محل مشورت است. چنان که در مجمع‌البحرین چنین آمده است: «الندوة: الاجتماع للمشورة و منه دارالندوة بمكة التي بناها قصی، لأنهم یبندون فیها، أي یجتمعون والنادی: المجلس وجمعه «أندیة» و منه الحدیث: متعرض للمقال فی أندیة الرجال، أي مجالسهم؛ ندوه اجتماعی برای مشورت است از آن جمله دارالندوه مکه بود که آن را «قصی» ساخته بود و در آنها در آن مکان جمع می‌شدند و به مشورت و گفت‌وگو می‌پرداختند.^۲

در تاریخ چنین آمده است: «دارالندوه»، خانه قصی ابن کلاب بود. قبل از اسلام محل مشورت قریش بوده، بعد از آن (قصی) به پسرش عبدالله به ارث می‌رسد و اکنون جزء مسجد الحرام است.^۳ قبل از اسلام این مکان محل مشورت برای قریش بوده، در آنجا قریش به مشورت در رابطه با مسائل سیاسی، اجتماعی و غیره می‌پرداخته‌اند. قرار گرفتن چنین مکانی برای ساختن مسجد، در نخستین دوره از ظهور اسلام بیانگر این نکته است که در دین مقدس اسلام محل مشورت در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، به‌ویژه در امور سیاسی، مسجد است و یکی از نقش‌های مسجد در اسلام همان نقش «دارالندوه» قبل از اسلام است که در جامعه عرب وجود داشته است.

۱. بوازمارسل، اسلام در جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. مجمع‌البحرین، ج ۱، ص ۴۱۳.

۳. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۹.

۴. مسجد کانون آموزش فرهنگ ایثار و شهادت

در عصر رسول خدا ﷺ از همان ابتدا، مسجد به عنوان کانون همبستگی مسلمانان، به تحکیم پیوندها و تبادل آرا در امور دینی مسلمانان قرار گرفت. از نخستین روزهای ترویج اسلام، تعلیم با مسجد ارتباط تنگاتنگ داشت و انجام دستورات اسلام با درک و معرفت اسلامی و با یادگیری فرمایش‌ها پیامبر گرامی ﷺ به عنوان «حدیث» بر اساس آیین اسلام آغاز شد.

وجه تربیتی و آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی بیشتر نمایان و برجسته است. این نقش مسجد، توجه همه پژوهشگرانی را که درباره مسجد النبی سخن گفته یا اثری نگاشته‌اند، به خود جلب کرده است. در برهه زمانی که مراکز آموزشی در کنار مسجد به فعالیت فرهنگی می‌پرداختند، تنها شمار اندکی مکتب‌های خانگی بود که در گوشه و کنار شهر مدینه و یا مکه قرار داشت و این مکتب‌ها تنها به آموزش خواندن و نوشتن در پاره‌ای موارد قرآن کریم و معارف اسلامی می‌پرداختند و حجم کارهای آنها هرگز با آنچه در مساجد انجام می‌شد، قابل مقایسه نیست. به طور تقریبی، تمام علوم رایج در آن روزگار چون خواندن قرآن و حدیث، در مسجد تدوین می‌شد. علاوه بر آن، افراد با بینش سیاسی و مدیران دلسوز جامعه اسلامی که در برقراری حکومت اسلامی نقش ایفا می‌کردند، در مسجد پرورش می‌یافتند و آماده می‌شدند. از این رو، یکی از ره‌آورد های مسجد در مدینه النبی، تربیت مدیران با بینش سیاسی سالم بود. مسجد پیامبر خدا ﷺ در مدینه، نخستین دانشگاهی بود که حضرت رسول ﷺ با دست خود، یارانش را به نیکی تربیت کردند تا در دین خدا فقیه و دانا شدند. صحابه پیامبر گرامی ﷺ به آن رفت و آمد می‌کردند تا دانش، هدایت، فضائل و معرفت بیاموزند و هر اندازه که شرایط زندگی شان مساعدت می‌کرد، به این مهم وقت اختصاص می‌دادند. مسجد النبی مدرسه‌ای بود که مردان و قهرمانان در آن ساخته شدند و در پرتو قرآن، مردم بت‌پرست به پیشروان هدایت تبدیل شدند. همین افراد داعیان، مبلغان، حامیان، پارسایان شب و سواران میدان در روز نبرد بودند که با آموختن فرهنگ ایثار و شهادت، بار سفر بستند و در راه خدمت و ترویج فرهنگ اسلام شربت شهادت نوشیدند.

در تاریخ آمده است که در میان انصار، هفتاد جوان هستند که به نام قرآن شناسان معروفند. از سر شب به گوشه‌ای در مسجد می‌نشینند و با هم درس و بحث دارند و نماز می‌خوانند. نزدیکی‌های صبح می‌روند و آب آشامیدنی و پشته‌های هیزم می‌آورند و به خانه‌های رسول خدا ﷺ می‌نهند. خانواده‌شان فکر می‌کنند که آنان در مسجدند و اهل مسجد فکر می‌کنند که آنان پیش خانواده‌شان هستند.

پیامبر خدا ﷺ در ماه صفر چهل نفر از قرآن شناسان جوان را به ریاست منذرن عمر و ساعدی مأموریت

می‌دهد تا قبیله عامر بن مالک را به اسلام دعوت کنند و به آنان قرآن بیاموزند و نامه‌ای هم همراهشان ارسال می‌کند. منذر بن عمرو، راهنمایی از قبیله بنی سلیم با خود برمی‌دارد. آنها به راه می‌افتند و می‌روند تا به چاه معونه که از آبهای قابل استفاده قبیله بنی سلیم است، می‌رسند. در آنجا اردو می‌زنند و شتران خویش را سر می‌دهند. حارث بن صمه و عمرو بن امیه را به چرانیدن و نگهداری شتران می‌گمارند. حرام بن ملحان را با نامه پیامبر پیش عامر بن طفیل که در میان عده‌ای از بنی عامر نشسته است، می‌فرستند. وقتی به آنها می‌رسد، بدون اینکه نامه را بخوانند، عامر بن طفیل شمشیر خود را می‌کشد و حرام بن ملحان را می‌کشد و بانگ برمی‌دارد که بنی عامر برای حمله به مالک ابوبراء از قبل آمده و در مرز نجد به عشایر مختلف اطلاع داده است که او یاران محمد را در پناه خویش گرفته است و هیچ‌کس نباید متعرض آنان شود و همگی گفته‌اند: تعهد پناهندگی ابوبراء برای همه ما محترم است! وقتی بنی عامر حاضر نمی‌شوند با عامر بن طفیل بر جمع مسلمانان بتازند، وی برای این کار از عشایر عصبیه و رعل که از شاخه‌های قبیله بنی سلیم هستند کمک می‌طلبد و آنها به کمک او می‌آیند و او را به فرماندهی خویش انتخاب می‌کنند. عامر بن طفیل به آنها می‌گوید: من یقین دارم که این شخص به تنهایی به اینجا نیامده است. آنها ردّ پای او را گرفته و پیش می‌روند تا به یاران وی می‌رسند و یاران وی، چون که دیده‌اند، دیر کرده است ردّ او را گرفته و پیش آمده‌اند. سپس، مسلمانان را محاصره می‌کنند و بنی عامر هم در محاصره شرکت می‌جویند. آن جوانان قرآن شناس، مردانه می‌جنگند تا همگی به شهادت می‌رسند.^۱

۵. مسجد پایگاه تبلیغ پیامبر گرامی ﷺ

در روزگار رسول خدا ﷺ و صحابه ایشان، مسجد، کانون تبلیغ و ارشاد بود و مکان ضیافت و پذیرایی هیئت‌هایی داخلی و خارجی بود که بر پیامبر خدا ﷺ وارد می‌شدند تا به اسلام تشرّف حاصل کنند. یاران رسول خدا ﷺ برای حضور در مسجد و شرکت در این گونه محفل، می‌کوشیدند و هر گاه یکی از یاران نمی‌توانست در آن حاضر شود، یکی از صحابه، وی را در جریان جلسات قرار می‌داد.

نهضت نبی اکرم ﷺ اندیشه‌های انسان را به سوی تعالی رهنمون ساخت و با فرمان به «خواندن»، مبارزه با نادانی را رسالت خود قرار داد. قرآن کریم در تأکید این مطلب می‌فرماید: «أَفَرَأَيْتُم مَّا يَدْعُونَ خَلْقًا * أَلَدِيَّ عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». «بدین ترتیب، اسلام ویژگی «ندانستن» جامعه آن دوران را به بستر آگاهی، بینش و دانش مبدّل کرد و مسجد النبی، موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در

۱. جلال‌الدین فارسی، فرهنگ جهاد، ص ۳۳۷.

۲. علق، آیات ۱ و ۲ و ۵.

جامعه ایجاد نمود. پایگاه تبلیغ اسلامی، شور و نشاط علمی را برانگیخت و دانش و آموختن، بهایی دیگر یافت. هر روز، شمار آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند، افزایش می‌یافت و تبلیغ و آموزش با خواندن محتوای پیام آسمانی رونقی چشم‌گیر پیدا کرد.

آموزگار مکتب اسلام، پرستش خدا را محور تبلیغ قرار داد و بر فراگیری معنای ایمان، دانستن آیه‌های کتاب آسمانی تأکید می‌کرد تا از گذر آن رسالت خویش را مبنی بر تفسیر و تبیین آیه‌ها و فحوای کلام آسمانی به مردم انجام دهد. پیامبر اسلام ﷺ برای ادای این رسالت دشوار از هر فرصت برای روشنگری مردم بهره می‌جست، ولی سیره و زندگی پیامبر گرامی ﷺ نشان می‌دهد که مسجد در دوران رسالت، علاوه بر جنبه تربیتی و آموزشی، مهم‌ترین سنگر تبلیغ و ترویج بینش اسلامی در جهان آن روز بوده است؛ به گونه‌ای که برای نشست‌ها و اجلاس یا سران ادیان و نمایندگان حکومت‌ها مکانی به جز مسجد وجود نداشته و هر گونه تصمیم‌گیری در امور سیاسی و برقراری حکومت اسلامی و معرفی بینش اسلامی برای دنیای آن روز، در مسجد صورت می‌گرفته است. از این رو، مسجد به عنوان یک رسانه ملی در عصر رسول خدا ﷺ پیام‌رسان ندای اسلام و سنگر ایمان و توحید بود. برخی از یاران، مانند حضرت علی (علیه السلام) عبدالله بن رواحه، معاذ بن جبل و عباد بن صامت نیز در این راه در کنار پیامبر گرامی ﷺ قرار داشتند و در انجام رسالت الهی او را یاری می‌کردند. عبدالله بن رواحه جلسات مربوط به توحید، معاد، (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد. او در غیاب پیامبر گرامی ﷺ نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد. گاهی اتفاق می‌افتاد که پیامبر اکرم ﷺ خود در چنین جلساتی شرکت می‌کردند. روزی پیامبر گرامی ﷺ در حلقه درسی که عبدالله بن رواحه در آن تدریس می‌کرد، حضور یافتند. با حضور پیامبر گرامی ﷺ، چنین انتظار می‌رفت که ایشان سخنران مجلس باشند، ولی پیامبر گرامی ﷺ فرمودند: به آنچه مشغول بودید، ادامه دهید؛ من نیز برای آموزش و تعلیم مبعوث شده‌ام. یکی دیگر از یاران پیامبر گرامی ﷺ عباد بن صامت، مأمور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صُفّه بود.^۲

۶. مسجد محلّ دادرسی و مدیریت اسلامی

در دوره‌های درخشان رسول اعظم ﷺ، مسجد در حیات جمعی مسلمانان با نقش‌هایی چون مجلس شورا، محلّ داور، مرکز فتوا، پایگاه یا ستاد تقسیم‌های نظامی جلوه می‌کرد. سپاهیان از مسجد برای جهاد در راه خدا گسیل می‌شدند تا کلمه الهی را برافراشته دارند و پرچم اسلام

۱. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (التراتب الاداریه)، ج ۲، ص ۲۲۱.

۲. همان، ج ۱، ص ۴۸.

را در جهان به اهتزاز در آورده‌اند.

تأسیس مسجد در مدینه‌النبی محور اساسی روند حرکت روزافزون و آغاز فصل جدید سیاسی در حیات امت مسلمان است و نخستین گام بنیادی تمدنی نوین با تأسیس این پایگاه عبادی، سیاسی ریخته شد. مرکزیت سیاسی مسجد در مدینه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و پویایی تمدن اسلام، اصل مهمی است که بر حکومت، جامعه و فرهنگ، تأثیری ژرف دارد. مسجد نبوی کانون جنبش‌های فکری و عملی بوده است و شکوه آن خانه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که در آن روز مرکز حکومت و سیاست بود، تحت تأثیر قرار می‌داده است. پیمان اخوت دو قبیله اوس و خزرج در مسجدالنبی بسته شد و عقد اخوت میان امت نیز از مواردی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه برقرار ساخت. هیئت‌ها و گروه‌هایی که قصد تشرّف به اسلام را داشتند، به مدینه‌النبی می‌آمدند و وارد مسجد می‌شدند. اسیران جنگی را در مسجد جای می‌دادند و تا آزادی و مسلمان شدن در آن نگاه‌داری می‌شدند.

پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در بسیاری موارد، تازه مسلمانان را به صورت فردی در مسجد آموزش می‌داد و گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی زیادی میان هیئت‌های اعزامی قبایل گوناگون به مدینه صورت می‌گرفت و جایگاه این گفت‌وگو، جایی جز مسجد نبود.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله با هیئت‌هایی که به حضور می‌پذیرفتند، به مذاکره دینی و اجتماعی می‌پرداختند که این برنامه‌ها مضاف بر جنبه‌های سیاسی، به منظور گرویدن به اسلام، بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی سامان می‌یافت.

محیط فرهنگی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه ایجاد کرده بودند، ایجاب می‌کرد که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان مسابقه شعر و سخنرانی در مسجد برگزار شود و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با بردباری با چنین مسائلی برخورد می‌کردند.

مسجد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به عنوان کانون عشق و مودت میان مسلمانان مدینه در آمد و نقش بسزایی در ایجاد فضای معنوی ایفا نمود تا زمینه مناسب برای اجتماع معتقدان به پیام وحی ایجاد شود.

اهمیت و نقش مسجدالحرام، هرگز از نگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پوشیده نبود؛ ولی چیرگی قریش و مشرکان، امکان پی‌ریزی فعالیت را از آن سلب کرده بود؛ اما با فتح مکه و اداره سیاسی آن شهر، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را در این مرکز مقدّس شروع نمود و به ترویج مبانی دینی دست زد و با انجام کارهایی که به گونه‌ای اداره امور حکومت اسلامی بود، قدم در راه سازندگی و تلاش برای برپایی پایگاه فعالیت‌ها گذاشت.

در وصف و تحلیل جایگاه مسجد النبی و جایگاه آن در مدینه باید گفت که آنچه مکه و مدینه را مکمل هم می‌کند، این است که مکه از یک جهت مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جایگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنیاد نهاد و این مسجد، مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گشت و نخستین کار برگزیده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه، ساختن این مسجد بود. این بنای مقدس، به همراه بارگاه مطهر حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله، بر سیمای شهری و معابر و فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی مدینه اثر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است و مدینه به برکت این بناهای مبارک، حرمت زیادی به دست آورده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: حضرت ابراهیم علیه السلام مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم قرار دادم.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری بر پا کرد و خانه‌های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان بی‌خانمان و اهل تعبد تحت عنوان اصحاب صُفّه، در حوالی مسجد می‌خوابیدند. در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت و به همین دلیل است که ساختمان‌های مهم اجتماعی و عمومی و حیاتی در اطراف مسجد بنا شده بود که این خود، مدیریت ژرف و حساب‌شده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را به نمایش می‌گذاشت. علاوه بر آن، مسجد محل دادرسی و رسیدگی به امور سیاسی و اجتماعی مردم بود؛ بسیاری از اختلافات و گرفتاری‌های مردم در مسجد با پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در میان گذاشته می‌شد و در همان مسجد حل و فصل می‌شد. از این رو، بنای مسجد در بین بناهای موجود آن روز، مانند خورشیدی بود که خانه مردم از نور آن منور می‌شد و سایر بناهای مسکونی، همانند سیارات، به دور خورشید می‌چرخیدند و از پر توافکنی آن بهره می‌گرفتند.

۷. مسجد کانون شور و انتخابات

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد، اصول سیاسی اسلام را، به‌ویژه در اموری که می‌دانست مسلمانان از نظرات و تجربیات مفیدی برخوردار هستند، به شور و مشورت می‌گذاشت. در متون تاریخی آمده است که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله برای اتخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه بنام مسجد «عرق الظبیه» با اصحاب به مشورت پرداخت. به روایت انس، هنگامی که خبر آمدن ابوسفیان به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله

۱. صحیح مسلم، ج ۳، کتاب حج، ص ۱۳۶.

رسید، آن حضرت شروع به مشورت با اصحاب نمود. همچنین برای رفتن به جنگ احد در مسجد مدینه با مسلمانان به تبادل نظر همت گماشت.

چنان که در مشورت پیامبر خدا ﷺ اصحاب در رابطه با جنگ احد آمده است، گروهی از نوجوانان که در جنگ بدر حاضر نبودند، از پیامبر گرامی ﷺ خواستند که به سوی دشمن برود و اشتیاق خود را به شهادت ابراز کرده و گفتند: ما را به مقابله دشمن از مدینه بیرون ببر و اینان غلبه یافتند. پیامبر اکرم ﷺ روز جمعه با مردم نماز جمعه گزارد و آنان را پند و اندرز داد که تلاش و کوشش کنند و فرمود که یقین داشته باشند که اگر شکیبایی و پایداری کنند، پیروزی از ایشان خواهد بود و دستور فرمود که آماده رویاری با دشمن شوند. مردم بر بیرون شدن از مدینه دل خوش داشتند. چون پیامبر اکرم ﷺ نماز عصر جمعه را می گزارد، اطراف مسجد پر شده بود و مردم نواحی بالای مدینه هم آمده بودند. آنگاه رسول خدا ﷺ با عمر و ابوبکر به خانه رفت و آن دو در لباس پوشاندن و عمامه بستن، آن حضرت را یاری دادند و مردم صف کشیده منتظر آمدن پیامبر خدا ﷺ بودند. سعد بن معاذ و اسید ابن حضیر به مردم گفتند: شما پیامبر را وادار به خروج کردید و او نمی خواست و حال آنکه فرمان و دستور از آسمان بر او می رسد؛ اکنون هم کار جنگ را به خود او باز گذارید.^۲ همچنین، در جنگ خندق، وقتی خبر حرکت کفار قریش از مکه به پیامبر ﷺ رسید، مردم را فراخوانده خبر دشمن را برایشان گفت و با آنان مشورت فرمود. سلمان فارسی به حفر خندق اشاره کرد و مسلمانان از این پیشنهاد در شگفت آمدند.^۳ از این رو، برخی مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده اند.

۸. مسجد محلّ تدوین نامه ها و پذیرش سران قبایل و حکومت ها

در صدر اسلام، بیشتر امور مهم سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی، تقسیم غنایم، سخنرانی ها و ارشادات، نصب استانداران و فرماندهان، کتابت نامه های سیاسی، نظامی و ارسال پیام ها، اخذ تصمیمات اساسی و نظامی در مسجد انجام می شد. حتی پیامبر اسلام ﷺ در مسجد نمایندگان و سران قوم و قبایل مختلف را به حضور می پذیرفتند؛ گرچه برای سکونت و استراحت این نمایندگان، خانه ای نیز در نظر گرفته شده بود.^۴ برخی از آنها با صلاح دید پیامبر اکرم ﷺ در خانه های انصار به طور موقت سکونت داده می شدند.^۵ برای برخی از آنها (مانند هیئت نمایندگی ثقیف، به دلیل طولانی بودن اقامت آنان در مدینه)، خیمه ای در

۱. دلائل النبوة، ج ۲، ص ۷۴.

۲. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۶۴.

۴. ابن شیبیه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، ج ۲، ص ۲۳۵.

۵. کتانی، عبدالحی، نظام الحکومة النبویة (الترتیب الاداریه)، ج ۲، ص ۴۴۹.

مسجد بر پا می‌شد. جایگاه اصلی این گونه گفت‌وگوها جایی جز مسجد نبود. از این‌رو، نمایندگان قبیله «ثقیف» و نیز نمایندگان «اسقف نجران» در مسجد «عرق الظبیه» به حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسیدند.^۲ یکی از ستون‌های مسجد نامش «استوانة الوفود» (ستون هیئت‌ها) بود. این ستون، جایگاه ویژه‌ای برای پذیرش و دیدار با هیئت‌های نمایندگان قبایل و دولت‌ها و مذاهب خارجی بود و در همین مکان (ستون) مسجد بود که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دیدار با این هیئت‌ها را انجام می‌دادند.

واقعی در مغازی آورده است که ده نفر از رؤساء و برگزیده‌گان بنی تمیم به مدینه آمدند. آنها در صحن مسجد نزد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله آمدند و عطار دبن حاجب تمیمی را پیش آوردند که خطابه بخواند. او خطبه‌ای ایراد کرد. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به ثابت بن قیس فرمود: برخیزد و خطبه ایشان را پاسخ گوید. ثابت برخاست و با عدم آمادگی قبلی خطبه‌ای خواند. وقتی ثابت بن قیس نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله، اجازه فرماید تا شاعرمان شعری بخواند. چون آن حضرت اجازه فرمودند، زبرقان بن بدر را بلند کردند و او ابیاتی را سرود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ‌شان را بده و او برخاست و اشعاری سرود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان خوشحال بودند. نمایندگان که آمده بودند، با یکدیگر خلوت کردند. یکی از ایشان گفت که به خدا قسم بدانید که این مرد از طرف خدا تأیید می‌شود و کارهایشان به مراتب از ما خردمندانه‌تر هستند.^۳ پس از آن، هیئت بنی تمیم مسلمان شدند. به دلیل همین، پذیرش هیئت‌های خارجی در مسجد و گفت‌وگو با آنها، برخی مسلمانان به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ای رسول خدا، آیا ایشان که مشرک هستند، می‌توانند در مسجد وارد شوند؟ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌گفتند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند.^۴

پیمان «حدیبیه» فکر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را از ناحیه جنوب مکه آسوده ساخت و در پرتو این آرامش، گروهی از سران عرب به آئین اسلام گرویدند. در این هنگام، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرصت را غنیمت شمرد و با زمام‌داران وقت و رؤساء و قبایل و رهبران مذهبی مسیحیان جهان آن روز، باب مکاتبه را باز نمود و آئین خود را به ملل زنده جهان آن روز عرضه داشت.

از نامه‌هایی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به امراء و پادشاهان و رؤسای قبایل و شخصیت‌های برجسته معنوی و سیاسی نوشته است، ۱۸۵ نامه در دست است که برای تبلیغ و دعوت به اسلام و یا به عنوان میثاق و پیمان

۱. همان، ص ۴۴۷.

۲. همان.

۳. واقعی، المغازی، ص ۷۴۲-۷۴۶.

۴. همان، ص ۷۳۳-۷۳۶.

نوشته شده است.^۱

به گواهی تاریخ، تدوین و تنظیم همه یا اکثر نامه‌های سیاسی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مناطق مختلف و رؤسای کشوری، در مسجد صورت می‌گرفت. تا جایی که برخی نوشته‌اند، پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مسئله دعوت زمامداران به اسلام و نامه‌نگاری به آنها را، مانند سایر مسائل مهم، در یک شورای بزرگ مطرح می‌ساخت. روزی به یاران خود چنین فرمود: بامدادان، همگی حاضر شوید تا امر مهمی را با شما در میان بگذارم. فردای آن روز، پس از ادای فریضه صبح در مسجد، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به یاران خود چنین فرمود: «بندگان خدا را نصیحت کنید. کسی که سرپرست امور مردم شد و در هدایت و راهنمایی آنان نکوشید، خدا بهشت را بر او حرام کرده است. برخیزید و پیک رسالت، در نقاط دور دست شوید و ندای توحید را به سمع جهانیان برسانید؛ ولی هرگز مانند شاگردان حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام با من مخالفت نکنید. یاران از آن حضرت سؤال کردند که آنها چگونه با حضرت عیسی عَلَيْهِ السَّلَام از در مخالفت وارد شدند؟ فرمود: او نیز مانند من گروهی را مأمور ساخت که پیک رسالت در نقاطی باشند؛ دسته‌ای که راه آنها نزدیک بود، فرمان او را پذیرفتند؛ ولی کسانی که راه آنها دور بود، از پذیرفتن فرمان وی سرپیچی کردند».

سپس، پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شش نفر از ورزیده‌ترین افراد اطی نامه‌هایی که رسالت جهانی آن حضرت در آنها منعکس بود، به نقاط مختلف روانه کرد. بدین ترتیب، سفیران هدایت از مسجد در یک روز رهسپار سرزمین‌های ایران، روم، حبشه، مصر، یمامه، بحرین و حیره (اردن) شدند.^۲

۹. مسجد رسانه امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دارای نقش بزرگ و سرنوشت‌ساز است. از این رو، در آیات و روایات، این مسئله بر هر مسلمانی واجب شده است. هر فردی به اندازه توانایی خود در قبال این فریضه الهی مسئولیت دارد. گرچه انجام امر به معروف و نهی از منکر منحصر به مکان خاصی نیست؛ اما مسجد بستر مناسبی برای تحقق این دو فریضه مهم الهی است؛ زیرا مسجد محل حضور و تجمع نیروهای زنده و برگزیده است. در روایات آمده است: «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدُهَا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا حَبِيبُهَا؛ از هر جمعی، تنها آنان که (در فضائل) از همه برترند و به منزله الگو برای گروه خود هستند، به مسجد می‌آیند».^۳ مسجد، پایگاه جوان مردانی است که در مقابل تعرض در برابر مقدسات دینی بر می‌آشوبند و عرصه را بر

۱. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۰۸.

۲. الظبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۴۹.

۳. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۷.

متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کنند.^۱

چنان‌که در سال ۱۳۸۵ مسلمانان علیه اهانت به نبی مکرم اسلام (ﷺ) توسط روزنامه‌های غربی و در رأس آن روزنامه دانمارکی برآشفتنند و از مساجد، راهپیمایی خود را آغاز و به سفارت‌خانه‌های آنان ختم نمودند و با شعارهای کوبنده و انقلابی از مقدّسات اسلام دفاع کردند.

مسجد، جایگاه گردآمدن فرزندان مکتبی است؛ آنان که با یک دست قرآن و با یک دست دیگر سلاح برگرفته‌اند. این حضور، نشان قدرت و عزّت اسلام و مسلمانان است و سبب می‌شود تا خیره‌سران نتوانند بر حریم دین اهانت و تجاوز کنند. آضمن اینکه اجتماع در مسجد، خود اقامه یک معروف بزرگ الهی، یعنی «نماز» و دیگر شعائر اسلامی است. از سوی دیگر، در سایه تجمّع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین تشکّل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد اجتماعی پی‌ریزی نمود.

امام رضا (ﷺ) فرمود: «حضور در مسجد و نماز جماعت، جلوگیری از بسیاری گناهان است».^۲ به گواهی تاریخ، مسجد در عصر رسول خدا (ﷺ) یگانه رسانه و پایگاه ارتباطی پیامبر گرامی با مردم بود. در آن روزگار که رسانه‌ای جز مسجد وجود نداشت، این مکان مقدّس، محلّ مناسبی برای رساندن پیام پیامبر اسلام (ﷺ) به مردم بود؛ به‌ویژه در مسائل امر به معروف و نهی از منکر که بخشی از آن مربوط به حکومت اسلامی می‌شود؛ مانند «قضاوت» که در زمان پیامبر اسلام (ﷺ) در مسجد انجام می‌شد. بنابراین، مسجد، نخستین مکانی است که پیامبر اسلام (ﷺ) در آن به قضاوت و دادخواهی و حلّ و فصل اختلافات، منازعات و صدور احکام قضایی پرداختند و مکانی دیگری جز مسجد برای قضاوت آن حضرت نقل نشده است.^۳

فصل دوم: کارکرد سیاسی مسجد در عصر امام علی (ﷺ)

همان‌گونه که بیان شد، در دوران رسول مکرم اسلام (ﷺ) مسجد، از منظر سیاسی جایگاه و نقش محوری، در امور سیاسی و حکومتی آن حضرت داشت. پیامبر اسلام (ﷺ) وقتی مردم را با ندای «الصلاة مع الجماعة»، به مسجد فرا می‌خواند، مهم‌ترین مسائل سیاسی آن روز را در مسجد با جمع حاضران در میان می‌گذاشت و از همان جا تصمیمات لازم اتخاذ می‌شد. بعد از پیامبر گرامی (ﷺ) نیز این سیره ادامه داشته و در عصر جانشین بر حقّش علی (ﷺ) مانند عصر رسول خدا (ﷺ) مسجد، کارکرد سیاسی خود را حفظ نموده است.

۱. مستدرک، ج ۳، احکام مسجد، ح ۴.

۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ابواب نماز جماعت، ح ۹.

۳. همان.

۴. فرهنگ مسجد، ص ۲۱۲.

امام علی علیه السلام آنگاه که کوفه را مرکز خلافت قرار داد، در آغاز ورودش به شهر کوفه، به دارالاماره (قصر حاکم کوفه) که طی سال‌ها به قصری اشرافی تبدیل شده بود، نرفت؛ بلکه به مسجد کوفه رفت و آنجا را محل سکونت خویش قرار داد و در همان مسجد، به تدبیر امور پرداخت. اُسودبن قیس می‌گوید: بارها دیدم که حضرت علی علیه السلام در رحبه (ساحت مسجد، داخل مسجد) مسجد کوفه مردم را اطعام می‌کرد.^۱ مسجد کوفه، از عصر خلافت امام علی علیه السلام خطرات تلخ و شیرین فراوانی به همراه دارد؛ شاهد نیایش‌ها و عبادت‌ها و تهجدهای شبانه امام علی علیه السلام بوده است؛ از خطابه‌های فصیح و بلیغش و از شکوه‌ها و ناله‌های جان‌سوزش خاطره‌ها دارد و جهاد و تلاش و انفاق و اطعام در راه خدا و دادرسی‌های حکیمانه‌اش را هرگز فراموش نمی‌کند.

از همه مهم‌تر و جالب‌تر اینکه امام علی علیه السلام که یگانه مرد سیاسی در چارچوب سیاست اسلامی و سرباز فداکار اسلام در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، در مسجد متولد، در مسجد با بیعت مردم به خلافت ظاهری رسید و در مسجد به شهادت شد؛ آنگاه که ابن‌ملجم ملعون، آن شقی‌ترین انسان‌ها، فرق‌نازینش را شکافت و محراب مسجد کوفه از خون سرخش رنگین شد و ندای «فرت و رب الکعبه» اش به ملکوت رسید، این مسجد کوفه بود که ملکوتیان و عرشیان، ندبه‌کنان به سوی آن توجه کردند و ندای «هُدَمْتُ وَاللَّهِ اِرْكَانُ الْهُدَى» سر دادند.

ناگفته پیدا است که پیوند حضرت علی علیه السلام با مسجد، یک پیوند الهی و تکوینی بوده است. بنابراین، آن هنگامی که به خلافت ظاهری دست پیدا می‌کند، برنامه کاری آن حضرت در امور حکومتی و سیاسی نیز جایی جز در مسجد انجام نمی‌شده است. از این رو، مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی مسجد در زمان آن حضرت را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

الف) محل جمع‌آوری تجهیزات نظامی

رابطه مسجد و سیاست را می‌توان از اینجا نیز دریافت که بیت‌المال مسلمانان همیشه در مسجد اصلی شهر نگهداری می‌شد. به نوشته بسیاری از تاریخ‌نویسان، در صدر اسلام تنها مسجد، محل امن و مطمئن برای نگهداری و حفظ بیت‌المال مسلمانان بوده است. چنان که حضرت امیر مؤمنان علیه السلام بعد از جنگ جمل بر تمام کشته‌شدگان جنگ جمل از موافق و مخالف، نماز خواند و آنان را به خاک سپرد و سپس همه اسباب و تجهیزات جنگ را جمع‌آوری نموده، به مسجد بصره انتقال داد و دستور داد که هر کس اگر چیزی از اموالش را می‌شناسد، بر دارد، مگر سلاحی که از خزانه بوده یا دارای نشان حکومت باشد. وی تأکید کرد تنها آنچه از

۱. جعفریان، رسول، سیره خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان.

امکانات و مال خداوند بر ضد لشکر من به کار برده‌اند، به عنوان غنیمت برداشته شود.^۱

ب) مسجد محل بیعت

یکی از مصادیق بارز مسجد به عنوان کانون عبادی سیاسی در زمان حضرت علی علیه السلام این بود که مسجد به عنوان محل بیعت (انتخابات) شناخته شد. اخذ آراء عمومی در مورد رئیس حکومت اسلامی، «بیعت» نامیده می‌شود. بنا بر اهمیت موضوع، ضرورت داشت که از اصولی تبعیت نماید:

نخست: اسلامیت و تقدس کار، در آن ظاهر باشد.

دوم: اخذ آراء در یک جو سالم، غیر شعاری و به‌طور کامل آزاد انجام شود.

سوم: محل اخذ رأی از یک نظم و نسق خاصی برخوردار باشد.

چهارم: رأی‌گیری در مجامع عمومی انجام گیرد تا مردم شاهد نحوه رأی‌گیری و مقبولیت نظام باشد.

پنجم: رأی‌دهی به‌طور علنی باشد تا در قبال مسئولیت‌های نظام، حجت بر همگان تمام باشد.

بر این اساس بود که امام علی علیه السلام زمانی که متوجه هجوم مردم به خانه‌اش برای «بیعت» گردید، ابتدا مصرانه از این امر امتناع ورزید؛ اما از آنجایی که مردم اصرار کردند و بنا بر مصالح نظام اسلامی، ناگزیر از پذیرش مسئولیت شدند و چنین فرمود: «لا تفعلوا، فانی اكون وزيراً خيراً من ان اكون أميراً، فقالوا: لا والله ما نحنُ بفاعلين حتى نبایعک، قال: ففی المسجد، فإن بیعتی لا تكون خفياً (خفیه)؛ این کار را نکنید؛ اگر من وزیر باشم بهتر است از اینکه امیر باشم. مردم گفتند: نه؛ به خدا قسم ما کاری انجام نمی‌دهیم، مگر اینکه با تو بیعت کنیم، امام علیه السلام فرمود: پس در مسجد باشد؛ بیعت با من نباید مخفی و سرّی باشد».^۲

وقتی بعد از وفات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، برخلاف آنچه که نباید رخ می‌داد، عده‌ای در قبیله بنی‌ساعده جمع شدند و ابوبکر را به خلافت نامزد کردند. ابوبکر برای اینکه خلافتش را در ظاهر مشروعیت ببخشد، اصرار داشت که از علی علیه السلام بیعت اخذ کند. بدین منظور، از علی خواست با او بیعت نماید. امام علی علیه السلام با اینکه در واقع، او را قبول نداشت (چون خلافت حق مطلق او بود)، با وجود این در رابطه با بیعت چنین اظهار داشت: میعادگاه ما و شما، برای بیعت، فردا در مسجد جامع ان شاء الله.^۳

ابو ثور می‌گوید: در موقعی که عثمان در محاصره قرار داشت، من نیز در حالی که شمشیری در دست خود داشتم، در میان معرکه بودم؛ امام علی علیه السلام به من نگاه می‌کرد؛ نه مرا به کاری امر می‌کرد و نه از کاری باز

۱. ترجمه تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۷۱.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۰۶۶.

۳. امامت و سیاست، ص ۲۹.

می‌داشت. وقتی که مردم با حضرت علی علیه السلام بیعت می‌کردند، من به دنبال او بیرون رفتم، در حالی که مردم در پیرامون او گرد آمده بودند و با او بیعت می‌کردند. علی به دیواری از دیوارهای خانواده بنی‌حازن رسید. من به یک درخت نخل پناه بردم و مردم نیز میان من و علی قرار داشتند. به مردم نگاه می‌کردم؛ آنها در حالی که آنان دستانشان را دور تا دور علی گرفته بودند، خود را به علی می‌رساندند و با وی بیعت می‌کردند. پس از آن، علی به مسجد آمد؛ اولین کسی که بر منبر رفت و با علی بیعت کرد، طلحه بود. انگشتان دست طلحه لمس بود؛ علی این وضع را به فال بد گرفت و گفت: خدا این دست را نیافریده است که پیمان و بیعت خود را بشکند.^۱ طبری در رابطه با بیعت مردم با علی چنین اظهار می‌دارد: سخن از بیعت کنان و وقت بیعت علی علیه السلام بسیار گفته شد؛ اما او جز مسجد، جایی را نپذیرفت و چون وارد شد، مهاجران و انصار وارد شدند و با وی بیعت کردند؛ پس از آن مردم نیز بیعت کردند.^۲

ج) مسجد محلّ قضاوت و دادخواهی مردم

چنان‌که اشاره شد، مسجد نخستین مکانی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در امور حکومتی از جمله مسئله قضاوت و رسیدگی به حلّ و فصل منازعات مردمی و صدور احکام قضائی از آن استفاده کرده است. قضاوت، پس از نبی مکرم صلی الله علیه و آله همچنان در مسجد انجام می‌شد و این امر، به قدری رایج بود که بعد از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله این سیره ادامه داشت تا جایی که در مورد قضاوت حضرت علی علیه السلام چنین آمده است: «أَنَّه كَانَ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ لَهُ بِهِ دَكَّةٌ مَعْرُوفَةٌ بِدَكَّةِ الْقَضَاءِ؛ در مسجد کوفه، محلّی برای قضاوت علی بود که معروف به دکه القضاة بوده است».^۳

حضرت علی علیه السلام نه تنها خود در امر قضاوت در مسجد همّت گمارده است، بلکه به سایر قضات دستور می‌داد که در مسجد به قضاوت بپردازند. در روایتی آمده است که آن حضرت ضمن صدور دستوری، در امر قضاوت به شریح فرمود: «يَا شَرِيحُ! اجلس في المسجد، فإِنَّه أَعْدَلَ بَيْنَ النَّاسِ وَ إِنَّه وَهْنٌ بِالْقَاضِي أَنْ يَجْلِسَ فِي بَيْتِهِ؛ ای شریح، در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتر است. نشستن در خانه و قضاوت کردن موجب وهن قاضی است».^۴

۱. آفرینش تاریخ، ج ۲، ص ۸۸۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۲۸.

۳. عوالی اللّاهی، ج ۲، ص ۳۴۴ باب القضاة.

۴. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۴.

فصل سوّم: کارکرد سیاسی مسجد در عصر حاضر

محوریّت مسجد در امور سیاسی در صدر اسلام باعث شد که در زمان‌های بعد، این سنت دنبال شود. گواهی تاریخ و شواهد موجود، سردمداران حکومت هر چند به ظاهر اسلامی، امور سیاسی و کشورداری خودشان را با مسجد مرتبط می‌ساختند؛ به گونه‌ای که در هر شهر و برزن، مسجد جامع شکل گرفت و مسئولان حکومتی از طریق آن به بررسی مسائل منطقه پیردازند.^۱

مسلمانان در پی هر فتح می‌کوشیدند مسجد اصلی خود را در مرکز شهر و در مجاورت محلّ زندگی حاکم که به‌طور معمول «دارالاماره» نامیده می‌شدند، ایجاد کنند. در برخی شهرها، مسجد چنان نزدیک به «دارالاماره» ساخته می‌شد که هر دو ساختمان به ظاهر به هم متصل بودند. این پیوستگی نزدیک، نشانگر این عقیده همگانی بود که تمام قدرت سیاسی و مذهبی در دست حاکم است. در شهرهای ایران، از جمله اصفهان، تهران، قزوین، مشهد، نیز مساجد جامع با ارک (دارالاماره) یادارالحکومه ارتباط مستقیم و نزدیک داشته‌اند.^۲

این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، پیام‌هایی را به عصر حاضر منتقل می‌سازد که به مدد آن، می‌توانیم در برابر خصم و مخالف به عینیت سیاست و دیانت در اسلام، احتجاج کنیم و حجّت آوریم.

گرچه در مقطعی از ادوار تاریخی، این اعتقاد و بنیان، با تلاش افزون بنی‌امیه و بنی‌عباس کمرنگ شد و این امر باعث شد تا دارالخلافه و مسجد جدای از یکدیگر به کار خود ادامه دهند، با این حال، هنوز آن حالت وحدت تا حدودی حاکم بود. هنوز اُمت واحد اسلام، دستگاه حکومت و عبادت را یکجا می‌خواست. هنوز هم مسجد بیش از آنی که حاکمان می‌طلبیدند، در سیاست دخیل بود و سررشته خیلی اتفاقات را می‌شد در مسجد جستجو کرد.

آنچه که قصد بررسی آن را داریم، بحث این تغییر و تحوّل در قرن معاصر، البته به‌طور اجمال و خلاصه است؛ یعنی نقش مسجد، در برقرار کردن ارتباط میان دیوان و معبد، در دورانی که تقابل فکری بین دو نظریه سکولاریزم (دین‌زدایی) و عینیت دین و سیاست، باعث چنددستگی میان اُمت اسلامی گردیده است. البته اگر با تیزی بنگریم، همین تقابل نیز در آن سوی دنیا و در میان ملل غرب نیز چنددستگی ایجاد کرده است و این می‌تواند به ما یاری کند تا در این بازی میان نظریات، پیروز گردیم و عینیت دین و سیاست را

۱. جاسبی، عبدالله، نقش مساجد در اداره عمومی، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۳۱، ص ۵-۱۹.

۲. سعیدی رضوانی، عباس، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۱، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۳۷.

در جهان غالب کنیم.

نقش مسجد در امور سیاسی را از عصر مشروطه آغاز می‌کنیم. عصری که مبدأ تغییرات شگرفی در تاریخ ایران گردید. بنابراین، بحث را در این قسمت در چهار مقطع زمانی، به‌طور اجمال و گذرا پی‌گیری می‌کنیم:

الف) در عصر مشروطه؛

ب) در پیروزی انقلاب اسلامی؛

ج) در زمان جنگ تحمیلی؛

د) در تداوم انقلاب و حفظ ارزش‌های اسلامی.

الف) مسجد در عصر مشروطیت

در عصر مشروطه، می‌توان موارد متعددی را نام برد که برجستگی نقش مسجد را در وقایع سیاسی روز، نمایان می‌سازد. در آنچه که از تاریخ مشروطه به یادگار مانده و نگاشته شده است، می‌توانیم سررشته مشروطه‌خواهی را از «مسجد» پیدا کنیم؛ «بعد از چوب خوردن تجار در عمارت حکومتی، هیجانی بین تجار و اهالی بازار پیدا شد. متوسل به مرحوم طباطبایی مجتهد سنگلجی شدند. آقا دستور دادند که چند روزی را بی‌صدا مشغول کار خودتان باشید. پس از آنکه اقدامات من انجام شد، به شما اطلاع می‌دهم. ان‌شاءالله کار بزرگی را از پیش بر می‌داریم. این واقعه در سال ۱۳۲۴ قمری واقع شد... انقلاب ایران از اینجا شروع شد.»^۱ پس از این است که مرحوم طباطبایی، در مسجد چاله حصار تهران، سخنرانی‌های خود را آغاز می‌کنند و سنگ بنای حرکتی را می‌گذارند که تا چندی بعد به یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های ایران تبدیل می‌شود. پس از این واقعه، مسجد نقشی فراتر از آنچه که جایگاه عبادت محض تصور کنیم، بر عهده داشته است؛ به خصوص زمانی که مسجد در کنار یک بارگاه امام معصوم یا امام‌زاده‌ای هم واقع شده باشد. نقش حرم شاه عبدالعظیم حسنی و حرم حضرت معصومه علیها السلام در عصر مشروطه بر کسی پنهان نیست.

از جمله شاخصه‌های معروف، قیام مسجد گوهرشاد واقع در مشهد مقدس است که هم‌زمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) و زمزمه کشف حجاب توسط رژیم ستم‌شاهی، نطق‌هایی جهت آماده‌سازی اذهان عمومی توسط روحانیان آگاه از مسائل جاری ایراد می‌گردد و علمای مشهد به‌طور مخفی جلساتی را برگزار می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به‌طور مستقیم با رضاشاه مذاکره کند؛ اما ایشان در شهر ری بازداشت و ممنوع‌الملاقات می‌شود.

۱. محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، ج ۱، ص ۸۸.

در این برهه حسّاس، مسجد گوهرشاد محلّ تجمّع مردم و سنگر اعتراضات مردمی قرار می‌گیرد. اعتراضات با سخنرانی آتشین علما گسترده‌تر می‌شود. افشاگری نظام سلطه اوج می‌گیرد تا اینکه قزاقان در ۱۳۵۴ق، تیر ۱۳۴۱ش برای متفرّق ساختن مردم، آتش می‌گشایند و صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند. پس از آن، مردم با یک حرکت انقلابی به سوی مسجد گوهرشاد سرازیر می‌شوند و در آنجا شعارهای ضدّ سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضدّ حجاب‌زدایی سر می‌دهند که در این تجمّع، دو هزار نفر تا پنج هزار نفر توسط دژخیمان رژیم به خاک و خون کشیده شدند و یک هزار و پانصد نفر دیگر اسیر شدند؛ اما استقامت نه تنها خاموش نمی‌شود، بلکه شدّت می‌گیرد و کوس رسوایی رژیم سلطنتی به صدا در می‌آید.^۱

یکی دیگر از نمونه‌های بارز نقش مسجد در این عصر، تظاهرات روز عاشورای تهران، در سال ۱۳۸۳ق است که به دستور امام خمینی تَتَمُّ صورت می‌گیرد. در این تظاهرات، نقطه آغاز حرکت انقلابی، مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه سابق و نقطه پایانی سیل عظیم جمعیت، مسجد شاه (مسجد امام خمینی تَتَمُّ) است. در این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم می‌شود، اقشار مختلف جامعه از جمله بازاریان و دانشجویان با حمایت از روحانیان و مخالفت با رژیم پهلوی، پا به میدان می‌گذارند.^۲

مسجد سیّد عزیزالله، مسجد شیخ علی، مسجد امین‌الدوله و مسجد آذربایجانی‌ها در شکل‌گیری هسته مبارزاتی اهمیتی ویژه داشتند؛ این مساجد مرکز ارتباط روحانیان و بازاریان بودند. مسجد شیخ عبدالحسین، واقع در بازار تهران که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است، مرکز فعالیت نیروهای مذهبی و تبلیغی و سیاسی بود. از این مکان مرحوم فلسفی در شب عاشورای ۱۳۸۳ق، به دلیل سخنرانی‌های کوبنده علیه رژیم ستم‌شاهی دستگیر و به زندان شهربانی منتقل می‌شود.^۳

ب) مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، تعریف مسجد به عنوان پایگاه اصلی و اساسی مسلمانان، نمود و جانی تازه و نوین یافت. روحانیان و اصحاب حوزه، توانستند با نفوذی که در مساجد داشتند، اقشار مختلف مردم را در جریان مسائل و اخبار روز قرار دهند. در آن زمان به دلیل تحریم تلویزیون از طرف اقشار مذهبی، مسجد، وظیفه نشر اخبار را نیز در برنامه خود قرار داده بود. بدین شکل که اجتماع نمازگزاران در مسجد، اخبار را خود به خود و سینه به سینه منتقل می‌کرد. گاه نیز امامان جماعت در حین سخنرانی‌های خود این

۱. سینا، واحد، قیام گوهرشاد، ص ۴۷-۵۰؛ بصیرت منش، حمید، علما و رژیم رضاخان، ص ۴۶۷-۴۷۰.

۲. نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۰ خرداد ۱۳۰۲، ص ۵۲ و ۵۳.

۳. خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، ص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، و ۲۷۴.

اخبار را به اطلاع نماز گزاران می‌رساندند.

پس از تبعید امام خمینی ره از ایران، برای مسجد و مسجدی‌ها، یکی از مهم‌ترین اخبار، اخبار مربوط به این شخصیت سیاسی - مذهبی بود. در این دوران، حلقه‌های مبارزه در زیر چتر مساجد شکل گرفت. بهانه‌های متفاوتی برای جذب اقبشار مختلف مردم، به خصوص جوانان به سوی روند مبارزه با رژیم، در مسجد به وجود آمد که از آنها می‌توان به کانون‌های قرآن اشاره کرد.

آموزش قرآن، نه فقط بر اسلامی بودن حرکت مردمی، مهر صحت می‌گذاشت و نه تنها باور مذهبی را در میان ملت تقویت می‌کرد، بلکه چتر و نقاب بسیار مناسبی بود تا همراه آموزش معارف قرآنی به جوانان، ایشان را با روند مبارزه نیز آشنا نمود.

این حلقه‌ها که در سراسر کشور به صورت پراکنده‌ای شکل گرفته بود، چندی بعد و در پی انتشار بیانیه‌ها و اعلامیه‌های حضرت امام ره و وظیفه پخش و نشر این اعلامیه‌ها را نیز عهده‌دار شد. در آن زمان، این اعلامیه‌ها دارای اهمیت فراوانی بود و رژیم با کسانی که این اعلامیه‌ها را پخش می‌کردند، به شدت مقابله می‌کرد و مسجدی‌ها که اینک خود را وارد عرصه نوینی از زیست اجتماعی کرده بودند، این وظیفه را در متن فعالیت‌های دیگر خود در مسجد کرده بودند.

البته در اینجا نقش سازنده مسجد را می‌توان به عنوان یک دژ و سنگر در سازمان دهی و جهت‌دهی افراد، بیشتر نمایان دید. به نحوی که اشخاص گوناگون در مسجد حضور پیدا می‌کردند و پس از جذب توسط مذهبیان، در مسیر فعالیت‌های سیاسی قرار داده می‌گرفتند؛ یعنی مساجد، کانونی برای شناسایی و جذب اشخاصی که پا در عرصه و دستگاه عبادی اسلام می‌گذاشتند، بود و به کارگیری ایشان در دستگاه سیاسی و حکومتی اسلام در این مکان روحانی پی‌ریزی و پی‌گیری می‌شد.

به اعتراف تاریخ، مساجد در این دوران وظیفه خویش را به خوبی انجام دادند. در این دوران بود که اهمیت مساجد، به فعالیت‌های سیاسی کسانی بستگی داشت که در آنجا نماز می‌خواندند. در این دوران بود که مساجد با امامان جماعت خود شناخته شد و مردم، مساجد را با عنوان و نامی غیر از اسم نوشته شده در سردر آن مسجد می‌شناختند؛ به عنوان مثال، مسجد هدایت را که پایگاه آیت‌الله طالقانی بود، می‌توان به عنوان یکی از پر رنگ‌ترین مساجد در این روند محسوب نمود. مسجد قبا، الجواد از نمونه‌های فراوان دیگری است که شاخصه مشترک همه آنها فعالیت جدی امامان جماعت آنها در مبارزه با رژیم و شرکت در نهضت امام خمینی ره بوده است.^۱

۱. سایت کانون اندیشه جوان، مقاله میثم رمضان علی، کارشناسی فقه و اصول اسلامی.

ج) مسجد در زمان جنگ تحمیلی

این سال‌ها به عنوان سال‌های سرنوشت‌ساز برای شروع حرکت حکومتی و در عین حال انقلابی مردم ایران، حساسیت ویژه‌ای داشت. در این مرحله و در پی تثبیت نظامی که آرمان اقصای مختلف مردم و به خصوص مسلمانان بود، مساجد به عنوان محلی برای اطلاع مردم از روند انقلاب شناخته می‌شد؛ به همان شکل که پیش از آن و در سال‌های پیش از ۵۷ نیز بود.

البته این بار و در پی تصرف مراکز خبری از جمله رادیو و تلویزیون، مساجد باید به دنبال نقشی جدیدتر می‌گشتند که متناسب با آن بتوانند در روند شکل‌گیری نظامی که به گمان بسیاری نظام متصل به قیام مهدی عج، دخیل و شریک باشند. در پی فعالیت روحانیان در مساجد در دوره قبل، برخی از مساجد به نام ایشان شناخته می‌شد، نه به نام مسجد. به طور مثال، مسجد آیت‌الله طالقانی و ...

این ویژگی‌ها باعث می‌شد تا مردم برای ملاقات با این روحانیان که در کسوتی متفاوت و در قالب مقامات حکومتی نیز شناخته می‌شدند، به این مساجد رغبت خاصی نشان بدهند. اینجا نیز نقش حکومت و دین با هم نسبتی دیگر پیدا کرد. تا قبل از این، مسجدی‌ها که رویاروی حکومت، تلفیق حکومت و سیاست را موجب شده بودند، باید در مرکز عبادی خویش به یاری حکومت می‌شتافتند و این جنبه‌ای دیگری از وحدت سیاست و عبادت را نمایان می‌کرد. در چنین شرایطی بود که همسایه ایران، به وسیله قدرتی دیکتاتوری، که بعدها به همسایگان دیگرش نیز یورش برد، به ایران حمله کرد و باعث گردید تا مراکز دینی مسلمانان، علاوه بر نقش هدایت‌گری به عنوان مراکز جهادی نیز شناخته شوند. مساجد به عنوان مناسب‌ترین و بهترین مرکز برای سازمان‌دهی نیروهای انقلاب و مرکزی برای اعزام نیرو به صحنه رویارویی حق و باطل تبدیل گردید. شور و شوق ایجاد شده در پی فرمان جهاد ولی امر مسلمانان و شوق به جانبازی و جان‌نثاری در راه اسلام، دستگاه عبادی اسلام را به همان دستگاهی مبدل کرد که در دوران طلایی حکومت و مبارزه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بود.

مسجد، در دوران خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، گاه مکانی برای جهاد و سازمان‌دهی نیروها در غزوات و نبردهای صدر اسلام بود. اکنون و پس از این همه سال، این مساجد به دوران طلایی خود باز می‌گشتند و به دامان صدر اسلام پناه می‌بردند تا بگویند که این اسلام و این نبرد در برابر باطل، همان است که در صدر اسلام نیز بوده است.

جدای از این، امام خمینی ره نیز اقامتگاهش را در جنب مکانی به سیاق مسجد قرار داد تا به دیگران بفهماند که دستگاه عبادی و سیاسی در اسلام، یکی است و غیر از مسجد را بر نمی‌تابد و از همین مکان بود

که پیامش را به همه جهانیان ابلاغ می‌کرد و غرب و شرق را به تحیّر وامی‌داشت. مکان نماز جمعه در میان دانشگاه تهران قرار داشت؛ همچنان که در صدر اسلام این چنین بود و مسجد، مدرّس نیز بود. دانشکده‌های کنونی، جلوه‌ای از حلقه‌های آموزشی هستند که در مساجد سال‌های اوّل ظهور اسلام بر پا بود. حلقه‌هایی که تفسیر و قرائت قرآن در آنها بر قرار بود.

د) مسجد در تداوم و حفظ ارزش‌های اسلامی

در سال‌های بعد از جنگ، دوره‌ای قرار داشت که یاوران رهبر کبیر انقلاب، پس از جنگی فرسایشی، اما ارزشی، به مأمّن سابق خود، مسجدها، پناه بیرند. حال و هوای سال‌های مقاومت در پوست و خون این ملت نفوذ کرده بود و نمی‌توانست در مأمّنی به غیر از مسجد آرام بگیرد. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که در آغاز این مقطع زمانی، دنیا را بدرود گفته، زعامت و رهبری را به خلف صالح پس از خود، رهبر معظّم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ سپردند، مدفنش را نیز مسجودوار قرار دادند تا بگویند که این انقلاب، از نوع انقلاب صدر اسلام است و رهبرش مانند رهبر آن انقلاب، در مدفنی به سیاق مسجد مدفون است که آرام خواهد گرفت.

از طرف دیگر، بسیجیان بازگشته از جنگ، به دامن همان مکانی رو آوردند که از آن به جبهه اعزام شده بودند. اینان بهتر آن دیدند تا با تشکیل منظم پایگاه‌های بسیج در مساجد، تا حدّ امکان خاطره آن سال‌ها را زنده نگه دارند. بنابراین، چنین شد که پایگاه‌های بسیج پس از ساخت هر مسجد به عنوان اوّلین دستگاه و مرکز، در مسجد مستقر شدند. مسجد، این باور را تقویّت کرد که هر کاری، آغازش مسجد باید باشد و مسجد مانند کلیسا و معبد نیست که فقط عبادات فردی را بطلبد، بلکه اسلام، دینی نه فقط در عرصه خصوصی، بلکه اجتماعی سیاسی هم است.

جایگاه سیاسی مسجد از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، مساجد نیز همانند دوران صدر اسلام جایگاه واقعی خود را باز شناختند؛ به طوری که نیروهای فعال در مساجد به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند. به گونه‌ای که از آن پس، مساجد نقش پایگاه ارتباطی مردم را به عهده داشتند و در شرایط حسّاسی که نهضت اسلامی فاقد هر گونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کرده و به انسجام نیروهای مردمی پردازند. علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌های انقلاب، مانند رفرا ندوم، شوراهای محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان، در مساجد انجام می‌گرفت.

برای اینکه به جایگاه اصلی مساجد در عصر کنونی، به ویژه در بعد سیاسی آن بعد از انقلاب اسلامی ایران با مقایسه به جایگاه سیاسی و نقش مسجد در دوران صدر اسلام پی ببریم بجا است که به شاخص های نقش مسجد از منظر بزرگ مرد تاریخ و رهبر فرزانه انقلاب بپردازیم؛ زیرا او بود که توانست جایگاه اصلی مساجد و کارایی آن را در ابعاد مختلف، همچون صدر اسلام به تصویر بکشد و یک بار دیگر خاطره های شیرین دوران رسول خدا ﷺ و جانشین برحقش، علی مرتضی (علیه السلام) را نسبت به مساجد زنده سازد.

۱) مسجد سنگر سربازان اسلام

با بررسی نقش مسجد در مبارزه علیه کفر و الحاد، این نکته به دست می آید که چشمه زلال مبارزه و نهضت علیه باطل در طول تاریخ از مسجد جوشیده است و این مکان الهی بود که توانست به قیام مقدس مردم ایران که به برقراری حکومت اسلامی انجامید، نیرو و توان ببخشد و همه این مبارزات و پیروزی ها بر محور سفارشات و رهنمودهای آن پیر فرزانه و بت شکن زمان بود. او بود که بر پایه شناختی که از موقعیت و نقش مسجد داشت، خطاب به مسلمانان جهان می فرماید:

«اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست، پس مآمن و پناهگاه آنان در کجاست؟»^۱

۲) ترس دشمن از مسجد و مسجدها

از جمله ترفندهای استعمار و دشمنان داخلی و خارجی برای محو اسلام، خاموش کردن چراغ و رونق مساجد بوده است که این حيله خائنانه در رژیم گذشته تا حد زیادی مؤثر افتاد و اکنون نیز تمام سعی و تلاش دشمنان در خلوت کردن مساجد، به عنوان پایگاه ضد استکباری است.

آن بزرگوار با تأکید بر نقش محوری مسجد در خنثی کردن نقشه های دشمنان اسلام می فرماید: «اینها از مسجد می ترسند، من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم؛ شما دانشگاهی ها و شما دانشجوها، همه تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد».^۲

در جایی دیگر می فرماید: «مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید».^۳

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۵۱.

۳) مسجد کانون شکل‌گیری انقلاب و تداوم آن

با بررسی تحولات سال‌های سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و اهمیت مسجد در ابعاد مختلف به وضوح هویدا است. در آن موقعیت مردم و روحانیت با محوریت مساجد به مبارزه ادامه می‌دادند که نه در گذشته و نه در حال و آینده هیچ مکانی قابلیت این مرکزیت را ندارد و هم‌اینک نیز اگر مردم از این مرکز دور بمانند، موجب شادی دشمنان و تضعیف انقلاب خواهد شد. در آن موقعیت حساس، مسجد پایگاه عمده‌ای شد تا شاگردان و پیروان ایشان به همراه اقامه فرایض دینی و عبادی که دلیل حضور مردم در مساجد بود، پیام‌ها و اهداف امام خمینی ره را دریافت کنند.

آن بزرگ معمار انقلاب، با تأکید بر حفظ مساجد به عنوان اصل و اساس انقلاب می‌فرماید: «مسجد، محلی است که از آن باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما، برای اداره مسجد است»^۱.

۴) مسجد نقطه آغازین نهضت‌های اسلامی

در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مهم‌ترین نقش‌های مساجد، تدارک مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان به منظور جهاد با کفار بوده است. به عینه همین نقش در جریان نهضت روحانیان شیعه به رهبری امام خمینی ره در سال ۱۳۴۲ (ش) و پس از آن در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌شود. تأثیر این مکان مقدس در طول ۸ سال دفاع مقدس، در جذب نیروهای رزمنده بسیجی و آموزش آنها و نیز پشتیبانی و فعالیت‌های پشت جبهه، بر هیچ کس پوشیده نیست. مسلم و بدیهی است که اگر بیانات روشنگرانه آن پیر فرزانه نبود، مساجد نمی‌توانستند جایگاه حقیقی خود را به دست آورند و او بود که مساجد را مرکز جنبش‌ها و حرکات‌های اسلامی معرفی کرده و چنین می‌فرمود:

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکات‌های اسلامی بوده... از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است. از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامی و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبران قرار دهید...»^۲

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۵.

بر اساس همین دیدگاه است که متفکران و نویسندگان خارجی نیز به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی دانسته‌اند. حامد الگار نویسنده و منتقد بزرگ می‌گوید: «مسجد، هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به عنوان یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید. به‌طور خلاصه، مسجد به‌طور کامل چیزی شد که در عصر پیامبر بود»^۱.

۵) مسجد مرکز تشکّل‌های سیاسی و اجتماعی

نقش‌آفرینی عمیق دین در ایجاد تشکّل‌های اجتماعی موجب شده تا اسلام در ابتدای نظام‌دهی سازمان دینی خود، تأسیس مرکز تجمّع عمومی مسلمانان را با نام «مسجد» در اولویت قرار داده و اجتماع در آن را به نیکوترین وجه ستوده و شدیدترین تأکیدات را در راستای حفظ این سنگرهای توحیدی ابراز داشته است. حضرت امام بر اساس همین شناخت، بارها بر اهمیت اجتماع و حضور فعال در مساجد تأکید داشته و آن را موجب تقویّت اسلام و نظام می‌دانستند.

«مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها؛ اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائلی سیاسی را حل می‌کند، چه رفتاری‌ها را حل می‌کند، این‌طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیر مرد»^۲.
امام خمینی رَحْمَتُهُ عَلَيْنَا در جاهای مختلفی می‌فرمودند: «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. اجتماعاتتان را حفظ کنید. مساجدتان را محکم نگه دارید»^۳.

امام خمینی رَحْمَتُهُ عَلَيْنَا در سخنی دیگر می‌فرماید: «مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مساجدها جیش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتاد؛ [مسجد] مرکز تبلیغ احکام سیاسی - اسلامی بوده، هر وقت یک رفتاری را طرح می‌کردند صدای می‌کردند: «الصلوة مع الجماعة»، اجتماع می‌کردند، این رفتاری را طرح می‌کردند، صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است. اجتماعات خود را هر چه بیشتر در مساجد و محافل

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ۳۲۵.

۳. همان، ج ۱۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

و فضاهای باز عمومی برپا نمایید».^۱

۶) مسجد مرکز پشتمبانی انقلاب اسلامی

آنچه در تاریخ مسجد در سراسر ایران و در طول مبارزات و فعالیت‌های انقلابی به دست می‌آید، این است که مساجد، تنها جایگاهی بوده است که در جوی آکنده از وحدت و اخوت و معنویت، نیروهای مبارزه و مؤمن و شجاع را در خود جای داده و از این طریق در جهت بیداری و آگاهی بخشی به توده‌های بسیج و گروه‌های مختلف مردمی، رسالت خویش را عینیت بخشیده است. به همین دلیل است که دشمنان از مسجد به عنوان مرکز نیرومند پشتمبانی انقلاب و ستاد عملیاتی رهبر انقلاب اسلامی در هراس و وحشت بوده و بارها مساجد، آماج حملات دژخیمان رژیم سابق قرار گرفته و هم‌اینک نیز دشمنان داخلی و خارجی در صدد خلوت کردن و دور کردن مردم، به خصوص جوانان از مساجد هستند.

آن بت‌شکن زمان با درک این حساسیت دشمنان، بارها خطر جدایی انقلاب از مساجد را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمودند: «اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت کنید به مساجد».^۲

امام خمینی رضی الله عنه در بیانی دیگر می‌فرماید: «ای ملت، مسجد‌های خودتان را حفظ کنید، روشن فکر غربی نباشید. ای حقوقدان‌ها، مسجد‌ها را حفظ کنید؛ بروید به مسجد... تا این نهضت به ثمر برسد، مملکت شما نجات پیدا کند».^۳

«این یک توطئه است که می‌خواهند مسجد‌ها را کم‌کم خالی کنند. شما باید هوشیار باشید که مسجد‌هایتان و محراب‌هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که همه قدرت‌ها را در هم شکست؛ نه فقط ابرقدرت‌ها، قدرت‌های دیگر را نیز بدر هم شکست، نباید در اسلام سستی کنید. مسجد‌ها را محکم نگه دارید و پرجمعیت کنید».^۴

رهبر کبیر انقلاب با تیزبینی که در مسائل سیاسی اوایل انقلاب داشتند، خطر جدایی مردم و انقلاب را از مساجد حس می‌کردند و مراقب بودند تا ارتباط مردم با مسجد قطع نگردد. اسناد تاریخی نشانگر آن است

۱. همان، ج ۱۰، ص ۱۶ و ۱۷.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱.

۳. همان، ج ۸، ص ۶۰.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۱۹.

که ارتباط مردم با مساجد، نقش بسیار مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی داشته است و تداوم آن نیز بستگی به همین ارتباط دارد.

از جمله مواردی که نشان‌دهنده اهمیت زیاد حضور مردم در مساجد را از دیدگاه حضرت امام نشان می‌دهد، پیامی است که اعلام کردند تا تمامی اسلحه‌هایی که در اوج تظاهرات و درگیری‌ها به دست مردم افتاده است، به مساجد تحویل داده شود. این پیام که با استقبال همگان مواجه شد، تأکید دیگری بر این مطلب است که علاوه بر اهمیت اجتماع و تجمع در مسجد، حتی رفت‌وآمد به این جایگاه الهی نیز دارای آثار و برکات و خنثی‌کننده نقشه‌های دشمنان است. در حالی که مکان‌های دیگر نظامی و انتظامی وجود داشت که می‌توانست به عنوان پایگاه جمع‌آوری اسلحه‌ها معرفی شود و این موضوع، چیزی جز اهمیت حضور و رفت‌وآمد به مساجد و پیوند و ارتباط جامعه با روحانیت نیست.

حضرت امام در بخشی از این پیام می‌فرمایند: «باید تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است، جمع شوند. هر کس اسلحه‌ای پیدا کرد، باید به مسجد محله خود ببرد و به امام جماعت مسجد تحویل بدهد و بعد این اسلحه‌ها از مساجد به کمیته آورده می‌شود»^۱.

به خاطر همین لزوم ارتباط است که در صدر اسلام و حتی بعد از آن، تمام خطابه‌ها و پیام‌ها و مشورت‌ها و نیز محل رفع مشکلات مردم، محل رسیدگی به اختلافات، حل مسائل حقوقی یا قضائی، مرکز آموزش، تعلیم و دانش‌اندوزی و ... در این مکان مقدس انجام می‌گرفته است.

۷) مسئولیت خطیر امام جماعت مسجد

بحث مهم دیگر در مسجد، مدیریت و امامت آن است. این رسالت ویژه و مهم، یعنی «امامت در نماز جماعت» نوعی رهبری و پیشوایی است که لازمه آن این است که امام جماعت در حد خود واجد کمال، خصال، روحیات و عملکردهای پسندیده‌ای باشد که همان کمالات در سطح بالاتری برای رهبری صالح جامعه اسلامی مطرح است.

با نگرشی اجمالی به تاریخ مساجد در می‌یابیم که مساجد تنها برای ادای فرائض دینی نبوده، بلکه علاوه بر پایگاه تجمع طبقات گوناگون اجتماع برای ادای وظایف شرعی و دینی، همواره پایگاهی برای استفاده‌های علمی، فرهنگی، آموزشی و ... برای جوانان بوده است و همان گونه که مساجد، محل تصمیم‌گیری‌های سیاسی و شروع بسیاری از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌ها بوده است، در مقابل، آن روزی که ارتباط با دین

و مساجد ضعیف یا قطع شده، ضعف و ناتوانی و شکست را برای ملت‌ها به دنبال داشته است. در تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی نیز مساجد نقش سازنده و مؤثر خود را در تقویت ایمان به هدف و همچنین، گردآوری طبقات گوناگون مردم، به خصوص جوانان ایفا کردند. با توجه به مطالب فوق، جایگاه و نقش مهم امام جماعت به عنوان اولین برنامهریز، هم در تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهره‌برداری مناسب و مفید از مسائل سیاسی، اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم، آشکار می‌شود. به همین دلیل است که در صدر اسلام مدیریت و امامت مسجدالنبی ﷺ به عهده شخص پیامبر ﷺ و در غیاب ایشان به عهده کسانی بوده است که به تشخیص آن بزرگوار صلاحیت امامت را داشته‌اند و توسط خود حضرت معرفی می‌شده‌اند.

حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز با توجه به نقش مهم مسجد در ابعاد عبادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی، وظیفه امام جماعت را بسیار گسترده‌تر از یک نماز جماعت می‌دانستند و لزوم شایستگی و احراز شایستگی امام جماعت را مورد تأکید قرار می‌دادند و بر این مسئله تأکید داشتند که استقامت هر مسجد و اهل مسجد بستگی به امام جماعت آن دارد؛ چرا که گاه عدم شایستگی او، موجب انحراف و دوری جماعتی از مسلمانان از مسیر حق می‌شود. آن فقید فرزانه می‌فرمودند: «استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجد به عهده امام مسجد است... گوینده‌ها باید [خود به راه] مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند. ائمه جماعات باید مستقیم باشند تا بتوانند دیگران را مستقیم کنند»^۱.

توجه خاص آن بزرگوار بر لزوم دقت و حساسیت در تعیین و نصب امام جماعت به خصوص در مساجد خاص و پرجمعیت تا آنجا بود که حتی در مواردی به شخصه امام جماعت برخی از مساجد را انتخاب و معرفی می‌کردند که این انتخاب‌ها از دو جنبه حائز اهمیت و قابل دقت است:

اول: تعیین و انتخاب امام جماعت مساجد به قدری مهم و حائز اهمیت است که در بعضی موارد رهبر حکومت اسلامی، به شخصه اقدام می‌فرمودند.

دوم: با توجه به تأکیدات مکرر آن بزرگوار بر نقش سیاسی، اجتماعی و نظامی مسجد، علاوه بر نقش عبادی آن، این مطلب به دست می‌آید که لازم است ائمه جماعات مساجد، افرادی آگاه به زمان و با تأیید علماء انتخاب شوند.^۲

۱. صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۹.

۲. برای آگاهی در مورد نمونه‌هایی از تعیین امام جماعت مساجد توسط شخص حضرت امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، رک: صحیفه نور، ج ۲۲ و ۱۹، صفحات ۲۰۵ و ۱۱۴.

۸) پیوند ناگسستنی مسجد و سیاست

مسئله حائز اهمیت دیگری که در صدر اسلام مورد توجه خاص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و مرحوم امام نیز به تبعیت از آن حضرت بر آن تأکید داشتند، مدیریت سیاسی مسجد است. اهمیت این موضوع به حدی است که اگر مسجد از سیاست اسلام دور بماند، آن گونه خواهد شد که دشمنان خواستارش بوده و سعی کرده‌اند تا مسجد و نماز جماعت را به محل صرف عبادت مبدل کنند، تا هیچ ضرر و خطری از این ناحیه متوجه آنها نباشد.

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از محور اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین بخش کار مساجد، در محور سیاست بوده است؛ چرا که مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و رژیم‌های استعماری جهان نیز از مسجد، بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند. بنابراین، همان گونه که مسجد از آغاز به عنوان خانه خدا و محبوب‌ترین مکان‌ها به عنوان نخستین کانون عبادی مطرح بوده است و همان طور که نخستین جایگاه دانش و مرکز تعلیم و تعلم قرآن و بحث و بررسی مسائل دینی بوده است، به همان نسبت به عنوان نخستین نهاد سیاسی در جامعه اسلامی، از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصول سیاسی اسلام را، به‌ویژه در اموری که می‌دانست مسلمانان از نظرات و تجربیات مفیدی برخوردارند، در مسجد به شور می‌گذاشت.

حضرت امام رحمته الله علیه در تبیین بعد سیاسی مسجد می‌فرمایند: «اما راجع به اسلام، شروع کردند به تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است مربوط به دعا و ذکر و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق و سیاست، کاری به آن ندارد؛ اسلام به حکومت کاری ندارد؛ به سیاست کاری ندارد. این را آن قدر تبلیغات روی آن کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند... که روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می‌کنم از این صنف کارها: درس بگویند و مباحثه بکنند و آن آداب شرعی را به مردم نشان دهد. آنها دیدند که نماز روحانیان و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد، هر چه می‌خواهند نماز بخوانند»^۱.

در جایی دیگر با بیان اینکه اسلام با سیاست آمیخته شده و اسلام بدون سیاست، اسلام نیست می‌فرمایند: «کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد، بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جای گیر کرده‌اند و حتی [برخی] آقایان، حالا باورش‌شان آمده است به اینکه اسلام با سیاست

جداست؛ این [اسلام] یک احکام عبادی بین بنده و خداست؛ بروید توی مسجدتان و هر چه می‌خواهید دعا کنید؛ هر چه می‌خواهید، قرآن بخوانید؛ حکومت‌ها هم به شما کار ندارند؛ اما این اسلام نیست».^۱

آن بزرگ‌مرد تاریخ در اوج اختناق رژیم ستم‌شاهی، یعنی سال ۵۲ می‌فرمایند: «وظیفه علمای اعلام و مبلغان است که جرائم اسرائیل را در مساجد و محافل دینی به مردم گوشزد کنند».^۲

البته ناگفته پیداست که سیاست مسجد با مسجد سیاسی که طرفداران هر گروه و جناح، این مکان مقدس را سیاسی و جناحی کرده و امام جماعت، نماز گزاران، سخنرانان و تمام برنامه‌های آن، طبق سلیقه آن گروه اجرا می‌شود، فرق می‌کند؛ چرا که با تعریفی که اسلام از مسجد عرضه می‌کند، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی «یک حزب» باشد، مسجد از یک سو، به «خدا» و از سوی دیگر، به «مردم» تعلق دارد. از این رو، نمی‌تواند زیر سیطره یک باند سیاسی قرار بگیرد و از آن به صورت مرکز فعالیت‌های تشکیلات گروهی استفاده شود.

حضرت امام رحمته‌الله علیه در خاطره‌ای می‌فرمودند: «در دوران رضاخان، من از یکی از ائمه جماعات سؤال کردم که اگر یک وقت رضاخان لباس‌ها را ممنوع کند و اجازه پوشیدن لباس روحانی به شما ندهد، چکار می‌کنید؟ او گفت: ما توی منزل می‌نشینیم و جایی نمی‌رویم. گفتیم: من اگر پیش نماز بودم و رضاخان لباس را ممنوع می‌کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می‌آمدم و به اجتماع می‌رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود».^۳

آنچه از لابه‌لای سخنان و پیام‌های حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه مشهود است، تأکید و سفارش بر اهمیت مسجد و اجتماع در آن است که پرداختن به تمامی آنها در این مقاله نمی‌گنجد؛ ولی آنچه از مجموع سخنان پیامبرگونه ایشان درباره نقش مهم و سرنوشت‌ساز مسجد در جامعه اسلامی به دست می‌آید، حفظ مسجد در راستای حفظ اسلام و دور نشدن از اهداف آن است.

به هر حال، مسلمانان و حکومت اسلامی مکلف هستند که دستورات و احکام دین را به بهترین وجه در تمامی ابعاد زندگی خود پیاده نمایند و از سوی دیگر، باید مراقب باشند تا مبدا به بهانه‌های مختلف (مانند مقدس بودن مسجد) توطئه جدایی دین از سیاست در جامعه و مسجد اجرا شود؛ چرا که یکی از جلوه‌های پیاده شدن احکام دینی در زندگی مؤمنان، توجه و اهتمام به مسائل و مشکلات سیاسی جامعه و تلاش برای رسیدگی و برطرف ساختن آنهاست و هیچ مکانی بهتر از مسجد برای هماهنگی این فعالیت‌ها وجود دارد و

۱. همان، ج ۳، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۷.

۳. ۴۲۰۰ داستان از نماز و عبادت امام خمینی رحمته‌الله علیه.

هیچ فضایی بهتر از جماعت مؤمنان، که خود، جلوه‌ای از بعد سیاسی نماز است، وجود ندارد. پس، شایسته است تا سفارشات و نصایح آن پیر فرزانه را به گوش جان بشنویم و به مقدار توان در اجرای آن بکوشیم تا زمانی که بفرموده آن عزیز، همه جا یک صبغه و رنگ اسلامی پیدا کند که اگر ان شاء الله این معنا تحقق پیدا کند، همه چیز ما اصلاح می‌شود.

کارکرد سیاسی مسجد در عصر حضور قائم آل محمد علیهم‌السلام

همان گونه که در صدر اسلام مسجد، مرکز فرمانروایی و دارالاماره حکومت نبوی و علوی بود و از آنجا به امور کشور رسیدگی می‌شد و در امور سیاسی، مسجد نقش محوری و قانون اساسی و اصلی اداره حکومت و رهبری جامعه را دارا بود، در عصر ظهور آخرین جانشین پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و مصلح جهانی و بنیان گذار حکومت واحد جهانی نیز، مسجد چنین نقشی خواهد داشت. چنان که از روایات استفاده می‌شود که حضرت مهدی علیه‌السلام همچون جدش رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از مکه ظهور می‌کند و مانند امیر مؤمنان علی علیه‌السلام کوفه را مقر حکومت خویش قرار می‌دهد و مسجد کوفه را دارالاماره خویش و مسجد سهله را محل سکونت خود قرار می‌دهد.

در مورد مقر حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام، امام صادق علیه‌السلام فرمود: «دار ملکه الکوفه و مجلس حکمه جامعها...؛ مقر سلطنت وی، شهر کوفه است و محل حکومتش، مسجد جامع کوفه...»^۱.

در مورد سکونت آن حضرت در مسجد سهله نیز روایات فراوانی وارد شده است: از جمله ابوبصیر می‌گوید که امام صادق علیه‌السلام فرمود: «کأنی أرى نزول القائم في المسجد السهله باهله و عياله؛ مثل اینکه قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش می‌بینم»^۲.

در روایت دیگر می‌خوانیم: «ما آتته صاحبنا إذا قام بأهله؛ همانا آن مسجد، منزل صاحب ما (حضرت مهدی علیه‌السلام) است؛ نگاه که با خاندانش بیاید»^۳.

نتیجه سخن

از مطالب یاد شده در می‌یابیم که مسجد، در صدر اسلام تنها محل عبادت، تعلیم و تربیت، خطابه و ... نبود، بلکه علاوه بر اینها، کارهای سیاسی نیز در آن انجام می‌گرفت؛ زیرا پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم علاوه بر رهبری دینی، فرماندهی نظامی جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشت و به تعبیری دیگر مسجد آمادگاه و رزمگاه

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، ج ۵۲، ص ۲۶۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵.

مجاهدان اسلام و محلّ طرّاحی نقشه جنگ و آماده‌سازی نیروها بود.

بر همین اساس، پیامبر اسلام ﷺ پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز بیشتر امور سیاسی آن روز، مانند معرفّی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و ... در مسجد صورت می‌گرفت.

به تدریج در دوره‌های مختلف تاریخی، بسیاری از حرکت‌های سیاسی مردم بر ضدّ حکومت‌های جابر و ظالم زمانه خویش، از طریق تشکّل‌های غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. اگرچه مساجد صحنه برخورد با حکومت‌ها بود؛ امّا نه به سبب درگیری مذهبی، بلکه به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. بنابراین، توده‌های مردم که با رهنمودهای علمای دین آگاه می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های جابر زمان اعلام می‌کردند.

همان‌گونه که در دوران پیامبر اسلام ﷺ مسجد از منظر سیاسی جایگاه و نقش محوری، در امور سیاسی و حکومتی آن حضرت داشت، در عصر حکومت امام علی (علیه السلام) نیز مسجد از کارکرد سیاسی قابل توجهی برخوردار بود. آن حضرت آنگاه که کوفه را مرکز خلافت قرار داد، در آغاز ورودش به شهر کوفه، به دارالاماره (قصر حاکم کوفه) نرفت؛ بلکه به مسجد کوفه رفت و آنجا را محلّ سکونت خویش قرار داد و در همان مسجد، به تدبیر امور پرداخت. امام علی (علیه السلام) که یگانه مرد سیاسی در چارچوب سیاست اسلامی و سرباز فداکار اسلام در عصر رسول خدا ﷺ بود، در مسجد متولّد، در مسجد با بیعت مردم به خلافت ظاهری رسید و در مسجد شهید شد.

آنگاه که ابن‌ملجم ملعون، آن شقی‌ترین انسان، فرق‌نازینش را شکافت و محراب مسجد کوفه از خون سرخش‌رنگین شد و ندای «فزت ورب‌الکعبه» اش به ملکوت رسید، این مسجد کوفه بود که ملکوتیان و عرشیان، ندبه‌کنان به سوی آن توجّه کردند و ندای «هُدْمَتِ وَاللّٰهُ اَرْكَانُ الْهَدٰی» سر دادند. بنابراین، پیوند امام علی (علیه السلام) با مسجد یک پیوند الهی و تکوینی بوده است. مسجد در عصر حکومت آن حضرت، محلّ جمع‌آوری تجهیزات نظامی، محلّ بیعت، محلّ قضاوت و دادخواهی مردم بوده است.

محوریت مسجد در امور سیاسی در صدر اسلام و عصر حکومت امام علی (علیه السلام) باعث شد که در زمان‌های بعد این سنت ادامه پیدا کند. بنابراین، مساجد در دوره‌های گوناگون همواره پایگاه‌های مطلوبی برای انواع فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شده است. چنان‌که در دوران قبل از انقلاب (عصر مشروطه)، در پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان جنگ تحمیلی نقش مؤثری داشت.

در پیروزی انقلاب، در شرایط حساسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کرده و به انسجام نیروهای مردمی پردازند. علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌های انقلاب، مانند فراندوم، شوراها، محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان جنگ تحمیلی در مساجد انجام می‌گرفت. به هر حال، مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و هم‌اکنون نیز استعمارگران جهان از مسجد بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. عزیزی، عباس، ۴۲۰ داستان از نماز و عبادت امام خمینی ره، تهران، انتشارات صلاة، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲. ابن شیبیه، عمر، تاریخ المدینة المنورة، قم، انتشارات دارالفکر.
۳. ابن قتیبه دینوری، امامت و سیاست، ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران، انتشارات قفوس، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۴. الاحسائی المعروف بابن ابی جمهور، محمد بن علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم، انتشارات سیدالشهداء علیه السلام، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۵. بیهقی، ابوبکر احمد، دلائل النبوة، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۱ هـ. ش.
۶. تمیمی مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۷. دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۸. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۹. سلیمان اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، قم، انتشارات آیات عشق، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۰. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۱۱. شیخ حر عاملی، محمد حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ هـ. ق.
۱۲. موسوی خمینی ره، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۹ هـ. ش.
۱۳. طبری، محمد، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۱۵. محدث نوری، مستدرک الوسایل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۶. مقدسی، مطهر، آفرینش تاریخ، ترجمه: محمد رضا شفیع کدکنی، تهران، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۱۷. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ هـ. ش.

۱۸. ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الكبرى، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۹. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، عالم الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۲۰. ———، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۱. یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۲۲. آمدی، عبد الواحد بن محمد تمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح: جمال الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق: میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ ه.ش.
۲۳. جهان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمد سیدگیلانی، دارالمعرفة، بیروت، بی تا.
۲۵. فیروزآبادی، نجم الدین محمد بن یعقوب، القاموس المحيط، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ه.ق.
۲۶. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرين، تهران، المكتبة المرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ه.ق.
۲۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، چاپ دوم، لبنان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ ه.ق.
۲۸. هارولد ج. لاسکی، مقدمه ای بر سیاست، ترجمه: منوچهر صفا، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۴۷ ه.ش.
۲۹. محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۰. حشمت زاده، محمد باقر، مسائل اساسی علم سیاست، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۱. موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی شریعت پناهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۲. خسرو پناه، عبدالحسین، جامعه مدنی و حاکمیت دینی، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۷۹ ه.ش.
۳۳. عبد الحمید ابوالمحمد، مبانی علم سیاست، تهران، انتشارات توس، چاپ هشتم، ۱۳۸۰ ه.ش.

۳۴. عبدالرحمن عالم، **بنیادهای علم سیاست**، تهران، نشرنی، چاپ نهم، ۱۳۸۱ ه.ش.
۳۵. فتحی و آجارگاه کورش، **تأملی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل)**.
۳۶. کتانی، عبدالحی، **نظام الحکومة النبویه (الترتیب الاداریه)**، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت، ۱۳۸۴ ه.ش.
۳۷. مفید، ابی عبدالله، محمدین محمدبن نعمان العکبری، **الارشاد**، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳۸. جعفریان، رسول، **تاریخ خلفاء (از رحلت پیامبر گرامی ﷺ تا زوال امویان)**، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ ششم، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۹. سعیدی رضوانی، عباس، **بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی**، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۱، ۱۳۶۷ ه.ش.
۴۰. جاسبی، عبدالله، **نقش مساجد در اداره عمومی**، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۳۱.
۴۱. بشریه، حسین، **دولت عقل**، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین (مرکز چاپ و نشر کتاب‌های علمی دانشگاهی)، چاپ دوم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۴۲. —، **جامعه‌شناسی سیاسی**، تهران، نشرنی، ۱۳۷۴ ه.ش.
۴۳. برتراند راسل، **قدرت**، ترجمه: نجف دریابندی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۴۴. بوازار، مارسل، **اسلام در جهان امروز**، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸ ه.ش.
۴۵. دیوید، مارش و جری استرکر، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه: امیرمحمد حاجی یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴۶. آنتونی کوئیس، **فلسفه سیاسی**، ترجمه: مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۷۱ ه.ش.
۴۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، **خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی**، تهران، فروردین ۱۳۸۲ ه.ش.
۴۸. واحد، سینا، **قیام گوهرشاد**، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۱ ه.ش.
۴۹. بصیرت منش، حمید، **علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ - ۱۳۲۰ ه.ش**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸ ه.ش.
۵۰. رهبری، حسن، **مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت**، تهران، دبیرخانه عالی کانون فرهنگی هنری مسجد، چاپ دوم.

نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی

سید مصطفی ابطی

چکیده

مسجد به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی و کانون تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستاست. این مرکزیت، نه تنها در چهره شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. اگر مسجد در تحقق انقلاب، نقشی محوری داشت، باید در تداوم و بقای آن نیز، با در نظر گرفتن متغیرهای جدید جامعه، کار کرد خود را بروز دهد. در این پژوهش، ضمن بیان مؤلفه‌های هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته، معتقدیم که در وضعیت جدید، مساجد و متولیان آن باید با تلاش مضاعف برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلام سیاسی بکوشند و با این رویکرد، شالوده تمدن اسلامی را با محوریت مسجد شکل دهند. این نوشتار، با تعریف مفاهیم و واژه‌ها، به نحوه شکل‌گیری انسجام و بسیج عمومی می‌پردازد. نقش مسجد به مثابه پایگاه اطلاع‌رسانی و سامان‌دهی، دو سرفصل مهم دارد که به شرح زیر هستند:

الف) مسجد به مثابه پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای؛

ب) مسجد به مثابه کانون هدایت و سازمان‌دهی.

عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی-روانی توده‌های بسیج شده عبارت است از:

۱- اسلامی کردن؛

۲- غرب‌ستیزی؛

۳- رهبری.

ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها، مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به نام مساجد برای توده‌ها

تبیین می‌شود. با رعایت برخی از امور به شرح زیر، روند کاری مسجد سریع‌تر پیش می‌رود:

۱. نظارت روحانی‌ها بر شبکه وسیع مساجد، تکیه‌ها، حرم‌های مذهبی و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی

به مثابه ابزارهای سازمانی آنها در سطح محلی، مجراهای برقراری ارتباط با مردم و اشاعه‌دهنده تبلیغات.

۲. حلقه‌ها و پیوندهای اقتصادی و شخصی روحانیان مسئول در مسجد با اقشار مستضعف و متوسط،

به‌ویژه بازاریان.

۳. استقلال نسبی مالی و سیاسی آنها از دولت.

در طول ۸ سال دفاع مقدّس، مساجد در اعزام و بسیج نیروهای مردمی نقش بسزایی داشتند. چالش نظامی

غرب با انقلاب اسلامی به چالش فرهنگی لیبرالیسم با اسلام تبدیل شد؛ نفوذ اندیشه‌های بیگانه از سوی

دشمنان یا دوستان نادان، تجدّدگرایی افراطی، بی‌پاسخ گذاشتن پرسش‌ها و شبهات، رخنه فرصت‌طلب‌ها و

ترک صحنه از سوی نیروهای انقلابی از آفت‌های مهمی است که انقلاب را تهدید می‌کند. امروز، متأسفانه

برخی جوانان ایرانی آن‌گونه که انتظار می‌رود، با مسجد مأنوس نیستند. در این نوشتار، به مهم‌ترین

علت‌های مسجدگریزی جوانان و راهکارهای جذب آنان به مسجد پرداخته شده است.

واژگان کلیدی:

بسیج، انقلاب، نقش بسیج‌گر مسجد در انقلاب، مسجدگریزی، تهاجم فرهنگی، جذب جوانان به مسجد.

مسجد، به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، کانون تجمّع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در شهر و روستا هست. این مرکزیت، نه تنها در چهره شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. در شهرسازی اسلامی مسجد، به مثابه پایگاه عقیده، در کنار بازار، مانند مرکز معیشت، در جوار حکومت و دستگاه دیوانی، به مانند کانون قدرت، نظام یکپارچه را تشکیل می‌دهند. به دلیل نزدیکی بازار به مسجد، داد و ستد، عادلانه و منصفانه صورت می‌گیرد و حکومت نیز به حرمت مسجد، رعایت حال رعایا را می‌کند. بنابراین، مسجد همه عناصر فرهنگی لازم برای حیات اجتماعی را دارد. مسجد، نخستین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی است که می‌تواند، با آگاهی بخشی، رسالت تاریخی خود را در جهت ارتقا شأن و جایگاه جامعه اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه اسلامی ایفا کند. این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه انقلاب اسلامی کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب بود و حیرت همه ناظران منصف را برانگیخت. برخلاف انقلاب‌های معمول جهان، انقلاب اسلامی، تشکیلات حزبی و سازمان‌دهی رسمی نداشت؛ اما مساجد هسته‌های اصلی تجمّع مردم و الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم بودند. گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شد، به گفتمان برتر بدل شد و همه گفتمان‌های چپ، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود حل کرد. اگر مساجد در تحقق انقلاب، نقش محوری داشتند، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز محور پیشرفت انقلاب باشند.

سؤال‌های اساسی

۱. نقش مسجد در تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی چه بود؟
۲. کارکردهای مسجد در حدوث انقلاب اسلامی معطوف به چه اموری بود؟
۳. در تداوم انقلاب اسلامی، مساجد با چه رویکردی قادرند در تعمیق، بسط و گسترش ایده پایداری حکومت دینی و قوام و دوام انقلاب اسلامی، با توجه به متغیرهای جدید جامعه ملی و جهانی بکوشند؟

فرضیه

مسجد، اکنون نیز کانون تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی است؛ زیرا علت محدّثه انقلاب همان علت مبّقیه انقلاب است. بنابراین، ماندگاری و تداوم انقلاب اسلامی در گرو بالندگی و کارآمدی ماهیت هسته بسیج‌گر انقلاب است.

تعریف مفاهیم و واژه‌ها

بسیج^۱: منظور از بسیج، توانایی بالفعل رهبر یا رهبران در جلب حمایت بخش‌های گسترده‌ای از مردم در جریان جنبش اجتماعی یا انقلاب است. این توده‌های مردم، گم‌شده خود را در رهبر، آرمان و اندیشه او می‌جویند و رهبر نیز نشان می‌دهد که فقط به دنبال خواسته‌های معنوی و مادی آنهاست.

انقلاب: انقلاب عبارت است از بسیج شدن و در حالت بسیج ماندن؛ بنابراین، هنگامی که نظام سیاسی قادر نباشد حالت بسیج مردم را حفظ کند، انقلاب پایان یافته تلقی می‌گردد.

مباحث نظری بسیج سیاسی مردم

تحلیل هسته بسیج‌گر در انقلاب اسلامی ایران بر اساس دیدگاه چارلز تیلی به خوبی قابل ارائه است. تیلی، از جامعه‌شناسان معروف انقلاب، در تئوری خود، مسئله هسته بسیج‌گر انقلاب را مطرح کرد. به نظر او، هر گاه گروهی بکوشد کنترل خود را بر منابع افزایش دهد، در حال بسیج است و هر گاه، کنترل گروه بر منابع مزبور کاهش یابد، گروه در حالت ضد بسیج^۲ قرار می‌گیرد. به گفته تیلی، عوامل تعیین‌کننده توانایی بسیج گروه‌ها و جماعت‌های مختلف عبارت است از:

۱- امکانات موجود گروه؛

۲- مساعدت محیط؛

۳- تشکیلات سازمانی گروه.

تیلی گروه‌ها را از لحاظ توانایی بسیج به دو نوع تقسیم می‌کند:

نخست: گروه‌های اشتراکی^۳ که ویژگی محلی دارند. تشکیلات آنها محدود و موضعی است و همه اعضای آنها قدرتی کم و بیش یکسان دارند. در ضمن، وفاداری درونی این گروه‌ها زیاد است؛ اما قدرت بسیج آنها کم است.

دوم: گروه‌های سازمان یافته انجمنی^۴ که تشکیلات وسیع و پیچیده‌ای دارند. هر چند وفاداری درونی آنها از نوع اول کمتر است، اما توانایی سازمان‌دهی و بسیج زیادی دارند.

تیلی در مورد بسیج توده‌های مردم به دو عامل تسهیل‌کننده اشاره می‌کند که به شرح زیر است:

۱. Mobilisation.

۲. Demobilization.

۳. Communal groups.

۴. Association groups.

نخست: نارضایتی توده‌ها که از ناتوانی رژیم حاکم در پاسخ‌گویی به انتظارات آنها ناشی می‌شود یا از فشارهای ناگهانی که رژیم در موقعیت‌های بحرانی (نظیر جنگ، بحران اقتصادی و ...) بر توده‌ها وارد می‌کند.

دوم: وجود برخی روابط و همبستگی‌های اشتراکی میان توده مردم که این همبستگی‌ها، کنش جمعی را میان توده‌ها امکان‌پذیر می‌کند. به نظر تیلی، فقط نارضایتی توده مردم برای کشاندن آنها به انقلاب کافی نیست؛ بلکه این نارضایتی‌ها فقط زمینه استقبال توده‌ها را از گروه‌های معارضه‌جو و انقلابی فراهم می‌کند. در چنین موقعیتی، وجود همبستگی‌های اشتراکی نقش مهمی در تسهیل بسیج انقلاب توده‌ها و توسعه گروه‌های انقلابی دارد.

جرالد گرین، انقلاب اسلامی ایران را بر اساس مفهوم ضدبسیج^۱ بررسی کرده است. طبق تعریف گرین، ضدبسیج عبارت است از: «بسیج عمومی علیه نظام سیاسی حاکم از سوی گروهی که در مقابل برگزیدگان حاکم، صف‌آرایی کرده‌اند». گرین، شرایط ضدبسیج را این‌گونه بیان می‌کند:

۱. تضعیف اراده و توانایی‌های دولت؛

۲. ساده‌سازی سیاست؛

۳. قطب‌بندی توده‌ها؛

۴. سیاسی شدن بخش‌هایی از جامعه که به‌طور سنتی غیرسیاسی بوده‌اند؛

۵. رویدادهای بحران‌زا؛

۶. واکنش خشونت‌آمیز از سوی رژیم.^۲

چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی

با استفاده از تئوری‌های فوق می‌توان دلایل شکل‌گیری بسیج انقلابی مردم را در انقلاب اسلامی ایران ارزیابی کرد. در تحلیل «بسیج انقلابی» در انقلاب اسلامی ایران باید عوامل زیر را مؤثر دانست:

۱. وجود نیروهای متشکل اجتماعی، به خصوص نیروهای مذهبی که از حضور در عرصه رسمی سیاست محروم بودند. این محرومیت سیاسی در حالی رخ داد که جامعه ایران به شدت در حال تغییر بود. نیروهای مذهبی محروم از حضور در عرصه سیاست و ناراضی از وضعیت فرهنگی-سیاسی جامعه، پیرامون شخصیتی حلقه زدند که بنیان مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشید و آن را مردود اعلام کرد. مهم‌ترین نیروی

۱. Countermobilization

۲. J. Green, Revolution in Iran: The Politics of counter Mobilization, New York, Papereyer ۱۹۸۲, P. ۱۳۶-۱۲۶.

مبارزاتی روحانیت علیه رژیم پهلوی، تبعیت کامل از امام خمینی تقدس بود. هر چند رهبری انقلاب، به لحاظ ظاهری، حزب و تشکیلاتی منسجم نداشت؛ اما تبعیت از امام تقدس و قرار داشتن برخی از طرفداران ایشان در رده فضلا و مدرسان حوزه‌ها موجب شد شبکه‌ای از طرفداران ایشان، همچون سازمانی نیرومند و متشکل، پدید آید و انقلاب را پیش ببرد.

۲. نفوذ مذهب شیعه میان اقشار متوسط شهری، به خصوص ظهور مذهب شیعه به مثابه ایدئولوژی و تئوری انقلابی میان اقشار تحصیل کرده مذهبی؛

۳. انسداد سیاسی یا فقدان چرخش نخبگان و جایگاه‌ها در ساختار حکومت پهلوی.

نکته مهم این است که همزمان با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در جامعه، بر اساس فرآیند نوسازی اجتماعی، افراد تحصیل کرده که توان ورود به لایه‌های تصمیم‌گیری نظام و سیاست رسمی و قانونی را نداشتند به دلیل فرمایشی بودن مجلس، احزاب و دولت - پاسخ همه مطالبات و اعتراض‌های خود را در ایدئولوژی اسلامی جستجو کردند. بدین ترتیب، دین چارچوب و عاملی شد که نه تنها قشر تحصیل کرده انقلابی را به شبکه وسیع مردم وصل کرد، بلکه رهبری بسیج‌گر انقلاب نیز توانست با بهره‌گیری درست از منابع دینی و ظرفیت‌های انقلابی جاذبه فراوانی برای همگان - روشنفکران و توده‌ها - پیدا کند و شبکه‌ای مذهبی با محوریت مسجد به وجود آمد.

بر این اساس، نهضتی به نسبت، وسیع و خودجوش در تهران و بیشتر شهرستان‌ها میان مبارزان و جوانان مسلمان راه‌اندازی شد. این نهضت برای تأسیس انجمن‌ها، هیئت‌ها و مؤسسه‌های اسلامی با برنامه‌های امدادی، فرهنگی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی تولیدی و تجاری می‌کوشید. همچنین، شرکت‌ها و بنگاه‌های نشریاتی فعال به وجود آمد و درمانگاه‌ها، بیمارستان‌های خیریه به سبک اجتماعی و صندوق‌های قرض الحسنه تأسیس شد. انتقال شهید مطهری به تهران در سال ۱۳۳۵ و پیوستن به فعالیت‌های جوانان و دانشگاهیان، تفسیر قرآن و منبر مرحوم طالقانی در مسجد هدایت و تلاش‌های عالمانه دکتر مفتّح در مسجد قبا، نقش بزرگی در این راستا ایفا کرد؛ به گونه‌ای که روحانیت جوان نیز آهسته‌آهسته تمایل و تحرّک بیشتری از خود نشان داد.

مسجد پایگاه اطلاع‌رسانی و سازمان‌دهی

در دهه چهل و پنجاه که سلطه نظام سیاسی پهلوی بر وسایل ارتباط جمعی باعث شده بود تا نیروهای انقلابی از حق فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بمانند، مساجد مناسب‌ترین رسانه ارتباط جمعی

برای آگاهی بخشی مردم بودند. همچنین، مساجد مهم‌ترین پایگاه هدایت و سازمان‌دهی نیروی انقلابی به شمار می‌رفت. از این‌رو، برای تبیین نقش مسجد در دوران انقلاب اسلامی می‌توان به دو سر فصل مهم اشاره کرد: مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای و مسجد به منزله کانون هدایت و سازمان‌دهی. در خصوص نقش مسجد به مثابه پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای باید به این نکته توجه کرد که در دوران حکومت پهلوی، عموم مردم نابسامانی‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را مشاهده کرده بودند و متناسب با میزان درک و دریافت خود، پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کردند. مسجد به دلیل مسائل معنوی، پایگاهی چند منظوره بود و در آن، همه اقشار جامعه، با همه باورها و عقاید خویش، هر روز دور هم جمع می‌شدند و در همه امور جامعه خود مشارکت می‌کردند. در حقیقت، مسجد، اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که امکان خبرگیری از همه وقایع در آن وجود داشت. با تشدید مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مسجد در این زمینه جایگاه ارزشمندتری پیدا کرد. با حضور روحانیان و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، حسینیّه‌ها و مساجد، مردم را با واقعیت‌های جامعه، فساد دربار، مظالم دستگاه حکومت و سیاست‌های ضدّ دینی نظام پهلوی آشنا می‌شدند. بنابراین، مسجد ضمن گسستن پیوندهای مردم با نظام سلطنت، جایگاهی برای ترسیم مؤلفه‌های حکومت مطلوب شد. مسجد، مردم را به خویشتن‌شان باز گرداند تا پرچم‌دار هویت دینی و اسلامی شوند.

مسجد، در سازمان‌دهی مردم برای تغییر وضعیت موجود و نیل به وضعیتی مطلوب نقشی بسزا داشت. مسجد، پایگاه خودآگاهی، حرکت جمعی و اعتراضات مردمی نیز بود. مسجد، از افراد و خانواده‌هایی که در راستای آرمان‌های دینی خود مبارزه می‌کردند و به زندان می‌افتادند، حمایت می‌کرد. توانایی چشم‌گیر روحانیت در بسیج مردم در مساجد، تکیه‌ها و حسینیّه‌ها یکی از ویژگی‌های زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران بود. این توانایی در مرحله نخست حاصل به کار بستن ایدئولوژی احیاگرانه اسلامی بود؛ آن ایدئولوژی که پاکسازی جامعه از نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی را وعده می‌داد و مردم را به صحنه می‌آورد. راز مقبولیت ایدئولوژی اسلامی در آن بود که می‌کوشید به نزاع‌های روحی و روانی توده‌هایی پاسخ دهد که در اثر دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شبه‌غربی جابه‌جا شده بودند. برای شناسایی عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی و روانی توده‌های مردم می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱. **اسلامی کردن جامعه:** توده‌های مردم که قادر نبودند در فرهنگ و شیوه جدید زندگی غربی مضمحل شوند، کوشیدند جامعه‌ای را شکل دهند که ارزش‌ها و قواعد حاکم بر آن با ارزش‌ها و مطلوب‌های آنان منطبق باشد. رواج مفاهیمی، مانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی و مدیریت

اسلامی از تلاش برای ساختن جامعه‌ای بر پایه آموزه‌های اسلامی و تقابل با نماد زندگی شبه‌غربی ناشی می‌شود. تلاش بی‌وقفه استاد مطهری در دهه چهل و پنجاه برای تدوین ایدئولوژی اسلامی به مثابه مکتب و دستگاه هماهنگ فکری نقشی اساسی در این امر داشت. در واقع، شهید مطهری، دنبال چیزی بود که در قیام ۱۵ خرداد نیاز به آن احساس شد؛ یعنی یک ایدئولوژی مدون، مکتبی جامع به زبان روز و پاسخ‌گو به شبهات جدید که نهضت بر اساس آن به حرکت خود ادامه دهد و پس از پیروزی نیز برنامه داشته باشد.^۱

۲. **غرب ستیزی:** ایدئولوژی انقلاب اسلامی با تقلیدی و شبهه‌گری خواندن نوسازی و تغییرهای اجتماعی به وجود آمده در جامعه به نیازها و علایق مردمی پاسخ داد که فرهنگ و تمدن غربی را عامل نابسامانی‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی می‌دانستند.

۳. **رهبری:** جابه‌جایی‌های گسترده اجتماعی باعث بی‌ثباتی اجتماعی، ناامنی، سرگشتگی و احساس بی‌هویتی شد و در چنین وضعیتی روحی و روانی، رهبری آگاه، دلسوز و روحانی تسلای روحی ملت را به ارمغان آورد.^۲

جایگاه مسجد

اگر بخواهیم جایگاه و موقعیت مسجد را در اسلام بیابیم باید به صدر اسلام برگردیم و جایگاه مسجد را میان مسلمانان عصر پیامبر ﷺ بررسی کنیم؛ زیرا تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده است و این مکان مقدس، بی‌درنگ پس از بعثت نبی اکرم ﷺ، نقش‌های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بر عهده گرفت. مسجد، مهم‌ترین و مؤثرترین ستاد فرهنگی برای ترویج فرهنگ اسلامی در تاریخ اسلام بوده است و به همین دلیل، کارکردهای مختلفی داشته است. مسجد اسلامی، چهار نقش را همزمان ایفا می‌کند:

۱. پایگاه عبادت و یاد خداوند متعال؛
۲. پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلم معارف اسلامی؛
۳. پایگاه تجمع نیروهای رزمنده و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛
۴. پایگاه وحدت مسلمانان و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی.

برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد

برنامه‌ریزی، تعاریف گوناگونی دارد؛ اما در تعریفی کلی می‌توان گفت که برنامه‌ریزی، طراحی نقشه

۱. سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۸۲.

۲. موتی پالمرو دیکران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، ص ۱۵۳.

برای اهداف مختلف است. یادگیری به نقشه و طرح نیاز دارد و از عوامل فراوانی تشکیل می‌شود؛ از جمله: مربی، فضا، ویژگی‌های یادگیرنده، اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و همچنین روابط بین یادگیرنده‌ها با یکدیگر و نهادهای تربیتی. برای آموزش و یادگیری در مساجد باید به این موارد بسیار توجه کرد. در عرصه تربیت نباید بر اساس احتمال و تصادف عمل کرد؛ بلکه باید با نقشه حرکت کرد. نقشه و طرح‌ریزی، کار متخصصان است.

اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان

با توجه به آنکه دنیای پر رمز و راز نوجوانی و جوانی، انسان‌هایی کامل می‌سازد، می‌توان اهمیت تعلیم و تربیت آنان را دریافت. با توجه به فطرت انسانی و نیازهای جوانان و نوجوانان، باید زمینه را برای رشد همه قوا فراهم کرد. باید پذیرفت فردی که به مسجد می‌آید عقل و بعد اجتماعی، عاطفی، زیبایی‌گرایی و ... دارد. از این رو، شایسته است نخست، جوانان را با انگیزه‌های متفاوت به مسجد هدایت نمود و برنامه‌ها را طوری طراحی کرد که همه قوای او را در برگیرد.

مسجدگریزی و دین‌گریزی جوانان

امروز، متأسفانه برخی جوانان ایرانی، آن‌گونه که انتظار می‌رفت، به مسجد رفت‌وآمد نمی‌کنند و سلوک حقیقی دین را بر نمی‌گزینند. علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی و در نهایت دین‌گریزی جوانان وجود دارد:

۱. بحران هویت معنوی

بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و بخشی از سال‌های اولیه جوانی را نیز در بر می‌گیرد. هویتی که نوجوان در صدد است تا به‌طور روشن با آن مواجه شود، این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند، چیست؟ آیا او برخلاف نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را در نظر مردم، کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟^۱

از عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، با تعابیر مختلفی یاد شده است. برخی از صاحب‌نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویش» یا «از خود بیگانگی» یاد می‌کنند؛ روان‌شناسان از این حالت اغلب تحت عناوینی مانند «آشفته‌گی هویت»، «اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می‌کنند و در توصیف آن

۱. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، ص ۵۵.

می‌گویند: «بحران هویت، عبارت است از عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد».^۱ این امر سبب مشغولیت بی‌هدف، هیجانات جانشین ناپذیر و ایجاد شخصیت منفعل در جوان می‌شود.^۲

به اعتراف همه صاحب نظران، جدی‌ترین بحران در طول زندگی انسان، در خلال شکل‌گیری هویت او رخ می‌دهد؛ چون شخصی که فاقد یک هویت متشکل قابل قبولی باشد، در طول زندگی با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو خواهد شد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست، بی‌اطلاع است. در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با دیگران و برخورد با پیش‌آمدها نیز پاسخ به اصلی‌ترین پرسش‌های زندگی عاجز است. مجموعه این امور در نهایت، او را در اغلب موضع‌گیری‌ها دچار سردرگمی می‌کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را شناخت و هدف از آفرینش جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد آشنا نشد، نمی‌تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری و اعتقادی، مهم‌ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات تهدید می‌کند.

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، هر فرد هویت‌های گوناگونی دارد که هویت دینی یکی از آنها است. هر انسانی به هویت دینی نیاز دارد؛ چون گرایش به پرستش از نیازهای فطری او است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هر گونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می‌کند. تجلی چنین احساس و تمایل، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می‌شود.^۳

هویت دینی، رابطه بین آدمی و دین را تبیین می‌کند. تدوین آن هویت، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش‌ها و باورهای آن مکتب را در پی دارد. برخی صاحب‌نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی، تلقی نموده‌اند.^۴

با توجه به آنچه هویت دینی به نسل جوان می‌دهد،^۵ اختلال و آشفتگی هویت دینی، سبب ضعف دین‌داری در بین جوانان می‌گردد؛ زیرا تعهد و مسئولیت‌پذیری فرد را در قبال گزاره‌های دینی کاهش می‌دهد و بدین ترتیب، ضمانت اجرایی احکام دینی کاهش می‌یابد.

۱. گروه نویسندگان، مترجمان، دکتر احمد به پڑوه و دکتر رمضان دولتی، روان‌شناسان بزرگ، ص ۶۴.

۲. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۰-۲۴.

۳. ابن طفیل اندلسی حکیم فیلسوف و نامدار مسلمان در ائزارزنده و کلاسیک فلسفی اش به نام «زنده بیدار» این گرایش فطری را به زیبایی هر چه تمام‌تر به تصویر می‌کشد.

۴. مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، ص ۶۹، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲.

۵. آنچه هویت به نسل جوان می‌دهد عبارتند از: پاسخ به پرسش‌های بنیادین، برای بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، زمینه‌سازی هویت تمدنی، مقبولیت اجتماعی، شأن و منزلت جوانی و معنا بخشیدن به جهان؛ رک: جوان و بحران هویت، صص

اختلال در هویت دینی سبب می‌شود، فرد نه بتواند ارزش‌های دینی گذشته خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش‌هایی شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده، طرح‌ریزی کند.^۱

از دیدگاه جوان، پس از درهم ریختگی نظام ارزشی دینی، امر مثبت و خوبی در دین وجود ندارد تا انگیزه‌ای برای انجام آن داشته باشد. بنابراین، دچار بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی می‌گردد. تخریب نظام ارزشی دینی، سبب می‌شود، بسیاری از افراد که دچار بحران هویت دینی می‌شوند، به دنبال هویت منفی بگردند و هویتی برخلاف آن چه اولیای دین در نظر گرفته‌اند، برگزینند.

بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری نوجوانان را می‌توان از این منظر تبیین نمود. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتی، هر کدام از آثار فقدان هویت هستند^۲ که در عرصه دینی در قالب بی‌توجهی به اوامر و نواهی الهی، بی‌علاقگی نسبت به شعائر، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند.

با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و عدم تقید به احکام دینی می‌شود.

مسجد از مهم‌ترین نمادها، شعائر و گزاره‌های دینی است که بحران هویت دینی جوان در مورد آن، سبب پایین آمدن اعتقاد و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌گردد.^۳

بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه نوجوانان را می‌توان از این دیدگاه توضیح داد. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی‌تفاوتی، هر کدام از آثار نبود هویت هستند که در عرصه دینی و در قالب‌های بی‌توجهی به فرمان‌های الهی، بی‌علاقگی نسبت به ارزش‌ها، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند. با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و بی‌توجهی به احکام دینی می‌شود. مسجد، از مهم‌ترین مفاهیم و موضوعات دینی است که بحران هویت دینی جوان، سبب پایین آمدن اعتقاد به آن و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌شود.

۲. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از مهم‌ترین عامل مسجد‌گریزی و دین‌گریزی است. در تهاجم فرهنگی، پایگاه‌های

۱. هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ص ۱۳۴.

۲. جوان و بحران هویت، ص ۲۰.

۳. رک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۸۸.

دینی، همچون مسجدها مورد حمله قرار می‌گیرند. دشمن به این شیوه می‌کوشد تا فرهنگ ضد ارزشی غرب را در میان جوانان گسترش دهد و آنان را نسبت به مفاهیم و احکام دینی بی‌عقیده سازد. فساد اخلاقی، قرار دادن جایگزینی برای امور عبادی که با روحیات و غرایز جوانی نیز تناسب دارد، همچون نوار و سی‌دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای، ترویج الگوهای غربی، تضعیف باورهای دینی، تخریب و ترور شخصیت‌های خودی، دور کردن مردم از هویت ملی - اسلامی و ترویج فرقه‌های ساختگی، بخشی از این موانع است.

مسجد، پایگاهی است که در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است؛ بنابراین، در صورتی که در این جدال نابرابر فرهنگی، مسجد جوانان را جذب کند، قدم بلندی در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی برداشته شده است. البته، دین‌گریزی فقط به سبب تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست؛ بلکه علل گوناگونی دارد و باید به صورت واقع‌بینانه به آن نگاه کرد. عوامل دین‌گریزی جوانان متنوع است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: بیان نامعقول از برخی مفاهیم دینی، اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی، بحران هویت معنوی، بر خوردهای نامناسب افراد اهل مسجد، توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان، همچون ازدواج، کار و مسکن و... برای بر طرف شدن این عوامل باید گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، طرحی اصولی و همه‌سویه را برنامه‌ریزی کنند تا مهم‌ترین قشر اثر گذار جامعه در آینده از دین، گریزان نشوند.

۳. آشنا نبودن مبلغان دینی و تفسیر غلط از دین

متأسفانه در روش‌های تبلیغی و جذب جوانان، بیشتر از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری و به صورت مستقیم استفاده می‌کنیم و همین امر در بی‌علاقگی و گریز جوانان از نماز جماعت مؤثر بوده است. معروف است که تأثیر منفی تبلیغ بد از ضد تخریب بیشتر است. این مطلب مشهور که تجربه نیز آن را تأیید می‌کند، ثابت می‌نماید که: «آشنایی با شیوه‌های تبلیغ در حوزه دین و به خوبی آشنا بودن با مکانیزم‌های معقول و منطقی آن از وظایف مهم مبلغان دینی است؛ زیرا آشنا نبودن، سبب می‌شود که خود مبلغ، مانعی جدی بر سر تبلیغ دین باشد».

مقام معظم رهبری «اِنَّ مَلِيَّةً» در تبیین ضعف‌های تبلیغی موجود می‌فرماید: «امروز، دشمن از همه روش‌ها استفاده می‌کند. من دیروز در جمع جوان‌ها می‌گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و به خصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روش‌های تخریبی و از روش‌های روان‌شناسانه و

غیره استفاده می‌کنند. همه این موارد، پاسخ دارد؛ پاسخ‌هایش هم مشکل نیست. باید از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه که در اختیار داریم، حداکثر استفاده را بکنیم. ما نه از صدا و سیمای مان، نه از مطبوعات مان و نه از بسیاری از منابع عظیم عمومی مان، چنان که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم. این ضعف‌های ماست، این ضعف‌ها را باید کم کنیم. باید روز به روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد و این [کار] ممکن است.^۱ اگر دین، آن‌گونه که خداوند بر پیامبر رحمتش نازل کرده برای مردم بازگو شود، جذّاب بوده و انسان‌های پاک‌فطرت را به سوی خویش جذب می‌کند؛ اما اگر دین به دست دنیاداران و مبلّغان کم‌مایه یا ناآگاه بیفتد و آنان دین را به‌گونه‌ای تفسیر نمایند که نتیجه‌اش حاکمیت آنان بر مردم باشد و یا اینکه به واسطه بی‌مایگی مبلّغان، دین را برخلاف حقیقتش تفسیر نمایند، دین رحمت را تنها دین جنگ و خشونت جلوه می‌دهند یا دین را به‌گونه‌ای تفسیر می‌نمایند که با مسلّمات عقلی و خواسته‌های فطری و اصول مسلّم علمی در تعارض باشد. این دین دیگر جذبه‌ای نخواهد داشت و نتیجه‌اش دین‌گریزی و رواج مکتب‌سازی عقلی است.

۴. غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین

جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد. جوانان، تلاش می‌کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند؛ اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرآیند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند. در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی‌رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می‌شود.

جوان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین فقط تقلیدی را بر نمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می‌زند و می‌خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد؛ اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می‌شود، برایش قانع‌کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد، صحیح است و در غیر این صورت درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می‌شود تا هویت دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه‌ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند.

قرآن کریم نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی‌ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان‌ها می‌داند. حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود می‌فرماید: «وَلَكَيْتِي أَزَاكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؛ شما را مردمانی ناآگاه می‌بینم»^۱. امام علی (علیه السلام) نیز درباره علت کفر می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهَلُوا وَقَفُوا، لَمْ يَكْفُرُوا وَلَمْ يَضِلُّوا؛ اگر مردم در موارد ناآگاهی درنگ و تأمل می‌کردند، هرگز به کفر و گمراهی نمی‌گراییدند»^۲. بنابراین، یکی از علل روان‌شناختی دین‌گریزی در همه انسان‌ها، به‌ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین است.

علت دیگر این بی‌رغبتی و گریز از دین برداشت‌های غلط و نادرست از معارف دینی است. بسیاری از اوقات، دین، مساوی با معنویت لحاظ شده و در حدّیک نیاز معنوی صرف بدان نگریسته می‌شود. سپس، چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین، نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد. این دیدگاه ساده‌انگارانه و کاهش‌گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می‌شود. جوانی که در جست‌وجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادگی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، به تدریج آن را کنار می‌گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می‌شود.^۳

۵. ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین در تربیت دینی نسل جوان

یکی از عوامل مسجدگریزی و دین‌گریزی، اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو به آنان می‌نگرند. جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دیگران را به دین‌داری و انس با مسجد دعوت می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر دین اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدعیان آن بدان عمل نمی‌کنند؟ آنها می‌گویند: چرا این مدعیان دین، فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند؛ حال آنکه خودشان فرسنگ‌ها با دین و مظاهر دینی فاصله دارند؟ جوان، چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیست و به آن حدّ از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آنها بگذارد، نه دین و مذهبشان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که دیگران را به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت

۱. هود، آیه ۲۹.

۲. غررالحکم، ج ۲، ۷۵۸۲.

۳. شاکرین، حمیدرضا، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۲۴۸-۲۵۰.

می‌گذارد و از این رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یک‌باره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. بر این اساس، می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است، خطرناک‌ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب به طور کامل برای آنها جا افتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنها می‌دانند که هر شخص، ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را برخلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند؛ ولی جوانی که تازه می‌خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصویری می‌کند که تمام دین همین است.

در این باره می‌توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نوا احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان اصالت دین منهای افراد، تفهیم گردد تا با فرو ریختن و یا ریزش یک الگو، جوان آن را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد.

جوانان نه تنها رفتار خود مربی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگان نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلم دینی حمل می‌کنند. بدین دلیل، مربی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهمیتی ویژه داشته باشد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند. از این رو، قرآن کریم نیز تأکید ویژه‌ای بر توجه به هدایت نزدیکان دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «إِذْ قَالَ لِأَيُّهَا قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ؛ آن زمان که ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: آخر این چیست که می‌پرستید؟» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز کرد و سپس به دیگران توسعه داد.^۱

بنابراین، رابطه جوان با مسجد تا حد زیادی بستگی به نوع برخورد و رفتار امام جماعت و متولیان فرهنگی مسجد و الگوهای جامعه و دیگر مسجدی‌ها دارد. جوانان، حساس و زودشکن هستند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه، زمینه‌گریز جوانان را از مسجد و دین فراهم می‌کند. آنها کمتر می‌توانند به تحلیل عمیق بپردازند، از این رو، زود قضاوت نموده و حکم صادر می‌کنند.

۶. آشنایی نداشتن جوانان با فلسفه نماز و اسرار نماز جماعت

گاهی عدم آگاهی کافی از نماز، عالم نبودن به محتوای آن، آشنا نبودن به اهمیت و احکام و اسرار و فلسفه

۱. صافات، آیه ۸۵.

۲. ابوالفضل ساجدی، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟ ص ۲۳۷.

نماز جماعت باعث ترک یا سستی در اصل نماز و حضور نیافتن در مسجد می‌شود. برای عدم حضور در نماز جماعات و مسجد علّت‌های گوناگونی وجود دارد، از جمله: غفلت از پاداش‌های نماز جماعت، بی‌رغبتی به دلیل بد رفتاری برخی نماز گزاران در مسجد، هم‌فکر نبودن با امام جماعت از نظر دیدگاه سیاسی، طول کشیدن نماز جماعت، رفتار متولیان و دست‌اندرکاران مسجد و ... است. مقام معظم رهبری علیه‌السلام فرمودند: «برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پی‌گیر و همه‌جانبه زده شود»^۱.

امام رضا علیه‌السلام درباره فلسفه تشریح نماز چنین فرمودند: «همانا علّت واجب شدن نماز، اقرار به ربوبیت خداوند عزّ و جلّ است و نفی نظیر شرک برای خداوند و ایستادن انسان در برابر او با حال تضرّع و مسکنت و فروتنی و خضوع و اعتراف به گناهان و نیز درخواست عفو از تقصیرات و برطرف ساختن آثار گناهان است که شخص در گذشته مرتکب شده و صورت نهادن بر زمین است و هر روز برای بزرگداشت خداوند جلّ جلاله و دیگر آن که نماز سبب می‌شود تا بنده پیوسته به یاد خدا باشد و او را فراموش نکند، طاعی و یاغی نباشد و با خشوع و تذلل و رغبت خواستار فرونی بهره خود در دین و دنیا باشد و علاوه بر اینها انسان با نماز، بر خود واجب می‌سازد که پیوسته و شبانه‌روز در مقام بندگی و به یاد خداوند متعال باشد و همین نماز گزاردن شخص در پیشگاه پروردگار عزّ و جلّ خود، بازدارنده او از گناهان است و او را از فسادهای گوناگون مانع می‌شود... و فلسفه سجده بر خاک آن است که غرور و طغیان و خودخواهی را از خود دور کنیم و به یاد خدای یکتا باشیم و از گناهان و ناروایی‌ها به دور باشیم»^۲.

آنچه باعث شده است که خداوند تبارک و تعالی از زبان پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه هدی علیهم‌السلام تشریح‌گزارای نمازها را به جماعت توصیه فرماید، بسیار والا است؛ زیرا جماعت یکی از مظاهر عظمت مسلمانان و اتحاد و یگانگی آنهاست. شواهدی نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقررات نماز جماعت، همچون تأکید بر منظم بودن صف‌ها و اتصال شان‌های نماز گزاران، نهی از اینکه نماز گزار تنها در صف بایستد^۳ و ... بدین منظور تشریح شده است تا هم وحدت و هماهنگی مسلمانان بیشتر شود و هم بهتر به نمایش گذاشته شود. اقامه نماز جماعت در مسجد بسیار فضیلت دارد و بر آن تأکید بیشتری شده است. در آیات متعددی به نماز جماعت، به خصوص در مسجد، سفارش شده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ نماز را بپا دارید. زکات را ادا کنید و (عبادت دسته‌جمعی را فراموش ننمایید) با رکوع کنندگان، رکوع کنید»^۴.

۱. پیام به اجلاس ششم، ۱۳۷۶، ص ۶.

۲. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴.

۳. رک: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۳، باب ۳۵ از ابواب احکام المساجد، روایات ۱ و ۳ و ج ۵، ص ۴۶۰ و ۴۷۱، باب ۵۸ و ۷۰ از ابواب صلاة الجماعة.

۴. بقره، آیه ۴۳.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، برای هر رکعت از نماز آنها ثواب ۱۵۰ نماز است و اگر دو نفر به امام جماعت اقتدا کنند، برای هر رکعت از نماز آنها، ثواب ۶۰۰ نماز است و همین طور ادامه فرمودند تا رسیدند به اینکه اگر تعداد اقتدا کنندگان از ۱۰ نفر بگذرد، اگر تمام هفت آسمان، صفحه کاغذ شوند و تمام درختان قلم و دریاها مرکب و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۱

اما این فلسفه جماعت‌ها به طور عمده در میان مردم، به ویژه نسل جوان جامعه، غریب و ناآشناست؛ چه بسا آشنایی جوانان با این مفاهیم عظیم و درک فیوضات معنوی آن، علاقه‌مندی مضاعف را در آنها ایجاد کند.

۷. دوستان ناباب

دوستان، نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همنشینی، موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌سازند، بلکه هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی، در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می‌نماید و هر یک، خواه ناخواه بر عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارند.

قرآن کریم از زبان اهل جهنم نقل می‌کند که می‌گویند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي؛ وای بر من، کاش فلانی را (که سبب انحراف من شد) دوست خود نمی‌گرفتم؛ او [بود که] مرا به گمراهی کشانید، پس از آنکه قرآن به من رسیده بود».^۲

این آیه شریفه با صراحت تمام، به نقش گروه‌های صمیمی (دوستان و اطرافیان) فاسد در گمراهی و دین‌گریزی اشاره می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دوست و همنشین خود خواهد بود».^۳ به همین دلیل است که گاهی یک فرد فاسق در مدتی کوتاه گروه زیادی را از دین بیزار می‌کند.

در روایتی از حضرت سلیمان عليه السلام آمده است که فرمود: «در باره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا دوستانش را ببینید؛ زیرا، هر کسی به وسیله امثال و اقارنش شناخته می‌شود و به صفات همنشینان و دوستانش منسوب می‌گردد».^۴ تأثیر دوست همنشین در انسان به اندازه‌ای است که حتی می‌توان از نوع دوستان یک نفر، به آسانی به خصوصیات اخلاقی وی پی برد.

۱. رک: مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۳ و ج ۱، ص ۴۸۷ و ج ۶، ص ۴۴۳؛ جامع الأخبار، ص ۷۷.

۲. فرقان، آیه ۲۸-۲۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲.

بنابراین، به تجربه ثابت شده که کسانی که با دوستان فاسدی هم‌نشین بوده‌اند، عاقبت به انواع گناهان آلوده شده‌اند؛ زیرا آنها برای اینکه کمتر احساس گناه کنند و شریک جرم پیدا نمایند، سعی می‌کنند افراد دیگر را به سرنوشت غم‌انگیز خود گرفتار کنند. وقتی پای صحبت بسیاری از جوانان فاسد می‌نشینیم، درمی‌یابیم که عامل اصلی آلودگی خود را هم‌نشینی با دوستان ناباب ذکر می‌کنند.

۸. تراکم کاری

امروزه بسیاری از شهرنشینان، بخش زیادی از وقت خود را در بیرون از خانه به سر می‌برند و به دلیل وجود گرفتاری‌های زندگی و نیازهای اقتصادی، ناچار بیش از یک شغل دارند. این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود که برای رفع آن، فرد نیاز به استراحت دارد؛ یعنی بسیاری از شهروندان وقتشان را به دو بخش تقسیم می‌کنند: قسمتی را در خارج از خانه برای کار و رفع نیازهای زندگی می‌گذرانند و باقی مانده آن را در خانه به استراحت می‌پردازند. روزهای تعطیل نیز به استراحت، تفریح یا دیدار از خویشاوندان می‌پردازند. در این شرایط جسمی و روحی، حوصله‌ای برای رفتن به مسجد و حضور در میان صف‌های نماز جماعت و شنیدن سخنان امام جماعت باقی نمی‌ماند. در این شرایط، سخن از ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و عبادی مسجد، چیزی جز شعار و نظریه‌پردازی نیست و تبلیغات هم اثر چندانی نخواهد داشت. حضور در مسجد، به امنیت روانی و دست کم آمادگی جسمی و روحی نیاز دارد که گوناگونی کارها این آمادگی را از میان می‌برد. از این رو، ائمه علیهم‌السلام در روایت‌ها به تعادل، توجه همه‌سویه به مسائل زندگی و خودداری از زیاده‌روی در بعد خاص توصیه کرده‌اند.^۱

۹. هم‌زمانی برنامه‌های رسانه‌ها و مسجد

در صدر اسلام به دلیل رشد کم جوامع از لحاظ تمدنی و نهادها و مراکز اجتماعی، به تعبیری مساجد تنها رسانه ارتباطی بین شرع اسلام و توده مردم بود که به وسیله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و بعد از آن توسط ائمه اطهار علیهم‌السلام شکل می‌گرفت.

پیدايش مراکز موازی مساجد مثل مدارس، بسیج، فرهنگسراها و مراکز متعدد فرهنگی، تعدد کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره و اینترنت و غیره، سرگرمی‌های متنوع و برنامه ورزشی و تفریحی

۱. ر.ک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۶۸.

با سرمایه‌گذاری‌های کلان، جذب امکانات فرهنگی به منظور اجرای طرح‌های گوناگون و چیزهای کم‌اهمیت، مثل موسیقی و سرگرمی‌های بی‌محتوا، ارائه چهره ضعیف از اهل مسجد در فیلم، حاضر نشدن پیوسته در مسجد، ضعف تبلیغات، پیام‌های بی‌محتوا، پخش برنامه‌هایی که گاهی به گونه غیرمستقیم بر مسجد تأثیر منفی دارد.^۱

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد، برگزاری مراسم در مناسبت‌های دینی است که از نقاط قوت مسجدها به‌شمار می‌آید و سبب رونق و شکوفایی مسجد می‌شود و بسیاری از افراد، با انگیزه شرکت در چنین مراسمی در مسجد حاضر می‌شوند. کیفیت و چگونگی برگزاری این مراسم در تداوم حضور شرکت‌کنندگان بسیار مؤثر است. استقبال نمازگزاران از این مجالس به محتوای برنامه، مکان و زمان آن، شخصیت دیگر شرکت‌کنندگان تناسب مجلس با نیازها، سلیقه‌ها و فرهنگ شرکت‌کنندگان بستگی دارد. اگر این مسائل رعایت نشود، مراسم‌های مذهبی مسجد، با استقبال خوبی روبه‌رو نخواهد شد.

در این میان، برنامه‌هایی که رسانه در مناسبت‌های مذهبی پخش می‌کند، به‌طور معمول چنین ویژگی‌هایی دارند و از سطح کمی و کیفی خوبی بهره‌می‌برند. بنابراین، افراد با وجود برنامه‌های رسانه، در مسجد حاضر نمی‌شوند. بسیاری از کسانی که در مراسم دینی مسجد شرکت نمی‌کنند، در پاسخ به این پرسش که چرا در مسجد حاضر نمی‌شوید، می‌گویند: برنامه‌های تلویزیون از برنامه‌های مسجد محلّ پربارتر و بهتر است.^۲

۱۰. اختلاف‌ها

مسجد، کانون مردمی و پایگاه اجتماع و وحدت مردم از تمام گروه‌هاست. مسجد در هنگام نماز، مؤمنان نمازگزار را در کنار هم جمع می‌کند و همه با رعایت یک نوع آداب، یک خدا را می‌پرستند و با کنار گذاشتن هر گونه اختلاف از نظر ثروت، سواد، سنّ، نژاد، موقعیت اجتماعی و جنس به عبادت می‌پردازند. وجود اختلاف‌ها و نزاع‌ها در چنین فضایی، زمینه پراکندگی و حاضر نشدن مردم را در مسجد ایجاد می‌کند. برخی از این اختلاف‌ها را بررسی می‌کنیم:

الف) اختلاف‌های سیاسی

مسجد جنبه‌های سیاسی گسترده‌ای دارد؛ ولی اختلاف‌های سیاسی، حزب‌گرایی و تعصب به یک جناح، فضای مسجد را آشفته می‌کند. گاهی دیده می‌شود که مسجد بر اساس گرایش‌های سیاسی، به چند دسته تقسیم می‌شود و برخی جناح‌ها در مسجد ویژه‌ای حاضر می‌شوند و مخالفان آنان به آن مسجد نمی‌روند.

۱. ر.ک: فروغ مسجد، ج ۳، سال ۱۳۸۴ ه.ش.

۲. ر.ک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۶۹.

در این شرایط، گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و پرهیز از حرکت‌های افراطی سیاسی و معیار قرار دادن اسلام برای حفظ وحدت لازم است. در این میان، امام جماعت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

ب) اختلاف‌های مدیریتی

اختلاف میان اعضای هیئت‌امنا در مسائل جاری مسجد، گاهی سبب ایجاد دو دستگی میان نمازگزاران می‌شود و فضای مسالمت‌آمیز مسجد را با نقدهای مخرب آشفته می‌کند. مسجد، مکانی برای عبادت و آرامش روحی است و این اختلاف‌ها علاوه بر اینکه بر کیفیت فعالیت‌های مسجد اثر بدی می‌گذارد، مسجد را از آرامش خارج می‌کند. اهالی محل هم به دلیل اختلاف هیئت‌امنا انگیزه‌ای برای حضور در مسجد نمی‌یابند.

نقش امام جمعه، امام جماعت و امور مساجد، در برطرف کردن این اختلاف‌ها بسیار مؤثر است.^۱

۱۱. پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد

در بررسی نقاط ضعف و قوت مسجدها، بیان شد که پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد از نقاط ضعف مسجد است که سبب حاضر نشدن افراد در مسجد می‌شود. از مسجدی که فقط نماز جماعت به صورت خشک و بی‌روح در آن برقرار می‌شود، نمی‌توان شکوفایی و حضور همه‌جانبه مردم را انتظار داشت. وقتی مسجد در سطح گسترده فعالیت ندارد، اهالی محل برای حضور در مسجد، کمتر انگیزه دارند. این موضوع، عامل مهمی در حذف فرهنگ مسجد از جامعه است. متأسفانه، بسیاری از مسجدها که امام جماعت همیشگی در آنها حضور ندارد، با این مشکل روبه‌رو هستند.

راهکارهای جذب جوانان به مسجد

حضور جوانان در مساجد به منظور برنامه‌ریزی برای آنان و اجرای برنامه‌ها الزامی است. بنابراین، باید با توجه به نیازها و ویژگی‌های جوانان به راه‌های جذب آنان توجه کرد. از مهم‌ترین راه‌های جذب جوانان به مسجد عبارت است از:

۱. مدیریت صحیح و خردورزانه مسجد

امروزه با رشد فناوری‌های علمی و ارتباطات گسترده دیگر نمی‌توان مانع ورود فرهنگ بیگانه شد. از این رو، باید به جوانان در برابر هجوم افسار بیگانه مصونیت بخشیم. یکی از بهترین راه‌ها برای مصون ماندن

نسل جوان، جذب آنها در سایه برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و خردورزانه مساجد است. مدیریت صحیح می‌تواند با برنامه‌ریزی، اجرا و هدایت درست امور، راه‌های متفاوتی برای جذب جوانان به مسجد فراهم آورد.

۲. رفتار مناسب با جوانان

جوانان راه‌های دفع رفتاری را نمی‌پذیرند؛ اگر جوانی در راهش به مانعی برخورد کند که با روحیه‌اش هماهنگی نداشته باشد، سرخورده می‌شود و از ادامه راه باز می‌ماند. در ارتباط با جوانان، باید ابتدا راه ارتباطی و عاطفی را هموار کرد تا به برنامه‌های تعیین شده، ایمانی نسبی پیدا کنند یا کل اهداف را بپذیرند. در رفتار با جوانان، باید شناخت کافی از وضعیت فیزیولوژی، شخصیتی و رشد رفتاری آنان داشت و نیازشان را سنجید و به نظریات و افکارشان اهمیت داد. حتی در برخی مواقع باید به مسائل خصوصی آنها وارد شد و با آنان همدلی کرد. در واقع، آنها را آن‌طور که هستند بپذیریم، نه آن‌طور که خودمان می‌خواهیم.

مسئولان مساجد باید با تحمل و بردباری و انعطاف‌پذیری، با جوانان بزرگوارانه برخورد کنند و چون پدری دلسوز دست نوازش بر سر فرزندان خود بکشند و «ارتباط عاطفی» را بر ارتباط دستوری و خشک، مقدم دارند. روان‌شناسان معتقدند نخستین امری که بر اثر پیوندهای معنوی یا معنایی و دوستی می‌شکفت، محبت است و محبت در ابتدای امر، مستقل و فراگیر است.^۱

بنابراین، توجه کردن به جوانان و سرمایه‌گذاری برای آنها نیز از امور مهمی است که مسئولان و گردانندگان مسجد باید به آن توجه داشته باشند. گرداندن مسجد و اداره‌کنندگان امور آن، نباید به شکل سنتی باشد، یعنی به شکلی که گاهی اوقات مشاهده می‌شود، اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد بیرون می‌کنند یا نسبت به آنان بدرفتاری می‌شود. باید توجه داشته باشیم که این نوع برخورد با آنها، سابقه بدی در ذهن آنان باقی می‌گذارد. این نکته بسیار دیده شده است که با بی‌حرمتی به جوان و شخصیت او، وی از مسجد رویگردان شده، نه تنها از حضور در مسجد امتناع می‌کند، بلکه به دلیل نوع رفتاری که با او شده است، به اسلام نگاه بدبینانه پیدا می‌کند و این معضلی است که در سال‌های اخیر، بسیار مشاهده می‌شود.

آری، جوان موجودی است عاطفی و زودرنج که اگر با صداقت و احترام با او برخورد نشود، این دوره از حیات در عمق روح او نفوذ کرده و او را مجذوب می‌کند و می‌تواند به تحولی شگرف در روحیه و اعتقادات او بینجامد. بسیاری از دست‌اندرکاران کانون‌های فرهنگی و مذهبی مساجد بدون توجه به روحیات و اقتضائات

۱. دکتر محسنی، دکتر دادستان، روان‌شناسی رشد، ص ۱۵۳.

سنّی جوانان به واکنش‌های تند و افراطی دست می‌زنند و چه بسا با یک برخورد ناسنجیده و حتی آمرانه جوان را برای همیشه از مساجد دور می‌کنند.

۳. برنامه‌ریزی فرهنگی مناسب

ذوق، سلاقی و افکار قاطبه نوجوانان و جوانانی که به‌طور معمول حضور فعالی در مسجد دارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با توجه به شرکت تعداد بی‌شماری از نوجوانان و جوانان در مساجد، لازم است، در اجرای برنامه‌ها، سلیقه‌های آنان مدنظر قرار گیرد؛ اما برنامه‌ریزی سنّتی موجب شده است تا نظرات و خواسته‌های این قشر نادیده انگاشته شود که این امر موجبات ناراحتی آنان را فراهم می‌سازد.

برنامه‌ریزی فرهنگی در مسجد، باید با توجه به موقعیت محله، شهر و روستا یا سنّ افراد صورت پذیرد؛ برای مثال، برای افرادی که قصد شرکت در کنکور را دارند، باید کلاس‌های تست، روان‌شناسی، تندخوانی، تهیه کتب مختلف و راه‌های موفقیت در کنکور در نظر گرفته شود. همچنین، باید از اینترنت، فیلم، سریال، بازی، سرگرمی و غیره استفاده بهینه کرد.

مسائل و مشکلاتی که در برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و دینی مساجد وجود دارند و باعث ایجاد فاصله بین جوانان و مسجد می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. متنوع نبودن برنامه‌های مساجد و نیز روش‌های تبلیغ و ناآشنا بودن گردانندگان آن با شیوه‌های نوین جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و در مقابل متنوع و جذاب بودن برنامه‌های مراکز و اماکن تفریحی اجتماعی نظیر: باشگاه‌های ورزشی، کلوب‌ها، کافی‌نت‌ها، ماهواره و ...؛ باید اذعان داشت که برنامه‌های بعضی از مساجد اغلب یکنواخت، کسالت‌آور و خسته‌کننده است.

۲. اعمال روش‌های خشک و مستبدانه در بعضی برنامه‌ها و آموزش‌های مذهبی و به کارگیری شیوه‌های غلط تعلیمی و درخواست اطاعت کورکورانه و بی‌قید و شرط که موجب بی‌علاقگی و دل‌سردی از دین و مراکز دینی، به خصوص مساجد در نوجوانان و جوانان می‌شود.

۳. ملحوظ نداشتن شاخص‌های مذهبی، فرهنگی، بومی، نژادی، زبانی و نیز عدم به کارگیری اولویتهای اصلی در برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی موجب شده است تا تعدادی از برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی برای نوجوانان و جوانان از نتایج مثبت و مطلوبی برخوردار نباشد.

۴. کمتر مشاهده می‌شود که در انجام برنامه‌های مذهبی و اسلامی از وجود اندیشمندان و صاحب‌نظران بزرگوار استفاده شود. استفاده از اساتید دانشگاهی و حوزوی مطلع، موجب اقبال نوجوانان و جوانان به مساجد خواهد شد.

۵. حاکم بودن افکار عام‌نگر، همراه با اجرای برنامه‌های عامه‌پسند و سنتی که این گونه برنامه‌ها بیشتر مورد پسند بزرگسالان و سالخورده‌گان است.
۶. طولانی شدن برنامه‌های اجرایی مساجد، به‌ویژه سخنرانی و خطابه و عاذا، ائمه جماعات و مبلغان و نیز اقامه نماز و اجرای مراسم دعا و زیارت از دیگر عوامل ایجاد فاصله بین مسجد و نوجوانان و جوانان است.
۷. خلأ برنامه‌ریزی منسجم، مرتب و منعطف در مساجد موجب شده است تا اغلب مساجد ما دچار برنامه‌های یکنواخت و کسل‌کننده شوند.
۸. حاکم نبودن روحیه جوان‌گرایی و تفکر جوانی و در نظر نگرفتن سلیق و نظرات جوانان، در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها توسط مدیریت مساجد موجب مسجدگریزی جوانان می‌شود.
۹. منطبق نبودن برنامه‌های مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان و متناسب نبودن با شرایط زمان و مسائل مبتلا به روز جامعه از دیگر موانع جذب جوانان به مسجد است.
۱۰. فقدان تجهیزات، لوازم و ابزار مناسب نرم‌افزاری مدرن و به‌روز در مساجد (رایانه، وسایل آموزشی و کمک آموزشی و ...) از عوامل ایجاد مسجدگریزی است.
۱۱. نبود برنامه‌های زمان‌بندی شده و تعریف شده کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در مساجد موجب فاصله نوجوانان و جوانان از مساجد می‌گردد.

پیشنهادهای مهم برای رفع کاستی‌ها و نواقصات مربوط به برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مساجد

۱. در برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی مساجد به نیازها، علایق و سلیق نوجوانان و جوانان توجه شود.
۲. انطباق محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد با نیازهای فکری جوانان، مقتضیات زمان، و مسائل روز جامعه.
۳. استفاده از تکنولوژی آموزشی روز در اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، دینی و ... مساجد.
۴. تشکیل بانک اطلاعات و مرکز اطلاع‌رسانی و گروه ویژه مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور انجام پژوهش در مورد ارزیابی برنامه‌های فرهنگی مساجد.
۵. بهره‌گیری از وجود اساتید و صاحب‌نظران مشهور دانشگاهی و حوزوی در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد.
۶. تنوع بخشیدن به محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد از نظر موضوع، روش و اجرا.
۷. استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی در ارائه و انتقال مفاهیم و ارزش‌های دینی و مذهبی به نوجوانان و جوانان.

۸. «اصل آسان‌گیری» و «اصل اعتدال و میانه‌روی» در آموزش مسائل و مفاهیم دینی به نوجوانان و جوانان از سوی مربیان دینی و مبلغان رعایت گردد.
۹. پرهیز از اجرای برنامه‌های یکنواخت، تکراری و خسته‌کننده.
۱۰. تجهیز مساجد به امکانات، لوازم و ابزار فرهنگی روز دنیا، از قبیل کتابخانه‌های تخصصی، سالن مطالعه، کامپیوتر، وسایل آموزشی و ...
۱۱. طرح کردن مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان محلّه و برنامه‌ریزی در راستای رفع و حلّ مشکلات آنان.
۱۲. عدم یکسونگری در اجرای برنامه‌های فرهنگی مساجد.
۱۳. داشتن مدیریت زمان در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد، به طوری که سعی شود برنامه‌های اجرایی مساجد (سخنرانی‌ها، کلاس‌های آموزشی، همایش‌ها، مراسم دعا و ...) کوتاه و متناسب با ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی، ویژگی‌های سنّی و ذهنی مخاطبان طرّاحی و اجرا گردد تا از خستگی، دلزدگی و در نتیجه، گریز جوانان از برنامه‌های فرهنگی مساجد جلوگیری به عمل آید.
۱۴. برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد برای نوجوانان و جوانان جذّاب و مفید بوده و هنر و مهارت را به آنان بیاموزد (زیستن دینی).
۱۵. مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در امر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و دینی و اجرای برنامه‌ها در جذب جوانان به مسجد مؤثر است.
۱۶. بسیاری از جوانان، به این خاطر از مساجد دوری می‌کنند که آن را همیشه مکانی برای گریه، موعظه و عبادت می‌دانند؛ در حالی که اسلام، مسجد را علاوه بر عبادت، مکانی برای آموزش، تعلیم و تربیت و شادابی جامعه معرفی کرده است. اگر این روحیه شادابی و طراوت همراه با حفظ حریم‌های اسلام به مساجد برگردانده شود، مکانی برای گرایش جوانان خواهد بود. اجرای برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و برگزاری اعیاد اسلامی، مثل قربان، نیمه شعبان، فطر، غدیر، ولادت‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و ... روح نشاط را به جامعه بر می‌گرداند.

۴. جلسات پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی جوانان

یکی از راه‌های جذب جوانان به مسجد، رفع نیاز فکری و معنوی آنان است. جوانان ذهن خلاق و جست‌وجوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حلّ مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات هستند. علاوه

بر آن، امروز شبهه‌افکنی در حوزه فرهنگ دینی یکی از پرخطرترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است؛ این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند؛ اما عدم پاسخ‌گویی به آنها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه‌های دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند. جوان، اگر احساس کند که مسجد، محلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اوست و در آن شخصیت ارزشمند و فرهیخته‌ای است که درد او را درک می‌کند، خواه ناخواه به سمت و سوی او متمایل می‌گردد و دیگران را نیز با خود همراه می‌سازد.

استاد مطهری می‌گوید: ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؛ چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند؛ حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند؛ البته جای تأسف است که این طور است؛ اما باید از خودمان پرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن و آنچه که در مدارس است، توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟ قرآن از مؤمنان می‌خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد: «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»؛^۱ این نکته در تربیت دینی و جذب جوانان بسیار مهم و حیاتی است که سخنان مربی باید همچون سدی محکم جلوی امواج مختلف مقاوم باشد.^۲ نکته در خور توجه اینک، باید با توجه نیازها و روحیات و علایق جوانان، در برنامه‌ریزی‌ها، بعد از مخاطب‌شناسی و نیازسنجی، جلسه‌های ویژه‌ای برگزار کرد. برای ارزیابی برنامه‌های تدوین شده، اجرا شده و بحث و گفت‌وگوی منتقدانه و تبادل پیشنهادها مفید در برنامه‌ریزی آینده، باید کوشا بود. این جلسات بحث و گفت‌وگو، علاوه بر رسیدن به راهکارهای مفید، باعث خودارزشمندی و تقویت خلاقیت، ابتکار و اعتماد به نفس در فرد می‌شوند. ضمن اینکه ارتباط دوستانه بین آنها و مدیران مسجد، مستحکم‌تر می‌شود.

۵. ایجاد اعتماد در جوانان

جوانان روحیه ویژه‌ای دارند. مدیران و مسئولان مساجد باید به علائق و موقعیت جوانان اهمیتی خاص دهند. «ستایش خواهی و جلب توجه کردن دو نوع از خواسته‌های جوانان در زمینه ذهن و عاطفه است». «بنابر این، به‌دادن به جوانان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته‌ها و ایجاد اعتماد و جذب آنان به مسجد است. بر این اساس، می‌توان از طرق مختلف در افراد اعتماد و ایمان کافی ایجاد کرد و آنها را به مساجد هدایت کرد. البته این به معنای اختیار دادن زیاد و غیرمنطقی به جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنان نیست.

۱. احزاب، آیه ۷۰.

۲. ر.ک: مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۹.

۳. جوانان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، صص ۴۳-۴۴.

بزرگان و اعضای هیئت امنا و امام جماعت می‌توانند، برای فعالیت‌های گوناگون مسجد، نظر جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام، سبب خودباوری، اعتماد به نفس و احساس شخصیت در جوانان می‌شود. آنان از اینکه می‌بینند نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحالند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد حاضر خواهند شد. همچنین، برخی از کارهای مسجد را می‌توان به‌طور کلی یا جزئی به جوانان واگذار کرد؛ برای مثال، در یک مراسم، برنامه پذیرایی بر عهده جوانان باشد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط جوانان تناسب دارد و سبب ایجاد وارستگی جوانان و علاقه‌مندی آنها به مسجد می‌شود.

۶. شکل ظاهری و داخلی مسجد

مسجد باید نمای بسیار زیبا و آرامش‌بخش داشته باشد؛ همچنین، ساختمان و تجهیزات درون مسجد باید تمیز و آرامش‌بخش باشد. جوانان روحیه‌ای زیبادوست و پر نشاط دارند؛ از این رو، مکان‌هایی که چنین ویژگی داشته باشد، در جذب آنان مؤثر است. برای جذب جوانان به مساجد باید این مکان‌ها را آراسته و پاکیزه ساخت. فرش‌های مسجد باید تمیز و پاکیزه باشند. روشنایی مسجد در حد مطلوب باشد. مسجد، همواره معطر و خوشبو باشد. نمازگزاران با لباس‌های پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند. مسجد از آرامش لازم برخوردار باشد. به مسائل دنیوی کمتر پرداخته شود و بیشتر مسائل اخروی مورد اتمام قرار گیرد. مؤمنان به یکدیگر احترام گذاشته و یکدیگر را به صبر، شکیبایی و خصلت‌های نیکو سفارش کنند. امام علی (علیه السلام) در سفارش‌هایش خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «اجْعَلْ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ لِلصَّلَاةِ؛ بهترین اوقات را برای نماز قرار بده»؛ حال اگر افضل اوقات برای نماز است، افضل جاها هم باید برای نماز باشد.^۳

نتیجه‌سخن

مسجد، به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی کانون تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا هستند. مسجد، به عنوان نخستین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی، می‌تواند با آگاهی‌بخشی، رسالت تاریخی خود را در راستای ارتقاء شأن و جایگاه جامعه اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و تقویت ارزش‌ها،

۱. معماری مسجدها، تجلی عرفان، نوروزنگ در معماری مسجد، ص ۴۳۹.

۲. انصاری راد، علی اکبر، راهکارهای جذب جوانان به مساجد، قابل دسترس در: www.andishegom.com.

۳. محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۴۸.

هنجارها و رفتارهای جامعه اسلامی ایفا کند. این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه انقلاب اسلامی، کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب بود؛ به گونه‌ای که حیرت همه ناظران منصف را برانگیخت. برخلاف انقلاب‌های معمول جهان، انقلاب اسلامی تشکیلات حزبی و سازمان‌دهی رسمی نداشت؛ اما مساجد، هسته‌های اصلی تجمع مردم و الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم بودند. گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌گردید، به گفتمان برتر بدل شد و همه گفتمان‌های چپ، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود حل کرد. اگر مساجد در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز محور پیشرفت انقلاب باشد.

رونق و شکوفایی مسجد در ایجاد و تداوم فرهنگ دینی بسیار مؤثر است. امروز با توجه به تهاجم فرهنگی گسترده دشمنان انقلاب و اسلام و تغییر نگرش افکار عمومی درباره دین و دین‌داری، لازم است مساجد با شیوه‌ها و ابزار نوینی، رسالت دینی خود را انجام دهند.

اهمیت و ارزش حضور در مسجد و نمازهای جماعت بر اساس آیات الهی، روایات و سیره معصومان (علیهم‌السلام) بر کسی پوشیده نیست، از طرفی، جذب جوانان به این امر مهم در کشور اسلامی مسئله جدی و از دغدغه‌های متولیان امر است، ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی ایجاب می‌کند که راهکارهای متناسبی برای جذب آنها به مسجد و جماعات استفاده شود. باید پذیرفت فردی که به مسجد می‌آید، عقل و بعد اجتماعی، عاطفی، زیبایی‌گرایی و ... دارد. از این‌رو، شایسته است نخست، جوانان را با انگیزه‌های متفاوت به مسجد هدایت نمود و برنامه‌ها را طوری طراحی کرد که همه قوای او را در برگیرد. در مجموع، اگر می‌خواهیم جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم تا به فردایی روشن و پرثمر دست یابیم.

امروز، متأسفانه برخی جوانان ایرانی آن‌گونه که انتظار می‌رود با مساجد مأنوس نیستند. علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی جوانان وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتست از: بحران هویت معنوی، تهاجم فرهنگی، ناآشنایی مبلغان دینی و تفسیر غلط از دین، غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین، ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین در تربیت دینی نسل جوان، ناآشنایی جوانان با فلسفه نماز و اسرار نماز جماعت، دوستان ناباب، تراکم کاری، هم‌زمانی برنامه‌های رسانه و مسجد، اختلاف‌ها، اعم از اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی و پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد، موجب مسجدگریزی مردم، به‌ویژه، قشر نوجوان و جوان می‌گردد. از این‌رو، باید برای حضور جوانان در مساجد، برنامه‌ریزی کرد و با توجه به نیازها و ویژگی‌های آنان به راه‌های جذب توجه کرد. برخی از راهکارهای متناسب برای جذب

آنان به مسجد و جماعات، موارد زیر قابل طرح است:

۱. بهانه‌های مختلفی برای عدم حضور در مساجد مطرح می‌شود که پیشنهاد می‌شود، باید جوانان را با فلسفه، اسرار و ارزش جماعات و حضور در مساجد آشنا کرد که طبق فرمایش پیامبر اسلام ﷺ اگر افراد ارزش حضور در جماعات را بدانند، برای شرکت در آن قرعه کشی می‌کنند.

۲. ایجاد جاذبه و رعایت شکل ظاهری (بهداشت و نظافت) مساجد به عنوان عامل دیگری برای جذب جوانان مطرح است. روشن است که جوانان به‌ویژه تحصیل کرده‌ها چقدر به امر بهداشت و نظافت اهمیت می‌دهند.

۳. نقش امام جماعت به عنوان یکی از ارکان و عوامل تأثیرگذار در امور مسجد و همچنین، جذب و نگهداری جوانان است که در این زمینه ایجاد ارتباط عاطفی، صرف وقت کافی برای امور جوانان، مورد پذیرش مردم و جوانان بودن، داشتن تقوا و فضائل اخلاقی و عدالت، رعایت نظافت و تمیزی، نظم و انضباط داشتن، بردباری، آسان‌گیری و عمل به گفته‌ها مواردی هستند که رعایت آن از طرف امام جماعت در جذب جوانان مؤثر است.

۴. در روش و شیوه‌های تبلیغ، داشتن ایمان قلبی، عامل بودن و نیز روش ارتباط مستقیم نفس با نفس و جذب همسالان توسط جوان مسجدی مؤثر است.

۵. از وظیفه و نقش نمازگزاران و اهالی مسجد می‌توان به داشتن غیرت نسبت به نماز، رعایت حرمت اشخاص، بهداشت و نظافت لباس، بدن و دهان، پرهیز از تندى و افراط در برخورد با نوجوانان و جوانان، مطابقت گفتار و عمل متولیان امور مساجد، ایجاد ارتباط بین مدرسه و مسجد و به‌طور کلّ احیای مسجد و جماعات اشاره کرد.

۶. احیای کارکردهای مختلف مسجد از جمله آموزش، فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و ...

۷. ارائه الگو برای جوانانی که در جماعات و مسجد حضور نمی‌یابند از طریق صدا و سیما، رسانه‌های جمعی از قهرمانان ورزشی، هنرمندان و اهل علم در حال نماز خواندن و حضور در مساجد.

۹. عدم انحصاری کردن امور و فعالیت‌های مسجد و پایگاه مقاومت و کانون‌های مساجد و رفع موانع حضور و عضویت جوانان و نوجوانان علاقه‌مند محله‌ها در این نهادها.

۱۰. ارائه و بیان ترجمه دعاها و اذکار به زبان روان برای آشنایی جوانان و نوجوانان با معارف و پیام‌های دلنشین و تأثیرگذار این دعاها.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که برنامه‌ریزی، همراه با یک مدیریت قوی و منسجم

اسلامی، اساسی ترین وظیفه در میان وظایف مدیران مساجد است. در مجموع، اگر می خواهیم نوجوانان جوانان و بزرگسالانی علاقه مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه گذاری کنیم تا به فردایی روشن و پرثمر دست یابیم.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد، غرورالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ ه.ش.
۲. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۷ ه.ق.
۳. شیخ صدوق، محمّدين علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ه.ش.
۴. ابوالفضل ساجدی، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟ قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴ ه.ش.
۵. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم، ۱۳۷۲ ه.ش.
۶. شعیری، محمّدين محمّد، جامع الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ ه.ش.
۷. —، جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ ه.ش.
۸. بیانات مقام معظم هبری (رحمته الله) در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۷۹/۱۱/۲۷.
۹. شاکرین، حمیدرضا، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، قم، نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۵ ه.ش.
۱۰. قائمی، علی، جوان‌ازدیدگاه‌نیازها، خواسته‌ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ ه.ش.
۱۱. گروه نویسندگان، روان‌شناسان بزرگ، مترجمان: دکتر احمد به‌پژوه و دکتر رمضان دولتی، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم.
۱۲. مطهری، مرتضی، سیری در زندگانی استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۳. —، ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۶ ه.ش.
۱۴. موتی پالمر و دیگران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷ ه.ش.
۱۵. مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، انتشارات رشد آموزش و پرورش برای آینده، کارشناسان یونسکو، مرکز تحقیقات آموزشی، چاپ اول، ۱۳۷۰ ه.ش.

۱۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۱۷. محمدی، محسن، مسجد، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۱۸. هورنای کارن، تضاد‌های درونی ما، ترجمه: محمد جعفر مصفا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۱۹. معماری مساجد، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، تهران، افق آینده، دانشگاه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲۰. قرائتی، محسن، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تهران، چاپ و نشر و طرح ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۰ هـ. ش.

کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم

عبدالوهاب عطایی

چکیده

نگارنده در مقاله حاضر، نقش سیاسی مساجد در قرن های چهارم و پنجم هجری قمری را بررسی می کند. در این دو قرن، حوادث و رویدادهای مهمی، همچون قیام های خلفای فاطمی، آل بویه، سلجوقیان، غزنویان و غیره رخ داد. حتی نفوذ و قدرت آنها، مرکز خلافت بنی عباس، یعنی بغداد را فراگرفته و سلسله بنی عباس را تحت سیطره خویش قرار داد. نگارنده، ضمن بیان مهم ترین راهبردها و کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم، به مقایسه آن کارکردها با کارکرد سیاسی و فرهنگی مساجد عصر حاضر می پردازد و در نهایت، اساسی ترین راهکارهای احیای نقش سیاسی مساجد در عصر حاضر را بیان می نماید.

واژگان کلیدی:

کارکردهای سیاسی مساجد، قرن چهارم و پنجم ه.ق، خلفای فاطمی، اسماعیلیان سلاطین، سلجوق، عباسیان، غزنویان، مساجد در انقلاب، نماز جمعه از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نماز جمعه و جماعت.

مسجد، در اسلام کانون عبادت است؛ اما عبادت از یک مفهوم گسترده‌ای برخوردار است که شامل کلیه امور مربوط به حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... می‌گردد؛ چنان که پیامبر اسلام ﷺ، از همان ابتدای تشکیل حکومت، مسجد را نیز بنیان نهاد. در حقیقت، مهم‌ترین شاخصه مسجد، کارکردهای چندمنظوره آن است که تنها به عبادت، نماز و دعا خلاصه نمی‌شود.

به دلیل پیوند عمیق بین دیانت و سیاست، یکی از شاخصه‌های اساسی مسجد، کارکرد سیاسی آن است. با مطالعه در تاریخ و منابع معتبر اسلامی به روشنی درمی‌یابیم که مساجد در قرن‌های چهارم و پنجم، کارکردهای سیاسی زیادی داشته‌اند؛ زیرا در آن دوره‌ها، حوادث و رویدادهای مهمی، مانند قیام‌های خلفای فاطمی، آل‌بویه، سلجوقیان، غزنویان و غیره رخ داد؛ حتی نفوذ و قدرت آنها مرکز خلافت بنی‌عباس، یعنی بغداد را فراگرفته و آنها را تحت سیطره خویش قرار داد. خلفای فاطمی در مصر بعد از استقرار در آن شهر، از جایگاه مقدّسی چون مسجد، خلافتشان را به طور رسمی اعلان کردند. از طرفی آل‌بویه با سیطره‌شان در بغداد، توجه‌شان به مراکز دینی همچون مساجد و عتبات عالیات متبرّک که اولیای الهی متمرکز گردید. از این رو، بسیار شایسته است که پژوهشی در نقش سیاسی مساجد در دوره‌های یاد شده، داشته باشیم. در این پژوهش به دنبال دستیابی به این پرسش هستیم که جایگاه مساجد از لحاظ سیاسی و فرهنگی در قرن چهارم و پنجم چگونه بوده است؟ در واقع، اساسی‌ترین کارکرد راهبردی مساجد در جهت رونق‌بخشی انقلاب‌ها و رویدادهای سیاسی قرن چهارم و پنج چه بوده است و تفاوت آن نسبت به وضعیّت مساجد در زمان فعلی چیست؟ هدف اصلی این تحقیق، تبیین کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنج و مقایسه آن با کارایی مساجد در عصر حاضر است تا با تدوین شاخصه‌های آنها، نتایج این تحقیق برای آگاهی نسل جوان، کارساز باشد. این بررسی، بیشتر با رویکرد دینی و با تأکید بر نهاد دینی مساجد و روابط بین مساجد، حکومت و انقلاب‌ها انجام می‌گیرد.

مسجد و مؤلفه‌های کارکردی آن

مسجد در تاریخ اسلام نقش مؤثرتری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشت. مسجد به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بسیار مقدّس است که شناخت و بهره‌گیری از زوایای آن در استفاده هر چه بهتر و بهینه از این مکان، مؤثر خواهد بود. آنچه اهمیّت بسزا دارد، جایگاه و کارکرد مساجد و تجمّعات مذهبی است. طبیعی است که عناصر

ساختاری و پدیداری و نظام موجود در مسجد در جهت توسعه و پیشرفت یا انحطاط و عقب ماندگی یک کشور اسلامی اثر کلیدی دارد. از جمله آن عناصر عبارت‌اند از:

۱. ساختمان مسجد، که با کارکردهای مثبت و منطبق با اهداف اولیه آن، باید سرای آخرت و بنای بهشت باشد.

۲. محراب، که در واقع نمادی از حرب و مکانی برای آمادگی دفاعی از مبانی دین اسلام و ستیزه با دشمنان دین و مذهب است، مکان واقعی برای مبارزه با دشمن بیرون و درون است.

۳. صفوف جماعت، که همه رو به یک هدف و در تبعیت از قیام و حضور امام صورت می‌پذیرد، جلوه‌گاهی از اتحاد و یکپارچگی و وحدت مسلمانان است. تا زمانی که انسان‌ها به صورت پراکنده باشند، امکان ارتقای فرهنگی را نداشته و در ارتباط اجتماعی و سیاسی، آسیب‌پذیر خواهند بود.

۴. منبر، که وسیله‌ای برای اعلان مواضع و مهم‌ترین عامل اطلاع‌رسانی است.

۵. امام جماعت، که امام، مقتدا و راهنماست و هم دعوت‌کننده مأموم به سوی خداوند است.

چنین عناصر و ساختاری، رساترین و صادق‌ترین و بلندترین فریاد دین‌خواهی، دین‌پروری و دین‌زایی را به نمایش گذاشته است.

رویکرد قرآن نسبت به دیدگاه کارکردگرایانه مسجد

قرآن کریم از مسجد دو تصویر با دو نوع کارکرد متفاوت ارائه داده است. ابتدا تصویری از جبهه ایمان و جایگاه و کارکردهای آن و سپس ترسیم تابلویی از جبهه کفر با کارکردهای ویژه خود ارائه نموده است؛ یعنی مسجدی با کارکردهای مثبت و مسجدی با کارکردهای منفی.^۱

از یک سو، مسجدی را معرفی می‌کند که بر اساس تقوا و در جهت اهداف اولیه ساخته شده است.^۲ چنین مسجدی به یقین پایگاه توحید و ایمان، جایگاه جهاد و ایجاد وحدت در صفوف بندگان خداست و بنا بر رسالت و ماهیتش کسانی را جذب می‌کند که آزادی و پاکی را می‌طلبند.

از سوی دیگر، مسجدی را توصیف می‌کند که با انگیزه‌های شیطانی و اهداف ضد مردمی، در جهت زیان‌رسانی به جامعه و اسارت مردم و بستن راه خدا و ایجاد پایگاه کفر و الحاد و زمینه‌سازی برای تفرقه و توطئه، توسط کسانی که تشنه دشمنی با حقیقت و مخالف ایمان‌اند، بنا شده است.^۳

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۰.

۲. توبه، آیه ۱۰۹.

۳. توبه، آیه ۱۰۷.

در طول تاریخ، دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود، از مسجد با روش‌های گوناگون بهره برده‌اند؛ از سوی دیگر هم، مردم برای دستیابی به خواسته‌های مشروع‌شان، فریاد و انتقادشان را به عنوان یک فشار مردمی علیه حکومت از مساجد شروع کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که سیاسی بودن مسجد و منبر، دارای پیشینه تاریخی بسیار غنی و طولانی است و حتی معابد نیز چنین کارکردی داشته‌اند. اکنون، جا دارد که به برخی از نمونه‌های تاریخی این کارکرد اشاره کنیم.

استفاده از مسجد با کارکردهای مثبت

یکی از دلایل شکست سیاست‌های اسماعیلیان، توان مقاومت پیروان تسنن، مذاهب اکثریت، به ویژه سوریه بود؛ این شکست مانند رخدادی کوچک بر پیکره خدشه‌ناپذیر مکتب تسنن باقی ماند. به علاوه، خلافت جدید، در بطن تاریخ اقتصاد مصر چیزی را تغییر نداد، بلکه باعث تشدید مشکلات آن گردید و فاصله طبقاتی بین کارگر شهری با روستایی یا جلال و شکوه دولتی را آشکار ساخت. خلفای فاطمی برخلاف آن ضعف‌ها و افراط‌ها، افتخارات به مراتب بیشتری از پیشینیان خویش به ارمغان آورده و از موقعیت استثنایی این شهر برای مبادله اندیشه‌ها استفاده کردند. آنها، دانشمندان مسیحی، اقلیت‌های مذهبی و... را با سهه صدر بیشتری در زمینه سیاست رسمی دولتی پذیرا شدند.

امام عزیز، در دوران خود، تلاش زیادی نمود تا میان اندیشمندان و علمای اسلام و سایر ادیان، تعاملات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به وجود آورد تا از این طریق در میان ادیان الهی تنش زدایی نماید. وی اندیشمندان و علما را از سرزمین‌های دور در مراکز علمی جمع می‌کرد و به مباحث علمی دعوت می‌نمود. از آن مراکز علمی، مساجد جامعی چون مسجد الازهر، مسجد جامع عمرو بن العاص است. چنان‌که این سخن را یکی از تاریخ‌نویسان چنین می‌نویسد: «به حکم امام عزیز، به وسیله وزیرش سیدنا یعقوب بن کلس، برای فقها و وظیفه معین شده بود و برای ترقی و ترویج این مراکز دانش و علم، از سایر شهرها و نقاط دوردست نیز علما و فقها را به این مکان دعوت می‌نمودند و حتی برای آنها حقوق معینی مقرر شده بود. علما و طلاب برای استفاده از مجالس و بحث فقه، از مسافت‌های بسیار دور به سوی این مرکز علم و دانش می‌شتافتند... در همین مسجد یا مرکز علمی، قاضی عبدالعزیز بن محمد بن نعمان از روی کتاب جدّ خود با نام «اختلاف الاصول و المذاهب» به شاگردان درس می‌گفت. همچنین، قائد جوهر کتابخانه‌ای در آن تشکیل داد که بعدها مورد توجه عالمیان واقع گردید».^۲

۱. تلخیص از: آندره میکس، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۲. خلفای فاطمی، ص ۳۷ و ۳۸.

یکی از صفات برجسته علما و خلفای فاطمی این بود که تعصب مذهبی نداشتند! بر این اساس، در این مرکز علمی-جامع‌الزهر-تمام مذاهب را با گشاده‌رویی خود مورد استقبال قرار می‌دادند؛ این راهبرد و خط‌مشی آنها در راستای تحقق انسجام و یکپارچگی جهان اسلام و آسیب‌شناسی و تنش‌زدایی و روحیه تعامل و همگن شدن، قابل تأمل بوده و از شاهکارهای آنها شمرده می‌شود.

مسجد الازهر مصر در عصر خلفای فاطمی (ونیز فسطاط)

«در بین سال‌های ۳۵۹-۳۶۲ ه.ق (۹۷۰-۹۷۲ م) مسجد الازهر به وسیله «جوهر حقلی» بنیان‌نهاد شد. وی غلام مسیحی‌زاده و نومسلمان بود. سپاه فاطمیان به فرماندهی او مصر را فتح کرد. هنوز بعضی قسمت‌های اصلی بنای این مسجد، پابرجاست...»^۱

یکی از خلفای فاطمی، «الحاکم بامرالله» بوده است. طبق شواهد تاریخی، او نیز همچون خلفای دیگر فاطمیان به مسجدسازی علاقه‌مند بود؛ چنان‌که کتاب «تاریخ تمدن» به آن اشاره دارد: «مسجد الحاکم بامرالله را از سنگ ساخته‌اند و قسمت اعظم آن هنوز پابرجاست»^۲.

در تاریخ آمده است که شهر مصر را خلفای فاطمی در قرن چهارم ساختند و هر خلیفه فاطمی، می‌کوشید که از خلفای قبل از خود، شهر را بهتر بسازد و تزیین نماید. این خلفا بنا و ساخت و ساز را جزء افتخارات و مفاخر خویش می‌دانستند. چنان‌که گوستاولوبون در این زمینه می‌نویسد: «شهر قاهره در سال ۳۵۹ هجری (۹۷۰ م) بنا شد. قصبه قدیم فسطاط که عمر و عاص آن را بنا نهادند، در داخل حصار شهر در همان محلی واقع شده بود که شهر جدید بعدها در آنجا بنا شد»^۳. در ادامه او می‌نویسد: «این شهر تازه، از آغاز تا بنیاد و تازوی که به پایان رسید سه سال بیشتر طول نکشید. خلفای فاطمی، بخش زیادی از عواید خود را صرف آرایش و تزیین این شهر می‌کردند و هر خلیفه‌ای تمایل داشت که بیشتر در این قسمت بر خلفای پیش برتری جوید تا آن حد که «لکوکین» وقتی به جای خلفا، حکمران مصر شد، آراسته‌زیباسازی شهر را جزء مفاخر خود می‌شمرد»^۴.

از این رو، یکی از کارهای مثبت خلفای فاطمی، توجه جدی آنها به رونق‌بخشی مساجد در ابعاد گوناگون بوده است. همان‌گونه بیان شد، خلفای فاطمی، اکثر عایدات خود را صرف ساخت و توسعه مسجد کرده و

۱. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۶۵.

۲. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۶۵.

۳. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۷۸.

۴. همان، ص ۲۷۸-۲۷۹.

این کار را جزء افتخارات‌شان می‌دانستند. این مطلب نشان می‌دهد که آنها به مساجد و اغراض سیاسی آن توجه داشته‌اند.

گوستاولوبون در مورد جامع الازهر می‌نویسد: «جامع ازهر، در سال (۳۵۹ هجری مطابق ۹۷۰ میلادی) از نقطه نظر آرایش و تزئین، به مراتب از مسجد «طولون» بهتر و بالاتر بود. این مسجد به خاطر مدرسه‌ای که در سال ۳۷۸ هجری قمری در آن بنا شد، در میان تمام مساجد اسلام شهرت زیادی پیدا کرده و تاکنون هم از مساجد معروف است. طلاب از سرزمین‌های اسلامی دور دست برای تحصیل در این مسجد جمع می‌شوند و در حقیقت، مسجد مزبور در شرق، آخرین موطن برای تکمیل علوم عربیه است»^۱.

آثار و روابط فاطمیان با قشربهای مختلف

در مسجد الازهر آموزش‌های عالی عرضه می‌شد و خلفا و وزیران آنان به دانش‌پژوهان و مساجد توجه می‌کردند. شاهد این مدعا، این بیان تاریخ است: «به سال ۳۷۹ ه.ق (۹۸۸ م) یعقوب بن فلیس، وزیر خلیفه را وادار کرد تا خرج ۳۵ شاگرد در جامع الازهر را بپردازد. بدین ترتیب، قدیمی‌ترین دانشگاه جهان به وجود آمد... از همین زمان، خلفا و وزیران و مردم ثروتمند برای تعلیم رایگان طلاب، هزینه تحصیلی پرداخت می‌کردند؛ چون دانشگاه جامع الازهر با کمک مالی دولت و توانگران اداره می‌شد». از این مطالب درمی‌یابیم که روابط اجتماعی میان دولتمردان خلفای فاطمی و طبقه مرفه و ثروتمند در آن قلمرو از جغرافیای سیاسی جهان اسلام، روابطی حسنه بوده و به برکت حضور در مساجد، بین آنها تعامل وجود داشته است.

در جای دیگر، نویسنده «تاریخ تمدن»، از رابطه خوب اجتماعی بین خلفای فاطمی با مردم و اجتماع در جهت رونق بخشیدن به پایگاه‌های دینی و مذهبی، مشارکت، هماهنگی و بهبود تعامل دوجانبه می‌نویسد. چنان که ویل دورانت می‌نویسد: «با وجود امتیازات فراوانی که خلفا داشتند، مصر از رفاه بهره‌مند بود؛ زیرا حلقه ارتباطی بازرگانی آسیا و اروپا به شمار می‌رفت... وقتی ثروت بغداد کاهش یافت و قوتش به سستی گرایید؛ در همان حال، ثروت و قدرت قاهره افزایش یافت. ناصر خسرو که در سال ۴۳۹ ه.ق (۱۰۴۷ م)، پایتخت تازه را دیده بود، می‌گوید: ... ثروتمندان بزرگ فراوان بودند؛ یکی از تجار مسیحی، در مدت پنج سال که به دلیل کمبود آب، قحطی شده بود، همه مردم را از مال خود اطعام می‌داد. یعقوب بن فلیس، ثروتی معادل ۳۰ میلیون دلار آمریکایی به جا گذاشت. این ثروتمندان با خلفای فاطمی در بنای مساجد و ایجاد کتابخانه‌ها و مدرسه‌های بزرگ و تشویق علم، مشارکت داشتند»^۲.

۱. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۷۸.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۶۴.

با توجه به نکات تاریخی یادشده درمی‌یابیم که:

۱. روابط میان مردم و حاکمان در عصر یادشده، مناسب بوده است.
۲. همچنین، مسجد در یکپارچگی و هماهنگی بین مردم و حاکمان اسلامی نقش بسزایی داشته است.
۳. مردم در ساخت و ساز کتابخانه‌ها و مدارس با دولت سهیم بوده‌اند.

فَعَالِیَّت‌های سیاسی و مذهبی فاطمیان پس از فتح مصر

وقتی که فاطمیان کشور مصر را در سال ۳۵۸ هـ.ق (۹۶۹ م)، فتح کردند، «جوهر غلام المعز» خلیفه فاطمی، دعوت خاندان علوی را آغاز نمود. او وقتی از ساختن شهر قاهره فراغت یافت، دستور داد که دیگر به نام عباسیان خطبه نخوانند و در عوض، خواندن خطبه را به نام «المعز» فاطمی انجام دهند. در دوره تصدّی «جوهر غلام المعز» در تمامی مساجد مصر، مانند جامع عمر، جامع ابن طولون و جامع ازهر که «جوهر غلام المعز» آن را بعد از فتح مصر، بنا نموده بود، دعوت شیعه انجام می‌گرفت.^۱

هدف فاطمیان از ساختن مسجد تنها عبادت نبود، بلکه فَعَالِیَّت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز هدف مهم‌تر آنها بوده است. این حقیقت از اسناد تاریخی نیز استنباط می‌گردد: «بنای مسجد در مصر، فقط برای انجام عبادت نبود؛ بلکه ساختن آن برای مقاصد سیاسی و اجتماعی نیز مدّ نظر بود. از این جهت مساجد، مراکز مهم تمدّن اسلامی گردید و جای اجتماع علما و فقها شده و محلّی خاصّ برای انتشار اخبار مهم جامعه بود؛ زیرا مقصود عمده‌ای که فاطمیان از سیاست خود در مصر داشتند، جلب نظر عامّه و توجه عمومی به سوی ایشان و ورود مردم در حوزه مذهب شیعه بود». ^۲ بنابراین، خلفای فاطمی نهایت تلاش خود را در جهت نشر شیعه اسماعیلیه به کار می‌بستند و از اسم مذهب در راستای مقاصد سیاسی مشروع‌شان استفاده درستی نمودند. وقتی فاطمیان، مصر را فتح کردند، در مصر دو مسجد وجود داشت: یکی، جامع عمر در شهر فسطاط و دیگری، جامع ابن طولون که اوّلی در مرکز شهر و دوّمی در حومه آن قرار داشت. «جوهر، به‌زودی جامع الازهر را در قاهره، پایتخت تازه فاطمیان انتخاب کرد و در جامع عمر، در تاریخ ۱۹ شعبان ۳۵۸ هـ.ق پس از استیلا یافتن به فسطاط، چند روز بعد به نام المعز خطبه خوانده شد و ذکر نام المعز لدین الله در خطبه جمعه به جای نام خلیفه عباسی، یکی از حوادث مهم تاریخ بود». ^۳ البتّه بنا به شواهد تاریخی، مبلّغان و خطبا در مرحله نخست در خطبه‌هایشان به‌طور مستقیم نام المعز لدین الله را نبردند؛

۱. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۶.

۲. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۷.

۳. همان.

فقط اوصاف علویان را بازگو می کردند؛ اما بعد از سه ماه (در ذی القعدة ۳۵۸) خطیب، ابتدای خطبه را به نام اهل بیت خوانده است؛ ولی در رمضان ۳۵۹، جوهر دستور داد که به دیوارهای مسجد جامع عمر با مرکب سبز، شعار علویان را بنویسند. پس از آن، دعوت شیعه در جامع ابن طولون هم رسمیت یافت.

مسجد و جشن و نماز جمعه خلفای فاطمی

خلفای فاطمی تأکید داشتند که در سه جمعه آخر ماه رمضان برای اقامه نماز به مساجد حاکم، الازهر و عمرو بروند. خلیفه در این ماه یک جمعه استراحت می کرد. این روز را «جمعة الراحة» می نامیدند. صاحب بیت المال، صبح هر جمعه خودش بر مراسم آماده سازی مسجدی که قرار بود در آن نماز برگزار شود، نظارت می کرد. در این مراسم، مسجد را با حصیر و سایر گسترده های فرش می کردند. اندکی پیش از رسیدن خلیفه، قاضی القضاة با منقلی، منبر و قبه را بخور می داد.

خلیفه فاطمی سوار بر مرکب می شد و به راه می افتاد. زمانی که به مسجد می رسید، عده ای بر طبل می کوبیدند و سنج می زدند و قاریان با صدای نیکو قرآن می خواندند. خلیفه به محض اینکه به مسجد می رسید، به اتاق خطابه می رفت که برای او اختصاص یافته بود. به طور معمول، سرداران سپاه و بزرگان مورد اعتماد با گروهی از پاسداران نخبه خلیفه از او محافظت می کردند. پس از اینکه نماز به پایان می رسید، خلیفه لحظه ای استراحت می کرد، تا هبه ها را در میان خطبا، مؤذنان و ناظران اموال و سرپرستان کودکان بیت المال پخش کنند. چنین موکب هایی به مناسبت عید فطر و قربان و حج نیز انجام می شد.^۱ یکی از ویژگی های ممتازی که در قرن چهارم و پنجم قابل ستایش بود و امروز در مساجد ما انجام نمی شود، اعلان مسائل مهم کشوری است که در مسجد به اطلاع مردم می رسید؛ اما امروز از رسانه های رسمی کشوری اعلان می گردد.

دعوت در جامع الازهر

«فاطمیان، جامع الازهر را مرکز نشر عقاید مذهبی خود قرار داده بودند و پیروان ایشان در آنجا جمع می شدند و اولین نماز که در جامع الازهر خوانده شد، در هفتم رمضان سال ۳۶۱ هـ. ق بود.»^۲ قبل از ورود خود خلیفه فاطمی - المعز لدین الله - در شهر مصر تبلیغات خیلی شدت نداشت؛ اما بعد از ورود خلیفه فاطمی، تبلیغات آنها شدت می گرفت. خلیفه فاطمی دستور داد که عبارات زیر را روی دیوارهای قدیمی مصر بنویسند:

۱. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۱۸۸-۱۸۷.

۲. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۸.

«خیر الناس بعد رسول الله ﷺ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام؛ یعنی بهترین مردم بعد از رسول خدا ﷺ، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام است»^۱.

خلفای فاطمی و مبلغان آنان، نه تنها به نشر و دعوت فضایل خودشان، بلکه به فضایل و مناقب اهل بیت علیهم السلام نیز توجه داشتند و کسانی که امام علی علیه السلام را یاری نکرده و به خاندان آل محمد ﷺ ستم روا داشته بودند، مورد طعن قرار می دادند؛ حتی آنها فضایل اهل بیت علیهم السلام را در تابلوها نقش نموده، به دیوار مساجد و ... ثبت می کردند. «خلفای فاطمی، فضایل امام علی علیه السلام و اولاد او را بعدها جزء نقوش مسکوکات خود نموده و دیوارهای مساجد و معابد و شهرهایی که در تحت سلطه و تصرف آنها بود، آن فضایل را رسم و ثبت می کرده اند»^۲.

روش دعوت اسماعیلیان

دعوت گران اسماعیلی، به روش های دیگری شهرت داشتند. آنها قبل از آموختن از مریدان خویش تعهد می گرفتند که سرآموخته شده را حفظ کنند و به کسی نگویند و در راه حفظ آن تمام رنجها را تحمل نمایند. برای تعلیم دعوت در قصر خویش و مکتبها و مسجدها، انجمنها داشتند. کار دعوت به عهده «سر دعوتگر» بود که او را «داعی الدعوات» نیز می خواندند و همسنگ قاضی القضاة بود و گاهی هر دو منصب را به یک نفر می دادند.

داعی الدعوات، دوازده همکار به عنوان «نقیب» داشت که هر کدام چند نایب داشتند که پیوسته در سفر بودند و در ولایت های نزدیک و دور، مریدان و پیروان را تعلیم می دادند. ریاست دعوت به داعی الدعوات محول بود که از مریدان، به طور مستقیم یا به وسیله نایبان پیمان می گرفت و بر مباحثات مذهبی که در انجمنها انجام می گرفت، نظارت داشت و خلاصه آن را به تصویب و امضای خلیفه می رسانید. معروف ترین آنها، حنیفه «نعمان مغربی» و «هبة الله» شیرازی بودند.^۳ همچنین، برای زنان نیز انجمن هایی به نام «انجمن دعوت» وجود داشت که اصول مذهب را به آنها می آموختند.^۴

روش استفاده از مساجد (در قرن ۵ و ۴) راهکارها و ابزارهای توسعه فرهنگی

در آن زمان از روش های گوناگون با محوریت مساجد برای آگاهی مردم و نشر معارف الهی و رونق علم

۱. همان، ص ۱۳۸.

۲. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۴۰.

۳. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۵۵۴.

۴. همان، ص ۵۵۵.

و دانش بهره می‌گرفتند؛ مجالس درس و املا و حلقه‌های علمی از جمله راه‌های توسعه فرهنگی در عصر عباسی بود که پیش از تأسیس مدارس، در مساجد برگزار می‌شد. ابوبکر بن انباری (۳۲۸ق) چندین مجلس املا داشت. حسن بن حمومه قاضی (۳۳۵ق) مجالس املائی خود را در استرآباد تشکیل می‌داد. غلام ثعلب، لغوی معروف، (۳۲۵ق) نیز صاحب امالی فراوانی است... ابونجار در سال ۳۴۸ هجری در گذشت. او دو حلقه در روزهای جمعه در جامع منصور داشت. یکی برای فتوا بود و دیگری برای املائی حدیث... فیروزآبادی قاضی در سال ۵۰۰ هجری با ابوالطیب در حلقه نقد در جامع منصور شرکت کرد.^۱

سیاست مذهبی سلاطین سلجوق و استفاده مثبت از مسجد

سلاطین حنفی مذهب سلجوق با زخم شمشیر و کشتار مخالفان و خوار کردن مذاهب دیگر، سیاست مذهبی خود را جامه عمل می‌پوشاندند.^۲ راوندی که خود حنفی مذهب است، سیاست پیشبرد مذهب حنفی را به زور شمشیر و به قیمت کشتار پیروان دیگر مذاهب اسلامی، به دست سلاطین سلجوق تأیید می‌کرد؛ زیرا در نظر ایشان، این کار دارای تقدس مذهبی بوده است.^۳

از پژوهش‌های تاریخی چنین استفاده می‌شود که سلسله سلجوقیان در راهبردهای جنگی خود در مقابل دشمنان، برای تقویت روحیه خود و لشکریان‌شان از فضای روحانی و معنوی مسجد، همراه با نماز و دعا و مناجات بهره می‌جستند. آنها بنیان‌های ساختاری و تشکیلاتی‌شان را به سوی فضای معنویت سوق داده و تقویت می‌نمودند.

این سلسله در شرف مواجهه جبهه جنگ با کفار و معاندان اسلام، از مساجد و معابد برای دعا و مناجات با خدا در جهت رسیدن به مقصود، یعنی پیروزی بر دشمنان، کمک می‌جستند و شاهد این مدعا جنگی است که الب ارسلان (سلجوقی) با قیصر روم آغاز کرد و در طی آن، دست به مناجات و دعا در معابد و مساجد به درگاه ایزد منان برداشتند: «وقتی که سلطان الب ارسلان از عناد و استبداد حاکم روم آگاه شد، به لشکریان و دلاوران جنگی گفت که اگر ما در جنگ سستی کنیم حتی یک نفر هم زنده نخواهیم ماند و یا به اسارت محنت‌بار دشمن در خواهیم آمد؛ اکنون چاره‌ای جز صبر نیست؛ تا اراده قادر مختار به آنچه از خیر و شر مقدر کرده، ظاهر گردد. لشکریان این کلمات را از سلطان شنیده، جواب دادند که: جان‌ها فدا کنیم و به قدر توان و امکانات سعی نماییم».^۴

۱. تمدن اسلام در عصر عباسیان، ص ۳۲۸.

۲. دولت سلجوقیان، ص ۱۵۲.

۳. راحة الصدور، ص ۲۱۷، به نقل از: دولت سلجوقیان، ص ۱۵۲.

۴. تاریخ روضة الصفا، ص ۳۱۵۸.

آنگاه می‌گوید: سلطان به استظهار [پشتیبانی] تمام، روی به مخالفان نهاد و از جانبین [دو طرف] آواز کوس و ناقوس به اوج آسمان رسید و غبار معرکه به ایوان و کیوان متصاعد گشت که ارباب توحید در مساجد و معابد دست به دعای جیوش [ارتش] مسلمانان بر آورند.^۱

این شاهد تاریخی دربارهٔ حاکمان سلسله سلجوقی، بیانگر نقش ارزنده و کارکرد سیاسی مسجد در تقویت روحیه سپاه اسلام و مستحکم نمودن باورهایشان است. الب ارسلان سلجوقی با تقویت باورهای دینی مردم، از این ظرفیت به نحو احسن، به نفع حکومت مقتدر خود، در برابر مسیحیان استفاده کرد.

تاریخ، دعا و مناجات الب ارسلان را برای پیروزی بر دشمن، چنین ذکر می‌نماید: «ای ربّ الارباب! و ای مسبّب الاسباب، این بنده گناهکار را به جزای اثمی [گناهی] که دارد، مؤاخذه مکن! و نظر و مرحمت و عنایت از این عبد ضعیف که متکفل عباد صالحین تو شده، باز مگیر و عنان این باد سموم را که متوجه اولیای دین تو شده، به جانب اعدا منعطف مدار.»^۲ البته این نکته را باید یادآور شد که الب ارسلان این دعا را هنگامی می‌نماید که بادهای مهلک، هنگام آماده شدن سربازان برای جنگ با دشمن، به سوی لشکریانش وزیدن گرفته بود و بعد از این دعا است که نتیجه و اجابت آن را مشاهده کردند. بنابراین، روشن می‌شود که سلجوقیان در راه رسیدن به اهداف و راهبردهای کلان خود، به روش‌های گوناگون دینی و مذهبی از جمله با قرار گرفتن در فضای روحانی و معنوی مسجد، همراه با دعا و مناجات، از خداوند یاری می‌طلبیدند. چنان که در ادامه، صاحب روضة الصفا می‌نویسد: «و سلطان مناجاتی دور و دراز کرده و معاریف [بزرگان] لشکر به موافقت (همراهی) سلطان به گریه افتاد، در همان حال اثر اجابت دعا ظاهر گشت و آن (ریح) عاصف بر دشمنان دین در هبوب [وزیدن] آمد... و سلطان خود نیز حملات متواتر [پشت سرهم] کرد و صفوف لشکر روم به هم آمده، راه انهزام [شکست] پیش گرفتند.»^۳

در نتیجه این جنگ، قیصر روم اسیر گشت؛ اما بنابر تقاضا و تعهد بر اطاعت از سلطان ارسلان، قیصر روم آزاد گشت و دختر قیصر را الب ارسلان به عقد فرزندش درآورد. سپس، با احترام همراه با هدایایی، قیصر روم را رها کرد.^۴ اکنون روشن گردید که سلاطین سلجوقی، از مسجد هم برای به قدرت رسیدن یا سرکوب مخالفان داخلی‌شان استفاده می‌کردند و از پیوند دادن مسجد و پایگاه نظامی، برای نیرو گرفتن سربازان و جنگجویان خود در مقابل دشمن بیرونی، یعنی کفار و مسیحیت بهره می‌جستند.

۱. همان، ۳۱۵۶.

۲. همان، ص ۳۱۵۸.

۳. تاریخ روضة الصفا، ص ۳۱۵۹.

۴. همان، ص ۳۱۶۰.

همچنین یکی از بارزترین و مؤثرترین محور کار کردی بازدارندگی مساجد در مورد مسائل سیاسی بود. مساجد بهترین پناه برای آنانی بود که از همه جا قطع امید کرده بودند و یگانه مأمن خویش را خانه خدا می‌یافتند و عامه مردم صدای مخالفت، اعتراض و انتقادشان به دستگاه حاکم و وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود را با تحصن به گوش ستم‌پیشگان و ستم‌دیدگان می‌رساندند که گاهی نتایج مثبت و کارآیی خوبی هم در پی داشت. به عنوان نمونه، در این خصوص می‌توان به عکس‌العمل علمای اسلام در جهان اسلام و به‌ویژه در ایران در دوره مشروطه در مساجد اشاره کرد؛ در انقلاب اسلامی، برای مخالفت امری، علما و مردم در مساجد تحصن می‌کردند: «در ساعت ۱۹، ۱۰/۱/۱۳۵۷ حدود ۷۰۰ نفر از طبقات مختلف و اقشار مذهبی به منظور اعتراض به حادثه روز ۹/۲۴/۱۳۵۷ کرمان که منجر به کشته شدن ۴ نفر گردید و همچنین آزادی ۴ نفر فرهنگیان این شهر - که در زندان به سر می‌برند و در حوادث و تظاهرات دستگیر شده بودند - در مسجد تحصن کردند و قصد دارند تا عصر روز ۲/۱۰/۱۳۵۷ به تحصن خود ادامه دهند»^۱.

کارکردهای سیاسی مساجد

سال‌های اول هجرت، زمانی که اولین مسجد ساخته شد، آن را پایگاه مسلمانان قرار دادند تا به آیندگان بفهمانند که دین و سیاستمان یکی است. دیوان، که دادگستری دولت آن موقع بود، مرکز مسجده بود. مسجد محلّ عبادت و مکان خاکسار شدن در برابر معبودی بود که به تازگی پیامبر آخرین را برای هدایت بشر فرستاد و کنیسه و کلیسا را به مسجد، مبدل ساخته بود. این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، پیام‌هایی را به ما قرن بیست و یکمی‌ها منتقل می‌سازد که به مدد آن، می‌توانیم در برابر خصم و مخالف عینیت سیاست و دیانت در اسلام، احتجاج کنیم و در قرن معاصر برای نقش مسجد در ارتباط برقرار کردن میان دیوان و معبد استدلال آوریم؛ دورانی که تقابل فکری بین دو نظریه سکولاریزم (دین‌زدایی) و عینیت دین و سیاست، باعث چنددستگی میان امت اسلام گردیده است، بجاست که ما عینیت دین و سیاست را در جهان اشاعه دهیم.

در دوره‌های مختلف مبارزات سیاسی مردم بر ضدّ حکومت‌های حاکم، از مساجد سازمان‌دهی می‌شد. اگر مساجد صحنه برخورد با دولت بود، نه به خاطر مذهب، بلکه بیشتر به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. از این رو، توده مردم که با رهنمودهای علمای دین، از مسایل سیاسی آگاه

۱. سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷، ۳۷۲، ص ۱۹۴، به نقل از مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۳.

می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های ستمگر زمان اعلان می‌کردند. حرکت‌های شیعی هم به طور معمول، از مساجد شکل می‌گرفت.^۱ ما به عنوان نمونه تاریخی به برخی قضایای گذشته اشاره می‌نماییم.

مسجد و جشن‌های عصر عباسیان

جشن‌ها و مراسم، اقداماتی بود که به مناسبت خروج خلیفه یا سلطان یا امیر یا والی در روزهای عید یا ایام حج برای بدرقه کاروان حاجیان و استقبال هیئت‌ها و دادن خلعت به وزرا و اعیان انجام می‌شد. کارهایی که در موکب خلیفه در عصر عباسی انجام می‌شد، از لحاظ زیبایی و شگفتی و ابهت و شکوه با آنچه در عصر امویان صورت می‌گرفت، تفاوت فاحشی داشت.

شاید موکب روزهای جمعه بیش از هر موکب دیگری تکرار می‌شد و گسترش داشت؛ زیرا خلیفه در میان همراهی محافظان خود به نماز جمعه می‌رفت. پرچمداران در پیشاپیش موکب حرکت می‌کردند و سپس امرای خاندان عباسی سوار بر اسب و پس از آنان خلیفه بود که بر اسب سفیدی از نژاد اصیل، نشسته و ارکان دولت پیرامون او را محافظت می‌کردند. رسم بر این بود که به هنگام نمازها در کنار دارالخلافة، طبل و شیپور می‌زدند.^۲

اعتراض مردمی و خلفای عباسی

در زمان خلفای عباسی گاهی مالیاتی سنگین از مردم اخذ می‌شد؛ به طوری که گاهی به شورش مردم و تجمع در مساجد منجر می‌شد و دیوان‌ها را به آتش می‌کشیدند: «چون صمصام الدوله، پسر عضدالدوله، به سال ۳۷۵ ق (۹۸۵ م) تصمیم گرفت بر فرش جامه‌های ابریشمی و پنبه‌ای در بغداد، عوارضی بر اساس یک‌هشتادم دریافت کند، مردم در جامع منصور اجتماع کردند تا نماز را برهم زنند و شهر به سوی آشوب می‌رفت که حکومت از وصول آن مالیات گذشت». ^۳ روشن است که محور تجمع و اعتراض علیه سیاست مالیاتی دولت آل بویه که زیر نظر خلفای عباسی بود، مردم مرکز تجمع و حرکت‌های سیاسی ضد حاکم وقت را «مسجد جامع منصور» در بغداد انتخاب کردند. این حوادث در آن برهه زمانی این نکته را می‌رساند که نقش مساجد در میان مردم علیه حاکمان همچنان زنده بوده است؛ به طوری که حتی با آن شورش‌ها

۱. همان، ص ۸۳.

۲. صله تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۱۴۳، به نقل از تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۱۸۷.

۳. سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷، ۳۷۲، ص ۱۹۴، به نقل از مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷.

خویش، دولت را به تسلیم خواسته‌های خویش وا می‌داشتند.

نمونه دیگر اینکه، در سال ۳۸۹ق (۹۹۸م) دوباره تصمیم گرفته شد که بر منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای بغداد مالیات ببندند که مردم شوریدند و رو به مسجد جامع نهادند و جلو نماز و خطبه را گرفتند و برخی دیوان‌ها را آتش زدند. جمعی از مردم به تهمت داشتن در ماجرا گرفتار و مجازات شدند و کار چنین فیصله یافت که فقط از قیمت پارچه ابریشمی، مالیات به روش ده یک محاسبه گرفته شود.^۱

مثال دیگر اینکه، در عصر ما نیز مسجد تربیون سیاسی حرکت «اخوان المسلمین» بود. پس از کشته شدن حسن البنا، رهبر و مرشد عام اخوان، در نتیجه سخت‌گیری‌های زیاد و سنگ‌اندازی‌های حکومت، مرکز اجتماع اخوان المسلمین، جایی جز مسجد نبود. یکی از این مساجد، مسجد قاهره بود که اخوان قاهره، برای برپایی نماز جمعه در آنجا گردهم می‌آمدند.^۲

مسجد، به مثابه پایگاه‌های نیرومند انقلاب اسلامی و سنگرهای مستحکم مبارزه در آمدند و از طریق وفاق گروهی، در درون این مساجد، پایگاه‌های عظیم نظری و محلی بود که افشار انقلابی ایران با مسؤولیت‌های دینی و تصمیم‌های انقلابی و تعاون اجتماعی آشنا شدند و خود را برای یک نبرد طولانی به منظور حاکمیت بر سر نوشت خویش آماده ساختند. امام امت از مساجد به عنوان «سنگر» یاد کردند و مرحوم آیت‌الله طالقانی می‌گفتند: «انقلاب ما از مسجد شروع شد و باید در مسجد ادامه پیدا کند. اسلام اصیل را باید در مساجد فراگرفت که نه کمونیسم است نه کاپیتالیسم؛ بلکه اسلام است... هیچ چیزی نمی‌تواند جای مسجد را بگیرد، نه کلیسا، نه دانشگاه، نه مدارس و نه پادگان‌ها. دنیا را باید از طریق مساجد نجات دهیم؛ البته نه مسجدی که فقط ختم قرآن و دعا باشد، بلکه مانند مسجد زمان پیامبر گرامی ﷺ، دنیا را بلرزاند».^۳

ما وقتی تاریخ را بررسی می‌نماییم، در قرن چهار و پنج تنها جایی که برای حاکمان سیاسی مهم بود تا سیاست و راهبردشان را اعلان نمایند، مسجد بوده است. حاکمان اموی در اندلس هم با آن روش و رویه از مساجد سود بردند که در مطالب قبل، به برخی از نمونه‌های آن اشاره کردیم و ادامه هم به نمونه‌ای از آن اشاره می‌نماییم.

در دوره عبدالرحمن، در مساجد اندلس منصور عباسی را دعا می‌کردند. این موضوع نشان می‌دهد که در طول تاریخ اموی و عباسی، مردم استفاده سیاسی و قدرت و هیبت خلافت را از مساجد می‌شنیدند و از آنجا

۱. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۲۲۷.

۲. همان، ص ۸۸.

۳. روز قهرمانان، ص ۷ و ۲۸.

کارگزاران شان به تبلیغ خلفا می پرداختند. تنها زمانی عبدالرحمن دعای خاندان عباسی را از خطبه قطع کرد که پسر عمویش عبدالملک بن عمر مروانی تهدید کرد در صورت تداوم این مسئله، خودکشی خواهد کرد.^۱ بر این اساس، تا ابتدای قرن چهارم قمری، امرای اموی قرطبه از نشانه‌ها و القاب حکومت، به لقب امیر بسنده کردند. البته، دعاگویی برای خلفای عباسی در مساجد اندلس را قطع نمودند و با آنان اعلان دشمنی کردند؛ اما در مقابل لقب «ابناء الخلائف» را برای خود استفاده کردند.

مسجد و مدرسه

در روزگار گذشته، مدرسه‌ها در کنار مساجد بنا می‌شد؛ اما امروز چنین کار کردی کم‌رنگ شده است و بیشتر مدارس از مساجد جدا شده است؛ ولی در آن زمان (قرن ۴ و ۵) در هر مسجدی یک مدرسه تأسیس می‌شد. به عنوان مثال، «در قاهره در اثر تشویق خلفای فاطمی و حمایت آنان از علم و فرهنگ، چنان که خودشان در این جنبش مشارکت داشتند، نهضت فکری رونق گرفت. در مصر در هر مسجدی، یک مدرسه تأسیس شد و حلقه‌های علمی و مجالس مناظره، تدریس و تحقیق بر پا گردید... در قرن چهارم هجری بیش از ۱۱۰ مجلس علم و معرفت در قاهره شمارش و در تاریخ ثبت شده است.^۲

استفاده از مسجد با کارکرد منفی

شاید در ابتدا، بیان این مسئله که جلسات مذهبی مساجد، کارکرد منفی نیز دارد، کمی بعید به نظر آید؛ اما هنگامی که به بررسی اسناد و شواهد بپردازیم، این مطلب را می‌پذیریم؛ یعنی در واقع، درک می‌شود که مساجد هم می‌توانند به پایگاهی برای تبلیغ و اشاعه نظرها، اهداف و عملکردهای ضد مردمی و غیر مذهبی رژیم‌های غیردینی تبدیل شوند و حتی ائمه جماعت آنان نیز مدیحه‌سرا و دعاگوی سرکردگان آن رژیم باشند.

بهترین سند و تابلوی مشهود در این زمینه را قرآن کریم در مقابل ما قرار داده است و به مسجد ضرار اشاره می‌کند: «گروهی دیگر از آنها (مشرکین)، کسانی هستند که مسجدی برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش، با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، ساختند. آنها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی (و خدمت) نظری نداشته‌اند، اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغ‌گویند».^۳

۱. دولت امویان در اندلس، ص ۳۱۵.

۲. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۳. توبه، آیه ۱۰۷.

در صدر اسلام، منافقان ظاهر الصّلاح پایگاهی به نام «مسجد ضرار» در مقابل مسجد رسول خدا ﷺ بنا نمودند. منافقان به خصوص و دشمنان اسلام، همگی در طول تاریخ سعی داشتند در لباس زهد و تقوا و با حربه «مذهب علیه مذهب» به اسلام ضربه وارد کنند. بر این اساس، درس بزرگ ماجرای مسجد ضرار برای مسلمانان این است که نباید ظاهرین باشند و به هر مسجدی که احداث می‌شود، اعتماد کنند؛ چون این نوع مساجد نه تنها مرکز اتحاد و ایمان نیستند، بلکه بذر تفرقه و کفر را در میان مسلمانان می‌کارند. از این رو، مؤمنان و مسلمانان باید همیشه آگاهانه حرکت کنند و توطئه‌های دشمنان اسلام را که در زیر لوای اسلام طرّاحی می‌شود، خنثی کنند.^۱

سیاست دنباله‌روی

از بررسی‌ها این نتیجه به دست می‌آید که سلاطین امور در اندلس، مانند عبدالرحمن، ساخت و ساز و تعمیر مساجد را با هدف سیاسی و تعقیب نمودن سیاست و رویه اسلاف‌شان انجام می‌دادند. عبدالرحمن نقش تشویقی در توسعه و عمران داشته و خود در چندین طرح قرطبه شرکت داشته است و تصمیم گرفته بود که در کنار توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی سرزمین خود، توسعه عمرانی نیز داشته باشد تا دنباله‌روی عباسیان و فاطمیان در این عرصه باشد.

چنان که ذکر شد، در عصر فاطمیان اهمیت و توجه به مساجد در خشش خاصی داشت؛ اما در مقابل، متأسفانه برخی از آنها حرکات منفی نیز داشتند که از مسجد در دعوت‌شان استفاده می‌نمودند؛ در همین زمان، برخی دعوت‌گران افراطی بودند که بر ضدّ نمایندگان قدیم برخواستند و معروف‌ترین آنها حمزه بن علی زوزنی و حسن بن حیدره فرغانی و محمد انوشکین بخاری درزی بودند.

به سال ۴۰۸ هـ. ق، حمزه بن علی از خدای حاکم سخن گفت، وی کتابی نوشته بود که در آن گفته بود، روح خدای سبحان در آدم تجلی یافت، آنگاه به علی بن ابیطالب علیه السلام در آمد. روح امام علی علیه السلام به عزیز و پس از او به حاکم رسیده و حاکم، خداست که روح خدا در دمیده شده است. حمزه بن علی، بنیان‌گذار مذهب درزیان، است. درزیان دو گروه بودند: یکی روحانیان که روش‌شان این بود که اصول مذهب را نیک می‌دانستند و دیگری حسبمانیان که آنها نیز دو گروه می‌شدند: حسبمانیان خاصّه و حسبمانیان عامّه.

حسبمانیان خاصّه کار جنگ و سالاری را بر عهده داشتند و حسبمانیان عامّه، عوام بودند که از مذهب جز نام آن چیزی نمی‌دانستند. کسی نمی‌توانست از گروه حسبمانیان به گروه روحانیان برود، مگر آزمون‌های

۱. مسجد درآیین قرآن و روایات، ص ۷.

بسیاری بدهد و آشکار شود که می‌تواند اصول مذهب را درک کند و این اطمینان حاصل شود که در جمع درزیان، عضوی مفید و واقف بر مذهب و دین خواهد شد.^۱

هر نهضت، وقتی از اصول اولیه خود منحرف گشت، شکست آن قطعی است. این طبیعی است که هر حکومتی اگر از اصول اولیه خود پا فراتر نهاد، باید انتظار افول روزافزون خویش را داشته باشد؛ زیرا مردم و اجتماع انسانی به‌طور روشن انحراف آن را لمس نموده، برخلاف ایده و باورهای خود تحلیل می‌کنند و به آن پشت می‌نمایند. این امر، سبب سقوط و شکست آن قدرت حاکم می‌گردد. از این رو، یکی از علل شکست خلفای فاطمی را می‌توان انحراف از اصول اولیه دانست.

حمزه و دیگر دعوت‌گران درزی، مؤلفات بسیار دارند که برخی از آنها غوامض مذهبشان را روشن می‌کند. از این نکته معلوم می‌گردد که آنها، افراتیان اسماعیلیه بوده‌اند و مایه کارشان از اسماعیلیان دور نیست. بنای رسالت ایشان بر نظریه فلسفی است که از عقاید باطنیان و معتزلیان گرفته‌اند؛ زیرا فلسفه، که به پندار فاطمیان اساس شریعت بود، به تدریج جای قرآن و سنت را گرفت. از رسائل درزیان معلوم می‌شود که داعی الدعات صدوپنجاه و یک دست‌یار داشته که هر یک دعوت‌گر دیگر بوده‌اند و آنها به غیر از مؤذنان و خطیبان مسجدها بودند که مذهب را تبلیغ می‌کردند.

در عصر حاضر نیز چنین ترفندهایی از جانب رژیم‌های غیردینی، یعنی روش استفاده از دین و مذهب علیه خود آن استفاده شده و می‌شود. این دین‌مداران بیدار ضمیر و دلسوز به اسلام و مذهب هستند که باید با روشن‌دلی این توطئه‌ها را با آگاهی کامل شناخته و در نطفه خفه نمایند. برای نمونه، در زمان رژیم پهلوی، آنها روحانیت‌درباری را به خدمت گرفته و در میان فعالان ضد رژیم به سطح مساجد و جامعه می‌فرستادند تا اخبار دست‌اول را به رژیم گزارش نمایند! با این عمل بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به دین، دین‌داران و انقلابیون وارد می‌کردند و با استفاده از لباس و ظاهر دین، از طریق رخنه به درون گروه‌های مذهبی و مبارز مساجد، حبله و ترفندهای مودبانه‌شان را محقق می‌کردند. می‌توان به یک نمونه از گزارش‌های ساواک و مأموران آنها استناد کرد:

«گزارش کلانتری انتظامی اصفهان در خصوص نماز جماعت و سخنرانی مذهبی در مسجد شاه توسط اسدالله مرشد و دعا برای سلامتی محمد رضا پهلوی و ...». البته حضور روحانیت‌درباری تنها در نهادی چون مسجد و منابر خلاصه نمی‌گردید، بلکه در نهادهایی چون سازمان‌ها، اداره‌ها، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های

۱. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۵۵۴.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۴۷.

دولتی نیز مشغول بودند و به‌طور رسمی و عملی برای رژیم کار می‌کردند و به نوعی مخبر رژیم بودند.^۱ به‌طور کلی، در دنیای اسلام، به‌ویژه ایران بعد از پذیرش اسلام، این دین به عنوان آیین غالب مطرح شد و مسائل بر مبنای این مذهب شکل گرفت. بیشتر نهضت‌ها با مذهب آمیخته و عجین شد و بر اساس قاعده «نفی سبیل»، با رهبری نهضت روحانیت در دوران معاصر و کار بزرگ میرزا شیرازی، دست بیگانگان از کشور قطع شد و مذهب تشیع قدرت‌ش را نشان داد؛ برخی از این قیام‌ها عبارت‌اند از: کار مرحوم کاشف الغطا در جریان ضد استعماری و وحدت‌خواهی امت مسلمان، نهضت جنگل و مانند آنها. پس می‌بینیم در این مملکت اکثر قریب به اتفاق قیام‌ها و نهضت‌ها رنگ و بوی دینی و اسلامی داشته است.^۲

حیات سیاسی در زمان رضاشاه به علت کنترل سخت و دیکتاتور مآبانه، محدود بود. تجربه پیوند ملت و مذهب دوباره در دوران نهضت ملی شدن نفت ثمر داد و پیروزی مصدق در پی پشتیبانی‌های مردم و آیت الله کاشانی رقم خورد. سپس در دوره دهه اول ۱۳۴۰ ش، دسایس و ترفندهای اجانب به‌ویژه آمریکا در این کشور رخ داد و بار دیگر ایران را به سرزمین خیزش‌ها، بحران‌ها و حرکت‌های جمعی بر ضد شاه تبدیل کرد. در این زمان، یکی از فعال‌ترین پایگاه‌های انقلاب، تحریک، تهییج و حمایت مردم، مساجد بودند.^۳

شاهد بر این مطلب به‌طور کلی، اظهارات متفکران و نویسندگان خارجی است که به این مهم معترف بوده و به ضرورت و تناسب، در نوشته‌هایشان به اهمیت مسجد بر انقلاب اشاره کرده‌اند. از جمله، حامد الگار، نویسنده و منتقد بزرگ، می‌گوید: «مسجد، هسته سیاسی تشکلات ایران بود. شاید این هم یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه‌گیری‌های خود می‌بایست بدان می‌پرداختم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیاء مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر گوشه عزلت و گریز گاهی از جامعه نبود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرمان‌دهی تبدیل گردید. به‌طور خلاصه، مسجد همه آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود».^۴

درباره انقلاب اسلامی ایران، مساجد و جلسات مذهبی دارای کارکردهای مختلفی بوده‌اند. از جمله عناصر و مؤلفه‌های قابل بررسی، علل و پیش‌زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری انقلاب در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ ش بوده است؛ به‌طوری که هر کدام از این عناصر و علل، بهترین عامل برای آغاز یک حرکت و خروش

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۴۷.

۲. تلخیص مصاحبه: روح‌الله حسینیان، ۱۹/۱۱/۷۸ به نقل از: مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

۳. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

۴. حامد الگاری، دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴، به نقل از: مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۷.

بودند؛ اما آن عصری که باعث شد این عوامل پیش‌زمینه‌ای برای وقوع پدیده انقلاب در سال ۵۷ شوند، پیوستگی، هم‌سویی و مهم‌تر از همه، انسجامی بود که به‌طور مرئی و نامرئی در بین این پدیده‌ها به وجود آمده بود. در جریان مخالفت امام خمینی ره با مسئله کاپیتولاسیون در آبان ۴۳، پایگاه‌های مهم مذهبی و مهم‌ترین آنها مساجد، حرکت‌های توفنده، روشنگرانه و در عین حال افشاگرانه‌ای را بر ضد رژیم شاه سازمان‌دهی و آغاز کردند. در نتیجه، خروش امام خمینی ره و همپاری علما و هم‌صدایی و عاظم در مساجد با این اقدام امام و از طرفی پیوند و هماهنگی توده مردم با پاسداران حریم دین، ره‌آوردی جز پیروزی انقلاب به دنبال نداشت. در واقع، مساجد با سازمان‌دهی مردمی و بسیج عمومی از آغازین روزهای مرحله پیروزی به صورت یک مجموعه کارآ و مؤثر با حفظ عناصر کارکردی و ایفای نقش‌های گوناگون، خواب خوش را از سر کاخ‌نشینان بردند و آنها را به سقوط و فرود واداشتند.

از سال ۴۲ش، یعنی بعد از مبارزه‌خواهی امام خمینی ره علیه شاه مساجد، شاهد اوج مبارزات علیه شاه بودند. در ۱۵ خرداد آن سال و محرم آن، تظاهرات دانشجویان نیز از مسجد هدایت تا مدرسه حاج ابوالفتح را شاهدیم.^۱

همچنین، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله رژیم شاه، یکی از وقایع مهمی بود که نه تنها در تحریک احساسات ضد شاهنشاهی مردم و انقلابی‌ها مؤثر بود، بلکه خود به عنوان نقطه عطفی در شروع و درگیری مبارزات مسجد و مسجدها شد. ائمه جماعت مساجد، مخالفان و مبارزان علیه رژیم در این مقطع زمانی (۱۳۵۰ش) فرصتی دیگر یافتند که علم مخالفت را بار دیگر برافرازند.^۲

بنابراین، مسجد یکی از نهادهایی است که کارکردهای متنوع دارد: مساجد به عنوان مراکز و پایگاه‌هایی برای تحریک و ترغیب مردم مسلمان به همکاری، همپاری، همبستگی و مساعدت عمل می‌کنند. مساجد در محله‌ها و وظیفه راهبردی و راهبری مردم را در امور اجتماعی به عهده می‌گیرند و هر گاه مشکلی اجتماعی پیش آید، در رفع آن پیشقدم بوده‌اند.

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های مساجد و به‌طور کلی، نهادهای دینی ایجاد انگیزه دوستی، همبستگی و تعاون بین افراد جامعه است؛ زیرا حضور مستمر افراد در مسجد و صفوف جماعت، احساس درونی خوبی را نسبت به یکدیگر در آنها ایجاد می‌کند و همین امر در درازمدت، حس تعاون را در افراد جامعه تقویت می‌کند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از جمله «درسلر» معتقد است که از جمله کارکردهای دین «کند کردن تغییرات اجتماعی»، «کمک به جامعه‌پذیری» (جامعه‌پذیری، هم‌نوایی فرد با هنجارهای گروهی است)،

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۵۳.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۷.

«ایجاد پیوند، انسجام، همبستگی گروهی»، «احساس تعلق و یکی بودن با دیگران» افراد جامعه است.^۱

سیاست آل بویه و استفاده از جایگاه مسجد

به نظر می‌رسد که با توجه به شواهد تاریخی، خلفای عباسی بسیاری از کارها را که در مساجد در خطبه‌های نماز جایز نمی‌شمردند؛ به خاطر حفظ موقعیت‌شان و در زمانی که بیم از دست دادن مقام و موقعیت خود را احساس می‌نمودند، به راحتی خیلی آن موارد را که برخلاف اعتقادشان بود، جایز می‌شمردند و به آن مبادرت می‌نمودند. اکنون برخی از نمونه‌های آن را که در تاریخ ذکر گردیده، پی می‌گیریم.

در سال ۳۳۲ هجری محمد بن یاقوت، رئیس حاجیان و فرمانده سپاه، از طرف خلیفه که قدرت زیادی به دست آورده بود، موافقت خطبای بغداد را به دست آورد تا او را دعا کنند و بعد از نام خلیفه، نام او را ذکر نمایند. برخی خطبا در روز جمعه از مسجد جامع بغداد به او دعا کردند؛ خلیفه راضی، آن را کار زشت شمرد و خطیبانی را که به نام او دعا کرده بودند، برکنار کرد و کسانی دیگر را به جای آنها گماشت.^۲

بر اثر فشارهای سیاسی بر خلفای عباسی، آنها راضی و موافق می‌شوند که به نام امرای آل بویه در مساجد به نام آنها خطبه خوانده شود؛ این در حالی است که قبل از این درباره فرمانده و رئیس حاجیان چنین عملی را زشت شمرده بودند!

با اینکه قبل از امرای آل بویه، رسم نبود که جز خلیفه، نام کسی را در منابر روز جمعه ببرند، اما زمان وقایع ۳۲۴ گفته شد که الراضی خلیفه، با اکراه، دیلمی که عنوان امیر الامرای و تدبیر مملکت را به عهده او گذاشت، دستور داد در همه منابر به نام او خطبه بخوانند.^۳

عضدالدوله وقتی وارد بغداد شد، هارون بن المطلب خطیب در مسجد جامع رصافه (از محله‌های بزرگ بغداد) در خطبه‌ای که ایراد کرد، نام او را ذکر نمود،^۴ عضدالدوله چون از این امر آگاه شد، به خلیفه نوشت و از او خواست که نامش در خطبه ذکر شود، خلیفه هم پذیرفت و این امر تا زمان‌های بعد جریان یافت.

نقش حسینیه‌ها و مساجد در وحدت دین و سیاست

از همان سال اول هجرت که اولین مسجد ساخته شد، پیوند بین دین و سیاست به نمایش گذاشته شد. این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، برای ما نسل‌های این عصر پیام‌هایی دارد و آن،

۱. همان، ص ۷۰.

۲. رسوم دارالخلافه، ص ۱۳۳؛ آل بویه و اوضاع زمان، ص ۲۳۵.

۳. رک: تجارب الامم، ج ۵، ص ۲۵۱.

۴. رسوم دارالخلافه، ص ۲۴.

عینیت دیانت و سیاست است. ساختار فکری قرون اول نیز همین بود. همان گونه که در اوایل امر، دارالخلافة و دارالقضا نیز در مسجد بود. مردم برای مهم‌ترین ارکان زندگی اجتماعی‌شان، یعنی قضا و اجراء به مسجد پناه می‌بردند؛ مسجدی که هم پنج وقت نماز در آن بر پا می‌شد و هم مأمن آرامش و نظم اجتماعی‌شان بود. در ادوار تاریخ، این اعتقاد و مبنا، با تلاش بنی‌امیه و بنی‌عباس دگرگون شد و دارالخلافة از مسجد جدا شد؛ ولی این فکر که مسجد جایگاه حلّ و فصل بسیاری از مسائل زندگی مردم است، در اذهان بود و در مسجد جست‌وجو می‌شد.

تحوّلات عصر قرن ۲۱ میلادی را باید از قرن جلوتر، یعنی از دوران اندیشه مشروطه‌خواهی تا به حال بررسی نمود و در چهار مرحله - در ایران - دسته‌بندی نمود: از زمان مشروطه تا سال ۱۳۴۲، از ۱۳۴۲ تا ۱۳۷۵، از ۱۳۷۵ تا ۱۳۶۷ و از ۱۳۶۷ تا زمان حاضر. این تقسیم‌بندی به اعتبار پدید آمدن وقایع است و مطلق نیست. ۱- در تاریخ مشروطه‌خواهی می‌توان وقایع متعدّدی را نام برد که برجستگی نقش مسجد را در وقایع سیاسی آن روز نشان می‌کند. طبق شواهد متعدّد تاریخی می‌توان گفت سررشته مشروطه‌خواهی، از مسجد بوده است.

۲- همچنین، در سال‌های ۱۳۴۲ به بعد تا ۱۳۷۵ مسجد در این دوران به عنوان یک پایگاه اساسی حرکت‌های اجتماعی علیه ستم‌شاهی حیات نوینی یافت. قشر روحانیت با نفوذی که در مساجد داشتند، اقشار مختلف را در جریان مسائل روز قرار می‌دادند. به‌ویژه، بعد از تبعید امام از ایران به خارج از کشور، مردم اخبار آن رهبر فرزانه‌شان را از طریق مسجد جویا می‌شدند. به اعتراف تاریخ، مساجد در این زمان وظیفه خویش را به‌خوبی انجام دادند. در این دوران بود که فعالیت سیاسی و نبض آن به دست کسانی در میان توده مردم بود که در آن مسجد را اداره می‌کردند و نماز می‌خواندند؛ یعنی هم روحانی مسجد و هم نمازگزاران آن، نقش داشتند.

۳- از سال ۱۳۷۵ به بعد بود که سال‌های سرنوشت‌ساز، برای حرکت نهادینه شدن حکومت اسلامی در جامعه ایران شروع شد و حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای را به دنبال داشت.

مسجد و ترور، عصر خلافت المستظهر بالله احمد پسرالمقتدی بالله (۴۸۷-۵۱۲)

از بررسی‌ها، درگذر تاریخ زندگی سیاسی برخی خلفا، چنین برداشت می‌شود که خلفا خودشان در مساجد حضور پیدا می‌کردند و با برخی از عامّه مردم، روابط مستقیم داشته‌اند و به مشکلات آنها گوش می‌دادند. بر خلاف روزگاران ما که روابط بین مردم و حاکمان به‌طور مستقیم یا وجود ندارد یا محدود است.

در تاریخ می نویسند: «در سال ۵۰۹، در ماه محرم، مودود، صاحب موصل، به جنگ با بلاد فرنگ پرداخت. وی پس از شکست فرنگ‌ها، مدتی در نزد طغن کین صاحب دمشق سکنی گزید. روزی به مسجد جامع رفت تا نماز بخواند؛ مردی باطنی در ظاهری که گویی او را دعا می‌کند و از او صدقه می‌خواهد، نزدیک وی شد و چهار ضربه کارد بر او وارد ساخت. مودود در همان روز جان سپرد؛ باطنی، در حالی کشته شد که هیچ کسی او را نمی‌شناخت. سرش را بردند و پیکرش را آتش زدند»^۱.

امروز، نیز ما شاهد ترورها و قتل و کشتار مسلمانان توسط عده‌ای محدودی از مسلمانان افراطی هستیم. آنها با جمود فکری عمیق خود، برای به دست آوردن قدرت و ناامن کردن بلاد مسلمانان، دست به جنایات وحشتناک می‌زنند. این افراد پلید، نه تنها فرد، بلکه جمعیت‌های عظیم مسلمانان و نمازگزاران را در آتش خشم جهالت یا تعصب کورشان می‌سوزانند و خانواده‌های بسیاری از مسلمانان را داغدار می‌کنند!

مسجد، پناهگاه حاکمان

بدون شک، مسجد به عنوان کانون امن در بسیاری از شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی که در جوامع اسلامی پدیدار می‌گردد، پناهگاه مردم بی‌دفاع بوده است و در این عصر نیز این کار کرد باقی است. همچنین، مساجد برای حاکمان و امرای اسلامی، نیز در شرایط بحران اجتماعی و سیاسی، پناهگاه بوده است. چنان که جوینی به یک نمونه از آن را در کتاب تاریخ خویش ذکر می‌نماید: «در زمان حاکم، ابوعلی منصور، طبعش ظلم و حیف و میل بود که بر اهل مصر به نهایت رسانید. فساد زیادی در مصر روا داشت تا جایی که مردم مصر حوصله‌شان سر آمد و علیه حاکم شوریدند و حاکم و درباریانش به مسجد جامع پناهنده گردیدند و قرآن‌ها بر سر چوب کردند که اگر ظلم و ستم بدون اجازه تو انجام می‌گردد، پس به ما اذن بدهید که مفسدان را از این فساد جلوگیری نماییم و مردم با نظامیان هم‌دست شده و وضع را بدتر کردند...»^۲.

سفر ملک‌شاه به بغداد

«در رمضان ۴۸۴ هـ. ق (۱۰۹۱ م)، بار دیگر سلطان ملک‌شاه به بغداد رفت. برادرش، تَشُّش در این زمان، حکومت دمشق را به عهده داشت... در این سال، سلطان فرمود تا در بغداد مسجد جامع بنا کنند و دستور وی اجرا گردید»^۳.

۱. برای مطالعه بیشتر، رک: ابن ابی العبری، مختصر تاریخ دول، ص ۲۷۷-۲۷۸.

۲. تاریخ جهان‌نگشای جوینی، ج ۴، ص ۱۶۶-۱۶۸.

۳. تاریخ روضة الصفا، ص ۳۱۹۳.

خواجه نظام الملک، وزیر الب ارسلان، به کاردانی و کفایت، شهرتی تمام داشت. در احوالات او نقل می‌کنند که او قبل از رسیدن به وزارت، وضع زندگی خوبی نداشت و حیران بود که چه کند و مایحتاج از کجا به دست آورد. در یکی از سفرها، الب ارسلان وزیر سابق خود، عبدالملک وزیر، را گفت: می‌خواهم یکی از کاتبان را با خود به قصر ببرم و خواجه نظام الملک برای کتابت انتخاب شد.

خواجه نظام الملک، قبل از وزارت در اثنای اندیشه امرار معاش، وضو ساخت و به مسجدی که نزدیک خانه وی بود، رفت و دست به سوی آسمان دراز کرده، به عرض نیاز به درگاه بی‌نیاز مشغول گشت؛ ناگاه نابینایی در را مسجد باز کرد و وارد شد و گفت: در این مسجد کیست؟ خواجه جواب نداد؛ نابینا با عصا به گرد مسجد گشت و شرط احتیاط به جا آورد و چون کسی را نیافت، پیش محراب مسجد رفت و زمین بکاوید و کوزه‌ای پر از زر مسکوک بیرون آورد؛ بعد از چند لحظه بازی کردن با آن، همه را دوباره زیر خاک در جایش دفن کرد و بیرون رفت. خواجه، با فراغت بال، زرها را در آورده، با خوشحالی آماده سفر گردید و در خدمت سلطان روان شد و در اندک فرصتی مرتبه وزارت رسید؛ اما بعد از مدتی در عین شوکت و جلال و قدرتش، روزی از روزها همان نابینا را در بازار دید و با خود به خانه برد و همان زرها را با هدایای دیگر به او برگردانید.^۱ از این قضیه تاریخی بر می‌آید که برخی از حاکمان و عاملان دستگاه سلجوقیان، در عین شوکت و قدرت و قرار داشتن در جایگاه بالای مقام سیاسی و اجتماعی، به مساجد آمده، با خواندن نماز حاجت و دعا در پی حل برخی مشکلاتشان بر می‌آمدند.

نقش مهاجرت بازرگانان و تاجران در ایجاد مساجد در جهان

از بررسی‌ها این نتیجه به دست می‌آید که در گسترش اسلام، توأم با مساجد در جهان، علاوه بر هیئت‌های مذهبی و مبلغان اسلام، بازرگانان نیز نقش داشتند. آنها با مهاجرت از کشورهای اسلامی به بلاد غیرمسلمان، نقش بزرگی داشته‌اند و تأثیر گذاری آنان قابل انکار نیست. نویسنده «تمدن اسلامی در اسپانیا» در این زمینه می‌گوید: «با اطلاعات و معلوماتی که تا کنون در اختیار داریم، مشکل بتوان جریان گسترش آیین محمدی و جریان گسترش زبان عربی را در شبه جزیره ایبریا از یک دیگر تفکیک کرد؛ در عوض بررسی‌هایمان به جایی رسیده است که می‌توانیم چگونگی گسترش آن دو جریان را به تصویر در آوریم؛ می‌دانیم که دین اسلام در حال حاضر، نه به ضرب شمشیر و نه حتی به وسیله مبلغان و هیئت‌های مذهبی، بلکه در شیار نفوذ بازرگانان گسترش می‌یابد».^۲

۱. تاریخ روضه الصفا، ص ۳۱۹۳.

۲. هفت قرن فرازونشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ص ۲۹۰.

در ادامه، نویسنده فوق می‌افزاید: «در قرون وسطی نیز به احتمال قوی، وضع برهمن منوال بوده است. البته، این نوع گسترش تجاری، مانع همپاری رسولان و داعیان مؤمن و معتقدی نمی‌شود که با شخصیت نیرومند خود، اعتبار و وزن عقاید نیروزای خود را دو چندان می‌ساختند. در قرن نهم، بعضی آیین‌های کم و بیش مخالف - مانند آیین مالکی یا تعالیم باطنی فرقه‌ای فاطمی‌ها - به وسیله شخصیت‌هایی که از شرق فرا می‌رسیدند، آشکارا یا پنهانی در شبه جزیره اشاعه می‌یافت.»^۱

انتشار مدنیت عربی - اسلامی تابع عامل‌های گوناگون بود. اعتقادات مذهبی بازرگانان، روابط و مناسبات بین روشنفکران، انتشار کتاب‌ها و رساله‌ها، دعوت رسولان و داعیان، حیثیت و درخشندگی افکار تازه برخی از این عوامل هستند. گفته می‌شود که شبه جزیره ایبری با به وسیله یک سپاه عربی به اشغال در آمده است. این سپاه به ظاهر از شرق حرکت کرده، پس از گذشتن از تنگه جبل الطارق... نخستین موج عربیت را به جریان انداخت و ابتدا همین مناطق را پوشش داد.^۲

سلطان محمود در اواخر سال ۴۰۴ هـ.ق، در صدد فتح نندنه، یکی از قلاع هندوستان که بر سر راه کشمیر واقع بود، بر آمد. او بعد از محاصره آن قلعه، آنها را وادار به تسلیم نمود و در اوایل سال ۴۰۵ وارد کشمیر شد. وی قلاع و استحکامات آنجا را نیز فتح نمود و به جای بتخانه‌هایشان، مساجد و منابر برپا ساخت و برای آموختن قوانین اسلام، چند تن از علما را به نقاط مختلف هندوستان فرستاد و خود به غزنین برگشت.^۳

آثار و پیامدهای فتوحات غزنویان به هندوستان

تبدیل بت‌خانه‌ها به مساجد و اشاعه فرهنگ و گسترش قدرت سرزمینی اسلام

سلطان محمود و بسیاری از سلسله غزنویان بنا به شواهد متعدد تاریخی، افزون بر نقش توسعه اسلام در شبه قاره هندوستان، با ساختن مساجد و فرستادن علما، برای تبلیغ و نشر احکام و معارف دین اسلام نیز نقش بسزایی داشته‌اند و از این طریق هم به دین اسلام خدمت کرده‌اند و هم روابط و یکپارچگی تحت قلمرو قدرت سیاسی خویش را به نیکوترین و مؤثرترین روش بهبود بخشیدند؛ حتی در خود غزنین مساجد جامع بزرگی را بنا کرده و یا توسعه داده‌اند. چنان که شواهد تاریخی گویای این مطلب است:

«سلطان محمود بعد از فتوحات خود، در سال ۴۰۹ به غزنین باز گشت. به دلیل این که جمعیت غزنین زیاد شده بود و مسجد شهر کوچک به نظر می‌آمد، وی در صدد ساخت مسجد جامع بزرگتری برآمد. به

۱. هفت قرن فرازونشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ص ۲۹۰.

۲. همان، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۳. تاریخ دیلمان، ص ۲۴۶-۲۴۹.

دستور سلطان از ممالک اطراف، با کمک معماران خاص، سنگ‌های مرمر گرانبها را در آن مسجد تعبیه کردند. شکوه و جلال این مسجد، عظمت و اشتهار جامع دمشق را از میان برد. می‌گویند در روزهای جمعه و اعیاد، سه هزار غلام جهت ادای فریضه در آنجا حاضر می‌شدند و هر یک در جای مخصوص خود مشغول به عبادت می‌گردیدند.^۱

به‌طور کلی، از پژوهش درباره سلسله غزنویان، این نتیجه به دست می‌آید که آنان به ساخت و ساز مساجد و کتابخانه و آموزش و تعلیم و تربیت توجه خاصی داشتند و ساختن مساجد جامع را نماد و مظهر قدرت و شکوه و اقتدارشان می‌دانستند و خود امرا که برجسته‌ترین آنها سلطان محمود غزنوی است، به دستور ایشان مسجد جامع بزرگ در شهر غزنین ساخته شد و دری هم به طرف سرای وی برای رفت‌وآمد شخصی او در نظر گرفته شد.

چنان که برخی می‌نویسند: «در جوار این مسجد (مسجد جامع غزنین)، مدرسه عظیم با کتابخانه‌ای حاوی کتب و تصانیف در علوم مختلف و حدیث و فقه بنا نهادند و فقها و طلاب از اقصی نقاط متصرفات غزنویان، برای تعلیم و تعلّم در آنجا حاضر می‌شدند و سلطان محمود برای آسایش و رفاه حال طلبه موقوفه‌ای در آن مدرسه معین کرد که از آن محلّ مواجب هر یک از طلاب را در آغاز ماه می‌پرداختند. می‌گویند برای آنکه سلطان هر وقت بخواهد به سهولت وارد مسجد شود، راه مخصوصی از مسجد به سرای وی تعبیه کردند».^۲

انقلاب ایران و احیاء مجدد کارکرد مثبت مساجد

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از رسیدن به پیروزی بر اساس تفکر اعتقادی و عبادی مسجد، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین کارکرد مساجد در محور سیاست بوده است. البته بسیاری از عملکردهای مساجد، به امور اعتقادی، اجتماعی، تبلیغی و حتی هنری نیز مربوط می‌شد؛ اما نمادی‌ترین نقش‌ها در طول انقلاب اسلامی در جهت مبارزه سیاسی بوده و شامل کارکرد سیاسی مسجد بوده است.

ممانعت از تجمّع‌های سیاسی

پس از واقعه ۱۵ خرداد، همان‌گونه که در مطالب قبل هم اشاره شد، نیروهای امنیتی و انتظامی نظارت خود را بر مساجد و جلسات مذهبی افزایش دادند و با کنترل شدید آنها و نیز دستگیری عوامل فعال، در واقع از انجام هرگونه عمل انقلابی جلوگیری می‌شد. همه مجالس مذهبی قبل از انقلاب به‌طور مستقیم

۱. تاریخ دیلمان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۲. تاریخ دیالمه و غزنویان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

و غیر مستقیم تحت کنترل و نظارت رژیم و مأموران زبده ساواک بود که بهترین، موثّق ترین و مفیدترین اطلاعات را در کمترین زمان ممکن به دست می‌آوردند و به سازمان خود منتقل می‌کردند و گزارش‌ها، در اسرع وقت به هسته سازمان ساواک ارسال می‌شد؛ مانند: گزارش ساواک درباره سخنان انتقادآمیز غلامحسین شیرازی، محمّد تقی فلسفی، حجازی و شجاعی در مساجد و منابر بر ضدّ رژیم... و تقدیر از امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ... و تأکید بر مبارزه با رژیم پهلوی و محکوم کردن نفوذ اسرائیل و بهائیان در کشور.^۱

از جمله عملکردهای سیاسی ائمه جماعات مساجد و علما، پس از ۱۵ خرداد، ارسال تلگرام‌هایی است که به محضر رهبری انقلاب مخابره می‌شد... در دیگر شهرستان‌ها نیز به مناسبت‌های مختلف، اجتماعات سیاسی در مساجد برگزار و باعث تحریک مردم به مبارزه با رژیم و آگاهی آنها از وضع اجتماعی می‌شد. نمونه‌ای از این تجمّعات را در مسجد جامع کرج، در روز عید فطر سال ۵۶ و نیز مسجد قبا در تهران، می‌توان نام برد که از عمده‌ترین، مؤثرترین پایگاه‌های انقلاب در تهران بود.^۲

از جمله فعالیت‌های سیاسی مساجد و علما و روحانیان، موضع‌گیری‌های آنان در مقابل مسائل برون‌مرزی اسلامی بود. از بارزترین آنها، مقابله با صهیونیست غاصب و توسعه‌طلبی‌های آن بود. در آن زمان که رژیم پهلوی از حامیان رژیم اسرائیل بود و بدیهی است که عاملان آن رژیم و ساواک نسبت به این قضیه حسّاس باشند و با هر روحانی و روشنفکری که به طریقی در مقابل اسرائیل می‌ایستاد، مقابله کنند؛ تا آنجایی که رژیم، علنی به خطبا، روحانیان و... ابلاغ می‌کند که نباید در منابر به اسرائیل بد بگویند و به هیچ‌وجه نباید سخنی علیه اسرائیل بگویند؛ ولی خطبا و علما هیچ‌گاه از آگاهی‌دهی به مردم در مساجد و منابر ساکت نماندند!^۳

نقش و جایگاه مسجد در دنیای توسعه‌یافته

در جوامع مسلمان، مسجد در واقع، قلب تپنده حیات اسلام، دارای جایگاه ویژه و اثرگذار و کانون و محور فعالیت‌های جامعه اسلامی است. آنچه اکنون به عنوان «معبد» در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد؛ اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه ارزشمندی است.

مسجد، هر چند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت

۱. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ساواک به شماره بازبایی ۲۰-۱۱۲، کد ۱۲۰۲۴/۲، موزه ۱۶/۳/۴۲.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۶-۸۷.

۳. همان، ص ۹۴.

ارزش‌های اسلامی است. از آنجا که مساجد در خط‌دهی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش غیرقابل انکاری دارند، ضروریست که در فرآیند «توسعه» و «جهانی شدن» نقش مساجد و بایسته‌های آن در کشور اسلامی به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

در شرایط کنونی «توسعه و جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی‌توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریم و نقل روایتی از معصومان (علیهم‌السلام) توصیه‌های خلاق و مشکلات مسجد و یا اهل محله بسنده کرد و بهره‌وری مساجد را به این حد، محدود و متوقف ساخت.

مساجد، باید بتواند با رویکرد و رهیافتی جدید و هدفمند، نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف، خوبی‌ها و معایب آن آشنا کنند و مسجدی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر در جهان کنونی به «حکومت جهانی و دولت کریمه» بیندیشند.^۱

در واقع، در فرآیند «جهانی شدن» در بعد فرهنگی، سعی بر این است که فرهنگ جهانی را به جای فرهنگ‌های سنتی، ملی و محلی اشاعه دهند. در این راستا هویت‌های فرهنگی که دین یکی از عناصر اساسی آن در هر جامعه است، مورد تعرض قرار می‌گیرد. این تعرض با اشاعه سکولاریزم به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ جهانی صورت می‌گیرد و نوعی فشار برای استحاله مذهب به عنوان جزئی از فرآیند سقوط سنت اعمال می‌گردد.

بر همین اساس، بیشترین مقاومت در مقابل جهانی شدن از سوی مذاهب بزرگ شرق، مانند اسلام، هندوئیسم و آیین کنفوسیوس صورت گرفته است؛ پیروان این مذاهب، جهانی شدن را یک پروژه غربی برای جهانی‌سازی سکولاریزم غربی در نظر می‌گیرند.

از آنجایی که اسلام کانون انس و الفت مسلمانان و عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است، جایگاه اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را در موضوع «توسعه و جهانی شدن» نمی‌توان نادیده گرفت.^۲

مسجد همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین‌کننده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت‌ها نیز بوده است. امروز، مساجد باید آماده باشند تا بیش از آنچه تاکنون بوده‌اند، در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، حضور بسیار گسترده‌تر، قوی‌تر و تعیین‌کننده‌تری داشته باشند. در شرایط جدید نگرش به جهان، مسئولان و متولیان

۱. فروغ مسجد، ج ۵، ص ۵۵۴.

۲. همان.

مساجد، دیگر نباید محله‌ای، شهری و حتی کشوری بیندیشند؛ چه اینکه آموزه‌های دینی ما هم مبتنی بر توسعه همه‌جانبه مسلمانان و جهانی‌اندیشی است.^۱

بی‌دلیل نیست که مارسل بوازار اسلام‌شناس سوئیسی، درباره نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت. به‌ویژه در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را بار دیگر از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان در آمده است و به تدریج مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».^۲

از این نکته، نباید غافل شویم که هدف و مبنای اصلی «جهان‌گستری» استکباری و نه «جهانی شدن»، سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت‌های بزرگ، شرکت‌ها و نهادهای فراملی و ... است و نیز به برتری‌طلبی و سلطه‌جویی قدرت‌هایی چون ایالات متحده تأکید دارد. حتی احتمال می‌رود که آنچه در روند فرآیند «جهانی شدن» وجود ندارد و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، مانند برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه‌جانبه و ... است؛ برعکس در سایه آنها جهان امروز با اباحی‌گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق روبه‌رو است.

این در حالی است که نقش مساجد در جوامع مسلمان، بسط و گسترش و تعمیق ذکر خدا، معنویت و عواطف، عدالت، اخلاق، تحکیم بنیاد روابط انسان‌ها، به‌ویژه در درون خانواده و احترام متقابل بزرگ‌ترها و مانند اینهاست.

با وجود این، ما در انتظار حکومت ایده‌آل و آرمانی جهانی به سر می‌بریم و وظیفه افراد متعهد این است که این فرهنگ را بسط و توسعه دهد که در این صورت می‌توان از مسجد به‌طور مؤثری در توجّه دادن افکار عمومی به حکومت دولت کریمه بهره گرفت و تئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزشمند آن را بیان نمود.

در مسجد، این پایگاه اعتقادی مسلمانان، باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت‌های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصوم‌اند، ایجاد می‌شود. در واقع، خدا و احکام اسلامی و قرآن، محور زندگی بشر قرار خواهد گرفت.

۱. فروغ مسجد، ص ۵۶۲.

۲. بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

در مساجد، در کنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محوری‌های اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است و توسعه علمی، قسط و عدل از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. علاوه بر آن، در مساجد باید تبیین گردد که حکومت و دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مشروعیت خود را از خدا دارد، بر مبنای حاکمیت عقل است و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت خبری نیست و خواسته‌های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام الهی خواهد بود.

اگر بپذیریم که مساجد، محلّ فراهم آمدن «احباء الله» است و واژه مسجد غیر از معنای خاصی که دارد، مفهوم دیگری هم دارد و آنگاه با «بینشی جهانی» در این عبارت حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام دقت کنیم، به یافته‌های تازه‌ای در باب جهانی شدن خواهیم رسید. آن حضرت علیه السلام فرمودند: «الدنیا مسجد احباء الله؛ دنیا مسجد دوستان خداست»^۱.

مسجد و اجتماع

روشن‌تر از ادیان دیگر، در دین اسلام این خاصیت دیده می‌شود که مسجد مسلمانان و خانه پیامبر صلی الله علیه و آله در یک جا است و آنجا مبدأ رسالت و تبلیغ، مرکز فرماندهی، محلّ قضاوت و سیاست و میعادگاه تجمع و تصمیمات است. چنان که در قرآن خداوند می‌فرماید: «فی بیوت اذن الله... والابصار»^۲ و این سنت در زمان خلفای راشدین و حکومت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نیز ادامه دارد. طبیعی است که چنین باشد؛ زیرا که اسلام دین جامع دنیا و آخرت است و دین از سیاست و از اجتماع، تفکیک پذیر نیست. دنیا و دین در این مکتب در هم ادغام شده‌اند.

در حکومت خلفای اموی و عباسی و از آن به بعد در کلیه کشورهای اسلامی، حقّ اصیل مسجد، تغییر یافت و دخالت و حاکمیت آن بر اجتماع کم شد؛ ولی ارتباط دوجانبه باقی ماند و تبعیت از حکومت قوت گرفت.^۳ اگر به ایران بعد از اسلام نظر بیندازیم، می‌بینیم تاریخ مساجد و سرگذشت سلسله پادشاهی ایران به هم آمیخته است... حتی نهضت‌های بزرگ ایرانیان از جمله قیام مشروطیت به قول کسروی که ارادتی به مذهب نداشت، از مسجد و منبر و محراب سرچشمه می‌گرفته است.^۴

۱. نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۳۱، ص ۴۹۳.

۲. نور، آیات ۲۶-۲۷.

۳. صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۵.

۴. همان، ص ۶.

در حکومت صفویّه که اوج مرکزیت و قدرت و سلطنت در تاریخ بعد از اسلام در ایران است، مسجدسازی از لحاظ کمیّت و کیفیت به نهایت خود می‌رسد. در عصر قاجاریه هم با وجود اینکه از جهاتی انحطاط معماری و هنری و... را شاهد هستیم، در عین حال، تعداد مساجد و ابنیه اسلام زیاد دیده می‌شود.^۱ در عصر پهلوی حکومت و سیاست عوض می‌شود و وضع مساجد نیز عوض می‌شود و رو به خاموشی و کساد می‌رود.

تحوّل در مساجد

برای نام‌گذاری مساجد، در گذشته اسم سلاطین، اعیان، امرا و عمّال دولت به کار می‌رفته است یا نام پیش‌نماز یا معمار بر روی مسجد گذاشته می‌شد؛ ولی امروز رفته‌رفته به جای آنها، نام‌گذاری‌های معنوی و ایمانی به کار برده می‌شود. از این جهت که بانی معین و متعیّن نداشته است یا بنا با همکاری اجتماعی تأسیس شده است و یا از این جهت که خواسته‌اند، با توسّل به نام ائمه علیهم‌السلام جامعیت و خلوصی بیشتر به آن بدهند؛^۲ اما تحوّل تنها در اسم‌گذاری نیست؛ از نظر معماری و ساختمان، تأثیر خاصّ فنی-مهندسی و تکنیک‌های جدید را مشاهده می‌نماییم. سبک و سلیقه‌های جدید بروز می‌نماید و مساجد، در جست‌وجوی پاکیزگی و پاکی و تسهیلات عملی، برای تطبیق با خواسته‌های زندگی ماشینی به پیشرفت خود ادامه می‌دهند.

از نظر اداره مسجد نیز، به جای موقوفه و متولّی سابق، تمایلی به سوی هیئت مدیره یا هیئت امنا و شورا دیده می‌شود؛ اما از نظر محتوا، در دوران اخیر، سعی می‌شد مسجد بیشتر محلی برای تعزیه‌داری محرّم و عطا و احیای ماه رمضان باشد؛ حتّی مدرسه و حجره که یکی از خصوصیات مساجد قدیم اسلامی است خالی می‌شده است؛ ولی هم‌اکنون به نقشه مساجد به تدریج کتابخانه و دفتر و سالن سخنرانی افزوده می‌شود؛ حتّی برخی مساجد علاوه بر اینها، غیر از دفتر و کلاس درس قرآن، قرائت‌خانه و ساختمان در مانگاه و زیر زمین‌های مخصوص تدارک و توزیع غذا نیز دارند و برخی مساجد حتّی ادّعای تشکیل یک مرکز اسلامی را دارند. در گذشته چنین مواردی که بر شمرده‌ایم در مساجد تعبیه نشده بود؛ اما بر اثر پیشرفت و ماشینی شدن زندگی، در مساجد امروزی نیز تغییراتی به وجود آمد و خدمات و ظرفیت‌های خدمت‌رسانی آن به شکل تازه‌ای رونق یافت.

مسئله‌ای که پیش می‌آید این است که آیا این تحوّلات و تطوّرات، در جهت خواسته‌های اسلام است یا حساب جداگانه‌ای دارد یا نقض غرض و عامل تضعیف اسلام است؟ گمان می‌کنیم که پاسخ آن را بهتر است

۱. همان،

۲. صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۷-۸.

در سنت پیشوایان اسلام و در خود قرآن جست‌وجو کنیم. اولین مسجد که به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا شد، یک چهار دیواری بود و بس. با فرش طبیعی از ریگ بیابان بنا شده بود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا؛ زمین برای من محل سجده و طهارت قرار داده شد».^۱ بعدها برای اینکه آفتاب داغ عربستان، نمازگزاران را به سختی نیندازد، اجازه داده شد یک پوشش حصیری با لیف خرما بالای سرشان بیندازند. شاید یک ایوان یا صَفّه نیز که محل همواری بود، تعبیه کردند. از منبر و محراب هم مختصری وجود داشت. اینها همه نشان آن بود که مسجد نباید تفصیل و تزیین داشته باشد؛ فقط سایبانی داشته باشد.^۲ خوشبختانه امروز، نمونه مسجد مورد نظر اسلام باقی است، آن هم مسجد خیف است.

سؤال ما این است که چطور چنین وضعیتی به وجود آمد و مساجد، تزیین شده و باشکوه شدند؟ باید گفت که به طور مسلم جواب این سؤال، تأثیر و تحوّل بشری است. بشر، کارش قیاس به نفس و خودبینی است و در مرحله اول، سعی دارد هر چیز را در استخدام و استثمار خود در آورد و در مرحله دوم، هر چیزی را به رنگ خود و سود خود در آورد. در تاریخ سیر تحوّل مساجد، سه دسته از عوامل زیر تأثیر داشتند و این همان نقش اجتماعی مساجد است.

۱- خود مردم و مؤمنان پیشنهاد دادند و همه آنها حسن نیت و قصد ثواب داشتند. چون خدا از همه برتر است و بهترین چیزها باید نثار نام او شود. پس به قیاس خانه‌های خودمان و بزرگان دنیا، خانه خدا و اولیای خدا باید از هر مکانی زیباتر و باشکوه‌تر باشد؛ از اینجا نهضت تعظیم و تزیین مساجد سرچشمه گرفت.

۲- زورمندان و سلاطین، چون خود را جدای از مردم می‌دیدند و نمی‌خواستند به طور دائم به همین سبک زندگی کنند و از طرف دیگر می‌دیدند که مردم به دین خدا اتکا و احترام دارند، مسجد را به عنوان یک زمینه تفاهم بین خود و مردم یافتند. آنها تصوّرشان این بود که با تجلیل و عمارت مسجد می‌توانند خود را در دل مردم جای دهند و با نقش ظلّ الهی، به یک نوع تحکیم قدرت و ضمانت بقا دست یابند. البته، این کار همیشه از روی سوء نیت و به قصد استفاده از عقاید و عواطف مردم نبود و شاید در مواردی تمایل به توبه به درگاه خدا، برای جبران گناهان و کفّاره ظلم‌ها، آنها را به طرف عمارت مسجد و زیارت‌گاه می‌کشانده است. در هر حال، مسجد یا معابد عامل پیوندی برای پادشاهان و حکام با مردم و با خدا گشت. این کیفیت یا حقیقت، آن قدر سابقه‌دار و ریشه‌دار است که در زمان خود پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همزمان با مسجد او مشاهده می‌شود؛ مسجدی که قرآن نامش را مسجد ضرار می‌گذارد، خود را در میان جامعه اسلامی نشان می‌دهد.

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱.

۲. نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۱۰.

۳- متولیان معابد و مساجد، یعنی کهنه و روحانیان که خواهان امتیازی برای خود در برابر دولت و ملت بودند نیز از جمله این عوامل به حساب می‌آیند.

بنابراین، نتیجه سه عامل فوق باعث شد که مسجد به مکانی زیبا، مجلل، مقدس، وسیع و رفیع تبدیل گردد و محل تفاهم عناصر سه گانه‌ای چون سلطنت، روحانیت و مردم شود.

اگر مسجد به این ترتیب به صورت محیط تفاهم سه جانبه در آمد، به این دلیل بود که میدان برخورد بین شیطان و خدا نیز بود. به عبارت دیگر، مسجد محل تضاد میان روح بشری حیوانی با روح انسانی الهی است؛ بشری که می‌خواهد هر چیزی را به رنگ خود و به سود خود در آورد و خدایی که می‌خواهد دنیا و انسان‌ها به رنگ او درآیند.^۱

اکنون ببینیم که قرآن سنت، شرط اصالت مسجد و اساس آن را در داشتن چه چیزی می‌داند؟ قرآن پایه و اساس را در داشتن تقوا و طهارت بیان می‌کند.^۲ قرآن به سازنده و نیت سازنده توجه دارد و آنهایی را که مسجد را به قصد اختلاف و آزار پیامبر اسلام ﷺ و مردم بنا نهاده‌اند، منع می‌نماید.^۳ به گفته مولوی:

ما درون را بنگریم و حال را

نی درون را بنگریم و قال را

پس، خدا با محتوا و اثر، کاری دارد و بشر با ظاهر و زرق و برق مسجد سرو کار دارد. قرآن و پیغمبر اسلام ﷺ نه تنها مسجد را مثل کلیسا برای تاج گذاری پادشاهان، جایی برای فریبکاری و زیانکاری دنیاداران دنیاپرست نمی‌داند، بلکه عنایت خاصی نسبت به توده اجتماع داشته‌اند و از ابتدا مسجد، متعلق به عموم بوده است.^۴

مسجد، مرکزی عبادی، سیاسی

در واقع، آنچه بررسی‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد، گویای این است که مسجد در چندین قرن، یعنی از قرن اول تا قرن چهارم و پنجم مرکز عبادی و سیاسی بوده است. مسجدهای مهمی چون: «مسجد مطرزی، مسجد قدیم و مسجد عقیل، سده چهارم هجری در نیشابور»، «جامع قرطبه (۱۷۰ هـ.ق)»، «جامع اعظم قیروان در سده پنجم»، «جامع اصفهان در سده پنجم هـ.ق»، «جامع حلب در سده پنجم»، در کنار

۱. نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۱۴.

۲. توبه، آیات ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۸؛ بقره، آیه ۱۱۴.

۳. توبه، آیه ۱۷-۱۸.

۴. آل عمران، آیه ۹۶؛ حج، آیه ۲۷ و ۴۰؛ بقره، آیه ۱۲۵.

مناسک عبادی- سیاسی، محلّ تعلیم و تربیت نیز بوده‌اند.^۱

در زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مسجد، علاوه بر وظیفه مرکزیّت مذهبی، محلّی برای امور سیاسی نیز بود. «در اسلام مسائل سیاسی، منفکّ از مسائل مذهبی نیستند. سیاست و مذهب چنان یگانه‌اند که احکام اسلامی شامل عبادات، معاملات و تمام اعمال فردی و اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، مساجد به عنوان محلّی برای قضاوت و دادخواهی و بحث‌های عمومی و استراحت مسافران و بینوایان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت.»^۲ حاکمان اسلامی برای جلب نظر اندیشه‌ها و تضارب آراء در مساجد، کتابخانه هم تأسیس می‌کردند و یک آرامش فکری برای بررسی‌های علمی و تحقیقی فراهم می‌کردند. از جمله می‌توان به «مکتبه الزهرا» در قرطبه اسپانیا اشاره کرد. «اولین و شاید مشهورترین کتابخانه در «مکتبه الزهرا» در قرطبه اسپانیا قرار داشت که به وسیله «حکم»، خلیفه اموی (خلافت از ۳۶۶-۳۵۰ هـ. ق / ۹۷۶-۹۶۱) تأسیس یافته بود. حکم که به نام المستنصر معروف بود، دانشمندترین و دانش دوست‌ترین حاکم در تاریخ اسلام بود.»^۳

مساجد و نماز

مساجد در گذر زمان، یعنی از صدر اسلام تا کنون، مکان خاکساری و محلّ انس با معبود بوده است که مؤمنان در شبانه‌روز چند بار به مسجد رفته، اعمال عبادی‌شان را به انجام می‌رسانند. افزون بر آن، هفته‌ای یک بار در مساجد جامع و مصلّی‌ها تجمّع نموده، مسائل روز در مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و به‌ویژه توطئه‌های دشمنان را از زبان و بیان خطبا و وعّاظ می‌شنوند. در حقیقت، تأثیرات محتوای خطبه‌ها در بیداری و سازندگی مردم قابل ستایش است. بزرگان دین همواره به مردم، به‌ویژه به مسئولان و نخبگان سیاسی و اجتماعی جایگاه و اهمّیت نماز جمعه و جماعت و عمق تأثیرگذاری مطالب دارای محتوای سالم را گوشزد نموده‌اند.

بیدارگر عصر ما، امام خمینی ره در این خصوص توصیه و سفارش‌های مهم و ارزنده‌ای به مسلمانان کرده است که در اینجا به ذکر برخی سخنان ایشان اکتفا می‌نماییم.

مقابله دشمنان با مساجد

همواره مساجد سنگری برای رویاروی با دشمنان بیرونی نیز بوده است؛ چنان که امام خمینی ره در خصوص مقابله با دشمنان می‌فرماید: مبارزه با علم و فرهنگ با شدّت هر چه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند

۱. تاریخ تمدّن و فرهنگ اسلامی، ص ۱۴۵.

۲. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی، ص ۴.

۳. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدّن اسلامی، ص ۱۴۰.

ملت بدبخت را به دستور استعمارگران، عقب مانده نگه دارند؛ با ادّعی اسلام و تظاهر به مسلمانی، کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدّسه قرآن را یکی پس از دیگری، محو و نابود می کنند. علمای اعلام و محصلان علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می زنند. مدارس علوم دینیّه، مساجد و محافل اسلامی را می خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده اند.^۱

در بیان دیگرش چنین می گوید: دفاع از حقّ و اسلام از بزرگ ترین عبادات است. بگذار عبادت گاه های ما را در این شهر مبارک (ماه رمضان ۱۳۸۹ هـ.ق مطابق با مرداد ۱۳۵۷ هـ.ش) به خون بکشند و ببینید که مسلمانان با عبادت بزرگ تر ماه شریف را می گذارند... مأموران شاه به مسجد ریخته و به قتل و جرح مردم بی دفاع پرداخته اند و مسجد را به آتش کشیده اند.^۲

سرانجام، به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد؛ یعنی آن نتیجه ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود، خنثی کنند.^۳

محتوای نماز جمعه از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

در اندیشه دینی ما به محتوای مطالبی که برای عاشقان دین بیان می گردد، توجه جدی شده است و بزرگان دینی در این مورد همواره سفارش می کنند. درباره محتوای نماز جمعه و آشنایی مردم با نیازها و وظیفه خطیرشان، یکی از رهبران عصر ما می گوید: باید سعی شود خطبه ها پر محتوا باشد. در خطبه ها هم باید امر به تقوا و این گونه مسائل رعایت شود و هم مردم را به وحدت و حضور در صحنه دعوت نمایند.^۴

نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است، در عین حال که عبادت است؛ در خطبه نماز جمعه باید مسائل سیاسی روز طرح بشود؛ گرفتاری های مسلمانان طرح بشود.^۵

ضمن انجام این فریضه، مردم را در خطبه های نماز به وظایف مهم و خطیری که دارند، آشنا سازید و از توطئه دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمایید.^۶

در هفته، یک اجتماع بزرگ از همه در یک محلّ و نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است که در آن خطبتین باید مسائل روز، احتیاجات کشور، احتیاجات منطقه و جهات سیاسی، جهات اجتماعی، جهات

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵۸.

۲. همان، ج ۲، ص ۸۸.

۳. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۷.

۴. امام درسنگر نماز، ص ۱۳۹.

۵. امام درسنگر نماز، ص ۱۳۹.

۶. همان، ص ۱۴۰.

اقتصادی طرح بشود و مردم مطلع بشوند بر این مسائل.^۱ نماز جمعه که نمایی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است.^۲ در خطبه نماز جمعه مقدرات مملکت باید بیان شود؛ مسائل سیاسی که در مملکت باید جریان پیدا کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها، در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود.^۳

آثار و برکات نماز جمعه و جماعت

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ درباره اثرات نماز جمعه و جماعت، خطاب به جوامع مسلمانان می‌فرماید: هر روز اجتماعات در تمام مساجد کشورهای اسلامی از شهرستان‌ها گرفته است تا دهات و قراء و قصبات، روزی چند مرتبه اجتماع برای جماعت و برای اینکه مسلمانان در هر بلدی، در هر قضیه‌ای از احوال خودشان مطلع بشوند، از احوال مستضعفان اطلاع پیدا کنند.^۴ اجتماع کنید و نمازهای جمعه را باشکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم؛ که شیطان‌ها از نماز می‌ترسند، از مسجد می‌ترسند.^۵

در صدر اسلام هم، نماز جمعه و مساجد چنین وضعی داشتند که اجتماعات وسیله‌ای بودند برای رفع گرفتاری‌های مسلمانان و تصمیم‌گیری در مقابله با دشمنان اسلام و شما اگر خطبه‌های آن زمان را مطالعه کنید، می‌بینید که چقدر آنها پرمحتوا بودند.^۶

در صدر اسلام، مسائل سیاسی در مسجد به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند، حل و فصل می‌شد و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد.^۷

مسجد مسلمانان در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان خلفایی که بودند... مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در

۱. همان، ص ۱۴۳.

۲. امام در سنگر نماز، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۱۴۵.

۴. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۶. همان، ج ۱۷، ص ۵۳.

۷. همان، ص ۳۹.

مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است. در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر (علیه السلام)^۱.

در واقع، دیدگاه امام خمینی ره درباره کارکرد مساجد این است که باید مساجد ما همانند زمان پیامبر گرامی ﷺ، کارکرد چندمنظوره برای حل و فصل بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی، اقتصادی مسلمانان باشد؛ اما مسجد، تنها محلّ تجمّع پیرزنان و پیرمردان نباشد؛ چون اگر چنین شود در حقیقت، خواسته دشمنان اسلام را پیاده کرده‌ایم.

نتیجه‌سختن

از مطالب یادشده، نتیجه می‌گیریم که مسجد در تاریخ اسلام، نقش مؤثری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشته و به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بس مقدّسی است؛ چنان که مساجد امروزی، چنین نقشی را دارا است. مساجد، همواره بستری مناسب برای تعامل و تفاهم فکری و نیز در مقابل تضادّ فکری میان حاکمان و مردم بوده است. از نیمه قرن سوّم تا قرن چهارم، ما شاهد ضعف عباسیان و به قدرت رسیدن خاندان‌های آل بویه، فاطمیان، اخشیدیان، اندلس، غزنویان و سلجوقیان هستیم که مساجد در این دوران، یکی از پایگاه‌های تبلیغاتی برای تغییر افکار عمومی رعایای آنها محسوب می‌شد. حاکمان از مساجد به عنوان مظهر و نماد سیاسی‌شان استفاده می‌کردند و در راستای آن هدف، به تأسیس یا تعمیر مساجد می‌پرداختند. خاندان‌های فوق، به خاطر دنباله‌روی و عقب‌ماندن از حکمای سلف، با جدیّت تلاش می‌کردند تا مساجد را باشکوه بسازند و بعد از آن به احیاء و ترویج علم و دانش و نمایش اقتدار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بپردازند و اظهار وجود نمایند. به عنوان مثال، در دوره عبدالرحمن ناصر، مساجد شهر در اندلس به سه هزار رسیده بود و نیز «جوهر سیسیلی»، فرمانده فاطمیان، شهر قاهره و مساجد جامع الازهر را بنا کرد و آل بویه بعد از فتح بغداد به مساجد و قبور ائمّه علیهم‌السلام توجه کرده و سرمایه‌های زیادی را به تعمیر و ساخت و ساز آن اختصاص داده بودند. همچنین، بعد از به قدرت رسیدن سلجوقیان، این روند رو به کاهش نهاد. در واقع، کارکرد مساجد نیز در ابعاد گوناگون، به‌ویژه کارکرد آموزشی آن از این زمان به بعد، بیشتر کم‌رنگ شد و نظام‌الملک به جای آن به تأسیس نظامیه‌ها روی آورد. غزنویان، به‌ویژه سلطان محمود غزنوی با فتح هندوستان، مساجد را جایگزین معابد و بتکده‌ها نموده، علما را برای آموزش احکام اسلام، به آنجا فرستاد و در غزنه به تأسیس مساجد و کتابخانه بزرگ دست‌زند

و فراگیری علم و دانش را رونق بخشید.

آل بویه به دلیل اعتقاد به مذهب شیعه، به مشاهد مشرفه و مرقد‌های مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار توجه می‌کردند و در تعمیر و بزرگداشت این اماکن تلاش فراوانی می‌کردند. از این‌رو، بزرگان و علمای تشیع به آنان و اقداماتشان توجه خاصی داشتند. علمای بزرگی چون شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی در زمان دولت آل بویه حضور داشتند. بنابراین، در این زمان تشیع از رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بالایی برخوردار بودند.

آل بویه، به محض دست یافتن به بغداد در صدد توسعه مذهب زیدیه بودند و معتقد بودند که خلفای عباسی خلافت را از مستحقان اصلی اش غصب کرده‌اند. بر اساس این باور، با یک بازی پیچیده سیاسی، در سال ۳۳۴ هجری مستکفی بالله، خلیفه عباسی، را به خلع کردند و به زندان انداختند و پسرش را روی کار آوردند. بنابراین، نخستین جلوه‌های عدم اعتقاد به خلفای عباسی را با برکناری خلیفه نشان دادند. از دیگر سو، عضدالدوله از جمله سلاطین بود که در فرونشاندن آتش اختلاف مذهبی مجدانه تلاش کرد و شهر بغداد را آباد ساخت و مساجد و بازارها را ترمیم کرد.

همچنین، عباسیان به‌ویژه به وسیله قدرت سلجوقیان، خواستند طریق جماعت اهل سنت را در مقابل فرقه‌های شیعه، به‌ویژه فاطمیان اسماعیلیه تقویت کنند. تأسیس نظامیه در قرن پنجم هجری را باید یکی از مظاهر اختلاف‌های مذهبی شیعه و سنی دانست.

از طرفی، سبکتکین بعد از مرگ پدر - که در غزنین از طرف سلسله سامانیان، حکومت آنجا را داشت - به سال ۳۵۲ به جای او نشست و از منصور اول اطاعت نکرد. پس از درگذشت سبکتکین، پسر او سلطان محمود غزنوی (۹۹۸-۱۰۳۰) روی کار آمد. محمود پس از ۱۷ بار لشکر کشی به هندوستان، قسمت شمال غربی آن سرزمین را به تصرفات خود ملحق کرد. حقیقت امر این است که سلطان محمود و بسیاری از حاکمان سلسله غزنویان، بنا به شواهد متعدد تاریخی، افزون بر داشتن نقش مثبت در جهت توسعه اسلام در شبه قاره هندوستان، با ساختن مساجد و فرستادن علما برای تبلیغ و نشر احکام و معارف دینی و علوم اسلامی، تلاش‌های شایسته‌ای داشته‌اند. در واقع، اسلام را محمود غزنوی به هندوستان برد و بت پرستان آن دیار را مطیع اسلام نمود و با ساختن مساجد به جای بت‌ها، ندای توحید را در آن سرزمین طنین انداز نمود؛ این حقیقتی است که خیلی از خاورشناسان و تاریخ‌نگاران به آن اقرار دارند.

حقیقت این است که روابط میان حاکمان و مردم در دوران خلفای عباسی ضعیف بوده است و از مساجد فقط برای تحکیم اقتدار حاکمیت خویش استفاده سیاسی می‌کردند. از جانب دیگر، امرای آل بویه نیز

اصول و استراتژی‌های شان را در مساجد به اطلاع مردم می‌رساندند و برخی از خط‌مشی‌ها و شعارهای شان را به دیوارهای مساجد نقش می‌کردند. از این رو، روابط حاکمان آل بویه با مردم حسنه و رضایت‌بخش بوده است. به عنوان نمونه، برای نشان دادن کارایی سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم، برخی نکات را اشاره می‌نماییم: در مساجد حکومت اعلیٰ شمال آفریقا و سیسیل، بانگ اعلام به حکومت‌نشستن حکمران جدید طنین‌انداز شد. در آن روز که مصر را فتح نمودند، پایگاه‌شان را در کنار مسجد قرار دادند و در اولین خطبه سیاسی-عبادی جمعه، خلافت معز برای مردم مصر بیان می‌شود و از او و اقتدار و شوکتش برای تحکیم قدرت سیاسی و دینی‌شان تجلیل می‌شود و نیز با تمام توان و همت بلند، در شمال، مسجد ابن طولون شهر قاهره و مسجد الازهر را می‌سازد. در واقع، مهم‌ترین شاخصه مسجد در اسلام، پیوند سیاست و دیانت است. همچنین، در عصر عبدالرحمن ناصر، افزون بر ساخت مساجد جدید، مساجد مهجور نیز گشوده و فعال شد و مردم به تعمیر مساجد و اقامه نماز در این مساجد روی آوردند. امیر عبدالرحمن سوم با ایجاد وحدت ملی و ارتباط تنگاتنگ با قشرهای گوناگون جامعه در اندلس، بزرگ‌ترین پیروزی و بقای مسلمانان در قاره اروپا محسوب می‌شود و نامش در ردیف قهرمانان اسلام در اروپا ثبت شد.

در واقع، در پی پاسخ به این پرسش بودیم: اساسی‌ترین کارکرد راهبردی در جهت رونق‌بخشی مساجد در قرن چهارم و پنجم چه بوده و اهمیت آن نسبت به زمان فعلی چیست؟ اکنون به این نتیجه رسیدیم که مسجد در تاریخ اسلام نقش مؤثری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشته و به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بس مقدس است؛ چنان که مساجد امروزی همچون نقشی را دارا است.

قرآن کریم از مسجد، دو تصویر با دو نوع کارکرد متفاوت ارائه داده است. ابتدا تصویری از جبهه ایمان و جایگاه و کارکردهای آن و سپس ترسیم تابلویی از جبهه کفر با کارکردهای ویژه خود، ارائه داده است.

دولت‌ها، برای رسیدن به اهداف خود از مسجد با روش‌های گوناگون در طول تاریخ بهره برده‌اند؛ مردم نیز با استفاده از مساجد خواسته‌ها، فریادها و انتقادهایشان را از طریق آن اعلام و پیگیری می‌کردند.

از این رو، یکی از کارهای مثبت خلفای فاطمی، توجه جدی‌شان به رونق‌بخشی مساجد در ابعاد گوناگون بوده است. آشکار است که خلفای فاطمی اکثر عبادات خود را صرف مسجد می‌کردند و آن را جزو افتخارات‌شان می‌دانستند. جوهر غلام المعز خلیفه فاطمی دعوت برای خاندان علوی را آغاز نمود. وقتی از ساختن شهر قاهره فراغت یافت، دستور داد که دیگر به نام عباسیان خطبه نخوانند و در عوض، خواندن خطبه را به نام المعز فاطمی مرسوم نمود. بر همین اساس، هدف فاطمیان در ساختن مسجد، هم عبادت بود

و هم فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

در آن زمان از روش‌های گوناگون، با محوریت مساجد در جهت آگاهی مردم و نشر معارف الهی و رونق علم و دانش بهره می‌گرفتند. از جمله، سلاطین حنفی مذهب سلجوق با زخم شمشیر، کشتار مخالفان و خوار کردن مذاهب دیگر، سیاست‌های مذهبی خود را جامه عمل می‌پوشاندند.

از پژوهش‌های تاریخی، چنین به دست می‌آید که سلسله سلجوقیان در راهبردشان، در مقابل دشمنانشان از مساجد برای تقویت روحیه خود و لشکریان بهره می‌بردند. تاریخ، دعا و مناجات الب ارسلان را برای پیروزی بر دشمن، ذکر می‌نماید.

خلفای فاطمی و عباسی، سلاطین آل بویه، امویان اندلس، سلجوقیان و غزنویان از مساجد، استفاده‌های سیاسی، علمی و آموزشی، اجتماعی و ... کردند. آنها با ساختن مساجد باشکوه یا تعمیر آنها، محلی برای تجمّع اندیشمندان به منظور تدریس علوم و مناظرات فراهم کردند و به شوکت و اقتدارشان افزودند.

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز، پس از پیروزی بر اساس محورهای اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین بخش کارکردهای مساجد در محور سیاست بوده است. از جمله: عملکردهای سیاسی ائمه جماعات مساجد و علما پس از ۱۵ خرداد، ارسال تلگرام‌هایی که به محضر رهبری انقلاب و ... غیر از تهران، در دیگر شهرستان‌ها نیز به مناسبت‌های مختلف، اجتماعات سیاسی در مساجد برگزار و باعث تحریک مردم به مبارزه با رژیم و آگاهی آنها از وضع اجتماعی می‌شد. مسجد، هر چند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. از آنجا که مساجد در خط‌دهی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، نقش غیرقابل انکاری دارند؛ مساجد باید بتوانند با رویکرد و رهیافتی جدید و به‌طور هدفمند، نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن و معایب آن آشنا کنند و مسجدی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر، در جهان کنونی به «حکومت جهانی و دولت کریمه» بیندیشند.

مسجد، همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین‌کننده سیاسی، فرهنگی اجتماعی در جامعه و کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت‌ها نیز بوده است. در مساجد، در کنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محوری‌های اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است و توسعه علمی، قسط و عدل از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. شریف پور، رضا، **مسجد و انقلاب اسلامی**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲. آندره میکل، **اسلام و تمدن اسلامی**، با همکاری هانری لوران، ترجمه: دکتر حسین فروغی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ هـ. ش.
۳. ویل دورانت، **تاریخ تمدن**، گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ هـ. ش.
۴. لوبون، گوستاو، **تاریخ تمدن اسلام و عرب**، مترجم: سید محمد تقی فخردایی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم.
۵. مودودی، ابوالاعلی، **تمدن اسلام و غرب**، مترجم: ابراهیم امینی، تهران، کانون انتشارات چاپ چهارم، بی تا.
۶. سیف آزاد، عبدالرحمن، **تاریخ خلفای فاطمی**، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۷. مکی، دکتر محمد کاظم، **تمدن اسلامی در عصر عباسیان**، مترجم: دکتر محمد سپهری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۸. ابراهیم حسن، دکتر حسن، **تاریخ سیاسی اسلام**، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاوید، چاپ دهم، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۹. حلیمی، کمال الدین، **دولت سلجوقیان**، مترجم: عبدالله ناصری طاهری و همگان، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۱۰. راوندی، قطب الدین، **راحة الصدور وآية السرور**، انتشارات اعلمی، بی تا.
۱۱. شاه ابن محمود، «میرخوانده»، **تاریخ روضة الصفا فی سیره الانبیاء والملوک والخلفاء**، تصحیح: جمشید کیان فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
۱۲. سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷ هـ. ش.
۱۳. القرطبی، عریب بن سعد، **صلة تاریخ الطبری**، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی.
۱۴. متز، آدام، **الحضارة الاسلامیة فی القرن الرابع الهجری أو عصر النهضة فی الاسلام**، ترجمه: محمد ابوریده و رفعت البدای بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ هـ. ق/ ۱۹۶۷ م.
۵۱. موسوی خمینی، سید روح الله، **صحیفه نور**، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی تقدس.
۱۶. الهی، محمد علی، **روز قهرمانان**، تهران، اداره عقیدتی، سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بی تا.

۱۷. نعنی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، مترجم: محمد سپهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ ه.ش.
۱۸. تقدسی نیا، خسرو، مسجد در آیین قرآن و روایات، قم، انتشارات ائمه، ۱۳۵۷ ه.ش.
۱۹. الگاری، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۰. صابی، ابوالحسن هلال بن محسن، رسوم دارالخلافة، تصحیح و حواشی: میخائیل تمواد، ترجمه: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ه.ش.
۲۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
۲۲. فهیمی، علی اصغر، آل بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۵۷ ه.ش.
۲۳. مسکویه، احمد بن محمد، تجارب الامم و تعاقب الهمم، مترجم: ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲۴. ابن ابی العبری، مختصر تاریخ الدول، مترجم: عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۲۵. جوینی، علاءالدین عطاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح: محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۶. صابی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال، التاجی اخبار الدوله الدیلمیه (در اخبار ائمه زیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان)، ویلفرد مادیلونف، بیروت، المعهد الألماني للأبحاث الشرقيه، ۱۹۷۳ م.
۲۷. ایگنا سیواولاگوئه، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، مترجم: ناصر موفقیان، شباوینز، چاپ اول، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۸. ولایتی، دکتر علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
۲۹. پرویز، عباس، تاریخ دیالمه و غزنویان، ناشر: علی اکبر علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۰. فروغ مسجد، ج ۵، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته مساجد، تهران، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۶ ه.ش.
۳۱. بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، مترجم: مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.
۳۲. صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، بی تا، بی جا.
۳۳. السباعی، محمد مکی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه: علی

- شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۳۴. امام در سنگر نماز، تهران، ناشرستاد اقامه نماز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۳۵. صمدی المنادی، محمد، *الوزراء فی العصر الفاطمی*، دایرة المعارف، قاهره.
۳۶. طاهری، عبدالله ناصر، *فاطمیان در مصر*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۳۷. کاشفی، محمدرضا، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۳۸. قربانی، زین العابدین، *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

مساجد، مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی

عسکری اسلام پورکریمی

چکیده

نوشتار حاضر به منظور تبیین یکی از کارکردهای فرهنگی مساجد، یعنی نقش مساجد در مبارزه با تهاجم فرهنگی تدوین یافته و نگارنده در دو فصل به تبیین موضوع پرداخته است. در فصل اول، مفاهیم و کلیات که شامل مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی، پیشینه تهاجم فرهنگی، مهم‌ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی، مورد بحث قرار گرفته و در فصل دوم نقش مساجد در انجام فعالیت‌های دینی و اعتقادی و همچنین خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، جنبه‌های گوناگون مبارزه مساجد با تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در طی روند بحث در این نوشتار، شش نقش مبارزاتی مساجد در مقابله تهاجم مورد بررسی و تبیین قرار گرفت که عبارت‌اند از: ۱. روشنگری متولیان فرهنگی مساجد نسبت به جریان تهاجم فرهنگی؛ ۲. تقویت روحیه تعبد و ارتباط مستحکم با معبود؛ ۳. شناخت فرهنگ خودی؛ ۴. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛ ۵. تشکیل جلسات مذهبی در مساجد؛ ۶. بیان عواقب شوم انحطاط فرهنگی توسط متولیان فرهنگی مساجد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ، تهاجم فرهنگی، پیشینه تهاجم فرهنگی، ابزارهای تهاجم فرهنگی، اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی، روشنگری متولیان فرهنگی مساجد، تقویت روحیه تعبد، امر به معروف و نهی از منکر، شناخت فرهنگ خودی، جلسات مذهبی، عواقب شوم انحطاط فرهنگی.

با مطالعه‌ای گذرا در تاریخ پر بار اسلام، به روشنی درمی‌یابیم که شریعت اسلام و مسلمانان، هیچ‌گاه از هجوم و تبلیغات سوء کفار و دشمنان اسلام به دور نبوده است؛ بلکه دشمنان با راه‌های مختلفی در صدد براندازی اسلام بودند و هنوز هم این شیوه ادامه دارد.

امروز، استعمارگران، اعم از سوسیالیسم و کاپیتالیسم برای غارت یک کشور به چهار رکن حساس آن حمله‌ور می‌شوند:

۱. نیروی نظامی: از نظر تسلیحات جنگی، نظام دفاعی کشور را به خود وابسته می‌کنند یا جاسوسان خود را در مراکز حساس آن می‌گمارند و برای خود، نوکرانی نیز در داخل ارتش خریداری می‌نمایند.

۲. سیاست: امروز مشاهده می‌گردد که بیشتر تصمیمات و روابط بین کشورها، بر اساس خواست غرب است؛ اما توسط مهرها و عروسک‌های بی‌اراده حاکم در آن کشورها اجرا می‌گردد.

۳. اقتصاد: استعمارگران با انواع دسیسه‌ها، اقتصاد کشورها را ورشکسته می‌کنند و آنها را به بند وام و کمک‌های به اصطلاح «بلاعوض» می‌کشانند؛ سپس، توسط عوامل نفوذی و مزدوران داخلی، دولت حاکم را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار می‌دهند.

۴. فرهنگ: این هدف، از مهم‌ترین اهداف استعمارگران است. اگر استعماری توانست فرهنگ جامعه را از بین ببرد و فرهنگ خود را جایگزین آن کند در واقع، کاری را کرده است که با انواع سلاح‌های مدرن عملی نبود و در حقیقت کل آن جامعه را سرباز خویش ساخته است. امروز، تهاجم به فرهنگ، یکی از رایج‌ترین نوع تهاجم و راهی مطمئن و سریع برای دستیابی به اهداف استعمارگرانه است.

استعمار می‌کوشد تا ملت‌ها را از محتوای فرهنگی، تاریخی و ملی آنها دور ساخته و تاریخ و مذهب و سنن ملی و مذهبی‌اش را مسخ و یا نفی نماید. با تغییر دادن فرهنگ یک جامعه بر اساس اندیشه بیگانه، بدون اینکه ردپایی از تمدن باقی مانده باشد و بدون نیاز به لشکرکشی، کشور مهاجم به اهداف شوم خود می‌رسد. بنابراین، تهاجم فرهنگی را باید یک جنگ برای به تسخیر درآوردن درون انسان‌ها دانست. هرچند این تسخیر، گاهی آن قدر شدید می‌شود که در ظاهر هم نمود پیدا می‌کند.

دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب، پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله و اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، راه دیگری را برای تهاجم به انقلاب در پیش گرفته‌اند و قصد دارند تا فرهنگ غنی انقلاب اسلامی را به سوی ارزش‌نماهای غربی بکشانند.

گرچه در مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، همه ملت و نهادها و دستگاه‌ها و مراکز تأثیرگذار فرهنگی،

وظیفه دارند که در مقابله با دشمن از هیچ تلاشی دریغ نوزند، اما در این میان، مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، وظیفه سنگین‌تری بر عهده دارند. بدون تردید، مسجد می‌تواند تعلقات معنوی و ارتباط نسل‌های مختلف را با دین برقرار نماید و ارتباط عمیق ائمه جماعات با افراد محل و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی، مؤثرترین شیوه برای بالابردن سطح آموزش عمومی و تربیت دینی و مقابله با هجوم ویرانگر فرهنگ فاسد غرب است. در این نوشتار مختصر، به نقش مساجد در مقابله با تهاجم فرهنگی اشاره می‌کنیم.

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱- مفهوم فرهنگ

واژه «فرهنگ»، همچون سایر کلمات در ادبیات کشورها دارای معنی خاص خود است. فرهنگ، در ادبیات فارسی به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم است.^۱ فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر»، به معنای شکوه و عظمت است و اگر به عنوان پیشوند به کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ»، از ریشه اوستایی سنگ و به معنای کشیدن، سنگینی است. بنابراین، فرهنگ واژه‌ای مرکب و به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن، بر کشیدن است که در ادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود به کار رفته است.^۲

«فرهنگ، مجموعه‌ای تام از خصوصیات معنوی مادی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند و نه تنها در بر گیرنده هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و باورها را هم در بر می‌گیرد».^۳

فرهنگ، مقوله‌ای بسیار گسترده است. از این نظر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان درباره تعریف جامع و کامل آن اتفاق نظر ندارند و هر یک تعریف خاصی از آن ارائه داده‌اند.

«الوین هاج» در دائرةالمعارف علوم اجتماعی کوپر در تعریف فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ، عبارت است از شیوه زندگی یک قوم شامل الگوهای مرسوم تفکر و رفتار، در بردارنده ارزش‌ها، اعتقادات، قوانین و احکام رفتار، سازمان سیاسی، فعالیت اقتصادی و هر چیز دیگری که از طریق یادگیری، نه توارث زیستی، از نسلی

۱. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه: «فرهنگ».

۲. ر.ک: روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۱.

۳. ر.ک: سازمان علمی فرهنگی و تربیتی سازمان ملل متحد (یونسکو)، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی ترجمه محمد فاضلی، ص ۲۸۰.

به نسل دیگر انتقال یافته است»^۱.

همچنین ادوارد تیلور، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را این‌گونه تعریف کرده است: فرهنگ، عبارت از مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند.

استاد محمدتقی جعفری ره، فرهنگ را چنین تعریف می‌کند: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در (حیات معقول) تکاملی باشد»^۲.

فرهنگ، عبارت است از مجموع اندیشه‌ها، معتقدات، آرمان‌ها، هنرها، شیوه تفکر، شعائر، رسوم و دیگر مظاهر زندگی یک ملت که ضامن سلامت فکر، توانایی تن، آسایش جسم و روان و سرانجام ایجاد وحدت ملی می‌گردد.

۲-۱- مفهوم تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی «cultural Invasion»، مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی، خبری است. تهاجم فرهنگی، یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش‌های فرهنگی امپریالیسم در میان ملت‌های جهان سوم و تباه کردن فرهنگ این ملت‌هاست.

واژه تهاجم فرهنگی یا نبرد فرهنگی، عبارت است از: تلاش برنامه‌ریزی شده، حرکتی مرموزانه و سازمان یافته یک گروه یا یک جامعه برای تحمیل باورها، ارزش‌ها و اعتقادات خویش بر سایر گروه‌ها و جامعه‌ها، با استفاده از شیوه‌ها، ابزارها و امکانات گوناگون و متنوع^۳.

۳-۱- پیشینه تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، پدیده‌ای تازه تولد یافته نیست که در قرن بیستم به منصفه ظهور رسیده باشد؛ بلکه سابقه‌ای دیرینه دارد. این پدیده، از ابتدای تاریخ زندگی اجتماعی بشر مطرح و موجود بوده است؛ زیرا از همان هنگام تقسیم شدن انسان‌ها به حق و باطل و مسئله استکبار و سلطه‌طلبی در بین آنان رواج داشته است.

۱. رک: نوید، مهدی، فرهنگ و مقاومت فرهنگی.

۲. رک: جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص ۵۰.

۳. مهیمنی، محمدعلی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، ص ۳۰۱.

اگر بخواهیم تاریخ این نوع از هجوم را در کارنامه اخیر مغرب‌زمین به عنوان چهره شناخته شده استعمارگری و سلطه‌جویی بررسی کنیم، باید دانست که از زمان تجدید حیات فرهنگی (رنسانس) در غرب و ظهور اندیشه و فرهنگ جدید، ملاک‌ها و ارزش‌هایی توسط مغرب‌زمین عرضه شد که با فرهنگ و ارزش‌های جوامع دیگر، تفاوت اساسی داشت. این فرهنگ جدید، زمینه را برای ظهور قدرت‌های سرمایه‌داری و نظام کاپیتالیستی هموار ساخت. قدرت‌های جدید غربی که برای استحکام و گسترش نظام سرمایه‌داری خود به منابع دست‌نخورده نیاز داشتند، به استعمار سرزمین‌های جهان پرداخته و کشورهای مختلف آفریقایی و آسیایی را زیر سلطه خود گرفتند؛ این استعمارگران، برای تثبیت سلطه خود بر سرزمین‌های جدید، به زدودن موانع فرهنگی در کشورهای زیر سلطه خود پرداختند. ساختن مدارس به سبک غربی، وارد کردن کالاهای غربی و به راه انداختن جریان‌های سیاسی و مذهبی بر اساس مبانی خودشان، از جمله اقدامات آنها برای مقابله با فرهنگ بومی بود.

نظام سلطه‌جوی غرب، بعد از استقلال‌یابی کشورهای تحت سلطه خود، به ویژه در کشورهای اسلامی که بعد از تجزیه امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به صورت کشورهای جدید و بر اساس ناسیونالیسم شکل گرفتند؛ به طور غیرمستقیم به گسترش فرهنگ خود و جایگزین کردن آن در کشورهای پرداخت و تهاجم فرهنگی را در پیش گرفت.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیا نشان داد که دین، به ویژه شریعت حیات‌بخش اسلام، می‌تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و در مقابل قدرت‌ها بایستد، قدرت‌مندان سیاسی دنیا، و در رأس آنها آمریکا و غرب در صدد برآمدند تا در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را به انحطاط و نابودی بکشانند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را از کارایی ببندازند. بر این اساس، برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی، و همچنین کم‌رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت، خوداتکایی و ضدیت با ظلم، به تخریب فرهنگ ملی کشور پرداختند تا با جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی و غربی، به ایجاد بحران هویت پردازند. مهم‌ترین علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی عبارت است از:

۱. پیدایش اسلام انقلابی در ایران و جهان و حاکمیت دین در عرصه اداره جامعه؛
۲. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اساس نظام سلطه را به چالش کشاند. چنان‌که «دانیل پاتیس»، رئیس انستیتوی پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا، در سمیناری (در پاییز سال ۱۳۶۸، در شهر استانبول ترکیه) گفت: «ما تا ده سال پیش، حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم؛ اما امروز این طور نیست و همه

ما نسبت به این پدیده جدید در ایران و برخی از کشورهای دیگر، باید با حساسیت بیشتری برخورد کنیم. امروز، مسلمانان به ایران نظر دارند و از آن الگوبرداری می‌کنند. امروز، ایران برای مسلمانان به مثابه یک آزمایشگاه است. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر هم بیشتر خواهد شد.^۱

۳. جمهوری اسلامی ایران، ام‌القری و کانون حرکت جهانی اسلام شناخته شد؛

۴. دشمنان در شکست دادن جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی و محاصره سیاسی و تحریم‌های اقتصادی شکست خوردند.

نکته شایان توجه اینکه، ابزارها و شگردهای دشمن نیز در تهاجم فرهنگی به انقلاب و اسلام بسیار مهم است. اشاعه فرهنگ فساد و فحشا در میان جوانان، تولید و انتشار شبهات دینی و فرقه‌سازی به ویژه در بین جوانان، و ایجاد تردید در باورها از طرق مختلف، به ویژه از طریق سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، تضعیف روحانیت با حربه‌های تبلیغاتی، تحقیر و منزوی کردن جریان ادب و هنر و فرهنگ اسلامی و متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی‌های مدنی و ضدیت با حقوق بشر، از شیوه‌های تهاجم فرهنگی و شگردهای فرهنگی دشمنان است. ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی‌گرایی افراطی، با تبلیغ مظاهر زندگی غربی و تبلیغ گسترده سکولاریسم (دین‌زدایی)، لائسیسم (دین‌پرہیزی)، اومانیسیم (انسان‌مداری) و تأکید بر وجود قرائت‌های مختلف از اسلام و تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق، از دیگر روش‌های تهاجم فرهنگی است.

۳-۱- مهم‌ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی

مهاجمان فرهنگی، در القای مسائل و مفاهیم (فرهنگ) مورد نظر خود، از وسایل و ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) تبلیغات: تبلیغات گسترده از طریق تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، به دلیل ویژگی‌هایی که برای آن برشمرده‌اند، بسیار مورد توجه عاملان تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد. این ویژگی‌ها عبارتست از: پوشش فراگیر، فرامحیطی بودن، چندحسی بودن، قابلیت تطابق با فهم عوام.^۲

ب) شایعه‌پراکنی: شایعه در اصطلاح، خبر بی‌اصل و نادرستی است که در میان مردم بر سر زبان‌ها بیفتد. شایعه را دولت‌های بیگانه برای ضربه زدن به پیکر یک ملت و برای تأثیرگذاری در بافت فکری و ذهنی آنان دامن می‌زنند.

۱. رک: مجله ۱۵ خرداد، دی‌ماه ۱۳۶۹.

۲. ابراهیمی، پریچهر، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب.

ج) آموزش، زبان، ترجمه و اصطلاحات: آموزش به سبک غربی، یکی از روش‌های استعماری نفوذ در برنامه‌های آموزشی کشورهای جهان سوم بوده است. یکی از کارکردهای پنهان این برنامه‌های آموزشی که در ظاهر به منظور پیشرفت علمی در این کشورها اجرا شده، زمینه‌سازی برای پذیرش فرهنگ بیگانه و برتر جلوه دادن آن و انهدام فرهنگ ملی بوده است.

البته، زبان نیز می‌تواند مهم‌ترین ابزار نفوذ فرهنگ بیگانه باشد. اگر به جای استفاده لغات خودی، استفاده از لغات بیگانه به صورت افسارگسیخته در محاورات رسمی و عمومی رواج یابد، نسل جدید ممکن است در آینده از معادل فارسی آن لغات محروم و بی‌خبر بماند.

همچنین، در مورد ترجمه نیز می‌توان گفت که اگر آموخته‌های فارغ‌التحصیلان ما به‌طور عمده از متون ترجمه شده باشد، دانش آموختگان امکان تفکر مستقل را از دست می‌دهند و اصطلاحات بیگانه به تدریج به جای اصطلاحات هماهنگ و مانوس با فرهنگ خودی می‌نشینند.

د) تحریف واقعیت‌ها: یکی از رایج‌ترین شیوه‌های مطبوعاتی، تحریف واقعیت‌ها است؛ این تحریف بدو صورت است: نوع لفظی، نوع معنوی؛ در نوع لفظی، تحریف‌کننده از خود ساز و برگ‌هایی بر پیکره وقایع و حقایق اضافه می‌کند و چهره روشن حقایق را تاریک و زشت جلوه‌گر می‌سازد. در نوع معنوی، تحریف‌کننده جملات را طوری تفسیر و توجیه می‌نماید تا درست بر خلاف معانی واقعی آنها باشد و گاهی از طریق اغراق و مبالغه واقعیت را تحریف می‌کند که در این روش، تضادهای درونی جوامع را شدت می‌بخشند و مسائل کوچک را بزرگ جلوه داده، مردم را به نظام حاکم یا به دیگر افراد و گروه‌ها بدبین می‌نمایند.

هـ) ترور شخصیت‌های محبوب اسلامی: اصطلاحی که امروزه برای ترور کردن از طریق وسایل ارتباط جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ترور شخصیت است که هدف آن، ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم، از طریق تهمت زدن و یا به تصویر کشیدن نقاط ضعف آنها است و این در صورتی است که نتوانند فردی را از نظر فیزیکی ترور کنند و یا ترور فیزیکی فرد مورد نظر به مصلحت آنان نباشد. آنها با این شیوه باعث می‌شوند که رهبران صاحب نفوذ، نزد مخاطبان دچار بی‌منزلی و تخریب چهره شوند.

و) یکی از ابزارهای مهم دشمن در تهاجم فرهنگی، «کتاب‌ها و نشریات» است. دشمنان اسلام در تهاجم فرهنگی و جنگ روانی، از کتاب‌ها و نشریات در ارائه تبلیغات گسترده منفی خود استفاده بسیاری می‌کنند. به‌طور اساسی، ماهیت جنگ روانی و فرهنگی بهره‌برداری از تبلیغات و نشریات مبتنی بر دروغ، تهمت، فریبکاری، نیرنگ‌افکنی و فتنه‌انگیزی برای نفوذ در عواطف و احساسات و جذب مخاطبان به منظور استفاده از حمایت‌های آنان در جهت تحقق مقاصد خاص جریان‌های سیاسی است.

۴-۱- اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی

۱. مبارزه با بیداری اسلامی، با فشار بر طرفداران سیاسی اسلام و انقلاب اسلامی از طریق اتهام‌زنی، تروریست خواندن و ...؛
۲. ایجاد اختلاف و شکاف در جهان اسلام با دامن زدن به اختلافات شیعه و سنی و ایران را تهدیدی برای کشورهای منطقه معرفی کردن؛
۳. معرفی سازی حکومت و ترویج پلورالیسم دینی؛
۴. از بین بردن امید مردم نسبت به آینده با سیاه‌نمایی مسائل داخلی کشور؛
۵. ایجاد بی‌اعتمادی در مردم نسبت به رهبران انقلاب و مسئولان، با هدف از بین بردن پشتوانه‌های مردمی نظام اسلامی؛
۶. ایجاد اختلاف و تعمیق آن در میان جریان‌های سیاسی؛
۷. ترویج اندیشه‌های مادی با هدف سوق دادن مردم به دنیاگرایی و اصالت دادن به لذت‌جویی؛
۸. ترویج اباحه‌گری و بی‌بند و باری اخلاقی برای مقابله با فرهنگ مقاومت و شهادت طلبی؛
۹. ترویج لیبرال دموکراسی غربی با شعار توسعه دموکراسی و تأمین آزادی‌های مدنی؛
۱۰. مبارزه بانفوذ معنوی و قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و در میان ملل محروم جهان^۱.
به‌طور کلی، دشمن در تهاجم فرهنگی می‌کوشد تا سه عنصر اساسی فرهنگ، یعنی شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارهای جامعه مورد هجوم خود را با دگرگونی روبه‌رو سازد. البته باید توجه داشت که دشمن در تهاجم فرهنگی، همیشه به دنبال جایگزین کردن فرهنگ مهاجم به جای فرهنگ بومی نبوده، بلکه ممکن است بیگانه کردن مردم آن جامعه از فرهنگ خودی و نابود کردن هویت فرهنگی یک جامعه را در نظر داشته باشد.

فصل دوم: نقش مساجد در مبارزه با تهاجم فرهنگی

مساجد، به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با این تهاجم، نقش مهمی بر عهده دارند. با توجه به نقش مساجد در انجام فعالیت‌های دینی و اعتقادی و همچنین خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، در ادامه جنبه‌های گوناگون مبارزه مساجد با تهاجم فرهنگی را بررسی می‌کنیم:

۱. رک: جوانی، یداله، آشنایی با جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، سخن آشنا، سال پنجم، شماره ۶۳.

۱-۲- روشنگری متولیان فرهنگی مساجد نسبت به جریان تهاجم فرهنگی

به طور معمول، تهاجم فرهنگی به اندازه‌ای دقیق بر نامه‌ریزی می‌شود که افراد جامعه، متوجه تهاجم نمی‌شوند و دگرگونی‌های فرهنگی را لازمه رشد و تحرک فرهنگ می‌دانند و این دگرگونی‌ها را زایش فرهنگی می‌نامند. بنابراین، یکی از عوامل مهم موفقیت در مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناخت جریان تهاجم، شیوه‌های تهاجم، گونه‌های تهاجم و راه‌های مبارزه با تهاجم است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد در جریان مبارزه با تهاجم فرهنگی، آگاه کردن مسلمانان از تهاجم فرهنگی و گونه‌های آن و راه‌های جلوگیری از آن است. مجالس و تشکل‌های مذهبی، آگاه کردن مسلمانان از تهاجم فرهنگی و گونه‌های هستند که به خوبی می‌توانند راه مبارزه را ترسیم کنند و مسجد، پایگاه مجالس‌های مذهبی است. در این جلسه‌ها، مسلمانان افزون بر آشنایی با فرهنگ دینی، از وضعیت سیاسی و تهاجم فرهنگی دشمن باخبر می‌شوند و می‌آموزند که چه راه‌هایی را برگزینند. آنان با پیشینه تهاجم فرهنگی در کشورهای اسلامی آشنا می‌شوند و از گذشته آنها عبرت می‌گیرند. نقش آموزش افراد تأثیرگذار و روحانیان در این مسیر بسیار تعیین‌کننده است. می‌توان گفت رهبری مسلمانان، در دفاع از فرهنگ ملی و مذهبی به دست افراد تأثیرگذار، به ویژه روحانیان است.

نوجوان و جوانی که در مسجد آموزش می‌بیند، از یک سو خانواده خود را تحت تأثیر قرار داده و از سوی دیگر با ورود به اجتماع می‌تواند به پشتوانه اندیشه مذهبی، در جنبه‌های مختلف، به‌ویژه در عرصه فرهنگی تأثیرگذار گردد. البته به وسیله متصدیان و مبلغان دینی در سنگر مساجد، در مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمنان، تلاش‌های قابل‌تأملی صورت گرفته و می‌گیرد که هنوز هم جادارد که گام‌های بلندتری برداشته شود. اگر بتوانیم جایگاه مسجد را با زندگی مردم و به‌ویژه با بهترین‌ترین‌های زندگی جوان پیوند دهیم، به جایگاه واقعی و اثرگذار مسجد در این زمینه رسیده‌ایم.

در طول تاریخ مبارزه‌های فرهنگی و سیاسی مسجد، بیدارگری‌ها و حرکت‌های اصلاحی به چشم می‌خورد که در تکاپوی نظام ارزشی دینی بسیار مؤثر بوده‌اند. جایگاه ویژه مسجد در فرهنگ دینی و امکانات بالقوه و بالفعل آن، همراه آموزش‌ها و مفاهیم حاشیه‌ای و ایجاد یک نظام ارزشی قوی و ماندگار در صحنه فرهنگ و اجتماع، بسیار اثرگذار بوده است.

به هر حال، مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با این تهاجم، وظیفه سنگینی بر عهده دارند. بر این اساس، متولیان فرهنگی مساجد، به‌ویژه امام جماعت می‌توانند با روشنگری و تبیین صحیح مسائل سیاسی روز، در جهت تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه تعالیم

دینی و سیاست، چون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نمایند و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازند.

امام جماعت، در گستره و نفوذ فعالیت‌های فرهنگی مسجد نقش اساسی دارد و می‌تواند به کمک کسانی که در مسجد حاضر می‌شوند و کسانی که اداره امور آن مکان را بر عهده دارند، از نظر فرهنگی مسجد را کارآمد نمایند. امام جماعت آگاه می‌تواند مردم را در جهت‌گیری صحیح رفتاری در مسائل سیاسی و اجتماعی، رهنمون شود و از کژروی و ناهنجاری‌ها بازدارد.

۲-۲- تقویّت روحیّه تعبّد و ارتباط مستحکم با معبود

یکی از ارکان اساسی ادیان توحیدی، به‌ویژه اسلام، عبادت و بندگی خداوند متعال است. عبادت؛ یعنی راز و نیاز کردن با خداوند و نجوا گفتن با او. جوهر و جان این نیایش، حضور قلب و توجّه به خداوند است.^۱ برای فراهم شدن چنین عبادتی، به شرایط و عوامل فراوانی نیاز است که مکان عبادت، یکی از آنها است. اسلام، با در نظر گرفتن مکانی به نام مسجد و قرار دادن مقرراتی ویژه برای آن، در حقیقت مکان مناسبی را برای نماز و ارتباط با خداوند پیش‌بینی کرده است.

نام مسجد، گواه روشنی بر این سخن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ مساجد از آن خداست؛ پس، باید کسی جز او را نخوانید».^۲

بنابراین، مساجد با ویژگی‌ها و شرایط مخصوص به خود، مناسب‌ترین مکان برای حضور در درگاه الهی و شکرگزاری از اوست. مسجد، نردبانی بلند برای دست‌یابی به معنویّت دینی و برآوردن نیازهای روحانی انسان است. مسجد، به سبب ویژگی‌هایی که دارد، در واقع، تجلّی‌گاه حقّ و اسماء و صفات الهی و جایگاه تربیت معنوی و الهی آدمی به شمار می‌رود.

هرچه ارتباط جوانان با فضای معنوی و روحانی مسجد بیشتر باشد، منیّت‌ها در ضمیر پاکشان زدوده می‌شود و در فردایی نه چندان دور از نگاه عشق به مردم در راه خدا به فعالیت‌های مؤثر می‌پردازند.

برخی از افراد برای همراهی و ارتباط با دوستان، وارد مسجد می‌شوند و وقتی مسیر رشد را پیمودند، حاضر نمی‌شوند ارتباطشان را با مساجد تا پایان عمر قطع کنند. از انگیزه ملاقات با دوستان به انگیزه ملاقات با خدا می‌رسند و همه چیزشان رنگ خدایی می‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی زیبا، تأثیر هم‌نشینی را بر انسان، چنین بیان کردند: «هم‌نشین صالح، همانند عطر فروش است که یا از عطرش به تو هدیه می‌دهد یا بوی آن

۱. امام خمینی رحمته الله علیه، چهل حدیث، ج ۲۷، عبادت و حضور قلب.

۲. جن، آیه ۸.

را در جامه‌ها باقی می‌گذارد. هم‌نشین بد، مانند آهنگر است که اگر جامه‌ها را نسوزاند، یا بدبویت می‌کند یا با آن بو، تو را می‌آزارد»^۱.

در روایات نیز آمده است: کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت گانه نصیب او می‌گردد که یکی از آن منافع: «دوست و برادری پیدا می‌کند که در راه خدا کمک کارش می‌شود»^۲.
 با شکل‌گیری چنین ارتباط مستحکمی، محال است که دشمنان بتوانند به اهداف خودشان دست بیابند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، آن بت‌شکن زمان، با درک این نقش مسجد فرموده‌اند: «اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، از فانتوم‌ها ترس نداشته باشید! از آمریکا و شوروی و اینها ترس نداشته باشید! آن روز باید ترس داشته باشید که شما به اسلام پشت کنید، به مسجد پشت کنید»^۳.
 همچنین مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «ما باید نگران دین مردم باشیم. بهترین جا برای حفظ دین مردم، همین مساجد است»^۴.

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «مسجد، به‌طور کلی به عنوان یک پایگاه دینی، پایگاه عبودیت، پایگاه معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشاء و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد»^۵.
 به هر حال، اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا و عالم غیب را درک کنند، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند سرشت پاک انسانی خود را به لذت‌های حرام آلوده نمایند.

۳-۲- شناخت فرهنگ خودی

برای دفاع از یک فرهنگ، شناخت آن بسیار لازم است. اگر مردم یک کشور، فرهنگ خود را به خوبی بشناسند و نقاط قوت و دیرپایی آن را بدانند، فرهنگ مهاجم، قدرت تسلط فرهنگی را نمی‌یابد و نمی‌تواند نظام ارزشی آنان را دگرگون سازد.

مسجد با آموزش فرهنگ دینی، آن شناخت لازم را برای مسلمانان ایجاد می‌کند تا آنان، قدر فرهنگ‌شان را بدانند. این شناخت، خودباوری لازم برای دفاع از فرهنگ مهاجم را ایجاد می‌کند. در سایه این آموزش‌هاست که تعهد مسلمانان افزایش می‌یابد و سلاح کارگشایی به نام غیرت دینی در مبارزه با تهاجم فرهنگی ایجاد می‌شود.

۱. کنز العمال، ج ۹، حدیث ۲۴۶۷۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۳. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱، با اندکی تلخیص.

۴. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، چهارم آبان، ۱۳۷۳.

۵. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، نوزدهم دی، ۱۳۷۵.

۴-۲- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

امر به معروف و نهی از منکر و نیز پند و نصیحت از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است که آثار و برکات فراوانی برای پیروان این دین الهی به ارمغان آورده است و در اصلاح روابط اجتماعی نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.

«بی‌گمان یکی از پایگاه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده از برنامه‌های حاکمیت، حتی در نظام اسلامی، مساجد است. در نظام اسلامی، مردم همان گونه که در برابر یکدیگر مسئول و موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند، در ارتباط با نظام اسلامی نیز وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارند. مردم باید ضمن حمایت از نظام اسلامی برنامه بخش‌های گوناگون حکومت را منصفانه و دلسوزانه نقادی کنند و ضعف‌ها، کاستی‌ها و یا خدای نکرده انحرافات را در چارچوب موازین اسلامی به مسئولان گوشزد نمایند. مساجد، مستقل از حاکمیت که ائمه جماعت آن از سوی مردم گزینش شده باشد، می‌توانند این مهم را به خوبی انجام دهند. در این باره، مسجد جایگاه گردهمایی دین‌داران دلسوز، میدان حضور قدرتمندانه مؤمنان و نمایشگاه ایمان، وحدت و همبستگی آنها است. بیمار دلانی که میل به انجام گناه دارند، با دیدن صحنه نمایش ایمان و همبستگی مؤمنان از نگاه و سرکشی باز می‌ایستند. همچنین، آنانی که به دلیل سستی ایمان، متزلزل و مردّد هستند از مسجد روحیه ثبات و استواری می‌گیرند. بدینسان حضور مسلمانان در مسجد خود به خود سبب جلوگیری از بسیاری از معاصی می‌شود.

این نقش ارزنده «مسجد» و «نماز جماعت»، در گفتاری گهربار از امام رضا علیه السلام به روشنی، بیان شده است.

آن حضرت در بیان رمز و راز تشریح نماز جماعت، که به طور معمول در مسجد برگزار می‌شود، می‌فرماید:

«إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَالتَّوْحِيدُ وَالْإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَالْغَرْبِ لِلَّهِ وَحُدَّهُ وَلِيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَالْمُسْتَخِفُّ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقْرَبَهُ يُظْهِرُ الْإِسْلَامَ وَالْمُرَاقَبَةَ وَلِيَكُونَ شَهَادَاتُ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّجَرُّعِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ [نماز] جماعت بدان سبب مقرر شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و پرستش خدا، همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشند؛ زیرا در آشکار کردن این امور، حجت خدای یگانه بر اهل خاور و باختر وجود دارد. همچنین [به آن دلیل باید احکام اسلام آشکارا عملی گردد و بر انجام آن مراقبت کنند] تا منافق و سست‌دین نیز آنچه را [در زبان] به آن اقرار کرده است، در عمل به جای آورد و اسلام و مراقبت بر آن را اظهار کند و برای آنکه گواهی دادن مردمان به مسلمانی یکدیگر، روا و

ممکن باشد. همچنین مساعدت در نیکو کاری و تقوا و جلوگیری از [ارتکاب] بسیاری از نافرمانی‌های خداوند عزیز و جلیل [معاصی] با حضور در نماز جماعت محقق می‌شود.^۱

به طور کلی، نفس حضور در مسجد به طور غیرمستقیم باعث ایجاد انگیزه لازم در نماز گزار و مراجعان به این مکان الهی می‌شود، تا به علت حضور در این مکان خویش را عاری از گناه و منکرات نمایند و همچنین به علت اینکه حضور در مسجد نیز نیاز به ملزوماتی دارد که قبل از عزیمت به سوی آن باید مراعات شود و این ملزومات از سوی حق تعالی و پیشوایان دین ذکر شده است و خود به خود زمینه و اسباب اصلاح در رفتار و عمل به آموزه‌های دینی را که در راستای اعمال خیر و معروف است، ایجاد خواهد کرد. بنابراین، می‌توان گفت که گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در بین افراد اهل مسجد به طور مستقیم به دو طریق زیر است:

الف) از طریق آموزه‌های اخلاقی امام جماعت؛

ب) از طریق دوستان و افراد مسجدی.

در مقابل، افرادی که با مسجد و نماز جماعت مانوس نیستند، از این شناخت و شخصیت اجتماعی بهره‌ای نخواهند داشت، افراد مسجدی کمتر آنها را می‌بینند و کمتر می‌توانند رفتار آنان را شناسائی کنند و قضاوت صحیح هم درباره آنان مشکل خواهد بود و به این تنبیه اجتماعی دچار خواهند گشت! بر همین اساس، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: «إِذَا سُئِلْتُ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ فَقُلْ لَا أَعْرِفُهُ؛ اگر درباره کسی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کند، از تو سؤال کردند، بگو او را نمی‌شناسم».^۲ یعنی، عدالت و تعهد و درست کاری او برای من مشخص و ثابت نشده است.

حضور پنج‌گانه مؤمنان در مساجد و برخورد با افراد شایسته و صالح به طور غیرمستقیم باعث انتقال رفتار نیکو و شایسته اهل مسجد به یکدیگر و جلوگیری از منکرات خواهد شد. فرد نیکو کار، به دنبال یافتن دوستی متدین است و یک فرد متدین هیچ‌گاه با فرد گنهکار، پیمان دوستی و رفاقت نمی‌بندد؛ زیرا مسجد، محل رفت‌وآمد انسان‌های صالح و مؤمن است در نتیجه، تمامی نماز گزاران و اهالی مسجد، یکدیگر را در گفتار و عمل، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.

بنابراین، اگر نماز گزاران و اهل مسجد، به این اصل مهم دینی و عقلی آگاهی یابند و خود، مقید و عامل به آن باشند و هر کس در محدوده زندگی خویش با فساد و زشتی‌ها مبارزه کند و مردم را به نیکی دعوت

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲، ح ۹.

۲. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۵.

نماید دشمن، هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». این آیه شریفه بیان می‌دارد که «امر به معروف و نهی از منکر» از لوازم و واجبات اجتماع سالم و صالح است.

مقام معظم رهبری دامت‌الله در اشاره به اهمیت این موضوع می‌فرماید: مسئله امر به معروف، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است.^۲

امام جماعت با تبیین جایگاه و اهمیت این فریضه الهی در مسجد، می‌تواند اهل مسجد را در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن، واکسینه نماید یا حداقل از شدت نفوذ دشمن در نیل به اهداف شوم خود بکاهد.

به طور قطعی، اگر جامعه‌ای در برابر منکرها و ترویج فرهنگ بیگانه، حساس باشد و با مشاهده نابسامانی‌ها تذکرات لازم را به افراد ناآگاه بدهد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در دفع تهاجم‌های فرهنگی داشته باشد.

۵-۲- تشکیل جلسات مذهبی در مساجد

تشکیل جلسات مذهبی در مساجد، پایگاه‌های مقاومت و تکایا و آشنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسلامی، تاریخ انبیا و امامان، برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه‌های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادات و جهان بینی‌ها می‌تواند عامل مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی به حساب آید؛ زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشنایی با تعلیمات مذهبی و فرهنگ اصیل اسلامی است. اگر تعلیمات و معارف اسلامی به وسیله امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد با در نظر گرفتن نیازمندی‌های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان، به سبک زیبا و دلپذیر و استدلالی تدریس شود و در برخی موارد به صورت سؤال و مسابقات فرهنگی- مذهبی طرح و بیان شود، به یقین نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش‌های اسلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش‌های منحط غربی دارد.

۶-۲. بیان عواقب شوم انحطاط فرهنگی توسط متولیان فرهنگی مساجد

تاریخ امروز و گذشته، به صورت زنده و روشن، صحنه‌های مجازات الهی را نشان می‌دهد. قرآن کریم برای جلوگیری از انحراف انسان‌ها و به قصد عبرت‌آموزی چنین کسانی را مثال می‌زند و می‌فرماید که خداوند شالوده زندگی آنان را از اساس ویران کرد و سقف بر سرشان فروریخت و عذاب الهی از جایی که

۱. آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری دامت‌الله، در دیدار علماء و روحانیان، ۷/۵/۷۱.

نمی‌دانستند، به سراغشان آمد.^۱

تبیین سرنوشت قوم نوح، عاد، ثمود، شعیب، لوط و طغیان‌گران متعدد دیگر، در برخی آیات قرآن برای بازداشتن جامعه از دچار شدن به چنین سرنوشتی است. در آیات الهی، چنین سرانجامی برای عموم کسانی که در انحطاط فرهنگی و دینی فرو رفتند، تصویر شده است. در واقع، آنچه در این ماجراها بیان می‌شود و از انکار و تکذیب آیات الهی و انکار معاد و رستاخیز و فساد و نتیجه دردناک آنها، درس‌هایی مطرح می‌گردد که مخصوص جمعیت و گروه خاصی نیست، بلکه همه کسانی که در چنین راهی قدم بگذارند، به چنین سرنوشت و پایانی دچار خواهند شد و در آخرت نیز به‌طور دائم در عذاب الهی خواهند ماند.

نتیجه‌سخن

آنچه مسلم است، این است که دشمن، تهاجم خود را از جبهه فرهنگی شروع کرده و در حال گسترش آن است. اگر اقدام شایسته صورت نگیرد، به قطع، این غده سرطانی به تمام پیکره جامعه اسلامی سرایت می‌کند. به هر حال، این دود سیاه که از شعله‌های آتش خانمان سوز فرهنگ غرب برخاسته است، همه جا گسترش می‌یابد و با سایه شوم خود، مانع از تجلی نور فرهنگ انقلابی اسلامی خواهد شد. از این رو، همان گونه که هنگام تهاجم نظامی خود را آماده دفاع و فداکاری می‌کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع و دفع فرهنگ دشمن بپردازیم؛ در غیر این صورت، سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است.

آنچه در مجموع می‌توان به آن دست یافت این است که بر اساس نظم نوین جهانی، تهاجم فرهنگی غرب، به‌ویژه استکبار جهانی (آمریکا) علیه سایر فرهنگ‌ها در حال انجام است و این امر با گسترش فناوری ارتباطات، شدت، سرعت و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. استکبار جهانی که داعیه سرپرستی جهان را در سر می‌پروراند و خواستار نظامی تک‌قطبی است، هیچ فرهنگ رقیبی را که مخالف این سیاست باشد، تحمل نخواهد کرد. به یقین، فرهنگ اسلامی از این قاعده مستثنا نخواهد بود و در رأس کشورهای اسلامی، ایران به واسطه انقلاب اسلامی و مخالفت علنی آن با قدرت‌طلبی آمریکا مورد هجوم بیشتری قرار گرفته و خواهد گرفت؛ از این رو، به منظور مقابله با این هجوم، باید تمام ترندها و حیل‌های فرهنگ مهاجم شناخته شود و سپس ابزار کافی برای مقابله با آن فراهم گردد. از آنجا که تهاجم فرهنگی فرآیندی فرهنگی است، باید با ابزارهای فرهنگی در مراکز فرهنگی با آن مقابله کرد و از مبارزه با ابزار خشن پرهیز نمود؛ یعنی تولیدات

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۶۹ و ج ۲۵، ص ۸۷.

فرهنگی متناسب با فرهنگ ملی و دینی را باید گسترش داد و از نیروهای متعهد و دلبسته به کشور در ساخت این تولیدات کمک گرفت و سپس با بهترین روش‌ها این تولیدات را به جوانان عرضه کرد. به علاوه، به جای آنکه بخواهیم در برابر تهاجمات غرب به صورت تدافعی عمل کنیم، بهتر است که از قبل ریشه‌های فرهنگی خود را در ابعاد دینی، سیاسی و اقتصادی قوی‌سازیم و حالتی تهاجمی به خود بگیریم. در این میان، قشر جوان که به‌طور معمول آسیب‌پذیرترین اقشار در برابر تهاجم فرهنگی هستند، باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند و تأمین نیازهای جسمی و روحی و تعمیق باروهای دینی آنان در اولویت‌های اول برنامه‌های کلان کشور و متولیان فرهنگی باشد.

مسجد، به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های دینی، در این راستا وظیفه مهمی دارد. در طول تاریخ مبارزه‌های فرهنگی و سیاسی مسجد، بیدارگری‌ها و حرکت‌های اصلاحی فراوانی به چشم می‌خورد که در تکاپوی نظام ارزشی دینی بسیار مؤثر بوده‌اند. جایگاه ویژه مسجد در فرهنگ دینی و امکانات بالقوه و بالفعل آن، همراه آموزش‌ها و مفاهیم حاشیه‌ای و ایجاد یک نظام ارزشی قوی و ماندگار در صحنه فرهنگ و اجتماع، به‌ویژه در بین نسل جوان بسیار اثرگذار بوده است. متولیان فرهنگی مساجد، در حفظ و تقویت نظام ارزشی نقش بسیار مهمی دارند و کوشش‌های بسیاری در این مکان مقدس می‌توانند انجام دهند که برخی از آنها عبارت‌اند از: بیان معیارها و شاخص‌های ارزش‌ها و آرمان‌های دینی، ارائه مدرک و شناخت صحیح از دین، برپایی مجلس‌های مذهبی مانند سخنرانی‌های دینی و ویژه برنامه‌ها در مناسب‌های مذهبی، بیان ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، اجرای ارزش‌ها و اعمال دینی مانند برقراری نماز جماعت و مجلس‌های دعا و نیایش، مطرح کردن مسائل اعتقادی و احکام فقهی، بیان اندیشه‌های دینی، معرفی و تربیت الگو، پاسخ به شبهه‌های دینی و اعتقادی، ایجاد نظام تربیت دینی و تقویت هویت دینی.

البته مسئولان کشور و متولیان فرهنگی جامعه، به‌ویژه متولیان فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی باید علاوه بر تبلیغ زبانی، به منظور ترویج عملی فرهنگ دینی و ملی در تمام زمینه‌ها، نمونه‌ای از این فرهنگ را در زندگی خود پیاده کنند و در عمل نشان دهند که پای‌بند به ارزش‌های والای اسلامی هستند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم

۱. روح الامینی، محمود، **زمینه فرهنگ شناسی**، انتشارات عطار، چاپ اول، ۱۳۶۵ ه. ش.
۲. سازمان علمی فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، **راهبردهای علمی توسعه فرهنگی**، ترجمه محمد فاضلی، تهران، انتشارات تبیان، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه. ش.
۳. جعفری، محمدتقی، **فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو**، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ ه. ش.
۴. نوید، مهدی، **فرهنگ و مقاومت فرهنگی**، تهران، انتشارات محیا، ناشر، رویان، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ ه. ش.
۵. مهیمنی، محمدعلی، **گفتگوی فرهنگ و تمدن ها**، تهران، نشر ثالث، ۱۲۷۹ ه. ش.
۶. مجلسی، محمدباقر، **بحار الانوار**، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه. ق.
۷. موسوی خمینی رحمته الله علیه، **سید روح الله، چهل حدیث**، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ ه. ش.
۸. —، **صحیفه نور**، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه، ۱۳۷۹ ه. ش.
۹. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام، **کنز العمال**، بیروت، مؤسسة الرسالة.
۱۰. شیخ حرّ عاملی، محمد بن حسن، **وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه**، قم، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث.
۱۱. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، چهارم آبان، ۱۳۷۳؛ نوزدهم دی، ۱۳۷۵؛ در دیدار علماء و روحانیان ۷/۵/۷۱.
۱۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، **تفسیر نمونه**، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. ابراهیمی، پرچهر، **تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب**، تهران، انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی، ۱۳۶۷ ه. ش.
۱۴. جوانی، یداله، **آشنایی با جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن**، سخن آشنا، سال پنجم، شماره ۶۳.
۱۵. مجله ۱۵ خرداد، دی ماه ۱۳۶۹ ه. ش.

مساجد مجازی، پلی برای صدور انقلاب

یحیی جهانگیری سهروردی

چکیده

مقاله حاضر، در صدد تبیین این موضوع است که مسجد مجازی، می‌تواند در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، پاسخگوی بسیاری از نیازهای افراد باشد؛ به‌ویژه مساجد خارج کشور که برای تبلیغ دین اسلام با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. مسجد مجازی می‌تواند با توجه به توصیه‌های معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی ره، مبنی بر لزوم صدور انقلاب اسلامی به اقصی نقاط جهان، نقش بسزایی داشته باشد. مراد از مسجد مجازی، عبارت است از وجود همه سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی)، در فضای مجازی، اعم از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای. نگارنده مقاله، با بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به مساجد در عرصه جهانی، بر ضرورت توجه به «مسجد مجازی»، برای تبلیغ معارف عالی اسلام و صدور انقلاب تأکید می‌کند.

واژگان کلیدی:

مسجد مجازی، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، موج الگوگیری از انقلاب، متولیان مسجد.

مقدمه

مدتی است که رهبر معظم انقلاب علیه السلام بر ضرورت نوآوری، به دلیل «اجتناب ناپذیر بودن تحولات در جوامع بشری» تأکید می‌کنند. در نتیجه، ایشان «مدیریت تحولات در کشور» را ضروری دانسته‌اند و فرموده‌اند: «با توقف در گذشته و نفی نوآوری، نمی‌توان به جایی رسید... بنابراین، تنها راه صحیح باز گذاشتن راه نوآوری، آزدفکری و آزاداندیشی و مدیریت این راه تحوّل آفرین است».^۱ ایشان، یکی از سال‌ها راه، سال نوآوری و شکوفایی نامیدند که ضرورت این مسئله راه، در این برهه از ایران معاصر نشان می‌دهد. مسجد نیز باید در دایره نوآوری، جایگاه خود را مشخص کند و از این قافله عقب نماند. به فرموده ولی امر مسلمین، «تحوّل، راز ماندگاری و تعالی بشر است».^۲ در غیر این صورت، «کناره‌گیری از تحوّل، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد».^۳

در این مقاله، سعی داریم برای بهبود وضعیت موجود مساجد، جذب بیشتر جوانان، بهره‌گیری از رقابتی فرهنگی مسجد در راستای مسجد (یعنی قرار دادن ابزارهای جدید فناوری در طول مسجد و نه در عرض آن و به عنوان رفیق مسجد، نه رقیب آن) و رساندن پیام انقلاب به جهان، چند راهکار کاربردی پیشنهاد کنیم.

مسجد مجازی

یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن، بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هر جای کره خاکی، در هر زمان به معبد مقصودش دست یابد. در حالی که مکان‌های مذهبی واقعی، فاقد چنین ویژگی هستند و استفاده از آن، نیازمند برنامه زمانی و مکانی خاص است. بنابراین، مسجد مجازی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، باشد. مراد از مسجد مجازی در این مقاله عبارتست از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی)، در فضای مجازی اعم از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای.^۴

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب علیه السلام در دهمین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشجویان، برگرفته از روزنامه ایران، ش ۳۴۹۴، تاریخ ۸۵/۸/۲۰، ص ۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان، تاریخ ۸۶/۹/۸.

۶. جهت اطلاعات بیشتر، به مقاله همین نویسنده در همین مجموعه با عنوان «مسجد مجازی، بایسته چشم‌انداز بیست ساله ایران اسلامی»، مراجعه کنید.

لازم به ذکر است که این مقاله بخشی از کتابی است که به همت دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، با عنوان «مسجد مجازی» تألیف شده است.

مسجد و انقلاب

چه آنان که حوادث انقلاب اسلامی ایران را دیده‌اند و چه آنان که آن را در لابه لای نگاهشده‌ها مطالعه کرده‌اند، به این حقیقت واقف هستند که رابطه دو پدیده «مسجد» و «انقلاب»، یک رابطه علی و معلولی است. در دیدگاه بنیانگذار انقلاب تقدس، «این مساجد است که این نهضت را درست کرده است». بیان همین فراز، برای اثبات میزان تأثیر مساجد در تحقق انقلاب، می‌تواند گواه این رابطه، روشن باشد.

نقش مساجد در پیروزی انقلاب، چنان پررنگ است که حامد الگار، نویسنده آمریکایی، هسته اساسی پیروزی انقلاب اسلامی را مسجد می‌داند. وی می‌گوید: «در دوره نهضت خمینی تقدس بود که مسجد، به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی، بدل گردید و به‌طور خلاصه، مسجد تمام آن چیزی شد که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله بود». مساجد در دوران انقلاب، به‌طور طبیعی و البته با تکیه بر پیشینه تاریخی خود، مرکز مبارزه علیه رژیم بودند. به همین دلیل بود که همواره با عکس‌العمل تند رژیم طاغوت مواجه می‌شد. مساجد، نه تنها پایگاهی برای بیدارسازی مردم علیه حکومت پهلوی بود، بلکه محلی برای سازمان‌دهی نیروهای انقلابی و مبارزه بودند. تبادل اطلاعات و جلسات مشاوره میان مبارزان انقلاب، در مساجد صورت می‌پذیرفت؛ زیرا پخش اعلامیه در اغلب مساجد، سهل‌تر و سریع‌تر صورت می‌گرفت و اعتراض مردم و علما و حضرت امام تقدس، از طریق پخش اعلامیه آنان در مجامع مذهبی به ویژه مساجد، همه‌گیر می‌شد. تأثیر مساجد بر پیروزی انقلاب، آن قدر صریح است که یکی از یاوران انقلاب می‌گوید: «اگر مسجد نبود، انقلاب نبود». نقش مساجد، بعد از دوره «حدوث انقلاب»، نیز متوقف نماند. پس از پیروزی انقلاب، مساجد بودند که همچنان در مرحله «ثبوت انقلاب» نیز نقش آفرینی کردند. بعد از پیروزی انقلاب با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، به‌طور تقریبی، همه کارهای انقلاب در مساجد انجام می‌گرفت. کمیته‌های انقلاب

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۰.

۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سزّی، ص ۱۵۴.

۳. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سزّی، ص ۱۵۴.

۴. محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۹۱.

۵. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۸ و ۸۹.

۶. سیفی، محمّد مهدی، نقش تاریخی مساجد در انقلاب اسلامی، روزنامه رسالت، ش ۶۵۰۵، مورخ ۱۳۸۷/۵/۳۱، ص ۱۷.

۷. رستگار، مرتضی، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی، فروغ مسجد (۲)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دومین

همایش هفته جهانی مساجد، ص ۱۹۶.

از دل مساجد جوشید. مساجد، در زمان هشت سال دفاع مقدّس، در امری مانند اعزام نیرو، پشتیبانی، برگزاری مراسم دعا و بزرگداشت شهدا، نقش چشم‌گیری داشتند. در زمان سازندگی، در امدادسانی به مردم آسیب‌دیده از بلایای طبیعی، بازسازی مناطق جنگی و برگزاری انتخابات و ... همچنان مساجد، فعال ظاهر شدند.^۱

انقلاب اسلامی، یک فرآیندی است که مراحل تکاملی دارد و عبارت‌اند از: مرحله نخست، پیروزی انقلاب اسلامی بود که از آن به «حدوث انقلاب» یاد می‌کنیم. این مرحله از انقلاب به یاری خدا، همت مردم و رهبری امام تَنَزُّهُ به کامروایی تحقّق یافت. مرحله دوم انقلاب، استقرار دولت اسلامی و اثبات کارآمدی نظام مبتنی بر ولایت فقیه است که با عنوان مرحله «ثبوت انقلاب» از آن نام برده می‌شود. مساجد، در این دو مرحله، محور یا حداقل نقش‌آفرین بوده‌اند. مرحله سومی که انقلاب پیش روی دارد، ایجاد تمدن اسلامی است. طرح نظریّه «صدور انقلاب»، در راستای این مرحله می‌تواند تفسیر گردد. ایجاد تمدن اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی است.

به زعم نگارنده، همچنان که مسجد، مبنای اساسی، «حدوث» و «ثبوت» انقلاب بوده است، باید در مرحله سوم از فرآیند تکاملی آن، یعنی مرحله «صدور» انقلاب نیز، نقش محوری را به خود بگیرند. به‌طور اساسی، مسجد، به این سبب که خاستگاه توحید و نفی شرک و باطل است و جایگاه ندای حقّ و دادخواهی مظلوم نیز به حساب می‌آید، همواره مهد قیام و اعتراض بوده است و مردم نیز بر حسب مقتضیات و شرایط جامعه از این مکان مقدّس الهام گرفته‌اند.^۲

جایگاه صدور انقلاب در قاموس فکری امام تَنَزُّهُ و رهبری عَلَمِ ظَلَمَةِ

درک دقیق از معنا و زمان اعلان تئوری صدور انقلاب، از طرف امام نشان می‌دهد که امام، حتی قبل اینکه انقلاب، عینیت یابد، تحقّق غایتش را در صادر نمودن آن می‌دید. «صدور انقلاب اسلامی از لحظه ورود حضرت امام تَنَزُّهُ به پاریس و اوج‌گیری نهضت مقدّس مردم ایران، در کانون توجهات جامعه جهانی قرار گرفت و اولین پرسش‌ها در این باب، توسط نهادهای سیاسی غرب و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح گردید».^۳

۱. شکریان، ناصر، مسجد، ملجأ مردم، فروغ مسجد، ج ۵، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های چهارمین همایش هفته جهانی مساجد، ص ۲۴۱.

۲. جهانگیری، یحیی، مسجد مجازی، نوآوری در افق ایران ۱۴۰۴، مجله ره‌آورد، ش ۲۳.

۳. میزبانی، مهناز و سایرین، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب، ص ۵۲.

۴. دولت‌آبادی، فیروز، صدور انقلاب تمثلاً و تقابلی از درون و بیرون، مجله حضور، ش ۲۶، ص ۳۵.

از این روی، امام تَنَّهُ، نه بعد از انقلاب، بلکه قبل از انقلاب هم، دغدغه صدور انقلاب داشتند. حال آن که برخی با عدم درک صحیح از صدور انقلاب، آن را پروژه‌ای متعلق به اوایل انقلاب می‌دانند!

با تأمل در خاطرات یکی از یاران امام، مشخص می‌شود که آن حضرت، حتی در اسفند سال ۴۱، انقلاب را به سه مرحله تقسیم نموده بودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: اسلامی کردن ایران، اسلامی کردن کشورهای اسلامی، اسلامی کردن جهان؛ آن روز است که به مولا^۱یم، مهدی ع، عرض می‌کنم: جهان منتظر قدم مبارک توست».^۲

انقلاب اسلامی، یک رویداد نیست که صدورش نیز متوقف به زمان خاصی باشد. انقلاب اسلامی، یک فرآیندی است که تا تشکیل تمدن اسلامی، رفاه و آزادی همه مستضعفان باید در گسترش آن کوشید. همچنان که امام فرمود: «مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهان‌گیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند».^۳

انقلاب‌ها، به صورت طبیعی، میل به گسترش دارند و انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این نظر، می‌توان گفت صدور انقلاب‌ها، فرآیندی طبیعی است و همچنان ادامه دارد.

صدور انقلاب، یک ضرورت

امام خمینی تَنَّهُ فرمودند: «ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم»؛^۴ زیرا ایشان مظلومیت و غریب بودن اسلام را در دنیای امروز درک می‌کرد.^۵ امام تَنَّهُ در عین توجه به مشکلات معیشتی مردم، غفلت از اهداف و آرمان‌های انقلاب را به مسئولان گوشزد می‌کردند. ایشان فرمودند: «مسائل اقتصادی و مادی، اگر لحظه‌ای مسئولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هر چه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنی نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی است، منصرف کند».^۶

از منظر رهبر معظم انقلاب ع نیز انقلاب، دو جهت دارد: یکی مبارزه با استبداد داخلی است و جهت دیگر، سخن و پیام نوین انقلاب برای دنیا و بشریت است. «پیام جهانی و انسانی اسلام است که او را به

۱. آقای عسگر اولادی، قابل دسترس در: www.navideshahed.com/fa/index.php?Page=definition&UID=۹۵۸۴۷

۲. دبیری مهر، امیر، صدور انقلاب، خیال یا واقعیت، سایت باشگاه اندیشه، قابل دسترس در: www.bashgah.net/pages/۱۹۳۰۲.html

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تَنَّهُ، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۱.

۴. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۳-۱۰۲.

۵. همان.

۶. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی تَنَّهُ، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، ص ۴۷.

ستایش و اداری می‌کند. جنبه دوم، بسیار مهم است؛ ما باید بتوانیم این را بیان کنیم. «همچنان که ایشان فرموده‌اند، صادر کردن تفکر انقلابی و اندیشه مبارزه به بیرون مرزها، بسی مهم‌تر از مبارزه با استبداد داخلی است.

شاید به دلیل اهمیت موضوع بود که رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام حدود یک ماه بعد از انتصاب به رهبری انقلاب، در نوزدهم تیر ۱۳۶۸ به تبیین نظریه صدور انقلاب پرداختند.^۲

رهبر فرزانه علیه‌السلام در جایی دیگر، صدور انقلاب را تداوم راه انبیا و سستی با آن را، کار دشمن شمرده، فرمودند: «ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم...؛ چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی، به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟! چرا باید شرم کنیم از اینکه، غیرت و حمیت صحیح و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس عملی به ملت‌های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ ملت‌ها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل و مزدوران قدرت‌های استکباری در افتاد. ما در افتادیم و پیروز هم شدیم. چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت‌ها نگذاریم؟ ما این انقلاب را صادر می‌کنیم. ما از اینکه بتوانیم توحید و مکتب انبیا و روش‌های انسانی پاکیزه و طاهر و صبر و مقاومت و ایثار را به کشورهای دیگر صادر کنیم، هیچ ابایی نداریم. رسانه‌های غربی که با پول صهیونیست‌ها و با تدبیر سیاستمداران خبیث و ظالم و فاسد اداره می‌شوند، می‌خواهند جنجال درست کنند و ما را از این حرف و عمل که فرهنگ و مفاهیم انقلاب باید صادر شود، پشیمان کنند».^۳

صدور انقلاب، کاری فرهنگی

صدور انقلاب، صدور رسالت انقلاب اسلامی و انتقال ارزش‌های معنوی و الهی به گوش جهانیان است. این امر، در سایه زور و لشکرکشی انجام نمی‌شود؛ بلکه جهت نیل به این هدف باید کلیه امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی، محتوای پیام، موقعیت زمان و مکان، نیازهای مخاطبان در مناطق مختلف دنیا مورد توجه و دقت قرار گیرد. انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و به تعبیر شهید مظلوم دکتر بهشتی «انقلاب ارزش‌ها» محسوب می‌شود.^۴ مقام معظم رهبری علیه‌السلام نیز بر این امر صحه گذاشتند و فرمودند: «اگر منظور این است

۱. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام: در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام: در دیدار و بیعت اقشار مختلف مردم کشور، مورخ ۱۳۶۸/۰۴/۱۹.

۳. رک: سایت مقام معظم رهبری علیه‌السلام به نشانی: www.khamenei.ir

۴. سالار، محمد، انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۵، ص ۲۳.

که ما مواد منفجره صادر می‌کنیم، این ادعا دروغ است... صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم»^۱. در اوایل انقلاب عده‌ای، صدور انقلاب را رارویکرد نظامی تفسیر می‌کردند؛ اینجا بود که امام تق رویکرد فرهنگی را پیشنهاد نمودند و فرمودند: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمانان را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل [جغرافیایی] خودشان باشند، ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و [ملت] خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن [کشور] خودشان کوتاه کردند، این [بیداری]، در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها [ایجاد] بشود. آرزوی ما این است...»^۲.

رهبر معظم انقلاب ع، در روزهای آغازین رهبری، قالب صدور انقلاب را، نه یک قالب نظامی، بلکه فرهنگی شمردند و فرمودند: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردمداران تبلیغات جهانی روی اشاعه فرهنگ انقلابی اسلام جنجال راه انداختند و آن را به عنوان صدور انقلاب - با معنای غلطی که از صدور انقلاب می‌کردند - مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند. همه رسانه‌ها در سرتاسر عالم، روی این نکته و کلمه تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی در صدد صدور انقلاب است! خبثت آنها در اینجاست که صدور انقلاب را به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد درگیری در گوشه و کنار عالم و از این قبیل کارها معرفی می‌کنند که این هم مثل بقیه خبثت‌های تبلیغاتی دنیای غرب، یک ترفند رذیلانه است»^۳.

امام تق بر این امر تصریح داشتند: «ما که می‌گوییم باید انقلاب به همه جا صادر بشود. این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشور گشایی کنیم»^۴. در فرازی دیگر، ایشان رویکرد نظامی به این مقوله را نه یک امر مطلوب که حتی ناممکن می‌دانستند: «ما که می‌گوییم که اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی، نه ما [این را] گفتیم و نه ما می‌توانیم»^۵.

رهبر انقلاب نیز، صدور انقلاب را فرهنگی می‌شمارند: «صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای

۱. ر. ک: سایت مقام معظم رهبری ع به نشانی: www.khamenei.ir

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۷.

۳. بیانات مقام معظم رهبری ع در دیدار و بیعت اقشار مختلف مردم کشور، مورخ ۱۹/۰۴/۱۳۶۸.

۴. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی تق، ص ۵۹.

۵. همان، ص ۶۱-۶۰.

گرفتن زمین‌های دیگران نیست... صدور انقلاب، به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است؛ صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و...^۱ در بیانی دیگر امام تقدس، تبیین اندیشه‌های انقلاب را صدور انقلاب می‌داند: «صدور انقلاب، به معنی لشکر کشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم»^۲.

مساجد مجازی، روش عملی صدور انقلاب

با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب، بجاست که در نحوه عملیاتی نمودن صدور انقلاب، قدری تأمل نماییم؛ زیرا صدور انقلاب، نه همزاد با انقلاب، بلکه پیش از آن، مدّ نظر بنیان‌گذارش بوده است. چنان که گفته شد در دو مرحله «حدوث» و «ثبوت» انقلاب، محوریت مسجد به‌طور کامل مشهود است. صد البته که خود این تعامل، بین دو مرحله انقلاب و مسجد، بر پویایی مساجد و تنوع بخشی به کارکردهای آن نیز مؤثر بود. در جریان صدور انقلاب نیز باید مساجد، محوریت را بر عهده گیرند. شاید به این دلیل بود که رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، تأکید داشتند که باید مساجد، همواره آماده قیام و پیشبرد اهداف اسلامی باشند. «اسلام، مساجد را سنگر قرار داد؛ وسیله از باب اینکه از همین مساجد... همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد»^۳. با توجه به محذوریت‌های ساخت مسجد و مهم‌تر از آن، ممنوعیت‌های احیای کارکردهای انقلابی در مساجد خارج کشور، و زمان‌بر و پرهزینه بودن ساخت مساجد فیزیکی، توجه به مساجد مجازی یک ضرورت تلقی می‌گردد. تأکید می‌کنم که مساجد مجازی، می‌تواند ما را در مشکلاتی که در ساخت مساجد فیزیکی در خارج کشور داریم، یاری رساند، یعنی با جذب مخاطب توسط مساجد مجازی، می‌توان از آن در ساخت مساجد فیزیکی، احیای کارکرد انقلابی و مخالفت با قوانین ممنوعیت ساخت مسجد فیزیکی، کمک گرفت.

نباید فراموش نماییم که از یک سو، با یک تکلیفی به نام صدور ارزش‌های انقلاب و یاری مستضعفان مواجه هستیم که طبق تحلیل، باید این مرحله از انقلاب نیز مبتنی بر مساجد باشد و از سوی دیگر، با موانعی که بر سر راه انجام این وظیفه از طریق مساجد فیزیکی قرار گرفته است، این موانع، زمانی تکلیف را ساقط می‌کند که هیچ راه جایگزینی مطرح نباشد. مسجد مجازی، در عین فرصت بودن برای صادر نمودن انقلاب،

۱. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۲، که نقل کرده از مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، ص ۳۶۴ و ۳۶۶، شهید محمدجواد، باهنر.

۲. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

۳. همان، ج ۱۷، ص ۶۰.

خود موانع، را نیز بر خواهد داشت؛ زیرا موجب توسعه زیربنایی و گسترش کار کردی آن خواهد شد و این، یعنی اثبات زمینه کارآمدی دیگر برای مساجد در سوّمین مرحله از انقلاب!

در فرهنگ امام تَدْتُّسْ، ثمره انقلاب، آزادی همه مستضعفان جهان است و در اندیشه او، باید مساجد را حفظ نمود؛ «ای ملّت! مسجدهایتان را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد». بنابراین، تحقیق این دو، با مساجد مجازی سامان می‌یابد.

حضرت امام تَدْتُّسْ، در عین حال که پیروزی انقلاب را بر خاسته از فعالیت‌های مسجدی می‌داند؛ رها کردن مساجد و نیز بسنده کردن به وضع موجود را ناکافی می‌شمارد. ایشان، پیروزی انقلاب اسلامی را نوعی آماده‌سازی خویشتن برای اداره پویای مساجد می‌داند. بی‌شکّ مراد حضرت امام تَدْتُّسْ مدیریت عبادی صرف نیست؛ آنچه از سخنان امام استفاده می‌شود، تحوّل در کار کرد مساجد، به سوی ایجاد پیروزی‌های دیگر اسلامی است. ایشان فرمودند: «این مساجد بود که این پیروزی را برای ملّت ما درست کرد. این مراکز حسّاسی است که ملّت باید به آن توجه داشته باشند، این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما، برای اداره مسجد است».^۳

بدیهی است که امام تَدْتُّسْ روش تبلیغی و استفاده از ابزار رسانه‌ها را شیوه عملی صدور انقلاب معرفی می‌کردند: «ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود».^۴

مقام معظم رهبری (عنه‌السلامه) نیز استفاده از ابزارهای متناسب با زمان و مخاطب را اثر گذار می‌دانند: «ما مییم و تفکر و معارف اسلامی؛ ما مییم و پیام انقلاب اسلامی؛ ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم...؛ ما باید بتوانیم مفاهیم و معارف اسلامی و آنچه را که متعلّق به ماست را بیان کنیم؛ البتّه باید بالحن و بیان روشنفکرانه و به‌طور کامل، مترقی و با استفاده از واژگان متناسب با هر دوره و زمان باشد».^۵

مسجد به مثابه رسانه‌ای سنتی و اینترنت به مثابه ابزاری مدرن، می‌توانند در ابلاغ پیام انقلاب، نقش آفرین باشند. متأسّفانه، یک رویکرد خاصّ در کشور ما، این دو رسانه را در ساحت انتزاعی آشتی‌ناپذیر قرار داده

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۰.

۲. جهانگیری، یحیی، کارکرد سیاسی مساجد، آرشیو دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۶.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵.

۴. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی تَدْتُّسْ، ص ۶۱-۶۰.

۵. بیانات مقام معظم رهبری (عنه‌السلامه) در دیدار با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۱۷/۱۱/۸۰.

است. به همین دلیل، هیچ‌گاه آنچنان که لازم است، نتوانسته‌ایم از ظرفیت این دورس‌خانه در بیان رسالت انقلاب، بهره‌جوییم. مسجد، رسانه‌ای سنتی، ولی پویا، مقبول غیردولتی و دینی است؛ در مقابل آن، اینترنت، ابزاری مدرن، با مخاطبانی بسیار است. معقول آن است که کمیّت یکی با کیفیت دیگری همراه گردد و این دو از عرصه رقابت، به ساحت رفاقت بازگردند.

دشمن علیه انقلاب

امروز، ایران اسلامی، آماج شیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته است. وجود هزاران سایت «انتی خمینی» و ... نشان از ضرورت اقدام سریع و قدرتمند برای صدور ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب دارد که باید در این مورد، همت گماشت. رهبر انقلاب فرمود: «اگر ما بتوانیم در صحنه فکر و فرهنگ، کار شایسته‌ای انجام دهیم، همه تهدیدهای مادی دنیا خنثی خواهد شد».^۲ در باور امام تقّه، برای مقابله با ترفندهای دشمن، ما باید از اهرم صدور فرهنگی انقلاب، بهره‌گیری کنیم:

امام خمینی تقّه فرمودند: «ما باید در صدور انقلاب به جهان کوشش کنیم... از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی ما بسته‌اند و اگر ما در بسته‌بمانیم، به‌طور قطع، با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را به‌طور صریح، با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقّت‌باری که داریم، با جهان برخورد مکتبی می‌نماییم».^۳

در سنجش میزان اسلام‌ستیزی استکبار، کافی است بدانیم که تنها از سال ۱۹۸۰ واژه‌ای به نام «اسلاموفوبیا»^۴ در ادبیات انگلیسی ابداع شد^۵ که به اسلام‌هراسی و تعصّب علیه اسلام و مسلمین اشاره دارد و هزاران سایت اینترنتی در این زمینه فعال است؛ آیا ما، مخاطب این دستور امام نیستیم که فرمود: «ما انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی الله علیه و آله بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم».^۶

۱. anti-Khomeini.

۲. بیانات مقام معظم رهبری رحمته الله علیه؛ در جمع مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۱۷/۱۱/۸۰.
۳. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی تقّه، ص ۲۴ و ۳۵.

۴. Islamophobia.

۵. Conway, Gordon & others, Islamophobia: A Challenge for Us All, Runnymede Trust Publication, ۱۹۹۷, p ۱.

۶. Sandra Fredman & others, Discrimination and Human Rights: The Case of Racism, Oxford University Press, ۲۰۰۱, p ۱۲۱.

۷. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۴۰.

موج الگوی گیری از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موج حمایت از تمام نهضت‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش بپا خاست. آقای صبحی الجابی، پژوهش‌گر و نویسنده سوری، در خصوص تأثیر و بازتاب جهانی فرهنگ و تمدن انقلاب اسلامی اظهار می‌دارد: «انقلاب اسلامی، فرهنگ و تمدن حقیقی را برای جهانیان به ارمغان آورد. این تمدن در تمام زمینه‌های سیاست، حقوق بشر و اخلاق، با فرهنگ و تمدن غرب تفاوت اساسی دارد. به هر حال، هر کس فرهنگ انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار دهد، به‌طور حتم، پیروز خواهد شد»^۱.

به این دلیل بود که امام، اندیشه صدور انقلاب را به هیچ عنوان آرمان‌گرایانه و غیرعملی تلقی نمی‌کرد؛ بلکه آن را واقعیتی ممکن می‌دانست و در بسیاری از مناطق جهان اسلام، آن را به رأی‌العین می‌دید. «نهضت مقدس ایران، نهضت اسلامی است. از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند»^۲. «ما امروز، دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم»^۳.

آن مرد بزرگ، نشانه‌های تحقق این پدیده را نمایان می‌دید: «امروز، قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به‌طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا، از این سیاه‌های عزیزی که در آمریکا هستند و تا آفریقا و تا شوروی و همه جا، نور اسلام تأیید شده است و توجه مردم به اسلام [معطوف] شده است و مقصود ما از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و آن شاء الله، اسلام در همه جا بر کفر غلبه پیدا خواهد کرد»^۴.

اسامه ابو حمدان، نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در لبنان، انتفاضه مردمی فلسطین را یکی از ثمرات انقلاب اسلامی در ایران می‌داند و در این باره می‌گوید: «با پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین خواسته مسلمانان در قرن بیستم تحقق یافت. مسلمانان جهان، انقلاب اسلامی را الگو و سرمشق خود می‌دانند»^۵.

گیز لاکرافت، دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «گفتگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته و پوشکین»، با اعلام این مطلب، گفت: «اسلام، در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده است

۱. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۶ و ۲۷؛ روزنامه کیهان، شماره ۱۶۴۴۰، ص ۱۶.

۲. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۹۲.

۴. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

۵. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۸؛ روزنامه کیهان، مورخ ۷۷/۱۱/۱۰.

که در سایه آن، مبارزه شدید با مادی‌گری و برای احیای معنویت جریان دارد»^۱.

متولیان مسجد و صدور انقلاب

امام تَدَبُّرٌ به‌طور رسمی، متولیان، ائمه جماعات و روحانیان را برای عملی نمودن صدور انقلاب، آن هم از طریق مساجد، مخاطب قرار می‌دهد: «مسجد، در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بود... از مسجد، تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید از پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب آن سرور پیروی کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیّت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبران قرار دهید»^۲. آیا نباید این مخاطبان، در چگونگی عملی نمودن آن، قدری تأمل نمایند؟! نباید فراموش کنیم که فرهنگ تشیّع، پیوسته اعتراض به حکومت‌ها را فریاد نموده است. از این رو، مکتب تشیّع، روحانیّت معترضی را تربیت نموده است که خانه‌اش، مساجد است. باید این مساجد و روحانیّت آن، فریاد ظلم‌ستیزی انقلاب را به گوش همگان برسانند.

نتیجه سخن

به یقین، مساجد در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشتند. همچنان که مساجد، در حدوث انقلاب نقش داشتند، در ثبوت و استمرار آن نیز نقش‌آفرین هستند. البته خود این دو مرحله، بر تعامل و پویایی مساجد و تنوع‌بخشی به کارکردهای آن نیز مؤثر بود. در فرآیند صدور انقلاب نیز باید مساجد، محوریت را بر عهده گیرند. شاید به همین دلیل بود که رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، تأکید داشتند که باید مساجد، همواره آماده قیام و پیشبرد اهداف اسلامی باشند. «اسلام، مساجد را سنگر قرار داد؛ وسیله از باب اینکه از همین مساجد... همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد»؛ اما با توجه به محذوریّت‌های ساخت مسجد و مهم‌تر از آن، ممنوعیت‌های احیای کارکردهای انقلابی در مساجد خارج کشور و زمان‌بر و پرهزینه بودن ساخت مساجد فیزیکی، توجه به مساجد مجازی، امری ضروری تلقی می‌گردد. بر این اساس، مساجد مجازی می‌تواند ما را در مشکلاتی که در ساخت مساجد فیزیکی در خارج کشور داریم، یاری رساند؛ یعنی با جذب مخاطب توسط مساجد مجازی، می‌توان از آن در

۱. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۱.

۲. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵.

ساخت مساجد فیزیکی، احیای کارکرد انقلابی و مخالفت با قوانین ممنوعیت ساخت مسجد فیزیکی کمک گرفت. بنابراین، مسجد مجازی، به مثابه ابزاری مدرن، می‌تواند در ابلاغ پیام انقلاب، نقش آفرین باشد؛ ابزاری که افزون بر آن که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه به انتخاب خطیب، باشد؛ به طوری که هیچ‌گونه از محذوریتهای ساخت مسجد فیزیکی و پرهزینه بودن ساخت و اداره آن را نیز ندارد.

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

۱. موسوی خمینی ره، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۹ ه.ش.
۲. —، وصیت نامه سیاسی الهی امام خمینی ره، انتشارات قدس رضوی.
۳. آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سَری، تهران، طوس، تهران، ۱۳۶۵ ه.ش.
۴. محمدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.
۵. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ ه.ش.
۶. سیفی، محمد مهدی، نقش تاریخی مساجد در انقلاب اسلامی، روزنامه رسالت، ش ۳۱، ۶۵۰۵ / ۱۳۸۷ ه.ش.
۷. رستگار، مرتضی، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی، فروغ مسجد (۲)، مجموعه مقالات و سخنرانی های دومین همایش هفته جهانی مساجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۸. شکریان، ناصر، مسجد، ملجأ مردم، فروغ مسجد (۵)، مجموعه مقالات و سخنرانی های چهارمین همایش هفته جهانی مساجد، انتشارات ثقلین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ ه.ش.
۹. جهانگیری، یحیی، مسجد مجازی، نوآوری در افق ایران ۱۴۰۴، فصلنامه ره آورد نور، سال هفتم، شماره ۲۳ (پیاپی: ۴۰)، تابستان، ۱۳۸۷ ه.ش.
۱۰. میزبانی، مهناز و سایرین، نقش مساجد و دانشگاه ها در پیروزی انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ ه.ش.
۱۱. دولت آبادی، فیروز، صدور انقلاب، تمنا و تقابلی از درون و بیرون، مجله حضور، شماره ۲۶، سال ۱۳۷۷ ه.ش.
۱۲. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی ره، تبیان، دفتر ششم، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴ ه.ش.
۱۳. سالار، محمد، انقلاب اسلامی و صدور ارزش های فرهنگی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران، ش ۵، سال دوم، ۱۳۸۲ ه.ش.
۱۴. صدور انقلاب، بازنشاسی جریان افول، نشریه دانشجویی خیزش، شماره ۲ و ۵ و ۲۴.

۱۵. جهانگیری، یحیی، کارکرد سیاسی مساجد، آرشیو دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد.

۱۶. روزنامه کیهان، مورخ ۱۰/۱۱/۷۷.

ب) منابع انگلیسی

۱۷. Conway, Gordon & others, Islamophobia: A Challenge for Us All, Runnymede Trust Publication, ۱۹۹۷, p ۱.

۱۸. Sandra Fredman & others, Discrimination and Human Rights: The Case of Racism, Oxford University Press, ۲۰۰۱, p ۱۲۱.

ج) استفاده از سایت های:

www.khamenei.ir

۱۹. سایت مقام معظم رهبری دامت بده به نشانی:

www.navideshahed.com

۲۰. سایت نوید شاهد به نشانی:

www.bashgah.net

۲۱. سایت باشگاه اندیشه به نشانی:



کارکردهای
اقتصادی مسجد

شماره ۳

نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقق حماسه اقتصادی

حسین اسلام پور

چکیده

اقتصاد و قدرت و توسعه اقتصادی در عصر حاضر یکی از عواملی است که برای تعالی هر کشور و جهانی شدن آن در عرصه بین‌المللی لازم است. کشور ما، دارای اقتصادی با رویکرد اسلامی است و باید ضمن توجه به شرایط داخلی و خارجی، فرآیند توسعه اقتصادی را طی نماید. توجه به این امر، در شرایط کنونی داخلی و وضعیت خاص بین‌المللی، با توجه به تصمیمات سیاسی و اقتصادی و ... دشمنان علیه اقتصاد و نظام اسلامی کشور، اهمیت بیشتری دارد. رهبر معظم (عجله الله تعالی فرجه) با درایت و تدبیر حکیمانه خود، ضمن عنایت به این موضوع، سال ۱۳۹۲ را سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» نام نهادند تا شاهد تلاش و همت مضاعف مردم و همه مسئولان کشور در گذشتن از پیچش سیاسی-اقتصادی پیش رو باشیم. این نوشتار، در صدد آن است که نقش مسجد را به عنوان مهم‌ترین نهاد کشور اسلامی، در تحقق حماسه اقتصادی و به تبع آن حماسه سیاسی تبیین نماید. نگارنده، ابتدا به تعریف اقتصاد و انواع آن در علم اقتصاد و آموزه‌های دینی پرداخته، فلسفه نام‌گذاری سال‌ها و روند آن در ۲۰ سال اخیر را تشریح نموده است. سپس، به‌طور

خاص، به نام‌گذاری سال ۹۲، به عنوان سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی و بحث‌های واژگانی مربوط به آن اشاره کرده، مفهوم اقتصاد مقاومتی از منظر رهبری را بیان نموده است. در ادامه، رابطه بین اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی و حماسه اقتصادی را شرح داده، ضمن اشاره به بی‌تأثیر ماندن تحریم‌های اقتصادی دشمنان علیه کشور، عوامل حرکت حماسی را بیان نموده است. در نهایت نگارنده، مفاهیم عالی اقتصاد اسلامی و رفتارهای مسجدی و جلوه‌های اقتصادی مسجدمحور را که در خلق حماسه اقتصادی مؤثر هستند، به همراه مباحث جنبی هر یک از آموزه‌ها، تشریح کرده است. نتیجه تحقیق، بیانگر آن است که توجه به مرکزیت مسجد در سازمان‌دهی نگرش‌های اسلامی در بازاربان و همه مؤمنان و تبیین آموزه‌های اقتصادی-مسجدی، با بهره‌گیری از رسانه منبر، به عنوان مهم‌ترین رسانه اثرگذار در اقتصاد خرد و کلان تأثیر بسزایی در توسعه اقتصادی و حماسه اقتصادی دارد. همچنین، آموزش نحوه رعایت حلال و حرام در کسب و کار، نهادینه کردن برخی از آموزه‌های مسجدی، مانند قرض الحسنه، انفاق، صدقه، خمس و زکات، ثلث اموات، سنت وقف و ... مسیر خلق حماسه اقتصادی و سیاسی را تسهیل و هموار می‌نماید. بدین ترتیب، مسجد، با کارکردهای متنوع اقتصادی خود، مهم‌ترین نقش را در تبیین مفهوم اقتصاد مقاومتی و بیشترین تأثیر را بر درونی‌سازی آن برای نیل به حماسه اقتصادی خواهد داشت.

واژگان کلیدی:

اقتصاد، اقتصاد مقاومتی، جهاد اقتصادی، حماسه سیاسی، حماسه اقتصادی، تحریم اقتصادی، عوامل حرکت حماسی، آموزه‌های اقتصاد اسلامی، آموزه‌های مسجدی اقتصاد، رفتارهای اقتصادی-مسجدی.

سؤالات تحقیق

۱. نام گذاری هر سال در قالب یک شعار کلیدی و فراگیر چه اهمیتی دارد؟
۲. حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی چیست؟
۳. اقتصاد مقاومتی چیست؟
۴. آموزه‌های قرآنی و مسجدی اقتصاد اسلامی و وجوه تمایز آن از سایر مکاتب اقتصادی کدام هستند؟
۵. مسجد، در قالب چه آموزه‌هایی و چگونه می‌تواند در خلق حماسه اقتصادی تأثیر بگذارد؟

فرضیه‌های تحقیق

۱. در نام گذاری هر سال جزئیات و کلیات شرایط داخلی کشور و اوضاع خارجی و شرایط جهانی با نهایت درایت و علم معنوی توسط ولی امر مسلمانان در نظر گرفته می‌شود. بر همه آحاد مردم و مسئولان کشور لازم است که در مورد آن به تحقیق و تدبّر بپردازند تا وظایف خود را شناخته، به خوبی اجرا نمایند.
۲. آموزه‌های اقتصاد اسلامی، با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و سیره اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار عمیق و گسترده هستند و توجه به آنها موجب جلوگیری از تحقق اهداف شوم سیاسی و اقتصادی دشمنان اسلام و قرآن خواهد شد.
۳. مسجد، دارای کارکردهای اقتصادی متنوعی است که رویکرد عبادی و اعتقادی دارند و با سازمان دهی این کارکردها به منزله رفتارهای مسجدی، می‌توان مسیر تحقق حماسه اقتصادی را هموار ساخت.

مقدمه

امروز، کشور ما در حوزه‌های اقتصادی خود با مسائل یا مفاهیمی مواجه است که به هیچ عنوان، چه در عرصه نظری و در کتاب‌های درسی و چه در عرصه عمل و تجارب بشری، مشابه و مابه‌ازای واقعی نداشته است. بنابراین، خود انقلاب اسلامی مکلف به نوآوری و ابتکار و نظریه‌پردازی و الگوسازی در این عرصه‌های جدید اقتصادی است. هر کشوری که علم استکبارستیزی را برپا کند، ناگزیر نیازمند چنین الگوهایی است. «کلمه کمیابی، دارای نزدیک‌ترین معنی به کلمه محدودیت یا اقتصاد است که در مقابل کلمه نامحدود یا آزاد مطرح می‌شود. کمیابی منابع، مسئله اساسی و محوری هر جامعه است. از آنجا که منابع هر جامعه‌ای محدود است، تمامی جوامع با سؤالاتی از قبیل، چه تولید شود، چگونه تولید شود، برای چه کسانی تولید شود، رو به رو هستند. اقتصاد، به همه این سؤالات، در قالب مکاتب اقتصادی پاسخ می‌دهد.» اقتصاد، در

وضعیت کنونی جهانی، حرف اول را می‌زند و هر کشوری که از نظر اقتصادی قدرتمند باشد، در زمینه سیاسی و نظامی و ... نیز وجهه بین‌المللی مناسبی خواهد داشت. در این نوشتار، با رویکردی اعتقادی، مباحث پایه‌ای بیان می‌شود و با تأمل در نام‌گذاری ۲۰ سال اخیر، جنبه‌های اقتصادی آن را بحث می‌گردد. نگارنده، به کمک مطالعات و تحقیقات بین‌رشته‌ای (اقتصادی و قرآنی)، مباحث مربوط به اقتصاد مقاومتی و آموزه‌های قرآنی اقتصاد اسلامی را بحث کرده است. به نظر نگارنده، فعالیت‌های مسجدی و رفتارهای مسجدی، اگر در راستای اصول مدون و برنامه‌ریزی شده، منطبق با اقتصاد مقاومتی و جهاد اقتصادی سازمان‌دهی و اجرا شوند، دست‌یابی به حماسه اقتصادی به سهولت امکان‌پذیر خواهد شد. برای شروع مطالب، ابتدا مباحث واژگانی مطرح می‌شود.

بحث واژگانی اقتصاد

واژه «اقتصاد» (Economics) از دو کلمه یونانی «ویکوس» (Oikos) به معنای «خانه» و «نمین» (Nemin) به معنای «اداره کردن» تشکیل شده است؛ این واژه به معنای لغوی «تدبیر منزل» یا «اداره کردن خانه» است.^۱ اقتصاد، از ریشه «قصد» و به معنای «اعتدال و میانه‌روی» و «استقامت در راه»، است.^۲

بحث واژگانی اقتصاد از منظر آیات و روایات

اقتصاد در عربی به معنای میانه‌روی و اعتدال است. شواهد این مدعا، مستندات قرآنی و روایی زیر هستند:

الف) مستندات قرآنی

۱. «اقتصاد» در لغت به دو معنا است: یکی از آن دو پسندیده است و حدّ میانه افراط و تفریط است؛ مانند: جود، که حدّ وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود یا شجاعت، که حدّ وسط تهوّر و ترس است. این معنا در قرآن، چنین به کار رفته است: «وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ؛ در رفتار میانه را برگزین».^۳ معنای دیگر اقتصاد، به امری اشاره می‌کند که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است؛ مانند: آنچه که بین عدل و جور، قریب و بعید فرض می‌شود. قرآن در این مورد می‌فرماید: «فِيهِمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ؛ بعضی از آنان بر خود ستم کردند و بعضی، راه میانه را برگزیدند».^۴

۱- هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۸.

۲- ابن منظور، لسان العرب، ج ۳، ص ۳۵۳-۳۵۴؛ رک به: فراهیدی، خلیل بن احمد، العين، ج ۵، ص ۵۴-۵۵؛ طریحی فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۳- لقمان، آیه ۱۹.

۴- فاطر، آیه ۲۲.

۲. قرآن می فرماید: «...فَلَمَّا تَخَّاهُمُ إِلَى الْبِرِّفَمَّهُمْ مُقْتَصِدًا؛ و چون نجاتشان داد و به خشکی رساند؛ برخی از آنها میانه‌رو هستند»^۱.

۳. در آیه‌ای از قرآن آمده است: «فِيهِمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يُأْتِنُ اللَّهَ؛ پس، برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از آنان میانه‌رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگام هستند»^۲.

۴. قرآن کریم در آیه‌ای می فرماید: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ؛ از میان آنها گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از آنها بد رفتار می کنند»^۳.

ب) مستندات روایی

روایات متعددی از معصومان (علیهم السلام) در مورد مفهوم اقتصاد وجود دارد که بیان همه آنها در این مقال نمی‌گنجد. در ادامه، به عنوان نمونه، به برخی از آنها اشاره شده است.^۴

۱. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «ضَمِنْتُ لِمَنْ اِقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ؛ من برای هر کسی که در زندگانی میانه‌رو باشد، بی‌نیازی را ضمانت می‌کنم»^۵.

۲. امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید: «لَسَرَفٌ مَثْوَاةٌ وَالْقَصْدُ مَثْرَاءٌ؛ میانه‌روی در زندگی موجب زیادی مال و زیاده‌روی موجب ضایع نمودن مال است»^۶.

۳. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «مَا عَالَ مَنِ اقْتَصَدَ؛ کسی که (در مخارج زندگی خود) میانه‌روی پیشه نمود، تنگدست نشد»^۷.

۴. در نامه امیرمؤمنان (علیه السلام) به زیاد آمده است: «دَعِ الْاِسْرَافَ مُقْتَصِدًا...؛ اسراف را کنار بگذار و میانه‌روی

۱- لقمان، آیه ۳۲.

۲- فاطر، آیه ۳۲.

۳- مائده، آیه ۶۶.

۴- برخی اندیشمندان اقتصاد، علم اقتصاد و مکتب اقتصادی را از هم جدا می‌کنند. آنها معتقدند که تنظیم ثروت، علم است و توزیع آن، شامل اصول و سیاست‌های علم اقتصاد است. با بررسی آیات و روایات مشخص می‌شود که اسلام، ضمن اهمیت دادن به هر دو مقوله، به همه جنبه‌های اقتصاد پرداخته است. برای مطالعه بیشتر، ر.ک به: غررالحکم، ج ۱، ص ۹۲ و ۱۵۱؛ ج ۲، ص ۴۵؛ ج ۳، ص ۱۷۳ و ۱۹۲؛ ج ۴، ص ۵۴ و ۳۰۱؛ ج ۵، ص ۲۲۶؛ ج ۶، ص ۲۳۶ و ۱۷۳.

۵- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۶.

۶- همان، ص ۳۴۷.

۷- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، ص ۴۶۸، ح ۱۴۰؛ در مورد نکات لغوی و ادبی این کلام حضرت، باید گفت که این جمله، فعلیه شرطیه و «من» ازادات شرط است. «عَالَ (اقتقر)» به معنی مستمند شد و «اقتصد» به مفهوم میانه‌روی کردن اشاره دارد.

پیشه کن...». در این کلام حضرت، «قصد» به مفهوم روش معقول و راه استوار بین افراط و تفریط است.
 ۵. امام علی (علیه السلام) می فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصَدَ وَلَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ؛ آن کس که میانه روی در پیش گیرد، هرگز هلاک نگردد و کسی که زهد پیشه کرد، هرگز به دام نیفتاد».^۲

بحث اصطلاحی اقتصاد

علم اقتصاد را علم ثروت دانسته اند. برخی آن را مطالعه چگونگی تنظیم تولید و فعالیت های مبادله ای افراد ذکر کردند.^۳ اندیشمندان معاصر، اقتصاد را بررسی روش هایی می دانند که با پول یا بدون پول، برای به کار بردن منابع کمیاب به منظور تولید کالا و خدمات و توزیع بین افراد و گروه ها انتخاب می کنند.^۴

شاخه های اصلی علم اقتصاد

علم اقتصاد به دو دسته اصلی و کلی تقسیم می شود:

الف) **اقتصاد خرد** (Microeconomic): به مطالعه تصمیمات فرد درباره کالاهای خاص می پردازد.^۵ در این بخش از علم اقتصاد، رفتار فرد مصرف کننده یا تولید کننده یا چگونگی تعیین قیمت در بازار، کشش عرضه و تقاضا و ... مطالعه و بررسی می شود.^۶

ب) **اقتصاد کلان** (Macroeconomic): به بررسی رفتارهای اقتصادی در سطح کلی کشور می پردازد و اجزای اقتصاد را به همراه اثر متقابل و کنش آنها بر همدیگر بحث و بررسی می کند.^۷ در واقع، اقتصاد کلان، مطالعه اقتصاد در قالب یک نظام است و با تفکر سیستمی آن را تحلیل می کند.^۸ با کمک اقتصاد کلان، موضوعاتی مانند، سطح عمومی قیمت ها، سطح اشتغال، درآمد ملی، تولید ناخالص ملی و ... بررسی و مطالعه می شود.^۹

۱- دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، ص ۳۵۶، نامه ۲۱.

۲- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۲، ح ۱.

۳- هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۸-۴۹.

۴- ساموئلسون، اقتصاد، ص ۷.

۵- بگ، فیشر، دورنبوش، علم اقتصاد، ج ۱، ص ۲۸.

۶- دولتشاهی، محتشم، مبانی علم اقتصاد، ص ۹.

۷- بگ، فیشر، دورنبوش، همان، ص ۲۹.

۸- همان، ج ۲، ص ۸۶۸.

۹- دولتشاهی، همان، ص ۹.

فلسفه و اهمیت نام‌گذاری سال‌ها

رهبر معظم علیه السلام، بر اساس ضرورت و نیاز کشور عزیزمان، ایران، در پیام نوروزی برای هر سال، نام خاصی را انتخاب می‌کنند تا توجه خاص مردم و مسئولین نظام به آن شعار با شعور، معطوف شود و افق چشمانداز میان‌مدت و کوتاه‌مدت، مهندسی و تدبیر گردد. به عبارت دیگر، یکی از ابتکارات اثربخش و ارزشمند مقام معظم رهبری علیه السلام، تعیین یک نام یا شعار برای هر سال و پیگیری آن شعار و ارائه جمع‌بندی از آن، در پیام نوروزی و سخنرانی آغازین خود در ابتدای هر سال نواست. سخنرانی رهبر معظم علیه السلام، در روزهای اول سال شمسی که به طور معمول، در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا علیه السلام و در بین زائران و مجاوران آن حضرت (که از همه اقشار و گروه‌های مردم از سراسر کشور حضور دارند)، ایراد می‌گردد، فرصتی برای تحلیل و تبیین شعار سال و بیان چرایی و چیستی آن توسط مقام معظم رهبری علیه السلام محسوب می‌شود. البته این ابتکار، حکمت‌ها و آثار فراوانی دارد که برخی از آنان به صورت خلاصه، به شرح زیر است:

۱. تسهیل امر هدف‌گذاری در امور اجرایی کشور به منظور برنامه‌ریزی دقیق‌تر و نیل به آن اهداف؛
 ۲. ایجاد شور و نشاط، حرکت در قوای سه‌گانه و همه وزارتخانه‌های متناسب به آنها؛
 ۳. ایجاد همبستگی اجرایی و سازمانی و همدلی و همسویی، وحدت نظر و در یک کلام انسجام ملی؛
 ۴. تدبیر در مورد مسائل پیش‌رو و هشدار نسبت به خطرات و تهدیدات پیش‌رو و آماده‌سازی نظام و مردم برای مقابله با دشمنان؛
 ۵. ترغیب و تشویق شدن دستگاه‌های اجرایی و مدیریتی در راستای شعارهای هر سال؛
 ۶. ایجاد یک فرهنگ نوین و اقتضایی برای شرایط خاص هر سال به دلیل وجود زمینه پذیرش فرهنگی در عموم ایرانیان؛
 ۷. پایه‌ریزی و طرح یک توقع و انتظار بر اساس گفتمان ملی و انگیزاسیون فراگیر برای برآورده‌سازی آن انتظارات؛
 ۸. ایجاد طرز تفکر جدید در طرز تلقی‌ها و نگرش‌ها و رویکردها در بین نخبگان و توده‌های مردم؛
 ۹. پایه‌گذاری فرهنگ غنی و معنوی انتظار، با طرح شعار کارآمد هر سال به منظور آماده‌سازی سرزمین اسلامی برای ظهور حضرت ولی عصر علیه السلام و اولویت‌گذاری موضوعات راهبردی کشور.
- بررسی شعارهای انتخاب شده در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که هر یک از این شعارها، ریشه در ضرورت‌های آن سال داشته است و اولویت اول و موضوع راهبردی مورد نیاز کشور در شعار سال منعکس گردیده و آن شعار، مهم‌ترین نیاز کشور بوده است. به عبارت دیگر، این پیام‌های سالانه، فصل الخطابی

آگاهانه و بایسته است که با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، برای تمامی افشار و لایه‌ها و سطوح مختلف جامعه اسلامی تبیین می‌شود. این پیام، با ابلاغ رسمی از سوی رهبر معظم دامت‌الله، به سه قوه، برای اجرا، در سطح جامعه، جاری می‌گردد. در ادامه، با نگاهی کوتاه به روند نام‌گذاری ۲۰ سال اخیر، برخی نکات مهم این نام‌گذاری بهتر و بیشتر روشن می‌شود.

روند نام‌گذاری سال‌ها با رویکرد اقتصادی

نام مربوط به هر سال، از ویژگی‌ها و شرایط همان سال تأثیر می‌پذیرد. رهبر فرزانه دامت‌الله، با حکمت و تدبیر و علم و تخصص ولایی خود، نیازها و مشکلات، تهدیدها و فرصت‌ها و ضعف‌ها و قدرت‌های کشور را بهتر از همه می‌شناسد. ایشان با نام‌گذاری هر سال در قالب یک شعار، همراه با نهایت شعور و تدبیر و شناخت، هدایت و رهبری را در حق پیروان خود، تمام و کمال به انجام می‌رسانند. این موضوع، بیانگر ولایت و رهبری فراگیر ایشان است. در جدول زیر نام‌گذاری مربوط به ۲۰ سال اخیر، از ۱۳۷۳ تا ۱۳۹۲ ارائه شده است. به زعم نگارنده، در هر سال، یک جمله تحلیلی برای تعیین مسیر بحث بیان شده است.

جدول بررسی و تحلیل نام‌گذاری سال‌ها در بیست سال اخیر^۱

ردیف	سال	عنوان نام‌گذاری	تحلیل اقتصادی نام‌گذاری
۱	۷۳	وجدان کاری و رعایت انضباط اجتماعی	اخلاق اسلامی در کار و اقتصاد
۲	۷۴	انضباط اقتصادی و مالی و مقابله با ریخت و پاش، زیاده‌روی و اسراف	اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است.
۳	۷۵	مبارزه با اسراف و زیاده‌روی و نابود کردن اموال عمومی و اموال شخصی	اسراف از هر نوع آن، مشکل اساسی اقتصاد است.
۴	۷۶	کنار گذاشتن اسراف	اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است.
۵	۷۷	توصیه به صرفه‌جویی	اسراف، مشکل اساسی اقتصاد است.

۱- این جدول بر اساس اطلاعات مندرج در سایت «دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای دامت‌الله»، به آدرس زیر تهیه و دسته‌بندی شده است:

الگو برداری از سبک زندگی اقتصادی و سیاسی امام <small>تَدْتُّس</small>	سال امام خمینی <small>تَدْتُّس</small>	۷۸	۶
الگو برداری از قناعت و زهد امام علی <small>علیه السلام</small>	سال امام امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب <small>علیه السلام</small>	۷۹	۷
اشتغال، مهم ترین عامل توسعه اقتصادی و اقتدار	اقتدار ملی و مسئله اشتغال	۸۰	۸
تجلی روحیه حماسی حسینی در شیعیان	سال عزت و افتخار حسینی	۸۱	۹
خدمت به مردم، اصل مهم اقتصاد اسلامی	نهضت خدمت رسانی به مردم	۸۲	۱۰
لزوم تعامل بین مردم و حکومت	پاسخ گویی سه قوه به ملت ایران	۸۳	۱۱
همبستگی فراگیر، عامل توسعه اقتصادی	همبستگی ملی و مشارکت عمومی	۸۴	۱۲
روحیه حماسی نبوی و ریاضت اقتصادی	پیامبر اعظم <small>صلی الله علیه و آله</small>	۸۵	۱۳
همبستگی، عامل توسعه اقتصادی	اتحاد ملی و انسجام اسلامی	۸۶	۱۴
نوآوری و خلاقیت، عامل توسعه اقتصادی	سال نوآوری و شکوفایی	۸۷	۱۵
مصرف بر پایه دستورات اقتصادی اسلام	حرکت مردم و مسئولین به سوی اصلاح الگوی مصرف	۸۸	۱۶
همت و کار مضاعف برای اقتصاد مقاومتی	همت مضاعف و کار مضاعف	۸۹	۱۷
روحیه جهادی و حماسی در اقتصاد	سال جهاد اقتصادی	۹۰	۱۸
اعتماد به نفس فراگیر در اقتصاد داخلی	تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی	۹۱	۱۹
خلق حماسه در سیاست و اقتصاد و خنثی سازی تحریم ها	حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی	۹۲	۲۰

نگارنده، با ارائه این جدول و دسته‌بندی نام‌گذاری این سال‌ها در پی آن نیست که فلسفه نام‌گذاری هر سال را به‌طور دقیق در این نوشتار کوتاه تشریح کند و شرایط آن سال را در اذهان تداعی نماید. با این حال، برخی نکات قابل توجه بیان خواهد شد. با بررسی این جدول، برخی نکات و نتایج به شرح زیر به دست می‌آید:

۱. در بیشتر نام‌گذاری‌ها، محور شعارهای رهبر معظم علیه‌السلام اقتصاد و موضوعات مربوط به آن بوده است.

۲. سال‌های ۷۸ و ۷۹ و ۸۱ و ۸۵، با نام‌های شریف حضرت امام خمینی رضی‌الله‌عنه و امیر مؤمنان و امام حسین علیه‌السلام و پیامبر اعظم صلی‌الله‌عنه مزین شده است. هر چند به ظاهر از مفاهیم اقتصادی برای این سال‌ها استفاده نشده است؛ ولی مقام معظم رهبری علیه‌السلام به منظور الگوبرداری رفتاری از سبک مدیریت و سبک زندگی آن بزرگواران، به این کار اقدام نموده است.

۳. هر چه از سال ۷۳ به سال ۹۲ نزدیک‌تر می‌شویم، مفاهیم خاص اقتصادی نمود بهتری پیدا می‌کنند تا زمینه‌های انجام حماسه اقتصادی به تدریج فراهم شود.

۴. در سال‌های ۷۳ تا ۷۷ بر انضباط در همه ابعاد زندگی و صرفه‌جویی و قناعت تأکید بیشتری شد. سپس، در ادامه، برخی از الگوهای سیاسی کشور و اسوه‌های دینی مطرح شدند. در ادامه به موضوعاتی، مانند اتحاد و همبستگی و نوآوری و شکوفایی و همت مضاعف تأکید گردید تا همه آحاد جامعه برای جهاد اقتصادی و توسعه تولید ملی و حماسه اقتصادی آماده شوند.

۵. با کمی دقت در عناوین سال‌ها و یک تحلیل اولیه مشخص می‌شود که در همه سال‌ها به صورت مستقیم یا به‌طور تلویحی، به اقتصاد اشاره شده است. ستون تحلیل اقتصادی در جدول فوق، این نکته را به خوبی نشان می‌دهد. این موضوع، بیانگر این است که اقتصاد از اهمیت بالایی در عرصه داخلی و خارجی برخوردار است که در صورت نیل به این قدرت برتر می‌توان با مدیریت بهینه به سایر اهداف اجتماعی و سیاسی و ... نیز دست یافت.

فلسفه نام‌گذاری سال ۱۳۹۲

رهبر معظم علیه‌السلام در مدت ۵ سال گذشته، نام‌های اقتصادی را برای هر سال انتخاب کرده‌اند. این تدبیر به این دلیل است که در یکی دو سال اخیر، فشارهای خارجی بر اقتصاد ایران بیشتر شده است و به علت تحریم بانک مرکزی و تحریم‌های نفتی و فشارهای خارجی دیگر، درآمدهای ایران کاهش یافته است.

در این مورد، باید طرح ملی هدفمندی یارانه‌ها را هم مورد توجه قرار داد. این طرح برخی مسائل را نیز

به وجود آورده است. بخشی از مشکلات که در این زمینه پیدا شده است به دلیل تحریم‌های خارجی است؛ اما تعدادی از مسائل، ناشی از سوءتدبیر و اشکالات در مدیریت اجرایی طرح است. به عنوان مثال، همه می‌دانیم که در ابتدای طرح قرار بود آن را به گونه‌ای مدیریت نمایند که واحدهای تولیدی خرد، متوسط و کلان، دچار بحران در تعیین بهای تمام شده تولیدات خود نشوند. این در حالی است که بنگاه‌های تولیدی، آسیب زیادی دیده‌اند و این موضوع از غفلت مربوط به نحوه اجرای طرح و مدیریت مقدمات و تبعات آن ناشی شده است. از طرف دیگر، پرداخت نقدی یارانه‌ها و تزریق نقدینگی به جامعه، به هر صورت ممکن، عوارضی را برای اقتصاد خرد و کلان کشور به همراه خواهد داشت. با افزایش نقدینگی و عدم توجه به افزایش تولید، تورم زیادتر می‌شود.

با اندکی تأمل در مطالب اقتصادی مطرح شده، مشخص می‌شود که اقتصاد کشور در وضعیت خاصی قرار دارد و برای برون‌رفت از این پیچش سخت اقتصادی، بیش از هر زمان، نیازمند حرکتی بزرگ هستیم؛ یعنی به‌طور جدی، امروز نیازمند یک حرکت تاریخی برای پشت‌سر گذاشتن شرایط کنونی هستیم. در یک کلام، خلق حماسه اقتصادی در کنار حماسه سیاسی الزامی است. به همین دلیل، رهبر فرزانه علیه‌السلام با الهام‌گیری از الگوهای حماسی از سیره معصومان علیهم‌السلام و بر حسب آموزه‌های مسجدی و معنوی، بهترین و اثرگذارترین نام را برای سال ۱۳۹۲ انتخاب نمودند.^۱

با بررسی اوضاع داخلی و خارجی کشور، به روشنی درمی‌یابیم که عوامل متعددی در قالب بسترهای زمینه‌ساز برای حماسه سیاسی مدنظر رهبری بودند؛ برخی از عوامل خارجی عبارت‌اند از: تهدیدات سیاسی خارجی، جنگ تبلیغاتی، شبهه‌افکنی و ایجاد تردید در میان مسئولان و نخبگان، مانع‌تراشی‌های همه‌جانبه دشمنان در فعالیت‌های هسته‌ای ایران، جهانی‌سازی سیاسی، منزوی‌سازی ایران در محیط بین‌الملل، تنش‌زایی و ایجاد ناامنی، بهره‌گیری از پتانسیل‌های سیاسی موجود. البته عوامل متعددی دیگر نیز در این نام‌گذاری نقش داشتند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲، تجربه تاریخی انتخابات شوراهای امنیتی، ثبات و آرامش سیاسی، استقلال سیاسی، قانون‌گرایی و ... نکته مهم این است که بحث در مورد همه این موارد در این مقال نمی‌گنجد؛ ولی این مطلب بیانگر آن است که مقام معظم رهبری علیه‌السلام در نهایت تدبیر و با نگرشی جامع و چشم‌اندازی بلندمدت، به نام‌گذاری سال ۹۲ به عنوان سال «حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی» مبادرت فرمودند.

۱- در این بخش و جاهای دیگری از این نوشتار، نگارنده براساس مطالعات و تحصیلات مرتبط با علوم اقتصادی و حسابداری و مدیریت، در برخی موارد تحلیل‌هایی را ارائه کرده است. به همین دلیل، ازارجاع مکرر و غیرضروری به کتب تخصصی اقتصادی خودداری شده است.

با توجه به مطالب مطرح شده، برای بررسی بیشتر نقش مسجد در خلق حماسه اقتصادی و حماسه سیاسی، ابتدا به بحث واژگانی این مفاهیم پرداخته می‌شود و سپس مفاهیم اقتصادی و نقش مسجد در ایجاد حماسه اقتصادی اشاره خواهد شد.

حماسه چیست؟

«حماسه»، در لغت به معنای دلیری کردن، دلاوری کردن و شجاعت است.^۱ همچنین، به مفهوم شجاعت نمودن، شعر رزمی و انجام امری افتخارآمیز از روی شجاعت، مهارت و شایستگی، آمده است.^۲ در فرهنگ لغات عربی نیز، حماسه به مفهوم شُدت یا محکم بودن و متعصب بودن در دین و در کارها آمده است.^۳ مقام معظم رهبری (عجله) در رابطه با مفهوم حماسه می‌فرماید: «حماسه، یعنی آن کار افتخارآفرینی که با شور و هیجان انجام می‌گیرد»؛^۴ «حماسه با عقل هدایت و با ایمان پشتیبانی می‌شود و باید از دل بجوشد و یک مقوله دستوری و بخشنامه‌ای نیست».^۵

«حماسه، یعنی واقعه‌ای جهادگونه و پرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور، مورد نظر قرار دهند».^۶ «رفتار حماسی، یعنی رفتاری که بر آمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیت حماسی کسی است که از چنین روحیه‌ای برخوردار است و می‌تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گردند».^۷

حماسه سیاسی

نام گذاری سال ۹۲ به نام سال حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، در حالی صورت گرفت که انتخابات ریاست جمهوری و همچنین، انتخابات شوراها در این سال دارای اهمیت زیادی بودند. آنچه که در سخنان رهبر معظم (عجله) نهفته بود، انتخاب فردی اصلح و توانمند برای ریاست جمهوری آینده، متناسب با برنامه‌های سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ بوده است. به بیان دیگر، مقام معظم رهبری (عجله) شأن و منزلت ریاست جمهوری را از آن فردی دانستند که بتواند با اجرای دقیق سند چشم‌انداز، حماسه‌ای در سیاست و اقتصاد کشور ایجاد

۱- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۹۳.

۲- عمید حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۰۰.

۳- لویس معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۱۵۳، ماده حماس.

۴- بیانات مقام معظم رهبری (عجله) در مراسم بیست و چهارمین سال روز رحلت حضرت امام خمینی (ره) در تاریخ ۱۴/۳/۱۳۹۲.

۵- بیانات مقام معظم رهبری (عجله) در دیدار جمعی از مدآحان و شاعران در روز ولادت حضرت فاطمه (سجده) در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۹۲.

۶- بیانات رهبری (عجله) در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید به مناسبت هفته کارگر در تاریخ ۲۰/۲/۱۳۹۲.

۷- ویژه‌نامه تبلیغ، ش ۱۷، ص ۵۳.

کند. در حقیقت، حضور حداکثری و حماسی ملت پای صندوق‌های رأی و انتخاب کاندیدای اصلاح برای به دست‌گیری ریاست جمهوری در سال‌های آینده می‌تواند کشور را بیش از پیش به سمت توسعه و پیشرفت رهنمون سازد.

مهم‌ترین عامل خلق حماسه سیاسی توسط ملت بصیر ایران در سال جاری، مشارکت سیاسی آنها در تعیین سرنوشت خودشان بوده است. «مشارکت»، در لغت به معنای همکاری، شرکت داشتن یا حضور داشتن است.^۱ فرهنگ انگلیسی «آکسفورد»، واژه «participation» را که معادل مشارکت فارسی است، به معنای «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است.^۲ بر این مبنا، مشارکت سیاسی، در اصل به معنای شرکت در امور عمومی، همراه با احساس مسئولیت مشترک است. به تعبیر دیگر، مشارکت سیاسی، «تعهدی فعالانه، آزادانه و مسئولانه» است که به عنوان یکی از ساز و کارهای اعمال قدرت، از درون جامعه برمی‌خیزد.^۳ در نهایت، می‌توان مشارکت سیاسی را شامل هرگونه رفتار و عمل فردی یا جمعی دانست که در راستای همکاری و تعاون عمومی در عرصه سیاست صورت می‌گیرد و هدف آن تحت تأثیر قرار دادن قدرت، تصمیم‌ها و سیاست‌گذاری‌های عمومی، مانند انتخاب رهبران سیاسی و یا اعمال نظارت بر آنها و ... است.^۴

حماسه اقتصادی

اقتصاد مقاومتی و حماسه اقتصادی و سیاسی از آموزه‌های اسلامی برگرفته شده است. علاوه بر لزوم تحقق حماسه سیاسی، شکل‌گیری حماسه اقتصادی، در حقیقت مهم‌ترین، راهبرد حفظ انقلاب و تداوم آن با تکیه بر پیشرفت‌ها و حفظ همه ارزش‌هاست. رهبر فرزانه دامت‌برکات با الگوگیری از آموزه‌های ارزشمند اسلام به لزوم شکل‌گیری حماسه اقتصادی تأکید دارند. در صدر اسلام، مسلمانان در شعب ابی‌طالب با همه مشکلات، ۳ سال تمام مقاومت کردند و توانستند با رهبری الهی پیامبر اعظم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم برای حفظ انقلاب‌شان پایداری کنند و در نهایت، زمینه حاکمیت دینی را در شبه جزیره عربستان رقم زدند. اکنون با توجه به شرایط موجود، الگوی مانیز همین است. از طرف دیگر، اوج‌ایثار و حماسه‌سازی در حادثه کربلا برای همه روشن است. جایی که امام حسین علیه‌السلام در برابر محروم ماندن از جزئی‌ترین نیاز فیزیولوژیکی انسان، یعنی آب،

۱- دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۹۱۷.

۲- زاکس، ولفگانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ص ۱۱۵.

۳- کائوتری هوئین و دیگران، مشارکت در توسعه، ص ۶.

۴- مک‌آیور، م، جامعه و حکومت، ص ۳۸۷-۳۸۳.

دلیرانه مقاومت کرد. با این گونه رشادت‌ها، حماسه اقتصادی در برابر جنگ اقتصادی نمود پیدا می‌کند. بسیار روشن است که جنگ دشمنان ایران در این برهه از زمان، یک جنگ اقتصادی است. اعلام تحریم‌های اقتصادی پی‌درپی و صدور قطعنامه‌های متعدّد علیه ایران نیز دلایل روشن این ادّعاست. در چنین شرایطی، رهبر فرزانه دامت‌عزله به لزوم شکل‌گیری یک حرکت فراگیر حماسه‌گونه در تمام ابعاد اقتصاد، چه در بعد اقتصاد خرد و چه در اقتصاد کلان تأکید دارند.

تبیین رابطه اقتصادی و سیاسی بودن یک حرکت حماسی

یک نکته اساسی این است که در ادبیات مدیریت کشورها اگر پدیده‌ای از نظر سیاسی درست نباشد، نمی‌تواند از نظر اقتصادی، از آن نتیجه مناسبی انتظار داشت. اگر حماسه سیاسی به صورت درست خلق نشود، بعید است حماسه اقتصادی به وقوع بپیوندد و اجرای حماسه سیاسی شرط لازم اجرای حماسه اقتصادی است. ارتباط و تعامل سیاست و اقتصاد، قابل انکار نیست. به ویژه، سیاست، همیشه بر اقتصاد تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد و البته از آن به شدّت اثرپذیر است. مبارزات انبیاء با فقر و محرومیت، از یک سو و با تکاثر و افزون‌طلبی و سرمایه‌داری خون‌آشام از سوی دیگر، در کنار مبارزه با طاغوت‌ها و سلطه‌های نامشروع، حماسه‌های سیاسی و اقتصادی فراوانی را در تاریخ مبارزات انبیاء به یادگاری گذاشته است. در تاریخ تبلیغ دین توسط انبیاء، همیشه در کنار رویارویی با فرعونیان و نمرودها، مقابله با قارون‌ها نیز وجود داشته است. این ارتباط به گونه‌ای است که استقلال سیاسی، بدون استقلال اقتصادی و برعکس آن، حداقل در تجربه تاریخی وجود ندارد. در هم‌تنیدگی سیاست و اقتصاد در قرون اخیر به شدّت افزایش یافته است و هیچ سیاستی، بدون ابعاد اقتصادی و هیچ اقتصادی، بدون ابعاد سیاسی یافت نمی‌شود.^۲

برای بررسی و تشریح نقش مسجد در اقتصاد و خلق حماسه اقتصادی، لازم است کمی به عقب برگردیم و برخی مفاهیم زمینه‌ای را مورد مطالعه قرار دهیم. در سال ۹۱ شعار همه مردم ایران به همراه دولت، حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی بوده است. در همان سال، رهبر گرانقدر دامت‌عزله مهم‌ترین مفهوم بنیادین اقتصاد، یعنی اقتصاد مقاومتی را بیان کرده است. اقتصاد مقاومتی، اساس توسعه اقتصادی در وضعیت کنونی است که باید در همه موارد، در تصمیمات کلان کشور مورد توجه قرار گیرد. تحریم‌هایی که امروز از سوی همه دشمنان اسلام، برای فلج ساختن اقتصاد کشور تدارک دیده می‌شود، در کنار برخی تهدیدات

۱- Governance.

۲- علی اکبری حسن، نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، بانگ‌ی تغییر در الفاظ و تلخیص، قابل دسترس در:

دیگر، بیانگر این است که اقتصاد کشور ما، باید اقتصادی مقاومتی باشد تا آسیب‌های این تحریم‌ها خنثی شود. البته، تصمیمات متعدّد دیگری نیز باید در قالب اقتصاد خرد و موضوعات فرهنگی و اجتماعی در این خصوص صورت بگیرد تا اثربخشی اقتصاد مقاومتی تضمین شود. بر همین اساس، در ادامه به مطالبی در مورد تبیین و تشریح اقتصاد مقاومتی و فلسفه طرح آن و موضوعات مرتبط به این مبحث، اشاره خواهد شد.

اقتصاد مقاومتی از دیدگاه رهبری علیه السلام

اقتصاد مقاومتی، از دو واژه اقتصاد و مقاومت تشکیل شده است. در مطالب قبلی، به مفهوم واژگانی اقتصاد و علم اقتصاد اشاره شده است. مقاومتی بودن، یک صفت برای اقتصاد است که به مفهوم استقامت اشاره دارد. «مقاومت و استقامت، یعنی تلاش بر حقّ اندیشی و حقّ روی و عدم تمایل به چپ و راست و در تعریفی دیگر، استقامت، به معنی شناخت صراط مستقیم و مجاهدت و مقاومت در این راه است»^۱. در سالی که با نام حمایت از تولید ملی، کار و سرمایه ایرانی مزین شد، به اوج رسیدن فشارهای ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی، اقتصاد کشور را در شرایط خاصی قرار داد. در این شرایط بود که راهبرد «اقتصاد مقاومتی» مطرح شد. با توجه به اینکه این راهبرد مختصّ شرایط فعلی اقتصاد ایران است و پیشینه و تجربه منطبق با شرایط کنونی کشور ما را هیچ کشوری، در هیچ کجای دنیا نداشته است، ضرورت تبیین، تعریف مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی بیش از پیش آشکار می‌شود.

اگر چه موضوع اقتصاد مقاومتی چندی پیش در اذهان اقتصاددانان به وجود آمد؛^۲ اما این مبحث به صورت تأکیدی توسط مقام معظم رهبری علیه السلام در ۸ مرداد ۱۳۹۱، در دیدار جمعی از محققان، پژوهشگران، متخصصان و نوآوران عرصه علم و فناوری و نیز مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری مطرح گردید. برای ورود به بحث، ابتدا شمه‌ای از بیانات رهبر معظم علیه السلام مطرح می‌شود. در این دیدار ایشان فرمودند: «یکی از راه‌های عبور از مقطع حسّاس و سرنوشت‌ساز کنونی جدی گرفتن اقتصاد مقاومتی است. اقتصاد مقاومتی یک شعار نیست؛ بلکه یک واقعیتی است که باید محقق شود»^۳.

۱- نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۲۵۱.

۲- اولین همایش ملی اقتصاد مقاومتی روز پنجشنبه ۲۸ اردیبهشت ۹۱ با حضور مسئولین، صاحب‌نظران و نخبگان دانشگاهی و حوزوی در تالار امام خمینی رحمته الله علیه دانشگاه علم و صنعت ایران برگزار شد. لازم به ذکر است که این همایش با هدف مفهوم‌پردازی، گفتمان‌سازی و پیاده‌سازی الگوی مقاومتی در شئون مختلف اقتصادی کشور برگزار شد.

۳- بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام، در دیدار جمعی از محققان، پژوهشگران، متخصصان و نوآوران عرصه علم و فناوری و نیز مسئولان شرکت‌های دانش‌بنیان و پارک‌های علم و فناوری، تاریخ ۹۱/۵/۸.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی مقاوم در هر دو جنبه خرد و کلان

سؤال بسیار مهمی در این بخش از بحث، در اذهان خوانندگان ایجاد می‌شود، این است که با توجه به دو جنبه کلی خرد و کلان در اقتصاد، مفهوم اقتصاد مقاومتی به کدام بخش از آن مربوط می‌شود. پاسخ این است که از اقتصاد کلان به نام اقتصاد بخش عمومی هم یاد می‌شود. آنچه در اصطلاح اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود بر هر دو شاخه علم اقتصاد دلالت دارد. از طرف دیگر، به دلیل این که «اقتصاد کلان را اقتصاد دولت می‌خوانند، می‌توان گفت که اقتصاد بخش عمومی، شامل هم اقتصاد خرد و هم اقتصاد کلان است»^۱. از طرف دیگر، موفقیت اقتصادی، به صورت سنتی در حوزه کلان اقتصاد (Macroeconomics) و با تولید ناخالص ملی^۲ (GNP) متجلی می‌گردد. این مفهوم، هر فعالیت یا تولید اقتصادی را، صرف نظر از منابع و فواید واقعی و اثرات بلندمدت، روی رفاه اجتماعی اندازه می‌گیرد. بر اساس مکتب اقتصادی هر جامعه، برخی رفتارها به عنوان الزامات تولید، برای رسیدن به سطح GNP مورد نظر، مشروع و مقبول محسوب می‌شود. این باور به مشروعیت، در جوامع کاپیتالیستی صنعتی یا جوامع اسلامی و ... متفاوت هستند. به طور کلی، تولید یا تولید ناخالص ملی بیشتر با خود، اشتغال بیشتر را به دنبال دارد و اشتغال بیشتر، رفاه مردم فعلی و رضایت خاطر ظاهری آنها را فراهم می‌آورد.

آنچه که در کلام رهبری و تحلیل گران و اندیشمندان اقتصادی، در رابطه با اقتصاد مقاومتی مطرح است، به کلیت نظام اقتصادی کشور، به عنوان یک نظام واحد اشاره دارد. از این رو، به نظر می‌رسد که تأکید بیشتر اقتصاد مقاومتی به اقتصاد بخش عمومی مربوط است که گاهی اوقات «مالیه عمومی» هم نامیده می‌شود.^۳

الگوهای برای تعریف اقتصاد مقاومتی

اگر دانش انباشته و کتاب‌های مرسوم اقتصادی دنیا را مطالعه کنید، نظریه یا تجربه‌ای مدون و مکتوب درباره اقتصاد مقاومتی نخواهید یافت. از آنجا که تحریم‌های شدید استکبار بر علیه ایران تاکنون سابقه نداشته، چگونگی واکنش به آن هم امری بدیع است. حتی اگر مطالعاتی هم در این باره صورت گرفته باشد، به دلیل سرری و سیاسی بودن، امکان دسترسی به آن برای کارشناسان معمولی وجود ندارد. بنابراین، با تعمیق مطالعات در اقتصاد و مذاقه در بیانات مقام معظم رهبری «الْمُطَلِّعُ» و مطالعه وضع موجود، می‌توان اقتصاد مقاومتی را با بهره‌گیری از چهار الگوی زیر تعریف نمود:

۱- دادگريدالله، اقتصاد بخش عمومی، ص ۸.

۲- Gross National Production.

۳- برای مطالعه بیشتر، ر.ک به: ماسگریو، ماسگریو، Public Finance In theory and Practice، ص ۱۱-۱۳.

الف) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد موازی

این تعریف به برخی اقدامات در موازی با وضعیت موجود برمی‌گردد. همان گونه که روشن است در اوایل انقلاب دولتمردان کشور، با توجه به نیازهای موجود و با روحیه مذهبی، به تأسیس ادارات یا نهادهایی، مانند کمیته امداد امام خمینی ره، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و بنیاد ۱۵ خرداد اقدام نمودند. امروز نیز باید برای تأمین اهداف عالیه انقلاب، این گونه پروژه‌ها را ادامه داد و تکمیل کرد؛ یعنی برای تحقق اقتصاد مقاومتی، به نهادسازی‌های مقاومتی در اقتصاد نیاز داریم که وظایف آنها چه بسا از نظر ماهیت، از عهده نهادهای رسمی اقتصادی موجود بر نمی‌آید. پس، باید نهادهایی موازی برای این کار ویژه ایجاد گردد؛ به عبارت دیگر، مادر متن این اقتصاد، به یک «اقتصاد ثانویه» و مشابه و تکمیلی نیاز داریم. برخی از این نهادها برای اهداف بلندمدت و مشخصی تأسیس شدند که شاید نیازی به وجود آنها در شرایط حاضر نباشد. در واقع اهداف مربوط به آنها، به‌طور کامل، محقق شده است. بر اساس اقتصاد مقاومتی اهداف جدیدی باید در ساختار کلان تبیین شود که نیاز به نهادهای جدید را روشن می‌سازد.

ب) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد پدافندی

شکی نیست که اندیشه اقتصاد مقاومتی، تفکری بومی و منطقه‌ای است و در مقابله با تحریم‌های فلج‌کننده آمریکا و اتحادیه اروپا و دیگر کشورهای هم‌پیمان با آمریکا، در اذهان مدیران اقتصاد کلان کشور با عنایت و تأکید رهبری، شکل گرفته است. با این دیدگاه، ابتدا باید به مهارت‌های آفندشناسی و هجوم‌شناسی مسلح شویم و دشمن را با همه ویژگی‌ها و اقدامات آینده به‌طور دقیق بشناسیم. در آن صورت، برای هر حمله، یک ضد حمله طراحی و اجرا نماییم. در واقع، در برابر هر استراتژی دشمن، ما یک استراتژی مقاومتی را تدوین و اجرا کنیم. از آنجایی که این تعریف به شناخت کیفیت حمله یا تحریم‌های دشمن بستگی دارد، می‌توان آن را از این منظر یک «اقتصاد تدافعی» نامید.

ج) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد ترمیم‌گر

تحریم‌ها، در ابتدا مشکلاتی را در اقتصاد کشور ما به وجود آوردند که ضعف فرآیندها و ساختارها و نهادهای فرسوده و ناکارآمد موجود اقتصادی را به خوبی آشکار ساخت. اگر این تشکیلات و روش‌ها تغییر نیابد، نمی‌توان به یک اقتصاد مقاومتی رسید. بر اساس این دیدگاه، با تغییرات جزئی یا کلی، نهادهای دارای اثربخشی کم، «مقاوم‌سازی» و «آسیب‌زدایی» یا «مرمت» می‌شوند. در واقع، اگر در راستای عملیاتی‌سازی

بیانات مقام معظم رهبری «اِنَّهٗ»، یک نهاد فرضی نمی‌تواند انتظارات اقتصادی ما را برآورده سازد، باید با تعریف دوباره سیاست‌ها و خط‌مشی‌های سازمانی، مانند یک ستاره دریایی، بخش آسیب‌پذیر و آسیب‌دیده را ترمیم کنیم. با ترمیم‌های نهادی یا سازمانی یا دستگاهی یا وزارتخانه‌ای و تعریف و تشریح وظایف جدید و تکمیلی، ما به یک اقتصاد مقاوم و شکست‌ناپذیر می‌رسیم.

د) اقتصاد مقاومتی یا اقتصاد الگویی

در این تعریف به دنبال ترکیب هر سه دیدگاه فوق هستیم؛ یعنی اگر ترمیمی در ساختارها لازم است، آن را انجام دهیم و همزمان، هجمه‌ها و تحریم‌ها را شناسایی کنیم و در صورت نیاز، نهادسازی را به صورت کامل انجام دهیم. در این روش، باید از جدیدترین دانش در عرصه داخل و بین‌الملل مطلع باشیم و بر اساس اقتضای شرایط، تصمیمات و طرح‌های خرد و کلان اقتصادی را اجرا نماییم. از آنجا که این تعریف بر اساس شرایط داخلی کشور و اوضاع خارجی و استراتژی‌های تحریمی دشمنان است، می‌توان این اقتصاد را یک «اقتصاد اقتضایی» نامید؛ زیرا با در نظر گرفتن تهدیدات قبلی و فعلی و آتی و با توجه به اصول و ارزش‌های بنیادین سیاست کشور، نحوه عمل خود را انتخاب و اجرا می‌کنیم.

دلایل لزوم توجه به اقتصاد مقاومتی

اکنون که برخی از الگوهای تعریف اقتصاد مقاومتی بیان شد و این مفهوم تا حدودی تشریح گردید، این سؤال در ذهن خوانندگان مطرح می‌شود که به‌طور کلی، دلایل بیان اقتصاد مقاومتی و تأکید رهبری به داشتن اقتصاد مقاومتی و اقتصادی بر پایه دانش چه بوده است. هر چند دلایل کم‌اهمیت و بااهمیت زیادی در این مورد مطرح است، با وجود این، مهم‌ترین و کلی‌ترین دلایل در ادامه اشاره خواهد شد:

الف) درآمدهای خام فروشی دامی اقتصادی

بر اساس بیانات مقام معظم رهبری «اِنَّهٗ»، یکی از بهترین مظاهر و مؤثرترین مؤلفه‌های اقتصاد مقاومتی، شرکت‌های دانش‌بنیان است که می‌توانند اقتصاد مقاومتی را پایدارتر کنند. تولید ثروت از طریق منابع تمام‌شدنی، همچون نفت، خودفروشی است و خام‌فروشی دامی است که میراث سال‌های متمادی قبل از انقلاب محسوب می‌شود و متأسفانه کشور، گرفتار آن شده است و باید تلاش شود که ملت ایران از این تله

۱- «دیدگاه اقتضایی» (Contingency theory) که در بیشتر علوم، به خصوص رشته مدیریت به صورت‌های مختلف کاربرد دارد، براین نکته اشاره می‌کند که برای انجام امور، همیشه یک بهترین راه دائمی وجود ندارد و انجام آن، به شرایط خاص همان مورد بستگی دارد.

نجات پیدا کند.

در توجیه این خودفربیی می‌توان گفت که در زمان‌های گذشته، افزون شدن منابع و ذخایر نقدی و ارزی کشور، به دلیل افزایش بیش از حد قیمت نفت، یکی از امتیازات استراتژیک محسوب می‌شد. این ثروت نقدی، در سال‌های گذشته باعث بیماری هلندی^۱ در اقتصاد ایران شد که به عنوان «بلای منابع و اثر آزمندی» مطرح می‌شد و برنامه‌های اقتصادی دولت را تغییر داده بود. در واقع عدم مدیریت دانش در اداره امور عمومی، این بیماری‌ها را در اقتصاد ایجاد کرد. تحقیقات ثابت می‌کند که مصارف لجام‌گسیخته منابع بودجه‌ای حاصل از فروش نفت، سرانجام باعث می‌شود که دولت برای استقراض و تأمین بودجه در آینده نزدیک به بازار پول و سرمایه روی بیاورد.^۲ در چنین شرایطی بود که رهبر معظم علیه السلام مفهوم اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند.

ب) اقتصاد مقاومتی، مهم‌ترین عامل مبارزه با تحریم‌ها

واژه تحریم، به مهار صادرات یا واردات مربوط می‌شود و در رابطه با اقتصاد بین‌المللی و بین دو اقتصاد کلان مفهوم پیدا می‌کند. تحریم، تدابیر قهرآمیز اقتصادی علیه یک یا چند کشور، برای ایجاد تغییر در سیاست‌های آن کشور است یا دست کم بازگوکننده نظریات یک کشور درباره این قبیل سیاست‌های دیگران است.^۳ در واقع، تحریم، باز پس‌گیری عمدی یا تهدید به باز پس‌گیری روابط معمول تجاری یا مالی از سوی یک دولت است.^۴

اولین تحریم‌های آمریکا به مهاجرین مربوط می‌شود که در سال ۱۷۶۵ نسبت به قانون استمپ اعتراض داشتند. کم‌کم تحریم‌های اقتصادی در سیاست خارجی یا داخلی آمریکا به یک سنت و عادت سیاسی تبدیل شد.^۵

تحریم آمریکا، از زمان تسخیر لانه جاسوسی (سفارت آمریکا در ایران) و گروگان‌گیری تعدادی از آمریکایی‌ها شروع شد. اولین اقدام برای تحریم، امتناع آمریکا از ارسال تسلیحات خریداری شده ایران، به ارزش ۳۰۰ میلیون دلار، در ۸ نوامبر ۱۹۷۹ بود. بعد از آن، دولت آمریکا در دفعات پیاپی، بر گستردگی

۱- آموزگار، Managing the Oil wealth windfalls and Pitfalls، ۱۹۹۹.

۲- خیرخواهان، منابع و اثر آزمندی، ص ۱۲۱-۱۵۸.

۳- علیخانی، حسین، تحریم ایران، شکست یک سیاست، ص ۳۲.

۴- همان، ص ۳۲.

۵- همان، ص ۳۴.

و عمق تحریم به صورت فراگیر افزود. جنگ عراق علیه ایران و حمایت آمریکا از آن کشور، واقعه طبس، عدم بازپرداخت کلّ دارایی^۱ بلوکه شده ایران، قرارداد الجزایر، تشدید محدودیت‌های وارداتی از ایران به آمریکا توسط ریگان، ممنوعیت انواع کالاها و تجهیزات اساسی و حیاتی به ایران، حمایت اسرائیل از آمریکا، قانون داماتو و قانون گیلمن و... از وقایع تعمیق تحریم علیه ایران بودند. امروز، این تحریم به حدّی است که کشورهای واسطه و دارای روابط تجاری با ایران، به تنبیه تجاری و تحریم آمریکا دچار می‌شوند و نیز هر نوع کالا و خدمات که به نوعی وارد چرخه بازرگانی ایران شده، نباید وارد آمریکا شود.^۲

این درست است که اگر ایران زیر بار فشار اقتصادی آمریکا نمی‌رفت، شاید اقتصاد بهتری داشت؛ اما از سال ۱۹۹۵ تاکنون اقتصاد ایران، با ثبات‌تر و سالم‌تر شده است.^۳ اکنون، به قول یکی از اقتصاددانان می‌توان گفت که ۱۶۱ بار تحریم، نه تنها اقتصاد ایران را فلج نکرد، بلکه اقتصاد ایران را واکسینه نمود.^۴

همه کارشناسان داخلی و صاحب‌نظران سیاسی و اقتصادی خارجی بر این عقیده‌اند که آمریکا با این تحریم‌ها، نه تنها به اهدافش نمی‌رسد، بلکه منافع و عملکرد اقتصادی خود را به مخاطره انداخته است.^۵ یکی از منابع برجسته و شاهد این مدّعا، کتاب «احساس مطلوب یا کار نامطلوب با تحریم‌ها» است. نویسنده این اثر، با بررسی مطالعات و گزارشات متعدّد «مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا»،^۶ این نکته را مطرح کرد که به‌طور تقریبی، همه تحریم‌های فراگیر و یک‌جانبه کشور آمریکا با ناکامی این کشور و پیشرفت بیشتر و بهتر کشورهای هدف، همراه بوده است.^۷

مقام معظم رهبری «رَبِّهِ» در این مورد فرمودند: «ما باید یک اقتصاد مقاومتی در کشور به وجود آوریم. امروز، کارآفرینی معنایش این است. دوستان درست گفتند که ما تحریم‌ها را دور می‌زنیم. بنده هم یقین دارم [که] ملت ایران و مسئولان کشور، تحریم‌ها را دور می‌زنند [و] تحریم‌کنندگان را ناکام می‌کنند؛ مثل موارد دیگری که در سال‌های گذشته، در زمینه‌های سیاسی بود که یک اشتباهی کردند، یک حرکتی انجام دادند، بعد خودشان مجبور شدند برگردند، یکی یکی عذر خواهی کنند».^۸

۱- ۱۲ میلیون دلار فقط سه میلیون دلار به ایران برگشت داده شد.

۲- علیخانی، حسین، تحریم، شکست یک سیاست، ص ۲۸-۲۵۰.

۳- همان، ص ۳۱۴.

۴- مصاحبه دکتر فرهاد رهبر اقتصاددان و رئیس دانشگاه تهران در گفتگو با فارس، قابل دسترس در: www.bultennews.com/fa/news

۵- برای کسب اطلاعات تخصصی و تحلیل اقتصادی بیشتر مراجعه کنید به:

Iran's Economy & the US Sanctions, Middle East Journal, Vol ۵۰, No ۲, Spring, ۱۹۹۷

۶- Center For Strategic and International Studies (CSIS)

ص ۲۲۱، Feeling Good or Doing Good With Sanctions، پریگ - ۷

۸- بیانات رهبری «رَبِّهِ»، در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور در تاریخ ۱۳۸۹/۶/۱۶.

اقتصاد مقاومتی، اقتصادی بر پایه آموزه‌های قرآنی

داشتن یک اقتصاد باثبات و پایدار از اهداف اصلی هر حکومت یا دولت است. اقتصادی که متزلزل باشد و بر اساس کوچک‌ترین تصمیم‌های سیاسی و غیر سیاسی در یک گوشه از جهان، نامتعادل شود، بقای هر دولت و حکومتی را به مخاطره می‌اندازد. سیاست‌های اقتصادی ایران تا قبل از انقلاب بر اساس امیال و نظرات سلسله پادشاهی اتخاذ می‌شد و زیر کی مدیران اقتصادی کشور در برابر اهداف پنهان استکبار، با توجه به اعمال نظر شخص شاه کارساز نبود. در آن زمان، محدودیتی در تعاملات اقتصادی با جوامع بین‌الملل وجود نداشت.

با وقوع انقلاب اسلامی که انقلاب ارزش‌ها بود و باورهای اسلامی را حاکم نمود، سعی می‌شد تا تصمیمات اقتصادی بر اساس آموزه‌های اسلامی صورت بگیرد. این اصل در قالب الگوگیری از آموزه‌های قرآنی، در همه تصمیمات دولت مردان متجلی بود. در ادامه، به برخی از آموزه‌های مهم اقتصاد قرآنی اشاره می‌شود:

الف) آیه نفی سبیل، شاخص‌ترین الگوی اقتصاد مقاومتی

آیه نفی سبیل، یکی از آیات مهم است که در اتخاذ سیاست‌های خارجی اقتصادی با جوامع دیگر، ارائه طریق می‌نماید. قرآن می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» یعنی، و خدای تعالی، هرگز کفار را ما فوق مؤمنان و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد.^۱

بر اساس این آیه، مؤمنان، حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند. سلطه‌پذیری نشانه نداشتن ایمان واقعی است و باید کاری کرد که کفار از سلطه بر مؤمنان، برای همیشه مأیوس باشند. پس، هر طرح، عهدنامه، رفت‌وآمد و قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را باز کند، حرام است. بنابراین، مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.^۲

با این نگرش عمیق مدیران کلان کشور، استکبار جهانی نتوانست منافع خود را در کشور حفظ نماید. این رو، در دفعات و مراحل و گام‌های متعدّد، با اعمال تحریم‌های مستقیم و غیرمستقیم، عرصه را بر اقتصاد ایران سخت و سخت‌تر نمود. اکنون، ملت و دولت ایران، با رهنمودهای رهبر معظم علیه‌السلام توانسته تحریم‌ها را پشت سر نهد و در این راستا به توسعه همه جانبه اقتصادی برسد. بدین دلیل، بحث اقتصاد مقاومتی، به عنوان یکی از راه‌های چابک سازی نظام اقتصادی با درایت خاص رهبری علیه‌السلام مطرح گردید.

۱- نساء، آیه ۱۴۱.

۲- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۲.

ب) ایمان، معیار برتری و قدرت اقتصادی

قرآن کریم، در مورد برتری مؤمنان بر کفار می‌فرماید: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ و [شما مسلمانان] سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید، اگر ایمان داشته باشید»^۱.
 آیه بیان شده، بر این نکته دلالت دارد که مؤمنین نسبت به دیگران برتری خواهند داشت. از طرف دیگر، می‌دانیم که یکی از لوازم برتری، بی‌نیازی اقتصادی از دولت‌های استکباری و خودکفا بودن مسلمانان است؛ زیرا نیاز به دیگران، همیشه همراه با ذلت و اسارت است. بنابراین، ملتی که بخواهد بزرگ سربلند زندگی کند، باید ابتدا خود را از بند اسارت غیر مسلمان آزاد سازد.

رهبر معظم علیه‌السلام با اشاره به آیه بیان شده، در این خصوص می‌فرماید: «فقط مواظب باشید وحدت و شور و احساس تکلیف را در خود حفظ کنید. قرآن، به مسلمان‌ها خطاب می‌کند و می‌گوید: اگر مؤمن باشید [إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ]، نه از کسی بترسید و نه سست شوید [وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزِنُوا]. مظهر ایمان، همین شور و نشاط و تلاش و وحدت و حضور در صحنه است؛ دشمن هم از همین [حضور] می‌ترسد. تا وقتی حضور قوی و پُرشور شما مردم، استمرار دارد، ان شاء الله، لطف خدا هم با ما خواهد بود»^۲.

ج) دوری از ولایت غیرالهی

در قرآن، پیروی از ولایت الهی و ولایت اولیاء خدا تأکید شده است. این ولایت، در امور اقتصادی نیز باید توجه شود. قرآن کریم در مورد لزوم دوری از ولایت غیرالهی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ؛ ای مؤمنان! یهود و نصاری را به دوستی مگیرید. بعضی از آنها دوستان بعضی دیگرند. هر که از شما با ایشان دوستی کند، خود از ایشان است. همانا خداوند، مردم ستمگر را هدایت نمی‌کند»^۳.

در آیه مطرح شده و برخی آیات مشابه دیگر، مسلمانان از قبول ولایت کفار، سخت بر حذر داشته شده‌اند؛ زیرا قبول این اسارت و پذیرش ولایت طاغوت، نیازهای گسترده اقتصادی را به ارمغان می‌آورد. مسلمانان، نباید حتی لحظه‌ای ولایت کفار و یهود و نصارا و طاغوت را تحمّل نمایند؛ زیرا این سرسپردگی به عظمت آنان لطمه وارد می‌کند.

۱- آل عمران، آیه ۱۳۹

۲- بیانات مقام معظم رهبری علیه‌السلام در مراسم بیعت جمع کثیری از اقشار مختلف مردم سراسر کشور در تاریخ ۱۳۶۸/۴/۱۸.

۳- مائده، آیه ۵۱؛ برای مطالعه بیشتر، ک. ب. همان سوره، آیه ۵۷؛ نساء، آیات ۱۴۴ و ۱۳۹ و ۸۹؛ متحنه، آیه ۱؛ هود، آیه ۱۱۳؛ کهف، آیه ۵۰؛ عنکبوت، آیه ۴۱؛ بقره، آیه ۲۵۷؛ فصلت، آیه ۳۱؛ توبه، آیه ۷۱؛ و....

د) اقتدار و طاغوت ستیزی

مسلمانان، باید یک اقتصاد خودکفا و غیروابسته به طاغوتیان داشته باشند. این خودکفایی و اقتدار، باید همه جانبه باشد؛ اعم از: سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و ... قرآن کریم در این مورد می فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا؛ مُحَمَّدٌ ﷺ فرستاده خداست و کسانی که با او هستند در برابر کفار سرسخت شدید هستند و در میان خود مهربانند؛ پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می بینی؛ در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می طلبند؛ نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است؛ این توصیف آنان در تورات و توصیف آنان در انجیل است؛ همانند زراعتی که جوانه های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری نمو و رشد کرده که زارعان را به شگفتی وامی دارد؛ این برای آن است که کافران را به خشم آورد. (ولی) کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، خداوند وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است»^۱.

بر اساس این آیه، جمله «فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ» به نیرومندی و بر پای خود ایستادن و قدرت یافتن مسلمانان اشاره دارد. مسلمانان، باید با پشتکار و تلاش فراگیر، به آن درجه از شکوه و عزت برسند که دشمنان اسلام، تاب تحمل آن را نداشته باشند. چنین الگویی باید در عملیات اقتصادی منظور شود تا مبانی الگوی اقتصادی مقاومتی، عملی گردد.

مقام معظم رهبری علیه السلام با تأکید بر این آیه شریف می فرماید: «اسلام پیروان خود را این جور تربیت می کند... اینها، آن معنویتی است که در آنها وجود دارد؛ آن توکل، آن توجه به خدا، آن تذکر، آن خضوع در مقابل پروردگار. این، خاصیت پرورش انسان مسلمان و مؤمن است. اسلام این جور انسانی پرورش می دهد. در مقابل خدای متعال، خاضع؛ با برادران ایمانی، رحیم، مهربان؛ اخوت اسلامی برقرار [می کند]؛ اما در مقابل مستکبران، در مقابل ظالمان، مثل کوه استوار می ایستند... «يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ»؛ خود آن کسانی که این زمینه را فراهم کردند، به شگفت می آیند. این دست قدرت الهی است که این جور انسان ها را رشد می دهد. دشمن مستکبر وقتی به این انسان مسلمان تربیت شده بالیده، در دامان اسلام نگاه می کند، معلوم است که به خشم می آید و ناراحت می شود «لِيُغَيِّظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»... خداوند متعال، وعده کرده است به افرادی که این جور

حرکت کنند، پاداش خواهد داد، اجر خواهد داد...»^۱

جهاد اقتصادی، اقتصاد مقاومتی مقدمه حماسه اقتصادی

جهاد، از تعالیم اصلی اسلام است و در قرآن کریم بارها از این مفهوم استفاده شده است. به عنوان نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرًا عِندَ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ»؛ کسانی که ایمان آوردند و هجرت کردند و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند، نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و آنها همان رستگارانند.^۲ در این آیه، علاوه بر جهاد کردن در راه خدا با جان، به جهاد کردن با اموال هم اشاره شده است. در واقع، جهاد در راه خدا فقط جهاد با جان و رسیدن به مقام والای شهادت نیست؛ بلکه مؤمنان می‌توانند با مال و ثروت خود در ره دین خدا جهاد کنند. این تعبیر به جهاد اقتصادی اشاره دارد و بر این نکته تأکید دارد که مسئولان و مدیران کشور، در هر سطحی از مسئولیت که هستند، باید با تصمیم‌گیری خود در امور اقتصادی با دشمنان اسلام و هر گونه شرک و باطل مبارزه نمایند. با نگاهی به تاریخ اسلام متوجه این موضوع می‌شویم که موقعیت‌هایی ایجاد شده است که حرکت‌های جهادی، مسیر تحولات اجتماعی زمانه را دگرگون کرده است. یکی از این موقعیت‌ها، قیام و شهادت امام حسین (علیه السلام) و یاران گرانقدرش، در مبارزه با باطل است. علاوه بر این، انقلاب اسلامی نیز از ابتدا، قوام و دوام خود را از حرکت‌های جهادی به دست آورده است. بسیار روشن است که حرکت حماسی تاریخ هشت ساله جنگ تحمیلی، با خاطرات جهادگرانه و ایثار و فداکاری‌های رزمندگان اسلام رقم خورده است و اکنون، ما این آرامش و امنیت را مرهون خون شهیدایی می‌دانیم که یاران و همراهان مسجدی بوده‌اند. جهاد، مقوله‌ای است که به هیچ وجه نمی‌توان واجب بودن آن را انکار کرد و در نصوص صریح قرآنی تأکید زیادی به آن شده است.

در یک تأمل سطحی، متوجه می‌شویم که جهاد اقتصادی یک مفهوم گرانسنگ است و فقط به تحمل سختی اقتصادی، قناعت و صرفه‌جویی کردن، به کارگیری خلاقیت و ... ختم نمی‌شود. منظور این است تلاش و تحمل تنگناهای اقتصادی، برای نیل به منافع فردی را نمی‌توان عملی جهادی دانست. جهاد اقتصادی دارای ویژگی‌هایی است که باید در شرایط خاص خود محقق شود؛ مانند: شناخت وضعیت ویژه اقتصاد، شناخت اهداف متعالی آن، ملزم شدن به الزامات جهاد، رصد موانع و اتخاذ راهکارها، اتخاذ آرایش

۱- بیانات مقام معظم رهبری (علیه السلام) در دیدار مسئولان نظام در روز میلاد پیامبر (صلی الله علیه و آله) در تاریخ ۱۳۸۹/۱۲/۲.

۲- توبه، آیه ۲۰؛ برای مطالعه بیشتر، ک. به، بقره، آیه ۲۱۸؛ آل عمران، ۱۴۲؛ نساء، آیه ۹۵؛ مائده، آیه ۲۵؛ انفال، آیات ۷۲ و ۷۴ و ۷۵؛ توبه، آیات ۱۹ و ۴۱ و ۷۳؛ تحریم، آیه ۹ و

جهادی، توانمندسازی نیروهای انسانی^۱ تا آن زمانی که مجریان و فعالان عرصه‌های اقتصادی با دیدگاه اومانستی در مکتب اقتصادی و با در نظر گرفتن سود فردی، به فعالیت‌های اقتصادی بپردازند، نمی‌توانیم انتظار تحقق وعده نصر الهی را در قبال صعوبت‌های اقتصادی داشته باشیم.

نگرشی که در مقابل آموزه‌های اقتصاد مقاومتی وجود دارد، رویکرد «سرمایه‌داری» است. در نظام سرمایه‌داری، سودآوری یک اصل است و سیاست و دیانت و ... موضوعات فرعی هستند. نهادهایی، مانند پول و مالکیت خصوصی و مطلق و ... برگرفته از نگرش اومانستی هستند. در چنین شرایطی اقتصاد مقاومتی می‌تواند مانند دژی مستحکم در برابر توسعه و ترویج اخلاق سرمایه‌داری، دارای اهمیت زیادی باشد. بر اساس اقتصاد مقاومتی، فعالان اقتصادی، بدون توجه به نظام سرمایه‌داری، بر پایه انگیزش اسلامی و منطق جهادگونه به تولید ارزش اقتصادی اقدام خواهند کرد.

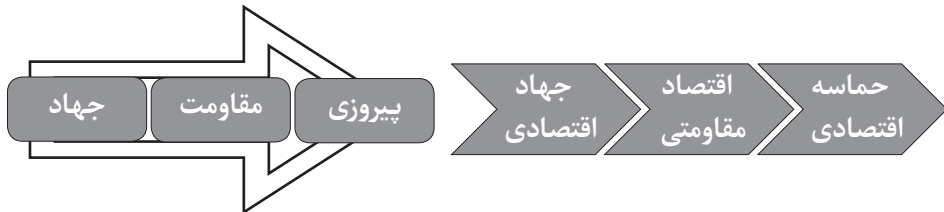
این موضوع، بیانگر برکت‌محوری در اقتصاد اسلامی است و برکات الهی را برای اقتصاد در پی دارد. در چنین اقتصادی هیچ چیزی ارزشمندتر از اعتلای کلمه الله در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی نیست. بدین ترتیب، همه تلاش‌ها و ابتکارات، با رویکرد جهادی صورت گرفته و فرهنگ جهادی به‌طور کامل احیا و همه‌گیر خواهد شد. در این صورت است که حماسه اقتصادی خلق خواهد شد.

با نگاهی کوتاه به زندگی پیامبر اسلام ﷺ مشخص می‌شود که آن حضرت، به دلیل آماده نبودن شرایط زمانی و مکانی، سه سال اول بعد از بعثت، مردم را به‌طور مخفی به اسلام دعوت می‌کرد و سپس، به صورت علنی و بعد از مهاجرت از موضع قدرت، در قالب جهاد و حماسه، مردم را به اسلام دعوت می‌نمودند. زمانی که قدرت لازم حاصل گردید، این آیه نازل شد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُهْبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُوهُمْ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ؛ و از نیرو و اسب‌های آماده، هر چه در توان دارید، بسیج کنید تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان، که شما آنها را نمی‌شناسید و خدا آنان را می‌شناسد، بترسانید و هر چیزی که در راه خدا خرج کنید، پاداش آن به خود شما باز گردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد شد»^۲. در مورد حماسه اقتصادی نیز تا اقتصاد جامعه، مراحل مختلف ارتقاء و توانمندی را طی نکرده باشد و پایه‌های اقتصادی کشور استوارتر نگردد، به یک باره نمی‌توان به حماسه و جهش بزرگ اقتصادی دست یافت. به‌طور خلاصه، می‌توان گفت که جهاد اقتصادی با جنگ اقتصادی همراه است. در این جهاد،

۱- اسحاقی، سیدحسین، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص ۲۰-۲۳.

۲- انفال، آیه ۶۰.

برای رسیدن به پیروزی باید در قالب اصول اقتصاد مقاومتی، استقامت و پایداری نمود تا حماسه اقتصادی به وقوع بپیوندد. دو شکل زیر ارتباط و مسیر حرکت را از جهاد اقتصادی به حماسه اقتصادی نشان می‌دهند.



ویژگی‌های مهم اقتصاد اسلامی

اسلام، دین کاملی است و برای همه ابعاد زندگی انسان، برنامه و دستورالعمل‌های لازم را ارائه کرده است؛ به صورتی که هر فرد با عمل با این دستورات، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید. آموزه‌های اسلام، نه تنها به اقتصاد رنگ و بویی خدایی می‌بخشد، بلکه سیر و سلوک بندگی را متأثر از اقتصاد می‌داند. دستورات اسلام، نیازهای آدمی را در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برآورده می‌سازد. این دستورات، هم معیشت‌گرا هستند و هم معنویت‌گرا، هم دنیانگرا هستند و هم آخرت‌نگر. بر این اساس، اقتصاد اسلامی دارای ویژگی‌هایی بنیادین و منحصر به فردی است که در واقع، وجه تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد کشورهای غیراسلامی است.^۱ در ادامه به برخی از این تمایزات اشاره می‌شود:

۱. **خدا محوری:** مهم‌ترین آرمان اقتصاد اسلامی، خدا محوری و موحد پروری است. اسلام به کمک اقتصاد، با شرک مبارزه می‌کند و جوامع انسانی را از مظاهر بت پرستی، خودپرستی و شیطان پرستی بر حذر می‌دارد. به طور خلاصه، در اسلام هر فعالیت اقتصادی باید با نیت الهی و خالص برای خدا باشد.

۲. **قناعت محوری:** اقتصاد معاصر، اقتصادی کثرت محور است؛ یعنی مهم‌ترین هدف آن، رسیدن به ثروت بیشتر است؛ اما اقتصاد اسلامی، اقتصادی قناعت محور است و اعتدال گرایی در تمام عرصه‌های زندگانی را به عنوان سرمایه‌ای تمام نشدنی مورد تأکید قرار می‌دهد. حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «الْقَنَاعَةُ مَالٌ لَا يَنْفَدُ؛ قناعت، ثروتی پایان ناپذیر است».^۲

۳. **خدمت محوری:** اقتصاد فعلی جهانی، اقتصادی ثروت محور است و برای رسیدن به این هدف، تمام آرمان‌های انسانی و اخلاقی را فدا می‌کند. اقتصاد اسلامی، اقتصادی بر پایه خدمت به خلق است و خدمت به آفریدگان خدا را بزرگ‌ترین عبادت می‌داند. در آموزه‌های اسلامی، کسی که بیشترین خدمت را به مردم

۱- ر. ک به: چیرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم‌اندازی اسلامی، ص ۱۸۱-۲۵۳؛ اسحاقی، سیدحسن، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص ۴۳-۱۰۸.

۲- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، ص ۴۵۲، ح ۵۷.

برسانند، سودمندترین افراد است.^۱

۴. **تولید محوری:** تولید، در یک جامعه اسلامی باید این دو شرط را رعایت کند:

الف) باید لوازم و وسایلی که برای یک زندگی سالم و به دور از اسراف و بیهوده کاری لازم است، تأمین نماید.
ب) از تولید وسایلی که موجب انحراف اخلاقی و اسراف کاری در جامعه می‌گردد، خودداری شود. از مهم‌ترین ارکان اقتصاد اسلامی، تولیدگرایی و پرهیز از مصرف‌گرایی است و نیز مهم‌ترین بخشی که می‌تواند یک توسعه پایدار را به وجود آورد، تولیدی است که باید بر پایه موازین اسلامی باشد.

۵. عدالت‌مدار بودن: قرآن در این مورد می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ...؛ در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد». ^۲ جهاد اقتصادی، به معنای پیشرفت سریع اقتصادی، همراه با توسعه معنویّت و عدالت است. پیشرفت، بدون توجّه به عدالت، از نظر اسلام، پیشرفت نیست.

۶. **صداقت محور بودن:** صداقت، در آموزه‌های اسلام بسیار تأکید شده است: قرآن در این مورد می‌فرماید: «لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيَعَذِّبَ الْمُتَافِقِينَ؛ تا خداوند صادقان را به خاطر صدقشان پاداش دهد و منافقان را عذاب کند». ^۳ اقتصاد رایج جهانی، بر پایه دروغ و ایجاد نیاز کاذب بنا شده است. اقتصاد اسلامی بر صداقت استوار است. اقتصاد اسلامی، طبق آموزه‌های اسلامی تعریف شده است و هر گونه فریب و تقلّب را باعث بی‌برکت شدن ثروت دنیوی و عذاب آخرت می‌داند. سفارشات که در مورد ارزان‌فروشی، سهل‌گیری در معاملات، مدارا کردن با مشتری، قبول کردن تقاضای مشتری پشیمان شده و ... بر این ویژگی اقتصاد اسلامی (صداقت‌محوری) تأکید دارد. از طرف دیگر، فریب کاری، احتکار، خیانت، حق‌خوری، رباخواری، اسراف، در اقتصاد اسلامی نکوهش شده است.

۷. **برکت محور بودن:** اقتصاد مدل چینی، کمیّت‌نگر است؛ اقتصاد مدل ژاپنی، به اصل کیفیت توجّه دارد. این در حالی است که اقتصاد اسلامی، برکت‌محور است و به دو مقوله کمیّت و کیفیت، به طور همزمان توجّه می‌کند تا با برکت بخشی به تولیدات، خدمت‌رسانی بهینه به مردم صورت گیرد. به عبارت دیگر، اقتصاد اسلامی در پی بهره دنیوی و اخروی به صورت توأم است.

عوامل چهارگانه حرکت حماسی

تحولات و رخداد‌های بزرگ و خلق یک حماسه، مستلزم وجود اصول خاصی است که در یک شرایط

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۳.

۲- نحل، آیه ۹۰؛ همچنین ببینید: مائده، آیات ۱۰۶ و ۹۵ و ۸؛ بقره، آیه ۲۸۲؛ نساء، آیه ۲۹؛ انعام، آیه ۱۵۲ و ...

۳- احزاب، آیه ۲۴.

مطلوب محقق می‌شوند. با تحقق آن اصول، زمینه‌های خلق یک حرکت حماسی فراهم خواهد شد. در ادامه، به چهار عامل مهم یک حرکت حماسی به اختصار اشاره می‌شود:

۱. عنایت و مشیت پروردگار: بدون عنایت پروردگار، هیچ اتفاقی رخ نمی‌دهد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ؛ و تا خدا، پروردگار جهانیان، نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست [توانست]». ^۱ کارهای بزرگ و حماسه‌های رخ داده در تاریخ، همگی کار خدا بوده و در بستر اراده او تحقق یافته است. قرآن مجید، با بیان آموزه‌های گرانقدرش، تردید و بیم اقتصادی را از دل اهل ایمان می‌زداید و نوید می‌دهد که: «وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ إِنْ شَاءَ؛ اگر از فشار اقتصادی ناشی از منع ورود مشرکان، بیمناک هستید، در آینده خداوند شما را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد». ^۲ امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «إِحْتِجْ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَسِيرَهُ وَإِسْتَعْنِ عَنْ مَنْ شِئْتَ تَكُنْ نَظِيرَهُ؛ اگر نیازمند کسی بودی، زبردست و اسیر اوئی؛ ولی چنانچه بی‌نیاز شوی، هم رتبه و نظیر او خواهی شد». ^۳

۲. عبرت‌آموزی از گذشته: اصل دوم برای خلق یک حماسه و ایجاد یک تحول بزرگ، بهره‌گیری از تجربه و سرمایه گرانقدر باز مانده از گذشته است. عبرت‌آموزی و درس گرفتن، لازمه هر حرکتی است؛ به‌ویژه آنگاه که گذشته‌ای پر درس و پُر ظرفیت وجود داشته باشد تا چراغ راه آینده محسوب گردد. گذشته انقلاب و تاریخ نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران که خود نتیجه به کارگیری همه تجربیات تاریخی اسلام و ایران است، سراسر درس و عبرت برای حماسه‌آفرینی است.

۳. توانمندی درونی: توانمندی درونی یک ملت برای ایجاد تحول بسیار ضروری است. اگر ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها و زمینه‌های تحول وجود نداشته باشد، شکل‌گیری یک تحول، انتظار بیهوده‌ای است. در مورد توانمندی درونی، مرور فهرست توانمندی‌ها و ظرفیت‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی کشور و توجه به دستاوردهای گران‌سنگ و اعجاب‌آمیز ملت ایران در عرصه‌های مختلف علم و تکنولوژی و تسلیحات و اداره امور مختلف و همه حوزه‌ها، اطمینان ما را برای خلق هر حماسه‌ای بیشتر می‌نماید.

۴. کشش و ظرفیت آینده: شرایط آینده، باید به گونه‌ای باشد که تحمل تحول را داشته باشد. اگر آینده برای تحول مناسب نباشد، باز شاهد تحولی عمیق نخواهیم بود. در این مورد، نه فقط نیازهای پیش

۱- علی اکبری، حسن، نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی، تنظیم و ویرایش: سایت حرف آخر، با تغییر در برخی الفاظ و تلخیص و اضافات لازم، قابل دسترس در آدرس: <http://harfeakhar.com/article/>

۲- انسان، آیه ۳۰؛ تکویر، آیه ۲۹.

۳- توبه، آیه ۲۸.

۴- آمدی عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الکلم و درر الکلم، ص ۳۶۶، ح ۸۲۶۷، ص ۳۶۷، ح ۸۲۷۲.

روی ما، بلکه همه شواهد و قرائن از تحولات آینده در داخل و منطقه و صحنه بین الملل، گویای فرصت تاریخی و استثنائی به وجود آمده برای خلق حماسه توسط ملت ایران است. بدین ترتیب، ملت ایران با هوشمندی و عمل به هنگام، می تواند آینده ای درخشان را برای خود رقم بزند و در گذر از پیچ تاریخی ملموس کنونی، نه فقط جبران همه عقب ماندگی ها، بلکه پیشتازی و الهام بخشی را برای سایر ملتها به ارمغان بیاورد.

بر اساس اصول و عوامل ذکر شده، به سامان رساندن حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی برای کشور، در سال ۹۲ کار دشواری نیست؛ زیرا با عنایت خداوند از آغاز انقلاب و قبل از پیروزی انقلاب، تاکنون شاهد توجهات پروردگار و امدادهای غیبی و آشکار او در همه صحنه های انقلاب بوده ایم و نصرت خدا، وعده تخلف ناپذیر است؛ چرا که خداوند در قرآن فرموده است: «أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ؛ آگاه باش که پیروزی خدا نزدیک است»^۱.

نگرش سیستمی، لازمه حماسه اقتصادی

خلق یک حماسه اقتصادی، امری یک بُعدی نیست، بلکه یک تغییر گسترده و فراگیر در سرنوشت یک جامعه نیست. خلق حماسه، با تعامل و هم گرایی همه عوامل تأثیر گذار، ارتباط تنگاتنگ دارد. همان گونه که در روند اجرای یک عملیات جنگی و خلق حماسه و پیروزی باید همه عوامل با هماهنگی باشند، به همان گونه خلق یک حماسه در خارج از فضای جنگ نظامی، باید همه عوامل دست به دست هم بدهند تا تحقق اهداف تسهیل گردد. هم گرایی و هماهنگی، مهم ترین عامل تحقق حماسه است.

ایجاد هماهنگی بین عوامل تحقق حماسه باید با رویکرد جامع و نگرش سیستمی^۲ انجام گیرد. اندیشمندان از این نگرش در همه امور به صورت کاربردی استفاده می کنند. «بر اساس این رویکرد، همه آحاد یک جامعه، در هر سطح و مسئولیتی که باشند، به عنوان اجزای تشکیل دهنده یک سیستم یکپارچه در نظر گرفته می شود و همه عوامل محیطی اعم از انسانی، سیاسی و فرهنگی و اجتماعی و مذهبی و ... به همراه رابطه بین آنها، مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد تا اهداف برنامه های خلق حماسه اقتصادی محقق شود»^۳. در واقع، همه اعضای جامعه، اعم از سران سه قوه، مدیران کلان کشوری و مدیران میانی و عملیاتی و همه کارگزاران دولتی و همه آحاد مردم و سایر دستگاه های اجرایی و قوانین و سیاست های کلی

۱- بقره، آیه ۲۱۴؛ همچنین رک: صف، آیه ۱۳.

۲- Systematic attitude. ۶-۲

۳- دنیل جرج جی، روبرت دلبیوناپ، System analysis technique، ص ۳۹.

و جزئی و نهادهای قانون گذاری و ... مانند اجزای یک سیستم به هم پیوسته هستند و بر هم تأثیر متقابل و هم افزایی داشته، به نحوی که تصمیم یک عضو بر عملکرد دیگران اثر دارد. بر همین اساس، داشتن یک دیدگاه کل گرا و سیستمی، در برنامه ریزی و رسیدن به حماسه اقتصادی ضروری است.

هم گرای نیروهای اثرگذار در خلق حماسه اقتصادی، نیازمند یک برنامه ریزی استراتژیکی و طرح های بلندمدت و میان مدت و کوتاه مدت است که باید با خرد جمعی همه صاحبان اندیشه و فعالان اقتصادی صورت بگیرد. بنابراین، در کنار توجه به کاستی های برنامه و روحیه در مسیر حماسه اقتصادی، باید به فکر تربیت و محور ساختن نخبگانی بود که هم به کارآمدی و تحقق عینی الگوی جهاد اقتصادی معتقد باشند و هم برای این الگو، از روش های خردمندانه و نگرش های سیستمی بهره بگیرند.

کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام

با مطالعه تاریخ صدر اسلام، این نکته مشخص می شود که بسیاری از وقایع مهم و فعالیت های اقتصادی تاریخ اسلام در مسجد به وقوع می پیوست. جریان خاتم بخشی حضرت امیر (علیه السلام) در حال رکوع (بخشش انگشتر به مستمند)، در مسجد بوده است.^۱ اسکان و کمک به گروهی از مهاجران و انصار به نام «اصحاب صفه»، به دلیل تهیدستی و نداشتن سرپناه، در فضای معنوی مسجد النبوی انجام می گرفت.^۲ مسجد، در صدر اسلام، مکانی برای حفظ خزانه مملکت اسلامی بود. جاهای مختلفی در مسجد، به نام قبه بیت المال و دارای درب های آهنی و محکم بود که ثروت ملی یا ثروت نقدی عمومی حاصل از زکات و مالیات اسلامی و غنایم جنگی و ... را در آنجا نگهداری و هزینه یا مدیریت می کردند.^۳

بنابراین، مساجد در صدر اسلام، در راستای خدمات رسانی اجتماعی، دارای کارکردهای مهم اقتصادی بودند. برای روشن تر شدن این موضوع، در ادامه به گوشه هایی از کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام مسجد اشاره خواهد شد:

الف) مسجد، محل مرکز مدیریت اقتصاد کلان جامعه

علم اقتصاد، با همه مسایل آن در بازار متبلور است و بازار یا سوق، نماد و مظهر فعالیت های اقتصادی

۱. Synergy.

۲- نک به: طباطبایی محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۶، ص ۵ تا ۳۹؛ الطبرسی الفضل ابن الحسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۷۲۰ تا ۷۴۱؛ قرآنی محسن، تفسیر نور، ج ۲، ص ۳۱۸-۳۲.

۳- نوری حاج میرزا حسین، المستدرک الوسایل، ج ۴، ص ۱۱۸؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۸۴.

۴- رک: تقی الدین احمد المقریزی، الخطط، ج ۲، ص ۴۹۲؛ الولی محمد طه، المساجد فی الاسلام، ص ۱۵۹؛ رازی فخرالدین، التفسیر الکبیر، ج ۱۶، ص ۹ و ۱۰. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۸.

است. بدون در نظر گرفتن این مفهوم، مفاهیمی، مانند عرضه و تقاضا و تعادل قیمت و ... معنا پیدا نمی‌کند. اسلام ضمن توجه به بازار، به تبیین شرایط حاکم بر آن پرداخته است تا همه افرادی که به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند، از این دستورات پیروی کنند. بازار، در علم اقتصاد به محلی گفته می‌شود که عرضه و تقاضا در آن صورت می‌گیرد و با رویارویی خریداران و فروشندگان، قیمت کالا و خدمات تعیین می‌شود.^۱ در بازار ایده‌آل مورد نظر اقتصاد اسلامی، افراد باید با توجه به واقعیت‌های جامعه انسانی، تحت تربیت اسلامی، با محوریت قوانین الهی و رعایت اصول اخلاقی باشد.^۲

در گذشته، در کنار مساجد شهر، مسجد بازار هم وجود داشت که بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن، بازاری بودند. این مساجد، به غیر از مساجد محلات بود. در زمان‌های گذشته، به طور عموم، بازار در کنار مساجد ساخته می‌شد. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند، به محض ورود به شهری، جهت اقامه دعوی، با ردگیری ساختمان مساجد، به مرکز قضاوت شهر رهنمون می‌شدند؛ زیرا دکه قضاوت، همواره در جنب مساجد برپا بود. هم‌جواری دارالخلافه با مسجد، باز هم نقش اطلاع‌رسانی مساجد را روشن‌تر می‌کرد تا تازه واردها، برای انجام امور اداری خود، از ساختمان مسجد کمک بگیرند. در مساجد بازار، بیشتر بازاریان شرکت داشتند و در این مساجد، بیشتر اخبار تخصصی حوزه تجارت و گزارشات مربوط به بازار و اوضاع اقتصادی بیان می‌شد.^۳

ب) اثرات غیرمستقیم مسجد در اقتصاد خرد

در صدر اسلام، بیشتر تجار و بازرگانان، به محض اینکه وارد شهرها می‌شدند، به مساجد مراجعه می‌کردند. با توجه به نقش محوریت مساجد، حضور این تجار و بازرگانان در مسجد، نشان از ورود کالاهای جدیدی داشت که به محض اتمام نماز، خریداران کالا وارد بحث و مذاکره برای خرید و فروش یا مبادله می‌شدند. اگرچه به‌طور مستقیم، خرید و فروش در داخل مسجد انجام نمی‌گرفت و هنگام حضور در مسجد، اصل همه کارها بر محور عبادت و نیایش بود، اما دید و بازدید و گفت‌وگو برای تبادل و خرید کالاها، بعد از انجام اعمال عبادی صورت می‌گرفت. البته، کارکردهای اقتصادی مسجد در صدر اسلام در هر دو جنبه اقتصاد خرد و کلان، متعدد هستند و بیان همه آنها در این مقاله نمی‌گنجد. با این حال با بررسی مطالب ذکر شده، در می‌یابیم که مسجد در اقتصاد، نقش بسیار مهمی داشته است.

۱- ساموئلسن پیل، هاوس ویلیام نورد، اقتصاد، ج ۱، ص ۸۰.

۲- ر. ک به: انصاری محمدجعفر و دیگران، درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، ص ۹۶-۱۱۱.

۳- ر. ک به: جهانگیری سهروردی، یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۱۷ و ۳۳.

جلوه‌های اقتصادی مسجد در تحقق حماسه اقتصادی

در گذشته، اثرگذاری مسجد در اقتصاد فردی و در اقتصاد خانواده و جامعه، به همان جوامع کوچک مسلمان منحصر بود؛ ولی با پیشرفت و توسعه زندگی اجتماعی و گسترده شدن نظام‌های اقتصادی، نقش اقتصادی مسجد افزایش یافته است. امروز، همه نظام‌های اجتماعی و فرهنگی و سبک زندگی و نحوه تربیت افراد بر اقتصاد اثرگذار هستند. در عین حال، اقتصاد نیز به عنوان مهم‌ترین عامل قدرت و سیادت جوامع، باعث می‌شود که یک کشور قدرتمند اقتصادی در عرصه بین‌المللی، جایگاه مناسبی به دست آورد. در مطالب گذشته، به آموزه‌هایی از اقتصاد قرآنی و مباحث جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی و حماسه اقتصادی اشاره شده است. هدف از بیان این مطالب، ایجاد زمینه ذهنی در خوانندگان در خصوص اقتصاد اسلامی و اقتصاد قرآنی و ... بود تا اهمیت و نقش مساجد در خلق حماسه اقتصادی به سهولت قابل بحث و بررسی باشد. اکنون، این سؤال مطرح است که مسجد به عنوان نماد تمدن اسلامی و شاخص‌ترین سمبل کشورهای اسلامی در عصر حاضر، چه نقشی در تحقق حماسه اقتصادی دارد. در ادامه، برخی از جلوه‌های اثرگذاری مسجد و آموزه‌های منتسب به آن در نیل به حماسه اقتصادی اشاره خواهد شد:

۱. آموزش رفتارهای اقتصاد مقاومتی به بازاریان مسلمان در مساجد

یکی از دسته فعالیت‌هایی که در قالب فعالیت‌های آموزشی، در مساجد قابل انجام است، آموزش آموزه‌های تجارت یا مبانی اقتصاد اسلامی است. مساجد، به دلیل داشتن پتانسیلی به نام ازدحام در مراسمات متعدد و در زمان‌های مختلف، بهترین مکان آموزش اقتصاد اسلامی هستند. در دورانی که دشمنان اسلام، از همه تحریم‌های اقتصادی برای به چالش کشیدن اقتصاد کشور ما استفاده می‌کنند و علیه ما متحد شدند، توجه به این آموزه‌ها، می‌تواند راه‌گشای کار باشد. توجه به این آموزه‌هاست که بازار ممالک اسلامی را از بازارهای سرمایه‌داری متفاوت می‌کند. آموزه‌هایی، مانند داشتن حس نوع‌دوستی، توجه به مشکلات و نیازمندی دیگر مسلمانان، نداشتن غش در معاملات،^۱ انجام معاملات متعدد بر اساس شارع مقدس، احتکار نکردن،^۲ گرانفروشی یا کم‌فروشی نکردن،^۳ انصاف و عدالت در تجارت و ... نمونه‌هایی از آموزه‌های کاربردی اقتصادی هستند که بهترین محل آموزش آنها مساجد هستند.

ارشادات اقتصادی، یکی از تعلیمات علماء است و می‌تواند در بهبود اقتصادی و تنظیم اقتصاد اسلامی و بالا رفتن کمیّت و کیفیت اقتصاد اسلامی مؤثر باشد. بدین ترتیب، اقتصاد شریف و پاک اسلامی، از آلوده

۱- ر.ک: به گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۲۸؛ کنز العمال، ج ۴، ص ۶۰.

۲- ر.ک به: گناهان کبیره، شهید دستغیب، ج ۲، ص ۲۹۵؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۳؛ میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۸۶.

۳- ر.ک به: مطفنن، آیه ۱؛ میزان الحکمة، ج ۱، ص ۵۲۳؛ بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۷.

شدن و ناپاک شدن به انواع دسیسه‌ها و وسوسه‌ها و حقه‌های شیطانی باز داشته می‌شود؛ به خصوص، اگر این کار در کنار بازار و در مساجدِ چسبیده به بازار انجام گیرد.^۱

۲. مسجد و وصول مالیات‌های اسلامی

یکی از کارکردهای عبادی-اقتصادی مساجد، خمس و زکات و مانند آن است. خمس و زکات، یکی از بهترین تفکرات اقتصادی است و اسلام، علاوه بر جنبه اقتصادی، روی عبادی بودن آن هم تأکید دارد و اسلام، با داشتن چنین آموزه‌هایی، در بین مکاتب اقتصادی، نمونه و ممتاز است و با چنین برنامه‌ای در صدق بر چیدن بساط فقر و مسکنت از مسلمانان است و اگر این مهم توسط همگان ادا و پرداخت شود و به دست فقرا برسد، هیچ فقری در روی کره زمین باقی نخواهد ماند.

زکات، در لغت به معنای طهارت و پاکیزگی و رشد و نمو است. در اصطلاح دانشمندان اسلامی و مردم مسلمان، مقدار معینی از دارائی است که با شرایط خاصی باید از مال صاحب آن جدا شود و به مصرف فقرا و مستمندان و کارهای خیر دیگر برسد.^۲

خمس، در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح مسلمانان، به یک پنجم مالی گفته می‌شود که پرداخت آن با شرایطی بر مسلمانان واجب می‌شود. باید آن را از اموالی که خمس به آنها تعلق گرفته جدا کرد و به حاکم اسلامی و ولی فقیه پرداخت نمود تا در مورد شرعی مورد نظر مصرف کند.^۳

قرآن کریم، در موارد بسیار متعدّد، زکات را در کنار نماز مطرح کرده و ضمن انتقاد از تارکین زکات، به آنها وعده عذاب داده است. قرآن، ترک کنندگان زکات را تا حدّ کفر پیش برده و به دلیل حقّ الناس بودن زکات، آخرت سختی برایشان پیش بینی کرده است.^۴

اسلام، برای خمس و زکات، جایگاه ویژه‌ای قائل است که برخی از تعبیر ارزشمند آن عبارت است از: تکلیف الهی بودن، پشتوانه دین بودن، دشمنی با امام زمان علیه السلام در صورت امتناع از پرداخت آن، پلی برای اسلام، ستون اسلام، شرط پذیرش نماز، فرمان الهی و ...^۵

۱- ضیاء آبادی سید محمد، موعظه، راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان، ص ۲۰۴.

۲- نجفی محمد حسن، جواهر الکلام، ج ۱۵، کتاب الزکاة، ص ۲-۱۵.

۳- رک: طباطبایی قمی، تقی، الغایة القصوی فی تعلیق علی العروة الوثقی، کتاب الخمس، ص ۵-۲۴۰؛ مشکینی اردبیلی، علی، بحثی پیرامون خمس تحقیقی و استدلالی، ص ۱۰۵.

۴- دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۸۳.

۵- الحزّ العاملی، وسایل الشّیعه، ج ۶، ص ۳۳۷ و ۳۷۶؛ محدّث نوری، مستدرک الوسایل، ج ۷، ص ۲۸۱؛ شریفی، محمود، چهل حدیث خمس و زکات، ص ۵-۷۹.

نگارنده، معتقد است که سنگ بنای تفکر لزوم ادای خمس و زکات در مردم از مسجد شکل می‌گیرد. متولیان امور فرهنگی مساجد با انجام فعالیت‌های زیر می‌توانند این فرآیند را تسهیل نمایند:

۱- تبلیغ خمس و زکات به صورت بیان خطابه بر منابر و طرح آن به صورت مسئله‌ای توسط امام جماعت در مسجد؛

۲- حضور و سرکشی امام جماعت مساجد از فعالیت‌های کشاورزی، باغداری، دامداری و کسبه بازاری در محل کار آنها و یادآوری پرداخت زکات و خمس؛

۳- فرهنگ‌سازی و فراگیر کردن تصدّی‌گری ائمه محترم جماعات، برای دریافت خمس و زکات در مساجد یا به عهده گرفتن و کالت مراجع تقلید برای این منظور و حضور امامان جماعت در مساجد برای اجرای این امر؛

۴- تصدّی‌گری ائمه جماعات به عنوان روحانی کاروان‌های حجّ و تلاش بیشتر آنان در خصوص تطهیر اموال حجّاج از نظر خمس و زکات؛

۵- حضور ائمه جماعات و مبلغان در منازل مؤمنان، بر حسب درخواست آنها و انجام امور محاسبه خمس سالیانه؛

۶- تهیه و توزیع جزوه‌ها و بروشورها و مقالات و کتب حاوی احادیثی در اهمّیت خمس و زکات و استفاده از هر گونه رسانه اثرگذار در این خصوص.

۳. نقش مسجد در ترک حرام خواری و شبهه حرام خواری

یکی دیگر از کارکردهای عبادی-اقتصادی مساجد، نقش ویژه آنها در ترک خوردن لقمه‌های حرام و شبهه‌ناک است. افراد مسجدی، به یقین به کرات، این مباحث را از آیات و احادیث و خطبه‌های مبلغان و بیانات متولیان فرهنگی مساجد شنیده‌اند. مفسد مال و لقمه حرام و شبهه‌ناک به قدری زیاد است که این عمل از گناهان کبیره محسوب شده است و بر مرتکب آن، وعده عذاب داده شده است؛^۱ اسلام، حلال خواری و کسب حلال را بالاترین عبادت شمرده است؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمودند: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءًا، أَفْضَلُهَا جُزْءٌ طَلَبُ الْحَالِلِ؛ عِبَادَت، هفتاد بخش است، برترین آنها طلب روزی حلال و به دنبال روزی حلال رفتن است».^۲

۱- دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۹۱.

۲- العالمی الحر، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۱۱.

حرام خواری، اقسام مختلفی دارد: ندادن خمس و زکات، خوردن غذای شبهه‌ناک، رشوه‌خواری، خوردن غذای فاسد، خوردن حیوانات حرام گوشت و ... از طرفی، حلال خواری، منشأ هر خیر و حرام خواری منشأ هر شرّ بیان شده است^۱ و حلال خواری، مهم‌ترین عامل تزکیه روح و سیر و سلوک و استجابت دعاها، شمرده شده است.^۲

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ فَرَضَ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ أَقْوَاتَ الْفُقَرَاءِ فَمَا جَاعَ فَقِيرٌ إِلَّا بِمَا مَعَ عَنِّي وَاللَّهُ تَعَالَى جَدُّهُ» سَائِلُهُمْ عَنْ ذَلِكَ؛ خداوند سبحان، در دارائی‌های توانگران، روزی‌های تهیدستان را قرار داده است. پس، هیچ فقیری گرسنه نشد، مگر به واسطه منع ثروتمند و (در روز رستاخیز) خداوند (عالی مرتبه) از این منع آنان مؤاخذه و بازپرسی می‌نماید.^۳

۴. مسجد و قرض الحسنه

یکی از کارکردهای عبادی مسجد که به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود و امروز هم بسیار بروز و ظهور دارد، نقش مسجد در تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه و دستگیری از محرومان جامعه در مشکلات است.^۴ یکی از تفاوت‌های اساسی مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب اقتصادی، توجه خاص به نیازمندان، آسیب‌دیدگان و اقشار ضعیف جامعه و ارائه راهکارهای مناسب با شأن و کرامت انسان است. یکی از این راهکارها، قرض حسن یا «قرض الحسنه» است که در آموزه‌های اسلامی، در قالب آیات و روایات مختلف به آن سفارش شده است.^۵

قرض، یعنی وام یا وام دادن یا پاداش دادن.^۶ معنای دیگر قرض، بریدن و قطع کردن است؛ زیرا فرد قرض‌دهنده، مقداری از مال خود را جدا و به قرض‌گیرنده می‌دهد.^۷ الحسنه، به معنای نیک‌ی یا نیکو است.^۸ اولین صندوق قرض الحسنه در مسجد تشکیل شده است. در صدر اسلام، در خصوص قرض الحسنه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم مسجد طراز اسلامی، برای توجه همه‌جانبه به تهیدستان

۱- دستغیب، همان، ص ۳۹۸.

۲- همان.

۳- دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، ص ۵۰۴، ح ۳۲۸.

۴- فرهنگ مسجد، ص ۲۰۶-۲۰۵.

۵- مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸؛ شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۴۱۴؛ همچنین ر. ک: شریفی، محمود، چهل حدیث قرض الحسنه، ص ۶.

۶- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۶۱۱.

۷- جابری عربلو، محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، ص ۱۶۴.

۸- دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۲، ص ۲۲۰.

و محرومان اقداماتی صورت می‌گرفته است.^۱

انجام این عمل ارزشمند اقتصاد اسلامی، موجب توسعه اقتصادی و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی مردم شهرها و محله‌ها می‌شود. این فعالیت مسجدی، انگیزه‌سازی برای روحیه خودیاری در مردم و انجام امور داوطلبانه اقتصادی در سطح جامعه را باعث خواهد شد.^۲ توجه به این سنت حسنه و آموزش تعالیم آن به نمازگزاران و حاضران در مسجد، در دوران مقاومت‌سازی اقتصاد و گذشتن از دوران ریاضت‌های اقتصادی بسیار مهم است. این آموزه اقتصادی در در مان بسیاری از آفت‌ها و استثمارهای اقتصادی جوامع اسلام، مانند ربا بسیار مؤثر است؛ زیرا وقتی قرض الحسنه مورد توجه قرار نگیرد، ربا اقتصاد جوامع را فرا می‌گیرد. در صورتی که ربا در آموزه‌های اسلامی به شدت نکوهش شده است.^۳ بسیار روشن است که ربا، مخالف حماسه‌سازی اقتصاد، مخالف حماسه اقتصادی و مخالف اقتصاد مقاومتی است و باید به شدت با آن مبارزه کرد. بنابراین، قرض الحسنه و اشاعه و تبیین آن در کنار فعالیت‌های مسجدی، موجب می‌شود تا اقتصاد جامعه اسلامی از آسیب‌های متعدد اقتصادی مانند ربا، استثمار مالی و ذخیره‌سازی و ناکارآمدی منابع اقتصادی و ... مصون بماند.

۵. منبر، رسانه‌ای اثرگذار بر اقتصاد جامعه

از دیگر نقش‌های غیرمستقیم مسجد در امر اقتصاد، جلسات و عطا و خطابه و سخنرانی ائمه جماعات و سخنرانان در مساجد درباره رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی است. اهمیت منبر و بیان خطابه‌ها در تبیین سیاست‌های اقتصادی و هماهنگ‌سازی بازاریان، بر کسی پوشیده نیست. امروز، باید اذعان نمود که رسانه ارزشمند منبر، به تنهایی می‌تواند با همه خبرگزاری‌ها جهان مقابله و مبارزه کند. در این خصوص، وعظ و خطیبان باید برنامه‌های مناسب سیاست‌های اقتصادی کشور را تبیین نمایند.

با توجه به اینکه مساجد، در اکثر کشورهای جهان اسلام، دارای محوریت اصلی بوده و در مرکز بازار و مرکز اقتصادی هر شهر، مسجد، دارای نقش فعالی است؛ زیرا هنگام نماز، محلّ مراجعه بازاریان، کسبه و اصناف اطراف بازار است. امام جماعت در هر جلسه از نماز باید نمازگزاران فعال در امور اقتصادی را با نقل آیات، روایت و احادیث، به رعایت اخلاق اسلامی و اخلاق اقتصادی دعوت نماید. وی باید حضار را به رعایت

۱- ر.ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد طراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، ص ۱۴-۱۵.

۲- احمدی، علی محمد، نقش مسجد در اقتصاد محله، ص ۳۶۶.

۳- ر.ک: دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۹۰؛ آل عمران، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶؛ بقره، آیات ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳ ص ۱۱۵؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴.

انصاف و عدل در معاملات و کارهای اقتصادی سفارش نماید. موعظه و سخنرانی ائمه جماعت، بر روی منابر در مسجد، تأثیری عمیقی در نمازگزاران ایجاد کرده و آنان از نظر اخلاقی به رعایت مسائل شرعی و انجام فعالیت سالم اقتصادی ملزم می‌شوند.

طلاب و روحانیان می‌توانند مروج مسائلی باشند که از فعالیت‌های اقتصادی کشور حمایت می‌کند. آنها می‌توانند مروج مسائلی باشند که از فعالیت‌های اقتصادی کشور حمایت می‌کند. موضوعات جدید اقتصادی که در قالب مکاسب محرّمه و مسائل فقهی می‌گنجد باید به صورت کارشناسی شده وارد دروس حوزه شود. با مشاهده درس نامه حوزه علمیه و نگاهی به فراوانی دروسی که در حوزه برگزار می‌شود، جای مسائل مستحدثه و روز، خالی است. به عنوان مثال، طلاب و فضایی حوزه باید در زمینه معاملات اینترنتی روز دنیا، اطلاعات لازم را کسب و مباحث فقهی و شرعی مربوط به آنها را بررسی کنند.^۱

۶. مسجد و سنت وقف

وقف، از نظر لغوی به معنی به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است و از نظر اصطلاحی، به مفهوم نگه داشتن و حبس کردن عین ملکی بر ملک واقف آن [نه ملک خدا] و مصرف کردن منفعت آن را در راه خداوند است^۲ و بعضی از فقهاء می‌گویند وقف، حبس عین مال بر ملک خدای تعالی است. در ماده ۵۵ قانون مدنی ایران، وقف، به معنی حبس عین مال و تسبیل^۳ بر حسب نیت واقف است.^۴

در آیات متعددی از قرآن، به مفهوم وقف اشاره شده است. به عنوان نمونه قرآن می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا؛ اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات (آثار ماندگار شایسته) ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش تر است».^۵ در روایات نیز بر آموزه ارزشمند وقف تأکید زیادی شده است. پیامبر ﷺ در حدیث مشهوری می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوهُ؛

۱- ویژه نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین، ش ۱۶، بیانات آیت الله یزدی.

۲- حسینی، سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۵۵۶.

۳- تسبیل، به مفهوم دادن چیزی در راه خیر و در راه خداوند است؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۱۸.

۴- دهخدا، علی اکبر، همان، ج ۱۵، ص ۲۳۲۲۶-۲۳۲۲۸.

۵- کشف، آیه ۴۶؛ همچنین ر. ک به: آل عمران، آیه ۹۲؛ مزمل، آیه ۲۰؛ بقره، آیه ۱۷۷.

۶- در کتب متعدّد حدیثی، مانند وسائل الشیعه، ج ۲۸ و من لایحضر الفقیه و الهدایة بالخیبر نوشته شیخ صدوق، المقنعة نوشته شیخ مفید، استبصار نوشته شیخ طوسی و... بابی به نام وقف به بیان احادیث و روایات مربوط به آن پرداخته است که از بیان آدرس دقیق تر همه آنها به هدف اختصار خودداری شده است.

وقتی انسان بمیرد، عمل او خاتمه می‌یابد، مگر در سه چیز: صدقه جاریه (وقف)، علمی که از آن استفاده شود، فرزند صالحی که برای او دعا کند»^۱.

مسجد، نقش بسیار بزرگی در ترویج سنت حسنه و عبادت بزرگ وقف و ایجاد موقوفه‌های فراوان دارد؛ موقوفه‌های فراوانی که در اطراف یا در ابنیه مساجد موجود است. از دیر باز، رسم بود که بسیاری از مساجد دارای، مغازه، گاراژ، کاروان سرا یا بازار... بوده‌اند و هر یک از این موقوفات، در خدمات‌دهی به فقراء، زوار و بی‌پناهان نقش ویژه‌ای داشتند. چنان چه بسیاری از حوزه‌های علمیّه هم از طریق همین موقوفات اداره می‌شوند؛ مثل: حوزه علمیّه صدر اصفهان و ولیّ عصر تبریز و یا طالبیّه تبریز. امامزاده‌ها و حرم‌ها همچنین، موقوفاتی داشتند؛ مثل: موقوفات حرم امام رضا (علیه السلام) و حرم حضرت معصومه (علیها السلام) از چنین مساجدی می‌توان از مسجد مقدّس جمکران در قم، مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) در قم، مسجد طوبی در تبریز، مسجد مقبره در تبریز، مسجد امام در اصفهان و ... نام برد.

در وضعیتی که اقتصاد جامعه با روحيات معنوی و مذهبی نیاز به سرمایه‌گذاری در امور مختلف باشد، می‌توان با اشاعه فرهنگ وقف در قالب آموزه‌های مسجیدی و توسعه موقوفات دارای بازگشت سرمایه، چرخ اقتصاد تحریم شده توسط دشمنان را فعال نگه داشت و در را تحقّق حماسه اقتصادی، برنامه‌ریزی و فعالیت نمود.

۷. مسجد، جایگاهی برای انواع انفاق

انفاق، از ریشه «نفق» به معنی نفقه کردن، بخشیدن، احسان کردن و بخشش کردن است.^۲ انفاق، صرف کردن مال در مصارف نیکو کارانه است که اغلب مفسّران، این عمل را از نظر توزیع ثروت و کاهش محرومیت‌های اقتصادی نگاه می‌کنند.^۳ از نظر اصطلاحی، انفاق در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، به اعطای مال یا جان و جسم در راه خدا به فقیران و نیازمندان گفته می‌شود که به حکم آیات «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ...»^۴ و «أَنْفِقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ...»^۵ انجام می‌شود و به عنوان کمال بذل است.^۶ «نفق» به همراه مشتقات آن بیش از ۷۰ بار در قرآن با واژگان و تعابیر مختلفی آمده است.^۷

۱- پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۲۰۰، ج ۲۳۹؛ مجلسی، وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

۲- نحوی سیّد محمد، فرهنگ واژه‌های عربی، ص ۴۱۰؛ همچنین ببینید: لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۴۲؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲۲۷؛ مقایس اللغه، ج ۵، ص ۴۵۴.

۳- مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱، تهران، سال ۱۳۸۰، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

۴- بقره، آیه ۲۶۱.

۵- تغابن، آیه ۱۶.

۶- سجادی سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۷- بقره، آیه ۲۶۳؛ بقره، آیه ۲۶۴؛ توبه، آیه ۷۱؛ بقره، آیه ۲۷۱؛ همچنین ر. ک به: مائده، آیات ۸ و ۵۵ و ۹۵؛ نور، آیه ۲۲؛ توبه، آیه ۴۱؛ بقره، آیات ۲۴۵ و ۱۷۷ و ۴۳؛ حدید، آیات ۱۱ و ۱۸؛ بلد، آیه ۱۴؛ انسان، آیه ۸؛ نساء، آیه ۸.

انفاق‌ها را از منظر آیات قرآن کریم می‌توان از چند نظر دسته‌بندی کرد.^۱ مانند: انفاق‌های واجب،^۲ انفاق‌های مستحب،^۳ انفاق‌های حرام.^۴

در آیات قرآن، سفارش زیادی به انفاق شده است و برای این کار با ارائه مثل‌هایی، پاداش و اجر معنوی زیادی مطرح شده است. قرآن می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْهُ أَكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَظَلُّوا اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرَةً وَمَثَلُ [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است] و خداوند به آنچه انجام می‌دهید، بیناست».^۵ با توجه به مفهوم گسترده انفاق، در شرایط ریاضت‌های اقتصادی، یکی از آموزه‌هایی که می‌تواند در خصوص رفع نیازهای طبقات متوسط و پایین جامعه اثربخش باشد، انفاق و انواع انفاق است. توجه به انواع انفاق، در قالب فعالیت‌های مسجدی می‌تواند موجب جلوگیری از توقف ثروت نزد ثروتمندان شود و چرخه توزیع منابع اقتصادی با جریان منابع از طرف ثروتمندان به نفع نیازمندان عادلانه‌تر گردد. این امر، حرکتی به سمت حماسه اقتصادی محسوب می‌شود.

۸. مسجد و عبادت صدقات

از کارکردهای اقتصادی غیرمستقیم مساجد، پرداختن به سنت حسنه صدقه است. وجود صندوق‌های صدقات در اطراف مسجد، در داخل مسجد، جمع‌آوری مستقیم صدقه برای نیازمندان... به همین منظور است. این کار نیک، یکی از کارهای روزمره مسلمانان مؤمن است. در آموزه‌های اسلامی به صدقه سفارش زیادی شده است که به عنوان نمونه برخی موارد به شرح زیر بیان می‌شود:

الف) پیامبر ﷺ فرمودند: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَذَخَائِرُ الصَّدَقَةِ؛ بهترین ثروت و اندوخته انسان، صدقه است».^۶

ب) امام باقر ﷺ فرمودند: «الْبِرُّ وَصَدَقَةُ السَّرِيِّنِ الْفُقَرَاءِ...؛ نیکوکاری و صدقه پنهانی، فقر را

۱- ابراهیم، آیه ۳۱، رعد، آیه ۲۲. نحل، آیه ۷۵، فاطر، آیه ۲۹؛ همچنین رک: الشیخ الطبرسی، تفسیر مجمع البیان (عربی)، ج ۲، ص ۶۶۰.

۲- مائده، آیه ۸۹؛ نساء، آیه ۹۲؛ حدید، آیه ۱۵؛ بقره، آیات ۲۳۳ و ۱۸۴ و ۱۹۵.

۳- بقره، آیات ۲۴۵ و ۳ و ۲۷۰؛ همچنین ببینید: کرمی علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ص ۸۷۳ و ۸۷۴.

۴- انفال، آیه ۳۶؛ نک به: کرمی علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ج ۵، ص ۳۷۵.

۵- بقره، آیه ۲۶۵؛ ر. ک به: بقره، آیات ۳ و ۱۵۹ و ۲۷۴ و ۲۶۱ و ۲۶۷؛ تغابن، آیه ۱۶؛ انفال، آیه ۳؛ حدید، آیه ۱۰؛ آل عمران آیات ۱۷ و ۱۳۴ و ...

۶- العاملی الحز، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

می‌زدانید و ...»^۱.

فعالان فرهنگی مساجد و مبلغان محترم، باید در مساجد با تبلیغ در مورد پرداخت صدقه و تفسیر برخی از آیات مربوط به صدقات، در تجدید و احیای آن بیش از پیش تلاش کنند. هر چند مؤمنان نیز از عمق جان دریافته‌اند که این صدقه‌های کم، ولی با ارزش آنان گره‌های بزرگی از زندگی مردم را می‌گشاید و یک گنجینه عظیمی برای آخرت آنها است.

در بحران‌های اقتصادی، همیشه طبقه‌ای از مردم، بیشتر در معرض آسیب اقتصادی هستند. این گروه از نیازمندان که فاصله زیادی از طبقات دیگر اقتصادی دارند، چشم امیدشان به بی‌نیازان است. این حس نوع‌دوستی، فرهنگ زمینه‌ای تحقق حماسه اقتصادی را، در قالب کاهش شکاف طبقاتی و احساس همدردی طبقات بالاتر و تجلی عدالت اجتماعی تسهیل خواهد کرد.

۹. آموزش کاربردی کسب روزی حلال در مساجد

یکی از نیازهای فردی هر انسان، توجه به معاش خود و زیردستان است. کسب روزی حلال، یکی از دغدغه‌های مهم هر مؤمن و هر فرد موحد است. هر فرد، برای امرار معاش خود، ناگزیر است تا کسب و کار یا حرفه‌ای برای خود ایجاد کند. افراد، با راه‌اندازی یک منبع ایجاد درآمد به صورت حقیقی یا حقوقی، هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کنند. بنابراین، همه مسلمانان بدون توجه به نوع شغل و مهارت و تخصص خود، باید از احکام اسلامی در مورد نحوه انجام معاملات و عقود مختلف و خرید و فروش و ... آگاهی داشته باشند. مراجع تقلید نیز، دانستن مسائلی که افراد به‌طور معمول، با آنها سر و کار دارند را لازم دانسته‌اند.^۲ در آموزه‌های اسلامی نیز به کسب روزی حلال و تلاش و کوشش تأکید زیادی شده است؛ تا جایی که در قرآن کریم بیش از ۵۵۰ آیه، در قالب‌ها و چهره‌های گوناگون درباره کار و تلاش و سخت‌کوشی و سازندگی آمده است.^۳ کار و تلاش و کسب حلال و ارتزاق از کدّ یمین و عرق جبین در آینه روایات، بهترین عبادات، تربیت‌کننده و کمال‌بخش انسان، شمرده شده است. در ادامه، به برخی از این روایات اشاره می‌شود:

۱. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَالِلِ؛ عبادت، هفتاد جزء است که بهترین آن، دنبال روزی حلال رفتن است (کسب و کار، برای به دست آوردن روزی حلال)».^۴

۱- مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۸۱؛ برای مطالعه احادیث بیشتر، ک به: وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸ و ج ۱۳، ص ۳۵۸؛ میزان الحکمة، ج ۵، ص ۳۲۶.

۲- ر. ک به: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، م ۱۲، ص ۲۱.

۳- عبدالباقی، محمّد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، ذیل واژه‌های «عمل»، «سعی» و «فعل».

۴- مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۷، ح ۲۵ و ۲۹ و ص ۹، خ ۲۶؛ العاملی الحر، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۱.

۲. همچنین فرمودند: «مَنْ أَكَلَ مِنْ كَدِّ يَدِهِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ بِالرَّحْمَةِ ثُمَّ لَا يَعْدِبُهُ أَبَدًا؛ هر کس از دسترنج خود بخورد، خداوند به وی نگاه محبت آمیز خواهد افکند و آنگاه هرگز او را عذاب نخواهد کرد»^۱.
۳. آن حضرت، درباره کسب روزی حلال و پاکیزه فرمودند: «طَلَبُ الْحَلَالِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ وَ مُسْلِمَةٍ؛ کار و تلاش عادلانه و انسانی، برای تأمین هزینه زندگی، بر هر مرد و زن مسلمان لازم است»^۲.
۴. در روایتی دیگر فرمودند: «أَطْيَبُ الْكَسْبِ عَمَلُ الرَّجُلِ بِيَدِهِ؛ بهترین و پاک ترین کسب ها آن است که انسان با دست خود، کار کند»^۳.

از طرف دیگر، می دانیم که یکی از مهم ترین کارکردهای مسجد، کارکرد آموزشی است. پیامبر ﷺ و ائمه معصومان علیهم السلام برای حفظ جنبه های آموزشی مسجد، تلاش های ارزنده ای انجام دادند. پیش از پیدایش مدرسه، مساجد، یگانه مرکز مهم آموزشی- فرهنگی در جهان اسلام بوده اند. پس از آن نیز، مدرسه در دامن مسجد بنا می شد. از همین رو، در بیشتر کتاب هایی که درباره مسجد به نگارش در می آمد، از مدرسه بسیار سخن گفته می شد که سبب آن ارتباط نزدیک مسجد و مدرسه است.^۴ همه این مطالب به کارکرد آموزشی مسجد دلالت دارد. مسجد، ابزارها و موقعیت هایی را در اختیار دارد که به کمک آن می توان به آموزش و افزایش شناخت دینی نمازگزاران پرداخت.

مسجد مکانی است که مسلمانان برای برپایی فرائض الهی و مجالس مذهبی در آن حاضر می شوند و این فرصت مناسبی است تا معارف و احکام دین منتشر شود. بنابراین، مسجد مهم ترین مکان برای آموزش معاملات اسلامی است تا آموزه های اقتصاد مقاومتی و اسلوب جهاد اقتصادی مورد توجه مؤمنان قرار گیرد و به کل جامعه اسلامی تسری یابد.

۱۰. نقش مسجد در هدایت ثلث اموال مردم

روشن است که با رحلت اشخاص حقیقی، مالکیت آنها زایل شده، شخص فقط مالک ثلث اموال خویش است و فقط می تواند در مورد یک سوّم اموال خود، وصایایی داشته باشد.^۵ افرادی که در مساجد حاضر می شوند، بارها و بارها تحت تعالیم علماء و خطبای مساجد در رابطه با ثلث اموالشان توصیه هایی را شنیده،

۱- نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۳، ص ۲۴.

۲- ابن شعبه خزانی، تحف العقول، ص ۴۸۹.

۳- پاینده ابوالقاسم، نهج الفصاحه، حدیث ۳۳۲.

۴- برای مطالعه بیشتر، ر.ک به: شبلی احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ص ۸۹ به بعد.

۵- موسوی خمینی روح الله، رساله توضیح المسائل، احکام وصیت، ص ۳۲۹-۳۳۳، م. ۲۷۰۳-۲۷۳۶.

تصمیماتی برای ثلث امواتشان و مصرف صحیح و عبادی آن اخذ کرده‌اند. در واقع، می‌توان گفت که مسجد، نقش ویژه‌ای در هدایت ثلث اموال و مصرف صحیح آنها، در راستای عبادت و انجام امور خدا پسندانه دارد و این یک حرکت زیبایی عبادی و اقتصادی است. در این مورد می‌توان با سیاست‌گذاری مناسب، در قالب رفتارهای اقتصاد مقاومتی، به سمت خلق حماسه اقتصادی گام برداشت. در ادامه برخی راهکارهایی کاربردی در این خصوص مطرح می‌شوند:

۱. حضور امام جماعت مسجد یا برخی متولیان فرهنگی آگاه به مسائل در منازل افراد، بر اساس درخواست آنها و تنظیم وصیت‌نامه‌ها در راستای هزینه کردن ثلث اموال در مسیر عبودیت و ارائه ارشادات و راهنمایی‌های لازم؛

۲. تبلیغ و ایراد خطابه در مساجد، توسط ائمه جماعات و سایر متولیان فرهنگی مساجد، در خصوص نحوه مصرف ثلث مال اموات، با در نظر گرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ...؛

۳. برنامه‌ریزی جامع در خصوص هزینه و مصرف بهینه ثلث اموال تحویلی به خود مسجد (طبق وصیت متوفی) و اقدام به حرکت‌های عبادی، مانند صندوق قرض الحسنه مسجد، اطعام فقرا در مسجد، تهیه تجهیزات مساجد و هرگونه احسان در این خصوص؛

۴. قبول مسئولیت و صایت افراد توسط خود مسجد و امام جماعت یا برخی متولیان فرهنگی مساجد و مدیریت بهینه مصرف ثلث اموال متوفیان.

نتیجه‌گیری

بر اساس مطالب بیان شده، می‌توان گفت که مساجد جایگاه مؤثری در حماسه اقتصادی بر مبنای بهره‌گیری از آموزه‌های اقتصاد اسلامی و اصول اقتصاد مقاومتی دارند. تبیین و اصلاح شیوه‌های الگوی مصرف، برای نیل به اقتصاد اسلامی، بسترسازی فرهنگی برای جهاد اقتصادی، ارتقاء کمی و کیفی تولیدات با آموزش نحوه رعایت حلال و حرام در کسب و کار و ترویج کسب و کارهای اسلامی در رسیدن به یک اقتصاد مقاوم نقش بسیار مهمی دارند. بنابراین، توجه به مرکزیت مسجد در سازمان‌دهی نگرش‌های اسلامی در بازاریان و همه مؤمنان و تبیین آموزه‌های اقتصادی مسجدی با بهره‌گیری از رسانه فراگیر منبر و به عنوان مهم‌ترین رسانه اثرگذار در اقتصاد خرد و کلان، بسترهای نیل به حماسه اقتصادی را مهیا می‌کند. امامان جماعت و مسئولان و متولیان فرهنگی مرتبط با مساجد باید با تلاش و خلاقیت همه‌جانبه خود به نهادینه کردن آموزه‌های مسجدی، مانند قرض الحسنه، انفاق و صدقه و خمس و زکات، ثلث اموات و

سنت وقف و ... اقدام نمایند. این امر، موجب هموارسازی مسیر حرکت حماسی و تسهیل در نیل به حماسه اقتصادی و سیاسی می‌شود. بدین ترتیب، مسجد با کارکردهای متنوع اقتصادی خود، مهم‌ترین نقش را در تبیین مفهوم و اصول اقتصاد مقاومتی و درونی‌سازی آن برای دست‌یابی به حماسه اقتصادی دارد. در همین راستا، همه سازمان‌های فرهنگی و متولیان مدیریت امور مساجد باید به نقش‌های مسجد در عملیاتی‌سازی شعار امسال عنایت لازم را داشته باشند.

منابع و مأخذ:

الف) فارسی

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند محمد مهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **من لایحضره الفقیه**، متوفای ۳۸۲ ه. ق، چاپ ۴ جلدی، چاپ قدیم، بی تا، بی نا، سال ۱۴۰۴ ق.
 ۲. _____، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ ه. ش.
 ۳. ابن شعبه حرّانی، محمد حسن بن علی، **تحف العقول عن آل الرسول**، الطبعة الخامسة، بیروت، علمی، ۱۳۹۴ ه. ق.
 ۴. ابن منظور محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دارالفکر، دار صا، بیروت. چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
 ۵. احمدی، علی محمد، **نقش مسجد در اقتصاد محله**، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، تهران، ۱۳۸۳.
 ۶. اسحاقی، سید حسین، **مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی**، مرکز نشر هاجر، وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خواهران، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۰.
 ۷. الطبرسی، الفضل بن الحسن (شیخ طبرسی)، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه کرمی علی، انتشارات فراهانی، ج ۳، ۵، پاییز ۱۳۷۹.
 ۸. المقریزی، تقی الدین احمد، **المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الاثار (الخطط)**، مکتبه الاحیاء العلوم، لبنان، بی تا، ج ۲، ۱۴۱۸ ق / ۱۳۷۷ ش.
 ۹. انصاری، محمد جعفر، دیرباز، عسگر، کرمی، محمد مهدی، کرمی محمد حسین، **درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد بانگرش اسلامی**، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۸.
 ۱۰. آمدی عبدالواحد بن محمد، **تصنیف غرر الکلم و درر الکلم**، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، به تحقیق: درایتی مصطفی، قسم الخامس، ۱۳۶۶.
 ۱۱. بخاری، ابو عبدالله بخاری، **صحیح بخاری**، (م ۲۵۶ ه. ق)، طبع مصر، سال ۱۳۳۰ ه. ق.
 ۱۲. بگ، دیوید، فیشر، استانلی، دورنبوش، رودیگر، **علم اقتصاد**، ترجمه تیزهوش، محمد حسین، انتشارات جنگل، ج ۱ و ۲، سال ۱۳۸۵.
 ۱۳. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، چ ۴، تهران، دنیای دانش، ۱۳۸۳ ش.

۱۴. پل، ساموئلسون، اقتصاد، ترجمه حسین پیرنیا، بنگاه ترجمه و نشر کتاب تهران، جلد اول، ۱۳۴۳.
۱۵. جابری عربلو محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۶. جهانگیری سهروردی یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، مقاله چاپ نشده و در حال بررسی توسط مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، ۱۳۹۲.
۱۷. چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم اندازی اسلامی، ترجمه شعبانی احمد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۸. حرّالعاملی، محمدحسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، قم، انتشارات مهر، چاپ دوم، ج ۶، ج ۱۲، ج ۱۳، ج ۲۸، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۱۹. حسینی سیدمحمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، سروش، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۸۹.
۲۰. خیرخواهان، جعفر، بلای منابع و اثرآزمندی، نامه مفید، ش ۳۸، سال نهم، مهر و آبان ۱۳۸۲.
۲۱. دادگر، یدالله، اقتصاد بخش عمومی، انتشارات دانشگاه مفید، پاییز ۱۳۸۰.
۲۲. دستغیب شیرازی، سیدعبدالحسین، گناهان کبیره، مجموعه دو جلدی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۲۳. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
۲۴. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، جمعی از محققین مرکز.
۲۵. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
۲۶. ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمة، ۱۰ جلدی، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، ج ۱، ج ۲، ج ۵، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۲۷. زاکس، ولفگانگ، نگاهی نو به مفاهیم توسعه، ترجمه: فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران، انتشارات مرکز، ۱۳۷۷.
۲۸. سالواتوره، دومینیک، تئوری و مسایل اقتصاد خرد، ترجمه: حسن سبحانی، نشرنی، سال ۱۳۷۷.
۲۹. ساموئلسن پل، هاوس ویلیام نورد، اقتصاد، ترجمه علی‌رضا نوروزی و محمد ابراهیمیان جهاندوست، ناشر مترجمان، چ اول، ج ۱، سال ۱۳۷۳.
۳۰. سجّادی سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، شرکت مترجمان و مؤلفان ایران، اسفند ۱۳۶۲.
۳۱. شبلی احمد، تاریخ آموزش در اسلام، ترجمه ساکت محمدحسین، دفتر نشر فرهنگ اسلامی،

- تهران، ۱۳۶۳ ه.ش، پیوست ۲ (نقدی بر کتاب تاریخ آموزش در اسلام) از مصطفی جواد.
۳۲. شریفی، محمود، **چهل حدیث خمس و زکات**، قم، نشر معروف، ۱۳۷۷ ه.ش.
۳۳. —، **چهل حدیث قرض الحسنه**، نشر معروف، قم، ۱۳۸۱ ش.
۳۴. ضیاء آبادی، سید محمد، **موعظه راه پیشگیری از نفوذ شیطان در دل انسان**، نشر مؤسسه نبا، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۳۵. طباطبایی قمی، تقی، **الغایة القصوی فی تعلیق علی العروة الوثقی**، کتاب الخمس محقق: یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، انتشارات محلّاتی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۶. طباطبایی محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه: موسوی محمد باقر، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، قم، ج ۶، سال ۱۳۷۴.
۳۷. طه، الولی، **المسجد فی الاسلام**، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۹ ه.ق.
۸۳. عبدالباقی، محمد فؤاد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن**، نوید اسلام، قم، ج ۳، ۱۳۸۴.
۳۹. علی اکبری، حسن، **نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی**، ۷ فروردین، ۱۳۹۲، قابل دسترس در سایت راسخون به آدرس: <http://rasekhoon.net/article>
۴۰. —، **نکته‌هایی پیرامون حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی**، تنظیم و ویرایش نهایی سایت حرف آخر، قابل دسترس در آدرس: <http://harfeakhar.com/article>
۴۱. علیخانی، حسین، **تحریم ایران**، شکست یک سیاست، ترجمه متقی نژاد محمد، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ دوم، پاییز ۱۳۸۴.
۴۲. عمید حسن، **فرهنگ عمید**، انتشارات اشجع، چ دوم، ج ۱، زمستان ۱۳۹۰.
۴۳. فخرالدین رازی، **التفسیر الکبیر**، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۶، ۱۴۱۱ ق.
۴۴. فیروزآبادی، نجم‌الدین محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ ه.ق.
۴۵. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۲، سال ۱۳۷۸.
۴۶. کائوتری، هوئین و دیگران، **مشارکت در توسعه**، ترجمه: هادی غبرائی و داوود طباطبایی، تهران، انتشارات روش، ۱۳۷۹.
۴۷. لابی‌الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، **مقایس اللّغه**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ج ۵، سال ۱۳۶۱.
۴۸. لوئیس معلوف، **المنجد فی اللغة والاعلام**، البطح السادسة والعشرون، دارالشرق، بیروت،

۱۳۶۵. / م ۱۹۸۶

۴۹. متقی هندی، **کنز العمال**، تصحیح: صفوه سقا، چاپ اول، مکتبه التراث الاسلام، بیروت، ۱۳۹۷ هـ. ق

۵۰. مجلسی، علامه محمدباقر، **بحار الانوار**، انتشارات اسلامیة، ج ۷۷ و ۷۱ و ۷۱ و ۴۳، سال ۱۳۶۲.

۵۱. محتشم دولتشاهی، **طهماسب، مبانی علم اقتصاد**، انتشارات خجسته، چاپ ۲۵، سال ۱۳۸۵.

۵۲. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، **دائره المعارف بزرگ اسلامی**، چ ۱، تهران، سال ۱۳۸۰.

۵۳. مرکز رسیدگی به امور مساجد، **سیمای مسجد طراز اسلامی**، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، شهریور ۹۱.

۵۴. مشکینی اردبیلی، علی اکبر، **بحثی پیرامون خمس تحقیقی و استدلالی**، انتشارات یاسر، ۱۳۵۹.

۵۵. مصاحبه دکتر فرهاد رهبر، اقتصاددان و رئیس دانشگاه تهران در گفتگو با فارس، قابل دسترس در:

www.bultennews.com/fa/news

۵۶. مک آیور، م، **جامعه و حکومت**، ترجمه ابراهیم علی کنی، تهران، انتشارات ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۹.

۵۷. مکارم شیرازی، ناصر، **رساله توضیح المسائل**، انتشارات امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، چ ۳۱، سال ۱۳۸۹.

۵۸. موسوی الخمینی، سیدروح الله، **رساله توضیح المسائل**، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ هـ. ش.

۵۹. نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام**، تحقیق: قوچانی عباس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۱۵، سال ۱۳۶۲.

۶۰. نحوی سید محمد، **فرهنگ واژه های عربی**، انتشارات اسلامی، تهران، چ ۱، سال ۱۳۸۶.

۶۱. نوری، حاج میرزا حسین (محدث نوری، م ۱۳۲۰ ق)، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، چ ۶ و ۱، ۱۴۰۸ ق.

۶۲. نیلی پور، مهدی، **بهشت اخلاق**، مجموعه سه جلدی، نشر مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (علیه السلام)، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۶۳. ویژه نامه تبلیغ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره های ۱۶ و ۱۷، مربوط به محرم ۱۴۳۴ هـ. ق و رمضان ۱۴۳۴ هـ. ق.

۶۴. هادوی تهرانی، مهدی، **مکتب و نظام اقتصادی اسلام**، انتشارات خانه خرد، ۱۳۸۷.

(ب) منابع انگلیسی

۶۵. R.A. Musgrave & P.B Musgrave, **Public Finance In theory and Practice**, McGrawhill, ۱۹۸۹, pp ۱۳-۱۱
۶۶. **Iran's Economy & the US Sanctions**, Middle East Journal, Vol ۵۰, No ۲, Spring, ۱۹۹۷.
۶۷. Ernest, H, Preeg, **Feeling Good or Doing Good With Sanctions: Unilateral Economic Sanctions and International Studies Press**, ۱۹۹۷
۶۸. Gouger, j. Daniel and Robert W. Knap; (۱۹۷۴), **system analysis technique**, New York, John Wiley and sons, p: ۳۹.
۶۹. Amuzegar Jahangir, **Managing the Oil wealth windfalls and Pitfalls**, London: IB Tauris, ۱۹۹۹.
۷۰. Ernest, H, Preeg, **Feeling Good or Doing Good With Sanctions: Unilateral Economic Sanctions and International Studies Press**, ۱۹۹۷

بررسی نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی

حسین اسلام‌پور و بتول احمد نژاد

چکیده

این نوشتار، در صدد تبیین کارکردهای اقتصادی مسجد و نقش آن در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی است. نگارنده، پس از بحث در مورد واژگان کلیدی و مفاهیم پیرامون موضوع و اشاره‌ای کوتاه به فلسفه نام‌گذاری سال ۱۳۹۲، به عنوان سال حماسه اقتصادی، ضمن تعریف اقتصاد مسجدی، برخی از آموزه‌های مسجدی و مفاهیم پایه‌ای اقتصاد مسجدمحور، مانند خودباوری و استقلال، عزت اسلامی، استقامت و مقاومت را تشریح نمود. سپس نگارنده، آموزه‌های فراگیر و ارزشمند مسجدی - اقتصادی را با رویکرد بازارمحور تشریح کرد که این آموزه‌ها عبارت‌اند از: اهمیت تعامل دو جانبه مساجد و بازارها، تنظیم و هدایت بازار در راستای معاملات اسلامی، نکوهش احتکار، مذمت گران‌فروشی و کم‌فروشی، دوری از معاملات ربوی، کسب حلال در بازار و دوری از حرام‌خواری، جلوگیری از تولیدات مضر و نکوهش آنها. نگارنده در ادامه با بهره‌گیری از آموزه‌های مسجدی و به کمک آیات و روایات اسلامی، در دو مقوله کلی پرداخت‌های واجب اسلامی و پرداخت‌های اختیاری (مستحب) مسلمانان، به کارکردها و جلوه‌نمائی‌های مساجد در اقتصاد اسلامی پرداخته و جزئیاتی را در سازمان‌دهی و مدیریت این کارکردها مطرح کرده است. در مبحث پرداخت‌های الزامی (واجب) اسلامی به موضوع خمس، زکات و زکات فطره اشاره گردید و در مقوله پرداخت‌های اختیاری مسلمانان، آموزه‌ها و سنت‌های گرانقدری چون صدقه، انفاق، قرض الحسنه، موقوفات، ثلث اموات بحث و بررسی شد و در هر مبحث، پیشنهادات لازم ارائه گردید. نگارنده در پایان، به این نتیجه رسید که مدل اقتصادی مسجدمحور یا الگوی اقتصادی مسجدگرا، زیربنای توسعه اقتصادی در جوامع اسلامی است و برای تحقق حماسه‌سازی در اقتصاد باید به تشریح ابعاد اقتصاد مسجدی پرداخت و آموزه‌های آن را در جوامع اسلامی به طور عمیق، نهادینه کرد.

واژگان کلیدی:

مسجد، اقتصاد، اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، حماسه، حماسه اقتصادی، اقتصاد اسلامی (اقتصاد مسجدگرا)، آموزه‌های اقتصاد مسجدی.

سوالات تحقیق

۱. منظور از اقتصاد مسجدمحور چیست و پیش‌فرض‌های اقتصاد مسجدی یا اقتصاد مسجدمحور کدام‌اند؟

۲. آموزه‌های فراگیر و ارزشمند مسجدی - اقتصادی با رویکرد بازارمحور کدام‌اند و نقش آنها در حماسه‌سازی اقتصادی چیست؟
۳. نقش مسجد در جذب و سازمان‌دهی پرداخت‌های اختیاری (مستحب) مسلمانان چیست؟
۴. جایگاه مسجد در سازمان‌دهی پرداخت‌های الزامی (واجب) اسلامی چیست؟

مقدمه

اقتصاد، به مفهوم کمیابی اشاره دارد. کلمه کمیابی، نزدیک‌ترین معنی را به کلمه محدودیت یا اقتصاد داراست که در مقابل کلمه نامحدود یا آزاد مطرح می‌شود. کمیابی منابع، مسئله اساسی و محوری هر جامعه است. اقتصاد، در وضعیت کنونی جهانی، حرف اول را می‌زند و هر کشوری که از نظر اقتصادی، قدرتمند باشد، در زمینه سیاسی و نظامی و ... نیز وجهه بین‌المللی مناسبی خواهد داشت. در بین مکاتب مختلف اقتصادی، اقتصاد اسلامی، مکتبی فراگیر و منطبق با نیازهای بشری و فطری انسان‌هاست و با تبیین هر چه بیشتر آن و کاربردی ساختن آن، بسیاری از مشکلات جوامع در سایر زمینه‌ها نیز برطرف خواهد شد؛ چرا که هر نوع فعالیت و اقدامی در زمینه توسعه و پیشرفت، به توسعه اقتصادی وابسته است. مساجد، به عنوان نماد ارزشمند دین اسلام، دارای کارکردهای متنوعی هستند. کارکردها و جلوه‌های اقتصادی مساجد در گذشته بسیار روشن و عینی‌تر بوده است. با پیدایش برخی سازمان‌ها و نهادها، برخی از این کارکردها یا وظایف، نامحسوس شده است. با وجود این، اقتصادی که در قلب آموزه‌های مسجدی و با نگرش‌های مسجدمحور تبیین و تشریح می‌شود، آسیب‌ها و ضعف‌های برخی مکاتب اقتصادی دیگر را ندارد. ابعاد و جنبه‌های اقتصاد مسجدی، اگر به روشنی تبیین و تشریح شوند، می‌توانند یک مدل جامعی از اقتصاد اسلامی مسجدمحور به دست دهند. اقتصاد مسجدمحور با آن همه آموزه‌هایی که در قالب‌های فردی و جمعی ارائه می‌کند، مهم‌ترین عامل حماسه‌سازی در اقتصاد است و رهبر معظم علیه السلام نیز با بهره‌گیری از الهامات توحیدی و الگوهای مسجدی، به نام‌گذاری سال ۱۳۹۲ اقدام فرموده است. در این نوشتار نگارنده، از رویکرد قرآنی و روایی به تبیین نقش‌های مسجد در اقتصاد اسلامی و حماسه اقتصادی پرداخته است و با تأکید بر بازار، به عنوان نمود اقتصاد خرد و کلان، اهمیت آموزه‌های مسجدی را در تعالی اقتصاد و خلق حماسه در مقوله اقتصاد تبیین کرده است. برای آغاز بحث، ابتدا واژگان کلیدی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بررسی واژگان و مفاهیم کلیدی

مسجد

مسجد، در اصل اسم مکان از فعل «سَجَدَ، یَسْجُدُ» و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به

کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «المَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اِعْتِبَارًا بِالسُّجُودِ؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد، مسجد نامیده شد».^۱ سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کرنش عبد، در برابر پروردگار متعال است. از این رو، اسم آن را مسجد گذاشته‌اند.^۲ مسجد، به معنی محلّ سجده، برگرفته از سجود، به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن در پیشگاه خداوند متعال است. در فرهنگ دینی «سجده»، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست و در روایات چنین آمده است: «السُّجُودُ مَتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنِي آدَمَ».^۳

در اصطلاح شرعی، مسجد مکانی است که به منظور برپایی نماز، برای عموم مسلمانان وقف شده باشد. مرحوم شیخ محمدحسن نجفی، در «جواهرالکلام» می‌نویسد: «وَالْمُرَادُ بِالسُّجُودِ شَرْعًا الْمَكَانُ الْمَوْقُوفُ عَلَى كَافَةِ الْمُسْلِمِينَ لِلصَّلَاةِ».^۴

در برخی از آیات قرآن^۵، از مسجد به «بیت‌الله» و «خانه خدا» هم یاد شده است. گرچه «خانه خدا» گفتن، در عرف مردم، کمتر از «مسجد» گفتن است و بیشتر مردم، این مکان مقدّس را مسجد، خطاب می‌کنند، نه خانه خدا؛ اما خانه خدا گفتن، هم دارای نکات و لطافت ظریف و دقیقی است و در برخی از روایات هم تصریح به «بیت‌الله» شده است.^۶

قرآن کریم، کعبه را که برترین خانه خداست در زمین، خانه‌ای برای مردم به شمار آورده است و می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای مردم و نیایش خدا مقرر شده، همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است».^۷ در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محلّ برای عبادت و تقربّ جستن به خداوند متعال، مسجد است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است.^۸ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ».^۹ مسجد، پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است؛ همچنان که قرآن کریم در مورد سیر پیامبر اکرم ﷺ از زمین

۱. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

۲. رک: فرهنگ مسجد.

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

۵. نور، آیه ۳۶.

۶. وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵؛ همان منبع، ج ۳، ص ۵۵۷، باب ۷۰ از احکام مسجد، روایت ۱.

۷. آل عمران، آیه ۹۶.

۸. جن، آیه ۱۸.

۹. حج، آیه ۴.

به سدرۃ المنتهی در شب معراج می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»^۱.

مسجد، به معنای سجده‌گاه و مکان سجده است. واژه مسجد در لغت، به معنای «جایگاه سجده و محل عبادت است که در فارسی به آن «مزگت» هم گفته شده است»^۲.

مسجد، در اصطلاح عرفی عبارت است از مکانی که خاصّ عبادت برای مسلمانان است؛ ولی در قرآن کریم، مسجد به معابد اهل کتاب نیز اطلاق شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا»^۳.

اقتصاد

اقتصاد را در لغت‌نامه‌ها، به میانه راه رفتن، میانجی نگه‌داشتن، قصد، میانه‌روی در هر کاری معنا کرده‌اند.^۴ واژه «اقتصاد» (Economics) از دو کلمه یونانی «ویکوس» (Oikos) به معنای «خانه» و «نمین» (Nemin) به معنای «داره کردن» تشکیل شده است؛ این واژه به معنای لغوی «تدبیر منزل» یا «داره کردن خانه» است.^۵ اقتصاد، از ریشه «قصد» و به معنای «اعتدال و میانه‌روی» و «استقامت در راه» است.^۶ اقتصاد از مادّه قصد است و قصد به معنای عدل، ضدّ افراط، در هزینه‌ها میانگین رفتار کردن (نه اسراف و نه تقتیر)، اعتماد کردن، راست بودن راه، آهنگ نمودن، به حدّ و وسط راضی شدن، مستوی راه رفتن، نیکی کردن، واضح بیان کردن است.^۷

علم اقتصاد

علم اقتصاد، عبارت است از مجموع وسایلی که برای رفع نیازمندی‌های مادی بشر از آن استفاده می‌شود.^۸ گویا مراد از اقتصاد در مسائل مادی عبارت است از راهکارهایی که می‌تواند نیازهای مادی بشر را به طور متوسط، متعادل و میانه برآورده کند، بدون آنکه اسراف و یا تقتیری انجام شود.

۱- اسراء، آیه ۱.

۲- نویسنده مسئول؛ دانش آموخته فوق لیسانس رشته مدیریت دولتی (تشکیلات و روش‌ها) و دانشجوی کارشناسی ارشد الهیات و معارف اسلامی (علوم قرآنی و حدیث).

۳- از فعالان و خادمان اجرایی و فرهنگی مسجد و دارای سوابق همکاری در تحقیقات مسجد محور در مقوله‌های زنان و مساجد.

۴- مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

۵- رک: فرهنگ مسجد.

۶- مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۷- جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

۸- نور، آیه ۳۶.

بررسی اصطلاحی اقتصاد

به طور معمول، رفتاری را اقتصادی می‌گویند که با روش‌ها و وسایلی که افراد بشر، معاش خود را تأمین می‌کنند، ارتباط داشته باشد.^۱ علم اقتصاد را علم ثروت دانسته‌اند. برخی آن را مطالعه چگونگی تنظیم تولید و فعالیت‌های مبادله‌ای افراد ذکر کردند.^۲ اندیشمندان معاصر، اقتصاد را بررسی روش‌هایی می‌دانند که با پول یا بدون پول، برای به کار بردن منابع کمیاب به منظور تولید کالا و خدمات و توزیع بین افراد و گروه‌ها انتخاب می‌شوند.^۳ اقتصاد در عربی به معنای میانه‌روی و اعتدال است. شواهد این مدعا، مستندات قرآنی و روایی متعددی هستند. در ادامه از دو منظر فوق، به بحث واژگانی اقتصاد پرداخته می‌شود:

الف) بررسی واژه اقتصاد در آیات قرآن

«اقتصاد» در لغت به دو معنا است: یکی از آن دو پسندیده است و حدّ میانه افراط و تفریط است؛ مانند جود که حدّ وسط اسراف و بخل محسوب می‌شود یا شجاعت، که حدّ وسط تهوّر و ترس است. این معنای قرآن، چنین به کار رفته است: «وَ اقْصِدْ فِي مَشْيِكَ» در رفتار میانه را برگزین.^۴ معنای دیگر اقتصاد، به امری اشاره می‌کند که بین پسندیده و ناپسند در نوسان است؛ مانند: آنچه که بین عدل و جور، قریب و بعید فرض می‌شود.

در آیه‌ای از قرآن آمده است: «فِيهِمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ يَأْتِنُ اللَّهَ؛ پس، برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از آنان میانه‌رو و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا، پیشگام هستند».^۵

قرآن کریم در آیه‌ای می‌فرماید: «مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَ كَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ؛ از میان آنها گروهی میانه‌رو هستند و بسیاری از آنها بد رفتار می‌کنند».^۶

ب) بررسی واژه اقتصاد در روایات اسلامی

روایات متعددی از معصومان (علیهم‌السلام) در مورد مفهوم اقتصاد آمده است که بیان همه آنها در این مقال

۱- وسایل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵؛ همان منبع، ج ۳، ص ۵۵۷، باب ۷۰ از احکام مسجد، روایت ۱.

۲- آل عمران، آیه ۹۶.

۳- جن، آیه ۱۸.

۴- حج، آیه ۴.

۵- اسراء، آیه ۱.

۶- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۲، ص ۱۸۰۴.

نمی‌گنجد. در ادامه، به عنوان نمونه، به برخی از آنها اشاره شده است.^۱

امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «لَسْرَفٌ مَثْوَاةٌ وَالْقَصْدُ مَثْرَاءٌ؛ میانه‌روی در زندگی، موجب زیادی مال و زیاده‌روی موجب ضایع نمودن مال است».^۲

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَا عَالَ مَنْ اقْتَصَدَ؛ کسی که (در مخارج زندگی خود) میانه‌روی پیشه نمود، تنگدست نشد».^۳

در نامه امیر مؤمنان (علیه السلام) به زیاد چنین آمده است: «دَعِ الْاِسْرَافَ مُقْتَصِدًا...؛ اسراف را کنار بگذار و میانه‌روی پیشه کن...».^۴ در این کلام حضرت، «قصد» به مفهوم روش معقول و راه استوار بین افراط و تفریط است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَنْ يَهْلِكَ مَنْ اقْتَصَدَ وَلَنْ يَفْتَقِرَ مَنْ زَهَدَ؛ آن کس که میانه‌روی در پیش گیرد، هرگز هلاک نگردد و کسی که زهد پیشه کرد، هرگز به دام نیفتاد».^۵

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «صَمِئْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ اَنْ لَا يَقْتَر؛ من برای هر کسی که در زندگانی میانه‌رو باشد، بی‌نیازی را ضمانت می‌کنم».^۶

انواع علم اقتصاد

علم اقتصاد به طور کلی، به دو دسته اصلی تقسیم می‌شود:

الف) **اقتصاد کلان** (Macroeconomic): به بررسی رفتارهای اقتصادی در سطح کلی کشور می‌پردازد و اجزای اقتصاد را به همراه اثر متقابل و کنش آنها بر همدیگر بحث و بررسی می‌کند.^۷ در واقع، اقتصاد کلان، مطالعه اقتصاد در قالب یک نظام است که با تفکر سیستمی، اقتصاد را تحلیل می‌کند.^۸ با کمک اقتصاد کلان، موضوعاتی، مانند سطح عمومی قیمت‌ها، سطح اشتغال، درآمد ملی، تولید ناخالص ملی و... بررسی و مطالعه می‌شود.^۹

ب) **اقتصاد خرد** (Microeconomic): به مطالعه تصمیمات فرد درباره کالاها یا خاص می‌پردازد.^{۱۰} در این

۱- کتف، آیه ۲۱.

۲- علامه دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، چاپ مجلس، ذیل کلمه اقتصاد.

۳- هادوی تهرانی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۸.

۴- ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۳، ص ۳۵۳-۳۵۴.

۵- همان.

۶- همان.

۷- مطهری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۰.

۸- هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۴۸-۴۹.

۹- سامونلسون، اقتصاد، ص ۷.

۱۰- بگ، فیشر، دورنبوش، علم اقتصاد، ج ۱، ص ۲۸.

بخش از علم اقتصاد، رفتار فرد مصرف کننده یا تولید کننده یا چگونگی تعیین قیمت در بازار، کشش عرضه و تقاضا و ... مطالعه و بررسی می شود.^۱

اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مسجدی

اسلام، دین کاملی است و برای همه ابعاد زندگی انسان، برنامه و دستورالعمل های لازم را ارائه کرده است؛ به صورتی که هر فرد با عمل به این دستورات، به سعادت دنیوی و اخروی خواهد رسید. آموزه های اسلام، نه تنها به اقتصاد، رنگ و بویی خدایی می بخشد، بلکه سیر و سلوک بندگی را متأثر از اقتصاد می داند. دستورات اسلام، نیازهای آدمی را در تمام ابعاد اقتصادی، فرهنگی، خانوادگی، اجتماعی و سیاسی برآورده می سازد. این دستورات، هم معیشت گرا هستند و هم معنویت گرا، هم دنیانگر هستند و هم آخرت نگر. بر این اساس، اقتصاد اسلامی دارای ویژگی هایی بنیادی و منحصر به فردی است که در واقع، وجوه تمایزات اقتصاد اسلامی از اقتصاد غیر اسلامی است.^۲

بنابراین، اقتصادی که به طور کامل منطبق با دستورات و موازین شارع مقدس باشد و بر پایه آموزه های دینی و مسجدی شکل گرفته باشد، اقتصاد مسجد محور یا اقتصاد اسلامی است. در اقتصاد مسجد محور، همه فعالیت های اقتصادی افراد در قالب آموزه های مسجدی و بر حسب کارکردهای مسجدی تبیین و تشریح می شود. افراد با در نظر گرفتن تربیت مسجدی و بر اساس فرهنگ دینی، فعالیت های اقتصادی و تجاری و بازاری خود را تنظیم می کنند.

حماسه چیست؟

«حماسه»، در لغت به معنای دلیری کردن، دلآوری کردن و شجاعت است.^۳ همچنین، به مفهوم شجاعت نمودن، شعر رزمی و انجام امری افتخار آمیز از روی شجاعت، مهارت و شایستگی، آمده است.^۴ در فرهنگ لغات عربی نیز، حماسه به مفهوم شدت یا محکم بودن و متعصب بودن در دین و در کارها آمده است.^۵

۱- دولت شاه، محتشم، مبانی علم اقتصاد، ص ۹.
 ۲- ر. ک به: چپرا، عمر، آینده علم اقتصاد، چشم اندازی اسلامی، ص ۱۸۱-۲۵۳؛ اسحاقی، سید حسن، مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی، ص ۴۳-۱۰۸.
 ۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۱۹۳.
 ۴- عمید حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۷۰۰.
 ۵- لویس معلوف، المنجد فی اللغة و الاعلام، ص ۱۵۳، ماده خمس.

مقام معظم رهبری علیه السلام در رابطه با مفهوم حماسه می فرماید: «حماسه، یعنی آن کار افتخار آفرین که با شور و هیجان انجام می گیرد»^۱؛ «حماسه با عقل هدایت و با ایمان پشتیبانی می شود و باید از دل بجوشد و یک مقوله دستوری و بخشنامه ای نیست»^۲.

«حماسه، یعنی واقعه ای جهادگونه و پُرشور؛ این را باید ملت ایران و مسئولان کشور، مورد نظر قرار دهند»^۳. «رفتار حماسی، یعنی رفتاری که برآمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیت حماسی کسی است که از چنین روحیه ای برخوردار است و می تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گرداند»^۴. حماسه، واژه ای عربی است که به معنای شدت، صلابت، شجاعت، دلاوری، زنده دل و با نشاط بودن، غیرت به خرج دادن و دلیری می آید.^۵

رفتار حماسی، یعنی رفتاری که برآمده از غیرت و شجاعت و مردانگی، ایستادگی و مقاومت باشد. شخصیت حماسی کسی است که از چنین روحیه ای برخوردار است و اگر می تواند با حرکت و تلاش ویژه خود، این روحیه را در دیگران ایجاد کند و یا آنان را از حالت خمود و مردگی در آورد و زنده گرداند.^۶ حماسه، فارغ از جهاد، قابل تصور نیست. این جهادگران هستند که حماسه می آفرینند. جهاد نیز لاجرم «همگانی» است؛ پس حماسه آفریدن یک کار جمعی است.^۷ پیشرفت کشور در ابعاد مختلف نیازمند حرکت جهشی و خلق حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی است.^۸

بنابراین، حماسه و حرکت حماسی دارای مؤلفه هایی به این شرح است: هوشمندی (تحت هدایت عقل)، ارزش مدار (پشتیبانی ایمان)، حرکت همگانی، شور و هیجان، حرکت جهشی.

با توجه به آنچه گذشت حماسه مقدس اقتصادی را می توان یک حرکت هماهنگ جمعی و جهشی و در عین حال هوشمندانه و با دلاوری و ایثار در جبهه جهاد و مقاومت اقتصادی، نامی است که منجر به خوداتکائی و رشد و پیشرفت مطلوب اسلام در بخش های تولید، توزیع، مصرف و بخش اعتباری اقتصاد می شود.^۹

۱- بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در مراسم بیست و چهارمین سال روز رحلت حضرت امام خمینی H در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۱۴.

۲- بیانات مقام معظم رهبری علیه السلام در دیدار جمعی از مدآحان و شاعران در روز ولادت حضرت فاطمه علیها السلام در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۱۱.

۳- بیانات رهبر معظم علیه السلام در دیدار با کارگران و فعالان بخش تولید به مناسبت هفته کارگر در تاریخ ۱۳۹۲/۲/۷.

۴- ویژه نامه تبلیغ، ش ۱۷، ص ۵۳.

۵- عمید، حسن، فرهنگ عمید، ج ۱، ص ۴۶۴.

۶- ویژه نامه تبلیغ، شماره ۱۷، ص ۵۳.

۷- روح الله ایزدخواه، راهگشائی حماسه اقتصادی از بستر تحول اجتماعی، قابل دسترسی در: www.hawzah.net

۸- بیانات رهبر معظم علیه السلام در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور به مناسبت هفته معلم ۱۳۹۲/۲/۱۸.

۹- ویژه نامه تبلیغ، شماره ۱۷، ص ۵۴.

آموزه‌های مسجدی و مفاهیم پایه‌ای اقتصاد مسجدی

اقتصاد اسلامی بر اصولی ارزشمند پایه‌گذاری شده است که در واقع، بدون شناخت اولیه آن مفاهیم نمی‌توان اقتصاد مسجدگرا یا اقتصاد مسجدی را تعریف و تبیین نمود. همین اصول مفهومی هستند که مکتب اقتصادی اسلام را از سایر مکاتب اقتصادی شرقی و غربی متمایز و ممتاز نموده است. در ادامه برخی از مهم‌ترین مفاهیم بنیادین اقتصاد مسجدگرا یا اقتصاد اسلامی بیان می‌شود و در مورد هر یک، توضیح مختصری ارائه می‌گردد:

الف) عزت اسلامی

در اسلام، یکی از پایه‌های ایمان و تقوا، عزت نفس و کرامت انسانی معرفی گردیده است. اسلام، بر عزت نفس مسلمانان و سعی در حفظ و پاسداری از آن تأکید فراوان دارد. در صورت خدشه‌دار شدن آن، علاوه بر اینکه پایه‌های ایمان و اعتقاد فرد متزلزل می‌گردد، بستری مناسب برای سوء استفاده و چیره شدن ستمگران و ظالمان بر ایشان فراهم می‌گردد.

عزت واقعی از آن خداوند است و منشأ الهی دارد. قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعاً؛ هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست». خدا عزت را به انسان‌ها می‌بخشد؛ ولی در این مسیر، خود انسان‌ها بستر عزت‌مندی را در خود ایجاد می‌کنند.

عوامل متعددی برای رسیدن به عزت در فرهنگ اسلامی مدنظر است که در ادامه بحث، به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

۱. اطاعت از خداوند؛
۲. حاکمیت ارزش‌های اسلامی؛
۳. تقویت رعایت هنجارهای اخلاقی؛
۴. تقواگزینی؛
۵. قناعت پیشه‌گی؛
۶. تمرین صبوری.^۲

ب) خودباوری و استقلال

خودباوری به معنای یافتن خویشتن به گونه‌ای مطابق با واقع و آن گونه که هست، تعریف شده است.^۳ مردم

۱. فاطر، آیه ۱۰؛ همچنین رک: منافقون، آیه ۸؛ صافات، آیه ۱۸۰؛ نساء، آیه ۱۳۹؛ یونس، آیه ۶۵.

۲. ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرسین، شماره ۱۵، ص ۷۰-۸۰.

۳. کریمیان صیقلانی، علی، خودباوری، ص ۱۵۱۷.

و کشور خودباور، آن گروهی هستند که واقعیات کشور و قوم خود را باور کرد و مطابق آن زندگی کنند. خودباوری، یافتن خویشتن است و یک نیاز اساسی انسانی است؛ زیرا با خودباوری، رشد و تکامل و اعتدال رفتاری انسان تحقق می‌یابد و بدون آن، رشد روان‌شناختی در مراحل اولیه متوقف می‌شود. خودباوری در همه جنبه‌های خود، دارای فواید متعددی است که برخی از آنها به شرح زیر هستند:

- ۱- سیستم ایمنی روحی: با خودباوری، روح ایمن شده و ترس و اضطراب کم می‌شود.
 - ۲- انگیزه آفرینی: به وسیله شناخت مطابق با واقع خود، انگیزه تلاش، تولید می‌شود.
 - ۳- افزایش توان: فرد برای دستیابی به پیشرفت‌های بیشتر، توان خود را بیشتر می‌کند.
 - ۴- لذت‌بخشی: با خودباوری می‌توان به موقعیت آرمانی رسید و از آن لذت برد.
 - ۵- بلندنظری: خودباوران دارای دیدگاهی بلند هستند.
 - ۶- افزایش احتمال دستیابی به هدف: به کمک خودباوری، بهتر و سریع‌تر می‌توان به هدف رسید.
 - ۷- تقویت اعتماد به نفس: با خودباوری، محرک درونی تقویت می‌شود.
 - ۸- صداقت در ارتباطات: دروغ از آن افرادی سر می‌زند که خودباور نیستند.
 - ۹- معاشرت با همگنان: با خودباوری، کشش فرد به ارتباط با اشخاص متناسب بیشتر می‌شود.^۱
- طبیعی است که این آثار در خودباوری اقتصادی نیز تأثیر دارد. بر همین اساس، اسلام تأکید دارد که به داشته‌ها و توانمندی‌های خود توجه کنیم و تا حد امکان با حفظ استقلال خود، به بیگانگان نیازمند نباشیم. آیه نفی سبیل، یکی از آیات مهم است که در اتخاذ سیاست‌های خارجی اقتصادی با جوامع دیگر، ارائه طریق می‌نماید. این آیه یکی پیش‌نیازهای تصمیم‌های اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مسجدی است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خدای تعالی، هرگز کفار را مافوق مؤمنان و مسلط بر آنان قرار نمی‌دهد».^۲
- بر اساس این آیه، مؤمنان، حق پذیرفتن سلطه کافران را ندارند. سلطه‌پذیری، نشانه نداشتن ایمان واقعی است و باید کاری کرد که کفار از سلطه بر مؤمنان، برای همیشه مأیوس باشند. پس، هر طرح، عهدنامه، رفت‌وآمد، ارتباطات و فعالیت‌های اقتصادی و هر نوع قراردادی که راه نفوذ کفار بر مسلمانان را هموار کند، حرام است. بنابراین، مسلمانان باید در تمام جهات سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی از استقلال کامل برخوردار باشند.^۳

۱- همان، ص ۷۵-۶۷.

۲- نساء، آیه ۱۴۱.

۳- قرآنی، محسن، تفسیر نور، ج ۲، ص ۱۹۰-۱۹۲.

ج) استقامت و مقاومت

مقاومت و استقامت، یعنی تلاش بر حق‌اندیشی و حق‌روی و عدم تمایل به چپ و راست. استقامت، یعنی شناخت صراط مستقیم و مجاهدت و مقاومت در این راه.^۱

تأکید قرآن بر استقامت، بسیار گسترده است و قرآن در آیات متعددی، مسلمانان را به مقاومت و استقامت فرامی‌خواند. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ به تحقیق، کسانی که گفتند پروردگار ما خداست، سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد».^۲

طبیعی است استقامت مردم ایران در سال حماسه اقتصادی شامل همین تعبیر قرآنی می‌شود؛ چرا که ما با امام راحل رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و شهید، عهد و پیمان‌ها بستیم و اکنون که تورم و گرانی بر کشور حاکم است و تحریم‌ها هم به عنوان مصائب مردم را تحدید کرده، در ایمان و عقیده خود پافشاری داریم. بنابراین، اقتصاد مسجدی که موضوع بحث ماست، یعنی نوع خاصی از اقتصاد که بر پایه موازین اسلامی و شرعی ساختار یافته و یک مدل منحصر به فرد برای تعالی دنیا و آخرت و سعادت نهایی و همه‌جانبه بشر به دست می‌دهد. در این اقتصاد، مهم‌ترین پیش‌فرض‌ها عزت اسلام، استقلال همه‌جانبه، استقامت و پایداری و خودباوری هستند. در واقع، این بایسته‌های مفهومی، از مهم‌ترین مفاهیم اقتصاد اسلامی یا اقتصاد مسجدی هستند. بر اساس همین آموزه‌ها، رهبر معظم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در نام‌گذاری سال‌های اخیر از مفاهیمی چون جهاد اقتصادی و همت مضاعف و حماسه اقتصادی استفاده نمودند.

مبانی نام‌گذاری و شعار سالانه

رهبر معظم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، بر اساس ضرورت و نیاز کشور عزیزمان، ایران، در پیام نوروزی برای هر سال، نام خاصی را انتخاب می‌کنند تا توجه خاص مردم و مسئولان نظام به آن شعار با شعور، معطوف شود و افق چشم‌انداز بلندمدت، میان‌مدت و کوتاه‌مدت، مهندسی و تدبیر گردد. به عبارت دیگر، یکی از ابتکارات اثربخش و ارزشمند مقام معظم رهبری رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، تعیین یک نام یا شعار برای هر سال و پی‌گیری آن شعار و ارائه جمع‌بندی از آن، در پیام نوروزی و سخنرانی‌های آغازین خود در ابتدای هر سال جدید است. سخنرانی رهبر معظم رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، در روزهای اول سال شمسی که به طور معمول، در کنار بارگاه ملکوتی امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام و در بین

۱- نیلی‌پور، مهدی، بهشت اخلاق، ج ۱، ص ۳۵۱.

۲- احقاف، آیه ۱۳؛ همچنین رک: فصلت، آیه ۳۰؛ جن، آیه ۱۶؛ شوری، آیه ۱۵؛ یونس، آیه ۸۹؛ انفال، آیه ۶۶؛ انفال، آیه ۴۷؛ احقاف، آیه ۳۵؛ آل عمران، آیه ۲۰؛ صدر، سیدرضا، استقامت، ص ۱۲-۱۱.

زائران و مجاوران آن حضرت (که از همه اقشار و گروه‌های مردم از سراسر کشور هستند)، ایراد می‌گردد، فرصتی برای تحلیل و تبیین شعار سال و بیان چرایی و چیستی آن توسط رهبر معظم دام‌ظله محسوب می‌شود. بررسی شعارهای انتخاب شده در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که هر یک از این شعارها، ریشه در ضرورت‌های آن سال داشته است و اولویت اول و موضوع راهبردی کشور در شعار سال منعکس گردیده و آن شعار، مهم‌ترین نیاز کشور بوده است. به عبارت دیگر، این پیام‌های سالانه، فصل الخطابی آگاهانه و بایسته است که با توجه به شرایط و مقتضیات زمانی و مکانی، برای تمامی اقشار و لایه‌ها و سطوح مختلف جامعه اسلامی تبیین می‌شود.

با کمی دقت در عناوین سال‌ها و یک تحلیل اولیه مشخص می‌شود که در همه سال‌ها به صورت مستقیم یا به طور تلویحی، به اقتصاد اشاره شده است. این موضوع، بیانگر این است که اقتصاد از اهمیت بالایی در عرصه داخلی و خارجی برخوردار است که در صورت نیل به این قدرت برتر، می‌توان با مدیریت بهینه به سایر اهداف اجتماعی و سیاسی و ... نیز دست یافت.^۱

آموزه‌های فراگیر و ارزشمند مسجدی. اقتصادی بارویکرد بازارمحور

از دسته فعالیت‌هایی که در قالب فعالیت‌های آموزشی، در مساجد قابل انجام است، آموزش آموزه‌های تجارت یا مبانی اقتصاد اسلامی است. مساجد، به دلیل داشتن پتانسیلی به نام ازدحام در مراسمات متعدد در زمان‌های مختلف، بهترین مکان آموزش اقتصاد اسلامی هستند. در دورانی که دشمنان اسلام، از همه تحریم‌های اقتصادی برای به چالش کشیدن اقتصاد کشور استفاده می‌کنند و علیه ما متحد شدند، توجه به این آموزه‌ها، می‌تواند راه‌گشا باشد. توجه به این آموزه‌هاست که بازار ممالک اسلامی را از بازارهای سرمایه‌داری متفاوت می‌کند.

الف) اهمیت تعامل دوجانبه مساجد و بازار

علم اقتصاد، با همه مسائل آن، در بازار متبلور است و بازار یا سوق، نماد و مظهر فعالیت‌های اقتصادی است. بدون در نظر گرفتن این مفهوم، مفاهیمی، مانند عرضه و تقاضا و تعادل قیمت و ... معنا پیدا نمی‌کند. اسلام ضمن توجه به بازار، به تبیین شرایط حاکم بر آن پرداخته است تا همه افرادی که به فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازند، از این دستورات پیروی کنند. بازار، در علم اقتصاد به محلی گفته می‌شود که عرضه و

۱- برای مطالعه بیشتر، ک: اسلام پور، حسین، نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقق حماسه اقتصادی مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، (در قالب همین مجموعه).

تقاضا در آن صورت می‌گیرد و با رویارویی خریداران و فروشندگان، قیمت کالا و خدمات تعیین می‌شود. در بازار ایده‌آل مورد نظر اقتصاد اسلامی، افراد باید با توجه به واقعیت‌های جامعه انسانی، تحت تربیت اسلامی، با محوریت قوانین الهی و رعایت اصول اخلاقی، به تجارت بپردازند.^۲

در گذشته، در کنار مساجد شهر، مسجد بازار هم وجود داشت که بیشتر افراد شرکت‌کننده در آن، بازاری بودند. این مساجد، به غیر از مساجد محلات بود. در زمان‌های گذشته، به طور عموم، بازار در کنار مساجد ساخته می‌شد. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند، به محض ورود به شهری، جهت اقامه دعوی، با ردگیری ساختمان مساجد، به مرکز قضاوت شهر رهنمون می‌شدند؛ زیرا دکه قضاوت، همواره در جنب مساجد برپا بود. هم‌جواری دارالخلافه با مسجد، باز هم نقش اطلاع‌رسانی مساجد را روشن‌تر می‌کرد تا تازه واردها، برای انجام امور اداری خود، از ساختمان مسجد کمک بگیرند. در مساجد بازار، بیشتر بازاریان شرکت داشتند و در این مساجد، بیشتر اخبار تخصصی حوزه تجارت و گزارشات مربوط به بازار و اوضاع اقتصادی بیان می‌شد.^۳

بنابراین، بازار و مساجد در جامعه اسلامی را نباید از هم مجزا دانست. در طول تاریخ، هر زمان که این فاصله بیشتر شد، شاهد نامالیقات و نیرنگ‌های جدیدی را در اقتصاد و تجارت و بازار شاهد بودیم.

ب) تنظیم و هدایت بازار در راستای معاملات اسلامی

از آفات بزرگی که اقتصاد اسلامی را تهدید می‌کند، وجود نیرنگ‌های اقتصادی، انواع کلاهبرداری‌ها، انواع غش‌ها، انواع نیزنگ‌ها و دغل‌بازی‌ها، انواع سوگندهای دروغ، انواع مدح‌ها، کم‌فروشی‌ها و زرنگ‌بازی‌ها و ... است. به طور کلی، تجارت از دیدگاه قرآن کریم بدین گونه ترسیم شده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ؛ ای کسانی که ایمان آوردید، اموال یکدیگر را بی‌جهت مصرف نکنید، مگر تجارتی که با رضایت طرفین باشد».^۴

این رفتارها، به عنوان تهدیدی جدی در کمین اقتصاد جوامع مسلمان است و توسط ائمه معصومین (علیهم‌السلام) تحریم شد و به عنوان گناهی بزرگ به شمار آمد.^۵

۱- ساموئلسن بیل، هاوس ویلیام نورد، اقتصاد، ج ۱، ص ۸۰.

۲- ر.ک به: انصاری محمد جعفر و دیگران، درآمدی بر مبانی اقتصاد خرد با نگرش اسلامی، ص ۹۶-۱۱۱.

۳- ر.ک به: جهانگیری سهروردی، یحیی، بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد، ص ۱۷ و ۳۳.

۴- نساء، آیه ۲۹.

۵- ر.ک: دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۲۸.

نیرنگ‌های اقتصادی که در اصطلاح فقه اسلامی به «عَشْ» در معامله معروف است، در آموزه‌های اسلامی به شدت نکوهش شده است:

رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «مَنْ عَشَّ الْمُسْلِمِينَ، فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ هر کس به مسلمانان خیانت در معامله کند، مسلمان نیست»^۱.

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «يَا مَعْشَرَ اللَّحَامِينَ مَنْ نَفَخَ مِنْكُمْ فِي اللَّحْمِ فَلَيْسَ مِنَّا؛ ای گروه گوشت‌فروشان، هر کس در گوشت بدمد و آن را چاق نشان دهد، از ما مسلمانان نیست»^۲.

در روایات نقل شده است که هنگام حضور امام علی (علیه السلام) در کوفه، آن حضرت همه روز صبح در بازارهای کوفه می‌آمد، بازار به بازار می‌گشت و در حالی که تازبانه‌ای (برای مجازات متخلفان) بر دوش داشت، در وسط هر بازار می‌ایستاد و صدای زد: ای گروه تجار! از خدا بترسید! تاجران و بازاریان، هنگامی که بانگ امام علی (علیه السلام) را می‌شنیدند هر چه در دست داشتند بر زمین گذاشته و با تمام وجود به سخنان آن حضرت گوش فرا می‌دادند؛ سپس، حضرت می‌فرمود: «قَدِمُوا الْإِسْتِخَارَةَ وَتَبَرَّكُوا بِالسُّهُوَلَةِ، وَاقْتَرِبُوا مِنَ الْمُتَبَاعِينَ، وَتَزَيَّنُوا بِالْحِلْمِ، وَتَنَاهَوْا عَنِ الْيَمِينِ، وَجَانِبُوا الْكُذْبِ، وَتَجَافَوْا عَنِ الظُّلْمِ وَانصَفُوا الْمُظْلُومِينَ، وَلَا تَقْرَبُوا الرِّبَا، وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ، وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتَوُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ بیش از هر چیز از خداوند خیر بخواهید، و با آسان گرفتن کار بر مردم، برکت بجوئید و به خریداران نزدیک شوید، حلم را زینت خود قرار دهید؛ از سوگند بپرهیزید؛ از دروغ اجتناب کنید؛ از ظلم خودداری نمائید و حق مظلومان را بگیرید (و در مورد آنها انصاف به خرج دهید)؛ به ربا نزدیک نشوید؛ پیمان‌ه و وزن را به طور کامل وفا کنید و از اشیاء مردم کم نگذارید و در زمین فساد نکنید»^۳.

همه این موارد به خاطر آن است که شیطان، دشمن قسم خورده انسان و انسانیت، به طور دائم، انسان را به سمت جاذبه‌های دنیای حرام، بیماری غفلت از خدا و آخرت و سرانجام آلوده شدن به حق الناس و تجاوز به حقوق مردم و تجمیع ثروت - از هر راهی که شده است - دعوت می‌کند.^۴

در روایتی معروف، اصبح بن نباته می‌گوید: از امام علی (علیه السلام) شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: «يَا مَعْشَرَ

۱ - کنز العمال، ج ۴، ۶۰؛ همچنین رک: میزان الحکمه، ج ۷، ص ۲۲۰؛ بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۶۵؛ من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۶۹؛ همین منبع، ج ۳، ص ۱۷۳.

۲ - بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۲.

۳ - کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، باب آداب التجارة، حدیث ۱؛ برای مطالعه بیشتر در مورد مدیریت بازار در سیره امام علی (علیه السلام) رک: رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی (علیه السلام)، ص ۴۹۵-۹۴۶.

۴ - ضیاء آبادی، سید محمد، موعظه راه پیش‌گیری از نفوذ شیطان در دل انسان، ص ۵۲۰.

التُّجَارِ! الْفِئَةُ ثُمَّ الْمُتَجَرِّ...؛ ای گروه تجار! اول، فقه بیاموزید و سپس تجارت کنید». حضرت این سخن را سه بار تکرار فرمود و در پایان این کلام را اضافه فرمود: التَّاجِرُ فَاجِرٌ، وَالْفَاجِرُ فِي النَّارِ، إِلَّا مَنْ أَخَذَ الْحَقَّ وَ أُعْطِيَ الْحَقَّ؛ تاجر فاجر است و فاجر در دوزخ است، مگر آنها که به مقدار حق خویش، از مردم بگیرند و حق مردم را بپردازند.^۲

از طرفی، آموزه‌های اقتصاد اسلامی با تشویق و ترغیب به تجارت صحیح، بر انجام معاملات اسلامی تأکید دارند و بازرگانان و تجار صادق و امین را مورد ترغیب قرار دادند.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «التَّاجِرُ الصَّدُوقُ تَحْتَ ظِلِّ الْعَرْشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بازرگان راستگو، روز قیامت در سایه حمایت خداست».^۳

همچنین، آن حضرت فرمودند: «للتَّاجِرِ الْأَمِينِ الصَّدُوقُ الْمُسْلِمِ مَعَ الشُّهَدَاءِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ بازرگان امین و راستگو، روز قیامت با شهیدان خواهد بود».^۴

طالاب و روحانیون می‌توانند مروج مسائلی باشند که از فعالیت‌های اقتصادی کشور حمایت می‌کند. موضوعات جدید اقتصادی که در قالب مکاسب محرّمه و مسائل فقهی می‌گنجد، باید به صورت کارشناسی شده وارد دروس حوزه شود. با مشاهده درس‌نامه حوزه علمیه و نگاهی به فراوانی دروسی که در حوزه برگزار می‌شود، جای مسائل مستحدثه و روز، خالی است. به عنوان مثال، طالاب و فضالای حوزه باید در زمینه معاملات اینترنتی روز دنیا، تجارت الکترونیکی و نظر اسلام در این مورد و ... اطلاعات لازم را کسب و مباحث فقهی و شرعی مربوط به آنها را بررسی کنند.^۵

از دیگر نقش‌های مسجد در این مورد، جلسات وعظ و خطابه و سخنرانی ائمه جماعت و سخنرانان در مساجد درباره رعایت اخلاق اسلامی در معاملات اقتصادی است. اهمّیت منبر و بیان خطابه‌ها در تبیین سیاست‌های اقتصادی و هماهنگ‌سازی بازاریان، بر کسی پوشیده نیست.

هر روز توسط خطبای مساجد در بالای منابر و در قالب احکام اسلامی، به غش در معامله و انواع نمونه‌های جدیدتر و به‌روزتر آن اشاره می‌شود و عموم بازاریان از کارهای مانند مخلوط کردن اجناس کم‌ارزش با پرارزش تا تعویض مارک و ... بر حذر داشته می‌شوند. بر این اساس، مسئولان و متولیان مساجد

۱- کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، باب آداب التجارة، حدیث ۱.

۲- کافی، ج ۵، ص ۱۵۰، باب آداب التجارة، حدیث ۱.

۳- المیزان الحکمة، ج ۱، ص ۵۲۸.

۴- همان.

۵- رک: ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرّسین، ش ۱۶، بیانات آیت‌الله یزدی.

تمام تلاش خود را در راه اصلاح اقتصاد اسلامی و تحذیر مردم و بازاریان از غش در معامله به عمل می‌آورند. بسیاری از مسجدی‌ها که با تربیت مسجدی‌تعالی یافتند، خود اهل معامله‌اند و در بازار به داد و ستد می‌پردازند. آنان دریافتند که یک تاجر مسجدی، تاجر صادق و بی‌نیرنگی است. بدین ترتیب، مسجد و نقش آن در اقتصاد اسلامی بدون نیرنگ، بسیار روشن می‌شود.

ج) احتکار، ناعدالتی اقتصادی در توزیع

احتکار، یعنی انبار کردن و نگاهداشتن کالا به قصد گران فروختن. احتکار به معانی مختلفی مانند غله اندوختن و آن را گران فروختن به هنگام گرانی و انبار کردن استفاده شده است. احتکار، از نظر شرعی به مفهوم خریداری کردن خواربار آدمی (برنج و ذرت و گندم و جو و ...) و قوت بهائیم (کاه و جو و ...) و بازداشت (نگهداری و ذخیره کردن) آن است تا در زمان گران شدن، به فروش برسند. برخی، مدّت بازداشت خواربار مورد نیاز انسان و قوت حیوانات را چهل روز گفته‌اند و بعضی یک‌ماه دانسته‌اند و بعضی زیادترا از یک سال هم تعیین کرده‌اند و این مدّت‌های تعیین شده در مقابل کیفری است که در عرف باید متحمّل شوند؛ ولی این عمل از نظر شرعی حرام است.^۱

احتکار، یکی از گناهان کبیره است.^۲ احتکارکننده (محتکر) کسی است که ارزاق عمومی و ضروری مردم را انبار می‌کند و بعد از کمیاب شدن و در نتیجه گران شدن آنها، آنها را به چند برابر می‌فروشد. یکی از کارکردهای بسیار مهم اقتصادی مسجد، نقش آن در جلوگیری از احتکار است؛ خطبای محترم و ائمه جماعت مساجد، به شیوه‌های مختلف، مردم را از عواقب این کار آشنا می‌سازند. این امر موجب می‌شود که فقرا و محرومان ارزاق عمومی خود را به سهولت به دست آورند.

احتکار، در آموزه‌های اسلامی مورد نکوهش قرار گرفته است. در ادامه به برخی از روایات به عنوان نمونه اشاره می‌شود:

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «الْجَالِبُ مَرْزُوقٌ وَالْمُحْتَكِرُ مَلْعُونٌ»؛ وارد کننده کالا، از لطف و رحمت الهی بهره‌مند می‌گردد؛ ولی محتکر ملعون است.^۳

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «الْإِحْتِكَارُ شِيْمَةُ الْأَشْرَارِ؛ احتکار راه و رسم اشرار است».^۴

۱- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۵۴.

۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱، ص ۱۰۷۳-۱۰۷۴.

۳- شهید دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۲۹۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۱۳.

۵- میزان الحکمة، ج ۲، ص ۲۸۶.

رسول اکرم فرمود: «مَنْ جَمَعَ طَعَامًا يَتَرْتَبِصُ بِهِ الْعَلَاءُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا فَقَدْ بَرِيَ مِنَ اللَّهِ وَبَرِيَ اللَّهُ مِنْهُ؛ هر کس خوراکی را به امید گران شدن، چهل روز انبار کند، از خداوند بری شده و خدا نیز از او بری و بیزار است.»^۱ رسول الله ﷺ فرمودند: «مَنْ تَمَتَّى عَلَى أُمَّتِي الْعَلَاءَ لَيْلَةً وَاحِدَةً أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ أَرْبَعِينَ سَنَةً؛ هر کس یک شب در آرزوی گرانی برای امت من باشد، خداوند اعمال چهل ساله او را تباہ می کند.»^۲ با بررسی روایات و مطالب ذکر شده، به روشنی مشخص می شود که آموزه های مسجدی در تنظیم بازار جوامع اسلامی نقش مهمی ایفا می کند.

د) مذمت و نکوهش گران فروشی و کم فروشی

گران فروشی و کم فروشی از گناهان کبیره است.^۳ چنانچه در قرآن کریم سوره ای به نام مطففین (کم فروشان) آمده است. در این سوره قرآن کریم می فرماید: «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ؛ وای بر کم فروشان! آنان که وقتی برای خود پیمانه می کنند، حق خود را به طور کامل می گیرند؛ اما هنگامی که می خواهند برای دیگران پیمانه یا وزن کنند، کم می گذارند. آیا آنها گمان نمی کنند که برانگیخته می شوند. در روزی بزرگ؟!»^۴

بر اساس مفاهیم ارزشمند این آیه می توان کم فروشی را به این شرح معنی نمود: «مُطَفِّفِينَ» از ماده «تطفیف» در اصل از «طَفَّ» گرفته شده که به معنی کناره های چیزی است. به هر چیز کمی، واژه «تطفیف» اطلاق شده است؛ همچنین، به پیمانه ای که پر نباشد، یعنی محتوایش به کناره های آن رسیده، اما مملو نشده است نیز همین معنی اطلاق می شود. این واژه در کم فروشی به هر شکل و به هر صورت استعمال شده است.^۵

در این آیات، قبل از هر چیز، کم فروشان را مورد تهدید شدیدی قرار داده، می فرماید: «وای بر کم فروشان!» (وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ). این، در حقیقت اعلان جنگ از ناحیه خداوند به این افراد ظالم، ستمگر و کثیف است که حق مردم را به طرز ناجوانمردانه ای پایمال می کنند. «وَيْلٌ» در اینجا به معنی «شر» یا «غم» و «اندوه» یا «هلاکت» یا «عذاب دردناک» و یا «وادئ سخت و سوزانی در دوزخ» است و این واژه به هنگام

۱- بحار الأنوار، ج ۶۲، ص ۲۹۲؛ منتخب میزان الحکمة، ص ۱۶۰؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، کتاب تجارت، باب ۲۱.

۲- کنز العمال، ج ۴، ص ۹۸.

۳- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۸۱.

۴- مطففین، آیات ۱-۵.

۵- مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص ۲۴۴-۲۵۲.

نفرین و بیان زشتی چیزی به کار می‌رود و اینکه تعبیری کوتاه است؛ اما مفاهیم زیادی را تداعی می‌کند.^۱
قرآن کریم در جای دیگر می‌فرماید: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ *
وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ: «حق پیمانانه را ادا کنید و دیگران را به خسارت
می‌فکنید. با ترازوی صحیح، وزن کنید و حق مردم را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید».^۲

همچنین، قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید: «فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَ
لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بنابراین، حق پیمانانه و وزن را ادا کنید و از
اموال مردم کم نگذارید و در روی زمین، بعد از آن که (در پر تو ایمان و دعوت انبیا) اصلاح شده است، فساد
نکنید. این برای شما بهتر است اگر با ایمان هستید».^۳

قرآن کریم در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ
أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ وای قوم من! حق پیمانانه و وزن را با عدالت، ادا کنید و از اموال مردم
چیزی کم نگذارید و در زمین به فساد نکوشید».^۴

قرآن در جایی دیگر، رعایت عدالت در وزن را هم ردیف عدالت در نظام آفرینش در عالم جهان هستی
قرار داده، می‌فرماید: «وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ * أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ؛ خداوند آسمان را برافراشت و میزان
و حساب در همه چیز گذاشت تا شما در وزن و حساب طغیان نکنید».^۵

در روایات اسلامی نیز کم‌فروشی و گران‌فروشی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته است. در ادامه به
عنوان نمونه برخی از این روایات بیان می‌شود:

رسول الله ﷺ فرمودند: «يَا وَرَأَى، زَنْ وَارْجَحْ؛ ای توزین‌گر! (ای کسی که کار تو وزن کردن اشیاء و
کالاهاست) وزن بکن و اندکی هم بیفزای».^۶

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «إِذَا طَفَفَتِ الْمَكَايِيلُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِينَ وَالْقَحْطِ؛ وقتی پیمانانه‌ها را کاهش
دهند (کم‌فروشی کنند) خداوند ایشان را گرفتار قحط و کمبود سازد».^۷

حتی در روایات اسلامی، در آداب تجارت چنین آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمانانه و

۱- همان.

۲- شعراء، آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳.

۳- اعراف، آیه ۸۵.

۴- هود، آیه ۸۵.

۵- الرحمن، آیات ۷ و ۸.

۶- میزان الحکمة، ج ۱، ص ۵۲۳.

۷- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۰۷.

وزن، کمی بیشتر بدهند و به هنگام گرفتن حق خود، کمی کمتر بگیرند (درست بر عکس کار کسانی که در آیات فوق به آنها اشاره شده است که حق خود را به طور کامل می گیرند و حق دیگران را به طور ناقص می پردازند).^۱

یکی دیگر از اعمال نکوهیده بازاریان که در آموزه های مسجدی مورد سرزنش قرار گرفته است، گران فروشی است. گران فروشی، از کلمات وصفی مغلوب است و از گران (ثقیل، گران، سخت) و بن مضارع فعل فروختن (دادن کالا به کسی در مقابل دریافت پول^۲) تشکیل شده است. گران، پیشوند صفت ساز است؛ از جمله: گران سنگ، گران فروش، گران قیمت.^۳ در واقع، گران فروشی یعنی مطالبه بها یا معادل بیشتر از قیمت جنس و کالای فرخته شده توسط فروشنده از خریدار. گران فروشی در کنار رفتار ناپسند کم فروشی از آفات بازار مسلمانان است که باید به کمک تربیت و آموزه های مسجدی درمان گردد. بر اساس آموزه های ارزشمند تربیت مسجدی، شخص کم فروش به این صورت مورد نکوهش قرار گرفته است:

کم فروش ایمان ندارد؛ نامه اعمال کم فروش در سجین است؛ به قحطی و خشکسالی و بلا مبتلا و مأخذ می شود؛ کم فروشی عدم رعایت حق الناس بوده و تا قیامت وی بدهکار مشتری است.^۴

از کار کردهای مهم اقتصادی مسجد، تذکر این گناه است. مسجد و امام جماعت آن، به شیوه های مختلف به طور دائم بازاریان و مردم عادل را از مبتلا شدن به این فساد اقتصادی برحذر داشته و فروشنده و مشتری را درباره این امر مهم، آگاهی می دهند. بعید است، کسی اهل مسجد باشد و این گناه را در فعالیت های اقتصادی خود انجام بدهد. به این ترتیب، کم فروشی و ترک عدالت، به هنگام پیمان و وزن و گران فروشی در ردیف فساد در زمین شمرده می شود و این اعمال در تربیت مسجدی و اقتصاد مسجد محور جایگاهی ندارد.

ه) نکوهش ربا و دوری از معاملات ربوی

ربا، در لغت به معنی افزون شدن، نشو و نما کردن و زیاده شدن است.^۵ ربا، سود یا ربحتی است که دین از

مدیون می ستاند.^۶

۱- ر.ک: وسائل الشیعه، ۱۲، ابواب التجارة، باب ۷، ص ۲۹۰.

۲- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۲۵۳ تا ۲۵۳.

۳- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۲، ص ۱۹۰۰۵-۱۹۰۰۸.

۴- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۳۸۴-۳۸۱.

۵- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۸، ص ۱۱۸۷۸-۱۱۸۷۹.

۶- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۲، ص ۱۶۳۴.

ربا، یعنی تبدیل مثل به مثل یا مقداری زیادتر؛ به عنوان مثال، ۱۰ کیلو گندم را به ۱۲ کیلو تا یک مدّت معینی به ربا می‌دهند یا هزار تومان پول را به هزار و دویست تومان پول تا مدت معینی به ربا می‌دهند.^۱ به عبارت دیگر، ربا پولی است که بستانکار از بدهکار بابت منافع پول خود می‌گیرد. در کتب فقه اسلامی، ربا به دو دسته کلی تقسیم شده است:^۲

ربای معاملات: دو کالای هم‌جنس که با وزن یا پیمانۀ خرید و فروش می‌شوند، اگر در معامله پایاپای (کالا به کالا) یکی از دیگری زیادتر باشد، ربا محسوب می‌شود که از نوع ربای معاملات است. ربای قرضی: اگر قرض گیرنده، پول یا جنسی را قرض کند و بین قرض‌دهنده و قرض‌گیرنده چنین قرارداد شود که بعد از مدّتی مورد قرض، با اضافاتی برگشت داده شود، اضافه پرداختی یا دریافتی را ربای قرضی می‌گویند.

آیات متعدّدی در قرآن وجود دارد که به صورت‌های مختلف ربا را مورد نکوهش قرار دادند. به عبارت دیگر، ربا از گناهانی است که در آیات قرآنی به صراحت، تحریم شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر نخورید و از خدا پروا کنید، شاید که رستگار شوید».^۳ علاوه بر این، در روایت متعدّدی نیز ربا مورد مذمت قرار گرفته است که ذکر همه آنها در این مقال نمی‌گنجد،^۴ ولی به عنوان نمونه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «شَرُّ الْكَسْبِ كَسْبُ الرِّبَا؛ بدترین کسب‌ها و درآمدها، درآمدی است که از ربا حاصل شود».^۵

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «أَكِلَ الرِّبَا وَ مُؤَكِّلُهُ وَ كَاتِبُهُ وَ شَاهِدَاهُ فِي الْوِزْرِ سَوَاءٌ؛ رباخوار و رباپرداز و حسابدار امور ربوی و گواهان آن، همه دربار گناه شریک و مسئول هستند».^۶

بر اساس آموزه‌های قرآنی و اقتصاد مسجدی، تأثیرات و آفات متعدّدی برای ربا مطرح گردیده است که

۱- طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۴۲۹.

۲- جامع‌المدارک فی شرح المختصر النافع، ج ۳، ص ۲۳۵؛ جواهرالکلام، ج ۲۳، ص ۳۳۴؛ هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۷۹-۱۸۱.

۳- آل عمران، آیه ۱۳۰؛ همچنین رک: بقره، آیات ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ آل عمران، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶؛ روم، آیه ۳۹؛ نساء، آیه ۱۶۱.

۴- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۹۰؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۵؛ شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ کنزالعمال، ج ۴، ص ۱۰۴؛ وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۲۷؛ میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۲۰.

۵- بحارالانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۵.

۶- شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴.

برخی از مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

۱. ربا اختلاف طبقاتی می‌آورد.
۲. وقتی ربا رایج گردد، قرض الحسنه از اقتصاد اسلامی حذف می‌شود.
۳. مال ربوی بی‌برکت است و وقتی ربا آمد برکت می‌رود.
۴. ربا جنگ با خدا و پیامبر ﷺ است.
۵. ربا دین را از بین می‌برد.
۶. ربا بدتر از زناست.
۷. ربا آتشی است که بر دنیا و آخرت رباخوار سایه می‌افکند.
۸. ربا توکل به خدا را از بین می‌برد.
۹. ربا بزرگ‌ترین دشمن اقتصاد اسلامی است و ...^۱

مسجد نقش زیادی در پرهیز دادن جامعه از ربا و معاملات ربوی دارد؛ هر مبلغی، بر خود وظیفه می‌بیند که بحثی پیرامون «ربا» در منبرهایش داشته باشد. مسجدی که در بازار یا در کنار بازار ساخته شده‌اند، بیشتر محل حضور بازاریان هستند. امام جماعت این گونه مساجد باید به موضوعات اقتصادی و به خصوص مسائل مربوط به ربا و معاملات ربوی بیشتر بپردازد و حتی از تابلوی اعلانات مسجد و حجره یا مغازه و محل کار کسبه، برای تبلیغ اقتصاد مسجدمحور و اقتصاد فاقد ربا استفاده نماید. بسیار روشن است که ربا، مخالف عدالت اقتصادی و از موانع تحقق عدالت اقتصادی است.^۲ ربا، مخالف حماسه‌سازی اقتصاد و مخالف حماسه اقتصادی و مخالف اقتصاد مقاومتی است و باید به شدت با آن مبارزه کرد.

و) مذمت حرام خواری و تلاش برای کسب حلال در بازار

یکی از نیازهای فطری هر انسان، حب ذات و توجه به معاش خود و زیردستان است. هر فرد، برای امرار معاش خود، ناگزیر است تا کسب و کار یا حرفه‌ای برای خود ایجاد کند. افراد، با راه‌اندازی یک منبع ایجاد درآمد، هزینه‌های زندگی خود را تأمین می‌کنند. بنابراین، همه مسلمانان بدون توجه به نوع شغل و مهارت و تخصص خود، باید از احکام اسلامی در مورد نحوه انجام معاملات و عقود مختلف و خرید و فروش و ...

۱- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۹۰؛ برای مطالعه بیشتر رک: محمدی نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفاسد اقتصادی، ۶۴-۸۱.

۲- رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی، ج ۷ (اقتصاد)، ص ۹۵-۹۷.

آگاهی داشته باشند. مراجع تقلید نیز، یاد گرفتن مسائلی را که افراد به طور معمول با آنها سر و کار دارند، لازم دانسته‌اند.^۱

در آموزه‌های اسلامی نیز به کسب روزی حلال و تلاش و کوشش تأکید زیادی شده است؛ تا جایی که در قرآن کریم بیش از ۵۵۰ آیه، در قالب‌ها و چهره‌های گوناگون درباره کار و تلاش و سخت‌کوشی و سازندگی آمده است.^۲ کار و تلاش و کسب حلال و ارتزاق از کدّ یمین و عرق جبین در آینه روایات، بهترین عبادات، تربیت‌کننده و کمال‌بخش انسان، شمرده شده است.

پیامبر عظیم‌الشان صلی الله علیه و آله فرمودند: «الكَادُّ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ؛ کسی که برای زندگی خانواده‌اش سعی و تلاش می‌کند، مانند مجاهد در راه خدا است».^۳

امام محمد باقر علیه السلام به نقل از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «الْعِبَادَةُ سَبْعُونَ جُزْءً أَفْضَلُهَا طَلَبُ الْحَلَالِ؛ عبادت دارای هفتاد جزء است که برترین جزء آن، به دست آوردن روزی حلال است».^۴

همچنین، در آموزه‌های اسلام و اقتصاد اسلامی هرگونه کسب و کار حرام مورد نکوهش و کسب و کار حلال مورد تمجید قرار گرفته است.^۵ قرآن کریم در تأکید رعایت مرز بین حلال و حرام می‌فرماید: «وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتُكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَالٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِيَتَفَتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ؛ و برای آنچه زبان شما به دروغ می‌پردازد، مگویید: این حلال است و آن حرام تا بر خدا دروغ بندید؛ زیرا کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، رستگار نمی‌شوند».^۶

قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای مردم، از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه را بخورید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او دشمن آشکار شما است».^۷

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «اتَّقُوا الْحَجَرَ الْحَرَامَ فِي الْبُنْيَانِ فَإِنَّهُ أَسَاسُ الْحَرَابِ؛ از استعمال سنگ حرام در ساختمان پرهیزید که مایه ویرانی است».^۸

روحانیان و سخنوران و مبلغان مساجد با توجه با آموزه‌های اسلام و تأکیدات شارع مقدس در خصوص

۱- ر.ک به: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۲۱، مسئله ۱۲.

۲- عبدالباقی، محمد قواد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن، ذیل واژه‌های «عمل»، «سعی» و «فعل».

۳- علامه مجلسی، بحار الانوار، چاپ بیروت، ج ۱۰۰، باب ۱، ص ۱۳.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۱.

۵- برای مطالعه آثار مال حرام و حلال ر.ک: محمدی نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفاسد اقتصادی، ص ۳۵-۶۰.

۶- نحل، آیه ۱۱۶.

۷- بقره، آیه ۱۶۸.

۸- نهج الفصاحه، حدیث ۳۹.

کسب رزق حلال، نماز گزاران را ارشاد می‌کنند و آنان را به عدم انجام امور مربوط به کسب و کار حرام ترغیب می‌نمایند. این موضوع از اثرات گرانقدر اقتصاد مسجدگرا است که مؤمنان مسجدی همواره کسب و کار خود را با معیارهای اسلامی می‌سنجند. بدین ترتیب، اقتصاد مسجدی، عاری از هر گونه کسب و کار حرام و شبهه‌ناک است.

ن) جلوگیری و نکوهش تولیدات مضر

از دردهای بزرگ بشریت در طول تاریخ، آلوده شدن او به برخی از مسائل غیر ضروری زندگی و سرگرمی‌های غیر مفید و مضر است؛ استعمار، روزگاری با مشروب، روزی با چای، روزی با سیگار و قلیان و روزی با مواد مخدر و امروز با انواع مواد سنتی و صنعتی و تخریبی و قرص‌های روان‌گردان و ... در صد بهره‌کشی از مسلمانان و انحراف آنها از حق است. کم‌ترین این موارد سیگار و بدترین آنها مشروبات است. شرب خمر به شدت در آموزه‌های اسلامی نکوهش شده است. قرآن می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ» درباره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: در آن دو گناه و زیان بزرگی است و منافی (از نظر مادی) برای مردم در بردارد؛ ولی گناه آنها از نفعشان بیشتر است و از تو می‌پرسند: چه چیز انفاق کنند؟ بگو: از مازاد نیازمندی خود. این گونه خداوند آیات را برای شما روشن می‌سازد؛ شاید بیندیشید»^۱.

این آیه خمر را به «اِثْم» تعبیر می‌کند که موجب محرومیت از سعادت‌ها و خوشبختی‌ها می‌شود و زیان‌های بهداشتی میگساری و آثار سوء آن در معده، روده‌ها، جگر، شش، سلسله اعصاب، شریان‌ها، قلب و حواس انسان، مانند قوه باصره و ذائقه مسلم است.^۲

در نکوهش مشروبات الکلی و هر ماده سکرآور دیگر، قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرُبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز (و جماعت در مسجد) نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید».^۳

در اقتصاد مسجدمحور، انجام هر گونه فعالیت‌های اقتصادی مربوط به مشروبات و مسکرات تحریم شده است و این کار از گناهان کبیره شمرده شده است.^۴ اهل بیت (علیهم‌السلام) هم این عمل را خبیث شمرده‌اند. پیامبر

۱- بقره، آیه ۲۱۹.

۲- طباطبائی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، ص ۲۸۹.

۳- نساء، آیه ۴۳؛ همچنین رک: مائد، آیه ۹۰.

۴- دستغیب، عبدالحسین، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۲۳۵.

گرامی ﷺ در این مورد فرمود: لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَعَاصِرَهَا وَغَارِسَهَا وَشَارِبَهَا وَسَاقِيَهَا وَبَايِعَهَا وَمُشْتَرِيَهَا وَ
 اِكْلَ ثَمَرِهَا وَحَامِلَهَا وَالْمَحْمُولَ إِلَيْهِ؛ خداوند، مشروب و فشارنده آن و کارنده درخت آن و نوشنده آن و ساقی
 و فروشنده آن و خریدار و خورنده پول آن و حامل آن را و کسی را که به سوی او می‌برند، لعن کرده است.^۱
 امام صادق (علیه السلام) در این مورد فرمودند: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا قَطُّ إِلَّا وَقَدْ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّهُ إِذَا أَكْمَلَ لَهُ دِينَهُ كَانَ فِيهِ
 تَحْرِيمُ الْخَمْرِ وَمَنْ تَزَلَّ الْخَمْرُ حَرَامًا؛ خداوند پیامبری را نفرستاد، مگر اینکه در علم خداوند بود که چون دین او را
 تکمیل کند در آن تحریم خمر باشد و همیشه خمر حرام بوده است.»^۲

همچنین، در مورد آثار و ضررهای فراوان الکل و مشروبات الکلی کتاب‌های فراوانی نوشته شده است که برای اختصار از ذکر مباحث بیشتر خودداری شده است.^۳

مساجد، نقش ویژه‌ای در مورد تبیین فعالیت‌های اقتصادی مضر و مخالف دستورات اقتصاد اسلامی دارند. برخی از اقداماتی که در این زمینه انجام می‌شوند، عبارت‌اند از: تبلیغ مضرات اجتماعی و اقتصادی این گونه مواد توسط روحانی، جلوگیری از استعمال این گونه مواد و حتی سیگار در مسجد، پخش بروشورهای ویژه در مساجد در خصوص عدم تولید و توزیع و فروش و مبادله اقلام و کالاهای مضر، انجام فعالیت‌های فرهنگی گسترده در کمک تابلوی اعلانات مساجد و ...

در مطالب گذشته به برخی از مصادیق عینی آفت‌های اقتصادی اشاره شد و بیان گردید که آموزش و تبیین و آگاه‌سازی کاسبان و بازاریان جامعه اسلامی در خصوص این آسیب‌ها در مساجد انجام می‌شود و با تربیت مسجدی و محوریت مدل اقتصادی مسجدگرا، این مسائل در اقتصاد جوامع اسلامی برطرف خواهد شد. روشن است که آفت‌ها و آسیب‌ها یا عوامل فساد در اقتصاد متعدّد و مختلف هستند و در این نوشتار کوتاه نمی‌گنجد. به عنوان مثال، مواردی مانند رشوه، سرقت‌های اقتصادی و مالی، اختلاس، سحر و جادو، شعبده‌بازی، نیرنگ‌های اقتصادی در فضای سایبری و آفات تجارت الکترونیک و ...، به منظور اختصار مطرح نگردیده است.^۴

کارکردها و جلوه‌نمائی‌های اقتصاد اسلامی مسجدگرا در مساجد

کارکردها و جلوه‌های اقتصادی مسجد یکی از مهم‌ترین ابعاد اثرگذاری مساجد در بعد اجتماعی هستند.

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۴۴.

۲- همان؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۲۳۷.

۳- شیطان بطری، از انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی، سرگذشت الکلی‌ها، امیری اراکی.

۴- برای مطالعه بیشتر، ک: محمدی نژاد، حسینعلی، اسلام و مبارزه با مفسد اقتصادی، ص ۱۱۵-۲۱۵.

در گذشته، ابعاد اقتصادی مسجد بیشتر بود و همه امور مربوط به حکومت و بودجه‌بندی حاکمان و فرمانداران و همه امور مربوط به بیت‌المال در مساجد انجام می‌شد. با توسعه زندگی اجتماعی در جامعه اسلامی، برخی نهادهای حکومتی، سازمان یافتند و به حسب ضرورت، برخی از این امور اقتصادی از مساجد فاصله گرفتند. با وجود این، مساجد هنوز دارای جلوه‌گری‌های متعددی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در مقوله اقتصاد هستند که قابل بحث و بررسی است. برخی از این موارد جنبه الزامی دارد و برخی دیگر از حیث اختیاری بودن، مورد توجه هستند:

الف) مسجد جایگاه تبیین و سازمان‌دهی پرداخت‌های الزامی اسلامی

برخی از پرداخت‌هایی که باید از سوی مسلمانان صورت بگیرد، تابع قوانین و شرایط فقهی است و تحت شرایط محقق شده، پرداخت آن بر هر مسلمان واجب می‌شود. البته این نوشتار در پی بررسی و تشریح قواعد فقهی و روش محاسبه این گونه پرداخت‌ها نیست، بلکه به صورت کلی می‌توان گفت که برخی از پرداخت‌هایی که مسلمانان باید به حکومت وقت و ... پردازند یا بر اساس دستورات و راهبردهای دولت اسلامی، هزینه نمایند، حالت الزامی دارد و فقط استحباب قصد نمی‌تواند در آنها مفهوم داشته باشد. این گونه پرداخت‌ها با رعایت شرایط خاص خودش، بر مسلمانان واجب می‌شود و مؤمنان باید نسبت به پرداخت آن و رعایت مقتضیات زمانه در جامعه اسلامی اقدام نمایند. برخی از این گونه پرداخت‌ها در ادامه بیان و تشریح شده است.

۱. خمس و انواع زکات، مهم‌ترین آموزه‌های اقتصاد مسجدی

یکی از کارکردهای عبادی - اقتصادی مساجد، خمس و زکات و مانند آن است. خمس و زکات، یکی از بهترین تفکرات اقتصادی است و اسلام، علاوه بر جنبه اقتصادی، روی عبادی بودن آن هم تأکید دارد و اسلام، با داشتن چنین آموزه‌هایی، در بین مکاتب اقتصادی، نمونه و ممتاز است و با چنین برنامه‌ای در صدد برچیدن بساط فقر و مسکنت از مسلمانان است و اگر این مهم توسط همگان ادا و پرداخت شود و به دست فقرا برسد، هیچ فقیری در روی کره زمین باقی نخواهد ماند. برخی از محورهای بحث در این خصوص به شرح زیر هستند:

زکات

زکات، در لغت به معنای طهارت و پاکیزگی و رشد و نمو است. در اصطلاح دانشمندان اسلامی و مردم مسلمان زکات، مقدار معینی از دارایی است که با شرایط خاصی باید از مال صاحب آن جدا شود و به مصرف

فقرا و مستمندان و کارهای خیر دیگر برسد.^۱

زکات بر نه چیز واجب است: گندم، جو، خرما، انگور (کشمش) طلا، نقره، گوسفند، گاو و شتر. اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد به شرطی که هر یک از این موارد به حد نصاب مربوط به آن برسد، باید زکات پرداخت نماید. همچنین، مستحب است از سرمایه کسب و کار و تجارت نیز هر سال زکات بدهد؛ همچنین، زکات سایر غلات، مستحب است.^۲

خمس، مهم‌ترین مالیات برای تجهیز بیت‌المال در اقتصاد اسلامی

خمس، در لغت به معنای یک پنجم است و در اصطلاح مسلمانان، به یک پنجم مالی گفته می‌شود که پرداخت آن با شرایطی بر مسلمانان واجب می‌شود و باید آن را از اموالی که خمس به آنها تعلق گرفته جدا کرد و به حاکم اسلامی و ولی فقیه پرداخت نمود تا در موارد شرعی مورد نظر مصرف کند.^۳

هر گاه انسان از طریق زراعت یا صنعت یا تجارت یا از طریق کاری و کارمندی در مؤسسات مختلف، درآمدی به دست آورد، چنانچه از مخارج سال او و همسر و فرزندان و سایر کسانی که نفقه آنها را می‌دهد زیاد آید، باید خمس (پنج‌یک) آن را (به شرح سایر مسائل بیان شده)، بپردازد.^۴

قرآن کریم، در موارد بسیار متعدّد، زکات را در کنار نماز مطرح کرده و ضمن انتقاد از ترک کنندگان زکات، به آنها وعده عذاب داده است. قرآن، ترک کنندگان زکات را تا حدّ کفر پیش برده و به دلیل حقّ الناس بودن زکات، آخرت سختی را برایشان پیش بینی کرده است.^۵

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «السُّرَاتُ ثَلَاثَةٌ: مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ مُسْتَحِلُّ مَهْرِ التِّسَاءِ وَ كَذْلِكَ مَنْ اسْتَدَانَ وَ لَمْ يَنْوِقْضَاءَهُ؛ دزد سه دسته‌اند: آنکه زکات نپردازد؛ آنکه مهر زنان ندهد؛ آنکه قرض بگیرد و تصمیم پرداخت نداشته باشد».^۶

۱- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۱۵، کتاب الزکاة، ص ۲-۱۵.

۲- ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۲۹۵، مسئله ۱۵۸۶.

۳- ر.ک: طباطبایی قمی، تقی، الغایة القصوی فی تعلیق علی العروة الوثقی، کتاب الخمس، ص ۵-۲۴۰؛ مشکینی اردبیلی، علی، بحثی پیرامون خمس تحقیقی و استدلالی، ص ۵۱۰.

۴- ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۲۷۷، مسئله ۱۴۷۵.

۵- دستغیب، گناهان کبیره، ج ۲، ص ۱۸۳.

۶- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۴۶.

یک فرمول ساده برای محاسبه تقریبی خمس اموال

آموزه‌های اسلامی و مسجدی مربوط به اقتصاد اسلامی، ایجاب می‌کند که مؤمنان مسجدی اطلاعاتی در خصوص امور محاسباتی و اقتصادی داشته باشند تا پیوسته به محاسبه اموال و ثروت‌های خود پرداخته و در خصوص تطبیق آن با موازین شارع مقدّس، همواره هوشیار باشند. در این قسمت، در راستای اقتصاد مسجدگرا، فرمول ساده‌ای برای محاسبه اولیه خمس بیان می‌شود. این تابع در خصوص ارائه اطلاعات پیش‌زمینه‌ای به مسلمانانی که به دنبال تطهیر مستمرّ اموال خود هستند، بسیار مفید خواهد بود. اگر مخارج هر فرد را با حرف C و کل درآمد سالانه فرد را با حرف I و درآمد مانده خرج نشده (مازاد بر مخارج سال) را با حرف S نشان دهیم، می‌توانیم مقدار مالی که به آن خمس تعلق می‌گیرد را با استفاده از تابع زیر به دست آورد:

$$S = C - I$$

در واقع، به پس‌انداز مازاد بر نیاز یک فرد در طول یک سال، خمس تعلق می‌گیرد. با محاسبه حاصل ضرب S در یک پنجم (۲۰٪)، مبلغ دقیق خمس محاسبه می‌شود.

$$\text{مبلغ خمس} = (S \times 20) \div 100$$

لازم به ذکر است که در جمع درآمد و مخارج و سایر ثروت‌های فرد در قالب فرمول ذکر شده، باید احکام خمس به دقت مورد توجه قرار گیرد که این موارد توسط حاکم شرع یا ولی فقیه یا نمایندگان آنها حسب شرایط افراد انجام می‌شود.

اسلام، برای خمس و زکات، جایگاه ویژه‌ای قائل است که برخی از تعبیر ارزشمند آن عبارت است از: تکلیف الهی بودن، پشتوانه دین بودن، دشمنی با امام زمان علیه السلام در صورت امتناع از پرداخت آن، پلی برای اسلام، ستون اسلام، شرط پذیرش نماز، فرمان الهی و ...^۲

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا قَالَ: إِنَّ أَسَدَ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ يَا رَبِّ خُمُسِي وَقَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِتَطْيِيبِ وِلَادَتِهِمْ وَلِتَزَكُوا أَوْلَادَهُمْ؛ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ إِمَامِ مُحَمَّدٍ بَاقِرٍ عليه السلام

۱- مطالعه و آگاهی کامل از احکام رساله عملیه مراجع تقلید در مقوله خمس توسط فرد مکلف از پیش نیازهای مهم این محاسبه است. برای مطالعه کاربردی در این خصوص رک. به: ظهیری، عباس، آسان‌ترین شیوه محاسبه خمس، براساس فتاوی‌ای آیات عظام: امام راحل علیه السلام، خامنه‌ای علیه السلام، اراکی، بهجت و ...

۲- الحز العمالی، وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۳۳۷ و ۳۷۶؛ محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۸۱؛ شریفی، محمود، چهل حدیث خمس و زکات، ص ۵-۷۹.

یا امام صادق (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: شدیدترین چیزی که مردم در روز قیامت گرفتار آن هستند، این است که صاحب خمس برمی‌خیزد و می‌گوید: پروردگار! خمس مرا (غصب کردند)، ولی ما آن را برای شیعیان خود حلال کردیم تا تولد آنها پاکیزه و فرزندانشان پاک متولد شوند.^۱

راه‌های جذب و سازمان‌دهی خمس و زکات در مساجد

اندیشه اولیه لزوم پرداخت خمس و زکات در اذهان مردم از مسجد شکل می‌گیرد. متولیان امور فرهنگی مساجد و روحانیان مبلغ، با انجام امور زیر می‌توانند این فرآیند را بهتر به مقصود برسانند:

- تبلیغ احکام و قواعد خمس و زکات به صورت بیان خطابه بر منابر و طرح آن به صورت مسئله‌ای، توسط امام جماعت در مسجد؛
- اشاره مختصر به نحوه انجام محاسبات ساده و اولیه مربوط به تعیین میزان خمس و زکات اموال برای برخی مؤمنان؛
- فراگیر کردن و فرهنگ‌سازی تصدّی‌گری ائمه محترم جماعت، برای دریافت خمس و زکات در مساجد یا به عهده گرفتن و کالت مراجع تقلید برای این منظور و حضور فیزیکی امامان جماعت در مساجد برای اجرای این امر؛
- راه‌اندازی وبلاگ، سایت و مانند آن و تهیه و توزیع جزوه‌ها و بروشورها و مقالات و کتب حاوی احادیثی در اهمیت خمس و زکات و استفاده از هر گونه رسانه اثرگذار در این خصوص.
- تصدّی‌گری ائمه جماعت به عنوان روحانی کاروان‌های حجّ و تلاش بیشتر آنان در خصوص تطهیر اموال حجّاج از نظر خمس و زکات؛
- بازدید امام جماعت مساجد و برخی اعضای مسئولان مساجد از فعالیت‌های کشاورزان، باغداران، دامداران و کسبه بازاری در محلّ کار آنها و یادآوری پرداخت زکات و خمس؛
- حضور ائمه جماعت و مبلغان در منازل مؤمنان، بر حسب درخواست آنها و انجام امور محاسبه خمس سالیانه؛
- تعیین یک فاصله زمانی پیش‌فرض برای پرداخت زکات و خمس بر اساس نوع و کیفیت فعالیت‌های اقتصادی محله منتسب به مسجد.

همکاری سازمان‌های دولتی در دریافت زکات و مدیریت مصرف آن

بر اساس تشکیلات حکومتی جامعه اسلامی، برخی سازمان‌های وزارتخانه‌ای و برخی نهادهای انقلابی

و دولتی مانند سازمان بهزیستی و کمیته امداد و جمعیت هلال احمر و ... بر حسب وظیفه سازمانی مجاز به دریافت و مصرف زکات هستند. این سازمان‌ها با توجه تنوع مصارف هزینه و بر اساس نظرات مراجع عظام از نظر شرعی و عرفی به این کار مجاز بوده و این موضوع در نظام عرفی از جایگاه مناسبی برخوردار است. این سازمان‌ها دارای بخش مشابهی به نام واحد جذب مشارکت‌های مردمی هستند و افراد خیر و نیکوکار برای پرداخت اعانات و برخی از انواع زکات‌ها به آن واحد مراجعه می‌نمایند. واحد مشارکت این سازمان‌ها، پس از انجام تشریفات اداری نسبت به مصرف زکات‌های جمع‌آوری شده بر حسب نیت خاص یا نیت عام زکات‌دهندگان اقدام می‌کنند.^۱ با وجود این، باز هم مساجد نقش رسانه‌ای در تبیین وظایف گسترده این سازمان‌ها دارند. به عبارت دیگر، مسجد، بهترین مکان برای شناساندن این سازمان‌ها به عموم مردم است تا نیکوکاران به یاری کمبودهای بودجه‌ای دولت اقدام نمایند و از عواقب اخروی این امور خیریه بهره‌مند شوند.

۲. نقش مسجد در جمع‌آوری و سامان‌دهی زکات فطریه

ماه رمضان مهم‌ترین ماهی است که مساجد رونق بیشتری دارند و عباداتی مثل بیان مسائل شرعی و احکام نماز و روزه و خطابه‌ها و سخنرانی‌ها برگزار می‌شود. در این ماه، در بیشتر مساجد، نماز جماعت پنج‌گانه با روحانی مستقر محله و با حضور مؤمنان روزه‌دار برگزار می‌شود. در طول مدت این ماه، پتانسیل اجتماعی قابل توجهی در مساجد شکل می‌گیرد که متولیان امر باید به نحو شایسته‌ای از این موقعیت استفاده نمایند. در روزهای پایانی و دهه سوم ماه رمضان، کنجکاوای روزه‌داران راستین در خصوص نحوه محاسبه و پرداخت زکات واجب فطریه، بیشتر می‌شود به گونه‌ای که برخی از جلسات سخنرانی به نحوه محاسبه و شرح مصارف این زکات اختصاص می‌یابد. این موضوع، از موضوعات ثابت و از مسائل قابل بحث همه امام جماعت در مساجد است. در واقع، با تغییرات اقتصادی در هر سال، تغییراتی در میزان و چگونگی پرداخت این زکات ایجاد می‌شود که این موضوع، خود از پویایی و به‌روز بودن موازین اسلامی و فقه پویای شارع مقدس حکایت دارد.

فطریه، صدقه‌ای است که طبق دستور شرع باید در غروب روز آخر ماه رمضان کنار گذاشته شود و در روز عید فطر به مستحقان داده شود.^۲

۱- نگارنده براساس تجربیات اداری و سوابق اجرایی و مدیریتی خود در سازمان بهزیستی و براساس تعامل اداری با دیگر سازمان‌ها، پس از جمع‌بندی، به درج این سطور مبادرت نموده است.

۲- انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۶، ص ۵۳۷۸.

زکات فطره بر تمام کسانی که قبل از غروب شب عید فطر بالغ و عاقل و غنی باشند، واجب است؛ یعنی هر مسلمان باید برای خودش و کسانی که نان خور او هستند، به ازای هر نفر، به اندازه یک صاع (سه کیلو) از آنچه غذای نوع مردم آن محل است، اعم از گندم و جو یا خرما یا برنج یا ذرت و مانند اینها، به مستحق بدهد و اگر پول یکی از اینها را نیز بدهد، کافی است^۱

زکات فطره، به اتفاق نظر علمای شیعه و سنی واجب است و در متون دینی برای آن فلسفه و فواید متعددی بیان شده است. شرط قبولی روزه، تکمیل کننده روزه، تضمین کننده سلامتی جسم، پاک کننده روح از رزایل اخلاقی، حفظ انسان از مرگ و تکمیل کننده زکات مال، از مهم ترین آنها به شمار می رود.^۲

ب) مسجد جایگاه دریافت و سازمان دهی پرداخت های اختیاری مسلمانان

در اقتصاد پویای اسلام که از امتیازات متعددی نسبت به سایر مکاتب اقتصادی برخوردار است، برنامه های اقتصادی دیگری در قالب پرداخت های اختیاری ارائه شده است. این برنامه ها به منزله تکمیل کننده اهداف ارزشمند و معنوی پرداخت های واجب بوده و در واقع، فرصتی عارفانه برای مؤمنان فراهم می کند تا در صورت داشتن توان مالی بیشتر، به انجام آنها اقدام نمایند. مسلمانان، به قصد بهره مندی از ثواب اخروی و برای بر خورداری از آثار اجتماعی و اخلاقی و دنیوی این اعمال، به انجام آنها مبادرت می ورزند. این برنامه ها در قالب های متعدد و آموزه های مختلفی بر مبنای تربیت مسجدی در دین اسلام ارائه گردیده است. در ادامه به برخی از آنان به صورت اختصار اشاره می شود:

۱. انفاق، کارآمدترین نمود اقتصاد مسجد محور

انفاق، از ریشه «نفق» به معنی نفقه کردن، بخشیدن، احسان کردن و بخشش کردن است.^۳ انفاق، صرف کردن مال در مصارف نیکوکارانه است که اغلب مفسران، این عمل را از نظر توزیع ثروت و کاهش محرومیت های اقتصادی نگاه می کنند.^۴ از نظر اصطلاحی، انفاق در کاربرد رایج قرآن کریم و متون دینی، به اعطای مال یا جان و جسم در راه خدا به فقیران و نیازمندان گفته می شود که به حکم آیات «الَّذِينَ يُنْفِقُونَ

۱- مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، ص ۳۱۲، مسئله ۱۶۹۲.

۲- کافی، ج ۴، باب الفطره، ص ۱۷۴؛ مستدرک وسائل الشیعه، ج ۷، ابواب زکاة الفطره، ص ۱۳۷؛ العروة الوثقی، ج ۲، زکاة الفطره؛ وسائل الشیعه، ج ۹، ابواب زکاة الفطره، ص ۳۱۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، باب الفطره، ص ۱۸۳.

۳- نحوی، سید محمد، فرهنگ واژه های عربی، ص ۴۱۰؛ همچنین ببینید: لسان العرب، ج ۱۴، ص ۲۴۲؛ القاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۲۲۷؛ مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۴۵۴.

۴- دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۹۵.

أَمْوَالَهُمْ...»^۱ و «أَنْفَقُوا خَيْرًا لِّأَنْفُسِكُمْ...»^۲ انجام می‌شود و به عنوان کمال بذل است.^۳ «نفاق» به همراه مشتقات آن بیش از ۷۰ بار در قرآن با واژگان و تعابیر مختلفی آمده است.^۴

انفاق‌ها را از منظر آیات قرآن کریم می‌توان از چند نظر دسته‌بندی کرد.^۵ مانند: انفاق‌های واجب،^۶ انفاق‌های مستحب،^۷ انفاق‌های حرام.^۸

در آیات قرآن، سفارش زیادی به انفاق شده است و برای این کار بارائه مثل‌هایی، پاداش و اجر معنوی زیادی مطرح شده است. قرآن می‌فرماید: «مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مَثَلِ كَسَانِي كِه اَمَوَالِ خُود رَادِر رَاه خد انفاق می‌کنند، همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند و خداوند گشایش‌گر داناست».^۹

با توجه به مفهوم گسترده انفاق، در شرایط ریاضت‌های اقتصادی، یکی از آموزه‌هایی که می‌تواند در خصوص رفع نیازهای طبقات متوسط و پایین جامعه اثربخش باشد، انفاق و انواع آن است. توجه به انواع انفاق، در قالب فعالیت‌های مسجدی می‌تواند موجب جلوگیری از توقف ثروت نزد ثروتمندان شود و چرخه توزیع منابع اقتصادی با جریان منابع از طرف ثروتمندان به نفع نیازمندان، عادلانه‌تر گردد. این امر، حرکتی به سمت حماسه اقتصادی محسوب می‌شود.

۲. صدقه و نقش مسجد در جذب مشارکت‌های مردمی

یکی از کارکردهای اصلی که جنبه اقتصادی دارد و همه روز در مساجد انجام می‌شود؛ جمع‌آوری صدقات است. وجود صندوق‌های صدقه در اطراف مسجد، در داخل مسجد، جمع‌آوری مستقیم صدقه برای نیازمندان، مراجعان و ... از اهمیت این کارکرد حکایت دارد.

۱- بقره، آیه ۲۶۱.

۲- تغابن، آیه ۱۶.

۳- سجادی، سیدجعفر، فرهنگ معارف اسلامی، ج ۱، ص ۳۲۳.

۴- بقره، آیه ۲۶۳؛ بقره، آیه ۲۶۴؛ توبه، آیه ۷۱؛ بقره، آیه ۲۷۱؛ همچنین ر. ک به: مائده، آیات ۸ و ۵۵ و ۹۵؛ نور، آیه ۲۲؛ توبه، آیه ۴۱؛ بقره، آیات ۲۴۵ و ۱۷۷ و ۴۳؛ حدید، آیات ۱۱ و ۱۸؛ بلد، آیه ۱۴؛ انسان، آیه ۸؛ نساء، آیه ۸.

۵- ابراهیم، آیه ۳۱، رعد، آیه ۲۲، نحل، آیه ۷۵، فاطر، آیه ۲۹؛ همچنین ر. ک: الشیخ الطبرسی، تفسیر مجمع البیان (عربی)، ج ۲، ص ۶۶۰.

۶- مائده، آیه ۸۹؛ نساء، آیه ۹۲؛ حدید، آیه ۱۵؛ بقره، آیات ۲۳۳ و ۱۸۴ و ۱۹۵.

۷- بقره، آیات ۲۴۵ و ۳ و ۲۷۰؛ همچنین ببینید: کرمی، علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ص ۸۷۳ و ۸۷۴.

۸- انفال، آیه ۳۶؛ نک به: کرمی، علی، ترجمه تفسیر مجمع البیان (تألیف شیخ الطبرسی)، ج ۵، ص ۳۷۵.

۹- بقره، آیه ۲۶۱؛ ر. ک به: بقره، آیات ۳ و ۱۵۹ و ۲۷۴ و ۲۶۵ و ۲۶۷؛ تغابن، آیه ۱۶؛ انفال، آیه ۳؛ حدید، آیه ۱۰؛ آل عمران آیات ۱۷ و ۱۳۴ و ...

قرآن کریم در آیات متعددی به صدقه اشاره دارد. به عنوان مثال، قرآن می‌فرماید: «أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ الصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ؛ آیا نمی‌دانستند که فقط خداوند، توبه را از بندگان می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد و خداوند توبه‌پذیر و مهربان است؟!»^۱ بر اساس مفاهیم ارزشمند این آیه می‌توان گفت:

■ خداوند، صدقه را خودش می‌گیرد.

■ صدقه هم مانند توبه انسان را پاک می‌کند.

■ صدقه، را خداوند قبل از فقیر می‌گیرد.

■ شرط قبولی صدقه، توبه است؛ چون در آیه، توبه مقدم شده است.^۲

در آموزه‌های اسلامی به صدقه سفارش زیادی شده است که به عنوان نمونه برخی موارد به شرح زیر بیان می‌شود:

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ؛ إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوهُ؛ هر گاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می‌شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه یا علمی که از آن سود می‌برند، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند».^۳

صدقه جاریه، مالی است که به نوعی، سرمایه‌گذاری شده و ثواب آن در جریان است؛ و پی‌درپی به صاحب صدقه می‌رسد. به تعبیر دیگر، صدقه‌ای است که فرد در حال حیاتش جاری ساخته است و پس از مرگش هم جریان دارد.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَاتَ قَعُ صَدَقَةُ الْمَوْمِنِ فِي يَدِ السَّائِلِ حَتَّى تَقَعَ فِي يَدِ اللَّهِ تَعَالَى؛ صدقه انسان مؤمن قبل از اینکه در دست سائل قرار بگیرد، به دست خداوند می‌رسد».^۴

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ أَنْ تَصَدَّقَ وَأَنْتَ صَحِيحٌ شَحِيحٌ، تَأْمَلُ الْعَيْشَ وَتَحْشَى الْفَقْرَ، وَلَا تَمْهَلُ حَتَّى إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُقُومَ قُلْتَ: لِفُلَانٍ كَذَا وَ لِفُلَانٍ كَذَا، أَلَا وَقَدْ كَانَ لِفُلَانٍ؛ بهترین صدقه آن است که در حالی که صحیح و سالم هستی و امید به زندگی داری و از تنگدستی هم هراسان باشی، صدقه بدهی، صدقه را آن قدر به تأخیر نینداز تا آنکه جان به گلوگاه برسد، آنگاه بگوئی: برای فلان این قدر بدهید

۱- توبه، آیه ۱۰۴.

۲- مکارم شیرازی، ناصر (و جمعی از نویسندگان)، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۲۱.

۳- نهج الفصاحه، حدیث ۲۳۹.

۴- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۳۴.

و به فلانی آن قدر»^۱!

رسول خدا ﷺ فرمودند: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرُهُ الصَّدَقَةُ؛ بهترین ثروت و اندوخته انسان، «صدقه» است»^۲.

امام جعفر صادق (ع) فرمودند: «إِنَّ صَدَقَةَ اللَّيْلِ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ وَ تَحْوِلُ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ وَ تَهْوِنُ الْحَسَابَ وَ صَدَقَةُ النَّهَارِ تَمْشِي الْمَالَ وَ تَزِيدُ فِي الْعُمْرِ؛ همانا صدقه دادن در شب، آتش خشم پروردگار را خاموش می کند، گناهان بزرگ را محو ساخته و حساب روز قیامت را آسان می سازد و صدقه دادن در روز موجب ازدیاد مال و طولانی شدن عمر می گردد»^۳.

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «خَيْرُ مَالِ الْمَرْءِ وَ ذَخَائِرُهُ الصَّدَقَةُ؛ بهترین ثروت و اندوخته انسان، صدقه است»^۴.

امام محمد باقر (ع) فرمودند: «الْبِرُّ وَ صَدَقَةُ السَّرِيِّنِ الْفَقْرَو...؛ نیکو کاری و صدقه پنهانی، فقر را می زدانید و ...»^۵.

فعالان فرهنگی مساجد و مبلغان محترم، باید در مساجد با تبلیغ در مورد پرداخت صدقه و تفسیر برخی از آیات مربوط به صدقات، در تجدید و احیای آن بیش از پیش تلاش کنند. هر چند مؤمنان نیز از عمق جان دریافته اند که این صدقه های کم، ولی با ارزش آنان گره های بزرگی از زندگی مردم را می گشاید و یک گنجینه عظیمی برای آخرت آنها است. بنابراین، می توان گفت که مهم ترین نوع مشارکت اقتصادی مؤمنان مسجدی، توجه آنها به دادن صدقه برای رفع نیازهای اقتصادی نیازمندان مسلمان است و رفع این نیازها از آموزه های اقتصاد مسجدی است.

۳. قرض الحسنه، ابزار کارگشایی از مشکلات مسلمانان در مساجد

یکی از تفاوت های اساسی مکتب اقتصادی اسلام با سایر مکاتب اقتصادی، توجه خاص به نیازمندان، آسیب دیدگان و اقشار ضعیف جامعه و ارائه راهکارهای مناسب با شأن و کرامت انسان است که یکی از این

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۲۶.

۲- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

۳- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۲۵.

۴- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸.

۵- مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۸۱؛ برای مطالعه احادیث بیشتر، ک به: وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۵۸ و ج ۱۳، ص ۳۵۸؛ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۳۲۶.

راهکارها، قرض حسن یا «قرض الحسنه» است.

«قرض الحسنه» از دو واژه «قرض» و «الحسنه» تشکیل شده است. قرض، یعنی وام یا وام دادن یا پاداش دادن.^۱ معنای دیگر قرض، بریدن و قطع کردن است؛ زیرا فرد قرض دهنده، مقداری از مال خود را جدا و به قرض گیرنده می‌دهد.^۲ الحسنه، به معنای نیکی یا نیک یا نیکوست.^۳ دادن قرض الحسنه به طور معمول، در نهادی مردمی به نام «صندوق قرض الحسنه» انجام می‌گیرد. اولین صندوق قرض الحسنه در مسجد تشکیل شده است. در صدر اسلام، در خصوص قرض الحسنه به عنوان یکی از شاخص‌های مهم مسجد طراز اسلامی، برای توجه همه‌جانبه به تهیدستان و محرومان اقداماتی صورت می‌گرفته است.^۴ یکی از کارکردهای عبادی مسجد که به صورت غیرمستقیم انجام می‌شود، تشکیل صندوق‌های قرض الحسنه و دستگیری از محرومان جامعه در زمان مشکلات است.^۵

قرآن کریم در آیات متعددی، به قرض الحسنه اشاره کرده است که ذکر همه آنها در این مقال نمی‌گنجد؛ ولی به عنوان نمونه به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ؛ کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [خدا نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟»^۶ همچنین، قرآن در جایی دیگر می‌فرماید: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ؛ کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید».^۷

در روایات مختلفی به سنت زیبای قرض الحسنه اشاره شده و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) بارها به آن سفارش نموده‌اند.^۸

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ مَكْتُوبٌ: الْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَالصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ؛ بر روی درب

۱- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۱۷۵۰۵.

۲- جابری عربلو، محسن، فرهنگ و اصطلاحات فقهی، ص ۱۶۴.

۳- دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۶، ص ۹۰۱۴ و ۹۰۱۵.

۴- ر.ک: مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد طراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، ص ۱۴-۱۵.

۵- فرهنگ مسجد، ص ۲۰۶-۲۰۵.

۶- حدید، آیه ۱۱.

۷- بقره، آیه ۲۴۵؛ برای مطالعه بیشتر در مورد آیات قرض الحسنه، ر.ک: تغابن، آیه ۱۷؛ مزمل، آیه ۲۰؛ حدید، آیه ۱۸.

۸- شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۴۱۴؛ همچنین ر.ک: شریفی، محمود، چهل حدیث قرض الحسنه، ص ۶.

بهشت این گونه نوشته شده است: قرض دادن هیجده برابر پاداش دارد و صدقه ده برابر^۱. رسول اکرم ﷺ می فرماید: «مَنْ اخْتَجَّ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمَ فِي قَرْضٍ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ کسی که برادر مسلمانش به او برای قرض احتیاج داشته باشد و او با وجود اینکه قادر به پرداخت این قرض است، از دادن آن امتناع کند، خداوند بوی بهشت را بر او حرام خواهد کرد»^۲.

انجام این عمل ارزشمند اقتصاد اسلامی، موجب توسعه اقتصادی و تأمین نیازهای مالی و اقتصادی مردم شهرها و محله‌ها می‌شود. این فعالیت مسجدی، انگیزه‌سازی برای روحیه خودیاری در مردم و انجام امور داوطلبانه اقتصادی در سطح جامعه را باعث خواهد شد.^۳ توجه به این سنت حسنه و آموزش تعالیم آن به نمازگزاران و حاضران در مسجد، در دوران مقاوم‌سازی اقتصاد و گذشتن از دوران ریاضت‌های اقتصادی بسیار مهم است. این آموزه اقتصادی در درمان بسیاری از آفت‌ها و استثماریهای اقتصادی جوامع اسلام، مانند ربا مؤثر است؛ زیرا وقتی قرض الحسنه مورد توجه قرار نگیرد، ربا اقتصاد جوامع را فرا می‌گیرد. در صورتی که ربا در آموزه‌های اسلامی به شدت نکوهش شده است.^۴

از مهم‌ترین کارکردهای اقتصادی مساجد که مستقیم و محسوس است، کارگشایی از امور فقرا و نیازمندان به کمک قرض الحسنه است. بسیار مشاهده شده است که مسجد به عنوان یک پناهگاه برای فقرا و افراد مضطر است و کارگشایی از امور مسلمانان در آنجا صورت می‌گیرد.

کارگشایی و رفع مشکلات نیازمندان با کمک قرض الحسنه بر اساس آموزه‌های مسجدی در روایات اسلامی مورد تأکید قرار گرفته است. در ادامه به برخی از مهم‌ترین روایات اشاره می‌شود:^۵ امام صادق (ع) فرمودند: «مَا قَضَى مُسْلِمٌ لِمُسْلِمٍ حَاجَةً إِلَّا نَادَاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى ثَوَابِكِ وَلَا أَرْضِي لَكَ بِدُونِ الْجَنَّةِ؛ هر مسلمانی که نیاز و حاجت مسلمانی را برطرف نماید، خدای متعال به او می‌فرماید: اجر و ثواب توبه عهده من است و به کمتر از بهشت برای تو راضی نخواهم شد»^۶.

امام علی (ع) از رسول گرامی ﷺ نقل می‌فرماید: «مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ تَسَعَةً الْآلِفِ سَنَةٍ صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ؛ کسی که برای رفع نیاز برادر مؤمن خود، کوشش کند، مثل این است که نه

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۳۸.

۳- احمدی، علی محمد، نقش مسجد در اقتصاد محله، ص ۳۶۶.

۴- رک: دستغیب، گناهان کبیره، ج ۱، ص ۱۷۹، ۱۸۰؛ آل عمران، آیات ۱۲۵ و ۱۲۶؛ بقره، آیات ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۱۱۵؛ شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۷۴.

۵- برای مطالعه بیشتر رک: بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۲؛ همین منبع، ج ۷۲، ص ۲۸۵. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۰۷.

۶- بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۱۲.

هزار سال خداوند متعال را عبادت کرده در حالی که روزها روزه بوده و شبها را هم شب‌زنده‌داری می‌کرده است.»^۱

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند: «قضاء حاجه المؤمن خیر من عتیق ألف رقبه و خیر من حملان ألف فرس فی سبیل الله؛ و ساختن حاجت مؤمن از آزاد ساختن هزار بنده و بار کردن هزار اسب در راه خدا (فرستادن به جهاد) بهتر است.»^۲

با اندک تأملی مشخص می‌شود که مساجد، همیشه مرجع طرح و بررسی مشکلات نیازمندان مختلف بوده است. مساجد، بر اساس آموزه‌هایی که از اقتصاد اسلامی گرفته است، به کمک سنت زیبای قرض الحسنه همواره مکانی برای کارگشایی حاجت‌مندان خواهد بود.

۴. مسجد، بهترین مکان توسعه و سازمان‌دهی موقوفات

وقف، از نظر لغوی به معنی به حالت ایستاده ماندن و آرام گرفتن است و از نظر اصطلاحی، به مفهوم نگه داشتن و حبس کردن عینِ ملکی بر ملک و اوقف آن [نه ملک خدا] و مصرف کردن منفعت آن را در راه خداوند است^۳ و بعضی از فقهاء می‌گویند وقف، حبس عین مال بر ملک خدای تعالی است. در ماده ۵۵ قانون مدنی ایران، وقف، به معنی حبس عین مال و تسبیل^۴ بر حسب نیت واقف است.^۵

در آیات متعددی از قرآن، به مفهوم وقف اشاره شده است. به عنوان نمونه، قرآن می‌فرماید: «الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا؛ اموال و فرزندان، زینت زندگی دنیاست و باقیات صالحات [آثار ماندگار شایسته] ثوابش نزد پروردگارت بهتر و امیدبخش‌تر است.»^۶

در روایات نیز بر آموزه ارزشمند وقف تأکید زیادی شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث مشهوری می‌فرماید: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُوهُ؛ وقتی انسان بمیرد، عمل او خاتمه می‌یابد، مگر در سه چیز: صدقه جاریه (وقف)، علمی که

۱- همان، ص ۳۱۵.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۳، حدیث ۳؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۴.

۳- حسینی، سید محمد، فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی، ص ۵۵۶.

۴- تسبیل، به مفهوم دادن چیزی در راه خیر و در راه خداوند است؛ دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۵، ص ۶۷۱۸.

۵- دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۵، ص ۲۳۲۲۶-۲۳۲۲۸.

۶- کهف، آیه ۴۶؛ همچنین ر. ک به: آل عمران، آیه ۹۲؛ مزمل، آیه ۲۰؛ بقره، آیه ۱۷۷.

۷- در کتب متعدد حدیثی، مانند وسائل الشیعه، ج ۲۸ و من لایحضر الفقیه و الهدایة بالخیر نوشته شیخ صدوق، المقنعة نوشته شیخ مفید، استبصار نوشته شیخ طوسی و... بابی به نام وقف به بیان احادیث و روایات مربوط به آن پرداخته است که از بیان آدرس دقیق ترجمه آنها به هدف اختصار خودداری شده است.

از آن استفاده شود و فرزند صالحی که برای او دعا کند»^۱.

مسجد، نقش بسیار بزرگی در ترویج سنت حسنه و عبادت بزرگ وقف و ایجاد موقوفه‌های فراوان دارد؛ موقوفه‌های فراوانی که در اطراف یا در ابنیه مساجد موجود است. از دیرباز، رسم بود که بسیاری از مساجد دارای، مغازه، گاراژ، کاروان سرا یا بازار... بوده‌اند و هر یک از این موقوفات، در خدمات دهی به فقراء، زوار و بی‌پناهان نقش ویژه‌ای داشتند. بسیاری از حوزه‌های علمیه هم از طریق همین موقوفات اداره می‌شوند؛ مثل: حوزه علمیه صدر اصفهان و ولّی عصر تبریز و یا طالبیه تبریز. همچنین، امامزاده‌ها و حرم‌ها موقوفاتی داشتند؛ مثل: موقوفات حرم امام رضا (علیه السلام) و حرم حضرت معصومه (علیها السلام) از نمونه چنین مساجدی می‌توان از مسجد مقدّس جمکران در قم، مسجد امام حسن عسکری (علیه السلام) در قم، مسجد طوبی در تبریز، مسجد مقبره در تبریز، مسجد امام در اصفهان و ... نام برد.

در وضعیتی که اقتصاد جامعه با روحيات معنوی و مذهبی، نیاز به سرمایه‌گذاری در امور مختلف دارد، می‌توان با اشاعه فرهنگ وقف در قالب آموزه‌های مسجدي و توسعه موقوفات دارای بازگشت سرمایه، چرخه اقتصاد تحریم شده توسط دشمنان را فعال نگه داشت و در تحقق حماسه اقتصادی، برنامه‌ریزی و فعالیت نمود.

یکی از کارکردهای مهم اقتصادی مساجد، کمک و تبلیغ برای ساخته شدن مساجد دیگر است. خداوند سبحان در مورد بانیان مساجد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَ إِلَّا لِلَّهِ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^۲؛ مساجد الهی را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده و نماز را برپا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد؛ امید است چنین گروهی، راه هدایت یابند».

شاید بتوان ادعا کرد که بعد از ساخته شدن چندین مسجد اولیه توسط پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله)، صحابه، ترویج مسجدهسازی در همین مساجد شروع شد و کار به جایی رسید که امروز هزاران مسجد در جای جای دنیا و کشورها و شهرها و محلات ساخته شده است و رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله) مروج چنین حرکت اقتصادی-عبادی بود و آن را در مسجد خودش و در جای جای مدینه ترویج می‌فرمود.

در روایتی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل شده است: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا وَلَوْ مَفْحَصَ قَطَاةٍ، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ»؛

۱- پابنده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، ص ۲۰۰، ج ۲۳۹؛ وسایل الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۹۲.

۲- توبه، آیه ۱۸.

هر کس مسجدی بنا نهد، اگر به اندازه خوابگاه مرعی باشد، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای بنا می‌کند.^۱ همچنین، آن حضرت فرمودند: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا فِي الدُّنْيَا أَعْطَاهُ اللَّهُ بِكُلِّ شِبْرٍ مِنْهُ، أَوْ قَالَ بِكُلِّ ذِرَاعٍ مِنْهُ، مَسِيرَةَ أَرْبَعِينَ أَلْفِ عَامٍ مَدِينَةً مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ وَدُرٍّ وَياقُوتٍ وَزُمُرِدٍ وَلَوْلُؤِيٍّ؛ اِذَا كَسَى فِي دُنْيَا مَسْجِدِي بِنَا كُنْتُ، خَدَاوُنْدُ فِي مَقَابِلِ هَرِّ وَجِبِّ اِزْ اَنْ، بِه اِنْدازه مسير چهل هزار سال را، شهری از طلا، نقره، دُر، یاقوت، زمره، زبرجد و مروارید به وی می‌بخشد».^۲

پیامبر اعظم ﷺ فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا يُذْكَرُ اللَّهُ فِيهِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ هَر كَس مَسْجِدِي رَا بِه قَصْد اَيْنَكِه در آن، نام خدا برده شود، بسازد، برای او خانه‌ای در بهشت ساخته می‌شود».^۳

بر اساس روایات و آیات ذکر شده می‌توان گفت که خداوند متعال برای بانیان مسجد، این مؤمنان شایسته که افتخار ساختن خانه‌های خدا را دارند و روز به روز بر تعداد خانه‌های خدا می‌افزایند، اجر و مزد فراوانی خواهد داد که خارج از درک و فهم بشری است. بسیار روشن است که وقتی تعداد مساجد زیاد شوند، کارکردهای اقتصادی مساجد در راستای اقتصاد اسلامی و اقتصاد مسجدمحور هم زیاد و زیادتر خواهد شد.

۵. نقش مسجد در جذب ثلث اموات و هدایت آن به سمت اهداف اقتصادی

ثلث، به معنی یک‌سوم چیزی است و به دودانگ هر چیز هم گفته می‌شود. ثلث، یک‌سوم تر که وصیت‌کننده در زمان فوت است.^۴ ارث از توابع مالکیت است و اگر مالکیت را نفی کنیم، بحث از ارث و موضوعاتی مانند ثلث، موضوعیت نخواهد داشت و این از وجوه تمایز نظام اقتصادی اسلام با سایر نظام‌ها مانند مکتب اقتصادی سوسیالیستی و ... است.^۵ روشن است که با رحلت اشخاص حقیقی، مالکیت آنها زایل شده، شخص فقط مالک ثلث اموال خویش است و فقط می‌تواند در مورد یک‌سوم اموال خود، وصایایی داشته باشد.^۶ افرادی که در مساجد حاضر می‌شوند، بارها و بارها تحت تعالیم علما و خطبای مساجد در رابطه با ثلث اموالشان توصیه‌هایی را شنیده، تصمیماتی برای ثلث اموال بعد از خود یا ثلث امواتشان و مصرف صحیح و عبادی آن اتخاذ کرده‌اند. در واقع، می‌توان گفت که مسجد، نقش ویژه‌ای در هدایت ثلث اموال و مصرف

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۶.

۲- همان.

۳- روضة الواعظین، ص ۳۷۰؛ برای احادیث مشابه دیگر در این مورد رک: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۵؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۴۶۹.

۴- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۱۱۹۲ تا ۱۱۹۳.

۵- مطهری، مرتضی، نظری بر نظام اقتصادی اسلام، ص ۱۵۷-۱۷۰.

۶- موسوی خمینی، روح‌الله، رساله توضیح المسائل، احکام وصیت، ص ۳۲۹-۳۳۳.

صحیح آنها، در راستای عبادت و انجام امور خداپسندانه دارد و این موضوع، یک حرکت زیبایی عبادی و اقتصادی است. در این مورد می‌توان با سیاست‌گذاری مناسب، در قالب رفتارهای اقتصاد مقاومتی، به سمت خلق حماسه اقتصادی گام برداشت. در ادامه برخی راهکارهایی کاربردی در این خصوص مطرح می‌شوند:

۱. حضور امام جماعت مسجد یا برخی متولیان فرهنگی آگاه به مسائل در منازل افراد، بر اساس درخواست آنها و تنظیم وصیت‌نامه‌ها در راستای هزینه کردن ثلث اموال در مسیر عبودیت و ارائه ارشادات و راهنمایی‌های لازم؛

۲. تبلیغ و ایراد خطابه در مساجد، توسط ائمه جماعت و سایر متولیان فرهنگی مساجد، در خصوص نحوه مصرف ثلث مال اموات، با در نظر گرفتن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و ...؛

۳. برنامه‌ریزی جامع در خصوص هزینه و مصرف بهینه ثلث اموال تحویلی به خود مسجد (طبق وصیت متوفی) و اقدام به حرکت‌های عبادی، مانند صندوق قرض الحسنه مسجد، اطعام فقرا در مسجد، تهیه تجهیزات مساجد و هرگونه احسان در این خصوص؛

۴. قبول مسئولیت و صایت افراد توسط خود مسجد و امام جماعت یا برخی متولیان فرهنگی مساجد و مدیریت بهینه مصرف ثلث اموال متوفیان.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

بر اساس مطالب بیان شده می‌توان گفت که مسجد مهم‌ترین مکان برای محاسبات اقتصادی مؤمنان در مورد فعالیت‌های خودشان است. مسلمان مسجدی در فرصتی که به هنگام حضور در مساجد به دست می‌آورد به بررسی و مقایسه نحوه عملکرد اقتصادی خود با موازین شرعی می‌پردازد. مساجد، به عنوان مظهر تدین و نماد دین‌داری و تسلیم بودن در برابر دستورات الهی هستند. می‌دانیم که دین اسلام به عنوان کامل‌ترین دین برای سعادت دنیوی و اخروی بشر دستورات جامعی ارائه می‌کند.^۱ یکی از جنبه‌های دین اسلام، توجه به امور اقتصادی فرد و جامعه است. بر همین اساس، یک فرد مسجدی و به خصوص، یک فرد بازاری که بیشتر ساعات روز در حال داد و ستد و انجام معاملات مختلف است، همواره اعمال خود و نتایج کردار و عملکرد اقتصادی خود را با الگوها و آموزه‌های اقتصاد مسجدی و اقتصاد اسلامی مطابقت می‌دهد و انحرافات احتمالی موجود را برطرف می‌کند. با رفع انحرافات رفتار اقتصادی افراد (اقتصاد خرد)، در نهایت اقتصاد کل جامعه (اقتصاد کلان) اصلاح شده و اصول و مبانی مدل اقتصادی مسجدی فراگیر می‌شود.

۱- در تأکید این مطلب، قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَّبِعْ عَزِيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا قَلْبًا يُقْبَلْ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ؛ وهر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز اوزی پذیرفته نشود و او در آخرت از زیانکاران است.»؛ آل عمران، آیه ۸۵.

تبیین و اصلاح شیوه‌های الگوی مصرف، برای نیل به اقتصاد اسلامی، بسترسازی فرهنگی برای جهاد اقتصادی، ارتقاء کمی و کیفی تولیدات به همراه آموزش نحوه رعایت حلال و حرام در کسب و کار و ترویج کسب و کارهای اسلامی در رسیدن به یک اقتصاد مقاوم، نقش بسیار مهمی دارند.

هرچند در این نوشتار به مدل اقتصاد مسجدی اشاره گردید، ولی به دلیل محدودیت‌های موجود، امکان ارائه و تبیین چنین مدلی بر اساس اصول روش تحقیق میدانی، برای نگارنده وجود نداشته است. نگارنده، به صراحت پیشنهاد می‌کند که محققان دیگر و اساتید علوم اقتصادی و علوم اسلامی، بر اساس تحقیقات و مطالعات میدانی و تتبع در منابع علمی و تخصصی اقتصاد و منابع ارزشمند فقهی اسلام، به مدل‌سازی اقتصاد مسجدی اقدام نمایند تا با محوریت مسجد و کارکردهای اقتصادی مساجد، یک الگوی عملی و کاربردی در هر دو جنبه اقتصاد خرد و کلان ارائه شود. در آن صورت است که می‌توان به تحقق حماسه اقتصادی امیدوار بود؛ چرا که هرگونه حرکت جهشی و حماسی، به الگوهای عملی نیاز دارد. برخی پیشنهادات کاربردی در این خصوص عبارت‌اند از:

۱. ساخت سیستم مدیریت مالی یکپارچه در چهار سطح محله، شهر، استان و کشور یا به صورت تلفیقی برای توسعه کارکردهای اقتصادی مساجد؛

۲. تأسیس یک بانک اختصاصی اسلامی با فعالیت‌های مسجدی با عنوان «بانک مسجد...» برای همه اعمال اقتصادی واجب و مستحب؛ این بانک امور مربوط به وصول یا دریافت و مدیریت و انتقال وجوه و نظام‌مند کردن نحوه مصارف آنها را انجام می‌دهد.

۳. انجام کلیه معاملات اسلامی با مدیریت وجوه به نحو گسترده به نفع مساجد؛

۴. نظارت و کنترل مستمر مساجد بر بازار توسط نیروهای مسجدی و اندیشمند و صاحب‌نظر در علم

«اقتصاد اسلامی»؛

۵. نظارت جزئی‌تر امام‌جماعت محلات در امور اقتصادی ساکنان محل و ارائه راهکارهای اقتصادی در مواقع اضطراری و رفع شبهات اقتصادی؛

۶. شرکت مسئولان و متولیان مسجدی در سطح محله، شهر و کشور در سیاست‌گذاری‌های بازاری و تصمیمات اقتصادی و تجاری و ارائه نظرات و راهکارهای منطبق با اقتصاد اسلامی؛

۷. استفاده از نیروهای توانمند علمی و اجرایی در سازمان‌های اقتصادی دولت و به کارگیری افراد تربیت یافته بر اساس آموزه‌های مسجدی و اقتصاد اسلامی؛

۸. استفاده از سیستم‌های جدید فناوری اطلاعات برای جمع‌آوری وجوه نیکوکاران، مانند پرداخت‌های

آنلاین، پرداخت‌های اینترنتی و پرداخت‌های تلفنی و ...؛

۹. ایجاد واحدهای آموزشی اقتصاد مسجدی و اقتصاد اسلامی زیر نظر امام جماعت مساجد، برای توسعه

و شبهه‌شکنی مبانی اقتصاد مسجدی.

۱۰. توجه به مدل اقتصاد مسجدی یا الگوی اقتصاد مسجدمحور و تبیین آن و توسعه مبانی آن بر اساس

تغییرات به‌روز و با در نظر گرفتن پیشرفت علم و فناوری و دخالت آن در معاملات اقتصادی مسلمانان،

موجب پویایی بیشتر اقتصاد اسلامی می‌شود و این جلوه‌گری‌های اقتصاد مسجدی، مسیر اقتصاد را برای

تحقق حماسه اقتصادی مدّ نظر رهبر معظم عَلَيْهِ السَّلَام هموار خواهد کرد. امامان جماعت و مسئولان و متولیان

فرهنگی مرتبط با مساجد، باید با تلاش و خلاقیت همه‌جانبه خود، به نهادینه کردن آموزه‌های مسجدی،

مانند قرض الحسنه، انفاق و صدقه و خمس و زکات، ثلث اموات و سنت وقف و ... اقدام نمایند؛ به گونه‌ای

که انجام این امور معنوی به کارهای مستمرّ روزانه یا هفتگی یا ماهانه و ... افراد مسجدی و کسبه‌های

مسجدی و بازاریان تبدیل شود و روند جمع‌آوری و مدیریت این وجوه، به صورت کاری مستمرّ و منسجم با

نظارت مساجد و بانک مساجد پی‌گیری و عملی گردد. این امر، موجب هموارسازی مسیر حرکت حماسی و

تسهیل در نیل به حماسه اقتصادی و سیاسی می‌شود.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه: فولادوند، محمد مهدی، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، ناصر، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق)، **من لایحضره الفقیه**، متوفای ۳۸۲ هـ. ق، ۴ جلدی، چاپ قدیم، بی تا، بی نا، ۱۴۰۴ ق.
 ۲. _____، **ثواب الاعمال و عقاب الاعمال**، قم، انتشارات رضی، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ. ش.
 ۳. ابن منظور محمد بن مکرم، **لسان العرب**، دارالفکر، دار صرار، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
 ۴. احمدی، علی محمد، **نقش مسجد در اقتصاد محله**، مرکز مطالعات و تحقیقات امور اجتماعی و فرهنگی شهرداری تهران، چکیده مقالات همایش توسعه محله ای، تهران، ۱۳۸۳.
 ۵. اسحاقی، سید حسین، **مبانی و راهبردهای جهاد اقتصادی**، مرکز نشرهاجر، وابسته به مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوران، چاپ سوم، زمستان ۱۳۹۰.
 ۶. اسلام پور، حسین، **نقش کارکردهای اقتصادی مسجد در اقتصاد مقاومتی و تحقق حماسه اقتصادی**، مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، تأیید شده و در حال چاپ توسط آن مرکز، ۱۳۹۲.
 ۷. الطبرسی، الفضل بن الحسن (شیخ طبرسی)، **تفسیر مجمع البیان**، ترجمه: کرمی علی، انتشارات فراهانی، پاییز ۱۳۷۹.
 ۸. _____، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن** (عربی)، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ هـ. ق.
 ۹. انصاری، محمد جعفر، دیرباز، عسگری، کرمی محمد مهدی، کرمی محمد حسین، **درآمدی به مبانی اقتصاد خرد بانگرش اسلامی**، انتشارات سمت، انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تهران، ۱۳۷۸.
 ۱۰. ایزد خواه، روح الله، **راهگشائی حماسه اقتصادی از بستر تحوّل اجتماعی**، ۱۳۹۲، سایت حوزه به آدرس: www.hawzah.net
 ۱۱. آمدی عبدالواحد بن محمد، **تصنیف غرر الکلم و درر الکلم**، مکتب الاعلام الاسلامی، مرکز النشر، به تحقیق: درایتی مصطفی، ۱۳۶۶.
 ۱۲. بگ، دیوید و فیشر، استانلی و دورنبوش، رودیگر، **علم اقتصاد**، ترجمه: تیزهوش محمد حسین، انتشارات جنگل، ۱۳۸۵.
 ۱۳. بیانات مقام معظم رهبری دامت برکته در جلسات متعدّد سخنرانی برای اقشار مختلف، قابل دسترس در:

۱۴. پاینده، ابوالقاسم، **نهج الفصاحه**، تهران، دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۳ ش.
۱۵. جابری عربلو، محسن، **فرهنگ واصطلاحات فقهی**، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۲.
۱۶. جهانگیری سهروردی، یحیی، **بررسی کارکرد رسانه‌ای مساجد**، مرکز رسیدگی به امور مساجد کشور، مقاله تأیید شده و در حال چاپ توسط آن مرکز، ۱۳۹۲.
۱۷. چیرا، عمر، **آینده علم اقتصاد، چشم اندازی اسلامی**، ترجمه: شعبانی احمد، دانشگاه امام صادق (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۳۸۵.
۱۸. حرعاملی، محمدبن حسن، **وسایل الشیعه**، دوره ۲۰ جلدی، اسلامیة تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۱۹. حسینی سیدمحمد، **فرهنگ لغات واصطلاحات فقهی**، سروش، تهران، چاپ سوم، سال ۱۳۸۹.
۲۰. دستغیب شیرازی، سید عبدالحسین، **گناهان کبیره**، مجموعه دو جلدی، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۲۱. دشتی، محمد، **ترجمه نهج البلاغه**، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ نهم، ۱۳۸۲.
۲۲. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، **فرهنگ مسجد**، جمعی از محققین مرکز.
۲۳. دهخدا، علی اکبر (علامه دهخدا)، **لغت نامه دهخدا**، تهران، چاپ مجلس، ۱۳۳۲ هـ.ش.
۲۴. _____، **مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران**، چاپ دوم (دوره جدید)، ۱۳۷۷.
۲۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات**، قم، مکتبه الرضویه.
۲۶. ری شهری، محمد محمدی، **میزان الحکمه**، ۱۰ جلدی، انتشارات مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۲ ش.
۲۷. ساموئلسن پل، هاوس ویلیام نورد، **اقتصاد**، ترجمه: علی رضا نوروزی، محمد ابراهیمیان جهاندوست، ناشر مترجمان، چاپ اول، ۱۳۷۳.
۲۸. سجادی سیدجعفر، **فرهنگ معارف اسلامی**، شرکت مترجمان و مؤلفان ایران، اسفند ۱۳۶۲.
۲۹. شریفی، محمود، **چهل حدیث قرص الحسنه**، نشر معروف، قم، ۱۳۸۱ ش.
۳۰. _____، **چهل حدیث خمس و زکات**، قم، نشر معروف، ۱۳۷۷ هـ.ش.
۳۱. **شیطان بطری**، از مجموعه‌های منتشره از طرف انتشارات انجمن تبلیغات اسلامی.
۳۲. صدر، سیدرضا، **استقامت**، انتشارات روزبه و با همکاری کتابخانه بزرگ اسلامی، بی تا.
۳۳. صدر، شهید صدر، **اقتصادنا**، نرم افزار مجموعه آثار شهید صدر (علیه السلام).

۳۴. ضیاء آبادی، سید محمد، موعظه راه پیش گیری از نفوذ شیطان در دل انسان، نشر مؤسسه نیا، تهران، ۱۳۷۰ ش.
۳۵. طباطبایی قمی، تقی، **الغایة القصوی فی تعلیق علی العروة الوثقی**، کتاب الخمس، محقق: یزدی، محمد کاظم بن عبدالعظیم، انتشارات محلّاتی، قم، ۱۴۱۷ ق.
۳۶. طباطبایی محمد حسین، **تفسیر المیزان**، ترجمه: موسوی محمد باقر، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرّسین حوزه علمیه قم)، قم، زمستان ۱۳۸۷.
۳۷. ظهیری، عباس، **آسان ترین شیوه محاسبه خمس**، بر اساس فتاوی مراجع عظام، امام تقی، خامنه ای دامپنه، خویی، بهجت، لنکرانی و... نسخه pdf، سال ۱۳۹۱، قابل دسترس در: www.farhangnews.ir
۳۸. عبدالباقی، محمد فواد، **المعجم المفهرس لالفاظ القرآن**، نوید اسلام، قم، چاپ سوّم، ۱۳۸۴.
۳۹. عمید حسن، **فرهنگ عمید**، انتشارات اشجع، چاپ دوّم، زمستان ۱۳۹۰.
۴۰. _____ (دو جلدی)، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوّم، ۱۳۵۹.
۴۱. نیشابوری، محمد بن حسن (فتال نیشابوری، شهادت ۵۰۸ هـ. ق.)، **روضه الواعظین**، چاپ نجف اشرف، بی تا.
۴۲. فیروز آبادی، نجم الدین محمد بن یعقوب، **القاموس المحیط**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۴۳. قرائتی، محسن، **تفسیر نور**، مرکز فرهنگی درس های از قرآن، سال ۱۳۷۸.
۴۴. کرمی فریدنی، علی، **نهج الفصاحة**، مجموعه فرمایشات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، انتشارات حلم، چاپ هشتم، قم، ۱۳۸۶ ش.
۴۵. کریمیان صیقلانی، علی، **خودباوری**، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تقی، قم، ۱۳۸۶ ش.
۴۶. کلینی، محمد بن یعقوب، **اصول کافی**، چاپ بیروت، لبنان، بی تا.
۴۷. لابی الحسین، احمد بن فارس بن زکریا، **مقاییس اللغه**، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۳۶۱.
۴۸. لویس معلوف، **المنجد فی اللغة والاعلام**، البطح السادسة والعشرون، دارالشرق، بیروت، ۱۹۸۶ م / ۱۳۶۵.
۴۹. مکارم شیرازی، ناصر، **استفتائات جدید**، فارسی، درسه جلد، نشر انتشارات علی بن ابی طالب علیه السلام، وابسته به دفتر معظم له، قم، ۱۳۸۴.

۵۰. —، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی بن ابی طالب (علیه السلام)، چاپ سی و یکم، سال ۱۳۸۹.
۵۱. متقی هندی، کنز العمال، تصحیح: صفوه سقا، چاپ اول، مکتبه التراث الاسلام، بیروت، ۱۳۹۷ هـ. ق.
۵۲. علامه مجلسی، بحار الانوار، چاپ تهران، ۱۱۰ جلدی، بی تا، ۱۳۶۲ ش.
۵۳. —، چاپ بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ. ق.
۵۴. محتشم دولتشاهی، طهماسب، مبانی علم اقتصاد، انتشارات خجسته، چاپ بیست و پنجم، سال ۱۳۸۵.
۵۵. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، تهران، سال ۱۳۸۰.
۵۶. مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد طراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، شهریور ۹۱.
۵۷. مشکینی، علی، بحثی پیرامون خمس، انتشارات یاسیر، قم، ۱۳۵۹ ش.
۵۸. معین، محمد، فرهنگ معین (۷ جلدی)، چاپ تهران.
۵۹. — (۶ جلدی)، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸.
۶۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۶۱. —، چاپ بیست و هشتم، سال ۱۳۸۲.
۶۲. موسوی خوانساری، سید احمد، جامع المدارک فی شرح المختصر النافع، مصحح: علی اکبر غفاری. مکتبه الصدوق، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۵ هـ. ش.
۶۳. موسوی الخمینی، سید روح الله، رساله توضیح المسائل، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۶۴. نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، مشهد مقدس، مؤسسه الامام صاحب الزمان (عج)، ۱۴۱۷ هـ. ق.
۶۵. نحوی سید محمد، فرهنگ واژه های عربی، انتشارات اسلامی، تهران، چاپ اول، سال ۱۳۸۶.
۶۶. نوری، حاج میرزا حسین (محدث نوری، م ۱۳۲۰ ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، قم، ۱۴۰۸ ق.
۶۷. نیلی پور، مهدی، بهشت اخلاق، مجموعه ای سه جلدی، نشر مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر (عج)، قم، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.

۶۸. ویژه‌نامه تبلیغ، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ش ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ مربوط به رمضان ۱۴۳۳ هـ. ق و محرم ۱۴۳۴ هـ. ق و رمضان ۱۴۳۴ هـ. ق.
۶۹. هادوی تهرانی، مهدی، **مکتب و نظام اقتصادی اسلام**، مؤسسه فرهنگی خانه خرد، قم، چاپ اول، ۱۳۷۸.
۷۰. یزدی، محمدکاظم، **العروة الوثقی**، ۲ جلدی، با حاشیه مراجع، نشر اسماعیلیان، قم، بی‌تا.
۷۱. انوری، حسن، **فرهنگ بزرگ سخن**، انتشارات سخن، چاپ چهارم، سال ۱۳۸۶.
۷۲. مطهری، مرتضی، **نظری بر نظام اقتصادی اسلام**، انتشارات صدرا، چاپ ۱۳، بهمن ۱۳۸۵.
۷۳. محمدی نژاد، حسینعلی، **اسلام و مبارزه با مفسد اقتصادی**، نشر نخیل، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۶.
۷۴. رشاد، علی‌اکبر، **دانشنامه امام علی (علیه السلام): پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه**، تهران، ج ۷ (اقتصاد)، چاپ سوم، ۱۳۸۵.



کارکردهای
فرهنگی و تربیتی
مسجد

شماره ۴

نقش مساجد در توسعه و بستر سازی فرهنگی جامعه

محمّد جانی پور و رضا شکرانی

چکیده

قرآن کریم و به طور کلی، شریعت حیات بخش اسلام به عنوان رسالتی عمومی، به مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی اهتمام ویژه دارد؛ بر این اساس، بعثت پیامبر اکرم ﷺ، یک حرکت فرهنگی در راستای روشنگری و ایجاد تمدن فرهنگی بوده است. فرهنگ اسلامی، بنای مساجد را به عنوان نماد حکومت دینی و مرتبط با مردم مسلمان می‌داند که این تنها نمونه‌ای از کارایی مساجد و تلاش اسلام برای توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری بوده است. در حقیقت، توسعه فرهنگی به عنوان سیاستی کلی برای رسیدن به توسعه پایدار در سطح جامعه اسلامی، موضوع مورد بحث این نوشتار است و نگارنده در صدد تبیین نقش مساجد در توسعه و بستر سازی فرهنگی جامعه است. در این راستا، نگارنده با استفاده آموزه‌های اصیل اسلامی و مستندات معتبر دینی به تبیین و تشریح نقش و جایگاه مساجد به عنوان یکی از عواملی که می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه و تعالی فرهنگی جامعه داشته باشد، پرداخته است.

واژگان کلیدی:

مسجد، عبادت، دین، امیر مؤمنان علیه السلام، جامعه اسلامی، توسعه فرهنگی، تعالی فرهنگی.

توسعه، به مثابه واقعیتی مطلوب، دارای ابعاد گوناگونی است. در جهان معاصر، ارتباط‌های متقابلی که بین ابعاد مختلف توسعه، از جمله توسعه فرهنگی وجود دارد، مورد توجه اندیشمندان و متفکران قرار گرفته است؛ زیرا به خوبی آشکار شده که دیگر ابعاد توسعه، همچون توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، بدون توجه به توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی امری دور از دسترس است؛ همچنان که توسعه فرهنگی و توسعه منابع انسانی نیز بدون رشد توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، با مشکلات فراوانی مواجه می‌شود. نسل جوان جامعه در فرآیند توسعه، هم منشأ تحوّل است و هم بخش مهمی از نیروی انسانی فعال جامعه را تشکیل می‌دهد که آینده کشور را تا حدّ زیادی ترسیم و تعیین می‌کند. بنابراین، بر همه خانواده‌ها و متولیان امور مذهبی و فرهنگی کشور لازم است که بیش از دیگر امور به این نسل توجه نموده و برای تأمین سلامت آینده جامعه، بر روی نسل جوان، سرمایه‌گذاری کنند و این فرصت را مغتنم بشمارند؛ زیرا دوران جوانی، بهترین زمان برای رشد و ترقی در امور دنیوی و تأمین سعادت اخروی است. امام علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «لَا تَنْسَ صِحَّتَكَ وَ قُوَّتَكَ وَ فِرَاعُكَ وَ شَبَابَكَ وَ نِشَاطَكَ إِنْ تَطَلَبَ بِهَا الْآخِرَةَ»^۱. با کمال تأسف، باید گفت که نداشتن توجه کافی به نقش و جایگاه مساجد، جاذبه‌های بی‌بدیل و تأثیرات عظیم و مهمّ مساجد را به شدت کاهش داده و این کاهش، پیامدهای ناگواری، مانند گسترش تأثیرات تهاجم فرهنگی بر امت اسلامی را به دنبال داشته است. بی‌تردید، هسته نخستین حکومت نبوی (صلی الله علیه و آله) در مسجد پی‌ریزی شد و بسیاری از تصمیم‌گیری‌های سیاسی و اجتماعی در زمان پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در مسجد صورت می‌گرفت و مردم برای انجام امور مختلف در مسجد گردهم جمع می‌شدند و مرکز دیگری را برای این امور نمی‌شناختند. به این ترتیب، می‌توان گفت که مسجد، تنها یک عبادت‌گاه نیست؛ بلکه مرکزی برای حیات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه است.

پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) بسیاری از شئون حکومت را بر فراز منبر مسجد اداره می‌نمودند. در بسیاری از موارد مشاوره‌های مربوط به جنگ، در مسجد انجام می‌شد و سپاهیان اسلام را هنگام اعزام برای غزوه‌ها در مسجد جمع می‌کردند که همه اینها بیانگر فراگیر بودن نقش مسجد در تاریخ اسلام است. پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) با انجام این امور در مسجد، ظرفیت بالای این مرکز دینی را در ایجاد هم‌گرایی و انسجام اجتماعی به مردم نشان داده و بر تک‌بعدی بودن دین اسلام خط بطلان کشیدند.

۱. امام علی (علیه السلام) تندرستی و توان و فراغ و جوانی و نشاط را برای اینکه با آن آخرت را طلب کنی، فراموش نکن؛ وسائل الشیعه؛ ج ۱، باب ۲۰.

در دوران انقلاب اسلامی نیز اطلاع‌رسانی به مردم از طریق اعلامیه‌ها، سخنرانی‌ها و پخش نوار از مسجد و یا به وسیله بلندگوهای مساجد صورت می‌پذیرفت و در حقیقت می‌توان گفت مرکز اصلی هماهنگی‌های سیاسی و اجتماعی برای برپایی انقلاب اسلامی، مساجد بوده‌اند.

مقام معظم رهبری «إمامة» در رابطه با اهمیت و نقش مساجد می‌فرماید: «مسجد جای توجّه، ذکر، نماز و جای شناخت یکدیگر و محلّ تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی است. استفاده از مسجد برای دنیای اسلام، فرصت معتنمی محسوب می‌شود»^۱.

با عنایت به اینکه مساجد محلّ اصلی نشر فرهنگ دینی عامّه مردم در کشور هستند، لازم است برای توسعه فرهنگی، گام‌های اولیه را از پایگاه‌های فرهنگ دینی، یعنی مساجد شروع کرد؛ زیرا تقویت این پایگاه‌ها به معنای مصون‌سازی فرهنگ خودی در برابر تهاجم، شبیخون و یا ناتوی فرهنگی بیگانگان است.

نکته شایان ذکر در رابطه با رویکرد این مقاله این است که به اعتقاد مؤلف، مساجد بهترین مراکزی هستند که از آنها می‌توان برای جذب مردم به‌طور عمومی و جذب جوانان، به‌طور ویژه استفاده کرد. اگر دولت اسلامی بخواهد مردم را در مکان‌های دیگری جز مساجد سازمان‌دهی کند، باید هزینه‌های فراوانی صرف کند؛ اما با بهره‌گیری بهینه از این نهاد غنی دینی، جذب نسل جوان به‌طور کامل عملی، موفق و مقرون‌به‌صرفه می‌شود و دارای آثار بسیار مبارکی نیز خواهد بود.

هدف این مقاله بیان کارکردهایی است که در توسعه و بسترسازی فرهنگی جامعه اسلامی نقش عمده‌ای را ایفا می‌نمایند. به همین منظور، حدیثی از مولای متّقین امیر مؤمنان «علیه السلام» به عنوان چارچوب نظری و مدل تحلیلی این نوشتار انتخاب شده است تا بر اساس آن، مدّعی اصلی مقاله را اثبات نماییم.

ضرورت بحث

به نظر می‌رسد فرهنگ دارای یک لایه عمومی و کلی باشد که برای همه جوامع و در همه زمان‌های مختلف مشترک است و از اصول و مبانی فطرت تشکیل شده است؛ چرا که فطرت به عنوان عنصری تعیین‌کننده در وضع قوانین و تعیین اصول و حدود تعاملات فرهنگی جوامع، نقش عمده‌ای دارد و همچنین، می‌دانیم که علت گسترش ادیان نیز در واقع ارتباط عمیق و ریشه‌ای آنها با فطرت نوع بشر است. مبانی دینی نیز با تکیه بر فطرت انسان و ایجاد ارزش‌ها و هنجارهای خاصّ و استقرار فضائل انسانی موجب تثبیت

۱. مقام معظم رهبری «إمامة»، دیدار با شرکت‌کنندگان همایش بین‌المللی هفته جهانی مسجد، ۳۰/۵/۱۳۸۴.

و رشد و تعالی فرهنگ جوامع انسانی می‌شود. بنابراین، می‌توان گفت فرهنگ هر جامعه‌ای، آئینه دین و مذهب آن جامعه است.^۱

به هر حال، باید توجه داشت که هر چند ارزش‌های شرعی و اخلاقی دین موجب تغییر و تحول در فرهنگ می‌شوند، اما این اثرگذاری بر همه طبقات و اقشار جامعه یکسان نیست. فردی که سالیان سال در بستر فرهنگی خاصی رشد کرده است، اکنون به سختی می‌تواند اعتقادات و تمایلات خود را هر چند نادرست، تغییر دهد. در حالی که کودکان و نوجوانان به راحتی اثرپذیر خواهند بود. به همین دلیل است که اکثر متولیان مسائل فرهنگی به دنبال برنامه‌ریزی بر روی نسل جوان جامعه هستند.

ایجاد یک مجموعه همگن فرهنگی امکان‌پذیر نخواهد بود، مگر آنکه بر روی بخش جوان و نوجوان جامعه تکیه نمود؛ چرا که انگیزه درونی این نسل به سمت فضائل ثابت انسانی که برگرفته از خصوصیات روانی آنها است، موجب جوشش و حرکت جوامع شده و تأثیر هنجارهای فرهنگی را دوچندان می‌سازد.^۲ این مطلب بیان می‌دارد که در ساختار توسعه فرهنگی، قبل از هر چیز توجه به مستندات دینی به عنوان مبنایی برای برنامه‌ریزی و همچنین، توجه به نسل جوان به عنوان مخاطبان اولیه این برنامه‌ها الزامی است. به عبارتی دیگر، هنگامی توسعه فرهنگی شکل خواهد گرفت که نقش اصول و احکام ثابت دین و در عین حال، شمول آن بر نسل جوان به عنوان پایه‌گذاران اصلی هنجارهای فرهنگی در جوامع را در نظر گرفته باشیم.^۳

در این مقاله سعی بر آن است که بر اساس مستندات و مبانی دینی به یکی از زمینه‌های توسعه فرهنگی برای برطرف نمودن معضلات فرهنگی نسل جوان و جامعه اسلامی و ارائه راهکارهایی به منظور سامان‌دهی فرهنگی جامعه بپردازیم.

۱- مفهوم‌شناسی توسعه فرهنگی

۱-۱. توسعه

توسعه، یکی از مفاهیمی است که در عصر حاضر پس از فراهم شدن زمینه مساعدی برای بازگشت بشر به دین و مدخلیت یافتن ارزش‌های اخلاقی در عرصه‌های اجتماعی، حتی در دنیای سکولار غربی، در برخی فرهنگ‌ها دچار تغییر، تحول و تکامل معنایی شده است و در عصر حاضر که بعضی از آن به عصر

۱. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۰۸.

۲. فروغ مسجد، ص ۹۳.

۳. همان، ص ۹۶.

احیاگری دینی یاد کرده‌اند، مفاهیمی همچون ارزش‌های متعالی و مبانی اخلاقی نیز به دایره عناصر اصلی توسعه راه یافته‌اند.

بدیهی است که توسعه به مفهوم متعارف با مفهوم اسلامی کمال یافتگی فرد و جامعه تفاوت دارد؛ اما به اعتقاد برخی، در تفکر اسلامی «توسعه دین محور» را با تعبیر قرآنی «حیات طیبه» می‌توان تبیین نمود. توسعه دین محور، مبتنی بر عبودیت و عدالت است و از تحوّل درونی انسان‌ها آغاز می‌گردد.^۱ این تلقی از توسعه، برهم زنده توهم ناسازگاری پاره‌ای آموزه‌های اسلامی با توسعه، مانند تقدیرگرایی، سرزنش ثروت اندوزان، آخرت‌گرایی، توصیه به انفاق و زهد است.^۲

با این وصف، توسعه در باور دینی بر دو پایه مهم استوار است:

۱. نگاه همه‌جانبه به انسان و ابعاد وجودی او؛ به معنای توجّه به همه نیازهای مادی و معنوی، علمی، عاطفی، جسمی و روحی بشر در نگاهی متعادل و نه به‌طور الزامی مساوی.

۲. محدود ندانستن زندگی انسان به حیات دنیوی و نگاه ایزاری به دنیا.

در نگاه دینی حیات انسان محدود به دوره حضور او در این دنیا نیست و انسان دارای حیات جاویدان است و زندگی دنیوی او تعیین‌کننده چگونگی زیست اخروی اوست؛ یعنی دنیا نسبت به آخرت، نقش ایزاری دارد. البته این سخن به معنای عدم تلاش برای آباد کردن دنیای انسان‌ها نیست و توشه آخرت را باید از همین دنیا برگرفت و این مزرعه، اگر آباد نباشد، محصولی شایسته از آن درو نخواهد شد.^۳

فرهنگ

بحث درباره فرهنگ^۴ تعریف، کارکردها و عناصر تشکیل‌دهنده آن، از جمله مباحثی است که در چند قرن اخیر توجّه محققان غربی و شرقی را به خود جلب کرده و به پیدایش‌ها و تحقیقات متعدّدی منجر شده است. در نگاه اول، به نظر می‌رسد بحث منسجم و مستوفایی درباره فرهنگ، عناصر و کارکردهای آن در منابع دینی مطرح نشده است؛ حتی به دشواری می‌توان معادل و مترادفی برای واژه فرهنگ در آیات قرآن و احادیث معصومان (علیهم‌السلام) پیدا کرد؛ زیرا مشخص‌ترین واژه‌ای که در زبان عربی به معنای فرهنگ به کار گرفته

۱. من عمل صالحاً من ذكراً أو أنثى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ نحل، آیه ۹۷.

۲. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش ۳۱، ص ۹۵.

۳. خلیلیان، محمد جمال، اسلام و توسعه، ص ۵۹.

۴. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش ۳۱، ص ۹۵.

شده است، «الثقافه» است که در قرآن چنین واژه‌ای به هیچ وجه وجود ندارد. با این حال، اگر با این تعریف از فرهنگ موافق باشیم که «فرهنگ، عبارت است از همه نهادها، فنون، هنرها، رسوم و سنت‌ها، ادبیات و اعتقادات متعلق به یک قوم که به طور اکتسابی و نیز در جریان آموزش‌های گوناگون از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد»^۱ آنگاه باید گفت که واژه‌هایی، مانند ملت، سنت، امت، دین و خلق در پاره‌ای از آیات قرآن و احادیث، در مفاهیمی نزدیک به مفهوم واژه فرهنگ به کار گرفته شده است و یا لاقلاً هر یک از این واژه‌ها، بیانگر عنصری از عناصر متعدّد فرهنگ است. به عنوان مثال، خداوند متعال در آخرین آیه از سوره حجّ، مسلمانان را به تبعیت از ملت ابراهیم فراخوانده و می‌فرماید: «مِلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ»^۲ و همچنین، در سوره بقره نیز متذکّر می‌شود که «وَلَوْ تَرْضَىٰ عَنكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ»^۳ که در این آیات، تعبیر ملت از سوی مفسّران به معانی مذهب، نحله فکری، خواسته‌ها و راه و رسمی که در بین یک قوم معمول است، اطلاق شده است.^۴ تعبیر ملت در قرآن، گاه به پیامبران اضافه شده و گاه به اقوام خاصی، چون یهود و نصاری و علاوه بر این دو مورد، در پاره‌ای دیگر از آیات به طریقه بت پرستان اطلاق شده است؛ چنان که می‌فرماید: «قَدِ افْتَرَيْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ»^۵ از همین جا می‌توان دریافت که این واژه می‌تواند عنصری از فرهنگ یک قوم و قبیله را متجلی سازد؛ زیرا مشرکان بدان پای بند بوده و حاضر به از دست دادن آن در مقابل پیامبران نبوده‌اند. چنین چیزی جز مجموعه‌ای از اعتقادات، آداب و رسوم یا اخلاقیات منحنط و در یک کلام، فرهنگ مبتنی بر شرک نبوده است که از آنها با تعبیر ملت سخن به میان رفته است. به این ترتیب، شاید صحیح خواهد بود، اگر متذکّر شویم که واژه ملت، بیشتر ناظر به بعد اعتقادی یک فرهنگ است که ممکن است ترکیبی از عقاید صحیح و پسنديده یا عقاید خرافی و غلط باشد.^۶ برخی اندیشمندان نیز فرهنگ را آمیخته‌ای از باورها، اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاقیات، رفتارها و مصنوعات می‌دانند.^۷ این تعریف، تا حدودی مشابه تعریف دین است که آن را مجموعه اعتقادات، اخلاقیات و احکام

۱. فصلنامه فرهنگ عمومی، شماره ۵، ص ۴۲.

۲. از آیین پدرتان ابراهیم پیروی کنید؛ حجّ، آیه ۷۸.

۳. هرگز یهود و نصاری از تورا ضعی نخواهند شد، (تا به طور کامل، تسلیم خواسته‌های آنها شوی و) از آیین (تحریف یافته) آنان، پیروی کنی؛ بقره، آیه ۱۲۰.

۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۳۷۳.

۵. اگر ما به آیین شما بازگردیم، بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده، به خدا دروغ بسته ایم و شایسته نیست که ما به آن بازگردیم؛ اعراف، آیه ۸۹.

۶. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآن، ص ۲۸۷.

۷. ر.ک: مصباح یزدی، محمدتقی، تهاجم فرهنگی، ص ۱۰۳-۱۰۴.

می‌داند و به نظر می‌رسد از این دیدگاه، فرهنگ به میزان زیادی به مفهوم دین نزدیک می‌شود.

توسعه فرهنگی

اگر فرهنگ را شامل تمامی میراث اندیشه‌ها، رفتارها و تجربه‌های انسانی بدانیم، به دلیل وجود تنوع و تفاوت در شرایط اجتماعی جوامع مختلف، با گوناگونی فرهنگ‌ها روبه‌رو می‌شویم. با این تعریف، فرهنگ هویت افراد و ملت‌ها را تشکیل می‌دهد که گاهی سیر نزولی داشته و گاهی نیز بر اثر عواملی مانند خلاقیت و ارائه راه‌حل برای رفع مشکلات و معضلات، نهادینه شده و توسعه و تکامل می‌یابد.^۱

«توسعه فرهنگی» یکی از مفاهیم جدید در عرصه حیات اجتماعی است و پیش از آنکه محصول رشد فرهنگی باشد، بیشتر نتیجه توسعه عمومی جوامع است. امروز، توسعه فرهنگی جزء جدایی‌ناپذیر توسعه پایدار و یکی از مهم‌ترین محورهای آن محسوب می‌شود آن چنان که برای سنجش میزان توسعه واقعی، میزان توسعه و ارتقاء بخش فرهنگ را مورد ارزیابی قرار می‌دهند.^۲

در این میان، توجه به رشد فکری و اخلاقی جامعه، ارتقاء علمی کشور و ایجاد روحیه تحقیق و پژوهش، تقویت باورهای دینی و سنت‌های علمی، تلاش برای توسعه و اعتلای جایگاه هنر، تقویت ارزش‌های اجتماعی و ایجاد خودباروری ملی و بهبود و گسترش دسترسی به رسانه‌ها و فناوری‌های ارتباطی، مهم‌ترین مسائلی است که دست‌یابی به توسعه فرهنگی را میسر می‌سازد.^۳

به‌طور کلی، می‌توان اهمیت فرهنگ را در دو جنبه بیان نمود: نخست، جایگاهی که فرهنگ در هویت و موجودیت جامعه دارد و دیگری، نقشی که فرهنگ در پیشرفت جوامع ایفا می‌کند. جنبه اول را می‌توان اهمیت و جایگاه فرهنگ در موجودیت جامعه انگاشت و وجه دوم را می‌توان اهمیت و نقش فرهنگ در حرکت به سمت اعتلای انحطاط جوامع دانست.^۴

حضرت امام خمینی ره در باب اهمیت و ضرورت توجه به فرهنگ سخنان گهرباری فرموده‌اند که به

شرح زیر هستند:

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است... راه اصلاح یک مملکت، فرهنگ آن

۱. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۰۸.

۲. Cultural development.

۳. خلیلیان، محمدجمال، اسلام و توسعه، ص ۸۴.

۴. حسینی منش، سید محمد مهدی، فرهنگ، سیاست و توسعه در ایران امروز، ص ۳۸.

۵. عزتی، مرتضی، جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی ره، فصلنامه نامه مفید، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۷۸.

مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود. امیدواریم بشر به رشدی برسد که مسلسل‌ها را به قلم تبدیل کند. آن قدری که قلم و بیان در خدمت بشر بوده است، مسلسل‌ها نبوده‌اند.^۱

«بی شک، بالاترین و والاترین عنصری که در موجودیت هر جامعه دخالت اساسی دارد، فرهنگ آن جامعه است. به‌طور اساسی، فرهنگ هر جامعه هویت و موجودیت آن جامعه را تشکیل می‌دهد.^۲

«به‌طور اساسی، فرهنگ است که ویژگی‌های مشترک به وجود آورنده یک ملت را تشکیل می‌دهد و بدون وجود یک فرهنگ واحد، افراد تبعه یک کشور را نباید یک ملت نامید. بنابراین، می‌توان گفت که اساس ملت یک ملت، فرهنگ است.»^۳

«اگر فرهنگ ناصالح شد، این جوان‌هایی که تربیت می‌شوند به این تربیت‌های فرهنگ ناصالح، اینها در آتیه فساد ایجاد می‌کنند... وقتی فرهنگ فاسد شد، جوان‌های ما که زیربنای تأسیس همه چیز هستند، از دست ما می‌روند و انگل، بار می‌آیند.»^۴

«فرهنگ نه تنها انسان‌ها را به انحطاط می‌کشد، بلکه می‌تواند موجب انحطاط و پوچی و در نهایت اضمحلال جوامع شود.»^۵

«فرهنگ یک مبدأ است که اعمال انسان‌ها و به تبع آن مسیر تکاملی جامعه از آن نشأت می‌گیرد.»^۶

۱. فلسفه وجودی مسجد

در فرهنگ دینی و قرآنی، گاهی از مسجد به عنوان «بیت‌الله» نیز یاد می‌شود؛ به عنوان مثال، از قرینه آیات زیر می‌توان به این مفهوم دست یافت:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذَكِّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدِ وَ الْأَصْالِ؛ (این چراغ پرفروغ) در خانه‌هایی قرار دارد که خداوند اذن فرموده دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوس‌بازان در امان باشد)؛ خانه‌هایی که نام خدا در آنها برده می‌شود و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند.»^۷

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ؛ کیست ستم‌کارتر از آن کس که از بردن نام خدا در

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۴۴۷.

۲. صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۶۰.

۳. همان، ج ۶، ص ۴۰.

۴. صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۷۳.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۶۰.

۶. همان، ج ۱، ص ۲۷۳.

۷. نور، آیه ۳۶.

مساجد او جلوگیری کرد.^۱

علامه طباطبایی در کتاب شریف تفسیر المیزان می‌فرماید: «به طور مسلم، معنای بیوت، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده و حتی خانه‌های پیامبران و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) نیز از مصادیق کلمه بیوت است.»^۲

راز این نام‌گذاری آن است که مردم در این مکان به سوی خداوند متعال تقرب می‌جویند و با عبادت خالصانه و جمعی، به سوی او ره می‌سپارند و از همین رو، قرآن کریم کعبه را که برترین خانه خدا بر روی زمین است، خانه‌ای برای مردم به شمار می‌آورد و می‌فرماید: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِنَكَّةٍ مُّبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^۳.

در قرآن کریم، هر جا سخن از مسجد به میان آمده، به جنبه‌های عبادی آن به عنوان عنصر محوری و بنیادین در تعالی فرهنگ دینی جامعه اشاره شده و در آیات متعددی از قرآن کریم، مسجد، جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است که در ادامه برخی از آنها به عنوان نمونه بیان می‌شود:

۱. «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۴.

۲. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ

تَعُودُونَ»^۵.

۳. «الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هُدَّيْتُمْ صَوَامِعَ وَبَيْعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدٍ يُدْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيُنصَرْنَ لِلَّهِ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^۶.

همان گونه که ملاحظه می‌شود، در این آیات وصفی که برای مسجد ذکر شده، آن است که در مساجد نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح و ستایش حق تعالی در صبح و شام بدان روی می‌آورند و این به روشنی بیانگر این حقیقت است که رسالت اولیه و اساسی این مکان مقدس در اسلام، آن است که کانون عبادت و ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

۱. بقره، آیه ۱۱۴.

۲. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۱۲۶.

۳. نخستین خانه‌ای که برای مردم قرار داده شد، همان است که در سرزمین مکه است که پربرکت و مایه هدایت جهانیان است؛ آل عمران، آیه ۹۶.

۴. و اینکه مساجد از آن خداست؛ پس، هیچ کس را با خدا نخوانید؛ جن، آیه ۱۸.

۵. بگو: پروردگارم امر به عدالت کرده است و توجه خویش را در هر مسجد (و به هنگام عبادت) به سوی او کنید و او را بخوانید، در حالی که دین (خود) را برای او خالص گردانید (و بدانید) همان گونه که در آغاز شما را آفرید، (بار دیگر در رستاخیز) باز می‌گردید؛ اعراف، آیه ۲۹.

۶. همان ها که از خانه و شهر خود، به ناحق رانده شدند، جز اینکه می‌گفتند: پروردگار ما، خدای یکتاست و اگر خداوند، بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند، کسانی را که یاری او کنند (و از آیینش دفاع نمایند)، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ حج، آیه ۴۰.

در سخنان معصومان (علیهم السلام) نیز بر جنبه‌های عبادی مسجد تأکید فراوان شده است. در این زمینه، کافی است به باب احکام مسجد در کتاب‌های حدیثی مراجعه شود که مملو از روایات و احادیث در مورد جنبه‌های عبادی و احکام فقهی مسجد است. از این امر می‌توان نتیجه گرفت که از منظر حضرات معصومان (علیهم السلام) مسجد جایگاهی مناسب برای ذکر و یاد حق تعالی بوده که مؤمنان در آنجا با حضور قلب، خدای خود را پرستش می‌کنند و از آثار و برکات آن بهره‌مند می‌گردند؛ برای نمونه به سه مورد که بیانگر تأکید بر حضور در مساجد و برپایی نماز جماعت و بیان ثواب‌های مختلف آن است، اشاره می‌کنیم:

۱. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مَنْ صَلَّى الْحَمْسَ فِي جَمَاعَةٍ فَطُؤَابِهِ خَيْرٌ؛ هر کس نمازهای پنج‌گانه خود

را در مسجد به صورت جماعت اقامه کند، پس بر او گمان نیک برسد»^۱.

۲. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «الْجُلُوسُ فِي الْمَسْجِدِ إِتِنَارًا لِلصَّلَاةِ عِبَادَةٌ؛ نشستن در مسجد به انتظار

اقامه نماز، عبادت است»^۲.

۳. از ابوذر غفاری نقل شده است که پیامبر به او چنین وصیت کردند: «يَا أَبَا ذَرٍّ! إِنَّ اللَّهَ يُعْطِيكَ مَا دُمْتَ جَالِسًا فِي الْمَسْجِدِ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ دَرَجَةٌ فِي الْجَنَّةِ وَ تُصَلِّيَ عَلَيْكَ الْمَلَائِكَةُ وَ يَكْتُبُ لَكَ بِكُلِّ نَفْسٍ تَنْفَسَتْ فِيهِ عَشْرُ حَسَنَاتٍ وَ يَمْحَى عَنْكَ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ؛ ای اباذر، به درستی که خداوند به تو اعطای کند، مادامی که در مسجد نشسته‌ای، به اندازه هر نفسی که می‌کشی، در جهای در بهشت و ملائکه نیز بر تو درود می‌فرستند و برای تو به اندازه هر نفسی که می‌کشی، ده حسنه ثبت و ده گناه تو را پاک می‌کنند»^۳.

امام خمینی (مد ظله) در مورد اهمیت مسجد و نقش آن در یک حکومت اسلامی می‌فرماید: «مسجد، یک سنگر اسلامی است و محراب، محل جنگ است، محل حرب است. این را می‌خواهند از دست شما بگیرند... در این دو سه سال اخیر مسجد یک محلی بود که مردم را به نهضت و به قیام بر ضد ظلم تهییج می‌کرد»^۴.

۲. نقش و کارکردهای مسجد

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی، به‌ویژه دین اسلام، عبادت است. این واژه، در فرهنگ دینی دارای دو معناست؛ عبادت در معنای عام و گسترده، هر رفتار و کرداری را که مایه خشنودی و رضایت خداوند باشد، در بر می‌گیرد. مفهوم خاص عبادت، راز و نیاز نمودن با خداوند و نجوا گفتن با اوست. عبادت در این معنا

۱. وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۲۸۶.

۲. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۰.

۳. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۱۷.

۴. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۶۲.

اموری، مانند نماز، دعا، ذکر و تلاوت قرآن را شامل می‌شود که در این میان، نماز از شأن و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

برای پیدایش عبادتی این چنین، اسباب و عوامل فراوانی مورد نیاز است که برخی درونی، مانند شرایط درونی و روحی شخص عبادت کننده و بخشی نیز به عوامل بیرونی، مانند مکان و زمان انجام عبادت باز می‌گردد. در حقیقت، می‌توان گفت که یکی از رموز اصلی بنای مسجد در اسلام، فراهم آوردن مکانی برای کسب عوامل درونی و بیرونی انجام عبادت خالصانه و خداپسندانه برای خداوند است. مسجد، از نگاهی خانه خداست: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ و اینکه مساجد از آن خداست، پس هیچ کس را با خدا نخوانید».^۱ از نگاهی دیگر، مسجد محلّ و جایگاه پیام آوران بزرگ الهی و خانه همه تقوایندگان و محبوب ترین مکان‌ها نزد خداوند است: «قال رسول الله ﷺ: أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَى اللَّهِ الْمَسَاجِدُ؛ پیامبر اکرم ﷺ فرمود: بهترین مکان‌ها نزد خداوند مساجد است».^۲

به‌طور اساسی، علت نهادن نام مسجد بر چنین مکانی از آن روست که جایگاه سجده و تواضع در پیشگاه خداوند متعال است. سجده، مظهر بندگی و کرنش کردن در برابر حقّ تعالی است و در میان تمامی عبادت‌ها حتی نسبت به دیگر اجزای نماز نیز از شرافت و برتری ویژه‌ای برخوردار است. بنابراین، مسجد به معنای محلّ سجده و نماز و در واقع، به معنای جایگاه عبادت و یاد خداوند متعال است. مسجد، در اصل واژه‌ای عربی از ریشه (سَجَدَ) به معنی سجده‌گاه است. گرچه برخی آن را واژه معرّب از لغت آرامی به نام (مزگت) می‌دانند.^۳ البته، مسجد در اصطلاح شرعی تعریف دقیق تری دارد که عبارت است از مکانی که برای نمازگزاران همه مسلمانان وقف می‌شود و با این وصف سه ویژگی اصلی مسجد عبارت‌اند از: موقوفه بودن (در تملک خاصی نبودن)، عمومی بودن (عدم اختصاص به عده‌ای خاصّ) و اختصاص به اقامه نماز.^۴

۳. تبیین مدل مفهومی نقش و کارکردهای مسجد

مساجد، به عنوان مهم‌ترین مرکز دینی جهت انسجام بخشی نیروی انسانی جوامع اسلامی باید ارتباط و تقابل بیشتری با نسل جوان جامعه داشته باشند. با این فرض، لازم است که در اداره مساجد اعمال نظر مجدد صورت گیرد؛ چرا که از این زاویه، دیگر تعریف مان از اهالی مسجد و آنهایی که به مسجد می‌آیند،

۱. جنّ، آیه ۱۸.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. معین، محمّد، فرهنگ لغت معین، ص ۴۰۶۳.

۴. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ش ۳۱، ص ۹۵.

فقط به عنوان مسلمانانی که قصد انجام عبادت دارند، نخواهد بود بلکه به آنان، مثل میهمان یا سرمایه‌های اجتماعی جامعه نگاه خواهیم کرد که احترامشان واجب است و باید بهترین امکانات و وسایل را برای آسایش و خشنودی آنان فراهم کرد.

این نوع نگاه، مستلزم مدیریت فرهنگی مساجد است که حساسیت زیادی روی مخاطبان خود دارد و تمام سرمایه گذاری اصلیش بر روی مخاطبان و جذب آنان است. مدیریت فرهنگی در این معنا کارکردمحور است و برای هر چیزی کارکردهای خاص آن را تعریف می‌کند. در رابطه با مسجد و نوع کارکردهای آن آیات و احادیث مختلفی وجود دارد که در راستای هدف این مقاله سعی کرده‌ایم روایتی از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) را به عنوان چارچوب تحلیلی مورد بررسی قرار دهیم.

مولای متقیان علی (علیه السلام) در حدیثی، کارکردهای مسجد را چنین بر می‌شمرند:

«مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ؛ اَخَا مُسْتَفَادٍ فِي اللَّهِ، اَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا اَوْ آيَةً مُحْكَمَةً اَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلٰى هُدًى، اَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، اَوْ كَلِمَةً تَزِدُّهُ عَن رَدِي، اَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا حَشِيَةً اَوْ حَيَاءً؛ کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع هشت‌گانه نصیب او می‌شود: برادری مفید و بارزش در راه خدا یا علم و دانش نو یا دلیل و برهان محکم [برای تثبیت عقاید] یا کلماتی که موجب هدایت شود [می‌شنود] یا رحمت مورد انتظاری [شامل حال او می‌شود] یا مواظبی که او را از فساد و گناه بازدارد [می‌شنود] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند»^۱.

با بررسی دقیق این روایت ارزشمند درمی‌یابیم که امام علی (علیه السلام) به فلسفه وجودی و هدف اصلی از تأسیس مسجد اشاره‌ای ندارند، بلکه تنها تعدادی از کارکردهای مسجد را برای هر انسان مسلمانی که به مساجد رفت و آمد می‌کند، بیان کرده‌اند. در واقع آنچه حضرت در این روایت بیان می‌کنند، مطلبی فراتر از اهداف اولیه حضور در مسجد و به نوعی نتایج ثانویه آن است. این معنا از تأمل و تعمق در قسمت ابتدای حدیث که می‌فرماید: «مَنْ اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِحْدَى الثَّمَانِ» به‌طور کامل روشن می‌گردد.

در رابطه با برخی لغات این حدیث لازم است چند نکته بیان شود:

نکته اول: اِخْتَلَفَ دلالت بر تنوع و استمرار دارد؛ بررسی لغوی نشان می‌دهد که «اِخْتَلَفَ» از مصدر (خَلَفَ) به معنای تنوع و گونه‌های مختلف و متنوع است. اِخْتَلَفَ اِلَى الْمَكَانِ، یعنی به آن مکان رفت و آمد کرد.^۲ «خِلْفَةٌ»، بکسر اول و سکون ثانی در جایی گفته می‌شود که یکی از پی‌دیگری در آید؛ مثل «وَهُوَ

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۲. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، ص ۲۱۷.

۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، ص ۲۹۴؛ قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ج ۲، ص ۲۸۵.

الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خُلْفَةً لِّمَنۢ أَرَادَ أَنۢ يَذَّكَّرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا؛ و او همان کسی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد؛ برای کسی که بخواهد متذکر شود یا شکرگزاری کند»^۱.

نکته دوم: «الْمَسَاجِدِ»، چون به صورت جمع به کار رفته است، به نظر می‌رسد بیانگر تعدد و تنوع باشد؛ یعنی مساجد مختلف هر یک به تناسب شرکت کنندگان در نماز، شخصیت امام جماعت و برنامه‌هایی که در آنجا برگزار می‌گردد، دارای برخی از این کارکردها هستند و چه بسا شرکت در مساجد مختلف، بهره بیشتری از این کارکردها را نصیب انسان نماید.

نکته سوم اینکه: عبارت «أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ»، یعنی به یکی از این هشت مورد خواهد رسید. بنابراین، مفهوم این جمله آن است که شاید فرد مسجدی به برخی یا به اکثر این امور دست نیابد. اینکه حضرت این هشت مورد را به صورت گزینه‌های محتمل مطرح نموده‌اند، این فرضیه را قوت می‌بخشد که هیچ یک از این امور جزء اهداف ذاتی بنای مسجد نیستند؛ بلکه کارکردهایی هستند که در پی آن اهداف و به صورت عرضی حاصل می‌گردند. البته، امکان حصول این هشت مورد به صورت تام و توأمان نشانه کمال مسجد است و کمیّت (دستیابی به همه یا بعضی از آنها) و کیفیت (میزان برخورداری از هر یک) به ظرفیت و جودی و قابلیت انسان وابسته است.

بنابراین، از جمله حضرت که فرموده‌اند: «أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ»، این مفهوم را می‌توان برداشت نمود که مساجد در وضع مطلوب، باید این هشت کارکرد را داشته باشند تا هر کسی متناسب با سطح معرفتی و نیاز سلوکی خود یکی از آنها را از مسجد اخذ نماید. بنابراین، از نگاهی این روایت را می‌توان مبنایی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء کارکردهای حقیقی مساجد به شمار آورد و در مرحله بعد با عزمی راسخ و همتی مجذانه در جهت رسیدن مساجد به این شرایط تلاش نمود.

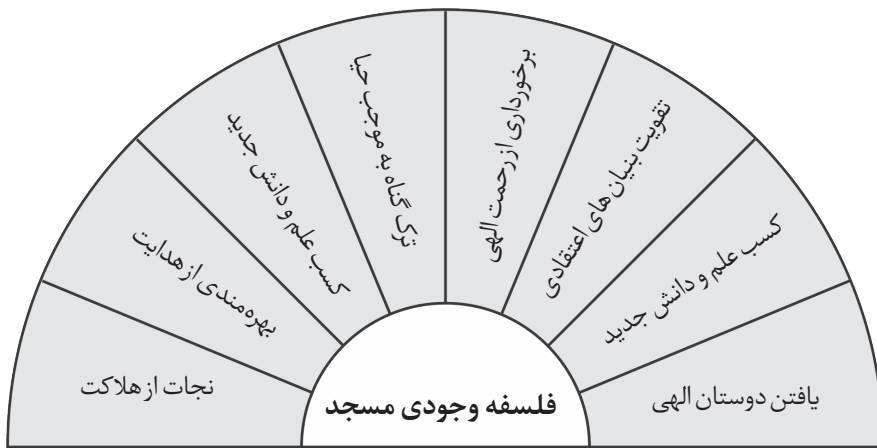
جامعه از منظر کلان دارای سه بنیان است: آفرهنگ، اقتصاد و سیاست. این وصف کارکردهای هر موجودیت اجتماعی را می‌توان از این سه منظر بررسی نمود. با دقت در هشت کارکرد مذکور، درمی‌یابیم که همه این موارد، فرهنگ هستند و ناظر به رشد و تعالی فرهنگ جامعه دینی است. البته، پرا واضح است که تمامی این موارد با نگاه دین‌مدارانه به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در بخش‌های اقتصاد و سیاست جامعه تأثیر قطعی دارند که بحث پیرامون این امر از موضوع این نوشتار خارج است.

فلسفه وجودی مسجد همان اقامه نماز و قرائت قرآن است. بدیهی است که مسجد در وهله اول و

۱. فرقان، آیه ۶۲.

۲. رک: پورعزت، مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، ۱۳۸۷.

بالذات، برای اقامه نماز و قرائت قرآن وضع شده است؛ «إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ به درستی که مساجد، تنها برای قرائت قرآن تعیین شده‌اند». اما این هدف مقدس و عالی، کارکردهایی دارد که راه حل بسیاری از معضلات امروز افراد جامعه، به ویژه جوانان است. عبارات امیر مؤمنان (علیه السلام) را می‌توان زیر کارکردهای فرهنگی، اجتماعی، علمی، آموزشی، اعتقادی، تربیتی و هدایتی مساجد طبقه‌بندی نمود که می‌توان مدل آن را چنین ترسیم کرد:



مدل شماره ۱: اهداف و کارکردهای مسجد

از آنجا که در این مجال به دنبال بیان نقش مسجد به عنوان یکی از عواملی که می‌تواند نقش به‌سزایی در توسعه فرهنگی جامعه داشته باشد، هستیم، با تأکید بر روایت امام علی (علیه السلام) به بحث تفصیلی درباره کارکردهای مسجد خواهیم پرداخت.

یافتن دوستان الهی

هیچ انسانی در زندگی اجتماعی خویش از دوستان خوب بی‌نیاز نیست. دوست خوب معین و یاور انسان در طی راه سعادت، کمال و مصاحب او در عرصه بروز مشکلات و سختی‌هاست. مشکلاتی که لازمه اجتناب‌ناپذیر عالم بشری و زندگی اجتماعی است و هیچ انسانی هر قدر هم که توانا و نیرومند باشد گریزی از آنها ندارد، بنابراین، مسأله دوست‌یابی و اینکه انسان دوستان صمیمی و همدل خویش را از میان چه افرادی

برگزیند، از اهمیت خاصی برخوردار است.

یکی از مراکزی که در روایات به عنوان کانون یافتن دوستان خوب و صمیمی مطرح شده است، مسجد است. در روایتی از امام صادق (علیه السلام) چنین بیان شده است که: «لَا يَرْجِعُ صَاحِبُ الْمَسْجِدِ بِأَقْلٍ مِنْ إِحْدَى ثَلَاثٍ إِلَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ يُدْخِلُهُ اللَّهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَإِمَّا دُعَاءٌ يَدْعُو بِهِ فَيَصْرِفُ اللَّهُ عَنْهُ بَلَاءَ الدُّنْيَا وَإِمَّا أَخٌ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ کسی که با مسجد انس دارد، حداقل یکی از توفیقات زیر نصیب او خواهد شد: یا اینکه موفق به دعایی می‌شود که خداوند به برکت همان دعا او را به بهشت می‌برد یا اینکه دعایی می‌کند که خداوند به سبب آن، بالای دنیا را از وی دور می‌کند یا اینکه دوست و برادری پیدا می‌کند که از او در مسیر الله استفاده می‌کند». سپس حضرت برای بیان میزان اهمیت دوستان الهی و نقش آنها برای انسان، به نقل از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «مَا اسْتَفَادَ امْرُؤٌ مُسْلِمٌ فَائِدَةً بَعْدَ فَائِدَةِ الْإِسْلَامِ مِثْلَ أَخٍ يَسْتَفِيدُهُ فِي اللَّهِ؛ هیچ فایده‌ای برای انسان مسلمان پس از فایده اسلام، مانند برادری که در راه خدا می‌یابد، نیست».^۲

در حدیث امیر مؤمنان علی (علیه السلام) از مسجد به عنوان مرکز یافتن برادران دینی که انسان را در مسیر خداوند یاری می‌دهند، یاد شده است. دلیل این امر این است که مسجد به‌طور عمومی، محل اجتماع و رفت و آمد انسان‌های برگزیده، صالح و تقوایی است. چنان که در روایت دیگری نیز بر این امر تأکید شده که بر اساس آنها می‌توان ویژگی‌های زیر را برای انسان‌های مسجدی استخراج نمود:

۱-۱-۱. داشتن ایمان و تقوا

در روایات آمده است که مسجد، خانه پرهیزگاران است و اگر کسی مداومت بر حضور در مسجد داشته باشد، به مصداق آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) اهل ایمان است. قطب راوندی از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) چنین نقل می‌کند که: «الْمَسَاجِدُ بِيُوتِ الْمُتَّقِينَ وَمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرُّوحِ وَالرَّاحَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصِّرَاطِ؛ مساجد، خانه انسان‌های متقی است و خداوند متعال، رحمت و راحت و عبور بر صراط را برای آنان که مساجد را خانه‌های خویش قرار داده‌اند، ضمانت نموده است».^۳ همچنین، «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ؛ هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت دارد، وی را مؤمن بدانید که خداوند متعال فرموده است: تنها آنان که ایمان به

۱. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۴.

۲. همان.

۳. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

خداوند دارند مساجد خدا را آباد می‌کنند». در اینجا منظور از رفت‌وآمد همان مداومت داشتن و حضور در نماز جماعت است و پر واضح است که چنین حضوری ناشی از علاقه بوده و بنابراین، متولیان امور مساجد باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که مسجد، جذابیت بیشتری برای نسل جوان داشته باشد و جوانان احساس کنند با حضور در مسجد علاوه بر افزایش ایمان و تقوای فردی، به فرصت‌های دیگری نیز دست پیدا خواهند کرد که از جمله آنها یافتن دوستان خوب و حضور در جمع مؤمنان است.

۳-۱-۲. الگوهای اجتماعی مناسب

جوانان، با توجه به قرار گرفتن در مقطعی حساس از زندگی خویش، در مرحله رشد و شکل‌گیری شخصیت هستند؛ بنابراین، الگوهایی را جست‌وجو می‌کنند تا مسیر رشد خود را تعریف و طی نمایند و نیاز به الگوهای اجتماعی از سوی جوانان زمینه را برای شکل‌گیری و عرضه الگوهای نامناسب و تهاجم فرهنگی بیگانگان از این طریق فراهم می‌نماید. با این وصف، یکی از راه‌های ایمن نگاه داشتن جوانان از آسیب‌های مختلف اجتماعی، معرفی الگوهای مناسب و سالم به ایشان است.

با توجه به روایات مختلفی که از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) پیرامون انسان‌های مسجدی بیان شده است، به این نتیجه می‌رسیم که آنان می‌توانند نمونه و الگوهای اجتماعی خوبی برای معرفی به جوانان باشند. امام صادق (علیه‌السلام) انسان‌های مسجدی را از برترین و برگزیدگان جامعه معرفی نموده و چنین می‌فرماید: «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَافِدًا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيهَا؛ از هر جمعی تنها آنان که در فضایل از همه برترند و به منزله الگو برای گروه خویش هستند، به مسجد می‌آیند و از اهل هر خانه‌ای، تنها برگزیدگان آنها به مسجد می‌آیند».^۲

نکته‌ای که در این حدیث و همچنین در حدیث امیر مؤمنان (علیه‌السلام) قابل توجه است، عبارت «فی الله» است. همچنان که بر اساس آیات و روایات دیگر این گونه استنباط می‌شود که جهاد «فی الله» از جهاد «فی سبیل الله» افضل است.^۳ این گونه به نظر می‌رسد که دوستان «فی الله» از دوستان «فی سبیل الله» برترند و عبارت «فی الله» اشاره به مرتبه کامل‌تری از خلوص نیت و توجه به خداوند است.^۴

۱. همان.

۲. بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۴.

۳. ر.ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۱۲۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۲۷۵ و ج ۷۳، ص ۳۱۱ و ج ۸۱، ص ۱ و ج ۸۹، ص ۱۹۶.

۳-۱-۳. الگوهای جوانمردی و مروّت

جوانمردی و بزرگواری نیز یکی دیگر از خصوصیات است که در باب دوست‌یابی باید به‌طور کامل مورد توجه قرار گیرد. در کوران حوادث، این دوستان غیرتمند و جوانمرد هستند که مدافع انسان و یاور او خواهند بود. در روایات یکی از خصوصیات انسان‌های مسجدی را جوانمرد بودن آنان ذکر کرده‌اند و حضور یافتن در مساجد یکی از لوازم مروّت و جوانمردی به‌شمار رفته است. رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «سِنَّةٌ مِنَ الْمَرْوَةِ ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحَضَرِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي السَّفَرِ فَأَمَّا الَّتِي فِي الْحَضَرِ فِتِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ تَعَالَى وَعِمَارَةُ مَسَاجِدِ اللَّهِ وَاتِّخَاذُ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَ أَمَّا الَّتِي فِي السَّفَرِ فَبَدْلُ الزَّادِ وَحُسْنُ الْخُلُقِ وَالْمِرَاحُ فِي غَيْرِ الْمَعَاصِي». بر اساس مضامین این روایت می‌توان گفت که شش چیز از نشانه‌های جوانمردی است که سه چیز آن مربوط به هنگام حضور و اقامت است و سه چیز آن مربوط به سفر است. از جمله نشانه‌هایی که در این روایت برای جوانمردی بیان شده است، آباد کردن مساجد الهی و یافتن دوستانی است که انسان را در مسیر الله یاری کنند.

همچنین، در برخی روایات یکی از راه‌های شناخت دوست خوب و ملاک تشخیص آن، محافظت بر نماز ذکر شده است که فضیلت آن در جماعت و تجلّی‌گاه اتم و اکمل آن در مسجد است. چنان‌که در روایتی به نقل از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام چنین آمده است: «اِخْتَبِرُوا إِخْوَانَكُمْ يَخْصَلْتُمْ فَإِنْ كَانَتْ فِيهِمْ وَإِلَّا فَاغْرُبْ ثُمَّ اغْرُبْ ثُمَّ اغْرُبْ مُحَافَظَةً عَلَى الصَّلَاةِ فِي مَوَاقِعِهَا وَبِرِّ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَالْيُسْرِ؛ برادران خود را در زمینه دو خصلت آزمایش کنید؛ اگر این دو خصلت را دارا بودند (به دوستی و رفاقت با آنان ادامه دهید) و گرنه از آنان دوری کنید؛ آن دو خصلت عبارت است از: مراقبت بر نماز در وقت و احسان و نیکی به برادران در حالت تنگدستی و گشایش»^۱.

کسب علم و دانش جدید

از جمله دیگر کارکردهای مسجد که از حدیث امیر مومنان علی عَلَيْهِ السَّلَام قابل استخراج است، مسأله توسعه علم و دانش است و آدمی همواره به کسب دانش جدید نیازمند است. چنان‌که آن حضرت نیز در کلام دیگری بر این نیاز طبیعی و ضرورت طرح مباحث جدید در میان مسلمانان اشاره کرده و می‌فرماید: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأَجْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمِ؛ به درستی که قلوب نیز خسته می‌شوند؛ همچنان‌که اجسام شما خسته و رنجور می‌شوند؛ پس به دنبال حکمت‌های نو و تازه باشید»^۲. البته، نقش و جایگاه مسجد در رشد

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۷۳.

۲. نهج البلاغة، حکمت ۹۱.

و بالندگی سطح دانش جامعه اسلامی در طول تاریخ بر کسی پوشیده نیست. مسجد، به عنوان محور اصلی درس و بحث در مورد آیات الهی، سخنان پیشوایان دین و مذهب، علما و حکمای هر عصر بوده و پیش تر از آنکه مدارس به شکل امروزی سامان یابند، مسجد مرکز اصلی علمی جامعه اسلامی به شمار می‌رفته است. در طول تاریخ اسلام نیز به علت حجم گسترده آموزش‌هایی که در مساجد ارائه می‌شده است، شاهد شکل‌گیری پدیده مسجد-مدرسه هستیم که موجب شکوه مذهبی، علمی، پرورش استعدادها و بروز خلاقیت‌های فراوانی در جامعه اسلامی شده است و بسیاری از اسلام‌شناسان مسلمان و غیر مسلمان نیز رساله‌های متنوعی در این مورد نوشته‌اند. آنچه که در کتب تاریخی از آن تحت عنوان «دار القراء» یا خانه قاریان قرآن یاد می‌شود، اشاره به این موضوع دارد.^۱

از نخستین روزهای ترویج اسلام، تعلیم و تعلم با مسجد ارتباط تنگاتنگ داشته و این امر با درک و یادگیری فرمایش‌های پیامبر اسلام ﷺ آغاز شده و مسجد به عنوان کانون همبستگی مسلمانان، به دنبال تحکیم پیوندها و تبادل آراء در امور دینی مسلمانان بوده است.

نهیضت نبی اکرم ﷺ با فرمان به خواندن، «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ... الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید... همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود و به انسان آنچه را نمی‌دانست، یاد داد» آغاز شد و آن حضرت مبارزه با نادانی را رسالت خود قرار داده و ویژگی ندانستن جامعه آن دوران را به آگاهی، بینش و دانش مبدل کرده و موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در جامعه ایجاد نمود که شور و نشاط علمی را برانگیخته و به دانش و آموختن بهائی دیگر داد.

در فضای داخلی مسجد، همان‌گونه که محراب نماد کارکرد عبادی است، منبر نیز نماد کارکرد آموزشی بوده و مؤید انتقال آموزه‌های دینی از سوی خدا برای بشر به واسطه رسول یا امام است. همچنین، در کنار نقش ثابت آموزشی مساجد که مانند یک نهاد آموزشی محل تشکیل کلاس درس و بحث علمی بوده است، به صورت پراکنده نیز مساجد این نقش را می‌توانند در قالبی دیگر داشته باشند. به عنوان مثال، مراجعه مردم و جوانان به امام جماعت یا مدرّسان دروس دینی می‌تواند در همین حوزه ایفا نقش کند. این برنامه‌ها هر چند که به صورت پراکنده و غیر ثابت هستند، اما بخش عمده از کارکردهای آموزشی را در عصر حاضر به عهده دارند. پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «يَا أَبَا ذَرٍّ كُلُّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لِعَوَالِ ثَلَاثَةِ قِرَاءَةٍ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكِرٍ لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٍ عَنِ عِلْمٍ؛ ای اباذر، هر نشستن (اضافی و بیهوده) در مسجد لغو است، مگر برای سه چیز؛

۱. ر.ک: مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۱۳۲.

برای اقامه نماز یا ذکر خداوند متعال یا پی جویی از مسائل علمی»^۱.

جمله پایانی این حدیث به روشنی نشان می دهد که مسجد در اسلام، جایگاه گفت و گوهای علمی است. همچنین، از عبارت «مُسَائِلُ عَنْ عِلْمٍ»، چنین بر می آید که لازم نیست علومی که در مسجد مورد بحث و گفت و گو قرار می گیرند، به طور حتم دانش های دینی باشند، بلکه هر دانش سودمندی اگر یاد دادن و آموختن آن از نظر شرعی با اشکالی روبه رو نباشد، می تواند در مسجد مورد بحث و بررسی قرار گیرد. البته تردیدی نیست که پرداختن به مسائل دینی همچون یاد گرفتن احکام شرعی و آموزش علوم قرآنی افزون بر آنکه به خودی خود از اهمیت والایی برخوردار است، با موقعیت مسجد نیز سازگارتر است؛ اما آن چنان که در روایت ذیل آمده است، علم ارزشمند در نظر پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آن است که دانستنش نفعی را در پی داشته باشد و ندانستن آن مایه ضرر و زبانی برای مسلمانان باشد. در حدیثی از آن حضرت چنین نقل شده است: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَسْجِدَ فَإِذَا جَمَاعَةٌ قَدْ أَطَافُوا بِرَجُلٍ فَقَالَ مَا هَذَا؟ فَقِيلَ عَلَمَةٌ، فَقَالَ وَمَا الْعَلَمَةُ؟ فَقَالَ لَوْ أَنَّهُ أَعْلَمَ النَّاسَ بِأَنْسَابِ الْعَرَبِ وَوَقَائِعِهَا وَآيَامِ الْجَاهِلِيَّةِ وَالْأَشْعَارِ الْعَرَبِيَّةِ. فَقَالَ النَّبِيُّ: ذَاكَ عِلْمٌ لَا يَصُرُّ مَنْ جَهَلَهُ وَلَا يَنْفَعُ مَنْ عِلِمَهُ؛ هنگامی که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وارد مسجد شدند، پس مشاهده کردند که جماعتی از مردم بر گرد مردی نشسته اند. پرسیدند: این فرد کیست؟ گفته شد: دانشمند است. پرسیدند: دانشمند چیست؟ گفتند او علم انساب عرب و تاریخ و سرگذشت ایام جاهلیت و اشعار عرب را می داند. پس پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: این علمی است که هر کس نداند ضرر نکرده و هر کس بداند برای او نفعی نیست»^۲.

همچنین، از عبارت «علماً مستطرفاً» که در حدیث امیر مؤمنان علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ نیز گذشت، این گونه برداشت می شود که مسجد، کانون گرم مباحث علمی است و حرف های نو و تازه در تمام زمینه ها از جمله علوم و معارف اسلامی در آنجا مطرح می شود و ناگفته روشن است که این مهم به واسطه اهتمام اهل مسجد و امام جماعت می تواند به وجود آید تا مسجد را از هر نظر مکانی فرهنگی، آموزشی، فعال و سازنده نمایند؛ چرا که مطرح نمودن حرف های نو و مفید پیرامون معارف اسلامی در مسجد آنگاه امکان پذیر است که عالم دینی به بیان مقام معظم رهبری رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى حظی از علم، بیان، معرفت و مردم داری داشته باشد تا بتواند در هر نقطه، مثل شمع مردم را اداره کند.^۳

۱. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۵.

۲. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۳. سخنان مقام معظم رهبری رَحِمَهُ اللهُ تَعَالَى: در آغاز درس خارج فقه، ۲۱/۶/۱۳۷۲.

تقویت بنیان‌های اعتقادی

در حقیقت یکی از وظایف اصلی که بنا بر آیات قرآن برای پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بیان شده، تعلیم، تعلّم و آموزش است چنان که در قرآن کریم پیرامون این رسالت پیامبران چنین آمده: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ؛ و کسی است که در میان جمعیت درس نخوانده رسولی از خودشان برانگیخت که آیاتش را بر آنها می‌خواند و آنها را تزکیه می‌کند و به آنان کتاب (قرآن) و حکمت می‌آموزد هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند»^۱.

هر چند که بنا بر آیات و روایات گفته شد که جنبه‌های عبادی مسجد بیشتر نمایان و برجسته است اما در عین حال نباید از وجه تربیتی و آموزشی مساجد نیز غافل بود. از این رو، یکی از ره‌آورها و کارکردهای مسجد را ایجاد فضای روشنگری و هدایت علمی و تربیت اخلاقی دانسته‌اند.^۲

مسجد، نخستین دانشگاهی بود که در آن، حضرت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با دست خود، یارانشان را به نیکی تربیت کردند تا در دین خدا فقیه و دانا شوند و همین افراد بودند که توانستند اسلام را در گستره زمین رواج دهند. در حدیثی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است که در هنگام حضور در مسجد و مشاهده عده‌ای که برای طلب علم، اطراف فردی حلقه زده بودند، فرمودند: «إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ وَمَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ؛ به درستی که علم، منحصر در سه چیز است؛ آیه محکمه یا فریضه عادلّه و یا سنت قائمه و هر آنچه غیر آن است، فضیلت است»^۳.

دانشمندان بزرگی همچون ملاصدرا، فیض کاشانی، علامه مجلسی و امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِمْ در تفسیر و شرح این حدیث فراوان سخن گفته و به‌طور معمول، «آیة مُحْكَمَةٌ» را به مباحث اعتقادی و «فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ» را ناظر به علم اخلاق و «سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» را نیز اشاره به احکام شریعت دانسته‌اند که در حقیقت هر سه دسته به علوم دینی باز می‌گردد.^۴ در این میان استاد شهید مطهری نیز مقصود از «آیة مُحْكَمَةٌ» را تفسیر آیات قرآن و «فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ و سُنَّةٌ قَائِمَةٌ» را به آموختن سنت پیامبر گرامی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که در بردارنده واجبات و مستحبات دینی است، تعبیر نموده‌اند.^۵

همچنین، به تعبیر حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ «تنها وجود ایمان و اعتقاد به خدا می‌تواند مملکت را احیا

۱. جمعه، آیه ۲.

۲. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، ص ۹۵.

۳. الکافی، ج ۱، ص ۳۲.

۴. موسوی الخمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، سید روح‌الله، چهل حدیث، ص ۳۲۵.

۵. مطهری، مرتضی، ده‌گفتار، ص ۱۷۰-۱۷۴.

کند». بنابراین، برای احیای مملکت و پیشرفت آن باید روح ایمان و اعتقاد به خدا را در جوانان ملت رشد داد که این مهم در مسجد و با کارکرد آموزش اعتقادی آن فراهم خواهد شد.

برخورداری رحمت الهی

رحمت الهی در قرآن کریم و روایات ائمه اطهار علیهم السلام مفهومی عام است که به علل و اسباب مختلفی، بر بندگان نازل می شود که یکی از آنها بنا به روایت امیر مؤمنان علیه السلام رفت و آمد به مساجد است. در شبکه معنایی، رحمت به واژه‌هایی همچون؛ «حَبَّ»، «وَدَّ» و «رَأْفَتٌ» می توان اشاره کرد؛ قرآن در این مورد می فرماید: «وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ؛ اَمَّا أَنَّهُمْ أَنَّهُمْ دَارُونَ، عَشَقُوا اللَّهَ بِخَدَائِهِ (از مشرکان نسبت به معبودهایشان) شدیدتر است». یکی از جمله مصادیق حَبَّ الهی، انس و علاقه داشتن به مسجد است؛ چرا که مسجد متعلق به حق تعالی است و همان گونه که انسان مؤمن به ذات حق تعالی شدیدترین علاقه‌ها را دارد، به مسجد هم که خانه اوست عشق می ورزد. بنابراین، این افراد همچنان که به مسجد عشق ورزیده و علاقه خود را به ذات اقدس الهی نشان می دهند، به طور متقابل، مورد لطف و رحمت حق تعالی نیز قرار گرفته و در نزد خداوند متعال از منزلتی والا برخوردارند و جایگاه آنان در روزی که هیچ پناهگاهی نیست، سکونت در جوار عرش الهی است.

در روایت طولانی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «سَبَعَةٌ يُظِلُّهُمْ اللَّهُ فِي ظِلِّهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ... وَرَجُلٌ قَلْبُهُ مُتَعَلِّقٌ بِالْمَسْجِدِ إِذَا خَرَجَ مِنْهُ حَتَّى يَعُودَ إِلَيْهِ...؛ هفت طایفه هستند که خداوند آنان را در روزی که هیچ سایه رحمتی جز سایه او نیست، مورد لطف و عنایت خویش قرار می دهد... طایفه سوّم، کسانی هستند که وقتی از مسجد خارج می شوند، قلب‌های آنان همچنان دلبسته و علاقه‌مند به مسجد است تا آنگاه که دوباره به مسجد برگردند...»^۱

همچنین از امام سجاد علیه السلام نیز روایتی نقل شده است که می فرماید: «قَالَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ علیه السلام يَا رَبِّ مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ يُظِلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ الظَّاهِرَةَ قُلُوبُهُمْ وَالتَّرِيبَةَ أَيْدِيهِمْ الَّذِينَ يَذْكُرُونَ جَلَالِي إِذَا ذَكَرُوا رَبَّهُمْ الَّذِينَ يَكْتَفُونَ بِطَاعَتِي كَمَا يَكْتَفِي الصَّغِيرُ بِاللَّيْنِ الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي التُّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا وَالَّذِينَ يَغْضَبُونَ لِحَارِمِي إِذَا اسْتَحَلَّتْ مِثْلَ التَّمْرِ إِذَا حَرِدَ؛ موسی بن عمران عرض کرد: پروردگارا، در روزی که هیچ سایه‌ای جز سایه رحمت تو نیست، چه کسانی

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۵۱.

۲. بقره، آیه ۱۶۵.

۳. وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۲۰۰.

را در پناه عرش خود فرار می‌دهی؟ خداوند متعال به وی وحی کرد: کسانی که دارای قلب‌های طاهر و دستان خالی هستند (کنایه از فقر و تنگدستی). آنان که هر گاه به یاد پروردگار خویش می‌افتند، جلال و عظمت او را یادآور می‌شوند، تنها به طاعت و بندگی من می‌پردازند. آنان که به مساجد امن من پناه می‌آورند؛ آن گونه که عقاب‌ها به آشیانه‌های خود بر می‌گردند و آنان که هر گاه محرّمات الهی حلال شمرده شود، پلنگ خشمگین می‌شوند»^۱.

شاید بتوان گفت تشبیه انسان‌های مسجدی به عقاب‌هایی که به آشیانه‌های خود باز می‌گردند، در حقیقت، گویای این نکته است که آنان رفت‌وآمدشان به مساجد بر اساس علاقه قلبی و عشق ورزیدن است و مسجد را پناهگاه خویش می‌دانند و در نزد خداوند منزلتی عظیم و شایسته دارند.

در حدیث شریف معراج نیز انس با مسجد، نشان و جلوه‌ای از عشق و محبت به خداوند متعال به شمار رفته است و خداوند متعال خطاب به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «يَا أَحْمَدُ لَيْسَ كُلُّ مَنْ قَالَ أَحِبُّ اللَّهَ أَحَبَّنِي حَتَّى يَأْخُذَ قُوَّتًا وَيَلْبَسَ دُونًا وَيَنَامَ سُجُودًا وَيُطِيلَ قِيَامًا وَيَلْزَمَ صَمْتًا وَيَتَوَكَّلَ عَلَيَّ وَيَبْكِي كَثِيرًا وَيُقَلِّ ضِحْكًَا وَيُخَالِفَ هَوَاهُ وَيَتَّخِذَ الْمَسْجِدَ بَيْتًا؛ ای احمد! این طور نیست که هر کسی بگوید که من خداوند را دوست دارم، در حقیقت مرا دوست دارد؛ مگر آن که به مقتضای آن عمل کند. این اقتضانات عبارت‌اند از:

۱- او باید به مقدار ضرورت به دنیا اکتفا کند و از لباس‌های فاخر دوری جوید؛

۲- به عبادت واقعی و مفصل نسبت به من روی آورد؛ به طوری که خواب او سجده باشد و به قیام‌های

طولانی در عبادت همت گمارد؛

۳- زبان خود را کنترل کند و آن را به سکوت عادت دهد؛

۴- در کارهایش به من توکل کند؛

۵- تضرع و گریه‌هایش نسبت به من را بیشتر نماید؛

۶- از هواهای نفسانی خویش پرهیز نماید و با آنها مخالفت کند؛

۷- به مساجد بیشتر برود، گویی که آنجا را محل زندگی خود انتخاب کرده است»^۲.

در سایه رفت‌وآمد به مسجد، رابطه دوستی و محبت میان انسان‌های مسجدی و فرشتگان الهی که واسطه نزول رحمت خداوند بر بندگان هستند، نیز برقرار می‌شود و آنان هم‌نشین و یاور مؤمنانی خواهند بود که بر آموشد به مسجد مداومت می‌نمایند. در حدیثی از پیامبر اکرم ﷺ آمده است: «أَنَّ لِلْمَسَاجِدِ

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۲، ص ۳۶۲.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

أَوْتَادَ الْمَلَائِكَةِ جُلَسَاؤُهُمْ إِذَا غَابُوا فَتَقَدُّوهُمْ وَإِنْ مَرَضُوا عَادُوهُمْ وَإِنْ كَانُوا فِي حَاجَةٍ أَعَانُوهُمْ؛ در مساجد انسان‌های ثابت‌قدمی همچون میخ وجود دارند که ملائکه الهی با آنان هم‌نشین و مانوس هستند. هنگامی که از مسجد غایب می‌شوند، ملائکه سراغشان را می‌گیرند. در هنگام بیماری از آنان عیادت می‌کنند و چون در کارها به کمک نیاز داشته باشند، آنان را یاری می‌دهند»^۱.

سید رضی در کتاب «المجازات النبویه» در شرح این حدیث شریف می‌گوید: مراد از میخ در کلام نبی اکرم ﷺ کنایه از انسان‌هایی است که در اثر کثرت ارتباط با مسجد و ملازم بودن با خانه خدا، همچون میخی به مسجد کوبیده شده‌اند و این کلام از تمثیلات بسیار پسندیده است.^۲

علاوه بر آنکه در برخی روایات به‌طور صریح، اهل مسجد را انسان‌های فرخنده و مبارک به شمار آورده‌اند، در پاره‌ای دیگر از روایات وجود انسان‌های مسجدی را موجب رفع بلا و تأخیر در نزول خشم و غضب الهی بر جامعه شناخته‌اند که این خود یکی از مصادیق رحمت الهی بر اهل مسجد است. در حدیثی از رسول خدا ﷺ چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ إِذَا رَأَى أَهْلَ قَرْيَةٍ قَدْ أَسْرَفُوا فِي الْمَعَاصِي وَفِيهَا ثَلَاثَةٌ تَقْرِمُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ نَادَاهُمْ جَلَّ جَلَالُهُ يَا أَهْلَ مَعْصِيَتِي لَوْلَا مَنْ فِيكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُتَحَابِّينَ بِجَلَالِي الْعَامِرِينَ بِصَلَاتِهِمْ أَرْضِي وَمَسَاجِدِي وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ خَوْفًا مِنِّي لَأَنْزَلْتُ بِكُمْ عَذَابِي ثُمَّ لَا أَبَالِي؛ آنگاه که خداوند متعال مشاهده می‌نماید، اهل سرزمینی راه اسراف در معاصی را در پیش گرفته‌اند و در میان آنان سه طایفه از مؤمنان یافت می‌شود، آنان را ندا می‌کند که ای اهل گناه و سرکشی، اگر نبود که در میان شما گروهی از مؤمنان به خاطر عظمت و جلال من به یکدیگر محبت می‌ورزند و گروه دیگر با نماز خود زمین و مساجد مرا آباد نگه می‌دارند و گروه سوومی که به سبب خوف از من سحرگاهان به استغفار می‌پردازند، عذاب خویش را بر شما فرو می‌فرستادم و به شما اهل عصیان، توجّهی نمی‌نمودم»^۳.

همچنین در حدیث دیگر نیز آمده است: «إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْأَفَاتُ عَوْفَى أَهْلِ الْمَسَاجِدِ؛ به هنگام نزول بلا و آفت، اهل مساجد سالم و محفوظ می‌مانند»^۴.

نجات از هلاکت

آدمی، همواره در حال حرکت و سیر به سوی خالق و مبدأ خویش است، برخی آگاهانه و برخی ناآگاهانه،

۱. بحار الأنوار، ج ۸۰، ص ۳۷۴.

۲. سید رضی، المجازات النبویه، ص ۴۰۸، ح ۳۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۹۳.

۴. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۵۷.

گاه از مسیر حقّ و گاه از مسیر باطل این مسیر را در طول زندگی خود طی می‌کنند و به لقاء پروردگار نائل می‌شوند: «يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فُتْلَاقِيهِ؛ ای انسان، تو با تلاش و رنج به سوی پروردگارت می‌روی و او را ملاقات خواهی کرد»^۱.

از این رو، بشر در طی این مسیر همواره در معرض هلاکت و نابودی است و موانع و مشکلات فراوانی در سر راه تکامل مادی و معنوی او وجود دارد که سعادت او را تهدید می‌کند. بنابراین، یک فرد مسلمان، هیچ‌گاه نباید از پروردگار خویش غفلت کرده و همواره باید به سوی او پناه ببرد و از او درخواست هدایت و رهبری نماید تا در راه سعادت (صراط مستقیم) قرار گیرد و به سوی مقصد و کمال نهایی گام بردارد.

از جمله شاخص‌های توسعه از نگاه اسلام، افزایش میزان دین‌مداری مردم است؛ چرا که به‌طور اساسی، فلسفه تشکیل جامعه اسلامی، فراهم کردن بستری برای هدایت و دست‌یابی انسان به سعادت دنیوی و اخروی است که تجلی آن در نوع برخورد مردم جامعه با فرایض و مناسک دینی است. حضور اکثریت جامعه در مسجد و اقامه نماز و پرداختن به فرایض دینی علاوه بر کارکردهای عبادی و اجتماعی، از کارکردهای هدایتی نیز برخوردار است؛ چرا که از رهگذر حضور در مسجد، برپایی جلسات و عطا و خطابه، این مهم نقش بسزای هدایت انسان و جلوگیری از ضلالت او دارد.

بنا بر آمار و گزارش‌های سازمان ملی جوانان تنها در سال ۱۳۸۳ تعداد ۵۵ درصد از جوانان شهر تهران اظهار نموده‌اند که نماز می‌خوانند؛ یعنی در مقابل ۴۵ درصد جوانان شهر تهران نسبت به مسأله نماز کم‌توجه هستند و به فرایض دینی اهتمام ندارند که این رقم نسبت به تعداد جوانان شهر تهران به عنوان پرجمعیت‌ترین شهر کشور میزان قابل توجهی است.^۲ از جمله راهکارهایی که برای حلّ این معضل می‌توان بدان تمسک جست، تقویت فضای فرهنگی و عبادی مساجد و ایجاد فضایی جذاب است تا مشوّق حضور جوانان در مساجد باشد. مقام معظم رهبری (دامت‌له) در این رابطه می‌فرماید: «استفاده از مسجد برای دنیای اسلام، فرصت مغتنمی محسوب می‌شود، منتهی چون آمدن اجباری، در آمدن به مسجد نیست باید دل‌ها به آمدن مسجد رغبت و شوق پیدا کنند و این ممکن نیست، مگر اینکه کانون مسجد شوق آفرین و شوق‌آور باشد»^۳.

بهره‌مندی از هدایت الهی

«هدایت»، در لغت به معنی دلالت و راهنمایی توأم با لطف و دقت است و آن را به دو شعبه تقسیم کرده‌اند:

۱. انشقاق، آیه ۶.

۲. رک: طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران، ۱۳۸۵.

۳. مقام معظم رهبری (دامت‌له)، دیدار با شرکت‌کنندگان همایش بین‌المللی هفته جهانی مسجد، ۳۰/۵/۱۳۸۴.

«ارائه طریق» و «ایصال به مطلوب». به تعبیر دیگر، «هدایت تشریحی» که به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی انجام می‌گیرد و انسان‌ها با تعلیم و تربیت آنها در مسیر تکامل پیش می‌روند و «هدایت تکوینی» که منظور از آن رهبری موجودات به وسیله پروردگار زیر پوشش نظام آفرینش و قانون مندی‌های حساب شده جهان هستی است و در این آیه شریف که خداوند از زبان موسی علیه السلام نقل می‌کند، به این مرحله از هدایت «تکوینی» اشاره شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ گفت: پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی، آنچه را لازم آفرینش او بود داده است؛ سپس او را هدایت کرده است».^۲

به یقین، قرآن کریم برای هدایت همه جهانیان نازل شده؛ اما تا زمانی که مرحله‌ای از تقوا در وجود انسان نباشد که همان مرحله تسلیم در مقابل حق و پذیرش آنچه هماهنگ با عقل و فطرت است، محال است انسان از هدایت کتاب‌های آسمانی و دعوت انبیاء بهره بگیرد. بر این اساس، خداوند می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ؛ آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است».^۳

در قرآن کریم، «هدایت» به معنی فراهم آوردن وسایل سعادت و «اضلال» به معنی از بین بردن زمینه‌های مساعد است؛ بدون اینکه جنبه اجباری به خود بگیرد و این را نیز باید دانست که هدایت و اضلال دو کلمه جامع هستند که تمامی انواع کرامت و خذلانی که از سوی خدا به سوی بندگان سعید و شقی می‌رسد را شامل می‌شود.^۴

هدایت تشریحی، به معنی ارائه طریق، جنبه عمومی و همگانی دارد و هیچ قید و شرطی در آن نیست؛ چنانکه در آیه زیر آمده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس».^۵

هدایت تکوینی، هرگز بی قید و شرط نیست و این هدایت و اضلال که نقطه مقابل آن است، مخصوص گروهی است که اوصاف آنها در قرآن بیان شده که به عنوان نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. در مورد «هدایت»، شرایط و اوصافی در قرآن بیان شده که نشان می‌دهد این هدایت بدون علت و برخلاف حکمت الهی نیست؛ مانند آیه زیر که پیروی فرمان خدا و جلب خشنودی او را زمینه‌ساز هدایت الهی

۱. طه، آیه ۵۰.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۹.

۳. بقره، آیه ۲.

۴. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۰.

۵. انسان، آیه ۳.

بر شمرده است: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».^۱ در جای دیگر توبه و انابه را عامل استحقاق هدایت می‌داند و می‌فرماید: «قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَن أُنَابَ». قرآن کریم در آیه دیگر، جهاد مخلصانه در راه خدا را به عنوان شرط اصلی هدایت ذکر کرده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».^۲ در آیه دیگر، پیمودن مقداری از راه هدایت را به عنوان شرطی برای ادامه این راه به لطف خداوند ذکر نموده و می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى وَآتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ»^۳ در نتیجه می‌توان گفت تا از سوی بندگان توبه و انابه‌ای نباشد و پیرو فرمان خدا نباشند و تا جهاد و تلاش صورت نگیرد و گام‌های نخستین را در مسیر حق برندارند، لطف الهی شامل حال آنان نمی‌شود. حضور انسان مسلمان در مسجد را می‌توان مصداقی از بازگشت او به سوی پروردگار و پیروی از فرمان خداوند، تلاش و برداشتن گام در مسیر حق دانست که به استناد آیات مذکور این فرد مشمول هدایت الهی می‌گردد.

در مورد «ضلالت» نیز قرآن در یک جا سرچشمه ضلالت را فسق و خروج از اطاعت و فرمان الهی شمرده است؛ مانند: «يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ»؛^۴ در جای دیگر روی مسأله ظلم تکیه شده و آن را زمینه‌ساز ضلالت معرفی کرده است؛ مانند: «وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ».^۵ همچنین، در آیه دیگر، اسراف و دروغ‌گویی را عامل گمراهی شمرده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَن هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ».^۶ نتیجه اینکه قرآن، ضلالت الهی را مخصوص کسانی می‌شمرد که دارای این اوصاف هستند: «ظلم»، «فسق»، «دروغ»، «اسراف» و «کفران».^۷

بنابراین، اگرچه انسان به واسطه خواندن نماز و درخواست هدایت از خداوند، «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»^۸ مشمول عنایت خاص پروردگار و آنچه به اعتقاد آیت‌الله خویی هدایت خصوصی الهی می‌توان

۱. خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود، از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست، رهبری می‌نماید؛ مانده، آیه ۱۶.

۲. بگو خداوند هر کس را بخواد گمراه و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند؛ رعد، آیه ۲۷.

۳. و آنها که در راه ما (با خلوص نیت) جهاد کنند، به طور قطع، به راه‌های خود، هدایتشان خواهیم کرد و خداوند بانی کون کاران است؛ عنکبوت، آیه ۶۹.

۴. کسانی که هدایت یافته‌اند، خداوند بر هدایتشان می‌افزاید و روح تقوا به آنان می‌بخشد؛ محمد، آیه ۱۷.

۵. خدا جمع زیادی را بآن گمراه و گروه بسیاری را هدایت می‌کند؛ ولی تنها فاسقان را بآن گمراه می‌سازد؛ بقره، آیه ۲۶.

۶. و خداوند، قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند؛ بقره، آیه ۲۵۸.

۷. خداوند کسی را که اسرافکار و بسیار دروغ‌گوست، هدایت نمی‌کند؛ غافر، آیه ۲۸.

۸. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۲۳۰.

۹. ما را به راه راست هدایت کن؛ فاتحه، آیه ۶.

نماید می‌گردد و نیز به واسطه گام برداشتن در مسیر حق و بازگشت به سمت پروردگار در معرض هدایت تکوینی الهی قرار می‌گیرد؛ اما اشاره امیر مؤمنان (علیه السلام) در عبارت «أَوْ كَلِمَةً تَزِدُّهُ عَنْ رَدَىٰ أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَىٰ هُدَىٰ»، بر این مطلب دلالت دارد که فرد مسلمان با حضور در مسجد و شنیدن کلماتی، به هدایت رهنمون می‌گردد. این نوع از هدایت همان هدایت تشریحی است که وظیفه پیامبر و علمای دین است و به واسطه تبلیغ در مسجد به مردم منتقل می‌گردد.

انبیاء سلف، هدایت تشریحی الهی را با ابزارهای تبلیغی، همچون وعظ، خطابه و ساختن محل‌هایی برای عبادت خداوند که در قرآن نیز بدان‌ها اشاره شده است به مردم منتقل می‌کردند. معابد که شامل صومعه‌ها، بیعه‌ها (معابد یهود و نصاری) و نمازگاه‌ها (صلوات) و مساجد می‌شوند، در طول تاریخ به مثابه نهادی مذهبی برای عبادت خداوند و انتقال آموزه‌های دینی از سوی انبیا الهی مورد استفاده قرار می‌گرفتند. با این وصف معابد را می‌توان واسطه هدایت انسان‌های هر عصر تلقی نمود و مردم نیز به واسطه وجود معابد در محل زندگی خویش به یاد دین می‌افتادند.

با ظهور اسلام و بعثت نبی خاتم النبیین (صلی الله علیه و آله) شکل نوینی از معابد به نام مسجد از سوی این شرع مقدس بنا نهاده شد تا واسطه انتقال پیام الهی (هدایت تشریحی) توسط پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) به مردم باشد. البته قابل توجه است که اولین مسجد پس از هجرت و تشکیل حکومت اسلامی در مدینه بنا گردید. تا قبل از هجرت، پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) پیام هدایت الهی را از طریق خطابه در کنار خانه کعبه و یا جمع کردن افراد در خانه خویش و در مکان‌های دیگر به طور پراکنده به مردم منتقل می‌نمود؛ اما پس از تشکیل حکومت اسلامی با ساخته شدن مسجد این وظیفه پیامبر (ابلاغ پیام الهی به مردم) به این نهاد مقدس منتقل گردید.

بنابراین، می‌توان مساجد را محل تبلیغ دین و تجلی گاه دین‌مداری مردم در جامعه دانست. خداوند در قرآن، یکی از منشأهای فساد زمین را ویران شدن مراکز مذهب بیان فرموده است؛ یعنی اگر مراکز مذهب آباد نبود و رو به ویرانی - که هدف اصلی طاغیان ددمنش است - نهاد، جامعه رو به تباهی می‌رود و آیه «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا» به این معناست که اگر دفاع مقدس و جهاد نباشد، مراکز مذهبی، مانند مسجدها، کنیسه‌ها، بیعه‌ها، صومعه‌ها

۱. ر.ک: خوبی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۶۴۵.

۲. حج، آیه ۴۰.

۳. اگر خداوند بعضی از مردم را به وسیله بعضی دیگر دفع نکند، دیرها و صومعه‌ها و معابد یهود و نصارا و مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود، ویران می‌گردد و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آیینش دفاع نمایند)، یاری می‌کند؛ خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است؛ حج، آیه ۴۰.

و دیرهای راهبان ویران می‌شود؛ آنگاه سخن از موعظه، نصیحت، تهذیب و تربیت نیست؛ یعنی نظام امر به معروف و نهی از منکر رخت می‌بندد و اگر سخن از تهذیب و تزکیه نبود و چراغ هدایت خاموش شد، فساد گسترش می‌یابد.^۱

علامه طباطبایی نیز در تفسیر خود پیرامون این آیه می‌فرماید: «اینکه خداوند معابد و کلیساها را در کنار مساجد نیز نام برده، بدین جهت است که این مکان‌ها مظاهر دین و شعائر و نشانه‌های دین است که مردم به وسیله آنها به یاد دین می‌افتند و در آنها احکام دین را می‌آموزند و صورت دین را در اذهان مردم حفظ می‌کنند».^۲

ترک گناه به موجب خشیت

از دیگر معضلات اجتماعی می‌توان به ناهنجاری‌های موجود در جامعه اشاره کرد؛ روابط نامشروع جنسی، اعتیاد، دزدی، بی‌بندوباری اخلاقی و مواردی از این دست که هر کدام به نوعی نسل جوان امروز جامعه را به بند اسارت کشیده است. مسأله مبارزه با فساد و فحشا از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر توجه همه مسئولان و دغدغه‌مندان مسائل فرهنگی جامعه را به خود معطوف داشته است. به راستی آیا تاکنون اقدامات انجام شده توسط سازمان‌های دولتی مربوط توانسته است این ناهنجاری‌ها را برطرف کرده و به اصلاح امور بپردازد؟

بنا بر آمار و گزارش‌های سازمان ملی جوانان، به عنوان سازمانی که متولی امور نسل جوان کشور است، درصد قابل توجهی از جوانان به نوعی درگیر یکی از ناهنجاری‌های اجتماعی بوده و از آن به عنوان بزرگ‌ترین معضل فکری و روحی خود یاد می‌کنند.^۳

از جمله کارکردهایی که برای مسجد در حدیث امام علی (علیه السلام) بیان شده است، مسئله جلوگیری از ناهنجاری‌های اجتماعی است. سخن بسیار ظریف حضرت با عبارت «يَتَرَكُ ذَنْبًا حَسِيَةً أَوْ حَيَاءً»،^۴ بیانگر این مطلب است که حضور در مسجد می‌تواند مانع بسیاری از ذنوبها و گناه‌های فردی و اجتماعی شود. خشیت به عوامل درونی بازگشته و حیا یک عامل بیرونی است و ترک گناه بر اثر عوامل درونی و بیرونی، بهترین وسیله نجات و دست‌یابی به سعادت است.

۱. جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، ص ۳۶-۳۷.

۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۴، ص ۵۴۶.

۳. ر.ک: طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران، ۱۳۸۵.

۴. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

ترک گناه به موجب حیا

یکی از مراحل رشد و کمال انسان، نائل آمدن او به درجه‌ای است که تنها به سبب خشیت و توجه به خداوند متعال، گناه و عصیان را ترک گوید. در مرحله نازل تر از این، انسان به خاطر حیا از برادران دینی خویش و با ملاحظه قضاوت افکار عمومی و بیم از دست رفتن آبرو و اعتبار خویش نزد دیگران، معصیت را ترک می‌نماید. هر چند مرحله اول کامل تر و برتر است، اما مرحله دوم نیز امری پسندیده و نیکو و مقدمه‌ای برای کسب ملکه خشیت الهی است. در روایات اسلامی، حیا نمودن از مردم و به خصوص مؤمنان در جهت ترک گناه مدح شده و در جانب مقابل، آنان که با گستاخی و بی‌حیایی و بدون اعتنا به قضاوت جامعه به هر عمل ناپسندی اقدام می‌کنند، مورد ملامت و سرزنش قرار گرفته‌اند. امیر مؤمنان (علیه السلام) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می‌کنند: «إِنَّ اللَّهَ حَزَمَ الْجَنَّةَ عَلَى كُلِّ فَحَّاشٍ بَدِيٍّ قَلِيلِ الْحَيَاءِ لَا يُبَالِي مَا قَالُوا وَلَا مَا قِيلَ لَهُ فَإِنَّكَ إِنْ فَتَشْتَهُ لَمْ تَجِدْهُ إِلَّا لِعِيبَةٍ أَوْ شِرْكَ شَيْطَانٍ»^۱.

به عبارت دیگر، وقتی فردی به مسجد می‌رود در واقع، در یک ساختار اجتماعی متشکل از برادران ایمانی قرار می‌گیرد که سبب حیا وی می‌گردد و این حیا که هم از خداوند است و هم از آن برادران دینی، زمینه ترک گناه را برای وی فراهم می‌نماید.

در قرآن کریم آمده است: «أَثَلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»^۲. خداوند در این آیه رسول گرامی خود را به تلاوت آنچه به وی وحی شده، دستور می‌دهد؛ چون تلاوت قرآن بهترین رادع از شرک و ارتکاب فحشاء و منکرات است؛ زیرا در آن آیات روشنی است که متضمن حجت‌هایی نورانی است که حق را آن طور که باید روشن می‌سازد و هم مشتمل بر داستان‌های عبرت‌آور، مواظب، بشارت‌ها، انذار، وعده و وعیدها است که شنونده و خواننده را از گناهان باز می‌دارد و سپس آن امر را ضمیمه می‌کند به امر به نماز که بهترین اعمال است؛ چون که نماز از فحشاء و منکر باز می‌دارد.^۳

علامه طباطبایی پیرامون اینکه چگونه نماز، انسان را از ارتکاب گناه باز می‌دارد، می‌فرماید: سیاق آیات شاهد بر این است که مراد از این بازداری، بازداری طبیعت نماز از فحشاء و منکر است؛ اما این بازداری به

۱. خداوند متعال، بهشت را بر هر شخص فحاش بی‌آبرو و کم‌شرمی که توجهی به گفته‌های خود و آنچه دیگران در مورد او می‌گویند ندارد، حرام کرده است. اگر حال چنین شخصی را خوب بررسی کنی، خواهی یافت که یازناراده است و یا اینکه شیطان در انعقاد نطفه او شریک بوده است؛ الکافی، باب البذاء، ج ۲، ص ۳۲۴.

۲. آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده، تلاوت کن و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید؛ عنکبوت، آیه ۴۵.

۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۱۹۹.

نحو اقتضاء است نه علیّت تامّه، که هر کس نماز خواند، دیگر نتواند گناه کند و اینکه عده‌ای اشکال می‌کنند که چرا بسیاری از نماز گزاران مرتکب کبائر و منکرات می‌شوند؟ این‌گونه پاسخ می‌دهند که عمل نماز به خصوص که بنده آن را در هر روز، پنج بار بجا بیاورد و همه عمر ادامه دهد و به خصوص اگر آن را همه روز در جامعه‌ای صالح بجا بیاورد و افراد آن جامعه نیز مانند او همه روز نماز بجای آورند و مثل او نسبت به آن اهتمام بورزند، با گناهان کبیره سازش ندارد.^۱

آری، توجّه به خدا از روی بندگی، آن هم در محیطی همچون مسجد، به طور طبیعی باید انسان را از هر معصیتی و هر عملی که دین آن را شنیع می‌داند، از قبیل قتل نفس، تجاوز به جان‌ها و به مال ایتام، فساد و فحشا باز دارد. پس، اگر انسان مدّتی بر نماز خود پایداری کند و در انجام آن نیّت صادق داشته باشد، این استقامت به طور مسلّم، باعث می‌شود که به تدریج ملکه پرهیز از فحشاء و منکر در او پیدا شود.

آیه دیگری که در این رابطه می‌توان بدان استناد نمود، آیه زیر است که می‌فرماید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ». ^۲ کلمه «استعانت» در اینجا به معنای طلب کمک است و این در وقتی صورت می‌گیرد که نیروی انسان به تنهایی نمی‌تواند حادثه‌ای که پیش آمده را بر وفق مصلحت خود بر طرف سازد و اینکه خداوند فرموده است از صبر و نماز برای مهمّات و حوادث خود کمک بگیرید، برای این است که در حقیقت در عالم هستی باوری به جز خدای سبحان نیست و بنابراین، لازم است که آدمی در نماز استقامت به خرج داده و ارتباط خود را با خدا وصل نماید؛ چرا که صبر و نماز، بهترین وسیله برای پیروزی است. علامه طباطبایی زیر این آیه به نکته ظریفی اشاره می‌کنند و می‌فرماید که صبر، هر بلا و یا حادثه عظیمی را کوچک و ناچیز می‌کند و نماز که اقبال به خدا و التجاء به او است، روح ایمان را زنده می‌سازد و به آدمی می‌فهماند که به جایی تکیه دارد که انهدام‌پذیر نیست و به سببی دست زده که پاره شدنی نیست.^۳

به هر حال حیا، از انسان‌های مؤخّذ و مؤمن امری پسندیده است و ارتباط با مسجد، علاوه بر آنکه ایمان و توجّه به عظمت خداوند را در انسان تقویّت می‌کند، زمینه آشنایی و ارتباط او را با افراد مؤمن و صالح نیز فراهم می‌آورد و این امر، خود یکی از عوامل و اسباب دوری از گناه و انحرافات خواهد بود.

نتیجه‌گیری

بدون تردید، در توسعه یک کشور مهمّ‌ترین بُعد، مسائل فرهنگی است و اگر در توسعه سیاسی و اقتصادی

۱. همان.

۲. از صبر و نمازیاری جوید (و با استقامت و مهار هوس‌های درونی و توجّه به پروردگار، نیرو بگیرد) و این کار، جز برای خاشعان، گران است؛ بقره، آیه ۴۵.

۳. طباطبایی، سیّد محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۹۹.

نیز به مسائل فرهنگی توجه نشود، توسعه اجتماعی به مفهوم امروزی آن تحقق نخواهد یافت و بر این اساس، ضرورت تعلیم و تربیت و پرورش نیروی انسانی پارسا، کارآمد و توانا به مثابه یکی از شاخص‌های توسعه فرهنگی در تحقق دیگر ابعاد توسعه، واقعیتی انکارناپذیر است.

به نظر می‌رسد که قرآن و دین مبین اسلام به عنوان رسالتی عمومی، به مقوله فرهنگ و توسعه فرهنگی اهتمام ویژه دارد و می‌توان گفت حرکت پیامبر اسلام ﷺ یک حرکت فرهنگی و در راستای روشنگری و ایجاد تمدن فرهنگی بوده است. فرهنگ اسلامی، بنای مساجد را به عنوان نماد حکومت دینی و مرتبط با مردم مسلمان در انواع مختلف، از مساجد جمعه تا محله که پذیرای اقشار مختلف مردم در ساعات‌های متنوع بودند، می‌داند که این نمونه‌ای از کارآیی مساجد و تلاش اسلام برای توسعه روابط اجتماعی و فرهنگی در فضاهای شهری به واسطه مساجد از دیرباز تاکنون بوده است.

در واقع، توسعه فرهنگی به عنوان سیاستی کلی برای رسیدن به توسعه پایدار در سطح جامعه اسلامی، حقیقتی انکارناپذیر است که در این مقاله به‌طور مفصل تبیین شده است. الگوهای عملی بیان شده توسط امیر مؤمنان (علیه السلام) این مطلب را اثبات می‌کند که با بهره‌گیری درست از نمادهای دینی و به خصوص مساجد، می‌توان به تعالی و رشد فرهنگی جامعه اسلامی دست یافت.

بنابراین، می‌توان گفت که مقصود از توسعه فرهنگی مسجد، بهینه‌سازی، بهره‌برداری، افزایش نقش، جایگاه، کارکرد و ارتقاء سطح و بالابردن کیفیت و عرضه خدمات عبادی، آموزشی و غیره و افزون ساختن جاذبه‌های مسجد و در یک جمله، آوردن مسجد در متن زندگی مردم مسلمان و برقراری و مستحکم ساختن پیوند بین مسجد و امور گوناگون در حیات بشری است.

متأسفانه، با نگاهی گذرا به مجموعه مساجد در کشورهای اسلامی این حقیقت تلخ روشن می‌شود که در حال حاضر بسیاری از مساجد توان لازم را جهت تقویت بنیه فکری و فرهنگی و معنوی مسلمانان ندارند و از این دردناک‌تر، مساجدی است که به گمراه‌کننده‌ترین اندیشه‌ها، رنگ و بوی دینی می‌بخشند و آن را در جهان منتشر می‌نمایند. آرزو می‌نمائیم در سایه رشد و آگاهی مسلمانان شاهد روزی باشیم که مساجد جایگاه فرهنگی خود را باز یابند و به صورت کانون‌های آموزش و تربیت مسلمانان عمل کنند و اندیشه‌های اصیل اسلامی، بیش از پیش از این مراکز مقدس منتشر شود و بر تمامی گستره زمین پرتوافکنی کند.

منابع و مأخذ

- قرآن مجید، ترجمه مکارم شیرازی، ناصر، دارالقرآن الکریم، قم، ۱۳۷۳ هـ. ش.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، مشهد، انتشارات سنبله، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۱. آیتی، محمدابراهیم، تاریخ پیامبراسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۱ هـ. ش.
 ۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، مقدمه فی التاریخ، ترجمه: محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
 ۳. ابن سعد، محمد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الکبری، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ. ق.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، انتشارات دارصادر، بیروت، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـ. ق.
 ۵. ابن هشام، عبدالملک الحمیری المعافری، السیرة النبویة، ترجمه: سید هاشم رسولی، انتشارات کتابچی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ هـ. ش.
 ۶. ازکیا، مصطفی، جامعه شناسی توسعه، تهران، نشر کلمه، ۱۳۸۱ هـ. ش.
 ۷. اشرفی، محمد رضا، جوان و بحران هویت، سروش، چاپ چهارم، تهران، ۱۳۸۵ هـ. ش.
 ۸. باباشاهی، علی، حشمتی، محمد رضا، راهنمای ساخت مسجد، مؤسسه عمران مسجد، تهران، ۱۳۸۰ هـ. ش.
 ۹. پورعزت، علی اصغر، مبانی دانش اداره دولت و حکومت (مبانی مدیریت دولتی)، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ. ش.
 ۱۰. سید رضی، المجازات النبویة، مصحح: هوشمند، مهدی، قم، نشر دارالحدیث، ۱۳۸۰ هـ. ش.
 ۱۱. جوادی آملی، شکوفایی عقل در پرتو نهضت حسینی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم، ۱۳۸۷ هـ. ش.
 ۱۲. حجتی، سید محمد باقر، مسجد نبوی در گذر تاریخ، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷ هـ. ش.
 ۱۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن بن علی، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ. ق.
 ۱۴. حسینی منش، سید محمد مهدی، فرهنگ، سیاست و توسعه در ایران امروز، مجموعه مقالات نقش دین در فرهنگ و توسعه فرهنگی، تهران، نشر دال، ۱۳۷۹ هـ. ش.
 ۱۵. خلیلیان، محمد جمال، اسلام و توسعه، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیّه،

- ۱۳۸۱ هـ. ش.
۱۶. موسوی الخمينی، سید روح الله، چهل حدیث، مرکز نشر فرهنگی رجا، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ. ش.
۱۷. ———، صحیفه نور، تهران، مؤسسه حفظ و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۲ هـ. ش.
۱۸. خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه، ۱۳۷۵ هـ. ش.
۱۹. دورانت، ویل، تاریخ تمدن، ترجمه: نادر سالارزاده امیری، تهران، انتشارات ققنوس، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۲۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داودی، دارالعلم، بیروت، ۱۴۱۲ ق. هـ.
۲۱. روح الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، تهران، انتشارات عطار، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۲۲. صالحی، غلامرضا، دانشگاه، جامعه و فرهنگ؛ گزارش شورای فرهنگی و اجتماعی، وزارت علوم تحقیقات و فناوری، چاپ اول، ۱۳۸۲.
۲۳. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: موسوی همدانی سید محمد باقر، قم، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ هـ. ش.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۲۵. طرح پژوهشی اقامه نماز در بین جوانان و نوجوانان شهر تهران، سازمان ملی جوانان، دفتر مطالعات و برنامه ریزی، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۲۶. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ. ش.
۲۷. ———، تهذیب الأحکام، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۲۸. عاملی، زین الدین بن علی (شهید ثانی)، منیه المرید فی آداب المفید و المستفید، تحقیق: رضا مختاری، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۶۸ هـ. ش.
۲۹. عباسی نیا، سعید، کتاب شناسی مسجد، تهران، ستاد عالی کانون های فرهنگی و هنری مساجد، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۳۰. عزتی، مرتضی، جایگاه فرهنگ در توسعه از دیدگاه حضرت امام خمینی رضی الله عنه، فصلنامه نامه مفید، شماره ۲۰، زمستان ۱۳۷۸ هـ. ش.
۳۱. علی اکبری، حسن، حیات طیبه، تهران، نسل کوثر، ۱۳۸۱ هـ. ش.

۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، منشورات الهجرة، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۰هـ.ق.
۳۳. فروغ مسجد، مجموعه مقالات همایش بین المللی هفته جهانی مساجد، تهران، ۱۳۸۵هـ.ش.
۳۴. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی بن شاه محمود، الوافی، مصحح: ضیاء الدین حسینی اصفهانی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، چاپ اول، ۱۴۰۶هـ.ق.
۳۵. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲هـ.ق.
۳۶. الکتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه، انتشارات الترتیب الداریه.
۳۷. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷هـ.ق.
۳۸. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۴۱۳هـ.ق.
۳۹. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ سوم، ۱۴۱۲هـ.ق.
۴۰. مجموعه مقالات همایش معماری مسجد: گذشته، حال، آینده، تهران، دانشگاه هنر، ۱۳۷۸هـ.ش.
۴۱. مساجد در تمدن اسلامی، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی، هنری مساجد، تهران، انتشارات رسانش، ۱۳۸۴.
۴۲. مسجد در سفرنامه ها، دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون های فرهنگی هنری مساجد، تهران، رسانش، ۱۳۸۴هـ.ش.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، تهاجم فرهنگی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رضی الله عنه)، ۱۳۷۹هـ.ش.
۴۴. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰هـ.ش.
۴۵. مطهری، مرتضی، آزادی معنوی، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۸۱هـ.ش.
۴۶. —، پانزده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ ششم، ۱۳۸۵هـ.ش.
۴۷. —، ده گفتار، تهران، انتشارات صدرا، چاپ بیست و دوم، ۱۳۸۵هـ.ش.
۴۸. معادیخواه، عبدالمجید، تاریخ اسلام، تهران، نشر ذره، ۱۳۷۷هـ.ش.
۴۹. معارف، مجید، مباحثی در تاریخ و علوم قرآن، تهران، انتشارات نباء، ۱۳۸۳هـ.ش.
۵۰. معین، محمد، فرهنگ لغت معین، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸هـ.ش.

۵۱. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه: محمد عباسپور و محمد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۳ ه.ش.
۵۲. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الإسلامية، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
۵۳. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد، تهران، انتشارات گویه، ۱۳۸۱ ه.ش.
۵۴. مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی-فارسی، تهران، انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۵۵. النمیری، ابن شبة، تاریخ المدینة، تحقیق: فهیم محمد شلتوت، قم، انتشارات دارالفکر، ۱۳۶۸ ه.ش.
۵۶. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، انتشارات اعتماد، قم، ۱۳۷۲.
۵۷. نوری‌ها، علیرضا، چگونه مساجد را از غربت در آوریم، قم، انتشارات نسیم حیات، ۱۳۸۳ ه.ش.
۵۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل‌البیت (ع)، ۱۴۰۸ ه.ق.
۵۹. نیشابوری، غلامرضا، داستان‌ها و حکایت‌های مسجد، تهران، انتشارات سید جمال‌الدین اسدآبادی، ۱۳۷۷ ه.ش.
۶۰. الویری، محسن، مسجد، ارتباطات و توسعه پایدار، فصلنامه علمی نامه صادق، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۸۶ ه.ش.
۶۱. یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب ابن‌واضح، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمدابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ه.ش.
۶۲. www.velayat.com

بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام

عارفه مجیری و فاطمه لمسه‌چی

چکیده

مسئله اصلی این تحقیق، تبیین و تحلیل نقش فرهنگی پایگاه مقدس جهان اسلام، «مسجد» است. مسجد، جایگاهی است که گستره آن در جغرافیای جهان، هم‌معنا و برابر با گستره قلمرو اسلام است. این نوشتار با هدف شناسایی و بررسی کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد (و در مقوله‌هایی مانند: نقش‌های عبادی، تبلیغی، ارتباطاتی، علمی-آموزشی، خدماتی و اجتماعی) شکل گرفته است. نگارنده، به دنبال پاسخ به این سؤالات است که فعالیت‌های فرهنگی مساجد در صدر اسلام چه بوده است و در عصر حاضر تا چه اندازه می‌توان این کارکردها را مورد استفاده قرار داد. با نظر به این مسئله که مساجد، نقش اصلی را در معرفی اسلام و فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا می‌کنند، کارکردهای مسجد، تنها در بُعد معنوی و عبادی خلاصه نمی‌شوند، بلکه مساجد در صدر اسلام کارکردهای گوناگونی داشته‌اند که بیشتر آنها به عنوان کارکردهای فرهنگی قابل تعریف و تبیین هستند. بنابراین، در صورتی که با برنامه‌ریزی‌های مناسب، مسجد را در ایفای نقش‌های اساسی آن یاری دهیم، در آن صوت، این نهاد می‌تواند بار فرهنگی جامعه اسلامی را به دوش بکشد.

کلیدواژه‌ها:

مسجد، فرهنگ، کارکرد فرهنگی، جامعه اسلامی.

مسجد همواره مشعل هدایت، نشانه توجّه به ارزش‌های والای انسانی، محلّ طرد آرایش‌های مادی، نشانگر هویت فرهنگ و هنر اسلامی و در نهایت مرکز پیشگیری و کاهش بزهکاری‌های اجتماعی بوده است. مسجد، در اسلام، قلب تپنده حیات این دین حنیف و جایگاه پیوند آسمان و زمین (دو نماد آخرت و دنیا) است و انسان به عنوان اشرف مخلوقات در آن رشد و تکامل می‌یابد.

عصر حاضر، عصر بازنگری و بازگشت به دین است؛ دو نگرش بزرگ مادی‌گری و مادی‌نگری در زمینه عمل و جامعه‌گردانی شکست خورده است و برای بشریت رنج دیده امروز، مجال تأمل در معنویات و بازگشت به سنت معنوی که جامع و کامل‌ترین مصداق آن دین است، فراهم آمده است. از نخستین سده ظهور دین مبین اسلام، «مساجد»، به عنوان شاخص‌ترین و بارزترین نهادهای اسلامی، تجلی یافتند.^۱

در حقیقت، آموزش عملی بنیان‌گذار مکتب متعالی اسلام، برای رهروان راهش این بوده است که در طراحي و شهرسازی حکومت اسلامی، «مسجد»، نخستین مکان احداثی باشد و در مرکزیت شهر قرار گیرد. چنان که حضرت رسول ﷺ در نخستین اقدام خود، هنگام ورود به یثرب، پس از تغییر نام آن به مدینه، مسجدی را در مرکز شهر بنا کرد.

در زمان حضرت محمد ﷺ و ائمه اطهار مسجد، کانون بسط و توسعه فرهنگ غنی اسلام بود و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان در مسجد انجام می‌گرفت. به‌طور کلی، پایگاه فرهنگی جهان اسلام از مساجد شکل گرفت و هسته اولیه فعالیت‌های فرهنگی دین مبین اسلام، در مساجد تشکیل شده است. از این‌رو، می‌توان گفت که اصلی‌ترین پایگاه فعالیت‌های فرهنگی، چه در دوران پیامبر اکرم ﷺ و چه در دوران ائمه اطهار علیهم‌السلام مساجد بوده‌اند.^۲

نقش مساجد بر هویت و فرهنگ اسلامی تا بدان جاست که با دور شدن از مساجد، نتیجه‌ای جز تخریب ظاهری و باطنی و سقوط مبانی فرهنگ در وهله نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهله دوم را در پی نخواهد داشت. از طرف دیگر، رابطه متقابل میان ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی نشان می‌دهد که مساجد به عنوان کانون‌های ارزشی و فرهنگی دین مبین اسلام، نقش تأثیرگذاری در شکل‌گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. این موضوع، نشان‌دهنده نقش مؤثر این نهاد اسلامی بر فرهنگ و هویت مردمان شهرهای اسلامی است.^۳

۱. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، ص ۲۳.

۲. عباسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای، فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص ۳۸۲.

۳. عباسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای، فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص ۳۸۱.

بنابراین، مسجد، به عنوان مرکز فرهنگ‌سازی اسلامی و نهاد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در تمام زمینه‌ها، به صورت محسوس و نامحسوس در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد در سطح فردی و اجتماعی نقش به‌سزایی ایفا می‌نماید.

بدین ترتیب، مشخص می‌شود که تبیین و تعیین جایگاه واقعی مساجد در جوامع اسلامی، افزایش کارایی آن را در تقویت و تثبیت زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی موجب خواهد شد.^۱ بدون تردید، می‌توان نتیجه گرفت که امروز راه‌حل بسیاری از مشکلات امت اسلامی در مسجد یافت می‌شود. اقدام و سنت حضرت رسول ﷺ در تأسیس مسجد، یک حرکت مقطعی و نمادین و اتفاقی نیست؛ بلکه نقطه آغاز کار را به صورت حساب شده به ما نشان داده است و بدون شک، هم اکنون نیز می‌تواند کوتاه‌ترین و بهترین مسیر اصلاح امت مسلمان قلمداد شود و البته باید چنین باشد. پس، باید به سنت پیامبر اکرم ﷺ بازگشت و مسجد را احیاء نمود؛ زیرا مشکل اسلام، نداشتن محل عبادت نیست. حضرت رسول ﷺ در این مورد می‌فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طُحُورًا؛ همه زمین برای امت من مسجد و پاک قرار داده شده است». بنابراین، مشکل امت اسلامی، هدایت و الهام امور گوناگون است که سرچشمه آن در مسجد است.

کلیات: مفهوم‌شناسی واژگان

در ابتدا لازم است به تعریف نظری مفاهیم این پژوهش بپردازیم:

کارکرد: کارکرد (Function) در ادبیات جامعه‌شناسی به معنای «نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد».^۳

کارکرد فرهنگی مسجد: مراد از کارکرد فرهنگی، نقشی است که مساجد در جهت افزایش آگاهی‌ها و بینش‌های مردم، در زمینه‌های گوناگون مذهبی ایفا می‌کنند.^۴

فرهنگ: اولین تعریف جامع و مانع از فرهنگ در سال ۱۷۱۸، در کتاب «فرهنگ ابتدایی» توسط ادوارد بارنت تایلور بیان شد.^۵

۱. شکریان، ناصر، مدیریت و ساماندهی مساجد، فروغ مسجد، ج ۴، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵، ص ۴۴۷.

۲. شهید ثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، ج ۱، ص ۱۵.

۳. عابدی جعفری، حسن و همکاران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد، در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، ص ۴۷.

۴. منصوریان، عفت، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد، فروغ مسجد، ص ۲۴۰.

۵. حبیبی، محمّد، خصائص مدیران فرهنگی، ص ۱۴.

«فرهنگ یا تمدن، به مفهوم قوم‌نگاری عام خود، مجموعه پیچیده‌ای است مشتمل بر معارف، معتقدات، هنر، حقوق، اخلاق، رسوم و تمامی توانایی‌ها و عاداتی که بشر به عنوان عضوی از جامعه دریافت می‌نماید»^۱. مفهوم فرهنگ، در اولین برنامه ۵ ساله جمهوری اسلامی ایران، چنین آمده است: «فرهنگ، کلیت به‌هم‌تافته باورها، ارزش‌ها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، متون، آداب و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحوّل کیفیت زندگی است»^۲.

در این پژوهش، بر اساس دو تعریف ذکر شده و تعاریف مشابه دیگر از فرهنگ، کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد را با مقوله‌های زیر بررسی خواهیم کرد و به تبیین نقش‌های مسجد در حوزه کارکردهای فرهنگی می‌پردازیم: نقش عبادی مسجد، نقش اجتماعی مسجد، نقش خدماتی مسجد، نقش علمی-آموزشی مسجد، نقش تبلیغی مسجد.

گفتار اول: نقش عبادی مسجد

در قرآن کریم هر جا سخن از مسجد گفته شد، جنبه‌های عبادی آن به عنوان نقش اولیه و بنیادین این جایگاه مقدّس و معنوی به شمار رفته است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این آیات اشاره می‌شود:

«وَإِنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ واینکه مساجد از آن خداست. پس، احدی را با خداوند (به عنوان پرستش) نخوانید»^۳.

«...وَأَقِمْ وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ...؛ به سوی هر مسجدی رو آورید و خدا را از سر اخلاص بخوانید»^۴.

یکی از ارکان اساسی ادیان الهی و به خصوص دین مبین اسلام، «عبادت» است. ماهیت و حقیقت عبادت، تنها به امور ظاهری و بر زبان آوردن پاره‌ای از کلمات و انجام حرکات خاص، محدود نمی‌شود؛ بلکه عبادت، ارتباطی است که بین بنده و معبود برقرار می‌شود و این ارتباط در بطن عبادت نهفته است. بدین صورت، یکی از اصلی‌ترین نقش‌های مسجد آن است که زمینه را برای عبادت پُر حضور و خالصانه فراهم نماید تا مؤمنان در آن مکان مقدّس با پرداختن به نماز و ذکر و دعا زنگار غفلت را از دل و جان خود بشویند و با خداوند متعال، به معنای واقعی کلمه، انس بگیرند. بنابراین، هر اندازه مسجد در ایفای این نقش

۱. ابوالقاسمی، محمدجواد، شناخت فرهنگ، ص ۳۷ و ۳۴.

۲. حبیبی، خصائص مدیران فرهنگی، ص ۱۰.

۳. جن، آیه ۱۸.

۴. اعراف، آیه ۲۹.

۵. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۹.

حیاتی موفق‌تر و کارآمدتر باشد، به مسجدی که قرآن و سنت آن را به تصویر کشیده‌اند، نزدیک‌تر است.^۱ با مقدماتی که درباره کارکرد معنوی مساجد مطرح شد، به‌طور خلاصه، به تبیین «فعالیت‌های عبادی» که می‌تواند (و باید) در مساجد صورت بگیرد، می‌پردازیم.

نقش مسجد در انجام عبادت شایسته

عنصر توجّه قلبی به خداوند متعال، روح عبادت را تشکیل می‌دهد. برای به وجود آمدن چنین عبادتی، عوامل فراوانی مورد نیاز است. بعضی از این عوامل به شرایط درونی و روحی عبادت‌کننده مربوط می‌شود؛ برخی به شرایط خارجی و بیرونی (چون زمان و مکان) عبادت بستگی دارد. بنابراین، یکی از رموز اصلی بنای مساجد در دین اسلام، فراهم آوردن مکانی شایسته برای عبادت است. مسجد، با تمام ویژگی‌هایی که شارع مقدّس برای آن در نظر گرفته، مناسب‌ترین مکان برای عبادت و راز و نیاز با خداوند متعال است. به همین سبب، در آیین مقدّس محمدی ﷺ این مکان الهی، «مسجد» نامیده می‌شود.^۲

ذکر و یاد خداوند در مسجد

مسجد، جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و یاد خداست؛ خداوند تعالی می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَصْوَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ...» در خانه‌هایی که خداوند به تعظیم و بزرگداشت آن فرمان داده و بردن نام خویش را در آن خواسته است؛ مردانی یافت می‌شوند که صبحگاهان و شامگاهان خدا را تسبیح می‌گویند. هیچ تجارت و معامله‌ای آنان را از یاد خداوند و بپا داشتن نماز و پرداخت زکات باز نمی‌دارد...^۳

علامه طباطبایی رحمته الله، در تفسیر این آیه سخنانی را بیان کردند که حاصل آن، چنین است: مقصود از «رفع» در این آیه، بالا بردن قدر و منزلت مسجد، یعنی تعظیم و بزرگداشت آن است. عظمت و بزرگی از آن خداوند است. هر کس به همان میزانی که با خداوند پیوند و نسبت دارد، در عظمت و بزرگی با وی شریک است. پس، اگر خداوند به بزرگداشت چیزی اذن دهد، در واقع، بر اساس پیوند و ارتباطی است که آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه گذشت، روشن می‌شود که راز تعظیم و بزرگداشت مسجد، آن صفتی

۱. همان، ص ۱۵.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۹ و ۳۰.

۳. نور، آیات ۳۶ و ۳۷.

است که پس از کلمه «مسجد» ذکر شد و آن، «بردن نام خداوند» در مسجد است.^۱ درباره معنای کلمه «بیوت» نیز می‌فرماید: «قدر مسلم از معنای آن، همان مساجد است که جایگاهی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده [است]».^۲ ایشان به هنگام بحث، از روایت‌هایی که پیرامون این آیات وجود دارد استفاده کرده، می‌فرماید: «خانه‌های پیامبران و ائمه نیز از مصادیق کلمه بیوت است».^۳ از این آیه به روشنی دریافت می‌شود که رسالت اولیه و اساسی مسجد در اسلام آن است که محلّ عبادت و تسبیح و ذکر خداوند باشد. در نتیجه، شکی نیست که هر کس به این نقش اساسی و بنیادین مسجد، آسیب برساند و یا آن را کم‌رنگ نماید، با چیزی که خداوند متعال مقرر فرموده است، به مبارزه پرداخته، در شمار ستم‌پیشگان خواهد بود.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا...؛ چه کسی ظالم‌تر است از آن کسی که از بردن یاد خدا در مسجد جلوگیری کند و در راستای خرابی آن تلاش نماید...».^۴ این کار از یک طرف، ستمی بر مؤمنان و نمازگزاران است؛ زیرا مایه محرومیت آنان از این مکان مقدّس می‌شود. از طرف دیگر، مسجد را از ایفای نقش اصلی خویش بازمی‌دارد و در نهایت، ظلمی بر کلّ مجموعه دین و شعائر الهی به شمار می‌آید؛ زیرا مسجد، مظهر اسلام و مسلمانی است. بنابراین، کوشش برای ویرانی آن در حقیقت، عملی است در راستای تضعیف دین و مبارزه با آن محسوب می‌شود. قرآن در این مورد می‌فرماید: «هُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ برای آنها (کسانی که مانع از یاد خداوند در مساجد می‌شوند)، هم در دنیا و هم در آخرت عذابی بزرگ وجود دارد».^۵

در احادیث بسیاری، به فضیلت ذکر و یاد خداوند در مساجد اشاره شده است. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «... جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ أَكْثَرُهُمْ لِلَّهِ...؛ مردی به حضور پیامبر اکرم ﷺ آمد و پرسید: در میان اهل مسجد، برترین آنها چه کسی است؟ پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: آنان که بیش از دیگران ذکر دارند [به یاد خدا هستند]».^۶

۱. ک: طباطبایی، محمدحسین، تفسیرالمیزان، سوره نور، ذیل آیه ۳۶ و ۳۷.

۲. همان.

۳. همان.

۴. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۴۳.

۵. بقره، آیه ۱۱۴.

۶. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۴۵.

۷. بقره، آیه ۱۱۴.

۸. کافی، ج ۲، ص ۴۹۸.

روشن است که مقصود از ذکر، در این روایت تنها ذکر لفظی نیست؛ بلکه هدف بالاتر و قوی تر، «ذکر قلبی» است. بدین ترتیب، معنای سخن حضرت رسول ﷺ آن است که جوهر و جان هر عبادتی، توجّه قلبی به خداوند است و در میان تمامی کسانی که در مسجد حضور دارند، آنان که بیشتر به یاد خدا هستند، از همگان برترند.

نماز جماعت

یکی از کارکردهای مهمّ مسجد، برگزاری نماز جماعت و جمعه است. در واقع، جایگاه اصلی نماز و عبادت مسجد است؛ گرچه اسلام اجازه داده هر جا که وقت نماز فرا رسید، نماز خوانده شود، یعنی نماز خواندن نیازمند مکان مخصوصی نیست. همان طور که پیامبر اکرم ﷺ می فرماید: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا؛ زمین برای من محلّ عبادت و پاکیزه قرار داده شده است». با وجود این، به دلیل اینکه نمازهای پنج گانه به طور منظم در شبانه روز خوانده می شود، به طور طبیعی مسلمانان به مکانی برای برگزاری نمازشان احتیاج پیدا می کنند و این نیاز، منجر به ساخت مساجد شد.

بر این اساس، یکی از فلسفه های ساخت مسجد، برگزاری نمازهای واجب به صورت جماعت است تا این جلوه عبادی جمعی، در خانه خدا تأثیر گذارتر گردد. پیامبر اسلام ﷺ از همان اوایل بعثت، به نماز جماعت در مسجد بسیار اهمیّت می دادند. پیامبر اسلام ﷺ در همان زمان، به مسجد الحرام آمد و رو به قبله ایستاد و پشت سر وی همسرش خدیجه رضی الله عنها و امام علی رضی الله عنه قرار گرفتند و نماز خواندند.^۱

مسلمانان، به سبب تعالیم قرآن مجید و رهنمودهای پیامبر اعظم ﷺ نسبت به حضور در مسجد و شرکت در نماز جماعت، اشتیاق خاصی از خود نشان می دادند و با تشکیل صفوفی منظم و یکپارچه به امامت رسول خدا ﷺ نماز برپا می کردند. برگزاری نمازهای جماعت و آیین های عبادی به صورت دسته جمعی در تحکیم روابط میان مسلمانان و تحقق وحدت در جامعه اسلامی نقش به سزایی داشته است. به همین علت، پیامبر گرامی اسلام ﷺ به هیچ یک از مسلمانان اجازه نمی دادند بدون عذر، از حضور در مسجد و شرکت در این فریضه الهی سرباز زنند. از روایات چنین برمی آید که در زمان رسول الله ﷺ تمامی مسلمانان حتی افراد ناتوان در نماز جماعت شرکت می کردند. در روایت آمده است که فرد نابینایی نزد پیامبر اسلام ﷺ آمد و گفت: من مرد نابینایی هستم و چه بسا صدای اذان را می شنوم، اما کسی را نمی یابم که مرا برای نماز

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۲۴.

۲. محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۷۴، به نقل از: برهان الدین حلبی در السیره الحلبیه.

خواندن به مسجد بیاورد، رسول خدا ﷺ فرمودند: «طنابی از منزلت به مسجد ببند و به این وسیله در جماعت مسلمانان شرکت کن».^۱

پیامبر ﷺ هم سعی می کردند که نماز جماعت طول نکشد و باعث ملال و خستگی افراد نماز گزار نشود. حتی به امامان جماعتی که این کار را می کردند به شدت اعتراض می فرمودند؛ زیرا ایشان، اعتقاد داشتند که آنان باید به دلیل حضور افراد ناتوان، بزرگسال و کسانی که کار دارند، از طولانی کردن نماز پرهیز نمایند. به این ترتیب، مسجد، در عصر پیامبر اکرم ﷺ از نظر برگزاری آیین های جماعت، بسیار فعال بوده است.^۲

پیامبر ﷺ همواره مسلمانان را به حضور در نماز جماعت تشویق و ترغیب می نمودند و می فرمودند: «الَّا وَمَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ يَطْلُبُ فِيهِ الْجَمَاعَةَ كَانَ لَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ سَبْعُونَ أَلْفَ حَسَنَةٍ وَيُرْفَعُ لَهُ مِنَ الدَّرَجَاتِ مِثْلَ ذَلِكَ فَإِنَّ مَاتَ وَهُوَ عَلَى ذَلِكَ وَكَلَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهِ سَبْعِينَ أَلْفَ مَلَكٍ يُعَوِّدُونَهُ فِي قَبْرِهِ وَيُبَشِّرُونَهُ وَيُنْسُونَهُ فِي وَحْدَتِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُبْعَثَ؛ همانا کسی که به قصد نماز جماعت به سوی مسجد گام بردارد، به ازای هر گامی، هفتاد هزار حسنه به او داده شود و به همان میزان ترفیع یابد. اگر در این حال فوت کند، خدای عز و جل، هفتاد هزار ملک را می گمارد تا او را در قبرش عیادت کنند و بشارت دهند و در تنهایی همدم وی باشند و برایش استغفار کنند تا زمانی که برانگیخته شود».^۳

پیامبر اکرم ﷺ علاوه بر تشویق، در عمل هم به آن اهمیت می دادند و در سفر و حضر نماز جماعت برگزار می نمودند؛ حتی در بعضی از جنگ ها حضرت ناچار می شدند نماز جماعت را به صورت نماز خوف بخوانند؛ ولی در این حال نیز نماز جماعت را ترک نمی کردند.^۴

قرائت قرآن

یکی از جلوه های یاد خداوند در مسجد، تلاوت آیات و حیانی کتاب آسمانی ما مسلمانان، قرآن است. رسول اکرم ﷺ می فرمایند: «...إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ؛ مساجد را برای قرآن خواندن ساخته اند».^۵

شکی نیست که مسجد برای هر عبادتی اعم از نماز، نماز جماعت، ذکر و دعا و... بنا نهاده شده است و تنها برای تلاوت قرآن ساخته نشده است؛ ولی این سخن پیامبر اسلام ﷺ بر مسئله قرائت قرآن در مساجد،

۱. کوخایی زاده، کریم، بررسی جایگاه مسجد در سیره پیامبر اعظم، مجموعه مقالات فروغ مسجد ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۱۲۷ و ۱۲۸.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۱۷، ح ۸۷۴۹، باب ذکر جمل من مناهی النبی ﷺ.

۴. محزومی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۷۷.

۵. الکافی، ج ۳، ص ۹۷۳، ح ۵.

تأکیدی خاص دارد. مطالعه رفتار مسلمانان صدر اسلام نشان می‌دهد که آنان به تلاوت قرآن کریم در مساجد توجهی ویژه داشته‌اند.^۱

دعا و نیایش

دعا و نیایش، یکی از جلوه‌های یاد خداوند متعال است که نه تنها در عالم انسانی، بلکه در عالم نباتات و جمادات نیز وجود دارد و همه به تسبیح حق تعالی مشغول هستند. خداوند متعال می‌فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، همه به تسبیح ستایش خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و داناست، مشغول اند».^۲

در میان ادیان آسمانی، دین مبین اسلام بیش از همه برای دعا و نیایش اهمیت ویژه قائل شده است؛ زیرا انسان را به گونه‌ای آفرید که او از آغاز آفرینش در جستجو بوده است تا بتواند با عشق و ورزی به معبود و کمال مطلق و به آرامش درونی دست یابد. قرآن کریم در آیات متعددی، بندگان را به دعا و نیایش دعوت می‌نماید و شرط اجابت دعا را راز و نیاز و درخواست قلبی و زبانی می‌داند: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ؛ و خدای شما فرمود که مرا با خلوص نیت بخوانید تا دعای شما را مستجاب کنم و آنان که از دعا و عبادت من اعراض و سرکشی می‌کنند، به زودی با ذلت و خواری در دوزخ وارد شوند».^۳

بر اساس مطالب مطرح شده، به خوبی روشن است که دعا، در هر مکانی و به‌ویژه در مساجد دارای فضیلت ویژه‌ای است. امام صادق علیه السلام شیعیان خود را توصیه می‌نمودند که در سختی‌ها و گرفتاری‌ها در مسجد حضور یابند و پس از اقامه نماز، برای برطرف شدن مشکلات خود دعا کنند. به نقل از معاویه بن عمّار، امام صادق علیه السلام فرمودند: «كَانَ أَبِي إِذَا طَلَبَ الْحَاجَةَ طَلَبَهَا عِنْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِذَا أَرَادَ ذَلِكَ قَدَّمَ شَيْئًا فَتَصَدَّقَ بِهِ وَ شَمَّ شَيْئًا مِنْ طِيبٍ وَ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ وَ دَعَا فِي حَاجَتِهِ بِمَا شَاءَ اللَّهُ؛ پدرم امام محمد باقر علیه السلام حاجت‌های خود را هنگام ظهر از خداوند درخواست می‌نمود. او هر گاه حاجتی داشت ابتدا چیزی در راه خدا صدقه می‌داد، خود را خوشبو می‌کرد، آنگاه به سوی مسجد می‌شتافت و حاجت خود را در آنجا از خداوند می‌طلبید».^۴

از مطالعه تاریخ، مشخص می‌شود که مسلمانان صدر اسلام، بر این باور بودند که به هنگام بروز حوادث

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۵۷ و ۷۷.

۲. جمعه، آیه ۱.

۳. غافر، آیه ۷۰.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۸، ح ۷.

سخت، باید در مسجد حاضر شوند و دعا کنند. آنها، مساجد را محضر خاصّ خداوند و جایگاه فرود آمدن رحمت گسترده او می دانستند.^۱ همچنین، در زمان صدر اسلام، مسلمانانی که دچار لغزش و خطا می شدند و خود را نیازمند به لطف و احسان خاصّ خداوند می دانستند، به مسجد پناه می آوردند؛ زیرا این جایگاه مقدّس را جلوه گاه رحمت خاصّ خداوند مهربان می دانستند.^۲

دعا در مسجد، می تواند هم به صورت فردی باشد و هم به صورت جمعی؛ اما بر پایه روایات معصومان (علیهم السلام) بر گزار نمودن جلسات دعا به صورت دسته جمعی، اگر به اخلاص آسیبی نرساند، مطلوب و پسندیده است و از جنبه های تربیتی خوبی نیز برخوردار است. این گونه مجالس، زمینه آشنایی و انس مؤمنان با فرهنگ پُر بار دعا را فراهم می آورد.^۳

اعتکاف در مسجد

یکی دیگر از آئین های عبادی مسلمانان که در مسجد صورت می پذیرد، «اعتکاف» و خلوت با خداوند است. اعتکاف، تأثیر به سزایی در ریشه کن کردن گناهان انسان دارد. در مورد پیشینه اعتکاف می توان گفت که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) برای پرورش روح، قبل از رسالت هم به این امر می پرداختند؛ به این صورت که مدّتی را در غار حرا واقع در کوه نور، یکی از کوه های مکه، به عبادت به سر می بردند. حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می فرماید: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) چند ماه از سال را در غار حرا می گذراند؛ تنها من او را مشاهده می کردم و کسی جز من او را نمی دید».^۴

آن حضرت، بعد از رسالت هم به اعتکاف اهمّیت می دادند؛ با این تفاوت که این بار، «مسجد»، جایگاه این عمل عبادی ایشان بود. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ) إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلَ أَخْرَجَ عَتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَصُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِّنْ شَعْرِ وَشَمْرٍ الْمُزْرَوْ طَوَى فِرَاشَهُ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ده روز آخر ماه رمضان، در مسجد معتکف می شدند و برای آن حضرت، خیمه ای معین برپا می کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را بر می چیدند و به اعتکاف مشغول بودند».^۵

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۱۷ و ۲۷.

۲. همان، ص ۳۷.

۳. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۴۷.

۴. دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۹۲، ص ۳۹۹.

۵. من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، ج ۲۰۸۷، باب الاعتکاف.

آثار و جلوه‌های تربیتی، اخلاقی و رفتاری مسجد

تربیت، از ارکان حیات اجتماعی انسان است؛ از این رو، توجه به ابعاد مختلف تربیتی، توجه به شخصیت والای انسان است. نکته دارای اهمیت در اصول تربیتی این است که «محیط زیست»، یکی از عوامل تأثیرگذار است و می‌تواند کفه ترازوی تربیت را به نفع خود سنگین نماید. بنابراین، «مساجد» یکی از محورهای تربیتی قابل توجه هستند و از آنجایی که امور تربیتی، بیشتر با روان سر و کار دارند، حضور در جمع تربیت شده‌ای که در مراسم‌های مسجد شرکت می‌کنند، می‌تواند راه آسانی برای کسب آداب و اخلاق مقبول جامعه اسلامی باشد.^۱

«مسجد»، به عنوان یک مکان تربیتی، دارای دو جلوه فردی و جمعی است؛ یعنی اینکه دو نوع رفتار می‌تواند در آن جلوه‌گر شود که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی افراد بسیار مؤثر است. هنگامی که انسان‌ها به صورت جمعی به برگزاری مناسک و انجام فرایض می‌پردازند، رفتارهای جمعی ظاهر می‌شوند و هنگامی که به صورت غیر جمعی و به شکل فردی در مسجد حضور پیدا می‌کنند، خود به خود به محاسبه و بررسی رفتارهای شخصی و فردی می‌پردازند.^۲ گرچه می‌توان گفت که عبادت در هر مکانی، نیاز روحی انسان را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی مسجد و عبادتگاه، جایگاه بهتری برای این امر است و نیاز انسان را کامل‌تر تأمین می‌کند. بنابراین، انسان بنا به فطرت خویش، معبد و مسجد را دوست دارد و تاریخ هم نشان می‌دهد که معبد همواره، همراه و همزاد انسان بوده است.^۳

آثار تربیتی، اخلاقی و رفتاری مسجد عبارت‌اند از: ایجاد آرامش، پرهیز از گناه، بعد تربیتی ارتباط با دوست خوب، پرورش روح جمع‌گرایی، پرورش روح تعهد، پرورش روح تواضع و فروتنی. در این بخش، به اختصار، به تشریح هر کدام می‌پردازیم:

ایجاد آرامش

معصومان علیهم‌السلام در سخنان خویش، مسجد را پناهگاه مؤمن دانسته‌اند. پناهگاهی که انسان را از دغدغه و اضطراب نجات می‌دهد و به آرامش و سکون می‌رساند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجْلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَذَكَّرُونَ بَيْنَهُمْ إِلَّا نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَعَشِيَتْهُمْ الرَّحْمَةُ وَحَفَّتْهُمْ الْمَلَائِكَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ قومی [با یکدیگر] در مسجدی از مساجد خداوند متعال برای تلاوت و آموختن قرآن نشینند؛ مگر آن که آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود و

۱. حسینی سیدحمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، ص ۲۰۲.

۲. مؤلف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص ۱۰۷.

۳. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۱۵ و ۱۷.

خداوند از آنها در میان کسانی که نزد او هستند، یاد می‌کند»^۱.
 مسجد، «افسردگی» را که یک بیماری روحی است، برطرف می‌کند و شادمانی و نشاط را جایگزین آن می‌سازد. امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند.^۲

پرهیز از گناه

بر اساس حدیثی متواتر از امام علی علیه السلام مسجد، در جایگاه اصیل خویش، روح پرهیز از گناه و دوری از سرکشی را در دل و جان مؤمنان می‌دمد و آنان را به زیور «حیای اسلامی» آراسته می‌کند و جامه «خشیت از خدا» را به آنان می‌پوشاند. هنگامی که مؤمن وارد مسجد می‌شود، فضایی آکنده از قدس و طهارت او را در بر می‌گیرد. خانه‌ای ساده و به دور از پیرایه‌های مادی که مملو از جاذبه‌های معنوی و الهی است. پس، فرد مؤمن هنگامی که در این مکان مقدس قرار می‌گیرد، سعی می‌کند به گناه آلوده نشود و تمام اعضاء و جوارح خود را از گناه دور نگه دارد و این عمل، نوعی تمرین در انجام کارهای خیر و دوری از بدی‌ها است. پس، می‌توان گفت حضور در مسجد، تمرین توجّه به خدا و آزمون ترک دنیا است.^۳

علمای تربیتی نیز معتقدند که اجرای مناسک دینی، نوعی تمرین برای خویشتن‌داری و تحمّل قیود است و می‌تواند مقاومت در برابر جاذبه‌های نفسانی را افزایش دهد و موانع زندگی اخلاقی را کم کند.^۴ آثار سازنده و تربیتی حضور در مسجد، رفته‌رفته به دیگر اعمال و احوال مؤمن نیز سرایت می‌کند. حضرت علی علیه السلام در روایتی فرمودند: خداوند تبارک و تعالی - به حضرت عیسی بن مریم علیه السلام وحی فرمود که به جماعت [و یا اشراف] بنی اسرائیل بگو که جز با قلب‌هایی پاکیزه و چشمان خاشع و دست‌های پاکیزه، به خانه من وارد نشوند».^۵

بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که نقش مسجد، نقشی تکمیلی و ایجاد‌ی در حیطه شکل‌گیری و تقویت رفتارهای مطلوب است و نه فقط این که تثبیت‌کننده رفتارهایی باشد که در مسجد رخ می‌دهند.^۶

۱. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، ح ۳۷۸۸.

۲. طبرسی (رضی‌الدین)، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مترجم سید ابراهیم میرباقری، ج ۲، چاپ دوم، تهران، فراهانی، ۱۳۷۵، ص ۷۱۲.

۳. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۱۸ و ۱۹.

۴. حسینی، سید حمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، ص ۲۰۲.

۵. ابن طاووس، علی بن موسی، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، ج ۱، ص ۸۰.

۶. مؤلف رستمی، محمد علی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص ۱۱۲.

ارتباط بادوست خوب

نقش تربیتی دیگری که مسجد ایفا می‌کند، این است که دلدادگان خود را با انسان‌های صالح و برگزیده پیوند می‌دهد. از نظر علمای تربیتی، دوست خوب در سعادت انسان نقش مهمی دارد؛ مسجد، بستری مناسب است تا میان صالحان و مؤمنان جامعه، آشنایی و پیوند ایجاد شود و شرایط تربیت و پرورش روحی و اخلاقی انسان فراهم آید. کسی که با خوبان معاشرت داشته باشد، حتی اگر به این درجه از تکامل هم نرسیده باشد که به سبب ترس از خداوند به طرف گناه نرود، دست کم به دلیل شرم از برادران دینی خود، راه انحراف را در پیش نمی‌گیرد.^۱

پرورش روحیه جمع‌گرایی

اثر سازنده تربیتی دیگر مسجد، پرورش روح جمع‌گرایی در مسلمانان است. «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی»، بیماری روحی شناخته می‌شود؛ در حالی که «اجتماعی بودن» و «جمع‌گرایی» در حد معقول و مطلوب آن، نشان سلامت روح و روان انسان به شمار می‌آید. بر این اساس، مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به اجتماعات، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند.^۲

پرورش روح تعهد

مسجد، به‌طور معمول جایگاهی برای طرح مشکلات، دغدغه‌ها و نارسایی‌های اجتماعی است. بنابراین، حضور فرد در چنین مکانی تقویت روح تعهد و دردمندی را در وی موجب می‌شود و در مقابل نوعی مبارزه با روح بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی محسوب می‌شود. اگر در میان افراد جامعه‌ای، به‌ویژه نسل جوان، روح بی‌تعهدی حاکم شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر اجتماع وارد خواهد شد.^۳

پرورش روحیه تواضع

تکبر ورزیدن و خود برتر بینی، خصلتی منفی و یک بیماری روحی است. در مقابل، تواضع و فروتنی در برابر هم‌نوعان، خلقی نیکو به شمار می‌آید. مسجد، در پرورش این خصلت نیکو نقش به‌سزایی ایفا می‌کند. انسانی که در فضای مسجد با قشرهای گوناگون جامعه، نشست و برخاست می‌کند و از قرار گرفتن در کنار

۱. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۲۳.

۲. همان.

۳. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۲۴.

افراد متوسط و ضعیف‌تر از خود از جهات گوناگون، خودداری نمی‌کند، از رفتارها و منش‌های متکبران به دور می‌ماند.^۱

گفتار دوم: نقش اجتماعی مسجد

پایه و بنیان دین مبین اسلام، بر اصل اجتماعی بودن، استوار گشته است تا انسان را از زندگی فردی و خزیدن در کُنج عزلت برهاند و او را به سوی زندگی اجتماعی سوق دهد؛ زیرا تنها از طریق اجتماع است که مسلمانان می‌توانند به صورت قدرتی واحد، در مقابل مشکلات و مصائب ایستادگی کنند.^۲

از آغاز اسلام، مسجد مرکز تمام فعالیت‌های اجتماعی بود. موعظه‌های مذهبی و خط‌مشی‌های حکومتی از منبر مساجد اعلام می‌شد و عدالت در چارچوب آن اجرا می‌شد. پناهگاه بی‌پناهان، محل رفع مشکلات مردم و جایگاه مشورت حاکم و مسلمانان بود. همه می‌دانیم که مسجد در تحکیم «وحدت اجتماعی» که عنصر اساسی برای سلامت و بقای هر جامعه‌ای است، نقش بسیار بزرگی ایفا می‌کند. افراد، با سنین مختلف و جنسیت و نژاد و افکار و سلیقه‌های مختلف، همه در یک جا گرد هم می‌آیند؛ همدل و همسو در نماز جماعت با صفوف به هم فشرده و دوش به دوش می‌ایستند. حضوری به این شکل، به طور مسلم، وحدت و همدلی را در جامعه استوار می‌کند.^۳

مسجد، پایگاه ارتباطات و اطلاع‌رسانی

در نظام مقدس اسلام، «مسجد» که بنیانی اعتقادی و عبادی دارد، محل آمد و شد مداوم مسلمانان در اوقات نمازهای روزانه و مناسبت‌های مختلف است. از این جهت، نسبت به سایر معابد ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است و محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد.

مسجد، به عنوان مرکز انتقال پیام، در صدر اسلام که از جهت اطلاع‌رسانی فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت؛ زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی فرصت را مغتنم می‌شمردند و به مناسبت‌های مختلف، راهنمایی‌های لازم را به اطلاع عموم می‌رسانند.^۴ «رسم مسلمانان در زمان پیامبر ﷺ این بود که

۱. همان، ص ۲۵.

۲. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۷۰.

۳. همان، ص ۲۷.

۴. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص ۳۹۹.

هرگاه حادثه‌ای مهم رخ می‌داد، جارچی ندا می‌کرد: «الصَّلَاةُ جَامِعَةٌ»؛ یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان معنایی خاص داشت. آنان از این ندا می‌فهمیدند که امر مهمی مطرح است.^۱ مسجد، تنها یک وسیله ارتباط جمعی تک‌بعدی نیست که به انتقال پیام الهی اکتفا کند؛ بلکه مسجد، هم‌زمان با انتقال پیام خود، مرکز تعیین پیام و نمود و آثار آن است و این ویژگی است که مسجد را از هر پایگاه و جایگاه دیگر متمایز می‌سازد.^۲

به‌علاوه، بیشتر «مساجد جامع» را به نحوی و در نقاطی احداث می‌کردند که در مسیر راه‌ها و معابر شهری قرار بگیرند. بنابراین، مساجد، یکی از مهم‌ترین عرصه‌ها و صحنه‌های انواع ارتباطات اجتماعی و فرهنگی بودند.^۳

مسجد، کانون مشاوره

مشورت و مراجعه به آراء عمومی، نقش به‌سزایی در تکامل جامعه دارد و این تبادل آراء در مسائل اجتماعی، رشد و شکوفایی را به ارمغان می‌آورد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «...وَسَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ؛ و با ایشان در کار مشورت کن و وقتی که تصمیم گرفتی، پس، بر خدا توکل کن که خداوند، دوستدار توکل‌کنندگان است».^۴

پیش از اسلام، عرب‌ها مکان‌هایی را برای رایزنی و مشورت داشتند که به آنها «نادی» می‌گفتند، نادی، از «ندوه» به معنای مشورت است؛ «دارالندوه» در کنار کعبه، یکی از مکان‌هایی بود که قضی‌بن کلاب برای مشورت قریش قرار داده بود. با آمدن اسلام و ساخته شدن مساجد، این کار کرد نیز به دیگر کارکردهای مسجد اضافه شد.^۵

آن دسته از مسائل اجتماعی و سیاسی که لازم بود مسلمانان درباره آن شور و گفت‌وگو کنند، در مسجد مطرح می‌شد و مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفت. در واقع، مسجد، پایگاهی برای مشورت با مردم بود. «از این‌رو، نویسندگانی که مسجد را مجلس شورای مسلمانان نام نهاده‌اند، سخنی گزاف نگفته‌اند».^۶

در متون تاریخی آمده است که پیامبر اسلام ﷺ برای اتخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مساجد، ص ۷۴.

۲. موظف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص ۸۵.

۳. شهرداری تهران. معاونت امور اجتماعی، ماهیت کارکردی و کالبدی مسجد و مشکلات موجود، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص ۳۷۲.

۴. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۵. محزومی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۱۵۸.

۶. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۷۴.

مساجد اطراف مدینه به نام مسجد «عرق الظبیه»، با اصحاب به مشورت پرداختند. همچنین، آن حضرت برای رفتن به جنگ احد در «مسجد مدینه» با مسلمانان به تبادل نظر همت گماشتند.^۱

مسجد، بستروحدت اجتماعی

یکی از نیازهای اساسی جامعه اسلامی، وحدت و همبستگی مسلمانان بر محور فرامین الهی است. قرآن در مورد وحدت اجتماعی می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...؛ و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت خدا بر شما را یادآورید».^۲

همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید: «وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ؛ و (فرمان) خدا و پیامبرش را اطاعت نمایید و نزاع (و کشمکش) نکنید تا سست نشوید و قدرت (و شوکت) شما از میان نرود و صبر و استقامت پیشه کنید که خداوند با استقامت‌کنندگان است».^۳

جامعه‌ای که دچار تفرقه و پراکندگی شود، بخش مهمی از توان خود را در کشمکش‌های داخلی از دست خواهد داد و بدین صورت، نه تنها در رویارویی با دشمنان خارجی دچار ضعف خواهد شد، بلکه توان حل مشکلات درونی خود را نیز نخواهد داشت و از هر سو با شکست مواجه خواهد شد. از این رو، در مکتب حیات‌بخش اسلام بر عنصر وحدت در جامعه اسلامی، تأکید فراوان شده است.^۴

دین مقدس اسلام، برای دستیابی به این امر حیاتی (وحدت اجتماعی مسلمانان)، تمامی امتیازهای پوچ و بیهوده را نفی کرده و «تقوا» را به عنوان اصل کرامت و ارزش انسان معرفی نموده است.

با این حال، «وحدت» از یک سو، نیاز به اسباب و عواملی دارد که استحکام و پایداری آن را موجب می‌شوند و از سوی دیگر، نیازمند آن است که در مکانی تجلی نماید و مسجد، در جامعه اسلامی در این زمینه نقش اساسی ایفا می‌کند. در واقع، مسجد، کانونی است که شبانه‌روز، مؤمنان از اقشار مختلف با مناصب و موقعیت‌های اجتماعی گوناگون، پیر و جوان، سفید و سیاه، ثروتمند و فقیر و... در آن حضور می‌یابند؛ همگان دوش به دوش هم و در صف‌هایی به هم پیوسته و رو به یک سو، نماز می‌خوانند. بدین صورت، روح همدلی و همراهی در آنها تقویت می‌شود و دل‌های مسلمانان سست ایمان را نیرو می‌بخشد. حتی اختلاف‌های مذهبی، نه تنها مانع حضور اهل مذاهب گوناگون در مساجد یکدیگر نیست؛ بلکه مسجد، به منزله عاملی

۱. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۱۷۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. انفال، آیه ۷۴.

۴. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۴۷۲.

مؤثر، با این گونه اختلاف‌ها مبارزه می‌کند و مسلمانان را به یکدیگر نزدیک می‌نماید.^۱ البته، خداوند متعال با نزول آیه ۱۰۸ سوره توبه، پیامبر خویش را از نماز گزاردن و حتی حضور در مسجدی که وحدت جامعه اسلامی را دچار آسیب کند، نهی می‌نماید.^۲

اثر باشکوه دیگری که همبستگی مسلمانان در مسجد به همراه خواهد داشت، ناامیدی دشمنان اسلام از تفرقه و پراکندگی مسلمانان است.^۳

علاوه بر اینکه خود مسجد، پایگاه وحدت مسلمانان است، شواهد نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقررات نماز جماعت، مانند تأکید بر منظم بودن صف‌های نماز و خارج نشدن از مسجد به هنگام اذان و شرکت کردن در نماز جماعت و... به منظور وحدت و هماهنگی بیشتر مسلمانان وضع شده است.

نظم نماز جماعت، نماد وحدت

تأکید بر منظم بودن صفوف و فشرده ایستادن مؤمنان به هنگام نماز جماعت، علاوه بر رعایت نظم و انضباط در پیشگاه خداوند و ایجاد وحدت و همدلی مؤمنان نماز گزار، نمایشی از نظم و یکپارچگی آنان در مقابل دشمنان است. در سخنان معصومان (علیهم‌السلام) نیز شواهد قابل توجهی بر این مطلب وجود دارد.^۴

در روایتی از امام صادق (علیه‌السلام) نقل می‌کنند: «رسول خدا ﷺ هنگام نماز به جمعیت خطاب کرده، فرمودند: ای مردم، صف‌ها را منظم و مساوی کنید و دوش به دوش بایستید تا فاصله و جدایی میان شما نیفتد و نامرتب نباشید که خداوند دل‌های شما را از یکدیگر دور گرداند و بدانید که من از پشت سر شما را می‌بینم (متوجه نظم و عدم آن نسبت به صف‌های جماعت شما هستم)».^۵

مسجد و مبارزه با تفرقه و پراکندگی

خروج از صف نماز جماعت در مسجد، نشانه عدم همبستگی و اتحاد مسلمانان است؛ در صورتی که مسجد، جایگاه تجلی وحدت مسلمانان است. بنابراین، کسی که چنین رفتاری را انجام می‌دهد، در واقع به نقش وحدت‌آفرین مسجد آسیب رسانده است و خواسته و ناخواسته، نفاق ایجاد کرده است و کسانی را که

۱. برفی، محمد، نقش مسجد در وحدت اجتماعی مسلمانان، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص ۸۵.

۲. رحیم، نوبهار، مسجد نمونه، ص ۵۵.

۳. رحیم، نوبهار، مسجد نمونه، ص ۲۴۷.

۴. همان، ص ۲۵۰.

۵. شیخ صدوق، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، ص ۵۲۰.

پراکندگی صف‌های به‌هم پیوسته مسلمانان را انتظار می‌کشند، امیدوار نموده است.^۱

پیامبر ﷺ در این مورد می‌فرماید: «مَنْ سَمِعَ الدَّاءَ فِي الْمَسْجِدِ فَخَرَجَ مِنْهُ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ إِلَّا أَنْ يُرِيدَ الرُّجُوعَ إِلَيْهِ؛ کسی که در مسجد، صدای اعلام نماز را بشنود، آنگاه بدون عذر، مسجد را ترک نماید، منافق است؛ مگر این که دوباره قصد بازگشت به مسجد را داشته باشد».^۲

مسجد و امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر، یکی از برترین واجبات دینی در جامعه اسلامی است که ثمرات فراوانی برای پیروان این دین مقدّس به دنبال دارد و در اصلاح روابط اجتماعی، نقش کلیدی ایفا می‌نماید و جامعه‌ای سالم و مدینه‌ای فاضله ایجاد می‌کند. هدف قرآن کریم آن است که با نصیحت و امر به معروف و نهی از منکر، غبارهای نشست‌ه بر چهره جهانیان را بزداید و از این راه، دل‌های غافل را بیدار نماید و بستر رشد و تعالی بشریت را فراهم سازد.^۳

در این خصوص، مسجد جایگاه گردهمایی دینداران دلسوز، میدان حضور مؤمنان و نمایشگاه ایمان، وحدت و همبستگی آنهاست. بیمار دلانی که میل به انجام گناه دارند، با دیدن نمایش ایمان مؤمنان، از گناه و سرکشی بازمی‌ایستند؛ همین تأثیر در مورد آنهایی که به دلیل سستی ایمان، متزلزل و مرددند، مطرح است. این گونه افراد از مسجد، روحیه ثبات و استواری می‌گیرند. بدین ترتیب، حضور مسلمانان در مسجد، خودبه‌خود، سبب جلوگیری بسیاری از گناهان می‌شود.^۴

گفتار سوّم: نقش خدماتی مسجد

بیان همه فعالیت‌های خدماتی مسجد در صدر اسلام که با فرهنگ اسلامی ما سنخیت دارند، در این مقاله نمی‌گنجد؛ به همین دلیل، به صورت خلاصه برخی از آنها را بیان خواهیم کرد:

مسجد، جایگاه قضاوت

خداوند به پیامبر اسلام ﷺ دستور می‌دهد که قضاوت و عدالت را برپا کند؛ زیرا اسلام، دین عدل‌گستر جهانی است و همواره پیامبران را به این دستور مهم، امر فرموده است. در نتیجه، آنان ناگزیر به داشتن

۱. نوبهار، مسجد نمونه، ص ۲۵۳.

۲. شیخ صدوق، أمالی الصدوق، ص ۵۰۱.

۳. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۲۰۱.

۴. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۴۴ و ۲۴۵.

محکمه‌ای برای اجرای امر الهی بودند و «مسجد» نخستین محکمه‌ای بود که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در آن به قضاوت می‌نشستند. بدین ترتیب، نخستین قاضی در اسلام، وجود مبارک حضرت محمد صلی الله علیه و آله بودند. یکی از دلایلی که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله مسجد را جایگاه قضاوت قرار دادند، این بود که همه افراد از قوی و ضعیف، توانگر و بینوا و کوچک و بزرگ، شاهد اقامه عدل و اجرای احکام الهی باشند و به آن روی آورند که این موضوع، تهذیب نفوس را موجب خواهد شد.^۱ از سوی دیگر، چون در سرزمین‌های اسلامی، آیین دادرسی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی بود، تشکیلات خاص و مکان متمایز به جز مسجد برای قضاوت وجود نداشت. این روند در زمان خلفای راشدین هم ادامه داشت. «همچنین، در مسجد کوفه جایی به نام «دکّة القضاء» وجود داشت که حضرت علی رضی الله عنه در آنجا به قضاوت می‌پرداختند».^۲ قرار دادن مسجد به عنوان محل قضاوت تا مدت‌ها ادامه داشت و بیشتر قاضیان در مسجد به داوری می‌پرداختند تا این که «ملک عادل نورالدین زنکی» محلی را در دمشق به قضاوت اختصاص داد و نام آن را «دارالعدل» نهاد. پس از این، ایوبیان در مصر این کار را تعقیب کردند و مکان‌هایی را به امر قضاوت اختصاص دادند.^۳

مسجد، پناهگاه مستمندان

در دین اسلام، به انفاق و کمک به مستمندان سفارش زیادی شده است تا آنجا که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْ أُمَّتِي وَ... لَمْ يَهْتَمْ بِأُمُورِ الْمُؤْمِنِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ؛ اگر کسی شب را به صبح برساند و در فکر گره‌گشایی و کمک به هم‌نوعان خود نباشد، مسلمان نیست».^۴ مسجد، در طول تاریخ، پایگاه مددکاری اجتماعی بوده است و مستمندان و در راه ماندگانی که راه به جایی نداشتند، به مسجد مراجعه می‌کردند و از مردم کمک طلب می‌کردند. بدین ترتیب، مسلمانان در امور خیریه نیز وارد می‌شدند».^۵

«از همان آغاز اسلام، مسلمانانی که به مدینه می‌آمدند و مکانی برای زندگی نداشتند، در مسجد می‌ماندند. از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله هنگام ساختن مسجد، مکانی را به غریبان اختصاص داده بود که «صفه» نامیده می‌شد».^۶ اصحاب صفه، گروهی از مستمندان مسلمان بودند که قریب به چهار صد تن از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله را تشکیل می‌دادند و به دستور آن حضرت در بخشی از مسجد که مسقف بود، سکونت داشتند و

۱. عبدالوهاب حموده، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه مهدی اسفندیاری، ص ۱۱۵.

۲. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص ۴۵۸.

۳. محزومی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۱۵۷.

۴. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۴۷۱، ح ۱۸۱.

۵. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۶. محزومی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۱۵۱.

ضمن اقامت در آنجا، قرآن می‌آموختند، روزه می‌گرفتند و به جنگ می‌رفتند.^۱ همچنین، در سیره حضرت رسول ﷺ آمده است که مؤمنان به شیوه‌های گوناگون برای برآوردن نیازهای فردی و گروهی خود، همچون به دست آوردن کسب و کار یا ازدواج و غیره به آن حضرت روی می‌آوردند و آن حضرت با بذل مساعدت‌های لازم، نیاز آنان را تا حد امکان برطرف می‌کردند؛ بنابراین، می‌توان گفت که مسجد محل ارتباط مستقیم رهبر و مردم (پیروان) بود.

بدین ترتیب، مسجد، همواره جایگاه غریبان و بی‌پناهان و دورافتادگان از وطن بوده است. برای هر کسی در دیار غربت، مسجد، مکان و مأمنی آشناست و خود را در مسجد سربار و مزاحم فردی نمی‌داند.

کارکرد خدماتی - درمانی مسجد

خدمات پزشکی و درمانی مجروحان جنگی در مسجد صورت می‌گرفت؛ به عنوان مثال، مجروحان جنگ احد در مسجد معالجه شدند. واقدی می‌نویسد: «در ماجرای جنگ احد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند. به دنبال زخمی شدن سعد بن معاذ، پیامبر ﷺ ایشان را در خیمه «کعبیه»، دختر سعد بن عتبّه در مسجد النبی جای داد. این زن، زخمی‌ها را معالجه می‌کرد و از اشیاء گمشده و پراکنده، نگهداری می‌کرد». همچنین، در جنگ خندق به دستور پیامبر ﷺ خیمه‌ای در مسجد برپا شد و مردم برای عیادت «سعد بن عباد» که در این جنگ مجروح شد و در آنجا بستری بود، به مسجد می‌آمدند. «احمد عیسی» در کتابی که در باب بیمارستان‌ها نوشت، معتقد است که: «نخستین بیمارستان در اسلام، همان خیمه‌ای بوده است که پیامبر ﷺ هنگام جنگ خندق برای درمان زخمیان در مسجد برپا کرد و زنی به نام «رفیده» را برای رسیدگی به حال مجروحان برگماشت».^۲

در واقع، پیامبر اکرم ﷺ با احساس این نکته ظریف که مجروحان جهت شفایابی و درمان فوری، علاوه بر مداوای متداول، به نوعی آرامش روحی و روانی و عناصر معنوی نیازمند هستند، «مسجد» را به عنوان بهترین درمانگاه و استراحتگاه مجروحان «سربازان اسلام» تعیین و تجهیز نمودند.^۳

مسجد محلّ گفتمان پیامبر اسلام ﷺ با نمایندگان و هیئت‌های ادیان پیامبر اسلام ﷺ در مسجد از هیئت‌های خارجی استقبال می‌کرد و دستور می‌داد در مسجد برای آنان

۱. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ص ۱۰۴.

۲. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه اهل مساجد، ص ۴۷.

۳. رضایی علی، جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، ص ۸۷ و ۸۸.

۴. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۱۱۹.

خیمه‌ای برپا کنند و از میهمانان پذیرایی کنند؛ البته انصار نیز خانه‌هایی را در اختیار پیامبر اسلام ﷺ گذاشته بودند که مهمان‌های خود را در آنها جای دهند. ابن اسحاق نقل می‌کند: «پس از این که رسول خدا ﷺ از تبوک برگشت، ماه رمضان بود، هئیت ثقیف، خدمت آن حضرت رسیدند و پیامبر ﷺ برای آنها در گوشه مسجد خیمه‌ای برپا کرد و آنها در آن استراحت و اقامت می‌نمودند و بلال از خانه پیامبر ﷺ برای آنان غذا می‌برد و رسول خدا هر شب بعد از شام، نزد آنان می‌رفت و با ایشان حرف می‌زد»^۱.

علاوه بر مواردی که پیامبر اکرم ﷺ افرادی را که تازه مسلمان می‌شدند به صورت فردی در مسجد آموزش می‌داد، گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی زیادی نیز میان آن حضرت با هئیت‌های اعزامی که از سوی قبایل گوناگون به مدینه می‌آمدند، صورت می‌گرفت. محل این گفت‌وگوها، جایی جز مسجد نبود.

پیامبر اکرم ﷺ در کنار یکی از ستون‌های مسجد که تا به امروز نیز به نام «اسطوانة الوفود» (ستون هئیت‌ها) شناخته می‌شود، هئیت‌ها را به حضور می‌پذیرفتند و با آنان به مذاکرات دینی و اجتماعی می‌پرداختند. البته، این مذاکرات از جنبه‌های سیاسی نیز برخوردار بود؛ ولی از آنجا که این هئیت‌ها به طور معمول به منظور گرویدن به اسلام به مدینه می‌آمدند؛ بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی، بخش‌های مهمی از این مذاکرات را به خود اختصاص می‌داد. پیامبر اسلام ﷺ محیط مسجد را به طور کامل، یک محیط فرهنگی می‌دانستند. بر همین اساس، در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان، مسابقه شعر و سخنرانی در مسجد برگزار می‌شد. حضرت رسول ﷺ ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل با چنین مسائلی برخورد می‌کردند.

از جمله فعالیت‌های علمی و فرهنگی در زمان حضرت رسول ﷺ گفت‌وگوهای زیر بوده است:

- گفت‌وگوهای ادبی با هئیت نمایندگی «بنی تمیم»؛
- گفت‌وگوی فرهنگی با هئیت نمایندگی «ثقیف»؛
- گفت‌وگوی عقیدتی با هئیت نمایندگی «نجران»^۲.

از آنچه بیان شد به خوبی روشن است که برگزاری جلسات مباحث گوناگون و آموزش آنها در مسجد، در زمان پیامبر ﷺ گرمی و رونق ویژه‌ای داشته است.

۱. محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، ص ۱۵۷، به نقل از: الکتانی، در نظام الحكومة النبویة. نیز رک: رضایی محمد، مسجد و گفت‌وگوی پیامبر با نمایندگان ادیان، فروغ مسجد.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۱۱۵ و ۱۱۷.

گفتار چهارم: نقش علمی - آموزشی مسجد

قرآن می‌فرماید: «...قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ...؛ بگو ای رسول، آیا آنان که اهل دانش هستند با مردم نادان یکسان هستند؟»^۱

این آیه شعار بلند دین اسلام، در اصالت بخشیدن به علم و ارزش گذاری صریح برای دانایی است. همین یک شعار حماسی، کافی است تا امتی را به حرکت در آورد و آنان را در مسیر علم‌آموزی تا مرحله جانبازی پیش ببرد.

در نظام تربیتی اسلام، کسب آگاهی و شناخت بر هر فرد به عنوان مقدمه ایمان شخصی و اجتماعی به اندازه عقل او واجب است. بر همین اساس، تحصیل علم در میان مسلمان، وجوب عینی پیدا کرد و این موضوع، غیر از رشته‌های تخصصی بود که گاهی وجوب کفایی و گاهی وجوب عینی داشت.

علاوه بر آیات قرآن کریم، سیره پیامبر ﷺ عامل مهم دیگری در رویکرد علمی و آموزش جامعه اسلامی محسوب می‌شد. پیامبر اسلام ﷺ رسالت خود را با خواندن و قلم آغاز کرده بود؛ آن هم در محیطی که سابقه‌ای از علم و دانش به معنای رایج آن روز جهان در آنجا وجود نداشت.^۲

رسالت علمی مسجد

پس از هجرت پیامبر اسلام ﷺ به مدینه و بنا نمودن مسجد النبی، فصلی نوین در آموزش و فعالیت‌های فرهنگی مسلمانان آغاز شد. «مسجد مدینه»، از یک سو، به صورت یک مرکز آموزشی - فرهنگی و پایگاهی برای مبارزه با جهل و از سویی دیگر به مکانی برای اشاعه فرهنگ و ادب و دیگر معارف اسلامی تبدیل شد. «حلقه‌های علمی» با جنب و جوش خاصی در مسجد بزرگ مدینه به صورت رسمی تشکیل می‌شد. پیامبر اسلام ﷺ اصحاب را در قول و عمل، به پیوستن و شرکت فعال در این حلقه‌ها تشویق می‌کردند و می‌فرمودند: «به سوی باغ‌های بهشت بشتابید». پرسیدند ای پیامبر خدا! منظور شما از این سخن چیست؟ فرمودند: «حلقه‌های ذکر».^۳

فعالیت‌های آموزشی در زمان رسول اکرم ﷺ منحصر به مسجد النبی نبود؛ بلکه جلسات بحث و بررسی مسائل علمی در مساجد دیگری نیز انجام می‌شد که البته مسلمانان در سطحی محدودتر به کار آموزش و تلاش‌های علمی مشغول بودند.

۱. زمر، آیه ۹.

۲. برومند علم عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی، ص ۷۴ و ۷۵.

۳. رک به: نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۹۳.

بدین ترتیب، مسجد به عنوان نخستین پایگاه علمی، رسالت خود را در جامعه نوساخته اسلامی برای ترویج و اشاعه دانش و گسترش فرهنگ اسلامی آغاز کرد و همچنان مسیر رشد و ترقی علمی را پیمود؛ به طوری که در عصر خلفا نیز مساجد نزد عموم به عنوان کانون اصلی آموزش قرآن کریم، مسائل دینی، احکام و فقه اسلامی بود. این آموزش‌ها، نه فقط در مرکز حکومت (شهر مدینه)، بلکه در شهرهای دیگر، مانند مکه و سایر نقاط شبه جزیره و در تمام سرزمین‌های پیوسته به حوزه قلمرو اسلامی انجام می‌گرفت. در عصر خلافت امام علی (علیه السلام) با انتقال مرکز خلافت از مدینه به کوفه، مسجد جامع بزرگ این شهر به عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز علمی آن روزگار، نقش خاصی را در شکوفایی نهضت علمی و ارتقاء فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا می‌نمود.

امامان بزرگوار شیعه و بزرگان تابعین، اصحاب پیامبر و نیز شاگردان و تربیت‌یافتگان مکتب اهل بیت، رسالت تعلیم و تربیت و حل و فصل مسائل مهم علمی و دین را در مساجد بزرگ بلاد اسلامی عهده‌دار بودند. به خصوص، در عصر امام باقر (علیه السلام) و امام صادق (علیه السلام) که نهضت و حرکت فرهنگی بزرگی توسط این دو رهبران معصوم (علیهم السلام) آغاز شده بود، مساجد به رشد و شکوفایی قابل توجهی دست یافت. حتی برخی از آنها به دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در زمینه‌های علوم مختلف، نظیر فقه، حدیث، تفسیر و دیگر علوم اسلامی تبدیل شدند و پیدایش نهضت‌های علمی و عقلانی در تاریخ اسلام را موجب گردیدند.^۱

جلسات علمی در مسجد پیامبر اسلام ﷺ

با دقت در سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌بینیم که ایشان به ابعاد آموزشی مسجد اهتمام ویژه‌ای داشتند. علامه مجلسی در کتاب «بحار الانوار» این روایت را بیان کرده است: «وَحَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فَاذًا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ مَجْلِسٍ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٍ يَدْعُونَ اللَّهَ وَ يَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَى خَيْرٍ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يُفَقِّهُونَ الْجَاهِلِ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ؛ رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) به مسجد وارد شدند؛ در مسجد دو جلسه جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فرا گرفتن دانش بودند. جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: هر دو گروه به سوی یک هدف گام برمی‌دارند؛ دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه، کار برتری انجام می‌دهند. من نیز به منظور آموزش به مردم مبعوث شده‌ام؛ از این رو، پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله و سلم) در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشستند».^۲

۱. فراهتی عباسعلی، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه دانشگاه، ص ۷۷.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۷، حدیث ۳، باب ۴.

حضرت رسول اکرم ﷺ ضمن تشویق عملی برای برگزاری جلسات درس و آموزش در مسجد، در حدیثی فرمودند: «مَنْ عَدَا إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يَرِيْدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ كَانَ لَهُ أَجْرٌ مُغْتَمِرٌ تَامَ الْعُمْرَةَ وَمَنْ رَاحَ إِلَى الْمَسْجِدِ لَا يَرِيْدُ إِلَّا لِيَتَعَلَّمَ خَيْرًا أَوْ لِيُعَلِّمَهُ فَلَهُ أَجْرٌ حَاجٍ تَامَ الْحِجَّةِ؛ پاداش کسی که صبحگاهان به قصد یاد دادن یا فراگرفتن چیز مطلوبی به مسجد می‌آید، همچون پاداش شخصی است که یک عمره کامل را انجام داده باشد و پاداش کسی که شبانگاهان به قصد یاد گرفتن و یاد دادن کار خیری به مسجد می‌آید، مانند پاداش فردی است که یک حج کامل به جای آورده باشد»^۱. از این حدیث روشن می‌شود که لازم نیست گفت‌وگوی علمی که در مسجد انجام می‌گیرد، به طور حتم، دانش‌های دینی باشد؛ هر دانش سودمندی را می‌توان در مسجد مورد بحث و بررسی قرار داد.^۲

نظام آموزشی در مساجد

نظام آموزشی که در مساجد اعمال می‌شود، از نوع ساده آن بود. در این قسمت به موارد این نظام آموزشی اشاره می‌شود:

الف) آداب آموزش

اساس آموزش مسجد را حلقه‌های درسی تشکیل می‌داد که در اسلام آنها را «حلقه العلم» یا دایره آموزشی می‌نامیدند. کلمه «حلقه» به مفهوم یک شیء گروی و گرد است. به این ترتیب، شیوه نشستن دانش‌آموزان در مسجد به شکل «حلقه»، اقتباس از جلسات حکومتی بود که به طور معمول به شکل حلقه‌وار دور میز می‌نشستند؛ در این جلسات معلم بر روی یک پایه، بالش یا صندلی می‌نشست و بر دیوار یا ستونی تکیه می‌داد. از طرف دیگر، دانش‌آموزان در ردیف‌هایی به شکل نیم‌دایره در جلوی استاد قرار می‌گرفتند. از دیگر آداب آموزش آن بود که هیچ نوع شرطی برای پیوستن دانش‌آموزان به حلقه‌ها وجود نداشت. هر فرد تشویق می‌شد تا به حلقه مورد انتخاب خود بپیوندد؛ اما در بعضی از مساجد، جلب رضایت استاد برای پیوستن به جلسه وی لازم بود. در بیشتر این دوایر، ترتیب نشستن دانش‌آموزان، به ترتیب مقام علمی آنان بود و دانش‌آموزان هر چه پیشرفته بودند، به همان اندازه، نزدیک‌تر به استاد می‌نشستند.

ب) زمان آموزش

مجالس درس، بعد از نماز صبح آغاز می‌شد و تا نماز ظهر ادامه می‌یافت. اگر معلم، متصدی مجلس درس

۱. همان، ص ۱۸۵، ح ۱۰۵.

۲. جعفری عالی، مساجد در سیره پیامبر اعظم ﷺ، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، ص ۱۰۷ و ۱۰۸.

بود، قبل از نماز صبح و بعد از ظهر نیز جلسات درس تشکیل می‌شد. طول مدّت یک دوره، از یک تا دو سال طول می‌کشید و همیشه در مواقع نماز تعطیل می‌شد و هیچ قانون مشخصی برای زنگ تفریح وجود نداشت. جلسات درس در روزهای تعطیل مذهبی تشکیل نمی‌شد.

ج) شیوه آموزش

تدریس در حلقه، با مراسم ساده و نیز با نشان دادن تقوا و فضیلت کامل آغاز می‌شد. معلّم، همیشه کار خود را با تمجید و تکریم خدا و با درخواست یاری و هدایت مردم آغاز می‌کرد و سپس به درس خود می‌پرداخت. به علت نبودن کتاب، با توجّه به اهمّیت متن تدریس شده، معلّم مجبور بود همه متن یا قسمتی از آن را برای دانش آموزان املاء کند. علاوه بر املاء، معلّم توصیه می‌کرد که دانش آموزان تمام یا قسمتی از مطالب بیان شده را حفظ کنند. در واقع، یکی از اصولی که برای قبولی و تأیید دانش آموزان ضروری بود؛ اصل حفظ کردن مطالب و بیان نمودن آنها بدون مراجعه به متن بود و کیفیت و طرز بیان نیز بر قبولی تأثیر داشت.^۱

د) موضوعات درسی

لازم به ذکر است که در این کلاس‌ها، مسائل گوناگونی به مسلمانان آموزش داده می‌شد. مباحث اعتقادی و آموزش مبانی ایمان به خداوند، در شمار اولین مسائلی بود که به مسلمانان و به ویژه آنان که تازه به دین مبین اسلام گرویده بودند، آموزش داده می‌شد. ابوذر می‌گوید: رسول خدا ﷺ ایمان را قبل از آموزش قرآن به ما می‌آموخت. حضرت رسول ﷺ در کنار آموزش مباحث دینی، مسلمانان را با مسائل تاریخی نیز آشنا می‌کردند. راوی می‌گوید: پیامبر ﷺ گاهی شب‌ها تا دیر وقت پیرامون تاریخ بنی اسرائیل برای ما سخن می‌گفت.^۲

همچنین مسجد، محلی بود که مطالب علمی و مسائل اجتماعی نیز در آن تدریس می‌شد و موضوعاتی، مانند تاریخ، جغرافی، اقتصاد و حتّی علوم سیاسی در آنجا بحث می‌شد. علم فلسفه، موضوعی بود که بیشتر مورد توجّه و انتخاب بسیاری از دانش آموزان بود. در بین موضوعات مهمّ درسی، می‌توان منطق، اخلاق، منطق مناظره و تصوّف را نام برد. جلسات درس‌هایی، مانند شیمی، فیزیک، ریاضیات، جبر و هندسه نیز دایر بود. اگرچه علوم علمی و تجربی یا در دانشکده‌های مخصوص یا در منازل معلّمان به صورت خصوصی

۱. نظام آموزشی مسجد، نشریه ایران، ش ۳۱، ص ۱.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۱۰۵.

تدریس می‌شد؛ ولی مدارک تاریخی در دست است که آموزش این گونه موضوعات علمی در بعضی از مساجد بزرگ نیز دایر بود. جلسات علم طب در جامع الازهر و در جامع ابن طولون مصر دایر بود.

ه) اساتید

استاد و مدرس کلاس‌هایی که در مسجد تشکیل می‌شد؛ تنها حضرت رسول ﷺ نبود؛ حضرت علی (علیه السلام) نیز گاهی به فرمان پیامبر خدا ﷺ بر منبر آن حضرت و در حالی که یک پله پایین تر از جای پیامبر اسلام ﷺ می‌نشست، برای مردم سخن می‌گفت. گروه‌های مختلف با اساتید معین در گوشه و کنار مسجد، کلاس‌های آموزشی برگزار می‌کردند و علوم و فنون مختلف آموزش داده می‌شد. انس می‌گوید: اصحاب پیامبر ﷺ پس از نماز صبح به گروه‌های مختلف تقسیم می‌شدند؛ برخی به تلاوت قرآن می‌پرداختند و گروهی واجبات و مستحبات را فرا می‌گرفتند. به عنوان مثال، عبدالله بن رواحه در مسجد جلسات مربوط به توحید و معاد (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد. او در غیاب حضرت رسول ﷺ نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد.^۱

مسجد و جلسات پرسش و پاسخ

با مطالعه در سیره و زندگی نورانی پیامبر اسلام ﷺ در می‌یابیم همواره جلساتی که در آن مسلمانان بتوانند پرسش‌های علمی خود را با پیامبر خدا ﷺ در میان بگذارند، در مسجد (پس از به جای آوردن نماز صبح تا طلوع آفتاب) تشکیل می‌یافت. گرچه از برخی روایات چنین بر می‌آید که آن حضرت در این اوقات به ذکر و دعا می‌پرداختند؛ ولی شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد بخشی از این فاصله زمانی، به برگزاری جلسه‌های پرسش و پاسخ اختصاص می‌یافته است. پیامبر اکرم ﷺ با کسانی که به منظور پرسش و یاد گرفتن دانشی به حضورشان می‌آمدند با گشاده‌روی کامل برخورد می‌کردند و همراه با بیان پاداش و فضیلت دانش‌آموختگان، آنان را تشویق می‌نمودند. آموزش به اشخاص تازه مسلمان شده، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های کار فرهنگی، آموزشی پیامبر اکرم ﷺ در مسجد بود. افراد تازه مسلمان یا آنان که قصد گرویدن به اسلام را داشتند به آموزش‌های ویژه‌ای نیازمند بودند. آنها به‌طور معمول با حضور در مسجد حضرت رسول ﷺ آموزش‌های لازم را فرا می‌گرفتند و در مسجد به طرح پرسش‌ها و شبهه‌هایی که در ذهن داشتند، می‌پرداختند. گاهی هم درباره رمز و راز احکام و عبادت‌ها از حضرت رسول ﷺ سؤال می‌کردند و آن حضرت

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۱۰۵ و ۱۰۷.

با صبر و بردباری به پرسش‌های آنان پاسخ می‌گفتند.^۱

کتابخانه‌های مساجد

اولین آیه‌ای که از سوی خدا به پیامبر ﷺ نازل شد، او و پیروانش را به خواندن دستور می‌دهد. آنجا که می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ * اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ بخوان به نام پروردگارت که (جهان را) آفرید؛ انسان را از خون بسته‌ای خلق کرد. بخوان که پروردگارت (از همه) والاترست؛ همان کسی که به وسیله قلم تعلیم داد؛ به انسان آنچه را که نمی‌دانست، آموخت».^۲

برای جامعه‌ای که بیشتر افراد آن بی‌سواد و دارای سنت شفاهی قدرتمند بودند، این پیام جدید در حقیقت تحول‌انگیز بود. اسلام، تنها دینی است که با کتاب و حیانی توأم بوده است. پیروی از این کتاب الهی، عین دیانت و انکار آن، عین گمراهی است. خصوصیت چنین دینی، اقتضا می‌کرد که پیروانش همواره با کتاب قرین باشند و نسبت به حفظ و نشر آن همت گمارند. بدین صورت، بارش تدریجی اسلام، طبیعی بود که بیشتر مسلمانان، ثروتمند و فقیر، جوان و پیر، احترام زیادی برای دانشمندان و بیش از آن برای کتاب قائل شوند.^۳

مساجد، مانند اولین کلیساها و صومعه‌های مسیحیان، از اولین مکان‌هایی بودند که در جامعه اسلامی، کتاب به آنها راه یافت؛ روشن است که کتابخانه‌های مساجد از زمانی پدید آمدند که مسلمانان، مسجد را مرکز تعلیم ساختند؛ زیرا تعلیم بدون کتاب امکان‌پذیر نیست.^۴ کتابخانه‌های مساجد، نه تنها مخزن کتاب یا قرائت‌خانه بودند، بلکه به مفهوم واقعی کلمه، کتابخانه‌های بسیار فعالی بودند. این کتابخانه‌ها از آنچه که نویسندگان مسلمان یا غیرمسلمان تاکنون در نوشته‌های خود ذکر کرده‌اند، حیات متنوع‌تر و پویاتری داشتند.^۵

با وجود این، عدم دسترسی مسلمانان به کاغذ و محدود بودن مواد نوشتن در صدر اسلام، امکان تهیه نسخه‌های دست‌نویس قرآن را برای عموم بسیار مشکل می‌ساخت. بنابراین، به دلیل ضرورت تعلیم و تعلم

۱. همان، ص ۱۰۸ و ۱۰۹.

۲. علق، آیات ۱ تا ۴.

۳. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ص ۱۴ و ۱۵.

۴. همان، ص ۱۷.

۵. همان، ص ۱۸.

قرآن در بین مسلمانان و لزوم حفاظت از قرآن‌های دست‌نویس و فراهم آوردن امکان استفاده عمومی از آن، مسجد در قالب آموزشگاه اسلامی، بهترین مکانی بود که قرآن‌ها را در آن نگهداری می‌کردند. محل قرار گرفتن قرآن‌ها را «خزانة المصاحف» می‌نامیدند. به دنبال گسترش تدریجی علوم قرآنی، کتاب‌های دیگری هم در کنار قرآن به مخازن کتاب‌های مساجد راه یافتند تا تشنگان علم از آنها بهره‌برداری نمایند. مسلمانان برای نگهداری قرآن‌ها و دیگر کتاب‌های علمی و مذهبی خود، از سنت هبه (هدیه) و نیز وقف این کتب به کتابخانه‌های مساجد استفاده می‌کردند و این سنت در بین مسلمانان جایگاهی بس نیکو پیدا کرده بود.

گفتار پنجم: نقش تبلیغی مسجد

هدف از تبلیغ، افزایش معرفت دینی مردم و احیای آنان برای ادای وظایف دینی و اسلامی است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...؛ ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شده است به خلق برسان که اگر نرسانی، تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای...»^۶

قرآن کریم، این کتاب آسمانی، همه پیامبران الهی را دارای شأن تبلیغی دانسته، در نتیجه، همه ادیان الهی را تبلیغی می‌داند. از نظر قرآن، همه پیامبران حامل پیام‌هایی از جانب خداوند هستند و وظیفه دارند آنها را به مردم ابلاغ کنند. در واقع، پیامبر خدا، پیام خدا را به خلق خدا ابلاغ می‌کند و نیروهای درونی آنها را بیدار می‌کند و سامان می‌بخشد و به سوی خداوند و آنچه رضای اوست، دعوت می‌کند.

باید توجه داشت که تبلیغ، یک اصل جاودانه و همیشگی دین مبین اسلام است. تا آن زمانی که حکمی از احکام اسلام از دید برخی از مردم پنهان مانده باشد و کسانی باشند به این دین نگرویده باشند و زمینه گمراهی از دین هنوز وجود داشته باشد، تبلیغ هم وجود خواهد داشت و باید وجود داشته باشد تا حیات اسلام جاودانه بماند.^۷ با این مقدمه، به نقش تبلیغی مسجد در دین مبین اسلام می‌پردازیم:

تبلیغ در مسجد

از آنجایی که مسلمانان هر روز برای انجام فرایض دینی به مسجد رفت و آمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز در این اجتماع، طی صحبت با یکدیگر، از اخبار جامعه مطلع می‌شوند.

همچنین، وجود «منبر» در مسجد نقش مهمی را در نشر افکار و عقاید ایفا می‌کند و سخنرانان از آن برای انتقال مسائل مهم جامعه به مردم استفاده می‌کنند، از این رو، منبر را به عنوان یک رسانه تبلیغی عمومی در

۶. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۱۷۳ و ۱۷۴.

۷. مائده، آیه ۷۷.

۸. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۳۲.

اسلام نام می‌برند.^۱

حضرت رسول ﷺ از هر فرصتی برای روشنگری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که مسجد در دوران ۲۳ سال رسالت، مهم‌ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر اسلام ﷺ بوده است؛ اگرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران ایفا کرده است، همواره یکسان نبود. از سال چهارم بعثت، اصحاب پیامبر ﷺ مسلمان بودن خویش را علنی کردند. با این حال، نمی‌توانستند از مسجد به عنوان سنگری در راستای تبلیغ و آموزش بهره‌برداری کنند؛ زیرا مسجد الحرام به‌طور کامل در دست مشرکان قرار داشت و مسجد دیگری که بتوان در راستای اهداف فرهنگی در آن آزادانه فعالیت کرد، وجود نداشت.

البته، شواهد تاریخی، حاکی از آن است که پیامبر اسلام ﷺ و یارانش تا حد امکان از مسجد الحرام در راستای تبلیغ و ترویج اندیشه‌های دینی بهره می‌جستند؛ یعنی در موسم حج و زمان‌هایی که مردم در آنجا حضور داشتند به تلاوت آیات قرآن کریم می‌پرداختند و مردم را به پذیرش دین اسلام فرا می‌خواندند.^۲ به همین دلیل بود که پس از ورود حضرت رسول ﷺ به مدینه و بنای مسجد النبی، نه تنها پرستش‌گاهی برای مسلمانان ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و سرشار از شور و نشاط علمی نیز پی‌ریزی شد. حضور منظم و مستمر مسلمانان در این مسجد به منظور برپا کردن فریضه نماز، بهترین فرصت را برای کارهای تبلیغی حضرت رسول ﷺ فراهم می‌آورد. پیامبر اعظم ﷺ در این پایگاه بزرگ تبلیغی با توجه به اوضاع و رعایت حال حاضران در مسجد، پس از برگزاری نمازها برای مردم سخن می‌گفتند.^۳ ایشان از طریق تدریس و ایراد خطبه‌های نماز جمعه و دیگر سخنرانی‌ها و تشکیل حلقه‌های علمی، به تبلیغ و نشر فرهنگ عظیم اسلام پرداختند و عظمت آیین خویش را به نمایش گذاشتند. بدین صورت، در اثر کوشش‌های تبلیغی حضرت رسول ﷺ و اصحابش در مسجد النبی، زمینه‌های مناسبی برای پذیرش دین مبین اسلام در دیگر افراد به وجود آمد؛ به گونه‌ای که هرگاه نماینده‌ای از سوی یکی از قبایل و اقوام برای کسب اطلاع از این دین آسمانی به مسجد مدینه می‌آمد، بی‌درنگ اسلام را می‌پذیرفت. همچنین، مسجد حضرت رسول ﷺ در مدینه، همانند دانشگاهی بزرگ به تربیت و تعلیم مبلغان ورزیده‌ای همت گماشت و آنان را پس از آگاه نمودن به قرآن و فقه اسلامی، به نقاط مختلف جزیره‌العرب اعزام نمود تا در پرتو هدایت و تعلیم مردم، آن

۱. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر ﷺ، ص ۵۷.

۲. همان، ص ۷۷.

۳. همان، ص ۷۱.

سرزمین را از ظلمت نادانی و شرک برهاند و به دین اسلام فراخوانند.^۱

منبر، رسانه تبلیغی مسجد

از آنجایی که سخنرانی، خود نوعی تبلیغ محسوب می‌شود، به ذکر نکاتی پیرامون سخنرانی‌های پیامبر ﷺ در مسجد می‌پردازیم:

سخنرانی‌های حضرت رسول ﷺ برای افرادی که در مسجد حضور می‌یافتند، نه تنها خسته‌کننده و ملال‌آور نبود، بلکه بسیار پر جاذبه بوده است. جلسات موعظه و سخنرانی‌های رسمی آن حضرت، هر روز برگزار نمی‌شد و دیگران را نیز به آسان گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می‌کردند. آن حضرت فرمودند: «يَسِّرُوا وَلَا تَعْسِرُوا وَ حَفِّقُوا وَلَا تَتَّقِرُوا؛ آسان بگیرید و سخت گیر نباشید، بشارت دهید و مردم را گریزان نسازید».^۲

یاران و اصحاب پیامبر نیز در برگزاری مجالس وعظ و سخنرانی، شیوه آن حضرت را پیشه خود ساختند. شواهد بسیاری در کتب سیره و حدیث وجود دارد که نشان می‌دهد برگزاری جلسه سخنرانی و گفت‌وگوهای علمی، پس از نماز صبح و شام بیش از دیگر نمازها بوده است.^۳

نکته قابل توجه این است که در مجالس سخنرانی حضرت رسول ﷺ زنان نیز حضور داشتند و گاه حتی برای آنان مجلس جداگانه تشکیل می‌شد و حضرت برای آنان سخنرانی می‌نمودند. با وجود این، سخنرانی‌های حضرت رسول ﷺ تنها جنبه آموزشی و علمی نداشت؛ بلکه از عنصر موعظه و القاء روحیه «تقوا» و پرهیز از گناه و خطا در روح شنوندگان نیز برخوردار بود. شواهد نشان می‌دهد حضرت رسول ﷺ هرگاه روحیه سرکشی و گناه را در مردم مشاهده می‌کردند؛ در مسجد و در مجالسی که برای سخنرانی برپا می‌شد، مردم را پند و اندرز می‌دادند. این سخنان حضرت، چون از پشتوانه عظیم و روحیه معنوی برخوردار بود، در جان شنوندگان تأثیری شگرف می‌گذاشت و نیز نیروی پروا و پرهیز از گناه را در آنان استوار می‌ساخت.^۴ به‌طور اساسی، «عنصر معنویت» در تبلیغ نقش مؤثر و کارآمدی دارد و تردیدی نیست که کار تبلیغی حضرت رسول ﷺ در مسجد سرشار از مایه‌های معنوی و روحانی بود. به عنوان نمونه،

۱. مؤلف رستمی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، ج ۲، ص ۳۵ و ۳۷.

۲. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۹۵، به نقل از الکتانی در نظام الحکومه النبویه.

۳. ابن ابی جمهور احسائی، ابو جعفر بن علی بن ابراهیم، عوالی اللالی، ج ۱، ص ۳۸۱.

۴. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۹۵ و ۹۷.

۵. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۹۷ و ۹۸.

«جُبَيْرِ بْنِ مُطْعِمٍ» یکی از این گونه افراد است. او که پس از جنگ بدر برای پرداختن فدیة اسیرانی از اقوام خود به مدینه و مسجد حضرت رسول ﷺ آمده بود، تحت تأثیر جاذبه معنوی پیامبر اسلام قرار گرفت و نور حق پرستی در دل او پرتو افکند.

شیوه دعوت حضرت پیامبر ﷺ به این گونه بود که ایشان، ابتدا پیوندی صمیمی و دوستانه با کسی که قصد هدایت او را داشت، برقرار می کردند؛ روح تواضع در برابر بندگان خدا و خدمت به آنان را به وی می فهماند، آنگاه با توجه به ویژگی های روحی و روانی آن شخص، با سخنانی کوتاه، زمینه گرویدن او به اسلام را فراهم می آورد.

از چنین برخوردهایی به خوبی روشن می شود که دامنه فعالیت های فرهنگی و تبلیغی حضرت رسول ﷺ در مسجد تنها به برگزاری مجالس سخنرانی و تشکیل کلاس های آموزشی محدود نمی شد، بلکه جلوه های رفتاری حضرت رسول ﷺ بیش از هر چیز دیگر، مسجد را به کانون هدایت حق جویان، مبدل ساخته بود.^۱

مسجد و تکوین افکار عمومی

در دین اسلام، افکار عمومی، نیرویی است که اهمیت فراوانی در توجیه و ارشاد مردم، مبارزه با زشتی و فساد، رویارویی با ظلم و طغیان، پاسداری از ارزش های اسلامی، امر به معروف و نهی از منکر، همکاری و همیاری امت در تقوا و نیکوکاری، بالا بردن روحیه معنویت، تأیید حق و مبارزه با باطل و نابودی آن دارد.^۲ قرآن کریم می فرماید: «وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْعُدُوا مَعَهُمْ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذًا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا» در کتاب الهی، این حکم بر شما فرستاده شده است که چون شنیدید که به آیات خدا کفر می ورزند و استهزاء می کنند، پس با این گروه همنشین نکنید تا در حدیثی دیگر داخل شوند که اگر با آنان همنشین شوید، شما نیز مانند آنان هستید».^۳

در اسلام، موضع بی طرفانه و منفی هیچ جایگاهی ندارد؛ چنانچه حضرت رسول اکرم ﷺ فرمودند: «هر یک از شما (مسلمانان) منکری دید، باید که با دست خود آن را تغییر دهد (اقدام عملی) و اگر نتوانست پس با زبان، اگر نتوانست باید که در قلب خود از آن بیزاری جوید. بدانید که این ضعیف ترین مراتب ایمان است».^۴

۱. همان، ص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲. ابراهیم امام، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ۱۳۸۴، ص ۲۰.

۳. نساء، آیه ۱۴۰.

۴. ابراهیم امام، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، ۱۳۸۴، ص ۲۱.

بهترین سنگر برای مبارزه با کژی‌ها و انحراف‌های فکری و اجتماعی، که جامعه اسلامی را تهدید می‌کند، مسجد است؛ زیرا برترین و برگزیده‌ترین افراد جامعه، هر روز در این مکان مقدس گرد هم می‌آیند.^۱ بسیار زیننده است که این نقش مسجد را در جوامع اسلامی شناسایی کنیم؛ زیرا مسجد، خانه خدا و مردم (و محل پیوند و ارتباط خلق با خالق) است و مکانی مناسب برای طرح مصالح عمومی مسلمانان است. اگر این چنین نقشی را برای مسجد به رسمیت بشناسیم و مورد تأکید قرار بدهیم، بخشی از فعالیت‌های سیاسی غرب کنترل می‌شود (تبدیل تهدید به فرصت) و به تلاش‌های سالم و سازنده مبدل می‌گردد. همچنین، طبیعت مسجد و ویژگی‌های افرادی که در مسجد حضور می‌یابند، باعث می‌شود فعالیت‌های اجتماعی مخالف، در بستر سالمی حرکت کنند. البته مؤمنان حق جو هر گاه متوجه شوند که حرکتی از اساس، زبان بار و گمراه‌کننده است، شیوه‌های مناسب را برای برخورد با آن برمی‌گزینند.^۲

پیشنهادها

از آنجا که گام آخر هر پژوهش، قدم نخست پژوهش‌های بعدی است، در این قسمت چند عنوان پژوهشی و کارکرد اجرایی را در مورد مسجد به پژوهشگران و محققان و متولیان این حوزه پیشنهاد می‌نماییم:

الف) پژوهشی

۱. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد، قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران.
۲. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد، در دیگر کشورهای اسلامی.
۳. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد، در مقایسه با کارکردهای فرهنگی پایگاه‌های دینی سایر ادیان.
۴. استخراج و تحلیل فرهنگ‌های مختلف موجود در نهاد مسجد.
۵. مقایسه تطبیقی میان کارکردهای فرهنگی نهاد مسجد در صدر اسلام و آنچه که در عصر حاضر صورت می‌پذیرد.

ب) اجرایی

۱. عدم موازی‌کاری سازمان‌ها و مؤسسات مرتبط با مسجد و تمرکز فعالیت‌ها در عرصه پژوهش.
۲. بهره‌گیری از کارکردهای فرهنگی مسجد در صدر اسلام و بازشناسی و احیای آنها در مساجد فعلی.
۳. تهیه و ابلاغ برنامه‌های منعطف فرهنگی به مساجد کشور از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد.

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۲۳۹.

۲. همان، ص ۲۴۲ و ۲۴۳.

۴. عمق بخشی به فعالیت‌های فرهنگی مساجد.
۵. برنامه‌ریزی برای حضور هر چه پُررنگ‌تر امام جماعت در مسجد به عنوان عنصری تأثیرگذار در راستای رشد فرهنگی مردم.
۶. تقویت جاذبه‌های ظاهری مساجد، مانند: نظافت و زیبایی و نورپردازی و وسایل ارتباط جمعی و... برای جذب هر چه بیشتر افراد، به خصوص نوجوانان و جوانان.
۷. بررسی کارکردهای فرهنگی مسجد و تلاش در راستای جهانی‌سازی آن.

نتیجه‌گیری

طبق جمع‌بندی‌های صورت گرفته از یافته‌های این پژوهش، می‌توان به نتایج قابل ملاحظه‌ای دست یافت که در این بخش به‌طور خلاصه به آنها می‌پردازیم:

مسجد، به عنوان اولین پایگاه و نماد دین در جامعه اسلامی، نقش اساسی را در تحکیم بنیان حکومت‌های اسلامی ایفا می‌کند.

مسجد، ایفاگر نقش‌های گوناگون و متنوعی است که هر کدام از آنها نیازی از جامعه را برطرف خواهند کرد.

کارکرد فرهنگی مسجد، یکی از مهم‌ترین کارکردهای این نهاد است.

تنوع و تکثر و گستردگی مقوله فرهنگ در عصر حاضر، حضور پُررنگ و مُتکثر مساجد را می‌طلبد.

مساجد، همواره مرکز سازماندهی نهضت‌های جهانی اسلام برای ظلم‌ستیزی بوده است.

مسجد، سنگر دفاع از مرزهای عقیدتی و ایدئولوژی و جایگاه ترویج دین مبین اسلام است.

مسجد، ستاد مقدّسی برای تعلیم و تربیت الهی و یادگیری اصول عبودیت و بندگی است.

مسجد، پایگاهی برای ایجاد زمینه وحدت و یکپارچگی جامعه موّحد است.

مسجد، مکان ممارست و تمرین رفتار و کردار پسندیده انسانی است.

مساجد، هر چند که به عنوان نهادی سنتی با قدمت ۱۴۰۰ ساله در جامعه قلمداد می‌شوند؛ اما با ارائه کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه، می‌توانند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی بر بایند و به عنوان قلب تپنده فرهنگ یک جامعه احیاگر باشند.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

قرآن کریم

۱۹. ابوالقاسمی، محمدجواد، شناخت فرهنگ، تهران، انتشارات عرش پژوه، چاپ اول، ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۰. ابن طاووس، علی بن موسی، ادب حضور (ترجمه فلاح السائل)، قم، انتشارات انصاری، چاپ اول، ۱۳۸۰ ه.ش.
۲۱. ابن بابویه قمی، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، مترجم محمد رضا انصاری محلاتی، قم، نسیم کوثر، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۲. _____، أمالی، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ پنجم، ۱۴۰۰ ه.ق.
۲۳. برومند اعلم، عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی، تهران، ستاد اقامه نماز، چاپ دوم، بهار ۱۳۸۴ ه.ش.
۲۴. حبیبی، محمد، خصائص مدیران فرهنگی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونت پژوهشی و آموزشی، مرکز پژوهش‌های بنیادی مؤسسه فرهنگی و انتشاراتی تبیان، چاپ اول، ۱۳۶۸ ه.ش.
۲۵. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، قم، مشرقین، چاپ هشتم، ۱۳۶۹ ه.ش.
۲۶. رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، چاپ اول، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، خرداد ۱۳۸۲ ه.ش.
۲۷. زاهری، احسان، مسجد با محوریت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، قم، الطیار، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۵ ه.ش.
۲۸. غفاری، ساروی حسین، آیین بندگی و نیایش (ترجمه عده الداعی)، قم، بنیاد معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۵ ه.ش.
۲۹. شهیدثانی (الجبعی العاملی)، زین الدین بن علی، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الادمشقیه، قم، انتشارات داوری، چاپ اول، ۱۴۱۰ ه.ق.
۳۰. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، اسلامیه، چاپ دوم.
۳۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۳۲. محرمی، غلامحسین، نقش مسجد در جامعه اسلامی (از آغاز تا عصر عباسیان)، قم، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی یمین، چاپ اول، ۱۳۶۹ ه.ش.

۳۳. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، مترجم محمد عباس پورو محمد جواد مهدوی، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی (بنیاد پژوهش‌های اسلامی)، چاپ اول، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۴. ابن ابی جمهور احسائی، ابوجعفر بن علی بن ابراهیم، عوالی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهدا علیه السلام، ۱۴۰۵ ه.ق.
۳۵. موظف رستمی، محمدعلی، آیین مسجد (کارکردهای مسجد)، تهران، گویه، چاپ اول، ۱۳۸۲ ه.ش.
۳۶. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، چاپ دوم، بی جا، مؤلف، پائیز ۱۳۶۷ ه.ش.
۳۷. —، مسجد نمونه، بی جا، ستاد اقامه نماز، چاپ سوم، بهار ۱۳۶۶ ه.ش.
۳۸. طبرسی (رضی‌الدین)، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، مترجم سید ابراهیم میرباقری، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه.ش.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیرالمیزان، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۰ ه.ش.
۴۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ه.ش.
۴۱. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۸ ه.ق.

مقالات

۴۲. رضایی، محمد، مسجد و گفت‌وگوی پیامبر صلی الله علیه و آله با نمایندگان ادیان، فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴۳. شکریان، ناصر، مدیریت و سامان‌دهی مساجد، فروغ مسجد، ج ۴، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ ه.ش.
۴۴. عباسی، ابراهیم، نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای، فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴۵. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۶. امام، ابراهیم، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، مترجم محمد سپهری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.

۴۷. برفی، محمد، نقش مسجد در وحدت اجتماعی مسلمانان، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، انتشارات رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۴۸. جعفری، عالیه، مساجد در سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۷ ه.ش.
۴۹. حسینی، سید حمید، آثار، برکات و کارکردهای فردی و اجتماعی مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷ ه.ش.
۵۰. حموده، عبدالوهاب، ره آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه مهدی اسفندیاری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۵۱. شهرداری تهران معاونت امور اجتماعی، ماهیت کارکردی و کالبدی مسجد و مشکلات موجود، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، چاپ اول، تهران، رسانش، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۵۲. عابدی جعفری، حسن و همکاران، طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۴، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۵ ه.ش.
۵۳. فراهتی، عباس، نگاهی به تاریخ آموزش در مساجد، رسانه دانشگاه، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ ه.ش.
۵۴. کوخایی زاده، کریم، بررسی جایگاه مسجد در سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۵، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۷ ه.ش.
۵۵. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۵۶. منصوریان، عفت، عوامل و موانع جذب مردم به ویژه جوانان و نوجوانان به مسجد، مجموعه مقالات فروغ مسجد، ج ۴، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ ه.ش.
۵۷. نوری، مهدی، تحلیل جامعه شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه.ش.
۵۸. نشریه ایران، ۳۱ مرداد، ۱۳۸۳ ه.ش.

کارکرد رسانه‌ای مساجد

یحیی جهانگیری سهروردی

چکیده

این مقاله، کارکرد رسانه‌ای مساجد را تبیین می‌کند. نگارنده، ابتدا به اهمیت کارکرد رسانه‌ای مسجد اشاره می‌کند و سپس تاریخچه اجمالی این کارکرد را بررسی می‌نماید. در ادامه، ابزارهای تبلیغی مسجد، تبیین می‌گردد که شامل ابزارهایی مانند منبر، دکه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی، ساختمان مسجد و... است و هر یک، با کارکرد ویژه، در اطلاع‌رسانی، تنویر افکار و آگاهی‌دهی، نقش آفرینی می‌کنند. بعد از ساختمان مسجد، مأذنه یا مناره، به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغی مسجد، برای اعلام مراسم مذهبی، به خصوص برای دعوت مسلمانان به اقامه نمازهای پنج‌گانه با گفتن اذان، جایگاه بارزشی دارد. مسجد، به دلیل این که کانون تجمعات دینی و اجتماعی است، همواره کارکرد رسانه‌ای خاص خود را داشته است. در واقع، خود اجتماعات در مسجد، می‌تواند یک فعالیت رسانه‌ای مستقل باشد. این تجمعات، ویژگی خاصی دارد که به صورت دهان به دهان و چهره به چهره است. بنابراین، شاید تنها در رسانه مسجد است که مخاطبان فقط «مستمع» نیستند، بلکه خود آنها، «گوینده» خبر نیز هستند. دیگر ابزارهای تبلیغی مسجد، رسانه «منبر» است. از زمان تأسیس این مکان مقدس، سخنرانی‌های رسمی، وعظ‌های اخلاقی و اعلان خلافت، اعلام نتایج جنگ‌ها در خطبه‌ها، از این رسانه به گوش همگان می‌رسید. البته، اکنون نیز با پیشرفت فناوری و ترویج رسانه‌های ارتباط جمعی دیگر، هنوز منبر، از ویژگی اطلاع‌رسانی و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، از طریق تبلیغ چهره به چهره برخوردار است. در پایان این نوشتار، ضمن برشمردن برخی از ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، علل کاهش کارکرد رسانه‌ای مسجد، بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه‌ها:

اهمیت کارکرد رسانه‌ای مسجد، تاریخچه اجمالی کارکرد رسانه‌ای مسجد، ابزارهای تبلیغی مسجد، شیوه‌های اطلاع‌رسانی رسانه منبر، ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌ها، تعامل رسانه مسجد با سایر رسانه‌ها.

مسجد، از صدر اسلام دارای کارکردهای متفاوتی بوده است و نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می‌شود. این مکان مقدّس، به‌ویژه در صدر اسلام، زمانی که فاقد رسانه‌های گروهی برای اطلاع‌رسانی بود، به عنوان مرکز اطلاع‌رسانی مردم، پایگاه معنوی و مورد اعتماد همگان از نظر تبادل اطلاعات بوده که به شیوه حضوری و غیرحضوری به رسالت رسانه‌ای خود عمل می‌کند.

اخبار، حوادث و پیشامدهای مهم، در مسجد به مسلمانان ابلاغ می‌شد. گاهی تصمیمات حکومتی در مسجد به اطلاع مردم می‌رسید. مسلمانان نیز تنها، خبری را صحیح و معتبر می‌شمردند که از طریق مسجد و ائمه جماعات منتشر می‌شد.

امروز، عنصر مهم در اطلاع‌رسانی، صدق راوی و حقیقت این خبر است که حتی بنگاه‌های عظیم خبری جهان را با چالش‌های جدی و کمبود مخاطبان مواجه کرده است؛ اما قداست مسجد و پیشینه تاریخی رسانه‌ای آن، اعتماد همگان، به‌ویژه نمازگزاران را به صداقت خبررسانی مساجد افزوده است و به صراحت می‌توان گفت که مساجد سالم‌ترین مراکز خبررسانی به مردم هستند.

در دنیای امروز، در بسیاری از کشورهای اسلامی، مساجد از نظر پخش خبرهای مربوط به جنبش‌های مردمی و نهضت اسلامی، نقش چشمگیری دارند؛ اما سخن این است در عصری که به دلیل تحوّل شگرف ارتباطات، از دنیا به عنوان «دهکده جهانی» یاد می‌شود و روزنامه‌ها، مجلات، رادیو و تلویزیون، اینترنت، ماهواره و...؛ نهایت تلاش خویش را در جذب مخاطب انجام می‌دهند و هر روز بر تنوع کارشان می‌افزایند، نباید از نقش رسانه‌ای مسجد و ویژگی‌های منحصر به فرد آن، غفلت ورزید.

در این نوشتار، کارکرد رسانه‌ای مساجد را ضمن تبیین امتیاز و تأثیر فوق‌العاده آن بر سایر رسانه‌های ارتباط جمعی که به عنوان مهم‌ترین وسائل ارتباطی در دنیا هستند، بررسی خواهیم کرد.

نگاهی گذرا به اهمیت کارکرد رسانه‌ای مسجد

«مک‌لوهان»، یکی از نظریه‌پردازان غرب در زمینه ارتباطات، معتقد است که منشأ تغییرات اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی‌اند. از این رو، برای کامیابی جوامع اسلامی در عرصه‌های مختلف فردی و اجتماعی و نیز نشر اندیشه‌های ناب اسلامی به بلاد غیرمسلمان، باید از قدرت رسانه غفلت نمود. در این میان، بازیابی کارکرد سیاسی مسجد، بیشتر ضرورت پیدا می‌کند.

جامعه‌شناسان و روانشناسان برای هر مکان، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی قائل‌اند که موجب تمایز بین مکان‌ها می‌شوند. به عبارت دیگر، هر مکانی به اعتبار نوع، ماهیت، مؤلفه‌ها و فعالیت‌هایی که در آن انجام می‌گیرد، از دیگر مکان‌ها متمایز می‌شود. بر همین اساس، توقعات مربوط به آن مکان نیز، نسبت به دیگر مکان‌ها متمایز جلوه می‌کند. یک مکان، مرکزی است برای کنش و واکنش و ابزار ظهور انگیزه‌های مختلف و موقعیتی است که ما در آن و به واسطه آن، معنایی را برای خود پیدا می‌کنیم. به لحاظ جامعه‌شناختی، مکان‌ها در «معنابخشی» و «هویت‌دهی» به آدمیان مؤثرند. به عبارت دیگر، یکی از کارکردهای مکان‌ها، معنابخشی به زندگی و تجارب آدمی است. یک مکان، مرکز کنش و انگیزه است و کانونی است که ما حوادث معنادار وجود خود را در آن تجربه می‌کنیم. در واقع، رخدادها و کنش‌ها، تنها در زمینه مکان‌های خاص با اهمیت و متأثر از هویت این مکان‌ها در ساختارهای انگیزش، آگاهی و تجارب انسان ادغام می‌شوند.^۱ به نظر «لاکرمن» این، مکان‌ها هستند که رخدادها و کنش‌های آدمیان را با معنی می‌سازند. اگر برای مکان‌ها، این اهمیت را قائل نشویم، در واقع، یکی از زمینه‌های مشروعیت‌بخشی به کنش‌های آدمیان را نادیده گرفته‌ایم؛ یعنی انسان‌ها به خاطر قرار نگرفتن در بعضی موقعیت‌ها از برخی واکنش‌های سازنده و مؤثر بر زندگی خود محروم می‌مانند.

بنابراین، وجود یک مکان به معنی وجود و ظهور واکنشی خاص در افراد است. به باور «گابریل مارسل»، یک فرد از مکان جدا نیست و او همان مکان است. ^۲ در ادامه، به مؤلفه‌های بایسته‌ساز احیای کارکرد سیاسی مساجد در دنیای معاصر می‌پردازیم:

الف) تبلیغ استکبار برضد اسلام

دشمن، با استفاده از فناوری رسانه، سعی دارد چهره اسلام را، به خصوص بعد از حادثه یازدهم سپتامبر، وارونه جلوه دهد؛ زیرا مساجد از دیرباز، سخنگوی رسمی اسلام مبین بودند. با احیای نقش رسانه‌ای مساجد، برای معرفی چهره واقعی اسلام باید کوشش نمود. به خاطر دورغ‌پردازی‌های برخی از رسانه‌های دیجیتال، آنها هیچ‌گاه نتوانستند اعتماد مسلمانان را به اندازه اعتماد آنان به مساجد، جلب کنند.

ب) تبلیغ اسلام به جهان نیازمند معنویت

پس از نوشکوفایی علم تجربی در غرب، دل‌باختگان مدرنیسم به‌طور افراطی، دست به معنویت‌ستیزی و دین‌گریزی زدند. این موضوع، با گذشت دوره کوتاهی، غرب را با بحران مواجه کرد. بشر، خسته از

۱. سجادی، دکتر سید مهدی، کارکرد مساجد، مسجد و تعلیم و تربیت، دو ماهنامه مسجد، ش ۴۳، ص ۲۰۶.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۰۷.

لجام گسیختگی مدرنیته، دنبال راه نجات افتاد و راه چاره را در برگشت به آیین مسیحیت نیافت؛ زیرا نمی‌خواست تاریخ‌خانه قرون وُسطی را دوباره تجربه کند. به گواه جامعه‌شناسان، نیاز به معنویت، دغدغه اصلی انسان مدرن است. به همین دلیل است که در تبلیغ اسلام، باید از هر رسانه‌ای به‌ویژه رسانه مسجد کمک گرفت.

در آیات قرآنی، مخاطب مسجد فقط مسلمانان نیست؛ بلکه همه مردم جهان هستند. خداوند در کتابش، مسجد را «مَثَابَةٌ لِّلنَّاسِ»^۱ پناهگاه مردم، معرفی می‌کند. در قصه قرائت آیات سوره براءت که حضرت علی (علیه السلام) مأموریت یافت تا در منی، در روز عید قربان، قرائت کند، قرآن از تعبیر «إِلَى النَّاسِ» به جای «الی المشرکین» استفاده می‌کند. با اینکه مخاطب ایشان مشرکان بودند؛ ولی برای جاوید ماندن این پیام که مسجد از آن همه مردم است، از این واژه استفاده شد. به تعبیر نویسندگان تفسیر نمونه، استفاده از این تعبیر، لزوم ابلاغ این پیام به همه مردم را نشان می‌دهد که در آن روز، در مکه حاضر شدند تا از این طریق، غیرمشرکان نیز گواه بر این موضوع باشند.^۲

ج) قداست مساجد، اعتمادآور

آنچه گسترش اقبال عموم به رسانه‌ها را موجب می‌شود، میزان اعتمادی است که مخاطبان به آن رسانه دارند. امروز، رسانه‌ها، با صرف هزینه‌های زیاد، در صدد کسب اعتماد مردم‌اند. هر چه این اعتماد بیشتر باشد، مخاطبان برای دریافت اطلاعات، بیشتر به آن رسانه روی می‌آورند. به‌طور کلی، با توجه به فاصله زیاد بین ادعا و عمل رسانه‌های دیجیتال، آنان نتوانسته‌اند در جذب عموم، موفق باشند؛ ولی مساجد به خاطر عدم وجود سابقه تاریخی در تحریف حقایق در خبررسانی، دارا بودن قداست و کانون مبارزات علیه ظلم و دورغ‌پردازی‌ها، همواره به‌طور ذاتی از این اعتماد برخوردار بوده است. هر چند در طول تاریخ، برخی مساجد، دستاویز طاغوت‌ها قرار گرفت تا از این اعتماد عمومی برای رسیدن به مطامع خود بهره‌جویند. حقیقت این است که مخاطبان، همواره حساب این‌گونه مساجد را از مساجدی که در خبررسانی صداقت داشتند، جدا دانسته‌اند.

د) رفتارهای جمعی در مسجد، مقبولیت‌ساز

مسجد، به عنوان یک مکان، از دو جلوه یا جنبه متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر، دو گونه رفتار

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۸۶.

می‌تواند در این مکان ویژه، متجلی شود که در امر جهت‌دهی به رفتارهای فردی و جمعی بسیار مؤثر است. «جنبه ظاهری» مسجد که در آن، رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی و مقبول شرع رخ می‌نماید. «جنبه باطنی» که طی آن رفتارهای شخصی، غیر جمعی و کنترلی رخ می‌دهد. هنگامی که انسان‌ها به صورت جمع در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض هستند، رفتارهای جمعی مقبول، نمایان می‌شود و هنگامی که انسان به صورت غیر جمعی و به صورت فردی در مسجد ظاهر می‌شود، خود به خود، به محاسبه و بررسی رفتارهای شخصی خود می‌پردازند. ویژگی مسجد در مقابل مکان‌های دیگر این است که از جنبه ماهیتی، علاوه بر اینکه محلی برای تجمع و رفتارهای جمعی است، فرد را به درون خود ارجاع می‌دهد و فرد آنچه را که جمع از انجام آن پرهیز می‌کند، در حالت انفرادی نیز آن را ترک می‌کند. این روند تبلیغی در اصلاح و ترمیم رفتارها بسیار مؤثر است.^۱

در باور و فرهنگ مردم، مسجد، مکانی مقدّس است. علما نیز دارای درجه معنوی هستند. بنابراین، وقتی که سخنان و مواضع آنان، در مسجد شنیده می‌شود، صحیح قلمداد می‌شود.

جامعه مدنی ایران، به عنوان یک فضای مستقل از دولت و دستگاه حاکم، چه در دوران سلطنت قاجاریه و چه در رژیم پهلوی، در مساجد، بازار، حسینیه‌ها و... تجلی پیدا کرده است. این گونه مراکز، گوشه‌ای از شبکه وسیع مردمی، مراکز اطلاعات و ارتباطات و بسیج عمومی بوده‌اند.^۲

سید جمال الدین اسدآبادی، اندیشه‌های اصلاح طلبانه‌اش را از طریق مساجد نشر می‌داد.^۳ مسجد، از وسایل عمده تبلیغاتی اخوان المسلمین به شمار می‌رفت؛ زیرا ویژگی بارز اخوان، ایراد خطابه‌های آتشین بود که باید در مساجد اجرا می‌شد. مسجد، اولین مرکز اخوان المسلمین در شهر اسماعیلیه مصر بود. سپس، مساجد متعدّدی در گوشه و کنار ساختند. به طور اساسی، ایده تبلیغ مبلغان توانمند، در ذهن «حسن البنا» از آن زمان که طلبه‌ای در دارالعلوم قاهره بود، جولان داشت. او در اولین مقاله خود در مجله «الشبان المسلمین»، در نوامبر ۱۹۲۹م، مساجد را از مهم‌ترین مکان‌های آموزش و تهذیب عمومی معرفی کرد.^۴

ها ترویج بی اخلاقی از رسانه‌های غیرمسجدی

نیم‌نگاهی به فعالیت‌های رسانه‌ای غرب، نشان می‌دهد که یک تهاجم گسترده، جوانان مسلمان را هدف

۱. سجّادی، سید مهدی، کارکرد مساجد، مسجد و تعلیم و تربیت، دوماهنامه مسجد، ش ۴۳، ص ۲۰۷ و ۲۰۸.

۲. فیضی تبریزی کریم، پروفیسور مولانا طین تعهد، ص ۲۵۳؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، تاریخ ۱۳۸۰/۴/۷.

۳. جهانگیری، یحیی، کارکرد سیاسی مسجد، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، بخش مسجد، مرکز قیام‌های اسلامی.

۴. نقیعی، عباس، کارکرد مساجد، نقش مسجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، دوماهنامه مسجد، ش ۴۶، ص ۴۳۶.

قرار داده است. از تقویّت رسانه‌های دیجیتال تا جذب آنها به معابد ادیان دیگر، از استحاله کارکرد مساجد تا تصاحب مدیریت آن، نیمی از فعالیت‌های رسانه‌های غربی، در تقابل با رسانه مسجد است که بیانگر توان بالای رسانه مسجدی است؛ ظرفیّت و توانی که متأسّفانه بیشتر مسلمانان از آن غافل‌اند.

دشمن، قصد دارد با تقویّت رسانه‌های هم‌عرض مسجد، جوانان را از مسجد گریزان سازد. بر این اساس، لازم است که همه تلاش کنیم تا این رسانه سنتی دینی را تقویّت کنیم. دشمن، افزون بر این، می‌خواهد با توانمندسازی معابد ادیان دیگر، جوانان را از مسجد دور سازد. مسجد به جوانان، دوستان خوب، محتوای دینی و اخلاقی و در نهایت، اندیشه‌ارمغان می‌دهد؛ ولی رسانه‌های غیرمسجدی، دوستان ناباب، محتوای شرک‌آلود و ضدّ اخلاق و در نهایت، تخدیر و مستی را به روح آنها تزریق می‌کنند.

«اشاعه روح بی‌بندوباری و بی‌دینی در بین دختران و پسران و ایجاد شکّ در آنها، نسبت به اصول دین اسلام از راه تبلیغ در مدارس وابسته به کلیسا، انتشار کتاب‌های ضدّ اخلاق و اسلام، تأسیس باشگاه‌های خوش‌گذرانی و عیش و نوش، فراهم ساختن آنان برای فساد و بی‌دینی، تأسیس انجمن‌های سرّی با شرکت جوانان یهودی و مسیحی و... برای به‌دام انداختن جوانان مسلمان به هر وسیله‌ای که میسر باشد».^۱

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ با درک این حقایق بود که به صراحت فرمودند: «مساجد سنگر مبارزه‌اند؛ از این رو، دشمن، سعی در خراب نمودن آنها دارد».^۲

مبانی کلامی، دینی کارکرد رسانه‌ای مساجد

اذعان به یک حقیقت دینی، باید با همه شاکله دینی همخوان باشد و مستلزم آن است که مبادی تصوّری و تصدیقی آن گزاره دینی، با روح حاکم بر آن دین، متعارض نباشد. با بررسی مبانی کلامی کارکرد رسانه‌ای مساجد، به دنبال آن هستیم تا ضرورت‌هایی را که یک مسلمان را وادار می‌کند تا به کارکرد رسانه‌ای مسجد اذعان داشته باشد، جستجو نماییم؛ بایسته‌های اساسی اسلامی که پای‌بندی به آنها بر هر مسلمانی ضروری است. اکنون این حقیقت روشن می‌شود که لازمه اعتقاد به این اصول، باور به کارکرد رسانه‌ای مسجد است. در واقع، نگارنده این مقاله تأکید دارد که کارکرد رسانه‌ای مساجد، یک حقیقت جدا از شاکله اسلامی نیست؛ بلکه شاخه‌ای روئیده از اصول بدیهی اسلامی است. بنابراین، داشتن مسجدی با کارکرد رسانه‌ای، مبتنی بر گزاره‌های الهیاتی متقن پیشین است که بدون اثبات آنها، پذیرش این موضوع، غیرعقلانی است.

۱. مسترهمفر، «خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی»، ترجمه محسن مویدی، ص ۹۶.

۲. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۸۶.

۱. حجیت سیره و سنت پیامبر ﷺ

در اصطلاح فقهی، افعال، اقوال، و تقریرات رسول اعظم ﷺ، «سنت» نامیده می‌شود. شیعه و اهل سنت در حجیت سنت نبوی، تردید و اختلافی ندارند.^۱

سخنرانی خلفا در منبر برای رسمیت دادن به خود، و عظایم اخلاقی در مساجد و سر دادن اذان در مأذنه‌ها، اعلان اخبار عمومی در مساجد، برگزاری تجمعات در مسجد و... نشان از تأسی به سنت رسول اکرم ﷺ دارد. یکی از مبادی تصدیقی پذیرش کارکرد رسانه‌ای مسجد، اذعان به حجیت سیره و سنت پیامبر اکرم ﷺ است. نظر به اجماع مسلمانان به حجیت اقوال، افعال و تقریرات منقول از حضرت محمد ﷺ و از سوی دیگر، با توجه به انبوه روایات دال بر انجام فعالیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای مساجد در عصر رسالت، گریزی از اقبال نظر به کارکرد رسانه‌ای مسجد نیست؛ مگر اینکه یا حجیت اجماعی را انکار کنیم یا در روایات بسیاری که فعالیت رسانه‌ای مسجد در زمان رسول الله ﷺ را گزارش می‌دهند، تردید نماییم. البته، هر دو مورد مطرح شده، در بین مسلمانان، چیزی جز انکار بدیهیات نیست.

۲. عبادت، اعم از مناسک دینی

به‌طور اساسی، عبادت فقط نماز نیست، بلکه هر فعالیتی که در مسیر خدا باشد، عبادت محسوب می‌شود. اگر مسجد محل عبادت است و عبادت، مفهومی اعم از نماز دارد، پس مسجد، محلی فراتر از این است که فقط محل مناسک و افعال خاص مذهبی باشد.

در روایات، از جهاد و تعلم، به عبادت تعبیر شده است. پس، معلوم می‌شود که هر گونه فعالیت دینی و اجتماعی با صبغه الهی که در مسیر تعالی نام خدا قرار گیرد، عبادت است؛ اعم از انجام مناسک دینی و فعالیت‌های دیگر. اگر مساجد، «یذکر فیه اسم الله»^۲ هستند، بی‌شک، گسترش نام خدا از این محل، تنها با

۱. ر. ک به: کتاب انیس الفقهاء: «ما واطلب علیه صلی الله علیه و سلم ولم یترکه إلا مرة أو مرتین»؛ کتاب الأدلة: «ما صدر عن الرسول صلی الله علیه و سلم غیر قرآن من قول و فعل و تقریر»؛ کتاب الموجز فی أصول الفقه: «ما صدر عن النبی محمد صلی الله علیه و سلم من اقوال لم یقصد بها الإعجاز و أفعال غیر جلیبه و تقریرات»؛ معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهیه، ج ۲، ص ۲۹۹.

۲. مشکینی اردبیلی، مصطلحات الفقه، ص ۲۲.

۳. بقره، آیه ۱۱: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کیست ستمکار تر از آن کس که از بردن نام خدادار مساجد او جلوگیری کرد و در ویرانی آنها سعی نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!»؛ نور، آیه ۳۶: «فِي بُيُوتٍ أُذِّنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ؛ این چراغ پرفروغ در خانه‌هایی قرار دارد که خداوندان فرموده تا دیوارهای آن را بالا برند (تا از دستبرد شیاطین و هوسبازان در امان باشد)، خانه‌هایی که نام خدادار آنها برده می‌شود، و صبح و شام در آنها تسبیح او می‌گویند».

برگزاری مناسک دینی، محقق نخواهد شد. از این رو، باور به این آیه شریف از یک سو و انحصار مسجد در عبادات صرف، چیزی جز یک تناقض نیست.

مقام معظم رهبری علیه السلام، مفهوم عبادت را با استناد به متون دینی، بسیار وسیع تر از اعمال عبادی صرف می‌شمارند و می‌فرمایند: «ملت ایران باید مساجد را مغتنم بشمارد و پایگاه معرفت و روشن بینی و روشنگری و استقامت ملی به حساب آورند. اگر کسی خیال کند که در مسجد، فقط چند رکعت نماز می‌خواند و بیرون می‌آیند و این چه تأثیری دارد، خطاست؛ این طور نیست. اول اینکه، اگر [به] همان چند رکعت نماز هم با چشم بصیرت نگاه شود، خود نماز که به زبان مُشَرَّع مقدّس نماز و اذان، خیر العمل و فلاح است، مایه برکات زیادی می‌شود. نماز، یک ملت را به قیام الله و ادار می‌کند. نماز، انسان‌ها را از فساد دور و به خلوص و فداکاری نزدیک می‌کند. ^۱ علاوه بر آن، مسجد فقط برای نماز نیست؛ در مسجد انواع عبادات هست. از جمله آن عبادات، تفکر است که «تفکر ساعة خیر من عبادة ألف سنة» ^۲ یا در بعضی از روایات است که «من عبادة أربعين سنة» یا «سبعين سنة»؛ البته، فکر کردن درست، افراد مسجد برو، این فکر را به وسیله شنیدن سخنان عالم دین و فقیه به دست می‌آورند. ^۳

امام علی علیه السلام در روایتی ضمن مذمت کسانی که بیکار در مسجد نشسته بودند، آنها را «راهبان عرب» نامیده، فرمودند: «مؤمن، مسجدش مجلس و خانه‌اش محلّ زندگی اوست» ^۴.

اسلام، در متن زندگی حضور دارد نه در حاشیه. از این رو، کلیه روابط فردی و اجتماعی در آن به خوبی بیان شده است. این دین، برای همه شئون حیات انسانی، برنامه دارد.

اگر چه امروز مسجد بیشترین کارکردش عبادی است، ولی با گذر به فلسفه تاریخی ساخت اولین مسجد در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فهمیم که انگیزه‌های مهم‌تر از این در ساخت آن دخیل بوده‌اند که متأسفانه امروز کمرنگ شده‌اند. البته، مدعی نیستیم که باید تمام کارکردهای مساجد در صدر اسلام را مساجد عصر حاضر نیز داشته باشند؛ زیرا این موضوع با روح اسلام که با اقتضای زمان همراهی دارد، ناهمگون است؛ اما آن کارکردهایی را که مساجد هنوز ظرفیت پذیرش دارد، نباید از مساجد جدا ساخت. امام خمینی ره در این مورد می‌فرمایند: «این مساجد الحرام و مساجد دیگر در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرکز جنگ‌ها و سیاست‌ها و مرکز

۱. عنکبوت، آیه ۴۵: «اتل ما أوحی الیک من الکتاب و اقم الصلوة إلی الصلوة تنهی عن الفحشاء و المنکر و لیکر الله اکبر و الله یعلم ما تصنعون؛ آنچه را از کتاب (آسمانی) به تو وحی شده تلاوت کن، و نماز را برپا دار، که نماز (انسان را) از زشتی‌ها و گناه بازمی‌دارد و یاد خدا بزرگ‌تر است و خداوند می‌داند شما چه کارهایی انجام می‌دهید».

۲. بحار انوار، ج ۶، ص ۱۳۳.

۳. رک: بیانات مقام معظم رهبری در قم، ۱۹ دی ۱۳۷۵ ه. ش.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ۱۲۷۹۸؛ نهج السعادة، ج ۷، ص ۳۰۶.

امور اجتماعی و سیاسی بوده [است].^۱ این طور نبوده است [که] در مسجد پیامبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه [مطرح] باشد. مسائل سیاسی آن بیشتر بود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح مسلمانان در آنجا [مسجد] فعالیت کنند.^۱

۳. مسجد همه جانبه، مسجد مطلوب قرآن

در قرآن کریم و منابع اصیل روایی شیعه و سنی، همه به عمران و آبادی مساجد امر شده‌ایم؛ چنان که در این منابع، از تعبیر «بُنِی» و «عَمَّرَ»، به معنای ساختن و آباد کردن^۲ استفاده گردید. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَحْشَسِ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگزارد و زکات بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از ره یافتگان باشند».^۳

کلمه «يعمر» در لغت، به معنای اقامت و ملازمت به کار رفته است.^۴ برخی مفسران گفته‌اند که عمارت مسجد، تنها ساخت مسجد نیست؛ بلکه «عمارَت هر چیزی نسبت به آن، فایده و نتیجه‌ای است که بایستی مترتب بر آن گردد و خراب کردن مسجد که در قرآن اشاره بدان شده است نیز به لحاظ عدم ترتب همان فایده است».^۵ بنابراین، خراب کردن مسجد، تنها با بیل و کلنگ نیست؛ بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خراب کردن آن است.^۶

با توجه به تفسیر آیه «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ...» و طبق صریح بعضی روایات، منظور از عمران و آبادی مسجد، تنها ساختمان آن نیست، بلکه حضور در آنها و توجه به محافل و مجالس مذهبی که باعث یاد خدا است، یک نوع عمران و بلکه مهم‌ترین نوع آن شمرده شده است. بنابراین، در نقطه مقابل این عمران و آبادی، آنچه باعث شود که مردم از یاد خدا غافل شوند و از مساجد دور شوند، ظلمی بسیار بزرگ است. رونق مساجد در عصر رسالت، منحصر به فعالیت‌های عبادی نبود. پررنگ‌ترین کارکرد مساجد صدر اسلام، کارکرد رسانه‌ای بود. از این رو، احیای این کارکرد، یک بایسته قرآنی است.

۱. خمینی روح‌الله الموسوی، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰، ج ۱۸، ص ۶۷.

۲. فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد)، ج ۲، ص ۱۱۰۶.

۳. توبه، آیه ۱۸، مساجد خدا را تنها کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورده، و نماز را برپا دارد، و زکات را بپردازد و جز از خدا نترسد. امید است چنین گروهی از هدایت یافتگان باشند.

۴. توبه، آیه ۱۸.

۵. مخزن العرفان در تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۴۵.

۶. تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۸۶.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در سال‌های تبعید در نجف، در مسجد شیخ انصاری، درباره همین تفاوت کلیدی مسجد و کلیسا به علما فرمودند: «اسلام برای اداره امور مملکت برنامه دارد. ممالک بزرگ را اداره می‌کند. بر رؤسای جمهور، سلاطین و دول اسلامی [لازم] است که اسلام را به عالم معرفی کنند تا مسیحی‌ها خیال نکنند که اسلام، چون مسیحیت و مسجد، مثل کلیسا است. وقتی نماز در مسجد برپا می‌شود... در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در زمان حضرت علی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ و در زمان دیگران، در روز جمعه در خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مُدُن مطرح می‌شد»^۱.

در «تفسیر کاشف»، در ذیل آیات ۱۷ و ۱۸ سوره توبه، آمده است: «در این آیات می‌بینیم که چگونه از آغاز، مسجد، پیوندی ناگسستنی با عبادت، فرهنگ، اقتصاد و سیاست دارد و چگونه ولایت مشرکان را بر مسجد الحرام لغو می‌کند. [خداوند در این آیات] اجازه نمی‌دهد سیاست را از اسلام و مسجد جدا سازند و اداره و عمارت مسجد و سقایت حجاج را کسی از مشرکان به دست گیرند؛ بلکه عمارت و ولایت مساجد خدا باید به عهده افراد با ایمان و متعهد و عامل به دستورهای اسلام (به ویژه نماز، زکات) باشد و آنها جز از خدا از کسی نترسند. با این آیات از زمان پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مسجد به صورت یک کانون عبادی سیاسی درآمد»^۲.

۴. سیاست و رسانه در مسجد

مسجد رسانه‌ای، بر تصور پیشین «مسجد سیاسی» مبتنی است. با عدم فرض مسجد سیاسی، تصور مسجد رسانه‌ای نامعقول است. «اگر روزنامه‌نگار و تشکیلات مطبوعاتی در چارچوب هنجارهای اجتماعی، اخلاقی و مدنی مسجد کار کند، این‌گونه مطبوعات به کانون آزادی و حرکتهای ضد ظلم تبدیل خواهد شد»^۳.

«اگر سیاست در مسجد است، چرا روزنامه‌نگاری و مطبوعات در سایه مسجد نباشد؟! مگر اطلاع‌رسانی و آگاهی [دهی]، جزئی از منبر و نماز جمعه نیست؟!... چرا مساجد که قلب جامعه سالمی را تشکیل داده، غیرانتفاعی بوده و در چارچوب یک مسئولیت و اخلاق اسلامی هستند، این مسئولیت رسانه‌ای جامعه اسلامی ایران را [به‌طور رسمی و] قانونی به دوش نگیرند؟!... با پیوند مسجد و مطبوعات به صورت یک مرکز اطلاعات و ارتباطات اجتماعی و همگانی، ما برای اولین بار موفق خواهیم شد که مطبوعات و حرفه روزنامه‌نگاری را از بستر نامشخص و منزوی، که به مدت بیش از یک‌ونیم قرن به صورت یک نهاد وارداتی

۱. روحانی سید حمید، نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۵۸.

۲. بی‌آزار شیرازی عبدالکریم، تفسیر کاشف، ج ۵، ص ۲۹۲.

۳. فیضی تبریزی کریم، پروفیسور مولانا طینین تعمد، ص ۲۵۶؛ کیهان، مقاله مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

از غرب [بوده] و در انحصار یک طبقه کوچکی از دولت‌مردان، روشنفکران و دلالان سیاسی و سوداگران رشد کرده، به خود مردم و جامعه برگردانیم و بستری مستحکم که بومی و اسلامی و منطبق با فرهنگ خودی است را برای این گونه رسانه‌ها ایجاد کنیم»^۱.

«در جامعه اسلامی، روزنامه‌نگاری یک نوع عبادت است و قرآن کریم، مسجد را خانه‌ای مقدّس، برای عبادت و جایگاهی برای ملاقات و اجتماع مردم می‌داند»^۲.

رهبر فرزانه (عجله) معتقدند که باید با برنامه‌ریزی صحیح و استفاده از ابزارهای فرهنگی، هنری، عمران معنوی مساجد را تقویت کرد و از ظرفیت شوق‌آوری و شورآفرینی مساجد برای جذب قشرهای مختلف مردم و تبلیغ مفاهیم و معارف اسلامی، بهره‌گیری کامل کرد.^۳

تاریخچه اجمالی از کارکرد رسانه‌ای مسجد

دائرة المعارف مختصر اسلام، درباره نقش رسانه‌ای مسجد می‌نویسد: مسجد به‌طور عامّ و منبر به‌طور خاصّ محلّی بود که اعلان‌های رسمی داده می‌شد.^۴

«پیدرسن»، با استفاده از اطلاعات مورخان اولیه اسلام می‌نویسد که نتیجه جنگ‌ها و برخوردهای

نظامی، به‌طور معمول در مساجد اعلام می‌شد و مشاوران جنگی در مسجد حضور داشتند.^۵ در سال‌های آغاز بعثت، به دلیل جوّ اختناق حاکم بر مکه امکان تبلیغ علنی برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) وجود نداشت تا این که با اسلام آوردن ارقم بن ابوقرم، خانه‌اش محلّی تبلیغی برای مسلمانان گشت. البته نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) و مسلمانان با اظهار گرویدنشان به اسلام، هر از چند گاهی در کنار کعبه به تبلیغ آئین‌شان می‌پرداختند و دامنه تبلیغ آنها در ایام حجّ گسترش می‌یافت.^۶ از این رو، کارکرد تبلیغی مسجد نسبت به آموزه‌های اسلامی را باید از مسجد قبا شروع نماییم. هر چند پیامبر (صلی الله علیه و آله) در هر فرصت مغتنمی در مسجد الحرام به تبیین اندیشه‌های اسلام می‌پرداختند؛ ولی این کار به‌طور کامل آزادانه نبود. البته کارکرد تبلیغی (اعم از اسلامی و غیراسلامی) مسجد الحرام به پیش از بعثت نیز مربوط می‌شود. اسلام آوردن شمار درخور توجهی از مسلمان در مکه به

۱. همان، ص ۲۵۵؛ کیهان، مقاله مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

۲. همان، ص ۲۵۶.

۳. بیانات رهبر معظم K دیدار با شرکت‌کنندگان در همایش هفته گرمی داشت مساجد، ۸۴/۵/۳۰، قابل دسترس در: <http://www.khamenei.ir>

۴. کارکرد مساجد، ص ۳۱۷.

۵. کارکرد مساجد، ص ۲۸۹.

۶. همان، ص ۶۸ که نقل کرده از: ابن جوزی، الوفاء باحوال المصطفی، مصر، دارالکتب الحدیثه، ج ۱، ص ۱۸۲.

دلیل همین تبلیغات پیامبر ﷺ بود. آن قدر صدای رسای تبلیغی پیامبر ﷺ در جان مخاطبان مؤثر واقع می‌شد که مشرکان دستور داده بودند گوش‌های خود را انباشته از پنبه کنند. طفیل بن عمرو یکی از این افراد بود. او سرانجام در کنار کعبه، نوای دلنواز رسول الله را شنید و ایمان آورد.

دامنه تبلیغی پیامبر در مسجدالحرام به شخص ایشان منحصر نمی‌شد. یاران او نیز از این رسانه عمومی برای نشر اسلام بهره می‌بردند. ابن هشام می‌نویسد: اولین کسی که پس از رسول خدا ﷺ در مکه، بانگ قرآن سر داد، عبدالله بن مسعود بود. او نزدیک مقام ابراهیم آمد و آیات اول سوره الرحمن را با صدای بلند تلاوت نمود.^۱

مسجدالحرام، محلّ اعلان اندیشه‌های شخصی نیز بود. عده‌ای، مانند ابوذر که می‌خواستند با اعلان باور خود به اسلام، اعضای دیگری را نیز به آن جذب نمایند، در مسجدالحرام حاضر می‌شدند و آوای شهادتین را سر می‌دادند.^۲

در زمان پیامبر ﷺ، رسم مسلمانان این بود که هر گاه حادثه مهمی رخ می‌داد، منادی ندا می‌داد: «الصلاة جامعة»، یعنی برای نماز در مسجد جمع شوید. این جمله برای مردم آن زمان معنایی خاص نداشت. مسلمانان از این ندا می‌فهمیدند که یک امر الهی مطرح است. ابن سعد در «الطبقات الکبری» به نقل از سعید بن مسیب گفته است: «پیش از تشریح اذان، مردم را با ندای «الصلاة جامعة»، به مسجد و نماز جماعت فرا می‌خواندند. پس از آنکه اذان تشریح شد با جمله مزبور مردم را در اوقات نماز برای کارهای مهم به مسجد فرا می‌خواندند».^۳

سنت پیامبر این بود که هر گاه مشکلات فکری و ناهنجاری‌های اجتماعی پیش می‌آمد، با حضور در مسجد و ایراد سخن به تنویر افکار عمومی می‌پرداخت. این سخنرانی‌ها به‌طور معمول پس از نماز جماعت انجام می‌گرفت و گاهی با ندای «الصلاة جامعة»، مردم در مسجد جمع می‌شدند و حضرت سخنرانی می‌کردند.^۴

در طول تاریخ اسلام، مسجد افزون بر «رسانه عمومی» بودن، یک «رسانه رسمی» نیز تلقی می‌شد. دولت‌ها و خلفا برای بیان دستورات خاص خود از این مجرا بهره می‌بردند تا هم جلوی شایعه‌ها را گرفته،

۱. کارکرد مساجد، ص ۶۹ که نقل کرده از: ابن هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۳۳۶.

۲. همان، ص ۷۰، که نقل کرده از: عاملی جعفر مرتضی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۱، ص ۲۶۳.

۳. همان، ص ۲۷۲، به نقل از: محمد بن سعد، الطبقات الکبری، بیروت، دار بیروت، ۱۹۸۵م، ص ۱۵۲.

۴. فرهنگ مسجد، ص ۲۰۹، به نقل از: السیره النبویه، ج ۴؛ سیمای مسجد، ج ۵، فصل ۸: شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۹؛ الکافی ج ۸، ص ۳۴۲، ح ۵۳۸ و ۵۶۴.

هم صحت خبر را تأمین کنند. جویریة بن اسماء، از قول اسماعیل بن ابی حکیم نقل می کند: پیش عمر بن عبدالعزیز بودیم، وقتی پراکنده شدیم، منادی او برای جمع شدن در مسجد ندا داد؛ به مسجد رفتیم؛ دیدم عمر بن عبدالعزیز بر منبر است. او نخست حمد و ستایش خدا را بر زبان آورد و سپس گفت: همانا خلفای اموی پیش از من، عطاهایی به ما داده اند که نه برای ما گرفتن آن روا بوده است و نه بخشیدن آن اموال به ما برای آنان جایز بوده است. من اینک می بینم که در آن مورد، کسی جز خداوند از من حساب نخواهد خواست و به همین سبب، نخست از خودم و سپس از خویشاوندان نزدیکم شروع می کنم. ای مزاحم بخوان! مزاحم، نامه هایی را شروع به خواندن کرد که همگی اسناد اقطاع در نواحی مختلف بود. آنگاه عمر بن عبدالعزیز آن قباله ها را گرفت و با قیچی ریزریز کرد و این کار تا هنگام اذان ظهر ادامه داشت.^۱

امام حسن (علیه السلام) از رسانه مسجد برای آگاه سازی مردم از خطر حمله معاویه، کمک گرفت. روای می گوید: لشکرها پیش معاویه جمع شدند و او همراه آنان آهنگ عراق کرد. خبر حرکت معاویه و رسیدن او به پل منبج به امام حسن (علیه السلام) رسید. امام حجرین عدی را گسیل فرمودند تا به کار گزاران و مردم، فرمان آماده شدن برای حرکت دهد و منادی هم برای جمع شدن مردم در مسجد ندا داد و مردم نیز با شتاب جمع شدند.^۲

این سنت، مختص دوره صدر اسلام نبود. عبدالوهاب می گوید: هنگامی که مخلد بن کداد علیه حکومت فاطمی شورید، سنی های قیروان (تونس) در مسجد بزرگ شهر جمع شدند و ضمن بحث درباره این شورش، تصمیم گرفتند با نیروی انسانی و اسلحه از آن حمایت کنند. در سال ۳۳۳ (ق.ه) هزاران جنگجوی سنی در مسجد قیروان جمع شدند و سپس به طرف المهدیه، پایتخت بنی میبد به راه افتادند.^۳

تبیین ابزارهای تبلیغی مسجد

مسجد، دارای ابزارهایی برای تبلیغ و اطلاع رسانی است. هر یک از این ابزارها با کارکردی ویژه در اطلاع رسانی، نقش ایفا می کند. منبر، دکه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی و خود ساختمان مسجد، به نوعی در تنویر افکار و آگاهی دهی نقش آفرینی می کنند. در این بخش، کارکرد هر یک از این موارد را به طور جداگانه تبیین خواهیم کرد.

۱. ساختمان مسجد

اگر محدوده رسانه را اعم از هر گونه آگاهی رسانی بدانیم، به طوری که رسانه هر گونه نیاز اطلاعاتی

۱. جلوه تاریخ، ج ۷، ص ۱۲۸.

۲. همان، ص ۳۲.

۳. ضرابی، عبدالرضا، کارکرد مساجد، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، ص ۲۸۹ و ۲۹۰؛ فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و

اردیبهشت ۱۳۷۹.

مخاطب را برطرف کند، در این صورت مسجد را نباید فقط از منظر تبلیغ دینی، یک رسانه دانست؛ زیرا کارکرد آگاهی‌دهی مسجد به مخاطبان فراتر از یک تبلیغ دینی بوده است. با این رویکرد، ساختمان مسجد، خود، یک مرکز اطلاع‌رسانی بوده است. منظور از ساختمان مسجد، معماری و نوع سازه به کار رفته در آن است که افراد ناآشنا و تازه وارد به شهر را، به محض اینکه چشمشان به آن می‌افتد، راهنمایی می‌کند و آگاهی می‌دهد. کارکردی که تابلوهای راهنمایی و رانندگی امروز ایفا می‌کنند، در گذشته، مساجد، این کارکرد را داشتند. مساجد، به دلیل داشتن معماری و نوع سازه خاص، افراد غیربومی را که وارد شهر می‌شدند به مرکز شهر هدایت می‌کرد؛ زیرا مساجد به‌طور معمول، در مرکز شهرهای اسلامی بود. بنابراین، غریبه‌ها با تعقیب مسجد، برای انجام کارهای خود به مرکز شهر راهنمایی می‌شدند. به عنوان مثال، برای انجام امور بازرگانی در یک شهر مساجد، اطلاع‌رسان خوبی بودند؛ زیرا به‌طور عموم، بازار در کنار مساجد بود. افرادی که در شهر و یا در طول راه مورد اجحاف قرار گرفته بودند به محض ورود به شهری، جهت اقامه دعوی، با ردگیری ساختمان مساجد، به مرکز قضاوت شهر رهنمون می‌شدند؛ زیرا دکه قضاوت، همواره در جنب مساجد بود. با توجه به هم‌جواری دارالخلافه با مسجد، نقش اطلاع‌رسانی مسجد، روشن‌تر می‌شود. بدین ترتیب، تازه واردها برای انجام امور اداری خود، از ساختمان مسجد کمک می‌گرفتند. در نهایت، مهم‌ترین اطلاعاتی که ساختمان مساجد در اختیار افراد تازه‌وارد قرار می‌داد این بود که این شهر، اسلامی است و یا حداقل یک شهر مسلمان‌نشین است. شاید از این روی بود که ساختمان مسجد را بلندتر از همه ساختمان‌ها می‌ساختند و نوع معماری به کار رفته در آن را متمایز از همه خانه‌ها انتخاب می‌کردند.

از دیگر کارکرد اطلاع‌رسانی ساختمان مسجد، یادمان‌سازی در محلّ جنگ‌ها یا محلّ نماز رسول الله ﷺ است. مشاهده این مساجد، خود، ذهن مخاطب را به سوی آن حادثه معهود، رهنمون می‌کند. ساخت مساجد سبعة در محلّ جنگ خیبر و ساختن مسجد در اماکنی که رسول الله ﷺ نماز خوانده بود، از این‌گونه مساجد هستند.

۲. مناره و مأذنه

از دیگر قسمت‌های مسجد که کارکرد رسانه‌ای دارد، مأذنه یا مناره است. مناره یا مأذنه، جایگاهی برای اعلام مراسم مذهبی، به خصوص برای دعوت مسلمانان با اذان به نمازهای پنج‌گانه است. مناره، کارکردهای متفاوت رسانه‌ای در طول تاریخ از خود نشان داده است که فراخواندن با اذان یکی از جلوه‌های آن بوده است. کارکردهای رسانه‌ای مأذنه عبارتست از:

الف) از جمله کارکردهای مناره، این بود که هر کس از هر گوشه‌ای که وارد شهر می‌شد، با دیدن مناره (به خصوص مناره‌های مسجد جامع)، می‌توانست مسیر رسیدن به مرکز شهر را طی کند.^۱

ب) این قسمت از مسجد، افزون بر راهنمایی افراد تازه وار به شهر (به دلیل ارتفاعش)، برای اعلان اوقات نماز نیز به کار می‌رفت. از این رو، فقها منظور از اذان را اعلان وقت نماز دانسته‌اند.^۲

د) از کاربردهای دیگر مناره یا مأذنه، اعلان حوادث مهم بوده است و به دلیل ارتفاع این محل، اخبار حوادث به گوش همگان می‌رسید. به طور معمول، باید از این محل هنگامی استفاده می‌کردند که حادثه غیر مترقبه‌ای به وقوع می‌پیوست؛ زیرا اخبار عادی را در اوقات دیگر که مردم در مسجد تجمع می‌کردند به گوش عموم می‌رساندند. این کارکرد اذان، در دوران نهضت انقلاب اسلامی ایران نمود خاصی داشت و برای فراخواندن عموم به مسجد، اذان سر می‌دادند. در دهه‌های چهل و پنجاه که به دلیل سلطه نظام سیاسی پهلوی بر وسایل ارتباط جمعی، نیروهای انقلاب از حق هر گونه فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بودند. مساجد، مناسب‌ترین رسانه ارتباط جمعی به منظور آگاهی بخشی به مردم و نیز مهم‌ترین پایگاه برای هدایت و سازمان‌دهی نیروی انقلاب به شمار می‌رفت... در حقیقت، مسجد، اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که امکان خبرگیری از تمامی وقایع وجود داشت. زمانی که مؤذن، اذن نابهنگام سر می‌داد، همگان می‌فهمیدند که حادثه‌ای مهم، اتفاق افتاده است و خود را به مسجد می‌رساندند تا از آن خبر مطلع گردند.

ه) از دیگر کاربردهای رسانه‌ای اذان، اعلام آغاز سخنرانی رسمی بود. هر چند این اذان ممکن بود در مأذنه سر داده نشود. استاد فروزانفر در این مورد می‌نویسد: در ممالک بنی‌العباس، برای اعلان سخنرانی و پیش‌مقدمه آن، مؤذنان به گفتن اذان هم‌آواز می‌شدند.^۳

غناي محتوي رسانه‌اي اذان از ناقوس كليسا و بوق يهوديان

اذان، برخلاف ناقوس کلیسا، دارای کلمات و جملات معنی‌دار و تداعی‌کننده خیرها و سرشار از کشش به عالم معناست. روزانه چندین بار مردم به سوی فلاح و رستگاری فردی و اجتماعی فراخوانده می‌شوند که تأثیر تربیتی مهمی دارد؛^۴ ولی ناقوس کلیسا حتی اگر از حیث قالب شبیه اذان باشد، به طور حتم، به دلیل نداشتن گزاره‌های پیام‌دار، نمی‌تواند تأثیر اذان در نفوس را داشته باشد.

۱. نوری، مهدی، کارکرد مساجد، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص ۴۵۵؛ فرهنگ اصفهان، ش ۱۲، پاییز ۱۳۷۸.

۲. المیسوط فی فقه الامامیه، ج ۱، ص ۶۹؛ المذهب، ج ۱، ص ۸۹؛ العروة الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۳. فروزانفر، بدیع الزمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص ۳۴۷ و ۳۴۸ که نقل کرده‌اند؛ مجیدی، عنایت‌الله، مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، تهران، نیل، ۱۳۵۱.

۴. نوری، مهدی، کارکرد مساجد، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص ۴۵۵؛ فرهنگ اصفهان، ش ۱۲، پاییز ۱۳۷۸.

جایگاه اذان در اندیشه اسلامی

الف) جواز، بلکه ترجیح اذان با صدای بلند

با اینکه در اسلام، بلند کردن صدا در مسجد نهی شده و از علایم آخر الزمان است؛ ولی به بلند کردن صدای اذان تأکید شده است. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: در حجة الوداع، خدمت رسول الله ﷺ بودم. وقتی پیامبر اعمال واجب حج را تمام کردند، برای وداع، به خانه کعبه نزدیک شدند؛ حلقه در خانه خدا را گرفتند و با صدای بلند (به طوری که همه اهل مسجد الحرام و بازاریانی که صدای او را شنیدند، اجتماع کردند) فرمودند: ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند، برسانید... سپس، به بیان حوادث آخر الزمان پرداخت. آنگاه، سلمان از علائم آن پرسید که رسول الله ﷺ در جواب فرمودند: آنگاه که منکرات در جامعه شمار و رواج یابد و در مساجد صدای شما بلند بشود.^۲ از طرف دیگر، فقها بلند کردن صدا در مسجد را به جز یک مورد مکروه دانسته‌اند. مورد استثنای فقها، بلند کردن صدا برای اذان است. امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگام اذان، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بلال دستور می دادند^۳ تا به بالای مسجد برود و با صدا بلند اذان بگوید.^۴ امام صادق علیه السلام می فرماید: هنگامی که اذان می گویی، با صدای بلند اذان بگو و صدایت را مخفی مکن؛ چرا که خداوند به میزان کشیدن صدایت، تو را پاداش می دهد.^۵

ب) فصاحت و آرامش دهی اذان

به دلیل اهمیت این رسانه (اذان)، فصیح بودن و درست گفتن جملات، وقف در آخر جملات با تأنی و آرامش، از شرایط آن است. قرار دادن دو دست بر گوش هنگام اذان، به قول ظریفی، به خاطر این است که مؤذن صدرا تا آنجا می تواند بکشد. البته، تا حدی که به گوشش آسیبی نرسد. یعنی، تا این حد صدرا می توان کشید.

ج) تکرار جملات اذان

حکایت نمودن جملات اذان، توسط شنونده در متون دینی مورد تأکید واقع شده است تا به دلیل هم نوایی،

۱. جهانگیری، یحیی، مساجد و مهدویت با رویکرد نقش مساجد در عصر ظهور، دفتر مطالعات و تحقیقات مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۱۰.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۲-۲۶۴.

۳. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۱: العروه الوثقی، ج ۱، ص ۶۰۰.

۴. این فعل مضارع، استمرار و همیشگی بودن دستور پیامبر را می رساند.

۵. تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۵۸، ح ۲۰۶.

۶. همان، ح ۲۰۵.

این نغمه و پیام الهی بر دل و جان مخاطب تأثیر بیشتری بگذارد.^۱

۳. اجتماعات در مسجد، رسانه‌ای چهره به چهره

مسجد، به خاطر این که کانون تجمّعات دینی و اجتماعی است، همواره کارکرد رسانه‌ای خاصّ خود را داشته است. در واقع، خود اجتماعات در مسجد، می‌تواند یک فعالیت رسانه‌ای مستقل به حساب آید. مسجد، محلّ گردهمایی روزانه، برای نمازهای جماعات و هفتگی، برای نماز جمعه است. این موضوع، افزون بر تجمّعاتی است که به صورت دینی و یا اجتماعی در مساجد رخ می‌دهد. اهمیت تجمّع این بود که آگاهی و اطلاع‌رسانی عمومی را موجب می‌شد. این تجمّعات، یک ویژگی خاصّ داشت و آن اینکه دهان به دهان و چهره به چهره نیز بود؛ یعنی هر کس خبری که داشت، به دیگری منتقل می‌نمود. شاید، تنها در رسانه مسجد است که مخاطبان فقط «مستمع» نیستند؛ بلکه خود، «گوینده» خبر نیز هستند. این ویژگی، در باورپذیری مخاطب یا مخاطبان به محتوای خبر بسیار مؤثر است؛ زیرا خبر، توسط یک منبع رسمی اعلان نمی‌شود که احتمال محافظه‌کاری (سانسور) وجود داشته باشد؛ بلکه از یک منبع غیررسمی اعلان می‌شود.

بی‌جهت نیست که متون دینی، تأکید فراوانی بر حضور در اجتماعات دینی در مساجد دارند. به عنوان نمونه، در حدیثی از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «أَمَا جَعَلَتِ الْخُطْبَةَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لَانَ الْجُمُعَةِ مُشْهَدًا عَامًّا، فَارَادَ أَنْ يَكُونَ لِلْإِمْرِ سَبَبًا إِلَى مَوْعِظَتِهِمْ، وَتَرْغِيبِهِمْ فِي الطَّاعَةِ وَتَرْهِيْبِهِمْ مِنَ الْمَعْصِيَةِ وَتَوْقِيفِهِمْ عَلَى مَا أَرَادَ مِنْ مَصْلَحَةِ دِينِهِمْ وَدُنْيَاهُمْ وَيُخْبِرُهُمْ بِمَا وَرَدَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْأَفْئِقِ مِنَ الْأَهْوَالِ الَّتِي لَهَا فِيهَا الْمَضْرَةُ وَالْمَنْفَعَةُ... وَأَمَّا جَعَلَتِ خُطْبَتَيْنِ لِيَكُونَ وَاحِدَةً لِلثَّنَاءِ عَلَى اللَّهِ وَالتَّمْجِيدِ وَالتَّقْدِيسِ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالأُخْرَى لِلْحَوَائِجِ وَالأَعْذَارِ وَالأَنْذَارِ وَالدُّعَاءِ وَلَمَّا يَرِيدَانِ يَعْلَمُهُمْ مِنْ أَمْرِهِ وَنَهْيِهِ مَا فِيهِ الصَّلَاحُ وَالفَسَادُ؛ خُطْبَةٌ، بِهِ أَيْنَ دَلِيلٌ، فِي رُؤُوسِ جُمُعَةٍ تَشْرِيعٌ شَدِيدٌ أَسْتَكْبَرَتْ عَلَيْهِمْ، يَكُونُ بِرِئَاسَتِهِمْ عَامَّةً، خُطْبَةٌ، يَكُونُ بِرِئَاسَتِهِمْ عَامَّةً، خُطْبَةٌ، يَكُونُ بِرِئَاسَتِهِمْ عَامَّةً...»^۲

فقیه زمان شناس، امام خمینی رحمته الله علیه، با درک این حقایق در تحریر الوسیله در مسئله ۹ می‌فرماید: «بینی لالإمام الخطيب أن يذكر في ضمن خطبته ما هو من مصالح المسلمين في دينهم و دنياهم و يجبرهم بما جرى في بلاد المسلمين و غيرها من الأحوال التي لهم فيها المضرة أو المنفعة و ما يحتاج المسلمون إليه في المعاش و المعاد

۱. بهائی، حسین عاملی، العروة الوثقى، ج ۱، ۶۰۸-۶۰۹.

۲. تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۱۳۸.

والأمور السياسية والاقتصادية مما هي دخيلة في استقلالهم وكيانهم و كيفية معاملتهم مع سائر الملل و التحذير عن تدخل الدول الظالمة المستعمرة في أمورهم سيما السياسية والاقتصادية المنجر إلى استعمارهم واستثمارهم وبالجملة الجمعة وخطبتها من المواقف العظيمة للمسلمين كسائر المواقف العظيمة مثل الحجّ و المواقف التي فيه و العيدين وغيرها و مع الأسف أغفل المسلمون عن الوظائف المهمة السياسية فيها و في غيرها من المواقف السياسيّة الإسلامي؛ سزاوار است که خطیب جمعه، در خطبه جمعه از مصالح دینی و دنیایی مسلمانان صحبت کند. [خطیب جمعه باید مسلمانان را] از آنچه که در بلاد مسلمان و غیر مسلمان از منافع مضرات بر آنها می‌گذرد، آنچه که مسلمانان در معاد و معاش نیازمند آن هستند، امور سیاسی و اقتصادی که در استقلال و کيان آنها دخیل است، چگونگی تعامل با سایر کشورها، هشدار به دخالت دولت‌های ستمگر و استعماری در امور مسلمانان به خصوص در امور سیاسی و اقتصادی‌ای که منجر به استعمار و استثمار مسلمانان می‌شود، خبر دهد. خلاصه، نماز جمعه و دو خطبه آن، از جایگاه بلندی در میان مسلمانان به مانند حجّ و موقوف آن و نماز عیدین و... برخوردار است. متأسفانه مسلمانان، این وظایف سیاسی را چه در نماز جمعه و غیر آن، فراموش کرده‌اند».^۲

۴. منبر، رسانه‌ای گفتاری

مشهودترین بخش رسانه‌ای مسجد، منبر است. سخنرانی‌های رسمی، و عظه‌های اخلاقی و اعلان خلافت، همه و همه از این رسانه به گوش همگان می‌رسید. شاید به خاطر پُررنگی رسانه‌ای این بخش از مسجد است که عده‌ای، از پرداختن به مناره و ساختمان مسجد و... غفلت کرده‌اند و فقط به رسانه منبر پرداخته‌اند. در لغت، درباره واژه منبر می‌خوانیم: «منبر، محلّ مرتفع، یرتقیه الخطیب او الواعظ یکلم منه الجمع، سمی به لارتفاعه و کسرت المیم علی التشبیه بالآله؛ منبر، مکان بلندی است که واعظ و خطیب از آن بالا می‌رود و به وعظ و خطابه می‌پردازد. همچنین، مکسور بودن آن به دلیل تشبیه به اسم ابزار است».^۳

به روایت دائرة المعارف مختصر اسلام، مسجد به طور عامّ و منبر به طور خاصّ، محلّی بود که در آنجا اعلان‌های رسمی داده می‌شد... و لید (خلیفه اموی)، مرگ دو حاکم برجسته را از منبر به اطلاع [عموم] رساند... نتایج جنگ‌ها در خطبه‌ها به آگاهی [عموم] می‌رسید... در دوران فاطمیان و عباسیان نیز اعلان‌ها، فرمان‌ها، احکام مالیاتی و مانند اینها به وسیله فرمانروا در مسجد اصلی اعلان می‌شد... احکام عزل و نصب صاحب‌منصبان عالی‌رتبه نیز از بالای منبر خوانده می‌شد... مردم بسیاری برای شنیدن اعلام رسمی گرد

۲. تحریر الوسیله، ج ۱، ص ۲۳۵.

۳. منجد الطلاب، ذیل واژه منبر.

می‌آمدند. در طول تاریخ اسلام، این رسانه نقش آفرینی فراوانی داشته است. علامه عسگری می‌نویسد: منبر نقش با اهمیتی در نبردهای بین امام علی (علیه السلام) و معاویه داشت.^۱

خطابه در مسجد، جنبه رسمی داشت و مخصوص خلفاء و والیان بود. نشستن بر منبر نیز در اوایل عهد خلافت مخصوص خلفا بود. در غیر مسجد هر کس می‌توانست سخنرانی کند.^۲

به باور برخی از محققان دیگر، طبقات مختلف مردم بر اساس علاقه‌شان از موضوع بحث خطبه (اعم از سیاسی یا دینی و اخلاقی و اقتصادی و وعظ و رثاء و تهنیت و حماسه و...) استفاده می‌کردند.^۳

پس از رحلت پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله)، ابوبکر در مسجد النبی بالای منبر رفت و اعلان خلافت نمود. دو سال بعد، عمر نیز با رفتن به فراز منبر، ضمن برشمردن فضائل سلف خود، خلافت خود را اعلام نمود.^۴

والیان، بر همان روش خلیفه در پایتخت با مسجد رابطه داشتند و ورود قراردادی خود را به محل ولایت با صعود به منبر... آغاز می‌کردند.^۵

تشنیع دشمنان حاکم وقت، از بالای منبر از طرف اموی‌ها مرسوم گشت. بعد از آن، به نام حاکم خطبه خواندن و در حق حاکم دعا کردن رواج یافت.^۶

از آنجا که مسجد یک رسانه رسمی به حساب می‌آمد، اخبار رسمی دولت‌ها و خلفا نیز از مسجد و منبر اعلان می‌شد. به خاطر گستره رسانه‌ای منبر بود که تهدیدها و تشویق‌های دولت و بخشنامه‌های صادره، در مسجد اعلان می‌شد. ابن ابی الحدید به استناد، نقل می‌نماید: «زیاد در منبر مشغول خطابه بود که اهل کوفه سنگ انداختند. وی قصد کرد خانه‌هایشان را ویران کند و درختان خرما را ببرد. مردم را در مسجد جمع کرد تا ایشان را به برائت از علی (علیه السلام) و ادار کند.^۷ جالب آن که تکذیب همین دستور نیز بر فراز منبر اعلام شد. عبدالرحمن بن سائب انصاری گوید: من هم با خویشاوندان خود در آنجا بودم... کسی از قصر آمد و گفت: برگردید؛ امیر می‌گوید امروز مشغولم».^۸

برخلاف کارکرد رسانه‌ای منبر که در مطالب گذشته مطرح شد، منبر هنوز توجه جامعه‌شناسان را به

۱. کارکرد مساجد، ص ۳۱۶، به نقل از: سید مرتضی عسگری، «عایشه در زمان معاویه»، ترجمه فارسی، ص ۹۵.

۲. فروزانفر، بدیع الزمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص ۳۴۷، که نقل کرده از: مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱.

۳. یادنامه دومین کنگره، ص ۲۳۸.

۴. کارکرد مساجد، ص ۳۱۵ که نقل کرده از: احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ترجمه از عربی به فارسی، ص ۲ و ۲۰.

۵. همان، ص ۳۱۶.

۶. همان.

۷. مدرس وحید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۲۶.

۸. همان.

عنوان یک رسانه عمومی (medium of public communication) به خود جلب نکرده است.^۱

منبر در کلیسا

«pulpit» در مسیحیت، شبیه منبر است؛ ولی در حقیقت، نمونه مشابه و شناخته شده منبر همان «Ambo» است که میز مخصوص قرائت کتاب مقدس و یا سکوی خطابه در کلیساهای قرون میانه است و همچون تخت اسقف اعظم در کلیساهای روم باستان بود. در میزهای کلیساهای قبلی، سادگی موجود در ساخت منبرها نیز به چشم می خورد. قسمتی به صورت مثلث قائم‌الزاویه پله‌داری در گوشه دیوار قرار داشت؛ اما منبری قبل از اوایل قرن نهم به جای مانده است. بنابراین، نمی توان گفت که ارتباط دقیقی میان ساخت منبر در میان مسلمانان و نوع مشابه آن در مسیحیت وجود داشته است.

تشریفات رسانه منبر

و عطا، در قرن پنجم و ششم، منصب مهم و مورد توجه عوام و خواص واقع گردید. علما و فقهای طراز اول عالم اسلام به آن مباحثات می ورزیدند و لقب «واعظ»، یکی از القاب شریف به شمار می رفت.^۲ خطبا دارای تشریفات خاص و نیز لباس ویژه‌ای بودند. خطیب، در ممالک بنی العباس، لباس و عمامه سیاه با طراز زر و طلایان مشکی می پوشید و شمشیر می آویخت و پیشاپیش او دو علم سیاه می بردند.^۳ یکی هم که تازیانه‌ای موسوم به فرقه در دست داشت، جلو می رفت. گاهی هم یکی از مؤذنان، شمشیر خطیب را همراه می برد. وقتی که نزدیک منبر می رسید، آن را حمایل می کرد و خطیب در هر یک از پله‌های منبر، پاشنه شمشیر را برای اعلام شروع [سخنرانی]، سخت می کوفت و... مؤذنان به گفتن اذان هم‌آواز می شدند و... در بعضی از سرزمین‌ها، رسم خطبا با آنچه گذشت، مختصر تفاوتی داشت. خطبای خراسان، فقط دراعه می پوشیدند و در موقع صعود [به منبر] بر شنوندگان سلام نمی دادند.^۴

چنان که سیره پیغمبر بود، در مجالس به دو زانو می نشستند و دست‌های خود را به روی زانو به حال تشهد می گذاشتند یا آنکه زانو را بر آورده و دست‌ها را حلقه‌وار به زانو می افکندند و از چهارزانو نشستن که رسم و

۱. کارکرد مساجد، ص ۳۱۱.

۲. فروزانفر، بدیع الزمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص ۳۵۰ که نقل کرده از:

مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت‌الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱.

۳۰ همان، ص ۳۴۷ که نقل کرده از: مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت‌الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱ که خود نقل نموده از: رحله بن جیبیر، مصر، صص ۲۵ و ۶۷ و ۶۹.

۴. همان منبع، ص ۳۴۷ و ۳۴۸.

آئین جباران بود، اجتناب داشتند... اولین فرد از صوفیان که هنگام وعظ و بیان معارف بر کرسی نشست، یحیی بن معاذ رازی بود.^۱

و عاظ قرن ششم به تحقیق، تشریفات داشتند و در پیش منبر آنان کرسی‌هایی نهاده می‌شد. قاریان مخصوص، بر فراز آن پیش از شروع وعظ به تلاوت قرآن هم‌آهنگ می‌گردیدند و پس از آن، و عاظ به فراخور دانش خود، به تفسیر یکی از آیات می‌پرداختند.^۲

منبر، رسانه پاسخگو

استاد فروزانفر می‌نویسد: در قرن ششم در میان وعظ، بر گه‌هایی از سؤال را مردم به واعظ می‌دادند و واعظان هم همان دم یا در پایان وعظ، پاسخ می‌دادند.^۳

منبر، رسانه‌ای معنوی

صرف نظر از جنبه ظاهری رسانه منبر که در مکان مرتفع است، این رسانه، یک تأثیر معنوی نیز داشت؛ زیرا خواندن خطابه و وعظ، نمادی روحانی و معنوی و مورد توجه بزرگان اسلام بوده است. شاید این بیان رسول الله ﷺ اشاره به همین مقام بلند معنوی باشد که وقتی بر فراز منبری که برای ایشان ساخته بودند، رفتند، فرمودند: این منبر من بر ترعه‌ای از ترعه‌های بهشت قرار دارد و پایه‌های آن در بهشت استوار است.^۴ هنرمندان اسلامی، برای تجلی دادن معنویت و قداست حاکم به منابر، دست به نقش و نگارهای دینی زدند. البته در این راه، هیچ‌گاه از حریم شریعت فاصله نگرفتند؛ زیرا هدفی که از این رسانه دنبال می‌شود، القای پیام دینی است و نباید در این راه به ابزار هنری غیردینی دست زد.

انتخاب پله منابر بر مبنای اعداد، توجیه نمادین داشت و برگرفته از معارف اسلامی بوده است. به عنوان مثال، انتخاب عدد هفت، نمادی از هفت آسمان و هفت زمین و عدد نه، کنایه از عرش‌های علی و فلک نهم است.^۵

۱. مکی ابوطالب، قوت القلوب، مصر، ج ۲، ص ۴۷.

۲. رحله ابن جبیر، مصر، ص ۱۹۸.

۳. فروزانفر، بدیع الزمان، کارکرد مساجد، مساجد و مدارس اسلامی و چگونگی تعلیمات و تشکیلات آن، ص ۳۴۷ که نقل کرده از: مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، عنایت الله مجیدی، تهران، نیل، ۱۳۵۱ که نقل کرده از: رحله ابن جبیر، مصر، ص ۱۵۸ و ۲۰۰؛ تاریخ ابن خلکان، ج ۲، صص ۵۵ و ۱۲۳.

۴. شیخ صدوق، معانی الأخبار، ص ۲۶۷.

۵. محمدی، ذکر الله، کارکرد مساجد، تاریخ و جایگاه منبر در مسجد، دوماهنامه مسجد، ش ۳، ص ۳۶۶.

طرح‌هایی که در منابر به کار می‌رفت، به‌طور عموم، اشکال هندسی بود که در داخل آنها، نقوش اسلیمی و اشکال نباتی نیز به کار می‌رفت. هنرمندان اسلامی در منابر از تصویرگری و چهره‌نگاری پرهیز می‌کردند.^۱

شیوه‌های اطلاع‌رسانی رسانه منبر

۱. خسته‌کننده و ملال‌آور نباشد

عبدالله بن مسعود، از چهره‌های علمی در روزگار پیامبر ﷺ، می‌گوید: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ يَتَخَوَّلُنَا بِالْمَوْعِظَةِ فِي الْأَيَّامِ كِرَاهَةِ السَّامَةِ عَلَيْنَا؛ رسول خدا ﷺ از آن رو که مبادا ما (شنوندگان) خسته و ملول شویم، فقط در برخی از روزها ما را موعظه می‌فرمودند».^۲

درباره مدّت زمان سخنرانی‌های پیامبر ﷺ در مسجد، با استناد به شواهد روشنی که در این زمینه در دست است، می‌توان گفت: مدّت این سخنرانی‌ها به‌طور معمول، کوتاه بوده است. آنچه از خطبه‌های پیامبر ﷺ در دست است، نشان می‌دهد که مدّت زمان سخنرانی‌های آن حضرت از چند دقیقه تجاوز نمی‌کرده است. مراعات اعتدال، حتی در خطبه‌های نماز جمعه نیز که از سوی آن حضرت ایراد می‌شد، مورد توجه قرار می‌گرفته است. در «سنن» ترمذی آمده است که پیامبر ﷺ در نماز جمعه و خطبه‌های آن، جانب اعتدال را مراعات می‌کرده است.

ابن عباس با پیروی از این رهنمود رسول خدا ﷺ، مجلس موعظه‌ای داشت که روزهای پنجشنبه هر هفته برگزار می‌نمود. با این که برخی به او پیشنهاد دادند تا آن را همه روز برپا کند، او ضمن امتناع از پذیرش، پاسخ داد: می‌ترسم این کار مایه خستگی شما شود. من نیز مانند رسول الله ﷺ، شما را به‌طور همیشگی و پیوسته موعظه نخواهم کرد؛ زیرا پیامبر ﷺ از ترس اینکه مبادا ما خسته شویم، هر روز ما را موعظه نمی‌نمود.

در «معالم القرية» از بخاری و او نیز از ابن مسعود نقل می‌کند که مردی به رسول خدا گفت: من به خاطر ضعف و ناتوانی، به نماز جماعت فلانی حاضر نمی‌شوم؛ زیرا او نماز را طولانی برگزار می‌کند. پیامبر ﷺ در این مورد [به‌گونه‌ای] سخنرانی فرمودند که من هرگز او را در حال سخنرانی، این چنین خشمگین ندیده بودم. برخی از شما، مردم را گریزان می‌سازید. باید از طولانی کردن نماز بپرهیزید؛ چرا که در نماز جماعت افراد ناتوان، بزرگسال و نیز کسانی که کار و مشغله دارند، یافت می‌شود.^۳

۱. همان.

۲. رواه البخاری فی کتاب العلم، باب: ما کان النبی ﷺ یتخولهم بالموعظه و العلم.

۳. کار کرد مساجد، ص ۷۶ که نقل کرده از: ابن‌خوّه، معالم القره فی احکام الحسبه، ترجمه جعفر شعار، ص ۲۶۶.

به طور یقین، از عوامل و نشانه‌های دیگر جذابیت و اثرگذاری سخن، آن است که به حداقل اکتفا و بهترین سخن برگزیده شود. پُرگویی و طولانی سخن گفتن، علاوه بر اینکه به تدریج انسان را از مقصود و غرض اصلی دور می‌کند، پیامدهای فراوانی دارد که از جمله آنها «ماللت و رنجش» مخاطبان است. چنان که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الاکثارُ اضجار؛ پرگویی، آزرده کننده است»^۱.

بنابراین، مسئولان فرهنگی مساجد، اعمّ خطبا و ائمّه جماعات و جمعه باید توجه داشته باشند که موارد مالل آور و آنچه موجب گریز از مسجد می‌شود، به نماز جماعت طولانی منحصر نمی‌شود؛ بلکه جلسات پی‌درپی مذهبی و سخنرانی و مداحی‌های طولانی نیز ممکن است بار منفی داشته باشد. پس، هر چه که گریز از مسجد و حتی خستگی مخاطبان این رسانه عمومی را موجب می‌شود، از منظر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، محکوم و مطرود است و همین امور، یکی از علل گریز مردم، به ویژه جوانان از مساجد است.

۲. آسان‌گیری

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دیگران را به آسان گرفتن در تبلیغ و موعظه سفارش می‌نمودند: «یَسِّرُوا وَلَا تَعْسِرُوا وَلَا تَشِّرُوا وَلَا تَنْفِرُوا؛ آسان بگیرید، سخت گیر نباشید، بشارت بدهید و مردم را گریزان نسازید»^۲.

۳. استفاده بهینه از رسانه منبر در اوقات فراغت

کُتب سیره، بر این مطلب گواهانند که جلسات سخنرانی در مساجد پس از نماز صبح و شام بیش از دیگر نمازها بود؛ زیرا در وقت ظهر و عصر، بیشتر مردم مدینه به کارهای خود، مانند کشاورزی و دامپروری و... می‌رسیدند. بامدادان و شامگاهان، فرصت بهتری برای تبیین احکام و عقاید اسلامی بود. با توجه به این سنت اسلامی، در تابستان و ایام فراغت و تعطیلی باید مساجد فعال تر بشود.

۴. تبلیغ با ادبیات مخاطبان

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز با مردم به اندازه عقل خود سخن نگفتند و فرمودند: ما پیامبران، ما موریم که با مردم به اندازه عقل و فهمشان سخن بگوییم»^۳.

۱. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۲۱۲.

۲. ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۸۱.

۳. مجلسی محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱، ص ۸۵.

آن حضرت، دیگران را نیز به رعایت این امر مهم در عرصه تبلیغ توصیه می‌کردند. ابن عباس از حضرت پرسید: آیا می‌توانیم آنچه از شما می‌شنویم، برای دیگران نقل کنیم؟ پیامبر ﷺ پاسخ فرمودند: آری! جز این که سخن با گروهی در میان بگذارید که خردشان، توان فهم آن را نداشته باشد و گر نه، گمراهی عده‌ای را موجب می‌شوید.^۱

مهم‌ترین ویژگی‌های منحصر به فرد رسانه مسجد

هر چند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، نقش تبلیغی مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است؛ ولی به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آنها در تمام نقاط شهری و روستایی و حرمت، قداست و معنویت خاصی که این مکان مقدس نزد مخاطبانش دارد، از سوی دیگر، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و انکارناپذیر خود را نسبت به کارکرد تبلیغی، همچنان حفظ نماید. با توجه به گستردگی رسانه‌های دیجیتال و... که بیشتر اطلاعات را وارونه و خلاف واقع نشان می‌دهند تا به مطامع خود دست یازند، باید در توسعه این کارکرد مساجد کوشید؛ زیرا آنچه مخاطبان از این رسانه مقدس می‌گیرند، برای آنها قابل‌باور است.

بر اساس سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، از میان مکان‌های مذهبی کشور، مساجد با ۷۳ درصد بیشترین رقم را به خود اختصاص داده است. در شهر تهران، از کل ۶۲۴۵ مورد مکان مذهبی، ۴۴۹۱ مورد مسجد است.^۲

لازمه حفظ اطمینان مخاطبان به این رسانه قدسی، وابسته نکردن آن به احزاب و گروه‌های خاص سیاسی، پرهیز واعظان از غیر واقع جلوه دادن حقایق و مهم‌تر از همه روزآمد بودن اطلاعات واعظان (و همه دست‌اندرکاران تبلیغی مسجد، مثل گروه روزنامه‌دیواری و...) است. نقطه قوت این رسانه سنتی آن است که همچنان استوارتر از قبل به وظیفه خود در آگاهی‌بخشیدن درست به مخاطبان عمل خواهد نمود. برخی از ویژگی‌های مهم رسانه مسجد نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، به شرح ذیل است:

۱. تقدم تاریخی رسانه مسجد

اگر ساخت مسجد، یعنی کعبه را مربوط به زمان آدمی (ع) بدانیم، سابقه تاریخی وجود مسجد، هم‌زاد با تاریخ بشر است. این حقیقت تاریخی در آیات قرآنی نیز مورد تأیید قرار گرفته است: «إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ؛ نخستین خانه‌ای که برای مردم (و نیایش خداوند) قرار داده شد،

۱. کتانی عبدالحی، نظام الحکومت النبویة، ج ۲، ص ۲۲۲.

۲. حجت‌الاسلام حشمتی، مصاحبه با روزنامه «ابرار»، تاریخ ۱۳۷۹/۱۲/۷.

همان است که در سرزمین مکه است که پر برکت و مایه هدایت جهانیان است.^۱ در آیه فوق، قرآن می گوید اگر کعبه به عنوان قبله مسلمانان انتخاب شده است، جای تعجب نیست؛ زیرا این، نخستین خانه توحید است و با سابقه ترین معبدی است که در روی زمین وجود دارد. هیچ مرکزی پیش از آن، مرکز نیایش و پرستش پروردگار نبود؛ خانه‌ای است که برای مردم و به سود جامعه بشریت، در نقطه‌ای که مرکز اجتماع و محلی پر برکت است، ساخته شده است. تاریخ و منابع اسلامی هم به ما می گوید که خانه کعبه به دست آدم علیه السلام ساخته شد و سپس در طوفان نوح آسیب دید و به وسیله ابراهیم خلیل علیه السلام تجدید بنا شد.^۲

نشان کارکرد رسانه‌ای اولین مسجد را از زمان ابراهیم علیه السلام در روایات می توان یافت. در روایتی در تفسیر «علی بن ابراهیم» می خوانیم: هنگامی که ابراهیم، دستور اعلان حج را دریافت نمود، عرض کرد خداوندا، صدای من به گوش مردم نمی رسد! خدا به او فرمود: «علیک الاذان و علی البلاغ؛ تو اعلام کن و من به گوش آنها می رسانم». ابراهیم، بر محل «مقام» برآمد و انگشت در گوش گذارد و رو به سوی شرق و غرب کرد و صدازد: «ایها الناس کتب علیکم الحج الی البیت العتیق فاجیبوا ربکم؛ ای مردم، حج خانه کعبه بر شما نوشته شده، دعوت پروردگارتان را اجابت کنید» و خداوند صدای او را به گوش همگان، حتی کسانی که در صلب پدران و رحم مادران بودند، رسانید و آنها در پاسخ گفتند: لبیک اللهم لبیک...^۳

نکته مهم آنکه، خود تقدّم تاریخی در نگاه قرآنی قابل تجلیل است. با این رویکرد، مسجد همچنان رسانه برتر خواهد بود؛ زیرا در آیه ۹۶ آل عمران، نخستین فضیلتی که برای خانه کعبه ذکر شد، همان سابقه طولانی آن است.

۲. مسجد، رسانه‌ای گوینده و شنونده

در بخش ابزارهای تبلیغی مسجد گفتیم که خود اجتماعات در مسجد، می تواند یک فعالیت رسانه‌ای مستقل به حساب آید. مسجد افزون بر تجمعاتی است که به صورت دینی و یا اجتماعی در مساجد رخ می دهد، محلّ گردهمایی هفتگی برای نماز جمعه و روزانه برای نمازهای جماعات است. همواره تجمّع، آگاهی و اطلاع رسانی عمومی را باعث می شود. از ویژگی های تجمّعات، دهان به دهان و چهره به چهره بودن آن است. یعنی، هر کس که خبری داشت به دیگر منتقل می نمود. شاید تنها در رسانه مسجد است که

۱. آل عمران، آیه ۹۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۱۰.

۳. برای توضیح بیشتر درباره مدارک این موضوع در آیات و روایات ر. ک به: تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳۰.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۹؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸.

۵. تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۶۹؛ نور الثقلین، ج ۳، ص ۴۸۸.

مخاطبان، فقط «مستمع» نیستند؛ بلکه خود «گوینده» خبر نیز هستند. این موضوع در باور پذیرى مخاطب یا مخاطبان نسبت به محتوای خبر، بسیار مؤثر است؛ زیرا خبر توسط یک منبع رسمی اعلان نمی‌شود که احتمال محافظه‌کاری (سانسور) وجود داشته باشد؛ بلکه از یک منبع غیر رسمی اعلان می‌شود. رهبر معظم عنه‌السلام در این خصوص می‌فرماید: «عرصه حضور روحانیت، مسجد و منبر و مواجهه با مردم است و روحانیت نباید از این عرصه جدا شود»^۱.

۳. مسجد، رسانه‌ای جذاب و تأثیرگذار

ویژگی یکپارچگی و هم‌طرازی و نیز دسته‌جمعی بودن در مسجد، به گونه‌ای است که «دائرة المعارف بریتانیکا»، در تعریف مسجد از آن کمک می‌گیرد و به دلیل برجسته بودن این ویژگی مسجد، نتوانسته است از آن چشم‌پوشی کند. «مسجد، واژه‌ای عربی است. در اسلام محلّ نماز و دعا و محلّ عبادت است. آن هم به منزله مرکز عبادت دسته‌جمعی، که در آن، همه به‌طور یکسان در برابر خداوند قرار می‌گیرند»^۲. همگرایی، جذب افراد را موجب می‌شود و از این مرحله فراتر، باعث ادغام و عضویت دیگران نیز می‌گردد. پس از این مرحله است که تأثیر این رسانه چندین برابر فزونی می‌یابد. سه مرحله «جذب»، «ادغام» و «تأثیر» در رسانه مسجد، به تمام معنا متبلور است. افراد، با شرکت در مناسک جمعی، عقاید مذهبی خود را درونی‌شده یافته و در مراسم، حسّ همبستگی، [شکل] گروهی گرفته و ارتقاء می‌یابد.^۳ از این رو، شاید تنها رسانه، مسجد است که به معنای واقعی کلمه، «رسانه جمعی» است. تمام وسایل ارتباط جمعی، نوعی ارتباط غیر حضوری با مخاطب برقرار می‌کنند. این ارتباط غیر حضوری برخلاف جذائیت‌های فراوانش، حالت تصنعی داشته و به‌طور حتمی، دارای ارتباط عمیق با مخاطبان نیست.

تأکید اسلام بر جماعت، تنها در جستجوی احوال دیگر مسلمانان و... خلاصه نمی‌شود؛ بلکه خود این رفتار جمعی در شکل دهی به رفتار فردی جمع و نیز ترغیب دیگران به عضویت در جمع، کمک می‌کند. این امر، بهترین راه ارتباطی با مخاطب و نیز مؤثرترین ابزار نفوذ (نه تنها در فکر و قلب، بلکه) در رفتار است. نفوذ در قلب‌ها به مراتب، اقتداری افزون‌تر از نفوذ در افکار ایجاد می‌کند. رسانه‌های مورد تأکید در فرهنگ اسلامی که مسجد، واعظ، منبر و اذان، نمونه مهمی از آن است، بر محور این نکته می‌گردد که در این مدل رسانه‌ای ارتباط انسان با انسان، تماس حضوری است. این شیوه ارتباطی، در تسخیر افکار به خصوص، تصرف قلب‌ها به مراتب مؤثر است.

۱. از بیانات رهبر معظم در دیدار با جمع کثیری از علماء، فضلاء و روحانیون کشور، ۱۳۸۶/۲/۲۶، قابل دسترس در: <http://www.leader.ir>

۲. دائرة المعارف بریتانیکا، ذیل واژه Mosque

۳. ضرابی، عبدالرضا، کارکرد مساجد، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹، ص ۲۸۳.

شاید، راز این که گفته می‌شود اقامه هر رکعت نماز در مسجد جامع، معادل ۱۰۰ رکعت و در مسجد محلّه معادل ۲۵ و در مسجد بازار معادل ۱۲ رکعت ذکر شده است، نوع کارکرد رسانه‌ای و منبع موثق و میزان جامع‌الاطراف بودن آنها باشد؛ زیرا در مسجد محلّه، فقط اخبار محلّ و در مسجد بازار فقط اخبار تجاری بیان می‌شود. در واقع، نوع مردمی که به این مساجد می‌آیند، طیف خاصی هستند؛ یعنی در مسجد محلّه به‌طور معمول، اهالی محلّ و در مسجد بازار، اهل بازار حاضر می‌شوند؛ اما در مسجد جامع، همه نوع مردم در آن حضور دارند. به همین دلیل، هرگونه اخباری درباره همه مناطق، در مساجد جامع گزارش داده می‌شود.

۴. مسجد، رسانه خودی

رسانه مسجد، به خاطر عدم وابستگی به طاغوت و به تعبیری غیرانتفاعی بودن و نیز متناسب بودن آن به خدای متعال، همواره از قداست برخوردار بوده است. همه این مؤلفه‌ها در باوراندان مسجد به عنوان رسانه خودی، بسیار مؤثر بوده است. پروفیسور حمید مولانا، استاد برجسته علم ارتباطات می‌گوید: «در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است. در حالی که روزنامه و مطبوعات، اغلب یک پدیده غیر خودی را در بین مردم به وجود آورده‌اند». بنابراین، اعتماد عمومی به این رسانه در طول تاریخ اسلام، بیش از اعتماد به هر رسانه دیگر بوده است. این حقیقت در نهضت انقلابی اسلامی، به‌طور کامل متجلی بود. استاد مولانا در این مورد نیز می‌نویسد: «در طول تاریخ اسلامی ایران، مساجد، یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد، بزرگ‌ترین، متنقدترین و مردمی‌ترین رسانه جمعی و کلامی بوده است. مسجد، در طول تاریخ تمدن اسلامی، توانست برای نخستین بار، اطلاعات شفاهی و مکتوب بشریت را به صورت یک واحد اطلاعاتی، علمی، فرهنگی و دینی به مردم عرضه کند».^۲

مسجد، نهادی غیر گروهی و سازمانی (سازمان به معنای اصطلاحی) است. به دلیل غیرسازمانی بودن، به شدت مردمی است و امکان تسلط دیکتاتورها بر آن به کمترین حدّ می‌رسد. در عین غیرسازمانی بودن، دارای تشکیلاتی منظم است و مخاطبان به هم مرتبط‌اند.

۵. مسجد، رسانه اطلاع‌رسانی صرف نیست

در تمام نظریه‌های ارتباطی، رسانه جمعی، وظیفه‌اش اطلاع‌رسانی و ارسال پیام است. در این بینش،

۱. فیضی تبریزی کریم، پروفیسور مولانا طینین تعهد، ص ۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

۲. همان.

باید افکار عمومی به سمت خاصی که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند دنیا خواستار هستند، سوق داده شود و رفتار جمعی بر اساس الگوهایی که ارائه می‌شود، شکل گیرد تا به این ترتیب، ثبات اجتماعی در راستای اهداف سرمایه‌داری جهانی حفظ گردد.

بدیهی است در این نظریه، انسان ابزاری بیش نیست؛ ولی دیدگاه رسانه‌ای اسلامی، انسان را نه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطلاع او می‌رسد، نمی‌نگرد؛ بلکه به منزله مخاطبی می‌داند که آگاهی به او، به‌ویژه تعالی او، همواره مورد توجه است. میان تعالی و آموزش و تربیت انسان، تا به دست گرفتن افکار عمومی، تفاوت وجود دارد. از این رو، در مسجد، اخباری که بزهکاری اجتماعی را بالا ببرد، یا آبروی فردی ریخته شود یا موجب نشر فساد در جامعه بشود و... هیچ‌گاه مطرح نمی‌شود؛ همان چیزی که متأسفانه در رسانه‌های امروز رعایت نمی‌شود. بنابراین، کارشناسان علوم تربیتی، کودکان را از تماس بیش از حد با تلویزیون، رادیو و ماهواره، پرهیز می‌دهند؛ زیرا این رسانه‌های به جای سالم‌سازی جامعه، هرگونه بی‌بندباری و رفتارهای غیراخلاقی را در قالب ادعای اطلاع‌رسانی، ترویج می‌دهند.

۶. مسجد، رسانه‌ای همه‌جانبه

مسجد، تنها یک رسانه شنیداری نیست؛ بلکه خود معماری، اعمال دینی و اهل مسجد نیز در تبلیغ مفاهیم دینی مؤثرند. از این رو، باید مسجد را اعم از یک رسانه سمعی و حتی بصری به شمار آورد؛ زیرا آنچه مخاطب می‌شنود و یا می‌بیند، یک حالت تصنعی و بازیگری ندارد؛ بلکه یک حقیقتی برخاسته از دل مؤمنان است. این موضوع در تأثیرگذاری بر مخاطبان و باوراندن آنها به مفاهیم مورد تبلیغ مسجد، اثربخش‌تر است.^۱ در بخش ابزارهای تبلیغی مسجد، گفتیم که مناره مسجد و اذان آن، ساختمان مسجد، منبر و وعظ آن و... همه در انتقال پیام معنوی یک رسانه‌اند؛ ولی دیگر ساختمان، و... رسانه‌های امروزی این توان را ندارند. در بخش ابزارهای رسانه‌ای مسجد، به تفصیل در این مورد سخن گفته‌ایم.

۷. مسجد، رسانه تصویری

در طول تاریخ، از مسجد، تنها به عنوان «رسانه شنیداری»، بهره نمی‌بردند؛ بلکه گاهی این رسانه را به «رسانه سمعی و بصری» نیز مبدل می‌کردند تا اثربخشی بیشتری داشته باشد. هنگامی که عثمان به وسیله مخالفان خلافتش به قتل رسید، معاویه که از طرف عثمان، حاکم شام بود، برای آنکه حضرت علی (علیه السلام) را

۱. رضائیان، مجید، کارکرد مساجد، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، دومه‌نامه مسجد، ش ۶، ص ۱۳۲.

به دست داشتن در قتل عثمان، متهم کند، پیراهن خون آلود عثمان را در کنار منبر مسجد دمشق آویخت. آنگاه مدعی شد که انتقام خون عثمان بر عهده اوست. در همین راستا، تنبیه مجرمین نیز هر از چند گاهی در مسجد انجام می گرفت.^۲ گاهی نفرین به اصحاب پیامبر ﷺ را بر دیوار مساجد بغداد می نوشتند.^۳ پیامبر اکرم ﷺ برای تبیین اهمیت حقوق الناس، افزون بر بیانات گهر بارش، به صورت دیداری نیز اهمیت آن را در مسجد به مردم گوشزد می نمود. حضرت، در اواخر عمر شریف در مسجد فرمودند: آنکه او را بر من حقی باشد بپاخیزد و قصاص بکند؛ زیرا قصاص در دنیا از قصاص آخرت به من محبوب تر است. سواده بن قیس پیش آمد و گفت: پدر و مادرم به فدایت! روزی که از طایف می آمدی و من به استقبال شما آمدم؛ در حالی که شما سوار بر ناقه «غضباء» بودی، در دست مبارکتان «قضیب ممشوق» بود. همین که خواستی ناقه را بزنی، تازیانه به بدن من اصابت کرد. پیامبر ﷺ فرمودند: «معاذ الله ان اکون تعمدت؛ به خدا پناه می برم از اینکه این [کار] را عمدی کرده باشم». سپس به بلال فرمودند که از منزل فاطمه ﷺ همان قضیب ممشوق را بیاورد. بلال در بیرون مسجد ندا می داد: کیست آنکه قبل از قیامت قصاص بدهد؟ این است پیامبر اکرم از خویش قصاص می دهد. بلال، به در خانه فاطمه ﷺ آمد و قضیب ممشوق را خواست و آن را به محضر پیغمبر ﷺ آورد. حضرت، آن مرد را فراخواند. سواده بن قیس از پیامبر ﷺ خواست که پیراهنش را کنار بزند. همان دم، شیخ [سواده بن قیس] گفت: یا رسول الله، اذن فرما شکمت را ببوسم. سپس، لب به شکم پیغمبر نهاد و گفت: از آتش جهنم به موضع قصاص (از شکم) پیامبر ﷺ پناه می برم. پیامبر ﷺ دوباره فرمودند: یا سواده، می بخشی یا قصاص می کنی؟ سواده گفت: یا رسول الله، می بخشم. پیغمبر ﷺ فرمودند: خدا یا سواده را ببخش، چنان که پیامبرت را بخشید.^۴

حُسن ختام این بخش، حدیثی گران سنگ از مولود و شهید مسجد، حضرت علی ﷺ است که به کار کرد رسانه ای مسجد اشاره دارد. آن حضرت می فرماید: «مَنِ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ؛ أَخَا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ، أَوْ عِلْمًا مُسْتَطَرَفًا أَوْ آيَةً مُحْكَمَةً أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّ عَلَى هُدًى، أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَن رَدِي، أَوْ يَتَرَكُ ذَنْبًا حَشِيئَةً أَوْ حَيَاةً؛ كَسَى كَيْفَ بِه مَسْجِدَ رَفْتٍ وَأَمَدٍ مِي كُنْد، يَكِي اَز مَنَافِعِ هَشْتِ گَانِه نَصِيْبِ اَو مِي شَوْد؛ بَرَادَرِي مَغِيْدِ بَا اَرزَشِ دَر رَاهِ خُدا يَا عِلْمِ وَ دَانَشِ نُو يَا دَلِيْلِ وَ بَرَهَانِ مُحْكَمِ [بَرای تَثْبِيْتِ عَقَائِدِ] يَا كَلِمَاتِي كِه مَوْجِبِ هِدَايْتِ شَوْد [مِي شَنُوْد] يَا رَحْمَتِ مَوْرِدِ اَنْتِظَارِي [شَامِلِ حَالِ اَو مِي شَوْد] يَا مَوَاعِظِي

۱. کارکرد مساجد، ص ۳۱۶.

۲. ضرابی، عبدالرضا، کارکرد مساجد، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین واردیبهشت ۱۳۹۹، ص ۲۹۰.

۳. همان.

۴. مدرس وحید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۷۹.

که او را از فساد و گناه باز دارد، [می‌شنود،] یا به خاطر ترس یا حیا و آبروی خود، گناهی را ترک می‌کند.^۱ این حدیث، به امتیازات رسانه مسجد، به نیکی اشاره دارد. برخی از این موارد بر شنیداری بودن این رسانه و مورد آخر نیز به تأثیر رفتار جمعی و بصری بودن این رسانه تأکید دارد.

مساجد رسانه عمومی تخصصی

ساخت مساجد تخصصی

تصور ابتدایی از مسجد، غیر تخصصی بودن آن را می‌رساند؛ اما عمومی بودن در مقابل انحصاری بودن است، نه تخصصی بودن. امروز در عین داشتن رسانه‌های بین‌المللی، برخی از رسانه‌ها در صدد اطلاع‌رسانی خاص برآمده‌اند؛ مثل برخی اخبار آذری زبان‌ها، اخبار بازار تجارت و برخی... را عرضه می‌کنند.

ساخت مساجد تخصصی، مثل مسجد بازار، مسجد محله یا مسجد اقوام خاص، مثل مسجد زنجانی‌های مقیم مرکز و... در راستای نیل به این هدف بوده است که مساجد بتوانند نقش رسانه تخصصی را بازی نمایند. این موضوع، در کنار مساجد جمعی است که نقش اخبار عام را دارد. امروز نیز در رسانه‌های جهان از این رویکرد عمومی و تخصصی بهره می‌گیرند. در کنار داشتن اخبار عمومی، ساعاتی را نیز برای اخبار تخصصی، مثل اقتصادی، مذهبی و... اختصاص می‌دهند تا مخاطبان خاص خود را نیز از دست ندهند.

در گذشته، مساجدی در کنار مدارس ساخته می‌شد تا دانش‌آموخته‌گان در مساجد از اخبار تخصصی مورد نظر خود بهره‌مند گردند. همچنین، در بازار، مسجدی بنا می‌کردند تا در آن به یادگیری فقه التجاره، پیردازند. ساخت مسجد محله برای اطلاع‌یابی و خبررسانی در حوزه حوادث محله و بررسی مشکلات آن، از این قبیل بوده است. عده‌ای غیربومی یک شهر، برای حفظ اتحاد خود و نیز خبریابی و خبررسانی درباره همدیگر، به ساخت مساجد محله‌ای اقدام می‌کردند.

هرچند عده‌ای از تعلق مسجد به گروه خاص، مثل مسجد کرمانی‌ها و... گله‌مندند و معتقدند که اگر در برخی محلات تهران می‌گویند، این مسجد کرمانی‌هاست، این مطلب اثر دافعه خودش را دارد.^۲ با این وجود، به عقیده نگارنده، این ویژگی، تخصص‌گرایی در عین عمومی بودن است و این به آن معنا نیست که به مسجد بازار، افراد غیربازاری حق ورود ندارند؛ بلکه تأسیس چنین مسجدی، در راستای تشویق اهل بازار به حضور در آن مسجد، برای کسب اخبار تخصصی حوزه تجارت بوده است.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۳.

۲. حجت‌الاسلام حشمتی، مصاحبه با روزنامه ابرار، ۱۳۷۹/۱۲/۷.

کارکرد تخصصی مساجد همراه با کارکرد عمومی

مسجد، بیت عتیق و آزادی است که جز خدا، مالکی ندارد. از این رو، مکانی انحصاری نیست. این موضوع را نباید با تخصصی کردن کارکرد مساجد، خلط نمود. از ابتدای تاریخ اسلام، مساجد در عین عمومی بودن، از فعالیت تخصصی آموزشی، سیاسی، نظامی و حتی برنامه‌های ویژه زنان، بی‌بهره نبوده است. رسانه‌های امروزی که در عین عمومی و در دسترس بودن برای همه، از تخصصی بودن هم بی‌بهره نیستند و دارای برنامه‌های خاص کودکان، علمی، تفریحی و... هستند.

در عصر رسالت، بحث‌های آموزشی در مسجد، به عنوان رسانه آموزشی، انجام می‌گرفت. «در اصل، معنای فنی مدارس، تا قرن چهارم شناخته شده نبود»^۱.

در متون دینی می‌خوانیم که گاهی افراد سؤال می‌پرسیدند، ولی اهل بیت علیهم‌السلام برای نشر پاسخ به همگان، به سؤال کننده، به تنهایی جواب را ندادند، بلکه ندا می‌دادند تا همه در مسجد حاضر شوند و از پاسخ آن مطلع گردند. کسی به حضرت علی علیه‌السلام گفت: یا امیرالمؤمنین، پروردگار را برای ما طوری توصیف کن که گویا او را با چشم خود می‌بینیم. امام علی علیه‌السلام از این سخن به خشم آمد و مردم را در مسجد جمع کرد و در ضمن سخنان خویش که معروف به خطبه اشباح است، فرمودند: «آنچه را قرآن در اوصاف خدا بیان کرده است، از آن پیروی کن و از نور هدایت آن، نور کسب نما و آنچه شیطان به فکر تو می‌آورد و در قرآن و کلام رسول و امامان نیست، علم آن را به خدا واگذار. بدان که راسخون در علم کسانی هستند که اقرار به جهل، آنها را از ورود به عالم غیب کفایت کرده است و خدا اعتراف به جهل آنها را، رسوخ در علم نامیده است. و اعلم ان الراسخين في العلم هم الذين اغناهم عن اقتحام السدد المضروبة دون الغيوب، الاقرار بجملة ما جهلوا تفسيره من الغيب المحجوب... و سمي تركهم التعمق... رسوخا»^۲.

امام علی علیه‌السلام در کنار این اطلاع‌رسانی تخصصی، آنجا که ضرورت بود باید در مسجد در انظار همگان قرار می‌گرفت تا موجب تنویر افکار عمومی گردد. امام در نامه‌ای به مالک اشتر، دستور می‌دهد که در صورت حدوث خطائی، جهت زدودن تشویش خاطر عموم، در حضور مردم در مسجد حاضر شود و ضمن اعتراف به خطا از مردم بپوزش بطلبد. در این نامه می‌خوانیم: «بسم الله الرحمن الرحيم، این فرمانی است که بنده خدا علی، امیرالمؤمنین، به مالک پسر حارث نخعی، معروف به اشتر عطا می‌کند و به موجب آن، فرمانداری کشور مصر و خزانه خراج آن را به او می‌سپارد و نیز اختیارات سپاه اسلام را که در آنجا متمرکزند تحت فرمان او

۱. کارکرد مساجد، ص ۱۱۲.

۲. مفردات نهج البلاغه، ج ۱، ص ۴۴۶، خطبه ۹۱.

می گذارد... اگر روزی در طی انجام وظیفه به اشتباه، از حدود حق، پای بیرون گذاری و ملت مصر از لغزش تو آگاه شوند، بر خطای خود اعتراف کن و در مسجد صلاهی عام بده و در دم و بی پروا از جامعه پوزش بخواه»^۱.

تعامل رسانه‌های دیگر با مسجد

ابزارهای اطلاع‌رسانی، برای دستیابی به اعتماد مخاطبان و اقبال آنان، به هر وسیله‌ای دست می‌یازند؛ اما یکی از بهترین راه‌های جذب اعتماد عمومی، وابسته‌سازی این رسانه‌ها به مساجد است. مسجد، به دلیل داشتن شاخصه‌های خاص، همواره مقبول مسلمانان بوده است. از این رو، در حوادث اجتماعی مسلمانان، اقبال عمومی مردم به مسجد، برای درک حقیقت ماجرا را بیشتر می‌بینیم. در نهضت‌های اسلامی علیه استکبار، برخلاف شبکه‌های اطلاع‌رسانی دیگر، مسلمانان اخبار خود را از مساجد می‌گرفتند. این همه اعتماد به مسجد، ناشی از قداست، خودی بودن، سابقه تاریخی خوش در اطلاع‌رسانی است. بنابراین، صاحب‌نظران علم ارتباطات، مثل پروفیسور مولانا، آبر تهیّه و شروع مطبوعات از مساجد، تأکید دارند؛ زیرا مطبوعات یا جریده‌ای که از یک کانون قداست، خودی و خوش سابقه در عرصه اطلاع‌رسانی، صادر شود، به‌طور کامل، مورد اقبال جامعه است.

اسلام در کنار مسجد، استفاده از وسایل نوین رسانه‌ای، مثل روزنامه و جراید، رادیو و تلویزیون، آمفی تئاتر و... را نیز نفی نمی‌کند. همچنین، پروفیسور حمید مولانا بر این باور است که اینها باید در کنار مسجد باشد؛ زیرا مخاطبی که مسجد را محلّ نیایش یا آرامش روحی خود برگزیده است، آن را کانون هدایت انسان می‌شمارد و این تلقی از مسجد، با طرز تلقی از دیگر ابزار تبلیغی که در کنار مسجد و همراه با مسجد است، همسان خواهد شد. در آن صورت است که تأثیر آنها بر مخاطب، بیشتر خواهد بود.

اكتفا نمودن به وسایل تبلیغی سنتی، لازم است؛ ولی کافی نیست؛ زیرا اگر همه ابزارهای تبلیغی از آن مسجد باشد، تأثیر گذاری آنها بیشتر خواهد بود. این موضوع، خود رسانه‌ها را در رسیدن به اهدافشان یاری خواهد نمود.

میزان موفقیت کارکرد وسایل ارتباط جمعی، وابسته به مقدار موفقیت آنها در برقراری ارتباط با انسان هاست. این موضوع مهم، تنها با قالب‌های نوین و جذاب مفید نخواهد بود؛ بلکه محتوای پیام نیز در این مورد نقش مهمی دارد. واکنش رفتار جمعی انسان‌های یک جامعه، در برابر پیامی که به آنها می‌رسد، به خوبی نشان می‌دهد که مرکز ارسال پیام و ابزار ارسال آن پیام، چه اندازه در القای پیام موفق بوده‌اند.

۱. نهج البلاغه، س‌خنان علی (علیه السلام) ص ۲۲۷-۲۲۴.

۲. فیضی تبریزی، کریم، پروفیسور مولانا طنین تعهد، نشر شکوفه یاس، ص ۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

با نیم‌نگاه مقایسه‌ای، به پیشینه موفقیت‌آمیز رسانه مسجد و دیگر رسانه‌ها، این را درمی‌یابیم که با وجود پیشرفته بودن رسانه‌های دیگر نسبت به مسجد، این کانون الهی در پیام‌رسانی به مخاطبان موفق‌تر از آنها بوده است. سالیان متمادی، غرب در ایران کوشید تا با ارسال پیام و القای فرهنگ مورد نظرش، با گسترش مراکز مطبوعاتی، سینمایی، انجمن‌ها و محفل‌های متعدّد ارتباطی، به سلطه خویش همچنان ادامه دهد؛ اما در انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، پایگاه‌های ارتباطی مورد تأکید انقلاب، مانند مساجد و تشکّل‌های مذهبی توانستند با وجود برخورداری از شکل سنتی، در ارسال پیام به سرعت بر رسانه‌های ارتباط جمعی پیشرفته غرب در ایران، فایق آمده و واکنشی خلاف آنچه آنها انتظار داشتند، از خود نشان دهند.^۱

در دنیای امروز که همه رسانه‌ها در کنترل صهیونیسم و باندهای قدرت سیاسی اقتصادی است، ضرورت حفظ کارکرد رسانه‌های مساجد، به عنوان مکان‌های مردمی و آزاد، اهمیتی چند برابر دارد؛ زیرا تنها این رسانه است که می‌تواند صدای مستضعفان را فریاد بزند. حفظ کارکرد رسانه‌های مسجد، اکتفا به روش‌های گذشته نیست؛ بلکه با مسجدی کردن رسانه‌های مدرن نیز می‌توان به این اهداف نایل آمد. در آن صورت، اهمیت تقویت این رسانه عمومی بیش از گذشته اهمیت پیدا می‌کند؛ در حالی که امروز رسانه‌های قدرتمند با مسجد در حال رقابت هستند. اگر مساجد دیروز به این وظیفه اطلاع‌رسانی و تبلیغ مشغول بودند، رُقبایی نبود که جوانان را جذب کند و از مسجد گریزان سازد؛ ولی اکنون، باید مسجد را ضمن توانمندسازی رسانه‌ای، پرنفوذتر کنیم.

باید دقت نمود که در کشور اسلامی، رسانه‌های مدرن، رقیب مسجد و در عرض مسجد نباشند؛ بلکه یار مسجد و در طول آن قرار بگیرند؛ زیرا رفتار آنها اگر از کارکرد رسانه‌ای مسجد بکاهد مصداق «منع مساجد» خواهند بود. منع نمودن مساجد از ذکر حق تعالی، به دو روش صورت انجام می‌شود: اول، اینکه با قهر و سلطه مؤمنان را از دخول در مساجد، منع می‌نمایند. دوم، آنکه به سبب برخی کارها و جذابیتهای مؤسّسات غیردینی، آنها مردم را از ورود در مساجد، باز می‌دارند. هر چند با نگاه سطحی «منع از مساجد» شامل دسته دوم نمی‌شود، اما «شخص عاقل و زیرک، با تدبّر و تأمل درمی‌یابد که این گونه امور نیز در منع اشخاص دارای ضعیف ایمان از مساجد دخالت خواهد داشت».^۲ البته، آیه منع مساجد، هر چند هم، شأن نزول خاصی داشته باشد، در مقام بیان یک حکم کلی است و در مورد تمام افراد و یا گروه‌هایی است که مردم را از رفتن به مساجد و انجام عبادات به هر دلیل منع کنند و باعث ویرانی مساجد شوند. ما در تاریخ، نمونه‌هایی

۱. رضائیان، مجید، کارکرد مساجد، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌های مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، دومهانامه مسجد، ش ۶، ص ۱۳۳.

۲. تفسیر اثناعشری، ج ۱، ص ۲۳۶.

از آن را دیده‌ایم که گاهی به خاطر اهداف سیاسی، مساجد را بسته‌اند و یا گروه خاصی را از ورود به آن منع کرده‌اند.^۱ نکته مهم این که خراب نمودن مسجد تنها با بیل و کلنگ نیست؛ بلکه هر برنامه‌ای که از رونق مسجد بکاهد، تلاش در خراب کردن آن است.^۲

رسانه‌های مسجدی، مقبول جامعه

مسجد، به دلیل دارا بودن ویژگی‌های خاص، بر دل‌های مردم حکمرانی می‌کند. مسجد، به دلیل قداستی که دارد، در بین مردم، به صدق بیان، شهرت یافته است و به علت وابسته نبودن به دولت و احزاب، یک رسانه مردمی و به عبارت دیگر، خودی است. مسجد، به خاطر داشتن سابقه‌ای نیک در اطلاع‌رسانی، مورد سوءظن مردم نیست. بنابراین، رسانه وابسته به مسجد، در باور عموم، صادق‌القول، مردمی و غیر تحریف‌گراست؛ چیزی که رسانه‌ها با هزینه‌های کلان به دنبال دست یافتن به آن هستند. استاد مولانا در این مورد می‌گوید: «در طول تاریخ اسلامی ایران، مساجد، یکی از مهم‌ترین مراکز ارتباطات همگانی بوده است. در تاریخ اجتماعی و در فرهنگ ایران، مسجد، بزرگ‌ترین، متنقدترین و مردمی‌ترین رسانه جمعی و کلامی بوده است. در مردم‌شناسی ارتباطی ایران، مسجد، یک واژه و جایگاه خودی است. در حالی که روزنامه و مطبوعات، بیشتر یک پدیده غیر خودی را در بین مردم به وجود آورده‌اند. مسجد، در طول تاریخ تمدن اسلامی توانست برای نخستین بار اطلاعات شفاهی و مکتوب بشریت را به صورت یک واحد اطلاعاتی، علمی، فرهنگی و دینی به مردم عرضه کند».^۳

دکتر حمید مولانا، مدیرت مساجد بر مطبوعات را «الگوی جدید» مدیریت مطبوعات می‌داند. «مطبوعات ما موقعی اصیل، اسلامی، مردمی، ملی و محلی به معنای واقعی خواهد بود و به عنوان «الگوی جدید» مورد توجه دیگران قرار خواهد گرفت که بنیاد مالکیت و اهداف آن از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، در مهم‌ترین نهاد مکتبی و مذهبی جامعه اسلامی قرار گیرد. چنین پایگاهی، مساجد هستند. به‌طور خلاصه، ما باید مطبوعات را به مساجد بفرستیم و مسجد باید در هر شهر و قصبه، مرکز انتشار روزنامه یا مجله آن ناحیه در سطح محلی یا ملی شده و حرفه روزنامه‌نگاری، مطبوعاتی و استعداد نویسندگان، خبرنگاران و هنرمندان، همانند استادان دانش قرون گذشته، در مساجد و مؤسسات وابسته به آنها متمرکز شوند».^۴

۱. کوثر، ج ۱، ص ۳۳۲.

۲. تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۸۶.

۳. فیضی تبریزی، کریم، پروفیسور مولانا طین تعهد، ص ۲۵۵؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

۴. همان.

متأسفانه در جهان اسلام، مطبوعات تجربه وابستگی به احزاب و... را که در غرب ناکارآمد است، می‌آزمایند. از این رو، با وجود قوانین مطبوعاتی، همچنان در این عرصه ناموفق هستیم. به این دلیل که هیچ‌گاه مطبوعات را با ظرفیت‌های اسلامی و ایرانی همخوان نکرده‌ایم. برای دست‌یابی به مطبوعات مطلوب جامعه اسلامی، باید استراتژی تعریف نمود. این امر، به زعم صاحب‌نظران علم ارتباطات، در وابستگی به مطبوعات به مساجد، خلاصه می‌شود.

برای ایجاد یک نظام وسیع مطبوعاتی بومی و اسلامی که با مردم‌سالاری اسلامی تطابق داشته و تا حد امکان از آسیب و ضررهای موجود در نظام‌های مطبوعاتی متداول در دنیا مصون باشد، چه باید کرد؟ ما [در ایران] قانون مطبوعاتی داریم؛ ولی یک استراتژی و برنامه ملی نداریم که جایگاه مطبوعات را در جامعه و نظام اسلامی، مستحکم و مردمی کند. ما باید از تجربه تلخ نظام‌های مطبوعاتی دو قرن گذشته و امروزی دنیا، درس بیاموزیم و شالوده یک نظام مطبوعاتی اسلامی بومی را طرح‌ریزی کنیم که در آن، مردم مشارکت کنند؛ اما به یک اصلاحات انقلابی و عظیم و به یک تصمیم‌گیری قاطع و به یک برنامه جامع احتیاج داریم که فراسوی تزئینات و وضع معلق کنونی باشد.^۱

رسانه‌های مسجدی، صداقت در اطلاع‌رسانی دارند

صداقت در اطلاع‌رسانی، حلقه مفقود دنیای رسانه‌ای امروز است. با وجود گسترش کمی بی‌شمار رسانه‌ها و مطبوعات، تردید و انکار وجود دارد که عموم، به صدق گزارشات آنها اذعان نمایند. نویسندگانی که در رسانه‌ها می‌نویسند، باید خود متخلق به اخلاق باشند. تأکید اندیشمندان بر اخلاق در جامعه، ناشی از درک این واقعیات تلخ است. قلم به‌دستانی که برای رسیدن به مادیات، حاضر به تحریف هر حقیقتی هستند. به همین دلیل است که باید محیط مرکز اطلاع‌رسانی، خود محیط اخلاقی و دینی باشد تا فرد حاضر در آن مکان، نویسنده را از نوشتن هر مطلب نادرستی بازدارد. بی‌شک، خبرنویسی که در مسجد، خبر می‌نویسد، نمی‌تواند به تحریف واقعیات بپردازد.

بنابراین، از دیگر پیامدهای مبارک وابستگی مطبوعات به مساجد این است که اقبال عمومی به این رسانه‌ها نیز افزایش می‌یابد؛ زیرا نویسندگان و گویندگان این رسانه‌ها، افرادی متعهد هستند که جز حق چیزی را ننگارند و بیان نکنند.

۱. فیضی تبریزی، کریم، پروفیسور مولانا طینین تعهد، ص ۲۵۴؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

اهالی رسانه مسجد، اخلاقی اند

مسئولیت‌شناسی و رعایت موازین اخلاقی توسط اهالی رسانه، در دست رساندن پیام به مخاطب، با محیطی که در آن انجام وظیفه می‌کنند، رابطه مستقیم دارد.^۱ مسجد به عنوان محلّ نظارت حاکم عادل، خدای قهار، نویسنده را از تحریف حقایق باز می‌دارد؛ همان چیزی که امروز، در برخی رسانه‌ها، یک ترند و حتی یک راهبرد برای رسیدن به اهدافشان است. اگر روزنامه‌نگار احساس کند که در کجاست، در نظارت جدی و بدون چشم‌پوشی خدای پاداش دهنده و جزا کننده قرار دارد؛ دیگر هر آنچه را که می‌خواهد، نمی‌نویسد، بلکه هر آنچه را که هست، می‌نگارد.

مسجد، به عنوان رسانه مقدّس بر دل‌ها نفوذ دارد. در این راستا، باید از نیروهای متدین و اخلاقی در مدیریت این رسانه بهره برد. لازمه حفظ این اطمینان مخاطبان به این رسانه قدسی، وابسته نبودن آن به احزاب و گروه‌های خاصّ سیاسی است. آن وقت است که این رسانه سنتی همچنان، مورد اعتماد مردم خواهد بود.

در قرآن، همه به عمران مساجد مأمور شده‌ایم. اگر عمران عامّ است و خاصّ کارهای ساختمانی مسجد نمی‌شود، در عرصه رسانه مسجد نیز باید کوشید. قرآن مجید برخی افراد را از عمران مسجد باز داشته است. پس، روشن می‌شود که هر کسی را نباید به مدیریت رسانه مسجد و رسانه‌های مسجدی، گمارد. بنابراین، متولیان و پاسداران مساجد نیز باید از میان پاک‌ترین افراد انتخاب شوند؛ نه اینکه افراد ناپاک و آلوده به خاطر مال و ثروتشان یا به خاطر مقام یا نفوذ اجتماعی خود (چنان که در بسیاری از نقاط متأسفانه رایج شده) بر این مراکز عبادت و اجتماعات اسلامی گمارده شوند؛ بلکه باید تمام دست‌های ناپاک را از تمام این مراکز مقدّس کوتاه ساخت. از آن روز که گروهی از زمامداران جبار و یا ثروتمندان آلوده و گنهکار به ساختمان مساجد و مراکز اسلامی دست یازیدند، روح و معنویت و برنامه‌های سازنده آنها مسخ شد. به همین دلیل می‌بینیم که بسیاری از این گونه مساجد، شکل مسجد ضرار را به خود گرفته است.^۲

در طول تاریخ اسلام، مسلمانان جایگاه منبر را بسیار مقدّس می‌شمردند. در نگاه آنان، خطیبی که بر فراز منبر می‌رفت، در واقع، در جای شخصی بلندمرتبه، مانند رسول الله ﷺ می‌نشست و این نگرش، اقتضا می‌کرد که این شخص خود را متخلّق به ویژگی‌های آن بزرگوار بنماید. بنابراین، اگر افراد نالایقی، این رسانه مقدّس را تصرّف می‌کردند، مورد اعتراض مردم متدین واقع می‌شدند و علما و شعرا و... به تقبیح و هجو آنان اقدام می‌کردند.

۱. فیضی تبریزی، کریم، پروفیسور مولانا طین تعهد، ص ۲۵۶؛ کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۷.

هرچند این رسانه مقدّس، هر از چند گاهی دست ناهلان افتاد؛ ولی این سبب نشده است که اعتماد مردم به این رسانه سنتی، کاهش یابد. از تصاحب این جایگاه مقدّس توسط معاویه گرفته تا تلاش استکبار نوین در استحاله رسانه‌ای مساجد و استفاده از این مقام مقدّس در راستای اهداف شوم خود، همه و همه نشان از قدرت نفوذ معنوی این رسانه دینی است. شعرا نیز هر از چند گاهی در ابیات خود، از این تسلط مستکبران بر این رسانه مستضعفان، به تلخی یاد کرده‌اند.

فتح‌علی خان صبا می گوید:

گام بر منبر احمد زده اکنون بوجهل

تکیه بر مسند مهدی زده اینک دجال

سنایی نیز چنین سروده است:

حسرت آن را کی بود کز دخمه زی دوزخ رود

حسرت آن را به دوزخ از سر منبر برد

نکته جالب آن که رسول مکرّم ﷺ مسجدی را که ناهلان به مدیریت آن اقدام نمودند، تخریب کرد؛ مثل: مسجد ضرار. آن حضرت، اگر این رسانه را گاهی در ابتدا به دست کسی می سپرد که شایسته‌تر از او فرد دیگری می یافت، حتی این مسئولیت را از فرد قبلی پس می گرفت و به شخص لایق تر می سپرد. وقتی آیات سوره برائت نازل شد، رسول خدا ﷺ آن را به ابوبکر داد تا به مکه ببرد و در روز عید قربان برای مردم قرائت کند. ابوبکر به راه افتاد؛ ولی بی درنگ، جبرئیل دستور آورد که این مأموریت را از ناحیه تو (رسول خدا) و مردی جز از خاندان خودت، نباید انجام دهد. رسول خدا ﷺ، امیرالمؤمنین (علیه السلام) را به دنبال ابوبکر فرستاد و امام در محل «روحاء» به وی رسید و آیات نام برده را از او گرفت و روانه شد. ابوبکر به مدینه بازگشت و عرض کرد: یا رسول الله، چیزی در باره من نازل شد؟ فرمودند: نه؛ ولی خداوند دستور داد که این مأموریت را جز خودم و یا مردی از خاندانم نباید انجام دهد.^۱

میزان توانمندی مسجد در عرضه اندیشه اسلامی به همه مردم دنیا را باید در نوع مدیران آن جستجو کرد. مسجدی که عمران آن به دست مردان متأله باشد، مسجدی توانمند و جذّاب و مورد اعتماد عموم خواهد بود و اگر عمران مسجد در اختیار افراد ناشایست باشد، از منزلت آن مکان مقدّس در اذهان عموم کاسته خواهد شد.

مولوی می گوید:

آن بنای انبیا بی حرص بود
لا جرم پیوسته رونق‌ها فزود
ای بسا مسجد بر آورده کرام
لیک نبود مسجد اقصاش نام
کعبه را که هر زمان عزّ می فزود
آن ز اخلاصات ابراهیم بود

علل کاهش کارکرد رسانه‌ای مسجد بعد از انقلاب

۱. عدم ظرفیت‌سازی در مسجد

به دلیل این که رسانه‌های غیردینی، قبل از انقلاب در دست رژیم شاهنشاهی بود، مردم تمام اطلاعات دینی، اجتماعی، آموزشی و... خود را از مسجد می‌گرفتند؛ چون، تنها رسانه سنتی مسجد را به دلیل غیروابسته بودن به طاغوت، صادق می‌دانستند؛ ولی بعد از انقلاب، همه رسانه‌های مدرن، مانند: روزنامه، تلویزیون، رادیو و... به دلیل مدیریت نیروهای انقلابی، به عنوان رسانه‌ای در عرض مسجد و حتی جایگزین آن قرار گرفتند.

اکنون، برای بازگرداندن مسجد به توان بالای رسانه‌ای که در دهه‌های چهل و پنجاه داشته بود، باید در مؤلفه‌های نیاز مردم به مساجد، تغییراتی ایجاد گردد تا با احساس نیاز، همچنان توان بزرگ رسانه‌ای مسجد حفظ شود.

۲. عدم تعریف جایگاه رسانه رقیب و مدرن

فقدان بینش کافی مسئولان و سیاست‌گذاران، در تدوین راهبردی متناسب با فرهنگ بومی و فقدان تعریفی جامع و کامل از چگونگی تعامل نهادهای سنتی و نوین در جامعه، از جمله دلایلی است که می‌توان از آنها به منزله عوامل «عدم ناکامی» در عرصه استفاده تبلیغی و رسانه‌ای از مسجد نام برد.

مقوله «سنت» و «مدرنیته»، سازمان مسجد را نیز بی‌تأثیر نگذاشت. به دلیل عدم تعریف مشخص از روش تعامل این دو مقوله بعد از انقلاب، چنان تازیانة مدرنیته بر بیکر سازمان‌های سنتی آسیب وارد ساخت که بازیابی نهادهای سنتی، روزی با مشکل مواجه خواهد شد. تأسیس و توسعه سینما، فرهنگ‌سرا، صدا و سیما، مطبوعات و... بدون مشخص نمودن جایگاه، محدوده فعالیت، وظایف و اختیارات، کارکرد رسانه‌ای مساجد را محدود ساخت.

یکی از راه‌های تغییر در مؤلفه‌های نیاز به مسجد، تخصص‌گرایی است. امروز که دوره تخصص‌گرایی است و هر کس پاسخی خاص به نیاز ویژه خود را می‌طلبد. باید مساجد نیز با رویکرد تخصص‌گرایی به احیای ظرفیت برخیزند. چرا مساجد ما خطیب و برنامه ویژه کودکان، ویژه جوانان، زنان و... نداشته باشد؟! مگر نه آن است که خطیبی که به صورت عمومی صحبت می‌کند، نمی‌تواند نیاز همگان را پاسخ دهد. اگر مخاطب احساس نکند که می‌تواند پاسخ نیازش را در مسجد بیابد، آیا به مسجد روی می‌آورد؟!

۳. روزآمد کردن این رسانه

برای پیروزی در این رقابت نامتقارن رسانه‌ای غرب بر ضد مساجد و اسلام، باید در دو حوزه «قالب» و «محتوای» عرضه اندیشه اسلامی در عرصه بین‌الملل را به روز و بلکه پیشرو نمود. در حوزه محتوا، باید با تربیت افراد خاص برای مدیریت بخش‌های مختلف مسجد، همت گماشت. در عصر کنونی که تخصص نیاز مدیریت است، نباید از امور مهمی، مانند مساجد به غفلت بگذریم. خدای را سپاس که غنای منابع اسلام در این زمینه سرآمد و بی‌نظیر است و تنها کافیست با اجتهاد، محتوای لازم کشف و به جهان عرضه شود. در آن صورت است که هیچ رسانه‌ای از نظر محتوا، نمی‌تواند با اسلام رقابت کند.

در حوزه قالب نیز، باید آن قسمت از کارکردهای سنتی مساجد که امروز از نظر موضوعی، منسوخ شده‌اند را کنار گذاشت و با همگون‌سازی کارکردهای دیگر سنتی مساجد به مقتضای زمان، در احیای آنها کوشید. به عنوان مثال، برای احیای تمدن ناب اسلامی، باید همه مطبوعات در لوای مدیریت مسجدی قرار گیرند؛ زیرا محتوای بلند را باید در قالبی زیبا، روانه بازار ساخت. ما در این مورد در بخش تعامل رسانه‌های دیگر با مسجد، به تفصیل سخن گفتیم.^۱

نتیجه‌گیری

با ايمان نظر در مطالب یادشده، به روشنی درمی‌یابیم که مساجد از صدر اسلام دارای کارکردهای متفاوتی بوده است و نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می‌شود که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این نهاد مقدس توجه ویژه‌ای داشته‌اند.

آنچه از بررسی تاریخ به دست می‌آید آن است که از صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله تا قرون وسطی و حتی تا دوران تسلط غرب، مساجد جایگاه علم، آموزش و پرورش، اطلاع‌رسانی و ارتباطات اجتماعی و...

۱. جهانگیری، یحیی، کارکرد رسانه‌ای مساجد، بخش تعامل رسانه‌های دیگر با مسجد.

بود و همین گستردگی کارکردهای مسجد، موجب شد تا آن را از دیگر معابد جدا سازد. کارکردهای مسجد، دارای ابعاد مختلفی است که یکی از آنها «رسانه بودن» این مکان مقدّس است که بر کسی پوشیده نیست و در این عصر ارتباطات، هنوز مسجد، جایگاه رسانه‌ای خود را فراموش نکرده است و روز به روز این جایگاه فعال تر و مقتدرتر می‌شود؛ به گونه‌ای که با راه‌اندازی دوره‌های آموزشی مختلف در مساجد توسط کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، رسانه مسجد پر خبرتر می‌شود. بنابراین، مسجد، همواره بر بلندای برترین رسانه‌ها قرار دارد و خود یک ابررسانه به شمار می‌رود که بعد از این همه سال، هنوز کارکرد خود را از دست نداده است.

به هر حال، در طول تاریخ اسلام مسجد افزون بر «رسانه عمومی» بودن، یک «رسانه رسمی» نیز تلقی می‌شد. دولت‌ها و خلفا برای بیان دستورات خاصّ خود از این مجرا بهره می‌بردند تا هم مانع رواج شایعه‌ها شوند و هم صحّت خبر را تأمین کنند.

رسانه مسجد، برخلاف سایر رسانه‌ها از ابزارهای متنوعی برای تبلیغ و اطلاع‌رسانی برخوردار است. هر یک از این ابزارها، با کارکردی ویژه در اطلاع‌رسانی، نقش ایفا می‌کند. از منبر، دکه، مناره و مأذنه، اجتماعات دینی و عمومی تا خود ساختمان مسجد، به گونه‌ای در تنویر افکار و آگاهی‌دهی نقش آفرینی می‌کنند.

رسانه مسجد، نسبت به سایر رسانه‌های تبلیغی، از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است؛ زیرا تقدّم تاریخی رسانه مسجد، هم‌زاد با تاریخ بشر است. چنان‌که این حقیقت تاریخی در آیات قرآنی نیز مورد تأیید قرار گرفته است. مسجد، رسانه‌ای گوینده و شنونده است؛ زیرا این مکان مقدّس، محلّ گردهمایی هفتگی برای نماز جمعه و روزانه برای نمازهای جماعات است و هر کس خبری دارد، به دیگر منتقل می‌کند. شاید تنها در رسانه مسجد است که مخاطبان فقط «مستمع» نیستند؛ بلکه خود، «گوینده» خبر نیز هستند. دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد رسانه مسجد، جذب و تأثیرگذار بودن آن است.

مسجد، رسانه‌ای خودی است. به خاطر عدم وابستگی به طاغوت و به تعبیری غیرانتفاعی بودن و نیز انتساب آن به خدای متعال، همواره از قداست برخوردار بوده است. مسجد، رسانه اطلاع‌رسانی صرف نیست. بر اساس دیدگاه رسانه‌های اسلامی، رسانه مسجد انسان رانه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطلاع او می‌رسد، نمی‌نگرد؛ بلکه او را به منزله مخاطبی می‌داند که آگاهی‌دهی به او و به ویژه تعالی وی، همواره مورد توجه است. مسجد، تنها یک رسانه شنیداری نیست؛ بلکه معماری مسجد، اعمال دینی و اهل مسجد نیز خود در تبلیغ مفاهیم دینی مؤثرند؛ بنابراین، مسجد رسانه‌ای همه‌جانبه است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ شانزدهم، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۴. —، ترجمه قرآن، دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، قم، دؤم، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۵. فولادوند، محمد مهدی، ترجمه قرآن، نشر دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)، تهران، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ. ق.
۶. روزه گارودی، مسجد آئینه اسلام، انتشارات زگوار.
۷. دبیرخانه ستاد عالی هماهنگی و نظارت بر کانون‌های فرهنگی هنری مساجد، کارکرد مساجد، رسانش، تهران، اول، ۱۳۸۴ هـ. ش.
۸. مجیدی، عنایت الله، مجموعه مقالات و اشعار استاد فروزانفر، تهران، انتشارات نیل، ۱۳۵۱ هـ. ش.
۹. خاطرات مستر همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیدی.
۱۰. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، محقق و مصحح: شیخ عباس قوجانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۱۱. بهائی، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، العروة الوثقی، قم، کتابفروشی بصیرتی، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ. ق.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، مصحح: سید محمد تقی کشفی، تهران، چاپ مکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ سوم، ۱۳۸۷ هـ. ق.
۱۳. —، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ. ش.
۱۴. ابن براج قاضی، عبدالعزیز بن نحریر طرابلسی، المهذب، محقق و مصحح: جمعی از محققان و مصححان تحت اشراف شیخ جعفر سبحانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۱۵. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دؤم، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۱۶. —، معانی الأخبار، به تصحیح: علی اکبر غفاری، انتشارات دارالمعرفه، لبنان، بیروت، سال

۱۷. نوبهار، رحیم، سیماى مسجد، چاپ اول، ۱۳۷۲ هـ. ش.
۱۸. کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۱۹. سیاح، فرهنگ بزرگ جامع نوین (ترجمه المنجد). تهران، انتشارات اسلام.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ. ق.
۲۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بیروت، دارالكتاب العربي، چاپ دوم، ۱۴۰۰ هـ. ق.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تحقیق: رضا ستوده، تهران، انتشارات فراهانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ هـ. ش.
۲۳. ———، ترجمه تفسیر جوامع الجامع، تحقیق: با مقدمه آیت الله واعظ زاده خراسانی، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۲۴. مطهری مرتضی، پیرامون انقلاب اسلامی، قم، انتشارات صدرا.
۲۵. جعفریان، رسول، آشنایی با آثار اسلامی مکه و مدینه، نشر مشعر.
۲۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۲۷. شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲۸. ثقفی تهرانی، محمد، تفسیر روان جاوید، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم، ۱۳۹۸ هـ. ق.
۲۹. عبدالستار عثمان، محمد، مدینه اسلامی، ترجمه علی چراغی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۳۰. ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دار بیروت، ۱۹۸۵ م.
۳۱. واقدی، محمد بن عمر، المغازی، بیروت، مؤسسه الاعلمی، ۱۹۸۹ م.
۳۲. موسوی الخمینی، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه دارالعلم، چاپ اول.
۳۳. ———، صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰ هـ. ش.
۳۴. فیضی تبریزی، کریم، پروفیسور مولانا طنین تعهد، نشر شکوفه یاس، چاپ اول، پائیز ۱۳۸۰.

۳۵. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، تفسیر کاشف، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۳ ه.ش.
۳۶. کنت ول اسمیت، ویلفرد، اسلام در جهان امروز، ترجمه حسن علی مهری، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۶ ه.ش.
۳۷. روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، انتشارات راه امام، چاپ یازدهم، ۱۳۶۰ ه.ش.
۳۸. طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، سید محمد باقر، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ ه.ش.
۳۹. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، تحقیق: سید طیب موسوی جزیری، قم، دارالکتاب، چاپ چهارم، ۱۳۶۷ ه.ش.
۴۰. السید الرضی، یادنامه علامه شریف رضی (مقالات کنگره ششم)، منشورات روشنگر، چاپ اول، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۱. ناظم زاده قمی، سید اصغر، جلوه های حکمت، قم، مرکز النشر التابع لمکتب الإعلام الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴۲. احمد المدرّس الوحید، شرح نهج البلاغه (مدرّس وحید)، ۱۴۰۱ ه.ق.
۴۳. ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبة الله بن محمد بن محمد، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی العامة، ۱۳۷۸ ه.ش.
۴۴. الخوانساری، جمال الدین محمد، شرح غرر الحکم و درر الکلم (خوانساری)، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۴۰۸ ه.ق.
۴۵. فاضل، جواد، سخنان علی علیه السلام از نهج البلاغه، تهران، مؤسسه الإعلام الإسلامی، چاپ یازدهم، ۱۴۱۷ ه.ق.
۴۶. یادنامه دومین کنگره نهج البلاغه، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه.ق.
۴۷. قرشی بنابی، سید علی اکبر، مفردات نهج البلاغه، مصحح: محمد حسن بکائی، تهران، مؤسسه قبله الثقافیة للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه.ق.
۴۸. صبحی صالح، فرهنگ نهج البلاغه، مترجم: مصطفی رحیمی نیا، تهران، منشورات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق.

۴۹. دشتی، محمد، فرهنگ موضوعات کلی نهج البلاغه، قم، مؤسسه امیرالمؤمنین (علیه السلام)، چاپ اول.
۵۰. جمعی از نویسندگان دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۵هـ.ش.
۵۱. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین (۹۰۱ق)، عوالی اللثالی الغریزیه فی الاحادیث الدینیة، محققین: مرعشی، شهاب الدین، عراقی، مجتبی، الطبعة الاولى، مطبعة سید الشهداء، قم، ۱۴۰۳/۱۹۸۳ م.
۵۲. عبدالرحمن، محمود، معجم المصطلحات والألفاظ الفقهية، چاپ قاهره، ۱۹۹۹ م.
۵۳. مشکینی اردبیلی، میرزاعلی، مصطلحات الفقه، قم، دفتر نشر الهادی، چاپ دوم، ۱۳۷۷هـ.ش.
۵۴. محمدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳هـ.ش.
۵۵. آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران، طوس، ۱۳۶۵هـ.ش.
۵۶. ارفع، سید کاظم، ترجمه قرآن، تهران، مؤسسه تحقیقاتی و انتشاراتی فیض کاشانی، چاپ اول، ۱۳۸۱هـ.ش.
۵۷. محمودی، محمدباقر، نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، مؤسسه التضامن الفکری، الطبعة الاولى، ۱۳۹۷هـ.ق/۱۳۸۵هـ.ش.
۵۸. امین، نصرت بیگم، تفسیر مخزن العرفان در تفسیر قرآن، تهران، انتشارات نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱هـ.ش.
۵۹. ابن ابی الحدید معتزلی، عبد الحمید بن هبة الله، جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، مترجم: مهدوی دامغانی، محمود، تهران، نشرنی، ۱۳۷۵هـ.ش.
۶۰. الملکی، ابوظالب محمد بن علی به عطیه الحارثی الملکی، قوت القلوب فی معامله المحجوب، چاپ مصر.
۶۱. ابن جبیر (سیاح قرن ششم)، محمد بن احمد، رحله ابن جبیر، مصر، قاهره، چاپ حسین نصار، ۱۹۹۲هـ.ق.
۶۲. کتانی، عبد الحی، نظام الحكومة النبویة (الترتیب الاداریه)، مترجم: علی رضا ذکاوتی قراقرلو، تهران. قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت، ۱۳۸۴هـ.ش.
۶۳. عروسی حویزی، شیخ عبد العلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۶۴. لوپس معلوف، المنجد فی اللغة، قم، انتشارات اسماعیلیان.

۶۵. دائرة المعارف بریتانیکا: <http://www.britannica.com>
۶۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد، تفسیر اثناعشری، تهران، انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۴ هـ. ش.
۶۷. جعفری مراغی (جعفری نیا)، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، نشر هجرت، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۶۸. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ هـ. ش.
۶۹. فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ هـ. ش.
۷۰. فرهنگ اصفهان، ش ۱۲، پاییز ۱۳۷۸.
۷۱. دوماهنامه مسجد، ش ۳، ش ۶، ش ۱۵، ش ۴۳، ش ۴۵، ش ۴۶.
۷۲. کیهان، مسجد و مطبوعات، ۱۳۸۰/۴/۷.
۷۳. فصلنامه معرفت، س ۹، ش ۳۳، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ هـ. ش.
۷۴. روزنامه ابرار، ۱۳۷۹/۱۲/۷.
۷۵. روزنامه خرداد، ۱۳۷۸/۵/۲۶.
۷۶. منابع لاتین
۷۷. Encyclopedia, Britanica, ۱۹۷۶.

سایت‌ها

۱. ۷۸. پایگاه پژوهشی مسجد: www.Pajouheshi.org
۲. ۷۹. خبرگزاری شبستان: www.shabestan.ir
۳. ۸۰. خبرگزاری مهر: www.mehrnews.ir
۴. ۸۱. پایگاه اطلاع‌رسانی مساجد ایران: ww.masajed.info
۵. ۸۲. پایگاه سازمان عمران مساجد: www.omranemasajed.com
۶. ۸۳. مرکز رسیدگی به امور مساجد: www.masjed.ir

مسجد، رسانه بدون مرز

موسی کاظمزاده، رقیه کاظمزاده و اکبر کاظمزاده

چکیده

مساجد، تنها محلّ عبادت نیستند، بلکه از صدر اسلام مهم‌ترین مرکز برای رشد و تعالی فرهنگ اسلامی، سازمان‌دهی جهان اسلام و مهم‌ترین پایگاه عقیدتی، فکری و معنوی اسلام و کانون هدایت و مبارزه علیه کفر و نفاق و مأمّن دلباختگان حقّ و فضیلت بوده است. در زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مساجد، مهم‌ترین ارکان و بارزترین عامل شکل‌گیری حیات جنبش اسلامی مردم ایران بود. به طوری که امروز، نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از ممالک اسلامی، می‌توان نقش‌آفرینی مساجد را در سونامی بیداری اسلامی انقلاب‌های اخیر در منطقه، به روشنی مشاهده نمود. بسیاری از کارشناسان معتقدند که با توجّه به گستردگی عصر ارتباطات، دنیای امروز، عرصه جنگ بین رسانه‌هاست، از این رو، از عصر کنونی، به عنوان عصر ارتباطات و عصری است که از آن به «دهکده جهانی» یاد می‌شود؛ در چنین عصری که روزنامه‌ها، مجلّات، رادیو و تلویزیون، اینترنت، ماهواره و... در صدد ایجاد، خلاقیت و آفرینش الگوهای نوینی در زندگی بشر هستند، نباید از آثار سوء رسانه‌های گروهی بر زندگی افراد غافل شویم. متأسفانه امروز، بیشتر رسانه‌های مطرح و قدرتمند دنیا در اختیار نظام سلطه و در راستای اهداف غیرانسانی آنان قرار دارند؛ در این راستا، مسجد، به عنوان پایگاه ارتباطی مهم در آیین اسلام، این قابلیت را دارد که در هر زمان به دلیل

تنوع فعالیت‌ها در زمینه‌های مختلف، به منظور تکامل و تعالی انسان‌ها و ارتباط مستقیم با مخاطبان، به روز باشد و پاسخ‌گوی نیازهای جدید مخاطبان باشند. بنابراین، نباید از نقش رسانه‌ای مسجد و ویژگی‌های منحصر به فرد آن برای تقویت زیرساخت‌های فرهنگی و اجتماعی و مقابله با جنگ رسانه‌ای دنیای غرب غفلت ورزید؛ چرا که در صورت تجهیز مساجد به تمام امکانات مادی و معنوی و با به کارگیری تمامی امکانات فناوری روز دنیا، می‌توان به راحتی در مقابل تهدیدات دشمن ایستادگی کرد. اکنون نیز وجود و رونق مساجد از ضروریات بقای جهان اسلام به شمار می‌رود. در این نوشتار، تلاش شده است تا پس از تبیین نقش مسجد به عنوان رسانه‌ای بدون مرز در رشد و تعالی فرهنگ اسلامی و بررسی منبر به عنوان اولین رسانه تاریخ اسلام، کارکردهای مسجد و نقش مسجد در افزایش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بررسی گردد و در پایان تحقیق، ضمن ارائه راهکارهایی برای فعال‌سازی مساجد به عنوان رسانه بدون مرز، روشی منسجم را برای رسیدن به تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد معرفی نماید.

واژگان کلیدی:

مسجد، رسانه، اسلام، خطابه، مسجد رسانه‌ای دینی.

مسجد، واژه «مَسْجِد» اسم مکان است که از «سَجَدَ» مشتق شده و به معنای سجده‌گاه و محلّ عبادت است و با کلماتی، مانند «سَجده» و «سُجود» هم خانواده است. لغت دانان بزرگی، مانند «فراء» بر این عقیده‌اند که مسجد به فتح عین الفعل نیز جایز است؛ اگرچه با این تلفظ تاکنون استعمال نشده است؛^۱ به گفته سیبویه هر گاه فعل و عمل در این واژه مورد نظر نباشد، طبق قیاس، مفتوح خوانده می‌شود.^۲

در تعریف لغوی مسجد، در معاجم و فرهنگ‌های لغت، تعابیر گوناگون وجود دارد که در واقع، تمامی آنها به یک معنا بازگشت می‌کند. زجاج، در تعریف مسجد می‌گوید:

«المسجد والمسجد، الذی یُسجد فیهِ وَ کُلُّ مَوْضِعٍ یُنْعَبَدُ فیهِ فَهُوَ مَسْجِدٌ؛ مسجد یا مسجد، جایی است که در آن سجده می‌شود و هر جایگاهی که در آن عبادت شود، آنجا مسجد است.»^۳ ابن اعرابی گفته است: «المسجدُ یفتح الجیم، محرابُ البیوت و مصلی الجماعات.»^۴ همچنین، در مفردات راغب اصفهانی آمده است: «المسجدُ موضع الصلوة اعتباراً بالسجود».^۵

در دایرة المعارف انگلیسی بریتانیکا، ذیل واژه (Mosque) آمده است: مسجد، واژه‌ای عربی است. در اسلام، محلّ نماز و دعا و محلّ عبادت است؛ آن هم به منزله مرکز عبادت دسته‌جمعی که در آن همه به طور یکسان در برابر خداوند قرار می‌گیرند.

به این ترتیب، مسجد که در زبان عربی اسم مکان مشتق شده از ریشه ثلاثی مجرد «سجد» است، در زبان فارسی به معنای جایگاه نماز و محلّ عبادت به کار رفته است. در اینکه چرا کلمه مسجد برای مکان عبادت و محلّ نماز استعمال شده است، گفته‌اند: از آنجا که سجود، شریف‌ترین و مهم‌ترین ارکان نماز است، در آن بیش از دیگر افعال نماز، انسان به خداوند نزدیک می‌شود؛ بنابراین، اسم این مکان را از این فعل اتخاذ و بر محلّ عبادت و نماز اطلاق کرده‌اند.^۶

اصطلاح شرعی، مسجد، به مکان معین و موقوف برای نماز اطلاق شده و در متون فقهی در این باب چنین آمده است: «المراد بالمسجد، المکان الموقوف علی کافّة المسلمین للصلوة».^۷

۱. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۶۵.

۲. اقرب الموارد فی فصیح العربیة والشوارة، ص ۴۹۵.

۳. تاج العروس، ج ۲، ص ۳۷۱.

۴. همان.

۵. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

۶. اعلام المساجد باحکام المساجد، ص ۲۸.

۷. جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

مسجد، نیایشگاه و محلّ گردهمایی مسلمانان است. مسجد، قدمتی به اندازه خود اسلام دارد و اولین مسجد با ورود پیامبر اسلام ﷺ به مدینه تأسیس شد.

مسجد رسول خدا ﷺ (مسجد نبوی یا مسجد النبی)، مسجدی در وسط مدینه است که پیامبر اسلام ﷺ پس از هجرت به این شهر، آن را بنا فرمود. سپس، در طول تاریخ بارها تجدید بنا شد و توسعه یافت. مرقده مطهر پیامبر در آنجا قرار دارد و نیز منبر و محراب و روضه شریف که در آنجا نماز می‌گزارد. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرمود: «مَابَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ وَمِنْبَرِي عَلَى حَوْضٍ؛ فاصله بیت و منبر من، باغی از باغ‌های بهشت است و منبر من در بالای حوض من قرار گرفته است»^۱.

پیامبر اکرم ﷺ برای دعوت مردم به اسلام، در اولین فرصتی که به دست آورد، به بنای مسجد قبا (مسجد تقوا) اقدام کرد. بعد از آن، هر جا اسلام قدم نهاد، به دنبال آن، یک مسجد، به عنوان پایگاه رسمی اسلام ساخته شد. در قرون نخستین، هر شهر فقط یک مسجد جامع داشت؛ اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ، دارای چند مسجد جامع شدند که به طور معمول، در قلب و مرکز شهر جای داشت و در دو یا چند طرف آن، بازار امتداد می‌یافت. در پیرامون مسجد نیز مؤسّسات اجتماعی، مانند دارالحکومه، کاروان‌سرا، مهمان‌خانه‌ها برای مسافران، مکان‌هایی برای فقرا و بینوایان، دارالشفا، خانقاه، آب‌انبار، حمام و مدارس قرار داشت.^۲

واژه «مسجد»، در مجموع ۲۸ بار در قرآن کریم ذکر شده که در ۲۲ مورد به صورت مفرد^۳ و در ۶ مورد دیگر، به صورت جمع^۴ آمده است. در این آیات، به اهمیت و جایگاه رفیع مسجد در اسلام، پاره‌ای از احکام مسجد، مسجد الحرام و احکام خاص آن، مسجد الاقصی و مسجد اصحاب کهف، اشاراتی شده است.

در قرآن، مسجد، به معنای اعمّ نیایشگاه خداوند به کار رفته. مسجد الاقصی، که معبد یهودیان یا کنیسه بوده است در زمان نزول قرآن کاربرد دیگری از آن نداشته است. «قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ؛ بگو پروردگرم به دادگری فرمان داده است و [این که] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و در حالی که دین خود را برای او خالص

۱. فروغ کافی، ج ۴، ص ۵۵۶؛ صحیح بخاری، ابواب فضائل المدينة، ح ۱۷۸۹ و ابواب التطوع، ح ۱۱۳۷؛ صحیح مسلم، ح ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۲۳۶، ۲۹۷، ۴۳۸ و ۴۶۶.

۲. عبّاسی حسینی، ابراهیم، مروری بر جامعه‌شناسی مسجد، فصلنامه مشکوة، ص ۹۵.

۳. ر. ک به: بقره، آیات ۱۴۵، ۱۹۱، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۹۶، ۲۱۷؛ مائده، آیه ۲؛ اعراف، آیات ۲۹ و ۳۱؛ انفال، آیه ۳۴؛ توبه، آیه ۷؛ اسراء، آیه ۱؛ کهف، آیه ۲۱؛ عنکبوت، آیه ۷؛ فتح، آیات ۲۵ و ۲۷؛ حج، آیه ۲۵.

۴. بقره، آیات ۱۴ و ۱۸۷؛ توبه، آیات ۱۷ و ۱۸؛ حج، آیه ۴۰؛ جنّ، آیه ۱۸.

گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید»^۱. پیامبر گرامی اسلام ﷺ پایه‌گذار اولین مسجد است. او مکانی را پایه‌گذاری کرد که علاوه بر عهده‌دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعالیت‌های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار می‌رفت. به همین دلیل، مسجد، در طول تاریخ اسلام از ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. در گذشته همه امور مسلمانان در ابعاد مختلف، از جمله عقاید و فعالیت‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی و اقتصادی در مساجد انجام می‌شد.

در این راستا، آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که امروز، مساجد، به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با تهاجم فرهنگی و وظیفه‌سنگینی بر عهده دارند. مسجد و محراب، در آموزه‌های دینی دارای جایگاهی فقط معنوی نیست و بیشتر به عنوان پایگاهی برای پاسخگویی به غالب نیازهای مسلمانان به وجود آمد و در اندک زمانی با روحی که از لطافت ایمان و جذب حضور در آمیخته بود، به زیباترین بنای اسلامی بدل شد. به گونه‌ای که شکل و ساخت مساجد در کشورهای اسلامی، زیربنای هنر و معماری اسلامی را تشکیل داد. معماری زیبا، با کاشی‌کاری‌های منحصر به فرد، کتیبه‌ها، گچ‌بری‌ها، معرق‌ها و دیگر عناصر معماری درهم‌آمیخت و معماری اسلامی را پدید آورد که هم‌اکنون مایه فخر و مباهات ملل اسلامی و یکی از جاذبه‌های گردشگری این کشورهاست.

۲۱ آگوست، برابر با ۳۰ مرداد، بنا به درخواست جمهوری اسلامی ایران، از سوی سازمان کنفرانس اسلامی به عنوان روز جهانی مسجد نام‌گذاری شده است.^۲

از این رو، ضرورت دارد، در دنیای پیچیده امروزی، بیش از گذشته به نقش‌آفرینی مساجد در تمامی عرصه‌ها و شئون جامعه اسلامی، در جهت توسعه و گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی توجه ویژه‌ای داشته باشیم؛ چرا که مساجد، در عصر نبوت پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام کارکردی فراتر از برگزاری مراسم عبادی داشته و در اعصار بعد نیز کم و بیش این رسالت را به دوش کشیده و کارکردهای ویژه‌ای پیدا کرده است.

در این راستا، آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که مسجد، نامی آشنا برای همه مسلمانان جهان است. با این بیان، می‌توان برای مثال به برخی از مهم‌ترین، زیباترین و تأثیرگذارترین مساجد جهان اشاره نمود: مسجد الحرام در مکه مکرمه - حجاز، مسجد الاقصی (قبله اول مسلمانان) در بیت المقدس - فلسطین، مسجد الحرام در

۱. أعراف، آیه ۲۹.

۲. ملاحسینی، محمّد، روزنامه همشهری، ۱۶ خرداد ۱۳۸۸، آشنایی با مسجد.

گرانادا (غرناطه) - اسپانیا، مسجد امام خمینی در اصفهان - ایران، مسجد کبود در استانبول - ترکیه، مسجد جامع (بزرگ‌ترین مسجد خشتی جهان) در دجینه - مالی، مسجد پادشاهی (با آجرهای سرخ‌رنگ) در لاهور - پاکستان، مسجد النبوی در مدینه - عربستان، مسجد ظهیر کداه در مالزی، مسجد سلطان عمر علی سیف‌الدین بندر سری بگاوان در بروئی، مسجد تاجول شهر بوپال در هند، مسجد بیت‌الرحمان باندا آچه در اندونزی، مسجد سلطان در سنگاپور، مسجد فیصل اسلام‌آباد در پاکستان، مسجد بایتول مکرم داکا در بنگلادش، مسجد ۱۰۰ گنبدی شاه جهان در پاکستان، مسجد جامع قیروان مغرب در مراکش، مسجد پنجیاو در چین، مسجدهای امیر چخماقی، جامع اردکان، حظیره و مسجد فهرج در استان یزد، مسجد سرخ و مسجد جامع ساوه در استان مرکزی، مسجد حسینیه اعظم در زنجان، مسجد سنگی ترک در آذربایجان شرقی، مسجد سنگی داراب، مسجد وکیل و مسجد نصیرالملک در استان فارس، مسجد دو مناره و مسجد جامع سندج در کردستان، مسجد جامع تاتارستان در روسیه، مسجد مقدس جمکران در قم، مسجد بالاسر و مسجد گوهرشاد در خراسان رضوی، مسجد مقدس محدثین در بابل - مازندران، مسجد ذوالفقار، مسجد جامع و مسجد شیخ لطف‌الله در اصفهان، مسجد و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) و مسجد جامع ورامین در تهران، مسجد النبوی در قزوین، مسجد اتابکان در چهارمحال و بختیاری، مسجد متحرک در آلمان و...

با توجه به مطالب گفته شده، این پرسش مطرح است که مسجد، چگونه جایگاهی است که تا این حد، شارع مقدس به آن توجه دارد. پیامبر ﷺ درباره آن فرمودند: سیاست امت من در مساجد است.^۱ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت، فعالیت‌های مختلفی که از همان ابتدای بنای مسجد در اسلام مشاهده شد، اهمیت این مکان مقدس را آشکار می‌سازد.^۲

در این مقاله، ضمن بررسی جایگاه واقعی مسجد در دنیای جهان اسلام، به نقش مسجد به عنوان رسانه بدون مرز در افزایش آگاهی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشورها، نقش مسجد در تکوین و رشد فرهنگ و تمدن اسلامی، تحول ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد، راهبردها و روش‌های دست‌یابی به مسجد طراز اسلامی، با بررسی فرصت‌ها و تهدیدها، با استفاده از روش اسنادی و کتابخانه‌ای، به بررسی نظرات محققان و صاحب‌نظران این عرصه از جمله تاریخ، فرهنگ، دین و رسانه پرداخته شده است.

مسجد در آینه روایات

مسجد، تنها یک مکان نیست، بلکه سازمانی بسیار مهم برای اجتماع مسلمانان و اتحاد، یکپارچگی و

۱. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۵۱.

۲. ملکی احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، ص ۳۹۷.

هدایت آنان به سوی نیکی است. از این رو، هنگامی که مسجد ضرار برای ایجاد تفرقه در صفوف مؤمنان ساخته شد، خداوند، به رسولش فرمود که آن را ویران کند.^۱

مسجد، میدان بزرگی برای تبادل افکار و مشاوره در امور مسلمانان است. مسلمانان، در هر شهری که از سوی سپاهیان اسلام فتح می‌شد، مسجدی می‌ساختند. هدف این نبود که مساجد فقط مکان عبادت باشد، بلکه منظور این بود که مرکز فرهنگ، اشاعه تمدن و تکوین افکار عمومی صحیح اسلامی هم به شمار آید. هرگاه مسلمانان به مکان جدیدی کوچ می‌کردند، مسجدی می‌ساختند تا مرکز جدیدی برای گردهمایی مؤمنان باشد.^۲

مسجد، از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای داشته و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. در قرآن کریم در این ارتباط چنین تأکید شده است: «وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تَوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ و مشرق و مغرب از آن خداست. پس، به هر سو رو کنید آنجا رو می‌باشد [به] خداست؛ آری! خدا گشایش‌گر داناست».^۳ تمامی جهان محضر خدا و جایگاه عبادت است؛ اما مسجد، قداست و ویژگی و آداب مخصوص به خود را دارد. مسجد، مهمان‌سرای خداست. آرامش، گم‌شده عصر فناوری و ارتباطات، در فضای قدسی مسجد قابل‌بازیابی است.

مسجد، غیر از اینکه محلّ عبادت و تهذیب است، دانشگاه علم و تربیت، مرکز تشکیلات سیاسی، محلّ قضاوت و اجرای عدالت، پایگاه تمدن و فرهنگ اسلامی و جایی برای بهبود ارتباطات اجتماعی است که در احادیث مختلف به عظمت و فضای قدسی آن تأکید شده است.

با تأملی در روایات، به اهمیت بنای مسجد از نظر شارع مقدّس پی می‌بریم. احادیث فراوانی از طریق اهل بیت (علیهم‌السلام) و اهل سنت و سیره موجود است که اهمیت زیاد این امر را می‌نمایاند.

در این راستا، به برخی از روایات در مورد مسجد پرداخته می‌شود. قال رسول الله ﷺ: «الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ، قَرَاهَا الْمَغْفِرَةُ وَتُحْفَمُهَا الْجَنَّةُ؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است که [مردم] در آن بر سفره آمرزش می‌نشینند و با هدیه بهشتی بدرقه می‌شوند».^۴

قال الحسن (رضی الله عنه): «أَهْلُ الْمَسْجِدِ زُورُ اللَّهِ وَحَقٌّ عَلَى الْمَزُورِ التَّحْفَةُ لِزَائِرِهِ؛ اهل مسجد زائر خدا هستند و بر صاحب‌خانه است که به زائرانش هدیه‌ای بدهد».^۵

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۶۲.

۲. صحیفه نور، ص ۲۷.

۳. بقره، آیه ۱۱۵.

۴. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۴.

۵. کلمة الامام الحسن، ص ۴۱؛ الحكم الزاهرة، ص ۱۵۰.

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ كَانَ الْقُرْآنُ حَدِيثَهُ وَالْمَسْجِدَ بَيْتَهُ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ هِر كَس كَلَامِش قِرْآن و خَانه‌اش مَسْجِد بَاشد، خدَاوند، منزلی در بهشت برای او بنا می‌کند»^۱.

قال رسول الله ﷺ: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بِيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بِيُوتَهُ فَقَدْ خَتَمَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّحْمَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ مَسَاجِد، خَانه پارسایان است و هر کس خَانه‌اش مَسْجِد بَاشد، خدَاوند کار او را بر رحمت و شادی قرار می‌دهد و اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد»^۲.

قال الصَّادِقُ عليه السلام: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا، بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ هِر كَس مَسْجِدی بسازد، خدَاوند خَانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد»^۳.

قال علي عليه السلام: «مَنْ أَرَادَ دُخُولَ الْمَسْجِدِ فَلْيَدْخُلْ عَلَى سُكُونٍ وَوَقَارٍ فَإِنَّ الْمَسَاجِدَ بِيُوتُ اللَّهُ وَ أَحَبُّ الْبِقَاعِ إِلَيْهِ؛ هِر كَس می‌خواهد به مَسْجِد داخل گردد، با آرامش و با طمأنینه وارد شود؛ زیرا مَسَاجِد خَانه‌های خدا و محبوب‌ترین محل‌ها در نظر اوست»^۴.

قال رسول الله ﷺ: «شَرُّ بِقَاعِ الْأَرْضِ الْأَسْوَاقُ وَخَيْرُ الْبِقَاعِ الْمَسَاجِدُ وَ أَحَبُّهُمْ إِلَى اللَّهِ أَوْلَهُمْ دُخُولًا وَ آخِرُهُمْ خُرُوجًا مِنْهَا؛ بَدْتَرین جَاه‌ای زمین، بازار و بَهْتَرین مَكان‌های آن، مَسَاجِد است و محبوب‌ترین افراد نزد خدَاوند کسی است که پیش‌تر از همه به مَسْجِد وارد شود و دیرتر از همه از مَسْجِد خارج شود»^۵.

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ سَمِعَ التِّدَاءَ فِي الْمَسْجِدِ فَخَرَجَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مَنَافِقٌ إِلَّا أَنْ يُرِيدَ الرُّجُوعَ إِلَيْهِ؛ هِر كَس در مَسْجِد ندای نماز را بشنود و بدون علت خارج شود، منافق است؛ مگر این که قصد برگشت (و خواندن نماز را) داشته باشد»^۶.

قال الرضا عليه السلام: «إِنَّ الْجَنَّةَ وَالْحُورَ لَتَشْتَاتِقُ إِلَى مَنْ يَكْسِحُ الْمَسْجِدَ أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَدَى؛ بَهشت و حوریان بهشتی، مشتاق کسی هستند که مَسْجِد را تمیز کند یا آلودگی‌های آن را بگیرد»^۷.

قال الصادق عليه السلام: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: مَسْجِدٌ خَرَابٌ لَا يُصَلَّى فِيهِ أَهْلُهُ وَعَالِمٌ بَيْنَ جُهَاالٍ وَ مُصْحَفٌ مُعَلَّقٌ قَدْ وَقَعَ عَلَيْهِ الْعُبَارُ لَا يُقْرَأُ فِيهِ؛ سه چیز به خدا شکایت می‌کنند: مَسْجِد خرابی که اهلس در آن نماز نخوانند؛ دانشمندی که بین نادانان است؛ قرآن رها شده‌ای که غبار بر آن نشسته و خوانده

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۱.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۵۹.

۳. وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۴۸۵؛ کنز العمال، ج ۷، ص ۶۴۹.

۴. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۷۰.

۵. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۵۵۳.

۶. همان، ص ۵۱۳.

۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

نمی‌شود».^۱

قال عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ وَقَفَ مَسْجِدَ آلِ اللَّهِ يَوْمَ يَلْقَاهُ ضَاحِكًا مُسْتَبْشِرًا وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ؛ هَر كَس حَرَمَت مَسْجِدًا رَاحِفًا كُنَد، خَدَا رَا دَر رُوز قِيَامَت بَا چِهره‌ای خندان و شادمان ملاقات می‌کند و خداوند، نامه‌اش را به دست راستش می‌دهد».^۲

قال رسول الله ﷺ: «مَنْ أَسْرَجَ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ سِرَاجًا، لَمْ تَنْزِلِ الْمَلَائِكَةُ وَحَمَلَةُ الْعَرْشِ يَسْتَعْفِرُونَ لَهُ مَا دَامَ فِي ذَلِكَ الْمَسْجِدِ ضَوْءٌ مِنَ السِّرَاجِ؛ هَر كَس دَر مَسْجِدِي اَز مَسَاجِدِ خَدَا، چِراغی روشن بی‌فروزد، تا زمانی که آن چراغ در مسجد روشنایی می‌دهد، فرشتگان و حاملان عرش برای او استغفار می‌کنند».^۳

قال رسول الله ﷺ: «لِحَدِيثِ الْبَغِيِّ فِي الْمَسْجِدِ، يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ كَمَا تَأْكُلُ الْبَهِيمَةُ الْحَشِيشَ؛ سَخَن ناروا در مسجد، حسنات و خوبی‌های انسان را می‌خورد؛ همان‌گونه که چارپایان، علف‌ها را می‌خورند».^۴

قال رسول الله ﷺ: «إِذَا نَزَلَتِ الْعَاهَاتُ وَالْأَفَاتُ، عُوفِيَ أَهْلُ الْمَسَاجِدِ؛ وَفَتَى مَشْكَلات و بلاها نازل می‌شود، اهل مسجد نجات می‌یابند».^۵

قال رسول الله ﷺ: «يَا أَبَا ذَرٍّ كُلِّ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لِعُورًا ثَلَاثَةً: قَرَأَتْهُ مُصَلٍّ أَوْ ذَاكَرًا لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ سَأَلَ عَنْ عِلْمٍ؛ اِي اَبُو ذَرٍّ! دَر مَسْجِدِ هَر نَشِسْتَنِي، بَه جِز بَرَايِ سَه چِيز، بِيهوده است: نماز خواندن، ذکر خدا گفتن، بحث علمی کردن».^۶

بر این اساس، بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نیز می‌فرماید: «اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟»^۷ همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید: «مساجد و محافل دینی‌ه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید».^۸

«مسجد، محلی است که از آن [جا] باید امور اداره بشود؛ این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد؛ این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند؛ این طور نباشد که خیال کنیم

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۸۴.

۲. بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۱۶.

۳. من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۶۹.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۱.

۵. همان، ج ۳، ص ۳۵۶.

۶. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۰.

۷. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۸. همان، ج ۲، ص ۴۵۱.

حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما برای اداره مسجد است.^۱
 «مسجد، در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده... از مسجد، تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید از پیغمبر اسلام ﷺ و اصحاب آن سرور پیروی کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبرین قرار دهید.»^۲

مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، این طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیر مرد.^۳ در جایی دیگر فرمودند: «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. اجتماعاتتان را حفظ کنید. مساجدتان را محکم نگه دارید.»^۴

بنابراین، تردیدی نیست که تأکیدهای پیشوایان دین در مورد مسجد، این است که این مکان مقدّس، قلب جامعه اسلامی است. در این راستا، آنچه ضرورت دارد این است که در دنیای امروز باید به این پایگاه ارتباطی مهم بیش از گذشته بها داده شود؛ چرا که ماندگاری و تحرّک ما در حال و آینده به برکت وجود همین مساجد بوده و خواهد بود.

مسجد و نیازهای جوامع بشری

تاریخ درخشان اسلام گواه است که مساجد، به عنوان یک نهاد مدنی، بهترین پایگاه برای اجتماع مسلمانان و ایجاد وحدت و همدلی و نیز تبیین معارف و احکام دینی و رفع و دفع مشکلات اجتماعی و اقتصادی و بررسی مسائل علمی، سیاسی و دینی بوده است. مساجد، همواره نقطه آغاز هر گونه حرکت و اصلاحی بوده‌اند؛ چنان که یکی از مراکز و اماکنی که در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی، بیشترین نقش‌ها را ایفا کرد، همین مساجد بودند.

مسجد، نماد معنوی هر محله و منطقه و تجلی‌گاه جامعیت اسلام است و بسیاری از احکام فقهی ما مبتنی

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵.

۲. همان، ج ۷، ص ۶۵.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۳۲۵.

۴. همان، ج ۱۲، صص ۳۹۳ و ۳۹۴.

بر مؤلفه‌هایی، مانند مسجد، محراب و اذان است.

مقام معظم رهبری دامت‌عزله در مورد وظیفه معنوی مساجد می‌فرماید: «هر چه بتوانید در مورد مساجد کار بکنید، خیلی خوب است. مسجد، کانون دین است. الآن هم همین است. هیچ چیز جای مسجد را پر نمی‌کند... مساجد است که فضا را فضای دینی نگه می‌دارد و معارف را از نسلی به نسلی منتقل و با دین آشنا می‌کند»^۱.

بر اساس آیات قرآن کریم، مسجدها به خداوند متعال اختصاص دارند و کسانی این مکان‌ها را آباد می‌کنند که به پروردگار جهانیان و روز قیامت، ایمان دارند؛ نماز را بر پای می‌دارند و زکات می‌پردازند و از کسی جز خدا نمی‌ترسند. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ مساجد ویژه خداست. پس، هیچ کس را با خدا مخوانید»^۲.

قرآن در این مورد می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ، فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده باشند و جز از خدا ترسیده‌اند. پس، امید است که اینان از هدایت‌یافتگان باشند»^۳.

بر اساس حدیثی قدسی، انسانی که با مسجد ارتباط دارد، حق تعالی را در خانه اوزیارت می‌کند و با عبادت خالصانه و حضوری راستین، در اوج تقرب به خداوند متعال قرار می‌گیرد و این ویژگی، به صورت نوری برای وی در سرای جاوید، جلوه‌گر می‌شود.^۴

از این رو، رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمودند: «تازمانی که در مسجد نشستهای، حق تعالی به تعداد هر نفسی که می‌کشی، در بهشت یک درجه به تو می‌دهد و فرشتگان بر تو درود می‌فرستند»^۵. همچنین، آن حضرت تأکید فرمودند: «مساجد، انوار الهی هستند»^۶.

همچنین، فرمودند: «محبوب‌ترین جای شهرها نزد خداوند، مساجد آن شهرهاست»^۷. بنابراین، در قرآن و حدیث، اساسی‌ترین مکان، مسجد است.

۱. باشگاه اندیشه، بهمن ۱۳۸۹، قابل دسترسی در: <http://bashgahandishe.com>.

۲. جن، آیه ۱۸.

۳. توبه، آیه ۱۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۵. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۶.

۶. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۷. نهج الفصاحه، حدیث ۷۱.

بر این مبنا، به طور کلی باید یادآور شد که مساجد از گذشته، کارکردهای گوناگونی داشته و اکنون هم این نقش‌ها را تا حدودی حفظ کرده است. این نقش‌ها عبارت‌اند از:

- مرکز ارشاد و تبلیغ اسلامی و کانون رعایت قواعد و قوانین خاص.
- اعتقاد به عبادت، نمازگزاران و نیایش به خدا، از عوامل و انگیزه‌های بنیاد مسجدهاست.
- مسجد، تجسم خارجی پیوند دین و سیاست است و بسیاری از تصمیم‌گیری‌های حکومتی، اجتماعی، کشوری و منطقه‌ای، در این مکان صورت می‌گرفته است.
- در برخی دوره‌های تاریخی، در مسجد، قاضی شهر، احکام قضایی خود را در حضور مردم اعلام می‌کرد.

■ برنامه‌ریزی درباره رسیدگی به امور بازار، کوی و برزن، تجارت، جلوگیری از تقلب در کار کسبه و اصناف، امر به معروف و نهی از منکر و سایر امور شهری، در مسجد انجام می‌پذیرفت.

■ مسجد، مکان مهمی برای ارتباط‌های اجتماعی به شمار می‌رفت و به عنوان کانون نشر اخبار، نقش برجسته‌ای ایفا می‌کرد. این کار کرد، نه تنها در روزگاران گذشته که وسایل ارتباطات جمعی گسترده نبود، اهمیت داشت، بلکه در زمان حاضر نیز که رسانه‌ها فراگیر و مجهز به فناوری‌های جدید هستند، ارزش خود را از دست نداده است. در دوران انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، مساجد از مهم‌ترین مراکز انتشار اخبار مربوط به روند این جنبش اسلامی و عملیات رزمندگان بودند و حتی سازمان‌دهی نیروهای رزمی و مردمی و شکل‌گیری بسیج، در مسجد انجام می‌شد.

■ بسیاری از مشکلات اقتصادی و اجتماعی، توسط روحانی محل یا برخی نهادهای مربوط در مسجد حل می‌شد. برآوردن نیازهای افراد برای به دست آوردن کسب و کار، ساخت و خرید خانه، ازدواج و تشکیل خانواده و رفع اختلافات، در مسجد، امکان‌پذیر بود.

■ مسجد که کانون بندگی خداست، همواره محل آموزش و تقویت آگاهی‌های نمازگزاران بوده است و از آنجا که دانش‌اندوزی، فریضه‌ای همگانی به شمار می‌آید، مسجد، پایگاه مهم آموزش و سوادآموزی به شمار می‌رود و در پیوند آموزش با عبادت، مساجد بزرگ، از کتابخانه‌های عظیم و گرانبهای برخوردار بوده‌اند.

■ انسان مسلمان، همان‌گونه که می‌کوشد بنده خدا باشد و از شیطان درون و بیرون پرهیز کند، در برابر نابرابری‌های اجتماعی، ستم و زورگویی هم ساکت نمی‌ماند و در همان مکانی که عبادت می‌کند، با همکاری دیگر مؤمنان، می‌کوشد تا قیام و حرکتی اصلاحی را علیه حکام جور و اهل

بی‌داد و بی‌عدالتی ترتیب دهد و این کار کرد مسجد، در قیام سربداران، قیام مسجد گوهرشاد و قیام ۱۵ خرداد، آشکار بوده است.^۱

با این حال، مسجد در نزد مسلمانان، قداستی خاصی دارد و از جانب شرع مقدّس اسلام، برای آن احکام ویژه‌ای صادر شده است؛ نجس کردن زمین، سقف، بام و اطراف داخل مسجد، حرام است. هر کس بفهمد که این موارد، نجس شده است، باید بدون درنگ، نجاست آن را بر طرف کند. تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ در آن مستحبّ است.

کسی که می‌خواهد به مسجد برود، مستحبّ است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و قیمتی بپوشد. همچنین، مستحبّ است پس از وارد شدن به مسجد، دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام بخواند. چنان که دیده می‌شود، مسجد، مکان مورد احترام مسلمانان است.

امروز، با وجود اینکه هر یک از نقش‌های مسجد، جایگاه خاصی را در نظام حکومتی کشورهای اسلامی به خود اختصاص داده‌اند، اما قدمتِ زمانی از ارزش این مکان مقدّس کم نکرده و همواره در طول تاریخ، زمینه‌ساز تحولات و دگرگونی‌های اساسی فکری و فرهنگی بوده است.^۲

مسجد و ارتباط

امروز در عصر تحوّل شگرف ارتباطات قرار گرفته‌ایم؛ عصری که از آن به دهکده جهانی یاد می‌شود. نباید یکسره مرعوب این تحولات شد و از کار فرهنگی، تبلیغی و ارتباطی عظیمی که در این مقطع حسّاس تاریخی بر دوش مبلغان، علما، خطبا و عناصر فرهنگی نهاده شده است، نباید غفلت ورزید. ماندگاری فرهنگ اسلامی، به حفظ این تلاش و افزوده‌تر شدن آن بستگی تامّ پیدا کرده است.^۳

مسجد، قلب جامعه اسلامی است و اهمّیت آن با تأکید آیات وحی، کلام گهربار ائمه معصومین علیهم‌السلام و نقش تاریخی که در تمدن اسلامی تا به امروز ایفا کرده است، بی‌نیاز از دلیل و برهان است. متأسّفانه در سال‌های گذشته، قلب جامعه اسلامی دچار آسیب‌هایی شده است و تلقی جامعه از مسجد به نازل‌ترین کارکرد آن، یعنی فقط برپایی نمازهای یومیّه، تغییر کرده است؛ حتّی بسیاری از مساجد، کارکردهای عبادی خود را نیز به درستی ایفا نمی‌کنند و همان نماز جماعت عادی، در بیشتر مساجد کشور، صبح‌ها تعطیل است و حال آن که در گذشته‌ای نه چندان دور، مسجد مهم‌ترین مرکز فرهنگی قابل اعتماد برای مردم محسوب می‌شد و

۱. گلی‌زواره، غلامرضا، مسجد، قلب پرتپش شهر من، ماهنامه پیرسمن، ش ۵۹.

۲. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، تهران، صص ۳۹۴، ۳۹۳ و ۴۰۵.

۳. رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، صص ۱۳۶.

در زندگی مردم و حیات اجتماعی یک ملت نقش مؤثر ایفا می‌کرد.^۱

از آنجا که مسجد عبادتگاه عاشقان حق و تجلی‌گاه عشق و محبت اوست، یکی از مهم‌ترین فواید ارتباط با این کانون معنوی، «ذکر» و یاد خداست؛ قرآن در این مورد می‌فرماید: «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ، دَرِجَاتٍ خَالَهَا مِنْ رَبِّهَا بِمَا كَانَتْ تَرْتَجَى، وَرَبُّهَا يَسْمَعُ» [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود، در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند.^۲

از دیگر فواید ارتباط با مسجد، «اتحاد بین مؤمنان» است که این فایده از مذمت خداوند متعال نسبت به مسجد ضرار استفاده می‌شود؛ قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَخْلِفَنَّهُ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ وَآنَهَابِي كَه مَسْجِدِي اخْتِيَار كَرَدَنَد كَه مَاهِي زِيَان وَ كَفَر وَ پَرَاكَنَد گِي مِيَان مُؤْمِنَان اسْت وَ [نيز] كَمِين گَاهِي اسْت بَرَاي كَسِي كَه مَدْتِي قَبْل بَا خَدَا وَ پِيَامَبَر اُو بَه جَنگ بَر خَا سْتَه بُو دَنَد وَ سَخْت سُو گَنَد يَاد مِي كَنَنَد كَه جَز نِيكِي قَصْدِي نَدَا شْتِيْم؛ وَ [و] خَدَا گُوَاهِي مِي دَهْد كَه آنَان بَه طُور قَطْع، دَر وِغُو هَسْتَنَد.»^۳

یکی دیگر از فواید ارتباط با مسجد، «پاکبزی روحی و روانی» است؛ قرآن می‌فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا الْمَسْجِدُ أَنْبَسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ، فِيهِ رَجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَّطَّهَرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُتَّطَّهِرِينَ؛ هَر گَز دَر آنجا نايست [توقف نکن]؛ چَرا كَه مَسْجِدِي كَه از رُوز نَخْسْتِيْن بَر پايه تَقُوا بِنَا شَدَه، سَزَاوَاتر اسْت كَه دَر آن [بِه نماز] ايستِي [و] دَر آن مَرَدَانِي اَنَد كَه دُوسْت دَارَنَد خُود رَا پَاك سَا زَنَد وَ خَدَا كَسَانِي كَه خُوا هَان پَاكِي اَنَد رَا دُوسْت مِي دَارَد.»^۴

خداوند در قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَحْشَسْ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أَوْلَىٰكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ مَسَاجِدَ خَدَا رَا تَنهَا كَسَانِي آبَاد مِي كَنَنَد كَه بَه خَدَا وَ رُوز بَا ز پَسِيْن اِيْمَان آوَر دَه وَ نَمَاز بَر پَا دَا شْتَه وَ زَكَات مِي دَهْنَد وَ جَز از خَدَا تَن رَسِيْدَه اَنَد؛ پَس، اَمِيْد اسْت كَه اِيْمَان از رَا ه يَافْت گَان بَاشَنَد.»^۵

با توجه به اینکه «آباد ساختن مساجد»، تنها به معنی ساختمان و تأسیسات آن نیست، بلکه مفهوم آن شامل اجتماع و شرکت و ارتباط با مسجد است، روشن می‌شود که ارتباط با این کانون عبادی، باعث تقویت ایمان به خدا و ایمان، روز رستاخیز شده و باید افزون بر پیوند فرد با خدا به وسیله نماز، باعث پیوندش با

۱. حشمتی، محمدرضا، پیشگفتار، کارکرد مسجد، ص ۷.

۲. نور، آیه ۳۶.

۳. توبه، آیه ۱۰۷.

۴. همان، آیه ۱۰۸.

۵. همان، آیه ۱۸.

خلق خدا به وسیله پرداخت زکات باشد و یکی دیگر از آثارش، توحید در ترس از خداست؛ یعنی جز از خدا نترسیدن»^۱.

این همه شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در دوران اولیه ظهور اسلام، مسجد، مرکز و کانون ارتباطات اجتماعی مسلمانان محسوب می‌شد. اطلاع یافتن مسلمانان از آخرین اخبار، در این مکان صورت می‌گرفت. این کار کرد مسجد، هنوز به صورت صددرصد از آن سلب نشده است و اگر کمی دقت نماییم، می‌بینیم که برخی مساجد شهرها و روستاهای کشور، پس از اتمام نماز جماعت، محل تجمع جوانان است که گروه گروه با هم به رد و بدل اطلاعات و اخبار می‌پردازند.^۲

نهضت جاودانه پیامبر ﷺ چشمه‌ساری زلال از بینش و دانش، در پهن دشت اندیشه‌های انسانی جاری ساخت. پیامبر ﷺ از هر فرصتی برای روشن‌گری و آموختن اسلام به مردم بهره می‌جست؛ ولی مطالعه در زندگی و سیره آن حضرت، نشان می‌دهد که مسجد، در مجموعه دوران ۲۳ سال رسالت، مهم‌ترین سنگر تبلیغ دینی پیامبر ﷺ بوده است، گرچه میزان نقشی که مسجد در طول این دوران در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی ایفا کرده است، همواره یکسان نبود.^۳

به طور کلی، ملاک ارتباط و عدم ارتباط مردم با مسجد، به مردمی بودن رابطه روحانی با مردم و توجه به خواسته‌های مردمی که در مسجد حاضر می‌شوند، باز می‌گردد. چنان که رونق مساجد در انقلاب اسلامی به این دلیل بود که در آنها، همان مسائلی مطرح می‌شد که مردم خواستار آن بودند. بنابراین، اگر در مساجد مباحثی طرح شود که پرسش مردم نباشد و نیازی را از مردم، چه علمی و چه عملی نتواند رفع کند، به تدریج جدایی میان مردم و روحانیت مساجد پدید می‌آید.^۴

در این قسمت از بحث، مناسب است که به برخی ویژگی‌های خاص رسانه‌ای مسجد اشاره داشته باشیم.

- پیام مسجد، برخلاف برخی رسانه‌ها، همگانی است و اخبار خصوصی و محرمانه ندارد.
- مسجد، پیام منفی ندارد؛ برخلاف بعضی رسانه‌ها که پیام منفی نیز دارند.
- پیام مسجد، برخلاف اخبار تعدادی از رسانه‌ها، موجب نفوذ در قلب‌ها و افکار مخاطبان می‌شود.
- پیام مسجد، می‌تواند انقلاب‌ساز باشد؛ ولی اخبار برخی رسانه‌ها انقلاب‌سوز است.
- اخبار رسانه‌ها، برخلاف پیام‌های مسجد در روز بعد و یا حتی چند ساعت بعد کهنه می‌شود.

۱. تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۳۱۶.

۲. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، کارکرد مسجد، ص ۴۵۸.

۳. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر ﷺ، کارکرد مسجد، تهران، ص ۶۶.

۴. تاج‌الدینی، علی، نسبت مسجد و حکومت در اندیشه مطهری، کارکرد مسجد، ص ۹۶-۹۷.

- در رسانه مسجد، اولویت با پیام دینی و تحت تأثیر احکام دین است؛ اما در اکثر رسانه‌ها، اولویت با مسائل اقتصادی و سیاسی است.
- شاید هیچ پایگاهی به اندازه «مساجد»، در تبلیغ اسلامی ایفای نقش نکرده باشد؛ از زمان رسول خدا ﷺ تاکنون اذان، نماز، و عظ و خطابه از مهم‌ترین برنامه‌های مساجد بوده و هستند.
- پیام مسجد، ارشاد و هدایت است؛ برخلاف اخبار برخی رسانه‌ها که فقط اطلاع‌رسانی است و با تخریب و گمراهی همراه است.
- پیام‌دهنده در مسجد (امام جماعت)، باید عادل و عالم باشد؛ برخلاف پیام‌دهنده در بعضی از رسانه‌ها که شرایط خاصی ندارد و هر کسی می‌تواند در مقام پیام‌دهنده باشد.
- پیام‌دهنده مسجد، مخاطب را می‌شناسد و طبق ظرفیت او پیام می‌دهد؛ ولی رسانه‌ها به طور عمده به هر گیرنده‌ای پیام می‌دهند.
- پیام مسجد، برخلاف عمده رسانه‌ها، آرامش‌بخش است.
- در طول تاریخ، مساجد واقعی (نه مساجدی مثل مسجد ضرار)، مخاطبان خود را از مسیر حق منحرف نساخته‌اند؛ ولی رسانه‌ها، معاویه را امیر و حضرت علی (علیه السلام) را کافر و امام حسین (علیه السلام) را خارجی معرفی کردند.

مسجد و رسانه‌های جمعی دیگر

در تعریف لغوی «رسانه» چنین آمده است: وسیله‌ای که اخبار و اطلاعات را به مردم می‌رساند؛ مانند رادیو، تلویزیون، روزنامه، مجله و شبکه‌های رایانه‌ای.^۱ در «دانشنامه علوم اجتماعی»، رسانه (رسانه جمعی)، بدین گونه تعریف شده است: رسانه‌های گروهی، یک نهاد اجتماعی را تشکیل می‌دهند که به تولید و توزیع دانش در حیطه‌ای فراتر از کلمات می‌پردازد و دارای مشخصه‌های برجسته و بارزی، مانند استفاده نسبی از فناوری پیشرفته در تولید و پخش پیام‌ها هستند.^۲

در این راستا، از کارکردهای وسایل ارتباط جمعی (Mass Media Functions) می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: کارکرد نظارتی، کارکرد آموزشی یا انتقال فرهنگ، کارکرد سرگرم‌سازی و پر کردن اوقات فراغت، کارکرد نوگرایی و توسعه، کارکرد همگن‌سازی، کارکرد راهنمایی و رهبری، کارکرد بحران‌زدایی، کارکرد آگاه‌سازی، اعطای پایگاه اجتماعی، حمایت از هنجارهای اجتماعی (وظیفه اخلاقی)، انتقال میراث‌های

۱. انوری، حسن، ج ۴، ص ۳۶

۲. مک کوئیل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز جلالی، انتشارات مرکز مطالعات رسانه.

فرهنگی و اجتماعی از نسلی به نسل دیگر، نقش و کارکرد بیان عقاید، ایجاد همبستگی میان اجزای جامعه در پاسخ به نیازهای محیطی و کارکرد تبلیغی. از طرف دیگر، عصر حاضر را عصر ارتباطات نامیده‌اند؛ زیرا ارتباطات و اطلاعات انتقالی از آن، ابزاری مهم برای تصمیم‌گیری، تعامل بین انسانی، هویت‌بخشی و هویت‌ستاندن، جهت‌دهی به افکار و اندیشه‌ها و ابزاری برای سلطه است.

از نظر تحلیل‌گران سیاسی، امروز، سرنگونی نه به وسیله مسلسل و سلاح آتشین، بلکه با رسانه‌هاست. با گسترش روند جهانی شدن حضور رسانه‌ها، دیگر دولت‌ها چندان نمی‌توانند کنترلی آهنبین بر زندگی مردم داشته باشند؛ زیرا مانند گذشته، قدرت انحصاری و سانسور ندارند. نظم اجتماعی مفید، که به نفع تمام اعضای جامعه است، امروز به کارکرد رسانه‌ها بستگی دارد؛ زیرا روابط انسانی، اگرچه همواره در حال تغییر است، اما با حضور رسانه‌ها و انتقال مفاهیم، نمادها و اطلاعات، این تغییرات تشدید یافته است. بنابراین، هر چه شیوه‌های پاسخگویی دولت‌ها با ابزارها و اهرم‌های خود، با این تغییرات هماهنگ باشد، میزان نظم اجتماعی بیشتر تضمین می‌گردد.

حال که ضرورت ارتباطات در بسیج و انقلاب انکارناپذیر است، باید دید که مسجد چه نقشی در این زمینه ایفا کرده است؟ آیا در عصری که عصر انقلاب ارتباطات و به تعبیر مک‌لوهان «دهکده جهانی» نام گرفته است، مسجد، می‌تواند با قدمتی بیش از ۱۴۰۰ سال، با رسانه‌های ارتباطی نوین به رقابت بپردازد؟ در پاسخ به این سؤالات، ابتدا نگاهی به وضعیت رسانه‌های نوین، اعم از مکتوب، دیداری و شنیداری و ورود آنها به زندگی افراد داریم و سپس، به مقایسه مسجد با آنها پرداخته و کارویژه‌های ارتباطی مسجد را در عرصه‌های مختلف، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم.

کارکرد وسایل ارتباط جمعی در برقراری هر چه عمیق‌تر ارتباط با انسان به عنوان مهم‌ترین مخاطب، خلاصه و متمرکز می‌شود. اگر چنین باشد، باید ببینیم مسجد به عنوان یک پایگاه ارتباطی بسیار مهم، چه نقشی در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگ اسلامی ایفا کرده است.^۱

یکی از دلایل موفقیت مسجد در کارکرد رسانه‌ای خود، بهره‌گیری از ارتباطات چهره به چهره بود. ویلیام‌هاکتن با بررسی تجربه ارتباطات سنتی در انقلاب اسلامی تأکید می‌کند: «آنچه در ایران رویداد، بی‌سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره به چهره، ارتباطات سنتی، راهپیمایی‌ها و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب استفاده می‌شد».^۲

دلیل دیگر به مسئله مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش آن توسط مردم بر می‌گردد. با توجه به اینکه رسانه

۱. رضاییان، مجید، تحول ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، ص ۱۳۱.

۲. فرقانی، محمد مهدی، درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران، ص ۶۳.

باید حامل پیامی برای مخاطب خود باشد، هر چه این پیام با فرهنگ و اعتقادات جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، بیشتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد. در حالی که رسانه‌های نوین از ابتدا با طراحی بیگانگان وارد زندگی افراد شدند و در ادامه نیز مروج فرهنگ بیگانه بودند، از مشروعیت چندانی در جامعه برخوردار نبودند؛ اما مسجد، با قدمتی بیش از ۱۴۰۰ سال که حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادات جامعه بود، از مشروعیت بالایی در جامعه برخوردار بود. به گفته حمید مولانا «مسجد، در جامعه اسلامی به عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به عنوان منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بعد تزکیه معنوی، بلکه به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است»^۱.

در عصر حاضر، مک‌لوهان یکی از نویسندگان و نظریه‌پردازان غربی در زمینه ارتباطات، معتقد است که منشأ تغییرات اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی هستند، اگرچه نظریه‌پردازان اقتصادی و فرهنگی، هر کدام به طور جداگانه به اقتصاد و نهادهای فرهنگی به عنوان منشأ تغییرات اجتماعی، اعتقاد داشتند؛ اما امروز که از آن به عصر حاکمیت اراده ملت‌ها، بیداری ملت‌ها و بیداری اسلامی، قرن غلبه مستضعفان بر مستکبران و عصری که از دنیا به یک دهکده جهانی یاد می‌کنند، نقش انکارناپذیر و قدرتمند افکار عمومی در عرصه تحولات اجتماعی و فرهنگ ملت‌ها، توجه همگان را به خود جلب کرده است. فرهیختگان و فرزندان ملت‌های جهان اسلام، امروز نمی‌توانند و نباید از کنار انقلاب شگرف فناوری در عرصه ارتباطات، بی‌تفاوت بگذرند و مسئله را به حال خود بگذارند. افکار عمومی و فرهنگی ملی و ایدئولوژیک، پایه‌های اقتدار حکومت‌ها را تشکیل می‌دهند و بدیهی است که در جوامع اسلامی، فرهنگ و نظام اسلامی برای ماندگاری و تدوام، به مدافعی آگاه نیازمند است که پدیده ارتباطات و رسانه‌های جمعی به خوبی می‌توانند از عهده این مهم برآیند.

سخن در این است که «کارکرد رسانه ارتباط جمعی»، با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب خود برقرار سازد. مساجد، در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند.

ویژگی‌های منحصر به فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم، به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود؛ بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبانش بسیار مؤثر باشد. ماندگاری فرهنگ اسلامی، تاکنون به دلیل پویایی و تحرک این کانون‌های سازمان‌دهی

۱. ساسان، جعفر، ۴ آذر ۱۳۸۸، نقش مساجد در انقلاب اسلامی (۱)، مرکز اسناد انقلاب، قابل دسترس در: <http://www.irdc.ir>.

حرکت‌های اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیرهای مهم این ماندگاری تحرک همین پایگاه‌هاست.

امروز، این موضوع به طور کامل پذیرفته شده است که تمام وسایل ارتباط جمعی، به نوعی، ارتباط غیر حضوری با مخاطبان خویش برقرار می‌سازد و این ارتباط، برخلاف جذابیت‌های ظاهری، حالتی تصنعی دارد. این در حالی است که رسانه جمعی اسلام به ویژه مسجد، به دلیل ارتباط مستقیم با مخاطب، دارای بیشترین تأثیر است و این تفاوت را هر فرد می‌تواند با مقایسه حالت خود، قبل و بعد از خروج از مسجد احساس کند؛ در حالی که رسانه‌ای، مانند سینما و تلویزیون به این صورت نیست و اگر هم احساسی به بیننده القاء کند، موقتی، احساسی و سست خواهد بود.

مسجد حداقل در هر سه وعده، پیام دینی، مذهبی خود را به مخاطبان ارائه می‌دهد. مسجد به عنوان پایگاه ارتباطی مهم در آیین اسلام، این قابلیت را دارد که در هر زمان به روز باشد و پاسخ‌گوی نیازهای جدید مخاطبان باشد.

بر مسلمانان عصر حاضر، عصر بیداری و بازگشت به خویش، فرض و لازم است که فرهنگ مسجد را احیا کنند و این مراکز روحانی و فرهنگی و عبادی را با همان منزلت واقعی و مأموریت اصلی و فلسفه حقیقی‌اش مطرح سازند.

منبر، اولین رسانه تاریخ اسلام

منبر، به عنوان یک رسانه عمومی (Te Minbar as a Medium of Public Communication) در اسلام مطرح بوده است.

واژه منبر، به این معنی آمده است: «محل مرتفع، یرتقیه الخطیب او الواعظ یکلم منه الجمع، سمی به لارتفاعه و کسرت المیم علی التشبیه بالآلة؛ منبر، جایگاه بلندی است که سخنران یا موعظه‌گر بر بالای آن با جمع صحبت می‌کند. منبر را به دلیل ارتفاعش، منبر گفته‌اند و برای تشبیه به اسم آلت، به حرف میم آن، کسره داده شده است»^۱.

جمع واژه منبر، منابر است. در زبان فارسی، واژه‌های متعددی مانند کرسی، اورنگ، سریر و تخت وجود دارد که تا حدود زیادی از نظر شکل و ظاهر، مشابه و مترادف همین منبر است؛ اما کاربرد آنها، نه برای وعظ

و خطابه، بلکه برای جلوس و باردادن پادشاهان در نظر گرفته شده است.^۱ در طول تاریخ اسلام، مسلمانان با تأسی از حضرت پیامبر ﷺ جایگاه رفیع منبر را بسیار مقدّس و روحانی می‌دانستند. از نظر مسلمانان، امام جماعت یا خطیبی که بالای منبر می‌رفت، در واقع در جایگاه یک شخص مقدّسی، مانند رسول اکرم ﷺ می‌نشست و اقتضای آن مکان ایجاب می‌کرد که آن شخص خود را متخلّق به ویژگی‌های آن بزرگوار بنماید و راه و روش پیامبر اکرم ﷺ و مکتبش را به مردم القاء بکند. اگر افراد نالایقی بر منبر می‌رفتند، مورد اعتراض مردم قرار می‌گرفتند و علما آن را نشانه نخوت و جاه‌طلبی آنها می‌دانستند و شعرا با لسان شعر به هجو و تقبیح این گونه افراد می‌پرداختند.

چنان که فتح‌علی خان صبا می‌گوید:

گام بر منبر احمد زده اکنون، بوجهل
تکیه بر مسند مهدی زده اینک، دجال

همچنین، سنایی می‌گوید:

حسرت آن را کی بود کز دخمه زی دوزخ رود
حسرت آن را کش به دوزخ از سر منبر برند

در دنیای ارتباطات، یکی از نیازهای مهم بشر، وسایل ارتباطی است تا انسان‌ها را از اخبار مهم مطلع سازد و آنان را در حوادث، به یاری یکدیگر طلبیده و از حمله دشمنان آگاهی داده، آنان را آماده دفاع نماید. دین مبین اسلام، از ۱۴۰۰ سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم در افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. به همین دلیل، کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحولات تکنیکی، زمانی قرین توفیق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد و این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود.

هر چند ممکن است چنین تلقی شود که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد، اهمّیت قبلی خود را از دست داده است؛ ولی از یک سو، گسترش مساجد در تمامی نقاط شهری و روستایی و از سوی دیگر، حرمت، قداست و معنویّت خاصی که مسجد نزد مسلمانان دارد، سبب شده است تا مساجد نقش مهم و انکارناپذیر خود را در این کارکرد ایفا نمایند.^۲

در مجموع، مساجد در طول تاریخ و به درجات مختلف، علاوه بر محلّ عبادت و تشکیل نمازهای جمعه و

۱. ک: لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه‌های کرسی، اورنگ، تخت‌گاه و سریر.

۲. فجری، محمّد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، ماهنامه مبلغان، ش ۱۲۰، ۱۳۰.

جماعت، مکانی برای تشکیل جلسات بحث و درس، تعلیمات دینی و علمی، انجام امور قضایی، حل و فصل اختلافات، رسیدگی به امور عمومی و منفعت عامه، دستگیری از مستمندان، نگهداری خزانة (بیت‌المال) و برگزاری مراسم سیاسی بودند. به این ترتیب، گستره اجتماعی و سیاسی مساجد بسیار چشمگیر بود و انبوهی از پیام‌های اجتماعی و سیاسی از فراز منبر مساجد منتشر می‌شد.

به‌ویژه اهمیت منبر در مساجد، بدان پایه بود که در کنار محراب و مقصوره و شبستان و گنبد، یکی از ۵ جزو مهم مساجد به‌شمار می‌آمد و دارا بودن آن یکی از لوازم جامع بودن تلقی می‌شد. محققان حوزه ارتباطات، منبر را یک رسانه عمومی اسلامی و یک نظام تشکیلات یافته ارتباطی در جامعه اسلام دانسته‌اند که بُرد اطلاعاتی آن، نسبت به هر گونه تماس بین فردی مؤثرتر است؛ زیرا اولین و آخرین حالت توصیف در منبر یکنواخت‌تر است تا وقتی که همان موضوع از طریق واسطه‌های متعدد انتقال می‌یابد.

همچنین، سرعت ارتباط از طریق منبر به این علت که مخاطبان همزمان در معرض پیام قرار می‌گیرند، نسبت به ارتباطات بین فردی و روز به روز بیشتر است.^۱ نکته دیگر اینکه، بسیاری از لغت‌دانان عرب، واژه منبر را از ریشه عربی «نَبَر» به معنای عالی و بلند دانسته‌اند.^۲

اهمیت منبر در دوره اسلامی با جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی پیوند دارد. منبر، در دوره اسلامی، دو کارکرد اساسی اطلاع‌رسانی و آموزش عمومی را به عهده داشت که به عنوان رسانه‌ای با نفوذ، نقش بارزی ایفا می‌کرد.

این رسانه، به سبب اینکه فرستنده پیام در آن دارای و جاهت دینی است، دارای اعتبار است. کار و اعظا، از آنجا که متضمّن یادآوری مسؤلیت‌ها و توجه دادن به عوامل سعادت و شقاوت دنیوی و اخروی بود، با حکایت و داستان‌های آموزنده اخلاقی همراه می‌شد و از همین رو بود که وعظ را علم تذکیر و قصص می‌خواندند و واعظ را به این جهت مذکر یا قصه‌گو نیز می‌گفتند.

دقیق‌تر اینکه بر اساس تکلیفی که اسلام برای تبلیغ دین قائل است، همواره مبلغان و واعظانی بوده‌اند که پیگیر رشد اخلاقی و عملی مردم بوده‌اند؛ اما منبر به دلیل تأثیرش، فقط به این محدود نمی‌شد و پیام‌هایی فراتر از آموزه‌های دینی را نیز مخابره می‌کرد.

۱. حسینی، رضا، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، نقش مسجد در ارتباطات عمومی، پورتال نور، قابل دسترسی در: <http://noorportal.net>.

۲. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۲، ص ۹۰۴.

نقش منبر، به عنوان مجرای ارتباطی حاکمان با مردم، در گذشته اهمیت زیادی داشت و منحصر به سلسله خاصی نبود؛ به عنوان مثال، وقتی قراخانیان با پیشروی خود، بخارا، پایتخت سامانیان را تهدید کردند، «واعظان بر فراز منابر مسجدها رفتند و به نام سامانیان از مردم خواستند به آنها ببینند». چنان که پیش از این نیز اشاره شد، وعظ و اندرز مؤمنان، به عنوان تکلیفی دینی همواره مورد توجه شماری از وعاظ بوده است. بنابراین، در آغاز انقلاب ایران، رسانه منبر، یکی از مهم‌ترین ابزارهای انقلابی‌ها برای پیگیری اهداف انقلاب اسلامی بود. همزمان با شکل‌گیری انقلاب در دهه ۴۰ علما و دانشوران اسلامی برای مقابله با دستگاه تبلیغاتی پهلوی از این رسانه به نحو شایسته استفاده می‌کردند. در مقام مقایسه، هیچ یک از رسانه‌های تحت اختیار رژیم شاهنشاهی، قدرت برابری با تأثیرگذاری منبر را نداشت. مردمی که پای منابر علمای دینی می‌نشستند، ضمن دریافت احکام دینی و بهره‌گیری از دستورات اخلاقی ائمه دین، با آخرین اخبار روز آشنایی پیدا می‌کردند.

به طور اساسی، در تجمعاتی که در مساجد برگزار می‌شد، قبل و بعد از سخنرانی وعاظ و مبلغان، انقلابی‌ها، ضمن برگزاری جلساتی محدود و کم‌تعداد، در جریان آخرین اخبار قرار می‌گرفتند و برای ادامه تحریکات سیاسی خود، هماهنگی‌های لازم را کسب می‌کردند. روحانیان با سخنرانی‌های خود، علاوه بر این که به سخنرانی‌های مذهبی و تقویّت باورهای مردم می‌پرداختند، پرده از جنایات رژیم شاه برمی‌داشتند و مردم را از اوضاع خفقان‌بار جامعه آگاه می‌کردند و آنها را به مبارزه و تظاهرات علیه رژیم دعوت می‌کردند که به واقع هم بسیار مؤثر بود. در واقع، منبر، به عنوان یک رسانه عمومی نقش شگفتی‌ساز و حماسی را در انقلاب اسلامی ایفا کرد؛ زیرا سخنرانان روحانی با استفاده از آن به عنوان تریبونی در جهت رساندن صدای انقلاب به گوش ملت ایران استفاده کردند. از منظر ارتباطی، انتخاب تکنیک سخنرانی و خطابه از سوی انقلابی‌ها، حاوی پیام روشن و آگاهانه‌ای است؛ زیرا سخنرانی‌ها و خطابه‌ها با برقراری ارتباط نزدیک و بدون خدشه، میان سخنران و مخاطبان می‌تواند به عنوان عنصر تعیین‌کننده عمل کند.

پیام‌رسانی از طریق منبر، در دو مقطع زمانی از تاریخ انقلاب اهمیت فراوان پیدا کرد. مقطع اول، زمان ابتدای نهضت که هنوز امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از ایران تبعید نشده بود و مقطع دوم، از تبعید امام تا پیروزی انقلاب اسلامی را شامل می‌شد. طیفی از وعاظ در طی این دو مقطع، از سال ۱۳۴۱ تا بهمن ۱۳۵۷ در صدد برآمدند با استفاده از رسانه منبر، مشروعیت نظام حاکم را به چالش بکشاند و توانستند افکار عمومی جامعه را به سوی نهضت جلب کنند.^۱

در تمامی نظریه‌های ارتباطی تاکنون، رسانه‌های جمعی، وظیفه اطلاع‌رسانی و ارسال پیام داشته‌اند؛ در این بینش، باید افکار عمومی به سمتی خاص که نهاد‌های سیاسی و حکومت‌های قدرتمند و بیشتر دنیا طلب هستند، سوق داده شود و رفتار جمعی بر اساس الگوهایی که عرضه می‌شود، شکل گیرد و در نهایت، ثبات اجتماعی در تحقق اهداف سرمایه‌داری جهانی حفظ شود.

بدیهی است در این نظریه‌ها، انسان، ابزاری بیش نیست؛ ولی دیدگاه رسانه‌ای اسلام، انسان را نه تنها به عنوان مخاطبی که پیامی به اطلاع او می‌رسد، بلکه به منزله مخاطبی که آگاهی و به‌ویژه تعالی او همواره مدنظر است، می‌نگرد.

رسانه‌های جمعی مورد تأکید فرهنگ اسلامی، که به طور عمده بر نقش رسانه‌ای مسجد و خطابه و ارتباط‌ها و پیوندهای حضوری (و تشکلی‌های ارتباطی خاص) تأکید دارد و البته وسایل و تکنیک‌های نوین را هم نفی نمی‌کند و می‌پذیرد؛ در این جمله یک نکته حکمت‌آمیز هدایتی دیده می‌شود؛ چون در این مدل ارتباطی، انسان با انسان به صورت حضوری در ارتباط است و این شیوه ارتباط، در تصرف قلب‌ها و تسخیر افکار به مراتب مؤثرتر است.

در این راستا، مسجد و خطابه، بر فرهنگ شنیداری تأکید دارد. بدیهی است که در جوامع اسلامی که از تحولات فرهنگ دیداری، آثار مهمی دیده نمی‌شود، مسجد و خطابه با استفاده از فرهنگ شنیداری، مؤثرترین پیام‌رسان است. ضمن آنکه مسجد، به عنوان پایگاه و رسانه ارتباطی مهم، از هر دو حالت می‌تواند به طور بالقوه برخوردار باشد.^۱

علاوه بر ویژگی‌های بیان شده، یکی از نهادهایی که در کنار مسجد و از طریق آن، رفتارهای سیاسی مردم سازماندهی و هدایت می‌شود، منبر است. منبر، نخست به عنوان وسیله ارتباطی میان امت و رهبران و سپس به دنبال جدایی فزاینده منبر از حکومت، به صورت مستقل، اما قدرتمند و سیاسی که هیچ‌گاه فرصت در افتادن با قدرت‌های مستقر را از دست نمی‌داد، خدمت و عمل می‌کرد و رهبران و وعظ انقلابی از منبر، همچون کانالی برای بیداری مردم و انتشار نظریات ضد نظام و مرام حکومت و برانگیختن توده‌های مردم سود می‌جستند.^۲

ویژگی رسانه‌ای مسجد بر وسایل ارتباط جمعی

سخن از طلوع اسلام و مطلع آن و فجر صادق آیین محمدی ﷺ و مرکز اشاعه آن، یعنی مسجد است.

۱. رضایی، علی، نقش مساجد در جوامع اسلامی، قابل دسترس در: <http://www.rasekhoon.net>.

۲. لطیف پور، یدالله هنری، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۵۶-۱۵۷.

مسجد، مهمان‌خانه خدا در زمین، جایگاه نزول برکات و خیرات آسمانی، آخانه راز و نیاز، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی بهشت خدا در زمین^۳ و محل آرامش موحدان است.

■ ویژگی‌های ارتباط رسانه‌ای مسجد بر سایر رسانه‌ها را می‌توان در سه بخش مهم خلاصه کرد.

ویژگی سیاسی

- مسجد اختصاص به هیچ ارگان و حزبی ندارد؛ اما هیچ رسانه‌ای نیست که به جایی وابسته نباشد.
- مسجد تابع هیچ نهاد و حکومتی نیست و افکار اجتماعی را به سوی صحیح سوق می‌دهد. برخلاف سایر رسانه‌ها که موظف هستند افکار عمومی را به سمتی خاص، که نهادهای سیاسی و حکومت‌های قدرتمند و بیشتر دنیا طلب هستند، سوق دهند تا رفتار اجتماعی بر اساس الگوهایی که عرضه می‌شود، شکل گیرد.
- مسجدی‌ها، برخلاف مخاطبان رسانه‌های دیگر، به طور معمول از سیاسی‌بازی و حزب‌گرایی متنفر و دور هستند.
- در عین حالی که مسجد، گروهی و سازمانی نیست؛ اما حالتی تشکیلاتی داشته و با مخاطبان ارتباط تشکیلاتی برقرار می‌کند.
- این ارتباط، به دلیل غیرسازمانی و غیرگروهی بودن، زمینه بازرسی مردمی از تشکیلات را فراهم کرده و امکان بهره‌برداری سیاسی را به حداقل می‌رساند.
- مقابله حکام جور با رسانه مسجد، یا باید شکل علنی داشته باشد که این مسئله پرده از چهره غیردینی حکومت‌های سلطه برمی‌دارد و باعث تحریک عواطف علیه سلطه‌گر می‌شود و یا باید به شکل مخفی باشد که در این صورت، کاربرد چندانی نداشته، بلکه نتیجه معکوس خواهد داشت. سلطه‌گران نیز تلاش می‌کنند (اگرچه در ظاهر) با مسجد همراه باشند تا بتوانند اطلاع‌رسانی مسجد را مهار سازند.
- مراکز رسانه‌ای دنیا محل رشد و فعالیت جاسوسان است؛ اما در مسجد، جاسوس (منافع) جایی ندارد و اگر وارد شود، زود رسوا می‌شود.

۱. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۷.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۷۷.

۳. ترمذی دعوات، ج ۳، ص ۸.

ویژگی اجتماعی و فرهنگی

■ رسانه مسجد نفوذناپذیر است، چنان که قرآن می فرماید: «مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسَاجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ بِالْكُفْرِ أُولَئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ؛ مشرکان را نرسد که مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش شهادت می دهند؛ آنان هستند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودان هستند»^۱.

خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَحْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُتَّقِينَ؛ مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده‌اند و جز از خدا نترسیده‌اند؛ پس، امید است که اینان از هدایت یافتگان باشند»^۲. این ویژگی، برخلاف بیشتر رسانه‌های دنیا است که توسط مشرکین و معاندین اسلام، اداره و یا تأیید می شود.

- برخلاف سایر رسانه‌ها، مغرض و منافق در سیستم مسجد جایگاهی ندارد.
- وجود مسجد در هر مکانی، موجب رشد مردم می شود؛ اما وجود برخی رسانه‌ها مردم را از دین دور می کند.
- رسانه‌ها یکدیگر را نفی می کنند؛ اما هیچ مسجدی، مساجد دیگر را نفی نمی کند؛ بلکه مساجد مؤید یکدیگرند.
- مسجد، نه هر پیامی را می گیرد و نه هر پیامی را به مخاطبان می دهد؛ چرا که رسانه مسجد، پیامی را ارائه می دهد که از وحی و اهل بیت علیهم‌السلام باشد و در تربیت و رشد مخاطبان دخالت داشته باشد، برخلاف رسانه‌های دیگر که هر خبری را دریافت و پخش می کنند.
- مسجد، برخلاف سایر رسانه‌ها و ادیان که پذیرش هفتگی، ماهیانه و سالیانه دارند، پذیرش روزانه داشته و تعطیل بردار نیست.
- تأثیر اخبار رسانه‌ها در دنیا متفاوت است؛ برخلاف تأثیر پیام‌های مسجد که یکسان هستند.
- مسجد محلی است که همیشه مردم به دنبال آن بوده‌اند. بنابراین، پیام مسجد عمیق است؛ برخلاف رسانه‌ها (رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت) که حتی در خانه‌ها به دنبال مخاطبان می روند.

۱. توبه، آیه ۱۷.

۲. همان، آیه ۱۸.

- اخبار مسجد آرامش بخش است؛ ولی اخبار رسانه‌ها به طور عمدۀ تشنج‌زا و تزلزل‌آفرین است.
- اخبار مسجد، همیشه گواراست؛ برخلاف اخبار غیرمسجدی که برخی ناگوار است و حتی بعضی از اخبار خوب آن نیز مشکل‌زا است.
- مخاطبان رسانه مسجد، عام است و هر کس و در هر موقعیتی می‌تواند از آن بهره‌جوید؛ اما رسانه‌ها به طور معمول، مخاطبان خاصی داشته و حتی هر صفحه از یک روزنامه، مخاطبی خاص دارد.
- مسجد تولیت خاص ندارد؛ اما هیچ رسانه‌ای بدون مسئول و مدیرمسئول و سردبیر و... نمی‌تواند فعالیت داشته باشد.
- مسجد، نزد عمده مردم (حتی افراد لایالی)، مقدس است؛ برخلاف برخی رسانه‌ها که هیچ‌گونه سابقه و لاحقه تقدس ندارند.
- پیامد منفی در اخبار و پیامدهای مسجد (اعم از اخباری که می‌دهد و می‌گیرد) وجود ندارد؛ چون هدف پیام‌های مسجد، اصلاح است؛ برخلاف اخبار برخی رسانه‌ها که پیام مثبت آنها بیش از پیام منفی آن نیست.
- رسانه مسجد، مشکل‌گشا است؛ برخلاف بعضی رسانه‌ها که مشکل‌ساز هستند.
- به طور اساسی، تمامی وسایل ارتباط جمعی، نوعی ارتباط غیرحضوری را با مخاطب برقرار می‌سازند؛ ولی مسجد ارتباط غیرحضوری را نمی‌پذیرد؛ چون حالات و اوقات و شرایط افراد مرتبط با مسجد، متفاوت است و به همین دلیل، پیام‌ها نیز متفاوت است.
- مسجد، پایگاهی ارتباطی-دینی است و موجب ماندگاری فرهنگ اسلامی در مخاطب می‌شود.
- کارکرد ارتباطی و رسانه‌ای مسجد، عمیق‌تر است؛ زیرا با دل‌ها و افکار هماهنگ با یکدیگر سر و کار دارد و این، برخلاف سایر رسانه‌های دیگر است.
- مسجد، پایگاهی ارتباطی و سهل‌الوصول و رسانه‌ای قابل دسترس برای کلیه مخاطبان و علاقه‌مندان است.
- مسجد، جدا از نقش رسانه‌ای و ارتباطی خود، از طریق خطبا و علما، در مخاطبان ایجاد انگیزش کرده و علاوه بر نقش اطلاع‌رسانی، نقش هدایتی را نیز به دوش می‌گیرد.
- در طول تاریخ، مساجد، عامل اتحاد و همبستگی میان مردم بوده است؛ برخلاف برخی رسانه‌ها که موجبات تفرقه را در جامعه فراهم کرده‌اند.

ویژگی پیام مسجد

- پیام مسجد همگانی بوده و اخبار خصوصی و سرّی و محرمانه ندارد؛ برخلاف برخی رسانه‌ها که دارای بولتن سرّی، اخبار گزینشی، تدوین و دوبلاژ هستند.
- پیام مسجد، موجب نفوذ در قلب‌ها و افکار مخاطبان می‌شود؛ ولی اخبار رسانه‌های دیگر چنین نیست.
- پیام مسجد، همیشه انقلاب‌ساز است؛ ولی اخبار برخی رسانه‌ها، انقلاب‌سوز است.
- اخبار رسانه‌ها در روز بعد و یا حتی چندساعت بعد کهنه می‌شود؛ برخلاف پیام‌های مسجد که همیشه تازه و زنده هستند.
- در رسانه مسجد، اولویّت با پیام دینی و تحت تأثیر احکام دین است؛ امّا در رسانه‌ها اولویّت با مسائل اقتصادی و سیاسی است.
- پیام مسجد، ارشاد و هدایت است؛ برخلاف اخبار رسانه‌ها که فقط اطلاع‌رسانی است یا همراه با تخریب و گمراهی هستند.
- همه مساجد، حتّی مساجد قدیمی و خالی از جمعیت نیز دارای پیام است.
- مسجد، تنها رسانه‌ای است که در تمام دنیا اسم و پیام واحدی دارد.
- هر چه مسجد ساده‌تر باشد، پیام و جاذبه‌اش بیشتر است؛ برخلاف رسانه‌های دیگر که مجبور هستند تا با آب و رنگ خاصّی پیام دهند و بدون آن، خالی از ارزش و مخاطب می‌شوند؛ مثل: تلویزیون سیاه و سفید.
- پیام‌دهنده مسجد باید عادل و عالم باشد؛ برخلاف پیام‌دهنده در رسانه‌ها که شرایط خاصّی نداشته و هر کس می‌تواند در مقام پیام‌دهنده باشد.
- پیام‌دهنده مسجد (امام)، مخاطب را می‌شناسد (و باید بشناسد) و طبق ظرفیت او، پیام می‌دهد؛ ولی رسانه‌ها به طور عمده به هر گیرنده‌ای پیام می‌دهند.
- نحوه پیام دادن در مسجد، شرایط و زمان خاصّ دارد؛ امّا پیام سایر رسانه‌ها هیچ شرایط و زمان و مکان خاصّی ندارد.
- هر چه مسجد سنّتی‌تر باشد، پیامش بیشتر است؛ برخلاف رسانه‌ها که جاذبه‌اش در مدرن‌تر بودن آن است.
- پیام مسجد، به شرطی قابل انتقال است که بافت آن با ارزش‌ها، هنجارها و مبانی دینی مطابقت

داشته باشد؛ برخلاف سایر پیام‌ها که از راه‌های گوناگون و از عموم رسانه‌ها قابل انتقال است.

■ هیچ‌گاه مسجد و پیام آن، تابع بودجه نبوده است؛ برخلاف رسانه‌ها که قبض و بسط آن، تابع بودجه است.

■ در طول تاریخ، هیچ مسجدی (به جز مسجد ضرار که تخریب شد)، مخاطبان خود را از مسیر حق منحرف نساخته است؛ ولی رسانه‌ها، معاویه را امیر و حضرت علی (علیه السلام) را کافر و امام حسین (علیه السلام) را خارجی معرفی کردند.

■ رسانه‌ها یا ناطق‌اند (راديو و تلویزیون) یا مکتوب (روزنامه‌ها) و یا الکترونی (ماهواره و اینترنت)؛ اما مسجد هر کسی را به نحوی اطلاع‌رسانی می‌کند؛ گاهی نگاه به ساختمان مسجد و یا خطوط نوشته شده در آن و... پیام‌دهنده و بیدارکننده است.^۱

در این زمینه، باید به این نکته اشاره کرد که خود مسجد یک رسانه است. از قدیم نیز، مسجد محلّ خبررسانی بوده و پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله) هر وقت می‌خواستند خبری را به مردم برساند، از طریق مسجد اطلاع‌رسانی می‌کرد. مسجد، در فرهنگ اسلام و ایران مهم‌ترین محلّ برای عبادت‌های جمعی، روشن‌فکری و اتحاد مسلمانان به شمار می‌رود. از گذشته تاکنون، مساجد، نقش ویژه‌ای در هدایت مسلمانان در جوامع گوناگون اسلامی داشته است. جهان اسلام باید برای مسجد به عنوان یکی از بزرگ‌ترین پایگاه‌های مردمی و رسانه‌ای با قابلیت فراوان، حساب ویژه‌ای باز کنند؛ چرا که امروز، مساجد، علاوه بر مزیت‌های این رسانه دینی، نسبت به سایر رسانه‌ها در محلات می‌توانند در انتقال خبر و بیان حقیقت به دیگر رسانه‌ها نیز کمک کنند.

نقش رسانه‌ای مسجد در تحوّل ارتباطات

در طول تاریخ، انسان همیشه تلاش کرده تا وسیله‌ای برای برقراری ارتباط در اختیار داشته باشد؛ هر چند که در دوره‌های اولیه این وسایل، قدرت زیادی برای حمل پیام و اطلاعات نداشته‌اند؛ ولی برای انسان آن روز مطلوب بوده است. این فناوری‌های ابتدایی به تدریج گسترش یافتند؛ تا جایی که در زمان حال، با فناوری‌های اطلاعاتی روبه‌رو هستیم که در حال متحوّل کردن نحوه زندگی و تفکر انسان معاصر است.

کارکرد وسایل ارتباط جمعی، برقراری هر چه موفق‌تر ارتباط با انسان‌هاست. این برقراری ارتباط به تحوّل‌های تکنیکی باز نمی‌گردد. ماهواره‌ها و رایانه‌ها، البته قادر خواهند بود که پیامی را در یک لحظه به تمامی دنیا مخابره کنند و به وظیفه اطلاع‌رسانی و ارتباطی خود عمل نمایند؛ اما مهم، پیام و حرفی است

۱. فجرى، محمّد مهدى، روزنامه کیهان، مسجد، رسانه‌ای قوی و متفاوت، صفحه معارف، ش. ۱۹۸۸.

که ارسال و القاء می‌شود. واکنش رفتار جمعی انسان‌ها در یک جامعه در برابر پیام‌هایی که به او می‌رسد، به خوبی نشان می‌دهند که کانون‌های ارسال پیام و وسایل ارتباط جمعی تا چه اندازه در القای پیام‌هایشان موفق بوده‌اند. سالیان متمادی، غرب در ایران کوشید، تا با ارسال پیام و القای فرهنگ مورد نظرش و با گسترش مراکز مطبوعاتی، سینمایی، انجمن‌ها و محفل‌های متعدد ارتباطی به سلطه خویش همچنان ادامه دهد؛ ولی دیدیم که در انقلاب اسلامی، سال ۱۳۵۷ پایگاه‌های ارتباطی مورد تأکید انقلاب، مساجد، خطبا و هیئت‌ها و تشکل‌های مذهبی، توانستند، با وجود برخورداری از شکل سنتی در ارسال پیام، به سرعت بر رسانه‌های ارتباط جمعی پیشرفته غرب در ایران، فایق آمده و واکنشی خلاف آن چه در رسانه‌های قدرتمند ارتباطی آن روز انتظار می‌رفت، از خود نشان دهند.

رسانه‌ها کارکردهای متفاوتی، همانند انتقال ارزش‌ها و میراث فرهنگی را بر عهده دارند؛ اما از نظر صاحب‌نظران، این ابزارها تنها بخشی از میراث‌گرانه‌های نسل پیش را منتقل می‌کند و بیشتر خواهان و مروج نوآوری هستند. رسانه‌ها، موجد تغییر در الگوهای سنتی جوامع هستند و با تشویق ارزش‌ها و هنجارهای جدید، الگوهای نسل پیش را به چالش می‌کشند. رسانه‌ها، با وابسته کردن نسل جدید از نظر اطلاعات و دانش و سرگرمی، سعی در دیکته کردن ارزش‌ها و هنجارهای متضاد و مغایر با فرهنگ غالب دارند؛ به طوری که به جرأت می‌توان گفت که نسل فعلی، بیشتر برداشت‌های فکری و ظاهری خود را از رسانه‌ها می‌گیرد. البته نباید به رسانه‌ها با دید منفی نگاه کرد و نباید کارکردهای مثبت آنها را در عرصه آموزش و اطلاع‌رسانی و ترویج دانش‌های نوین و نقش آنها را در توسعه جوامع، نادیده گرفت. باید با شناخت جایگاه رسانه‌ها در جامعه‌پذیری و ارائه و انتقال محتواهای فرهنگی به جامعه، به تدوین و سیاست‌گذاری مناسب برای استفاده مناسب از آنها پرداخت و برای تقویت فرهنگ و پالایش عناصر فرهنگی، برای ارتقای فرهنگی جامعه و انتقال میراث فرهنگی به نسل آینده کوشش کرد تا شکاف نسلی - که حاصل متغیرهای بسیاری از جمله نفوذ و رخنه رسانه‌ها در فرهنگ و جامعه است - کاهش پیدا کند و یا به هیچ وجه به وجود نیاید. بنابراین، در تمامی نظریه‌های ارتباطی، رسانه‌های گروهی وظیفه اطلاع‌رسانی و ارسال پیام را بر عهده دارند و این بدین معنی است که صاحبان قدرت بر روابط مردم، به وسیله رسانه نظارت می‌کنند؛ آن هم به گونه‌ای که خود می‌خواهند و نتیجه آن نیز حفظ نظام سرمایه‌داری و مصرف‌کالای بیشتر است. به این ترتیب، این امر موجب می‌شود که انسان را با دید ابزاری بنگرند؛ در حالی که رسانه اسلام، به دنبال تکامل و تعالی مخاطبان است تا آنها در سایه رعایت آداب مسجد، از جمله چگونگی ورود، خروج، نشستن و

برخاستن، آراستن خویش، خوشبو کردن، طهارت داشتن، نظافت و کرامت بخشیدن به کسانی که با مسجد در تماس‌اند، جزء بهترین‌ها شوند.

مسجد، همواره در دسترس همگان است. رسانه دینی به هیچ‌عنوان، مانند بلندگو نیست که هر پیامی را چه مثبت و چه منفی اشاعه دهد؛ بلکه رسانه دینی، رسانه‌ای «دین محور» است و این عاملی است که باعث فرق بین رسانه‌های دینی و غیردینی می‌گردد. ویژگی منحصر به فرد دیگر در تمامی رسانه‌های دینی، علاوه بر محوریت دینی، واقعیت‌گرایی است؛ بدین معنا که برای ارائه حقیقت دین، رسانه‌ای که غیرحضورى بوده و فقط برای مخاطبان‌ش تصاویر دو بعدی پخش کند، کافی نیست؛ چرا که حقیقت، واقعیتی سه‌بعدی است؛ اما تصاویر، هر چند بر کیفیت، تأثیر و رنگ و لعاب آن بیفزاییم، جای یک لحظه حضور در مکانی مانند مسجد، نماز جمعه، حج یا حتی حضور در نماز را نمی‌گیرد.^۱

پیامبر گرامی اسلام ﷺ که پایه‌گذار اولین مسجد در اسلام است، آن را به گونه‌ای پایه‌گذاری نمود که علاوه بر عهده‌دار بودن نقش روحانی و معنوی، کانون فعالیت‌های اجتماعی مسلمانان نیز به شمار رود. به همین دلیل، مسجد در طول تاریخ اسلام از ویژگی برجسته‌ای برخوردار بود. در گذشته، همه امور مسلمانان در ابعاد مختلف، از جمله عقاید و فعالیت‌های فرهنگی، عبادی، سیاسی و اقتصادی، در مساجد انجام می‌شد.^۲ به طور کلی مسجد، نماد فعالیت فکری، معنوی، مذهبی و سیاسی و به طور عمده، پایگاهی برای درخواست مشارکت سیاسی یا براندازی حکومت است. به همین دلیل است که دولت‌های استبدادی در جوامع اسلامی بیشترین واهمه را از مساجد داشته و دارند؛ زیرا این مراکز، می‌توانند نیروهای بالقوه سیاسی را در خود متمرکز کنند.^۳

سخن در این است که تحوّل ارتباطات در دنیای امروز، که در نظریات آلون تافلر در کتابش تحت عنوان «جا به جایی قدرت» آمده است، نخواهد توانست فرهنگ‌های مقاوم و غنی را از درون تهی کند و البته بدیهی است که فرهنگ کشورها در تقابل با فرهنگ جهانی تأثیر می‌پذیرند؛ ولی این تأثیر، به میزانی که خرده‌فرهنگ (فرهنگ یک کشور) قوی باشد، به مراتب کمتر خواهد بود. بنابراین، باید دوباره نگاهی به درون افکند و به جایگاه عمده رسانه‌های ارتباطی جهان اسلام، به ویژه مساجد، توجه جدی کرد. برای اینکه مسئله بیشتر روشن شود، به ویژگی‌های مسجد در برقراری ارتباط و سازماندهی حرکت‌های اجتماعی که عمده‌ترین متغیر و عامل ماندگاری فرهنگ اسلامی تا کنون بوده است، می‌پردازیم.

۱. سازمان تبلیغات اسلامی استان تهران، ۱۳۸۸، قابل دسترس در: <http://www.ido.ir>.

۲. روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۸۹۷۸.

۳. جوانمرد، احسان، نگاهی به نقش مسجد در مبارزات سیاسی استاد شهید مطهری، قابل دسترس در: <http://www.irdc.ir>.

- مسجد، غیر گروهی و سازمانی است (سازمان در شکل مصطلح آن).
- مسجد، از حالت تشکیلاتی برخوردار است و امکان ارتباط تشکیلاتی مخاطبان با همدیگر وجود دارد.
- این ارتباط، به دلیل غیرسازمانی و غیر گروهی آن، به شدت مردمی است که یک ویژگی عمده به شمار می‌آید، امکان بهره‌برداری دشمن را در جوامع بسته دیکتاتوری (مانند مصر امروز)، به حداقل می‌رساند.
- مسجد، به عنوان یک پایگاه ارتباطی دینی است و این در عمل، جهت ارتباطات را روشن می‌کند و در ماندگاری فرهنگ اسلامی نقش عمده‌ای ایفا می‌نماید.
- کارکرد ارتباطی و رسانه‌ای مسجد، عمیق‌تر است؛ زیرا با دل‌ها و افکار هماهنگ با هم سر و کار دارد.
- مسجد، یک پایگاه ارتباطی است که به آسانی یافت می‌شود و در عین حال، یک رسانه قابل دسترس برای همه مخاطبان و علاقمندان است.
- مقابله حکام جور با مسجد، از نظر سیاسی باید شکل علنی داشته باشد. این مسئله در ابتدای امر، به افشای چهره غیردینی حکومت‌های سلطه‌گر (که متأسفانه، در کشورهای اسلامی، به اسلام‌پناهی دست می‌زنند) می‌انجامد. اگر مبارزه حکومت با مسجد به روش مخفی باشد، کاربرد چندانی نخواهد داشت.
- مسجد، جدای از نقش رسانه‌ای و ارتباطی، وسیله‌ای برای خطبا و علما در ایجاد انگیزش در مخاطبان است تا نقش اطلاع‌رسانی، نقش هدایتی خود را ایفا کند.^۱

موانع و راهکارها

دین اسلام، برای تمامی شئون زندگی انسان برنامه و هدف دارد؛ مسجد نیز می‌تواند سازمان‌دهنده رفتار دینی مردم در قالب یک نظم رفتاری در حیات اجتماعی باشد. مساجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام هستند و بسیاری از آثار اجتماعی، مانند اخلاص و درست‌کاری، سازمان‌دهی زندگی و نظم و تقوی بر آنها مترتب است. افرادی که بیشتر به مسجد می‌روند، رفتارشان در تمام مراحل زندگی دارای نظم و توجه بیشتری است و در کل، آثار رفتار دینی آنان در زندگی اجتماعی نیز به چشم می‌خورد. از طرف دیگر، نقصان ارزش‌های

۱. رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، صص ۱۳۵، ۱۳۴، ۱۳۳ و ۱۳۶.

دینی، سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی است.

بنابراین، لازم است برای جذب افراد به سمت مسجد، چاره‌اندیشی شود. اول باید بررسی کرد که در نزد افکار عمومی چه جایگاهی دارد؛ آیا در عمل، مؤثر بوده است و یا تنها در لفظ؛ علت کم‌توجهی مردم به آن چیست؟ چرا که بر اساس تعالیم اسلام، به طور حتم، خیری در وجود مسجد برای مسلمانان بوده و خواهد بود. مسجد، کارکرد خاص خود را دارد و هیچ نهاد دیگری جای آن را نمی‌تواند بگیرد؛ مثل زمانی که می‌گفتیم مطبوعات، جای خالی احزاب را خواهد گرفت؛ چنین چیزی امکان ندارد.

در حال حاضر، متولیان امور بیشتر به افزایش کمیّت و یا چندمنظوره کردن کارکردهای این نهاد دینی توجه می‌کنند؛ اما در دنیای امروز و ارتباطات وسیع و گسترده‌ای که به‌ویژه شهرهای کلان به آن دسترسی دارند، به وجود آوردن زمینه اعتقادات قلبی و مؤثر بیش از هر چیز دیگری لازم به نظر می‌رسد. یکی از عوامل مؤثر بر کاهش توان کارکردی مسجد، بی‌توجهی به نیازهای و مقتضیات زمان است. کار فرهنگی در این مکان‌ها باید از یک سو، مبتنی بر معارف و ارزش‌های اصیل دینی باشد و از طرف دیگر، منطبق بر نیازهای زمان باشد.

بنابراین، در عصر حاضر، تحولات و تغییرات جدید، یک دسته پرسش‌ها و نیازها را برای ما انسان‌ها ایجاد کرده است. مسئولانی که وظیفه آموزش را بر عهده دارند و یا امام جماعت مسجد هستند، باید توان پاسخ‌گویی به این پرسش‌های جدید را داشته باشند. جوانی که به سمت مسجد کشیده می‌شود، اگر نتواند پاسخ خود را در آن جا بیابد، به طور قطع، آن را در جای دیگر جستجو خواهد کرد و این همان آثاری را به دنبال دارد که بارها از آن سخن گفته شده است. متولیان و امامان جماعت مساجد باید بر دانش وسیع و فراگیر مسلط بوده و خارج از مسائل سیاسی و جناحی، به نیازهای روحی قشر جوان پاسخ دهند تا این گروه دل‌زده و سرخورده، نیازهای خود را در مکان‌های دیگر و یا با امکانات دیگری جستجو نکنند.

سازمان مساجد می‌تواند کارکردهای متنوعی داشته باشد و هر قدر این کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار باشد، به طور طبیعی جاذبه افزون‌تری برای اقشار مختلف جامعه به دنبال خواهد داشت. به عبارتی دیگر، هر چه از پیچیدگی بالاتری بهره‌برد، طیف گسترده‌تری را به سمت خود جذب می‌کند. نتیجه این امر، تأثیر و باور عمیق دینی مردمی است که در هر جای زندگی شهری، به دنبال روزنه امید آسمانی و مطمئن می‌گردند و این ویژگی، قانون و نظم را در زندگی و رفتار اجتماعی آنان ایجاد خواهد کرد.^۱

مسجد، پایگاه انسجام و یکپارچگی مسلمانان است و نماز جماعت و تشکیل صفوف به‌هم‌فشرده

نماز گزاران، به خوبی بیانگر هماهنگی و انسجامی است که حضور در مسجد، آن را فراهم می‌آورد. در اینجاست که افراد نماز گزار، مانند قطره‌های آب به یکدیگر می‌پیوندند تا دریایی از اتحاد را به نمایش در آورند. همه در کنار یکدیگر در برابر پروردگار یکتا به سوی یک قبله رو می‌کنند و زبان به حمد و ثنای آن یگانه نازنین می‌گشایند و هماهنگ با یکدیگر، سرود توحید را زمزمه می‌کنند.

«هر کس به مساجد رفت و آمد کند، به یکی از این هشت چیز می‌رسد: یا برادری دینی که از او بهره‌مند می‌شود یا دانش و نکته حکمت‌آمیز یا آیت و نشانه‌ای محکم یا رحمتی مورد انتظار یا سخنی که او را از هلاکت باز می‌دارد یا کلامی می‌شنود که او را به هدایت رهنمون می‌شود یا گناهی را به خاطر خشیت خدا یا از روی شرم و حیا ترک می‌کند»^۱.

مسجد، علاوه بر اینکه محل عبادت ذات باری تعالی است، به عنوان رسانه‌ای نو در ترویج فرهنگ و رشد و نمو مدنیت اسلامی شناخته شده است و پیامبر ﷺ، گزاره‌های دینی و اخلاقی خویش را در این مکان و ویژه‌القاء می‌نمودند و این کار کرد تمدن‌ساز مسجد به جایی رسید که به عنوان دارالاماره تلقی می‌شد و چنانچه بین حکومت‌ها و تمدن‌ها ملازمه وجود داشته باشد، مسجد از همان ابتدا به عنوان نماد تمدن اسلامی مورد توجه بوده است.

پیوند مسجد و حکومت به حدی بود که از آغاز گسترش اسلام موجب شد تا ساخت مسجد به طور عمده توسط حکومت‌ها صورت گیرد و نوع امرای جوامع اسلامی، ساختن مسجد را وظیفه خویش تلقی می‌نمودند و منابع عمومی را برای این کار اختصاص می‌دادند.

بر اساس آنچه ذکر شد، مسجد، به عنوان شالوده حکومت اسلامی در تمدن اسلامی نقش ایفا می‌نماید به طوری که اگر کسی می‌خواست در غلبه بر مسلمانان شهر را از نشانه‌ها و تمدن اسلامی پاک‌سازی نماید به خراب نمودن مساجد آن شهر اقدام می‌نمود. این امر نشان دهنده از بین رفتن تمدن اسلامی تلقی می‌شد. به همین دلیل است که اگر کفار بر شهرهای مسلمانان و خدایپرستان دست می‌یافتند، به خراب کردن مساجد و صومعه‌ها و کنیسه‌ها اقدام می‌نمودند؛ در قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره شده است:

«الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ هَدَمْتُمْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدٌ يُذَكِّرُ فِيهَا اسْمَ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند [آنها گناهی نداشتند]، جز اینکه می‌گفتند پروردگار ما خداست و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی

که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد و به طور قطع، خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد؛ چرا که خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است»^۱.

تخریب دیگری که در رابطه با مساجد صورت گرفته است، تخریب فرهنگی مساجد به وسیله شیخون فرهنگی است. البته ناگفته نماند که متصدیان امر فرهنگی در کشورهای اسلامی نیز با کم‌کاری‌های خود در این امر دخیل هستند. یکی از دسیسه‌های مربوط به این مقوله، دور نمودن مردم، به خصوص جوانان از مسجد است که خود، یکی از مصادیق بارز تخریب مساجد است.

در گذشته مردم به خود اجازه نمی‌دادند مساکن خویش را بلندتر از مساجد بسازند و احترام آن را در احداث فضای شهری مراعات می‌کردند و به طوری که هم‌اکنون نیز در بسیاری از شهرهای کویری و نقاط مرکزی ایران، گنبد و مناره مسجد، بلندترین ساختمان شهر به شمار می‌آید تا بتواند نقش مهم و حیاتی خویش را در زنده نگاه‌داشتن فرهنگ و هویت دینی به طور کامل به انجام برساند.

امروز، با وجود و توسعه روابط اجتماعی-اقتصادی و پیروی از مدل‌های شهرسازی غربی، اگرچه از مرکزیت مساجد کاسته شده است؛ ولی با اتکا و کمک‌گیری از اعتقادات دینی و احترام معنوی که مردم برای مساجد قائل هستند، به عنوان نیروی محرکه قوی و نیرومند می‌توان مساجد را به مکان رفیع گذشته بازگرداند و تمهیداتی اندیشید که مساجد به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد در شهر همان نقش اساسی خویش را ایفا کند.^۲

تجلی‌گاه وحدت و پایگاهی برای فعالیت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و کانون یکپارچگی و انسجام مسلمانان، فقط برانزده مسجد است و هر زمانی که این کانون مورد توجه دقیق مسلمانان قرار گرفت، آن عصر، دوران شکوفایی معنویت و فرهنگ و مدنیت بوده است.

مسجد، علاوه بر اینکه کانون معرفت الهی است، سنگری وحدت‌ساز در راستای ایجاد الفت و همگرایی ملی و انسجام اسلامی محسوب می‌شود.

مسجد، قبل از آنکه مجموعه‌ای موزون و متناسب از سنگ و آجر و کاشی باشد، سرچشمه جوشنده معرفت است؛ جایی که حضور در آن، معنایی جز مهر و محبت به خالق و مخلوق نداشته باشد و در وجود آدمی جز پویایی و حیات معنوی نیفزاید.

این ضرورت نباید فقط در مناسبت‌های مذهبی، نظیر ماه مبارک رمضان، شب‌های قدر، تاسوعا و عاشورا،

۱. حج، آیه ۴۰.

۲. دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۹۰، قابل دسترس در: <http://www.masjed.ir>

روز جهانی مساجد و یا حتی مراسم عزاداری و مجلس ختم مسلمانان باشد. تبیین معرفت دینی در کنار تقویّت مبانی علمی و اجرایی در سطح اجتماع و به ویژه مکانی برای تقویّت این مبانی در میان جوانان و نوجوانان، از جمله ضرورت‌هایی است که می‌توان مساجد امروز ما را به اصالت خود نزدیک‌تر سازد. با توجه به جایگاه رفیع مسجد در فرهنگ اسلامی و نقش محوری آن در میان ما مسلمانان، در ابتدا رعایت حرمت و حفظ نظافت آن بر همه واجب است. در آموزه‌های اسلامی نیز تأکید شده است کسی که حرمت مسجد را پاس ندارد و به مسجد احترام نگذارد، از رحمت خدا به دور است. از این رو، مسجد، این خانه دوّم ما مسلمانان، دارای احکام مخصوصی است؛ از جمله: وجوب تطهیر فوری و رعایت نظافت و پاکیزگی مستمر و غبارروبی و عطر افشانی آن. به این دلیل که مسجد محلّ تجمع مردم و کانون راز و نیاز، تکریم، نیایش و سجود در برابر خداست. پس، باید چنین مکان مقدّسی را پاک و تطهیر نگه داریم.^۱

نتیجه‌گیری

مساجد، به عنوان یک نهاد سنتی در جامعه و دارای قدمتی بیش از چهارده قرن و با ارائه کارکردهای گوناگون در حوزه‌های مختلف، از جمله رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی، توانسته است با اقتدار، متناسب با نیاز روز جامعه، گوی سبقت را از دیگر نهادهای مدرن، مانند وسایل نوین ارتباط جمعی بر باید. مسجد، به عنوان ستون فقرات جامعه اسلامی و بشریّت، توانست نقش عظیمی در بیداری اسلامی و سازمان انقلاب‌های مردمی به ایفای نقش بپردازد.

اگرچه اندک زمانی بیش نیست که وسائل ارتباط جمعی دنیا از مطبوعات و رادیو و تلویزیون گرفته تا اینترنت و ماهواره مورد استفاده انسان قرار گرفته است؛ اما دین مبین اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش، این نیاز را در نظر گرفته و مکانی به نام «مسجد» را به عنوان پایگاه ارتباطی بسیار مهم برای افزایش پیوندهای انسانی و توسعه فرهنگی اسلام معرفی کرده است. همچنین، کارکرد رسانه ارتباط جمعی با همه تحولات تکنیکی، زمانی موفق قلمداد می‌شود که بتواند عمیق‌ترین ارتباط و پیوند را با مخاطب برقرار سازد که این ویژگی فقط در مسجد یافت می‌شود. آنچه از بررسی تاریخ به دست می‌آید آن است که از صدر اسلام و زمان پیامبر اکرم ﷺ گرفته تا قرون وسطی و حتی تا دوران تسلط و استیلای غرب، مساجد جایگاه علم، آموزش و پرورش، اطلاع‌رسانی و ارتباطات اجتماعی و... بوده و همین گستردگی کارکردهای مسجد، موجب شد تا آن را از دیگر معابد جدا سازد.^۲

۱. ر. ک: روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۳۸۹، ش ۸۹۷۸.

۲. فجرى، محمد مهدى، مسجد رسانه‌ای قوی و متفاوت، روزنامه کیهان، ش ۱۹۸۸، صفحه معارف.

اهمیت اسلام و فرهنگ آن و توجه یکجا به نقش رسانه‌های امروزی و مساجد به عنوان مدل ارتباطی و رسانه‌ای سنتی در جوامع اسلامی، نباید نادیده انگاشته شود. مساجد در پیشرفت و پیروزی انقلاب اسلامی سال ۵۷، نشان دادند که می‌توانند چنین ارتباطی را برقرار ساخته و نقش هدایتی و رسانه‌ای خود را ایفا کنند. ویژگی‌های منحصر به فرد مسجد، در قالب پایگاه‌های ارتباطی مهم، به هیچ وجه نباید در دنیای امروز فراموش شود؛ بلکه این پایگاه همواره می‌تواند در تقویت فرهنگ شنیداری و دیداری مردم و مخاطبانش بسیار مؤثر باشد؛ ماندگاری فرهنگ اسلامی تاکنون به لحاظ پویایی و تحرک این کانون‌های سازمان‌دهی حرکات اجتماعی و توده‌ای مردم بوده است. در آینده هم یکی از عوامل و متغیرهای مهم این ماندگاری ما تحرک همین پایگاه‌هاست.

خلاصه آنکه، اگر پذیرفتیم که مسجد به عنوان رسانه‌ای، نه صددرصد بهتر از رسانه‌های دیگر، بلکه مساوی با رسانه‌های دیگر است و باید اذعان نمائیم که مسجد بزرگ‌ترین، قدیمی‌ترین و ماندگارترین رسانه‌ای است که در جهت رشد و پرورش انسان‌ها تلاش کرده و لحظه‌ای از تکاپو نایستاده است و نیز با همه تجددها و تمدن‌ها و سرعت‌ها، هنوز رسانه‌ای بودنش ضعیف نشده است.

بی‌توجهی به سلیقه مخاطب، منجر به شکست رسانه‌های گروهی خواهد شد. امروز ما این مسئله را در فعالیت‌های رسانه‌های نوین به وضوح مشاهده می‌کنیم. در این راستا، مسجد، به عنوان رسانه‌ای فراگیر، قوی و متفاوت از سایر رسانه‌های نوین دیگر، ضمن برتری قدرت برقراری ارتباط با مخاطب، حفظ کرامت انسان‌ها، تأثیرگذاری بر اندیشه‌ها، پذیرش رسانه‌های جمعی دیگر، میزان سنجش انسان‌ها، رسانه‌ای منحصر به فرد و در دسترس‌ترین رسانه می‌تواند این‌ها را بر خنثی کند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. آیت الله مکارم شیرازی، ناصر با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه.
۲. نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۲ ه.ق.
۳. زرکشی، محمد بن عبدالله، اعلام المساجد با احکام المساجد، تحقیق ابوالوفاء مصطفی المراغی، دارالکتب المصریه، قاهره، ۱۴۰۳ ه.ق.
۴. راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق ندیم مرعشی، دارالکتب العلمیه.
۵. زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، لبنان، بیروت، منشورات دارمکتبه الحیاة.
۶. ابراهیم مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، قم، مؤسسه الصادق (علیه السلام)، للطباعة والنشر، ۱۴۱۸ ه.ق. / ۱۳۷۷ ه.ش.
۷. الخوزی اشرفی، سعید، اقرب الموارد فی فصیح العربیه والشوارة، بیروت، المکتبه الحجازیه.
۸. لویس معلوف، المنجد فی اللغة، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۹. قشیری نیشابوری، محمد بن مسلم، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر.
۱۰. امام، ابراهیم، نقش مسجد در تکوین افکار عمومی، کارکرد مسجد، ترجمه و اقتباس، سپهری، محمد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ ه.ش.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ ه.ق.
۱۲. حسینی شیرازی، سید حسن، کلمة الامام الحسن (علیه السلام)، کتابخانه تاریخ، بیروت، دارالصادق، چاپ سوّم، ۱۳۸۸ ه.ق.
۱۳. صابری یزدی، علیرضا، الحکم الزاهرة (عن النبی و عترته الطاهرة)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳ ه.ش.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
۱۵. شیخ حرعاملی، وسائل الشیعه، مؤسسه احیاء التراث الاسلامی، بی تا.
۱۶. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، ۱۴۰۸ ه.ق.
۱۷. متقی الهندی، کنز العمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوة الصفا، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
۱۸. شیخ صدوق، من لایحضر الفقیه، قم، جامعه المدرّسین، ۱۴۱۴ ه.ق.

۱۹. موسوی الخمینی، سید روح الله، صحیفه نور، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی رضی الله عنه.
۲۰. حیدری، غلامحسین، نهج الفصاحة، مؤسسه انصاریان، قم، ۱۳۷۹ ش.
۲۱. محمّد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق عبدالوهاب عبدالطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۲۲. بخاری جُعی، محمّد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.
۲۳. ملکی، احمد، نقش مسجد در گذر تاریخ، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۴. رضاییان، مجید، تحوّل ارتباطات و نقش رسانه‌ای مسجد در ماندگاری فرهنگ اسلامی، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۵. حشمتی، محمّد رضا، پیشگفتار، کارکرد مسجد، تهران نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۶. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۷. احمدی حکمتی، حسن، نقش تبلیغی مسجد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۸. تاج‌الدینی، علی، نسبت مسجد و حکومت در اندیشه مطهری، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۲۹. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۳۰. مک کوئیل، دنیس، درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز جلالی، انتشارات مرکز مطالعات رسانه، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۳۱. محمّدی، ذکرا الله، تاریخ و جایگاه منبر در مسجد، کارکرد مسجد، تهران، نشر سانس، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۳۲. فرقانی، محمّد مهدی، درآمدی بر ارتباطات سنتی در ایران، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۳۳. فتوحی، اصغر، منبریک رسانه عمومی در اسلام، تهران، پژوهشکده علوم ارتباطی و توسعه ایران، ۱۳۵۸ هـ.ش.
۳۴. حسن، ستایش، بررسی مفهوم خطابه و منبر و سیر تاریخی پیدایش آن، مجموعه مقالات همایش بزرگداشت استاد فلسفی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶ هـ.ش.
۳۵. لطیف پور، یدالله هنری، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی، ۱۳۴۲، ۱۳۵۷ هـ.ش، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران ۱۳۷۹ هـ.ش.

۳۶. عباسی حسینی، ابراهیم، مروری بر جامعه شناسی مسجد، فصلنامه مشکوة، ش ۱۶، پائیز ۱۳۶۶.
۳۷. ملاحسینی، محمد، آشنایی با مسجد، روزنامه همشهری، ۱۶ خرداد، ۱۳۸۸ ه.ش.
۳۸. گلی زواره، غلامرضا، مسجد، قلب پرتپش شهرمن، ماهنامه پرسمان، شماره ۵۹، آبان ۱۳۸۶.
۳۹. فجری، محمد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، ۱۳۸۸ ه.ش، پایگاه حوزه، قابل دسترسی در: <http://www.hawzah.net>.
۴۰. کرباسیان، قاسم، کارکردهای وسایل ارتباط جمعی، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۰ ه.ش، قابل دسترسی در: <http://www.pajooh.com>.
۴۱. ساسان، جعفر، نقش مساجد در انقلاب اسلامی (۱)، مرکز اسناد انقلاب، ۴ آذر ۱۳۸۸ ه.ش، قابل دسترسی در: <http://www.irdc.ir>.
۴۲. رضایی، علی، نقش مساجد در جوامع اسلامی، ۲۹ مرداد ۱۳۸۷ ه.ش. قابل دسترسی در: <http://www.rasekhoon.net>.
۴۳. فجری، محمد مهدی، آشنایی با کارکردهای مسجد، ماهنامه مبلغان، شماره ۱۲۰، شهریور و مهر ۱۳۸۸.
۴۴. حسینی، رضا، نقش مسجد در ارتباطات عمومی، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، پورتال نور، قابل دسترسی در: <http://noorportal.net>.
۴۵. رزمجو، جمال، منبر، اولین رسانه تاریخ اسلام، ۳ خرداد ۱۳۹۰، پورتال نور، قابل دسترسی در: <http://noorportal.net>.
۴۶. ذکراه محمدی، المنبر تاریخی و موقعه فی المسجد، مجله آفاق الحضاره الاسلامیه، آبان ۱۳۷۷ ه.ش.
۴۷. هفته نامه پنجره، شماره ۳۲.
۴۸. فجری، محمد مهدی، مسجد رسانه ای قوی و متفاوت، روزنامه کیهان، ۱۵ اسفند ۱۳۸۹، صفحه معارف، شماره ۱۹۸۸۰.
۴۹. رئیسی وانانی، حسین، تحوّل ارتباطات و تأثیر آن بر جوامع معاصر، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۰، دانشکده صدا و سیما، قابل دسترسی در: <http://www.qiu.ir>.
۵۰. جوانمرد، احسان، نگاهی به نقش مسجد در مبارزات سیاسی استاد شهید مطهری، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۹ اردیبهشت ۱۳۸۷، قابل دسترسی در: <http://www.irdc.ir>.

۵۱. مکارم شیرازی، ناصر، با همکاری جمعی از نویسندگان، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۵۲. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۵۳. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، المكتبة المرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ هـ. ق.
۵۴. روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۹۷۸، ۱۳۸۹ هـ. ش.
۵۵. روزنامه ابرار، ۱۳۷۹/۱۲/۹ هـ. ش.

پایگاه‌های اینترنتی:

۵۶. <http://www.parsquran.com>.
۵۷. <http://www.roshd.ir>.
۵۸. <http://www.hamshahrionline.ir/news>.
۵۹. <http://www.masjedshefa.net>.
۶۰. <http://www.rasekhood.net>.
۶۱. <http://www.ido.ir>.
۶۲. <http://bashgahandishe.com>.
۶۳. <http://www.irdc.ir>.
۶۴. <http://www.masjed.ir>.
۶۵. <http://www.hawzah.net>.
۶۶. <http://www.qiu.ir>.
۶۷. <http://noorportal.net>.
۶۸. <http://www.irdc.ir>.

مسجد و ضرورت نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت

حسنعلی محمودی

چکیده

نوشتار حاضر در صدد تبیین نقش مسجد به عنوان کانون مهم نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت است. به طور کلی، نوآوری در همه ابعادش با تفکر و هم‌اندیشی همراه است و شکوفایی، ثمره چنین اندیشه‌ای است. یکی از ابعاد نوآوری و شکوفایی، تعلیم و تربیت در مسجد است. نگارنده با استفاده از آیات و روایات به مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی و بررسی ابعاد آن و نقش محوری مسجد در تعلیم و تربیت پرداخته است. همچنین، راهکارهایی عملی در این زمینه و پیش‌نیازهای آن را بیان نموده و در پایان، نوآوری در راستای شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد را آسیب‌شناسی کرده است.

واژگان کلیدی:

نوآوری، شکوفایی، مسجد، تعلیم، تربیت، آسیب‌شناسی.

اسلام، مکتب تعلیم و تربیت و به کمال رساندن انسان‌ها است. امر تعلیم و تربیت در اسلام چنان مقدّس است که پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نخستین معلّم، هدف خود از بعثت را اتمام و اکمال بزرگواری‌های اخلاقی در راستای حفظ کرامت انسانی بیان نموده و فرمود: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ همانا من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی فرستاده شده‌ام»^۱.

پیامبر اسلام ﷺ، برای هدایت و تعلیم و تربیت اسلامی به حدّی تلاش می‌کرد که خدای تعالی فرمودند: «مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى؛ ما قرآن را بر تو نازل نکردیم که خود را به زحمت بیفکنی»^۲.

«اولین تعلیمات در جوامع، تعلیم دینی بوده و اولین محلّ اجتماع مؤمنان، مسجد بوده است. بنابراین، مسجد به عنوان اولین مکان آموزش و تعلیم و تربیت در جهان اسلام شناخته شده است و نهادهای تعلیمی امروزی، اعمّ از تعلیمات دینی و غیر آن، انشعابات از مساجد آن روز است»^۳. بر این اساس، پس از پیدایش اسلام در ایران، نخستین محلّی که پایگاه تعلیم و تربیت قرار گرفت، مسجد بود؛ زیرا به وسیله مسجد، منظور مسلمانان که ترویج دین مبین اسلام و تعلیم مبانی آن بود، برآورده می‌شد. پیامبر اسلام ﷺ به عنوان نخستین معلّم، در مسجد، امر تعلیم و تربیت را آغاز کرد. به همین دلیل، هر جا پیامبر اسلام ﷺ برای تعلیم و تربیت افراد مسلم و مؤمن وارد می‌شد، نخست برای عبادت و برنامه‌های تربیتی مسجدی می‌ساخت. بنابراین، با نگاهی به تاریخ اسلام درمی‌یابیم که مسجد، از آغاز تأسیس و به خصوص در عصر پیامبر اکرم ﷺ نقش‌های مهم و متنوعی داشته و کارکرد آن فقط به عنوان مکان مقدّسی برای عبادت خداوند و اقامه نماز جماعت و جمعه و یا قرائت قرآن نبوده است؛ بلکه پس از کارکرد اولیه‌اش که نقش عبادی و نیایشی است، دوّمین نقش مهم آن، تعلیم و تربیت مسلمانان و آشنا کردن آنان با معارف دینی و علوم گوناگون است. سیره نورانی رسول اعظم ﷺ به ما نشان می‌دهد که آن حضرت، مسائل علمی مختلفی را در مسجد مطرح می‌کرد و به مسئله آموزش و تعلیم و تربیت بیش از عبادت و خواندن نماز اهمّیت می‌داد. به دستور قرآن کریم، مهم‌ترین محورهای کاری و مسئولیتی آن حضرت، تعلیم و تربیت و تزکیه نفوس بود که بیش از همه در مسجد انجام می‌شد. برنامه کاری پیامبر اکرم ﷺ در مسجد، بر پایه دو محور اساسی و سازنده دنبال می‌شد:

۱. مردم را با فن‌های جنگ با کفّار و مشرکان آشنا کند؛

۲. تعلیم و تربیت افراد را در ابعاد مختلف دنبال کند.

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۲، باب ۹۲، حسن الخلق.

۲. طه، آیه ۲.

۳. عبّاس نیا، سعید، کتابشناسی مسجد، ص ۵.

بنابراین، مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مرکز مهم تعلیم و تربیت از جایگاه و منزلت بالایی در میان مسلمانان برخوردار هستند؛ زیرا این مکان مقدّس نسبت به دیگر اماکن، مراکز و پایگاه‌ها، از ظرفیت، توان و پتانسیل بالایی برخوردار بوده است. این مرکز مهم تعلیم و تربیت، از تجربیات چند قرن گذشته در زمینه نوآوری نیز بهره‌مند است.

به هر حال، آنچه که به این مکان مقدّس در میان مسلمانان، شأنیت و جایگاه ویژه بخشیده است، نقش و زمینه‌ای است که مساجد توانسته‌اند در ایجاد نوآوری و شکوفایی علوم، فنون و کارکردهای متنوع مطابق با مقتضیات زمان و مکان در جوامع اسلامی ایجاد نمایند. بنابراین، شایسته است برای عمران و آبادانی مسجد، به‌ویژه عمران معنوی و آبادانی مورد نظر اسلام و شکوفایی‌اش در امر تعلیم و تربیت به طرح‌های نو توجه کرد. به علت اهمیت نوآوری و خلاقیت در امر تعلیم و تربیت و ظرفیت، توان و پتانسیل بالای مسجد در این امر، در این مقاله قصد داریم، نقش مسجد را به عنوان کانون مهم نوآوری و شکوفایی در امر تعلیم و تربیت، مورد بررسی قرار دهیم.

مفهوم‌شناسی نوآوری و شکوفایی

الف) معنای لغوی نوآوری و شکوفایی

نوآوری کلمه‌ای مرکب از دو جزء «نو» و «آوری» است که به معنای ابتکار، ابداع و در مواردی نیز به معنای بدعت‌گذاری است. نوآوری از ادراک سرچشمه می‌گیرد و در اثر دیدن اشیاء و پدیده‌ها از زاویه‌ای نو پدید می‌آید و گاه محصول خلاقیت انسان است؛ از این رو، پیوند و ارتباط عمیقی با خلاقیت دارد. نواندیشی، وصف فرد یا جامعه‌ای است که اندیشه‌هایی نو دارد.

شکوفایی به معنای شکفتن، باز شدن غنچه، پدیدار شدن و آشکار شدن است. شکوفایی نیز نوعی خلاقیت است. نوآوری همچون دانش و شکوفایی همچون فنآوری است؛ یعنی شکوفایی کاربرد و به صحنه زندگی کشاندن نوآوری است؛ مانند درختانی که در فصل بهار تجدید حیات می‌کنند و شکوفه اولین آثار رشد و نمو است که در وجودشان جوانه می‌زند.

ب) معنای اصطلاحی نوآوری و شکوفایی

نوآوری و شکوفایی در اصطلاح نیز به همان معنای لغوی آن است و به معنای ابتکار، خلاقیت، چیزی تازه کشف کردن و به‌وجود آوردن است؛ اما در علوم مختلف، معنای متناسب با آن علم را دارد. برای مثال،

نوآوری در صنعت به معنای اختراعات و اکتشافات، در مدیریت به معنای برنامه‌ریزی جدید، در اقتصاد به معنای طرح و روش نو در سیستم اقتصادی و نظام بانک‌داری و... است. گاهی مراد از نوآوری در دین، حکم جدیدی است که در شریعت سابقه نداشته است؛ این گونه نوآوری بدعت در دین بوده و مذموم و ممنوع است. اگر مراد از نوآوری در دین، پیشرفت علوم اسلامی، استنباط احکام جدید و برداشت نواز سنت پیشوایان دین باشد، نه تنها مذموم نیست، بلکه پسندیده و کار مردان سخت‌کوش و فقیهان است. به دلیل بازبودن باب اجتهاد در مذهب شیعه، این سنت در طول تاریخ، به صورت متداول، جریان داشته است. از این رو، می‌توان گفت که نوآوری و شکوفایی در دین، سند زنده بودن اسلام در هر عصری است و جواب‌گوی مسائل و احکام جامعه در هر شرایطی خواهد بود.

نوآوری و شکوفایی در آئینه آیات و روایات

با توجه به تعریف‌هایی که از نوآوری و شکوفایی شد، به‌ویژه نوآوری در دین، به معنای استنباط احکام و مسائل مستحدثه، به‌خوبی مشخص است که اسلام طرفدار آن است و از نوآوری و شکوفایی مفید برای فرد و جامعه استقبال می‌کند. در آیات قرآن و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به این مفهوم، ویژگی‌های آن، ریشه‌ها و عوامل، نتایج، ضرورت‌ها و نمونه‌ها اشاره‌های فراوانی شده است که به بخشی از آنها اشاره می‌کنیم:

الف) آیات

بعضی از اسماء و صفات الهی در بردارنده مفهوم نوآوری بوده و بیانگر شکوفا نمودن است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱. الخالق: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ». همچنین، در دعای جوشن می‌خوانیم: «يَا مَنْ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ مِنَ الْعَدَمِ». خالقیت به معنای آفرینش است و نوآوری را به همراه دارد.
۲. الباری: «هُوَ اللَّهُ الْخَالِقُ الْبَارِي الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى». همچنین در جایی دیگر از قرآن کریم آمده است: «فَتَوَبُّوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ». «باری»، همان خالق است که با نوآوری و بدون مواد قبلی چیزی را آفریده است.
۳. البديع: «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ». بدیع، به معنی مبدع و ابداع‌کننده است و خداوند که موجودات را نو و بدون سابقه و پیشینه قبلی و بدون نقشه و مثال آفریده، بدیع است.

۱. زمر، آیه ۶۲.

۲. حشر، آیه ۲۴.

۳. بقره، آیه ۵۴.

۴. بقره، آیه ۱۱۷؛ انعام، آیه ۱۰۱.

همچنین نام‌های دیگر پروردگار، مانند «مصور، فاطر، مبدئ، کاشف، باسط، منشی، قابض، باعث، معلن، مبین، مبین، واسع، موسع، مفضل، فتاح، فالق، فارق، فارج و فاتح»، همگی متضمن معنای نوآوری، ایجاد و شکوفایی، پدیدآوردگی، گشایش‌دهندگی، کارگشایی، برطرف‌کنندگی، بازکنندگی، پیونددهندگی، آشکارکنندگی، نخستین‌آفرینی، نوآفرینی و امثال آن است که در آیات و روایات دیده می‌شود. البته جامع‌ترین نامی که در بردارنده همه مفهوم‌های فوق است، همان «رب» در «رب العالمین» است که نشان می‌دهد پروردگار، همه هستی و اجزای آن را از عدم با ابداع آفریده، پرورش داده و شکوفا کرده است.

قرآن در آیه ۲۹ سوره الرحمن می‌فرماید: «يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». از این آیه، چنین استفاده می‌شود که خداوند پیوسته در حال نوآوری است. تفکر در آفرینش و چرخه پیوسته حیات و ممات نیز ما را به نوآوری مستمر الهی رهنمون می‌کند.

در قرآن کریم، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امتش پدیده‌ای نو هستند و ویژگی‌های نوآیندی، زاینده‌گی، بالندگی، فزاینده‌گی و گستردگی را دارند. در اصل، ظهور دین‌های الهی به منظور شکوفایی و نوآوری در هدایت انسان‌ها است. این مطلب از آیات متعددی برداشت می‌شود؛ از جمله آیه ۲۹ سوره فتح که می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَقْتَعُونَ فَضْلاً مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَاناً سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْراً عَظِيماً؛ مُحَمَّدٌ صلی الله علیه و آله فرستاده خداست و کسانی که با او هستند، در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان هستند. پیوسته آنها را در حال رکوع و سجود می‌بینی؛ در حالی که همواره فضل خدا و رضای او را می‌طلبند. نشانه آنها در صورتشان از اثر سجده نمایان است. این توصیف آنها در تورات است و مثل آنان در انجیل این است. همانند زراعتی که جوانه‌های خود را خارج ساخته، سپس به تقویت آن پرداخته تا محکم شده و بر پای خود ایستاده است و به قدری رشد و نمو کرده که زارعان را به شگفتی وادار می‌دارد. این، برای آن است که کافران را به خشم آورده؛ (ولی) خداوند، کسانی از آنها را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده آمرزش و اجر عظیمی داده است.»

این مثال جالب و زیبا که توصیفی از تورات و مثالی از انجیل دارد، درباره یاران واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و از یک سو، آنچه را حکایت می‌کند که یاران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله متصف به آن بوده‌اند و از سوی دیگر، به کسانی که می‌خواهند مسلمان حقیقی و یاور واقعی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام باشند، می‌آموزد که باید چه صفت‌ها و ویژگی‌هایی داشته باشند. «وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ»، مثل پیروان صادق و مخلص

پیامبر اکرم ﷺ است. در کتاب آسمانی مسیحیان، انجیل، مثل مزرعه و زراعتی است که این ویژگی‌های پنج‌گانه را دارد:

۱. «أَخْرَجَ شَطَطَهُ»: «شَطَطاً» در عربی دو معنا دارد: نخست، به جوانه‌هایی گفته می‌شود که کنار گیاهان یا درختان می‌روید و کم‌کم رشد می‌کند و مستقل می‌شود. همچنین، به نوزادان حیوانات گفته می‌شود که بر اثر زاد و ولد زیاد می‌شوند. بنابراین، «شَطَطاً» به معنای زاینده‌گی، بالندگی، فزاینده‌گی، گسترده‌گی و مانند آن است. نخستین ویژگی تشبیه یاران پیامبر اکرم ﷺ به زراعت، این است که تنها و محدود نیستند، بلکه جوانه می‌زنند و زاینده هستند. به عبارت دیگر، عقیم و نازا نیستند، بلکه همواره در حال تولید و تکثیر هستند.

۲. «فَأَزْرَهُ»: «أَزْر» و موازرت، به معنای حمایت و تقویت است. «وزیر» را به دلیل اینکه از «شاه» حمایت می‌کند و او را تقویت می‌کند وزیر می‌نامند. امام علی (علیه السلام) وزیر پیامبر اکرم ﷺ بود؛ زیرا حامی آن حضرت بود و در راه تقویت دین اسلام تلاش فراوانی کرد.

زراعتی که نام برده شد، نه تنها رشد و بالندگی و زاینده‌گی دارد و جوانه می‌زند، بلکه همواره از جوانه‌ها حمایت می‌کند و مانع‌ها را از سر راهش برمی‌دارد، نیازهایش را برآورده می‌کند و تقویتش می‌کند.

۳. «فَأَسْتَعْلَطَ»: ویژگی سوّم مزرعه این است که جوانه‌های حمایت شده، کم‌کم محکم می‌شوند و در سایه حمایت و تقویت مزرعه استحکام می‌یابند.

۴. «فَأَسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ»: حمایت از جوانه‌ها و تقویتشان تا آنجا که احساس استقلال کنند و روی پای خود بایستند، ادامه پیدا می‌کند. هنگامی که دوران وابستگی به سر بیاید، خودشان جوانه می‌زنند و جوانه‌هایشان نیز به همان شکل سابق مراحل سه‌گانه «حمایت»، «استحکام» و «استقلال» را سپری می‌کنند.

۵. «يُعْجِبُ الزَّرْعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ»: تولید، رشد و تکثیر این مزرعه با برکت به قدری زیاد و چشم‌گیر است که کشاورزان را در حیرت فرو می‌برد؛ به گونه‌ای که از تعجب، انگشت بر دهان می‌گذارند؛ زیرا برخی از درختان و گیاهان در مدّت کوتاهی سراسر باغ را پوشانده‌اند و در مقابل، کافران در خشم فرو می‌روند.

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا». خداوند متعال فقط به آن گروه از یاران و اصحاب پیامبر عظیم الشان ﷺ وعده بخشش و اجر بزرگ داده است که نخست ایمان بیاورند و اعتقادات خود را اصلاح کنند؛ سپس اعمال و کردار شایسته داشته باشند؛ نه به همه یاران و اصحاب آن حضرت. کلمه «منهم»، به اصطلاح ادبای عرب «تبعیضیه» است و فقط برخی از اصحاب پیامبر مکرم ﷺ

۱. ر.ک: لغتنامه لسان العرب، ج ۱، ص ۱۰۰.

۲. فتح، آیه ۲۹.

را شامل می‌شود که صفاتشان در آیه آمده است و نه همه اصحابشان. طبق این آیه شریف، برخی از اصحاب پیامبر گرامی صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مزرعه‌ای زاینده و بالنده تشبیه شده‌اند و به دلیل ایمان و عمل صالحشان، خداوند به آنها بشارت «مغفرت» و «اجر عظیم» داده است.^۱

همچنین، شأن نزول آیه فوق، مصداق بارز نوآوری است که آثار فراوانی داشت؛ مانند داستان صلح حدیبیه و نوآوری پیامبر اکرم صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در برخورد با مشرکان و حرکت بدون سلاح و با لباس احرام به سمت مکه و در هم شکستن همه تصوّرهای مشرکان که همان «فتح‌المبین» است.

قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ».^۲ بر اساس مضامین این آیه می‌توان گفت که سنت پروردگار در این است که سرنوشت دنیا و آخرت دگرگون نمی‌شود؛ مگر با پویایی، تغییر و نوآوری انسان‌ها.

همچنین، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلِّغْنَا مَا آتَانَا وَآبَاؤُنَا مَا نَبِغُ وَلَا يَعْتَلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به آنان گفته شود از آنچه خدا نازل کرده است، پیروی کنید، می‌گویند نه؛ بلکه از چیزی پیروی می‌کنیم که پدران خود را بر آن یافته‌ایم. اگر پدرانشان چیزی را درک نمی‌کرده و به راه ثواب نمی‌رفته‌اند، آیا باز هم در خور پیروی هستند؟»^۳

از منظر قرآن کریم، نواندیشی و نوآوری در اندیشه برای اصلاح گذشته، اصلی مسلم و ضروری است؛ زیرا قرآن تقلید از باورهای باطل و کهنه پدران را بسیار نکوهش کرده است و انسان‌ها را به خردورزی و یافتن راه هدایت دعوت می‌کند. قرآن انسان‌ها را به نواندیشی در مسیر هدایت دعوت می‌کند تا هم خردهایشان را بیدار کند، هم راه‌های تازه‌ای فراروی آنها بگشاید. بر همین اساس، در آیات زیادی به فکر، علم، عقل، تدبّر، حکمت، نور و امثال آن تأکید شده است و انسان‌های هدایت‌شده را مردگانی زنده شده می‌داند و برای آنان نور هدایت‌گر قرار داده است.

قرآن کریم می‌فرماید: «يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ؛ خداوند به برکت آن، کسانی را که از خشنودی او پیروی کنند، به راه‌های سلامت، هدایت می‌کند و به فرمان خود از تاریکی‌ها به سوی روشنایی می‌برد و آنها را به سوی راه راست رهبری می‌کند».^۴

۱. مکارم شیرازی، ناصر، مثال‌های زیبای قرآن، ص ۲۱۸.

۲. رعد، آیه ۱۱.

۳. بقره، آیه ۱۷۰.

۴. مائده، آیه ۱۶.

همچنین، در جایی دیگر می‌فرماید: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آیا کسی که مرده بود، سپس او را زنده کردیم و نوری برایش قرار دادیم که با کمک آن در میان مردم راه برود، همانند کسی است که در ظلمت‌ها باشد و از آن خارج نگردد؟ این گونه برای کافران، اعمال (زشتی) که انجام می‌دادند، تزئین شده است.»^۱

قرآن کریم در آیه ۱۰۴ مائده می‌فرماید: «وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَٰئِكَ كَانُوا لَنَا آبَاءُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ؛ و چون به آنان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده است و به سوی پیامبرش بیایید، می‌گویند: آنچه پدران خود را بر آن یافته‌ایم ما را بس است. آیا حتی اگر پدرانشان چیزی نمی‌دانستند و هدایت نیافته بودند؟»^۲

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أُنذِرْتَهُمْ أَمْ لَا تُنذِرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ؛ در حقیقت کسانی را که کفر ورزیده‌اند چه بیمشان بدهی و چه بیمشان ندهی، برایشان یک‌سان است و ایمان نخواهند آورد.»^۳

بنابراین، نواندیشی و پویایی فکری، جوهره تفکر دینی است و ایستایی و جمود، نشانه کفر است. قرآن کریم برای دانش، پژوهش، تولید علم، فهم عمیق و استنباط ارزش بسیار زیادی قائل است و مؤمنان را مکلف کرده است تا پیوسته نیاز علمی و فکری خود را با تفقه در دین به دست آورند؛ از این رو، می‌فرماید: «وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرْنَا مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ؛ و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس، چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را وقتی به سوی آنان بازگشتند، بیم دهند؟ باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند.»^۴

در شریعت اسلام بر درک عمیق و صحیح دین تأکید زیادی می‌شود. آنان که نمی‌دانند باید از آنان که می‌دانند بپرسند؛ زیرا سؤال کردن، خود، ارزش است؛ قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ». ^۵ همچنین، خداوند در آیه ۸۳ سوره نساء دستور داده است تا در صورت ناتوانی در حل مسئله، نزد کسانی بروید که توانایی استنباط (پویایی، توانایی فکری و علمی) دارند. در حقیقت، دعوت به

۱. انعام، آیه ۱۲۲.

۲. مائده، آیه ۱۰۴.

۳. بقره، آیه ۶.

۴. توبه، آیه ۱۲۲.

۵. نحل، آیه ۴۳؛ انبیاء، آیه ۷.

فکر، نقد، اندیشه و خردورزی در قرآن، دعوت به نوآوری، پویایی فکری، شکوفایی ذهنی و علمی، کشف، فهم، ادراک مجهولات و معلوم کردن نادانسته‌هاست.

در قرآن کریم مصداق‌های متعددی از نوآوری برای شناساندن و آموزش دادن به مسلمانان آمده است. در آیه ۳۱ سوره مائده، خداوند نحوه دفن جسد هابیل را به واسطه یک کلاغ به قایل آموزش داده و می‌فرماید: «فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ كَيْفَ يُوَارَى سَوْأَةَ أَخِيهِ قَالَ يَا وَيْلَتَى أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ الْغُرَابِ فَأُوَارِيَ سَوْأَةَ أَخِي فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ؛ سپس خداوند زاغی را فرستاد که در زمین جستجو (و کندو کاو) می‌کرد تا به او نشان دهد چگونه جسد برادر خود را دفن کند. او گفت: وای بر من! آیا من نتوانستم مثل این زاغ باشم و جسد برادرم را دفن کنم؟! سرانجام (از ترس رسوایی و بر اثر فشار وجدان، از کار خود) پشیمان شد».

همچنین خداوند در سوره انبیاء، آیه ۵۷ و ۵۸، نوآوری و ابتکار ابراهیم را در بیدار کردن فطرت بت‌پرستان بیان می‌کند و نقشه او را مبنی بر شکستن بت‌ها و قرار دادن تبر بر دوش بت بزرگ، ابتکاری مؤثر بیان می‌کند؛ آنجا که می‌فرماید: «وَتَاللَّهِ لَآكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُولُوا مُدْرِرِينَ * فَجَعَلَهُمْ جُذَاآءَ إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَجْعُونَ؛ به خدا سوگند، در غیاب شما، نقشه‌ای برای نابودی بت‌هایتان می‌کشیم. سرانجام، ابراهیم قهرمان (با استفاده از فرصتی مناسب)، همه آنها را، جز بت بزرگ آنها، قطعه قطعه کرد؛ شاید سراغ او بیایند (تا او حقایق را بازگو کند)».

خداوند در سوره کهف، آیه ۹۲، نوآوری ذوالقرنین را بیان می‌کند که با ساخت سد، مانع یاجوج و ماجوج می‌شود و آن را رحمتی از سوی خود می‌داند.

یکی دیگر از نمونه‌های بارز نوآوری و خلاقیت، کشتی حضرت نوح علیه السلام است. پروردگارد قرآن کریم می‌فرماید: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَى نُوحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَبْ مَعَنَا وَلَا تَكُنْ مَعَ الْكَافِرِينَ؛ آن کشتی، آنها را از میان امواجی همچون کوه‌ها حرکت می‌داد؛ (در این هنگام)، نوح، فرزندش را که در گوشه‌ای بود صدا زد و گفت: پسر من! همراه ما سوار شو و با کافران مباش!».

در پرتو همین آموزه‌های نورانی قرآن کریم بود که در موارد متعددی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مسلمانان، با ابتکار عمل و خلاقیت خود، نوآوری‌های بزرگی کردند و تمدن اسلامی را شکل دادند؛ از جمله حفر خندق در جنگ احزاب، تشکیل شورای مشورتی در جنگ اُحُد و بسیاری از احکام و حکم که ائمه معصومان علیهم السلام بیان کرده‌اند. در واقع، هدف اصلی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از بعثت در فضای سنگین جاهلیت و همه معارفی که آن پیامبر امی برای

بشر آورد، نوآوری در جهت شکوفایی استعدادها و توسعه مادی و معنوی زندگی انسان‌ها بود. انقلاب اسلامی ایران نیز برگرفته از همین الگو است و نوآوری‌های حاصل تفکر اسلامی است؛ اکنون آنچه در نظام مردم‌سالار دینی یا در راهبردها و رویکردهای فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مشاهده می‌کنیم، از آثار این نوآوری‌ها در عرصه‌های گوناگون است. توفیق‌های نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در برابر توطئه‌های سنگین دشمنان، هشت سال دفاع مقدس و... نیز در پرتوی همین خودباوری و نوآوری‌های برگرفته از آموزه‌های دینی و قرآنی است.

ب) روایات

مشابه آنچه در آیات قرآن مشاهده شد، در روایات و البته با تفصیل و تبیین به مراتب افزون‌تر در مورد نوآوری، خلاقیت و شکوفایی، عوامل مؤثر بر آن، شاخص‌ها، الزام‌ها و باید‌ها و نبایدهای آن، مطالب فراوانی آمده است. در اینجا، فقط به نمونه‌هایی از روایات متناسب با موضوع بحث اشاره می‌کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «إِنَّمَا يَذُرُّ الْحَيْرُ كُلَّهُ بِالْعَقْلِ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَقْلَ لَهُ؛ همه خوبی‌ها را با عقل می‌توان به دست آورد».^۱

امام علی علیه السلام فرمودند: «الْعَقْلُ غَرِيْبَةٌ تَزِيْدُ بِالْعِلْمِ وَالتَّجَارِبِ؛ عقل غریزه‌ای است که با علم و تجربه رشد می‌کند».^۲

امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ نَسَانَ بِعَقْلِهِ؛ انسان با عقلش، انسان است».^۳ همچنین آن حضرت فرمودند: «الْفِكْرُ مِرَاةٌ صَافِيَةٌ؛ فکر آینه‌ای بدون زنگار است».^۴ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: «مَنْ أَشْهَرَ عَيْنَ فِكْرَتِهِ بَلَّغَ كُنْهَ هِمَّتِهِ؛ کسی که چشم اندیشه‌اش را بیدار بدارد، به نهایت مطلوبش خواهد رسید».^۵

مولای متقیان، امام علی علیه السلام فرمودند: «يَا كَمِيلُ! مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَأَنْتَ مُحْتَاجٌ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةٍ؛ ای کمیل! هیچ حرکتی نیست، مگر آنکه تو در آن محتاج شناخت هستی».^۶

امیرمؤمنان، امام علی علیه السلام فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْعِلْمِ يَفْتَحُ الْعَقْلَ؛ نظر فراوان در علم، عقل را روشن

۱. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۶۰.

۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۵۳.

۳. همان، ص ۴۹، ج ۲۹۵.

۴. نهج البلاغه، سیدرضی، ص ۵۳۸.

۵. غررالحکم، ص ۵۷.

۶. بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۲۶۹.

می‌کند».^۱

آن حضرت فرمودند: «كَثْرَةُ النَّظْرِ فِي الْحِكْمَةِ تَلْقَحُ الْعَقْلَ؛ نظر فراوان در حکمت، عقل را بارور می‌کند».^۲
در جایی دیگر امام علی علیه السلام فرمودند: «إِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَفَكَرَ وَبَصُرَ فَأَبْصَرَ وَانْتَفَعَ بِالْعِبَرِ ثُمَّ سَلَكَ
جَدًّا وَأَوْضَحًا يَتَجَنَّبُ فِيهِ الصَّرْعَةَ فِي الْمَهَاوِي؛ اهل بینش کسی است که بشنود، بیاندیشد و ببیند و با بینش
در آن درنگ کند، از رخدادها پند گیرد، بهره‌مند شود و خود را از پرتگاه‌ها نگاه دارد».^۳
پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «تَذَكَّرُوا وَتَلَاَقُوا وَتَحَدَّثُوا فَإِنَّ الْحَدِيثَ جِلَاءٌ لِلْقُلُوبِ إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينٌ كَمَا
يَرِينُ السَّيْفُ جِلَاؤُهَا الْحَدِيثُ؛ به یاد هم آورید، با هم مباحثه کنید و درباره مسائل گوناگون سخن بگویید؛
زیرا سخن گفتن دل‌ها را صیقل می‌دهد. به راستی که دل‌ها زنگار می‌گیرد، چنان‌که شمشیر زنگار می‌گیرد
و جلای دل‌ها، سخن گفتن خوب است».^۴

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَاهُ فَهُوَ مَغْبُوبٌ وَمَنْ كَانَ آخِرِيَوْمَيْهِ شَرَّهُمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ
يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى التُّقْصَانِ أَقْرَبَ وَمَنْ كَانَ إِلَى التُّقْصَانِ أَقْرَبَ فَلَمُوتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ؛ اگر
کسی دو روزش برابر باشد، مغبون است. اگر فردای کسی بدتر از امروزش باشد، ملعون است. اگر کسی در
پی تدارک کاستی در عمل خود نباشد، کاستی در عقلش خواهد بود و اگر کسی در عمل و عقل کاستی داشته
باشد، عدمش از وجودش بهتر است».^۵
امام علی علیه السلام فرمودند: «أَدْلُ شَيْءٍ عَلَى عَزَاةِ الْعَقْلِ حُسْنُ التَّدْبِيرِ؛ محکم‌ترین دلیل بر کمال عقل، تدبیر
نیکو (سنجیده و حساب شده) است».^۶

ضرورت‌های نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد

اگر بخواهیم هر برنامه‌ای درست اجرا شود و بازدهی مورد نظر را داشته باشد، طرح و برنامه‌ای برای
تبیین و تشریح الگوها، هدف‌ها و شاخصه‌های فعالیت‌های امور لازم است تا در طول مسیر با سر در گمی و
انحراف از مسیر اصلی مواجه نشویم. در غیر این صورت، خلاف مطلوب به دست خواهد آمد. مسئله نوآوری
و شکوفایی در ابعاد گوناگون و در رشته‌های مختلف نیازمند کارشناس و متخصص همان رشته است تا

۱. قطب‌الذین راوندی، الدعوات، ص ۲۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۲۴۷.

۳. شرح نهج البلاغه، ابن ابی‌الحدید، ج ۹، ص ۱۵۷.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۴۱.

۵. دیلمی، ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۸۷.

۶. غررالحکم، ص ۳۵۴، ح ۸۰۸۰.

با داشتن تصویر درست از نوآوری و شکوفایی، به مدون کردن شاخصه‌ها، برنامه‌ریزی و طراحی پرداخته شود. به عنوان مثال، به منظور نوآوری و شکوفایی برنامه آموزشی و تعلیم و تربیت، نخست کارشناسان باید شاخصه‌های نوآوری در این راستا را شناسایی و الگویی درست ترسیم کنند و سپس، مربیان و معلمان آن را دنبال کنند.

بنابراین، در نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت در مسجد که بیشتر به فعالیت‌های قرآنی و علوم دینی می‌پردازد، نیازمند طرح و برنامه‌ای هستیم که بیانگر شاخصه‌های نوآوری و شکوفایی باشد؛ اما قبل از طراحی و برنامه‌ریزی در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، ضروری است شاخصه‌های نوآوری مطلوب مورد نظر مقام معظم رهبری دامت‌السلام شناسایی شود تا به نتیجه مؤثرتر و مفیدتر برسیم.

شاخصه‌های نوآوری از منظر مقام معظم رهبری دامت‌السلام

نوآوری مطلوب و مدنظر رهبر معظم انقلاب دامت‌السلام مختصاتی دارد که به نتایج مفید و مؤثری منتهی و مانع برداشت‌های غلط می‌شود. پاره‌ای از شاخصه‌های نوآوری مطلوب عبارت است از:

۱. نوآوری در عرصه فکری و فلسفی باید در مسیر دین مبین اسلام باشد و درست مقابل بدعت‌ها، تحریف‌ها، خرافه‌ها و تحجّرگرایی‌ها قد علم کند.
۲. نوآوری مطلوب نه تنها هنجارشکن و ساختارشکن نیست، بلکه در جایگاه هنجار مطرح می‌شود تا اسلام و انقلاب را زنده و پویا نگه دارد.
۳. نوآوری مطلوب در چارچوب اصول، سنت‌ها و ارزش‌ها صورت می‌گیرد.
۴. نوآوری در روش و شیوه‌های اجرایی بر اساس تجربه‌ها صورت می‌گیرد تا راه میان‌بر برای رسیدن به مقصود باشد، نه اینکه بیراهه باشد.
۵. نوآوری مؤثر باید در راستای نوآوری‌های گذشته و مکمل آن باشد. چنانچه اصل انقلاب و جمهوری اسلامی نوآوری به حساب می‌آید و سایر نوآوری‌ها باید مکمل آن باشد.

مخاطبان اصلی نوآوری و شکوفایی

به نظر می‌رسد سه طیف مخاطب اصلی و مجری نوآوری باشند:

۱. مربیان، معلمان و متولیان مسجدها؛
۲. مسئولان و مدیران عالی جامعه؛
۳. نخبگان و خواص.

هر یک از گروه‌های اجتماعی ذکر شده نیز می‌توانند در (حداقل) سه حوزه نوآوری داشته باشند:

۱. حوزه فردی؛

۲. حوزه مدیریتی و تحت امر؛

۳. حوزه اجتماعی و ملی.

بنابراین، مسجد در جایگاه کانون تعلیم و تربیت، در هر یک از حوزه‌هایی که در ادامه به آن اشاره خواهیم

کرد می‌تواند نوآوری داشته باشد:

الف) در حوزه فردی

در فرهنگ اسلام، مسجد نهادی مقدّس و کانون تربیت است و بیشترین نقش خودسازی و جامعه‌سازی مورد نظر اسلام را برعهده دارد. در حوزه‌های ذکر شده، مسجد می‌تواند در این موردها نوآوری داشته باشد:

۱. نوآوری در برقراری ارتباط با خالق و تقرّب جستن به او؛

۲. نوآوری در شیوه‌های تعامل مفید و وحدت‌آفرین افراد جامعه و محکم‌کننده پایه‌های اتحاد ملی و

انسجام اسلامی؛

۳. نوآوری در چگونگی تهذیب نفس و خودسازی.

ب) در حوزه مدیریتی

مریّبان و متولیان مسجدها، در حوزه مدیریتی تحت امر خود و در راستای تعلیم و تربیت در مسجد، در

این امور سه‌گانه می‌توانند نوآوری داشته باشند:

۱. نوآوری در برنامه‌ریزی؛

۲. نوآوری در ساختار، تشکیلات هیئت‌ها و دسته‌ها که احیاکننده و حافظ دست‌آوردهای فرهنگ اسلام

است؛

۳. نوآوری در روش‌های اجرایی شدن برنامه‌ها و طرح‌ها، به گونه‌ای که سدّی بر بهانه‌جویی دشمن و

متهّم کردن اسلام به خرافات باشد.

ج) حوزه اجتماعی و ملی

گرچه نوآوری در سطح کلان این حوزه به متصدیان و نخبگان عالی‌رتبه کشور مربوط می‌شود، اما هر

کس باید در حوزه کاری خود به این امر توجه داشته باشد. در این راستا، مسجد، رسانه‌ای سنتی است و در

اطلاع‌رسانی چهره به چهره و آگاهی‌دادن و به صحنه کشاندن مردم نقش مهم خودش را دارد؛ بنابراین،

سخنوران مسجد، می‌توانند راهکارهای نوآوری را در یکی از موارد زیر ارائه دهند:

۱. نوآوری در حیطه زندگی و کار؛
۲. نوآوری در سطح محلی و منطقه‌ای؛
۳. نوآوری در سطح شهری و کشوری.

مسجد، کانون نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت

یکی از مکان‌های مؤثر و مفید برای نوآوری و شکوفایی در حوزه اجتماعی، در سطح محلی، منطقه‌ای یا شهری، مسجد است؛ زیرا در طول تاریخ - از صدر اسلام تا کنون - مسجد کانون آموزش علوم دینی و به‌ویژه علوم قرآنی بوده است؛ ولی این آموزش‌ها تا کنون به صورت سنتی بوده است و آن گونه که شایسته بود، مورد توجه قرار نگرفته و برای آن برنامه‌ریزی نشده است تا جذابیت و کارایی خوبی برای اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه برای جوانان، داشته باشد.

بیشتر وقت‌ها اصول، هدف‌ها، رویکردها، کلیات آموزش‌ها و فعالیت‌های قرآنی مفروض گرفته می‌شود؛ در نتیجه نوآوری‌ها فقط معطوف به عوامل و اجزای فرعی شده و ظاهر سازی می‌شود. برای مثال، رنگ‌آمیزی، نقاشی و تنوع در زینت مسجد بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. گرچه این امر نیکو و بجاست، اما هیچ‌گاه به درجه اهمیت آموزش و تعلیم و تربیت در مسجد نمی‌رسد.

نوآوری در تعلیم و تربیت نیازمند آن است که:

۱. از جدیدترین ابزارهای آموزشی استفاده شود؛
۲. متن‌های درسی و مواد آموزشی که قرار است در مسجد تعلیم داده شود، کارشناسی شود و مطابق با نیازهای دانش‌آموزان مسجدی تدوین گردد؛
۳. سبک و شیوه آموزش باید به‌روز باشد و از شیوه‌های قدیمی پرهیز شود که تاکنون بازدهی موقفی نداشته است.

اهداف اصلی تعلیم و تربیت در مسجد

بررسی هدف‌های تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که مهم‌ترین نیازهای هر جامعه، تعلیم و تربیت افرادی است که با اتکا به نیروی اراده و تعقل خویش، منطقی بیندیشند و به جای وابستگی و استفاده از دستاوردهای دیگران، در زمینه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... خود، مولد دانش و فناوری برای زندگی در عصر طلایی باشند. در طول تاریخ، کانون تربیت چنین افرادی در اسلام، مسجد بوده است. با توجه به فراگیر بودن

دین مقدّس اسلام و دخیل بودن آن در ابعاد گوناگون زندگی انسان، مسئله تعلیم و تربیت در مسجد نیز ابعاد فراوانی به خود می‌گیرد. هدف اصلی از تعلیم و تربیت در مسجد، آموزش انسان‌ها در همه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و... است. در صدر اسلام، مسجد کارکردهای فراوانی در زمینه‌های مختلفی داشته است؛ اما امروز به دلیل به وجود آمدن کانون‌ها و مراکز جدید، بسیاری از کارکردهای مسجد در این مکان‌ها انجام می‌شود و به مسجد در جایگاه مکانی برای عبادت و تقرّب جستن به خدای تعالی نگاه می‌کنند؛ در حالی که در فرهنگ اسلام، مسجد نقش به‌سزایی در متحوّل کردن بنیادهای زندگی افراد داشته است. بنابراین، مسجد می‌تواند در تحوّل عقیدتی، اخلاقی، سیاسی، اجتماعی و رفتاری افراد جامعه مؤثر باشد.

گرچه با ایجاد کانون‌های فرهنگی این مقوله کم‌رنگ شده است؛ اما حداقل آموزش‌های قرآنی نیز همانند سابق در مساجد ادامه دارد. نوآوری در شیوه آموزش‌های قرآنی، اولویّت ویژه‌ای دارد؛ زیرا در اسلام، مسجد از همان نخست، محلّ آموزش برترین کتاب الهی، یعنی قرآن بوده است. از این رو، باید برای شکوفا شدن هر چه بیشتر تعلیم قرآن، ترویج فرهنگ قرآن‌خوانی در مسجد و گسترش آن در سطح کلی جامعه چاره‌اندیشی کرد. البته باید این نکته را بیان کرد که مراد از قرآن‌خوانی، فقط روخوانی صرف و بهره‌بردن از معنا و فهم عمیق این کتاب مقدّس نیست، بلکه هدف نهایی، فهمیدن قرآن و پیاده کردن معارف تربیتی آن کتاب مقدّس در زندگی است. در این باره باید به چند چیز توجّه شود:

۱. توجّه به فرهنگ آموزش قرآن

امروزه در دنیا، به خصوص در کشورهای پیشرو، نگاه به مقوله آموزش، نگاه به رویدادی فرهنگی است. توجّه به فرهنگ آموزش قرآن در کشورهای مشرق زمین، نیازی اساسی است؛ زیرا این کشورها، از جمله ایران، بسیاری از رفتارها و حتّی افکار خود را از فرهنگ، ادبیات، عرفان و ادیان خود به‌دست می‌آورند. عدم توجّه به فرهنگ‌سازی در امر آموزش و یادگیری، باعث می‌شود تعلیم و تربیت عمیق نباشد.

۲. قرآن‌خوانی مقدّم بر قرآن‌دانی

به این مثال توجّه کنید: فرض کنید شما کودک خود را برای یادگیری نماز به مسجد یا کانون فرهنگی می‌فرستید؛ او در مدّت کوتاهی با صحیح‌خوانی، فصیح‌خوانی، تلفّظ حروف خاصّ عربی، ترجمه عبارات‌های نماز، آداب، شرایط و احکام عملی نماز آشنا می‌شود؛ اما کودک، در آموزش‌ها، به این مسئله نمی‌رسد که باید در طول زندگی نماز بخواند. هر ساله اعتبارات زیادی صرف آموزش قرآن به بزرگسال، معلّمان و... می‌شود. با کمی دقّت متوجّه می‌شویم که این نوع آموزش‌ها از اساس زائد است و سود چندانی ندارد.

آموزش و خوانی قرآن، هدف کلاس اول تا سوم ابتدایی است؛ در حالی که آموزش عالی برای دانشجویان دوره‌های کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد یک واحد پیش‌نیاز آموزش و خوانی برگزار می‌کند یا آموزش و پرورش همه‌ساله دوره‌های متعددی برای فرهنگیان برگزار می‌کند؛ اما همانند گذشته مشکل به قوت خود باقی است. مشکل در نداشتن قواعد قرآنی نیست، بلکه در این است که افراد در اصل، قرآن نمی‌خوانند و اینکه قرآن خواندن روزانه، در طول زندگی، به صورت فرهنگ و رفتار در نیامده است. همه ما نماز می‌خوانیم؛ زیرا از همان دوران کودکی که چشم خود را باز کردیم، دیدیم پدر و مادرمان نماز می‌خوانند یا پدر و مادر خود را مشغول خوردن سحری دیدیم، در حالی که رادیو دعای سحر را زمزمه می‌کرد؛ در نتیجه، همه روزه‌گیر شدیم. اما کودکان چندبار ما را مشغول خواندن قرآن دیده‌اند؟ آنچه متولیان، برنامه‌ریزان و مجریان باید به آن توجه کنند، همین مطلب است. اجرای طرح تلاوت نور در مسجدها، یکی از طرح‌های موفق است که باید بیشتر مورد توجه و تعمیم قرار گیرد.

۳. از مسجد شروع کنیم

اگر نمازگزاران مسجد، در سراسر کشور، روزی یک صفحه قرآن بخوانند، در فهم آیات ساده و پرکاربرد آن کوشش و تدبیر کنند، امام جماعت انجام همه‌روزه این کار را نهادینه کند و از قاریان برجسته در مسجدها دعوت شود تا قرآن را با صدای دلنشین زمزمه کنند و بقیه نمازگزاران نیز او را همراهی کنند، به‌طور قطع آثار و برکات قرآن شامل حال حاضران خواهد شد.

قرآن را نباید برای ختم کردن، نکته‌برداری و استفاده در سخنرانی‌ها بخوانیم، بلکه باید برای دل خود بخوانیم و مانند کسی که برای یافتن داروی درد خود به داروخانه می‌رود، دنبال دوا می‌گردیم؛ زیرا هدایت، ثمره قرآن است و قرآن در این مورد می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رِيْعُ الْقُلُوبِ وَ اسْتَشْفُوا بِنُورِهِ فَإِنَّهُ شِفَاءُ الصُّدُورِ»؛ قرآن را بیاموزید، زیرا قرآن بهار دل هاست. از نور قرآن شفا بجوید؛ زیرا که شفای سینه‌ها است.^۱

آموزش و خوانی و روان‌خوانی صرف یا کلاس حفظ قرآن و آموزش قرائت، به تنهایی، نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مختلف دانش‌آموزان و فراگیران باشد. شاید یکی از رمزهای جاودانگی و جذابت مجلس‌های عزاداری حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) یا مراسم شب‌های احیاء، همین تنوع برنامه‌ها و فعالیت‌ها باشد که باید در آموزش قرآن و تعلیم و تربیت در مسجد نیز به آن توجه کرد.

۴. فعالیت‌های فوق برنامه باید مکمل برنامه درسی قرآن باشد

دانش آموزان در حالی در مسابقه‌های قرآنی و معارف اسلامی شرکت می‌کنند که محتوای پیش‌بینی شده مسابقه را در مدرسه آموزش نمی‌بینند. در مقابل، محتوای کتاب‌های درسی قرآن، دینی و سایر کتاب‌ها کمتر در مسابقه‌ها می‌آید؛ کتاب‌هایی که پژوهشگران دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی، با دقت فراوان و متناسب با نیازها و علائق دانش آموزان، طراحی کرده‌اند. برای مثال، مسابقه‌های قرائت و حفظ قرآن که یک فعالیت قرآنی تخصصی است، هیچ‌گاه جزء هدف‌های کلان آموزش و پرورش نبوده است. در مقابل، کسب مهارت روخوانی و روان‌خوانی قرآن از هدف‌های اصلی آموزش قرآن در دوره ابتدایی است. بنابراین بسیار شایسته است که مربیان قرآن آموز مساجد به جای برگزاری مسابقه‌های قرائت و حفظ، مسابقه‌های روخوانی (برای کلاس‌های اول تا سوم) و روان‌خوانی (برای کلاس‌های چهارم و پنجم) برگزار کنند یا در دوره راهنمایی به مسابقه‌های روان‌خوانی (ترتیل آموزشی) و درک و فهم آیات و عبارات‌های قرآنی اهمیت داده شود.

۵. مهارت‌آموزی به جای قاعده‌آموزش

علت مهجوریت قرآن در جامعه این نیست که افراد با قواعد روخوانی و روان‌خوانی آشنا نیستند، بلکه اشکال این است که در اصل، افراد با قرآن مانوس نیستند. یکی از راهکارهای مهم در این زمینه، توجه به مهارت‌آموزی به جای قاعده‌آموزی است. در جلسه‌های موفق و معتبر قرآن، روش حاکم، مهارت‌آموزی است. استاد در صدر جلسه می‌نشیند و افرادی که در حلقه انس با قرآن نشستند، هر یک چند آیه می‌خوانند و استاد اشکال‌های آنان را موردی و تلگرافی برطرف می‌کند؛ اما در مدارس و کلاس‌ها، قواعد قرآن محور آموزش است. در این کلاس‌ها معلم ارتباط یک‌سویه دارد و به‌طور معمول، متکلم وحده می‌شود و آنچه بیش از همه مورد غفلت قرار می‌گیرد، کم‌خواندن قرآن است.

۶. اجرای کامل برنامه درسی قرآن

مهم‌ترین عامل در موفق نبودن برنامه‌ها و طرح‌ها، از جمله برنامه درسی قرآن در آموزش و پرورش و به‌ویژه در دوره ابتدایی، اجرا نکردن کامل برنامه‌های پیش‌بینی شده است. در برنامه درسی قرآن، سه عامل مهم که در ادامه می‌گوییم باید به صورت هم‌عرض اجرا شود تا هدف‌ها محقق شود:

۱. معلمان و مربیان قرآن آموز مساجد، باید با ابعاد و اجزاء برنامه درسی قرآن آشنا شوند و مهارت لازم را

در آموزش قرآن به دست آورند؛

۲. باید وسایل آموزشی (از قبیل لوح آموزشی، نوار آموزش قرآن معلّم و دانش آموز، کتاب راهنمای تدریس معلّم و ضبط صوت) فراهم باشد تا آموزش با اختلال رو به رو نشود؛
۳. به نقش خانواده در آموزش توجه شود؛ زیرا بیش از یک پنجم آموزش بر عهده خانواده است.

۷. خانواده وزمینة های لازم آموزش قرآن

- مواردی که خانواده ها باید توجه کنند تا زمینة های لازم برای آموزش قرآن فراهم شود، در مقدّمه هر یک از کتاب های درسی دانش آموزان آمده است. خوب است معلّمان در آموزش خانواده به این شیوه عمل کنند:
- پدر و مادر به مدرسه دعوت شوند و در کلاس درس قرآن حضور یابند؛
 - نمونه ای از روش آموزش قرآن با حضور دانش آموزان برای خانواده ها اجرا شود تا آنها با تلاوت و ریزه کاری های آموزش آشنا شوند؛
 - موارد گفته شده در مقدّمه کتاب برای آنها بازگو شود؛
 - با خانواده ها میثاق شفاهی بسته شود که روزی یک صفحه قرآن بخوانند تا این فرهنگ به کودکان آنها منتقل شود.

۸. فراگیر کردن قرآن خوانی

مریّبان و معلّمان مسجدها، حوزه های علمیه، سازمان صدا و سیما، نهضت قرآن آموزی، سازمان تبلیغات اسلامی، مرکز توسعه و ترویج فعالیت های قرآنی و وزارت آموزش و پرورش باید به این نکته توجه کنند که متأسفانه روند فعالیت های قرآنی به جای عمومی شدن به سوی تخصّصی شدن حرکت می کند و شاهد این مسئله هستیم که روز به روز ارتباط عموم مردم با قرآن کمتر می شود. البتّه این مطلب به معنای کنار گذاشتن فعالیت های تخصّصی نیست، بلکه باید توجه شود تا فعالیت های تخصّصی روز به روز ساده تر و عمومی تر شود. به خصوص مراکزی که در این زمینه مسؤلیّت اصلی و مستقیم را دارند، باید در هدف ها و روش های خود تجدیدنظر کنند.

پیش نیازهای زمینة ساز نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

پیش نیازهای مهمی وجود دارد که زمینة ساز نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد است، به عنوان نمونه به موارد زیر توجه نمائید:

- ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی بین افراد جامعه، با کمک مسجدها؛
- برگزاری کلاس‌های احکام، اخلاق و قرآن به شیوه نو و جذاب؛
- برگزاری کلاس‌های هنری برای جوانان، در مسجد؛
- برگزاری کلاس‌های آموزش رایانه برای استفاده از علوم اسلامی؛
- برگزاری کلاس‌های روش تحقیق، تبلیغ، سخنرانی و مدّاحی؛
- پخش سی‌دی‌های مذهبی بین جوانان و کودکان؛
- برگزاری نماز جماعت دانش‌آموزان؛
- فراخوانی والدین دانش‌آموزان و کمک‌گرفتن از آنان در امر آموزش؛
- تأسیس و بازسازی کتابخانه‌های مسجدها، متنوع کردن کتاب‌های موجود در مسجدها مطابق با سطح فکری اقشار مختلف جامعه؛
- ارتباط دوسویه مسجدها با سایر کانون‌های فرهنگی؛
- دعوت دانش‌آموزان مدارس و آموزشگاه‌ها به مسجد در مناسبت‌ها و عیدهای اسلامی؛
- امکان دسترسی آسان مردم به امکانات فرهنگی مسجد؛
- زیباسازی مسجدها.

راهکارهای عملی در اجرای طرح نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد

آنچه در تحقق نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد درخور توجه است، داشتن برنامه‌های نو در قالب شیوه‌های اجرایی جدید و در سطح کلان مسجدهای کشور و همچنین، تلاش برای شکوفاکردن تلاش‌های گذشته است که به مقدمات زیادی نیاز دارد و نبودن بسترها، امکان تحقق آن را از ذهن دور می‌کند.

بنا بر سخنان رهبر معظم انقلاب عجله‌الله، یکی از مقدمه‌های لازم برای تحقق نوآوری، بسترسازی برای نوآوری است که امامان جمعه و جماعت می‌توانند نقش بسیار مهمی در اجرای آن داشته باشند. به عنوان نمونه، برخی از این نقش‌ها در ادامه بیان می‌شود:

۱. امامان جمعه و جماعت باید در صحنه سیاسی و اجتماعی کشور فضای آرام روانی ایجاد کنند و از تنش‌ها و چالش‌های ساختگی و حاشیه‌ای بپرهیزند که جز اتلاف وقت هیچ دردی را دوا نمی‌کند.

۲. کشاندن همه مردم به صحنه نوآوری و شکوفایی، به‌ویژه تعلیم و تربیت در مسجد امری ضروری

است؛ امیدواریم با عزم ملی و اراده جمعی، در اجزای مختلف آموزشی و در مساجد فضای نوآوری حاکم گردد.
 ۳. هماهنگ کردن مسئولان، مدیران و نخبگان تا نوآوری مطلوب در فضای جامعه گسترش یابد.
 ۴. اجرایی کردن نگاه فرا جناحی حزب‌ها و تشکّل‌ها به موضوع نوآوری و اجتناب از مصادره آن به نفع گروه یا جناحی خاصّ.

۵. شناسایی نقصان و کاستی‌های موجود در سیستم‌ها و روش‌های تعلیم و تربیت که تاکنون وجود داشته است و بن‌بست‌ها و کمبودها در معرض دید عموم قرار گیرد تا برای رفع آنها چاره‌جویی شود.
 ۶. تدبیر علمی و عقلی در ارائه نوآوری‌ها و فراخوانی مدیر مدبّر و موفق در سیستم تعلیم و تربیت در مساجد.

۷. پرهیز از بلندپروازی‌ها جهت عملیاتی کردن طرح‌ها.

۸. شناسایی تناسب نوآوری‌ها با ظرفیّت‌ها و امکانات موجود مساجد مختلف کشور و متناسب بودن آنها با سطح فکری اهالی آن منطقه.

۹. تلاش شود تا نوآوری بر اساس مطالبات عمومی جامعه باشد و به دور از افزایش نیازها و غیر واقعی کردن آنها باشد.

۱۰. تکریم و تجلیل از افکار و طرح‌های نو، به‌ویژه طرح‌هایی که از سوی جوانان ارائه می‌شود.

۱۱. تلاش برای فراگیر کردن نوآوری.

از یک نگاه، همه جامعه مخاطب رهبر معظم انقلاب دامت‌برکاته هستند و هر کس باید به اندازه توان خود، در جهت رسیدن به نقطه مطلوب، تلاش کند. گرچه نخبگان جامعه بیش از دیگران مورد خطاب قرار می‌گیرند.

آسیب‌شناسی نوآوری و شکوفایی در نظام تعلیم و تربیت مسجد

ممکن است نوآوری و شکوفایی واقعی، در نظام تعلیم و تربیت مسجد، با مانع‌هایی مواجه شود که توجه نکردن به آنها موجب انحراف یا سطحی‌نگری می‌شود. از این‌رو، لازم است با نگاهی آسیب‌شناسانه مانع‌ها را شناسایی کنیم و برای رفع آنها بکوشیم. در ادامه به برخی از این مانع‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. جزئی‌نگری به جای کلان‌نگری: مشغول شدن به امور فرعی و اشتغال ذهن به مسائل جزئی سبب می‌شود مسائل و هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت فراموش شود و به نتیجه‌ای مطلوب نرسیم.

۲. بخشی‌نگری و مصادره به مطلوب: سوق دادن نوآوری‌ها به حوزه‌های خاصّ، حتی در صورت نتیجه بخش بودن، سبب رشد ناهمگون می‌شود و در نتیجه اثرهایی معکوس به دنبال خواهد داشت. گرچه این

راهبرد باید از سوی همه مسئولان و نخبگان دنبال شود، اما باید مراقب باشیم در نظام تعلیم و تربیت مسجد که هویت مسلمانان در آن شکل می‌گیرد، با رشدی ناموزون و بی‌قواره مواجه نشویم.

۳. نوآوری نباید با غرض‌های سیاسی همراه باشد و به منفعت‌های جناحی آلوده شود.

۴. افراط و تفریط: برخورد افراطی با مقوله نوآوری به معنای برهم‌زدن همه ساختارها، برنامه‌ها و شیوه‌های قبلی و مرسوم است. تعجیل و شتاب‌زدگی در این راهبرد امکان دارد به همان اندازه مخاطره‌آمیز و منفی باشد که تفریط و مقاومت در برابر هر گونه ابتکار و خلاقیت، مخاطره‌آمیز است.

۵. عدم شناخت مرز بین نوآوری و بدعت: اگر شناخت درستی از نوآوری، به‌ویژه در بخش تعلیم احکام و اخلاق و الگودادن به جوان‌ها، وجود نداشته باشد، ممکن است نوآوری به بدعت و الگودهی ناسازگار با اصول اسلام منجر شود.

نتیجه‌سخن

مساجد در میان مسلمانان از جایگاه ویژه و والایی برخوردار هستند. به یقین می‌توان ادعان داشت، بعد از کعبه معظمه که خانه خدا و قبله آمال و آرزوهای مسلمانان است، مسجد از منظر مکانی، مقدس‌ترین مکان است. این اهمیت و قداست از آغاز بنای آن به وسیله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به عنوان آموزه‌ای ماندگار به همه مسلمانان آموخته شده است.

آنچه که به این مکان مقدس شأنیت و جایگاه ویژه در میان مسلمانان بخشیده است، نقش و زمینه‌ای است که مساجد توانسته‌اند در ایجاد نوآوری و شکوفایی علوم، فنون و کارکردهای متنوع تربیتی و آموزشی مطابق با مقتضیات زمان و مکان در جوامع اسلامی ایجاد نمایند. بدون تردید، بسیاری از کارکردهایی را که ابتدا در مسجد نوآوری شده و در طی سالیان بعد به شکوفایی رسیده‌اند، برای تبیین دقیق مدعا یادآور می‌شویم:

اولین حلقه‌های درسی که در نهایت موجب تشکیل مدرسه گردید، در مساجد ایجاد شد. در بحث کتاب و کتابخوانی، اولین کتاب، یعنی قرآن کریم، ابتدا در مسجد قرار گرفت و سپس دیگر کتب احادیث و بدین ترتیب، شکل‌گیری اولیه کتابخانه‌ها از مسجد شروع شد. اولین دانشگاه‌های بزرگ اسلامی در مساجد رشد و گسترش یافته‌اند. اولین کانون و مرکز فرهنگی در مسجد و توسط پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله ایجاد شد. در بُعد اطلاع‌رسانی، مناره‌ها و مأذنه‌ها که نماد اطلاع‌رسانی بوده‌اند، در مساجد به وجود آمده‌اند. اولین نشست‌ها و معاهدات سیاسی و گفت‌وگو بین نمایندگان طوایف و قبایل مختلف با رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در مسجد

تشکیل می‌شد. بستر نوآوری، شکوفایی و اوج قالب‌ها و سبک‌های مختلف هنر و معماری اسلامی، مساجد بوده و ده‌ها نمونه دیگر در زمینه‌های مختلف که نقش بسیار مهم مساجد در ابداع، و نوآوری و بالندگی آنها انکارناپذیر است.

به هر حال، مساجد ضمن اینکه از جایگاه و منزلت بالایی در میان مسلمان برخوردار هستند، نسبت به دیگر اماکن، مراکز و پایگاه‌ها از ظرفیت، توان و پتانسیل بالایی برخوردار بوده و از تجربیات چند قرن گذشته در زمینه نوآوری نیز بهره‌مند هستند.

در حال حاضر، نیز مساجد دارای فعالیت‌های گسترده در زمینه‌های مختلف، به‌ویژه در بعد تعلیم و تربیت است. هر قدر این فعالیت‌ها و کارکردها از تنوع بیشتری برخوردار گردد، به طور مسلم از زمینه جذابیت و اقبال بیشتری برخوردار شده و از استقبال گسترده‌تری از سوی تمامی اقشار جامعه، به‌ویژه قشر نوجوان و جوان مواجه خواهد شد و نتیجه‌ای که از این مهم عاید می‌گردد، افزایش اعتقادات مذهبی و دین‌باوری در سطح جامعه است و وصول و دستیابی به اهداف عالی نظام و منویات مقام معظم رهبری (عجالتاً) است.

با توجه به آنچه در مورد شاخصه‌ها، الزامات و آسیب‌های نوآوری بیان شد، این نکته روشن می‌شود که برای تحقق راهبرد نوآوری و شکوفایی تعلیم و تربیت در مسجد، قبل از هر چیز، باید رفتارهای شخصی و اخلاق کاری متولیان فرهنگی مسجد و مسجدی‌ها اصلاح شود. بی‌تردید، برخی ویژگی‌ها وجود دارد که از مقدمه‌های ضروری پیشرفت جامعه هستند؛ مانند: مسئولیت‌پذیری، نظم، قانون‌پذیری، اعتماد به نفس، داشتن روحیه کار و تلاش و هم‌اندیشی با نخبگان و مردم. این ویژگی‌ها نخست، باید در روحیه و شخصیت معلمان، متولیان و مربیان مسجدها بروز کند تا بتوان راهبردهای اساسی و کلان را در این نهاد مقدس عملی کرد.

برای افزایش بهره‌مندی از پایگاه مسجد در ایجاد و تقویت و تثبیت و بسط زیرساخت‌های فرهنگ اصیل اسلامی، شایسته است متولیان فرهنگی مساجد مانند گذشته در روش تعلیم و تربیت یا در طراحی و برنامه‌ریزی در امور مسجدها به صورت جذاب و محوری، نوآوری را سرلوحه کارشان قرار دهند. آموزش و پرورش و نهادهایی غیر از مسجدها، چه در کشورهای اسلامی و چه غیراسلامی، به روز می‌شود؛ ولی در روش تعلیم و تربیت یا در طراحی و برنامه‌ریزی این مکان تربیتی با آن قدمت زیاد، هیچ نوآوری صورت نمی‌گیرد. بنابراین، احیاء زمینه‌ها و بسترهای نوآوری در مسجد، به عنوان بزرگ‌ترین کانون نوآوری و شکوفایی در تعلیم و تربیت، امری ضروری است. از این رو، بر مسئولان فرهنگی کشور و عموم افراد جامعه، پژوهشگران، محققان و اندیشمندان اسلامی به عنوان نگهبانان و حافظان مکتب‌های بخش اسلام،

فرض است که ضمن کنکاش و تحقیق در امور مربوط به مساجد و فعالیت‌های آن، با ارائه راهکارهای اصولی و مناسب برای ارتقاء و افزایش کمی و کیفی آن گام برداشته و با فرهنگ‌سازی، بسترهای لازم را برای تحقق این اهداف فراهم نمایند و تمامی ابعاد و کارکردهای مساجد را با شیوه‌ای نوین کاربردی نمایند. نوجوانان و جوانان ما به‌طور طبیعی، به کارهای نو و افکار جدید علاقمند هستند. آنان شیفته مطالب و مقالات تازه و سبک‌های نوین روزگار خود هستند و به سخنان جدید با کمال دقت گوش می‌دهند و درباره مطالب نو با علاقه فراوان گفت‌وگو می‌کنند. بنابراین، مسجدهای ما باید متحول شوند و پاسخ‌گوی نیازهای روز جوانان باشند. مسجدها باید به امکانات و ابزارهای آموزشی و اطلاع‌رسانی روز دنیا، مانند کامپیوتر، انواع سایت‌های مذهبی و فرهنگی، برنامه‌های آموزشی در رشته‌های مختلف و... مجهز شوند و جاذبه‌های جدید و کافی را برای جذب نوجوانان و جوانان به خود داشته باشند.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. سید رضی، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام، بیروت، مؤسسه الوفا، چاپ دوم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۳. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۵. قمی، حاج شیخ عباس، مفاتیح الجنان، انتشارات پیروز.
۶. قریشی بنابی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۷. مکارم شیرازی، ناصر، مثال های زیبایی قرآن، قم، انتشارات نسل جوان، چاپخانه مدرسه الامام امیرالمؤمنین عليهم السلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۸. تمیمی آمدی، ناصح الدین ابوالفتح عبدالواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم و دررالکلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۹. قطب رواندی، سعید بن هبة الله، الدعوات، قم، مدرسه امام مهدی عليه السلام، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۰. حزانى، ابن شعبه، تحف العقول، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۱. ابن ابی الحدید، عزالدین بن هبة الله بن محمد بن محمد، شرح نهج البلاغه، مصحح: محمد أبو الفضل ابراهیم، قم، دار احیاء الکتب العربیة، عیسی البابی الحلبی و شرکاه، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۹۵۹ م.
۱۲. کلینی الرازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۳. دیلمی، شیخ حسن، ارشاد القلوب الی الصواب، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.

نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای

محمد عارفی

چکیده

نوشتار حاضر، پژوهشی توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، برای جمع‌آوری اطلاعات از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه بهره‌گیری شده است. نگارنده، در صدد تبیین نقش مسجد در امنیت اجتماع محله‌ای است. بدین منظور، ابتدا به اصل اِشار (تأیید اعمال منطقی مطابق با دستورات الهی) و اِنذار (ردّ اعمال غیر منطقی مخالف با دستورات الهی) اشاره نموده، سپس به نقش تربیتی و امنیتی مساجد محله‌ای، به عنوان خرده‌نظام‌های آرگانستی و اجتماعی دراز میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی افراد و کنترل کنش‌های نابهنجار در محلات شهری پرداخته است.

واژگان کلیدی:

امنیت اجتماعی، آسیب اجتماعی، خرده نظام آرگانستی، سرخوردگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، مفاسد اجتماعی.

به یقین، یافتن راه‌حل برای همه مشکلات اجتماعی، از توان دولت‌ها خارج است. نگرش سیاسی و امنیتی به مسائل اجتماعی نیز روش لاپوشانی^۱ را تجویز نموده و به تخریب بیشتر جامعه می‌انجامد. در چنین مواردی، مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی مردمی، به‌ویژه مساجد در جامعه اسلامی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. مسجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام است و بسیاری از آثار اجتماعی، نظیر اخلاص و درست‌کاری، سامان‌دهی زندگی و نظم و تقوی بر آن مترتب است. افرادی که بیشتر در مسجد حاضر می‌شوند، کمتر حقوق دیگران را ضایع نموده، زندگی خود را با نظم بیشتری توأم می‌سازند و آثار و رفتار دینی در زندگی اجتماعی آنان نیز به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر، نقصان ارزش‌های دینی سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی می‌گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می‌شود، به خانواده وی نیز سرایت می‌کند. سپس، این درگیری و تشنج به محل کار نیز تسری می‌یابد. این دور باطل به‌طور مرتب تکرار می‌شود و در نهایت، نابسامانی فرد و خانواده را در پی خواهد داشت و عدم امنیت در ساختار کلی جامعه به‌ویژه در سطح محله‌ای را افزایش می‌دهد. هدف از انجام این تحقیق، بیان اهمیت تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد، به‌ویژه مساجد محله‌ای و اداره آن در قالب تشکلهای مردمی برای پیشگیری از بروز و گسترش جرایم و آسیب‌های اجتماعی است. به‌طور کلی، هدف این پژوهش، بیان نقش دین در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی و ارتقای سطح ارزش‌های اخلاقی و انسانی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی برای کاهش مفاصل اجتماعی و اخلاقی، در سطوح محله‌ای و شهری و توجه به نقش امنیتی مسجد در شناخت مناطق و محلات فقرالود و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف جامعه، در راستای افزایش هر چه بیشتر امنیت اجتماعی محله‌های شهری است.

در این نوشتار مختصر، با اشاره به اصل ابشار و انذار (تأیید اعمال منطقی مطابق با دستورات الهی و ردّ و انکار اعمال غیر منطقی)، به نقش تربیتی و امنیتی مساجد محله‌ای، به‌عنوان خرده نظام اجتماعی دراز میان بردن احساس سرخوردگی اجتماعی افراد و کنترل کنش‌های نابهنجار در محلات شهری می‌پردازیم.

کارکرد اجتماعی مساجد

مسجد، به‌عنوان یک مکان، از دو جلوه متفاوت برخوردار است. به عبارت دیگر، دو گونه رفتار در این

۱. لاپوشانی کردن، در تداول عوام، به فریب و تردستی، چیزی را مستور کردن معنی می‌دهد. همچنین به مفهوم عیب کسی را به حیلتی پوشیدن یا بازبردستی و حیله عیب یا خطای کسی را پنهان کردن است؛ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «لاپوشانی کردن».

مکان ویژه متجلی می‌گردد که در امر تعلیم و تربیت و جهت‌دهی رفتارهای فردی و جمعی افراد بسیار مؤثر است. در جلوه‌های مظاهر مساجد، رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی و مذهبی و مقبول شرع و دین رخ می‌نماید. در حالی که در جلوه پنهانی مساجد، رفتارهای شخصی، غیر جمعی و کنترلی رخ می‌دهد. هنگامی که انسان‌ها به صورت جمعی در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول و عمومی ظاهر می‌گردد.

هنگامی که افراد به صورت غیر جمعی و به صورت فردی در مسجد ظاهر می‌شوند، خود به خود به محاسبه، کنترل و بررسی رفتارهای شخصی و فردی خود می‌پردازند. ویژگی مساجد به عنوان مکان‌های مقدّس در مقابل سایر اماکن در این است که مسجد از نظر ماهیت، علاوه بر این که محلی برای تجمع و همبستگی جمعی است، به‌طور مکانی و موقعیتی، خود به خود فرد را به درون خود ارجاع می‌دهد. بدین ترتیب، فرد آنچه را که در جمع از طرح آن پرهیز می‌نمود، در حالت انفرادی به طرح آن می‌پردازد. گفتنی است که طرح موضوعات و مسائل رفتاری و فکری، بیشتر حالت اصلاح‌کنندگی، ترمیمی و کنترلی دارد. بر این اساس، می‌توان پذیرفت که هم حضور جمعی و هم حضور فردی در مساجد، می‌تواند رفتارهای مطلوب فردی و جمعی را در فرد برانگیزاند و این در حالی است که سایر اماکن، ممکن است تنها یکی از این حالات تأثیری را بر جای گذارند.

به عنوان مثال، حضور در مدرسه، از نظر ماهیتی و به لحاظ موقعیتی که دارد، حضوری جمعی است و اثرات احتمالی آن تنها با حضور جمع، معنادار می‌گردد. به عبارت کلی، مدرسه جایی نیست که افراد بخواهند به طور انفرادی در آنجا حاضر شوند و به فعالیت بپردازند. بدین ترتیب، برای مساجد نیز می‌توان نقشی دوگانه قائل شد. نقش نخست، کمک به اصلاح و انجام رفتارهای جمعی افراد است؛ چرا که افرادی که در مساجد گردهم می‌آیند، از طریق دین و آیین‌ها و مناسک جمعی به یکدیگر متصل می‌گردند. به این دلیل که عقاید مذهبی، درونی است و نیاز به انجام آیین‌ها و شرکت در مناسک را در پی دارد. افراد، با حضور در این مراسم و انجام فعالیت‌های عبادی، هویت جمعی خود را سامان می‌بخشند. اگر به رابطه میان دین و مذهب و ماهیت روابط و نهادهای اجتماعی توجه کنیم، در این صورت، کارکرد اصلی دین، تنظیم نیازها و کنش‌های انسانی از طریق جلب اعتماد به امور مقدّس و اتصال افراد از طریق آیین‌ها و مناسک جمعی به گروه خواهد بود. به هر حال، مساجد می‌توانند به ایجاد و تقویت رفتارهای مقبول، کمک کنند. رفتارهایی که ممکن است انجام آن در جامعه معمول باشد یا ممکن است در مسجد پسندیده و مقبول نباشد. از این رو، کارکرد مهم مساجد، ایجاد تمایز میان رفتارهای بطن جامعه با رفتارهای داخل مسجد است.

به عبارت دیگر، برای ظهور و تجلی برخی رفتارها، ناگزیر به موقعیت مکانی به نام مسجد، نیاز است.^۱

مساجد و تعاون اجتماعی

مساجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور اقشار مختلف اجتماع به شمار می آیند. از این رو، مسجد، جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در برطرف نمودن نارسایی‌ها و آسیب‌های اجتماعی است.

گفتگو در مورد مشکلات اجتماعی و چاره‌اندیشی برای رفع آنها، هنگامی به نتیجه نهایی می‌رسد که اقداماتی عملی را نیز به همراه داشته باشد. مسجد، پایگاه عمومی مسلمانان و محل حضور قشرهای گوناگون است. از این رو، جایگاه مناسبی برای تعاون اجتماعی مسلمانان و مشارکت آنان در راستای رفع نارسایی‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

در صدر اسلام توجهی همه‌جانبه به تهیدستان و محرومان در مسجد به عمل می‌آمد که باید الگوی مساجد در این عصر قرار گیرد. نمونه‌هایی از این توجه عبارت بود از:

الف) کمک مالی: مسجد، تنها محل خواندن نماز نبود، بلکه جایگاهی برای دادن صدقه و کمک به مستمندان نیز به شمار می‌آمد. داستان معروف و تاریخی امام علی علیه السلام که در حال رکوع، انگشتر خویش را به مستمندی بخشید، در مسجد به وقوع پیوست.

مسجد، باید باعث برطرف کردن اندوه‌های دنیوی، افسردگی، و پناه‌گاه مسلمانان باشد.^۲ در روایت آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد با تهیدستان هم‌غذا می‌شد و با آنان افطار می‌کرد.^۳

امام رضا علیه السلام در گفتاری نورانی، یکی از فواید و آثار سازنده نماز جماعت را - که به‌طور معمول در مسجد برپا می‌شود - همپاری و تعاون مسلمانان بر «بِرِّ و تقوا» بیان نموده است. امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّمَا جُعِلَتِ الْجُمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَالتَّوْحِيدُ وَالإِسْلَامُ وَالْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُودًا... الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَى وَالتَّجَرُّعِ عَنْ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ [نماز] جماعت، مقرر شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و پرستش خدا همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشند... همچنین، مساعدت در نیکو کاری و تقوا و جلوگیری از بسیاری از نافرمانی‌های خداوند عزیز و جلیل با حضور در نماز جماعت محقق می‌شود».^۴

۱. سجادی، سیدمهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص ۲۴۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۵۰.

۴. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۲، باب ۱ از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۹.

این سخن امام رضا علیه السلام باب علمی است که صدها باب علم دیگر از آن به روی انسان گشوده می‌شود. کارهایی مانند جمع‌آوری کمک برای نیازمندان، پرداخت وام، اعطای خدمات درمانی، اقدامات برای تسهیل ازدواج زوج‌های جوان، برنامه‌ریزی برای عیادت و سرکشی از بیماران و...، همگی از مصادیق تعاون بر «بِرِّ و تقوا» است. اهل مسجد، باید فقر را از میان خویش برچینند. با این همه، مساجد امروز، سنگینی این رسالت را کمتر بر دوش خود حس می‌کنند. در مساجد، کمک به تهیدستان فراموش شده است یا حداقل به سمت و سوی نادرستی کشیده شده است. تهیدستانی که نقاب تعفّف بر چهره زده‌اند و در هاله‌ای از شرم و نجابت، فقر را بی‌نیازی جلوه می‌دهند، مستحقّان واقعی کمک‌ها در مساجد هستند؛ اما ایستادن و سرافکنندگی و ذلّت را روبه‌روی جمعیت تمرین کردن کاری ناشایست است که متأسّفانه امروز رواج پیدا کرده است که با مرام اهل مسجد و حرمت خانه خدا سازگار نیست.

ب) **اسکان مستمندان:** اهل صُفّه، گروهی از مهاجرین و انصار بودند که از تهیدستی، منزل و سرپناه نداشتند. پیامبر صلی الله علیه و آله اینان را در صُفّه مسجد النبی صلی الله علیه و آله (سایبانی در آن مسجد) جای داد. مسجد، در جایگاه اصیل خود، یک الگوی ارزش‌گذاری است؛ به عبارت دیگر، ارزش‌های فراموش شده دوباره در مساجد مطرح می‌گردد.

از دیگر نقش‌های اجتماعی مساجد، می‌توان به کارکرد مسجد در پرورش نیروهای متعهد اشاره نمود که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا مسجد، بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بر دوش دارد. در سایه رفت‌وآمد افراد به مساجد، اخلاق، آداب و خط‌مشی آنان تا حدود زیادی هویدا می‌گردد که این خود در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است.

حاکمیت اسلامی نیز می‌تواند از این رهگذر، نیروهای متعهد مورد نیاز خود را برای تحقّق فریضه امر به معروف و نهی از منکر شناسایی کند. در این راستا، در سایه تجمع و انسجامی که مؤمنان در مساجد ایجاد می‌کنند، می‌توان بهترین تشکّل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفاسد و آسیب‌های اجتماعی پی‌ریزی نمود.

مساجد و برقراری عدالت اجتماعی

برقراری امنیت و رفاه اجتماعی در جامعه، دامنه وسیعی از فعالیت‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه، حمایتی و امنیتی و خدمات اجتماعی خاص را شامل می‌گردد که تحت نظارت و کمک دولت‌ها و نهادها و گروه‌های مردمی نظیر مساجد، کانون‌های اجتماعی-فرهنگی، به منظور حفظ سلامت تمامی افراد جامعه، صورت گرفته و از دورویکرد در جهت‌گیری عام و خاص برخوردار است. در رویکرد عام، برای برقراری امنیت

اجتماعی با محوریت قرار دادن سلامت و با تأکید بر اصول پیشگیری از ارتکاب جرم برای ارتقای کیفیت زندگی آحاد مردم و مشارکت همه‌جانبه آنان، برنامه‌های ارتقایی پی‌ریزی و مورد اجرا گذارده می‌شود. در رویکرد خاص، ارائه خدمات اجتماعی به افرادی خاص، به خصوص افرادی که در معرض خطر بیشتری نسبت به آحاد دیگر جامعه هستند، در سطح خرد (محله‌ای) مدنظر قرار می‌گیرد. در این راستا، اصول راهنمایی برای تحقق امنیت اجتماعی به شرح ذیل مدنظر هستند:

۱. تأکید بر سلامت و سلامت‌محوری جامعه و ارتقای مستمر کیفیت زندگی آحاد جامعه؛
۲. تأکید بر ارائه خدمات امنیتی، علاوه بر ارائه خدمات حمایتی؛
۳. محور قرار دادن آسیب‌های اجتماعی و جرائم در مقابل افراد آسیب دیده و پیشگیری از بروز آنها؛
۴. بهبود و شناخت علمی و سیستماتیک آسیب اجتماعی و انجام برنامه‌های اجرایی پیشگیرانه در این خصوص؛
۵. تأکید بر تسهیل شرایط مشارکت و رقابت مردم با نهادهای مرکزی نظیر مساجد و تکایا در برنامه‌های امنیتی به ویژه امنیت محله‌ای.

ستادهای حفاظت اجتماعی مساجد و برقراری امنیت اجتماعی

همان‌گونه که مساجد از صدر اسلام تاکنون به عنوان مردمی‌ترین پایگاه اعتقادی و اجتماعی و مرکز نشر فرهنگ اسلام مطرح بوده‌اند، امروز نیز در مبارزه با تهاجم فرهنگی و تقویت فریضه امر به معروف و نهی از منکر پیش قدم هستند. با تشکیل ستادهای حفاظت اجتماعی در مساجد، به ویژه مساجد محله‌ای و اداره آنها در قالب تشکلهای مردمی و سازمان یافته، کارکرد امنیتی و پیشگیرانه مساجد از بروز و گسترش جرائم و آسیب‌های اجتماعی پررنگ‌تر شده و به همان نسبت، امنیت اجتماعی افراد جامعه به ویژه در سطح محله‌ای افزایش می‌یابد.

با تشکیل هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی، به عنوان نهاد حفاظت اجتماعی صددرصد مردمی در بیش از یکصد هزار محله کشور، برقراری امنیت اجتماعی در سطوح شهری و محله‌ای هر چه بیشتر تضمین می‌گردد.

در حقیقت، ستاد حفاظت اجتماعی عهده‌دار نقش کشف و پیشگیری از وقوع جرم و در نهایت، حفاظت از امنیت و نیازهای اجتماعی جامعه توسط خود شهروندان است. به عبارت دیگر، این ستادها به عنوان سیستم دفاعی هر محله در برابر بزهکاران و مجرمان فعالیت می‌نمایند. با راه‌اندازی چنین هسته‌های اجتماعی در

محلات و اماکن عمومی، آسیب‌های اجتماعی هر محله، شناسایی و تحرکات مجرمان و بزه‌کاران اجتماعی محلات، زیر ذره‌بین اعضای مردمی ستاد قرار می‌گیرد. در اغلب کشورهای پیشرفته، امور امنیتی و حفاظت اجتماعی، به تشکّل‌های مردمی و یا بخش‌های خصوصی نظیر کارآگاهان غیررسمی واگذار می‌گردد. به عبارت دیگر، این چنین تفکّری از سال‌ها پیش در جوامع توسعه یافته در حال اجرا بوده است.

امروز، حفاظت از محیط‌زیست با تخریب‌کنندگان طبیعت و محیط‌زیست به مقابله می‌پردازد. حفاظت اجتماعی نیز نقش مبارزه با بزه‌کاران و خاطیان اجتماعی را بر عهده داشته و از آلوده شدن جامعه به جرم و بزه و ناامنی جلوگیری می‌کند. در کشورهای اسلامی، از جمله ایران، هسته‌های ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد و یا کتابخانه‌های محله‌ای تشکیل می‌یابد.

با تشکیل ستاد حفاظت اجتماعی در مساجد محلات، حقوق و آزادی‌های شهروندان تضمین شده و با جلوگیری از تعرّض‌های نابجا به زنان، دختران، پسران و جوانان، امنیت گروه‌های سنی و جنسی مختلف تأمین می‌گردد.

نقش دین و مساجد در کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی

عنصر عظیم اجتماعی دین، کارکردهای ارزشمندی در تحرک و شادابی اجتماعی در عرصه‌های مختلف داشته و عامل مهمی در سلامت جامعه و کاهش آسیب‌پذیری اجتماعی محسوب می‌گردد. از این رو، بدیهی است که تقویت آن در جامعه، به‌ویژه در سطح محلی و محله‌ای، به ارتقای سطح ارزش‌های اخلاقی و انسانی و سلوک اجتماعی و بالا رفتن ضریب امنیت و مشارکت‌های مردمی و مسئولیت‌های اجتماعی منجر می‌گردد و کاهش مفاسد اجتماعی و اخلاقی و بسیاری از جرایم را نیز در پی دارد. این کارکرد ارزشمند و منحصر به فرد عنصر دین، آن را در میان سرمایه‌های اجتماعی متفوق ساخته و بر این اساس، باید در صدر کالاهای عمومی در نظام برنامه‌ریزی کشور قرار گیرد. با نگاهی اجمالی به برخی کشورها، از جمله جمهوری ترکیه می‌توان مشاهده کرد که آنها نیز برخلاف تمایلات‌شان در پرداختن به مباحث دینی، به لحاظ کارکردها و تأثیرات عمیق دین بر بهبود و سلامت زندگی فردی و اجتماعی و برقراری امنیت اجتماعی، به انجام سرمایه‌گذاری‌های کلانی در این بخش مبادرت نموده‌اند. مسجد، محلی است که مشکلات اجتماعی با امید و وحدت در آن مطرح شده و ارضای نیازهای جسمی و روحی در سطوح تصمیم‌گیری با نیت خیر در آن منعقد می‌گردد. در مساجد، می‌توان شاهد بازگشت تمامی طبقات و اقشار مختلف جامعه بود. کدورت طبیعی افراد جامعه در آب زلال مساجد شست‌وشو داده شده و حبّ و بغض‌های بیهوده و مظاهر دنیوی به

فراموشی سپرده می‌شوند. اگر مسجد، نقش آفرینی خود در تهذیب روح اجتماع را به درستی انجام ندهد، شدت مشکلات و اضطراب‌های تمدن به ظاهر ماشینی، جامعه را درهم‌ریخته و انحرافات و آسیب‌های بسیار اجتماعی در جامعه بروز می‌نماید. از این رو، مساجد با برخورداری از کارکرد امنیتی خود، نقش بسزایی در مهار و از میان بردن آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ای ایفا نموده و بدین ترتیب، موجب برقراری امنیت در محله‌ها و شهرها می‌شوند. با حضور در مساجد به عنوان مراکز عبادی اسلام، در اصل ظهور یک واکنش و رفتار و نه بر حسب لزوم در کیفیت آن است. نقش امنیتی مساجد، نقش تکمیلی و تربیتی برای ایجاد و تقویت رفتارهای مطلوب و نه فقط نقش تثبیت رفتارهایی است که در مساجد رخ می‌دهند.^۱

مساجد، حافظ و پاسدار جهان اسلام هستند. در جهان اسلام، شهرهایی که از دیوارهایی بلند و مستحکم، مانند سایر شهرهای جهان برخوردار باشند، بسیار اندک هستند. در جهان، دژهای استواری برپاست که ضخامت و درازای برخی از آنها به دیوار معروف چین می‌رسد و برج‌هایی بلند و مستحکم، مانند برج‌های مستقر در شهرهای اروپایی وجود دارند. این موضوع در حالی است که در جهان اسلام، تعداد دژها و دیوارها بسیار اندک است؛ زیرا در تمامی شهرها و محلات اسلامی، مساجد به عنوان دژهای اسلام و مراکز مدافع امنیت اجتماعی و ایمان، قدرت برتر آن به شمار می‌آید. در گذشته، امت‌های مسلمان، تنها به فضل دین اسلام و وجود مساجد متعدّد از فتنه‌های کوبنده و ویرانگر و آسیب‌های اجتماعی در امان مانده‌اند.

نقش مساجد در کنترل کنش‌های ناپهنجار محلات شهری

به راستی آیا هنجارها در حال دگرگونی است؟

آیا بی‌هنجاری در حال گسترش است؟

آیا به سوی فروپاشی اجتماعی پیش می‌رویم؟

بی‌تردید، یافتن راه‌حل برای مشکلات اجتماعی، فقط از طریق دولت‌ها، خارج توان آنها است. سیاسی و امنیتی دیدن مسایل اجتماعی نیز که روش لاپوشانی را تجویز می‌کند، به تخریب بیشتر می‌انجامد. در این میان، مراکز علمی و پژوهشی، نهادهای مدنی و به‌ویژه مساجد در جامعه اسلامی و رسانه‌های همگانی هستند که در کنار مردم و دولت‌ها یا حتی پیشاپیش آنان به چاره‌جویی برمی‌خیزند. بی‌هنجاری یا ناپهنجاری (Anomy) متضمن فقدان، گسست، شکست یا تعارض هنجارهای اجتماعی است. این اصطلاح از منظر

۱. سجّادی، سیدمهدی، مسجد و تعلیم و تربیت، ص ۳۱.

دور کیم، مبین حالتی نابهنجار است که در نتیجه گذار جامعه از انسجام مکانیکی به ارگانیک رخ می‌دهد. به عبارت دیگر، بسط تقسیم کار، اگر چه زمینه‌ساز نیل جامعه به انسجام ارگانیک می‌گردد؛ اما سبقت گرفتن رشد اقتصادی بر اصول و تنظیمات اخلاقی در فرآیند تفکیک‌پذیری ساخت‌های اجتماعی و تخصصی شدن وظایف کارکردی، علل بروز آسیب‌های نابهنجار را فراهم می‌آورد. در چنین شرایطی، احساس سرخوردگی اجتماعی و همچنین نبود پیوندهای جمعی، فرد را وادار می‌کند تا کنش‌های نابهنجاری را از خود بروز دهد و با گذشتن از نظم اجتماعی، در صدد ارضای تمایلات خویش برآید. البته انجام این اعمال نیز چیزی از بی‌معنایی و احساس آشفتگی درونی فرد نابهنجار نمی‌کاهد؛ اما با این حال، نظم عمومی را مخدوش می‌نماید.

این مفهوم، از نظر مرتن، نارسایی فشارهای ساختی جامعه، در هم‌نوایی با ارزش‌های فرهنگی و دینی بازگشته و بروز انحراف را ناگزیر می‌سازد. به عبارت دیگر، اگر افراد برای نیل به اهداف مطلوب فرهنگی و دینی، نتوانند از ابزار مناسب اجتماعی بهره‌گیرند، ناچار به تأکید یک‌سویه به اهداف ساختی یا ارزش‌های فرهنگی و دینی بسنده می‌کنند و یا به جای چنین تأکیدی، راه انزوا و طغیان در پیش گرفته، و در نهایت سر از انحرافات اجتماعی در می‌آورند. از آنجا که بحران‌ها و انحرافات اجتماعی، محصول عدم تراز مبادلات داده-ستانده خرده نظام‌های اجتماعی بوده و تنش‌های اجتماعی، از ناتوانی خرده نظام‌های اجتماعی در ایفای کارکردهای ساختی آنها حکایت دارد، از این‌رو، اگر خرده نظام‌های اقتصادی و سیاسی جامعه‌ای نتوانند پول، قدرت، نفوذ و تعهد ایجاد کند و یا خرده نظام‌های ارگانیک‌شخصیتی، اجتماعی و رفتاری، از تولید نقش به‌تعلق، هنجار و ارزش ناتوان گردند، بدین ترتیب، بروز بحران‌ها و تنش‌های اجتماعی حتمی است. در چنین وضعیتی نقش تربیتی و امنیتی کانون‌های عبادی اسلام (مساجد) محله‌ای به‌عنوان خرده نظام‌های ارگانیک‌شخصیتی و اجتماعی در رفع احساس سرخوردگی اجتماعی و برقراری ارتباطات گروهی، فرد یا افراد جامعه (به‌ویژه در سطح محله‌ای) را وامی‌دارد تا به کنترل کنش‌های نابهنجار خود پرداخته و با رعایت نظم اجتماعی، از ارضای تمایلات خویش که برخلاف مصالح اجتماعی آنان است، پرهیز نمایند. نقش امنیتی مساجد با نقش تربیتی این مراکز در ارتباط متقابل هستند. منظور از نقش تربیتی مساجد، نقشی است که این نهادهای مقدس در زمینه‌های روحی ایفا می‌نمایند. آنگاه که مؤمن به مسجد وارد می‌شود، در فضای آکنده از قداست و طهارت، کانونی ساده و عاری از پیرایه‌های مادی، ولی انباشته از جلوه‌های معنوی و الهی، قرار می‌گیرد. با آنکه گناه در همه جا نكوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان دارد؛ از این‌رو، مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری در جهت آلوده نشدن به گناه، به زبان نیابردن سخنان ظالمانه، تجاوز

نکردن به حقوق دیگران، عدم ارتکاب به جرائم و آسیب‌های اجتماعی در چنین اماکن مقدّسی به عمل آورد. در حقیقت، مراقبت بر به کار بستن چنین اموری، خود نوعی تمرین انجام کارهای خیر و دوری از بدی‌ها و برقراری امنیت در اجتماع است. از این رو، حضور در مسجد، تمرین توجّه به خداست.

آزمون مبارزه با نفس، ترک گناهان و دوری از فعالیت‌های خلاف (جرائم) است. به واسطه برخورداری مساجد از روحیه گروهی، آثار سازنده و تربیتی حضور در مساجد، به تدریج به دیگر اعمال فرد و عملکرد سایر افراد نیز سرایت می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام، انزواطلبی و جمع‌گریزی به عنوان یک بیماری روحی در فرد، مطرح شده است. در مقابل، اجتماعی بودن و جمع‌گرایی در حدّ معقول آن - نشانه سلامت روح و روان آدمی و تعادل فکری فرد به شمار می‌آید. افزون بر آنچه گذشت، به طور معمول، مساجد، جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی هستند. به طور طبیعی، حضور در چنین اماکنی، روح تعهد و دردمندی را در افراد می‌دمد.

پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، خود نوعی مبارزه با روحیه بی‌تعهدی و بی‌تفاوتی است؛ یعنی روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه، به‌ویژه نسل جوان پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکره آن جامعه وارد می‌گردد.

مساجد و عدم تضییع حقوق شهروندان

از آنجایی که دین مبین اسلام برای تمام شئون زندگی انسان برنامه و هدف دارد، مساجد نیز به عنوان سامان‌دهندگان رفتار دینی مردم و در قالب نظم رفتاری در حیات اجتماعی مطرح می‌گردند. مساجد، پایگاه تبلیغ دین اسلام بوده و بسیاری از آثار اجتماعی، نظیر اخلاص و درستکاری، سامان‌دهی زندگی و نظم و تقوی بر آنها مترتب است. افرادی که بیشتر به مساجد رفت و آمد دارند، اثرات مثبت مسجد در تمامی رفتارشان در مراحل زندگی مشهود است. چنین افرادی کمتر حقوق دیگران را ضایع می‌کنند و زندگی‌شان با نظم و توجّه بیشتری همراه است و آثار رفتار دینی و مسجدی آنان در زندگی اجتماعی آنها نیز به چشم می‌خورد. از دیگر سو، نقصان ارزش‌های دینی، سبب بروز بی‌نظمی‌ها و آشوب‌های اجتماعی و در نهایت، عدم برخورداری شهروندان از امنیت اجتماعی می‌گردد. مشکلاتی که بدین وسیله به فرد منتقل می‌شود، به خانواده وی منتقل شده و این درگیری و تشنج به محلّ کار فرد نیز تسری می‌یابد. این دور باطل، به‌طور مرتّب تکرار شده و سرانجام، نابسامانی فرد و خانواده وی را به دنبال خواهد داشت و عدم امنیت در کل جامعه را گسترش می‌دهد.

اشخاصی که پیوسته به مساجد آمدوشد دارند، با اهل ایمان و نماز گزاران و افراد منظم و متعبد در معاشرت و رفت‌وآمد هستند. ایمان و تعهد عملی چنین افرادی در معرض دید همگان قرار می‌گیرد و این جمعیت، در روند داد و ستدهای اقتصادی، خانوادگی و روابط اجتماعی، رفتار آنان ملاک اعتبار و اطمینان قرار می‌گیرد.

نقش امنیتی مساجد در شناخت مناطق فقرا

افزایش بحران در جهان سوّم، اکولوژیست‌ها را در تحقیق بر روی موضوعاتی مانند فقر، جرم و جنایت، اعتیاد به موادّ مخدّر و ناآرامی‌های اجتماعی مصمّم‌تر ساخته است. در مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی، اغلب بر این مطلب که عامل فقر، بیش از سایر عوامل در پیدایش و تشدید مسائل و آسیب‌های اجتماعی شهرها و محلات شهری مؤثر است، تأکید می‌گردد. از این رو، نقش امنیتی مساجد شهری، در زمینه شناخت مناطق فقرآلود محله‌ای و شهری، میزان درآمد خانواده و برقراری عدالت اجتماعی در میان اقشار مختلف مردم بسیار اهمیت دارد.

نقش تربیتی مساجد و اصل ابشار و انذار

وجه تمایز انسان با دیگر موجودات خلقت در این است که انسان، موجودی متفکر و دارای قوه اندیشه و تعقل است. هر شخص، در اجتماع و طول زندگی روزمره، به افعال و اعمالی مبادرت می‌نماید که ناشی از تراوشات فکری و ذهنی وی است. ممکن است هر فعلی که انجام می‌گیرد، در راستای دستورات و فرمان‌های دینی و اعتقادی نباشد. گاهی ممکن است برخی از این اعمال در تناقض با دین باشند؛ در این جاست که مساجد به عنوان کانون‌های محوری دین اسلام، در تأیید اعمال منطبق با دستورات الهی و ردّ و انکار اعمال غیر منطبق با دستورات الهی ایفای نقش می‌نمایند.

نتیجه‌سخن

از آنجا که اسلام دین جامعی است، حامل پیام و دستور برای تمام شئون و مسائل زندگی انسان است. بنابراین، بهترین مکان برای دریافت و پذیرش این دستورات، کانون‌های عبادی دین اسلام (مساجد) هستند؛ همچنان که یکی از خصوصیات بارز دین اسلام که توسط پیامبر اکرم ﷺ ابلاغ گردید، اصل بشارت و انذار است. بشارت در واقع تأیید و تشویق اعمال است که فرد یا افراد جامعه در راستای دین اسلام و دستورات الهی مطابق با قوانین زندگی اجتماعی، به انجام آن مبادرت می‌نمایند. در مقابل، انذار (ترسانیدن و هشدار دادن) به انکار و نپسندیدن فرد یا افراد جامعه از انجام اعمال خلاف و معصیت‌زا و جرایم اطلاق می‌گردد.

تجربه نشان داده که تأمین امنیت اجتماعی و اخلاقی در عصر ارتباطات و دهکده جهانی، با اتکاء به قوه قهریه و از عهده دولت‌ها (نیروی انتظامی) خارج است و مشارکت مردم، به‌ویژه کانون‌های عبادت اسلام (مساجد) در این امر ضروری است.

مساجد، با تقویت روحیه دینداری افراد مسجدی، تأثیر به‌سزایی بر دیگر افراد و به تبع آن در سطح گسترده اجتماع دارند. تأکید بسیار دین اسلام بر رعایت حقّ النَّاس بر هیچ کس پوشیده نیست؛ تا جایی که در بین مردم عوام، این گفته رایج است که خداوند از حقّ خود می‌گذرد؛ ولی از حقّ مردم نمی‌گذرد. کسانی که به مساجد رفت‌وآمد دارند، با معارف عالی اسلام اعمّ از آیات و احادیثی که بر رعایت حقوق اجتماعی تأکید دارد، بیشتر از دیگران آشنا شده، در نتیجه، در رعایت حقّ النَّاس بیشتر می‌کوشند.

همچنین، مساجد با تقویت نفس لوامه زمینه کنترل اجتماعی و مبارزه با انحرافات اجتماعی را فراهم می‌سازند. ناگفته روشن است که کنترل اجتماعی به دو صورت رسمی و غیررسمی صورت گیرد. کنترل غیررسمی شامل تمام امر و نهی‌هایی است که بر فرد اعمال می‌شود تا بتواند با هنجارهای اجتماعی گروهی سازگار شود و این امر بر عهده خانواده و مساجد است.

اگر مساجد و ائمه جماعات و همه مردم، خود را در مقابل تخلفات دیگر افراد، مسئول دانسته و آن را تنها وظیفه نیروی انتظامی ندانند، جامعه از بسیاری از آفت‌ها و پلیدی‌ها زوده می‌شود. البته در این میان، نهاد مقدّس مسجد، یکی از نهادهایی است که در از بین بردن فرصت‌های بزهکاری تأثیر به‌سزایی دارد و علاوه بر این که حجم کاری دستگاه‌های رسمی مبارزه با بزهکاری (پلیس و نیروی انتظامی و...) را کاهش می‌دهد، موجب هدایت رفتار و تربیت افراد جامعه در انطباق با هنجارهای پذیرفته شده نیز می‌شود.

نقش امام جماعت، به عنوان یکی از ارکان و عوامل تأثیرگذار در امور مسجد و جذب و نگهداری مردم، به ویژه اقلشار جوان، دارای اهمیت زیادی است. در این زمینه، ایجاد ارتباط عاطفی، گذاشتن وقت کافی برای جوانان، مورد پذیرش مردم و جوانان بودن، داشتن تقوا و فضایل اخلاقی و عدالت، رعایت نظافت و تمیزی، نظم و انضباط داشتن، سعه صدر و بردباری، آسان‌گیری و عمل به گفته‌ها، مواردی هستند که رعایت آن از طرف امام جماعت، در جذب و هدایت جوانان مؤثر است. وجود تعامل و همکاری بین امام جماعت و

۱. نفس لوامه، یعنی ملامت‌کننده؛ در آیاتی از سوره قیامت خداوند متعال می‌فرماید: «لَأُقْسِمُ بِیَوْمِ الْقِیَامَةِ * وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللّوَامَةِ؛ نه! سوگند به روز رستاخیز و باز هم نه! سوگند به وجدان سرزنشگر! نفس لوامه، یعنی نفسی که بسیار انسان را سرزنش می‌نماید. نفس انسان در این مرتبه، بیشتر گرایش به خیر و نیکی دارد و اگر انسان دچار انحراف و افراط و تفریط گردد، این (نفس) آدمی از درون او را سرزنش می‌کند تا دوباره به سوی نیکی و خیر بازگردد.

۲. کنترل اجتماعی، شامل فرآیندی است که جریان تأثیرگذاری بر رفتار جامعه را بر عهده دارد تا هم‌نوایی با هنجارهای گروه صورت گیرد.

کلانتری‌ها و مراکز نیروی انتظامی، در هدایت و تربیت دینی افراد جامعه نقش به‌سزایی دارد. در پرتو این همکاری و همیاری است که امنیت و آرامش در محله و شهرک و شهر و کشور حاکم خواهد شد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. نوری، میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳۰ هـ.ق.
۳. شیخ حرّعاملی، محمدحسن، تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، مؤسسه آل البيت علیهم السلام لإحياء التراث [بی تا].
۴. سجّادی، سیدمهدی، معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه، معاونت فرهنگی سازمان تبلیغات اسلامی، شماره ۶، مسجد و تعلیم و تربیت، قابل دسترس در: <http://library.tebyan.net>.
۵. الیاده، میرچا، دین پژوهی، دفتر اول، ترجمه: بهاء الدین خرّمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۶. جعفری، محمدتقی، فلسفه دین، تهران، مؤسسه فرهنگی اندیشه، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۷. هیگ، جان، نقش اجتماعی دین، ترجمه: بهرام راد سالکی، تهران، انتشارات بین المللی الهدی، ۱۳۷۲ هـ.ش.

نقش مسجد در توسعه محله‌ای

بابک نگهداری

چکیده

نوشتار حاضر، یک پژوهش توصیفی (Descriptive) بوده که در صدد تبیین نقش مسجد در توسعه محله‌ای است. نگارنده، علاوه بر مطالعه اسناد، مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از روش مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه نیز برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده کرده است. نگارنده، با استفاده از الگوی توسعه درون‌زای برونگر، به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه شهری، توسعه محله‌ای از طریق پژوهش در گذشته تاریخی، مذهبی و بومی نمودن ویژگی‌های ساختاری محلی را مورد بحث قرار داده است. در ادامه، نقش مساجد به عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی و همچنین نقش مساجد محلات در استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در راستای توسعه محله‌ای را بررسی و تبیین نموده و در نهایت، آسیب‌شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات و بروز توسعه نیافتگی شهری و محله‌ای را بیان نموده است.

واژگان کلیدی:

سرمايه‌های اجتماعي، توسعه فراگیر، توسعه محلی، توسعه درون‌زای برونگر، توسعه نیافتگی، تنوع فرهنگی.

یکی از مهم‌ترین رویکردهای توسعه، توجه به سرمایه‌های اجتماعی و تقویت شاخص‌های کمی و کیفی و به‌کارگیری آن در توسعه کشور است. این رویکرد، نه تنها از قابلیت زمینه‌سازی برای رشد و گسترش سرمایه‌های اجتماعی برخوردار است، بلکه معتقد است تقویت سرمایه‌های اجتماعی، نقش مهم و حیاتی در ابعاد مختلف توسعه جامعه داشته و نگاه تقلیل‌گرایانه و صرف، به معیارها و جنبه‌هایی از رشد را کاهش خواهد داد و زمینه‌ساز توسعه‌ای فراگیر، متوازن و پایدار خواهد شد. چنین رویکردی، ضمن توجه به محیط پر شتاب و متلاطم اطراف، به بازشناسی زیرساخت‌ها و زیربناهای فکری و فرهنگی خود پرداخته و اساس توسعه را بر پایه بنیان معرفتی و نظام فکری خود پی‌ریزی می‌نماید و ضمن استفاده از تجارب سایر جوامع، از نگاه کلیشه‌ای، اقتباسی و تقلیل‌گرایانه اجتناب می‌کند.

عنصر دین، به‌ویژه دین اسلام و تجلی‌گاه آن که همانا «مسجد» است، از جمله مهم‌ترین سرمایه‌های اجتماعی محسوب می‌گردد که همواره از نقش تعیین‌کننده در توسعه جوامع، به‌ویژه در طول تاریخ انقلاب اسلامی برخوردار بوده است. در حال حاضر، به دلیل اینکه مردم نسبت به مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، اعتقادی و تاریخی خود، دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه، دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند؛ در صورتی که اگر آنها به ظرفیت‌ها و استعداد‌های بالقوه و متنوع تاریخی، مذهبی و فرهنگی خود پی‌برند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه، به‌ویژه در سطح توسعه محله‌ای، از چنین سرمایه‌های مهمی برای عرضه برخوردارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در این نوشتار مختصر، با استفاده از الگوی توسعه درون‌زای برون‌گر، به عنوان مبنای برنامه‌ریزی توسعه محله‌ای و شهری، به بررسی نقش مساجد به عنوان محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی، در استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در توسعه محله‌ای و سایر مباحث مرتبط با این مقوله می‌پردازیم.

رابطه دین و نهادهای اجتماعی

جامعه‌شناسان و انسان‌شناسان در قرون گذشته، از انسان به عنوان هومو اکتوس (انسان مستوی‌القامه) و هومو فابریگوس (انسان ابزارساز) و هومو پولیتیکوس (انسان سیاست‌ورز) سخن می‌گفتند. این در حالی است که امروز، از انسان با عنوان هومور لیجیوسوس (انسان دین‌ورز) نیز سخن به میان می‌آید؛ چرا که بر طبق جدیدترین پژوهش‌های جامعه‌شناختی، چه در آفریقای جنوبی و مکزیک (که به نسبت توسعه

نیافته‌اند) و چه در آمریکا که پیشرفته‌ترین جامعه بشری (از نظر فرهنگ مادی) است، بیش از نودوپنج درصد انسان‌ها، به وجود خداوند ایمان دارند. این واقعیت، نظریه‌ای را که مدعی بود با پیشرفت و توسعه اجتماعی و افزایش رفاه مادی، دین و اندیشه دینی انحطاط یافته و در واقع، این دو در نقطه مقابل یکدیگر قرار دارند، ابطال می‌کند. دین، کهن‌ترین، نافذترین و اثرگذارترین نهاد اجتماعی بشر است. شاید نماد علم، تحوّل آفرین‌تر و فرهنگ و تمدن‌سازتر از دین باشد؛ ولی می‌توان اذعان داشت که دین، به علم و توسعه، بیشتر از علم و توسعه به دین، مدد رسانده است. به عبارت کلی‌تر، هر گاه بشر اندیشه‌ورز با انگیزه‌های صلاح یا از سر تحیر به تأمل در محیط اجتماعی خویش پرداخته است، ناخواسته، خود را با شاخص‌ترین پدیده اجتماعی تأثیرگذار در حیات انسان‌ها، یعنی دین مواجه دیده است، از این‌رو، سابقه اندیشه‌های اجتماعی در خصوص دین، به قدمت اندیشه‌ورزی‌های اجتماعی بشر است که از گذشته‌های دور توسط فلاسفه و متکلمین هر عصر صورت گرفته است. هنگامی که افلاطون، طرح اتوپیای خویش از یک جامعه ایده‌آل را ارائه می‌داد یا ارسطو از سهم ارزش‌های اخلاقی در حیات اجتماعی سخن می‌گفت یا هنگامی که آگوستین در کتاب «شهر خدا»، تصویری آرمانی از نظام دنیوی همسان با نظم ازلی عرضه می‌نمود و فارابی انواع مدینه فاضله و ردیله را بر اساس میزان پایبندی مردمانش به تعالیم الهی معرفی می‌نمود و ابن‌خلدون نقش دین و عصبیت قبیله‌ای را در فراز و فرود حکومت‌ها تحلیل می‌نمود و جان کانون تلاش می‌نمود تا الگویی از جامعه مسیحی مورد نظر خود را در ژنو بیان کند و به طور کلی، هر زمان که فیلسوف یا متکلمی درباره اجتماع یا آرمان اجتماعی مورد نظر خود سخن می‌گفته، در واقع، همه آنها بی‌آنکه تصریح یا تفکیک نمایند، درباره نقش و حضور اجتماعی دین، سخن می‌گفته‌اند. از آنجایی که دین، به عنوان امر الهی، برای سعادت انسان آمده است، بر هر دو افق فردی و اجتماعی سایه افکند. به مفهوم دیگر، دین برای امور اجتماعی، بیشتر از امور فردی اهمیت قائل است؛ چرا که در تفکر اسلامی، حیثیت اجتماعی نسبت به حیثیت فردی اقوی است؛ حتی در استنباط احکام اسلامی، وقتی چیزی به مصلحت عام باشد، بر امری که جنبه فردی دارد، ترجیح پیدا می‌کند. همان‌گونه که در دو اثر گرانبه‌های مرحوم علامه طباطبائی، یعنی «جامعه و تاریخ» و «المیزان» نیز لحاظ گردیده است، در تفکر اسلامی، نگاه به جامعه بر مصالح فردی اولویت دارد. اهمیت موضوع دین در جامعه، نه به خودی خود، بلکه به تبع تأثیراتی است که بر حیات اجتماعی دارد یا از آن تأثیر پذیرفته است. هنجارها و رفتارهای دینی افراد در سطح خرد، حیات اجتماعی جامعه در سطح کلان را متأثر می‌سازد. ادیان، علاوه بر تأثیرات باواسطه از طریق پیروهای فردی، دارای آثار و تبعات مستقیم بر محیط اجتماعی خویش

۱. اصل واژه اتوپیا (utopia) یونانی است و معنی آن «جایی که وجود ندارد» یا «ناکجاآباد» بوده و از لحاظ لغوی به مفهوم «لامکان» یا «آرمان‌شهر» است. این واژه در فلسفه اسلامی به مفهوم «مدینه فاضله» اشاره دارد. دانشنامه آزاد ویکی‌پدیا: wikipedia.org.

هستند؛ چرا که خود را صاحب نقش و رسالت اجتماعی می‌شناساند.

توسعه و رابطه آن با زندگی اجتماعی

سابقه مبحث توسعه، به عنوان موضوعی مشخص، به پس از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. در این دوره، به طور عمده، دو گونه نظریه‌های مربوط به توسعه، با عنوان توسعه اقتصادی و نوسازی ظاهر می‌شود. طرفداران نظریه نخست به طور عمده، از مفاهیم علم اقتصاد و طرفداران نظریه نوسازی، بیشتر از مفاهیم جامعه‌شناسی سود می‌جویند. بعد از آن، توجه به چارچوب‌های نمادی و ساختاری لازم برای توسعه اقتصادی، به مفهومی بیشتر کیفی و جامعه‌شناختی تغییر یافت.

با گسترش فضای مفهومی توسعه، از واقعیتی اقتصادی به واقعیتی با ابعاد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، سبب گردید تا توسعه، موضوع تحلیل جامعه‌شناختی کلان (که مدعی شناخت واقعیت‌های اجتماعی در قالب یک نظام و با نگرش کلی است) قرار گیرد.

به دلیل این تلفی از توسعه، مکتب نوسازی شکل گرفت. توسعه، با استفاده از مفاهیم جامعه‌شناسی و تلاش پیشگامان این علم، مانند دور کیم، وبر، مارکس، تونیس که وارث سنت بررسی جوامع کلان بودند و مکاتب شکل گرفته بر اساس کارهای آنان، از جمله مکتب کارکردی-ساختی معنی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که رشد مستمر درآمد سرانه (که توسعه جوامع با آن سنجیده می‌شد)، متکی بر ساختار ویژه اقتصادی و در نتیجه، ساختار ویژه جامعه بود، توسعه بیشتر در رابطه تنگاتنگ با نوع خاصی از سازمان جامعه و تغییرات ساختاری مورد بررسی قرار گرفت و به تدریج، شاخص‌های غیراقتصادی توسعه، تدوین گردید. در ابتدا، محققین بر این باور بودند که توسعه، تنها در گستره واحد اجتماعی کلان به نام «دولت-ملت» یا «جامعه» محقق است؛ اما با گذشت زمان، این مسئله آشکار گردید که توسعه، نوعی تغییر تاریخی است که در محدوده کلیه واحدهای اجتماعی، اعم از دولت، ملت، جامعه، شهر و محله رخ می‌دهد. مفهوم توسعه، با ارجاع به زندگی اجتماعی در مجموعه‌ای از جوامع، تعریف می‌گردد.

توسعه (نوسازی)، به عنوان یک روند شناخته می‌شود؛ روندی تجمعی که نتیجه تعامل مجموعه‌ای از عوامل است. این روند (توسعه)، با شکل‌گیری ساختار مشخص و تولید دوباره آن، ملازمه دارد. از این رو، مستلزم نوعی تغییر اجتماعی-تغییری در ساختار جامعه و به تعبیر تاریخی-است. برخلاف تنوع ساخت‌هایی که این تغییر در آنها رخ می‌دهد، ساختاری که توسعه با آن ملازمت دارد، ساختاری واحد است. از این رو، در این چارچوب‌های مفهومی، به طور معمول از دوتایی‌هایی نظیر سنتی و مدرن، قبل از سرمایه‌داری و

سرمايه‌داري، توسعه‌نيافته و توسعه‌يافته و خرد و کلان براي طبقه‌بندي ساخت‌ها استفاده مي‌گردد که یک طرف آن، با سلب طرف ديگر تعريف مي‌شود.

رويکردهای توسعه

مهم‌ترين رويکرد توسعه، توجه به سرمايه‌های اجتماعي و تقويت شاخص‌های کمی و کيفي و به کارگيري آن در توسعه کشور است.

اين رويکرد، نه تنها از قابليت زمينه‌سازي براي رشد و گسترش سرمايه‌های اجتماعي برخوردار است، بلکه معتقد است که تقويت سرمايه‌های اجتماعي، نقش مهمي در ابعاد مختلف توسعه کشور داشته و نگاه تقليل‌گرايانه و صرف‌را به معيارها و جنبه‌هایی از رشد، کاهش خواهد داد. همچنين، زمينه‌ساز توسعه‌ای فراگير، متوازن و پايدار خواهد شد. اين رويکرد، ضمن توجه به محيط پرشتاب و متلاطم اطراف، به بازشناسي زيرساخت‌ها و زيربناهای فکري و فرهنگي خود پرداخته و اساس توسعه را بر پايه بنیان معرفتي و نظام فکري خودپي‌ريزي مي‌نمايد و ضمن استفاده از تجارب سايرين، از نگاه کليشه‌ای، اقتباسي و تقليل‌گرايانه اجتناب مي‌نمايد. عنصر دين، به‌ويژه دين اسلام و تجلّي‌گاه آن که همانا مساجد هستند، از جمله مهم‌ترين سرمايه‌های اجتماعي محسوب مي‌گردند که همواره از نقش تعيين‌کننده در توسعه و تحولات، در صحنه‌های اجتماعي، اقتصادي، سياسي و... به‌ويژه در طول تاريخ انقلاب اسلامي برخوردار بوده‌اند.

مساجد و هویت توسعه شهرهای اسلامی

مسجد در اسلام، تنها معبد نيست؛ زيرا به طور اساسي، عبادت در اسلام، فقط به دعا و نيايش و انجام امور ويژه ديني محدود نمي‌گردد. عبادت، هر عمل و حقی است که آدمي نه براي نفع فردي خود، بلکه براي خلق انجام مي‌دهد و همين کار براي خلق - که در اسلام از آن به عنوان «براي خدا» تلقی مي‌گردد - نمونه‌ای از ظهور توسعه در جوامع اسلامي است. به بياني ديگر، مسجد در اسلام، کانون عبادت است؛ اما عبادتي که دامنه تعريف و توسعه آن، چگونگي و چيستی کليه امور مربوط به زندگي اجتماعي، اقتصادي و سياسي جهان اسلام را در بر گرفته و گزاره‌های ديني را مفهوم و عينيت مي‌بخشد.

بر اساس همين گسترده‌گي مفهوم عبادت در اسلام است که مسجد پيامبر، براي کار کردی چندگانه اختصاص یافته و سنت بهره‌برداري چند منظوره را بنیان نهاده شد.

نکته ظريف و پرمعنايي که تنها در شناسنامه مسجد نهفته است و ديگر معابد، فاقد آن شاخصه مهم‌اند، پيوند ديانت و سياست در تاروپود و در ساختار پيکره مسجد است؛ زيرا که تولّد مسجد با ظهور و طلوع

خورشید حکومت اسلامی آمیخته و همراه بوده و نظام مهندسی آن نشأت گرفته از تعالیم عالی و مفاهیم هدفدار و بلند آسمانی و فرهنگ و ادبیات و حیانی است. از آنجایی که بقاء و دوام فرهنگ دینی جوامع، علاوه بر بستگی آن به وجود قوانین متقن و و حیانی، همواره مستلزم وجود کانون فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و... بوده است، اسلام در راستای شکل‌بندی چنین ستادی که بیشتر مبتنی بر مرام‌نامه الهی و توحیدی است، مسجد را پایه‌گذاری می‌نماید؛ به طوری که در طول تاریخ اسلام، شاهد فعالیت‌ها و تأثیرگذاری آن در حرکت‌های اسلامی در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی بوده و خواهیم بود. هویت شهرهای اسلامی به واسطه بنای مساجد دارای بلندی‌گنبدها و مناره‌ها و آوای دلنشین اذان، از دیگر شهرهای غیراسلامی متمایز است و به‌طور اساسی، اطلاق شهر اسلامی به شهرهای فاقد مسجد، وجه تسمیه‌ای در اسلام به خود اختصاص نمی‌دهد. مساجد در اسلام که هم‌زاد با هجرت، فرصت تاریخی می‌یابد، نخستین طرح و بنایی هستند که با مشارکت مردم، در جامعه مدینه‌النبی به مورد اجرا گذارده شد. در کلام دل‌نواز پیشوایان معصوم اسلام (علیهم‌السلام) از مسجد با عناوین زیبا و دل‌نشینی تمجید شده است که به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مسجد، خانه مؤمنان پرهیزکاران: در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که حضرت فرموده‌اند: «المَسْجِدُ بَيْتُ كُلِّ مُؤْمِنٍ؛ مسجد، خانه هر مؤمنی است».^۱ آن حضرت در حدیثی دیگر مساجد را خانه پارسایان و پرهیزکاران دانسته‌اند و فرموده‌اند: «إِنَّ الْمَسَاجِدَ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ وَمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ فَقَدْ خَمَّ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّحْمَةِ وَالْجَوَازِ عَلَى الصَّرَاطِ إِلَى الْجَنَّةِ؛ مساجد، خانه پارسایان است و هر کس خانه‌اش مسجد باشد، خداوند کار او را با رحمت و شادی قرار داده، اجازه عبور از صراط به سوی بهشت را به او خواهد داد».^۲

۲. مسجد، باغی از باغ‌های بهشت: مسجد در فرهنگ اهل بیت (علیهم‌السلام) مهمان‌خانه خدا در زمین، جایگاه نزول خیرات و برکات آسمانی، خانه آگاهی و عبادت، عشق و محبت، صفا و صمیمیت، ایثار و رحمت، تجلی‌گاه بهشت در زمین و تفریح‌گاه موحدان است.^۳

ابی‌هریره در روایتی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «إِذَا مَرَرْتُمْ بِرِيَاضِ الْجَنَّةِ فَارْتَعَوْا؛ قُلْتُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ؛ هرگاه از باغ‌های بهشت گذر کردید، [در آن] گردش

۱. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۰ و مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۹، ۵۵۴.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۹، حدیث ۲۰۷۸۵.

۳. سنن ترمذی، کتاب دعوات، ج ۳، ص ۸.

کنید. گفتم: ای پیامبر خدا! باغ‌های بهشت چه هستند؟ فرمود: مسجدها.^۱

۳. مسجد، بازاری از بازاهای آخرت: رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «المساجد سوق من أسواق الآخرة قراها المغفرة و تحفها الجنة؛ مساجد، بازاری از بازارهای آخرت است، پذیرایی آن، مغفرت و هدیه آن، بهشت است»^۲؛ یعنی همان گونه که بازار محل خرید و فروش و مبادله کالا و متاع‌های دنیوی است، مسجد نیز محل کسب امور معنوی و اسبابی است که در سرای آخرت دارای کاربرد و تأثیر است. از سوی دیگر، از آنجا که بیشترین اهتمام انسان مؤمن متوجه تهیه و تأمین اسبابی است که در سرای آخرت بدان نیاز دارد، شوق و انس وی به بازار آخرت (مسجد) به مراتب بیش از علاقه او به بازارهای دنیاست و در جانب مقابل، آنان که دنیا و حرص بر متاع آن را وجه همت خویش قرار داده‌اند، به طور معمول با سودجویی و سودگرایی انس بیشتری دارند. از این رو، می‌بینیم که مؤمنان در هنگام رفتن به مساجد سعی می‌کنند بر دیگران پیشی بگیرند و به هنگام خروج، دیرتر از همه مسجد را ترک گویند، و در مقابل، اهل دنیا پیش از همه به بازار رفته و پس از همه خارج می‌شوند.

۴. مسجد، بهترین مکان‌ها: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «خَيْرُ البقاع المساجد؛ بهترین مکان‌ها، مسجد است»^۳. آری، مساجد خانه خدا، انوار الهی، جایگاه پیامبران^۴ است.

بر اساس آموزه‌های اصیل اسلامی، مساجد از نظر مکانی، مرغوب‌ترین قطعه زمین، محبوب‌ترین نقاط هر شهر، خانه مؤمنان و پرهیزکاران و باغی از باغ‌های بهشت و بازاری از بازارهای آخرت، تعریف شده و مسلمانان نسبت به ساخت آن در هر شهر و دیاری تشویق گردیده‌اند و ائمه معصومان علیهم السلام نیز پاداش‌های بزرگی برای این کار ذکر نموده‌اند. با تتبع در روایات، درمی‌یابیم که وعده‌ها و پاداش‌های الهی برای بنیان مسجد بسیار است؛ برای اختصار به چند مورد که برجسته‌تر از سایر پاداش‌ها است، اشاره می‌کنیم:

۱. مقام «ولی الله» برای سازندگان مساجد

«هر کس در این دنیا مسجدی بسازد، خداوند متعال به هر وجبی یا ذراعی از آن، شهری در بهشت از طلا و نقره و درّ و یاقوت و زمرد و زبرجد و مروارید برای او بنا می‌کند که بزرگی آن به اندازه پیمودن مسافت چهل هزار سال راه باشد و در هر شهری هزار هزار قصر، در هر قصری چهل هزار هزار خانه و در هر خانه‌ای

۱. ترمذی، سنن الترمذی: ج ۵ ص ۵۳۲، ح ۳۵۰۹، کنز العمال: ج ۷، ص ۶۵۱، ح ۲۰۷۳۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱؛ بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۴.

۳. کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۲، حدیث ۲۰۷۴۸.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۷.

۶. همان، ص ۳۱۳ و ۳۵۹.

چهل هزار هزار اتاق، و در هر اتاقی چهل هزار هزار تخت و بر هر تختی همسری از حوریان و در هر اتاقی چهل هزار هزار خادم و چهل هزار هزار کنیز و در هر اتاقی چهل هزار هزار سفره گسترده و بر هر سفره‌ای چهل هزار هزار ظرف و در هر ظرفی چهل هزار هزار نوع از انواع طعام وجود دارد و خداوند به «دوست خود» (در حدیث به صورت «یعطی الله لولیه» آمده است)، چنان توان و نیرویی می‌دهد که بتواند از همه همسران و خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها بهره‌بردار^۱.

۲. خانه بهشتی، پاداش مسجدسازان

پیامبر اکرم ﷺ: «من بنی الله مسجداً لا یرید به ریاء ولا سمعة بنی الله له بیتاً فی الجنة؛ هر کسی برای خدا مسجدی را بسازد و آن را برای ریا و خودنمایی به کار نبرد، خدای تعالی در بهشت، خانه‌ای برای او بنا می‌کند»^۲.

ابوعبیده حذاء می‌گوید: از امام صادق (علیه السلام) شنیدم که می‌فرمود: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بِنَى اللَّهِ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، قَالَ أَبُو عَبِيدَةَ: فَزَيَّنِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (علیه السلام) فِي طَرِيقِ مَكَّةَ وَقَدْ سَوَّيْتُ بِأَحْجَارٍ مَسْجِدًا؛ فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ، نَرْجُو أَنْ يَكُونَ هَذَا مِنْ ذَلِكَ، فَقَالَ: نَعَمْ؛ هَر كَس مَسْجِدِي بِرِيَا كُنْد، خِدَاوَنْد دَر بَهْشْت بَرَايش خَانَه‌ای بَر پَا خَوَاهْد كَرْد. ابوعبیده می‌گوید: امام صادق (علیه السلام) در مسیر مکه بر من گذشت، در حالی که من با سنگ‌ها، مسجدی را فراهم کرده بودم. به حضرت گفتم: فدایت شوم! آیا امیدوار باشیم که این [کار من]، از آن جمله است؟ فرمود: آری»^۳.

۳. مسجدسازی، مانع نزول عذاب الهی

آبادگران مساجد نزد خداوند چنان محبوبند که خداوند نه تنها آنها را از آفات و امراضی که می‌خواهد بر قومی فرود آورد، دور می‌کند، بلکه به احترام آنان، کیفر و مجازات بندگان گناهکار را به تأخیر می‌اندازد. رسول خدا ﷺ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى، إِذَا أَنْزَلَ عَاهَةً مِنَ السَّمَاءِ عَلَى أَهْلِ الْأَرْضِ صَرَفَتْ عَنْ عَمَّارِ الْمَسَاجِدِ؛ خِدَاوَنْد وَقْتی مَرَضی رَا از آسْمَان بَر مَرْدَم فَرُود آوَرْد، اَن رَا از بَانِيَان مَسْجِد دُور مِی كَرْدَانْد»^۴. امام صادق (علیه السلام) به نقل از امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ، إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ يَقُولُ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتِحَاوْنَ فِيَّ وَيَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَسْحَارِ لَا نَزَلَتْ عَذَابِي؛ خِدَاوَنْد مَتَعَال اَنگَاه

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳؛ عقاب الاعمال، ص ۵۰.

۲. همان، ص ۶۵۵.

۳. تهذیب الأحكام، ج ۳، ص ۲۶۴، ۷۴۸؛ من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۲۳۵، ح ۷۰۴.

۴. نهج الفصاحة، حدیث ۶۸۲.

که بخواهد اهل زمین را به کیفر اعمال بدشان عذاب نماید، می فرماید: به احترام آنان که به خاطر من با یکدیگر دوستی و محبت می ورزند و مساجدم را آباد می نمایند و سحر گاهان به استغفار می پردازند، عذاب خود را بر آنان نازل نمی کنم»^۱.

۴. آبادگران مساجد، همسایگان خداوند

پرداختن به ساخت یا آباد کردن مسجد برای مسلمانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در کلامی زیبا از رسول خدا ﷺ چنین افرادی همسایگان پروردگار نامیده شده‌اند: «قول الله عزوجل يوم القيامة: این جیرانی؟ فتقول الملائكة: و من یبغی ان یكون جارك؟ فيقول: عمار مسجدی؛ در روز قیامت خداوند متعال می فرماید: همسایگان من کجایند؟ ملائکه می گویند: پروردگارا! چه کسی شایستگی همسایگی تو را دارد؟ خداوند در پاسخ می فرماید: آبادگران مساجدم»^۲.

به هر حال، وعده‌ها و پاداش‌های الهی برای بنیان مسجد، و توجه شریعت اسلام به این مراکز توحیدی اجتماعی، موجب علاقه و نشاط و صف‌نشدنی در مسلمانان نسبت به بنای این مکان مقدس در جوامع اسلامی گردید. به طوری که محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می زدند. تاریخ نشان می دهد که عملیات ساختمانی شهرهای نوساز، ابتدا با ساختمان مساجد آغاز می گردید و شهرهایی که به دست سپاه اسلام گشوده می شد و مسلمانان در آن مستقر می گردیدند، اولین اقدام‌شان بنای مسجد و آموزشگاه بود و اغلب از بنایی قدیمی مرکز شهر برای ایجاد مساجد استفاده می نمودند. به طور کلی، شهرهای اسلامی از نظر حقوقی در آغاز از یک ویژگی مهم داشتند و آن اینکه به عنوان وجه تمایز آنها از روستاها، دارای مسجد جامع و منبر بودند. طی قرون اولیه در هر شهری تنها یک مسجد جامع وجود داشت که نماز جمعه در آن برگزار می گردید؛ اما به تدریج با افزایش شهرنشینان، شهرهای بزرگ دارای چند مسجد جامع شده و حتی برخی از روستاهای پرجمعیت از مسجد جامع و منبر برخوردار گردیدند.

مسجد جامع در شهرهای اسلامی، همواره در قلب و مرکز شهر جای داشت و موقعیت و جایگاه مسجد جامع در مرکز شهر و اهمیت آن، اساس طراحی شهری به شمار می رفت. اولین نقطه‌ای که طراحی می شد، مسجد جامع شهرها بود و بر اساس آن، محله‌های شهری را طراحی می کردند و آنگاه به خیابان‌ها و گذرگاه‌ها و کوچه‌ها می پرداختند.

مدینه الرسول، نخستین الگوی این طراحی بود؛ زیرا مسجد النبی اولین بنایی بود که در وسط شهر

۱. ثواب الاعمال، ص ۱۷۸.

۲. کنز العمال، ج ۷، ص ۵۷۸، ح ۲۰۳۳۹.

طرّاحی شد و بعد از آن، محله‌های مهاجران (که بیشتر، قطاع‌ها و فضا‌های باز محله‌های انصار بودند که به مهاجران هدیه می‌شد و یا این که زمین‌های خشک و بدون مالک که رسول خدا ﷺ آنها را میان مهاجرین تقسیم می‌نمود) طرّاحی می‌شد. بقیه شهرهای نو بنیاد اسلامی که بعد از شهر مدینه ساخته شدند، همه از این قاعده پیروی می‌کردند؛ مثل: شهرهای کوفه، بصره، فسطاط و قیروان. از آن پس، پیروی از این شیوه در طرّاحی شهری به صورت سنتی متداول درآمده و شهرهایی مانند واسط، بغداد، فاس و... به همین ترتیب طرّاحی و ساخته شدند. بعد از آنکه رسول اکرم ﷺ خانه خود را در مجاورت مسجد بنا نمود، این کار وی بعدها به هنگام تأسیس شهرها و محلات جدید به صورت سنتی درآمد که از آن پیروی می‌شد.

نقش مراکز مذهبی و مساجد در نیل به توسعه

پیش از پیشرفت‌های صنعتی و عصر الکترونیک، از جمله مهم‌ترین وسایل تفاهم و ایجاد ارتباط میان مردم، گفتار بود. به سخنانی که دارای اصول و قواعد ویژه‌ای بود در تنظیم آنها ذوق و سلیقه‌ای به کار می‌رفت و در مجالس عمومی برای ایجاد انگیزه‌ای نسبت به یک عمل ایراد می‌شد، «خطابه» اطلاق می‌گردید و چون عامه مردم بیشتر از طریق گفتار و نه نوشتار اقناع می‌شدند، به مجامع عمومی چون مراکز مذهبی و مساجد و میادین محلات و شهر آمده و به سخنان خطیبان گوش فرامی‌دادند. در جوامع کنونی نیز کرسی سخنرانی و منابر هم‌چنان از اهمیت بسزایی برخوردار است. پیشوایان دینی و واعظان مساجد و مراکز مذهبی به تبیین مصالح کشور و اصلاح امور دینی و دنیوی مردم می‌پردازند. سخنوران توانا و چیره‌دست با سخنان مهیج خود، گاهی گروهی از مردم را به انجام کارهایی سخت، نظیر گذشتن از جان و مال و فرزند فرامی‌خوانند؛ زیرا هنر سخنور در این گونه امور آن است که در روح و قلب مردم نفوذ کرده و آنان را با طیب خاطر به مقصود خود رهنمون سازد.^۱

در شالوده نظام اسلامی، مسجد که بنیانی اعتقادی و عبادی و محل آمدوشد مداوم مسلمانان در اوقات پنج‌گانه است، محور فعالیت‌های تبلیغی و مهم‌ترین وسیله ارتباط جمعی آنان قرار می‌گیرد؛ در نتیجه، مسیر تحوّل و تطوّر و توسعه مطلوب اجتماعی از سطح محله‌ای، تأملی را فراروی مسلمین می‌گشاید.

در جوامع اسلامی، مساجد در تمامی جنبه‌های زندگی فردی و اجتماعی مسلمانان حضور فعال دارند و نقش محوری ایفا می‌نمایند. مسلمانان که برای انجام فرایض دینی هر روز به مساجد رفت‌وآمد می‌کنند، ضمن ادای فریضه نماز، با قرار گرفتن در این اجتماع در خلال صحبت با یکدیگر از اخبار جامعه نیز با خبر شده و در جریان مسائل روز قرار می‌گیرند. همچنین، وجود منبر در مسجد که از آن به عنوان یک رسانه

۱. مینایی، علی‌اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، ماهنامه مسجد، ش ۶، ص ۲۸.

عمومی در اسلام نام برده می‌شود، نقش مهمی در نشر افکار ایفا می‌نماید؛ به گونه‌ای که سخنران با استفاده از آن به نشر عقاید اسلامی و انتقال مسائل مهم جامعه به مردم می‌پردازد. هر چند ممکن است چنین تلقی گردد که با وجود وسایل ارتباط جمعی پیشرفته امروزی، این نقش مساجد اهمیت قبلی خود را از دست داده است؛ اما به دلیل پراکندگی مساجد در جوامع اسلامی و گسترش آنها در تمامی نقاط شهری و محلات از یک سو و حرمت و قداست و معنویت خاص آن در نزد مسلمانان از سوی دیگر، سبب شده است تا این مراکز نقش مهم و غیرقابل انکاری در کارکرد رسانه‌ای و توسعه ارتباطات ایفا نمایند.

در ایران، منبر و خطابه همواره از برترین وسایل ارتباط جمعی محسوب شده و می‌شوند. خطیبان مذهبی و سیاسی در مساجد و مجالس و عطا، زمام افکار مردم را در دست گرفته و بر روی منابر، سرنوشت مردم را رقم می‌زدند. در چنین جوامعی هنوز رادیو، تلویزیون و صداها وسیله ارتباط جمعی نتوانسته‌اند جای منابر را پر کنند و گاهی خود این ابزار نیز در اختیار خطیبان درآمده و به نفوذ و کارآیی خطابه آنان، هر چه بیشتر افزوده می‌شود.

با این حال، چندی است که مقوله شکاف دیجیتالی موجود میان کشورهای توسعه یافته و کشورهای در حال توسعه و عقب مانده، بسیار مورد توجه محافل گوناگون فکری-سازمانی قرار گرفته است. واقعیت امر این است که کشورهای توسعه یافته با دسترسی به سرمایه کافی، فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی، منابع انسانی غنی و مدیریت پیشرفته و متخصص، سهم قابل توجهی از بازار فناوری‌ها را به خود اختصاص داده‌اند و این در حالی است که کشورهای عقب مانده، همچنان گرفتار بحث‌های اولیه، نگاه غیرسیستماتیک به موضوع و در برخی مواقع فقر مادی هستند. موضوع مقاله حاضر در مورد این مسئله است که با چه برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه آموزش کاربردی فردی-اجتماعی در به کارگیری فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی و گسترش استفاده از این امکان در عرصه‌های مختلف جامعه، به ویژه جوامع محله‌ای می‌توان این شکاف دیجیتالی را کاهش داده و در جهت دستیابی به توسعه همه جانبه، گام‌های اساسی برداشت.

در ابتدا پرداختن به این موضوع ضروری است که فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات تنها شامل اینترنت نیست، بلکه پخش مستقیم برنامه‌های تلویزیونی-ماهواره‌ای و دیگر امکانات دیجیتالی را نیز در بر می‌گیرد. در خصوص توسعه آموزش در جامعه و در دسترس قرار دادن فناوری‌های نوین ارتباطی-اطلاعاتی باید ادعان داشت که این مشکل، تنها مشکل کشور ایران و کلان شهری چون تهران نبوده و حتی در کشورهای بسیار پیشرفته نیز مشهود است. انسان‌ها از یک سنی تمایل چندانی به یادگیری مطالب و عناوین جدید

ندارند. به‌ویژه اگر به آن زمینه خاص، نیاز نداشته و یا حداقل احساس نیاز نکنند. از این‌رو، فاصله و شکافی میان نسل‌ها ایجاد می‌گردد، یعنی نسلی که با کامپیوتر به میزان زیاد فعالیت نموده و نسل دیگری که حتی ممکن است با وجود برخورداری از سواد بالا، به‌طور کامل از این قبیل امکانات دور بوده و به اندازه نسل قبل، توانایی استفاده از این ابزار را ندارد. در حقیقت، این همان بحثی است که تحت عنوان سواد رقومی در دنیا مطرح شده است؛ یعنی اگر در گذشته، درصد بی‌سوادی و تحولاتش را در کشورهای مختلف مورد بررسی قرار می‌دادیم، آن زمان مبحث جدید بی‌سوادی رقومی و معرفی این افراد به عنوان افراد بیگانه با ابزار دیجیتال مطرح نبوده است. در حال حاضر، این موضوع، نه تنها در ایران، بلکه در تمامی نقاط جهان مطرح است.

در حال حاضر، در کشورهایی چون نروژ و ژاپن، دولت‌ها با تخصیص بودجه‌هایی مشخص، برنامه‌ریزی‌هایی در راستای کاهش شکاف سواد رقومی در جامعه آغاز کرده‌اند. به عنوان مثال، در بلژیک، در سان‌دویچ فروشی‌ها، دستگاه‌های اینترنت در اختیار مشتریان قرار می‌گیرد تا از این طریق هنگام صرف غذا بتوانند در آخرین لحظات جعبه پست الکترونیک خود را نیز بازبینی نمایند. طبیعی است در چنین وضعیتی، افراد سالخورده‌ای که در چنین محیطی به صرف غذا مبادرت می‌نمایند، زمانی که می‌بینند مردم از اینترنت استفاده می‌نمایند، احساس می‌کنند که چیزی هست که آنها نمی‌دانند و اگر در چنین جایی نمی‌بودند، شاید چنین احساسی نیز نداشتند؛ چرا که در اصل حرفه اصلی این افراد به این موضوع ارتباطی ندارد.

به‌طور کلی، می‌توان گفت که برای دست یافتن به توسعه، برخورداری صرف از سخت‌افزارهایی نظیر اینترنت کافی نیست. این قبیل ابزارها، زمانی می‌توانند مؤثر باشند که در یک جامعه عقلانیت، توسعه یافته باشد. در حال حاضر، خودباوری یکی از ابزارهای کلیدی توسعه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه محسوب می‌گردد. به عبارت دیگر، هر جامعه‌ای که عزت نفس خود را از دست دهد، اگر از تمامی امکانات اقتصادی نیز برخوردار باشد، به توسعه دست نمی‌یابد، در مقابل، هر گاه بتوان این امکانات را در راستای خودباوری، عقلانیت و تبدیل خلاقیت و نوآوری به ارزش به کار گرفت، این اتفاق می‌افتد. از این‌رو، در کشورهای اسلامی، از جمله کشور ایران، مساجد می‌توانند در ساعت غیر عبادی و پرداختن به فریضه نماز به‌طور عملی برای به‌کارگیری چنین امکاناتی قابل استفاده باشند؛ چرا که علاوه بر حضور و مشارکت مردم در سطح محله‌ای، توسعه‌ای نیز در زمینه اطلاع‌رسانی و ارتباطات به وقوع می‌پیوندد. در چنین حالتی به واسطه مرجعیت داشتن مساجد برای اقشار مختلف جامعه اعم از باسواد، کم‌سواد، بی‌سواد و پیر و جوان، کلیه اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه در سطح محله‌ای به استفاده از فناوری‌های نوین اطلاعاتی-ارتباطی گرایش

می‌بایند که این خود به افزایش اندوخته‌های دینی و علمی افراد و در نتیجه، بر توسعه محله‌ای در راستای نیل به توسعه پایدار منتهی می‌گردد. از جمله اقداماتی که در راستای گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی-ارتباطی در سطح محله‌ای در کلان شهری چون تهران قابل انجام است، می‌توان موارد زیر را نام برد.

۱. راه‌اندازی ایستگاه مطبوعات در مساجد؛

۲. با راه‌اندازی چنین ایستگاه‌هایی در مساجد محله‌های شهری، می‌توان شاهد روی آوردن اقشار مختلف جامعه برای کسب اطلاعات و اخبار در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، خانوادگی، بهداشتی، ورزشی، مذهبی، هنری و... به مساجد و افزایش سطح آگاهی و در نتیجه دستیابی به توسعه محله‌ای خواهیم بود.

۳. آموزش و خدمات رایانه‌ای در مساجد؛

۴. با وجود معرفی رایانه به عنوان ابزار برای اطلاع‌رسانی سریع و آموزشی علوم و یافته‌های جدید و انتقال اطلاعات از یک سو و عدم برخورداری افراد و گروه‌های مختلف از توان خرید یا استفاده از این پدیده نوین از سوی دیگر، سبب می‌گردد تا مساجد با به خدمت گرفتن رایانه‌ها، خدمات فرهنگی، آموزشی، مذهبی، هنری و اجتماعی و... را در اختیار مردم قرار دهند.

۵. نمایش فیلم‌های آموزشی در مساجد؛

۶. استفاده از برنامه‌های مثبت ماهواره‌ای در مساجد؛

۷. راه‌اندازی حداقل یک خط اینترنت در هر مسجد محله.

از جمله مهم‌ترین مزایای استفاده از ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات در مساجد محله می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. جذب اقشار مختلف جامعه، به‌ویژه قشر تحصیل کرده و قرار گرفتن آنان در کنار کودکان، نوجوانان، جوانان و افراد بزرگسال و تحت آموزش قرار گرفتن این افراد توسط افراد تحصیل کرده که در نهایت، به ایجاد پل ارتباطی میان اجتماع و مساجد منتهی می‌گردد.

۲. غنی‌سازی اوقات فراغت اقشار مختلف جامعه در چارچوب ارزش‌های دینی و در راستای افزایش آگاهی از اطلاعات در زمینه‌های مختلف؛

۳. افزایش انگیزه‌های حضور مردم در مساجد و علاقه بیشتر اقشار جامعه در راستای برطرف نمودن مسائل و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی، مذهبی، اخلاقی و... موجود در محلات شهری؛

۴. برقراری امکان حضور فرهیختگان، اساتید، محققان و دانشجویان در مساجد محلی در راستای ارتقای

سطح فرهنگ دینی و توسعه محله؛

۵. آشنایی با کارکردهای مساجد کشورهای اسلامی در راستای اداره هر چه بیشتر و بهتر امور محله و نیل به توسعه محله‌ای؛

۶. ایجاد فرهنگ گفتمان و تبادل اطلاعات فرهنگی، مذهبی، علمی و... در مساجد محلی که خود موجب تقویت کلان فرهنگ و مشارکت و تعامل‌نگری فرهنگ دینی و در نهایت، توسعه محله‌ای خواهد گردید.

مساجد، محوریت ایجاد و توسعه شهری و محله‌ای

با افزایش جمعیت و توسعه شهرهای بزرگ و در نتیجه، پدید آمدن شهرهای تازه تأسیس با محلات جدید به دور از مسجد جامع موجب شد تا اهالی محلات مختلف جهت انجام فرایض خود به بنای مسجد جدیدی در محل خود مبادرت نمایند؛ زیرا همان‌گونه که از قبل نیز به آن اشاره گردید، محوریت ایجاد و توسعه شهری را همواره مساجد رقم می‌زدند. افزایش تعداد مساجد در محلات مختلف شهرهای گوناگون، در وهله اول به توسعه محله‌ای و وهله دوم، به توسعه شهری و ازدیاد جمعیت منجر گردید. از مهم‌ترین فاکتورهایی که سبب افزایش تعداد مساجد در محلات شدند، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. فضیلت وقف و باقیات الصالحات در فرهنگ اسلامی

فضیلت ارزشمند وقف، یعنی به جای گذاشتن باقیات الصالحات از خود، علاوه بر تأثیرگذاری بر رفتار فردی، باعث تأثیرگذاری رفتار جمعی و عملکردهای مثبت در جامعه می‌شود. به طور کلی، پرونده اعمال هر انسانی با مرگ او بسته می‌شود و ثبت و ضبط اعمال خاتمه می‌یابد، مگر اعمالی که دارای آثار عامه مستمر باشند که جزء باقیات الصالحات خواهند بود.

در روایتی از پیامبر اسلام ﷺ نقل شده که فرمودند: «إِنَّ مِمَّا يَلْحَقُ الْمُؤْمِنَ مِنْ عَمَلِهِ وَحَسَنَاتِهِ بَعْدَ مَوْتِهِ، عِلْمًا عَلَّمَهُ وَنَشْرَهُ وَوَلَدًا صَالِحًا تَرَكَهُ وَمُصْحَفًا وَرَّثَهُ أَوْ مَسْجِدًا بَنَاهُ أَوْ يَبْنِيًّا لِابْنِ السَّبِيلِ بَنَاهُ أَوْ نَهْرًا أَجْرَاهُ أَوْ صَدَقَةً أَخْرَجَهَا مِنْ مَالِهِ فِي صِحَّتِهِ وَحَيَاتِهِ يَلْحَقُهُ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهِ؛ چند چیز است که بعد از مرگ مؤمن پاداش آنها به او می‌رسد؛ علمی که او یادگار گذاشته باشد، فرزند صالحی که جانشین خوبی برای او باشد، قرآنی که به ارث گذاشته باشد، مسجدی که ساخته باشد، منزلی که برای مسافران در راه مانده بنا کرده، نهی که آن را جاری ساخته است و صدقه‌ای که در حال حیات و زندگی خود انجام داده باشد»^۱.

در برداشت عمومی، باقیات الصالحات به آن دسته از اعمال نیکویی اطلاق می‌گردد که دارای اثر فیزیکی و اجتماعی طولانی مدت بوده و مردم در زندگی خود به نوعی از آن منتفع می‌گردند. بر اساس

چنین تلقی است که باقیات الصالحات، بیشتر در امور عمرانی و فرهنگی، به ویژه در احداث مساجد تجلی یافته و دولت مردان و افراد متمکن را بدان ترغیب نموده است. در نهایت، این نگرش معنوی، سبقت در امر مسجدسازی، افزایش تعداد مساجد و توسعه محله‌ای و شهری را به همراه داشته است.

۲. عدم پیش بینی فضای توسعه در بنای مسجد

گاهی کمبود امکانات مادی و محدودیت مکانی و گاهی عدم آینده‌نگری، سبب می‌شد که مساجد در مساحت‌های کوچک تری احداث گردند. بعدها که در اثر افزایش جمعیت، نیاز به مساجد بزرگ‌تر احساس گردید و به علت عدم امکان توسعه آن، ناگزیر از زمین بزرگ تری برای احداث مسجد دیگری استفاده می‌کردند. بنابراین، مساجد کوچک در ظاهر کاربری خود را از دست می‌دادند؛ اما بنا به وظیفه شرعی، همچنان نگهداری شده و برای اجتماعات کوچک‌تر مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفتند.

۳. روحیه راحت طلبی

خصیصه راحت طلبی انسان، همواره وی را به عبادت در نزدیک‌ترین معابد و مساجد ترغیب نموده و در صورت احساس بُعد مسافت، برای رسیدن به فیض نماز جماعت و حضور پنج‌گانه در مساجد، ایجاد مسجد در نزدیک‌ترین محل سکونت را در رأس برنامه‌های اجتماعی خود قرار داده است. از این طریق با احداث مساجد متعدد در محلات مختلف، توسعه محله‌ای و شهری به وقوع می‌پیوست.

۴. اختلافات قومی و منطقه‌ای

زندگی اقوام مختلف در شهرها، که اغلب در انجام اعمال عبادی دارای روش‌های مختلفی نیز بودند، موجب احداث مسجدی جداگانه برای آنها می‌شد تا بر حسب اعتقادات و سنن خود، مراسم عبادی را بهتر برگزار نمایند. گاهی در سکونت‌گاه‌های شهری برخلاف هم‌کیش بودن جمعیتی، افتراق سلاطین، رقابت‌های محلی، اختلافات قومی و قبیله‌ای، پیدایش مساجد جدید و سپس توسعه محله‌ای و شهری را به دنبال داشته است.

آسیب شناسی عدم توزیع مناسب مساجد در شهرها و محلات

عدم رعایت اصول مسلم شهرسازی در گذشته، به ویژه در بنای مساجد، آثار منفی فرهنگی-اجتماعی خود را امروز به روشنی آشکار می‌سازد؛ به گونه‌ای که، اغلب در محلی از محلات شهری با تورم مساجد و در

محلّه‌ای دیگر با نبود یا کمبود آن مواجه هستیم. شهر بزرگ تهران، خود نمونه بارز چنین وضعیّت اسفباری است. تعداد زیاد مساجد در محلات قدیمی و جنوب شهر و نبود یا کمبود مساجد در محلات جدید و شمال شهر، به طور کامل مشهود است؛ البته، چه بسا که عدم انتخاب محلّ مرغوب و حواشی خیابان برای احداث مساجد، چنین نمودی را به وجود آورده است. اگر فرد غریبه‌ای از داخل و یا خارج از کشور در طی مسیر خود از ابتدا تا انتهای خیابان ولی عصر که از خیابان‌های اصلی و محوری شهر تهران است، به اطراف دقت نماید، چه تصویری از امّ‌القرای جهان اسلام، به لوح تفکرش نقش می‌بندد. اگر همان فرد، برای ادای فریضه نماز اراده نماید و به طور احتمالی در اثر حواس پرتی متوجه مهدیه تهران نشود، بدون پرس و جو به کجا می‌تواند مراجعه کند؟

پیامد چنین وضعیّتی، آثار آشکاری است که در بررسی محلات گوناگون شهر تهران، اعمّ از محلات قدیمی و نوساز به دست آمد و آن این که هر چه به سمت محلات قدیمی تر پیش می‌رویم، محلات از غنای فرهنگی، اجتماعی و اسلامی بیشتری برخوردار است و مساجد، به خوبی به ایفای نقش در شناساندن جایگاه محلّه در ساختار بافت کلان شهر تهران پرداخته‌اند؛ در مقابل، هر چه از محلات جدید گذر می‌کنیم با فقر فرهنگی، اجتماعی و قرابت با فرهنگ بیگانه و توسعه مفاهیم غیراقتصادی آن مواجه می‌شویم.

علّت عمده توسعه نیافتگی، به‌ویژه در سطح محلّه‌ای را باید در انتخاب الگوی توسعه جستجو نمود. در گذشته، الگوی توسعه درون‌زا بود و این در حالی است که در دوران اخیر، الگوی توسعه برون‌زا مورد توجه قرار گرفته است.

در الگوی برون‌زا، کلیه ویژگی‌های ملی و محلی به عنوان مانع تلقی می‌شود و باید از سر راه برداشته شوند تا بستر برای استقرار الگوی برون‌زا آماده گردد. بنابراین، عمده سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌شود. به دلیل اینکه فرهنگ، پدیده‌ای پویا بوده، هر از چند گاهی ترمیم خود را آغاز نموده و آن چه مصنوع و پیوندی است را به هم می‌ریزد؛ همانند نهنگی که یک فرد ساکن دریا، به زعم خود آن را جزیره‌ای امن تصوّر نماید و با خیالی آسوده، اجاقش را بر روی آن روشن نماید؛ اما به یک حرکت نهنگ، همه چیز درهم می‌ریزد. از این رو، بیشترین سرمایه‌ها صرف مقابله با مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی کشور می‌گردد؛ در حالی که الگوی توسعه درون‌زا، چنین مزیت‌هایی به عنوان سرمایه‌هایی تلقی می‌گردند که باید در توسعه پایدار، به‌ویژه در سطح محلّه‌ای نقش مثبت خود را ایفا نموده و به عوض آنکه مردم مناطق و محلات، سهم خود را از توسعه مطالبه کنند، نقش خود در توسعه را جستجو می‌کنند. بنابراین، راه حل این است که الگوی توسعه شهری را، به‌ویژه بر مبنای توسعه محلّه‌ای قرار دهیم. در این راستا، باید

در گذشته تاریخی-مذهبی خود پژوهش کرده و با توجه به ویژگی‌های ساختاری هر محله، آنها را بومی کرد تا بتوان توسعه‌ای مبتنی بر مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی برنامه‌ریزی نمود.

نتیجه‌گیری

انسان‌های روی کره خاکی، برای رفع نیازهای اولیه و مشترک زیستی خود در مناطق جغرافیایی و اقلیمی متفاوت، دست به اقدامات گوناگونی زده‌اند که باعث ایجاد نیازهای ثانویه متنوعی گردیده است. این نیازهای ثانویه، در برخی مواقع، اهمیتی فراتر از نیازهای اولیه به خود گرفته است. تلاش‌های متنوع و ابداعی بشر برای تأمین نیازهای اولیه و مشترک در سرزمین‌های مختلف سرمنشأ ایجاد تنوع فرهنگی گردیده است. بنابراین، شناخت تنوع فرهنگی در حقیقت شناخت ابداع و ابتکارات بشر در طول تاریخ و ظرفیت‌های متفاوت مناطق است که ما از آن به عنوان مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی یاد می‌کنیم و از سرمایه‌های جاودانه بشر محسوب می‌گردند. چنانچه این مزیت‌ها، به خوبی شناخته و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه بشری را به همراه خواهند آورد. متأسفانه در طول یک‌ونیم قرن گذشته، از این موضوع غفلت شده است و به لحاظ تقلید از فرهنگ مدرن، مردم در جوامع مختلف، به‌ویژه جوامع محله‌ای، سرمایه‌های اصلی خود را به فراموشی سپرده‌اند؛ در صورتی که در نهضت بازگشت به خویشتن، چنانچه مردم هر شهر، منطقه و محله‌ای از زاویه مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود بتوانند وارد میدان توسعه شوند، سرمایه‌های مهمی را برای عرضه خواهند داشت. در حال حاضر، چون مردم نسبت به مزیت‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود دچار فراموشی شده‌اند، برای مشارکت در توسعه دست خود را تهی می‌بینند و سهمی از توسعه را مطالبه می‌کنند؛ در صورتی که اگر آنها به ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه و متنوع تاریخی، فرهنگی و مذهبی خود پی ببرند و بدانند که برای تسریع جریان توسعه، به‌ویژه در سطح توسعه محله‌ای، سرمایه‌های مهمی برای عرضه دارند، خواهان ایفای نقش مثبت در توسعه خواهند شد. در شهرها و محلات اسلامی مساجد، اصلی‌ترین منبع چنین سرمایه‌هایی به‌شمار می‌آیند.

نکته آخر اینکه، بر اساس نتایج حاصله از این پژوهش، می‌توان ادعان داشت که در حقیقت، چنانچه تنوع فرهنگی که ما از آن به عنوان مزیت‌های فرهنگی، مذهبی، عقیدتی و تاریخی یاد می‌کنیم و از سرمایه‌های جاودانه بشری است، به خوبی شناسایی و به کار گرفته شوند، رشد و توسعه جوامع، از جوامع محله‌ای تا جوامع شهری را در پی خواهد داشت.

منابع و مأخذ

۱. متقی الہندی، کنز العمال، تحقیق الشیخ بکری حیاتی، الشیخ صفوة الصفا، بیروت، مؤسسه الرساله، بی تا.
۲. نوری، حاج میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، آل البيت (ع)، ۱۴۰۴ ق.
۳. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ.ق.
۴. طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ ق.
۵. —، تهذیب الأحکام، بیروت، دارالاضواء، چاپ سوم، ۱۴۰۶ هـ.ق.
۶. علامه مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، قم، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۸. شیخ صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه بیروت، دارالاضواء، چاپ ششم، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۹. —، ثواب الاعمال و عقاب الاعمال، قم، انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۱۰. نهج الفصاحه، مجموعه کلمات قصار حضرت رسول اکرم (ص)، با ترجمه فارسی، تهران، انتشارات جاویدان، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۱۱. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار احیاء التراث، ۱۳۹۵ هـ.ق.
۱۲. الترمذی السلمی، ابو عیسی محمد بن عیسی (متوفای ۲۷۹ هـ)، سنن الترمذی، تحقیق: أحمد محمد شاکر، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۱۳. نقش مسجد در توسعه، چهارم شهریور ۱۳۸۳، سال ۶۲، شماره ۱۸۰۲۹.
۱۴. لادن، اعتضادی، توسعه در پرتو توحید.
۱۵. میرخانی، عباس، مساجد و توسعه اجتماعی در ایران.
۱۶. آریان منش، جواد، نقش مساجد در توسعه شئون اجتماعی.
۱۷. مینایی، علی اکبر، منبر و خطابه در صدر اسلام، ماهنامه مسجد، ش ۶.

نقش حیاتی و حمایتی مسجد در مسئله قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه

حسین اسلام‌پور

چکیده

مسئله قانون و اهمیّت قانون‌گرایی، به اندازه سنّ تاریخ بشر قدمت دارد. انسان‌های اولیه، پس از تشکیل اجتماعات کوچک و پایه‌ریزی اجتماعات بزرگ، متوجه این امر مهم شدند که افراد یک اجتماع باید از برخی محدودیّت‌ها و مقرّرات وضعی، پیروی کنند تا آزادی برای همه به یک اندازه به دست آید. این نوشتار، اهمیّت و نقش مسجد و تربیت مسجدی را در قانون‌گرایی آحاد جامعه بررسی می‌کند. بدین منظور، نگارنده ابتدا برخی از مفاهیم نظری و بنیادین بحث، مانند تعریف قانون، تاریخچه قانون‌شکنی و اهمیّت آن، ویژگی حقوقی و قانونی مسجد طراز اسلامی و سایر مفاهیم جانبی را بیان می‌کند. سپس، برای تبیین بحث، به اثرگذاری اعمال عبادی و مناسک اعتقادی مسجد بر کنترل درونی انسان و نفس لوامه اشاره کرده است. در نهایت نگارنده، برخی از آموزه‌های پُرارزش مسجدی، مانند اعتکاف، اعتراف به گناه، استغفار و توبه را در قالب عواملی برای افزایش سطح قانون‌گرایی و قانون‌پذیری فردی تشریح نموده است. نتایج این تحقیق بیانگر آن است که با عنایت بیشتر به آموزه‌های مسجدی، به دلیل مقبولیّت رفتارهای مسجدی از نظر اعتقادی و اجتماعی، افراد از قانون‌گریزی و تهاجم فرهنگی در امان خواهند بود. بنابراین، مسجد با بهبود سطح تقیّد افراد به موازین شرعی، باعث امنیت فردی و اجتماعی می‌شود که نتیجه آن، قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه است.

واژگان کلیدی:

قانون، قانون‌گرایی، قانون‌پذیری، مسجد طراز اسلامی.

سؤال‌های تحقیق

۱. آیا مسجد و آموزه‌هایی که در مسجد مفهوم پیدا می‌کند، بر قانون‌پذیری افراد تأثیر می‌گذارد؟
۲. نقش مسجد در افزایش کنترل درونی افراد برای دوری از خطا و جرم و قانون‌گرایی آنها چیست؟
۳. مسجد، در کاهش جرایم و بزهکاری و هرگونه خطاکاری یا ارتکاب گناه، چه نقشی دارد؟

فرضیه‌های تحقیق

- فعالیت‌های مسجدی و آموزه‌های اسلامی قابل انجام در مسجد، به دلیل مقبولیت جامع از جمله، وجهه شرعی و جمعی، نوعی تمرین رفتارها قانون‌گرایانه و هنجارپذیری است و باعث قانون‌گرایی بیشتر در افراد جامعه می‌شود.
- مسجد، با آموزه‌هایی که ارائه می‌کند، باعث تحریک و ترغیب نفس سرزنش‌گر انسان شده، وی را از قانون‌گریزی منع می‌کند.
- با توجه به فعالیت‌های فرهنگی مسجدی، بسیاری از جرایم اخلاقی و گناهان مربوط به تهاجم فرهنگی مورد نظر دشمنان اسلام، کاهش یافته، امنیت اجتماعی و قانون‌گرایی احاد جامعه بیشتر می‌شود.

مقدمه

قانون و تمکین به آن، یکی از موضوعات مهم جامعه‌شناسی است. باید باور کنیم که قانون یک برکت است. حتی وضع‌کنندگان قانون، خودشان هم به پیروی از قانون مکلف هستند. جوامع اسلامی باید بیشتر از سایر جوامع قانون‌گرا و قانون‌پذیر باشند. در واقع، انسان‌ها برای زندگی فردی و اجتماعی، به قانون نیاز دارند. دین کامل اسلام هم با تأکید بر این نیاز اجتماعی، تمهیدات تعالی این جنبه از زندگی فردی و اجتماعی را فراهم نموده است. مسجد، به عنوان مظهر و نماد دین اسلام و به منزله یک نهاد مدنی، اعتقادی و مذهبی در قانون‌گرایی و قانون‌پذیری اثرگذار است. این نوشتار در پی آن است تا پس از تعریف قانون و مفاهیم مرتبط، نقش مسجد را در قانون‌گرایی و قانون‌پذیری افراد بیان نماید. به همین منظور، نگارنده با رویکردی توصیفی و با بهره‌گیری از آیات و روایات، به تبیین تأثیر مسجد و تربیت مسجدی در کاهش مصادیق قانون‌گریزی مانند: خطا، گناه، بزه و... پرداخته است. نگارنده بر این عقیده است که اگر آموزه‌هایی مانند توبه و استغفار و اعتکاف و اعتراف به گناه در فضای سرشار از معنویت مسجد، نمود پیدا می‌کند، به این دلیل

است که مسجد نقش حمایتی در افزایش قانون‌گرایی افراد دارد. وقتی افراد مسجدی با انجام مناسک دینی در قالب نماز جماعت، دعا خواندن، گوش فرا دادن به منابر و عظ و... (به خصوص به صورت دسته جمعی)، به درجات معنوی تربیت دینی- مسجدی نایل می‌شوند، دیگر وجود شریف خود را با قانون‌گریزی به گناه و جرائم آلوده نمی‌کنند. آنان خود را همانند همان لحظاتی که در مسجد هستند، در پیشگاه خدا و در خانه خدا حاضر می‌بینند و بسیار قانون‌مدار و قانون‌پذیر خواهند بود. برای ورود به بحث، ابتدا به بررسی واژه قانون پرداخته می‌شود.

بحث واژگانی و اصطلاحی قانون

«قانون» واژه‌ای عربی و به معنای «اصل» است. برخی می‌گویند: «قانون» معرب کانون^۱ یونانی است و عربی نیست؛ اما در عربی به کار رفته است. قانون، امری کلی است که بر همه جزئیات منطبق می‌گردد و احکام جزئیات، از آن شناخته می‌شوند. این واژه به معنای قاعده، رسم و دستور نیز آمده است. ^۲ قانون، مسیری است که توسط حکومت یا جامعه برای رشد انسان و جامعه تعیین می‌شود. قانون، در زبان فرانسه به «loi» و در زبان انگلیسی به «law» ترجمه می‌شود. ^۳ قانون هر چیزی، راه و طریق سنجش آن است...^۴

قانون‌پذیری و قانون‌گرایی

«قانون‌گرایی»^۵ به گرایش فرد یا جامعه به قانون اشاره دارد. اصل قانون‌گرایی، پدیده‌ای است که ادیان الهی و رهبران دینی، پیام‌آور اصلی آن هست. یکی از اهداف همه انبیاء بر قراری قسط و عدالت بیان شده است. ^۶ قانون‌گرایی، یعنی حفظ و اجرای قوانین به‌طور عادلانه و رعایت حقوق همه افراد. بنابراین، جامعه‌ای قانون‌گرا خواهد بود که در آن، قوانین رعایت شود و همه مردم در برابر اجرای قوانین مساوی و رهبران آن قانون‌پذیرترین انسان‌ها باشند.^۷

«قانون‌پذیری»، به میزان حاکمیت قانون بر رفتار فرد یا اجتماع تأکید دارد. حاکمیت قانون، یعنی وجود

۱-Canon.

۲. دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۳۸، ذیل واژه «قانون».

۳. دانشنامه ویکی‌پدیا، به آدرس: www.wikipedia.org

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۳۲۸.

۵. legalpositivism.

۶. ر. ک به: حدید، آیه ۲۴.

۷. ر. ک به: انصاری، علیرضا، قانون‌گرایی در سیره معصومان (علیه السلام) فرهنگ کوثر، ش ۲۵، ص ۲۸-۳۵.

زمینه‌های ذهنی و عینی برای تطبیق قانون و برتری قانون نسبت به تمام مراجع دیگر در جامعه.^۱ قانون‌پذیری به معنای پذیرش آگاهانه، داوطلبانه و ارادی اغلب قریب به اتفاق مردم از قوانین و مقررات موجود جامعه و عمل به آنهاست. اگر توده مردم با بینش و آگاهی خود، به این نتیجه رسیده باشند که رعایت قوانین و مقررات هم به نفع خود آنها و هم به نفع جامعه است، می‌توان گفت که قانون‌پذیری در جامعه فراگیر شده است.

اولین قانون و اولین قانون شکن

اولین قانون، از همان زمان خلقت، قانونی بود که از طرف خداوند وضع شد. این قانون، مربوط به ماجرای میوه ممنوعه یا همان گندمی است که خداوند حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام را از خوردن آن منع کرد. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و گفتیم: ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت بگیر [ید]؛ و از هر کجای آن بخورید فراوان بخورید؛ و [لی] به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود».^۲ این دستور الهی، یک قانون بود که باید از سوی حضرت آدم و حوا علیهم‌السلام رعایت می‌شد و رعایت نشدن آن، تاوانی داشت و آن تاوان، این بود که از بهشت رانده شد. البته خداوند نصیحت‌های مهمی برای آدم و همسرش علیهم‌السلام مطرح کرد که برخی از آنها به شرح زیر است:

اولین نصیحت آن است که می‌فرماید: «فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى * إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَى * وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَى؛ پس گفتیم: ای آدم! در حقیقت، این [ابلیس] دشمن تو و همسر توست؛ مبادا شما را از بهشت بیرون کند که به رنج و زحمت خواهید افتاد؛ زیرا تو در بهشت (در آسایشی و) گرسنه و برهنه نخواهی شد و در آنجا تشنه نمی‌شوی و آفتاب آزارت نمی‌دهد».^۳ نصیحت دوم این بود که خداوند فرمود: «وَقُلْنَا يَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ؛ و گفتیم ای آدم! تو با همسرت در بهشت سکونت کن و از نعمت‌های آن، از هر جا می‌خواهید در کمال فراوانی بخورید؛ (ولی) به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید شد».^۴

۱. جعفری لنگرودی محمد، ترمینولوژی حقوق، ص ۵۱۷.

۲. بقره، آیه ۳۵.

۳. طه، آیات ۱۱۷-۱۱۹.

۴. بقره، آیه ۳۵.

برخلاف این نصیحت‌ها و تأکید خداوند بر رعایت این قانون، سرانجام در اثر وسوسه‌های شیطانی، آدم و حوّا فریب خوردند و از فرمان پروردگارشان نافرمانی کردند و گرفتار شدند.^۱ بر اساس آیات مطرح شده، اولین قانون و اولین قانون‌شکنی، در بدو خلقت شکل گرفت. به عبارت دیگر، قانون و قانون‌شکنان، همزاد بوده‌اند.^۲

اهمیت قانون‌مداری در اسلام و سیره نبوی ﷺ

بی‌تردید، یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت پیامبر اکرم ﷺ در گسترش فرهنگ و تمدن اسلامی، قانون‌پذیری ایشان بود. همچنین، محوری‌ترین اصول در سیره آن حضرت نیز تعبد به قوانین الهی بود. پاسداری از حریم قانون و مجازات متجاوزان حریم قانون، با رعایت عدل و انصاف و حق محوری، جایگاه مهمی در دین اسلام دارد. رسول گرامی ﷺ نیز توجه خاصی نسبت به این امر داشتند. قانون، جایگاه بسیار بالایی در سیره آن حضرت داشت؛ به گونه‌ای که در برابر هر نوع بدرفتاری که به شخص ایشان می‌شد، نهایت گذشت و اغماض را به خرج می‌دادند، اما در مورد کسانی که به حریم قانون تجاوز می‌کردند، به هیچ‌وجه گذشت و اغماض نمی‌کردند و نسبت به مجازات قانون‌شکنان و اجرای قانون در مورد آنان، لحظه‌ای درنگ نمی‌کردند. رسول اکرم ﷺ بدون مسامحه، اما با رعایت عدل و انصاف، قانون الهی را اجرا می‌کردند؛ چرا که قانون حافظ امنیت و کبان جامعه است و نمی‌توان آن را بازبچه قرار داد و جامعه را فدای فرد نمود.^۳

کارکرد حقوقی و نقش قانون‌گرایی مسجد طراز اسلامی

یکی مهم‌ترین مفاهیم مرتبط با قانون و قانون‌پذیری، قضاوت و دادرسی است. در صدر اسلام، مسجد به عنوان دادگاه قضاوت مطرح بود و از ابتدا، در جامعه مسلمانان، صدور رأی به طریق حکمیت از وظایف حاکم به شمار می‌آمد.

حضرت علی (علیه السلام) ایام معینی از هفته را در مسجد جامع می‌نشستند تا بین مردم قضاوت نمایند و در پرتو عدالت اسلامی، به حلّ و فصل اختلافات و منازعات مردم بپردازند.^۴ پیامبر اسلام ﷺ، بیشتر اختلافات را

۱. طه، آیه ۱۲۱.

۲- بابایی، علی، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۴-۶۵.

۳. ر. ک به: نوری، محمّد موسی، قانون‌مداری در سیره نبوی، معرفت، ش ۸۶، ص ۲۳-۳۳.

۴. الولی، محمّد طه، المساجد فی الاسلام، ص ۱۶۲.

در مسجد حلّ و فصل می کردند و مسجد، یک دادگستری به تمام معنا بود و عموم کارهای دادخواهی در آنجا صورت می پذیرفت. حتی پیامبر اسلام ﷺ در مسجد، قوانین حقوقی وضع کردند و برای مسجد و منبر، شأن ویژه حقوقی قائل شدند که از جمله آنها، مراسم سوگند خوردن بود. پیامبر ﷺ، مراسم سوگند خوردن را کنار منبر، معمول ساختند و فرمودند: «هر کس در کنار منبرم دروغ گوید، هر چند برای یک چوبه مسواک باشد، جایگاهش در آتش خواهد بود». بنابراین، انجام این گونه امور، در مسجد، پیش از تشکیل دادگاه‌های معمولی، رایج بود. این موارد همگی به نقش مسجد در ایجاد و حمایت از رویکرد قانون گرایی در مسلمانان دلالت دارد.^۲

نقش مسجد در قضاوت و توسعه قانونمندی

بر طبق آیاتی از قرآن کریم، خداوند به پیامبر اسلام ﷺ دستور می دهد تا قضاوت و عدالت را برپا کند؛ زیرا اسلام، دین عدل گستر جهانی است و همواره پیامبران را به این دستور مهم، امر فرموده است. در نتیجه، آنان ناگزیر به داشتن محکمه‌ای برای اجرای امر الهی بودند و «مسجد» نخستین محکمه‌ای بود که پیامبر گرامی ﷺ در آن به قضاوت می نشستند. بدین ترتیب، نخستین قاضی در اسلام، وجود مبارک حضرت محمد ﷺ بودند.

یکی از دلایلی که پیامبر اعظم ﷺ مسجد را جایگاه قضاوت قرار دادند، این بود که همه افراد در همه سطوح، شاهد اقامه عدل و اجرای احکام الهی باشند و به آن روی آورند که این موضوع، تهذیب نفوس را موجب خواهد شد.^۳ از سوی دیگر، چون در سرزمین‌های اسلامی، آیین دادرسی بر مبنای اصول و قواعد اسلامی بود، تشکیلات خاصّ و مکان ممتازی جز مسجد برای قضاوت وجود نداشت. «همچنین، در مسجد کوفه جایی به نام «دکّة القضاء» وجود داشت که حضرت علی (علیه السلام) در آنجا به قضاوت می پرداختند». بدین ترتیب، مبانی نظری اجرای قانون و اشاعه قانون گرایی، از صدر اسلام در مسجدها آغاز گردید و سپس نقش حمایتی مسجد از قانون پذیری افراد به همه ابعاد زندگی تسری یافت.

نقش غیر مستقیم اعمال عبادی مسجد در قانون پذیری

مسجد، محلّ عبادت و بندگی در آستان پروردگار جهانیان است. در مسجد، اعمال عبادی متعدّدی شامل

۱. محمد بن سعد، طبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۳۶.

۲. برومند اعلم، عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی (منبع الکترونیکی)، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البيت (علیهم السلام)، ص ۲۵-۲۶.

۳. عبدالوهاب، حموده، ره آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه اسفندیاری مهدی، ص ۱۱۵.

۴. نوری، مهدی، تحلیل جامعه‌شناختی مسجد، ص ۴۵۸.

ذکر، تسبیح، دعا، نماز و... انجام می‌گیرد که به نوبه خود در قانون گرا شدن افراد مؤثر هستند. از مهم‌ترین اعمال عبادی مسجد، اقامه نماز به صورت فردی یا جماعت است که بیشتر از سایر فعالیت‌های عبادی در مساجد انجام می‌گیرد. نماز، بالاترین فریادها و کارخانه انسان‌سازی است.^۱ نکته بسیار مهم این است که عبادت فقط نماز نیست؛ بلکه هر فعالیتی که در مسیر خالق یکتا باشد، عبادت محسوب می‌شود. مسجد، محلّ عبادت است و عبادت، مفهومی اعمّ از نماز دارد. بنابراین، مسجد، محلّی فراتر از این است که فقط محلّ انجام مناسک و افعال خاصّ مذهبی باشد. در روایات، از جهاد و تعلّم، به عبادت تعبیر شده است. پس، معلوم می‌شود که هرگونه فعالیت دینی و اجتماعی که با صبغه الهی در مسیر تعالی نام خدا قرار گیرد، عبادت است.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ؛ کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و در ویرانی آنها سعی نمود؟! شایسته نیست که آنان جز با ترس و وحشت، وارد این (کانون‌های عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!»^۲

با توجّه به مضمون با ارزش این آیه می‌توان گفت که اگر مساجد، «یذکر فیہ اسم الله»^۳ هستند، بی شک، گسترش نام خدا از این محلّ، تنها با برگزاری مناسک دینی، محقق نخواهد شد. از این رو، باور داشتن به این آیه شریف و انحصار قائل شدن مسجد برای انجام عبادات، چیزی جز یک تناقض نیست.

با این وجود، در مورد نماز می‌توان گفت که تعالیم و مفاهیم زیادی در آن نهفته است که همانند دیگر اعمال عبادی در قانونمند شدن افراد و جلوگیری از فحشا و منکر در هر درجه و سطح مؤثر است.^۴ رعایت قانونمندی و عدالت در انتخاب امام جماعت، مراعات حقوق دیگران و توجّه به غصبی نبودن مکان و لباس نمازگزار، همراه بودن نماز با ولایت معصوم و توجّه به معاد و حساب و کتاب و عقاب اعمال و...^۵ که در اذکار نماز به آن اشاره می‌شوند، آموزه‌هایی هستند که به قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه تأکید و اشاره دارند.

۱. الموسوی الخمینی، روح الله، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۹۲-۳۹۳.

۲. بقره، آیه ۱۱۴.

۳. همان، آیه ۱۱.

۴. عنکبوت، آیه ۴۵.

۵. بابائیان، عباس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، ص ۱۳۹-۱۴۰.

پای‌بندی عملی به فریضه با ارزش نماز جماعت و پیروی همه مأموم‌ها از امام جماعت مسجد در هنگام نماز جماعت، قانون‌گرایی و قانونمند بودن را به صورت غیرمستقیم به افراد آموزش می‌دهد. کم‌یا زیاد کردن یک رُکن در نماز، باعث باطل شدن آن می‌شود. در هنگام اقامه نماز جماعت، تبعیت از امام جماعت مسجد، چنان مهم است که زیاد کردن عمدی یک رُکن (مانند سجده یا رکوع) نماز مأموم را باطل نمی‌کند؛ به عنوان مثال، اگر کسی به گمان اینکه امام جماعت سر از رکوع برداشته، از حالت رکوع خارج شود و متوجه شود که امام جماعت هنوز در حال رکوع باقی مانده است، باید دوباره به رکوع بازگردد.^۱ این نکته بیانگر آن است که متابعت از امام جماعت بر همه چیز اولویت دارد. چنین فردی به صورت عملی می‌آموزد که قوانین جمعی بر قوانین فردی ارجح است و باید در جامعه به قوانین مختلف پای‌بند باشد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که همه قوانین مشخصی که مورد خود مسجد و طرز ساختن آن و احکام مربوط به استفاده‌کنندگان و گرداندگان امور مساجد و برخی مقوله‌های دیگر، مانند عدم حضور مشرکان در مسجد، احکام اقامه نماز جماعت در مسجد، احکام خاص وقف در مساجد، دستورات پاک نگه‌داشتن مسجد و... که در نصوص قرآنی و روایی و سیره مطرح هستند، همگی به قانون‌گرایی و قانونمندی افراد جامعه و مسئولان امر دلالت و تأکید دارد.^۲

نقش حیاتی مسجد در کنترل درونی و قانون‌پذیری فردی

نقش اخلاق و وجدان در جلوگیری از نابسامانی‌های اجتماعی و فردی و برتری آن بر عوامل بازدارنده بیرونی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. کنترل‌های درونی، جایگاه خاصی در جلوگیری از وقوع جرم دارند. کنترل درونی، شامل کنترلی است که در قالب آن، خود فرد، علاقه دارد با هنجارهای اجتماعی، هم‌نوایی و هماهنگی پیدا کند و اگر کسی او را کنترل نکند، وی خود را با هنجارها هم‌نوا می‌کند. اسلام، تأکید بسیاری بر خویشنداری و کنترل درونی دارد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اعلمُوا أَنَّهُ مَنْ لَمْ يُعِنْ عَلَى نَفْسِهِ حَتَّى يَكُونَ لَهُ مِنْهَا وَعَظٌّ وَ رَاجِرٌ يَكُونُ لَهُ مِنْ غَيْرِهَا لَا رَاجِرٌ وَلَا وَعَظٌّ؛ یعنی، بدانید که هر که از سوی خویشتن یاری نشود، به‌گونه‌ای که از درون، پنددهنده و بازدارنده‌ای برای خود نداشته باشد، از سوی دیگران برای او بازدارنده‌ای نخواهد بود».^۳ مسجد

۱. این درحالی است که در نماز فرادا، کوچک‌ترین تغییر در یکی از ارکان نماز، موجب بطلان آن خواهد شد. رک: مکارم شیرازی ناصر، رساله توضیح المسائل، احکام نماز جماعت، ص ۲۳۹ و ۲۴۰.

۲. مرکز رسیدگی به امور مساجد، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۳، ص ۴۳-۵۱.

۳. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، خ ۹۰، ص ۱۰۸-۱۰۹.

می‌تواند کنترل درونی را به بهترین شیوه در فرد ایجاد و تقویت کند. مساجد، با تقویت روحیه دین‌داری افراد، تأثیری انکارنشدنی بر افراد و به تبع آن، جامعه دارند. کسانی که به مساجد رفت‌وآمد دارند، با احادیثی که بر رعایت حقوق اجتماعی تأکید دارد، بیشتر از دیگر مردم آشنا شده، در نتیجه، در رعایت حق الناس و سایر قوانین اجتماعی بیشتر می‌کوشند.

تشریح حدود الهی در مسجد و تأثیر آن بر قانون‌پذیری

«حدود» جمع «حدّ»، به معنی فاصله بین دو چیز است. در آیات متعددی از قرآن کریم به حدود الهی یا حدود خدا اشاره شده است.^۱ در واقع، منظور از مرزهای خدا، احکام حلال و حرام خدا یا حد بین حق و باطل، معروف و منکر، زیبایی و زشتی، ظلمت و نور یا به طور کلی انسانیت و غیرانسانیت است.^۲ این حدود، در مورد رفتارهای فردی و اجتماعی، مانند روزه و اعتکاف، نکاح و طلاق، جنگ و جهاد، ارث و...، مرزهایی را مطرح نموده است. بر همین اساس، هرگونه اعمال تغییر در این حدود یا عدم رعایت این مرزها، قانون شکنی یا قانون‌گریزی محسوب می‌شود.^۳

انجام اعمال عبادی در مسجد و شرکت در سخنرانی‌ها یا جلسات مذهبی و برنامه‌های فرهنگی مسجد، فرصتی گرانبها برای افراد و گروه‌ها ایجاد می‌کند تا آنها با موازین شرعی یا حدود الهی آشنا شوند. آموزش نکات مهم اعتقادی و تشریح حدّ و مرز الهی، در واقع، تبیین، تشریح، تفسیر و آموزش قوانین اسلامی است. در جامعه اسلامی، این قوانین، خود معیار وضع قوانین وضعی دیگر هستند. با آموزش حدود الهی به نمازگزاران و افراد اهل مسجد و توسعه فرهنگ اسلامی، میزان تمکین به قانون و گرایش به قانون در افراد بیشتر خواهد شد و احاد جامعه با شناخت بیشتر، قانون را می‌پذیرند.

تأثیر مسجد بر نفس لوّامه در راستای قانون‌پذیری فردی

نفس انسان، حالت‌های مختلفی دارد. با شناخت حالات نفس انسان، این موضوع روشن می‌شود که چگونه می‌توان از این حالات در راه تعالی و کمال فردی و اجتماعی بهره جست. مهم‌ترین حالات نفسانی انسان، از منظر آیات قرآن کریم عبارت‌اند از:

حالت ملهمه: در این حالت، نفس، قدرت الهام‌گیری از خداوند متعال را دارد. قرآن در این مورد

۱. رک به: بقره، آیات ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۱۸۷؛ طلاق، آیه ۱؛ توبه، آیه ۹۷.

۲. رک به: ولی‌نژاد، نورالله، حدود الله یا مرزهای الهی در جامعه، سازمان تبلیغات اسلامی، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>

۳. مانده، آیه ۸؛ رک به: جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۵۹.

می فرماید: «وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا* فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا؛ سوگند به روح [نَفْس] آدمی و آن کس که آن را آفرید و موزون ساخت؛ سپس، شرّ و خیرش [پلیدکاری و پرهیزگاری اش] را به او الهام کرد».^۱

حالت مطمئنّه: در این حالت، نفس دارای آرامش و اطمینان است. قرآن در این مورد می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ* ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً* فَادْخُلِي فِي عِبَادِي* وَادْخُلِي جَنَّتِي؛ تو ای نفس مطمئنّه! در حالی که هم تو از او خشنودی و هم او [خدا] از تو خشنود است، به سوی پروردگارت باز گرد و در سلک بندگان (خاصّ) من در آی و در بهشت من داخل شو».^۲

حالت اماره: در این حالت، نفس به بدی امر می کند. قرآن در این مورد می فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي؛ نفس (سرکش) بسیار به بدی ها امر می کند؛ مگر آنچه را پروردگارم رحم کند».^۳

در آیات دیگری از قرآن، به این نوع نفس اشاره شده است؛ در جایی، از لفظ «هوی» برای این حالت نفس استفاده می کند؛ آنجا که می فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ* فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ؛ و آن کس که از مقام پروردگارش ترسان باشد و نفس را از هوا (و تمایلات نفسانی) باز دارد، به طور قطع، بهشت جایگاه اوست».^۴

همچنین، قرآن در جایی دیگر با لفظ «وسواس» به شرارت این نوع نفس اشاره دارد: «مِنَ الشَّرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ* الَّذِي يُوَسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ* مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ؛ [بگو به پروردگار پناه می برم] از شرّ وسوسه گر پنهان کار که در درون سینه انسان وسوسه می کند؛ خواه جن باشد یا از انسان».^۵

حضرت علی (علیه السلام) در مورد نفس اماره می فرماید: «وَإِنَّهَا لَا تَزَالُ تَنْزِعُ إِلَىٰ مَعْصِيَةٍ فِي هَوَىٰ؛ نفس، پیوسته خواهان نافرمانی و معصیت است».^۶

حالت لؤامة: در حالت لؤامة، نفس انسان، وی را نسبت به گناه سرزنش می کند. قرآن در این مورد می فرماید: «وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ؛ و سوگند به نفس ملامت گر (و سرزنش کننده و وجدان بیدار که رستاخیز، حقّ است)».^۷

در مباحث اخلاقی، از این نفس (لؤامة) به وجدان بیدار یا وجدان اخلاقی تعبیر شده است. همچنان که

۱. شمس، آیات ۷ و ۸.

۲. فجر، آیات ۲۷-۳۰.

۳. یوسف، آیه ۵۳.

۴. نازعات، آیات ۴۰ و ۴۱.

۵. ناس، آیات ۴-۶.

۶. دشتی، محمّد، ترجمه نهج البلاغه، خ ۱۷۶، ص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ همچنین رک. به: محمّدی ری شهری محمّد، میزان الحکمه، ج ۹، ص ۶۰.

۷. قیامت، آیه ۲.

در بعضی از آیات نیز این تعبیر استفاده شده است. به طوری که قرآن کریم در داستان حضرت ابراهیم علیه السلام بعد از شکستن بت‌ها می‌فرماید: «فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ؛ آنان به وجدان و فطرتشان بازگشتند و به ضمیرهای خود مراجعه کرده، گفتند حَقّاً که شما ظالم و ستمگر هستید»^۱.

علامه محمدتقی جعفری، کتابی با عنوان «وجدان» نوشته که به نقد و تحلیل مطالب در مورد آن پرداخته است. ایشان در این کتاب، وجدان را چنین تعریف می‌کند: وجدان از نقطه نظرهای روان‌شناسی حالات پسیکولوژیک^۲ و اخلاقی روان است و وجود پدیده‌های روانی خودآگاه را طرح می‌کند. بنابراین، وجدان یکی از عوامل مهم برای تزکیه نفس و اخلاق و توبه انسان از گناهی است که در گذشته انجام داده است. جنبه انفعالی وجدان این است که اگر بر وفق درک و میل آن رفتار کردیم، احساس مسرت و شادی می‌نماید و موجب انبساط و آرامش خاطر می‌گردد. اگر بر خلاف میل و درک آن عمل نمودیم، احساس شرمساری و خجلت کرده، با ضربات جانکاهی که بر روان و اعصاب ما وارد می‌کند، ما را شکنجه می‌دهد؛ مهم‌تر اینکه وجدان اخلاقی در مورد کارهای دیگران نیز دخالت می‌نماید و در مورد افعال دیگران، به خوب بودن یا به بد بودن حکم می‌دهد. حتی فرمان می‌دهد که نسبت به اشخاص با وجدان، احترام و علاقه نشان بدهیم و از افراد بی وجدان، نفرت داشته و از آنها دوری نماییم.^۳

با حضور در مساجد، ضمن تضعیف نفس اماره و تقویت نفس لوامه (که انسان را هنگام سرپیچی از قوانین و مقررات و اسلامی سرزنش می‌کند)، زمینه بهتری برای کنترل اجتماعی و مبارزه با انحرافات اجتماعی فراهم می‌شود. مسجد به عنوان کانونی دینی، با تقویت برتری‌های اخلاقی، حس خداآوری را در افراد اهل مسجد بارور می‌کند و بدین ترتیب، افراد در همه حال، خدا را بر کارها و فعالیت‌های خود، ناظر و شاهد می‌بینند. در آن صورت، بدون اینکه کسی بر رفتار و کردار آنها نظارت کند، وظایف خود را به بهترین شکل انجام می‌دهند.

مسجد، با افزایش شناخت و آگاهی، تبیین، حفظ و گسترش ارزش‌ها و آرمان‌های اسلامی، تربیت عملی دینی و تربیت الگوها، یک نظام تربیتی منسجم و قوام‌یافته‌ای را ایجاد می‌کند که بر شاخصه‌های هویت دینی تأثیر می‌گذارد و آنها را تقویت می‌کند. این امر، کاهش خطاها و لغزش‌های اخلاقی و تقلیل سطح ارتکاب جرایم اجتماعی را به دنبال دارد.^۴

۱. انبیاء، آیه ۶۴.

۲. Psychologic-۲.

۳. جعفری، محمدتقی، وجدان، نشر کرامت، ۱۳۷۶ ه. ش.

۴. حقانی زنجانی حسین، وجدان اخلاقی، ماهنامه مکتب اسلام، ۹، ص ۴۰-۴۷.

۵. ر.ک به: نگارش حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، ص ۲۶-۵۶.

اعتراف به گناه در مسجد و قانونگرایی اخلاقی

«اعتراف»، یعنی خبر دادن به کسی از نام و حال و صفت خود و اقرار کردن به خطا و گناه خود. اعتراف، به معنی بر زبان آوردن اشتباه یا خطای خود و آن را به گردن گرفتن، به سخن یا امری به صورت شفاهی یا کتبی اقرار کردن است.^۲

یکی از اموری که باعث تخفیف عذاب و بخشیدن گناه و افزایش نعمت می شود، اقرار به گناه، در پیشگاه خداوند متعال است که بیانگر خضوع و ناچیز شمردن خود در برابر حق تعالی است و اعتراف به نعمت های او که موجب افزایش آن خواهند شد.

امام محمد باقر (علیه السلام) در مورد اعتراف به گناه فرمودند: «وَاللَّهِ مَا يَنْجُو مِنَ الذَّنْبِ إِلَّا مَنْ أَقْرَبَهُ؛ به خدا سوگند (هیچ کس) از گناه نجات نیابد (و رها نشود)، جز کسی که بدان اعتراف کند».^۳

در آیات متعددی از قرآن کریم به اعتراف (به گناه) اشاره شده است. آنجا که می فرماید: «فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ؛ پس به گناه خود اقرار می کنند و مرگ باد بر اهل جهنم».

در جایی دیگر قرآن می فرماید: «قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا أَلْتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا أَلْتَيْنِ فَأَعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ؛ می گویند: پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راه بیرون شدنی [از آتش] هست؟»^۴

نکته بسیار مهم این است که بین آداب اعتراف به گناه، از منظر دین مبین اسلام و ادیان دیگر مثل مسیحیت بسیار تفاوت وجود دارد. در مسیحیت فرد گنهکار برای اعتراف به خطا باید نزد انسانی مثل خودش برود و با سرافکنندگی پیش همنوع خود و با ذلت، به گناهانش اعتراف کند. این در حالی است که، مسلمان در دین اسلام باید فقط به پیشگاه خداوند خالق هستی و ستار العیوب حاضر شود و به خطاهایش اعتراف نماید. در مطالب قبلی، در بخش اولین قانون و اولین قانون شکنی به داستان حضرت آدم و حوا (علیهم السلام) اشاره شد. این قانون شکنی یا همان ترک اولی، سرانجام با اعتراف حضرت آدم و حوا (علیهم السلام) به خطای خود، از سوی خدا بخشیده شد. این اعتراف، در مکانی گران سنگ به نام خانه کعبه که اولین و ارزشمندترین مسجد یا خانه خداست، انجام شده بود.

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «وقتی حضرت آدم (علیه السلام) بر اثر ترک اولی، از بهشت رانده شد، به سرزمین مکّه

۱. د. هخدا علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۲، ص ۲۹۲۸.

۲. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۴۶۱.

۳. اصول کافی، ج ۴، ص ۱۵۷، روایت ۱، باب اعتراف به گناهان و پشیمانی از آنها.

۴. ملک، آیه ۱۱.

۵. غافر، آیه ۱۱.

آمد و به انجام مراسم حجّ در منی و عرفات و مشعر و مکه پرداخت و پس از طواف کعبه، به ملتزم (مکان مشخصی در پشت کعبه است که گناهکاران، صورت یا سینه خود را به آن می‌چسبانند و ملازم آنجا می‌شوند و دعا می‌کنند) رفت؛ جبرئیل بر او نازل شد و به او گفت: به گناهان خود در این مکان اقرار کن. حضرت آدم (علیه السلام) در آنجا ایستاد و عرض کرد: «پروردگارا! برای هر عمل کننده‌ای پاداشی است. من هم عمل کردم (و توبه نمودم و اطاعت از فرمانت کردم)، پاداشم چیست؟ خداوند به او وحی کرد: ای آدم! هر کس از ذریه و فرزندان تو به این مکان بیایند و به گناه خود اقرار کنند، گناهانشان را می‌آمرزم».^۱

در واقع، اعتراف کردن به گناه، چه اینکه در وجود فرد و در بطن وجدان اخلاقی وی صورت گیرد و چه اینکه به صورت اقرار به گناه باشد، از زمینه‌های رسیدن به توبه نصح است. توبه‌ای که زنگار گناه را از قلب فرد می‌زداید و وی را از تکرار گناه برحذر می‌دارد.

اگر موارد ارتکاب گناه را مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که هر گناه در واقع، سرپیچی از یکی از قوانین الهی یا سنت الهی یا نادیده گرفتن یک قاعده اجتماعی مسلم است. این موارد، همان قانون شکنی و قانون‌گریزی فرد خاطی است. به‌طور قطع، می‌توان گفت که تا یک قانون شکنی از فردی سر نزد، گناه مفهوم پیدا نمی‌کند؛ یعنی هر گناه، یک ظلم صورت گرفته توسط یک فرد است که نسبت به خود یا نسبت به دیگران یا نسبت به خالق خویش انجام شده است.

از طرف دیگر، می‌دانیم که فرد خطاکار که به توفیق اعتراف نایل شده است، هیچ جایی را بهتر از خانه خدا و محلّ عبادت خدا نمی‌داند و نمی‌شناسد تا در آنجا به اقرار گناهان خود بپردازد. گناهکار یا فردی که قانونی را زیر پا گذاشته است، در وهله اول با اقرار به گناه در مسجد، دوباره فاصله خود را نسبت به خالق کمتر کرده، به سرچشمه قدرت و حاکمیت جهان نزدیک می‌شود. نکته مهم این است فردی که با حضور در مسجد و شرکت در محافل معنوی به قانون شکنی‌های خود در پیشگاه الهی اقرار و به گناهانش اعتراف می‌کند، قدرت درونی و معنوی بیشتری برای کنترل خود به دست خواهد آورد. در واقع، اعتراف کردن در هر زمان و مکانی، آثار یکسانی ندارد؛ بلکه آثار تربیتی اعتراف به گناه در مسجد در روح و وجدان فرد، ریشه‌دارتر و پایدارتر خواهد بود.

نقش مسجد در بهبود سطح قانون‌گرایی مجرمان و خطاکاران

همه نقش‌های مسجد در مقوله قانون‌گرایی احاد جامعه، به مبحث پیش‌گیری ختم نمی‌شود؛ بلکه اهمیت و تأثیر گذاری مسجد حتی در مرحله پس از ارتکاب جرایم نیز چنان قابل توجه است که اهمیت قانون

و قانون‌گرایی را در فرد بهبود می‌بخشد تا این فرد بار دیگر به سمت ارتکاب جرم یا بزه قدم برندارد. افراد گناهکاری که پس از ارتکاب انواع خطا، به ندای فطری نفس لوّامه خود یا به کمک قوانین دیگر (که از سوی حکومت وضع شده است) به سمت وجدان بیدار خود حرکت می‌کنند با توفیق انجام آموزه‌های ارزشمندی مانند «استغفار» و «توبه»، مسیر بازگشت خود را به سهولت پیدا می‌کنند. برای روشن شدن بحث، در ادامه به توضیح این دو واژه اشاره می‌شود.

«استغفار»، به معنی «آمزش خواستن»، «غفران طلبیدن»، «توبه کردن»، «مغفرت طلبیدن» است. مغفرت نیز در لغت به مفهوم آمزش، عفو و بخشش گناهان، بخشایش سیئات کسی و آمزش گناهان است. آدر قرآن، سوره توبه، آیه ۱۱۴ به واژه استغفار اشاره شده است.^۳

توبه از «توب» به معنای «بازگشت» و «رجوع» است. توبه، از سوی بنده به مفهوم بازگشت از معصیت و خطا و پشیمانی است.^۴ همچنین، منظور از اصطلاح «توبه شکستن»، برگشت به گناه و مرتکب شدن به هر گناهی (که فرد در گذشته مرتکب نمی‌شد) است و نیز به معنای شکستن عهد و میثاق است. توبه، زمینه‌ساز تبدیل بدی‌ها و گناهان به حسنات است. اهمیت توبه تا به آنجاست که در قرآن سوره‌ای به نام توبه وجود دارد که حاوی مضامین عالی و قهرآمیزی در مورد مشرکان است.

استغفار و توبه از آموزه‌های عبادی خاصّ مسجد است و انسان موّحد، دریافته است که بعد از سرپیچی از دستورات الهی، باید به خانه خداوند یا همان مسجد برگردد و تلاش کند تا به مقام توبه نایل گردد. این دستورات نادیده انگاشته شده، شاید جنبه درونی و فردی داشته باشد یا یک خطای اجتماعی محسوب شود و دارای تبعات گسترده اجتماعی باشد. بر اساس این آموزه‌ها، به دلیل رحمت و حکمت الهی، راه اصلاح و تعالی فردی بر روی کسی بسته نیست و هر کسی در شرایط لازم، مشمول رحمت و محبت الهی خواهد شد. حضرت علی (علیه السلام) در مورد توبه و استغفار می‌فرماید: «...مَنْ أَعْطِيَ التَّوْبَةَ لَمْ يُحْرَمِ الْقَبُولَ، وَمَنْ أَعْطِيَ الْإِسْتِغْفَارَ لَمْ يُحْرَمِ الْمَغْفِرَةَ...؛ کسی را که توفیق توبه دهند، از پذیرفته شدن توبه محروم نماند و کسی را که

۱. دهخدا، علی اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ج ۱، ص ۲۱۶۸.

۲. همان، ج ۱۴، ص (سریالی) ۲۱۲۱۳.

۳. «وَمَا كَانَ لِإِسْتِغْفَارِ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَاهُ إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ؛ و استغفار ابراهیم برای پدرش [سرپرستش که در آن زمان، عمویش آزر بود]، فقط به خاطر وعده‌ای بود که به او داده بود (تا وی را به سوی ایمان جذب کند)؛ اما هنگامی که برای او روشن شد وی دشمن خداست، از او بیزارى جست. به یقین، ابراهیم دلسوز و بزرگو بود؛ توبه، آیه ۱۱۴.

۴. هاشمی رفسنجانی اکبر، فرهنگ قرآن، ج ۹، ص ۷۰.

۵. دهخدا، همان مشخصات، ج ۵، ص ۷۰۷۹.

۶. خداوند در آیاتی از سوره فرقان، پس از نکوهش گناهکاران و اشاره به عذاب نمودن آنها، چنین می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کارشایسته کند. پس خداوند بدی‌هایشان را به نیکی‌ها تبدیل می‌کند و خدا همواره آموزنده مهربان است؛ فرقان، آیه ۷۰.

به او توفیق استغفار دهند، از آمرزش محروم نماند...»^۱.

همچنین، آن حضرت در جایی دیگر می‌فرماید: «... لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِلرَّجُلَيْنِ، رَجُلٍ اذْنَبَ ذُنُوبًا فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَةِ وَرَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ...»؛ در این جهان خیری نیست، مگر برای دو کس کسی که گناهی می‌کند و به توبه جبران می‌نماید و کسی که برای کارهای خیر می‌شتابد»^۲.

در آیات متعددی از قرآن کریم به توبه‌پذیر بودن و مهربان بودن پروردگار اشاره شده است در این خصوص قرآن کریم می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ»^۳. تأکید قرآن در این مورد به حدی است که حتی ترک‌کنندگان توبه را ظالم خطاب نموده و این‌گونه افراد را مستحقّ هلاکت و عذاب دردناک دانسته است.^۴

توجه به توبه و بازگشت مجرمان از دو جنبه قابل بررسی است:

الف) جنبه توجه به اجرای قوانین موضوعه که از طریق مبادی قضایی کشور، در خصوص فرد اعمال می‌شود. البته، روشن است که این قوانین، بر مبنای شارع مقدّس اسلام و قوانین الهی و بر حسب تفقه در منابع اصلی و فرعی فقهی دین استخراج و تشریح شده‌اند.

ب) جنبه دیگر این است که افراد مجرم یا خطاکار، پس بر خورد بیرونی توسط مبادی قانونی و قضایی، در نهایت به وجدان بیدار خود رجوع می‌کنند و پس از حضور در محافل مذهبی و شرکت در خلوتگاه مسجد، انس دوباره خود را با مبدأ هستی برقرار می‌کنند.

توجه به مسجد و به یاد خانه خدا افتادن، پس لغزش و قانون شکنی امری تازه نیست. انسان معتقد به خداوند می‌داند که پس ارتکاب خطا باید به خانه صاحبخانه این جهان هستی برود، راه توبه را جستجو کند. این احساس و ندای فطری در وجود مسلمانان نهادینه شده است. در زمان صدر اسلام، مسلمانانی که دچار لغزش و خطا می‌شدند و خود را نیازمند به لطف و احسان خاصّ خداوند می‌دانستند، به مسجد پناه می‌آوردند؛ زیرا این جایگاه مقدّس را جلوه‌گاه رحمت خاصّ خداوند مهربان می‌دانستند.^۵ ابوسعید اَبی‌الخیر این مطلب را در قالب رباعی چنین سروده است:

باز آی؛ باز آی؛ هر آنچه هستی باز آی

گر کافر و گبر و بت پرستی باز آی

۱. دشتی محمد، ترجمه نهج البلاغه، ح ۱۳۵، ص ۴۶۸ و ۴۶۹.

۲. همان، ح ۹۴، ص ۴۵۸ و ۴۵۹.

۳. شوری، آیه ۲۵.

۴. ر. ک به: بابائیان، عباس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ص ۲۵۱ تا ۲۵۲.

۵. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۳۷.

این درگه ما، درگه نومیدی نیست

صد بار اگر توبه شکستی، باز آی.^۱

رابطه عاطفی که با راز و نیاز بین انسان و خداوند برقرار می‌شود، روح و روان آدمی را تقویت می‌کند و موجب آرامش وی می‌گردد. مسجد خانه خداست و صاحب‌خانه با آمرزش گناهان و خطاهای میهمانش از وی پذیرایی می‌کند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ يَا أَيُّهَا الْمَسَاجِدُ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ وَمَنْ أَتَاهَا مُتَطَهِّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ ذُنُوبِهِ وَكُتِبَ مِنْ زُورِهِ...؛ بر شما باد که به مسجدها بیایید؛ آنها خانه‌های خدا در زمین هستند و هر کس پاکیزه به مسجد بیاید، خداوند گناهانش را پاک می‌گرداند و نام او در زمره زائران خود می‌نویسد».^۲

چه بسیار هستند افرادی که با حضور در مسجد و توبه واقعی، مسیر کلی زندگی خود را تغییر دادند و مسیر هدایت و طریق الهی را یافتند. بنابراین، می‌توان گفت که مسجد، مهم‌ترین محل ندبه و انابه به درگاه الهی محسوب می‌شود در قانون‌گرایی افراد مجرم و خطاکار، پس از اشتباه و جبران آن نقش باهمیتی دارد.

مقبولیت رفتارها در مسجد و اثر آن بر قانون‌گرایی

در باور و فرهنگ مردم مسلمان و حتی همه ادیان، مسجد مکانی مقدس است. علما نیز دارای درجه معنوی هستند. بنابراین، وقتی که سخنان و مواضع آنان، در مسجد شنیده می‌شود، صحیح قلمداد می‌شود. جامعه مدنی ایران، به عنوان یک فضای مستقل از دولت و دستگاه حاکم، چه در دوران سلطنت قاجاریه و چه در رژیم پهلوی، در مساجد، بازار، حسینیه‌ها و... تجلی پیدا کرده است. این گونه مراکز، گوشه‌ای از شبکه وسیع مردمی بودند که رفتارهای مقبول عامه در آنجا انجام می‌شد.

مسجد، به عنوان یک مکان مقدس و عبادی، از دو جلوه رفتاری برخوردار است. یکی تأثیر آن بر رفتار فردی است و دیگری تأثیر بر رفتار جمعی. این دو جنبه از آثار مسجد با هم متفاوت هستند؛ ولی بر هم تأثیر متقابل دارند. وقتی مراسم‌های فراگیری مانند آیین عبادی ماه مبارک رمضان و محرم و صفر و... با سبک‌های تأیید شده، در مساجد و تکایا اجرا می‌شود، جنبه جمعی آن به اوج خود می‌رسد. به عبارت دیگر، دو گونه رفتار می‌تواند در این مکان گرانقدر، از فرد یا جمع شرکت‌کننده متجلی شود. رفتارهای جمعی آن بر جهت‌دهی به رفتارهای فردی بسیار مؤثرتر است.

با توجه به مطالب مطرح شده، می‌توان گفت که مسجد دارای دو بُعد کلی است:

۱. از رباعیات مشهور ابوسعید ابی‌الخیر؛ لازم به یادآوری است که در برخی از چاپ‌ها، حرف «ی» از فعل «بازآی» حذف شده است.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۷۷، ج ۷؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۸۴.

«بُعد ظاهری» مسجد که به رفتارها و اعمال و روابط پسندیده دینی مورد قبول و مناسک مذهبی و مراسمها مربوط می‌شود که همه افراد به صورت جمعی آن را انجام می‌دهند.

«بُعد باطنی» مسجد که به تأثیر رفتارهای جمعی بر رفتارهای شخصی و کنترل فردی مربوط می‌شود. هنگامی که انسان‌ها به صورت دسته‌جمعی و به عنوان قطره‌ای گم شده در دریای خروشان اجتماع، در حال برگزاری مناسک و انجام فرایض دینی هستند، رفتارهای جمعی مقبول عامه، نمایان می‌شود. همچنین، زمانی که انسان به صورت غیر جمعی یا فردی در مسجد ظاهر می‌شود، خود به خود، به محاسبه و بررسی رفتارهای شخصی خود می‌پردازد. ویژگی مسجد در مقابل دیگر مکان‌ها این است که از جنبه ماهیتی، علاوه بر اینکه محلی برای تجمع و رفتارهای جمعی است، فرد را به درون خود ارجاع می‌دهد.

بدین ترتیب، آنچه عمل شایسته محسوب می‌شود همان چیزی است که از جمع سر می‌زند و مورد تأیید آنهاست. همچنین آنچه عمل ناپسند محسوب می‌شود، همان چیزی است که جمع از انجام آن پرهیز می‌کند. بر همین اساس، می‌توان گفت که چنین فردی در حالت انفرادی نیز آن اعمال ناشایست یا خلاف قانون را ترک می‌کند. این روند تهذیب کردار، در اصلاح و ترمیم رفتارها بسیار مؤثر است.

بنابراین، به‌طور خلاصه می‌توان گفت که حضور منظم در مساجد، ایجاد معرفت افراد نسبت به رفتارهای پسندیده و مورد قبول عامه و رفتارهای ناپسند مورد انزجار جامعه را موجب می‌شود. این معرفت، قانون‌گرایی فرد و در مجموع قانونمندی جامعه را به همراه دارد.

اهمیت مساجد در برابر تهاجم فرهنگی و کاهش قانون‌گریزی

آن سخن معروف و پُر ارزش امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ که با درک حقایق کارکردهای مسجد همراه بود، امروز بیشتر باید مورد توجه قرار گیرد. ایشان به صراحت فرمودند: «مساجد سنگر مبارزه‌اند؛ از این رو، دشمن، سعی در خراب نمودن آنها دارد»^۱.

با بررسی دقیق فعالیت‌های دولت‌های غربی، متوجه این موضوع می‌شویم از سوی دشمنان اسلام، یک تهاجم یا شیخون فرهنگی همه مسلمان، به ویژه نوجوانان و جوانان جوامع اسلامی را هدف قرار داده است. آنان حتی با تقویت و فرهنگ‌سازی برای برخی معابد غیر از مسجد و جذب برخی مسلمانان ضعیف‌الایمان به معابد یا ادیان دیگر، در پی استحاله کارکردهای قانون‌گرایی مساجد هستند. این امر، یکی از مهم‌ترین موضوعاتی است که متأسفانه بیشتر فعالان فرهنگی و عموم مسلمانان از آن غافل شده‌اند.

دشمن، قصد دارد با اجرای برنامه‌های خود، مسلمانان را از مسجد گریزان سازد تا روح قانون‌گریزی را

در آنان ایجاد و تقویت کند. در همین راستا، دشمنان به اقدامات گسترده دست می‌زنند. این اقدامات، خود تمهیداتی برای لابی‌گری و قانون‌گریزی را برای عده‌ای از افراد فراهم می‌کند.

«اشاعه روح بی‌بندوباری و بی‌دینی در بین جوانان و ایجاد شک در آنها نسبت به اصول دین اسلام، انتشار کُتب ضدّ اخلاق و اسلام، تأسیس مراکز خوش‌گذرانی و عیش‌ونوش، فراهم ساختن امکانات لازم برای فساد و بی‌دینی و بسیاری از فعالیت‌های مشابه دیگر، تنها گوشه‌هایی از اقدامات دشمنان مسجد برای به‌دام انداختن مسلمانان است.»^۱

بر این اساس، لازم است که همه مسلمانان تلاش کنند تا کارکردهای قانون‌گرایی و قانون‌مدارانه مساجد را تقویت نمایند؛ زیرا دشمن می‌خواهد با توانمندسازی معابد ادیان دیگر، به غیر از اسلام و مساجد، این خانه‌های خدا، مسجد‌گریزی و دوری و بی‌زاری از مساجد را در بین مسلمانان تقویت نماید. این موضوع در حالی است که می‌دانیم مسجد، برای نوجوانان و جوانان و همه گروه‌های شرکت‌کننده، دوستانی خوب، محتوایی دینی و اخلاقی و در نهایت، تفکر و تعقل در انجام افعال را به ارمغان می‌آورد. در حالی که، قربانیان تهاجم فرهنگی همیشه اسیر نتایج مانند دوستان ناباب، یک زندگی با محتوای شرک‌آلود و ضدّ اخلاق و در نهایت، تخدیر و مستی خواهند بود.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که هر نوع توجه به مسجد و شرکت در فعالیت‌های مسجدی و انجام مناسک و فرایض در مساجد، موجب بیمه‌شدن افراد در برابر تهاجم فرهنگی می‌شود و مهم‌ترین عامل قانون‌گریزی و عدم قانونمندی حذف خواهد شد. روشن است که نتیجه این امر، بهبود میزان قانونمندی آحاد جامعه خواهد بود.

کاهش بزهکاری و قانون‌گریزی با تربیت مسجدی

«بزه»، در مفهوم کلی به معنی هر فعلی است که خلاف قانون باشد. به عبارت دیگر، بزه، به سرکشی فرد در برابر اراده اجتماع که به وسیله مقررات و قوانین تعیین شده است، گفته می‌شود. بزه‌کار، یعنی آن کسی که عملی خلاف قانون انجام داده و همچنین به مفهوم مجرم، بزه‌مند و گناهکار است.^۲ کجروی و تخطی از هنجارها، همواره در طول تاریخ بشر وجود داشته است. شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارها در جوامع کوچک و ابتدایی به ندرت اتفاق می‌افتد و اقوام و قبایل، بر حسب سنت‌ها و عرف جامعه از هنجارهای

۱. ر.ک به: مسترهمفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه محسن مؤیدی، ص ۹۶.

۲. ر.ک به: عالی‌زاده، مریم، بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان و جوانان، طوبی، ش ۲۵، ص ۷۰.

۳. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، ص ۹۶۱.

اجتماعی تبعیت می کردند؛ اما در جوامع امروز با توجه به تحرک اجتماعی و جغرافیایی شدید، انسجام فرهنگی کم شده است و توافق اخلاقی به ندرت مشاهده می شود. گزارش رسانه های جمعی و پژوهش های علمی نشان می دهد که شکستن نظم اجتماعی و انحراف از هنجارهای جامعه در شهرها، به ویژه شهرهای بزرگ با وجود پیشرفت فناوری و صنعت، نه تنها کاهش نیافته است، بلکه افزایش هم یافته است.

یکی از عوامل بزه، تربیت نامناسب یا فقدان و ضعف تربیت دینی است. افرادی با مسجد و در کنار مسجد به تربیت و تعالی دینی رسیده اند و فاصله خود را با خدا و خانه خدا بسیار نزدیک کردند، به راحتی هنجار شکنی نمی کنند و به هر نوع قوانین احترام می گذارند. تربیت یافتن افراد در هر سن و موقعیت در متن فعالیت های فرهنگی و اعتقادی مسجد، قوی ترین عاملی است که امروز اندیشمندان فرهنگی از آن به عنوان درمان و کنترل بزهکاری در جامعه یاد می کنند.

نکته مهم این است که کنترل درونی، زمانی رخ می دهد که جریان جامعه پذیری به طور کامل موفق بوده باشد. در این صورت فرد، هنجارها و ارزش های اجتماعی را درونی کرده، حتی در خلوت خود نیز آنچه را جامعه ترجیح می دهد، انجام می دهد. فردی که به طور کامل، اجتماعی شده است، چنانچه به شکستن یک هنجار یا زیرپانهدانی قانونی، وسوسه شود، وجدان اجتماعی او مانع از این کار وی می شود و فرد، داوطلبانه از انجام آن خودداری می کند. با توجه به مطالب بیان شده، می توان گفت که مسجد و مسجدگرایی با تقویت ایمان و حس انسان دوستی در فرد، موجب تربیت مذهبی وی شده و در نهایت بزه و بزهکاری را در سطح اجتماع کاهش می دهد. بنابراین، سطح قانونمندی و قانون گرایی آحاد جامعه افزایش می یابد.

کارکرد آموزشی مسجد و نقش آن در قانون گرایی

یکی از کارکردهای مهم مساجد، کارکرد آموزشی یا تعلیم و تربیت است.^۱ این آموزش به معنای گسترده، به مفهوم فراگیری همه آموزه های اسلامی است. مساجد محل آموزش احکام و فقه هستند. در یک نگاه سطحی، رابطه بین فقه مدار بودن و قانون گرا بودن در رابطه با نهاد مسجد مشخص می شود. فقه همانند قانون، مجموعه ای از بایدها و نبایدهاست و در واقع خود، قانون دین است که بر اساس منابع استخراج می شود.^۲ بنابراین، کسانی که دستورات دینی را اجرا می کنند و به مسجد رفت و آمد دارند، راحت تر به قانون تمکین می کنند. به دلیل اینکه این افراد در مسجد رعایت و احترام به قانون را آموزش دیده اند. یکی از

۱. مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد طراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، ص ۱۳.

۲. ر.ک به: محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، ص ۷؛ صدر، سید محمد باقر، علم اصول، ترجمه نصرانی... حکمت، ص ۲۹؛ مطهری مرتضی، کلیات علوم اسلامی، ج ۳، ص ۱۴.

راه‌های ایجاد جامعه قانون‌مدار، آشنایی با قوانین است. مسجد مکانی مناسب برای این نوع آموزش است تا ضمن آشنا کردن مردم با قوانین، اهمّیت رعایت آنها را نیز از نظر آموزه‌های اسلامی و از جنبه شارع مقدّس اسلام مطرح شود.

اعتکاف در مسجد، تمرین رفتارهای قانون‌گرایی

«اعتکاف»، مصدر باب افتعال از ریشه «عکف»، به معنی پیوستگی بر چیزی داشتن و حبس کردن است. مفهوم اعتکاف از نظر لغوی، درنگ کردن و ادامه دادن است. از نظر اصطلاحی، اعتکاف، به معنی درنگ کردن در مسجد جامع (یعنی مسجدی که روزانه در آن حداقل یک بار نماز جماعت بخوانند) به قصد عبادت است. اعتکاف، به مفهوم خود را بازداشتن و گوشه‌نشین شدن در مسجد است.^۱

یکی از آیین‌های عبادی مسلمانان که در مسجد صورت می‌پذیرد، «اعتکاف» و خلوت کردن با خداوند است. اعتکاف، تأثیر به‌سزایی در ریشه‌کن کردن گناهان انسان دارد. گناهی که هر کدام نوعی عصیانگری از مسیر قوانین الهی یا اجتماعی محسوب می‌شود.

در مورد پیشینه اعتکاف همین بس که پیامبر گرامی اسلام ﷺ برای پرورش روح، قبل از رسالت به این امر می‌پرداختند؛ به این صورت که مدّتی را در غار حرا واقع در جبل النّور، یکی از کوه‌های مکه، به عبادت به سر می‌بردند.

حضرت علی (علیه السلام) در این مورد می‌فرماید: «پیامبر ﷺ چند ماه از سال را در غار حرا می‌گذراند؛ تنها من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید.»^۲

پس از رسالت و بعثت هم، آن حضرت به اعتکاف اهمّیت می‌دادند؛ با این تفاوت که این بار «مسجد» جایگاه این عمل عبادی بود.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ أَخْرَجَ عَتَكْفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِثْلَعَرُوسٍ مَرْمَرٍ زُرُّو طَوَى فِرَاشَه؛ رسول خدا ﷺ در ده روز آخر ماه رمضان، در مسجد معتکف می‌شدند و برای آن حضرت خیمه‌ای معین برپا می‌کردند و ایشان در این ده روز بستر خویش را برمی‌چیدند و به اعتکاف مشغول بودند.»^۳

لازم به ذکر است که سنّت حسنه اعتکاف، پس از پیروزی انقلاب اسلامی احیاء گردید. این سنّت، در

۱. دهخدا، همان مشخصات، ج ۲، ص ۲۹۱۹ تا ۲۹۲۰.

۲. دشتی، همان مشخصات، خ ۱۹۲، ص ۳۹۹.

۳ - شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴ ح ۲۰۸۷. باب الاعتکاف.

طول تاریخ اسلام و ادیان آسمانی، طرفداران و عاملانی داشته و در بلاد اسلامی به طور عموم و شهرهای شیعه و مراکز حوزوی به طور خاص مورد توجه بوده است. معتکفان «ایام البیض» ماه رجب و در برخی موارد، دهه آخر ماه رمضان را در اعتکاف به سر می‌بردند.

به عبارت دیگر، این عبادت، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حالت فراگیر نداشته است. در چند سال اخیر، در میان جمع کثیری از خواهران و برادران دینی، از افشار گوناگون اجتماعی، به ویژه دانشجویان و طلاب و نوجوانان و جوانان مرسوم گردیده است. امروز شاهد آن هستیم که بسیاری از مساجد شهرها و روستاها و محلات پذیرای مهمانان خدا و معتکفان در ایام البیض هستند.

نکته بسیار مهم این است که اشتغال انسان به کار و زندگی روزمره و مسؤولیت‌های اجتماعی، غفلت از خود و غفلت از خدای جهانیان را به دنبال دارد. همین غفلت است که زمینه گناه یا هر نوع قانون شکنی را فراهم می‌کند؛ همین غفلت است که بستر لازم برای سقوط از ارزش‌های انسانی و اخلاقی را در فرد ایجاد کرده، آن را تقویت می‌کند و وی را به ورطه پستی و حیوانی می‌کشاند. بسیاری از جرایمی که مجرمان انجام می‌دهند، ناشی از غفلتی است که در آنها پیدا می‌شود. این غفلت، موجب نادیده انگاشتن قانون می‌شود و فرد برای اهداف خود، قانون شکنی می‌کند.

بر اساس مطالب مطرح شده می‌توان نتیجه گرفت که شرکت کردن در اعتکاف موجب این می‌شود که فرد، رفتار نیک را تمرین کند و با شرکت در جمعی که همگی دارای یک هدف هستند و به رفتارهای مقبول، مشغول هستند، قانونمند بودن و قانون‌گرایی را تمرین کند تا پس از اتمام این رفتار و این مدت، در قانونمند بودن در سایر امور زندگی، موفق‌تر باشد. در واقع، می‌توان گفت که اعتکاف موجب بهبود قانونمندی در فرد می‌شود.

نقش حمایتی مسجد در قانون‌پذیری فردی و کاهش هزینه امنیت اجتماعی

امنیت در لغت به معنی «ایمنی»، «جای امن»، «بی‌خوفی»، «در امان بودن» است. به زبان ساده، امنیت، یعنی دور بودن از خطراتی که علیه منافع مادی (جان، مال، سرزمین و...) و ارزش‌های معنوی (دین، فرهنگ، اعتقادات و...) انسان‌ها وجود دارد. امنیت، یک مفهوم آشنا و قابل شناخت برای تمام جوامع بشری است. از جوامع اولیه، مانند قبایل کوچک، گرفته تا امپراتوری‌های بزرگ جهان باستان و دولت شهرهای یونان، با واژه امنیت آشنا بوده‌اند. به همین دلیل، امروز نیز تلاش برای رسیدن به «وضعیت امن»

و با «Secure Situation» اولویت نخست سیاست‌های واحدهای سیاسی مختلف را تشکیل داده است و راه‌های تأمین آن از جایگاه خاصی در سیاست‌گذاری‌های امنیتی دولت‌ها در قالب امنیت اجتماعی و ملی برخوردار است. اساس جست‌وجوی امنیت را می‌توان در انگیزه‌ها و کشش‌های انسان‌ها دنبال کرد؛ به این معنی که جست‌وجوی امنیت از مهم‌ترین کشش‌ها و انگیزه‌های انسانی بوده که با جوهر هستی انسان پیوند ناگسستنی دارد. البته مفهوم امنیت یک امر ذهنی^۱ و یک امر نسبی بسیار گسترده و دارای ابعادی مانند امنیت بین‌المللی، امنیت ملی، امنیت سیاسی، امنیت اقتصادی، امنیت اجتماعی، امنیت فردی و... است و ابعاد مرتبط به قانونمندی و قانون‌گرایی، به‌طور کلی، در دو بُعد امنیت اجتماعی و امنیت فردی گنجانده می‌شوند.

مسجد و فعالیت‌های مذهبی می‌توانند با ابزارهایی، مانند ستایش، نکوهش و خشم اخلاقی، بر رفتار فرد اثر بگذارند. بخش زیادی از کنترل افراد، از راه کنترل رسمی صورت می‌گیرد. این کنترل، با ابزارهای بیرونی و قانون‌مدارانه انجام می‌شود. البته، عوامل بازدارنده بیرونی، مثل اجرای حدود و زندان، ضمن تأثیر مهمی در حفظ سلامت اجتماعی جامعه دارد؛ اما باید گفت که پیش‌گیری، بهتر از درمان است و مجازات زندان، هزینه سنگینی را بر دولت تحمیل می‌کند. بنابراین، همراه با کنترل بیرونی، کنترل درونی که همان اثرگذاری بر انگیزه‌های درونی فرد است، توصیه می‌شود. کنترل‌های درونی، ویژگی‌های خاصی دارند؛ از جمله اینکه برخلاف کنترل‌های بیرونی، نیازمند هزینه‌های هنگفت نیستند و در زمانی که امکان ایجاد یا اعمال کنترل‌های بیرونی نیست، همچنان کارایی خود را دارند.

بر اساس مفهوم روایتی از امام علی (علیه السلام) تأثیرات رفتاری که حضور در مسجد بر جای می‌گذارد، می‌تواند جامعه را از فساد و گناه پاک کند؛ آنجا که در قسمتی از یک روایت می‌فرمایند: «...أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنْ رَدَى أَوْ يَتْرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً...؛ یا کلماتی می‌شنود که او (فرد اهل مسجد) را از فساد و گناه باز می‌دارد یا به خاطر ترس (از پروردگار) یا حیا و آبرو، گناهی را ترک می‌کند».^۳

مهم‌ترین دستاورد رعایت قانون، «امنیت اجتماعی»^۴ است. در واقع، امنیت اجتماعی، حالت فراغت همگانی از هرگونه تهدید است. کاهش نظارت گسترده و کنترل رسمی در سطح اجتماعی بر ابعاد کلان اقتصادی مؤثر است و با کاهش هزینه‌هایی که دولت‌ها صرف نظارت بر نیروهای اجرایی یا مردمی می‌کنند،

۱. Subjective.

۲. Relative.

۳. ح‌زعاملی، وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۰.

۴. Social security.

صرفه‌جویی را به همراه دارد. بنابراین، افراد اهل مسجدع با اتکا بر اخلاق مذهبی و دینی و بدون ترس از نیروهای انتظامی و زندان و مانند آنها، خودشان به تأمین امنیت اجتماعی مبادرت می‌ورزند که این موضوع در سطح کلان، بسیاری از هزینه‌های امنیتی را کاهش می‌دهد.

نتیجه‌سخن

مسجد و فعالیت‌های مذهبی و مسجدی، با تکیه بر قوانین شرعی، روح قانون‌گرایی را در افراد تقویت می‌کند و توسعه می‌دهد؛ زیرا آموزه‌هایی مانند نماز جماعت و دعا کردن، گوش فرادادن به منابر و عطا و... توبه و استغفار و اعتکاف و اعتراف به گناه، در فضای معنویت مسجد نمود پیدا می‌کند و افراد مسجدی با وجود تربیت مسجدی، کرامت نفس خود را پایمال نکرده، روح شریف انسانی خود را با قانون‌گریزی، به گناه و جرایم، آلوده نمی‌کنند. برای ایجاد جامعه‌ای قانون‌مدار و قانون‌پذیر باید به نقش حیاتی و حمایتی مساجد توجه بیشتری شود. این توجه باعث می‌شود که بسیاری از جرایم اخلاقی و گناهان مربوط به تهاجم فرهنگی کاهش یافته، امنیت اجتماعی و قانون‌گرایی بیشتر شود. متولیان فرهنگی و اجرایی مساجد، به خصوص امام جماعت مسجد باید با رویکردی کاربردی به تشریح حدود الهی و موازین اسلامی بپردازند و با آموزش این حدود و تشریح فلسفه و تبیین آثار فردی و اجتماعی آموزه‌هایی مانند، نماز جماعت، مراسم‌های مذهبی دسته‌جمعی، استغفار، توبه، اعتکاف، اعتراف به گناه و... در قانون‌گرایی و قانون‌پذیری آحاد جامعه نقش خود را به درستی ایفا نمایند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شیرازی، قم، اسوه، چاپ اول، ۱۳۸۷.
۱. ابن منظور محمد بن مکرم، لسان العرب، دارالفکر، دارصار، بیروت، ج ۱۱، ص ۳۲۸.
 ۲. ابوسعید ابی الخیر، مجموعه رباعیات.
 ۳. الموسوی الخمینی روح الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ج ۱ و ۱۲، تهران، ۱۳۸۵.
 ۴. انصاری علیرضا، قانونگرایی در سیره معصومان علیهم السلام، فرهنگ کوثر، ش ۲۵، فروردین ۱۳۷۸.
 ۵. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، انتشارات سخن، ج ۴، ص ۲ و ۱۳۸۶.
 ۶. بابائیان عباس، ۴۰۰ نکته از تفسیر نور، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۲، تابستان ۱۳۸۸.
 ۷. برومند اعلم عباس، درآمدی بر جایگاه مسجد در تمدن اسلامی، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البيت علیهم السلام، ۱۳۸۵، (منبع الکترونیکی).
 ۸. جعفری لنگرودی محمد، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، ج ۲۲، ۱۳۸۸.
 ۹. جعفری علامه محمد تقی، وجدان، انتشارات اسلامی، تهران، نشر کرامت، چاپ دوم، ۱۳۷۶ ه. ش.
 ۱۰. جمعی از فضلا و نویسندگان، تفسیر نمونه، (زیر نظر مکارم شیرازی ناصر) تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ج ۵، ص ۶، ۱۳۶۸.
 ۱۱. حرالعالمی، محمد حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل‌البيت لاحیاء التراث، قم، انتشارات مهر، چاپ دوم، ج ۳، ۱۴۱۴ ه. ق.
 ۱۲. حقانی زنجانی حسین، وجدان اخلاقی، ماهنامه مکتب اسلام، ش ۹، سال ۱۳۷۶.
 ۱۳. حموده، عبدالوهاب، ره‌آورد مسجد در فرهنگ اسلامی، ترجمه: مهدی اسفندیاری، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ ه. ش.
 ۱۴. دشتی محمد، ترجمه نهج‌البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه السلام، ج ۹، ۱۳۸۲.
 ۱۵. دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، با همکاری گروهی از نویسندگان، دانشگاه تهران، ج ۲ و ۵ و ۳۷، ۱۳۷۷.
 ۱۶. صدرسید محمد باقر، علم اصول، ترجمه: نصر... حکمت، انتشارات امیرکبیر، ج ۲، ۱۳۶۴.
 ۱۷. طه الولی، المسجد فی الاسلام، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۹ ه. ق.
 ۱۸. عالی‌زاده، مریم، بررسی عوامل مؤثر در بزهکاری نوجوانان و جوانان، طوبی، ش ۲۵، آذر ۱۳۸۶.

۱۹. علی بن حسین، ابن بابویه (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، مؤسسه الاعلمی المطبوعات، چ ۱، ج ۲، سال ۱۴۰۶ هـ.
۲۰. علی بابایی، احمد، برگزیده تفسیر نمونه، زیر نظر مکارم شیرازی ناصر، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ۱۳۸۲.
۲۱. کلینی ابوجعفر محمد بن یعقوب، اصول کافی، انتشارات ولی عصر، تهران، ج ۲ و ۴، ۱۳۷۵.
۲۲. مجلسی تفتت علامه محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات اسلامیه، ج ۱۱ و ۸، سال ۱۳۶۲.
۲۳. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، مرکز النشر، چ ۱، ج ۹، ۱۳۶۲.
۲۴. محمد بن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران فرهنگ و اندیشه، بی تا، ج ۱، ۱۳۸۸.
۲۵. محمدی، ابوالحسن، مبانی استنباط حقوق اسلامی، انتشارات دانشگاه تهران، چ ۲۴، ۱۳۸۵.
۲۶. مرکز رسیدگی به امور مساجد، سیمای مسجد طراز اسلامی، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۲، شهریور ۹۱.
۲۷. ———، احکام فقهی مستفاد از آیات در باب مساجد، ماهنامه مسجد، ش ۱۶۳، مهر و آبان ۱۳۹۲.
۲۸. مستر همفر، خاطرات همفر جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی، ترجمه: محسن مؤیدی، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶.
۲۹. مطهری مرتضی، کلیات علوم اسلامی، ج ۳ (اصول فقه، فقه)، انتشارات صدرا، چ ۲۳، شهریور ۱۳۸۲.
۳۰. مکارم شیرازی، ناصر، رساله توضیح المسائل، انتشارات امام علی ابن ابی طالب (علیه السلام)، چ ۳۱، ۱۳۸۹.
۳۱. نگارش حمید، هویت دینی و انقطاع فرهنگی، نمایندگی ولی فقیه در سپاه، مرکز تحقیقات اسلامی، ۱۳۸۰.
۳۲. نوبهار رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۷ هـ. ش.
۳۳. نوری، محمد موسی، قانون مداری در سیره نبوی، معرفت، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تفتت، قم، سال سیزدهم، ش ۸۶، ۱۳۸۳.
۳۴. نوری، مهدی، تحلیل جامعه شناختی مسجد، مجموعه مقالات کارکرد مساجد، تهران، رسانش، چاپ اول، تابستان ۱۳۸۴ هـ. ش.
۳۵. ولی نژاد، نورالله، حدود الله یا مرزهای الهی در جامعه، سازمان تبلیغات اسلامی، فروردین ۱۳۸۸، قابل دسترس در آدرس: <http://www.ido.ir>.

۳۶. ویکی پدیا، به آدرس: www.wikipedia.org.

۳۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، فرهنگ قرآن، مؤسسه بوستان کتاب، (با همکاری محققان فرهنگ و

معارف قرآن)، ج ۹، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

مسجد و بهداشت روان

جعفر حیدری

چکیده

در این تحقیق توصیفی کتابخانه‌ای، نگارنده به بررسی و تبیین رابطه کمی و کیفی بهداشت روان با مسجد می‌پردازد و از منظر روان‌شناسی، با استفاده از آیات و روایات، نقش مسجد در بهداشت روان افراد را بررسی می‌کند. تحقیق حاضر در یک مقدمه و سه بخش تنظیم شده است. در مقدمه، تعریف بهداشت عمومی، بهداشت روانی، ضرورت آن در عصر کنونی برای فرد و جامعه و رابطه مسجد با بهداشت روان بیان شده است. در بخش اول، از دیدگاه آیات و روایات، روابط سه‌گانه بررسی می‌شود؛ یعنی ارتباط با خویشان، با خداوند و با هم‌نوعان و جامعه. در بخش دوم، پنج عامل مهم از اصول بهداشت روانی مطرح می‌شود که در مقایسه با عوامل دیگر، ارتباط بیشتری با مسجد دارند و فراهم شدن زمینه بهداشت روانی را موجب می‌شوند که عبارت‌اند از: مناجات با خداوند، دوست داشتن خود و دیگران، نظم و سازماندهی در زندگی فردی و اجتماعی، وحدت و تعاون و توکل که همه این عوامل، زیرمجموعه یکی از روابط سه‌گانه و از مصداق‌های آن به شمار می‌روند. بخش سوم، به آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد اختصاص داده می‌شود. مهم‌ترین مصادیق آن، که در قرآن و روایات به عنوان مکروهات و محرمات مسجد آمده، بررسی می‌شود. در یک جمع‌بندی، بیان خواهد شد که همه آنها در مفهومی کلی با هم مشترک هستند و همه اختلال در یکی از روابط سه‌گانه را موجب می‌شوند و بهداشت روانی را در مسجد در معرض آسیب قرار می‌دهند.

کلیدواژه‌ها:

بهداشت، بهداشت عمومی، بهداشت روانی، ارتباط با خویشان، ارتباط با خداوند، ارتباط با هم‌نوعان و جامعه، عوامل بهداشت روانی در مسجد، آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد.

کلیات و مفاهیم

مقدمه

انسان، موجودی اجتماعی است که از نظر فطری به رابطه با دیگران نیاز دارد؛ ارتباطی که از هنگام تولد تا آخرین لحظه حیات ادامه می‌یابد. ارتباط با دیگران آثار سودمند بسیاری دارد؛ از جمله شکوفایی استعداد های درونی، رشد و تکامل انسان را موجب می‌گردد و آرامش و نشاط روحی را برای انسان به ارمغان می‌آورد. بنابراین، نداشتن ارتباط با دیگران و یا مناسب نبودن ارتباطات در زندگی، اختلالات روحی و روانی و حتی بیماری‌های جسمی را به دنبال دارد. در عصر حاضر که روابط انسانی دچار اختلال شده است، مشاهده می‌کنیم که بیشتر افراد جامعه به نوعی دچار مشکلات روحی و عدم تعادل روانی هستند و از اضطراب، نگرانی و افسردگی رنج می‌برند؛ این در حالی است که اگر نیاز طبیعی انسان، به گونه‌ای مطلوب تأمین و اصلاح گردد، سلامت فکر و بهداشت روان در فرد و جامعه را موجب می‌شود.

در این نوشتار می‌کوشیم تا از منظر آیات و روایات، انواع روابط انسانی را بررسی و نقش بسیار مهم مسجد را در تحقق مطلوب و صحیح این ارتباطات بیان کنیم.^۱

سؤالات تحقیق

سؤال اصلی

۱. مسجد چه نقشی در بهداشت روانی فرد و جامعه دارد؟

سؤال های فرعی

۲. مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در مسجد کدام‌اند؟

۳. آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد کدام‌اند؟

فرضیه‌های تحقیق

۱- مسجد، مهم‌ترین پایگاه عبادی و اجتماعی مسلمانان است که با توجه به کارکردها و ابعاد مختلف آن، می‌تواند در عصر حاضر، که انسان بی‌هویت شده است و با وجود پیشرفت عظیم فناوری، آرامش ندارد، در ایجاد بهداشت روانی فرد و جامعه نقش مهمی به عهده داشته باشد.

۲- بر اساس آیات و روایات، شرکت در اجتماعات مسجد از عوامل مهم آرامش روحی و بهداشت روان

۱. تاکنون فقط دو مقاله کوتاه در این باره نوشته شده است که تا حدودی به این موضوع پرداخته‌اند: مسجد و آرامش، سایت مرکز تحقیقاتی جوادالائمّه (علیه السلام) نقش مسجد در سلامت روانی جامعه، فروغ مسجد، ج ۵، ص ۲۰۹.

است؛ از این رو، تشویق افراد به حضور در مسجد در تأمین بهداشت روانی آنان، به‌ویژه برای جوانان و نوجوانان، بسیار مؤثر است؛ حتی اگر این حضور، به صورت مستمر نباشد.

۳- پرهیز از محرّمات و مکروهات مسجد، زمینه‌ساز بهداشت روانی افراد مسجّدی است؛ زیرا ترک مکروهات و محرّمات را در سایر امور زندگی نیز باعث می‌گردد.

۴- تشویق والدین برای رفت‌وآمد جوانان و نوجوانان به مسجد، ایجاد زمینه‌های جذاب در مسجد و نیز پرهیز نمودن اولیای مسجد از رفتاری که گریز افراد از مسجد را موجب می‌گردد، زمینه‌ساز بهداشت روانی اهل مسجد می‌شود.

اهمیت و ضرورت بهداشت روانی

بهداشت روان در زندگی فردی و اجتماعی انسان، نقش بسیار مهمی دارد؛ زیرا اگر فرد و جامعه از سلامت فکر و روان برخوردار نباشند، نمی‌توانند در روابط خود با دیگران و حتی با خویشان، تعامل منطقی و مناسبی برقرار کنند. اگر در زندگی خود یا دیگران کمی دقت کنیم، درمی‌یابیم که بیشتر مشکلات روحی و حتی جسمی ما به نحوه دیدگاه و تعاملی مربوط می‌شود که در روابط روزمره خود داریم. روان‌شناسان معتقدند که بیماری‌های روانی در اصل ناشی از مشکلات ارتباط نامناسب است. بنابراین، اصلاح روابط انسانی، مهم‌ترین عامل نشاط و سلامت فکر و روان انسان است.

اگر انسان، از نعمت روان سالم و متعادل بهره‌مند نباشد، در هیچ کاری موفق نمی‌شود و هیچ وقت به آسایش و سعادت انسانی نمی‌رسد. داشتن سلامت فکر و روان، طعم زندگی و لذت حیات را به انسان می‌چشاند و او را در مسیر هدف خلقت قرار می‌دهد؛ یعنی آرامش روحی و نفس مطمئنّه در دنیا و رسیدن به آرامش وجدان در آخرت.^۱

مفهوم‌شناسی

۱- بهداشت در لغت

بهداشت در لغت به معنای «نیکو نگاه‌داشتن» و «نگهداری تندرستی» است که در زبان عربی به آن «حفظ الصّحة» می‌گویند. «بهداشت روانی» بخشی از بهداشت عمومی است که در باره حفظ سلامت روانی انسان بحث می‌کند.^۲

۱. شعراء، آیه ۸۹.

۲. معین، محمّد، فرهنگ معین، ج ۱، ص ۳۹۲؛ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، ج ۱۱، ص ۴۹۳.

۲- بهداشت در اصطلاح

در اصطلاح دانشمندان علم روان‌شناسی، تعاریف زیادی برای بهداشت روانی ذکر شده است که نیازی به مطرح کردن همه آنها نیست و به ذکر چند مورد بسنده می‌شود:

کارشناسان سازمان بهداشت جهانی، سلامتی فکر و بهداشت روانی را این‌چنین تعریف کرده‌اند:

«قابلیت ارتباط موزون و هماهنگ با دیگران، تغییر و اصلاح محیط فردی و اجتماعی و حل تضادها و تمایلات شخصی به طور منطقی و عادلانه و مناسب»^۱.

«بهداشت روانی، علمی است برای بهزیستی و رفاه اجتماعی که تمام زوایای زندگی از محیط خانه تا مدرسه، دانشگاه، محیط کار، مسجد و نظایر آن را در برمی‌گیرد»^۲.

۳- موضوع بهداشت روان

موضوع علم بهداشت روان، انسان است. این علم، روان انسان را از نظر سلامت افکار و رفتار، ارزش‌ها و تکامل معنوی و مادی بررسی می‌کند تا دریابد که چه چیزی درخور انسان است.

بخش اول: نقش مسجد در بهداشت روان

ارتباط، یکی از قدیمی‌ترین و در عین حال یکی از عالی‌ترین دستاوردهای بشر است که میان دو یا چند نفر اتفاق می‌افتد. همه ما در هر شبانه‌روز، در مکان‌های متفاوت، به دلایل گوناگون، با افراد مختلفی ارتباط برقرار می‌کنیم؛ مانند: روابط خانوادگی، شغلی و روابطی برای بیان اختلاف عقاید که هر یک از آنها در سه سطح کلامی، غیر کلامی و ترکیبی رخ می‌دهد. هیچ ارتباطی رخ نمی‌دهد، مگر به دلیل احساس نیاز شدید انسان به تعامل اجتماعی؛ زیرا انسان، موجودی اجتماعی است و از لوازم ضروری اجتماعی بودن وی، ارتباط با دیگران است. رشد شخصیت و بهداشت روانی و جسمی، با توانایی برقراری ارتباط، رابطه دارد و هر فرد، بدون تعامل با انسان‌های دیگر، انسان کاملی نخواهد شد.

از منظر آیات و روایات، برای انسان سه نوع ارتباط قابل تصور است: ارتباط با خویشان، ارتباط با خداوند، ارتباط با هم‌نوع.

امام صادق علیه السلام فرمودند: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَى آدَمَ عليه السلام: يَا آدَمُ إِنِّي أَجْعَلُ لَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ فِي أَرْبَعِ كَلِمَاتٍ؛

۱. میلانی فر، بهروز، بهداشت روانی، ص ۳.

۲. همان، ص ۳. مؤلف بعد از مطالعه ده تعریف از دانشمندان بنام روان‌شناسی، پس از جمع‌بندی، تعریف مذکور را برای بهداشت روانی ارائه نموده است.

وَاحِدَةً لِي وَوَاحِدٌ لَكَ وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ وَوَاحِدَةٌ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ . فَأَمَّا الَّتِي لِي فَتَعْبُدُنِي وَلَا تُشْرِكُ بِي شَيْئًا وَأَمَّا الَّتِي لَكَ فَأَجَازِيكَ بِعَمَلِكَ أَحْوَجَ مَا تَكُونُ إِلَيْهِ وَأَمَّا الَّتِي فِيمَا بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَعَلَيْكَ الدُّعَاءُ وَعَلَى الْإِجَابَةِ وَأَمَّا الَّتِي بَيْنَكَ وَبَيْنَ النَّاسِ ، فَتَرَضَى لِلنَّاسِ مَا تَرْضَى لِنَفْسِكَ؛ خداوند تبارک و تعالی به حضرت آدم علیه السلام وحی کرد: ای آدم، من تمام خوبی‌ها را در چهار کلام برای تو جمع می‌کنم. یکی مربوط به من، یکی مربوط به تو و یکی در رابطه بین من و تو و دیگری در رابطه بین تو و مردم است. آنچه مربوط به من است این است که مرا بیرستی و با من چیزی را شریک قرار ندهی و آنچه مربوط به توست این است که تو را در مقابل رفتار جزا می‌دهم، در آن وقتی که به جزای عملت بیشترین نیاز را داری و آنچه میان من و توست آن است که بر تو باد دعا کردن و بر من اجابت نمودن و آنچه بین تو و مردم است آن است که برای مردم آن را بخواهی که برای خود می‌خواهی»^۱.

در این روایت، به طور کلی، سه نوع ارتباط مطرح شده است که به توضیح آن می‌پردازیم:

۱- ارتباط با خویشتن

اگر ما بخواهیم به رابطه انسان با خودش قائل شویم، باید نوعی تعدّد و جوه و ابعاد را در وجود انسان بپذیریم. در این صورت، مقصود از رابطه انسان با خود، روابطی است که میان ابعاد وجودی وی برقرار می‌شود و یکی از آشکارترین ابعاد وجودی انسان که از یکدیگر متمایز می‌شود، نفس و بدن اوست. به عبارت دیگر، رابطه انسان با خودش به این معناست که خود را بشناسد؛ ارزش‌ها و استعدادهای بالقوه و خدادای خود را تشخیص دهد؛ فلسفه وجودی خود را بررسی کند تا به قدر واقعی گوهر وجود خویش واقف گردد.

روابط انسان با خود از منظر آیات و روایات

هر کس با تأمل در خویشتن درمی‌یابد که درون خود روابطی با خود دارد. بنابراین، اصل وجود رابطه با خود، نیازمند اثبات نیست؛ ولی برای آنکه هم تصویری واضح‌تر پدید آید و هم تصدیق به وجود رابطه مطمئن‌تر باشد، چند نمونه از آیات و روایات را ذکر می‌کنیم که به این موضوع مربوط هستند:

روابط انسان با خود، به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

الف) روابط شناختی؛

ب) روابط عملی.

«روابط شناختی» که به معرفت انسان از خویشتن و داوری‌های او درباره خودش مربوط می‌شود، در

ادبیات به آن «معرفة النفس» می گویند.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «بَلِ الْإِنْسَانِ عَلَىٰ نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ؛ بَلَكه، انسان از وضع خود آگاه است.»^۱
حضرت علی (علیه السلام) می فرماید: «كَفَى بِالْمَرْءِ مَعْرِفَةً أَنْ يَعْرِفَ نَفْسَهُ وَكَفَى بِالْمَرْءِ جَهْلًا أَنْ يَجْهَلَ عُيُوبَ نَفْسِهِ؛ در دانش انسان، همین بس که خود را بشناسد و در نادانی وی همین بس که از عیوب خود ناآگاه باشد.»^۲

رابطه عملی انسان با خویشتن، همه فعالیت های او را در بر می گیرد؛ یعنی انسان در رابطه با محیط و دیگران، در حقیقت، به رابطه با خودش تحقق می بخشد و در واقع، هر چه با دیگران می کند، به خود می کند.

قرآن کریم در این مورد می فرماید: «فَإِنَّهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ؛ انسان با آنچه انجام می دهد یا بر خود ستم می کند یا احسان می ورزد.»^۳
خداوند در جایی دیگر می فرماید: «إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا؛ اگر نیکی کنید به خود نیکی کرده اید و اگر بدی کنید به خود بدی کرده اید.»^۴

شناخت خود و ارتباط با خویشتن، در واقع، مقدمه ای برای شناخت و ارتباط با خداوند متعال است؛ چنان که در روایت آمده است: «مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ؛ کسی که خود را بشناسد، به تحقیق خدای خود را شناخته است.»^۵ به بیان دیگر، هر کس قدر و منزلت خود را در یابد، به مقدار شناخت خود، از شناخت خداوند بهره مند می گردد؛ یعنی شناخت خود و شناخت خداوند نه در طول هم، بلکه در عرض هم هستند.

۲- ارتباط با خداوند

هر انسانی، نیازمند به ارتباط با خداوند است. بدون ارتباط با خداوند نمی توان به یک زندگی مطلوب و آرام رسید. بخشی از این ارتباط به صورت تکوینی برای انسان و همه موجودات وجود دارد؛ یعنی انسان و همه موجودات عالم با خداوند متعال ارتباطی خاص دارند. به علاوه، ارتباط دیگری نیز وجود دارد که انسان می تواند با خالق خود داشته باشد و از آن بهره مند گردد. در این نوع از ارتباط، فرد باید همواره به فکر خداوند باشد؛ به گونه ای که حضور خداوند را در قلب خود احساس کند. قرآن کریم می فرماید: «فَادْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ؛

۱. قیامت، آیه ۱۴.

۲. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، فصل ۵۶.

۳. فاطر، آیه ۳۲.

۴. اسراء، آیه ۷.

۵. مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۲۳.

مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».^۱

سرچشمه همه خوبی‌ها، خیرها، زیبایی‌ها و روشنایی‌ها خداست و ریشه همه بدی‌ها، شرارت‌ها، زشتی‌ها و تاریکی‌ها غفلت از خداست. آهر شخص، قوم و ملتی به اندازه اتصال به خدای متعال، از او رحمت و برکت می‌گیرد و به اندازه دوری از خداوند از نعمت‌ها و موهبت‌های خدای تعالی محروم می‌گردد. آقرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَتَمَبَّنُّ الْقُلُوبُ؛ فقط با یاد خداوند، دل‌ها آرام می‌گیرد».^۲

طبق بیان قرآن و روایات، مهم‌ترین دلیل وجود مسجد، ذکر و یاد خداوند است که در این مورد به چند آیه و روایت اشاره می‌شود:

«فِي بُيُوتٍ أَدَنَ اللَّهُ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ * رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ؛ در خانه‌هایی که خدا رخصت داده است که [قدر و منزلت] آنجا رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود؛ در آن خانه‌ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند. پاک‌مردانی که هیچ کسب و تجارتنی آنان را از یاد خدا غافل نمی‌گرداند».^۳

بر اساس آیه بیان شده، یکی از ویژگی‌های مسجدها این است که مکان ذکر و تسبیح خداوند متعال است. قرآن کریم در جایی دیگر می‌فرماید: «مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ مساجد، مکان‌هایی هستند که در آن نام خداوند، فراوان ذکر می‌شود». در روایات نیز آمده است که: «بُنِيَتْ الْمَسَاجِدُ لِذِكْرِ اللَّهِ وَالصَّلَاةِ؛ همانا مساجد برای ذکر و یاد خداوند و نماز ساخته شده‌اند».^۴

۳- ارتباط باهم نوعان و جامعه

ارتباط با دیگران یکی از مهم‌ترین بخش‌های زندگی هر فرد است؛ مثل: ارتباط با افراد خانواده و بستگان یا ارتباط با مدرسه و دانشگاه. مسئله مهم این است که چگونگی این ارتباط، حاصل برآیند دو ارتباط قبلی است؛ یعنی اگر کسی با به کارگیری اصول بهداشت روانی به جایگاه ارزشی وجودش پی‌برد و ضمن آشنایی از خصوصیات مثبت و محدودیت‌های خویش، در ارتباط با خود موفق شود، می‌تواند در ارتباط با خدا نیز رابطه‌ای آگاهانه و عاشقانه داشته باشد. به طور قطع، چنین فردی در ارتباط با جامعه نیز موفق است و از

۱. بقره، آیه ۱۵۲.

۲. همان، آیه ۱۲۴.

۳. نساء، آیه ۷۹.

۴. رعد، آیه ۲۸.

۵. نور، آیات ۳۶ و ۳۷.

۶. حج، آیات ۳۹ و ۴۰.

۷. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

آرامش روانی مطلوبی برخوردار خواهد بود. ارتباط با دیگران از چند جنبه ضروری است:

الف) بر اساس بینش اسلامی، یکی از وظایف انسان مؤمن ارتباط با مردم است.

امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: «خَالِطُوا النَّاسَ مُحَالَطَةً إِنْ مِثْمَ مَعَهَا بَكَوَا عَلَيْكُمْ وَإِنْ غَبِثُمْ حَتُّوا إِلَيْكُمْ؛ با مردم بیامیزید، در اجتماعشان شرکت و آنها را در کارها یاری کنید و از جامعه منزوی نشوید»^۱.

ب) فرد مسلمان در رابطه با دیگران وظیفه‌هایی بر عهده دارد:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ همه، نگهبان و مسئول یکدیگر هستید»^۲.

همه باید در انجام این مسئولیت‌ها تلاش کنند و پشتیبان یکدیگر باشند.

قرآن کریم می‌فرماید: «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ؛ شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار

شده‌اید»^۳.

در اسلام، همه افراد جامعه در برابر یکدیگر حق و حقوقی دارند که امام سجاد علیه السلام در رساله حقوق، آنها را

بیان فرموده‌اند. ایشان درباره معاشرت با دیگران می‌فرماید: «كَبِيرُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَالِدِ وَصَغِيرُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْوَلَدِ وَ أَوْسَطُهُمْ بِمَنْزِلَةِ الْأَخِّ؛ پیران را به منزله پدر خود، کوچک‌ترها را به منزله فرزندان خود و میانسالان را به منزله

برادران خود تصور کن»^۴.

مسجد، یکی از بهترین مکان‌ها برای برقراری روابط سالم و سازنده است که در بهداشت روانی انسان

نقش اساسی دارد. حضور منظم و مستمر افراد در مسجد برای اقامه نماز، بین آنها ارتباطی قلبی برقرار

می‌کند؛ زیرا همه با هم در برابر یک معبود سجده می‌کنند و از او یاری می‌جویند.

بسیاری از ما نمی‌دانیم چگونه با افراد دیگر ارتباط برقرار کنیم. به همین دلیل، در روابط خود با دیگران

دچار مشکل می‌شویم. بسیاری از افراد، همواره علت اصلی این رابطه ناموفق را شیوه رفتار دیگری می‌دانند؛

حال آنکه در بسیاری از موارد، مشکل از خود فرد است. اگر ما هنر برقراری ارتباط با دیگران را بیاموزیم و از

راز و رمز آن آگاهی یابیم، ارتباط بهتری با دیگران خواهیم داشت و در نتیجه، ما و دیگران، بهداشت روانی

مطلوب‌تری خواهیم داشت. در برقراری ارتباط موفق، چهار عامل مهم وجود دارد:

الف) مدارا و سازش با دیگران

یکی از خصوصیات مهم اخلاقی که در سیره نبوی صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام به آن توصیه شده است و در

برقراری ارتباط با دیگران نقش بسیار مهمی دارد، مدارا نمودن و سازش با دیگران است؛ یعنی انسان در رفتار

۱. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۸، ص ۳۱۴؛ عاملی، حز، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۳.

۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۸.

۳. آل عمران، آیه ۱۱۰.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۲۳۰.

و گفتار خود، انعطاف‌پذیر و نرم‌خو باشد. در این زمینه، به یک آیه و چند روایت اشاره می‌شود:

خداوند به حضرت موسی علیه السلام در برخورد با فرعون می‌فرماید: «أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ * فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَّيِّنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ؛ ای موسی، با برادرت به سوی فرعون بروید که طغیان کرده است. با او به نرمی سخن گویند؛ شاید پند گیرد یا بترسد»^۱.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «أَمَرَنِي رَبِّي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِأَدَاءِ الْفَرَائِضِ؛ خداوند مرا به سازش با مردم توصیه کرده است؛ همان‌طور که به ادای واجبات سفارش کرده است»^۲.

آن حضرت در روایت دیگر می‌فرماید: «مُدَارَاةُ النَّاسِ نِصْفُ الْإِيمَانِ؛ نرمی و سازش با مردم، نصف ایمان است»^۳.

ب) تواضع و فروتنی

یکی دیگر از عوامل مهم در ایجاد رابطه موفق، فروتنی در برابر دیگران است. خداوند، نبی اکرم صلی الله علیه و آله را به تواضع امر می‌کند: «وَاخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ؛ ای پیامبر مؤمنانی را که از تو پیروی می‌کنند دور خود جمع کن و پر و بال لطف و رحمت و تواضع را برای ایشان بگستران»^۴.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جای دیگری فرمودند: «هرگاه تواضع کنندگان امت مرا دیدید، شما هم در برابر آنان تواضع کنید و در برابر متکبران تکبر کنید تا ذلت آنان را باعث شود»^۵.

مسجد در پرورش خوی فروتنی افراد نقش مهمی دارد؛ زیرا مسجد، جایگاه حضور اقشار گوناگون از جمله ضعیفان و مستمندان است و به‌طور معمول، آنهایی که با فقیران جامعه همنشینی دارند از منش‌های تکبرآمیز به دور هستند.

ج) احترام به شخصیت افراد

خود دوستی، فطری است و هر کس به‌طور غریزی به خودش احترام می‌گذارد و برای خودش ارزش ویژه‌ای قائل است؛ از این‌رو، کسی در برقراری ارتباط خوب موفق‌تر است که به دیگران نیز احترام بگذارد که نتیجه آن چیزی نیست، جز احترام متقابل و برقراری رابطه دوستانه. سیره معصومان علیهم السلام نیز چنین بوده

۱. طه، آیه ۴۴.

۲. العاملی، الحر، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۰۲.

۳. همان.

۴. شعراء، آیه ۲۱۵.

۵. فیض کاشانی، محجة البیضاء، ج ۳، ص ۳۴۶.

است و آنها در برخورد با افراد و حتی مخالفان خود با احترام رفتار می کردند. این روش آنان، در بسیاری از موارد، آگاهی طرف مقابل و هدایت او را موجب می شد. وقتی جوان، نوجوان یا کودکی به مسجد می آید، اگر همه اهل مسجد (اعم از امام جماعت، مؤمنان، خادم و سایر افراد) به او احترام بگذارند، او احساس بزرگی و شخصیت می کند. با چنین کاری نه تنها زمینه جذب او به مسجد را فراهم آورده ایم، بلکه زمینه مناسبی برای آرامش مجموعه افراد حاضر در مسجد ایجاد کرده ایم. امام باقر علیه السلام می فرماید: «کودکانی را که در نماز جماعت شرکت می کنند از صف نماز جماعت خارج نکنید؛ بلکه آنان را (در میان بزرگسالان) پراکنده سازید»^۱.

د) ابراز محبت صادقانه

یکی از نیازهای روانی انسان، نیاز به محبت است. این نیاز ابتدا با کمک پدر و مادر و سپس در تعامل با برادر، خواهر، خویشان، همسالان و دیگران که فرد با آنها ارتباط دارد، تأمین می گردد. در آموزه های اسلامی، به دوستی با برادران دینی سفارش زیادی شده است؛ تا حدی که دوست داشتن برادران دینی جزء دین انسان شمرده شده است.^۲ همچنین، سفارش شده است که محبت خود را به برادر دینی مان ابراز کنیم.^۳ اگر ابراز محبت و دوستی با دیگران همراه با عمل انسان باشد، تأثیر آن بیشتر خواهد بود؛ برای مثال، با سلام، دست دادن و چهره ای متبسم با دیگران رو به رو شویم و هنگام مشکلات به دیگران کمک کنیم.

یکی از مهم ترین آثار محبت، تقویت بهداشت روانی برای افراد است و سیره ائمه معصوم علیهم السلام که اُسوه و الگوی ما هستند، چنین بوده است. وقتی کودکان و نوجوانان به مسجد می آمدند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از آنان استقبال می کردند و به آنها احترام می گذاشتند. روزی، آن حضرت با اینکه بر بالای منبر نشسته بودند و برای مردم سخن می گفتند؛ همین که دیدند امام حسن و امام حسین علیهم السلام وارد مسجد شدند، از منبر پایین آمدند و به استقبال آن دو بزرگوار رفتند.^۴

اگر امام جماعت، خادم و نمازگزاران مسجد به گونه ای رفتار کنند که چهار ویژگی مطرح شده را رعایت کنند، یعنی در گفتار و رفتار اهل مدارا باشند و به همگان احترام بگذارند و با محبت با دیگران رفتار کنند، مسجد به مکانی مناسب برای آرامش و آسایش روحی افراد تبدیل خواهد شد.

۱. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۳۸۰.

۲. شیخ صدوق، خصال، ج ۱۴۶۷.

۳. راوندی، نوادر، ص ۱۲، ج ۵۰۹.

۴. ممتحنه، آیه ۴.

۵. سجستانی ابی داوود، سنن ابی داوود، باب ۲۲۵.

بخش دوم: مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی در مسجد

برای تبیین تأثیر مسجد و نقش آن در فراهم‌شدن ارتباطات مناسب و در نتیجه بهداشت روانی، باید عوامل مهم بهداشت روانی در مسجد را توضیح دهیم:

۱- مناجات با خداوند

یکی از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی، راز و نیاز با خداوند بی‌نیاز است. از دیدگاه بسیاری از روان‌شناسان و جامعه‌شناسان، نیایش، نگرش مثبت به زندگی و کاهش ناهنجاری‌ها را موجب می‌گردد. هر کسی دست‌کم برای لحظه‌هایی، در این جهان پراز دحام، احساس غربت می‌کند. گاهی اوقات، هیچ همدمی نمی‌تواند غربت آدمی را برطرف کند؛ مگر نیایش با آفریدگار مهربان. در هیچ‌یک از فعالیت‌های روانی انسان، پدیده‌ای وجود ندارد که از نیایش عمیق‌تر باشد. نیایش، هوش و عقل آدمی را می‌شوراند و این شورش، چنان عظیم است که نه تنها درون ما را از آلودگی‌ها پاک می‌کند، بلکه در حالت نیایش، احساس می‌کنیم روح ما که با گسترش بر همه هستی، روزگار هجرانش سر آمده، با ورود به جذبه کمال الهی به آرامش نهایی رسیده است.^۱

خداوند متعال، در قرآن مجید، با مهر‌آمیزترین سخنان، انسان‌ها را به نیایش دعوت کرده است: «وَ إِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ؛ چون بندگان من از تو درباره من پرسند، [بگو] همانا من [به آنها] نزدیکم و دعای دعاکننده را وقتی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم. پس آنها نیز دعوت مرا اجابت کنند و به من ایمان بیاورند؛ باشد که راه یابند».^۲

با بررسی سیره عملی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام می‌بینیم که آنان به نیایش و راز و نیاز با خداوند اهتمام ویژه‌ای داشته‌اند و پیروان خود را نیز به ارتباط مستمر با خداوند سفارش می‌کردند. راز و نیاز با خداوند مصداق‌های فراوانی دارد؛ مثل نماز، دعا، اعتکاف و... در این مورد، چند روایت ذکر می‌کنیم:

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در روایتی می‌فرماید: «هر گاه به مسجد وارد می‌شوید ننشینید؛ مگر آنکه دو رکعت نماز بگذارید و بعد از آن، خداوند را بخوانید و بر پیامبر او و خاندانش درود بفرستید؛ به درگاه خداوند دعا کنید و نیاز خود را از او بخواهید».^۳

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در هنگام رویارویی با سختی‌ها به نماز پناه می‌برد.^۴

امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «هر گاه حاجتی از خداوند دارم، هنگام ظهر برای دعا به مسجد می‌روم».^۵

۱. نیایش امام حسین علیه‌السلام در صحرای عرفان، ص ۷۰.

۲. بقره، آیه ۱۸۶.

۳. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، ص ۱۴۴.

۴. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸، ص ۱۱۶.

۵. همان، ج ۴۷، ص ۳۴۷.

امام صادق (علیه السلام) در شبی از شب‌های قدر با آنکه به شدت بیمار بود، دستور داد وی را به مسجد ببرند تا در خانه خدا به دعا و عبادت پردازد.^۱

حضرت علی (علیه السلام) در موقیعت‌های مهم و دشوار به نماز پناه می‌برد و این آیه را تلاوت می‌فرمودند: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ از شکیبایی و نماز یاری بجوئید».^۲

امام صادق (علیه السلام) به اصحابش سفارش می‌فرمودند: «چرا در هنگام غم و اندوه وضو نمی‌گیرید، به مسجد نمی‌روید و برای رفع اندوه، دو رکعت نماز نمی‌خوانید؟! مگر نشنیده‌اید که خداوند فرموده است: «از شکیبایی و روزه و نماز یاری بجوئید».^۳

رابطه عاطفی که با راز و نیاز بین انسان و خداوند برقرار می‌شود، روح و روان آدمی را تقویت می‌کند و موجب آرامش وی می‌گردد. مسجد، زیارتگاه انسان با خداست. کسی که به مسجد می‌رود زائر و مهمان خداست. خداوند از زائر خود، به بهترین وجه پذیرایی می‌کند. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «بر شما باد که به مسجدها بیایید؛ آنها خانه‌های خدا در زمین هستند و هر کس پاکیزه به مسجد بیاید، خداوند گناهانش را پاک می‌گرداند و نام او در زمره زائران خود می‌نویسد».^۴

در روایت دیگری چنین آمده است: «خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خود وضو می‌گیرد و سپس مرا در خانه‌ام زیارت می‌کند؛ بی‌گمان، زیارت شونده زائر خود را بزرگ می‌شمارد و او را مورد لطف خود قرار می‌دهد».^۵

ارتباط با خداوند مهربان، در هر مکان و زمان، آرامش و بهداشت روان انسان را موجب می‌گردد؛ اما بهترین و مؤثرترین مکان برای ارتباط صمیمانه، عاشقانه و آگاهانه، خانه دوست، یعنی مسجد، است؛ زیرا مسجد یک مرکز ویژه برای ارتباط انسان با خداست.

۲- دوست داشتن خود و دیگران

یکی دیگر از عوامل بهداشت روانی، دوست داشتن خود و داشتن نگرش مثبت به خود و دیگران است. کسی که خود را دوست نداشته باشد، نمی‌تواند دیگران را دوست بدارد و نگرش مثبتی به دیگران داشته باشد. بنابراین، یکی از نیازهای روانی انسان، نیاز به محبت است که همواره به آن نیاز دارد.

۱. عاملی، الحر، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۵۳، ح ۸۷.

۲. بقره، آیه ۱۵۳.

۳. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۲، ص ۱۹۲.

۴. شیخ کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۷، ح ۷.

۵. عاملی، حر، وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، ح ۵.

در روایتی از پیامبر ﷺ نقل شده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْكُنُ إِلَى الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْكُنُ قَلْبُ الظَّمَانِ إِلَى الْمَاءِ الْبَارِدِ؛ به درستی که انسان مؤمن با برادر مؤمنش آرامش می‌یابد؛ چنان که قلب تشنه با آب خنک آرامش می‌یابد»^۱.

در دین اسلام، بر مسئله دوستی و محبت تأکید فراوان شده است و دوستی با مؤمنان از ضروریات ایمان شمرده می‌شود؛ چنان که نبی اکرم ﷺ فرمودند: «به بهشت وارد نخواهید شد، مگر اینکه ایمان بیاورید و ایمان نخواهید آورد، مگر آنکه یکدیگر را دوست بدارید»^۲.

آن حضرت در جایی دیگر فرمودند: «خدای تبارک و تعالی می‌فرماید: محبوب‌ترین بندگان نزد من کسانی هستند که برای من با یکدیگر دوستی می‌کنند، دل‌هایشان به مساجد پیوسته است و سحر گاهان به استغفار مشغول‌اند»^۳.

هر انسانی دوست دارد مورد احترام و محبت قرار گیرد و مؤثرترین عاملی که موجب دوستی می‌شود، محبت به دیگران و هم‌نوعان است؛ به خصوص محبت به مؤمنان. مسجد جایگاه تجمع انسان‌های صالح است. از این رو، هر مسلمان باید دوستان صمیمی و برادران ایمانی خود را از میان مسجدیان برگزیند. به دلیل صفات نیکی که در قرآن و احادیث در مقام اهل مسجد ذکر شده است، نباید نقش مسجد، کم‌اهمیت تلقی شود؛ زیرا نقش دوست خوب در سعادت انسان، نقشی ممتاز است و مسجد سرشار از انسان‌های نیک است.

۳- نظم و سازمان‌دهی در زندگی

سومین نقش مسجد در ایجاد بهداشت روانی، برقراری نظم و هماهنگی در زندگی است. نظم، از نیازهای روانی انسان است و هر کسی میل دارد زندگی خصوصی و جمعی خود را بر اساس نظامی مشخص تنظیم کند. بی‌نظمی، بر خلاف «طبیعت انسان» است. جهان هستی، بر اساس نظم استوار است. همه چیز در جهان، هماهنگ است و تخلف و انحراف از نظم، اختلال و آشفتگی را موجب می‌گردد. پیروی از نظم هستی، آرامش، اعتدال و سلامت را به دنبال دارد. به همین دلیل، هر کسی از بی‌نظمی و آشفتگی رویگردان است؛ زیرا بی‌نظمی، پریشانی روان انسان را موجب می‌گردد. در قرآن و روایات معصومان (علیهم‌السلام) بر مسئله نظم، تأکیدی زیادی شده است. در این خصوص، یک آیه و چند روایت ذکر می‌شود:

خداوند متعال در قرآن به اقامه نماز در وقت خاصش سفارش فرموده است: «حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ؛ بر

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۲۸۰.

۲. قشیری نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۷۴-۹۳، ح ۲۷۰.

۳. طبرسی رضی‌الدین، مکارم اخلاق، ج ۲، ص ۳۷۵.

اوقات نمازها مراقبت کنید»^۱.

حضرت علی علیه السلام در آخرین وصیت به فرزندانش، بعد از امر به رعایت تقوا و پرهیزکاری، می فرماید: «أَوْصِيكُمْ وَجَمِيعَ وُلْدِي وَأَهْلِي وَمَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي بِتَقْوَى اللَّهِ وَنُظْمِ أَمْرِكُمْ؛ شما همه فرزندان و هر کس که نامه ام به او می رسد را به ترس از خدا و نظم در کارها سفارش می کنم»^۲.

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید: «انسان مؤمن باید اوقات شبانه روز خود را به سه بخش تقسیم کند: بخشی از آن را برای مناجات با خداوند، بخشی را برای تأمین معاش و اصلاح زندگی و بخش سوّم را برای بهره بردن از لذت های حلال قرار دهد»^۳.

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «اجتهدوا في أن يكون زمانكم أربع ساعاتٍ: ساعةً لمناجاةِ الله وساعةً لامرّار معاشٍ وساعةً لمعاشرَةِ الاخوانِ والثقاتِ الذين يعرفونكم غيوبكم و يخلصون لكم في الباطنِ وساعةً تخلون فيها للذاتكم في غير محرّمٍ وبهذه الساعة تقدرون على الثلاثِ ساعاتٍ...؛ بکوشید تا فرصت های بیداری خویشتن را به چند بخش تقسیم کنید و از آنها برای ساختن دنیا و آخرت خود با کار و تلاش بهره گیرید:

(الف) بخشی را برای راز و نیاز با خدا و رابطه عاشقانه با او؛

(ب) بخشی را برای کار و تلاش و تأمین هزینه زندگی و ساختن اقتصاد سالم و پاینده؛

(ج) بخشی را برای همراهی و همنشینی با انسان های مورد اعتماد؛ با کسانی که اندیشه و عملکرد شما را آگاهانه و خالصانه مورد نقد قرار می دهند و کاستی ها را می گویند و در نهان و آشکار به شما اخلاص و صفا می ورزند.

(د) آخرین بخش را نیز برای تفریح و لذت های سالم قرار دهید که این بخش به شما نشاط و طراوت می بخشد و شما را برای انجام وظایف و عمل به برنامه روزانه نیز نیرو و توان می دهد»^۴.

درباره نظم در مسجد، روایاتی وارده شده است که به یک مورد اشاره می شود:

امام صادق علیه السلام در روایتی به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله می فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ وَامْسَحُوا بِمَنَّا كَيْبُكُمْ لِيَلَايَكُونَ فِيكُمْ خَلَلٌ وَلَا تَخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ أَلَا وَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ خَلْفِي...؛ صف هایتان را منظم کنید و شانها را به هم متصل کنید تا میان شما فاصله ای نباشد. نامنظم نایستید، در غیر این صورت،

۱. بقره، آیه ۲۳۸.

۲. دشتی، محمد، نهج البلاغه، خ ۱۵۷، ص ۴۹۹.

۳. نهج البلاغه، فیض الاسلام، ص ۱۲۴۱.

۴. حرّانی، حسین بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۹۴.

خداوند دل هایتان را با هم ناهماهنگ خواهد کرد...»^۱.

شاید این سخن پیامبر ﷺ که در احادیث فراوان دیگری نیز مکرر بیان شده است،^۲ به نکته‌ای روانی اشاره دارد که همان تأثیر نظم و انضباط، در وحدت و هماهنگی است. پیا داشتن نماز در صف‌هایی منظم و آراسته و با شانه‌های به هم پیوسته که بیشتر اوقات در مسجد و به جماعت برگزار می‌شود، علاوه بر آنکه شیاطین را افسرده و ناامید می‌کند، دل‌های مؤمنان نمازگزار را با یکدیگر مهربان می‌کند و به آنان رنگ وحدت و همدلی می‌بخشد.^۳

۴- وحدت و همدلی

همدلی و وحدت، از مهم‌ترین عوامل بهداشت روانی است که بسیاری از مشکلات را حل می‌کند؛ زیرا یکی از پایه‌های اساسی حل مشکلات روحی انسان، همدلی و تعاون است. اگر دو یا چند نفر با یکدیگر همدل و هم‌نظر شوند، می‌توانند با آرامش بیشتری با یکدیگر زندگی کنند. پایه همه ادیان الهی، بر وحدت استوار است. دین مقدس اسلام، بیش از دیگر دین‌ها به مسئله وحدت سفارش کرده است؛ چنان که قرآن می‌فرماید: «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا؛ به ریسمان الهی چنگ زنید و متفرق نشوید».^۴

حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «إِنَّ النَّفْسَ إِذَا تَنَاسَبَتْ ائْتَلَفَتْ؛ افراد بشر به هنگام تناسب فکری، با هم الفت پیدا می‌کنند».^۵

در روایت دیگر آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَاضُّعِ وَالتَّبَادُلِ وَإِيَّاكُمْ وَالتَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ؛ با یکدیگر رفت‌وآمد کنید و با هم سخاوتمند باشید و از جدایی و پشت کردن به یکدیگر بپرهیزید».^۶

پیامبر ﷺ می‌فرماید: «الْمُؤْمِنَانِ كَالْيَدَيْنِ يُغْسَلُ أَحَدَاهُمَا بِالْأُخْرَى؛ انسان‌های مؤمن همانند دو دست هستند که در شستشو، هر دو به یکدیگر نیاز دارند».^۷

یکی از برکت‌های حضور در مسجد، همکاری است که از عوامل وحدت‌آفرین و استحکام‌بخش جامعه به شمار می‌رود و در نماز جماعت، بیش از سایر عبادت‌ها، به چشم می‌خورد. در نماز جماعت، مراعات

۱. عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۲، از ابواب صلاة الجماعة، روایت ۴؛ همان منبع، ج ۸، ص ۴۲۴.

۲. عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۷۲، ابواب صلاة الجماعة.

۳. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۵۱.

۴. آل عمران، آیه ۱۰۳.

۵. آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، ص ۴۳۴، ج ۹۷۱۴.

۶. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۴۹؛ مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۲، ص ۲۵۶.

۷. همان، ج ۹، ص ۴۹.

حقوق دیگران، یاری رساندن به آنها و رسیدگی به مشکلات برادران دینی مطرح می‌شود. امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «به هم ببیوندید و به هم نیکی و مهربانی کنید»^۱.

۵- توکل

توکل، یکی دیگر از عوامل بهداشت روانی جامعه است. توکل، یعنی اعتماد به خداوند و واگذاری کارها به او؛ البته در کنار تلاش و حرکت انسان. تکیه کردن بر آنچه ناپایدار است به انسان احساس ناپایداری می‌دهد و آن که بر زمین سست ایستاده است، نمی‌تواند گام‌های استوار بردارد. کسی که پشتوانه‌ای همچون خداوند دانا و توانا دارد، به راحتی دچار مشکل روحی نمی‌شود و احساس بی‌پناهی نمی‌کند. توصیه قرآن به مؤمنان این است که بر خداوند توکل کنند و از او یاری بخواهند تا همواره در آرامش به سر ببرند. توکل بر خداوند سبب افزایش مقاومت انسان در برابر مشکلات و پرورش روحیه خودباوری و اعتماد به نفس انسان می‌شود؛ چنان که خداوند می‌فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ کسی که بر خداوند اعتماد کند، خداوند برای او کافی است»^۲.

خداوند متعال، نصرت مؤمنان را حقی بر عهده خود قرار داده است؛^۳ از این رو، اگر ما به او توکل و اعتماد کنیم، همواره ما را یاری خواهد کرد و این، آرامش روحی و روانی ما را موجب خواهد شد. البته، چنان که اشاره شد، توکل باید با تلاش و حرکت انسان همراه باشد. بنابراین، در روایت، توکل بدون تلاش مذمت شده است. حضرت علی (علیه السلام) از گروهی که در عین بر خورداری از سلامت جسمی، به جای تلاش و طلب معاش، در گوشه‌ای از مسجد نشسته بودند، پرسیدند: «شما چه کسانی هستید؟ جواب دادند ما توکل کنندگان بر خدائیم. حضرت فرمودند: شما سربار اجتماع هستید که از دسترنج دیگران روزی می‌خورید»^۴.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «...مَيِّمُونَ أَهْلَهَا... مَحْفُوظٌ أَهْلُهَا هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ وَاللَّهُ فِي حَوَاجِهِمْ هُمْ فِي مَسَاجِدِهِمْ وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ؛ اهالی مسجد مبارکند؛ آنها محفوظ هستند؛ وقتی اهل مسجد در حال نماز خواندن هستند، خداوند نیازهای آنان را برآورده می‌کند و مُشرف بر آنهاست»^۵.

در پایان این بخش، باید گفت که عوامل بهداشت روانی در مسجد، مصادیق زیادی دارد که بخشی از مهم‌ترین آنها بیان شد؛ اما به طور کلی می‌توان گفت بسیاری از اعمال مستحبی مسجد از عوامل بهداشت

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۲۶۹۰.

۲. طلاق، آیه ۳.

۳. همان.

۴. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۲۰، ح ۱۲۷۹۸.

۵. همان.

روانی هستند که برخی از آنها مربوط به امام جماعت و برخی دیگر مربوط به آن دسته از مأمومین است که به مسجد رفت و آمد دارند؛ به عنوان مثال: خواندن بعضی دعاها هنگام ورود به مسجد و خروج از آن؛ پوشیدن لباس پاکیزه و شایسته؛^۲ خوشبو کردن خود^۳ و مسجد؛^۴ روشن کردن چراغ در مسجد؛^۵ نظافت مسجد و نظافت پاها و کفش‌ها قبل از ورود به مسجد؛^۶ خواندن نمازهای یومیّه در مسجد؛ فاصله‌نیاندختن بین کسانی که در صف نماز جماعت ایستاده‌اند؛ رعایت نظم در صف‌های نماز جماعت؛ خواندن نماز جماعت برای کسی که قبل از برپایی نماز جماعت نمازش را فرادا خوانده است. همه این موارد^۷ در یک هدف با هم اشتراک دارند و آن اینکه همگی آنها بی‌شک در فراهم آوردن بهداشت روانی افراد در مسجد مؤثر هستند؛ زیرا ذکر خدا در دعاهای مسجد، توجّه و ارتباط بیشتر انسان با خداوند را موجب می‌گردد. در نتیجه، بهداشت روان انسان تأمین می‌شود. همچنین، پوشیدن لباس پاکیزه و خوشبو، علاوه بر ایجاد جذّابیت، آرامش روانی انسان را به دنبال دارد و شرکت در نماز جماعت و رعایت نظم در صفوف، اتحاد و همبستگی افراد را موجب می‌شود.

بخش سوم: آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد

هدف از آسیب‌شناسی بهداشت روانی مسجد دو چیز است:

۱. شناخت آسیب‌ها و پیشگیری از وقوع آنها در مسجد؛

۲. راهکارهای برطرف کردن آسیب‌ها.

در این بخش، در پی این هستیم تا مهم‌ترین آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد را بیان کنیم. اگرچه در ضمن بحث از آسیب‌های بهداشت روانی در مسجد، بسیاری از راهکارها نیز روشن می‌گردد؛ اما چون هر دو قسمت به تفصیل بیشتری نیاز دارد و تحقیق مستقلی را می‌طلبد، فقط به قسمت نخست می‌پردازیم. چنان‌که در بخش نخست بیان شد، پایه بهداشت روانی در انسان، تنظیم و متعادل نمودن ارتباط انسان با خود، خداوند و هم‌نوعان است؛ اما آنچه بهداشت روانی در مسجد را در معرض آسیب قرار می‌دهد، عوامل فراوانی است که در منابع اسلامی بیش از شصت مورد آن با عنوان مکروهات و محرّمات مسجد ذکر شده

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۳۰۹، ج ۲.

۲. همان، ج ۶، ص ۴۸۹، ج ۷.

۳. همان، ص ۵۱۷، ج ۵.

۴. متقی، هندی، کنز العمال، ج ۷، ص ۶۵۸، ج ۲۰۷۸۱.

۵. محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۸۵.

۶. عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۹.

۷. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۵۵، ج ۲۹.

۸. مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، ص ۲۳۹.

است. همه این موارد، در یک نکته مشترک هستند و آن نکته این است که همه آنها به نوعی در ارتباطات سه‌گانه و آرامش روحی و روانی انسان اختلال ایجاد می‌کنند. یکی از خصوصیات مهم مسجد، سکوت و فضای آرام‌بخش آن است که ویژگی ظاهری و معنوی آن، با ورود به مسجد احساس می‌شود. بنابراین، هر امری که فضای آرام‌بخش مسجد را برهم زند، مصداق آسیب بهداشت روانی مسجد خواهد بود.

علاوه بر این ویژگی، در اسلام، بر بهداشت فردی و اجتماعی و حضور با طهارت در مسجد تأکید زیادی شده است. همه این دستورها با بهداشت روان انسان ارتباط محکمی دارد و عدم رعایت آنها به بهداشت روانی او آسیب می‌رساند. اسلام، پیوند طهارت ظاهر و باطن را ناگسستنی می‌داند و برای بهداشت مسجد حکم‌های زیادی وضع کرده است. آدمی در محیطی پاکیزه قدرت و زیبایی الهی را نیکوتر می‌بیند و روح خویش را راحت‌تر به زلال طهارت باطنی می‌سپارد. مسجدی که همواره تمیز و معطر است، برای انسان جذاب‌تر است. در چنین مکانی، نمازگزار بهتر می‌تواند به عبادت با خدای خود بپردازد و با خالق خود، ارتباط بهتری داشته باشد.

با جمع‌بندی کلی آیات و روایاتی که درباره مکروهات و محرّمات مسجد بیان شده، می‌توان حکمت حرمت و کراهت این امور را در چند مورد خلاصه نمود:

۱. انجام برخی از این امور، غفلت از یاد خداوند را موجب می‌شود و با هدف حضور در مسجد، منافات دارد؛ زیرا مسجد خانه یاد خداست.^۱ به همین دلیل، روایات به ما دستور می‌دهند نباید در مسجد درباره مسائل مادی و دنیوی،^۲ مثل خرید و فروش^۳ صحبت کرد؛ زیرا فراموش کردن خدا و اخلال در کارکرد مسجد را باعث می‌شود.

۲. انجام برخی از این امور، آزار و اذیت دیگران و ضایع کردن حقوق آنها را موجب می‌شود؛ در روایات، انجام اموری مانند: بلند سخن گفتن،^۴ حضور یافتن با دهان بدبو،^۵ غصب کردن جای دیگران،^۶ اعلان نمودن گمشده^۷ و... در مسجد نهی شده است.

۳. بعضی از امور نهی شده، مواردی هستند که تصویری ناخوشایند و همراه با غم و اندوه از مسجد در ذهن

۱. بقره، آیه ۱۱۴.

۲. عاملی، خز، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۴.

۳. همان، ص ۲۳۳.

۴. همدانی، مصباح الفقیه، ج ۲، ص ۷۰۷.

۵. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۶، ص ۳۷۴.

۶. بهائی، محمد بن حسین عاملی، العروة الوثقی، ج ۱، فصل فی مکان المصلی، ص ۵۷۴-۵۷۵.

۷. عاملی، خز، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۳۶.

افراد می‌سازند؛ در روایات، انجام اموری مانند: نماز خواندن بر میّت، غسل دادن میّت، گدایی کردن، اجرای حدود و قصاص^۲ و... در مساجد نهی شده است. برگزاری مجلس ترحیم در مسجد نیز یکی از مصادیق بارز این امور است که اکنون در جامعه ما مرسوم است. همه این موارد، تنفّر و دوری افراد، به خصوص جوانان و نوجوانان، از مسجد به دنبال دارد؛ زیرا تصویری نامطلوب از مسجد در ذهن می‌سازند که بر بهداشت روحی و روانی افراد تأثیر منفی می‌گذارد.

۴. برخی از این موارد که از محرّمات مسجد است، با طهارت و قداست معنوی مسجد ناسازگار است و هتک حرمت و از بین رفتن طهارت مسجد را موجب می‌گردد؛ مثل: ورود مشرکان،^۳ نجس کردن مسجد،^۴ به همراه بردن اشیاء نجس،^۵ حضور در مسجد با حالت جنابت، حیض، نفاس.^۶ بدون تردید، رعایت نکردن آنها علاوه بر این که سبب هتک حرمت مسجد می‌گردد، بر آرامش روحی و بهداشت روانی انسان نیز تأثیر منفی می‌گذارد.

نتایج تحقیق

مسجد، کار کردها و ابعاد مختلفی دارد. یکی از مهم‌ترین آنها، نقش مسجد در بهداشت روانی انسان است که می‌توان دلایل زیر را برای آن بیان کرد:

۱. مسجد، اولین پایگاه و مرکز عبادی مسلمانان و بهترین مکان برای ارتباط با خالق مهربان هستی است؛ زیرا همه شرایط برقراری ارتباط خوب و قوی در آن مهیا است.
۲. مسجد، مهم‌ترین محلّ تجمع مسلمانان و سالم‌ترین مکان برای رفت‌وآمد و معاشرت با دیگران است؛ زیرا خانه خدا بر روی زمین^۷ است و قداست معنوی خاصی دارد. بنابراین، کسانی که به مسجد رفت‌وآمد بیشتری می‌کنند، مورد لطف و توجه ویژه خداوند هستند و یکی از مهم‌ترین برکت‌های آن، آرامش روح و بهداشت روان انسان است.
۳. بنا بر اتفاق نظر روان‌شناسان، یکی از عوامل مهم در تحقّق بهداشت روانی انسان، فضا و محیط است.

۱. شیخ کلینی، اصول کافی، ج ۳، ص ۱۸۲.

۲. عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۰۷، باب ۲۷.

۳. محدّث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۷۸ و ۳۸۱.

۴. بهائی، محمّد بن حسین عاملی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۸۵.

۵. عاملی، حرّ، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۲۹، ح ۶۴۱۰.

۶. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۷۱، ح ۲۵.

۷. شیخ صدوق، علل الشرایع، ص ۳۱۸، ح ۱.

مسجد به دلیل دارا بودن سکون و سکوت خاص معنوی و برخورداری از عوامل دیگری، مانند معماری هدفمند و کاربرد رنگ‌های آرامش‌بخش، در بهداشت روان انسان نقش مهمی دارد.

۴. بهداشت روان انسان، مانند بهداشت جسم، در معرض آسیب‌های زیادی است که مهم‌ترین آنها در عصر حاضر عبارت‌اند از:

الف) عواملی مانند تزئین غیرضروری و صرف هزینه‌های هنگفت زیباسازی مسجد، در بیشتر موارد، کاهش معنویت، غفلت انسان از توجه به خدا و یاد خداوند و اختلال در ارتباط با خالق هستی را موجب می‌شود.

ب) رعایت بهداشت ظاهری که مقدمه بهداشت معنوی و روحی در مسجد است، اهمیت فراوانی دارد و آرامش روحی و روانی انسان را موجب می‌شود و عدم رعایت آن، بهداشت جسمی و روحی انسان را در معرض آسیب قرار می‌دهد.

نکته پایانی اینکه مسجد می‌تواند در تقویت، اصلاح و تنظیم روابط سه‌گانه، نقشی بسیار مهم داشته باشد که نتیجه آن، تحقق بهداشت روان انسان است. البته، باید آسیب‌ها را شناخت و برای برطرف کردن آن تلاش نمود.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرامپور، ۱۳۸۰ ه.ش.
- دستی، محمد، نهج البلاغه، مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنان (علیه السلام)، ۱۳۸۰ ه.ش.
- فاضل، جواد، صحیفه سجّادیه، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۰ ه.ش.
۱. حسینی، دکتر ابوالقاسم، اصول بهداشت روان، نشر آستان قدس رضوی، ۱۳۸۵ ه.ش.
 ۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه باقر کمره‌ای، انتشارات اسوه، ۱۳۷۸ ه.ش.
 ۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، انتشارات دارالتراث، ۱۴۰۳ ه.ق.
 ۴. میلانی فر، دکتر بهروز، بهداشت روانی، نشر قومس، چاپ هشتم، ۱۳۸۴ ه.ش.
 ۵. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۰ ه.ش.
 ۶. طوسی، محمد حسن، تهذیب الأحکام، ۱۳۷۸ ه.ش.
 ۷. عبداللهی، دکتر محمد باقر، جان عبادات، نشر فارس الحجاز، ۱۳۸۷ ه.ش.
 ۸. شیخ صدوق، الخصال، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ه.ش.
 ۹. رابرت بولتون، روان‌شناسی روابط انسانی، ترجمه حمیدرضا سهرابی، ۱۳۸۶ ه.ش.
 ۱۰. انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، سفینه البحار، ۱۳۷۸ ه.ش.
 ۱۱. سجستانی ابی داوود، سنن ابی داوود، بیروت، دارالاحیاء السنه النبویه، چاپ ششم، ۱۳۰۲ ه.ق.
 ۱۲. نوبهار، عبدالرحیم، قم، سیمای مسجد، ۱۳۷۲ ه.ش.
 ۱۳. قشیری نیشابوری، مسلم بن حجّاج، صحیح مسلم، ۱۴۰۵ ه.ق.
 ۱۴. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ دهخدا، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش.
 ۱۵. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۰ ه.ش.
 ۱۶. معین، محمد، فرهنگ معین، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۵۰ ه.ش.
 ۱۷. فرهنگ مسجد، کاری گروهی از دفتر مطالعات و پژوهش‌های رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۸۵ ه.ش.
 ۱۸. نوبهار، عبدالرحیم، کوی دوست، قم، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ۱۳۷۶ ه.ش.
 ۱۹. نجاتی، عثمان، قرآن و روان‌شناسی، ترجمه عباس عرب، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۰ ه.ش.
 ۲۰. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی، علل الشرایع، ۱۳۸۳ ه.ش.
 ۲۱. _____، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ ه.ش.

۲۲. فیض کاشانی، ملامحسن، محجة البيضاء، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۲۳. نوری، میرزا حسین، (محدث نوری)، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۲۴. حیدری، جعفر، مسجد آرامش، سایت مرکز تحقیقاتی جواد الائمه علیهم السلام.
۲۵. رضی الدین طبرسی، مکرم الاخلاق، بیروت، انتشارات اعلمی، چاپ ششم، ۱۳۰۲ هـ.ق.
۲۶. آمدی، عبد الواحد، غررالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۲۷. شیخ حرّ، عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۲۸. حیدری، کبری، نقش مسجد در سلامت روانی جامعه، فروع مسجد، ج ۵.
۲۹. جعفری، محمد تقی، نیایش در صحرای عرفان، نشر آثار علامه محمد تقی جعفری، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۳۰. همدانی، رضا ابن محمد هادی، مصباح الفقیه، محقق: باقری، محمد، مؤسسه الجعفریه لاحیاء التراث، قم، ۱۳۷۶.
۳۱. بهائی، بهاء الدین محمد بن حسین عاملی، العروة الوثقی، قم، کتابفروشی بصیرتی، چاپ اول، ۱۳۹۰ هـ.ق.
۳۲. متقی هندی، کنز العمال، تصحیح: صفوه سقا، مکتبة التراث الاسلام، بیروت، چاپ اول، ۱۳۹۷ هـ.ق.
۳۳. حرّانی، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۳۴. راوندی کاشانی، سید جلیل ابوالرضاء ضیاء الدین فضل الله بن علی بن عبدالله، النوادر، قم، مؤسسه دارالحدیث، ۱۳۷۷ هـ.ش.

نقش مساجد در تأمین بهداشت روان انسان

حسین علوی مهر

چکیده

سلامت روحی و زندگی فارغ از نگرانی و اضطراب، یکی از آرزوهای دیرینه انسان و از نیازهای اساسی وی است. با وجود پیشرفت‌های علمی گوناگون و چشم‌گیری که برای آرامش انسان، به‌ویژه در زمینه‌های روان‌پزشکی و روان‌درمانی، صورت گرفته است، همچنان صاحب‌نظران عرصه بهداشت روان بر نیاز به دین تأکیدی فراوان دارند. شرکت در مراسم‌های دینی و حضور در مکان‌های مذهبی می‌تواند نقشی بسیار مؤثر در تأمین بهداشت روان انسان داشته باشد. این نوشتار، با نگاه به آیات و روایات، در صدد بیان نقش مسجد در تأمین بهداشت روانی است. همچنین، به راهکارهای معرفتی، عاطفی و رفتاری اشاره کوتاهی می‌شود. ارتباط وثیق مسجد با ایمان به خدا، ذکر خدا، اعتقاد به قضا و قدر و رضایت از زندگی، برخی از مهم‌ترین راهکارهای معرفتی است که در نقش‌آفرینی مسجد برای بهداشت روانی تأثیر دارد. همچنین، حضور انسان در مسجد و اجرای کارهایی عاطفی، مثل دعا خواندن و توبه کردن نیز تأثیری بسزادر پاک‌سازی روح آدمی دارد. علاوه بر آن، می‌توان به نقش مسجد در ایجاد راهکارهای رفتاری، مانند حجاب، ازدواج، کار، رابطه اجتماعی مناسب و آراستگی اجتماعی اشاره کرد.

واژگان کلیدی:

مسجد، بهداشت روان انسان، راهکارهای ایجاد آرامش، پاداش رفتن به مسجد.

مسجد، مهم‌ترین مکان مذهبی است که کارکردهای متعددی در زمینه بهداشت روان دارد. تحقیقات نشان می‌دهد که حضور در مسجد می‌تواند در از بین بردن برخی مشکل‌ها، مانند احساس تنهایی، غم و اندوه، بسیار مؤثر باشد. امید به زندگی و استجابیت دعا، احساس اعتماد و تکیه به خداوند، جلب محبت خداوند با نیایش (به‌ویژه به صورت دسته‌جمعی) و تقویت خیرخواهی و نوع دوستی به وسیله ارتباط با دیگر مسلمانان، از نتیجه‌های مثبت مسجد است.

سلامت روح، آرامش خاطر و زندگی فارغ از نگرانی و گرفتاری از نیازهای اساسی بشر هستند. روان‌شناسان برای تأمین بهداشت روانی افراد تلاش می‌کنند که باورها، عواطف و رفتارهای نادرستی را بشناسند که باعث بیماری‌ها و ناراحتی‌ها می‌گردد. آنها در پی تغییر این عامل‌ها و یافتن قاعده‌هایی برای زیست بهتر هستند. یکی از بهترین راه‌ها برای این مقصود عمل به فرمان خالق روح انسان است؛ زیرا او نیازهای انسان و قوانین حاکم بر جهان را بهتر از هر کس دیگری می‌داند. بسیاری از روان‌شناسان به این نتیجه رسیده‌اند که تنها روزنه امید برای رهایی از ناراحتی‌ها، ایمان به خدا و اعتقاد به قدرت مافوق انسان است. معبد در ادیان و به‌ویژه مسجد در اسلام، بهترین مکان برای حفظ ایمان، اعتقاد به خدا و ارتباط با مبدأ قدرتمند و مافوق انسانی است. بشر باید در راستای نیازهای مادی، برای نیازهای روحی و روانی خود نیز تلاش کند. روح بشر به نظام اخلاقی، ایمان، اعتقاد و محبت نیاز دارد. انسان، محتاج تکیه‌گاهی است که به او توکل کند و از او کمک بخواهد. این موارد، به منزله مواد لازمی است که برای روح ضروری است و اگر تعادل آن به هم بخورد، دیگر هیچ چیز نمی‌تواند مایه خوشی و آرامش شود.^۱

این مقاله در صدد ارائه تأثیرات مسجد در تأمین بهداشت روانی است. از مجموعه برخی آیات و روایات، درمی‌یابیم که مسجد می‌تواند در سه راهکار «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» بر روح انسان تأثیر بگذارد که با توضیحی مختصر بدان اشاره می‌کنیم.

مبحث اول: کلیات (مفهوم‌شناسی)

مسجد

در لغت، «مسجد» اسم مکان یا زمان، مشتق از «سَجَدَ» است و مسجد به مکانی می‌گویند که در آن، خداوند سجده و عبادت می‌شود.^۲ از این رو، مسجد، محل حصول قرب الهی و مکان از بین بردن خودخواهی

۱. صناعی صفدر، آرامش روانی و مذاهب، ص ۶.

۲. شهید مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۲۰.

۳. ابن منظور، لسان العرب ماده مسجد، ج ۶ ص ۱۷۵.

و تاریکی‌هاست و سزاوار است که انسان به مسجد روی آورد تا قرب الهی را تحصیل کند و از غیر خدا منقطع گردد و نفس خود را از عیوب پاک کند.^۱

از نظر «شرعی» نیز مسجد به مکانی گفته می‌شود که مخصوص نماز و عبادت خداوند است و ورود به آن شرایطی دارد که در کتاب‌های فقهی بیان شده است. مرحوم صاحب جواهر می‌نویسد: «و المراد بالمسجد شرعاً المكان الموقوف علی كافة المسلمين للصلاة؛ مقصود از مسجد در اصطلاح شرعی، مکانی است که برای اقامه نماز تمام مسلمانان وقف شده است».^۲

بهداشت روان

در تعریف بهداشت روانی چنین گفته شده است: «استعداد روان برای هماهنگ و خوشایند بودن و مؤثر کار کردن در موقعیت‌های دشوار و انعطاف‌پذیر بودن و توانایی داشتن برای بازیابی تعادل خود».^۳

طبق این تعریف، شخصی که بتواند با محیط خود (اعضای خانواده، همکاران، همسایگان و به طور کلی اجتماع) خوب باشد، از نظر بهداشت روانی «به‌هنجار» خواهد بود. این شخص با تعادل روانی رضایت‌بخشی رفتار، تعارض‌های خود را با دنیای بیرون و درون حل خواهد نمود و در مقابل ناکامی‌های اجتناب‌ناپذیر زندگی مقاومت خواهد کرد.^۴

منظور از تأثیر مسجد در بهداشت روان این است که فرد با مهم‌ترین نماد دینی یعنی مسجد، خود را هماهنگ کند و تعارض‌های خود را با دنیای بیرون و درون حل نماید و در مقابل ناکامی‌ها، یأس‌ها و مشکلات اجتناب‌ناپذیر زندگی مقاومت نشان دهد و مسجد در روح او تأثیر بگذارد.

جایگاه مسجد

مسجد مکان یاد خدا،^۵ خانه خدا در زمین، محل توجه به خدا،^۶ جایگاه مطهران و راستگویان،^۷ منزلگاه

۱. مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن، ماده مسجد، ج ۵، ص ۵۵.

۲. نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۹.

۳. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ص ۱۰ (برگرفته از فرهنگ روان‌شناسی لاروس).

۴. همان.

۵. بقره، آیه ۱۱۴: «مَسْجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ».

۶. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۶۵۹۰: «عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ عَلِيُّكُمْ يَا بَنِيانَ الْمَسَاجِدِ فَإِنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ».

۷. اعراف، آیه ۲۹: «وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ».

۸. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۷۴.

پیامبرانی، همچون حضرت ابراهیم و خضر، مکانی برای کسب دانش، بازار آخرت، آخانه‌های پرهیزگاران و مؤمنان^۴ است. این وصف‌های مسجد، به خوبی ماهیت مسجد و جایگاه آن را برای ما روشن می‌سازد که دارای ماهیت عبادی و مکانی برای پرهیزگاران و ارتباط معنوی بین بنده و معبود است. همچنین، مسجد از آغاز پیدایش نقشی ویژه در فرهنگ و تمدن اسلامی، به‌ویژه در تربیت دینی مسلمانان داشته است و یکی از مکان‌های پر رونق تربیت فکری در سرزمین‌های اسلامی بوده است.

مبحث دوم: مسجد، بهداشت روان و راهکارها

در میان مسلمانان، مسجد بهترین مکان برای عبادت و ذکر و تسبیح خداوند است. فضای مسجد، فضایی نورانی و الهی است و بر همین اساس، بر روح انسان تأثیر گذار می‌گذارد. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بَيْتَهُ ضَمِنَ اللَّهُ لَهُ بِالرَّوْحِ وَالرَّاحَةِ؛ هر کس که مساجد را خانه خودش قرار دهد، خداوند آرامش روحی و روانی را برای او ضمانت می‌کند»^۵.

در روایتی دیگر پیامبر اسلام ﷺ مسجد را مایه آرامش اهل آن معرفی می‌کند و می‌فرماید: «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَجَلِسٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَيَتَدَارِسُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمُ السَّكِينَةُ وَغَشِيَتْهُمُ الرَّحْمَةُ وَذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِيمَنْ عِنْدَهُ؛ گروهی در مسجدی از مساجد الهی برای تلاوت و آموزش قرآن نمی‌نشینند، مگر آنکه آرامش بر ایشان نازل و رحمت الهی شامل حال آنها شود»^۶.

هر دو روایت به خوبی نشان می‌دهد که حضور در مسجد، آسایش روحی و روانی، سکینه الهی را به همراه دارد.

راهکارهای ایجاد آرامش

در اینکه مسجد، چگونه آرامش روح می‌آورد و روان انسان را سیراب می‌کند، راهکارهایی وجود دارد. حال، به مهم‌ترین راهکارهایی می‌پردازیم که برای کسب این آرامش وجود دارد:

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۳۳۴، ج ۹۷، ص ۴۳۶، ج ۷، باب مسجد السهلة وسائر المساجد؛ «مَسْجِدُ السَّهْلَةِ... فَلَنْ يَكُونَ مَنْزِلُهُ جُلُوتًا فِذَا كُنَّ قَالَ نَعْمَ كَانَ فِيهِ مَنْزِلٌ إِدْرِيْسُ وَكَانَ مَنْزِلُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ الرَّحْمَنِ وَمَاتِعَتْ اللَّهُ نَبِيًّا أَلَا وَقَدْ صَلَّى فِيهِ وَفِيهِ مَسْكَنُ الْخَضِرِ».

۲. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۶.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، ج ۱۵۳۳۴، باب استحباب الاختلاف إلى المسجد؛ «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: الْمَسَاجِدُ سُوقٌ مِنْ أَسْوَاقِ الْآخِرَةِ قِزَازِهَا الْمَغْفِرَةُ وَتُحَفِّثُهَا الْجَنَّةُ».

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ج ۱۸، باب استحباب الاختلاف إلى المسجد؛ «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ».

۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۶. همان، ص ۳۶۳.

۱. راهکارهای معرفتی

منظور از معرفت، شناخت خود، خدا و نیز جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. شناخت صحیح و ارزشیابی دقیق انسان از رویدادهای زندگی، می‌تواند نقشی بسیار مهم در سلامت روحی داشته باشد. دنیا، همیشه همراه با گرفتاری‌هاست؛ اما این مشکلات به‌طور مستقیم انسان را ناراحت نمی‌کنند؛ بلکه طرز تفکر و نحوه برخورد فرد با مشکل است که اهمیت دارد و می‌تواند زندگی فرد را از مشکل رها سازد. برای مثال، اگر فرد بیمار از خوردن برخی غذاها پرهیز کند یا داروهای تلخ و تند را بخورد، بهبود می‌یابد و چه بسا به جای ناراحت شدن از تلخی دارو، خوشحال هم باشد که بیماری را از خود دور کرده است.

این همان شناختی است که می‌تواند راه صحیح زندگی را به انسان بیاموزد و نیز با تغییر شناخت، از شناخت مادی به سوی اعتقاد به خداوند و شناختن این که جهان، فعل خداوند و ناشی از اراده اوست، می‌توان بهداشت روانی افراد را تأمین کرد. رابطه و انس فرد با مسجد، در بسیاری از مؤلفه‌های معرفتی، مانند ایمان و اعتقاد صحیح، کسب دانش و غیره می‌تواند نقشی اساسی و تقویت‌کننده ایفا کند.

۲. راهکارهای عاطفی

منظور از راهکارهای عاطفی، مؤلفه‌هایی است که احساسات فرد را نشان می‌دهد؛ مانند ترس، وحشت، شادی، غم و رضایت.^۲ گرایش‌های عاطفی افراد نیز همواره بر نگرش‌های شناختی آنها مبتنی است. برای مثال، افراد با ایمان در آرامش روحی و روانی به‌سر می‌برند و همواره نوعی رضایت در آنان به چشم می‌خورد.^۳ ارتباط با مسجد هم، می‌تواند نقشی مستقیم و اساسی در شادی، نشاط و امیدواری افراد داشته باشد.

۳. راهکارهای رفتاری

منظور، رفتار و اعمالی است که افراد بر اساس نگرش‌های شناختی و عاطفی انجام می‌دهند؛ مثل بسیاری از وظایفی مانند: استعانت از نماز و صبر، استفاده از روزی‌های پاک و حلال که خداوند برای افراد مؤمن مقرر می‌فرماید.^۴ با توجه به عقاید انسان و احساسات صحیح عاطفی، ارتباط با مسجد در این گونه موارد تأثیری مثبت دارد.

۱. شجاعی، محمدصادق، توکل به خداوند، ص ۳۹.

۲. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناختی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۳۷.

۳. خوشبختی با نگرش دینی، ص ۹۱-۹۲.

۴. آذربایجانی، مسعود و دیگران، روان‌شناختی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، ص ۱۴۱.

کسب روزی پاک با وجود ارتباط با مسجد و آموزه‌هایی که در این باره وجود دارد، با کسب روزی از شیوه‌های دیگر متفاوت خواهد بود. همچنین، حضور زنان در مسجد با لباسی خاص، نقشی مهم در شخصیت آنان دارد. به همین ترتیب، آراستگی مردان و لباس‌های نظیف و زیبا پوشیدن و استعمال بوی خوش و نیز روابط اجتماعی مناسب با افراد مسجدی، می‌تواند شخصیت رفتاری انسان را زیباتر کند.

مبحث سوم: تبیین راهکارهای سه‌گانه

الف) نقش مسجد در راهکارهای معرفتی

۱. ایمان به خداوند

مسجد، نماد رابطه انسان با خداست و حضور در آن نشانه‌ای از ایمان به خداوند است. رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «وقتی مردی در رفت و آمد به مسجد مداومت دارد، گواه دهید که او فردی مؤمن است»^۱. بنابراین، مداومت رفتن به مسجد، نشانه ایمان به خداست و افراد با ایمان روحی، مطمئن‌تر، اعصابی آرام‌تر و قلبی سالم‌تر دارند؛ زیرا انسان مؤمن همواره مورد لطف الهی قرار می‌گیرد و خداوند آرامش بر آنان نازل می‌کند قرآن می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُذْأَبُوا إِيمَانًا مَعَ إِيْمَانِهِمْ؛ او کسی است که آرامش را در دل‌های مؤمنان نازل کرد تا ایمانی بر ایمان‌شان بیفزاید»^۲. استاد مطهری؛ می‌نویسد: «آمار نشان می‌دهد که همه بیماران روانی یا بیشتر آنان در میان طبقه‌های هستند که از ایمان به خدا و اعتقاد خالص به مبدأ متعال بی‌بهره‌اند. منشأ این بیماری‌های روانی احساس محرومیت‌ها و مصونیت‌های اجتماعی است. ایمان، حکم داری پیش‌گیری را دارد. با وجود ایمان، محرومیت‌ها انسان را از پا در نمی‌آورد و تعادل او را محفوظ می‌دارد»^۳.

۲. ذکر و یاد خدا در مسجد

مسجد، بهترین محل برای ذکر خداست و ذکر، هم ذکر لفظی و هم ذکر معنوی را شامل می‌شود. خداوند می‌فرماید: «أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ؛ هنگام عبادت در هر مسجدی به سوی او توجه کنید، او را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید»^۴.

۱. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۲۷۸۶؛ قَالَ النَّبِيُّ ﷺ: إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَتَقَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَغْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ.

۲. فتح، آیه ۴.

۳. مطهری، مرتضی، بیست گفتار، ص ۲۲۸.

۴. اعراف، آیه ۲۹.

خداوند متعال یکی از ویژگی‌های مسجد را ذکر و یاد خدا و نام خداوند معرفی می‌کند: «مَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ مساجدی که نام خدا در آن بسیار برده می‌شود». همچنین، خداوند بزرگ‌ترین ظلم و ستم را ممانعت از ذکر نام خدا در مسجد می‌داند. مسجد، خانه‌های نورانی خداوند است و خدا رخصت داده است که ساخته شوند و نامش در آنجا برده شود و مردم بامدادان، عصر گاهان و شب‌هنگام خدا را در آنجا تسبیح می‌گویند.^۳ به همین دلیل، رسول خدا ﷺ فرمود: هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد؛ خواندن قرآن، ذکر خدا، پرسش از علم.^۴

همچنین، در روایتی آمده است که مردی از رسول خدا ﷺ پرسید: بهترین اهل مسجد چه کسانی‌اند؟ حضرت فرمود: آنان که بیشترین ذکر را برای خدا بگویند.^۵

استاد مطهری رحمته در این باره می‌نویسد: «اگر بشر خیال کند که با رسیدن به ثروت و رفاه به مقام آسایش می‌رسد و از اضطراب و ناراحتی و شکایت بیرون می‌آید، اشتباه کرده است. فقط با یاد خداست که دل‌ها آرامش پیدا می‌کند. بسیاری از مکتب‌ها، تکیه روی دور ماندن انسان از اصل خود دارند. مکتب‌های دیگری هستند که تکیه انسان، روی درد انسان است برای خلق خدا، نه درد انسان برای خدا. دیگری می‌گوید: انسان و سوومی می‌گوید: خدا و انسان؛ در حالی که خدا و انسان از یکدیگر جدا نیست تا خدا نباشد، انسان هم نیست، تا آن درد، خدایی را که در انسان است نشانسد و تا انسان به سوی خدا نرود، درد انسانی او هم به جایی درمان نخواهد شد. انسانیت، درد خداست؛ درد انسان از درد خدا [داشتن] است». بنابراین، چون مسجد محل ذکر خدا، قرائت قرآن و نماز است، بهترین مکان نیز برای آرامش دل خواهد بود.

۳. علم و کسب دانش

یکی از کارکردها و نیز آثار بسیار مهم حضور در مسجد، «تعلیم و تعلم» است. نادانی، بزرگ‌ترین دشمن انسان است. از این رو، اسلام از همان آغاز بر علم و دانش تأکید نموده است و نخستین آیاتی که بر پیامبر اسلام ﷺ نازل شد، درباره قلم بود. پیامبر اسلام ﷺ و امامان معصوم علیهم‌السلام تحصیل دانش را از مهم‌ترین

۱. حج، آیه ۴۰.

۲. بقره، آیه ۱۱۴: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَتَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمَهُ وَ سَعَى فِي خَرَابِهِ».

۳. نور، آیه ۴۶: «فِي بُيُوتِ الَّذِينَ تُرْفَعُونَ يَذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْعُدْوَةِ وَالْوَالِصَالِ».

۴. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۸۰، ۱۷، باب استحباب الجلوس فی المسجد، «يَأْتِي أَذْكَرُ جُلُوسٍ فِي الْمَسْجِدِ لِقَوْلِهِ إِلَّا ثَلَاثَةَ قِرَاءَةٍ مُضِلًّا وَ ذَاكِرًا لِلَّهِ تَعَالَى أَوْ مُسَائِلٍ عَنْ عِلْمٍ».

۵. الکافی، ج ۲، ص ۴۹۸، ح ۸۹۵، باب ذکر الله عزوجل کثیراً؛ «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى النَّبِيِّ ﷺ فَقَالَ مَنْ خَيْرُ أَهْلِ الْمَسْجِدِ، فَقَالَ أَحْكَمُهُمْ لِلَّهِ ذِكْرًا».

۶. مطهری، مرتضی، انسان کامل، ص ۹۶.

۷. علق، آیه ۱ تا ۵.

ویژگی‌های هر مسلمان بر شمرده و مسلمانان را بر دانش‌اندوزی تشویق می‌کردند. بر همین اساس، مسجد در آن دوره، مهم‌ترین مرکز اجتماعات علمی-آموزشی بوده است و این ویژگی در قرن‌های متمادی به حیات خود ادامه داده است.

امام علی علیه السلام یکی از آثار هشت‌گانه رفت‌وآمد به مسجد را دست‌یابی به علم و دانش نو و تازه می‌داند.^۱ روزی سول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد، دو گروه را مشاهده کردند؛ گروهی به بحث‌های علمی می‌پرداخت و گروه دیگری به دعا و عبادت مشغول بودند. از حضرت سؤال کردند، [کدام مجلس بهتر است] فرمود: هر دو مجلس کار نیک انجام می‌دهند؛ اما آن گروهی که دانش فرامی‌گیرند و به دیگران می‌آموزند، بافضیلت‌ترند و من برای یاد دادن مبعوث شده‌ام؛ سپس، به همان گروه پیوستند.^۲

مسجد و تعلیم قرآن

امام صادق علیه السلام تلاوت و آموزش قرآن را مایه آرامش قلبی انسان می‌داند و می‌فرماید: هیچ گروهی در مسجد برای تلاوت کتاب خدا و آموزش و تعلیم نمی‌نشینند، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فرامی‌گیرد و فرشتگان آنان را در بر می‌گیرند.^۳ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله کسانی را که در مسجد به بحث و تعلیم قرآن می‌پردازند، میهمانان خدا می‌نامد و می‌فرماید: تا زمانی که به مباحثه‌های علمی مشغول هستند، فرشتگان آنان را حمایت و حفاظت می‌کنند.^۴

این روایات یکی از مهم‌ترین کارکردها و آثار معرفتی مسجد را که تعلیم و تعلم است، مطرح نموده تا افراد روح و فکر خود را تقویت و قلب خود با علم و دانش آرامش بخشند. بر همین اساس، یکی از زیرمجموعه‌های مهم مسجد، کتابخانه و محل مطالعه و درس و بحث بوده است.

«مارسل بوزا» اسلام‌شناس سوئیسی می‌نویسد: «تأسیس کتابخانه‌ها و شبستان و تالار اجتماعات در مساجد این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصر برای نماز

۱. لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۳۷، ح ۷۱۳، باب فضل المساجد و حرمتها؛ کان أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام يَقُولُ مَنِ اخْتَلَفَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى الثَّمَانِ أَخَا مُسْتَفَادِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عَلِمًا مُسْتَظَرًّا أَوْ آيَةَ مُحْكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُنْتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ زَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدًى أَوْ يَتْرُقُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حَيَاءً».

۲. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۶؛ فَإِذَا فِي الْمَسْجِدِ مَجْلِسَانِ مَجْلِسٌ يَتَفَقَّهُونَ وَ مَجْلِسٌ يَدْعُونَ اللَّهَ وَيَسْأَلُونَهُ فَقَالَ كِلَا الْمَجْلِسَيْنِ إِلَى خَيْرٍ أَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَدْعُونَ اللَّهَ وَأَمَّا هَؤُلَاءِ فَيَتَعَلَّمُونَ وَ يَفْقَهُونَ الْجَاهِلُ هَؤُلَاءِ أَفْضَلُ بِالتَّعْلِيمِ أُرْسِلْتُ ثُمَّ قَعَدَ مَعَهُمْ».

۳. عوالم الآلی، ج ۱، ص ۲۷۵، ۳۷۸؛ مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، ۳۷۸؛ باب استحباب الاختلاف إلى المسجد؛ «عَنِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله قَالَ مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ لِلَّهِ تَعَالَى يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَذَرِشُونَهُ بَيْنَهُمْ إِلَّا تَنَزَّلَتْ عَلَيْهِمْ وَ حَفَّتْهُمُ الْمَلَائِكَةُ».

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳، ۳۷۸؛ باب استحباب الاختلاف إلى المسجد؛ «مَا جَلَسَ قَوْمٌ فِي بَيْتٍ مِنْ بَيْتِ اللَّهِ يَذَرِشُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَ يَتَعَلَّمُونَ بَيْنَهُمْ إِلَّا كَانُوا أَصْيَافَ اللَّهِ تَعَالَى وَ أَظَلَّتْ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ بِأَخْبَحَتِهَا مَا دَامُوا فِيهِ حَتَّى يَخُوضُوا فِي حَدِيثِ غَيْرِهِ».

نیست، بلکه به طور یقین یکی از مراکز مهم فرهنگی اسلام است.^۱
حضور دانشمندان اسلامی در مساجد و وجود کتاب‌های مفید بدون تردید، در قرون متمادی پاسخ‌گوی پرسش‌های فراوانی بوده است که اقشار مختلف مردم در مسجد به دنبال پاسخ‌های آن بوده‌اند.

۴. مسجد و کسب رضایت الهی

رضایت از آنچه خداوند برای انسان مقدر ساخته است، موجب ایستادگی و مشکلات زندگی فرد و درمان بسیاری از دردهای جسمی و روحی است. امام حسین (علیه السلام) با وجود آن همه سختی‌های شدید زندگی (با این اندیشه که در جست‌وجوی رضایت الهی هستم)، به هنگام شهادت فرمود: «الهی رضا بقضائك»^۲ و همه سختی‌ها را بر خود آسان کرد.

رضایت الهی در زندگی در تأمین بهداشت روانی افراد نقشی مهم دارد؛ زیرا اگر حادثه‌ای پیش بیاید و خدای متعال مانع رخ دادن حادثه نشود، درمی‌یابیم که مصلحت در وقوع آن حادثه بوده است. اگر انسان به این حقیقت ایمان داشته باشد، به دنبالش «خلق توحیدی» هم پیدا می‌شود؛ یعنی انسان پس از وقوع حادثه بد هم ناراضی نباشد و آن را ناشی از مصلحتی نامعلوم بداند که فقط خدا از آن آگاه است.^۳

رفت و آمد به مسجد، ارتباط با خدا و تفکر درباره او به اتکاء به خدای بزرگ می‌انجامد. انسان درمی‌یابد که همه قدرت‌ها و مکتب‌ها در دست خداست. حضور در مسجد به آدمی نشان می‌دهد در حقیقت مسبب اصلی خداست و ناکامی‌ها و ناملایمت‌ها خواست خداوند و اقتضای طبیعی زندگی است.

امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: من، نشستن در مسجد جامع را بهتر از نشستن در بهشت می‌دانم؛ زیرا نشستن در بهشت رضایت نفس من است؛ اما نشستن در مسجد جامع رضایت پروردگار من است.^۴ این نشستن، اگر همراه با تفکر و اندیشه به معبودی باشد که قادر بر همه چیز است، می‌تواند همه مشکل‌ها را آسان کند. امام علی (علیه السلام) در سخنی دیگر می‌فرماید: «الرِّضَا بِقَضَاءِ اللَّهِ يُهَوِّنُ عَظِيمَ الرَّزَايَا؛ راضی بودن به قضای الهی، سختی‌ها و مشکلات را آسان می‌کند».^۵

امیر مؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ وَتَّقِ بِأَنَّ مَا قَدَّرَ اللَّهُ لَهُ لَنْ يَفُوتَهُ اشْتِرَاحَ قَلْبُهُ؛ هر کس به این نکته اعتقاد

۱. مارسل بوزا، اسلام در جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

۲. سیدبن طاووس، اللهوف، ص ۵۳.

۳. مطهری، مرتضی، انسان و سرنوشت، ص ۹۸.

۴. إرشادالقلوب، ج ۲، ص ۲۱۸؛ «الجلسة فی المسجد خیرلی من الجلسة فی الجنة فإن الجنة فیها رضاء نفسی والجامع فیها رضاء ربی».

۵. غررالحکم، ص ۱۰۳.

داشته باشد که هر چه برای او مقدر شده است از بین نمی‌رود، قلب او آرام می‌گیرد».^۱

ب) راهکارهای عاطفی

۱. دعا و درخواست از خدا

انسان عصر حاضر، با وجود همه پیشرفت‌ها و تسلط بر تکنولوژی‌ها و طبیعت، باز هم در وجود خویش احساس ضعف می‌کند و به هنگام سختی‌ها و مشکلات می‌خواهد به قدرتی ماوراء طبیعت پناه ببرد. این ضعف باعث احساس محرومیت می‌شود که می‌تواند بهداشت روانی فرد را تحت تأثیر قرار دهد؛ زیرا اگر شخص احساس بیچارگی و تنهایی کند، زمینه بروز اضطراب ایجاد می‌شود.^۲

ادیان الهی، به‌ویژه اسلام به این نیاز بشر پاسخ گفته‌اند و راه‌حلی مناسب پیشنهاد کرده است. اسلام، انسان را به دعا و انس با خداوند تشویق می‌کند؛ زیرا دعا و پیوند عاطفی با خداوند، انسان را از تنهایی می‌رهاند. به قول «الکسیس کارل»، دعا پرواز روح است؛ دعا اظهار عبودیت است و دعا کمال انسانیت است. دعا برقرار شدن پیوند بنده با خدا است؛ پیوندی که قطع ناشدنی است.^۳

دعا و نیایش در مسجد

هر چند دعا و درخواست از خداوند مکان‌مند نیست، اما در برخی مکان‌ها تأکید بیشتری بر آن شده است و امکان اجابت، افزون‌تر است. «مسجد» مکان ویژه عبادت و ارتباط با خدا است. از این رو، خداوند ما را دعوت می‌کند که به مسجد برویم و با اخلاص او را بخوانیم. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ ادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»؛ در هر مسجدی به سوی او توجه کنید و او را بخوانید و دین خود را برای او خالص کنید.^۴

خداوند نیز به افرادی که در مسجد بیایند و با اخلاص او را بخوانند، عنایتی ویژه خواهد کرد؛ زیرا خود دعوت کرده است و خود نیز پاسخ میهمان را خواهد داد. امام صادق (علیه السلام) ضمن اینکه مسجد را خانه خدا معرفی می‌کند و می‌فرماید هر کس با طهارت به مسجد برود، آمرزیده است: «فَأَكْثِرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ

۱. همان.

۲. شاملو، سعید، بهداشت روانی، ص ۲۳۲.

۳. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، ص ۴۸.

۴. اعراف، آیه ۲۹.

الدُّعَاء؛ در آنها نماز و دعا زیاد بخوانید»^۱.

خداوند از مسجد و اهل آن محافظت می‌کند. مسجد از مکان‌های پر برکت و فرخنده روی زمین است.^۲ به همین دلیل، شایسته است که انسان در خواست‌های خود را در مسجد از خداوند بخواهد و خداوند وعده داده است یاور و پشتیبان آنانی باشد که در مسجد هستند.^۳

امام صادق (علیه السلام) به افرادی که به مسجد می‌روند، این امید را می‌دهد که به خانه باز نمی‌گردد، مگر اینکه دعاهای او به گونه‌ای به اجابت رسیده است؛ بدین نحو که خداوند به برکت آن دعا او را به بهشت می‌برد یا به سبب آن بلای دنیا را از او دور می‌کند.^۴

مسجد و نیایش دسته جمعی

تأکید اسلام بر ارزش‌گذاری نماز جماعت، حضور در نمازهای جمعه و نماز باران و آوردن کودکان به مسجد می‌تواند حاکی از این مسأله باشد که حضور در اماکن مقدّس و مساجد و شرکت در مراسم‌های جمعی، سبب افزایش امید در مسلمانان می‌شود. در نیایش جمعی فرد، با هماهنگ کردن خود با محیط، لحظاتی کشمکش درونی و تضادهای روحی و روانی خویش را فراموش می‌کند؛ زیرا وضعیت مسلمانان و هم‌نوعان خویش را از نزدیک مشاهده می‌کند و به کمک آنها بر اختلالات روحی و روانی خویش فائق می‌آید.

سؤال: شاید کسی بپرسد آیا خداوند فقط در مسجد است که باید دعا را در مسجد و به صورت دسته جمعی

برگزار کنیم؟

جواب: در پاسخ می‌گوییم، گرچه خداوند مکان مند و زمان مند نیست و قرآن کریم فرموده است: «فَأَيُّمَا تَوَلَّوْا فِئْمَ وَجْهٍ اللَّهُ؛ هر کجا روی آورید همان جا خدا است»^۵؛ اما تأکید کرده است که من، برخی مکان‌ها یا برخی حالت‌ها را بیشتر دوست دارم؛ برای مثال، خداوند جایگاه خاصی به «مسجد الحرام» یا «مسجد النبی» یا «مسجد کوفه» نسبت به سایر اماکن داده است. همچنین، خداوند حالت جماعت را بهتر از فردی می‌داند و به حالت گریه، خشوع، قطع امید از غیر خدا، اخلاص و حالت دل شکستگی امتیازی خاص داده است.

۱. شیخ صدوق، امالی، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۲. این مضمون روایتی از امام صادق (علیه السلام) است؛ ر.ک: امالی، ص ۳۵۸-۳۵۹.

۳. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۹۸، ح ۶۸.

۴. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۶-۴۷، ح ۵۷.

۵. بقره، آیه ۱۱۵.

نقل شده است که شیخ الرئیس، ابوعلی سینا، برای ابوسعید ابوالخیر نوشت: «چه لزومی دارد مردم همه در مسجد اجتماع کنند با اینکه خداوند از رگ گردن به انسان نزدیک تر است: «مَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ؛ ما از رگ گردن هم به او نزدیک تریم». هر جا که باشی اگر رابطات با خدا برقرار باشد نتیجه خواهی گرفت. وی در پاسخ نوشت: اگر چند چراغ در یک جا روشن باشد و یکی از آنها خاموش گردد، چراغ‌های دیگر روشن و محیط همچنان روشن است؛ اما اگر همان چراغ‌ها هر کدام در یک اتاق باشد، اگر یکی از آنها خاموش شد، آن اتاق در تاریکی فرو خواهد رفت. انسان‌ها نیز این گونه هستند». ^۲ هر شخص دارای ظرفیتی خاص است که می‌تواند به نحوی برای دیگران مفید باشد.

۲. امیدواری به فضل خداوند

یکی از چیزهایی که در تأمین بهداشت روانی افراد اثر زیادی دارد، امیدواری است؛ روح و روان انسان به گونه‌ای است که با پدید آمدن مشکلی یا ارتکاب عملی ناشایست و نامعقول از آینده خود ناامید می‌شود، خود را نمی‌بخشد و قدرت جبران را از دست می‌دهد و از آموزش مایوس می‌گردد. امید به رحمت خداوند، می‌تواند به هنگام گرفتاری، به انسان کمک کند.

بنا به دیدگاه برخی از دانشمندان، از جمله «لازاروس» و «فولکمن» امیدواری موجب می‌شود که فرد:

۱. به خود اعتماد داشته باشد و بر اثر این اعتماد راهبردهای سازگاری خاص خود را به کار گیرد؛

۲. به دیگران اعتماد پیدا کند، همچنان که بیمار به پزشک معالج خود اعتماد پیدا می‌کند.

۳. به خدا متوجه شود و در اثر این توجه قوت قلب یابد. ^۳

در فرهنگ اسلام بر حفظ امیدواری و راه‌های کسب آن تأکید شده است و ناامیدی و یأس، گناه شمرده می‌شود. اسلام، در همه برنامه‌ها و آموزه‌هایش روح امید و حرکت را در افراد می‌دمد و از ایستایی و تنبلی و ناامیدی نهی می‌کند. اسلام، دستیابی به نتایج مطلوب را مرهون تلاش و کوشش مضاعف می‌داند.

مسجد و روحیه امیدبخشی

یکی از مهم‌ترین راهکارهای دستیابی به امیدواری، حضور در مساجد است. در روایات مربوط به حضور انسان در مسجد، ضمن دستیابی به فضیلت‌ها، آینده‌ای برای او در نظر گرفته می‌شود که روح امید و نشاط

۱. ق، آیه ۱۵.

۲. مطهری، مرتضی، داستان‌ها و پندها، ج ۹، ص ۵۸.

۳. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، ص ۸۴.

را در انسان زنده می‌کند. توجه به آنها کمک می‌کند، آدمی یأس و افسردگی را دور کند. حضور در مسجد، باعث می‌شود انسان از زندگی احساس رضایت بکند و برای به دست آوردن زندگی سالم و بی نقص تلاش بیشتری بکند. فرد با حضور در مسجد با صاحب‌خانه‌ای ارتباط برقرار می‌کند که او را محترم شمرده و در رفع نواقص او کوشا خواهد بود. برخی از نکات که با حضور در مسجد باعث امیدواری می‌شود عبارت است از:

۱. حضور در مسجد به نوعی زیارت خدا و خانه اوست و خداوند میهمان خود را محترم شمرده و به او اکرام می‌کند؛^۱

۲. گناهان شخص آمرزیده و نیکی‌های او افزایش می‌یابد؛^۲

۳. مسجد، مانند خانه پادشاه بزرگی است که اگر حرمتش پاس داشته شود، عبادات کم را به زیادی می‌پذیرد و ثواب فراوان بر آن می‌دهد؛^۳

۴. اگر نماز با توجه و یاد خدا باشد، قبل از پایان نماز جماعت، خداوند او را می‌آمرزد و بهترین جایگاه آخرت را به او عطا می‌کند؛^۴

۵. خداوند ضمانت کرده است که نماز گزار را به بهشت ببرد؛^۵

۶. دعای او مستجاب می‌شود و اگر دعا برای دفع بلا کند، بلا از او دور می‌شود؛^۶

۷. آسایش روحی و جسمی می‌یابد؛^۷

۸. با اهل ایمان دوست می‌شود تا در امر الهی از او استفاده کند؛

۹. علم و دانشی نو و تازه پیدا می‌کند؛

۱۰. نشانه‌ای مستحکم و استوار در زندگی می‌یابد؛

۱۱. سخنی می‌شنود که او را هدایت می‌کند؛

۱۲. رحمتی که از جانب خداوند انتظار می‌کشد به دست می‌آورد؛

۱۳. سخنی که او را از پستی و خواری و گمراهی باز دارد؛

۱۴. در او روح خشیت و خداترسی و یا حیاء از برادران ایمانی پیدا می‌کند که باعث می‌شود گناه را ترک کند.^۸

۱. شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۱۸، ح ۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۰.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۳۷، ح ۳۹۴۶؛ بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۳، ح ۴۰.

۴. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۹۸، ح ۶۸.

۵. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۵۹، ح ۲۴۹۴.

۶. شیخ طوسی، الامالی، ص ۴۶-۴۷.

۷. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

۸. التهذیب، ج ۳، ص ۲۴۸-۲۴۹، ح ۱.

پاداش‌های امیدبخش رفتن به مسجد

بدون تردید، یکی از ابزارهای تربیتی، تشویق و تنبیه است که در اسلام به هر دو جنبه اهمیت فراوان داده شده است. پیامبران الهی هم مَبَشِّر به بهشت و هم منذر بوده‌اند که مردم را از عواقب بد گناه و کفر می‌ترساندند، پیامبر اسلام ﷺ نیز همین گونه بود؛ «إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا؛ ما تو را به عنوان شاهد و بشارت‌دهنده و ترساننده از جهنم فرستاده‌ایم».^۱

خداوند متعال همواره در قرآن کریم کارهای خوب انسان را تشویق می‌کند و پاداش‌هایی هم برای او در نظر می‌گیرد؛ مثل آیه شریفه: «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا؛ اگر کسی کار نیک انجام دهد ده برابر پاداش می‌بیند».^۲

رفت و آمد به مسجد باعث ایجاد روحیه امید می‌شود؛ زیرا افزون بر پاداش‌های دنیوی، پاداش‌های امیدبخش خاصی نیز دارد، مانند:

۱. آسایش در سرای آخرت و بنیان خانه‌ای بهشتی؛^۳
۲. تکریم و احترام خداوند؛^۴
۳. زائر خدا؛^۵
۴. نورانیت در روز قیامت؛^۶
۵. آمرزش و پاک‌سازی گناهان؛^۷
۶. به دست آوردن هفتاد هزار حسنه؛
۷. برتری و ترفیع درجات؛
۸. انس و هم‌نشینی با فرشتگان در قبر؛
۹. استغفار فرشتگان؛^۸
۱۰. پاداش جهاد در راه خدا.^۹

۱. احزاب، آیه ۴۵.

۲. انعام، آیه ۱۶۰.

۳. بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۱۲۱.

۴. همان، ج ۸۳، ص ۳۸۳.

۵. همان.

۶. همان.

۷. همان، ص ۳۸۴.

۸. بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۳۳۶.

۹. المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۱۷۷-۱۷۸.

۳. طلب حاجت در مسجد و پناه بردن به آن

در طول زندگی، برای انسان خواسته یا ناخواسته نیازهایی پیش می‌آید که به سادگی برآورده نمی‌شود؛ بدین جهت ذهن و روح آدمی مشغول می‌شود و چه بسا آن نیاز خواسته بسیار مهمی هم باشد، در این گونه موارد نیاز به پناهگاهی قابل اطمینان و مددکاری غم‌خوار نیاز داریم. روایات مسجد در این گونه موارد، آدمی را دعوت می‌کند که به مسجد پناه ببرد و از خداوند توانا کمک بخواهد؛ زیرا او مددکاری توانا و غم‌خواری بی‌نقص است و پناه بردن به هر جای دیگری پناه به نقصان و ضعف به شمار می‌آید. از این رو، در نماز می‌گوییم: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ؛ تنها تو را می‌پرستم و از تو کمک می‌خواهیم»^۱.

پناه بردن به مسجد و درخواست از خداوند به انسان آرامش روحی می‌بخشد و شخص بهتر می‌تواند مشکلات را کنار بزند. در روایات مسجد به دو موضوع در این باره اشاره شده است: یکی درخواست حاجت در مسجد و دیگری پناه بردن به مساجد هنگام بلاها و سختی‌ها.

الف) درخواست حاجت در مسجد

اگرچه در همه جا انسان می‌تواند از خداوند طلب حاجت کند، اما پیشوایان دین به ما آموخته‌اند که هر گاه حاجتی دارید، آن را در مسجد و از خداوند طلب کنید؛ آنها خود نیز این چنین بودند. شاید علت آن اعتماد بیشتر به استجاب دعا و سرعت در اجابت آن باشد.

«عامر بن سعید» گوید: روزی پیامبر اسلام ﷺ به مسجد بنی‌معاویه وارد شدند، دو رکعت نماز خواندند و ما نیز با او نماز خواندیم؛ سپس، حضرت دعایی طولانی به درگاه خداوند کرد و بعد به ما فرمود: سه چیز از خدای خود طلب کردم، دو درخواست من را اجابت کرد و یکی را منع نمود: درخواست کردم اتمم را در این سال هلاک نکند و نیز اتمم را با غرق شدن هلاک نکند؛ خداوند این دو را به من عطا کرد، اما درخواست کردم بین آنان دشمنی و کینه واقع نشود و مرا از این منع کرد.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: حاجتی برای من پیش آمد، به مسجد رفتم [حاجتم را با خداوند در میان گذاشتم]؛ همواره هر گاه برای من حاجتی پیش می‌آید این گونه عمل می‌کنم.^۳

همچنین آن حضرت علیه السلام می‌فرماید: پدرم هر گاه می‌خواست حاجتی طلب کند، هنگام زوال خورشید طلب می‌کرد؛ او ابتدا صدقه می‌داد و مقداری بوی خوش استفاده می‌کرد و به مسجد می‌رفت و برای طلب حاجتش به آنچه خدا می‌خواست دعا می‌کرد.^۴

۱. حمد، آیه ۵.

۲. ص ح بیح مسلم، ج ۸، ص ۱۷۱-۱۷۲.

۳. عیاشی، محمد بن مسعود سمرقندی، تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۴۹؛ بحار الانوار، ج ۶۹، ص ۱۸۰، ج ۸.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۷۷-۴۷۸.

روزی رسول خدا ﷺ وارد مسجد شد. مردی نمازش تمام شده بود و بادب و با یاد عظمت خداوند، از خداوند می‌خواست که او را بیمارزد. پیامبر اسلام ﷺ فرمود: خداوند او را سه مرتبه بخشید.^۱

ب) پناه بردن به مسجد هنگام بلا

وقتی بلاهای طبیعی، مانند زلزله، خورشید و ماه گرفتگی، بادهای ترسناک، انسان‌ها را رنج می‌دهد، در این هنگام به‌طور عادی افراد دچار بحران روحی می‌شوند و درون انسان نوعی ترس ایجاد می‌شود. روایات برای آرامش بخشیدن به انسان، او را دعوت می‌کنند که به مسجد پناه ببرد و از خدا برای برطرف شدن آن کمک بگیرد.

امام محمد باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ الرَّزْلَ وَالْكَسُوفَيْنِ وَالرِّيَّاحَ الْهَائِلَةَ مِنْ عَلَامَاتِ السَّاعَةِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ شَيْئًا مِنْ ذَلِكَ فَتَذَكَّرُوا قِيَامَ السَّاعَةِ وَأَفْرَعُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ؛ زلزله، خورشید و ماه گرفتگی و بادهای ترسناک همگی از نشانه‌های روز قیامت است. هنگام این حادثه‌ها روز قیامت را به یاد آورید و به مسجدهایتان پناه ببرید».^۲ هنگامی که جناب ابراهیم فرزند رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، خورشید گرفت؛ مردم گفتند به خاطر مرگ پسر پیامبر اسلام ﷺ این چنین شد. پیامبر اسلام ﷺ نزد مردم آمد و فرمود: ای مردم! خورشید و ماه دو نشانه الهی‌اند و گرفتگی آنها به دلیل مرگ و حیات کسی نیست؛ هرگاه این واقعه را دیدید به مساجد پناه ببرید.^۳

در روایات دیگر نیز مشابه مفاهیم فوق وارد شده است که نشان می‌دهد «مسجد» جایگاه خوبی برای تأمین بهداشت روان فرد و جامعه و محلی امن از جانب خداست که نه تنها برای برطرف شدن نیازها می‌توان به آن پناه برد، بلکه به هنگام بلاهای سخت طبیعی، مکانی آرامش‌بخش و اطمینان‌آور است.

دو تشبیه

۱) در روایات، پناه بردن به مساجد به پناه بردن عقاب‌ها به آشیانه‌هایشان تشبیه شده است^۴ که می‌توان

۱. سنن نسایی، ج ۳، ص ۵۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۸۷، ج ۹۹۲۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۱۶۸، ج ۲۴۶۸؛ «أَنَّكَ سَفَتَ الشَّمْسُ يَوْمَ مَا تَابَ إِبْرَاهِيمُ بْنُ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَقَالَ النَّاسُ أَنْكَسَفَتْ لَمَوَاتِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ النَّبِيِّ فَخَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ حِينَ سَمِعَ ذَلِكَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا بَعْدَ أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَاتَانِ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَا يَنْكَسِفَانِ لِمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاتِهِ فَإِذَا رَأَيْتُمْ ذَلِكَ فَأَفْرَعُوا إِلَى الْمَسَاجِدِ».

۴. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، ج ۳۷۸۲؛ امام سجاد علیه السلام از حضرت موسی بن عمران نقل می‌کند که فرمود: «يَأْرَبُّ مَنْ أَهْلَكَ الَّذِينَ تَظَلُّهُمْ فِي ظِلِّ عَرْشِكَ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّكَ قَالَ فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ... الَّذِينَ يَأْوُونَ إِلَى مَسَاجِدِي كَمَا تَأْوِي النَّسُورُ إِلَى أَوْكَارِهَا»؛ محاسن برقی، ج ۱، ص ۱۶، ج ۴۵ و ص ۱۲۹۳.

دو نکته از آن برداشت کرد:

اول: آشیانه عقاب بالاترین قسمت کوه و قلّه‌ها قرار دارد که دستبرد و تجاوز به آن ممکن نیست و هیچ موجودی به راحتی نمی‌تواند به آنجا دسترسی بیابد و این امر از امنیت چنین خانه‌ای حکایت می‌کند. دوم: خانه و آشیانه انسان یا هر موجود دیگر، محلّ امن و آرامش خاطر اوست؛ زیرا همسر و فرزندان انسان در آن خانه زندگی می‌کنند و از حال آنها آگاه می‌شود و به آرامش روانی دست می‌یابد. (۲) در برخی روایات دیگر، مسجد به باغ‌های بهشت تشبیه شده است. رسول خدا ﷺ فرمود: هر گاه از باغ‌های بهشت عبور کردید، با خوشی و کامرانی بهره ببرید؛ راوی گوید: پرسیدم: باغ‌های بهشت کجاست؟ فرمود: مساجد.^۱

۴. مسجد و ترک گناه و آمرزش

گاه انسان بر اثر گناه و اشتباهی که انجام داده است، احساس یأس و ناامیدی از رحمت خدا می‌کند. بنابراین، روان او زیر فشار سنگینی قرار می‌گیرد. راه خروج از این فشار روانی چیست؟ یکی از بهترین راه‌ها برای از بین بردن بن‌بست یأس و عادت بد، حضور در مسجد و استغفار و آمرزش از خداوند است. امام علی (علیه السلام) در یک روایت ضمن برشمردن آثار هشت گانه حضور در مسجد، به سه نکته اشاره می‌فرماید:

۱. سخنی بشنود که موجب هدایت او شود؛

۲. گناهی را به دلیل روح خشیت و خداترسی ترک کند؛

۳. گناهی را به خاطر حیا از برادران ایمانی ترک کند.^۲

طبق این روایت، حضور در مسجد آثار روحی و روانی مهمی را به همراه دارد و می‌تواند فرد و جامعه دینی را از فساد و گناه پاک کند و مسلمانان را به سمت جامعه‌ای سالم هدایت کند. در واقع، حضور در مسجد، نقش بازدارندگی در ارتکاب جرم و گناه دارد. چه بسا شخصی در بیرون مسجد تصمیم به ارتکاب جرم یا گناهی بگیرد، اما پس از حضور در مسجد و در جمع برادران دینی، به دلیل موعظه یا صرف حضور در جمع مسلمانان از انجام آن چشم‌پوشد. خداوند انسان را دعوت می‌کند که از گناه دست بکشد و تأکید می‌کند که نباید از رحمت الهی مأیوس گردد: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

۱. سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۳؛ «قَالَ نَبِيُّ اللَّهِ ﷺ: بَادِرُوا إِلَى رِبَاضِ الْجَنَّةِ، قَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ وَمَا رِبَاضُ الْجَنَّةِ؟ قَالَ: الْمَسَاجِدُ.»

۲. التهذيب، ج ۳، ص ۲۴۸، ح ۳۱۹؛ «كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (عليه السلام) يَتَقَوَّلُ مِنَ الْخُتَلَفِ إِلَى الْمَسَاجِدِ أَصَابَ إِخْدَى الثَّمَانِ أَخَامُسْتَفَادَ فِي اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَوْ عَلِمَا مُسْتَظَرًا وَأَوِيَّةً مُّحَكَمَةً أَوْ رَحْمَةً مُّنتَظَرَةً أَوْ كَلِمَةً تَرُدُّهُ عَنِ رَدَى أَوْ يَسْمَعُ كَلِمَةً تَدُلُّهُ عَلَى هُدَى أَوْ يَنْتَرِكُ ذَنْبًا خَشِيئَةً أَوْ حِيَاءً.»

يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»^۱.

استاد مطهری رحمته در این باره می نویسد: در صورتی که انسان خدا را بشناسد و در وجودش، یکسره عناصر مقدّس و پاک باقی باشد، توفیق توبه پیدا می کند و به سوی خدا برمی گردد. او احساس می کند که لطف و عنایت الهی بر روح او سایه افکنده است. خداوند می فرماید: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا!؛ این ندای حق است که می فرماید ای بندگان معصیت کار من، از رحمت من ناامید مباشید و به سوی من بیایید؛ من می پذیرم. او لطف خودش را شامل حال شما می کند و از آن پس یک لذتی، یک حالتی ایجاد می شود که شیرینی عبادت را در ذائقه خودتان احساس می کنید. حضور در مسجد، که حضور در یک محیط پاک و نورانی است، سبب دور شدن فرد از محلّ گناه و جرم می شود.

ج) راهکارهای رفتاری

۱. حجاب

رعایت حجاب توسط زنان در جامعه موجب آرامش روحی و روانی خانواده‌ها، افراد و جامعه می شود و نبودن حریم میان مرد و زن و آزادی در معاشرت‌های بی بندوبار، هیجان‌ها و التهاب‌های جنسی را فزونی می بخشد. کنار رفتن پرده‌ها و بی‌حجابی به مرور زمان به جریان بی‌بندوباری تبدیل می شود و تقاضای سکس به صورت عطش روحی و یک خواست اشباع نشدنی در می آید. غریزه جنسی، غریزه‌ای نیرومند، عمیق و «دریا صفت» است و هر چند بیشتر اطاعت شود، سرکش تر می گردد؛ همچون آتش که هر چه به آن بیشتر خوراک بدهند، شعله‌ور تر می گردد.

مسجد و حجاب و عفاف

آیه مربوط به پوشش زنان در سوره احزاب، به زنان و دختران دستور می دهد با جلباب؛ (چیزی شبیه چادر) خود را بپوشانند. این آیه، وقتی نازل شد که زنان می خواستند به مسجد بروند. علّت رعایت حجاب، آرامش روحی و جسمی زن بیان شده است که مورد اذیت و آزار واقع نشوند.

در روایت آمده است که زنان از خانه بیرون می آمدند، به مسجد می رفتند و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز می خواندند. آنان شب برای نماز مغرب مغرب و عشا و بامداد از خانه به سوی مسجد روانه می شدند؛ اما جوانان در مسیرشان می نشستند و ایجاد مزاحمت می کردند. خداوند آیه ۵۹ از سوره احزاب را نازل فرمود:

۱. زمر، آیه ۵۳.

۲. مطهری، مرتضی، گفتارهای معنوی، ص ۱۲۹.

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ يُعْرَفْنَ فَلا يُؤْذَيْنَ وَكَانَ اللهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ ای پیامبر، به همسران و دختران خود و زنان مؤمن بگو که خویشتن را در چادر فرو پوشند. این کار مناسب‌تر است تا به پاکدامنی شناخته شوند و مورد آذیت و آزار واقع نشوند و خداوند آمرزنده و مهربان است.»

بی‌شک، حجاب به نفع زن خواهد بود است و این مهم در مکان‌های مذهبی، اماکن زیارتی و مساجد بیشتر مورد تأکید قرار گرفته است. چه بسا این نوع پوشش در این مکان‌ها به‌ویژه مسجد، مقدمه‌ای برای پوشش و رعایت حجاب در کوچه و بازار بشود.

استاد مطهری می‌نویسد: «اسلام یک وظیفه هم، خاص زنان مقرر کرده و آن پوشاندن بدن خود از مردان بیگانه و جلوه‌گری و دل‌ربایی نکردن در جامعه است و گرنه هیچ مردی از تصاحب زیبارویان و هیچ زنی از متوجه کردن مردان و تصاحب قلب آنان سیر نمی‌شود و از طرفی تقاضای نامحدود، خواه ناخواه انجام ناشدنی است و همیشه به نوعی احساس محرومیت مقرون است. دست نیافتن به آرزوها به نوبه خود منجر به اختلالات روحی و روانی می‌گردد»^۱.

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: غریزه جنسی انسان (مانند غریزه جاه‌طلبی، علم‌طلبی و...) فقط ظرفیت جسمانی ندارد، بلکه ظرفیت روحی هم دارد که سیرشدنی نیست.^۲

با توجه به بی‌حد و اندازه بودن غریزه جنسی، ترویج حجاب، ایجاب می‌کند که زنان در مکان‌های مقدس، به‌ویژه در مساجد با چنین پوششی حاضر شوند تا مانع ارضاء غلط غریزه جنسی و بی‌بندوباری شوند. پس از آن، زن متوجه خواهد شد که پوشش و حجاب چه تأثیر مثبتی بر روح و روانش می‌گذارد و چه آرامش خاصی به او می‌بخشد.

۲. مسجد، کار و روزی حلال

کسب و کار برای سلامتی روان، مفید است. هنگام کار، سلامت روانی افراد بهبود می‌یابد و در هنگام بی‌کاری، سلامت روان مختل می‌شود. افراد بی‌کار بیشتر افسرده یا مضطرب هستند یا دیگر نشانه‌های سلامت روانی ضعیف را نشان می‌دهند.^۳ کار و فعالیت از ضروریات زندگی است و اسلام کار و تلاش را برای به دست آوردن روزی را مانند جهاد در راه خدا بر شمرده است. کار در عین اینکه معلول فکر، روح، خیال، دل

۱. مطهری، مرتضی، مسأله حجاب، ص ۸۸.

۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج ۴، ص ۹۵ (تفسیر سوره نور).

۳. آرگایل مایکل، روان‌شناسی شادی، ص ۱۶۱.

و جسم آدمی است، سازنده خیال، عقل، فکر، دل و قلب و به طور کلی سازنده و تربیت کننده انسان است. از دیگر فائده‌های کار، مسأله حفظ شخصیت، جنسیت و استقلال است که تعبیرهای مختلفی دارد؛ برای مثال به آن، آبرو هم می‌گویند. کار بر عزت انسان می‌افزاید و او را در نظر خودش محترم می‌نماید؛ یعنی حس احترام به ذات و اعتماد به شخصیت در او ایجاد می‌کند. در مقابل، کوچک‌ترین اثر بی‌کاری این است که احترام و شخصیت انسان را نزد دیگران و نزد خودش از بین می‌برد و همین درهم شکستن شخصیت انسان، سبب می‌شود که تن به هر پستی و بیچارگی بدهد.^۱

اما از منظر اسلام، کسب و کار وقتی ارزش پیدا می‌کند و آثار ارزشمند روحی دارد که از راه مشروع به دست بیاید. ارتباط فرد با مسجد، می‌تواند نقشی مهم در بالا رفتن کیفیت و حتی کمیت رزق و روزی داشته باشد. آغاز کردن کار با حضور در مسجد و با دعا و ذکر و یاد خدا، حلاوت و شیرینی خاصی برای انسان خواهد داشت.

ابوسعید می‌گوید: در زمان رسول خدا ﷺ هنگام صبح زود به مسجد می‌رفتیم، در آن نماز می‌خواندیم، سپس کسب روزی را آغاز می‌کردیم.^۲

امام صادق (علیه السلام) از فردی بازاری به نام ولید، پرسید: «یا ولید! اَیْنَ حَانُوتِكَ مِنَ الْمَسْجِدِ؟ قُلْتُ: عَلَی بَابِهِ؛ ای ولید! مغازه‌ات چقدر از مسجد فاصله دارد؟ وی گفت: کنار در مسجد است؛ سپس امام (علیه السلام) فرمود: إِذَا أَرَدْتَ أَنْتَ أَنْتَ أَنْتَ حَانُوتِكَ فَأَبْدَأْ بِالْمَسْجِدِ فَصَلِّ فِيهِ رُكْعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعًا ثُمَّ قُلْ عَدَوْتُ بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ وَغَدَوْتُ بِالْأَحْوَالِ مِنِّي وَلَا قُوَّةَ بِلِ بَحْوَلِكَ وَقُوَّتِكَ يَا رَبِّ اللَّهُمَّ إِنِّي عَبْدُكَ التَّمَسُّ مِنْ فَضْلِكَ كَمَا أَمَرْتَنِي فَيَسِّرْ لِي ذَلِكَ وَأَنَا خَافِضٌ فِي عَافِيَتِكَ؛ هر گاه خواستی به مغازه‌ات بروی، ابتدا به مسجد برو؛ در آنجا دو یا چهار رکعت نماز بخوان، سپس بگو: صبح کردم به حول و قوت الهی، نه به حول و توان خودم. ای پروردگار، من بنده تو هستم و از فضل تو درخواست می‌کنم، همان گونه که خود فرموده‌ای؛ روزی را بر من آسان گردان و من در پناه لطف و عنایت تو آسایش دارم.»^۳

این آسایش که در پناه لطف الهی از خداوند درخواست می‌شود، همان آسایش روحی است.

روایت دیگری نیز به همین مضمون از امام صادق (علیه السلام) درباره کسی که وقتی برای کسب و کار از مسجد اعظم کوفه عبور می‌کرده، آمده است که انسان ابتدا به مسجد برود و از خداوند درخواست برکت و روزی

۱. مطهری، مرتضی، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۴۲۳.

۲. همان، ص ۴۲۶.

۳. استاد مطهری، حکمت‌ها و اندرزها، ص ۲۰۰.

۴. سنن نسایی، ج ۲، ص ۵۵.

۵. کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۴۷۴، ح ۴.

حلال کند تا بتواند در سایه عنایت خداوند در آسایش باشد.^۱

۳. مسجد و مراسم ازدواج

یکی از اساسی‌ترین نیازهای بشر «ازدواج» است. از اهداف ازدواج از نظر اسلام، رشد و تکامل معنوی افراد است، از نظر اسلام، ازدواج موجب کمال و ارزش یافتن زن و شوهر می‌شود.^۲ خداوند متعال هدف از ازدواج را رسیدن به آرامش می‌داند: «خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ و از نشانه‌های او این است که همسرانی از (جنس) خودتان برای شما آفرید، تا بدان‌ها آرامش بیابید و در بین شما دوستی و رحمت قرار داد.»^۳

«مسجد» می‌تواند جایگاهی شایسته برای برگزاری مراسم عقد ازدواج باشد. در چنین مراسمی، اجتماع مسلمانان به هم گره می‌خورد و سبب استحکام خانواده نیز می‌شود. زن و شوهر با برگزاری این مراسم می‌توانند از نظر اخلاقی متعهد شوند که یاور خوبی برای یکدیگر باشند و برگزاری مراسم آنان در مسجد، سبب تقویت روحیه دینی آنان می‌شود.

پیامبر اسلام ﷺ مراسم عقد ازدواج فاطمه زهرا علیها السلام و امام علی علیه السلام را در مسجد برگزار کردند.^۴ به دستور آن حضرت سفره وسیعی در مسجد گسترده و به بسیاری از مسلمانان غذا دادند.^۵ آنگاه حضرت، عروس و داماد را به مسجد فرا خواندند و دست حضرت فاطمه علیها السلام را در دست امام علی علیه السلام گذاشتند و برای آن دو دعا کردند.^۶ به پیروی از آن حضرت، برخی مساجد جایگاه خاصی را برای این منظور اختصاص داده‌اند؛ از جمله امروز می‌توان مسجد بزرگ «مالزی» و «اندونزی» را مثال زد که بخشی از مسجد را برای برگزاری مراسم عقد اختصاص داده‌اند. انسان باید به راهکارهایی توجه کند که باعث باقی ماندن محبت و آرامش می‌شود و بنیان خانواده را محکم می‌کند. یکی از چیزهایی که پایه و محیط خانوادگی را محکم می‌کند، رعایت عفاف و عدم بی‌بندوباری جنسی است.

۱. کلینی، الکافی، ص ۴۷۵، ج ۵، قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام أَنَّهُ كَانَ فِي بَيْدَى شَيْءٌ تَفَرَّقَ وَصِفَتْ صَبِيحًا شَدِيدًا فَقَالَ لِي أَلَيْكَ خَانُوتٌ فِي الشُّوقِ قُلْتُ نَعَمْ وَقَدْ تَرَكْتُهُ فَقَالَ إِذَا رَجَعْتَ إِلَى الْكُوفَةِ فَأَقْعُدْ فِي خَانُوتِكَ وَاكْنُثْهُ فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَخْرُجَ إِلَى سُوقِكَ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ ثُمَّ قُلْ فِي دُبُرِ صَلَاتِكَ تَوَجَّهْتُ بِمَا حَوْلَ مَيِّئِي وَلَا قُوَّةَ وَلَكِنْ بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ...».

۲. علی قائمی، نظام حیات خانواده در اسلام، ص ۵۲.

۳. روم، آیه ۲۱.

۴. بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۱۲۰؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۰۶؛ «لَمَّا أَرَادَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْ يُزَوِّجَ فَاطِمَةَ عَلِيًّا عليه السلام قَالَ لَهُ اخْرُجْ يَا أَبَا الْحَسَنِ إِلَى الْمَسْجِدِ...».

۵. همان، ص ۱۱۴.

۶. همان، ص ۱۱۶؛ «ثُمَّ أَنْفَذَ رَسُولُ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِلَى عَلِيٍّ وَدَعَاهُ إِلَى الْمَسْجِدِ... ثُمَّ دَعَا لِهَمَا».

مراسم عقد در مسجد سبب تعهدی مذهبی برای زوجین ایجاد کند که به جامعه و محیط اسلامی وابسته‌اند و بی‌بندوباری در اسلام و برای کسی که مسجدی است، صحیح نیست. این روحیه می‌تواند استحکام بیشتری به زندگی بدهد.

۴. مسجد و روابط اجتماعی

نیاز به پیوند اجتماعی در رأس نیازهای انسانی به شمار می‌آید؛ زیرا انسان به ناچار در محیطی زندگی می‌کند که در آن ارضای تمام نیازهای مادی و معنوی‌اش بر تعامل با دیگران متوقف است. در این ارتباطات، ما در ضمن رفع مشکلات خود، امکانات اجتماعی مناسبی به وجود می‌آوریم.^۲

اسلام برای بهبود روابط افراد، دستورهای داده است؛ امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «وَلَا تَكُنْ فَظًّا غَلِيظًا يَكْرَهُهُ النَّاسُ قُرْبَكَ؛ تندخو و بد برخورد مباش که مردم مباشرت با تو را دوست نداشته باشند».^۳

مسجد، مکانی مقدّس برای رابطه فرد و خدا و نیز فرد با افراد است. از صدر اسلام تاکنون، اصلی‌ترین مرکز برای روابط اجتماعی مناسب بین مسلمانان، مسجد بوده است. «محمد سلیمان تکیوچی» عضو جامعه قوم‌شناسی ژاپن در پاسخ به این پرسش که چرا از میان تمام ادیان و مذاهب، دین اسلام را انتخاب کرده‌ای، می‌نویسد: «مذهب بودا و مسیحیت علایق معنوی را از علایق مادی جدا کرده و انسان را به کناره‌گیری از جامعه ترغیب می‌کند؛ بعضی از فرقه‌های بودایی و مسیحی، معبدها و صومعه‌ها را در کوه‌ها و اماکن دور از دسترس جامعه بنا می‌کنند؛ اما در اسلام مساجد در قلب اجتماعات، در روستاها و شهرها بنا می‌شود و نیایش با جماعت و در خدمت جامعه مورد تقدیر است. من اطمینان دارم این زمان بهترین فرصت برای اشاعه اسلام در ژاپن است».

در هر صورت، مسجد کار کردها و نقش‌های اجتماعی فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

- ۱- یافتن دوست خوب؛
- ۲- اطعام در مسجد و رسیدگی به امور فقرا؛
- ۳- جویا شدن از احوال مسلمانان و برادران ایمانی؛
- ۴- اجتماع مؤمنان به عنوان پشتوانه جامعه دینی؛
- ۵- تأثیر گذاری مثبت در خانواده؛

۱. بستانی، محمود، اسلام و روان‌شناسی، محمود هوشم، ص ۲۰۸.

۲. جولینانی وود، ارتباطات میان فردی، ترجمه مهرداد فیروز بخت، ص ۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۲۰۳.

۶- وحدت و همبستگی میان مسلمانان؛

۷- مشورت و گرفتن تصمیم‌های سیاسی از جمله جنگ و صلح.

۴.۱. یافتن دوست خوب

هیچ فردی در زندگی اجتماعی از دوستان خوب بی‌نیاز نیست. دوست خوب، یاور انسان در مسیر راه سعادت و غم‌خواری دلسوز در هنگام بروز مشکل‌ها و سختی‌ها است. یکی از مکان‌هایی که روایات آن را کانون یافتن دوست خوب و صمیمی می‌دانند، «مسجد» است. امام علی (علیه السلام) یکی از آثار مهم مسجد را، یافتن برادری دینی و دوستی مفید می‌داند «أَخًا مُسْتَفَادًا فِي اللَّهِ؛ یعنی برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند؛ زیرا در مسجد افراد برگزیده و صالح و پرهیزگار رفت‌وآمد می‌کنند؛ «الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ؛ مسجد جایگاه پاکان و صدیقان است».^۲

امام صادق (علیه السلام) فرمود: شخصی وارد مسجد رسول خدا ﷺ شد و از خدا درخواست کرد که از تنهایی رهایی پیدا کند و همدمی نیکو و هم‌نشینی صالح نصیبش شود. خداوند متعال ابوذر غفاری که از صحابه بزرگ رسول خدا ﷺ بود را به عنوان هم‌نشین برای او فرستاد.^۳ انسان از بین افراد مؤمن دوستی انتخاب می‌کند که آثار سلامتی روح و روان آن به خوبی آشکار است.

۴.۲. مسجد و اطعام و کمک به فقرا

یکی از ویژگی‌های مسجد رسیدگی به امور فقرا و اطعام دادن به آنان است. این سنت حسنه از زمان رسول خدا ﷺ وجود داشته است. روزی آن حضرت دستور داد از هر باغدار بخشنده، ده بار شتر خوشه خرما بگیرند و در مسجد برای فقرا بیاویزند.^۴ همچنین، در زمان رسول خدا ﷺ افرادی که از نظر مالی ناتوان بودند، به مسجد رسول خدا ﷺ می‌رفتند و آن حضرت به آنها کمک می‌کرد و اگر وقت نماز بود، پس از نماز

۱. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۳، ص ۴۴۹.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲، ح ۳۷۸۶.

۳. الکافی، ج ۸، ص ۳۰۷، ح ۴۷۸؛ قَالَ كَانَ رَجُلٌ بِالْمَدِينَةِ يَدْخُلُ مَسْجِدَ الرَّسُولِ ﷺ فَقَالَ اللَّهُمَّ آتِنِي وَخَشْتِي وَصَلِّ وَخَدْتِي وَأَرْزُقْنِي جَلِيسًا صَالِحًا فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ فِي أَقْصَى الْمَسْجِدِ فَسَلَّمَ عَلَيْهِ وَقَالَ لَهُ مَنْ أَنْتَ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: أَنَا أَبُو ذَرٍّ فَقَالَ الرَّجُلُ اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ؛ فَقَالَ أَبُو ذَرٍّ وَلِمَ تُكَبِّرُ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟ فَقَالَ: إِنِّي دَخَلْتُ الْمَسْجِدَ فَدَعَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُؤْنِسَ وَخَشْتِي وَأَنْ يَصِلَ وَخَدْتِي وَأَنْ يَرْزُقَنِي جَلِيسًا صَالِحًا، فَقَالَ لَهُ أَبُو ذَرٍّ أَنَا أَحَقُّ بِالْكَبِيرِ مِنْكَ...».

۴. سنن ابی داود، ج ۱، ص ۳۷۵، ح ۱۶۶.

به آنها چیزی عطا می‌کرد. ^۱ به همین علت، در کنار مسجد پیامبر اسلام ﷺ جایی با نام «اصحاب صُفَه» برای فقرا در نظر گرفته شد.

۴.۳. مسجد پایگاه اتحاد و همبستگی

مسجد کانون اتحاد و همبستگی، انس و الفت مسلمانان با یکدیگر است. مسلمانی که به‌طور منظم و در زمان‌هایی ویژه، مانند نمازهای روزانه و نماز جمعه و با آدابی خاص، مانند با وضو و طهارت بودن، در اجتماعی عبادی شرکت می‌کند، خودآگاه یا ناخودآگاه در معرض تربیت دینی قرار می‌گیرد و آثار مهم اخلاقی و رفتاری و حس همبستگی اجتماعی در وجود او نمایان می‌شود.

«مارسل بوازا» اسلام‌شناس سوئیسی می‌نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی از همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت؛ به خصوص در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگر بار از خود نشان می‌دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان در آمده است و به تدریج مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند».^۲

۴.۴. مسجد پشوتوانه جامعه دینی

اجتماع مؤمنان به دلیل ماهیت دینی و مذهبی خاصی که دارد، می‌تواند نسلی را پدید آورد که پشوتوانه جامعه اسلامی باشد. چنین اجتماعی می‌تواند در مسائل سیاسی، فرهنگی و اقتصادی تأثیرگذار باشد و در مسائل سیاسی هوشیاری لازم را پدید خواهد آورد. مسلمانان می‌توانند در برابر توطئه مخالفان، تصمیم‌های مناسب بگیرند و از نظر اقتصادی یار و یاور یکدیگر و جامعه باشند و از نظر فرهنگی، فرهنگ صحیح دینی را با روشی صحیح از جمله امر به معروف و نهی از منکر در جامعه پیاده کنند.

۴.۵. مسجد و خانواده

زنان و مردان در دست‌یابی به فواید و ثمره‌های حضور در مسجد مشترک‌اند و ارمغان آن نصیب خانواده آنان می‌شود. حضور بانوان که رکن اصلی خانواده محسوب می‌شوند، نقشی به‌سزا در تربیت و آرامش روانی خانواده دارد؛ چون بانوان فرصت بیشتری دارند، می‌توانند با حضور منظم و دائم در مسجد، بیش از

۱. ر.ک: صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۸ و ج ۴، ص ۳۰ و ۳۱.

۲. مارسل بوازا، اسلام در جهان امروز، ص ۱۰۱-۱۰۲.

مردان برای خانواده نقش آفرینی کنند. همچنین، همبستگی و دلبستگی بین زنان بیشتر از مردان است و آنان قدرت انتقال و سرعت انتقال بیشتری نسبت به مردان دارند. آنها در تبادل اطلاعات دینی، سیاسی، اخلاقی و اجتماعی موفق تر هستند و نیز به دلیل لطافت روحی و صافی قلب و عاطفه مادری و همسری توان تأثیرگذاری بیشتری در خانواده دارند. از این جهت، حضور آنان در مسجد می تواند فضای خانواده و به دنبال آن جامعه را دگرگون کند. کودکان نیز با حضور در مسجد، راه و رسم مسائل دینی و مذهبی را می آموزند. تأثیرپذیری آنان بسیار قوی و دقیق است و چون مسجد محل امنی برای آموزه های دینی و اخلاقی و فکری است، هر گفتار یا کرداری که می آموزند، تأثیری بسزا در عملکرد و روحیه کودکان دارد و در نتیجه، با انتقال آن به خانواده، جامعه ای سالم و سودمند ایجاد می شود.

۴.۶. مسجد و مشورت تصمیم های سیاسی

مسجد تأثیرهای سیاسی گوناگونی دارد. مشورت ها و تصمیم های سیاسی که در مسجد گرفته می شود و آگاهی بخشی های مسجد، در موفقیت و پیروزی مسلمانان بسیار تأثیرگذار خواهد بود، بر همین اساس، پیامبر اسلام ﷺ در مسجد، جلسات مشورتی تشکیل می داد و تصمیم های سیاسی مهم زمان او در مسجد گرفته می شد. در زمان پیامبر اسلام ﷺ زمینه آمادگی عمومی مسلمانان برای جهاد، در مسجد تدارک دیده می شد. حضرت رسول ﷺ مسلمانان را برای جنگ احد در مسجد مدینه گرد آورد و درباره چگونگی اداره جنگ و موقعیت مکانی جهاد با آنان مشورت کرد که آیا در مدینه بمانند یا بیرون مدینه به جنگ با آنها پردازد.^۱

۵. آراستگی برای رفتن به مسجد

روح انسان از آراستگی زیبایی و بوی خوش و مانند آن لذت می برد در مقابل ژولیدگی، رعایت نکردن نظافت و پاکیزگی جسم انسان را اذیت و آزار می دهد و باعث کند شدن فعالیت های انسان و چه بسا اعمال ناهنجار بشود.

اسلام در موقعیت های مختلف به پاکي، آراستگی، استفاده از لباس نو و زیبا، بوی خوش و مانند آن دعوت نموده است. وضو گرفتن برای نمازهای پنج گانه، غسل های واجب و مستحب، استعمال بوی خوش در جاهای متعدد همیشه مورد تأکید اسلام است.

۱. طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، ج ۴، ص ۴۴.

یکی از مواردی که اسلام تأکید بر آراستگی و زیبایی تأکید می‌کند، آراستگی هنگام وارد شدن به مسجد است. همان‌طور که قرآن کریم می‌فرماید: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ هنگام رفتن به مسجد، زینت برگیرید».^۱ این فراز از آیه شریف، در روایات اسلامی بر زینت به لباس خوب و تمیز، آسانه‌زدن به موهای سر و صورت،^۲ پوشیدن لباس‌های زیبا در روز جمعه و روزهای عید، مانند عید فطر و قربان،^۳ پوشیدن کفش و انگشتر تفسیر شده است. البته، اسلام در همه موارد حد اعتدال را رعایت می‌کند؛ نه مانند بعضی (مسیحیت) است که زهد و پارسایی غلط را پیشه کرده‌اند و استفاده از هر گونه آراستگی و زینت را نمی‌پذیرند و نه مانند دنیاپرستانی (یهود) است که غرق در زینت و تجمل‌پرستی شده‌اند.

زیبایی و آراستگی، تأثیر زیادی در روح و روان انسان دارد. حضور در مسجد، اگر با آراستگی و زیبایی همراه باشد، نگاه غیرمسجدی‌ها هم به ایشان مثبت و باعث جذب افراد جامعه می‌شود. افزون بر آنکه، پاکیزگی افراد، سبب مهار بیماری‌ها می‌شود. همچنین، از نظر روان‌شناسی، زیبایی «خواست فطری انسان» است. بنا به گواهی روان‌شناسان، «حسن زیبایی» یکی از چهار بُعد فطرت انسانی است که در کنار «حسن نیکی»، «حسن دانایی» و «حسن مذهبی یا پرستش» ابعاد اصلی روان آدمی را تشکیل می‌دهند. بنابراین، در اسلام، استفاده کردن از زیبایی‌های طبیعت، لباس‌های زیبا، عطرهای خوشبو و امثال آن نه تنها مجاز شمرده شده است که به آن توصیه و سفارش نیز شده است.^۴ استفاده از زیبایی در هنگام حضور در مسجد، باعث تقویت این حسن انسان و شکوفا شدن فطرت سالم انسان خواهد بود.^۵

نتیجه‌سخن

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی در زندگی انسان، تندرستی است. در مقابل، بیماری همواره به عنوان خطری، انسان و جامعه را تهدید می‌کند و زیان‌های اقتصادی، خانوادگی و اجتماعی را به دنبال دارد. امروز از نظر کارشناسان این حقیقت مسلم است که برای سازگاری منطقی با خود و محیط و رسیدن به تندرستی و آرامش باید به بهداشت روان توجه کافی مبذول داشت. با وجود پیشرفت‌های علمی چشم‌گیری که در زمینه‌های روان‌پزشکی و روان‌درمانی صورت گرفته، صاحب‌نظران، همچنان بر نیاز به دین در زمینه

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۳، ص ۱۲.

۳. همان، ص ۱۳.

۴. مجمع البیان، ج ۴، ص ۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۱۹۶.

۵. مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۶، ص ۱۵۰.

۶. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۹؛ ر.ک: بحار الانوار، ج ۳۳، ص ۲۳.

بهداشت روانی تأکید فراوان دارند.

آنها عقیده دارند که اعتقادات مذهبی در تسکین آلام روحی بسیار مؤثر است. داشتن ایمان و دل سپردن به خداوند و قرار گرفتن در مسیری که او برای سعادت بشر تعیین کرده، در انسان اطمینانی مؤثر و نیروی قوی پدید می‌آورد. در این میان، شرکت در مراسم دینی و حضور در اماکن مذهبی مثل «مساجد» و زیارتگاه‌ها نقش بسیار مؤثری در تأمین بهداشت روانی انسان دارد.

مساجد، از اماکن بسیار مهم مذهبی هستند که کارکردهای فردی و اجتماعی متعددی را در ارتباط با بهداشت روان بر عهده دارند. تحقیقات نشان داده است که حضور در مسجد می‌تواند در از بین بردن مشکلاتی، مانند احساس تنهایی، غم و اندوه و حتی انزوایی بسیار مؤثر باشد. گردهمایی‌های مذهبی در مساجد که مسلمانان در اجرای مناسک آن به طور متحد عمل می‌کنند، پیوندهای عاطفی آنها را تقویت می‌کند و صمیمیت بیشتری را در بین آنها وجود می‌آورد.

دوری از انزوا، رهایی از اندوه‌های جانکاه و احساس توانمندی در همراهی و تعاون با دیگران، همه به طور غیرمستقیم، در زمره درمان‌های روانی قرار می‌گیرند که با حضور در مسجد و در جمع صمیمی انسان‌های باایمان تحقق می‌پذیرد.

بنابراین، ارتباط وثیق مسجد با ایمان به خدا، ذکر خدا، اعتقاد به قضا و قدر و رضایت از زندگی برخی از مهم‌ترین راهکارهای معرفتی است که در نقش‌آفرینی مسجد برای بهداشت روانی تأثیر دارد. همچنین، حضور انسان در مسجد و اجرای کارهایی عاطفی، مثل دعا خواندن و توبه کردن نیز تأثیری به سزادر پاکی روح آدمی دارد. علاوه بر آنکه، می‌توان به نقش مسجد در ایجاد راهکارهای رفتاری، مانند: حجاب، ازدواج، کار، رابطه اجتماعی مناسب و آراستگی اجتماعی اشاره کرد.

با مطالعه در منابع روایی که به برخی در این نوشتار اشاره شد، درمی‌یابیم که مسجد می‌تواند در سه راهکار «شناختی»، «عاطفی» و «رفتاری» بر روح انسان تأثیر به‌سزایی بگذارد. مقصود از معرفت، شناخت خود، خدا و نیز جهانی است که در آن زندگی می‌کنیم. رابطه و انس فرد با مسجد، در بسیاری از مؤلفه‌های معرفتی، مانند ایمان و اعتقاد صحیح، کسب دانش و غیره می‌تواند نقشی اساسی و تقویت‌کننده ایفا کند.

مراد از راهکارهای عاطفی، مؤلفه‌هایی نظیر احساسات فرد است؛ مانند ترس، وحشت، شادی، غم و رضایت. گرایش‌های عاطفی افراد نیز همواره بر نگرش‌های شناختی آنها مبتنی است. به عنوان مثال، افراد با ایمان از آرامش روحی و روانی بهتری برخوردارند و همواره نوعی رضایت در آنان به چشم می‌خورد. ارتباط با مسجد هم، می‌تواند نقشی مستقیم و اساسی در شادی، نشاط و امیدواری افراد داشته باشد.

۷۰۱ فروغ مسجد

به هر حال، ارتباط با مسجد، بر اعمالی که افراد بر اساس نگرش‌های شناختی و عاطفی انجام می‌دهند، مثل بسیاری از وظایفی همچون استعانت از نماز و صبر، استفاده از روزی‌های پاک و حلال که خداوند برای افراد مؤمن مقرر می‌فرماید، تأثیری مثبت دارد. کسب روزی پاک با وجود ارتباط با مسجد و آموزه‌هایی که در این باره وجود دارد، با کسب روزی از شیوه‌های دیگر متفاوت خواهد بود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. جولیانى، ودود، ارتباطات میان فردی، ترجمه: مهرداد فیروزبخت، نشر آفتاب، بی جا، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۳. بستانی، محمود، اسلام و روان شناسی، ترجمه: محمود هویشم، ج ۲، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۴. شیخ صدوق، الامالی، قم، دارالثقافة، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۵. —، ثواب الاعمال، قم، شریف رضی، ۱۳۶۴ هـ.ش.
۶. —، علل الشرایع، قم، مکتبه الداوری، بی تا.
۷. —، من لایحضره الفقیه، قم، جامعه المدزّسین، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۸. مطهری، مرتضی، امدادهای غیبی در زندگی بشر، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۵۴ هـ.ش.
۹. —، بیست گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۵ هـ.ش.
۱۰. —، تعلیم و تربیت در اسلام، قم، انتشارات صدرا، بی تا.
۱۱. —، آشنایی با قرآن، تفسیر سوره نور، قم، انتشارات صدرا، چاپ چهارم، بی تا.
۱۲. —، حکمت ها و اندرزها، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۳. —، مسأله حجاب، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۱۵. گنجی، حمزه، بهداشت روانی، تهران، انتشارات ارسباران، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۱۶. شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، انتشارات رشد، چاپ سیزدهم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۱۷. عیاشی سمرقندی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تهران، انتشارات علمیّه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۸. شیخ طوسی، التهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۱۹. مسعود آذربایجانی و دیگران، روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، قم، انتشارات مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
۲۰. سلیمان بن الأشعث السجستانی، سنن ابی داود، تحقیق: سیّد محمد اللحام، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲۱. محمد بن عیسی ترمذی، سنن الترمذی، تحقیق: عبدالوهاب عبدالطیف، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۳ هـ.ش.

- هـ.ق .
٢٢. النسائي، احمد بن شعيب، سنن النسائي، دارالفكر، بيروت، ط أول، ١٣٤٨ هـ.ق .
٢٣. ابن ابي الحديد المعتزلي، عبد الحميد، شرح نهج البلاغه، قم، كتابخانه آيت الله مرعشي، ١٤٠٤ هـ.ق .
٢٤. محمدين اسماعيل البخاري، صحيح البخاري، بيروت، دارالفكر، ١٤٠١ هـ.ق .
٢٥. مسلم بن الحجاج النيسابوري صحيح مسلم، بيروت، دارالفكر، بي تا .
٢٦. كليني، محمدين يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٣٦٥ هـ.ش .
٢٧. المتقى الهندي، كنز العمال، تحقيق الشيخ بكرى حياتي، الشيخ صفوة الصفا، بيروت، مؤسسه الرسالة، بي تا .
٢٨. ابو علي الفضل بن الحسن الطبرسي، مجمع البيان، بيروت، مؤسسه الاعلمي للمطبوعات، چاپ اول، ١٤١٥ هـ.ق .
٢٩. محدث نوري، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ١٤٠٨ هـ.ق .
٣٠. سليمان بن احمد بن ايوب اللخمي الطبري، المعجم الكبير، تحقيق: حمدي عبد المجيد السلفي، قاهرة، انتشارات ابن تيميه، چاپ دوم .
٣١. علي قائمي، نظام حيات خانواده در اسلام، قم، انتشارات دارالتبليغ، بي تا .
٣٢. شيخ حرّ عاملي، وسائل الشيعه، مؤسسه احياء التراث الاسلامي، بي تا .
٣٣. ١٠٠-١٠٦ P.P. ١٩٧٦ Karachi Islam our choice ashra publications

بررسی فقهی و تاریخی قضاوت در مسجد

مرتضی رستگار

چکیده

نوشتار حاضر، پس از بررسی مفهوم لغوی و اصطلاحی «قضا»، تلاش می‌نماید تا با جمع‌آوری دیدگاه‌های فقهای متقدم و متأخر، اثبات کند که نه تنها قضاوت در مسجد کراهت ندارد، بلکه در بعضی شرایط، ضروری است. نگارنده، هم نظرات فقهای بزرگوار را نقل کرده (مانند: خاتم‌المجتهدین شیخ انصاری، محقق حلّی، ابن بَرّاج، شیخ طوسی و شیخ مفید) و هم در پنج قسمت مهم، کراهت نداشتن قضاوت در مسجد را با استناد به بعضی از روایات از جمله روایت‌های امیرالمؤمنین (علیه السلام) اثبات کرده است. نگارنده، استدلال بعضی از فقها مانند: استدلال شیخ طوسی رحمته را مخدوش دانسته که با استناد به مرسله نبوی «جنبوا المساجد جیانکم و مجانینکم و خصوصاتکم و الحکومة» قضاوت در مسجد را نادرست می‌دانند. به نظر نگارنده، منظور رسول اکرم صلی الله علیه و آله از این حدیث، فضای جنجالی همراه با فریاد است که کراهت قضا در مسجد را موجب می‌شود. همچنین، با استناد به سخن امام سجاد علیه السلام، مسجد را جایگاه مطلق ذکر نمی‌دانیم؛ بلکه معتقدیم بسیاری از مشکلات در مسجد حلّ و فصل می‌شود. اگر مسجد تنها مکان ذکر خدا باشد، در آن صورت، خواندن قرآن در مسجد غیر از ذکر است و نباید قرائت شود.

واژگان کلیدی:

قضا، قضاوت در مسجد، دیدگاه‌های فقهای متقدم و متأخر، بررسی و نقد آراء.

بی تردید، مسجدها در پیروزی انقلاب اسلامی، نقش حیاتی و ویژه داشتند؛ تا حدی که معمار بزرگ انقلاب، امام خمینی ره مسجد را رمز پیروزی انقلاب اسلامی دانسته، می فرماید: «رمز پیروزی ملت ما همین بود که دیگر نمی ترسیدند از اینکه بروند توی خیابان بکشندشان، می رفتند، خیلی هم کشته می شدند، سرانجام هم با همین فریادها و الله اکبرها پیروز شدند، رژیم اسلام این طور است که افرادش از مسجدها، از مسجد نهضت شروع می شد...»^۱.

از طرف دیگر، کارشناسان و جامعه‌شناسان معتقدند آنچه در ایجاد انقلاب نقش دارد، در بقای آن نیز نقشی اساسی خواهد داشت. از این رو، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام ره بارها و بارها از خالی شدن مسجدها اظهار نگرانی کردند و حفظ مسجدها را از «تکالیف عمومی» مسلمانان بر شمردند: حضرت امام ره فرمودند: «شما باید هوشیار باشید که مسجدهای تان و محراب‌های تان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این معجزه، نه رها کنید او را. من امروز باید بگویم که برای مسلمان‌ها حفظ مساجد تکلیف است. مساجد، امروز جزء اموری است که اسلام به آن وابسته است»^۲.

در ایران، از اول انقلاب تا امروز، با توجه به پیدایش نهادها و مراکز دیگر، نقش مسجد، رو به افول است؛ به صورتی که برخی می گویند: «در نظام جمهوری اسلامی، بهتر است هر آرگان و نهادی، مکان مخصوص به خود داشته باشد؛ چنان که دارد و مسجد کانون نشر معارف دین و مرکز تهذیب اخلاق و پرورش دل‌ها و جان‌ها باشد»^۳. به نظر می‌رسد این سخن، برخلاف نظر امام خمینی ره است. ایشان در سخنانی متعدد می فرمایند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد بودند و همه کارهای بزرگ دنیا را هم در مساجد انجام می دادند؛ ما امیدواریم حالا هم مساجد ما برگردد به آن وقتی که مسجد محل حل و عقد امور باشد»^۴. «از این مسجدها، همه چیز بیرون می‌رفت؛ مسجد، محل قضاوت بود»^۵. در این مقاله، تلاش می‌کنیم قضاوت را، به عنوان یکی از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، از نظر تاریخی و فقهی بررسی کنیم.

۱. صحیفه امام ره، ج ۹، ص ۸۹.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۹ و ۲۱.

۳. مسجد و حکومت، مجله مسجد، ش ۲۹، ص ۲۱.

۴. صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۲۳۳.

۵. همان، ج ۱۵، ص ۱۴.

معنای لغوی و اصطلاحی قضاوت

ماده قضا، در ریشه اصلی خود به معنای احکام و اتقان امر و اجرای آن در جهت خود است. خداوند متعال می‌فرماید: «فَقَضَاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ»؛^۱ مراد از این سخن، استوار کردن آسمان‌هاست. همچنین، قضا به معنای حکم کردن است. خداوند می‌فرماید: «قَالُوا لَنْ نُؤْتِرَكَ عَلَى مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرْنَا فَاقْضِي مَا آتَيْتَ قَاضِيًا...؛ ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد؛ پس هر حکمی می‌خواهی بکن...»^۲.

بنابراین، اگر قاضی را، قاضی می‌نامند، به این دلیل است که حکم می‌کند و آن را اجرا می‌کند. فقهای عظام، تصریح دارند که قضا، به معنای خاص شرعی نیست؛^۳ ولی در اصطلاح فقها، همان گونه که مرحوم شیخ انصاری تَنْتُزُاز «مسالك» و «كشف اللثام» نقل می‌کند، به معنی ولایت شرعی است؛ ولایت در حکم برای کسی که شایستگی فتوا دارد.^۴ این حکم، برای «اثبات حقوق» برخی افراد یا برای «استیفای حق» صاحب آن است. شیخ انصاری تَنْتُزُافزون بر این تعریف، می‌گوید: «حکم کردن بین مردم به گونه‌ای خاص»^۵ نیز یکی از معانی قضا در اصطلاح فقهاست.

از «کتاب القضا» چنین برمی‌آید که «قضا»، فقط در موارد اختلاف بین دو نفر و حلّ مخصوصه به کار می‌رود. از این رو، فقهای معاصر، قضا را چنین معنی می‌کنند: «فصل خصومت بین دو طرف تخاصم و حکم به ثبوت ادعای مدعی یا عدم حقّ برای او نسبت به مدعی علیه».^۶ برخی هم می‌گویند: قضا به معنای حکم کردن بین مردم برای رفع تنازع بین آنهاست.^۸

مقصود از قضاوت در مسجد

پس از روشن شدن معنای لغوی و اصطلاحی قضا، مقصود از قضاوت در مسجد نیز مشخص می‌شود. مقصود آن است که قاضی در مسجد بنشیند و دشمنی بین دو طرف دعوا را حلّ کند. ادله، حکایت از آن دارد که اصل قضاوت در مسجد، به همین معناست و علما بر این مفهوم، اتفاق نظر دارند. بنابراین، هیچ فقیهی به

۱. فصلت، آیه ۱۲.

۲. طه، آیه ۷۲.

۳. معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۹۹.

۴. شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ص ۲۶.

۵. همان، ص ۲۵.

۶. همان، ص ۲۲۷، «و فی عرف الفقهاء استعمال تارة فی الحكم بین الناس علی الوجه المخصوص».

۷. مبانی تکملة المنهاج، ج ۱، ص ۳.

۸. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۴۰۴، «وهو الحكم بین الناس لرفع التنازع بینهم».

حرمت قضا در مسجد قائل نیست و البته در بین آنها قائل به وجوب هم نداریم. همه فقها، قضاوت در مسجد را جایز می‌دانند؛ با این تفاوت که برخی آن را مکروه و برخی مستحب می‌دانند.

آرای فقیهان

به طور کلی، پنج قول وجود دارد:

۱- قضاوت در مسجد، به طور مطلق، چه به صورت دائم و چه به صورت مقطعی، مکروه است. محقق حلی^۱ در دو کتاب «معتبر» و «شرائع»، این نظر را برگزیده است: «ویکره انفاذ الاحکام فیها؛ قضاوت و صدور حکم در مساجد مکروه است». محقق نراقی^۲ نیز در «مستند»، همین نظر را دارد.^۳

۲- بین آن زمانی که مسجد به عنوان مکان قضاوت انتخاب شود و پیوسته در آن قضاوت صورت گیرد و بین آن هنگامی که به صورت اتفاقی در مسجد قضاوت شود، تفاوت وجود دارد. در حالت اول، قضاوت در مسجد مکروه است؛ ولی در صورت دوم کراهتی ندارد.

مرحوم محقق حلی در «شرائع» می‌فرماید: «والآداب المکروهة... وأن يجعل المسجد مجلسا للقضاء دائماً ولا یکره لو اتفق نادراً؛ از جمله آداب مکروه آن است که مسجد پیوسته محل قضاوت باشد؛ ولی اگر گاهی در آنجا قضاوت صورت گیرد، مکروه نخواهد بود». در بین فقها متأخر، مرحوم میرزای قمی، در «غنائم الایام»، این نظریه را می‌پذیرد.^۴

۳- قضاوت در مسجد نه تنها مکروه نیست، بلکه مستحب است. این نظریه، از ظاهر عبارت برخی فقها برمی‌آید؛ نظیر: شیخ مفید در «مقنعه»،^۵ شیخ طوسی در «نهایه»،^۶ ابن حمزه در «وسیله»،^۷ ابن ادریس در «سرائر».^۸ تعبیر شیخ مفید در «مقنعه» چنین است: «ثم يتوضأ وضوء الصلاة ویلبس من ثیابه ما یتمکن من الجمال و حسن الهیئة و ینخرج الی المسجد الاعظم فی البلد الذی یمکن فیہ؛ سپس، (قاضی) وضو می‌گیرد و بهترین لباس خود را می‌پوشد و به طرف مسجد اعظم شهری حرکت می‌کند که در آن قضاوت می‌کند». از اینکه این کار در کنار دیگر مستحبات آمده است، در می‌یابیم که مراد، استحباب است.

۱. المعترفی شرح المختصر، ج ۲، ص ۴۵۲؛ شرائع الاسلام؛ ج ۱، ص ۹۸.

۲. مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۵۹.

۳. همان.

۴. شرائع الاسلام، ج ۴، ص ۸۶۶.

۵. المقنعة، ص ۷۲۲.

۶. النهایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، ص ۳۳۷، ۳۳۸.

۷. الوسیله الی نیل الفضیلة، ص ۲۰۹.

۸. السرائر، ج ۲، ص ۱۵۶.

۴- قضاوت در مسجد جایز است؛ ولی احتیاط در ترک آن است. این قول، از کلمات صاحب جواهر^۱ و مرحوم شیخ انصاری^۲ استفاده می‌شود.
 ۵- قضاوت در مسجد به طور مطلق (دائم و مقطعی) جایز است. در هر دو صورت، صدور حکم و قضاوت در مسجد هیچ کراهتی ندارد. این قول، از کلمات مرحوم شیخ طوسی در «خلاف» و «مبسوط»^۳ و قاضی بن برّاج در «مهذب»^۴ و ابن ادریس در «سرائر»^۵ و... نتیجه می‌شود.

بررسی دلایل آرای مختلف

اکنون، دلایل آرای مختلف را بررسی می‌کنیم تا رأی صحیح روشن گردد.

دلیل رأی نخست

محقق حلی می‌فرماید: «لأنّه یسمع مشاجرة الخصوم والتنازع بالكذب». قضاوت در مسجد، لوازمی دارد که گاهی سبب هتک حریم مسجد می‌گردد. برای مثال: گاهی با مشاجره دو طرف، جوّ متشنج می‌شود و آنها فریاد می‌زنند، گاه دروغ می‌گویند و قسم دروغ می‌خورند؛ اما شارع مقدّس، چنین رفتارهایی را در مسجد منع کرده است. به علاوه، برخی از فقها می‌گویند قضاوت در مسجد، مستلزم حضور کافران و مشرکان در مسجد است که کاری حرام دانسته می‌شود. همچنین، برخی منع ورود زنان معذور به مسجد را نیز اضافه کرده‌اند.^۶ از این رو، بهتر است مکانی را برای قضاوت انتخاب کنند که این قبیل معذورات را در پی نداشته باشد.
بررسی و نقد: در پاسخ می‌توان گفت: توابع و لوازم قضاوت، کراهت قضا را موجب نمی‌شود؛ بلکه در ذات خود، امری مستحبّ و در برخی از موارد واجب است؛ زیرا می‌توان با گماردن ضابطان قضایی، از تشنج و جدال جلوگیری کرد؛ اما در پاسخ اینکه فرمودند قضاوت در مسجد موجب می‌شود که مشرکان و زنان معذور نتوانند شاهد دادگاه بشوند، باید گفت که چه اشکال دارد در این گونه موارد، شاهدان در مسجد بیایند و سپس قاضی نزد آنان برود و اظهاراتشان را بشنود.

۱. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

۲- شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ص ۸۸.

۳. المبسوط، ج ۸، ص ۷۸.

۴. المهذب، ص ۵۹۲، ۵۹۳.

۵. السرائر، ص ۱۵۶ و ۱۵۷.

۶. المعترفی شرح المختصر، ج ۲، ص ۴۵۲.

۷. جواهرالکلام، ج ۴۰، ص ۸۰.

ممکن است این اشکال مطرح شود که مجلس قضا به هم می خورد؛ چون جزئی از مجلس قضا در داخل مسجد و جزئی در خارج از مسجد واقع می شود. در پاسخ به این اشکال گفته می شود: نخست، از ظاهر کلام فقیهان، مخالف چنین سخنی برداشت نمی شود. دوم، به علاوه، با برداشتن چند قدم و حرکت قاضی برای شنیدن شهادت شهود، مجلس قضا به هم نمی خورد. همچنین، حضور مشرکان و کافران در مسجد، به طور ذاتی منعی ندارد، مگر آنکه نجس شدن یا هتک حرمت مسجد را موجب بشود. تاریخ، شهادت می دهد که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله نمایندگان مشرکان را به مسجد راه می داد و با آنان گفت و گو می کرد. شاید به همین دلیل است که برخی از فقهای معاصر می گویند: «لأمانع من دخولهم في المساجد في نفسه غير المسجد الحرام و مسجد النبي صلی الله علیه و آله إلا أن يكون مستلزماً لتنجيس المسجد أو هتک حرمة أو موجباً لمکث الجنب في المسجد؛ ورود آنان [غیرمسلمانان] به مسجد غیر از مسجد الحرام و مسجد النبی در نفس خود منعی ندارد، مگر آنکه نجس شدن یا هتک حرمت مسجد یا توقف جنب در مسجد را موجب شود»^۱.

قائلان به کراهت، برای اثبات نظر خود، به چهار روایت مرسله استناد کرده اند:

الف) مرسله علی بن اسباط، قال ابو عبدالله علیه السلام: «جئبوا مساجدکم بالبیع والشراء والمجانین والصبیان و الاحکام و الصلوة و الحدود و رفع الصوت؛ امام صادق علیه السلام فرمودند: «مساجدتان را از خرید و فروش، ورود دیوانگان و بچه ها، صدور حکم، اعلام گمشده ها، حدود و فریاد دور نگه دارید»^۲.

ب) مرسله شیخ صدوق در «من لا یحضره الفقیه» که بسیار شبیه روایت مطرح شده است.^۳
ج) مرسله نبوی که مرحوم شیخ طوسی در «مبسوط» آن را نقل می کند: «جئبوا المساجد صبیانکم و مجانینکم و خصوماکم و الحکومة؛ مساجد را از بچه ها، دیوانگان و دعواها و حکومت و قضاوت دور نگه دارید»^۴.

د) مرسله نبوی که شیخ در «مبسوط» آن را نقل می کند: «أن النبي صلی الله علیه و آله سمع رجلاً ینشد ضالة فی المسجد. فقال: لا وجدتها إنما به نیت المساجد لذكر الله و الصلاة؛ پیامبر صلی الله علیه و آله در مسجد مردی را دیدند که از گمشده اش سخن می گوید. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: پیدایش نکنی! همانا مسجد، برای ذکر خدا و اقامه نماز ساخته شده است»^۵.

۱. أوجوبة الاستفتانات، ج ۱، ص ۱۲۹، س ۴۲۹.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۲.

۳. ابن بابویه، من لا یحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۷۳، ح ۷۱۵.

۴. المبسوط، ج ۸، ص ۷۸.

۵. همان.

از جمع‌بندی روایات مذکور که همگی مرسله هستند، این نتیجه حاصل می‌شود که معصومان علیهم‌السلام از قضاوت کردن در مسجد نهی کرده‌اند.

بررسی و نقد: نخست، هر چهار روایت مرسل و غیر قابل اعتمادند و در صورتی می‌توان به آنها عمل کرد که روایت قوی‌تری برخلاف آن نداشته باشیم (در حالی که داریم)؛ اما ممکن است کسی بگوید: روایت‌های مرسله شیخ صدوق در حکم مسند و معتبر است؛ زیرا وی در کتاب اول «من لایحضره الفقیه» فرموده‌اند: «بل قصدت الی ایراد ما افتی به و أحکم بصحته و اعتقد أنه حجة فیما بینی و بین ربّی؛ من قصد کرده‌ام در این کتاب چیزی را بیاورم که به آن فتوا می‌دهم و به صحت آن حکم می‌کنم؛ چیزی که بدان اعتقاد دارم، در بین من و پروردگارم حجت است». بنابراین، همه کسانی که در اسناد این روایات بوده‌اند و مرحوم صدوق آنان را حذف کرده‌اند، عادل و ثقة بوده‌اند؛ از این رو، این مرسله‌ها حجت هستند.

پاسخ: نخست، در اعتبار و عدم اعتبار مرسله‌های شیخ صدوق، بین فقهاء اختلاف است. دوم، نهایت چیزی که از عبارت شیخ صدوق در اول کتاب استفاده می‌شود این است که ایشان، جزم یا اطمینان به صدور این روایات داشته‌اند؛ اما جزم و اطمینان ایشان، سبب عدالت راویان سند یا وثاقت آنها نمی‌شود؛ زیرا در مواردی که ایشان سند را ذکر کرده‌اند، راویان ضعیف نیز وجود دارد. سوّم، اگر بر فرض بپذیریم که شیخ صدوق، به صدور، اطمینان داشته‌اند، این سؤال مطرح است که آیا اطمینان ایشان برای دیگران نیز حجت است؟^۲

از جهت دلالت، فقها چند احتمال داده‌اند:

الف) مقصود از احکام، صدور حکم نیست، بلکه اجرای آن است و فقها بر کراهت آن در مسجد، اتفاق نظر دارند.

ب) مقصود از فضای جنجالی، فضایی با فریاد است که با وزانت و متانت مسجد سازگار نیست.
ج) مقصود ائمه معصومان علیهم‌السلام احکام صادر شده از عامّه است که باطل‌اند و امامان می‌خواستند بدین ترتیب، راه را بر قضاوت آنان ببندند.^۳

برخی از این احتمالات ضعیف است؛ اما قوّت احتمال اول کافی است که دلالت این روایات را نیز مخدوش کند. پس، روایت‌های چهارگانه، هم از لحاظ سند و هم از نظر دلالت مخدوش‌اند. به این ترتیب، قول اول ابطال می‌شود.

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳.

۲. رک کلبیات فی علم الرجال، ص ۳۸۴، ۸۳.

۳. ن. ک: جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۶، ۱۱۷.

دلیل قول دوّم

صاحب «شرایع» و مرحوم محقق حلّی، برای ادّعی خود، دلیلی اقامه نمی کنند؛ اما میرزای قمی در «غنائم» می فرماید: «و الأظهر فی الجمع بین الروایات القول بالکراهة فی صورة الادمان لامطلقا...»؛ در جمع بین روایات جواز قضاوت در مسجد و ادله کراهت قضا در مسجد، اظهر این است که بگوییم: اگر قضاوت دائمی باشد، مکروه و اگر مقطعی باشد، کراهت ندارد.^۱

نقد: با ذکر نکاتی که در پاسخ به ادله قائلان به کراهت مطرح کردیم، زمینه ای برای این گونه جمع باقی نمی ماند.

دلیل قول سوّم

این نظر، از ظاهر کلمات فقها استفاده می شود؛ برای این نظریه به دو دلیل زیر استدلال شده است:

۱. مسجد، محلّ یاد و ذکر خداست و قضاوت و حلّ اختلافات نیز از مصادیق یاد خداوند است.
۲. قضاوت، از برترین اعمال است. بنابراین، باید در شریف ترین اماکن انجام شود. مسجد، مکانی است که این ویژگی را دارد.

محقق نراقی، پس از طرح دو دلیل در «مستند»، این گونه آنها را نقد می کند:

اول: نمی توان پذیرفت که مسجد محلّ مطلق ذکر باشد؛ جعفر بن ابراهیم از امام سجّاد علیه السلام نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «من سمعتموه یُنشِدُ الشَّعْرَ فی المساجد فقولوا فإِنَّ اللهَ فَاکٌ إِنْما نُصِبَتِ المساجد لِلقرآن؛ اگر شنیدید کسی در مسجد شعر می خواند به او بگویید: خداوند دهانت را بشکند! مسجد برای قرآن ساخته شده است.»^۲

بنابراین، بر فرض بپذیریم که مسجد، محلّ مطلق ذکر است؛ اما ذکر بودن قضاوت را قبول نداریم. دوّم: پس از نصّ هایی که درباره کراهت قضا در مسجد اقامه کردیم، مستحب دانستن قضاوت در مسجد، اجتهاد در مقابل نصّ است و چنین چیزی بالاتفاق، باطل است.^۳

به نظر می رسد، هم دلیل قائلان به استحباب و هم نقدی که بر آنها مطرح شد، مخدوش است. خدشه در دلیل استحباب، به این است که استحباب نیز مانند وجوب و حرمت و کراهت، حکمی از احکام الهی است و باید با دلیل آن را ثابت کرد؛ اما خدشه در کلام محقق نراقی به صورت زیر است:

۱. غنائم الأیام، ج ۲، ص ۲۴۱.

۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۶۹، ح ۵.

۳. مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۵۹-۶۰.

اول: از روایت «أَمَّا نَصَبُ الْمَسَاجِدِ لِلْقُرْآنِ» نمی‌توان استفاده حصر کرد. در این روایت، حصر به‌طور قطع، حصر اضافی است؛ زیرا اگر حصر حقیقی باشد، باید دعا و توسل و حتی نماز خواندن در مسجد نیز مورد سؤال باشد. صرف‌نظر از حصر، اگر قضاوت طبق قرآن باشد، با روایت فوق منافات ندارد. دوم: هر عملی که برای کسب رضای خدا و خدمت به بندگان او انجام شود، از مصادیق یاد خداست و قضاوت به حق، به‌طور قطع، از این دسته است.

سوم: این که فرمودید: قول قائلان به استحباب، اجتهاد در مقابل نصّ است، باید گفت: این قول اجتهاد است، اما به‌طور قطعی، در مقابل نصّ نیست، زیرا نص‌های مزبور از نظر سندی و دلالتی مخدوش هستند.

دلیل قول چهارم

مرحوم شیخ انصاری، پس از طرح قول به کراهت و جواز قضا در مسجد و بیان ادله دو طرف، در پایان بحث، می‌فرماید: «والمسئلة محل اشكال الا أن الترك أولى»^۱. صاحب جواهر بر این مدعا دو دلیل اقامه می‌کند:

۱. چه‌بسا، قضاوت در مسجد، مستلزم وقوع مکروهات بشود؛ به‌ویژه، با توجه به تفاوت جوهری و اساسی بین قضاوت معصومان و دیگر آدمیان.

۲. شاید قضاوت در مسجد، به دلیل تقصیر در مقدمات حکم یا تبعیت کردن از امیال و هواهای نفسانی، به چیزی حکم کنند که مخالف نظر خداست.^۲

بررسی و نقد: اول، آیا ترس از افتادن در مکروه یا حکم به غیر ما انزل الله، می‌تواند مانع از جواز قضاوت در مسجد باشد؛ به خصوص با توجه به قراین و مستندات که دلالت می‌کند؟ امامان علیهم‌السلام به شاگردان و یاران خود دستور می‌دادند که در مسجد قضاوت کنند. برخی روایات، نشان می‌دهد امامان علیهم‌السلام دیگران را از قضا در مسجد نهی نمی‌کردند که در ادله قول پنجم به آنها اشاره خواهیم کرد.

دوم: احتمال خطا در قضاوت، به علل متعددی امکان‌پذیر است؛ ولی اگر بنا باشد قضاوت در مسجد به این دلیل ترک شود که احتمال اشتباه وجود دارد، در سایر مکان‌ها نیز این احتمال وجود دارد؛ پس، قضا باید تعطیل شود؛ اما تعطیلی امر قضا، سبب اختلال نظام می‌شود. این امر به‌طور یقین، برخلاف خواسته شارع مقدس است. به‌علاوه، نظیر این احتمال خطا، در صدور حکم و قضاوت و نیز در صدور فتوا و اجتهاد نیز وجود دارد. پس، باید صاحب جواهر ملتزم شود که به دلیل احتمال خطا، باید از صدور فتوا نیز اجتناب کرد و

۱. شیخ انصاری، القضاء والشهادات، ص ۸۸.

۲. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

یا حداقل احتیاط در ترک آن است! سرانجام این که چرا صاحب جواهر، پس از ردّ نظریه قائلان به کراهت و اثبات جواز قضا در مسجد، به دلیل ترس از افتادن در مکروه یا احتمال خطا، فتوای به احتیاط می‌دهد؟ در حالی که مقتضای ادله، جواز قضا در مسجد است.

دلیل قول پنجم

مرحوم شیخ طوسی در کتاب «خلاف»، سه دلیل برای اثبات این قول اقامه می‌کند:

۱. جواز، مقتضای اصل است تا وقتی دلیلی بر کراهت یا حرمت نباشد، حکم بر جواز است.
 ۲. سیره و مکان قضاوت پیامبر ﷺ مسجد بوده است. به‌طور قطع، اگر قضاوت در مسجد مکروه بود، پیامبر آنجا را بر نمی‌گزید.

۳. امام علی (علیه السلام) در مسجد جامع کوفه قضاوت می‌کرد و «دکّة القضاء» حضرت هنوز معروف است. محقق نراقی در «مستند» به دلیل اوّل و سوّم اشکال می‌کند:

در این بحث، اصل وجود ندارد؛ زیرا برخی از روایات دالّ بر کراهت است و «الأصل دليل حيث لا دليل»؛ از این رو، جایی برای تمسّک به اصل نیست.

پاسخ: ثابت کردیم که ادله مذکور از لحاظ سند و دلالت، غیر قابل اعتمادند.

ایشان در دلیل سوّم هم سه اشکال مطرح می‌کند:

الف) اصل ثبوت چنین دکّه‌ای برای قضاوت ثابت نیست.

ب) بر فرض که ثابت باشد، ثابت نیست که «دکّة القضاء» باشد.

ج) بر فرض که «دکّة القضاء» باشد، از کجا معلوم که جزء مسجد بوده است و امام علی (علیه السلام) در آن قضاوت می‌کرده است؟ شاید آن زمان جزء مسجد نبوده است.^۲

پاسخ: هر سه نقد این عالم بزرگ، تشکیک در امر واضح و مسلم تاریخی است؛ زیرا اصل ثبوت و «دکّة القضاء» بودن آن و قضاوت حضرت در این مکان از مسلمّاتی است که پیوسته فقهای ما در طیّ قرون گذشته به آن استدلال کرده‌اند. حضرت علی (علیه السلام) در این مکان امور قضائی را حلّ و فصل می‌کردند. حتّی در برخی روایات، روش قضاوت حضرت، با تمام جزئیّات ذکر شده است. بنابراین، احتمالات مذکور در آن حدّ از قوّت نیست که استدلال را دچار خدشه و ایراد را وارد کند.

برخی دیگر، مثل مرحوم فاضل هندی، صاحب «کشف اللثام»، اشکال کرده‌اند: دلیلی وجود ندارد که امام

۱. الخلاف، ج ۶، ص ۲۱۷.

۲. مستند الشیعة، ج ۱۷، ص ۶۰.

همواره در مسجد جامع، قضاوت می کردند. البته، بنا به دلایل، گاهی در آنجا قضاوت می کردند.^۱ پاسخ: این برداشت، صرف ادعاست، زیرا اول اینکه، چه دلیلی بر اثبات آن دارید و دوم اینکه، برداشت حاضر، خلاف ظاهر است؛ زیرا هیچ جا با یک یا دو بار قضاوت اتفافی، «دکة القضاء» نامیده نمی شود. دلیل جواز قضاوت در مسجد (البته، پس از اتفاق نظر علما بر وقوع قضاوت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امام علی عَلَيْهِ السَّلَام وجود برخی از روایات است؛ مثل:

(الف) فقال له محمد بن مسلم الثقفی: اماناً علی بن ابی طالب عَلَيْهِ السَّلَام قد قضی فی هذا المسجد به خلاف ما قضیت...». آقاضی بن ابی لیلی درباره موضوعی حکمی صادر کرد؛ پس از صدور حکم محمد بن مسلم ثقفی خطاب به او گفت: آگاه باش که امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در همین مسجد، نظیر همین قضیه را به روش دیگری قضاوت کرد....

حدیث از دو جهت مقصود ما را اثبات می کند:

اول: محل قضاوت ابن ابی لیلی، مسجد بوده است؛ زیرا راوی می گوید: امام در همین مسجد که تو قضاوت می کنی، به روش دیگری قضاوت کرد.
دوم: مکان قضاوت امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز مسجد بوده است.

(ب) «أبی جعفر عَلَيْهِ السَّلَام قال: دخل امیر المؤمنین المسجد فاستقبله شاب... ففرق بینهم وأقیم کل رجلٍ منهم الی أسطوانة من أساطین المسجد ورؤسهم مغطاة بثیابهم ثم دعا به عبدالله بن أبی رافع کاتبه فقال هات صحيفة وداوة وجلس امیر المؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فی مجلس القضاء و...؛ این روایت، طولانی است و از ذکر کل متن عربی و همچنین ترجمه کامل آن خودداری شده، ولی خلاصه آن این است که جوانی، از همسفران پدرش به حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَام چنین شکایت کرد که پدرم با اموال فراوانی با گروهی به تجارت رفت. اکنون همسفرانش برگشته اند و ادعا می کنند که پدرت در بین راه مرده است. وقتی از آنها می پرسم پس، اموالش کجاست؟ می گویند: او مالی نداشت! نزد شریح قاضی رفته ام و او به براءت آنان حکم صادر کرده است. حضرت دستور داد همسفران را حاضر کردند و فرمود: یکی یکی و جدا جدا در نزد ستون های مسجد بایستند. سپس، از آنها بازجویی کردند. در نهایت، افراد به قتل اعتراف کردند».^۲

از این روایت، نه تنها قضاوت حضرت در مسجد ثابت می شود، بلکه نحوه قضاوت و داشتن جایگاه قضا در مسجد نیز اثبات می شود.

۱. کشف اللثام، ج ۱، ص ۲۰۲.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۳۴، ح ۲۷.

۳. الکافی، ج ۷، ص ۳۷، ح ۸.

ج) وقتی امام علی (علیه السلام) شنیدند که شریح در منزل خود قضاوت می کند، فرمودند: «یا شریح! اجلس فی المسجد فانّه عدل بین الناس وانه وَهْنٌ بالقاضی ان یجلس فی بیته؛ ای شریح، در مسجد قضاوت کن که این برای عدالت بین مردم بهتر است. همانا نشستن در خانه و قضاوت کردن، مایه وهن قاضی است»^۱. اگر از این روایت، استحباب قضا در مسجد استفاده نشود، دست کم جواز را نشان می دهد. البتّه، سند روایت مرسل است، بنابراین، فقط می تواند مؤید باشد.

د) از روایت دیگری که نیازی به ذکر آن نیست، می توان استفاده کرد که اعلام حکم قضائی در مسجد جایز است.^۲

وقتی صحت این گونه از قضاوت اثبات می شود، دیگر قضاوت قاضی تحکیم و به طریق اولی جایز خواهد بود. به علاوه، قضاوت در مسجد از نظر روانی هم برای طرفین دعوا و هم برای قاضی آرامش بیشتری را موجب می شود؛ زیرا همگان به مقدّس بودن این مکان، ایمان دارند و فضای مسجد، خود به خود باعث می شود افرادی که در آنجا حضور پیدا می کنند، از مسائلی نظیر دروغ گفتن، شهادت به باطل و سوگند دروغ پرهیز کنند و چنین چیزی سبب می شود که قاضی، بر معیار حقّ قضاوت کند.

نتیجه سخن

از مطالب یاد شده به روشنی درمی یابیم که مراد از قضاوت در مسجد، آن است که قاضی در این مکان مقدّس که بیت الله است، بنشیند و خصومت بین دو طرف دعوا را حلّ و فصل کند. به طور کلی دلایل، حکایت از آن دارد که اصل «قضاوت در مسجد»، به همین معنا، مورد اتفاق همه علما است. از این رو، هیچ فقیهی به حرمت قضاوت در مسجد قائل نیست و البتّه قائل به وجوب هم نداریم. همه فقها، قضاوت در مسجد را جایز می دانند؛ با این تفاوت که برخی آن را «مکروه» و برخی «مستحبّ» می دانند.

نگارنده معتقد است که منظور رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، فضای جنجالی همراه با فریاد است که کراهت قضا را در مسجد موجب می شود. البتّه، می توان با گماردن ضابطان قضایی، از تشنج و جدال جلوگیری کرد. همچنین، با استناد به سخن امام سجّاد (علیه السلام)، مسجد را جایگاه مطلق ذکر نمی دانیم؛ بلکه معتقدیم بسیاری از مشکلات در مسجد حلّ و فصل می شود. اگر مسجد مکان مطلق ذکر باشد، خواندن قرآن هم در مسجد، غیر از ذکر است؛ بنابراین، نباید قرائت شود.

به هر حال، سیره و مکان قضاوت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مسجد بوده است. اگر قضاوت در مسجد مکروه بود، به طور

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۴، ح ۱۸۹۸.

۲. الکافی، ج ۷، ص ۱۸۵، ح ۱.

حتم، پیامبر آنجا را بر نمی‌گزید. بر همین اساس، با توجه به قراین و مستنداتی که دلالت می‌کند امامان علیهم‌السلام به شاگردان و یاران خود دستور می‌دادند که در مسجد قضاوت کند. برخی روایات نشان می‌دهد که امامان علیهم‌السلام دیگران را از قضا در مسجد نهی نمی‌کردند.

امام علی علیه‌السلام در مسجد جامع کوفه قضاوت می‌کرد و «دکّة القضاء» حضرت هنوز معروف است. حضرت در این مکان امور قضائی را حلّ و فصل می‌کردند. حتی در برخی روایات نحوه قضاوت حضرت، با تمام جزئیات ذکر شده است.

افزون بر مطالب بیان شده، قضاوت در مسجد از نظر روانی هم برای طرفین دعوا و هم برای قاضی، آرامش بیشتری را به دنبال دارد؛ زیرا همگان به مقدّس بودن این مکان ایمان دارند و فضای مسجد خود به خود باعث می‌شود افرادی که در آنجا حضور پیدا می‌کنند، از مسائلی نظیر دروغ گفتن، شهادت به باطل و سوگند دروغ پرهیز کنند. این امر، قضاوت به حقّ قاضی را باعث می‌شود.

١. حسيني خامنه اي سيد علي، أجوبة الأستفتائات، دارالنبأ، ١٤١٥هـ / ١٩٩٥ م.
٢. القمي ميرزا ابوالقاسم، غنائم الأيَّام في مسائل الحلال والحرام، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤١٨ هـ.ق.
٣. النجفي الشيخ محمد حسن، جواهرالكلام، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ هـ.ش.
٤. السبحاني الشيخ جعفر، كليات في علم الرجال، قم، جامعه المدرسين، ١٤١٦ هـ.ق.
٥. المحقق الحلّي، شرائع الاسلام في مسائل الحلال والحرام، تهران، انتشارات استقلال، ١٤٠٩ هـ.ق.
٦. —، المعترف في شرح المختصر، تهران، استقلال، ١٤٠٩ هـ.ق.
٧. الاصفهاني (الفاضل الهندي) بهاء الدين محمد بن الحسن بن محمد، كشف اللثام، قم، مكتبة سيد المرعشي النجفي، ١٤٠٥ هـ.ق.
٨. موسوي الخميني سيد روح الله، صحيفه نور، مؤسسه چاپ ونشر آثار حضرت امام خميني رَضِيَ اللهُ عَنْهُ.
٩. —، تحرير الوسيله، قم، نشر اسماعيليان.
١٠. محقق نراقي، مستند الشيعة، مشهد، آل البيت، ١٤١٥ هـ.ق.
١١. الشيخ المفيد، المقنعة، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤١٠ هـ.ق.
١٢. الشيخ الطوسي، تهذيب الاحكام، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ هـ.ش.
١٣. —، النهاية في مجرد الفقه والفتاوى، بيروت، دارالاندلس.
١٤. —، المبسوط في فقه الامامية المكتبة المرتضوية، ١٣٥١ هـ.ش.
١٥. —، الخلاف، قم، مؤسسه النشر الاسلامي، ١٤١٧ هـ.ق.
١٦. الطوسي ابن حمزه، الوسيلة الى نيل الفضيلة، قم، مكتبة السيد المرعشي، ١٤٠٨ هـ.ق.
١٧. حلّي ابن ادريس، السرائر، قم، انتشارات جامعه مدرسين، قم انتشارات باقرى ١٤١٥ هـ.ق.
١٨. القاضي بن البراج، المهذب، قم، انتشارات جامعه مدرسين، ١٤٠٦ هـ.ق.
١٩. تميمي مغربي نعمان بن محمد، دعائم الاسلام، مصر، دارالمعارف، ١٣٨٥ هـ.ق.
٢٠. كليني محمد بن يعقوب، الكافي، تهران، دارالكتب الاسلامية، ١٣٦٥ هـ.ش.
٢١. احمد بن فارس بن زكريا، معجم مقائيس اللغة، قم، مكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ هـ.ق.
٢٢. السيد الخوئي رَضِيَ اللهُ عَنْهُ، مباني تكملة المنهاج، قم، انتشارات دارالهادي، ١٤٠٧ هـ.ق.
٢٣. خاتمي سيد احمد، مسجد و حكومت، مجله مسجد، ش ٢٩.
٢٤. ابن بابويه، محمد بن علي (شيخ صدوق)، من لايحضره الفقيه، قم، مؤسسه انتشارات اسلامي

وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۲۵. انصاری، شیخ مرتضی بن محمد امین، القضاء والشهادات (جزء ۲۲)، قم، مجمع الفکر الاسلامی،
چاپ دوم، ۱۴۲۸ ه.ق / ۱۳۸۶ ه.ش / ۲۰۰۷ م.

نقش مساجد و ائمه جماعت در دفاع مقدس

مهدی مؤیدی

چکیده

با مطالعه تاریخ جنگ‌های صدر اسلام، رابطه معناداری بین مسجد و اقدامات پشت جبهه مشاهده می‌شود. مساجد با محوریت ائمه جماعت و پرورش روح بندگی در آدمی، او را ابتدا برای نبرد در میدان جهاد اکبر و در مرحله بعد برای حضور در صحنه نظامی، یعنی جهاد اصغر آماده می‌کنند. بنابراین، پیوندی عمیق و دوطرفه میان فرهنگ مسجد و فرهنگ جهاد وجود دارد که در فصل دوم به این موضوع پرداخته شده است. همچنین، در جنگ تحمیلی هشت ساله، مساجد به عنوان قلب مقاومت رزمندگان اسلام، در شهرهای مورد هجوم دشمن، به یک نهاد پایداری تبدیل شدند و ائمه جماعت، پرچمدار این ایستادگی بودند. نگارنده، مصادیق مختلفی از نقش ائمه جماعت در پایداری مردم در زمان جنگ تحمیلی را بازگو کرده است. در دفاع مقدس، روحانیت با محوریت مساجد در این زمینه فعالیت‌های متعددی را بر عهده داشتند؛ مانند: تربیت نیروهای مبارز، جذب و اعزام نیرو، بدرقه رزمندگان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، دعا کردن برای رزمندگان، تشییع پیکر شهدا، دیدار اهل مسجد با خانواده معظم شهدا و تبلیغات جنگ. این وظایف روحانیت، منحصر به دوران جنگ نیست؛ بلکه در زمان صلح، آنها می‌توانند مساجد را پایگاه دشمن‌شناسی و ترویج فرهنگ جهاد، شهادت و ایثار قرار دهند.

کلیدواژه‌ها:

کارکرد نظامی مساجد در صدر اسلام، رابطه بین فرهنگ مسجد با فرهنگ جهاد، نقش مساجد در پشتیبانی از جنگ تحمیلی، دشمن‌شناسی، وظایف مساجد در زمان صلح.

جوامع بشری همواره با مفهوم جنگ آشنا بوده‌اند؛ به ندرت جامعه‌ای را می‌توان یافت که تلخی‌ها و دشواری‌های جنگ را نچشیده باشد. همیشه تضاد بین دو گروه مستضعف و مستکبر، قدرت طلب و عدالت‌خواه، در طول تاریخ منشأ جنگ‌های فراوان بوده است.

پس از ظهور اسلام، با آغاز رسالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ برای براندازی کفر و شرک، مشرکان و یهودیان برای نابودی اسلام، مبارزه خودشان را شروع کردند. این مبارزات، با هجرت پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی و با تمرکز نیروها در مساجد وارد مرحله جدیدی شد. پس از نزول آیه جهاد، مسلمانان به دفاع از کیان اسلام، موظف شدند و مساجد به مقر و پادگان مجاهدان و رزمندگان تبدیل شد. به گونه‌ای که آموزش، سازماندهی، اعزام نیروها، فرماندهی و مداوای مجروحان جنگ در مساجد انجام می‌گرفت. فتوحات اسلامی از مسجدالنبی در مدینه آغاز و به مسجد مسلمة بن عبدالملک بن مروان در قسطنطنیه، در زمان عمر بن عبدالعزیز پایان یافت.^۲

در تاریخ اسلام، تازمانی که فرهنگ جهاد و شهادت زنده بود، مساجد، کارکرد نظامی خود را حفظ کردند؛ به خصوص شیعیان، مساجد را سنگری علیه ظلم طاغوتیان می‌دانستند. مسلمانان ایران نیز به تأسی از مسلمانان صدر اسلام، مسجد را سنگر مبارزه با طاغوتیان قرار دادند؛ چنان که با شروع مبارزات انقلابی مردم ایران علیه طاغوت (رژیم پهلوی)، نقش مساجد پررنگ شد و مساجد محله‌ها، محور اصلی تجمع مبارزین گردید. بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی و آغاز جنگ تحمیلی، بار دیگر مساجد، کارایی خود را در بُعد نظامی اثبات کردند و فعالیت‌های مسجدالنبی در صدر اسلام را یادآور شدند.

در این نوشتار، نگارنده قصد دارد کارکرد نظامی و مبارزاتی مساجد در صدر اسلام و دفاع مقدس را بررسی کند. در صورت تثبیت این کارکرد مساجد، فرهنگ جهاد در جامعه گسترش پیدا می‌کند و همواره مسلمانان برای مجاهدت و فداکاری در راه اسلام، آماده خواهند بود و ملت‌ای که با فرهنگ جهاد و شهادت انس داشته باشد، شکست‌ناپذیر است.

۱. حج، آیه ۳۹.

۲. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رسالة المسجد العسکرية، ص ۱۴۲.

فصل اول: کارکرد نظامی مساجد در صدر اسلام

مسجد، نخستین پادگان اسلامی

بعد از هجرت پیامبر ﷺ، با تعیین مکان مسجد مدینه توسط ایشان، احداث بنای آن با خشت و سنگ آغاز گردید و آن حضرت به همراه یارانش خشت و سنگ به دوش می کشیدند و بدین گونه پیامبر ﷺ نیز در این کار شرکت فرمودند. به این ترتیب، بنای مسجد، با فرشی از شن و ماسه، سقفی از شاخه نخل و ستون‌هایی از تنه درخت خرما برپا گردید. با ساخت این مسجد، بنای «نخستین پادگان اسلامی» کامل شد.^۱

مسجد، ستاد فرماندهی پیامبر اکرم ﷺ

در مطالعه تاریخ جنگ‌های صدر اسلام، نکته بارزی که در سیره پیامبر ﷺ حائز اهمیت است، نقش محوری مساجد در سازمان دهی و آموزش نظامی، اعزام نیرو، فرماندهی و پشتیبانی جنگ، نگهداری غنائم و اسیران، مداوای مجروحین و مکان اکرام خانواده‌های شهدا و نقش معنوی مسجد در کمک به رزمندگان اسلام است.

سربلندی سپاه اسلام در بیش از هفتاد جنگ و درگیری نظامی در طول حضور ده ساله پیامبر ﷺ در مدینه، نشان از موفقیت شیوه‌های فرماندهی ایشان دارد.^۲

با مطالعه تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم که مسجد النبی، مقر فرماندهی و مکان طراحی یا اتاق جنگ پیامبر ﷺ بود. آن حضرت از طریق نیروهای اطلاعاتی خود، از اخبار دشمن مطلع می‌شدند و در مورد نحوه طراحی عملیات جنگ با اصحاب و فرماندهان و مجاهدین به بحث و گفت‌وگو می‌پرداختند.

در آن زمان، مکان‌های موازی با مسجد وجود داشت. سران قریش در ترور پیامبر ﷺ در «دارالتدوة» تشکیل جلسه دادند و تصمیم گرفتند که از هر قبیله، جوانی بزرگ‌زاده و نسب‌دار با شمشیری بُرنده آماده قتل پیامبر ﷺ شود.^۳

این سنت نبوی، یعنی مرکزیت مسجد در جنگ‌ها، تا زمان بنی‌امیه برپا بود. معاویه بعد از شهادت علی (علیه السلام) در مسجد، برای حفظ امنیت خود، در محرابی که دو طرف آن پوشیده بود، می‌ایستاد و پشت سر او در صف اول، محافظین او می‌ایستادند و خلفای بعد از او مقر حکومت را از مسجد به کاخ‌ها و محل سکونت خودشان انتقال دادند.^۴

۱. شیت خطاب، محمود، شیوه فرماندهی پیامبر، ترجمه بینش عبدالحسین، ص ۸۵.

۲. واقدی، محمدبن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۵.

۳. واقدی، محمدبن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۸۴.

۴. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رسالة المسجد العسکریه، ص ۱۴۰، اقتباس.

مسجد، بیشتر صحنه طرح مسائل جنگی بود. ^۱ پیامبر ﷺ در طراحي عمليات با فرماندهان و رزمندگان، در مسجد به مشورت می‌پرداختند. در جنگ اُحُد، هنگامی که پیامبر ﷺ از حرکت سپاه قریش به سوی مدینه آگاه شدند، در مسجد حضور یافتند و در اجتماع مردم در مورد این رویداد سخن گفتند و از مسلمانان خواستند تا نظرات خود را درباره چگونگی رویارویی با دشمن مطرح کنند.^۲

پیامبر ﷺ به طور کامل به نظرات افراد مختلف توجه کردند و سرانجام با آنکه آن حضرت، مایل به باقی ماندن در مدینه و جنگیدن با دشمن در شهر بودند، با توجه به افکار عمومی مسلمانان، بر آن شدند تا بیرون از شهر و در دامنه کوه اُحُد به رویارویی با دشمن بپردازند. نمونه موفق دیگر این مشورت، در جنگ احزاب صورت گرفت که با طرح خندق سلمان فارسی، مسلمانان پیروز شدند. شرکت رزمندگان در تصمیم‌گیری‌ها تأثیرات روحی و روانی فراوانی در جنگیدن آنها داشت. وقتی آنها نظر خود را در تصمیم‌گیری‌ها سهیم و مؤثر می‌دیدند، برای تحقق اهداف جنگ تلاش بیشتری از خود نشان می‌دادند.

مسجد، مرکز اجتماع و سازمان‌دهی مجاهدان

در صدر اسلام، مسلمانان قبل از عزیمت به جنگ، در مساجد تجهیز می‌شدند.^۳ هنگامی که یک خطر داخلی یا خارجی متوجه مسلمانان می‌شد، جارچی پیامبر ﷺ، که به طور معمول بلال بود، مسلمانان را به مسجد و حرکت به سوی نبرد فرامی‌خواند.^۴ با ندای «الصلاة جامعة... الصلاة جامعة...» در غیر اوقات نماز، مجاهدان متوجه اهمیت خطر می‌شدند و به صورت گروه‌گروه و فردفرد، با تجهیزات نظامی خود وارد مسجد می‌شدند و در آنجا سامان‌دهی و تحت فرماندهی مشخص، آماده اعزام و دفاع از اسلام و مسلمانان می‌گشتند.^۵ مبدأ حرکت رزمندگان اسلام به سوی جبهه‌های نبرد، مسجد بوده است. آنچه در این زمینه استثنا می‌شود، آن دسته از عملیات نظامی است که به دلیل رعایت مصالح امنیتی، اعزام سپاهیان اسلام به صورت مخفیانه انجام می‌گرفته است. گواه درستی این سخن آن است که در موارد فراوانی، اعزام سپاهیان اسلام پس از به جا آوردن یکی از نمازهای پنج‌گانه صورت می‌گرفته است. شاهد دیگر اینکه، حرکت سپاه اسلام در جنگ اُحُد، از مسجد انجام گرفته است. سربازان اسلام، پس از حضور در مسجد و اقامه نماز عصر،

۱. مکی سباعی، محمد، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عباسپور محمد، مهدوی محمدجواد، ص ۴۳-۴۴.

۲. واقفی، محمدبن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۱۵۲.

۳. بیانات امام خمینی رحمته الله علیه در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور، ۶۱/۷/۲۲، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴.

۴. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۸۰.

۵. شیت خطاب، محمود، الوسیط فی رسالة العسکرية، ص ۴۳.

۶. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۷۸.

در میان بدرقه مسلمانانی که خود را به مسجد پیامبر ﷺ رسانده بودند، به سوی اُحد اعزام شدند.^۱

زمان آغاز جهاد در اسلام

بعد از مستقر شدن پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، اولین آیه جهاد، «أَذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنفُسِهِمْ ظُلْمًا وَإِنِ اللَّهُ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ*الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ...» نازل شد که نزول این آیه آغاز جهاد در اسلام بود. پیامبر ﷺ در مسجد به تشریح فرهنگ جهاد و احکام آن اقدام فرمودند و این دستور الهی یکی از شاخصه‌های اصلی تمایز اسلام از دیگر ادیان است؛ یعنی اسلام دین را فقط عبادت فردی مطرح نمی‌کند، بلکه برای مسائل اجتماعی و سیاسی مسلمانان اهمیت قائل بوده، جهاد را وضع نموده است.

مسجد، در میدان‌های نبرد

اهتمام خاص پیامبر ﷺ و یاران آن حضرت نسبت به مسجد تا آنجا بود که مسلمانان در مسیر رفتن به جنگ و حتی در میدان جنگ، خود را از مسجد بی‌نیاز نمی‌دانستند. سپاهیان اسلام در اردوگاه‌های خود، به ساختن مسجد می‌پرداختند و بدین سان از فضیلت نماز گزاردن در مسجد بهره‌مند می‌شدند. در حقیقت، تعدد مساجدی که پیامبر ﷺ و یارانش در جنگ‌های مختلف بنا نموده‌اند، هم‌گویی اهمیت سپاهیان اسلام به امر نماز و هم بیانگر اهمیت و موقعیت مسجد در باور مسلمانان صدر اسلام است. آنان در جنگ‌ها، در کنار تلاش برای پیروزی، نه تنها هرگز خود را از نماز و مسجد بی‌نیاز نمی‌دیدند، بلکه در این شرایط، نسبت به ارتباط با خداوند، توجه بیشتری داشتند.

این مساجد، افزون بر تقویت بنیه معنوی سپاه، زمانی که در کنار خیمه فرماندهی بنا می‌شد، در ایجاد ارتباط بین بخش‌های مختلف سپاه با فرماندهی، نقش مؤثری ایفا می‌نمود.^۴

در تاریخ، مساجد زیادی وجود دارد که جایگاه اقامه نماز پیامبر ﷺ در غزوات و سفرهای حج بود؛ در ادامه به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود:^۵

۱. **مسجد عرق الظبیه:** این مسجد در فاصله دو میلی^۶ «روحاء»، در سمت راست جاده مدینه به مکه واقع شده است. برخی گفته‌اند که پیامبر ﷺ در این مسجد نماز گزارده و در همین مسجد برای رفتن به جنگ

۱. واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، ص ۱۵۵.

۲. حج، آیات ۳۹-۴۰.

۳. شیت خطاب، محمود، الوسيط فی رسالة المسجد العسكرية، ص ۴۱.

۴. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۰۶-۲۰۵.

۵. فراهی، عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، ص ۱۲۵-۱۳۱، باتلخیص.

۶. هر میل (mile) برابر ۱۶۴۰ متر است.

بدر، با اصحاب خویش رایزنی کرده است.

۲. **مسجد السقیا:** این مسجد در جایی به نام «سقیا»، در میان راه مدینه به مکه و در نزدیکی بدر واقع شده است. عده‌ای گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در جنگ بدر در این مسجد نماز گزارده و برای اهل مدینه دعا کرده است.

۳. **مسجد روحاء:** این مسجد در «روحاء»، در میان راه مدینه به مکه واقع شده است. برخی افراد گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در غزوه بدر در محل این مسجد، نزدیک چاه بدر نماز خوانده است.

۴. **مسجد بدر:** این مسجد در کنار نخلستانی در سرزمین بدر واقع شده است و در اصل سایبانی بود که پیامبر اکرم ﷺ در جنگ بدر در آنجا اقامت داشته است.

۵. **مسجد اُحد:** مسجد کوچکی است که در دامنه کوه اُحد نزدیک مدینه قرار گرفته است. بعضی آن را «مسجد الفتح» نیز نامیده‌اند.

۶. **مسجد الفضیخ:** این مسجد به «مسجد الشمس» نیز معروف است و در شرق مسجد قبا واقع است و با سنگ‌های سیاه ساخته شده است. رسول خدا ﷺ در غزوه «بنی النضیر»، در این محل اقامت داشته و در آنجا نماز خوانده‌اند.

۷. **مسجد الفتح:** این مسجد به نام‌های «حزاب» و «اعلی» نیز معروف است و بر فراز کوه «سُلع»، نزدیک مدینه و در سمت غربی آن واقع است. بعضی گفته‌اند که پیامبر ﷺ در جنگ خندق در آن نماز خوانده‌اند و برای پیروزی مسلمانان در این جنگ از خداوند طلب نصرت کرده و خواسته آن حضرت مقرون به اجابت گردیده است.

۸. **مسجد ذباب:** این مسجد که به «مسجد الرایه» نیز مشهور است، در بالای کوهی به نام «ذباب»، در سمت غربی مدینه واقع است. افرادی گفته‌اند که رسول خدا ﷺ در غزوه خندق در آنجا نماز خوانده است.

۹. **مسجد العصر:** این مسجد در نزدیکی کوه «عصر»، در یک منزلی مدینه به طرف خیبر واقع است. برخی گفته‌اند رسول اکرم ﷺ آن را بنا نهاده است و سمهودی به نقل از مطری گفته است که مسجد العصر از مساجد معروفی است که پیامبر ﷺ به هنگام رفتن به خیبر در آن مسجد نماز خوانده‌اند.

۱۰. **مسجد خیبر:** این مسجد به هنگام غزوه خیبر توسط پیامبر اکرم ﷺ در محل خیبر بنا نهاده شد.

۱۱. **مسجد میان شق فطاه:** «شق» و «فطاه» نام دو قلعه از قلعه‌های خیبر است. بعضی می‌گویند رسول خدا ﷺ پس از فتح خیبر در جایی میان این دو قلعه نماز گزاردند و سپس در آنجا مسجدی را بنا نهاد. در مورد تعداد مساجد و جایگاه‌های نماز پیامبر ﷺ در غزوه تبوک، در میان تاریخ‌نویسان اندکی اختلاف

است. آن حضرت، نخستین مسجد را در محلی به نام «ذی‌خشب»، در یک منزلی مدینه احداث نمودند و در راه، به هر منزلی که می‌رسیدند، مساجد دیگر را بنا می‌کردند. ابن اسحاق تعداد این مساجد را چهارده مسجد و واقدی، پانزده مسجد بیان کرده‌اند.^۲ مؤلف سیره رسول الله، شمار این مساجد را هفده مسجد و سمهودی، بیست مسجد ذکر نموده‌اند. در این قسمت از بحث، این مساجد را به ترتیبی که سمهودی در «وفاء الوفاء»، از نخستین مسجد در تبوک بر شمرده، می‌آوریم: مسجد التوبه، مسجد مدران، مسجد ذات التراب، مسجدی در اخضر، مسجدی در ذات خطیبی، مسجدی در اتی، مسجدی در تبراء، مسجدی در دره تراء، مسجدی بالای حصاء، مسجد حجر، مسجد بالای قزح، مسجدی در وادی القری، مسجدی در قریه بنی عذره، مسجدی در رقعہ، مسجدی ذی المروه، مسجد فیفاء، مسجدی در ذی‌خشب.^۳

این مساجد متعدّد، بیانگر اهمیّت و نقش فعال مساجد در میدان‌های جنگ است. پیامبر ﷺ حتی در بازگشت از جنگ‌ها نیز توجّه خاصی به مسجد داشتند و همواره هنگام برگشت، ابتدا در مسجد حضور می‌یافتند و در آنجا دو رکعت نماز می‌گزاردند.^۴

برخی از فرماندهان سپاه نیز در این مورد از پیامبر ﷺ پیروی می‌کردند. آسامه در بازگشت از جنگ موته، پس از ورود به مدینه، در حالی که پرچم جنگ پیشاپیش او حمل می‌شد، ابتدا به مسجد رفت؛ دو رکعت نماز گزارد؛ آنگاه همراه با پرچم به خانه خود بازگشت.^۵ این عمل پیامبر ﷺ و فرماندهان رشیدی مانند آسامه، در حقیقت نشان دهنده شکر گزاری به بارگاه الهی بود؛ زیرا در باور آنها، مسجد، برترین مکان برای این عمل شناخته می‌شد.

مساجد، نقطه آغاز تبلیغ فرهنگی اسلام پس از فتح نظامی

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ می‌فرماید: «ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند؛ همان جایی که پا گذاشتند، اوّل مسجد درست کردند؛ وقتی به قاهره رسیدند، اوّل برای مسجد، خط کشیدند و هر جا این طور بود، مسجد مطرح بود؛ معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محراب‌ها کوشش می‌کردند».^۶

۱. سمهوری، شهاب الدین احمد الحسینی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ص ۱۸۱-۱۸۳.

۲. واقدی، محمّد بن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۷۶۱.

۳. سمهوری، شهاب الدین احمد الحسینی، وفاء الوفاء باخبار دارالمصطفی، ص ۱۸۱-۱۸۳.

۴. واقدی، محمّد بن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۷۸۹.

۵. همان، ص ۸۵۹-۸۶۰.

۶. بیانات امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، در جمع فرماندهان، افسران و درجه دارن و پرسنل نیروی دریایی، در تاریخ ۱۵/۴/۵۹؛ امام درسنگر نماز، ص ۱۷۱-۱۷۲

به نقل از صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۲۲.

در فتوحات اسلامی، اولین اقدام فاتحان جنگ، مسجدسازی بود. مسلمانان، قبل از اینکه به فکر خانه‌سازی برای خود باشند، به بنای مسجد فکر می‌کردند و سال هفده هجری، بعد از فتح کوفه، اولین اقدام مسلمانان، ساخت مسجد کوفه بود. همچنین، بعد از فتح مصر در سال بیست هجری، مسجد جامع بنا شد. در تاریخ می‌خوانیم به دلیل اینکه مسلمانان در فاصله سال‌های چهارده تا شانزده هجری، عراق را فتح کردند، تیسفون را که در کنار دجله و از مهم‌ترین شهرهای ایران قدیم و پایتخت ساسانی بود، «مدائن» نامیدند. کاخ باشکوه ساسانیان، معروف به «ایوان کسری»، در این شهر واقع بود و آثار آن تاکنون در کنار دجله باقی مانده است. هنگامی که مسلمانان، دروازه‌های این شهر را گشودند، ایوان کسری را بدون اندک تغییری در وضع مجسمه‌ها، نقوش و انواع مناظر زیبای داخل آن، به مسجد مبدل کردند و در روز پیروزی در آنجا نماز گزارند. این ویژگی جنگ‌های اسلامی، با هدف پشتیبانی از گسترش اسلام بود؛ کشورگشایی و مساجد، یکی از شاخصه‌های گسترش اسلام در مناطق مختلف و سرآغازی برای تبلیغ فرهنگی اسلام بود.

مسجد، مرکز درمان و عیادت مجروحان

پیامبر اکرم ﷺ با توجه به این نکته ظریف که مجروحان جبهه‌ها برای مداوا، علاوه بر درمان به روش متداول، به عوامل معنوی نیاز مندند، مسجد را بهترین درمانگاه و استراحت‌گاه مجروحان قرار دادند. این تصمیم، سبب می‌شد که در قالب رفت و آمدهای نمازگزاران به مسجد، از مجروحان احوالپرسی و اِکرام به عمل آید و این تقویت روحیه به درمان آنها (مجروحان) کمک می‌کرد.

واقعی، در مورد رخدادهای جنگ اُحد که طی آن شمار زیادی از مسلمانان مجروح شدند، آورده است: «مردم در مسجد، چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را زخم‌بندی می‌کردند». ابن هشام، هنگامی که از ماجرای حکمیت سعد بن معاذ درباره پیهودیان بنی قریظه می‌نویسد، می‌گوید: «رسول خدا ﷺ، سعد بن معاذ را در خیمه‌ای جا داده بودند؛ در این خیمه، زنی از قبیله اُسلم که «رفیده» نام داشت، مجروحان را مداوا می‌نمود. این زن، خودش را وقف خدمت به مسلمانان مجروح کرده بود. رسول خدا ﷺ پس از آنکه سعد بن معاذ در جنگ خندق مجروح شده بود، به قوم او دستور دادند تا سعد را در خیمه رفیده بستری کنند تا آن حضرت زود به زود به عیادت او بروند». طبق یک نقل تاریخی، عده‌ای از جنگجویان زخمی قبیله اوس،

۱. شیخ خطاب محمود، الوسيلة فی رسالة المسجد العسکریة، ص ۱۳۷-۱۳۸.

۲. فراهتی عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، ص ۱۷۷.

۳. رهبری حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۵۴-۲۵۵، با تلخیص.

۴. واقعی، محمّد بن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۱۸۰.

۵. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۰۸، به نقل از السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۳، ص ۲۵۰.

در مسجد مورد معالجه قرار گرفتند.^۱

البته می‌توان گفت که انجام کار زخم‌بندی در مسجد، در زمان پیامبر ﷺ، به دلیل نداشتن جا و مکان مناسب‌ترین و بهترین جا برای این کار بوده است؛ زیرا طبیعت این کار که به‌طور معمول با خون‌ریزی همراه است، با مسجد سازگاری ندارد و به علت ضرورت، از مکان مسجد استفاده می‌شد.

به علاوه، در پاره‌ای از موارد، مانند بستری شدن سعدین معاذ در مسجد، هدف این بود که پیامبر ﷺ بتواند به آسانی از وی عیادت نماید. اگرچه به نظر می‌رسد بر پایه شواهدی که جای ذکر آن نیست، پیامبر ﷺ، سعد را به این دلیل در مسجد بستری نمودند تا همراه با عیادت از او درباره مسائل نظامی نیز با او به مشورت و گفت‌وگو بپردازند؛ زیرا سعد، از سرداران بنام سپاه اسلام و سالار اوسیان بود و یک چهره بزرگ نظامی به شمار می‌آمد.

مانند با ذکر این گونه شواهد تاریخی، بر آن نیستیم تا چنین نتیجه‌گیری کنیم که امروز نیز با وجود امکانات و مکان‌های مناسب‌تر برای مداوای مجروحان، باید از مسجد استفاده کرد؛ بلکه در صدد آن هستیم تا ارتباط فعال و تنگاتنگ مسجد را با امور اجتماعی و مسائل مربوط به جنگ نشان دهیم.^۲

مسجد، محل نگهداری اسرا

در تاریخ می‌خوانیم که اسیران را پس از جنگ، به مسجد می‌آوردند و در آنجا به یکی از ستون‌های مسجد می‌بستند تا پیامبر ﷺ درباره آنها حکم نهایی را صادر کند.^۳ در سیره ابن هشام، درباره زندانی شدن دختر حاتم طائی چنین می‌خوانیم: «فجعلت بنت حاتم فی خظیره بباب المسجد، کانت السبایا یحبسن فیها؛ دختر حاتم را در محوطه دیوار کُشی شده‌ای در ورودی مسجد پیامبر ﷺ که اسیران را در آنجا زندانی می‌کردند، جای دادند».^۴

مسجد، محل نگهداری غنایم جنگی

یکی از کارایی‌های فعال مساجد در جنگ‌ها، نگهداری غنایم بود تا بعد از جنگ بین رزمندگان تقسیم شود. همان‌طور که حضرت علی (علیه السلام) پس از جنگ جمل، غنایم را برای نگهداری به مسجد بصره فرستادند.^۵

۱. مکی سباعتی، محمّد؛ تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عباس‌پور محمّد، مهدوی محمّد جواد، ص ۳۲.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۰۸-۲۰۹.

۳. مجله مسجد، ش ۱۸، به نقل از الجامع الصحیح، ۳/ ۱۲۳.

۴. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۵۸، به نقل از سیره ابن هشام، ۴/ ۲۳۵.

۵. مکی سباعتی، تاریخ کتابخانه‌های مساجد، ترجمه عباس‌پور محمّد، مهدوی محمّد جواد، اقتباس از ص ۴۴.

فصل دوم: رابطه فرهنگ مسجد با فرهنگ جهاد

شناخت جهاد از دیدگاه اسلام

در نظام الهی اسلام، ترویج ارزش‌های اسلامی و حرکت در مسیر گسترش آن، وظیفه همه مسلمانان است و این حرکت در طول تاریخ، همواره با مخالفت جبهه کفر و شرک و نفاق روبه‌رو شده است و بهترین وسیله برای پیروزی مسلمانان جهاد و شهادت طلبی است.

اگر اسلام تا امروز ماندگار شده است و روز به روز قدرتمندتر می‌شود، به سبب امر جهاد است. یکی از برتری‌ها و تفاوت‌های اسلام و مسیحیت، جهاد است؛ زیرا رسالت اسلام، اصلاح جهان است که بدون قانون، جهاد و ارتش مقتدر، محقق نخواهد شد.

فلسفه جنگ در اسلام، گسترش نظام توحیدی الهی است که باریشه‌کن شدن فساد و ظلم محقق می‌شود تا زمینه‌ساز انتخاب آزادانه دوست‌داران توحید در جهان باشد.

جنگ‌های دفاعی در اسلام بر همگان واجب است و شرایط خاصی ندارد و شخص در شرایطی قرار می‌گیرد که به حکم عقل و فطرت باید از خود دفاع کند. برخی از مصادیق آن عبارت‌اند از:

الف) دفاع از مرزها، سرزمین و دولت اسلامی در برابر تجاوز بیگانگان؛

ب) جنگ با کفار ذمی‌ای که عهد خود با مسلمانان را زیر پا گذاشته و امنیت و وحدت جامعه اسلامی را به خطر انداخته‌اند.

ج) جنگ‌های آزادی‌بخش با هدف آزادسازی ملت‌های تحت سلطه حکومت‌های استبدادی و دیکتاتوری.^۱

هدف از تشریح حکم جهاد در اسلام از منظر قرآن کریم

هدف از تشریح حکم جهاد و جنگ از دیدگاه قرآن کریم در موارد زیر بیان شده است:

۱. گسترش توحید و خداپرستی: از آیات زیادی که در آنها واژه «فی سبیل الله» در کنار امر به قتال آمده است می‌توان به این نکته پی برد که خداوند متعال همواره و در تمام جنگ‌ها، این هدف را مدنظر داشته و آن را عامل مشروعیت جنگ‌ها دانسته است.

۲. برچیدن فتنه از روی زمین: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ...» و با آنها پیکار کنید تا فتنه (شرک و سلب آزادی) برچیده شود و دین (و پرستش)، همه مخصوص خدا باشد.^۲ بر اساس روایات

۱. شبان‌نیاقاسم، آثار جهاد در روابط بین‌الملل، ص ۷۱.

۲. انفال، آیه ۳۹.

موجود در این زمینه، مراد از فتنه، کفر و شرک نسبت به خداوند متعال است.

۳. رفع هرگونه ظلم و ستم: مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم و گسترش عدل و عدالت، یکی از اهداف جنگ است. «أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بِأَنَّهُمْ ظَلِمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ» به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، اجازه جهاد داده شده است؛ چرا که مورد ستم قرار گرفته‌اند؛ و خدا بر یاری آنها تواناست.^۱ خداوند در این آیه شریف، دلیل اذن به جنگ با دیگران را ظلمی دانسته که در حق آنان روا داشته شده است.

۴. نمایش اقتدار سپاه اسلام: خداوند متعال در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَاتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ وَلِيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! با کافرانی که با شما نزدیک‌ترند، پیکار کنید؛ آنها باید در شما شدت و خشونت (و قدرت) را احساس کنند؛ و بدانید خداوند با پرهیزگاران است.^۲ این آیه شریفه، یکی از اهداف قتال را تضعیف روحیه کفار، برای مشاهده قدرت و شوکت سپاه اسلام دانسته است. در صورتی که کفار، وضعی را در مسلمانان مشاهده کنند، به فکر تسلط بر مسلمانان و جسارت و گستاخی نسبت به آنان خواهند افتاد.

۵. فرصت تفکر برای گمراهان: فراهم آوردن فرصت تفکر و امکان توبه برای گمراهان، از طریق دعوت آنان به سوی خدا قبل از جنگ، می‌تواند به عنوان یکی از اهداف جنگ در اسلام مطرح باشد. بنابراین، خداوند برای ترغیب این افراد به توبه، به آنان این گونه بشارت می‌دهد: «قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ يُعْودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ»؛ به آنان که کافر شدند، بگو چنانچه از مخالفت بازایستند (و ایمان آورند)، گذشته آنها بخشوده خواهد شد و اگر به اعمال سابق بازگردند، سنت (خداوند در) گذشتگان، (درباره آنها) جاری می‌شود (و حکم نابودی آنان صادر می‌گردد).^۳

۶. اصلاح و تربیت مسلمانان و افزایش درجه ایمان آنان: یکی از برکات جنگ برای مسلمانان این است که شداید و گرفتاری‌های جنگ، انسان‌ها را تحت آزمایش قرار می‌دهد و از آنان سلحشورانی می‌سازد که آمادگی تقدیم جان و مال خود برای حفظ اسلام و مسلمانان را خواهند داشت. شهید مطهری در بحث مربوط به عوامل اصلاح و تربیت، جهاد را مهم‌ترین عامل تربیتی دانسته است و از آیه شریفه «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ»؛ به طور قطع، همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و میوه‌ها آزمایش می‌کنیم و به استقامت‌کنندگان بشارت ده،^۴ چنین به دست می‌آید که قرار گرفتن در شداید، به ویژه جنگ، انسان را از لحاظ معنوی و روحی،

۱. حج، آیه ۳۹.

۲. توبه، آیه ۱۲۳.

۳. انفال: ۳۸.

۴. بقره: ۱۵۵.

استکمال بخشیده، او را آماده دریافت بشارت از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌سازد.

جهاد اکبر، مقدمه جهاد اصغر

عن ابی عبدالله علیه السلام: «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: بَعَثَ سَرِيَّةً فَلَمَّا رَجَعُوا قَالَ: مَرْحَبًا بِقَوْمٍ قَضَوْا الْجِهَادَ الْأَصْغَرَ وَبَقِيَ عَلَيْهِمُ الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ فِقِيلٌ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَا الْجِهَادُ الْأَكْبَرُ؟ قَالَ: جِهَادُ النَّفْسِ؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله لشکری را برای جنگ فرستاد؛ پس از برگشت فرمود: آفرین به گروهی که جهاد اصغر را به جای آورند و برای آنها جهاد اکبر به جای مانده است؛ گفته شد ای پیغمبر خدا، جهاد اکبر چیست؟ فرمود: جهاد با نفس است»^۱.

نامیدن جنگ، به جهاد اصغر، در مقابل نام نهادن تهذیب، به جهاد اکبر بیانگر نقش تعیین کننده ایمان و عقیده در جنگ از دیدگاه اسلام است؛ زیرا مبنای جنگ در اسلام، گسترش توحید است؛ یعنی جنگ برای نشر عقیده الهی در جهان؛ به همین دلیل، رزمندگان، خود باید از اعتقاد توحیدی بالایی برخوردار باشند. ترک تمام تعلقات دنیوی و آمادگی برای مرگ و شهادت و جانبازی، بسیار سخت است. اینکه انسان جان خود را در دست گرفته، وارد میدان جنگی شود که اطمینان به بازگشت و عواقب آن ندارد، موضوعی قابل تأمل است. ایمان قوی و اعتقاد محکم، می‌تواند سختی‌ها و دشواری‌های جنگ را برای رزمندگان آسان کند. تربیت و پرورش چنین نیروهایی در مدت کوتاه میسر نیست. تبدیل اعتقادات به باور قلبی و آمادگی برای جهاد، کاری بلندمدت و مستمر می‌طلبد و نیازمند ارتباط داشتن با مرکزی است که مسلمانان بتوانند اعتقادات و معنویت خود را تقویت کنند. بهترین مکان برای این کار، خانه‌های خدا در روی زمین است. مسلمانان با حضور در مسجد با یک فضای معنوی روبه‌رو می‌شوند که تأثیر شگرفی در بالا بردن معنویت آنها دارد.

تجربه نشان داده است که تربیت یافتگان مسجدی، بیشترین نقش را دفاع مقدس ایفا کرده‌اند و اهالی مسجد، بهترین و مقاوم‌ترین نیروها را از نظر اخلاقی، اعتقادی و آمادگی رزمی، تحویل جبهه‌های جنگ داده‌اند. در مسجد، انسان با شیطان درون می‌جنگد که مقدمه‌ای برای جنگیدن علیه شیطان بیرون است. منظم بودن، اطاعت‌پذیری و پاکیزگی از اولویت‌های آمادگی نظامی است. کسانی که در مسجد حضور منظم دارند و در صف نماز جماعت، به هنگام رکوع و سجود، هماهنگی با دیگران را مراعات می‌کنند، در جبهه موفق‌تر خواهند بود؛ زیرا در عملیات‌های نظامی، رعایت نظم و هماهنگی، در رسیدن به هدف، تأثیر به‌سزایی دارد.

نماز جماعت، روح تعاون و همکاری و فرمان‌پذیری را در مسلمانان افزایش می‌دهد. اگر مأمومین از امام سبقت بگیرند یا عقب بیفتند، نمازشان باطل است و در صفوف متراکم و به هم پیوسته، بین مؤمنان الفت و محبت ایجاد می‌شود که از لوازم نظامیان است.^۱

کسانی که سرما و گرما، بر حضور آنان در مسجد تأثیری ندارد و با «حَى عَلَى الصَّلَاة» به سوی مسجد می‌شتابند، زودتر از بقیه برای دفاع، بسیج می‌شوند.

برای ورود به مسجد، وضو گرفتن برای نماز لازم است. پس، انسان از نظر جسم و لباس باید پاکیزه باشد و نظافت را رعایت کند که یکی از قوانین ارتش‌های منظم، همین نکته است.^۲

بنابراین، نظامیانی که از اهالی مسجد هستند، برای جهاد و شهادت، آمادگی بیشتری دارند و پادگان‌هایی که نظامیان را به سبک غرب آموزش‌های نظامی می‌دهند و دین در آنها محوریتی ندارد، نمی‌توانند یک ارتش مقتدر اسلامی به وجود آورند. در نتیجه، آموزش‌های نظامی اسلامی از مساجد، با جهاد با نفس آغاز می‌شود و هسته جهادیان و شهادت‌طلبان در مساجد شکل می‌گیرد و این رمز پیروزی جوانان ما بود؛ همان‌طور که امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند: «جوان‌های عزیز رزمنده، سنگرها را به مساجد و معبد تبدیل کردند»؛ یعنی معنویت، عبادت و فرهنگ مسجدی را به جبهه‌های جنگ بردند.

فرهنگ مسجدی، مبدأ فرهنگ جهادی

وقتی فرهنگ جبهه‌های جنگ تحمیلی را مورد تحلیل قرار می‌دهیم، به آموزه‌هایی می‌رسیم که عبارت‌اند از: خدا محوری در انجام امور، فداکاری، گذشت، اهتمام به توسل و دعا، تواضع، شوخ طبعی‌های بجا، وفای به عهد و استقامت و پایداری، سلسله مراتب بر اساس تقوا، انسان‌پروری و... در این فرهنگ، همکاری و همدلی و برادری واقعی حاکم بود و هر کس، مددکار دیگری بود؛ در مسائل عبادی و رابطه با خدا، وقت‌شناس و دقیق بودند.^۴

از سوی دیگر، در بررسی چگونگی پیدایش این فرهنگ که توانست دنیا را متحیر سازد و خاطرهای خوش از هشت سال دفاع مقدس در ذهن رزمندگان و مردم ایجاد کند؛ متوجه می‌شویم که این فرهنگ، از قبل در مساجد حاکم بود و به وسیله اهالی مسجد به جبهه‌ها منتقل شده است؛ چون این موارد از آموزه‌های دین

۱. شیت خطاب محمود، الوسیط فی رسالة المسجد العسکرية، اقتباس از ص ۲۷۱-۲۷۲.

۲. شیت خطاب محمود، الوسیط فی رسالة المسجد العسکرية، ص ۷۱.

۳. امام در سنگر نماز، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام، ص ۱۷۵، به نقل از صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۷.

۴. زواره، علی رضا، فرهنگ سازمان جهاد، ص ۵۷-۶۳، باتلخیص.

اسلام است و مساجد، نماد و محل تبلور این آموزه‌هاست. این فرهنگ مسجدی و دینی در هر زمان و مکانی که ظهور کند، شگفتی خواهد آفرید.

مساجد، از روزهای اول هجوم دشمن بعثی، پایگاه و پناهگاه رزمندگان و مردم بودند. مساجد، به خصوص در شهرهایی که مورد تجاوز دشمن قرار می‌گرفت، مرکز مقاومت و پایداری مدافعان شهر بود و رزمندگان با حضور در مسجد و ارتباط با خدا، روحیه ایمان و پایداری خود را تقویت می‌کردند و مساجد، در سخت‌ترین شرایط جنگ تحمیلی دوشادوش رزمندگان ایستادگی کردند.

مسجد جامع خرمشهر، نماد پایداری

مسجد جامع خرمشهر با اینکه مورد حملات شدید بعثی‌ها قرار گرفت و آسیب‌های جدی دید، فرو نریخت و ایستاد تا نماد مقاومت و پایداری جوانان خرمشهر باشد؛ این مسجد، ایستادگی کرد تا شاهد جشن پیروزی رزمندگان و سند تاریخی جنایات ضد دینی حزب بعث باشد که آنان حتی به مساجد، این نمادهای اسلام، رحم نکردند.

سید اهل قلم، شهید آوینی، چه زیبا مقام مسجد جامع خرمشهر را توصیف می‌کند: «مسجد جامع خرمشهر، قلب شهر بود که می‌تپید و تازمانی که بود، مظهر ماندن و استقامت بود. مسجد جامع خرمشهر، مثل مادری بود که فرزندان خویش را زیر بال و پر گرفته بود و در بی‌پناهی، پناه داده بود و تازمانی که بود، مظهر ماندن و استقامت بود و آنگاه نیز که خرمشهر به اشغال متجاوزان درآمد و مدافعان ناگزیر شدند که به آن سوی شط خرمشهر کوچ کنند، باز هم مسجد جامع، مظهر همه آن آرزوهایی بود که جز در باز پس‌گیری شهر برآورده نمی‌شد. مسجد جامع، همه خرمشهر بود»^۱.

دشمن بعثی، بعد از تصرف فرمانداری خرمشهر، اشغال آن را پایان یافته می‌دید؛ ولی متوجه شد که همچنان مقاومت ادامه دارد و هسته مقاومت شهر، در مسجد جامع مستقر است، از این رو، به سمت آن حرکت کردند.

مسجد جامع، نقش ستاد عملیات و فرماندهی، مرکز پشتیبانی و تغذیه‌کننده روحی و معنوی رزمندگان اسلام را ایفا می‌کرد. عقبه نیروها، محل تدارکات، سازمان‌دهی، استراحت، جایگاه مداوای مجروحان، در مسجد واقع شده بود.^۲ در مسجد، خواهران به پخت‌وپز مشغول بودند و جیره جنگی آماده می‌کردند تا

۱. آوینی، سیدمرتضی، شهری در آسمان، ص ۱۷-۱۸.

۲. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، از خونین شهر تا خرمشهر، ص ۳۶.

مدافعان خسته شهر را یاری کنند. از مناره مسجد، برای هدایت خمپاره‌ها استفاده می‌شد. دشمن که فهمیده بود مسجد جامع، قلب مقاومت است، روز دوازده مهر آن را زیر آتش گرفت. یک گلوله توپ، گنبد مسجد را شکافت و در شبستان فرود آمد و چند نفری را به شهادت رساند و عده‌ای را مجروح کرد.^۲ بعد از بازپس‌گیری خرّمشهر، رزمندگان فاتح، در اولین اقدام خود، پس از آزادسازی شهر، نماز شکر را در مسجد جامع به جا آوردند و در پایان آن روز، مردم به تبعیت از رزمندگان، با حضور در مساجد کشور، نماز شکر به جا آورده، با فرا رسیدن شب، به یمن پیروزی، بر پشت‌بام‌ها ندای تکبیر سر دادند.^۳

حسینیه‌ها و جایگاه‌های نماز در جبهه‌های جنگ

در دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی، شاهد بودیم که رزمندگان اسلام، مساجد و مصلی‌های فراوانی را در سراسر جبهه‌های نبرد بنا نهادند. متأسفانه شمار زیادی از این مساجد، به دلیل بی‌توجهی ناشناخته ماند. با این وجود، حفظ و نگهداری مواردی که باقی مانده، لازم است؛ زیرا این مساجد، سندی زنده و گویا از تاریخ مردمی است که در اوج دفاع مظلومانه، نماز و مسجد را فراموش نکردند.^۴ شرایط جنگی جبهه و احکام فقهی مساجد، چنین اقتضا می‌کرد که حسینیه‌ها و چادرها و سنگرهای نماز، نقش مساجد را ایفا کنند. توجه رزمندگان به نماز جماعت در همه حال و همه جا، باعث تقویت جایگاه این حسینیه‌ها شده بود.

«شکل ساختمان این حسینیه‌ها، هر چقدر به خطّ مقدّم نزدیک‌تر بود، چه از حیث مواد و مصالح و طرز بنا و ساختمان و تأسیسات و چه از نظر برنامه و محتوا و محیط، فرق می‌کرد؛ اما به‌طور معمول، محلّ آنها وسط محوطه بود تا هم به منابع آب و دست‌شویی و جاده نزدیک باشد و هم بتوان از آنها محافظت و مراقبت کرد. حسینیه را در زمین مسطح یا کوبیده شده، بنا می‌کردند؛ البته اگر قرار بود چند گردان مدتی کنار هم باشند؛ غیر از این شرایط، از یک سنگر یا چادر کمی بزرگ‌تر یا سوله به عنوان حسینیه استفاده می‌کردند؛ اما در هر نقطه و به هر نحوی، بدون استثنا همیشه محکم‌ترین بنا از نظر مصالح و نحوه ساختمان، بنای حسینیه‌ها بود؛ نه سنگر و محلّ اقامت فرماندهان. این ویژگی، درست بر خلاف وضع حاکم بر جبهه دشمن بود. حسینیه، در پادگان برای نیروها همه چیز بود؛ هم مسجد و مدرسه بود، هم غذاخوری و خوابگاه (در

۱. مهدی، انصاری، محمّد، درودیان، نجفی‌هادی، خرّمشهر در جنگ طولانی، ص ۲۳۶-۲۳۷.

۲. گروه نویسندگان، خرّمشهر، ص ۲۲-۲۳.

۳. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از خونین شهر تا خرّمشهر، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۴. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۲۰۷.

صورت اضطرار)، هم محلّ سازمان دهی و تعیین گردان و اعزام نیرو به خطّ بود، هم محلّ برگزاری جلسات و کلاس های عقیدتی و رزمی و اخلاقی و علمی؛ در حسینیه هم سینه می زدند و هم مرثیه می خواندند و نیز مولودی؛ هم محراب داشت؛ هم کتابخانه داشت؛ مانند: حسینیه حاج ابراهیم همّت، در پادگان دو کوهه اندیمشک، با ظرفیت تقریبی هشت هزار نفر.

در دیوار حسینیه، از کلمات قصار ائمه (علیهم السلام) و رجزها و شعار نویسی پر شده بود. شور و نشاط حسینیه هایی که با ملاط صلوات ساخته شده بودند، به طراوت و سرزندگی رزمندگان بستگی داشت؛ با حضور آنها، حسینیه، هستی می گرفت؛ با هر اعزام و آغاز و انجام هر عملیات، حسینیه جان می گرفت.^۱

رزمندگان، همانند مسجد، برای روحانی گردان، در داخل حسینیه، منطقه ای مانند محراب درست می کردند و چاله ای بزرگ، در حدود یک پله گودی احداث می کردند.^۲

جفت کردن کفش نماز گزاران، جلوی در حسینیه یا سنگر نماز جماعت، خیلی مشتری داشت و هر کس سعی می کرد در انجام این کار بر دیگری پیشی بگیرد، خواندن سوره واقعه بعد از نماز جماعت، از دیگر آداب جماعت بود. در نماز جماعتی که در سنگر برگزار می شد، گاهی اوقات بعد از نماز، افراد در چهار ضلع سنگر می ایستادند و برای مصونیت از شرّ دشمن، سوره توحید را می خواندند.^۳

حسینیه ها، در ایجاد فضای معنوی، تقویّت ایمان، مراسم های دعا و توسّل به اهل بیت (علیهم السلام) عمق بخشیدن به معلومات دینی رزمندگان و بالا بردن روحیه رزمندگان نقشی اساسی داشتند.

زمانی که حسینیه ها مانند خیمه های حسینی، در دشت و صحرا برپا می شدند، همه آن غربت و مظلومیّت و هجرت و شهادت امام حسین و یارانش، به ذهن تداعی می شد و یکی از علّت های تسمیه آن به نام حسینیه، همین علاقه به نهضت حسینی بود.

قلب دوکوهه

یکی از حسینیه های فعال جنگ که در پادگان دو کوهه اندیمشک بنا شد، حسینیه حاج همّت بود. شهید اوینی در مورد آن می نویسد: «حسینیه حاج همّت، قلب دو کوهه بوده است. حیات دو کوهه از اینجا آغاز می شد و به همین جا باز می گشت. وقتی انسان عزادار است، قلب وی بیش از همه در رنج است و در اصل، رنج بردن را همه وجود، از قلب می آموزند. دو کوهه، قطعه ای از خاک کربلاست؛ اما در این میان، حسینیه

۱. فهیمی، سیدمهدی، فرهنگ جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، ج ۴، ص ۱۸۷-۱۸۸.

۲. همان، ص ۲۸۵.

۳. همان، ص ۲۸۶.

راقدری دیگر است»^۱.

آغاز عملیات احداث حسینیه، توسط لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب قم، به علت نیاز به محل مناسبی برای مراسم عبادی انجام شد و زیر نظر شهید محمد عبادیان، مسئول تدارکات لشکر و با همکاری بسیاری از فرماندهان و نیروهای بسیجی در سال ۱۳۶۳ به پایان رسید.

بسیاری از نیروها برای شرکت در ساخت حسینیه، از رفتن به مرخصی خودداری کردند و با شوق فراوان در کار ساخت آن شریک شدند. وقتی تابلوی حسینیه بر سردر آن نصب شد، خستگی از تن همه رزمندگان بیرون رفت. بر روی تابلو نوشته شده بود: «حسینیه سردار رشید خبیر، شهید حاج محمدابراهیم همت». از این تاریخ به بعد، حسینیه حاج همت، فصل دیگری را در تاریخ پادگان دوکوهه کشور رقم زد. بر دیوار جنوبی حسینیه دو تصویر به چشم می خورد؛ در سمت راست در ورودی، رزمنده‌ای در دل شب، در حال سجده و در سمت چپ، رزمنده‌ای به حالت سینه‌خیز در حال حرکت به سمت آسمان دیده می‌شد.

از نکات جالب حسینیه حاج همت، باز بودن درهای آن در تمام ساعات شبانه‌روز بود. فضای معنوی حاکم بر پادگان دوکوهه، همیشه تعدادی را به سوی حسینیه روانه می‌کرد. این حسینیه، علاوه بر اینکه محلی برای برگزاری نمازهای جماعت و محافل دعا و عزاداری بود، جایگاهی برای خلوت کردن رزمندگان با خدا بود. بسیاری از نیروها، با صدای اذان صبح که از بلندگوهای پادگان پخش می‌شد، از خواب بر نمی‌خواستند، بلکه تهجد و نماز شب از قبل، آنها را از بستر جدا و راهی حسینیه کرده بود. همچنین، بعضی جلسات گردانی و گروهانی و کلاس‌های عقیدتی و اخلاق نیز در حسینیه برگزار می‌شد. مطالعه و بحث‌های علمی و مذهبی نیز از عواملی بود که نیروها را از اتاق‌های شلوغ به فضای آرام حسینیه می‌کشاند.^۲

حسینیه کرخه

ماجرای حسینیه کرخه را، سردار کوثری این‌گونه روایت می‌کند که رزمنده‌ای شانزده ساله از تهران، با دستکاری شناسنامه‌اش و تغییر آن به هفده سال، به جبهه رفته بود. این رزمنده که از خانواده‌ای با تمکن مالی بود، در وصیت‌نامه‌اش خطاب به پدرش نوشته بود: اگر من شهید شدم، در پادگان دوکوهه، حسینیه بسازید. بعد از شهادتش در آن طرف کانال ماهی، با وجود پیدا نشدن پیکرش، حتی بعد از سیزده سال، خانواده وی برای عمل نمودن به وصیت فرزندشان به من مراجعه کردند. من به آنها گفتم: دوکوهه حسینیه دارد و بهتر

۱. آوینی، سیدمرتضی، با من سخن بگو دوکوهه، ص ۱۲.

۲. حاج محمد عبادیان در سال ۱۳۶۵ در عملیات کربلای ۵ به شهادت رسید.

۳. گروه نویسندگان، دوکوهه، ص ۳۳-۴۴ با تلخیص.

است شما در اردوگاه کرخه، یک حسینیه بسازید که این طور هم شد.^۱
 حسینیه کرخه و سید الشهداء دو کوهه و صدها حسینیه گمنام دیگر که در خطوط جبهه‌ها به دست رزمندگان بنا شد، سندی تاریخی در مورد انگیزه رزمندگان در مبارزه و دفاع از مرزهای اندیشه دینی بوده است.

انتمه جماعت شهید

نقش روحانیون در مساجد به مثابه روح برای بدن است که نقش به‌سزایی در کارآیی مساجد دارند. روحانیون در دوران جنگ تحمیلی، ایثار و فداکاری زیادی از خود به نمایش گذاشتند. نسبت شهدای روحانی به کل روحانیت، در مقایسه با شهدای اصناف دیگر از در صد بالایی برخوردار است. البته باید همین طور باشد و این موضوع، یک امر طبیعی است؛ چون روحانیت، که مردم را به جهاد دعوت می‌کردند، خود باید عامل به جهاد باشند و پیشاپیش مردم حرکت کنند تا مردم دنباله‌رو آنها باشند. از نمونه‌های فداکاری رزمندگان روحانی، خاطرات زیادی نقل شده است؛ به عنوان مثال اقامه نماز جماعت در شهر خالی از سکنه و محاصره شده آبادان به وسیله حجت‌الاسلام والمسلمین جمعی، از مناظر باشکوه و به یادماندنی دفاع مقدس است. مسجدی که قبل از جنگ، مملو از جمعیت بود، اینک با تهاجم دشمن بعثی، مراسم نماز جماعتی داشت که با حضور چهار تا پنج نفر، آن هم بدون برق و چراغ، زیر نور شمع برگزار می‌شد. شهر، دائم در معرض آتش سنگین دشمن بود و هر لحظه بیم آن می‌رفت که گلوله‌ای سقف شبستان و حیاط مسجد را نشانه رود؛ اما همین نماز، معنویت خاصی داشت. این عده اندک، هر روز لحظه‌شماری می‌کردند تا مغرب فرا برسد و نماز جماعتی دیگر برپا کنند.^۲

نماز جماعت قرارگاه نیز، معنویت و شکوه خاصی داشت. سوله‌ای فاقد امنیت جانی، نمازخانه قرارگاه بود. در حال قنوت که غرش هواپیماها، صفوف نماز را بر هم ریخت، صدای ناله ضعیف مجروحان به سختی به گوش می‌رسید. امام جماعت، صدایش تغییر کرده بود. خون از زیر عبایش جاری بود؛ امام جماعت، بی‌هوش روی سجاده افتاده بود. وقتی بالای سرش رسیدیم، دیدیم جراحتش بیش از آن بود که بتواند نماز را تمام کند.^۳

۱. به نقل از خبرگزاری ایسنا، میزگرد گرامیداشت سالگرد عملیات غرورآفرین کربلای ۵.

۲. منصور نژاد محمد، شیخیان علی، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (وحدت مردمی، حضور روحانیت)، ج ۵، ص ۲۸۱.

۳. همان، ص ۲۸۱. به نقل از: شاه‌رضایی محسن، پیشانی و خاک، ص ۸۷، بانندگی تصرف.

فصل چهارم: نقش مساجد در پشتیبانی از جنگ

یکی از عوامل موفقیت ایران در دفاع مقدس، ارتباط تنگاتنگ مردم با جنگ بود و مساجد، حلقه وصل این ارتباط بودند. مساجد، با اطلاع‌رسانی از وضعیت جنگ و بیداری و هوشیاری مردم، توانستند آنها را برای جنگی طولانی آماده نگه دارند و مردم که خود را در جنگ سهیم می‌دانستند، با کمک مساجد به حمایت از جنگ می‌پرداختند. برخی از عناوین خدمات و پشتیبانی مساجد از جنگ که با روش تحقیقات میدانی توسط محقق جمع‌آوری شد، به این شرح است:

تربیت نیروهای مبارز

مؤمنانی که همه روز، برای پرستش و عبادت خداوند به مساجد آمدند و با انجام واجبات و ترک محرمات، اراده خود را تقویت کرده‌اند، در میدان مبارزه و جنگ، سستی و ناتوانی به خود راه نمی‌دهند. آنها، با عزمی راسخ به سوی جهاد و حاکمیت دستورات الهی و نابودی ظلم و شرک گام برمی‌دارند. شیوه جنگی نظامیان ایران، مبنی بر انسان‌محوری بود و تجهیزات محور نبود. در نتیجه، نیروها نقش اساسی در اداره جنگ داشتند.

جذب و اعزام نیرو

از وظایف پایگاه مقاومت مساجد در زمان جنگ، جذب نیرو برای جبهه‌ها بود و به دلیل استقبال زیاد داوطلبان و مشخص بودن سهمیه هر محل، افراد به صورت نوبتی یا قرعه‌کشی انتخاب می‌شدند و بعد از فراگیری آموزش‌های مقدماتی نظامی، برای اعزام از مساجد به جبهه آماده می‌شدند. رزمندگان، هنگام اعزام از مساجد، با پیروی از این سنت نبوی و بهره‌گیری از قداست و معنویت خانه خدا، با روحیه‌ای معنوی به سوی جبهه‌ها حرکت می‌کردند.

بدرقه‌رزمندگان

خبر اعزام نیروهای بسیجی از مسجد به اطلاع نمازگزاران می‌رسید و زن و مرد، خود را برای بدرقه‌ای باشکوه آماده می‌کردند و با عبور دادن بسیجیان از زیر قرآن و با دسته‌های گل و دعا، بسیجیان را بدرقه می‌کردند.

جمع‌آوری کمک‌های مردمی

فهرست اقلام مورد نیاز جبهه، اعم از نیرو و امکانات، از طریق مساجد به اطلاع مردم می‌رسید و آنها

عاشقانه در حدّ توان، اقلام مورد نیاز جبهه‌ها را تأمین می‌کردند. صرف نظر از ارزش مادی کمک‌ها، آنچه در خور توجه بود، حضور معنوی آحاد مختلف مردم در امر کمک‌رسانی به جبهه‌ها بود که زیباترین مشارکت مدنی و دینی را با این عمل به نمایش می‌گذاشتند.

دعای رزمندگان

دعا، بهترین هدیه مؤمن و بهترین راه ارتباط با خداست. مؤمنان مسجدی، هر روز بعد از نماز به صورت دسته‌جمعی دعای «خدا یا! خدا یا! تا انقلاب مهدی از نهضت خمینی محافظت بفرما» و دعای «رزمندگان اسلام پیروزشان بگردان» را برای پیروزی رزمندگان زمزمه می‌کردند. این دعاهاى خالصانه و دسته‌جمعی در مساجد به استجابت نزدیک‌تر بود و تأثیر به‌سزایی در پیروزی‌های رزمندگان داشت.

تشییع پیکر شهدا

بیشتر مراسم‌های تشییع پیکر شهدا از مساجد محله‌ها شروع می‌شد و آحاد مردم با حضور خود، مایه دلگرمی خانواده‌های شهدا می‌شدند. احترام و تکریم به پیکر شهدا و خانواده‌هایشان و بیان اوصاف و خاطرات شهدا در مساجد، تأثیر الگویی فراوانی در جوانان داشت و یکی از عوامل مهم تشویق آنان برای اعزام به جبهه‌ها بود.

دیدار اهل مسجد با خانواده‌های ایثارگران^۱

پیامبر ﷺ در راستای ارج‌گذاری به فضیلت شهادت و شهیدان، گاهی اوقات با گروهی از مؤمنان حاضر در مسجد، به سرکشی از خاندان شهیدان می‌رفتند و در راستای رفع مشکلات آنها تلاش می‌نمودند. روزی، آن حضرت همراه با گروهی از یاران خویش از مسجد حرکت کردند و به دیدار خانواده سعدبن ربیع، از شهدای جنگ اُحد، رفتند. واقدی این رویداد را چنین بازگو نموده است:

«سعدبن ربیع، یکی از شهدای اُحد بود. پس از شهادت سعد، برادرش میراث او را با وجود داشتن زن و فرزند، تصرف کرده بود. همسر سعد از پیامبر ﷺ دعوت کرده بود تا به منزل سعد بیاید و در این باره راه‌حلی ارائه کند. جابر می‌گوید: روزی پس از ادای نماز صبح، در حضور پیامبر ﷺ نشسته بودیم و درباره جنگ اُحد سخن می‌گفتیم و از شهدای خود یاد می‌کردیم. صحبت از سعدبن ربیع شد، حضرت فرمود: برخیزید! ما که بیست نفر بودیم همراه آن حضرت برخاستیم و به اسواف^۲ رفتیم. پیامبر ﷺ وارد خانه سعدبن ربیع شد. ما

۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، ص ۱۹۸.

۲. نام محله‌ای در مدینه، نزدیک حرم مطهر نبوی یا نزدیک بقیع، معجم البلدان، ج ۱، ص ۲۴۸.

هم به دنبال ایشان وارد شدیم... همه نشستیم و رسول خدا ﷺ از سعد بن ربیع برای ما صحبت کرد و بر او رحمت فرستاد و فرمود: در آن روز دیدم که نیزه‌ها بر بدن او فرو می‌رفت تا اینکه کشته شد. وقتی زن‌ها این مطلب را شنیدند، گریستند. چشم‌های پیامبر ﷺ هم اشک آلود شد و زن‌ها را از گریه منع نفرمود... آنگاه همسر سعد، مشکل خود را در ارتباط با میراث سعد مطرح کرد. پیامبر ﷺ منتظر فرود آمدن دستور الهی در این مورد شدند. پس از نزول آیات قرآن درباره چگونگی تقسیم میراث، بی‌درنگ کسی را به دنبال همسر سعد و برادر او فرستادند و اموال سعد را بر اساس حکم الهی میان آنان تقسیم فرمود^۱.

تبلیغات جنگ

تبلیغات در جنگ‌های قرن بیستم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. مساجد و منابر، در طول هشت سال دفاع مقدس تأثیر به‌سزایی در خنثی‌سازی عملیات روانی دشمن بعثی و حامیان تبلیغاتی‌اش داشتند و در پشتیبانی جبهه موفق بودند. مساجد، با استفاده از ابزارهای سنتی، مانند مراسم روضه‌خوانی، نوحه‌خوانی، تعزیه و اذان در تقویت حس مذهبی مردم و ایجاد روحیه سلحشوری در میان آنان، با ذکر مصیبت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) به عنوان سمبل و الگوی مبارزه با شرک و کفر و بدعت؛ موفق عمل کردند؛ بنابراین اذعان همه، خطابه‌های روحانیت در طول جنگ تحمیلی، بیشترین تأثیر تبلیغاتی را داشتند.

مردم، حوادث جبهه‌ها را از طریق مساجد پیگیری می‌کردند. مسئولین و شخصیت‌های سیاسی و نظامی با حضور در مساجد با مردم ارتباط برقرار می‌کردند. پیامدهای سیاسی و اجتماعی عملیات بیشتر از تریبون‌های مساجد تبیین می‌شد. فرماندهان دفاع مقدس پس از انجام عملیات‌های مهم، در مساجد حضور پیدا می‌کردند و درباره چگونگی عملیات و دستاوردهای آن سخن می‌گفتند. این موارد به دلیل اعتماد مردم به رسانه مسجد است. قداست مسجد و پیشینه تاریخی آن باعث جلب اعتماد همگان به اخبار مساجد می‌شد و به صراحت می‌توان گفت مساجد سالم‌ترین مراکز خبررسانی مردم هستند.

فصل پنجم: وظایف مساجد در زمان صلح

زنده نگه داشتن یاد شهدا

امام علی (علیه السلام) یاران شهید خود را همیشه یاد می‌کردند و به یاد آنها می‌گفتند: «أُولَئِكَ إِخْوَانِي الدَّاهِبُونَ فَحَقَّ لَنَا أَنْ نُنْظِمَ لَهُمْ وَنَعُضَّ الْأَيْدِي عَلَى فِرَاقِهِمْ؛ آنان، برادران من هستند که رفته‌اند و بر ماست که تشنه

۱. واقدی، محمد بن عمر، مغازی، ترجمه مهدوی دامغانی محمود، ص ۲۴۱-۲۴۳، باتلخیص.

۲. محمد شیرازی، نعمت‌الله سلیمانی، عوامل معنوی فرهنگی دفاع مقدس (تبلیغات) ج ۶، ص ۱۴۱-۱۴۲، با اقتباس.

۳. نقش مساجد در دفاع مقدس، مجله مسجد، ش ۸۴، ص ۱۹.

ملاقاتشان باشیم و از اندوه فراقشان دست‌ها را به دندان بگزم»^۱.

همچنین، امام علی علیه السلام یارانی را که خون پاکشان در جنگ صفین به زمین ریخته شد با سوز و گداز یاد کردند و فرمودند: «أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَكِبُوا الطَّرِيقَ وَمَضَوْا عَلَى الْحَقِّ أَيْنَ عَمَارُو أَيْنَ ابْنُ التَّمِيهَانِ وَأَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ وَأَيْنَ نُظْرَاؤُهُمْ مِنْ إِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ تَعَاقَدُوا عَلَى الْمُنْيَةِ وَأُتِرِدَ بَرُؤُسُهُمْ إِلَى الْفَجْرَةِ؛ کجایند برادران من که به راه حق رفتند و با یامردی بر حق در گذشتند؟ کجاست عمار؟ کجاست پسر تیمهان؟ کجاست ذوالشهادتین؟ کجایند همانند آنان از برادرانشان که پیمان جانبازی بستند و سرهایشان برای ستمگران فرستاده شد؟»^۲

سپس، حضرت دست به محاسن شریفشان گرفتند و مدتی طولانی گریستند و فرمودند: «أَوْهٍ عَلَى إِخْوَانِي...؛ دریغا، بر برادرانم»^۳.

در زبان عرب، «أوه» هنگامی به کار می‌رود که دل فردی، بسیار به درد آمده باشد. در چنین موقعیتی، این واژه برای بیان نهایت تأثر و دردمندی به کار می‌رود و این رفتارها، گویای اخلاقی و تربیتی برای تمام پیروان ایشان است که یاد و خاطره شهیدان را به بهترین وجه زنده نگاه دارند.^۴

کشور ما، در مقاطع مختلف، یعنی در دوران مبارزات قبل از انقلاب، دوران تثبیت بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی، جوانان فراوانی با الگوپذیری از امام حسین علیه السلام جان خود را برای سربلندی اسلام و میهن تقدیم کردند. آنها که شهید شدند و رفتند، کار حسینی کردند؛ اکنون، بر بازماندگان شهدا لازم است مانند زینب علیها السلام رسالت، اهداف و یاد شهدا را در جامعه زنده نگه دارند تا مکتب شهادت، همیشه در جامعه زنده باشد و مقام شهدا مورد تکریم و احترام همه قرار گیرد.

برگزاری مراسم شهدا در مساجد و دعوت از سخنرانان و صاحب نظران، از فعالیت‌های مهم مساجد در این زمینه است. معرفی و ویژگی‌های اخلاقی و اجتماعی شهدا، تأثیر گویای فراوانی در روحیه مردم، به ویژه جوانان دارد.

نام‌گذاری مساجد به اسم شهدا

یکی از راه‌های زنده نگه داشتن یاد شهدا، نام‌گذاری مساجد به اسم شهداست؛ زیرا شهدا، فرزند مسجد بودند و شأن و جلالت شهدا، اعظم از آن است که کوچه و ورزشگاه و خیابان و... را به اسم آنها نام‌گذاری کنیم.

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱، ص ۲۳۰، به نقل از مصباح، محمدتقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، ص ۵۴.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۱، ص ۳۵۰.

۳. همان.

۴. مصباح یزدی، محمدتقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، ص ۵۴-۵۵.

این امر، رضایت و دلگرمی بیشتری برای خانواده‌هایشان به وجود می‌آورد. در بخش جرقویه استان اصفهان، یک روحانی فاضل و کاردان، مسجدی ساخت و هر ستونش را به نام شهیدی از آن محله نام‌گذاری کرد و خانواده شهدا هم هزینه آن را پرداخت کردند و پایین هر ستون، نام شهید نوشته شده است.

دشمن‌شناسی

مسلمانان، به علت مخالفت با طاغوتیان و ظالمان، همیشه مورد نفرت و دشمنی قرار گرفته‌اند و هر چه قدر قدرتمندتر شدند، دشمنی‌ها علیه آنان بیشتر شده است. دشمن، در هر زمان و عصری، به شیوه‌ای جدید عمل می‌کند. اگر قدرتمند باشیم، ولی اطلاعات کافی از دشمن نداشته باشیم، چون نمی‌دانیم دشمن چه زمانی و از چه نقطه‌ای و با کدام وسیله و شیوه، حمله خواهد کرد، شکست خواهیم خورد. یکی از علل شکست مسلمانان در طول تاریخ، ضعف در دشمن‌شناسی بوده است. کوچک‌ترین غفلت و جهالت در این امر، خسارات جبران‌ناپذیری بر مسلمانان وارد می‌سازد؛ مانند: انحراف جریان خلافت.

ائمه جماعت مساجد، با تبیین مسائل سیاسی، مؤمنین را نسبت به شناخت دشمن و شیوه‌های تهاجم آن، بیدار می‌کنند. هم‌اکنون، موضوعاتی مانند شیوه‌های تهاجم فرهنگی، استعمار نو، اختلاف بین فرق اسلامی، مورد توجه دشمن است که مساجد در خنثی‌سازی آنها نقش حیاتی دارند. طبق رهنمود مقام معظم رهبری «اتِّقُوا»، ما مکلف به این امر هستیم؛ ایشان فرمودند: «امروز در دنیای اسلام، مکلفیم دشمن‌شناسی و تکلیف‌شناسی را در حدّ اعلا، برای جهان اسلام و مردم ایران تدارک ببینیم».^۱

در نظام ارزشی اسلام، جهاد و شهادت به عنوان دو ارزش بنیادین مطرح است. جامعه اسلامی بدون تأکید بر این دو ارزش، نمی‌تواند در مسیر تحقق بخشیدن به دیگر ارزش‌های الهی گام بردارد؛ زیرا حرکت برای اجرای فرمان‌های الهی، همواره با مخالفت جبهه کفر و شرک و نفاق روبه‌رو خواهد شد. در این میان، جهاد و شهادت می‌تواند مانند سلاحی بُرنده، کارآمد باشد و پیروزی را از آن مسلمانان نماید.

پیامبر اکرم ﷺ در طول دوران رسالت خویش با شیوه‌های گوناگون به تقویت و طرح ارزش «جهاد» و «شهادت» پرداختند. در همین رابطه، از ظرفیت مساجد برای ترویج فرهنگ جهاد و شهادت، به خوبی بهره‌برداری می‌شد. آن حضرت، علاوه بر تجلیل از رزمندگان و ارج نهادن به فداکاری‌های آنان، منزلت شهیدان را گرامی می‌داشتند و در سخنرانی‌های خود، فضایل والای آنان را برای مردم حاضر بازگو می‌نمودند.^۲

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار علما و روحانیون، مؤرخ ۷/۵/۱۳۷۱.

۲. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ص ۱۹۶.

جهاد در اسلام، تنها به معنای جنگ نیست؛ بلکه عمل نمودن به مقدمات جنگ و فراهم ساختن شرایط مقدماتی آن نیز جهاد به شمار می‌آید. پس، آمادگی برای جنگ هم جهاد است. هدف اصلی این نوشتار، پاسخ به این مسئله بود که کارکردهای نظامی مساجد در زمان صلح چیست؟ با توجه به مطالب مطرح شده، مشخص می‌شود که یک بُعد آن، فعالیت‌های بسیج و آموزش‌های نظامی برای جوانان است و بُعد مهم‌تر آن، ترویج فرهنگ جهاد و شهادت است تا این فرهنگ بین آحاد مردم با انجام کار فرهنگی و عقیدتی، زنده نگاه داشته شود. این امر موجب می‌شود تا در زمان لازم، همه آحاد جامعه، برای دفاع از کشور آمادگی داشته باشند. آمادگی عقیدتی در جنگ‌ها مؤثرتر است. به نظر نگارنده، منظور فرمایش امام تقی از تشکیل ارتش بیست میلیونی، زنده بودن فرهنگ جهاد و شهادت و آمادگی جامعه برای ایثار و جانبازی است و گر نه از لحاظ کمیّت، اکنون که جمعیت کشور حدود دو برابر شده است، شعار ما باید ارتش چهل میلیونی باشد.

بیان امام راحل تقی در مورد پذیرش قطعنامه ۵۹۸، در قالب جمله «جام زهر را نوشیدیم»، این پیام را می‌رساند که ما روحیه جهاد و شهادت‌طلبی را از دست نداده‌ایم؛ اما مصلحت و سیاست فعلی، چنین اقتضا کرده است.

نتیجه

فرهنگ جهاد با فرهنگ مسجد، پیوند ناگسستنی دارد؛ زیرا هدف و انگیزه جهاد در اسلام، مبتنی بر معنویت است و مساجد، پایگاه‌های معنویت و خانه‌های خدا در روی زمین هستند. آغاز فتوحات اسلامی از مسجد النبی و نقش محوری مساجد در سازمان‌دهی و آموزش نظامی، اعزام نیرو، فرماندهی و پشتیبانی جنگ، نگهداری غنائم و اسیران، مداوای مجروحان و مکان اکرام خانواده‌های شهدا در صدر اسلام، نشانگر این پیوند عمیق است.

آموزه‌های فرهنگ جنگ تحمیلی، مانند خدامحوری در انجام امور، فداکاری، اهتمام به توسل و دعا، تواضع، وفای به عهد، استقامت و پایداری، سلسله مراتب بر اساس تقوا، همکاری و برادری واقعی، دقیق بودن در مسائل عبادی و رابطه با خدا، انسان‌پروری و... ابتدا در مساجد حاکم بود و به وسیله اهالی مسجد به جبهه‌ها منتقل شده است؛ زیرا این موارد از آموزه‌های دین اسلام است و مساجد، نماد و محل تبلور این آموزه‌هاست.

در دفاع مقدّس، روحانیت با محوریت مساجد، در زمینه تربیت نیروهای مبارز، جذب و اعزام نیرو، بدرقه رزمندگان، جمع‌آوری کمک‌های مردمی، دعا برای رزمندگان، تشییع پیکر شهدا، دیدار اهل مسجد با خانواده شهدا و تبلیغات برای جنگ را بر عهده داشتند. این وظیفه روحانیت، منحصر به دوران جنگ نیست؛ بلکه در زمان صلح آنان می‌توانند مساجد را پایگاه دشمن‌شناسی و ترویج فرهنگ جهاد و شهادت و ایثار قرار دهند و با زنده نگه‌داشتن خاطرات مجاهدت‌های جنگ تحمیلی، جوانان را بصیرت و آگاهی دهند و در برابر هجمه‌های جنگ نرم دشمن، آنان را واکسینه کنند. در بین مراکز فراهنگی موجود، مساجد و روحانیون برای ترویج و انتقال این فرهنگ به نسل‌های آینده، نقش کلیدی دارند. اگر جوانان، با بصیرت لازم، آماده دفاع از اسلام و انقلاب باشند، هیچ دشمنی فکر دست‌درازی به سرزمین ایران را نخواهد داشت؛ زیرا شکست ارتش‌ها، آسان است؛ ولی شکست ملت‌ها ممکن نیست.

منابع و مأخذ:

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه.
۱. آوینی، سید مرتضی، با من سخن بگو دو کوهه، روایت فتح، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۳ ه.ش.
 ۲. —، شهری در آسمان، روایت فتح، تهران، چاپ دوم، ۱۳۸۴ ه.ش.
 ۳. انصاری مهدی، درودیان محمد، نجفی هادی، خرمشهر در جنگ طولانی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، چاپ دوم، ۱۳۷۷ ه.ش.
 ۴. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ج ۹، ۱۳۸۲.
 ۵. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، دبیرخانه ستاد عالی کانون‌های فرهنگی و هنری مسجد، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ه.ش.
 ۶. زواره، علی رضا، فرهنگ سازمانی جهاد، تهران، سازمان جهاد کشاورزی تهران، گردان ۳ سید الشهداء، مرکز ثبت و نشر آثار دفاع مقدس، ۱۳۸۵ ه.ش.
 ۷. سهمودی، شهاب الدین احمد الحسینی، وفاء الوفا باخبر دارالمصطفی، الآداب و المؤید مصر، ۱۳۲۶ ه.ق.
 ۸. شبان نیا، قاسم، آثار جهاد در روابط بین الملل، قم، مؤسسه آموزش و پژوهش امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵ ه.ش.
 ۹. شیت خطاب، محمود، شیوه فرماندهی پیامبر (صلی الله علیه و آله) (الرسول القائد)، ترجمه عبدالحسین بینش، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه، بی جا، ۱۳۸۷ ه.ش.
 ۱۰. —، الوسیط فی المسجد العسکریه، بیروت، دارالقرآن الکریم، چاپ هفتم، ۱۴۰۹ ه.ق.
 ۱۱. شیرازی محمد، سلیمانی نعمت الله، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس (تبلیغات)، قم، مرکز تحقیقات اسلامی سپاه، ۱۳۸۰ ه.ش.
 ۱۲. فراهتی، عباسعلی، مسجد و تأثیرات علمی و اجتماعی آن در جامعه اسلامی، از آغاز اسلام تا پایان حکومت اموی، تهران، ستاد عالی کانون‌های فرهنگی هنری مسجد، چاپ دوم، ۱۳۸۵ ه.ش.
 ۱۳. فهیمی، سید مهدی، فرهنگ نامه جبهه انقلاب اسلامی ایران در جنگ تحمیلی، پایداری، تهران، ۱۳۸۱ ه.ش.
 ۱۴. الکلینی، محمد بن یعقوب، الفروغ من الکافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۷۶ ه.ش.

۱۵. گروه نویسندگان، خرمشهر، تهران، بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش های دفاع مقدّس، چاپ دوّم، ۱۳۸۵ هـ. ش.
۱۶. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه، از خونین شهر تا خرمشهر، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، چاپ دوّم، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۷. مصباح یزدی، محمّد تقی، نگاهی گذرا به بسیج و بسیجی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رَحْمَتُهُ، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۱۸. مکی سباعی، محمّد، تاریخ کتابخانه های مساجد، ترجمه محمّد عبّاسپور، محمّد جواد مهدوی، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۱۹. منصورنژاد، محمّد، علی شیخان، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدّس (وحدت مردمی، حضور روحانیت)، قم، مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولیّ فقیه در سپاه، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَتُهُ، امام درسنگر نماز، ستاد اقامه نماز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ هـ. ش.
۲۱. نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ناشر مؤلف، قم، چاپ دوّم، ۱۳۷۶ هـ. ش.
۲۲. واقدی، محمّد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات مرکز دانشگاهی، ۱۳۶۶ هـ. ش.
۲۳. مجله مسجد، ش ۸۴، سال سیزدهم، آذر ۱۳۸۳.

نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای

ابراهیم عباسی

چکیده

نوشتار حاضر، یک پژوهش توصیفی (Descriptive) است که در آن، علاوه بر مطالعه اسناد و مدارک و منابع کتابخانه‌ای، از شیوه مصاحبه با اساتید حوزه و دانشگاه برای جمع‌آوری اطلاعات استفاده شده است. نگارنده، در صدد تبیین نقش مسجد در فرهنگ و هویت محله‌ای است. بدین منظور، پس از تعریف فرهنگ، به بیان بعد فرهنگی و فرهنگ‌سازی دینی مسجد در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای و تشریح شکست‌های متعدد برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین پرداخته و تأثیر مسجد در بازیابی فرهنگ و هویت اسلامی محلات را بررسی نموده است. همچنین، با توجه به رویکرد اخلاقی مسجد، در شکل‌گیری محلات و شهرهایی با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه، نقش مسجد در غنای فرهنگ و هویت محله‌ای را به واسطه اطلاع‌رسانی صحیح و بموقع فرهنگی بحث کرده است. در پایان، آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی نقش‌آفرینی مساجد در غنای هویت و فرهنگ محله‌ای، بیان شده است. نگارنده، بر این باور است که هویت و فرهنگ هر اجتماع، در ارتباط و تماس با سنت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی، در وهله اول، باعث تعالی و شکوفایی فرد شده، در وهله بعدی، شکوفایی و توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. از این رو، توسعه و حفظ مساجد، به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محله‌ای ضرورت زیادی دارد.

واژگان کلیدی:

فرهنگ‌سازی دینی، تأخر فرهنگی، بازیابی فرهنگ، فرهنگ محله‌ای.

فرهنگ هر اجتماع، دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می‌گیرد. از آنجا که مسجد، به عنوان نماد تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینه مذهبی مطرح است، از این رو، به صورت غیرمستقیم، در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، نقش بسزایی ایفا می‌نماید. مسجد، به عنوان مرکز فرهنگ‌سازی دینی با برخورداری از پتانسیل برقراری ارتباط هر چه نزدیک‌تر با توده مردم، به‌ویژه جوانان در ابعاد کوچک‌تر جامعه، مانند محلات، پاسخ‌گوی نیازهای مردم بوده است، از این رو، نقش آن در شکل‌گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی محله‌های شهری حائز اهمیت بسیار است.

ضرورت حضور پررنگ‌تر مساجد - غیر از کارکرد مذهبی آنها - با بروز تغییرات فرهنگی در کلان‌شهری مانند تهران، به یکی از پدیده‌های ضروری برای رویارویی با پدیده تأخر فرهنگی، حداقل در سطح محله‌ای، مبدل گردیده است. در این برهه از زمان، با توجه به مقابله با این پدیده نه چندان نوظهور، تعامل مسجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ محلات الزامی است؛ چرا که بنا به نیازهای جامعه امروز، کارکردهای گسترده مسجد، فراتر از بناهای کنونی آن مطرح است.

در این نوشتار مختصر، قصد داریم با تأکید بر بُعد فرهنگی و فرهنگ‌سازی دینی مسجد در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای (به دنبال شکست‌های متعدد برنامه‌ها و سیاست‌های پیشین)، تأثیر و نقش مسجد در بازبانی فرهنگ و هویت اسلامی محلات، توجه به رویکرد اخلاقی مسجد در شکل‌گیری محلات و شهرهایی با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه را بحث نمائیم. همچنین، برآنیم تا نقش مسجد در غنای فرهنگ و هویت محله‌ای و آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی نقش‌آفرینی مساجد در غنای هویت و فرهنگ محله‌ای را بررسی نمائیم.

فرهنگ و ساختارهای تشکیل دهنده آن

فرهنگ، مفهوم پیچیده‌ای است که تعاریف متعدد و متنوعی از آن ارائه گردیده است. به تعبیر عام، مجموعه‌ای به هم پیوسته از دانش‌ها، آگاهی‌ها، باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌های لازم و ضروری برای زندگی اعضای جامعه است.

فرهنگ ابتدایی، فرهنگ را مجموعه پیچیده‌ای تعریف می‌کند که متضمن دانش، اعتقادات، هنرها، اخلاق، قوانین، آداب و رسوم و کلیه توانایی‌ها و قابلیت‌ها و عادات اکتسابی است که انسان، به عنوان عضوی

از جامعه تحصیل می‌نماید. تا مدت‌ها، فرهنگ، به مجموعه‌ای از فعالیت‌های فکری و هنری محدود می‌شد؛ اما پس از چندی، تعریف به نسبت دقیق از آن، با تأکید بر جنبه‌های معنوی آن ارائه شد. بنا به چنین تعریفی، فرهنگ، مجموعه‌ای کامل از مشخصه‌های ممیزه روحی، مادی، فکری و عاطفی است که یک جامعه یا گروه اجتماعی را مشخص می‌کند که نه تنها شامل هنرها، بلکه اشکال زندگی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات و حقوق اساسی انسانی را نیز شامل می‌گردد. به عبارت دیگر، فرهنگ را باید در مفهوم گسترده و به منزله بافتی پیچیده و با روابط متقابل در نظر گرفت که بر مجموعه‌ای از سنت‌ها، باورها، دانش‌ها و نیز اشکال متفاوت بیان نمود. با ویژگی‌هایی که تعریف دقیق فوق، برای فرهنگ جامعه یا گروه اجتماعی تعیین می‌کند، دیگر نمی‌توان فرهنگ را تنها بعد فرعی یا سنتی توسعه تلقی نمود؛ بلکه فرهنگ، عنصر ضروری جامعه یا اجتماع به شمار می‌آید و در رابطه کلی با توسعه، نیروی درونی جامعه یا اجتماع محسوب می‌گردد. فرهنگ هر اجتماعی، دارای خصوصیات و ویژگی‌های خاص آن سرزمین است که تحت عناصر مذهبی، تاریخی، عقیدتی و جغرافیایی شکل می‌یابد. از آنجایی که مساجد، به عنوان مراکز تأثیرگذار بر الگوهای رفتاری افراد در زمینه مذهبی مطرح است، به صورت غیر مستقیم در شکل‌گیری فرهنگ و هویت افراد، چه در سطح فردی و چه در سطح اجتماعی، نقش بسزایی ایفا می‌نمایند.

افراد جامعه، به وسیله روابط اجتماعی با یکدیگر پیوند خورده و در کنش متقابل هستند. روابط اجتماعی، بر خلاف روابط زیستی و طبیعی، به دلیل برخورداری انسان از اراده و اختیار، اموری جزمی و تکوینی نیستند. هماهنگی و سازگاری روابط اجتماعی، بر پایه الگوهای رفتاری مقبول جامعه صورت می‌گیرد. شکل و محتوای روابط اجتماعی، توسط الگوهای رفتاری توصیف می‌گردد که افراد جامعه در رفتار با یکدیگر، خود را با آن تطبیق می‌دهند. با توجه به نامعین بودن روابط اجتماعی از یک سو، اراده و اختیار انسان از سوی دیگر، افراد جامعه از امکان انتخاب الگوهای رفتاری برخوردار هستند. آنچه امروز، به عنوان مراجعه به آرای عمومی مطرح است، در واقع، انتخاب و تعیین روابط اجتماعی است. آنگاه که مسئله انتخاب پیش می‌آید، ناگزیر از ملاک و معیار انتخاب، سخن به میان می‌آید؛ یعنی مقایسه کردن، سنجیدن و ارزیابی کردن گزینه‌های ممکن و متفاوت روابط اجتماعی.

در واقع، ملاک و معیار انتخاب، نظام ترجیحی افراد جامعه است که متأثر از ارزش‌ها و باورهای آن جامعه است و به همین دلیل، ارزشی است. نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می‌آید، فرهنگ است. ارزش‌ها و باورها، هسته اصلی فرهنگ را تشکیل می‌دهند. از این رو، با توجه به اینکه روابط اجتماعی یک جامعه، بر اساس الگوهای رفتاری و منطبق و سازگار با ارزش‌ها و باورهای آن صورت می‌پذیرد،

الگوهای رفتاری، بخشی از فرهنگ جامعه به شمار می‌روند. در حقیقت، فرهنگ مشتمل بر اصول عامی برای گزینش و مرتب نمودن الگوهای رفتاری در زمینه‌های مذهبی، علمی، اقتصادی و... است. با توجه به اهمیت بسزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع، می‌توان اذعان داشت که توجه به مساجد، به عنوان مراکز برخوردار از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، در کنار دیگر الزامات، نه تنها مایه تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویت و فرهنگ اجتماع می‌شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدن ایران را نیز پر بارتر از همیشه خواهد کرد. ساختار تشکیل دهنده هر فرهنگ، متأثر از عوامل زیادی است که از مهم‌ترین آنها، می‌توان به سه عامل دین، جامعه و طبیعت (جغرافیا) اشاره نمود.

این عوامل، در عرض یکدیگر نیستند، بلکه به ترتیب خاصی در ساختار شکل‌گیری و تحول فرهنگی تأثیر می‌گذارند. از میان عوامل فوق، طبیعت، عاملی ثابت و به نسبت پایدار است که روش بهره‌برداری از آن متفاوت و متغیر است. عامل جامعه، تحت تأثیر خلاقیت و بستر فرهنگی از یک سو و جغرافیا از سوی دیگر قرار گرفته و متحول می‌شود؛ اما بنیاد دین، همواره ثابت است و چون بر فطرت انسان منطبق است، وجه تازگی و شادابی آن همواره محفوظ بوده و در هر شرایطی، قادر به ایفای نقش کلیدی خود است. این چنین فیزیکی سبب می‌شود تا فرهنگ منتخب از دین، رابطه دائمی و حیاتی، هم به صورت آشکار و هم پنهان داشته باشد. این رابطه، هنگامی که دین به عنوان عنصر شاخص اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... ایفای نقش می‌نماید، آشکار بوده و به وضوح، قوانین و اصول مذهبی و حد و حدود تعاملات فرهنگی را نشان می‌دهد.

جنبه معنوی فرهنگ

عملکرد مهم مساجد در بهسازی محیط اجتماعی و نیاز معنوی میان انسان و معبود یکتا، بیانگر نقش بسزایی است که از گذشته تا کنون، عبادت‌گاه‌ها در شکل‌گیری شهرها داشته‌اند و این خود نشانه‌ای از احتیاج روحی انسان به مسائل عبادی است. به همین دلیل، این ارتباط که خود بازگوکننده استضعاف آدمی است، همواره و همه‌جا، تحت لوای مکانی امن درآمده و مدنظر قرار می‌گیرد. طرح مسائل فرهنگی از طریق مساجد، از جمله روش‌هایی است که برای نخستین بار پیامبر اسلام ﷺ از طریق احداث مساجد به آن پرداخت. اگر مسائل فرهنگی و عبادی، در کنار یکدیگر مورد توجه قرار گیرند، مسجد نقش تأثیرگذار خود بر جامعه را نمایان می‌سازد.

افزایش بهای زمین (نه تنها مادی، بلکه معنوی) و جذب افراد سرشناس و متعهد شهرها و محلات در

پیرامون مساجد، نشان دهنده میزان تأثیر گذاری مهم مساجد بر هویت و فرهنگ شهری و محله‌ای است. نقش تأثیر گذار مساجد بر هویت و فرهنگ اسلامی، به حدی است که با دور شدن و فاصله گرفتن از مساجد، نتیجه‌ای جز تخریب ظاهری و باطنی و سقوط میانی فرهنگ در وهله نخست و از میان رفتن وحدت اسلامی در وهله دوم را در پی نخواهد داشت؛ چرا که نخستین عنوانی که در ارتباط با مقوله ارزش به میان می‌آید، فرهنگ است.

ارزش‌ها و ایده‌های سنتی، هسته ضروری فرهنگ را تشکیل می‌دهند. همان گونه که ملاحظه می‌شود، مقوله ارزش، از یک سو، هسته و گوهر فرهنگ به شمار رفته است و از سوی دیگر، نقشی بس تعیین کننده در چگونگی شکل‌یابی و تعیین روابط و ساختار اجتماعی دارد. از این رو، ساختار اجتماعی و فرهنگ سخت به یکدیگر در آمیخته‌اند، به نحوی که روابط اجتماعی در چارچوب رفتار فرهنگی شکل می‌گیرند. رابطه متقابل میان ارزش‌ها و باورهای سنتی و مذهبی، فرهنگ و روابط اجتماعی، نشان می‌دهد که مساجد، به عنوان کانون‌های ارزش و فرهنگی دین مبین اسلام، نقش تأثیر گذاری در شکل‌گیری روابط اجتماعی مسلمانان داشته‌اند. این موضوع، خود نشان دهنده نقش تأثیر گذار این مراکز اسلامی بر فرهنگ و هویت شهرهای اسلامی، به‌ویژه محلات است.

کارکرد فرهنگی مساجد

پس از نقش‌های عبادی و آموزشی، نقش فرهنگی در میان دیگر نقش‌ها و کارکردهای مسجد، دارای بیشترین اهمیت است. در زمان حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام مسجد کانون بسط و توسعه فرهنگ غنی اسلام بود و بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی مسلمین، در مسجد انجام می‌گرفت. به‌طور کلی می‌توان گفت که پایگاه فرهنگی اسلام از مساجد شکل گرفته و هسته اولیه فعالیت‌های فرهنگی اسلام در مساجد تشکیل شده است. اصلی‌ترین اشاعه‌دهندگان فعالیت‌های فرهنگی، چه در دوران حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و چه در دوران ائمه اطهار علیهم السلام مساجد بوده‌اند. امروز پس از ۱۴۰۰ سال، همواره مساجد، کارکرد فرهنگی خود را از دست نداده‌اند؛ بلکه بر وسعت دامنه آنها نیز افزوده شده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله محیط مساجد را به‌طور کامل، یک محیط فرهنگی می‌دانستند، تا جایی که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان، مسابقات شعر و سخنرانی در مساجد برگزار می‌گردید و پیامبر صلی الله علیه و آله ضمن ابراز خرسندی از این کار، با حوصله و بردباری کامل با چنین مسائل برخورد می‌کردند. در مقابل، در دنیای امروز نیز جهانی شدن و فناوری اطلاعات که چشم‌گیرترین نمود آن، اینترنت است، قلمرو تأثیر مسجد را به گستره جهانی و سرعت عمل را

به حدّ غیر قابل تصوّری افزایش داده است. گستردگی میزان عمل و افزایش سرعت انتقال اطلاعات، جهان را به عرصه رقابتی سخت و طاقت فرسا مبدّل کرده است که درنگ و کوتاهی در اقدام شایسته و بایسته، زبان‌ها و آسیب‌های جبران‌ناپذیری را موجب می‌گردد. در عصر اینترنت و جهانی شدن، اقدام نکردن و نداشتن ابتکار عمل، بدین معنا نیست که ضمن حفظ مصونیت خود، تنها امکان تأثیرگذاری بر دیگران از دست رفته باشد، بلکه اقدام نکردن به معنای در معرض تأثیر و آسیب قرار گرفتن از سوی اقدامات دیگران است. دامنه این آسیب‌پذیری، به‌ویژه در حوزه فرهنگ که میدان عمل مساجد است. با توجّه به امکانات دیداری و شنیداری، اینترنت بسیار گسترده است. از این رو، بسیار ضروری است که مساجد، در برابر این تحدّی بزرگ، از امکانات و قابلیت‌های به دست آمده از اینترنت برای گسترش دامنه فرهنگ‌سازی دینی، به‌ویژه در سطح محله، کمال بهره‌برداری را داشته باشند.

بدین ترتیب، مساجد محلی با استفاده از ارتباطات شبکه‌ای از برنامه‌های مذهبی، امکانات تربیتی و تجارب تبلیغی یکدیگر اطلاع یافته و با تبادل این اطلاعات و همکاری و همیاری در اجرای برنامه‌های فرهنگی، ارشادی و تبلیغی، بر دامنه ژرفای تأثیرگذاری خود می‌افزایند. همچنین، مساجد با طراحي سامانه‌ها (سایت‌های ویژه) و متناسب با شرایط فرهنگی و اجتماعی مخاطبین خود، ارتباطات فردی و تأمین نیازهای روحی-معنوی و فرهنگی آنان را فراهم می‌آورند. به‌طور کلی، می‌توان گفت که با وجود شبکه جهانی اینترنت، این فرصت برای مساجد محلی، به عنوان مراکز ارشادی، فرهنگی و تبلیغی فراهم آمده است تا ضمن هم‌فکری و همکاری با یکدیگر، به تبیین مبانی، اصول و ارزش‌های دینی و فرهنگ‌سازی دینی بپردازند. در حال حاضر، تأکید بر بُعد فرهنگ و فرهنگ‌سازی دینی مساجد، در فرآیند برنامه‌های توسعه‌ای به دنبال شکست‌های متعدّد برنامه‌ها و سیاست‌های قبلی، اهمیت خاصی دارد؛ چرا که کارکرد فرهنگی مساجد، بر شناخت و جهان‌بینی اقشار مختلف جوامع محلی و شهری، به‌ویژه جوانان تأکید دارد. از این رو، در عملکرد مساجد، در راستای انجام فعالیت‌های فرهنگی، شناخت مؤلفه‌های فرهنگی و اجتماعی تعیین‌کننده ساختارهای جامعه، از ضرورتی خاصّ برخوردار است.

مساجد و شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی محلات شهری

هنگامی که اسلام، جهان متممّن قرن هفتم میلادی را فرا گرفت، چهره بسیاری از کشورها دگرگون شد و با مسلمان شدن تدریجی این کشورها، نژادهای گوناگون، در ساختن هویت جدیدی به نام اسلام، به هم نزدیک شدند.^۱

نژادهای آریایی، هندی، سامی، قبطی، بربری و سایر نژادها، در بارور ساختن فرهنگ و هویت اسلامی با هم همکاری کرده‌اند. پیداست که در این میان، سهم همه ملت‌ها یکسان نبوده است و آنها که با میراث‌های غنی پیش می‌آمدند، در ساختن بنای فرهنگی جدید، اثربخش‌تر بوده‌اند. آنچه در این کشورها باعث گسترش سریع فرهنگ و هویت اسلامی می‌شد، بی‌تردید عامل دین و از همه مهم‌تر وجود مراکز مذهبی مشترک با عنوان مساجد بود. در حقیقت، مساجد مستقر در مناطق و محلات شهری، به عنوان مراکز فرهنگ‌سازی دینی فعالیت می‌نمایند.

این مراکز، به عنوان پایگاه‌های مردمی، نقش بسیار مهم و تعیین‌کننده‌ای در روشنگری اذهان عمومی و تبیین و ترویج شعائر و مبانی و فرهنگ دینی دارند. پر واضح است که مساجد، به عنوان مراکز فرهنگ‌سازی دینی، با دارا بودن پتانسیل برقراری ارتباط نزدیک‌تر با توده مردم، به‌ویژه جوانان در ابعاد خردتر مانند محلات، پاسخ‌گوی نیازهای مردم و به‌ویژه جوانان بوده‌اند. از این رو، نقش مساجد در شکل‌گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی در محله‌های شهری حائز اهمیت بسیار است. ضرورت حضور پررنگ‌تر مساجد، به یکی از پدیده‌های ضروری ظهور برای رویارویی با بروز تأخر فرهنگی، حداقل در سطح محله‌ای، مبدل گردیده است. در این برهه از زمان، با توجه به مقابله با این پدیده نه‌چندان نوظهور، تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگی محلات الزامی و ضروری است؛ چرا که بنا به نیازهای امروز جامعه، کارکردهای گسترده مساجد، فراتر از نیازهای کنونی مساجد است. مسجد، به عنوان محل تجمع مسلمانان، مرکزی برای اطلاع‌رسانی است که مهم‌ترین تأثیرات را در فرهنگ و هویت بشر، از زمان‌های گذشته تاکنون بر جای گذارده است. مصداق بارز این اثرگذاری، در جریان انقلاب اسلامی ایران دیده شد. دین مقدس اسلام، به این دلیل که به مناسبت‌های مختلف، مردم را فرا می‌خواند، در میان ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است.

اهمیت مساجد، به‌ویژه در زمان صدر اسلام که از نظر اطلاع‌رسانی، فاقد رسانه‌های گروهی بود، اهمیت بسیاری داشت؛ زیرا در همین اجتماعات، رهبران دینی، فرصت را مغتنم شمرده، با راهنمایی‌های لازم نقش اساسی در شکل‌گیری فرهنگ و هویت اسلامی را ایفا می‌نمودند. برای ارتقای فرهنگ و هویت دینی در پیکره هویت و فرهنگ اجتماع، به‌ویژه اجتماعات محله‌ای، مساجد نقش بسزایی دارند؛ چرا که از مشارکت گسترده مردم در حفظ ارزش‌ها و تبلیغ آنها و انتقال فرهنگ و مفاهیم ارزشی سود می‌جویند؛ در غیر این صورت، اگر دولت به تنهایی عهده‌دار این مسئولیت گردد، کوچک‌ترین تخلف از سوی آن، به حساب دین و فرهنگ دینی گذارده می‌شود و این امر، خود نقص دین تلقی می‌گردد. به همین دلیل است که دولت باید با

تدارک زیرساخت‌ها و آماده‌سازی نیروهای انسانی کارآمد، از یک سو و بهره‌گیری از متفکران، روحانی‌ها، هنرمندان، فرهنگیان و فرهیختگان جامعه و استقرار آنها در مساجد به عنوان قائم مقام خود، از سوی دیگر، به توسعه فرهنگ و هویت اسلامی و ارتقای چنین فرهنگی در پیکره فرهنگ و هویت اجتماعی به ویژه محله‌ای بپردازد. با وجود مسئولیت خطیر مساجد در ایجاد هویت و فرهنگ اسلامی در جامعه، توجه بر رویکرد اخلاقی این پایگاه مقدّس که به شکل دهی جامعه‌ای با هویت و فرهنگ اسلامی و عاری از فرهنگ مبتذل بیگانه می‌انجامد، الزامی است. این چرخه که در نهایت، بنیه فرهنگ داخلی را تقویت می‌نماید، بخشی از آن نقشی است که مساجد، به عنوان جایگاه‌های خاصّ توسعه فرهنگ و هویت اسلامی، در قالب برنامه‌های درازمدت، در تقویت و استحکام هویت و فرهنگ محله‌ای ایفا می‌نمایند.

ضرورت حضور پُرنگ مساجد در فرهنگ شهرها و محلات

در فرهنگ غنی و ریشه‌دار اسلام، مسجد از مرکزیت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپهر فرهنگ دینی، مسجد اصلی‌ترین پایه و رکن است. در اسلام، مساجد محور فعالیت‌های فرهنگی هستند. از این رو، اگر خواهان تأثیرگذاری بر فرهنگ و هویت ساختار شهری یا محله‌ای هستیم، باید مساجد را توسعه دهیم. فرهنگ دینی اسلام، مسجدمدار است و هر چیزی که رنگ و بوی این فرهنگ دینی را داشته باشد، به‌طور قطع، این محوریت را در خود نشان می‌دهد. به‌طور کلی، می‌توان اذعان داشت که مسجد، محور اصلی جامعه فرهنگ و هویت اسلامی است. مسجد، پایگاهی فرهنگی است که شهروند موحد و مسلمان در آنجا در ابعاد مختلف حیات فردی و اجتماعی و در خصوص مسائل اجتماعی، اعتقادی، علمی، اقتصادی، سیاسی و... آموزش می‌بینند؛ یعنی آموزش‌های اولیه و پایه‌ای که بر اساس آن پرورش یافته و مجال ورود به عرصه پر جنجال زندگی را پیدا می‌کند.

تأثیر مساجد بر الگوهای فرهنگی شهروندان

اگرچه در عصر حاضر، به‌ویژه دهه‌های اخیر، ابزارهای تبلیغاتی و پیام‌رسان تأثیرگذاری مانند فیلم، سینما، تلویزیون، تئاتر، رادیو، پوستر و عکس، نوار، ویدئو، روزنامه، مجله، نشریات دوره‌ای و... رو به تزاید گذارده است و به‌ظاهر درخشش و جذابیت بیشتری دارد؛ اما مسجد به لحاظ اصالت دینی و داشتن ریشه‌های عمیق تاریخی و به دلیل اهتمام فراوان رهبران مذهبی به این پایگاه عمومی، تأثیر بسیار حسّاس و تعیین‌کننده‌ای بر ارتقای فرهنگ و هویت افراد دارد.

مهم‌تر از همه آنکه، صحنه‌گردان مسجد، خود مردم هستند و تازمانی که مذهب و انگیزه‌های دینی

در مردم ریشه دارد، مسجد نیز به عنوان یک پایگاه دینی از توان تأثیر گذاری بر فرهنگ و هویت آنان برخوردار است. این موضوع به اثبات رسیده است که اعتقادات دینی و انگیزه‌های ماورایی که مساجد، مبلغ آن هستند، محکم‌ترین و راسخ‌ترین انگیزه‌ها و محرک‌های فردی و اجتماعی به‌شمار می‌آیند تا آنجا که فرد، در راه حفظ آرمان‌های خود، از جان و مال و فرزندانش می‌گذرد. مسجد نیز به‌طور ملموسی با چنین تمایلات و کشش‌های قدرتمندی سر و کار دارد؛ زیرا خود مسجد، در متن دین خفیه بوده و جایگاه تسکین و تسلی خاطر مؤمنان است. به این دلیل، می‌توانیم از مسجد، در همه ابعاد، به خصوص در بعد فرهنگ و هویت‌سازی، بیشترین بهره‌برداری‌ها را داشته باشیم.

تعامل مساجد با فرهنگ‌سراها و خانه‌های فرهنگ

دوران حاضر را می‌توان دوران حیات مساجد قلمداد نمود؛ چرا که با فعالیت کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد در پرورش و فرهنگ‌سازی دینی افراد، فرهنگ، در کنار دین ارایه و عرضه می‌گردد. از این رو، نقش مساجد، به عنوان مقدمه فرهنگ و هنر، به‌ویژه در سطح محله‌ای از اهمیت بسزایی برخوردار می‌گردد. در مقام تشبیه، می‌توان از مساجد، به عنوان کنفرانس‌های عبادی-فرهنگی یاد نمود که از شعاعی تا اعماق روستاها و اجتماعات محله‌ای برخوردارند. تفاوتی که مساجد، به عنوان کانون‌های فرهنگی و دینی با فرهنگ‌سراها دارند این است که مساجد از توان بالقوه اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی دینی به‌طور مستقیم برخوردار هستند و این در حالی است که فرهنگ‌سراها و دیگر مراکز فرهنگی به انجام فعالیت‌های زودگذر و موقتی، با کارکردی یک‌جانبه و یک‌سویه مبادرت می‌نمایند. در نقطه مقابل، مساجد علاوه بر جنبه عبادتی-عقیدتی از جنبه‌های کارکردی همه‌جانبه‌ای، نظیر کارکردهای فرهنگی، فرهنگ‌سازی، اجتماعی، سیاسی و... برخوردارند.

توسعه و حفظ مساجد به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای

جامعه انسانی، نیازمند حکومت و قانون است. قانون، هنگامی معقول و مطلوب است که بر خاسته از فرهنگ صحیح باشد. این فرهنگ صحیح، تنها با وضع قانون ایجاد نمی‌شود، بلکه ضروری است نهادهای فرهنگی جامعه مقدم بر وضع قانون، آن را محقق سازند. در غیر این صورت، جامعه دچار فقدان و خلاء فرهنگی خواهد شد. مساجد، راه‌حلی هستند که دین مبین اسلام برای حل این معضل فرهنگی برگزیده است. مسجد، مرکزی فرهنگی است که مردم را در طول شبانه‌روز، در پنج نوبت به سوی خود فرامی‌خواند و فرهنگی ارائه می‌دهد که به عوض تکیه بر امتیازها و اختلاف‌ها، به وجوه مشترک بشری تکیه داشته و

ارزش‌های اجتماعی مشترک افرادش را در قالب تعالیم فطری و الهی- که منبع حق و حقیقت است- حیات می‌بخشد.

قرآن می‌فرماید: «الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ؛ این حق (حکم تغییر قبله و هر حکم، حقی) از جانب پروردگار توست؛ پس، هرگز از تردید کنندگان مباش»^۱.

هویت و فرهنگ هر اجتماعی در ارتباط و تماس با سنت‌ها، باورها و ارزش‌های آرمانی و عقیدتی نو و غنی شده و امکان تعالی و شکوفایی فرد و تعالی و شکوفایی و توسعه اجتماعی را به دنبال دارد. از این رو، توسعه و حفظ مساجد، به عنوان کانون‌های فرهنگی منطقه‌ای و محلی ضرورت تام دارد؛ چرا که چنین کانون‌هایی، مطمئن‌ترین ضامن حفظ و توسعه فرهنگ و هویت منطقه‌ای و محله‌ای و تقویت هویت فرهنگ شهری است. به‌طور کلی می‌توان از مسجد به عنوان طلیعه‌دار فرهنگ‌های محلی و منطقه‌ای نام برد؛ چرا که مساجد، افراد را به یکدیگر نزدیک‌تر کرده، شرایط داد و ستد و ارتباطات اجتماعی و شکل‌گیری مناسبات فرهنگی و هویت محله‌ای را فراهم می‌آورند.

آسیب‌شناسی و چالش‌های فراروی فرهنگ دینی

از جمله عمده‌ترین آسیب‌های فراروی فرهنگ و هویت دینی، ساختارهای اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ای، می‌توان موارد زیر را نام برد:

۱. به روز نبودن نهادها، مراکز دینی و مساجد و عدم معرفی مناسب و کارآمد دین و فرهنگ و استفاده از روش‌های سنتی.
 ۲. عدم برخورداری نیروهای انسانی نهادهای دینی و مساجد، به‌ویژه مساجد محله‌ای از کارایی و دانش لازم.
 ۳. وجود خلاء فرهنگ دانشگاهی به عنوان اتاق فکری مختص گفت‌وگو فرهنگ دینی.
 ۴. وجود نهادهای متعدد دینی و عدم مرکزیت مساجد، به عنوان اصلی‌ترین نهاد و کانون بسط و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی.
 ۵. عدم برخورداری مساجد، به‌ویژه مساجد محله‌ای از مدیریت سازمانی منسجم.
- چالش عمده پیش روی فرهنگ و هویت دینی، در ابزارهای فعالیت فرهنگی یا تبلیغی نیست، بلکه چالش اساسی، زاییده آن است که نیروی انسانی ماهر، مدیر و خلاق وارد عرصه نشده است و مجموعه

امور فرهنگ دینی، در اختیار نهادها و افرادی است که معدل تحصیلات آنان حتی از دیپلم متوسطه نیز پایین تر است. همین مسئله موجب به وجود آمدن معضل مدیریت شده است. به دلیل همین مسئله، به ناچار، نهادهای دینی متعددی ایجاد شده است و چون اتاق‌های فکری به وجود نیامده است، افراد غیرمتخصص با سطح تحصیلات پایین، به ایجاد نهادهای متعدد دینی با نیت تقویت و توسعه فرهنگ و هویت اسلامی اقدام نمودند و در عوض به دنبال اعتبار و بودجه و مسائل جاری رفتند؛ از این رو، لازم است که در حوزه‌های فرهنگ دینی، از حوزه‌های دانشگاهی بهره بیشتری برده و با همکاری روحانیان آگاه مستقر در مساجد محلّ و دانشگاهیان مطلع، از فناوری مدرن و صنعت ارتباطات و تحولات جهانی شدن در راستای طرزحی و ترسیم سیاست و استراتژی اساسی برای تقویت و توسعه فرهنگ و هویت اسلامی در جوامع محلّه‌ای و شهری تلاش نمود.

نتیجه‌سخن

با توجه به اهمیت بسزای عناصر مذهبی در ساختار فرهنگی یک اجتماع، می‌توان اذعان داشت که توجه به مساجد، به عنوان مراکز برخوردار از عناصر مذهبی و عقیدتی، همراه با شناخت فرهنگ غنی اسلام، در کنار دیگر الزامات، نه تنها مایه تداوم تماس و تفاهم اجتماعی و تأمین و تحکیم هویت و فرهنگ اجتماع می‌شود، بلکه درخت تناور فرهنگ و تمدن ایران را نیز پر بارتر از همیشه خواهد کرد.

امروز، ضرورت حضور پررنگ تر مساجد، با کارکرد مذهبی آنها با بروز تغییرات فرهنگی در کلان شهری مانند تهران، به یکی از پدیده‌های ضروری برای رویارویی با پدیده تأخر فرهنگی، حداقل در سطح محلّه‌ای، مبدل گردیده است. در این برهه از زمان، با توجه به مقابله با این پدیده نه چندان نوظهور، تعامل مسجد با فرهنگ سراها و خانه‌های فرهنگ محلات الزامی است؛ زیرا بنا به نیازهای جامعه امروز، کارکردهای گسترده مسجد، فراتر از بناهای کنونی آن مطرح است.

در فرهنگ غنی اسلام، مسجد از مرکزیت برخوردار است. در جغرافیای فرهنگی اسلام و در سپهر فرهنگ دینی، مسجد اصلی ترین پایه و رکن است. در اسلام، مسجدها محور فعالیت‌های فرهنگی هستند. از این رو، چنانچه خواهان تأثیر گذاری بر فرهنگ و هویت ساختار شهری یا محلّه‌ای هستیم، باید مساجد را توسعه دهیم. به هر حال، نقش مساجد در شکل گیری، انسجام و تقویت فرهنگ و هویت اسلامی در محلّه‌های شهری حائز اهمیت بسیار است.

مساجد، از صدر اسلام تا کنون، به عنوان محلّ تجمع مسلمانان، مرکزی برای اطلاع رسانی بوده است که

مهم‌ترین تأثیرات را در فرهنگ و هویت بشر از زمان‌های گذشته تاکنون بر جای گذارده است که مصداق بارز آن، در جریان انقلاب اسلامی ایران دیده شد. دین مقدّس اسلام، به این دلیل که به مناسبت‌های مختلف، مردم را فرامی‌خواند، در میان ادیان دیگر از برجستگی خاصی برخوردار است. نکته شایان توجه این که مهم‌ترین چالش پیش روی فرهنگ و هویت دینی، در ابزارهای فعالیت فرهنگی یا تبلیغی نیست، بلکه چالش اساسی، زاییده آن است که نیروی انسانی ماهر، مدیر مدبّر و خلاق وارد عرصه نشده است و مجموعه امور فرهنگ دینی در اختیار نهادها و افرادی است که تخصص کار فرهنگی ندارند و در برخی موارد، با وجود تخصص، تعهد و دلسوزی وجود ندارد.

منابع و مأخذ

۱. آذرتاش، آذرنوش، هنرهای ایرانی و آثار برجسته آن، شورای عالی فرهنگ و هنر، مرکز مطالعات و هماهنگی فرهنگی، تهران، ۱۳۵۴ ه.ش.
۲. رازی، فخرالدین محمد، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ ه.ش.
۴. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، دارالکتب الإسلامیة، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۴ ه.ش.
۵. ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مساجد در تربیت، ماهنامه معرفت، سال نهم، شماره اول، فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۹ ه.ش.
۶. رزاقی، ابوالقاسم، مسجد، پایگاه توحید و تقوی، دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، تهران، ۱۳۶۲ ه.ش.
۷. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، مترجم: سید محمد تقی فخردایی گیلانی، دنیای کتاب، تهران، چاپ دوم.
۸. سباعی مکی، محمد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه علی شکویی، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۳ ه.ش.

کارکردهای مسجد در کاهش آسیب‌های فرهنگی مهاجرت

محمود قرائتی

چکیده

مسجد، محور شهر اسلامی و کانون ساختارهای فرهنگی در جامعه اسلامی است. مسجد، تأثیرات مهمی در لایه‌های متنوع جامعه منتسب به خود دارد و از این نظر، مهاجران مسلمان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. پژوهش در تعامل نهاد مسجد با گروه مهاجران و چگونگی آسیب‌زدایی مسجد از این گروه پُر آسیب، کارکردهای مثبت و قدرتمندی را از مسجد به نمایش می‌گذارد که نه تنها مهاجران اصطلاحی، بلکه آموزه‌های آن، هر تازه‌وارد فرهنگی را رهبری می‌کند. نیاز تهاجمی مهاجران به تعلق داشتن به گروه، کاهش ضریب خودکنترلی گروه مهاجران، دوگانگی و تضاد فرهنگی، بخشی از این آسیب‌ها هستند که نهاد مسجد به طور غیرمستقیم، صحیح و فراگیر، آنها را کاهش می‌دهد و تا اندازه قابل توجهی به نیازهای بر خاسته از این آسیب، پاسخ می‌دهد.

واژگان کلیدی:

مسجد، مهاجرت، آسیب‌های فرهنگی، کارکرد.

در فرهنگ سیاسی و اقتصادی، نهادهای بین‌المللی مهاجرت، کار، حقوق بشر و قوانین کشورهای گوناگون، تعاریف متفاوتی دارند. در همه این تعاریف، سعی می‌شود مرز بین مهاجر، مسافر، پناهنده و آواره، حفظ گردد و تعریفی جامع و مانع برای ترسیم حدود قانونی این موارد ارائه شود.

امروز، مهاجرت همراه کلماتی، مانند مسئله، معضل و حتی بحران به کار می‌رود. تعداد مهاجران، تنها در اروپا از مرز ۵۶ میلیون نفر گذشته است و نکته مهم اینکه، این رقم با مبنای قرار گرفتن همان تعاریف محدودکننده به دست آمده است. مدتی است که یک رشته تحصیلی بین‌رشته‌ای و ویژه، با عنوان «مدیریت مهاجرت»، شکل گرفته است که اهمیت این مسئله را نشان می‌دهد.^۱

مهاجرت، همیشه در زندگی بشر وجود داشته و گاهی از روی اختیار، گاهی به اجبار اتفاق می‌افتاده است. مهاجرت، همیشه منافعی کوتاه‌مدت یا بلندمدت را برای بشر به دنبال داشته که روند مهاجران را به سوی خود سوق داده است؛ اما به طور قطع، مهاجرت برای هر سه طرف آن، یعنی برای سرزمین مبدأ مهاجرت، سرزمین مقصد مهاجرت و مهاجران یا نسل‌های بعدی آنان بحران‌زاست. مشکل آفرینی و پیچیدگی مهاجرت برای هر کدام از این سه مورد، در یک راستا نیست و طبیعی است که هر کدام منافع، فرصت‌ها و تهدیدهایی دارند. تقابل وسیع منافع، بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید و آن را در اندازه معضلی بین‌المللی و فراگیر قرار می‌دهد.

کشورهای مهاجرپذیر می‌کوشند تا نیروهای بادرجات بالاتر علمی، مالی، مهارتی و جسمی را بپذیرند. کشورهای مهاجرخیز نیز برای مهاجرت مشروط نیروهای مازاد خود تلاش می‌کنند و در نقطه مقابل، برخی از کشورهای شمال، نگران مهاجرت نخبگان و به تعبیر دیگر، فرار مغزها هستند. مهاجران نیز فارغ از دغدغه‌های کشورهای مهاجرپذیر و مهاجرخیز در پی رفاه، امنیت و زمینه‌های پیشرفت بیشتر خود هستند. آسیب‌های فردی، خانوادگی و اجتماعی مهاجرت و مهاجران، مبحثی طولانی و خارج از محدوده یک مقاله است و شایسته است دیدگاه آموزه‌های اسلام درباره انواع مهاجرت، بررسی و راهبرد و راهکارهای منظمی ارائه شود.

مسجد که محور شهر اسلامی است به طور قطع، تأثیرات مهمی بر مهاجران دارد و باید گفت سخت‌افزار و نرم‌افزارهایی که اسلام برای مسجد تدبیر کرده است، مهاجران مسلمان را نیز در برمی‌گیرد. قسمتی از آسیب‌های فرهنگی مهاجرت و مهاجران و کارکردهای نهاد مسجد در رفع آنها، می‌تواند موضوع نوشتارهای

۱. ر.ک: سجادی‌پور، سید محمدکاظم، چارچوب‌های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین‌المللی، مطالعه موردی ایران، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۷۸، ص ۱۰ و ۱۱.

کوتاه باشد؛ هر چند بررسی‌های بیشتر، پژوهش‌های وسیع میان‌رشته‌ای را می‌طلبد. لازم به یادآوری است که اهمیت این کارکردها در مناطقی که مسلمانان در اقلیت قرار دارند، بسیار بیشتر است.

گفتار اول: پیشینه تاریخی مهاجرت

در زمان کنونی، از یک سو، منشأ اصلی مهاجرت، اختلاف شدید کشورهای شمال و جنوب یا به تعبیر بهتر مجتمع‌ها و شهرهای شمال و جنوب در برخورداری‌های مادی است و از سوی دیگر، کم‌رنگ شدن وابستگی‌ها و ارزش‌های ریشه‌دار انسانی، تغییر گروه‌بندی‌ها و نظام‌های اجتماعی، انفجار اطلاعات، تبلیغات و فعالیت‌های ناصواب رسانه‌ای و سهولت حمل و نقل، بر دامنه مهاجرت‌ها افزوده است. اگر تدبیر و حکمت الهی در اختلاف نژادها، رنگ‌ها و زبان‌ها نبود، امروز سیال بودن جوامع از مرز تحمل روابط و قراردادهای اجتماعی می‌گذشت و آشفتگی غیرقابل کنترلی بر جهان حاکم می‌گشت.^۱

مهاجرت در داخل سرزمین‌ها و کشورها و حتی درون یک فرهنگ نیز مسأله‌ساز است. توسعه نامتوازن، حاشیه‌نشینی، ناهنجاری‌های اجتماعی، کاهش خودکنترلی جامعه یا خانواده یا فرد، ناپایداری‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی، اوقات فراغت غیرمعمول و فشارهای روانی، از جمله آثاری هستند که شهرهای مهاجرپذیر را در تنگنای خود گرفته است.

مهاجرت، نهاد خانواده را نیز به طور عمومی در یک اضطراب فراگیر قرار می‌دهد. هر چه مهاجرت، تغییرات بیشتری در حوزه‌های جغرافیایی، اجتماعی، اقتصادی، حقوق و قوانین، ارتباط با خویشان، هم‌کیشان و هم‌فرهنگ‌ها ایجاد کند، موضوعات مجهول بیشتری خواهد داشت و چالش‌هایی با ابعاد متنوع را برای ارکان خانواده ایجاد خواهد کرد. دوگانگی فرهنگی درون خانواده، دوگانگی فرهنگی خانواده با محیط و تضاد فرهنگی بین والدین و فرزندان برخی از این چالش‌هاست. این مسائل، از مشکلات فردی شروع می‌شود یا به مشکلات فردی می‌انجامد و در نهایت، این فرد فرد مهاجران هستند که باید از این تنش‌ها عبور کنند. با وجود همه این نابسامانی‌ها و دشواری‌ها مهاجرت، همواره بخشی از پویایی و کمال‌خواهی انسان‌ها را تشکیل می‌دهد. مهاجرت، گزینه‌ای مهم برای پیشرفت است و تصمیم‌گیری درست انسان در این باره، بسیار سرنوشت‌ساز خواهد بود. مهاجرت، همیشه وجود دارد و آخرین دین الهی نیز اصل آن را به رسمیت شناخته و به تصحیح اهداف و رویکردهای آن پرداخته است.

۱. به قرآن کریم، روم، آیه ۲۲ مراجعه کنید: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّعَلْمِينَ؛ واز آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شماست و در این، نشانه‌هایی برای عالمان است.»

مفهوم مهاجرت به صورت مطلق، در متون اسلامی، مفهومی مثبت و ارزشی است. در نگاه اول، شاید چنین به نظر آید که این ارزشمندی ممکن است به سبب شهرت گروه بزرگی از مسلمانان صدر اسلام به این عنوان باشد؛ ولی با دقت بیشتر در قرآن و روایات درمی یابیم که این ارزشمندی از پشتوانه‌ای محکم و جایگاه بلندی در مکتب تربیتی اسلام دارد. اسلام، موضوع مهاجرت را تا پای وجوب تعیینی و تعینی پیش می برد.^۱

گفتار دوم. انواع مهاجرت از منظر اسلام

با مبنا قرار دادن معارف اسلامی، سه نوع مهاجرت وجود دارد که در ادامه به آنها اشاره می شود:

۱. مهاجرت نوع اول

نوع اول، درباره تغییر محلّ جغرافیایی زندگی انسان و اولویتهای مادی آن است که کم و بیش از بین متون مختلف اسلامی قابل استخراج است. اصطلاح مهاجرت به این معنی در قرآن و روایات مطرح نیست و آموزه‌های مربوط به این نوع از مهاجرت، با کلید واژه‌های دیگر و تا اندازه‌ای پراکنده قابل استحصال است.^۲ روشن است که این نوع مهاجرت، به خودی خود و بدون هیچ انگیزه مقدّسی، نمی تواند در یک دین آسمانی ارزشمند نامیده شود؛ همان طور که بی ارزش هم نیست و از این نظر، تابع اهداف مهاجر و آثار مهاجرت خواهد بود.

گذشته از میزان ارزشمندی این نوع از مهاجرت‌ها، فراوانی مهاجرت‌های معاصر را باید در قالب این نوع مهاجرت ارزیابی کرد.

۱. برای مطالعه بیشتر در مورد جایگاه مهاجرت در آموزه‌های قرآنی، به سه آیه زیر مراجعه کنید:

(الف) انفال، ۷۲: «إِنَّ الدِّينَ أَمْرٌ وَعَاجِزٌ وَأَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَتَصَرَّوْا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا لَمْ يَهَاجِرُوا أَمْوَالَهُمْ مِنْ شَيْءٍ وَحَتَّى يَهَاجِرُوا وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ إِلَّا عَلَى قَوْمٍ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَهُم مِّيثَاقٌ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ؛ کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند و کسانی که ایمان آورده‌اند، ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ‌گونه خویشتندی [دینی] با شما ندارند؛ مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست.»

(ب) نساء، ۸۹: «وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكْفُرُونَ سَوَاءٌ فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يَهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِن تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَاقْتُلُوهُمْ حَتَّى جَدَّتْ مُوْهُهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وُلِيًّا وَلَا نَصِيرًا؛ همان‌گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند که شما نیز [کافر شوید تا با هم برابر باشید. پس زنه‌ار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار نکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس، اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید، به اسارت بگیرید و آنها را بکشید و از ایشان یاری‌وری برای خود مگیرید.»

(ج) نساء، ۹۷: «إِنَّ الدِّينَ تَوْفِيقُهُمُ الْمَلَكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعِفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتَهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَسَاءَتْ مَصِيرًا؛ کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان، جانشان را می گیرند، می گویند: در چه [حال] بودید؟ پاسخ می دهند: ما در زمین از مستضعفان بودیم. می گویند: مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟ پس، آنان جایگاهشان دوزخ است و [دوزخ] بدسرانجامی است.»

۲. رک به: ابواب مربوط به کسب و کار، کسب حلال، نکوهش فقر و ماندن آن.

۲. مهاجرت نوع دوم

نوع دوم مهاجرت، یک مهاجرت جغرافیایی و حرکت جسم انسان از یک محل، منطقه یا سرزمین است که تنها با اهداف الهی انجام می‌شود و به تعبیر قرآنی، «مهاجرت فی سبیل الله» است.^۱

مهاجرت‌های پی‌درپی و متنوع سال‌های صدر اسلام، از این نوع مهاجرت‌ها بود. مهاجرت‌هایی که مسلمانان مهاجر با رها کردن اموال منقول و غیرمنقول خود و حتی در بسیاری موارد، با دوری از خانواده و در شرایطی پرخطر، تنها برای خدا و حفظ دین، راه سرزمین‌های ناآشنا را در پیش می‌گرفتند. دو بار هجرت مسلمانان به کشور حبشه، در آن سوی دریا، هجرت‌های تبلیغی پیامبر و اصحاب و از همه مهم‌تر هجرت پیامبر عظیم‌الشان اسلام ﷺ و مسلمانان از مکه به یثرب که مبدأ تاریخ اسلام گردید، مهم‌ترین این هجرت‌ها هستند.

هجرت به این معنی، اختصاص به دین مبین اسلام ندارد و ادیان الهی در طول تاریخ خود، مهاجرت‌های بسیاری را از این نوع به ثبت رسانده‌اند. مهاجرت پیامبرانی مانند حضرت ابراهیم علیه السلام، حضرت موسی علیه السلام، حضرت عیسی علیه السلام و حواریان، مهاجرت حضرت صالح و مؤمنان به او، حضرت هود و پیروانش، حضرت لوط و خانواده‌اش، مهاجرت حضرت موسی علیه السلام و قوم بنی اسرائیل، از مهم‌ترین آنها هستند که با دستور الهی آغاز شدند و جزئیات بسیاری درباره این مهاجرت‌ها در متون اسلامی و دیگر ادیان آمده است.

در این نوع هجرت، مهم نیست که آثار مادی آن چیست و اوضاع مادی بهبود می‌یابد یا خیر؛ بلکه شرط این نوع هجرت، انگیزه الهی مهاجر است.

ارزشمندی چنین هجرتی در مکتب تربیتی اسلام، از برتری معنوی مهاجر بر دیگران شروع می‌شود و از

۱. برای مطالعه بیشتر در این مورد به سه آیه زیر مراجعه کنید:

(الف) نساء، آیه ۱۰۰: «وَمَنْ يَهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَبْخُذْ فِي الْأَرْضِ مِرَاعًا كَثِيرًا وَسَعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامت‌گاه‌های فراوان و گشایش‌ها خواهد یافت و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش در رسد، پاداش او به طور قطع با خداست و خدا آمرزنده مهربان است.»

(ب) بقره، آیه ۲۱۸: «إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ؛ آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است.»

(ج) حج، آیه ۵۸: «وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قَاتَلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَبِيرٌ الرَّازِقِينَ؛ و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده و آنگاه کشته شده یا مرده‌اند، به طور قطع خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است.»

۲. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۹، ص ۳۱: «عَنِ النَّبِيِّ ﷺ أَنَّهُ قَالَ مَنْ فَرَّ بِدِينِهِ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنْ كَانَ شِبْرًا مِنَ الْأَرْضِ اسْتَوْجِبَ الْجَنَّةَ وَكَانَ رَفِيقَ إِبْرَاهِيمَ وَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا؛ کسی که برای دینش از جایی به جایی فرار کند و اگر چه به اندازه یک وجب باشد، مستوجب بهشت است و یار و همراه ابراهیم و محمد صلی الله علیهما و آلهما است.»

مرز وجوب می‌گذرد؛ سپس، این ضرورت و حساسیت تا آنجا پیش می‌رود که می‌توان مهاجرت را یکی از راهبردها و راهکارهای زندگی اسلامی محسوب نمود و فصلی را در ایدئولوژی اسلامی به آن اختصاص داد.

۳. مهاجرت نوع سوّم

مهاجرت نوع سوّم، انتقال معنوی و یک مهاجرت درونی است که جسم انسان از مکانی به مکانی هجرت نمی‌کند؛ بلکه قلب او از سرزمین گناه، دل می‌کند و وارد مملکت طاعت خداوند می‌شود.^۱ ارزشمندی مهاجرت نوع دوّم، وابسته به وجود مهاجرت نوع سوّم است. مهاجرت، وقتی می‌تواند برتری‌های نوع دوّم را داشته باشد که زمینه‌ساز تغییر جغرافیای دل‌ها باشد. از امیرمؤمنان (علیه السلام) در ضمن خطبه‌ای، نقل شده که حضرت فرمودند: «مهاجر، تنها آن کسی است که از بدی‌ها هجرت کند و به سوی آن بازنگردد».^۲

گفتار سوّم، آسیب‌های مهاجرت

هر سه نوع مهاجرت، آسیب‌هایی دارد. نوع سوّم کمترین و نوع اوّل بیشترین آسیب‌ها را به همراه دارد. آسیب‌های مهاجرت نوع سوّم که هجرت از بیابان گناه و مهاجرتی قلبی است، آسیب‌هایی موقت، محدود، طبیعی و قهری است. اطلاعات دینی کم، ناآشنایی با سرزمین جدید، کم‌مهارتی، ناهمگونی نیت‌ها یا رفتارها، وسوسه‌های بازگشت و برخی فشارهای روانی ناشی از آنها از جمله آسیب‌هایی است که انسان تازه‌وارد به سرزمین اطاعت الهی دچار آن می‌شود و به سرعت با عنایت‌های الهی و توجّه به راهکارهای دینی رفع می‌شود؛ راهکارهایی که یکی از آنها، موضوع این نوشتار است.

آسیب‌های مهاجرت نوع دوّم، ترکیبی از آسیب‌های مهاجرت نوع سوّم و بخشی از آسیب‌های مهاجرت نوع اوّل است؛ چرا که مهاجرت نوع دوّم از اساس، ترکیب پیچیده و گزیده‌ای از نوع اوّل و سوّم است. آسیب‌های نوع دوّم، بعضی از آسیب‌های نوع اوّل و نه همه آنها را داراست که به ارزش‌های فراوان مهاجرت نوع سوّم مربوط می‌شود. ویژگی‌های مهاجرت نوع سوّم پس از ترکیب، ماهیت مهاجرت نوع اوّل را تغییر می‌دهد و بسیاری از آسیب‌های آن را رفع می‌کند یا از ابتدا مانع به وجود آمدن آنها می‌شود.

۱. رک: پاورقی ۲.

۲. تحریرالمواعظ العددیة، ج ۲۵، ص ۱۹: «المهاجر من هجر ما حرّم الله علیه؛ مهاجر کسی است که از آن چه خدا حرام کرده هجرت کند و ببرد». ۳. بحارالانوار، ج ۹۷، ص ۹۹: «قَالَ عَلِيُّ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) بَعْضُ حُطْبِيهِ: يَقُولُ الرَّجُلُ هَاجِرٌ وَلَمْ يُهَاجِرْ إِثْمًا الْمُهَاجِرُونَ الَّذِينَ يَهْجُرُونَ السَّيِّئَاتِ وَلَمْ يَأْتُوا بِهَا».

آسیب‌های مهاجرت نوع اول فراوان است. مقالات منتشر شده درباره مهاجرت، بر محور مهاجرت نوع اول تهیه شده است. بررسی این مقالات نشان می‌دهد که جنبه اقتصادی مهاجرت در کانون توجه است و کارشناسان در پی شفاف‌سازی کنش‌ها و واکنش‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت مهاجرت در حوزه اقتصاد هستند. مبدأ و مرجع طرح مسائل امنیتی، حقوقی و مباحثی، مانند بازار علم در این مقالات نیز منافع و مضار اقتصادی پیرامون مهاجرت است که البته جای تعجب نیست و این سرشت علوم انسانی غرب است.

پیوستگی حوزه‌های علوم انسانی، اصلی پذیرفته شده است و توسعه بین رشته‌ها، مانند «رشته مدیریت مهاجرت» گواه این مطلب است؛ اما این موضوع نباید موجب جابه‌جایی در رده‌بندی شرافت و کرامت حوزه‌های علوم انسانی شود. در منطق الهی، اقتصاد یک ابزار است و به خودی خود، ارزش یا ضد ارزش نیست و نباید محور ارزیابی‌های کلان و نهایی قرار گیرد.^۲

گذشته از این که در شناسایی آسیب‌های مهاجرت، رویکردی الهی یا غیر الهی اتخاذ شود، باید گفت آوندهای آسیب‌های مهاجرت در یک آبش‌خور اصلی قرار دارد و آن، تغییر ارتباط انسان با محیط است. مهاجر، نیازمند فرصتی است تا بین خود و محیط جدید تناسب ایجاد کند و به نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای جدید پیرامون متصل شود. اولین آسیب، همین فرصت کوتاه یا بلند ناپایداری هاست. دومین آسیب، رسوخ ناپایداری‌ها به حوزه باورهای فرد مهاجر است که باید ارتباط با محیط را مدیریت کند. آسیب سوم، خطا در اتصال به سخت‌افزارها و نرم‌افزارهای جدید فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی است.

با این توضیح، آسیب‌های بسیاری برای مهاجرت قابل دسته‌بندی است؛ اما به سبب اهمیت حوزه دین و فرهنگ، اثرپذیری دیگر حوزه‌های علوم انسانی از این حوزه و نیز تأثیرگذاری مستقیم مسجد در این حوزه، به آسیب‌های مهاجرت در فرهنگ عمومی و غیر عمومی می‌پردازیم.

مبحث اول: افزایش نیاز به «تعلق داشتن به گروه»

در مدیریت جدید «نیاز تعلق به گروه»، به رسمیت شناخته شده و از نیازهای انسان شمرده شده است.^۳ مهاجر با گسستی که بین او و بیشتر انسان‌های هم‌گروه، هم‌خون، هم‌کیش و هم‌فرهنگ وی اتفاق افتاده، دچار خلأ در زمینه اعتبار و حمایت است. برخی شرایط فسادانگیزی که برای مهاجر اتفاق می‌افتد، در مسیر تأمین کاذب یا غیر قانونی و غیر شرعی نیازهای انسانی وی است. مهاجر، برای برآورده شدن حمایت

۱. Interdisciplinary.

۲. رک: فجر، آیات ۱۵-۱۷.

۳. رک: نبوی، محمدحسن، مدیریت اسلامی، ص ۸۶.

و اعتبار، ممکن است ابتدا از راه صحیح آن اقدام کند؛ ولی از آنجا که سرمایه‌گذاری در این زمینه دیربازده است، به سوی تأمین ناصحیح آن و عضویت در گروه‌های کوچک و بزرگ هنجارشکن، تمایل پیدا می‌کند. این چالش، وقتی با دیگر آسیب‌های مهاجرت در آمیزد، لغزش گاه بزرگی را به وجود می‌آورد.

منزوی شدن یا در اقلیت قرار گرفتن برای هر کس ناخوشایند است؛ ولی این مسئله برای مهاجر به عنوان یک بحران و تهدید روزانه مطرح است و این روی دیگر سگه، نیاز به اعتبار و حمایت است تا در سطح اجتماعی آن با تعلق به گروه، قابل پاسخ‌گویی باشد.

البته در منطق الهی، عزت تنها از آن خداست و اوست که عزت می‌دهد و عزت می‌ستاند؛ اما مسئله در این نوشتار، زمینه‌های آسیب‌زایی مهاجرت و نقش یکی از راهکارهای اسلام در تسهیل دست‌یابی به مهاجرینی سالم است. به عبارت بهتر هدف، کشف بخشی از مهندسی فرهنگی اسلام در حوزه مسجد با توجه به تأثیرات آن بر مهاجران مسلمان از نگاه برون‌دینی است.

مبحث دوم: کاهش خودکنترلی

در دین اسلام، مفهوم عامی را برای انواع مدیریت‌های نفس و کنترل‌های آن می‌توان یافت؛^۱ مفهوم عامی که با کلیدواژه «تقوی» در همه آموزه‌های اسلام بسیار مورد توجه است.

تقوا در گونه‌های مختلفی، مانند خوف، صبر، حلم و عفت متجلی می‌شود. حیا، به معنای عام آن، یکی از تجلیات تقوا و خویشتن‌داری است.^۲ رابطه‌های بسیاری میان تقوا و مسجد می‌توان برقرار کرد؛ اما به علت اینکه آسیب عمده مهاجران در زمینه خویشتن‌داری، خودکنترلی و تقوا، در قلمرو هنجارها و حیا اتفاق می‌افتد، حیا، در اولویت قرار می‌گیرد. در اهمیت حیا، همین بس که در روایات اسلامی، انسان تهی از حیا، تهی از ایمان معرفی شده است.^۳

حیا، بسیار پر حضور و پر کاربرد است و در تصویر آرمانی خود، همه ابعاد زندگی انسان را فرا می‌گیرد که محصول چند ویژگی حیاست. در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌شود:

حیا، از حوزه فرد به جامعه و از جامعه به فرد سرایت می‌کند. این رابطه دو طرفه بین دو حوزه فردی و اجتماعی، ویژگی نادری نیست؛ اما این رابطه و سرایت، در مورد حیا بسیار مستقیم، شفاف و سریع است. حیا، محدود به قلمرو خاصی نمی‌شود. حیا، ممکن است در مورد همه تکنه‌ها و هیجانان‌روانی و

۱. غررالحکم و درر الکلم، ج ۵۸۱۵ و ۵۸۱۶ و ۵۹۹۷: «التقوی اجتناب، المتقی من اتقی الذنوب، من ملک شهوته کان تقیا».

۲. نهج البلاغه؛ خطبه ۱۸۳، ص ۲۶۶: «فالتقوا الله الذی انتم بعینه».

۳. ارشاد القلوب إلى الصواب، ج ۱، ص ۱۱۱: «الْحَيَاءُ مِنَ الْإِيمَانِ فَمَنْ لَا حَيَاءَ لَهُ لَا حَيْرَ فِيهِ وَلَا إِيْمَانَ لَهُ».

وسوسه‌ها نقش ایفا کند. اِحیا، بسیاری از بازدارنده‌ها را همراهی می‌کند و بدون کمک حیا، بسیاری از بازدارنده‌ها ضعیف و ناکارآمد می‌شوند. حتّی ممکن است ادّعا شود که آنچه از حوزه فرد به اجتماع و از اجتماع به فرد در مورد بازدارنده‌ها سرایت می‌کند، به واسطه حیا است.

ویژگی مهم دیگر، قدرت بازدارندگی و وادارندگی حیاست. حیا، در مرحله شکل‌گیری خود در نفس انسان، نوعی انکسار، انفعال، انقباض، انزجار و انحصار است؛ اما نمود عملی آن ممکن است به صورت بازدارندگی یا وادارندگی بروز کند. وسعت قلمرو و نمود عملی متنوّع حیا که شامل بازدارندگی و وادارندگی است، موجب گردیده تا حیا سهم بزرگی از تقوی و مدیریت و کنترل نفس را به خود اختصاص دهد.

ویژگی چهارم، وجود مصادیق ضدّ ارزشی و منحرف شده حیاست و حیا، از این نظر بسیار آسیب‌پذیر است و انبوه نمونه‌های ناصواب حیا، فضای زیبا، معنوی و فرح‌انگیز حیا را شلوغ و غبارآلود می‌کند. به هر حال این، ویژگی نیز عاملی است که در نگاه کلی، مصادیق حیا را مضاعف می‌کند و اهمّیت آن را بیشتر می‌کند. حیا، ارکانی دارد که عبارت‌اند از: مهار کردن نفس، فعل قبیح، حضور ناظر محترم، شخص حیاکننده.^۳ در مهاجرت هر چهار رکن، هم در بعد نظری و هم عملی دچار ضعف و اختلال می‌شوند.

مبحث سوّم: مهار کردن نفس

مهاجر، به سبب میل به پیشرفت‌ی که به علل گوناگونی در او تقویّت شده است و نیز افزایش نیاز تعلق به گروه، به کم‌رنگ کردن خطاهای قرمز و سست کردن مهار نفس گرایش دارد.

مبحث چهارم: فعل قبیح

به سبب تغییر شدید شرایط فرهنگی و رسانه‌ای و تنوّع آنها که در مناطق مهاجرپذیر، نسبت به مناطق مهاجرخیز بیشتر وجود دارد، بازنگری در باورها و ارزش‌ها، یکی از فعالیت‌های ذهنی مستمر مهاجران است. بنابراین، متغیّر فعل قبیح، مهاجر را در معرض دو آسیب قرار می‌دهد و ممکن است در بینش او عمل زشت از فهرست افعال قبیح خارج شود.

۱. نهج البلاغه، قصار ۲۴۹، ص ۵۳۶: «مَنْ قَلَّ حَيَاؤُهُ قَلَّ وَزَعُهُ وَمَنْ قَلَّ وَزَعُهُ مَاتَ قَلْبُهُ وَمَنْ مَاتَ قَلْبُهُ دَخَلَ النَّارَ... کسی که حیایش کم شد، پارسائیش نقصان می‌گیرد و کسی که پارسائیش نقصان گیرد، قلبش می‌میرد و کسی که قلبش بمیرد، داخل دوزخ می‌شود».

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۶۹ و ۱۱۱: «الْحَيَاءُ حَيَاءٌ اِنْ حَيَاءٌ عَقْلٌ وَ حَيَاءٌ حَقِيقٌ فَحَيَاءُ الْعَقْلِ هُوَ الْعِلْمُ وَ حَيَاءُ الْخَمْقِ هُوَ الْجَهْلُ؛ حیا دو گونه است: حیا عقل و حیا حماقت. حیا عقل دانایی و حیا حماقت نادانی است».

۳. رک: پژوهشی در فرهنگ حیا، ص ۲۳ و ۲۴ و ۳۱.

مبحث پنجم: کمبود حضور ناظر محترم

حضور ناظر محترم، یعنی شخصی که در نظر مرتکب دارای جایگاهی است، حاضر باشد و هویتی از مرتکب فعل قبیح را بشناسد و ببیند. این در حالی است که هویت مهاجر در محلّ مهاجرت، بسیار کم‌رنگ است و بخش‌های مهمی از هویت اصلی او مخفی است؛ به عبارت ساده‌تر، کمتر قابل شناسایی است. نکته مهم آنکه تعداد کسانی که مورد احترام مهاجر در محلّ مهاجرت هستند، محدود است؛ زیرا هویت دیگران برای او نامشخص است و مهاجر در محیط جدید، فرصت کمتری برای شکل دادن به جایگاه‌های اجتماعی در ذهن خود داشته است.

مبحث ششم: ناپایداری در شناخت شخصیت

میزان عملکرد حیا رابطه وثیقی با شأن و ارزشی که هر شخص برای خود می‌پندارد، دارد و واقعیت این است که اتفاقات جدیدی، درون فرد مهاجر در حال رخ دادن است. مهاجر، در خودانگاره‌اش دچار ناپایداری است؛ او در محیط فرهنگی جدید در موضع بازنگری در برخی باورها و ارزش‌ها و هنجارهای پیشین قرار می‌گیرد و شاخ و برگ این دغدغه‌ی ذهنی به خودانگاره او نیز نفوذ می‌کند. به عبارت دیگر، مهاجر در شأنی که تاکنون برای خود می‌پنداشت، تردید می‌کند و در معرض صعود یا نزول پارامترهای ذهنی خودانگاره قرار می‌گیرد؛ بنابراین، نه تنها هویت مهاجر برای دیگران قابلیت شناسایی کمتری دارد؛ بلکه هویت، احترام و شناخت او از خویشان نیز ناپایدار است و این ناپایداری، مدتی به‌طور متناوب ادامه دارد.

مبحث هفتم: دوگانگی فرهنگی

مهاجر، هیچ‌گاه نمی‌تواند از خاستگاه فرهنگی خود جدا شود و این امر موجب دوگانگی فرهنگی بین مهاجر و فرهنگ میزبان می‌شود. در مرحله بعد، دوگانگی فرهنگی با پیش‌روی خود به درون گروه مهاجران، تضاد فرهنگی را، به‌ویژه بین نسل اول مهاجران و نسل‌های بعدی به وجود می‌آورد.

گفتار چهارم: مسجد و آسیب‌های مهاجران مسلمان

امیرالمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «هر کس به مسجد آمد و شد کند، یکی از هشت چیز را به دست می‌آورد: برادری که در راه خشنودی خدا از او بهره ببرد یا علم و دانشی نو و زیبا یا آیه‌ای محکم یا سخنی که او را به هدایت رهنمون شود یا کلامی که او را از هلاکت‌رهای بخشیده و برگرداند یا سنت و روشی که از آن

پیروی کند یا رحمتی از جانب خداوند که انتظارش را می کشیده نصیبش می شود یا گناهی را به خاطر ترس از پروردگار یا از روی شرم رها کند.^۱ این هشت فایده، کارکردهای ذیل را برای مسجد تأیید می کند: مسجد، مسلمان مهاجر را به مهم ترین گروهی که به آن تعلق دارد، یعنی جامعه ایمانی متصل می کند و مسیرهایی از طریق برادران دینی اش در مسجد برای اتصال به دیگر خرده گروه های اجتماعی و اقتصادی فراهم می کند؛ همچنین، از این طریق مسیر نزدیک تری برای کسب اعتبار و حمایت فراهم می شود. در مسجد، بر مهار نفس تأکید می شود و نشانه ای محکم یا کلامی تأثیر گذار، مسلمان مسجدی را بر باورهای صحیح وی پایدار می کند.

در مسجد، خطاهای قرمز و زشتی ها باز تعریف می شوند و فرد مسجدی، با کلمه ای که او را از هلاکت باز می دارد، بدرقه می شود.

فرد مسلمان، با حضور در مسجد، هویت اسلامی خود را تثبیت می کند و برادرانی می یابد؛ در مسجد و بیرون مسجد، هویت فرد مسلمان بهتر شناخته می شود و راحت تر دیده می شود و به دلیل شرم، از خطا و گناه دوری می کند.

مسلمان، در میان مسلمانان مسجدی، قدر خود را باز می شناسد؛ وی با نشانه های اطمینان بخشی، خود را مسلمانی با قیمتی شایسته می بیند و گوهر انسانیت خود را به سادگی نمی آلود.

مسلمان مهاجر، در مسجد سرزمین میزبان، راه و روشی تجربه شده و مناسب را برای تعامل با فرهنگ جدید می آموزد و نسخه بومی شده ای از دین داری آن مرز و بوم را فرا می گیرد.

مهاجران از دوگانگی فرهنگی رنج می برند؛ از این رو، می کوشند تا خود را با فرهنگ جدید تطبیق دهند یا راهی برای تعامل بیابند. درک صحیح و عمیق شرایط فرهنگی جدید، به آنان این امکان را می دهد که تصمیم درستی در این باره بگیرند و در تعامل با فرهنگ جدید موفق عمل کنند.

مهاجر مسلمان، برای دریافت سیگنال های فرهنگی، مسیری اطمینان بخش و سریع را جستجو می کند. دسترسی فوری مهاجر به ساخت افزاری آماده، برای دریافت و تفسیر پیام های فرهنگ میزبان، بسیار مهم است؛ ساخت افزاری که با دارا بودن نرم افزارهای اصلی یک مسلمانان، داده های فرهنگ میزبان را تحلیل و تبیین کند.

۱. فلاح السائل و نجاح المسائل، ص ۹۰؛ «عن مولانا علی بن ابی طالب علیه السلام قال کان یقول من اختلف الی المسجد اصاب إحدى الثمان أخوا مستفادافی الله أو علما مستطرفا أو آیه محکمة أو سمع کلمة تدله علی الهدی أو کلمة ترده عن ردی أو سنة متبعة أو رحمة منتظرة أو یتبرک ذنبا خشية أو حياء؛ این حدیث در کتب متعدد روایی آمده است و تنها به سبب اضافه شدن «او سنة متبعة» در فلاح السائل، فقط این کتاب به عنوان منبع ذکر کرده است؛ همچنین رک: تهذیب الأحکام، ج ۳، ص ۲۴۸؛ امالی صدوق، ج ۳۸۹، ص ۳.

مهاجر، برای پیشگیری از تضاد فرهنگی درون گروه مهاجران، به ویژه بین نسل اول مهاجران و نسل‌های بعدی، به یک واسطه هوشمند فرهنگی نیاز دارد تا برداشت‌ها و تفسیرهای اعضای خانواده و گروه مهاجران از فرهنگ میزبان را به هم نزدیک کند.

مسجد، نهادی است که به واسطه همین هشت کارکرد مذکور در حدیث علوی، هم آن نرم‌افزارها را دارد و هم این هوشمندی لازم را داراست. مسجد، از کارآمدترین عواملی است که می‌تواند از دوگانگی و تضاد فرهنگی مهاجران مسلمان بکاهد.

دقت در این کارکردهای مسجد، نشان می‌دهد که مسجد تنها از مهاجران، به صورت اصطلاحی آسیب‌زدایی نمی‌کند، بلکه هر تازه‌وارد فرهنگی را، هر چند غیردائم و با زمانی اندک راهنمایی می‌کند. همچنین، نه تنها برای مهاجران نوع اول و دوم، بلکه برای مهاجران نوع سوم نیز بسیار کارساز است. مهاجر نوع سوم - یعنی مهاجر از گناه به طاعت الهی - برای پایداری در این هجرت، بیش از هر کسی به برادری دینی یا دانشی تازه یا آیه‌ای محکم یا رحمتی که انتظار می‌رود یا سخنی که او را از هلاکت برگرداند و یا دلیلی بر هدایت و یا ترس و شرم از گناه نیازمند است.

نتیجه‌سخن

تغییری که مهاجرت ایجاد می‌کند، تغییر روابط انسان با محیط است. همه آسیب‌های مهاجرت در بعد فردی، خانوادگی و اجتماعی را باید در این تغییر جستجو کرد. مسجد، با کارکردهای فرهنگ‌ساز و اجتماع‌گستر خود می‌تواند دوره گذار مهاجر را از فرهنگ مبدأ به نزدیک‌ترین ایستگاه اسلامی در فرهنگ مقصد مدیریت کند و زمان‌بری و آزمون و خطای این مهاجرت فرهنگی را کاهش بدهد. تأثیرات نهاد مسجد در این باره - به شرط ارتباط مهاجران با مسجد - تأثیراتی غیرمستقیم، فراگیر، چندبعدی و در لایه‌های گوناگون مهاجران و از جمله لایه مهم و آسیب‌پذیر خانواده مهاجر است. با استفاده از حدیث علوی می‌توان چگونگی آسیب‌زدایی مسجد از مهاجران را در زمینه دوگانگی فرهنگی، تضاد فرهنگی، نیاز شدید به تعلق به گروه، افت حیا به معنای عام آن و کاهش خودکنترلی و نظارت‌های عمومی و نیز شناوری و شکنندگی هنجارها توضیح داد.

منابع و مأخذ

قرآن کریم

۱. سید رضی، نهج البلاغه، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲. شیخ حرّعاملی، محمد حسن، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳. آمدی، عبدالواحد تمیمی، تصنیف غررالحکم ودررالكلم، دفتر تبلیغات، قم، چاپ اول، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۴. دیلمی، شیخ حسن، إرشاد القلوب إلى الصواب، قم، شریف رضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
۵. علامه مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تهران، انتشارات اسلامیة، چاپ مکرر، مختلف.
۶. مشکینی، علی، تحریر المواعظ العددیة، قم، انتشارات الهادی، چاپ هشتم، ۱۴۲۴ هـ.ق.
۷. سید ابن طاوس، فلاح السائل ونجاح المسائل، قم، بوستان کتاب، چاپ اول.
۸. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، دارالحدیث، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۹. سجّادپور، سید محمد کاظم، چارچوب های مفهومی و عملیاتی در مدیریت مهاجرت بین المللی، مطالعه موردی ایران، مجله تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۸، پاییز ۱۳۸۴ هـ.ش.
۱۰. ابن بابویه قمی، محمد بن علی بن حسین (شیخ صدوق)، الامالی، انتشارات کتابخانه اسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۱۱. ابوجعفر محمد بن حسن طوسی (شیخ الطائف)، التهذیب، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۱۲. نبوی، محمد حسن، مدیریت اسلامی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶ هـ.ش.

طراحی مدل مطلوب کارکرد و مدیریت مساجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

حسن عابدی جعفری و همکاران

چکیده

این نوشتار، مسجد را از منظر علم مدیریت مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا موضوع علم مدیریت، سازمان است و مسجد به عنوان یک سازمان یا یک نهاد، در محدوده بررسی این علم قرار می‌گیرد. مقاله حاضر در دو بخش نظری و عملی تنظیم شده است. در بخش نظری، پس از مروری بر ادبیات تحقیق، موضوع مسجد از چند منظر بحث شد. در ادامه بیان شد که با توجه به انواع گوناگون سازمان‌ها (مبتنی بر سود، مبتنی بر ترس، مبتنی بر ارزش، ایمانی، غیر ایمانی، دولتی، انتفاعی، غیرانتفاعی، غیردولتی، داوطلبانه و مبتنی بر ایمان و...)، مسجد با کدام یک از آنها سنخیت بیشتری دارد؟ در بخش عملی، عملکرد مدیریتی مساجد در سطح خرد (مدیریت عملیاتی یک واحد مسجد) و سطح کلان (عملکرد مدیریتی کلان مساجد کشور یا مدیریت راهبردی مساجد) مورد بحث قرار گرفته است. در پایان، از میان مباحث نظری، مدلی برای مدیریت راهبردی مساجد در دو بعد عملکرد نیایشی و عملکرد غیرنیایشی استخراج شده است.

واژگان کلیدی:

مدیریت راهبردی مساجد، سازمان‌های مبتنی بر ایمان، سازمان‌های داوطلبانه، سازمان‌های غیرانتفاعی، سازمان‌های غیردولتی

فصل اول: کلیات تحقیق

۱-۱. بیان مسئله تحقیق

۱-۱-۱. مقدمه

در حال حاضر به علت پیچیده و چندبعدی شدن مسائل گوناگون در جوامع، شاهد تأسیس سازمان‌های گوناگون در تمامی زمینه‌ها در جوامع هستیم تا به نیازهای بشری پاسخ دهند. علاوه بر خصوصیت اجتماعی بودن انسان، هم‌اکنون دیگر، تلاش فرد به تنهایی و یا حتی یک گروه، بدون سازمان‌دهی و در چارچوب یک سازمان، نمی‌تواند برآورده کننده نیازهای وی باشد. حضور سازمان‌ها در ابعاد گوناگون زندگی اجتماعی، چنان پررنگ است که در حال حاضر هر فرد حتی قبل از تولد تا بعد از مرگ با حداقل یک سازمان در ارتباط است و سرنوشتش به این پدیده بشری گره خورده است. برخی از متفکران را نظر بر این است که اکنون دیگر شاهد پدیده‌ای به نام «جامعه» متشکل از «افراد» نیستیم، بلکه «جوامع» کنونی متشکل از «سازمان‌ها» هستند^۱ و «جامعه» بدین معنا باید موضوع علم «جامعه‌شناسی» قرار گیرد.

در دیدگاه نهادگرایی (Institutionalism)، هر سازمان یا به عبارت بهتر، هر «نهاد»، در تحقق ارضای یکی از نیازهای بشری فعالیت می‌نماید و به یکی از انواع این نیازها پاسخ می‌دهد. طبق نظریه «هرم سلسله مراتبی نیازهای» آبراهام مازلو، از جمله نیازهای انسان، نیاز «خودشکوفایی» است. این نیاز در انسان، عالی‌ترین مرتبه نیاز است و خود، ممکن است ابعاد و اشکال گوناگونی داشته باشد. از جمله ابعاد این نیاز بسیار پیچیده، گرایش به «پرستش» و در مرحله نازل تر «دیگرخواهی» است. در سیر تحول تمدن غربی و پیدایی مدل جامعه مدنی غربی، برای پاسخ‌گویی به ابعاد متمایز نیاز خودشکوفایی در انسان‌ها، نوعی از سازمان‌ها پدید آمده‌اند که به سازمان‌های «داوطلبانه»، «سازمان‌های غیردولتی» (OGN) یا «سازمان‌های غیرانتفاعی» (NPO) موسوم شده‌اند.

جالب توجه است که بدانیم در اسلام، که سرآمد ادیان مرفقی است، این گونه سازمان‌ها و تشکیل آنها سابقه‌ای بسیار طولانی دارد. به علت مفهوم خاص «عبادت» در اسلام (که هر عملی را که به قصد قربت الهی صورت گیرد، عبادت بر می‌شمارد) اعمال نیایشی و غیرنیایشی با نیات الهی در زمره عبادت به شمار می‌روند. از سوی دیگر، به علت تأکید خاص اسلام بر ارزش جمع و جماعت، این دین مبین، راهکار بسیار مبتکرانه‌ای عرضه نموده است و آن تشکیل یک سازمان داوطلبانه، غیردولتی و غیرانتفاعی با نام «مسجد» است. مروری بر نقش و اهمیت مسجد در اسلام و همچنین نقش و کارکردهای آن در طول تاریخ حیات مدنی مسلمانان نشان می‌دهد که مساجد در اسلام و در جوامع مسلمان همان نقشی را ایفا کرده‌اند که امروز

از یک سازمان غیرانتفاعی در غرب انتظار می‌رود. با این تمایز که به‌طور معمول، هر سازمان غیرانتفاعی در عرصه بسیار ویژه با هدفی مشخص که اعضای آن تعیین می‌کنند، فعالیت می‌نماید و در صورتی که این هدف برآورده گردد، سازمان باید منحل گردد، یا تغییر هدف دهد؛ اما نهاد «مسجد» انعطاف‌پذیری چشم‌گیری دارد و با رعایت اصول ذکر شده در منابع اسلامی، هر مسجد دامنه وسیعی از فعالیت‌ها را دربر می‌گیرد و در زمینه‌های گوناگون به نیازهای انسان به صورت سازمانی پاسخ می‌دهد و دین اسلام، الهی و عبادی بودن این فعالیت‌ها را به رسمیت می‌شناسد.

در جوامع اسلامی، از جمله ایران، حضور مساجد در زندگی اجتماعی مردم حضوری پررنگ دارد؛ بدان گونه که طبق آمارهای رسمی، هم‌اکنون در ایران بالغ بر هفتاد هزار مسجد احداث شده است. این تعداد مسجد آنگاه مهم‌جلوه می‌کند که توجه کنیم به‌طور تقریبی هیچ سازمان از نوع دیگری چنین تراکمی ندارد. فقط ممکن است مدارس از این نظر با مساجد برابری کنند.

۲-۱-۱. بیان اهمیت مسئله تحقیق

در حال حاضر، بعد از گذشت بیش از ربع قرن از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، شاهد کم‌رنگ شدن هر روز نقش مساجد در جامعه هستیم. این بی‌رونی، حتی در زمینه رسالت اولیه مساجد، برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی، هم محسوس است. عجیب‌تر آنکه، این بی‌رونی مزمن مساجد بعد از تشکیل جمهوری اسلامی در ایران رخ داده است؛ در حالی که همین مساجد در دوره قبل از انقلاب بسیار فعال تر بودند و حتی همین مساجد، محل شکل‌گیری بسیاری از تلاش‌ها برای برپایی نظام جمهوری اسلامی بوده است. کسانی که دوران قبل از انقلاب را به یاد دارند بدون هیچ استثنایی به نقش پررنگ مساجد در جامعه و در جریانات منجر به انقلاب اسلامی ایران اشاره می‌کنند. به راستی، چرا مساجدی که در طول تاریخ ایران، به‌ویژه در دوره قبل از انقلاب بدان گونه پررنگ بوده‌اند و کارکردهای بسیاری داشته‌اند، هم‌اکنون بدین گونه متروک گشته‌اند؟ آیا زندگی مدرن و پیچیده امروزی دیگر پذیرای مسجد نیست؟ آیا مسجد هم‌اکنون کارکردهای خود را در زندگی قرن بیست و یکم از دست داده است؟ اگر بخواهیم این سؤال را به صورت اساسی تر مطرح کنیم باید پرسید آیا جوامع مسلمان میان «مظاهر تجدد» و «مظاهر زندگی دینی» یکی را باید انتخاب کنند؟ حال آنکه از انتخاب تجدد، گریزی نیست، باید با زندگی اجتماعی دینی و مظاهر آن، از جمله مسجد وداع کرد؟ آیا مسجد در یک جامعه مسلمان فقط زمانی رونق دارد که دین در مصدر حکومت نباشد یا غیر از آن؟

۱-۱-۳. بیان مسئله تحقیق

این پرسش‌ها و سؤالات بسیار دیگری در ذهن هر فرد آگاهی جوانه می‌زند؛ اما نگارنده سعی دارد تا با رویکردی مدیریتی به پدیده مسجد بنگرد. وجود ظرفیت عظیمی چون هفتاد هزار مسجد در سراسر نقاط کشور با انبوهی از منابعی که در اختیار دارند، ضرورت نگاهی دقیق و موشکافانه را بیان می‌کند. بنابراین، محقق تلاش دارد تا با موشکافی مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیردولتی و غیرانتفاعی از زاویه علم مدیریت، به این سؤالات پاسخ دهد:

- ۱- مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه غیردولتی و غیرانتفاعی از نوع مذهبی در جامعه کنونی ایران، چه کارکردهای مطلوبی ممکن است داشته باشد؟
- ۲- مساجد کنونی موفق، به ایفا کدام یک از این کارکردها می‌پردازند؟

۱-۱-۴. ابعاد مسئله تحقیق

- کارکردهای مطلوب و نحوه مدیریت مطلوب مسجد در قالب یک NGO در دو بعد، شایسته طرح است:
- ۱- فعالیت‌های نیایشی.
 - ۲- فعالیت‌های غیرنیایشی.

۱-۱-۵. روش حل مسئله تحقیق

در ابتدا تلاش می‌گردد تا با مطالعه ادبیات نظری، مدل مفهومی کارکردها و نحوه مدیریت مطلوب مساجد در قالب یک NGO طراحی گردد. سپس، به روش توصیفی از نوع پیمایشی (با استفاده از پرسش‌نامه) بررسی می‌گردد که مساجد موفق در تهران با توجه به مدل به‌دست آمده در چه وضعی قرار دارند.

۱-۱-۶. محدودیت‌های تحقیق

الف) در طراحی مدل کارکردها و نحوه مدیریت مطلوب مساجد، لازم است از نظر خبرگان علوم اجتماعی و علوم مدیریت استفاده گردد. متأسفانه به علت ضیق وقت، امکان چنین کاری وجود نداشت.
ب) جامعه آماری این تحقیق، مساجد موفق واقع در تهران است. جا دارد، چنین تحقیقی در جامعه آماری همه مساجد ایران انجام شود که این امر به علت فقدان امکانات و پشتیبانی‌های لازم، برای محقق میسر نبوده است.

ج) در جامعه آماری اتخاذ شده، مساجد موفق عبارت‌اند از مساجدی که از نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد» به عنوان مساجد موفق شناخته شده‌اند. تعریف مرکز ذکر شده از مساجد موفق امکان دارد با تعریف مسجد موفق به عنوان یک NGO طبق مدل دست یافته، مطابقت نداشته باشد.

د) به علت ضیق وقت، امکان سنجش مفصل و علمی روایی و پایانی پرسش‌نامه این تحقیق با روش‌های آماری و کیفی طبق الگوهای روش تحقیق، وجود نداشت.

ه) همکاری نکردن مناسب مساجد معرفی شده از سوی مرکز رسیدگی به امور مساجد، باعث شد تا روند تحقیق به سمت مطالعه موردی (Case Study) تغییر یابد و امکان تعمیم نمونه آماری به جامعه آماری، فراهم نگردد.

۱-۱-۷. نتایج حل مسئله تحقیق

انتظار می‌رود با جواب به سؤالات این تحقیق، متولیان امور فرهنگی مذهبی در جامعه، همچون مرکز رسیدگی به امور مساجد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و...، در تسریع کارکردهای مطلوب و نحوه مدیریت مطلوب مساجد در قالب یک NGO به دیگر مساجد بکوشند.

فصل دوم: ادبیات نظری تحقیق

۲-۱. تعریف مسجد

کلمه «مسجد» اسم مکانی است که سجده در آن انجام می‌شود؛ مانند خانه‌ای که با هدف سجده برای خدا ساخته می‌شود. از مسجد، در قالب محلی که نام خدا را در آن می‌برند (عبادات) یاد شده است. «مساجد» هم، جمع «مسجد» است که معبد مسلمانان است. در حقیقت، مسجد مکانی است برای عبادت و راز و نیاز با خالق هستی که در فرهنگ اسلامی از جایگاه رفیعی برخوردار است. مسجد، مکان ارشاد و تبلیغ مسائل، معارف و احکام اسلام است. مسجد خانه خدا و محل طرح مسائل دنیوی و اخروی مسلمانان است.^۱

از نظر شکلی نیز مساجد اولیه مسلمانان، قطعه زمینی وسیع و مربع شکل بود که اطراف آن را چهار دیوار یا خندق احاطه می‌کرد و دارای مأذنه نبود؛ اما اکنون اغلب مساجد دارای قسمتی میانی است به نام «صحن» که گاهی نیز مسقف است و در اطراف آن چهار رواق دارد که وسیع‌ترین آن رواق قبله است که محراب نیز در آنجا قرار دارد.

نخستین مسجد را حضرت محمد ﷺ در مدینه و در کنار خانه خود ساخت. زمین آن خوابگاه شتران بود و پیغمبر آن را از صاحبش خرید. سپس، خلفا و حاکمان و پادشاهان بر وسعت آن افزودند و در ساختمان مساجد، تزئینات به کار رفت؛ اما مسلمانان در آن تغییراتی دادند، چنان که به مرور زمان برخی از کلیساها به مسجد تبدیل شد و جهت بنا را از مشرق به سوی مکه تغییر دادند.

در پاره‌ای از مساجد، سنت معماری ایرانی عصر ساسانی نیز لحاظ گشته است. در این نوع مساجد بخش اصلی را شبستان تشکیل می‌دهد که قبه‌ای بر آن قرار گرفته است. این قبه یا گنبد به صورت مخروطی مدور بود و بعدها شلجمی شکل یا به خریزه قاج قاج با سردری مستطیل شکل درآمد.

نقاشی مذهبی و تصویر آئمه در اسلام مجاز نیست. تصویر انسان و به‌طور اعم موجودات زنده را، اسلام، بت‌پرستی می‌داند. از این رو، هیچ‌گونه تصویری در مساجد دیده نمی‌شود. در عوض تزئین دیوارها و ایوان‌ها و منبرها و محراب‌ها در حد فراوان معمول است که عبارت‌اند از: اشکال مطرز، گیاه‌ها و صور هندسی و کوبی شکل با نوشته‌های زیبا و پرنقش و نگار عربی آیات قرآن به خط کوفی، نسخ، ثلث و غیره. به تدریج از قرن ششم و به‌ویژه در قرن هشتم تزئین دیوارها، ایوان‌ها، گنبدها و رواق‌ها به وسیله روپوشی از کاشی و موزائیک آراسته شد. محراب‌ها و منبرها نیز با کنده‌کاری از چوب و گچ و مرمر مزین گردید. نام برخی از مساجد مهم عبارت است از: «مسجد الاقصی، مسجد الحرام، مسجد قبا، مسجد النبی، مسجد ایاصوفیا و مسجد گوهرشاد»^۱.

۱-۱-۲. مسجد در قرآن

در قرآن کریم کلمه مسجد در مجموع ۲۸ بار ذکر شده است. از کل آیاتی که کلمه مسجد در آنها یاد شده است، در پانزده مورد، کلمه مسجد با پسوند «الحرام» (مسجد الحرام) و پنج مرتبه فقط مسجد آمده است. یک مورد نیز مسجد با پسوند «الاقصی» (مسجد الاقصی) و یک مرتبه، مسجد با پسوند «ضرار» (مسجد ضرار) آمده و در شش مورد کلمه مسجد به صورت جمع «مساجد» وارد شده است. بیشترین آیاتی که نازل شده و موضوع مسجد در آن مطرح گردیده، به‌طور صریح درباره موضوع عام مسجد سخنی نگفته است. هر چند امکان بهره‌برداری از آنها جهت آشنایی با مسجد و شرایط آن مسدود نیست.^۲

۱. زرین چیان، غلام‌رضازرین چیان، فصلنامه کوثر، ارتباط مسجد و مدرسه، ص ۲۲.

۲. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۱۴۶.

۲-۱-۲. تعریف مسجد در قرآن

آنچه مسلم است، قرآن بحث لفظی درباره مسجد ندارد، بلکه تعریف مسجد در قرآن بر اساس برداشت از مفاهیم آیات مربوط به مسجد طرح گردیده و انتظار بحث لفظی از قرآن در تعریف مسجد انتظاری شایسته نیست:

۱- قرآن معابد قبل از اسلام را مسجد خوانده است؛ یعنی جایی که خدا در آنجا خوانده شود. قرآن در یک جا به فرزندان حضرت آدم (علیه السلام) خطاب می کند که «زینت های خود را هنگام مسجد رفتن برگزینید»^۱ و در جایی دیگر خطاب به بنی اسرائیل می گوید «داخل مساجد می شوند، چنان که اول بار داخل شدند»^۲. این آیات نشانگر آن است که مسجد محلّ عبادت و عبادتگاه است.

۲- قرآن بر پایه عرف، به مکانی که به اسم مسجد ساخته می شود، مسجد می گوید، هر چند از تمام اهداف عالیّه مسجد تهی است و حتّی نماز خواندن در آن ممنوع و حتّی تخریب آن لازم باشد؛ مانند مسجد ضرار که قرآن با همین عبارت «مسجد ضرار» از آن یاد می کند.

۳- مسجد به معنای سجده گاه، اعضای هفت گانه سجده در بدن نیز در قرآن آمده است. چنان که قرآن می فرماید: «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ به راستی که مساجد (سجده گاه ها) از آن خداست و کسی را با خدا نخوانید»^۳. بنا بر قول مشهور معنای این آیه مواضع سجده است.

۴- چهارمین تعریفی که از کلمه مسجد در قرآن به دست می آید، این است که مسجد به معنای همین مسجد معمولی و عرفی است. البتّه، قرآن کریم، گاهی به معنای مساجدی خاصّ، همچون مسجد الحرام و مسجد النبی و مسجد قبا و گاهی نیز به معنای عامّ آن، یعنی همین مساجدی که در عرف امروز معمول است، متذکر گردیده است.

۵- مسجد به معنای بیوت (خانه های) پیامبران در قرآن وارد شده است.^۴

۲-۱-۳. تعریف مسجد از نظر پیامبر

در تعریف مسجد از نظر پیامبر، نکته ای مهمّ به چشم می خورد و آن اینکه در معرفّی مساجد، ماهیّت آن را بیان داشته است نه شکل و صورت آن را. بنا بر تعریف پیامبر از مسجد، معلوم می شود که مسجد جایی است

۱. اعراف، آیه ۳۱.

۲. اسراء، آیه ۷.

۳- جن، آیه ۱۸.

۴. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۱۴۱.

و یا جایی باید باشد که شرافت حضور انبیاء را دارا باشد و اطلاق خانه بر آن صدق کند. فرهنگ پیامبر همان فرهنگ قرآنی است. پیامبر اسلام ﷺ در جای دیگری می‌فرماید: همه زمین را برای من مسجد و طهور کردند. از این کلام پیامبر دو برداشت مفید میسر است: یکی اینکه هر جا شرایطی داشته باشد که با فرهنگ قرآن و سنت مطابقت کند (به عبارت دیگر، بتواند مجلس انبیاء، روشن به نور الهی و خانه خدا باشد) آنجا مسجد است. دیگر اینکه می‌گوید، مانند یهود نصاری نباشید که فقط و فقط معابد را محلّ عبادت می‌دانند. غرض از مسجد، ملاقات با خداست، پس در هر جا این امکان فراهم شود، آنجا مسجد است. روایات بسیاری از پیامبر اسلام ﷺ رسیده که با معرفی مسجد، در واقع اهل مسجد را هم معرفی می‌کند؛ همانند «مسجد، خانه متقین است»، «انسان‌های مسجدی، مؤمن هستند» و از این دست مطالب که ضمن معرفی مسجد به اوصاف اهل آن نیز می‌پردازد.^۱

۲-۲. مسجد در قالب یک سازمان داوطلبانه مذهبی

شکل‌گیری جامعه مدنی (Civil Society) معلول پیدایش شرایطی جدید در اجتماعات بشری است؛ شاید بتوان مشخصات عمده این شرایط جدید را در دو محور زیر خلاصه کرد:

۱- با وقوع رنسانس در غرب و افزایش دانایی و توانایی بشر در حیطه‌های گوناگون، اندک‌اندک، طبقه متوسط به معنای علم جامعه‌شناسی در جوامع تبدیل به طبقه اکثریت گردید. همچنین این طبقه، فقط طبقه‌ای بود که می‌توانست بستر لازم برای پرورش هر چه بیشتر نخبگان فراهم آورد. پر حجم شدن طبقه متوسط و در پی آن افزایش شمار نخبگان در جوامع، ضرورت وجود راهکارهایی را سبب شد که بدان طریق از توانایی‌ها و دانایی‌های آنان استفاده گردد.

۲- هم‌پای تحولات پیش گفته، تغییرات شدیدی را در عرصه حاکمیت سیاسی در جوامع نیز شاهد هستیم؛ به نحوی که معنای حاکمیت، ابزارهای اعمال حاکمیت و در کل فلسفه وجود حاکمیت تغییر نمود. کم‌کم به مردمان ساکن یک کشور نه «رعیت»، بلکه «تبعه» و پس از آن، «شهروند» خطاب گردید. به همین گونه، هدف از وجود حاکمیت، از «حکم راندن بر رعیت»، به «خدمت کردن به شهروندان» و نمایندگی کردن از آنان و برآوردن آرزوهای آنان تغییر یافت.

با بروز هم‌افزایی نظام‌مند و دوطرفه این عوامل، اکنون شاهد تغییرات کلی در چهره و سیمای جوامع، با عنوان جوامع مدرن، در مقایسه با جوامع سنتی هستیم. در این حالت وجود قدرت سیاسی نه تابعی از خواست

قدرتمندان هر جامعه و هوس آنان، بلکه تابعی از برآیند کلی خواست تک تک شهروندان آن جامعه است و مدیریت نهادهای گوناگون هر جامعه نه به طریق دستوری و از بالا به پایین (Top.Bottom.Up) انجام می‌شود. در حالی که زمانی وجود سازمانی غیردولتی غیرسیاسی در جوامع امری غریب و نامأنوس می‌نمود (شکل افراطی آن را در فلسفه سیاسی کمونیسم و دولت‌های رفاه شاهدیم)، اما اکنون این سازمان‌های دولتی و سیاسی هستند که در مقایسه با سازمان‌های اقتصادی و سازمان‌های داوطلبانه غیرانتفاعی در اقلیت به‌سر می‌برند و فلسفه وجودی‌شان نیز برقراری هماهنگی کلان بین دیگر سازمان‌های موجود در جامعه است. در این گونه جوامع مدرن، که در آنها جامعه مدنی شکل یافته، بسیاری از امور جامعه توسط نهادهای مدنی برآمده از مشارکت مدیریت شده مردم انجام می‌پذیرد. قسمت اعظم این نهادها را نهادهای غیردولتی غیرانتفاعی تشکیل می‌دهند که به اختصار از آنها به عنوان NGO یا NPO یاد می‌شود.

به این ترتیب انواع سازمان‌ها در جوامع امروزی عبارت‌اند از:

- ۱- سازمان‌های دولتی انتفاعی، مثل شرکت انحصاری دخانیات؛
- ۲- سازمان‌های دولتی-غیرانتفاعی، مانند سازمان تأمین اجتماعی، جمعیت هلال احمر، وزارت خانه‌های اجتماعی و غیره؛

۳- سازمان‌های غیردولتی-انتفاعی، همانند تمامی شرکت‌های تجاری بخش خصوصی؛

۴- سازمان‌های غیردولتی-غیرانتفاعی.

فعالیت‌های سازمان‌ها یا نهادهای جامعه مدنی ممکن است در چهار گروه دسته‌بندی شود:

۱- نمایندگی منافع و علایق گروه‌های خاص در رابطه با دولت و سایر بخش‌های جامعه؛

۲- بسیج فعالان اجتماعی برای افزایش آگاهی و اعمال نفوذ؛

۳- قانون‌گذاری و نظارت بر عملکرد دولت، رفتار و اعمال مقامات؛

۴- فعالیت‌های توسعه‌ای و اجتماعی برای گروه‌هایی که نمایندگی آنها را بر عهده دارند.

سازمان‌های غیردولتی-غیرانتفاعی با حضور در میان مردم و عمل در عرصه‌های خردی که به‌طور معمول از دید دولت دور مانده است، ضمن جلب اعتماد مردم، علایق، مطالبات و نیازهای آنان را شناسایی و مثل نمایندگان مردم به دولت منعکس می‌کنند. از این رو، با ایفای چنین نقشی بر اعتماد مردم به آن سازمان‌ها افزوده و با بسیج آنها در قالب سازمان‌های غیردولتی به فرآیند تصمیم‌گیری مردم در امور خود مدد می‌رسانند. به عبارت دیگر، سازمان‌های غیردولتی-غیرانتفاعی در این حوزه سیاست‌ساز هستند و به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی دولت تأثیر می‌گذارند.

به‌طور کلی، سازمان‌های غیرانتفاعی، محصول اعتماد متقابل دولت و ملت هستند. [افزایش] دامنه

اعتماد، موجب افزایش حضور مردم در سازمان‌های واسط می‌شود و افزایش سرمایه‌های اجتماعی، جامعه مدنی را فربه‌تر و کارکرد نهادهای آن را تسهیل و تسریع می‌کند. گسترش حضور مردم در نهادهای جامعه مدنی نقش آنان را در تعیین سرنوشت خویش پررنگ‌تر و فرآیند مشارکت «توده‌ای» را به مشارکت تأثیرگذار، هدفمند، سازمان‌دهی شده و فعال تبدیل می‌کند؛ بنابراین، سازمان‌های غیرانتفاعی به سبب ایفای نقش واسط و میانجی میان دولت و مردم و نیز فعالیت در عرصه‌های نمایندگی و بسیج عمومی، قانون‌گذاری، نظارت، فعالیت‌های اجتماعی و توسعه‌ای، موجب تسهیل روند مداخله و مشارکت مردم در امور خود و تسریع روند دموکراتیک‌سازی می‌شوند. بدین گونه جامعه مدنی به عنوان حوزه غیردولتی غیرانتفاعی هویت می‌یابد و پایگاه اجتماعی دولت نیز گسترش پیدا می‌کند.^۱

انواع سازمان‌ها از نظر انگیزه اعضای آنها به نحو دیگری نیز تقسیم بندی می‌گردند:

۱. سازمان‌هایی که انگیزه افراد از شرکت در آنها مبتنی بر ترس و در کل، هنجارهای تنبیهی است؛ همانند زندان؛

۲. سازمان‌هایی که انگیزه افراد از شرکت در آنها مبتنی بر سود و کسب منفعت شخصی است؛ مانند بنگاه‌های اقتصادی؛

۳. سازمان‌هایی که انگیزه افراد از شرکت در آنها تعالی است و نفع شخصی مطرح نیست. در این سازمان‌ها افراد به صورت داوطلبانه حضور می‌یابند. سازمان‌های غیردولتی - غیرانتفاعی از این نوع به شمار می‌روند.^۲ حضور این گونه سازمان‌ها هم‌اکنون در همه عرصه‌های هر جامعه و حتی در کلیه عرصه‌های جهانی هم مشهود است. برای مثال، NGOها در فرآیند انتخابات در اکثر جوامع مدرن و مدنی نقشی بسیار اثرگذار دارند. در بعد بین‌المللی هم زمینه‌های فعالیت این سازمان‌ها بسیار گسترده و متنوع است. برای مثال، هم‌اکنون شاهد فعالیت بسیاری از NGOهای بین‌المللی در عرصه خدمات اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، حقوق بشر و غیره در افغانستان و عراق و دیگر نقاط جهان هستیم.

در نگرشی اجمالی اهداف این مؤسسات به این شرح خلاصه می‌گردد:

۱- اهداف خدماتی- آموزشی؛

۲- اهداف خدماتی- بهداشتی؛

۳- اهداف خدماتی- فرهنگی؛

۴- اهداف خدماتی- اجتماعی؛

۱. عابسی، ۱۳۸۲، ه.ش.

۲. هسلین و دیگران، ۱۳۷۸، ه.ش.

۵- اهداف با توجه به گروه‌های ویژه، همانند کودکان، زنان، عقب‌افتادگان، بیماران خاص مانند ایدز و سرطان، تراکم جمعیت، گرسنگی، حقوق بشر و غیره.^۱

افزون بر اهداف فوق، اهداف خدماتی- مذهبی را همچون کلیساها، مساجد و هیئت‌های مذهبی را باید افزود.

۳-۲. تأثیر اسلام بر حیات مدنی مسلمانان

جوامعی که هم‌اکنون به صورت جوامع مدرن یا جوامع مدنی از آنها یاد می‌شود، حداکثر ظرف دو دهه اخیر به این دستاورد بشری دست یافته‌اند و انباشت تمام تجربیات تاریخی آنان هم‌اکنون ثمر داده است؛ اما اسلام به عنوان دینی مترقی و خاتم ادیان الهی، که برای رهنمون کردن بشر به سعادت ابدی و جاودان نازل شده است، از همان ابتدا هیچ‌گاه سعادت ابدی و اخروی انسان را از سعادت دنیوی و مادی وی تفکیک نکرده است. این دین کامل، از آنجا که عقیده دارد که دنیا، مزرعه آخرت است با ظهور خویش بذر مدنیت و تکامل دنیوی را نیز در جامعه بشری پراکند تا اعضای هر جامعه‌ای متناسب با ظرفیت و استعدادها و تجربیات بشری و سطح ادراک خود، این بذر را پروراند. دستورات این دین الهی در قالب کتاب آسمانی و جاوید آن «قرآن» و راهنمایی‌های پیشوایان این دین در عرصه امور دنیوی نیز بستری مناسب برای رشد و تکامل بشر برقرار کرد. در ۱۴۰۰ سال قبل که مدنیت در شبه‌جزیره عربستان به اندازه‌ای نبود که اقتضای ایجاد نهادهای مدنی کنونی را نماید، دین اسلام و پیامبر آن، حضرت محمد ﷺ با تأکیدی چشم‌گیر بر ارزش تجمع و تأسیس نهادی به نام مسجد، این نیاز بشری را به بشر آن روزگار شناساندند.

برای مثال، از جمله پدیده‌های اجتماعی که در اسلام بدان بسیار اهمیت داده شده است و اثری بسیار عمیق بر حیات بشری جوامع مسلمان داشته است، پدیده وقف است.

«از جمله پیامدهای مهم و وسعت وقف و کثرت موقوفات، پی‌افکنندن نهادهای تمدنی و مدنی بود. گرچه جامعه ما [جامعه ایرانی] به لحاظ سیاسی و فرهنگی به‌طور مطلق فاقد عامل شهروندی بود؛ اما در جهت نهادهای تمدنی دیگر، گام‌های بلندی برداشته شده بود. در زمانی که سراسر دنیای غرب در سلطه خشن و قرون وسطایی کلیسا بود و مظاهر تمدن و سازمان‌های اجتماعی امروز و نهادهایی مانند شهرداری، مراکز بهداشتی و سازمان‌های فرهنگی و غیره برای تخصیص خدمات عمومی، نه در غرب و نه در سایر نقاط جهان وجود داشت، موقوفات و سازمان‌های اداره‌کننده آن، به عنوان یک سازمان اجتماعی وسیع

چنین خدماتی را... عرضه می کردند... در کلیه شهرهای بزرگ و کوچک و روستاها و دهات دور افتاده، هزاران مدرسه، بیمارستان، تیمارستان، حمام عمومی، کاروان سرا، قنات، مسجد و حسینیه و غیره که از محل سرمایه عظیم موقوفات فراهم شده و یا اداره می شود، در اختیار مردم قرار می گرفت... هزاران پزشک، دانشمند و شاعر و فیلسوف به یمن این موقوفات برخاسته اند؛ کاری که اگر دولت می خواست انجام دهد، از عهده دولت خارج بود»^۱.

همچنین خداوند متعال در قرآن کریم در اکثر مواردی که اراده بر بیان همراهی و یاری خویش دارد، گروه مؤمنان، گروه صابران، گروه متقین و جز آن را شایسته همراهی خویش می داند. آنجاهائی که می فرماید:

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ»^۲.

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ»^۳.

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ»^۴.

«إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ»^۵.

حتی در بسیاری از آیات، آنانی را که اهل فلاح و رستگاری می داند، با ضمیر جمع معرفی می کند «... أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»^۶.

خطاب بسیاری از سخنان الهی در قرآن کریم به جماعت مردم «یا ایها الناس..» و یا جماعت مؤمنان «یا ایها الذین آمنوا...» است.

در اسلام حتی بسیاری از امور عبادی و از جمله مهم ترین آنها «نماز» در صورت برگزار شدن به صورت اجتماعی است که ارزش اصلی خود را خواهد داشت. حتی در سیره پیامبر، در اقامه نماز اصل بر جماعت است و اقامه نماز فرادا، استثناست.

«پیامبر گرامی اسلام، بادیه نشینان عربی را که اسلام می آوردند، از بازگشت به بادیه ها نهی می نمودند و آنان را الزام به سکونت دائمی در محلی می نمودند»^۷.

پیامبر اسلام و ائمه هدی (علیهم السلام) نیز با عنایت به همین اصول ارزشمند اسلام، دست به تأسیس مسجد

۱. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۲۳۵.

۲. بقره، آیه ۱۹۴؛ توبه، آیه ۳۶ و ۱۲۳.

۳. بقره، آیه ۱۵۳؛ انفال، آیه ۴۶.

۴. انفال، آیه ۱۹.

۵. نحل، آیه ۱۲۸.

۶. بقره، آیه ۵.

۷. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۲۳۵.

زندند و در آن روزگار به اقتضای شرایط زمان و مکان، آن را محلّ اجرای بسیاری از امور اجتماعی علاوه بر امور عبادی نمودند.

«انواع فعالیت‌های مربوط به آموزش، امور قضایی، مشاوره، حلّ اختلاف، مراسم و جشن‌ها، ارتباطات عمومی، حرکت سیاسی، پر کردن اوقات فراغت، خدمات اجتماعی و رفاهی، تعاون، امور دفاعی و مانند آنها در طول دوران‌های گوناگون جوامع اسلامی در چارچوب مساجد انجام می‌شده‌اند»^۱.
«مسلمانان برای بسط مدنیت جدید به تأسیس مساجد اقدام می‌کردند و از این طریق توده مسلمان را در یک چارچوب تازه سازمان می‌دادند»^۲.

«مسجد مکانی برای عبادت، پایگاهی برای جهاد، مرکزی برای اجتماع مسلمانان، مدرسه‌ای برای تعلیم و تعلّم اسلامی [و در کل] عرصه‌ای برای ورود مسلمانان به حیاتی مدنی است»^۳.

۴-۲. اهمیت و نقش مسجد از دیدگاه اسلام

نکته حائز اهمیتی که در این میان، شایان ذکر این است که دین اسلام هیچ‌گاه (نه در آیات قرآن کریم و نه در احادیث نبوی و روایات معتبر) برای مساجد خطمشی تعیین ننموده است، بلکه فقط به تعیین اصولی کلی در باب فعالیت‌های قابل اجرا در مساجد بسنده نموده‌اند. در این حالت هر مسجدی که این اصول را رعایت نماید در اجرای هر فعالیت و ایفای هر کار کردی، اختیار کامل دارد و تعیین خطمشی بر عهده خود مؤمنان گردآمده در مسجد است. با رعایت این اصول هر گونه فعالیتی که در مساجد صورت پذیرد، عبادت محسوب می‌گردد.

اهمّ این اصول در منابع اسلامی شامل قرآن کریم و احادیث نبوی و روایات به دست آمده از ائمّه هدی را می‌توان شامل موارد زیر دانست:

- ۱- تأسیس مسجد بر اساس تقوا نه خودنمائی و تظاهر؛
- ۲- تأسیس مسجد بر پایه خشنودی خداوندی و همراه با کمال خلوص در نیت؛
- ۳- مسجد، محلّی باشد که مؤمنان، دل و جان خویش را در آن تطهیر کنند. اگر مسجدی برای مؤمنان شرایطی را فراهم نسازد که به پالایش روح و رفتار خویش بپردازند، شایستگی لازم را نزد خدا ندارد؛
- ۴- در آن بسیار یاد خدا شود. مسجدی که با ورود به آن، انسان نتواند از اشتغالات غیر خدایی ذهنش بکاهد، مسجد شایسته‌ای نیست؛

۱. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدید، ص ۲۴۱.

۲. همان، ص ۱۰۷.

۳. همان، ص ۲۴۲.

۵- مایه آزار و زیان نباشد. مسجدی که مسلمانان را از اصلاح دور نگهدارد و موجب تفرقه گردد و مسلمانان را از حقوق معنوی شان محروم گرداند، مسجدی شایسته نیست؛

۶- اگر مسجدی عامل پوشاندن حقایق از مسلمانان گردد و مانع از درک و فهم آنان از حقایق دین و مصالح مسلمانان شود، در زمره مساجدی است که نزد خدا محبوبیتی ندارد؛ بنابراین، مسجد اگر در انحصار گروهی از مسلمانان قرار گیرد و وسیله تحمیق مردم گردد، عمل کفرآمیز در آن صورت گرفته است؛

۷- اوصاف یاد شده اکتسابی اند و بخشی از این اوصاف به آبادکنندگان مساجد مرتبط است که باید دو صفت ایمان به خدا و ایمان به آخرت دارا باشند.^۱

با این تفاسیر، می‌توانیم دریابیم که طبق نگرش توحیدی، به هر مکانی که فعالیت‌های صورت گرفته در آن، این اصول را نقض نکند، اطلاق «مسجد» جایز است. این استنباط مطابق با اصل «وحدت وجود» در فلسفه اسلامی نیز هست. با این نگرش، «مسجد» نه یک کالبد فیزیکی، که یک تفکر، نگرش، فرهنگ و جهان بینی است که باید آن را در افراد بشر جست‌وجو کرد. در هر مکان که افرادی با این فرهنگ مستقر باشند، آنجا «مسجد» تحقق یافته است. به عبارتی دیگر، این نوع افراد «مسجد» هستند. به همین سبب خداوند در قرآن کریم تأکید فراوانی بر بنیان مسجد دارد و برای آنان داشتن ایمان به مبدأ و معاد و همچنین خلوص در نیت و تقوا را لازم می‌داند.

قرآن کریم در آیاتی متعدّد بر عمران و آبادانی مساجد تأکید کرده است و آبادکنندگان مساجد را ایمان آورندگان به خدا و قیامت معرفی می‌کند.^۲ خداوند متعال در سوره مبارکه اعراف، آیه ۳۱ می‌فرماید:

«يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را هنگام رفتن به مسجد با خود داشته باشید».

و در آیات متعدّد دیگری نیز کسانی را که به نحوی در امر مساجد کارشکنی می‌کنند و در جلوگیری از یاد خدا در مساجد و خرابی آن سعی می‌نمایند، ظالم‌ترین مردم معرفی می‌کند.^۳

از سوی دیگر، در احادیث و روایات بسیاری بر پرهیز از تجمل در مساجد تأکید فراوان شده است؛ به نحوی که مساجد دارای تجمل و زرق و برق فراوان را (از آنجا که مانع اشتغال مؤمنان به یاد خدا می‌گردند) از نشانه‌های آخر الزمان به حساب آورده‌اند. پیامبر در این باره می‌فرماید: «ای سلمان در آخر الزمان مساجد مانند کلیساها آذین‌بندی می‌شوند و قرآن‌ها را زینت کنند و مناره‌ها بلند می‌گردد و صف نمازگزاران فراوان

۱. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۱۴۹.

۲. توبه، آیه ۱۸.

۳. بقره، آیه ۱۱۴.

می‌شود که با دل‌های پر از کینه و زبان‌های چندگونه گرد آیند.^۱ با تفکر در آیات و روایات بالا می‌توان به عمق دیدگاه انسان‌گرایانه اسلام پی برد. به نظر می‌رسد مراد خداوند در قرآن از آبادانی مساجد، نه «آبادانی ظاهری» بلکه «آبادانی معنوی» است. اگر کلمه «زینت» را در آیه «خُدُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ»^۲ را فقط زینت‌های ظاهری ندانیم، بلکه توانایی‌ها، قابلیت‌ها، استعدادها و هنرها و در بعدی دیگر نیازهای متعالی انسان را نیز جزئی از زینت وی به حساب آوریم، می‌توانیم استنباط کنیم که مراد قرآن از مساجد آباد، مساجدی است که محل رفت‌وآمد مؤمنان است و انسان‌هایی توانا و دانا هستند و از این توانایی و دانایی خویش در راه نیل به قرب خداوند، حول محور مسجد استفاده نمایند و دیگر برادران و خواهران دینی خویش را بهره‌مند سازند؛ به گونه‌ای که مساجد بدون حضور چنین مؤمنانی مساجدی خراب و غیرمطلوب به حساب می‌آیند. به عبارتی دیگر، مساجد چون ظرفی هستند که با رعایت اصول ذکر شده در منابع اسلامی، مؤمنان مختارند تا به تناسب نیازها و همچنین توانایی‌ها و استعدادهای خویش «زینت» از آن استفاده کنند.

این نظر از آنجا تقویت می‌گردد که «در تاریخ صدر اسلام، مسجد، انحصار به هیچ دسته و گروه خاصی نداشت و حتی ملحدان در کمال آزادی و امنیت در آنجا حضور می‌یافتند و به مناظره می‌پرداختند».^۳ با توجه به مطالب پیش گفته و همچنین نقش و کارکردهای مساجد در طول تاریخچه روشنی در می‌یابیم که مساجد در دوره‌های رونق خویش، همانند یک سازمان غیردولتی و غیرانتفاعی به ایفای نقش در جامعه اسلامی پرداخته‌اند.

۵-۲. کارکردهای مساجد در طول تاریخ

منظور جامعه‌شناسان از مفهوم کارکرد (Function) در اصطلاح کارکردگرایی (Functionalism)، اثری است که پدیده‌های اجتماعی از خود بر جای می‌گذارد. کارکردگرایان معتقدند که این آثار، نتیجه و دستاورد ساخت‌های اجتماعی‌اند.

«فونکسیونالسم، کارکردها را به ساختارها نسبت می‌دهد؛ زیرا معتقد است که نظم و ترتیب‌های اجتماعی که جامعه‌شناسان، ساخت می‌دانند، دارای اثرهای به سامانی هستند که ناشی از شیوه خاص سازمان یافتن این ساخت‌هاست».^۴

۱. تحف العقول، ص ۴۷.

۲. اعراف، آیه ۳۱.

۳. باقی‌و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۱۶.

۴. ویلیام اسکید مور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ص ۱۴۲.

همین واژه در ادبیات علم مدیریت نیز استفاده می‌شود. واژه «Function» در ادبیات علم مدیریت معنای بسیار محدودتری در قیاس با علم جامعه‌شناسی دارد که علمای مدیریت آن را مترادف «فعالیت» یا حتی «وظیفه» برای هر بخش سازمانی دانسته‌اند.

اگر بخواهیم در ادبیات علم مدیریت اصطلاحی هم‌ارز با واژه «Function» در علوم اجتماعی بیابیم، شاید مناسب‌ترین اصطلاح، واژه «Mission» ترجمه شده به رسالت باشد.

هر چند کارکرد ابتدایی و اصلی مسجد، کارکرد نیایشی آن بوده است و از مساجد به صورت محلی برای برگزاری آیین‌ها و عبادات جمعی استفاده می‌شده است؛ اما به هیچ وجه این کارکرد، یگانه کارکرد مساجد نبوده است. بنا بر پیش گفته، اسلام اهمیت فراوانی برای اجتماع مؤمنان قائل است. یکی از دلایلی که فقط امور عبادی صرف در مساجد انجام نمی‌شده، تعریف اسلام از عبادت است. اسلام هر عملی را که به قصد قربت به خداوند متعال انجام گیرد، عبادت بر می‌شمارد. با این پیش زمینه و همچنین به تأسی از سیره و سنت نبوی مساجد توانسته‌اند در زمینه‌های بسیاری در جوامع اسلامی نقش ایفا نمایند و خلاء وجودی بسیاری از نهادها را پر نمایند.

۱-۵-۲. کارکرد نیایشی

خداوند هدف خلقت انسان را عبادت می‌داند و بهترین مکان برای این کار، مسجد است. از جمله «ان یذکر اسمه» در آیه کریمه قرآنی «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ...». استفاده می‌شود که مساجد محل عبادت و پرستش الهی است.

آری، مسجد شریف‌ترین مکان برای خضوع و سجده بر درگاه الهی و از خود گذشتن و به خدا رسیدن است و نماز از جمله عباداتی است که در مسجد انجام می‌گیرد و گزاردن نماز در آن در مقایسه با مکان‌های دیگر ثواب بسیار بیشتری دارد. به یقین، اگر نماز به جماعت برگزار شود ثواب آن به مراتب بیشتر هم خواهد بود.

از جمله عبادات در مسجد، نماز بزرگ جمعه است که کار عبادی، سیاسی مسلمانان است. از این رو، هر هفته در شهرهای مهم کشور جمع می‌شوند، هم خدا را می‌پرستند و هم در برابر دشمنان دینی آمادگی خود را اعلام می‌دارند. نماز در مسجد آن قدر ارزش دارد که حتی انتظار در مسجد برای برپایی نماز، خود عبادت است و رسول خدا ﷺ در این باره می‌فرماید: «نشستن در مسجد در انتظار نماز، عبادات است، مادامی که حدیثی از او سر نزنند، عده‌ای پرسیدند: ای رسول خدا حدث چیست؟ فرمود: غیبت کردن». از دیگر عباداتی

۱. بقره، آیه ۱۱۴.

۲. بحارالانوار، ج ۸۳، ص ۳۸۴.

که در مسجد انجام می‌گیرد دعا و مناجات است. از این رو، به خصوص بعد از انقلاب اسلامی، خواندن ادعیه‌ای چون کمیل، توسل، ندبه و نظایر آن رونق بیشتری یافته است. چه اینکه در روایت آمده است، دعای دسته‌جمعی به اجابت مقرون است.

«اعتکاف نیز عبادتی است که در مسجد انجام می‌گیرد. اعتکاف، یعنی اقامت در مسجد به قصد اجرای اعمال مخصوص با شرایط و آداب ویژه که تزکیه و تصفیه روح از همه معاصی را در پی دارد»^۱.

«مراسم دیگری مثل خطبه‌های اخلاقی و دینی، عزاداری امام حسین، ختم اموات و انواع جلسات ذکر و قرائت قرآن که به‌طور معمول در مساجد انجام می‌شوند، به واسطه محتوا با ماهیت [نیایشی] مسجد، سنخیت پیدا کرده»^۲ و در مساجد برگزار گردیده‌اند.

۲-۵-۲. کارکردهای آموزشی

بعد از کارکرد نیایشی، قوی‌ترین کارکرد مساجد در طول تاریخ، کارکرد آموزشی آنهاست. این کارکرد، به‌ویژه در دوران قبل از پیدایی نهادهای مدرن بسیار پررنگ شده است، به‌گونه‌ای که در اکثر جوامع مسلمان مجموعه تعلیم و تربیت حول محور مساجد شکل گرفته بود.

در روایتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «هر نشستی در مسجد بیهوده است، مگر اینکه برای سه کار باشد: خواندن قرآن، ذکر خدا، سؤال از علم و دانش»^۳. اما در تاریخ نیز می‌خوانیم که پیامبر در مسجد خویش آیه‌های قرآن، احکام و معارف دینی و حتی مسائل تاریخی را به مردم آموزش می‌داد. جلسات آموزش نیز با نبود آن حضرت ادامه می‌یافت؛ زیرا استاد و مدرّس کلاس‌های آموزشی مسجدالنبی، فقط پیامبر نبود. افراد دیگری نیز که از صلاحیت‌های علمی لازم برخوردار بودند، اداره این جلسات را بر عهده داشتند: عبدالله بن رواحه که شخصیتی علمی بود جلسات مربوط به توحید و معاد و مسائل اعتقادی را اداره می‌کرد.

جایگاه جلسات علمی و آموزشی در مسجد از نگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مراتب والاتر و ارجمندتر از جلسات دعا است؛ چنان که در روایت است که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مسجد وارد شدند. در مسجد، دو مجلس جداگانه برپا بود. گروهی در حال یاد دادن و فراگرفتن دانش بودند و جمعی نیز به دعا و راز و نیاز با خداوند مشغول بودند. پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: هر دو گروه به سوی نیکی گام بر می‌دارند؛ دسته‌ای خدا را می‌خوانند و گروهی نیز آموزش می‌بینند و نادانان را تعلیم می‌دهند؛ ولی این گروه (تعلیم و تعلّم) کار برتری انجام

۱. باقی‌دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۷۲.

۲. همان، ص ۲۴۲.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۸۶.

می‌دهد. من نیز به منظور آموزش دادن مردم مبعوث شده‌ام. آنگاه پیامبر ﷺ در میان گروهی که سرگرم آموزش بودند، نشست.^۱

«تا آغاز قرن چهارم اسلامی، اغلب مساجد در غیر اوقات نماز حکم مدارس را داشت و بعدها مراکز آموزشی، صورت خاصی به خود گرفت. بسیاری از بزرگان علم و دانش دانش‌آموختگان حلقه درس کلاس‌هایی بودند که در مساجد برگزار می‌شد. حتی بعدها که مراکز تحصیلی از مساجد به مدارس منتقل شد، مدارس در جنب مساجد ساخته می‌شد و از این طریق پیوند ناگسستنی دین و علم به نمایش گزارده می‌شد. آری، مسجد همواره آموزشگاه مبانی دینی و معارف اسلامی بوده است. از این رو، مسجدی که امروز نقش مؤثر خود را در زمینه‌های فرهنگی، آموزشی ایفا نکند در حقیقت از ادای بخش مهمی از رسالت خود بازمانده است».^۲

«مساجد از حیث آموزشی سه شکل به‌طور کامل متمایز از یکدیگر اتخاذ کردند. شکل نخست، آن بود که بسیاری از مساجد با محدود کردن دایره آموزشی خویش به آموزش عمومی و ابتدایی در حد قرائت قرآن اکتفا کنند. شیوه‌های آموزشی در این مکتب‌ها به‌طور کامل سنتی است... شکل دوم، مدرن است؛ به این معنا که محلی در مسجد به عنوان کتابخانه در نظر گرفته می‌شود. جوانان و نوجوانان و کودکان مسلمان به شکل گروهی از آموزش‌های ابتدایی (که از قرآن آغاز شده و به حدیث، اعتقادات و احکام می‌رسد) برخوردار می‌شوند. در این شکل... مسجد کلاس‌هایی با صندلی و تخته سیاه دارد و حتی از ابزارهای نوین سمعی-بصری برای آموزش در آنها استفاده می‌شود. شکل سوم، ارتقا مسجد تا حد دانشگاه است. برخی از مساجد در جهان اسلام تعلیم و تربیت بدنی در سطوح عالی را نیز برعهده گرفته‌اند. در سال ۱۹۶۱ م مسجدالازهر در قاهره به دانشگاهی اسلامی تبدیل شد که همانند دانشگاه‌های جدید، دانشکده‌های بسیاری دارد و از حیث دانشکده‌های فقه و کلام اسلامی شهرت دارد».^۳

از دل چنین تلاش‌هایی علوم بسیاری منبعث از منابع اسلام سرچشمه گرفت. علمی چون فقه، اصول، کلام و فلسفه اسلامی و غیره نقطه عطف در ایفای نقش آموزشی مساجد در طول تاریخ، دوران زندگانی دو امام شیعیان، یعنی امام محمد باقر و امام جعفر صادق (علیهما السلام) است. این دو امام با اغتنام فرصت به دست آمده در کشاکش تحولات سیاسی بین امویان و عباسیان، دست به پرورش شاگردان بسیاری در علوم گوناگون زدند که پایگاه عرضه این آموزش مساجد بودند. در تاریخ، شمار شاگردان امام صادق (علیه السلام) حتی تا عدد چهار هزار نفر ذکر گردیده است. این دو امام بزرگوار پدیدآورنده طبقه‌ای جدید به نام طبقه علمای اسلام هستند.

۱. بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۰۶.

۲. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۷۳.

۳. همان، ص ۲۶۵.

مساجد از رهگذر کارکرد آموزشی خویش سهمی بسیار مهم در فرهنگ و تمدن اسلامی ایفا کردند. «چون مسلمانان مسجد را محیط آموزشی ساخته بودند، به تبع آن، کتابخانه‌هایی در آن به وجود آمد. اگرچه اکثر کتابخانه‌های مساجد معمولی بودند، ولی بعضی از مساجد بزرگ مجموعه‌هایی کامل از کتاب‌هایی داشتند که در امپراتوری اسلام شهرت فراوانی کسب کردند. دانشمندان و دانشجویان نه فقط آزادانه از این کتابخانه‌ها استفاده می‌کردند، بلکه برای آنها سخاوتمندانه غذا، مسکن، وسایل نگارش و دیگر خدمات نیز فراهم می‌شد... گفته می‌شود که دیوان و کتاب‌های شعر هشتاد طایفه در مسجد کوفه نگهداری می‌شد... البته در میان شیعیان به سبب آنکه امامان شیعه، به ویژه امام صادق (علیه السلام) به علوم گوناگون احاطه داشتند، کتاب‌نویسی و کتاب‌خوانی به رشته‌های گوناگون علوم قرآنی، علوم اجتماعی و فلسفی، علوم طبیعی کشیده شد. در سلسله عباسیان نهضت ترجمه آثار یونانی به عربی به راه افتاد و ائمه شیعه نیز در جلوگیری از القائات سوء و افکار باطل ترجمه شده به عرضه افکار مترقی و عالی می‌پرداختند»^۱.

با غنی‌تر شدن علوم اسلامی و تخصصی شدن آنها، آموزش تخصصی علوم اسلامی در اغلب موارد به مدارس ساخته شده در جنب مساجد منتقل شد.

در دوران معاصر «با شکل‌گیری دولت و ملت‌های جدید در جوامع اسلامی یا تحوّل در ساختار حکومتی ملت‌های کهن، حکومت‌ها به تأسیس نهادهای آموزشی جدید پرداختند. این امر خود به خود بر آموزش در مدارس و مساجد تأثیر گذارد. دو واقعیت نیز در این میان خودنمایی کرد: توسعه اقتصادی (البته نیاز به نیروهای متخصصی که آموزش سنتی نمی‌توانست چنین محصولاتی داشته باشد) و تحولات اجتماعی ناشی از تماس با غرب (ظهور نقش‌های جدید که آموزش‌های تازه‌ای می‌طلبید). در این نظام آموزشی جدید، حتی آموزش‌های دینی تا حدّ تعلیمات دانشگاه پیش‌بینی شد تا مجموعه آموزش‌های سنتی ناکار کرد شوند. عاملی که باعث تداوم آموزش سنتی می‌شد آن بود که تبلیغ و دعوت دینی به نیروهای آموزش دیده‌ای نیاز داشت که نهادهایی مثل وقف یا تمهیداتی مثل خمس هزینه‌های آن را تأمین می‌کرد و مستقل از دولت بودند»^۲.

۳-۵-۲. کارکرد اجتماعی

با مراجعه به تاریخ صدر اسلام درمی‌یابیم از جمله کارهایی که در مسجد انجام می‌گرفت، این بود که مردم در این مکان جمع می‌شدند و مشکلات اجتماعی را بررسی می‌کردند و به رفع آن اهتمام می‌ورزیدند

۱. سبّاعی مکی، محمّد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۶.

۲. باقی‌و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدّد، ص ۲۶۴.

و همچنین درباره مصالح اسلام و مسلمانان به شور و مشورت می پرداختند. نتیجه می شود که امروز هم مسجد، باید خانه آشنایی با دردها و مشکلات اجتماعی و چاره اندیشی برای رفع آنها باشد.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در گفتاری این نقش مسجد را مورد تأکید قرار داده و فرمودند: «این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مرکز جنگ ها و سیاست ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بود. این طور نبوده است که در مسجد پیغمبر، همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد؛ مسائل سیاسی اش بیشتر بوده است. اسلام می خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان و برای مصالح مسلمانان در آنجا فعالیت کنند»^۱. از آنجا که طبق آموزه های اسلامی هر عملی که به قصد قربت و در راه خدا انجام گیرد، عبادت محسوب می شود، «انواع فعالیت های دیگر می توانند توجیه دینی پیدا کنند و به قلمرو مسجد راه یابند. این امر، به ویژه هنگامی رواج پیدا می کند که نهادهای دیگر جامعه کار کردهای خود را به درستی انجام ندهند یا اینکه در اصل، نهادهایی برای بر عهده گرفتن آن گونه خدمات و کار کردها در جامعه نباشد». در این حال، بسیاری از امور عمومی مردم در مسجد رتق و فتق می شوند.

در صورتی که در مساجد فعالیت های اجتماعی چشم گیری رخ دهد و این کارکرد در مقابل کارکرد نیایشی مسجد از حضور پررنگ تری برخوردار باشد، پیامدهای خاصی را در پی دارد که بعضی ها با کارکرد نیایشی در تعارض قرار می گیرد.

«در جوامعی که کارکردهای اجتماعی مساجد غلبه پیدا می کنند یا کارکردهای اجتماعی هم عرض با کارکرد نیایشی جلوه گر است، مسجد مرکزیت بیشتری پیدا می کند و در مناطق مسکونی، در مرکز منطقه واقع می شود یا اگر تعداد مساجد چشم گیر باشد، آن دسته از آنها که پوشش بیشتری به مناطق مسکونی می دهند، کارکرد اجتماعی بیشتری پیدا می کنند. این مساجد به مراکز اداری یا حکومتی نزدیک ترند، در دل بازارها جای دارند، به مجالس قانون گذاری نزدیک اند یا مراجعه کنندگان به آنها افراد دانشگاهی و دیگر نخبگان هستند. به این ترتیب است که این گونه مساجد بر اساس کارکردهای خاص و مخاطبان خاص تمایز پیدا می کنند. حتی ساخت سلسله مراتبی جامعه در ترتیبات فضایی آنها مؤثر واقع می شود... این مساجد به نحو مشارکتی اداره می شوند و انواع فعالیت های آنها بر اساس همکاری افرادی که ارتباط بیشتری با مسجد دارند، سازمان داده می شود. تأسیس این گونه مساجد به بودجه های چشم گیری نیاز دارد که بر اساس مشارکت افرادی از طبقات خاص، بودجه ها و میزان خدمات مسجد تفاوت پیدا می کند. مراسم و آیین ها در

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۶۷.

۲. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۲۴۳.

این گونه مساجد یک طرح و زمان بندی خاص پیدا می کنند و افرادی نیز به خدمت دائمی آن در می آیند.^۱ همانند دیگر کارکردهای مساجد، پدیده ای که این کارکرد را نیز به چالش کشیده است، بروز مدرنیته و فرآیند نوسازی است. «جهت فرآیند نوسازی بدان سمت است که بخشی عمده از کارکردهای اجتماعی مسجد را به نهادهای عرفی تحویل کند و مسجد فقط کارکرد نیایشی داشته باشد. این امر، البته از مخالفت بنیادی نوسازی و تجدّد با دین ناشی نمی شود، بلکه در اصل، نوسازی در جهت راه اندازی نهادهای تخصصی برای پاسخ دادن مداوم و بهینه به نیازهای مردم است. بسیاری از کارکردهای اجتماعی مسجد در دنیای امروز به نهادهایی که جامعه چاره ای جز ایجاد، تقویت و گسترش آنها ندارد، تحویل نشده اند و از این جهت حتی اگر مساجد بخواهند نقش اجتماعی مستقیم داشته باشند، مجبور به محدود کردن این نقش ها هستند. در مرحله بعدی، مسجد خود را باید به صورت یکی از نهادهای عرضه کننده آن خدمات و کارکردها (و نه فقط عرضه کننده آنها) معرفی کنند و همچنین در محدوده همان کارکردها می باید به نحوی تخصصی به موضوعات (حتی و عطا و خطابه) بپردازند تا بتوانند در کنار رقبای جدی به رقابت بپردازند. به عنوان نمونه، انواع فعالیت های فرهنگی (در حوزه هایی مثل سینما، تئاتر، موسیقی، هنرهای نمایشی، هنرهای تجسمی و غیره) در انواع نهادهای عرفی (دولتی، عمومی و خصوصی) در حال اجراست... اگر به عنوان مثال، مساجد بخواهند به امور فقرا و در ماندگان رسیدگی کنند، متوجه خواهند شد که فقط یکی از نهادهای خدمات دهنده خواهند بود و با تخصصی شدن و رقابت و همکاری با دیگر نهادها می توانند در این عرصه باقی بمانند».^۲

۴-۵-۲. کارکرد سیاسی

نقش سیاسی مساجد در طول تاریخ جوامع اسلامی (جز مقطع صدر اسلام) بیشتر به صورت غیر مستقیم بوده است. این کارکرد در قرون جدید و با پیشگامی اصلاح گرایان در جوامع اسلامی پررنگ تر شد. اصلاح گرایانی چون سید جمال الدین اسدآبادی، حسن البنا، محمد عبده، علامه اقبال لاهوری و دکتر شریعتی از مساجد به عنوان پایگاهی برای آغاز جنبش های سیاسی اصلاحی در قرون اخیر استفاده کرده اند. «این رفتارها در ابتدا در چارچوب دعوت و تعاون اسلامی آغاز می شده است (جلسات تفسیر قرآن، بیان احکام اسلام، بزرگداشت اولیای دین، ذکر وقایع تاریخی مربوط به دین، ذکر مشکلات و مصائب مسلمانان در اقصی نقاط عالم و جز آن)، ولی به سبب فقدان مجراهای سیاسی برای ظهور دغدغه ها و تمایلات دینی، خود مسجد به نوعی پایگاه سیاسی تبدیل می شده است».^۳

۱. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدّد، ص ۲۴۳.

۲. همان، ص ۲۴۸.

۳. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدّد، ص ۱۰۰.

باید توجه داشت که مسجد در جوامع اسلامی با توجه به آموزه‌های دینی چشم‌گیر، همچون حدیث: «مَنْ أَصْبَحَ وَلَمْ يَهْتُمْ بِأَمْرِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَمَنْ سَمِعَ رَجُلًا يُنَادِي يَا لِمُسْلِمِينَ فَلَمْ يُجِبْهُ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»،^۱ ظرفیت بروز رفتارهای سیاسی را در مقایسه با نهادهای دینی در ادیان دیگر به درجات بسیار برتری دارد.

از نظر تاریخی نیز شاهدیم که «پیامبر اسلام نخستین مسجد را در مدینه نزدیک به خانه خویش ساخت و آن را مرکزی برای اداره امور سیاسی و مباحث و جدال‌ها قرارداد... همچنین در تاریخ اسلام، مسجد محلی برای خشونت‌های سیاسی (مثل قتل دو خلیفه صدر اسلام) بوده است».^۲

«با گسترده‌تر شدن قلمرو فعالیت دولت در دوران معاصر از سویی، و پیدا نشدن نهادها و مجراهای به رسمیت شناخته شده، برای اجرای فعالیت‌های سیاسی از سوی دیگر، فعالیت‌های سنتی مساجد، چون تعلیم و تربیت اسلامی، دعوت اسلامی، اصلاح اجتماعی و تعاون اجتماعی نیز اکنون سیاسی شمرده می‌شوند. حکومت‌ها در برخورد با این فعالیت‌ها تلاش دارند تا آنجا که این فعالیت‌ها سعی در ایجاد اختلال در فعالیت‌های دولتی ندارند و به خصوص نهاد حاکمیت را دچار چالش مشروعیت نمی‌کنند، از درمناشات وارد گردند».^۳ اما تزریق سیاست به مساجد، این مراکز را به چهار شکل ممکن درآورده است:

۱- مرکز حزبی؛

۲- دار التّدوّه (محلّ مشورت)؛

۳- پارلمان محله؛

۴- خانه شهروند.

از چهار شکل مطرح شده، مساجد در طول تاریخ جهان اسلام و نیز در دوران معاصر کمتر از همه به صورت مراکز حزبی درآمده‌اند. علت این امر وجود اصل فراگیری و انحصاری نبودن فعالیت در مساجد است. با این وجود، همیشه تلاش‌هایی صورت می‌گرفته است تا از پایگاه مسجد حداقل به عنوان تریبون تبلیغات سیاسی انحصاری استفاده گردد. تازه‌ترین نمونه این تلاش‌ها را در حرکتهای یک جناح خاص سیاسی برای استفاده از تریبون مساجد شاهد بودیم، اما این تلاش‌ها همیشه به علت اینکه هیچ‌گاه یک تفکر سیاسی خاص بر تمام جامعه حاکم نمی‌گردد (مگر در اشکال افراطی کاریزمایی) و خاصیت مردمی

۱. هرکس صبح کند و به امور مسلمانان همت نرزد، از آنان نیست و هرکس فریاد کمک‌خواهی کسی را بشنود و به کمکش نشتابد، مسلمان نیست؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۴، ح ۵.

۲. روزنامه شرق، گزارش آبادگران در مسجد، ۱۳۸۱/۱/۲۷ ش.

۳. باقی و دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدد، ص ۱۰۰.

بودن مساجد، ناکام می‌شوند.^۱

همچنین، غیر از صدر اسلام به علت شکل‌گیری دارالاماره‌ها، مساجد کمتر مرکز تشکیل شوراهای مسلمانان در امور عمومی خویش بوده‌اند؛ چرا که در کل، حکومت‌ها در جوامع مسلمان به صورت استبدادی بوده‌اند و مشارکت سیاسی توده‌ها را بر نمی‌تافته‌اند؛ اما دو شکل دیگر، یعنی خانه‌شهروند یا پارلمان محله در مساجد جاری بوده و هستند و نقش سیاسی مساجد را باید به‌طور عمدی در نقش اجتماعی و مدنی آنها جست‌وجو کرد؛ آنجا که نقش اجتماعی و مدنی مفهوم سیاسی پیدا می‌کرده، مسجد سیاسی می‌شده است و آنجا که کارکردهای اجتماعی مستقل از سیاست جاری پنداشته می‌شده، مسجد نیز کمتر سیاسی می‌شده است.^۲

۱-۴-۵. مسجد و انقلاب اسلامی

از جمله موفق‌ترین حرکت‌های سیاسی در چند دهه اخیر، انقلاب اسلامی ایران است. این انقلاب از جهات بسیاری، از دیگر انقلاب‌ها متمایز است. از جمله وجه تمایز، پایگاه دینی این انقلاب در عصر گریز از ایدئولوژی‌های آسمانی بود. مساجد به عنوان فراگیرترین مرکز دینی در اسلام، در این انقلاب نقشی حساس داشتند.

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند این انقلاب، به تأسی از سنت اسلامی در عصر پیامبر، اعتقاد خاصی به اجتماع میان سیاست و اسلام حول محور مساجد داشتند. امام امت در سال‌های قبل، یعنی در همان روزهایی که از سوی حکومت وابسته شاه به ترکیه و از آنجا به نجف تبعید شدند، در نخستین نطق خود در نجف در مسجد شیخ انصاری در حضور بسیاری از علما و فضلا چنین گفتند:

«اسلام سیاست دارد، برنامه اداره امور مملکت دارد، ممالک بزرگ را اداره می‌کند. بر رؤسای جمهور، سلاطین و دول اسلامی است که اسلام را به عالم معرفی کنند تا مسیحی‌ها خیال نکنند که اسلام چون مسیحیت است و مسجد مثل کلیساست. وقتی نماز در مسجد بر پا می‌شود، تکلیف معین می‌کردند. در مسجد شالوده جنگ ریخته می‌شود. در مسجد تدبیر اداره ممالک می‌شود. کلیسا فقط برای عبادت و نزدیکی به خدا علی‌زعمهم است؛ اما مسجد مسلمانان در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و در زمان خلفایی که بودند، مرکز سیاست اسلام بود. در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، در زمان حضرت امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ و در زمان دیگران، در روز جمعه در

۱. روزنامه شرق، گزارش، آبادگران در مسجد، ۲۷/۱/۱۳۸۱ ش.

۲. باقی‌و‌دیگران، مجموعه مقالات، پرستشگاه در عهد سنت و تجدّد، ص ۱۰۷.

خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها و مربوط به سیاست مدن مطرح می‌شد.^۱ در طول انقلاب اسلامی، آغاز تظاهرات میلیونی مردم از مساجد و پایان آن نیز مساجد بود. روشنگری و هدایت آنان در مسیر مبارزه، در مساجد انجام می‌گرفت. جلسات سرّی و مخفیانه و طرح و برنامه‌ریزی گروه‌های مقاومت در مساجد برگزار می‌شد. خطابه‌های آتشین و عاظ و خطبا در تحریک مردم برای فتح خاکریزهای حکومت شاه، پیوسته در مساجد استمرار داشت. وحدت امت اسلامی که عمده‌ترین عامل پیروزی انقلاب بود، در مساجد معنا و مفهوم می‌یافت. همه اختلافات و تفرقه‌ها با حضور در یک پایگاه مبارزاتی مشترک به نام مسجد، مبدل به وحدت کلمه و مشتی پولادین بر ضدّ دزدان حکومتی می‌شد. مسجد بدون آنکه نیازمند ثبت نام، حوزه‌بندی، اجبار، اکراه و این قبیل امور باشد که به نوعی در دسته‌های سیاسی و گروهی وجود دارد، به تجهیز میلیون‌ها مؤمن معتقد می‌پرداخت...

مسجد در انقلاب اسلامی علاوه بر همه ویژگی‌ها، یک ویژگی منحصر به فرد داشت که همه نقش‌آفرینی‌های خود را مدیون آن است، و آن داشتن ماهیت تشیع است. مساجد شیعیان به لحاظ نداشتن وابستگی مادی و معنوی به حکومت‌ها، همواره توانسته است بدون هیچ‌گونه ملاحظه‌کاری و احتیاط‌پیش‌گیر، با فساد قدرت‌های حاکم درآفتد. با توجه به اینکه همه امور مساجد به دست مردم و با اعانات مسلمانان و وجوهات شرعیّه آنان اداره می‌شود، خود آنان نیز حافظان اصلی آن هستند و فریادهای حق‌طلبانه خود را از این مراکز به گوش دیگران می‌رسانند. ائمه مساجد که در حوزه‌های علمیّه شیعی تربیت شده و خود را به قدرت‌های فاسد نفروخته‌اند، عهده‌دار مسئولیت مساجد می‌شوند. بنابراین، هر حرکتی که از مساجد آغاز می‌شود، از یک سو، رنگ دینی و الهی و از سوی دیگر، بعد مردمی و جماهیری دارد. این دو، خود عامل بقای نهضت‌ها و حرکت‌هایند. آنگاه انحرافات آغاز می‌گردد که شکافی میان نهضت‌ها و پایگاه اصلی آنها ایجاد شود.^۲

البته در پی پیروزی انقلاب، باره یافتن نهادهای دینی به متن قدرت اجرایی، این ویژگی مساجد به چالش کشیده شده است. این چالش آنجا تشدید می‌گردد که همزمان از مساجد به عنوان پایگاه سازمانی حکومتی مانند بسیج استفاده می‌گردد و یا نقش‌های اجرایی چون تأیید صلاحیت افراد بر عهده مسجد سپرده می‌شود.^۳ این گونه حرکت‌ها با نقش اصلی مساجد تعارض داشته و این نهاد را دچار تعارض کارکردی می‌نماید.

۱. صحیفه نور، ج ۲، ص ۳۲.

۲. ماهنامه مسجد، شماره ۴۶، ص ۵۳.

۳. ماهنامه مسجد، شماره ۷۱، ص ۱۸.

۶-۲. چالش‌های مساجد در دوران معاصر

چالش‌های امروزی مساجد بازتابی از چالش‌های جامعه توسعه‌نیافته شرقی در تنگنای انتخاب میان سنت و تجدّد است. سنت غنی و اصیل و بدون پیرایه‌های زاید اسلامی بعد از آنکه دچار تطوّر و ارتجاع گردید، نه فقط از نوزایی باز ماند، بلکه در اوج انحطاط خویش، ضدیت با نوزایی و بازنگری و چنگ زدن به سلفی‌گری جزو خصیصه‌های آن قلمداد شد، در مقابل تجدّد غربی خلع سلاح گردید. چالش بین سنت و تجدّد در جامعه ایرانی، برخاسته از انتخاب میان داشتن نگرش آسمانی به جهان هستی و یا نگرستن به جهان هستی از نگاه زمینی و بریده از ماورا است. عقیم شدن سنت اسلامی در جامعه ایران از سویی، یک‌تازی تجدّد و مدرنیسم غربی و پیشرفت‌های خیره‌کننده آن از سوی دیگر، چند صباحی است که جامعه ایران را بر سر دوراهی عظیمی قرار داده است. و اسفبارتر این که در این چند صباح، اغلب راه حل‌های افراطی و تفریطی برگزیده شده‌اند. گاه تمام تجربیات بشری به دست آمده در سایه تجدّد و مدرنیسم انکار شده و عجیب‌تر آنکه، همان سنت اسلامی عقیم و تحریف شده به عنوان راهکار جایگزین معرفی می‌گردد. گاهی نیز عقبه تاریخی و فرهنگی جامعه که به‌طور شدید متأثر از سنت دینی اسلامی است، به هیچ‌انگاشته شده و له‌له‌زان به سمت تجدّد (یا بهتر بگوییم: پوسته بیرونی تجدّد) گام برداشته شده است؛ بدون آنکه حتی ادبیات تجدّد و مدرنیسم به درستی و همان‌گونه که منظور نظریه‌پردازان غربی باشد، ترجمه گردد.^۱

در حال حاضر وضع جامعه ایرانی، وضعی التقاطی است و رفتارهای سرزده از انسان ایرانی نه در قالب سنت می‌گنجد و نه در چارچوب تجدّد امکان تعریف دارد. هنوز انسان ایرانی تکلیف خویش را با سنت و تجدّد روشن نساخته است.

از آنجا که اکنون این سنت دینی ضعیف به حکومت راه یافته و نهادهای متعلق به آن راقبضه کرده است، حاضر به نقد خویش نیست؛ چرا که از بحران مشروعیت و از دست رفتن قدرت ترس دارد و دچار محافظه‌کاری شده است؛ همان چیزی که روزی سنت شیعی ادعای مقابل آن را داشت. به دین سبب راهکارهای توجّه به سنت عرضه شده از طرف حکومت، سطحی‌اند و حتی اندیشمندان مستقل مطرح در تفکر دینی و سنتی چون محمدحسین نصر، عبدالکریم سروش و دیگران هم مغضوب و رانده شده‌اند.

از سوی دیگر، راهکارهای تجویزی ناشی از توجّه صرف به تجدّد، به علت عقبه فرهنگی تاریخی برآمده از سنت جامعه ایران، برای انسان ایرانی در خور هضم نیست و او راهم دچار عذاب وجدان می‌کند و هم قانع نمی‌سازد؛ چرا که آنگاه باید در جمع جوامع مدرن دوباره از صفر مطلق شروع کند و جایگاهی در

۱. روزنامه شرق، ویژه‌نامه ۱۳۸۳ ش، مصاحبه با سید جواد طباطبایی.

خور شأن برآمده از فرهنگ و تاریخ خود را نخواهد یافت. در این میان مساجد هم سرگردان گشته‌اند. از آنجا که در جهان دهکده شده امروزی، استفاده از تجربیات فکری بشری حاصل از مدرنیسم اجتناب‌ناپذیر است، به ظاهر مساجد باید بسیاری از کارکردهای خویش را از دست بدهند و در نهایت امر، به چیزی شبیه کلیسا تنزل یابند. از سوی دیگر، چسبیدن به مظاهر سنت تحریف شده توسط مساجد هم، گره از کار فروبسته آن باز نمی‌کند و این کار به‌طور عملی نوعی انتحار و خودزنی توسط مساجد است که این نهاد والا را هرچه بیشتر منزوی می‌کند.

در چنین اوضاعی است که مساجد، هم از سوی داعیه‌داران تجدد مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند و محدود می‌گردند و هم از سوی حاکمان مدعی ترویج سنت تحریف شده دینی مورد ظلم واقع می‌شوند.

۱-۶-۲. رویکردهای مساجد در جامعه مدرن به معنای غربی

در جامعه‌ای که مدرنیسم و رویکرد به آن شکل غربی غالب است مساجد دو روش را می‌توانند اتخاذ کنند:

الف) روش محافظه‌کارانه

«جهت فرآیند نوسازی بدان سمت است که بخشی عمده از کارکردهای اجتماعی مسجد را به نهادهای عرفی تحویل کند و مسجد فقط کارکرد نیایشی داشته باشد». ^۱ چرا که تجدد و مدرنیسم به همه پدیده‌ها، حتی به پدیده دین و تقدس، نگاهی زمینی دارد. این نکته البته به معنای ضدیت با ماورا و انکار آن نیست، بلکه به معنای نگرستن به پدیده‌هایی از جمله ماورا بارویکرد زمینی و عینک مادی (عرفی‌سازی) است. «در چارچوب رهیافت محافظه‌کارانه تلاش می‌شود مسجد در عین کارکردهای نیایشی، بخشی از شکاف‌های کارکردی دیگر نهادها مثل تأمین اجتماعی، آموزش و پرورش، خانه‌های جوانان، نیروی انتظامی، قوه قضائیه یا در صورت جنگ، نهادهای دفاعی را پر کند. مسجد در این حال، محلی برای تغییر وضع موجود نیست، بلکه به جامعه کمک می‌کند تا امور آن بهتر اداره یا از بحران‌های آن کاسته شود. در این چارچوب، وعظ و خطابه‌هایی که در مسجد عرضه می‌شود و نیز گروه‌هایی که در حول و حوش آن شکل می‌گیرند، متوجه کاهش رنج انسان‌ها هستند».^۲

«این امر البته از مخالفت بنیادی نوسازی و تجدد با دین ناشی نمی‌شود، بلکه در اصل، نوسازی در جهت ایجاد نهادهای تخصصی برای پاسخ دادن مداوم و بهینه به نیازهای مردم است. بسیاری از کارکردهای اجتماعی مسجد در دنیای امروز به نهادهایی که جامعه چاره‌ای بجز ایجاد، تقویت و گسترش آنها ندارد،

۱. روزنامه شرق، ۱۳۸۳/۲/۶ ش.

۲. باقی‌و دیگران، مجموعه مقالات، پرستگاه در عهدست و تجدد، ص ۱۴۷.

۳. همان، ص ۲۴۷.

تحویل شده‌اند و از این جهت حتی اگر مساجد بخواهند نقش اجتماعی مستقیم داشته باشند اول، ناچار به محدود کردن این نقش‌ها هستند. دوم، خود را فقط باید به صورت یکی از نهادهای عرضه‌کننده آن خدمات و کارکردها (و نه فقط عرضه‌کننده آنها) معرفی کنند و سوم آنکه، در محدوده همان کارکردها می‌باید به نحوی تخصصی به موضوعات (حتی و عطف و خطابه) بپردازند تا بتوانند در کنار رقبای جدی به رقابت بپردازند». آنچه گفته آمد البته تحلیل وضع مساجد با رویه محافظه کارانه در هر جامعه مدرن است.

ب) روش لیبرال

«در چارچوب رهیافت آزادی خواهانه، از دین نیز تصویری آزادی خواهانه عرضه می‌شود. همچنین دین و دین‌داری در شرایطی آزاد معنا می‌شوند. انسان مؤمن در این شرایط، انسانی است که مختارانه و آزادانه بدون هیچ‌گونه اکراه و فشار، به نگرش‌های دینی باور دارد و رفتارهای دینی از خود بروز می‌دهد. قواعد بازی میان دین‌داران، همان قواعد بازی لیبرالاست، به حدّاکثر رساندن آزادی فرد (دین‌دار) و به حدّاقل رساندن اجبارهای اجتماعی (از جمله جامعه دینی). بر اساس رهیافت لیبرال، مسجد، مرکزی دینی است که افراد به نحو داوطلبانه و مختارانه به آن می‌پیوندند و نه خود هیچ اجبار و اکراهی را در چارچوب فعالیت‌های مسجد می‌پذیرند و نه اجبار و اکراهی را بر دیگران تحمیل می‌کنند. هر آنچه هست، توافق‌ها و قراردادهایی است که جمع مؤمنان آنها را بر اساس قواعد بازی دمکراتیک میان خود وضع می‌کنند.

در رهیافت لیبرال، مسجد هم از حیث روال‌های درونی و هم از حیث تنظیم روابط خود با دیگر مراکز و مؤسّسات، قواعد بازی آزادی خواهی را رعایت می‌کند و در هیچ یک از رفتارهای خود از اصل آزادی، مختارانه و داوطلبانه بودن حضور افراد در انواع فعالیت‌ها (چه نیایشی و چه اجتماعی) عدول نمی‌کند. همچنین در فعالیت‌هایی که مستلزم اکراه و اجبار افراد باشد، به هیچ‌وجه مشارکت نمی‌نماید. لیبرال بودن در اینجا به روش عمل مساجد اطلاق می‌شود و نه به محتوای آموزش‌هایی که در آنها عرضه می‌شود. طبیعی است که مساجد، عرضه‌کننده آموزش‌های دینی و محلّ ذکر و عبادت باشند و به انواع نیازهای مؤمنان توجّه کنند، اما همین امور از طریق روش‌های گوناگون تحقق پذیرند. به عنوان مثال، هر واعظ می‌تواند به نحوی صلح‌آمیز به عرضه باورها و اعتقادات دینی اقدام کند و کار خود را به قلمرو داوطلبان و افرادی که از روی اراده حضور در مسجد پیدا کرده‌اند، محدود کند؛ اما در مقابل، واعظ دیگری ممکن است برای دعوت افراد به ایمان و امر به معروف یا نهی از منکر، به خشونت و اعمال قهرآمیز نیز متوسّل شود.

تناقض نمای دعوت دینی در همین جاست که ظهور می کند. دعوت دینی، اگر بخواهد تا عمق جان افراد نفوذ کند، به طور طبیعی نمی تواند همه افراد جامعه را تحت تأثیر قرار دهد؛ اما دعوی تنها حقیقت ممکن بودن و تلاش برای اعمال تأثیر قهری هر سبک و روشی را مجاز می داند و با اصالت دادن به ادای تکلیف قائل به نتیجه نیست. مساجد، به عنوان کانون دعوت اسلامی از یک سو نمی توانند قَلت مخاطبان را بپذیرند و از سوی دیگر، نمی توانند به مؤمنان ظاهر گرایی که فقط بر اساس نظام پاداش ها و تنبیهات به آنها رو می کنند، قناعت کنند. از آنجا که مسجد می خواهد تجلّی بیرونی و محلّ ظهور انواع تجلّیات ایمان باشد، به طور طبیعی کار دشواری بر عهده گرفته است؛ چرا که ایمان، پدیده ای درونی و دل بسته است که عینیت یافتن آن هم می تواند تهی کننده آن از معنا باشد و هم می تواند بستر رشد و معنا یافتن آن قرار گیرد.^۱ شاید این نوع از مساجد، همان چیزی باشد که اکنون در مد آرمانی جامعه مدنی غربی از آن تعبیر به سازمان داوطلبانه غیردولتی از نوع مذهبی می گردد. مساجد این گونه را هم اکنون فقط می توانیم در جوامع غربی که مسلمانان در اقلیت هستند، بباییم. اصول و قواعد دموکراتیک در بین این مسلمانان به علت زندگی در غرب نهادینه شده است و از سویی، بسترهای لازم برای حفظ هویت دینی آنان فراهم است تا در قالب تشکّل های خصوصی و غیردولتی - تا آنجا که محلّ آزادی های دیگران نباشند - و همچنین مشروعیت نظام های حکومتی را به چالش نکشند به فعالیت های مورد علاقه خود بپردازند.

اما چنین مساجدی به علت بومی نبودن مدل مدرنیسم و جامعه مدنی به معنای غربی آن در جوامعی چون ایران قابل احداث نیست. به این لحاظ، تحلیل نقش مساجد و پایگاه های دینی در جوامعی چون ایران که دارای جمعیتی قریب به اتفاق، مسلمان است و دین بر مصدر حکومت قرار دارد، با توجه به ویژگی های خاصّ دین اسلام (از ادعای جامعیت آن) احتیاج به مدل نظری دیگری دارد.

۲-۶-۲. کارکردهای مساجد در جوامعی چون ایران

برای تحلیل نقش مسجد در هر جامعه با اکثریت مسلمان که هنوز به توسعه به معنای غربی آن دست نیافته است، باید به نوع هویت دینی آن جامعه توجه نمود؛ چرا که مسجد در وهله اول پایگاه دینی جامعه مسلمان محسوب می گردد. محمد قوچانی (۱۳۷۹)، جامعه شناس ایرانی، سه نوع هویت دینی را در یک جامعه دینی شناسایی کرده است:

الف) هویت دینی اعتقادی

«اگر از هویت دینی اعتقادی انتظار اعتقاد به معنای حقیقی و راستین آن را داشته باشیم باید بگوییم که

هویت اعتقادی، جز در هنگامه‌های تولد ادیان، به وجود نمی‌آید؛ چرا که در هنگامه‌های مذکور (صدر ادیان)، اول، سطح اعتقاد به سطح دانش بوده است و در نتیجه اعتقاد دین در مصافی برابر، بر اعتقادات ضدّ دینی و غیر دینی پیروز شده است؛ دوّم، در این پیروزی هیچ کاتالیزور و تسریع‌گر خارج از مداری وجود نداشته است. نه آیین و عرف، جبرکننده پنهان دین‌ورزی اجتماعی بوده است و نه دولت و قدرت، اجبارگر رسمی و آشکار تکوین هویت دینی مذکور؛ بلکه موانع عمده‌ای بر سر راه ایجاد هویت مزبور ایجاد شده است....

اما پس از تولد یک اعتقاد (از جمله اعتقادات دینی) به تدریج دفاع از آن اعتقاد نه یک کار انقلابی، بلکه کاری ارتجاعی می‌شود. در شرایطی که یک اعتقاد در نتیجه یک انقلاب (سیاسی یا فکری) متولّد می‌شود، چگونه می‌توان از تبدیل آن به ارتجاع سخن گفت؟ مقصود ما از ارتجاع در اینجا نسبتی است که آن اعتقاد با رقیبان خود می‌یابد. او در مصاف با رقیبان خود، چنان می‌کند که رقیبان دیروز با او می‌کردند و حتی در شرایط بحرانی با رقیبان درونی خود بدتر از رقیبان بیرون خود عمل می‌کند. به این معنا که باز تولید کنندگان اعتقادات دینی را از خود می‌رانند؛ چرا که به تدریج در سطوح عالی اعتقاد مذکور، طبقه‌ای از نخبگان حوزه قدرت یا معرفت شکل می‌گیرند که باز تولید اعتقاد دینی را در حکم کفر یا طغیان می‌شمارند و در نتیجه یک «ایدئولوژی» به ضدّ «ایدئولوژی» تبدیل می‌شود و از حرکت باز می‌ایستد و دیگران را هم از حرکت انذار می‌دهد و تحذیر می‌کند. در چنین شرایطی حفظ هویت دینی موجود جامعه، شرط بقای حاکمیت دینی موجود است و این دو نسبتی مستقیم با هم دارند. از آن پس، بر خلاف شرایط تأسیس ایدئولوژی، ترویج ایدئولوژی دارای کاتالیزور حکومتی می‌شود و اعتقاد نه حول دانش، بلکه حول قدرت شکل می‌گیرد. در نتیجه، وجود آن اعتقاد و هویت اعتقادی نیز هم بسته به وجود دولت و قدرت دینی است؛ چنان که گمان می‌رود با زایل شدن دولت دینی هویت این جامعه نیز از دست رود.

از سوی دیگر، این همبستگی دین و دولت دینی سبب می‌شود که هر نوع ناخشنودی و زدگی از دولت دینی به دین دولتی نیز تسری بیابد و چون یکی در معرض برافتادن قرار گیرد، دیگری نیز چنین می‌گردد.^۱ چنین رویکردی به دین و به تبع آن به پایگاه دین در جامعه (مسجد) را به‌طور واضح در سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب اسلامی ایران شاهد بودیم. مسجد، در نقش شوراهای محلّی ظهور پیدا کرد و حتی فراتر از آن بسیاری از سازمان‌های دولتی در فضای مسجد، در عرضه خدمات به جامعه سعی نمودند. تشدید چنین وضعی را در دوران جنگ هشت ساله می‌توان مشاهده نمود.

اما با پیچیده‌تر شدن انتظارات از دولت و حکومت و بروز ضرورت‌های توسعه‌ای، به خصوص در سال‌های پس از جنگ و تغییر فضا و دید جامعه به حکومت، این نقش مسجد کم‌رنگ‌تر شد و مساجد در

۱. قوچانی، محمد، بقیه سفیدها (جامعه‌شناسی نهاد‌های مدنی در ایران)، ص ۱۸۰.

سلسله مراتب سازمان‌های حکومتی تنزل پیدا نمود و نقش‌های کنار به آن محوّل گردید. به‌طور کلی، نمودهای عینی تأثیر هویت دینی اعتقادی در نهاد دینی مسجد را در اشکال زیر می‌توان یافت؛ مساجد کانون استقرار پایگاه‌های سازمانی حکومتی به نام «بسبج» می‌گردند یا در بسیاری مواقع حقوق شهروندی برای افرادی به رسمیت شناخته می‌شود که مساجد «صلاحیت» آنان را تأیید کنند، بودجه‌های دولتی برای مساجد در نظر گرفته می‌شود، انواع سازمان‌ها و وزارتخانه‌های دولتی دخیل در برنامه‌ریزی مساجد و نظارت بر آن می‌گردند و جز آن.

ب) هویت دینی آیینی

«اگر جامعه‌ای در رویکرد خود به سوی دین، آنچه را می‌خواهد در «آیین» بجوید، «هویت دینی» آن جامعه و «هویت دینی آیینی» نام دارد و مهم‌ترین صفت مشخصه جامعه مذکور، عام بودن به آیین‌های دینی برشمرده خواهد شد. این رویکرد، رویکرد خودآگاهی نیست و به‌طور معمول در مقایسه با رویکردهای اعتقادی به دین متأخر است؛ چرا که پس از اعتقاد آوردن اعضای جامعه به دین، به تدریج دینی بودن ویژگی بدیهی آن جامعه تلقی می‌شود و در نتیجه، امکان خروج آن جامعه از دین خود به خود محال می‌گردد؛ در این امکان محال، بیش از همه عرف نقش دارد. عرف با هضم دین به عنوان درون مایه خود، جرأت و جسارت عرف‌شکنی و سنت‌شکنی را از جامعه سلب می‌کند و نقطه آغاز آفرینش، نقطه خلق هویت کنونی بوده و از قبل موجود نبوده است. در این جامعه همه مادرزاد دین دارند و هیچ کس پرسشی از چرایی و حتی چگونگی دین‌داری خود نمی‌کند؛ اما همه دین‌داری اینان در عمل به آداب دینی جلوه‌گر می‌شود و جد و جهدی در فهم دین به عمل نمی‌آید. هویت دینی آیینی مهم‌ترین پایگاه اجتماعی خویش را در میان توده‌ها می‌یابد و توده‌ها نیز مهم‌ترین عامل تداوم این هیئت در طول تاریخ به شمار می‌روند. نسبت هویتی دینی آیینی، با هویت دینی آرمانی، نسبتی دوگانه است: از سویی آنان دین را در کمال سادگی در می‌یابند، از این‌رو، با ماهیت توده‌ای دین ارتباطی آشنا دارند، از سوی دیگر، با افزودن خلیقات خویش بر دین، آن را عوض می‌کنند و پیچیده و ناخالص می‌کنند. زنگار زمان بر دین آیینی بیش از هر نوع دیگر دین، پیرایه می‌بندد. دین آیینی به آسانی در معرض برافتادن است؛ چرا که این نوع دین به‌طور معمول، از آن پیران سر به زیر است و چون مستند به دلیل و یقین نیست، به سهولت مقهور رقیبان می‌شود»^۱.

نمودهای عینی چنین وضعی در جامعه التقاطی چون ایران، رقابت رادیو تلویزیون در برنامه‌های وعظ و خطابه و مداحی با مساجد است. اکنون شاهدیم که تلویزیون با عرضه مطلوب‌تر این محصولات به توده،

مساجد را خالی نموده‌اند. در این زمینه، روحانیت و متولیان مساجد هم با کم‌کاری و اغفال از تغییرات محیطی و حتی مشغول شدن به امور حکومتی و اجرایی، قصوری نه چندان در خور اغماض داشته‌اند و با این اهمال خویش به بدعتی بسیار بزرگ رضا دادند و آن تنزل معنای دین و دین‌داری در جامعه به ادای صرف مناسک و آیین‌های عبادی، چون عزاداری و مدّاحی و غیره است که البته این شکل از ادای مناسک حتی با اصل و فلسفه مناسبت‌های اجرای این آیین‌ها در تضادّ و تناقض است. به عبارت دیگر، در وضع کنونی جامعه، شواهد بسیار جدی وجود دارد که هویت دینی جامعه، نه فقط از هویت ایمانی تنزل یافته، بلکه حتی پایین‌تر از هویت اعتقادی، به هویت آیینی اکتفا شده است.

در آسیب‌شناسی این نوع دین‌داری، کافی است هر فردی با اندک وجدان بیدار و عقل سلیم (حتی غیر مسلمان) از خود پرسد آیا امام حسین (علیه السلام) بدین علت حماسه عظیم عاشورا را خلق کرد که اکنون فقط در دهه عاشورا برای یادبودش این‌گونه مراسم برپا دارند و حتی لحظه‌ای هم از اهداف و نیات امام حسین (علیه السلام) و از اقدام به چنان قیامی سخنی به میان نیاید؟ به راستی اکنون به‌طور عملی امام حسین در جامعه اسلامی نقشی چون مسیح را یافته است که کشته شد تا گناهان عذارانش را به دوش بکشد و آنان را از عذاب برهانند! در این مورد، دردناک‌تر آن است که نقش مساجد را در ترویج فرهنگ اصیل عاشورا در قبل از انقلاب و دوران دفاع مقدّس به یاد بیاوریم و آن وضع را با انحطاط کنونی مقایسه کنیم.

استاد مرتضی مطهری، با دید بسیار تیزبین و نقّاد خویش در نخستین ماه‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: نگاهی به وضع مسجد نشان می‌دهد که بعد از انقلاب، اغلب مساجد خلوت شده است. علت اولیه این امر این است که تا قبل از پیروزی انقلاب، مساجد به بهترین نحو، نقش انقلابی خود را انجام می‌دادند و در آنها همان مسائلی مطرح شد که مردم خواستار بودند؛ اما بعد از پیروزی، مساجد خود را با این تغییر هماهنگ نکردند. اکنون ضرورت احیای مسجد بیش از هر زمان دیگری احساس می‌شود. البته لازم است در کنار مساجد، رادیو و تلویزیون هم برنامه‌های مذهبی داشته باشند. احزاب اسلامی و کانون‌های تعلیمات سیاسی و مذهبی هم باید تشکیل شود. مردم از طریق این کانون‌ها می‌باید تعلیمات و آموزش‌های سیاسی ببینند؛ اما اگر همه این نهادها جای مسجد را بگیرند، آن وقت فاجعه پدید می‌آید. راه جلوگیری از این فاجعه تعطیلی این نهادها نیست، بلکه مساجد هستند که باید در وضع خود تجدیدنظر کنند. (مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم) عجیب‌تر از این است که این‌گونه رفتارهای متباین با سنت اصیل اسلامی از سوی نهادها و ارگان‌های داعیه‌دار دفاع از سنت و ارزش‌ها ترویج می‌گردد و یا حداقل به دیده اغماض نگریسته می‌شود؛ در حالی که همین نهادها و جمعیت‌ها در مقابل جرقه‌های فکری و اندیشه‌ای نقّاد، با قدرت تمام مقابله می‌کنند و این حرکات فکری را بر نمی‌تابند و با اعمال

قدرت سرکوب‌گرانه (و نه مقابله به مثل از راه خردورزی و دفاع عقلانی) با این تلاش‌ها برخورد می‌نمایند.

ج) هویت دینی ایمانی

«هویت دینی ایمانی، اما بیش از هر چیز با «فردیت» انسان‌ها تناسب دارد و محصور در زمان و مکان خاصی نیست. این نوع هویت در هر زمان امکان بروز می‌یابد و در عین حال، کمترین اثر را از زمان می‌یابد؛ چرا که عوامل مقوم خود را از خارج دین نمی‌جوید. دانش، قدرت، عرف و آیین، هیچ یک یگانه عامل موجه هویت دینی ایمانی نیست. هر چند ایمان با هر یک از آنها نسبت‌هایی دارد، اما بسته و بنده آنها نیست. دخول دین‌داران و دین‌باوران به حوزه ایمان از مصدر جامعه (مانند دین آیینی) یا دولت (مانند دین اعتقادی، در مرحله ثانویه) نیست، بلکه هر فرد به تنهایی وارد عرصه دین می‌شود و پرسش‌گرانه از کفر می‌آغازد و یا به ایمان می‌رسد و از این لحاظ تا حدودی شبیه هویت دینی اعتقادی در مرحله اولیه (تأسیس اعتقاد) است؛ اما برخلاف هویت دینی اعتقادی، توافق دین‌داران در هویت دینی ایمانی با دین، توافقی اجمالی است نه تفصیلی. این توافق، توافق بر سر مبدأ و معاد است و نه به‌طور الزامی بر سر مسیر و طریق، چنان که هویت اعتقادی ترسیم می‌کند.

هویت دینی ایمانی چون به میل نونه‌اکراه‌زاده می‌شود و چون از فرد به جامعه حرکت می‌کند، نه از جامعه یا دولت به فرد، سیری صددرد صد طبیعی دارد. در جامعه‌ای که چنین هویتی زاده شود هیچ نیازی به ممیزی دولت بر عوامل ضد‌مذهب نیست. متضادترین رسانه‌ها با دین در ظل جامعه دینی ایمانی و در ظل حکمت دینی ایمانی اجازه حیات دارند و حتی به ادامه حیات تشویق می‌شوند؛ چرا که بر فریبه و فرهمندی دین می‌افزایند؛ آن را به باز تولید و امی دارند و نوآمد و نوروز‌گار می‌سازند. بنابراین، به‌طور طبیعی، «ایدئولوژی دینی» نیز از تبدیل به صورت ارتجاعی ایدئولوژی (هویت دینی اعتقادی) در امان خواهد ماند؛ چرا که در تمام دوران حاکمیت خود از رقابتی برابر حمایت می‌کند و از بر باد رفتن ایمان مردم و قدرت خود در هراس نیست؛ چون می‌پندارد که اگر ایمانی بر باد رفتنی است، دیر یا زود بر باد خواهد رفت و اگر ایمان سست بنیاد مذکور چنان گذرا باشد، قدرت مسبوق بدان نیز دوچندان گذرا خواهد بود. چنین هویتی در حقیقت برخاسته از معرفتی است که فهم را با نسبیّت محک می‌زند و معتقد است که نمی‌توان هیچ عقیده باطلی را از گزند حق در امان داشت. بنابراین، شاید بتوان گفت هویت دینی ایمانی دیرپاترین و پویاترین نوع هویت دینی است»^۱.

ضرورت چنین رویکردی به مساجد و در کل مسئله دین و دیانت در جامعه امروزی، بیش از هر چیزی

۱. قوچانی، محمد، بقیه سفیدها (جامعه‌شناسی نهاد‌های مدنی در ایران)، ص ۱۸۳.

در ماهیت «جهان امروز» نهفته است. عصر امروز مشخصه‌های بارزی چون عصر پایان ایدئولوژی‌ها، چالش‌های معرفت‌شناختی، گسترش ارتباطات (که دنیا را به دهکده‌ای تبدیل کرده است) و رقابت برابر و نابرابر فرهنگ‌ها در سطح جهانی، دارد. بشر امروز هم‌اکنون وسعت دیدی به پهنای همه دنیا و تاریخ یافته است و به مدد ارتباطات جهانی، گزینه‌های بسیار متنوعی را نه فقط در اقتصاد، بلکه در پی آن در همه ابعاد دیگر زندگی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره امروزی یافته است؛ به گونه‌ای که گاهی آدمی دچار سردرگمی در انتخاب مقصود خویش می‌گردد... هر متاعی برای عرضه و هیچ قدرتی برای تحمیل ندارد، بلکه باید با رقابت با دیگر عرضه کنندگان، انسان آزاد امروزی را قانع کند. در این فضا حتی «توسعه» (چالش بنیادین جوامعی چون ایران) نیز به مثابه آزادی معنای می‌گردد و راه توسعه از مسیر آزادی می‌گذرد. به عبارتی دیگر، توسعه عصاره امکان‌های آزادی است.

پویایی نهفته در چنین رویکردی به دین و توسعه می‌تواند برای هر جامعه توسعه‌نیافته، چون ایران، مدلی بومی از توسعه را به ارمان آورد. بنابراین، ما نیز مدل مطلوب کارکرد (رسالت) مساجد را نیز با توجه به این رویکرد دینی مطرح خواهیم کرد.

۲-۷. نتیجه

مهم‌ترین چالش پیش روی مساجد در دوران معاصر، ناکارآمد شدن نقش آن در جامعه سرگردان میان سنت و تجدد است. کسادی و از رونق افتادگی کنونی شایع در مساجد از آن روست که در دو دهه اخیر تغییرات محیطی چشم‌گیری در جامعه رخ داده است: تمایل به بهره‌گیری از دستاوردهای تجدد (که گریزی از آنها هم نیست) در جامعه سنتی باعث گردیده تا مظاهر اجتماعی مدرن به جامعه راه یابد؛ حال آنکه مشابه چنین مظاهری در پرتو سنت اصیل اسلامی موجود بوده است. در این صورت به علت پیاده شدن الگوهای اجتماعی متجدد، کارکردهای اجتماعی نهادهای سنتی به نهادهای مدرن تحویل شد؛ بدون آنکه برای ظرفیت خالی شده نهادهای سنتی تدبیری اندیشیده شود. در عین حال، مساجد و متولیان مساجد که برابر این رخدادهای شگرف محیطی، بی‌توجه بوده و سرگرم وظایف سنتی خویش بودند و هنگامی که نبود اقبال عموم را حس کردند به جای جست‌وجوی علت اصلی، معلول‌ها را دیدند و سعی در مبارزه با معلول‌ها نمودند. حتی در این راه، دچار خطای ادراکی شده و گاهی دین‌گریزی! را در جامعه علت نبود اقبال به مساجد برشمردند؛ در حالی که تحقیقات علمی نشان‌دهنده مطالب دیگری است و آن اینکه میزان دین‌داری در جامعه بسیار بالا است؛ اما تجلی و نوع دین‌داری در مقایسه با گذشته تفاوت یافته است و جامعه، به‌ویژه نسل جوان در پی الگوهای ایمانی هویت دینی برای خویش هستند؛ اما متأسفانه مساجد به عنوان مراکز دینی از پاسخ‌گویی به چنین

نیازی عاجزند.

مؤید این ادعا گزارش آماری وزیر فرهنگ و ارشاد در اجلاس سراسری نماز در اصفهان است که نکات برجسته آن در زیر مطرح می‌شود:

«در حوزه باورها و اعتقادات (پای‌بندی‌هایی مثل توحید و آخرت، ایمان به غیب و تجربه دینی) ۹۴ درصد مردم به صراحت بر اعتقادات دینی خود تأکید کرده‌اند و شش درصد بقیه نیز به طور مطلق این باورها را انکار نکرده‌اند.

در باب شکل مناسکی (رفتاری) دین‌داری و ظهور و بروز باورها، نسبت مستقیمی بین نوع فعالیت مذهبی و سطح سواد به چشم می‌خورد. برای نمونه، هرچه سطح سواد در افراد افزایش پیدا می‌کند، خواندن قرآن بیشتر می‌شود، در حالی که این نسبت در رفتن به جلسه قرآن روند نزولی می‌یابد. این امر می‌تواند ناشی از گسترش فردیت در وضع کنونی جامعه و عالم باشد و یا از این امر ناشی شود که جلسات دینی و مذهبی ما متناسب با شرایط اجتماعی و فرهنگی متحول نشده‌اند و یا آموزش قرآن با شیوه‌هایی جدید نیازی به رفتن به جلسه قرآن برای آموختن ندارد. شاید یکی از علت‌های این است که ما متناسب با شرایط جدید اجتماعی امکانات، نهادها و تشکلهای جدیدی را طراحی نکرده و یا برای شکل‌گیری آن سیاست‌های مشخصی طراحی نکرده‌ایم و غیره فرد با سواد بیشتر در جلسات سخنرانی شرکت می‌کند، در حالی که سایر افراد بیشتر به مجالس عزاداری (بدون سخنرانی) می‌روند. تحصیل‌کردگان در برنامه‌های مذهبی در محل کار بیشتر حضور پیدا می‌کنند. در حالی که افراد با سطح تحصیلات پایین‌تر بیشتر در نماز جماعت مساجد شرکت می‌کنند. البته این قاعده کلی نیست و برخی مساجد با توجه به موقعیت مکانی و یا شایستگی علمی امام جماعت، پایگاه تحصیل کرده‌ها است.»

بنابراین، می‌توان فرآیند بروز چالش‌های کنونی در مساجد را در مدل زیر خلاصه نمود:

نمودار ۱. فرآیند بروز چالش‌های کنونی مساجد.

بسیاری از ضعف‌هایی که در تحقیقات میدانی به آنها اشاره شده است، همگی شاید معلول‌های چنین علل و شرایطی باشند. ایراد به نحوه عملکرد هیئت‌های امانا و چگونگی نگرش‌ها و دیدگاه‌های اعضا به مسائل روز جامعه، ارجحیت یافتن تعهد بر تخصص به میزانی که کارایی اعضای مسجد را مورد سؤال قرار داده است و نمی‌تواند معیارهای قابل قبولی برای هدف مهم عبادتگاه‌های مسلمانان، یعنی جذب و تربیت نسل جدید باشد. خطیبان ناآگاه به مسائل روز که به جای طرح پرسش‌ها و نیازهای جوانان و دادن پاسخ‌های منطقی به آنها، این پرسش‌ها را بر نمی‌تابند. پرداختن به مراسم سنتی عزاداری و روضه‌خوانی به شکل و شمایل دو یا سه دهه پیش (فارغ از محتوای آن)، کیفیت و کمیت بسیار نامطلوب کتابخانه‌های اکثر

مساجد (در مقایسه با کتابخانه‌های دیگر در جامعه)، برنامه‌هایی که فقط برای پیران قابل استفاده است (و نه جوانان امروز در عصر اطلاعات) و در نهایت، برخورد نامناسب و ناشی از ساختار سلسله‌مراتبی نظامی ارگان بسیج با بسیاری از مخاطبان همگی به این سبب است که ساختار فکری، اداری، اجرایی و محیطی مساجد در سال‌های گذشته به گونه‌ای بوده که همپای تحولات سریع و پرشتاب جامعه رشد نکرده و تا حد زیادی، سنتی باقی مانده است. متأسفانه تفکر رایج در مساجد این بوده که جوانی که شایستگی آمدن به مسجد و شرکت در نماز جماعت و گوش سپردن به مجالس و عطا و تذکر را ندارد، بهتر آن است که نیاید و به هر جا که می‌خواهد برود؛ مسجد باید از وجود جوانان بدفکر و بدکردار پاک باشد. این طرز فکر، اردوی مقابل مساجد را تقویت کرده و مساجد را دچار ضعف بیشتری نموده است. در نتیجه، مساجد که روزگاری مرکز بحث و درس و تعلیم و عبادت، مذاکره و مباحثه علمی و دینی و اجتماعی بوده، اکنون به عبادتگاه‌های فصلی تبدیل شده است. جاهایی که فقط چند روز محدود در سال شلوغ است و بعضی از آنها توفیق آن را دارند که در بیشتر روزهای سال، نماز مغرب و عشا را با جماعتی چند نفره یا چند ده تن برگزار کنند.^۱

در همین معدود روزهای پر ازدحام مساجد نیز شاهدیم که چهره خشک و عبوسی از دین توسط متولیان معرفی دین به جامعه عرضه می‌گردد. اکثر مراسم مساجد به مجالس ترحیم و عزا محدود می‌گردند. گویا فراموش کرده‌ایم که «مسجد متعلق به زنده‌های در مانده از مادیات هم هست».

از بُعدی دیگر، وضع موجود مساجد را با توجه به انواع هویت‌های دینی نیز می‌توان تحلیل نمود. با این رویکرد، باید اذعان نمود که هویت دینی در جامعه کنونی، از نوع هویت دینی اعتقادی و هویت دینی رفتاری است و تاکنون هویت دین مبتنی بر ایمان در جامعه شکل نگرفته است. مدل زیر، جایگاه مساجد را در جامعه با توجه به این دو نوع هویت دینی نمایش می‌دهد.

مساجد کنونی در جامعه طبق مدل به علت محدود نبودن عملکردشان در هر یک از ابعاد سطح اعتقاد دینی و سطح رفتار دینی، اغلب در حیطه دایره مشخص شده قرار می‌گیرند و به ندرت ممکن است مساجدی در نقاط حدی مدل وجود داشته باشد. علت این امر نیز به میزان آگاهی نهفته در افکار عمومی جامعه بر اثر تکرار مداوم مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» ارتباط دارد. افکار عمومی جامعه در برابر متغیر مداخله‌گر در مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» حساس شده و در پی راهکاری برای خروج از این فرآیند است. این وضع می‌تواند علامت وجود آمادگی برای تغییر در جامعه در مسائل مربوط به حوزه دین و مراکز دینی باشد که باید به عنوان فرصتی برای تغییرات مطلوب توسط نخبگان و برنامه‌ریزان جامعه درک و از آن کمال استفاده شود.

۱. رک به: مجله‌زائر، مرداد ۱۳۷۹ ش، شماره ۷۰، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب.

۸-۲. مدل کارکرد مطلوب مسجد به عنوان یک NGO

با توجه به ادبیات پیش گفته، مدل مطلوب مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیرانتفاعی و غیردولتی از نظر محقق، بر مبنای مدل مدیریت استراتژیک شایان طراحی است. بر مبنای این مدل، مسجد به عنوان یک GON در هر منطقه جغرافیایی (مسکونی، تجاری، فرهنگی و غیره) طبق نیازسنجی و امکان‌سنجی از اجتماع دین‌داران و به صورت داوطلبانه به وجود می‌آید. چشم‌انداز مساجد در وضع مطلوب، فعالیت در هر جامعه دارای هویت دینی مبتنی بر ایمان است. چنین مسجدی دارای کارکرد (Function به معنای علوم اجتماعی) یا همان رسالت (Mission به معنای علم مدیریت)، «کمک به تعالی انسان‌ها» است. مطابق با نظریه سلسله مراتب نیازهای مازلو، «رسالت» مسجد کمک به برآورده شدن نیازهای طبقه «خودشکوفایی» است. این نیاز «خودشکوفایی» در دو بعد قابل بسط است:

الف) در بُعد اعمال نیایشی

در بُعد نیایشی که یکی از جنبه‌های بسیار مهم نیاز خودشکوفایی است، مساجد می‌باید به «شکل‌گیری هویت دینی مبتنی بر ایمان در جامعه» کمک کنند. مساجد به عنوان سازمانی داوطلبانه با ایجاد یک بستر مشارکتی و فراهم کردن آزادی لازم برای طرح هر نوع پرسش درباره چالش‌های امروزی دین، سعی در حل چالش‌های دین‌داری در دنیای معاصر می‌نمایند.

این چالش‌ها برای مساجد به عنوان یک NGO ماهیتی دوگانه دارند. از طرفی «تهدید» محسوب می‌گردند؛ اما از بُعدی دیگر به سبب آنکه زمینه را برای ایجاد هویت دینی مبتنی بر ایمان فراهم می‌کنند، باید «فرصت» تلقی شوند. از طرفی «تهدید» اصلی برای مساجد، تبلیغ و گسترش هویت دینی آیینی از سوی بعضی منابع و تربیون‌هاست که دین را از ماهیت غنی خویش تهی می‌سازد و آن را مختص بعضی ایام و مناسبت‌ها می‌گردانند.

مهم‌ترین نقطه قوت مسجد، همانا دارا بودن ماهیت به عنوان یگانه پایگاه دینی اسلام در جامعه است که افراد جامعه از مسجد به عنوان چنین پایگاهی انتظار دارند تا هویت دینی‌شان را شکل دهد. باید توجه نمود که انزوای کنونی مساجد نه به علت قدرت رقبایی چون تلویزیون و دیگر رسانه‌های عمومی است، بلکه نشانگر فقدان استفاده بهینه مساجد از چنین نقطه قوتی است. ایجاد بستر مناسب برای پاسخ‌گویی به چالش‌های طرح شده در برابر دین و دین‌داری، با انواع ابزارها و روش‌ها، از جمله «مدیریت مشارکتی و سیستم پیشنهادها» و همچنین رعایت اصول «مشتری‌مداری» نقاط «قوت» مسجد به عنوان NGO را تقویت خواهند نمود.

در اوضاع کنونی، ناآگاهی ائمه جماعات از مسائل مبتلا به روز اجتماع در حیطه دین، و یا بدتر از آن طرد و انکار طرح کنندگان سوالات و چالش‌ها در باره دین و دین‌داری، عمل کردن صرف به وظایف سنتی و ناکارکرد شده از نظر اجتماعی در این بُعد، نقاط عمده «ضعف» مسجد را تشکیل می‌دهند؛ چرا که با چنین عملکردی، در نهایت مساجد تبدیل به پایگاه‌های ترویج هویت دینی اعتقادی و یا آیینی خواهند شد که ادامه کار مساجد با حفظ چنین موقعیتی نه فقط آن را به موقعیت در خور شأنش باز نمی‌گرداند، بلکه با توجه به تغییرات محیطی گسترده در سطح جهانی (آن طور که ذکر آن رفت) این کار همچون سر به زیر برف بردن است.

ب) در بُعد فعالیت‌های غیرنیایشی

در بُعد فعالیت‌های غیرنیایشی، باز هم مبتنی بر یک بستر مشارکتی و آزادی‌گرایانه، اعضای داوطلبانه مسجد به عنوان یک NGO در قالب مدل مدیریت استراتژیک، به هر نوع فعالیتی که به «تعالی» اعضای سازمان کمک کند، دست می‌زنند. سازمان با شناسایی استراتژیک قابلیت‌ها و توانایی‌های اعضای خودشکوفای خود، زمینه را برای ارضای این نیازها از طریق فعالیت‌های داوطلبانه فراهم می‌سازد؛ به طوری که این فعالیت‌ها در تحقق رفع نیازهای استراتژیک اعضای دیگر سازمان که در طبقات پایین تر سلسله مراتب مازلو قرار دارند، باشد تا به صورت تدریجی با برطرف شدن این نیازها در آنان، نیازهای «خودشکوفایی» در این دسته از اعضا نیز به مرحله بروز برسند.

این زمینه برخی از «نقاط قوت» مساجد را می‌توان به گونه زیر بیان کرد:

- پایگاه دینی بودن مسجد؛
 - «عبادت» شمرده شدن این نوع فعالیت‌ها در قالب مسجد از طرف دین؛
 - وجود آمادگی در اغلب افراد جامعه برای اجرای خدمات داوطلبانه در مسجد.
- برای دستیابی به اهداف «سازمان مسجد» در این بُعد، مسجد و دست‌اندرکاران آن باید سعی کنند این «نقاط ضعف» ذیل را اصلاح کنند:

- فقدان جامع‌نگری در فعالیت‌های جانبی مسجد؛
 - ناآگاهی دست‌اندرکاران مسجد به اصول مدیریت و رهبری؛
 - ناآگاهی دست‌اندرکاران مسجد به تغییرات محیطی؛
 - مشارکت ندادن اعضا در نیازسنجی، برنامه‌ریزی، اجرا، ارزیابی و غیره؛
 - عدم رعایت اصول مشتری‌مداری؛
 - فقدان ارتباط شبکه‌ای میان مساجد و در بعضی موارد رقابت میان مساجد.
- همچنین کارایی نداشتن و اثربخشی بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای موجود در جامعه نیز ممکن است

به عنوان «فرستی» برای مسجد تلقی گردد تا با استفاده از نقاط قوت خود، در پی تکمیل خلأهای موجود، اعضای خود را به سمت «تعالی انسانی» سوق دهد.

در این راستا، وجود ساختار سلسله مراتبی در سازمان دهی مساجد از سوی دولت، مداخله ارگان‌های متعدد در امور مساجد چون «مرکز رسیدگی به امور مساجد»، «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، «بسیج»، «سازمان حج و اوقاف و زیارت» و بسیاری دیگر از نهادها و ارگان‌های دولتی به مثابه «تهدید» برای «مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه» به شمار می‌روند؛ چرا که زمینه ایجاد احساس تعلق گروهی به سازمان داوطلبانه مسجد را در اعضا از بین می‌برد. برای رفع این تهدیدات ضروری به نظر می‌رسد تا تمامی مساجد فعال با تشکیل یک شبکه و کل واحد و منسجم فعالیت نمایند تا زمینه مداخله ارگان‌های متعدد در امور گوناگون مساجد از میان برود.

رهبری و هدایت تمام این مراحل (که خطیرترین فعالیت است) بر عهده «امام جماعت» به عنوان مدیر NGO در نقش «رهبر سازمان» است. «امام جماعت» در این نقش، بایسته است با کسب خصوصیات رهبری و اجرای بهینه این نقش، این فعالیت‌ها را رهبری کند.

فصل سوم: متدولوژی تحقیق

در این تحقیق سعی بر آن است تا از طریق توصیفی و به روش پیمایشی به سؤال زیر جواب داده شود:
 مساجد کنونی موفق از لحاظ مدل نظری کارکردهای (رسالت‌های) هر مسجد موفق در دو بُعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی در چه وضعی قرار دارند؟

۱-۳) جامعه آماری تحقیق

جامعه آماری این تحقیق، مساجد موفق تهران بزرگ در سال ۱۳۸۳ ش است. مساجد موفق در این تحقیق عبارت‌اند از مساجدی که از نظر «مرکز رسیدگی به امور مساجد» در تهران به عنوان مساجد موفق شناخته می‌شوند.

۲-۳) نمونه آماری تحقیق

نمونه آماری این تحقیق نیز عبارت‌اند از تعداد ده مسجد انتخابی از میان این مساجد موفق که «مرکز رسیدگی به امور مساجد» معرفی کرده است. سعی شد تا نمونه آماری به صورت خوشه‌ای معرفی شده باشند؛ به نحوی که دو مسجد در هر منطقه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تهران بزرگ مورد بررسی قرار گیرند؛ اما با کمال تأسف از میان ده مسجد انتخاب شده، تعداد شش مسجد به علل گوناگون، حاضر به همکاری

نشدند و یا پرسشنامه‌های توزیع شده به صورت بسیار ناقص و مخدوش برگشت داده شد که به ناچار حذف شدند. بنابراین، چهار مسجد باقی مانده نیز فقط به صورت «مطالعه موردی» (Case Study) بررسی گشتند.

۳-۳) روش جمع‌آوری اطلاعات

اطلاعات مورد نظر از طریق پرسش‌نامه‌ای که میان «دست‌اندرکاران» و «شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های نیایشی و غیرنیایشی» این مساجد توزیع گردید، گردآوری شد. بدین طریق امکان مقایسه پاسخ‌های دو گروه «دست‌اندرکاران» و «شرکت‌کنندگان» نیز فراهم آمد.

۳-۳-۱. متغیرهای عملیاتی در بعد فعالیت‌های نیایشی

در باره «فعالیت‌های نیایشی» مسجد میزان توفیق مسجد، در پاسخ‌گویی به سه چالش مطرح در باره دین در عصر حاضر و سه نیاز عمده انسان‌ها (به شرح زیر) مورد سنجش قرار گرفت:

- ۱- حل چالش علم و دین (= سوالات ۱۱ و ۶)؛
- ۲- حل چالش دین و سیاست (= سوالات ۱۰ و ۵)؛
- ۳- حل چالش دین و توسعه (= سؤال ۴).
- ۴- کمک به رفع احساس تنهایی انسان معاصر که شامل متغیرهای فرعی زیر بوده است:
 - ۱-۴. میزان کمک به برقراری روابط اجتماعی پایدارتر (= سؤال ۱۴)؛
 - ۲-۴. ایجاد تعلق گروهی به مسجد (= سؤال ۲)؛
 - ۳-۴. ایجاد حسّ خوش‌بینی و اعتماد به دیگران (= سؤال ۹).
- ۵- برآوردن نیاز به پرستش که شامل متغیرهای فرعی زیر بود:
 - ۱-۵. میزان ارضای نیاز به پرستش با شرکت در مراسم (= سؤال ۸)؛
 - ۲-۵. نحوه برگزاری مراسم (= سؤال ۱۳)؛
 - ۳-۵. میزان استفاده از مفاهیم ادعیه در زندگی روزانه (= سؤال ۱۲)؛
 - ۴-۵. علل حضور در مراسم‌های نیایشی مسجد (= سؤال ۳).
- ۶- برآوردن نیاز به آرامش که شامل متغیرهای فرعی زیر است:
 - ۱-۶. صبر در برابر مشکلات (= سؤال ۱)؛
 - ۲-۶. توکل در امور (= سؤال ۱)؛
 - ۳-۶. تسهیل در برقراری روابط اجتماعی (= سؤال ۱)؛

۴-۶ امید به زندگی (= سؤال ۱)؛

۵-۶ اعتماد به نفس (= سؤال ۱)؛

۶-۶ میزان تأثیر مسجد در دست‌یابی به آرامش (= سؤال ۷).

فرض محقق بر این است که مساجدی که دارای نحوه عملکرد مطلوبی در مورد این شش متغیر باشند، به احتمال فراوان به صورت آگاهانه و استراتژیک در تحقق ترویج هویت دینی مبتنی بر ایمان فعالیت می‌کنند و چالش‌های عمده مطروح در حوزه دین را می‌شناسند و در صدد چاره‌اندیشی‌اند.

۲-۳-۳. متغیرهای عملیاتی در بُعد فعالیت‌های غیرنیاایشی

از آنجا که مساجد معرفی شده، مساجدی هستند که موفق شناخته شده‌اند و فعالیت جنبی متعددی دارند، چهار ویژگی یک فعالیت استراتژیک در باره این فعالیت‌ها مورد پرسش قرار گرفت تا مشخص گردد مساجد موفق کنونی تا چه حد به صورت استراتژیک، فعالیت‌های جنبی خویش را تعیین و اجرا می‌کنند؟ این چهار ویژگی عبارت‌اند از:

۱- میزان مشارکتی بودن فعالیت‌ها که شامل متغیرهای فرعی ذیل است:

۱-۱. دستوری نبودن فعالیت‌ها و متأثر نبودن از نهادهای سیاسی (= سؤالات ۳۲ و ۲۹ و ۲۱)؛

۱-۲. مشارکت در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها (= سؤال ۲۴)؛

۱-۳. مشارکت در اجرای برنامه‌ها (= سؤال ۳۳)؛

۱-۴. مشارکت در تأمین مالی برنامه‌ها (= سؤال ۳۰)؛

۱-۵. امکان طرح هر نوع سؤال (= سؤال ۱۵).

۲- میزان رعایت اصل مشتری‌مداری: شامل متغیرهای فرعی زیر:

۲-۱. وجود امکانات جنبی رفاهی مطلوب (= سؤالات ۲۳ و ۲۰)؛

۲-۲. برخورد خوب مسئولان مسجد (= سؤال ۱۸)؛

۲-۳. ارزیابی مبتنی بر نظر مشتریان (= سؤالات ۳۱ و ۲۶)؛

۲-۴. شناسایی عوامل دفع غیرمشتریان و اهتمام به رفع آنها (= سؤالات ۲۸ و ۱۶).

۳- میزان نیازسنجی در اجرای فعالیت‌ها که شامل متغیرهای فرعی زیر است:

۳-۱. میزان استفاده از خدمات تخصیص یافته در مسجد (= سؤال ۲۲)؛

۳-۲. میزان رفع نیاز از استفاده‌کنندگان از خدمات مسجد (= سؤال ۲۷).

۴- میزان جامع‌نگری در اجرای فعالیت‌ها که شامل متغیرهای فرعی زیر است:

۴-۱. هماهنگ بودن بخش‌های مسجد (= سؤال ۲۵):

۴-۲. بسط دادن به تمام طیف‌های سنی در عرضه خدمات (= سؤال ۱۷).

باز هم فرض محقق بر این نهاده شده است که رعایت این ویژگی‌ها و اصول در تعیین و اجرای فعالیت‌های غیرنیایشی در مسجد باعث خودشکوفایی اعضای مسجد و کمک به آنها برای رسیدن به مراحل بالاتر سلسله مراتب نیازهای مازلو می‌گردد.

۳-۴. نحوه تحلیل پرسش‌نامه

برای پرسش‌نامه طرح شده، ۱۲۰ امتیاز در نظر گرفته شد. هر یک از ابعاد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی شصت امتیاز دارند.

هر یک از شش متغیر مورد پرسش در بعد فعالیت‌های نیایشی دارای ده امتیاز هستند که این ده امتیاز به صورت مساوی بین سؤال‌های هر متغیر توزیع گردید. به نحوی که مسجدی که در بعد فعالیت‌های نیایشی، عملکرد به‌طور کامل مطلوب داشته باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

در بُعد فعالیت‌های غیرنیایشی نیز به هر یک از چهار ویژگی مورد سنجش، پانزده امتیاز تخصیص داده شد که بین سؤال‌های هر ویژگی، به‌طور مساوی تقسیم گردید. مسجدی که در این بعد نیز دارای عملکرد به‌طور کامل مطلوب باشد، شصت امتیاز به دست می‌آورد.

شایان ذکر است که سؤالات ده و یازده سؤالات کترلی هستند. سؤالات نوزده و ۳۸، سؤالات باز است و سؤال شانزده به منظور کمک به تحلیل کامل تر سؤال ۲۸ در نظر گرفته شده است که به علت محدودیت زمانی، امکان استفاده از این دو سؤال نبود. همچنین سؤال ۲۹ حذف گردید.

۳-۵. پایایی و روایی پرسش‌نامه

به علت محدودیت زمانی در سنجش پایانی و روایی پرسش‌نامه به استفاده از دیدگاه‌های استاد راهنما اکتفا گردید.

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. مقدمه

در هر مسجد حدود سی پرسش‌نامه میان نمازگزاران و پنج پرسش‌نامه میان متولیان (شامل امام جماعت، اعضای هیئت امنا و دست‌اندرکاران پایگاه بسیج در مسجد) توزیع گردید. میزان پرسش‌نامه‌های

صحیح برگشتی در هر مورد، هنگام ارائه نمودارها ذکر می‌گردد.

در این فصل، ابتدا به ترتیب هر مسجد، نمودارهای میزان امتیازات کسب شده برحسب اجزای دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی (به درصد) و همچنین میانگین کل این دو بعد از دید نمازگزاران و متولیان آن مسجد طرح می‌گردد.

سپس، میزان معناداری تفاوت میان نگرش‌های نمازگزاران و متولیان هر مسجد در باره میانگین فعالیت‌های نیایشی و غیرنیایشی با استفاده از آزمون T-student و طبق فرمول‌های ذیل تعیین درجه آزادی و آماره آزمون T سنجش می‌گردد. آزمون T انجام شده در هر مورد از نوع آزمون دو طرفه با میزان خطای است. علت استفاده از این فرمول‌ها نیز کمتر بودن حجم نمونه‌های اخذ شده نمازگزاران و متولیان از سی، کمتر بودن درجه‌های آزادی در هر آزمون از سی و همچنین فرض برابر نبودن واریانس‌های دو جامعه آماری نمازگزاران و متولیان در هر مسجد است.^۱

فصل پنجم: پیشنهاد و نتیجه‌گیری

۵-۱. پیشنهادها

پیشنهاد بنیادی محقق بر اساس این تحقیق، فرهنگ‌سازی به همّت همه نهادهای فرهنگ‌ساز جامعه برای ترویج هویت دینی مبتنی بر ایمان در الگوی بومی توسعه است. در این راستا مساجد به عنوان یگانه پایگاه دینی به رسمیت شناخته شده از طرف دین مبین اسلام، «رسالتی» بسیار مهم دارند. بنابراین:

(۱) میزان آگاهی دست‌اندرکاران امور مساجد در خصوص تغییرات محیطی و علل آن باید افزایش یابد.
(۲) تغییر بنیادی در نگرش دست‌اندرکاران امور مساجد در باره جایگاه دین و مسجد در جامعه بر اساس مدل هویت دینی مبتنی بر ایمان و ارتباط آن با توسعه باید صورت گیرد.

(۳) در این راه، از جمله ابزارهای مهم، استفاده از مدیریت استراتژیک برای مساجد است. بدین علت باید با برنامه‌های آموزشی اثربخش، این مدل به دست‌اندرکاران امور مساجد آموزش داده شود.

(۴) پیش شرط فعالیت مساجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه، پذیرش مشارکت اثرگذار مردم و اعضا در برنامه‌ریزی و مدیریت آن است. بدین منظور باید ابزارهای پذیرش، جلب، مدیریت و «رهبری» مشارکت اثرگذار اعضا در آن، به دست‌اندرکاران امور مساجد بالاخص ائمه جماعات آموزش داده شود. آموزشی اثربخش است که آموزش گیرندگان درباره مقید بودن مواد مورد آموزش اعتقاد داشته باشند و این امر نیز از طریق نهادینه‌شدن فرهنگ مشارکت میسر است.

۱. آذر، عادل، مؤمنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، ص ۱۰۷.

۲-۵. پیشنهادهایی برای موضوعات تحقیقات آتی

- تبیین کامل مدل مدیریت استراتژیک برای مساجد به عنوان NGO؛
- طراحی کارگاه آموزشی برای آموزش مدل مدیریت استراتژیک به دست‌اندرکاران مساجد به خصوص ائمه جماعات؛
- طراحی کارگاه آموزشی برای تقویت مهارت‌های «رهبری» در ائمه جماعات؛
- طراحی مدل ساختار شبکه جامع مساجد به عنوان یک شبکه NGO در کشور.

نتیجه‌سخن

هدف کلی از اجرای این تحقیق، یافتن مدل مطلوب رسالت و مدیریت مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه از طریق اجرای تحقیق کتابخانه‌ای و سپس توصیف مساجد موفق کنونی (که از نظر مدل به دست آمده موفق نیستند) طبق مدل با استفاده از روش پیمایشی است. به عبارت دیگر، محقق تلاش نمود تا به سؤالات ذیل این تحقیق پاسخ دهد:

- ۱- مسجد به عنوان یک سازمان داوطلبانه غیردولتی و غیرانتفاعی از نوع مذهبی در جامعه کنونی ایران چه کار کردها (رسالت‌ها)ی مطلوبی می‌تواند داشته باشد؟
 - ۲- مساجد کنونی موفق، به ایفای کدام یک از این کار کردها (رسالت‌ها) می‌پردازند؟
- در خصوص سؤال اول، با بررسی ادبیات نظری تحقیق، محقق به دو مدل در تبیین علت رخوت و انزوای کنونی مساجد دست یافت و سپس مدل مدیریت استراتژیک را برای برون رفت از این وضع برای مساجد به عنوان یک NGO پیشنهاد نمود. (به فصل سوم مراجعه کنید)
- اما در باره سؤال دوم نیز، محقق با عملیاتی کردن مدل مدیریت استراتژیک در دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی، چهار مسجد را به صورت «مطالعه موردی» بررسی نمود. نتایج حاصل از این مطالعه را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد:
- در هر دو بعد فعالیت‌های نیایشی و فعالیت‌های غیرنیایشی امتیازات کسب شده هر مسجد کمی بیش از حد متوسط و در حدود شصت درصد کل امتیاز در نظر گرفته شده است؛ بنابراین، حدس محقق مبنی بر حدی نبودن میزان موفقیت این مساجد، به حقیقت نزدیک است. این امر می‌تواند ناشی از علل گوناگون باشد که محقق دو علت را مهم‌تر می‌داند:
- الف) همان گونه که در فصل سوم هم بیان شد، آگاهی و بینش نسبی جامعه (بعد از تجربه ۲۵ ساله فعالیت مساجد در این شرایط) در خصوص امکان توفیق مساجد در چارچوب شرایط فعلی و با فعالیت‌های کنونی،

افزایش یافته است.

افکار عمومی جامعه (و به تبع، افکار دست‌اندرکاران این مساجد موفق) به لحاظ تکرار مداوم مدل «فرآیند بروز چالش‌ها» در برابر متغیر مداخله‌گر آن مدل حساس شده و در مراحل ابتدایی تغییر در نگرش به سر می‌برد. این آگاهی تا بدانجاست که میان نگرش نمازگزاران و متولیان مساجد مورد بررسی، (جز یک مورد) تفاوت خاصی دیده نشده است و هر دو گروه با ضریب اطمینان بسیار بالایی (۹۰ درصد) هم‌رأی هستند. همان‌گونه که پیش از این هم ذکر شد، این وضع باید در قالب فرصتی برای نخبگان و برنامه‌ریزان دست‌اندرکار تلقی شود تا به طریقی نو، این تغییر را به سوی وضع مطلوب با حداکثر سرعت و حداقل هزینه پیش ببرند.

ب) تفاوت تعریف مساجد موفق از دید مدل عرضه‌شده پژوهشگر با تعریف «مرکز رسیدگی به امور مساجد» نیز ممکن است از جمله عوامل عدم کسب امتیازات بالا در موارد بررسی شده باشد.

۱. مساجد کنونی و از جمله مساجد بررسی شده به عنوان مساجد موفق، در قالب هویت دینی آیینی و یا حداکثر هویت دینی اعتقادی فعالیت می‌کنند، اما تا رسیدن به مقامی در خور شأن مسجد در جامعه دارای هویت دینی مبتنی بر ایمان، راه بسیار دشوار و طولانی در پیش دارند.

۲. آماده نبودن بسیاری از مساجد برای بررسی وضع موجود (که در این تحقیق به صورت همکاری نکردن شش مسجد از ده مسجد نمونه آماری بروز کرد) نشان از فقدان فرهنگ استفاده از پژوهش و تحقیق و رویکرد علمی برای شناسایی و حل مشکلات موجود دارد. البته این مشکل در سطح کلان‌تر جامعه نیز شایع است. کمک به برقراری چنین فرهنگی، ممکن است نقشی بسیار اثرگذار در میزان آمادگی برای تغییر داشته باشد.

۳. بر اساس اطلاعات غیررسمی به دست آمده در طول تحقیق (نحوه برخورد دست‌اندرکاران مساجد در مقابل تحقیق و بالأخص پرسش‌نامه و غیره) باید گفت که دست‌اندرکاران امور مساجد در خصوص مدل کارکرد (=رسالت) مطلوب مسجد به عنوان NGO بسیار ناآگاه هستند و حتی مقاومت نشان می‌دهند.

منابع و مأخذ

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
۲. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
۳. حرّانی، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۰ هـ.ق.
۴. قوچانی، محمد، یقه سفیدها (جامعه‌شناسی نهادهای مدنی در ایران)، تهران، انتشارات نقش و نگار، ۱۳۷۹ هـ.ش.
۵. هسلین، فرانسیس و دیگران، سازمان فردا، جلد دوم، ترجمه: امینی، فضل‌الله، تهران، انتشارات فرا، ۱۳۷۸ هـ.ش.
۶. سیبائی مکی، محمد، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه: علی شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
۷. ویلیام اسکید مور، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، نشر سفید، ۱۳۷۲ هـ.ش.
۸. ماهنامه مسجد، انقلاب اسلامی ایران یا نهضت مسجد، مصاحبه با دکتر محمدیان، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ هـ.ش.
۹. روزنامه شرق، من یک لیبرال محافظه‌کارم، گفت‌وگو با سید جواد طباطبایی، ویژه‌نامه نوروز ۱۳۸۳ هـ.ش.
۱۰. زرین چیان، غلامرضا، ارتباط مسجد و مدرسه، فصلنامه کوثر، مهر ۱۳۷۷، شماره ۱۹.
۱۱. مسجد و نقش آن در رفتار دینی مردم.
۱۲. مجله زائر، مسجد، مسجدی‌ها و چند کلمه حرف حساب، شماره ۷۰، مرداد ۱۳۷۹ هـ.ش.
۱۳. آذر، عادل، مؤمنی، منصور، آمار و کاربرد آن در مدیریت، جلد دوم، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۰ هـ.ش.
۱۴. باقی، عمادالدین، و همکاران، پرستشگاه در عهد سنت و تجدّد، مجموعه مقالات، تهران، نشر سرایی، ۱۳۸۱ هـ.ش.
۱۵. شکوهی، فاطمه، بررسی عملکرد آموزشی مساجد، ماهنامه مسجد، شماره ۷۱، آبان ۱۳۸۲ هـ.ش.
۱۶. قوچانی، محمد، رساله فیلسوف تنها (معرفی آخرین کتاب سید جواد طباطبایی)، روزنامه شرق، ۱۳۸۱/۲/۶ هـ.ش.
۱۷. نظری، مرتضی، مساجد، جامعه جوان ما و ضرورت توجه بیشتر.